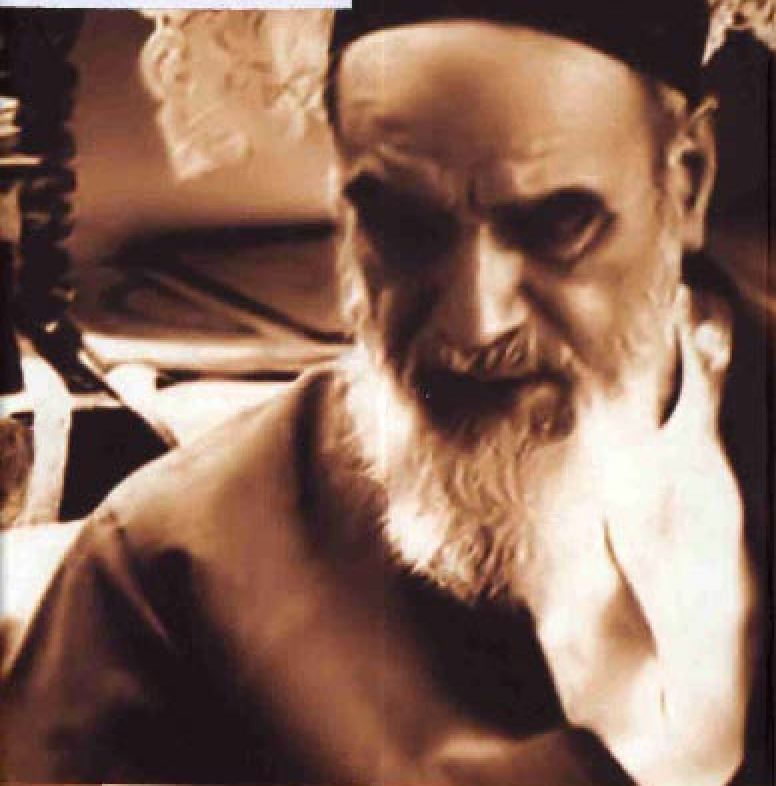


نامه ها و پیام های

امام خمینی (ره)

جلد دوم


بسم الله الرحمن الرحيم

نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی قدس سره

جلد دوم

خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ ـ ۱۳٦۸.
نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی قدس‌سره / تهیه و تنظیم: رسول سعادتمند ـ قم: تسنیم، ۱۳۸٦.
ج ۲.
ISBN 964 - 5864 - 07 - 0 (دوره) ـ ISBN
ISBN 964 - 5864 - 08 - 9 (ج. ۱) ۱۰۰۰۰۰ ریال:
ISBN 964 - 5864 - 09 - 7 (ج. ۲) ۱۰۰۰۰۰ ریال:
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
عنوان دیگر: نامه‌ها و پیام‌های امام خمینی (قدس سره).
کتابنامه.
۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ ـ ۱۳٦۸ ـ پیام‌ها و سخنرانیها.
۲. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ ـ ۱۳٦۸ ـ نامه‌ها.
الف. سعادتمند، رسول، ۱۳۳٦ ـ ،گردآورنده. ب. عنوان. ج. عنوان. نامه‌ها
و پیام‌های امام خمینی (قدس سره).
DSR ۱۵۷٤ / ٤ ب ۹۵۵/۰۸٤۲۰۹۲
کتابخانه ملی ایران ۱۵۱۲۵ـ۸۳م



نام‌ها و پیام‌های امام خمینی قدس‌سره ـ ج ۲
تهیه و تنظیم: رسول سعادتمند
ناشر: انتشارات تسنیم، قم، تلفن: ۷۷۳۴۰۸۰ ـ ۰۲۵۱ ـ نمابر: ۷۷۳۴۰۸۲ ـ ۰۲۵۱
چاپخانه: نگارش ـ قم / تاریخ چاپ: اول ـ ۱۳۸۶ / تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت دوره: ۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۷ ـ ۰۹ ـ ۵۸۶۴ ـ ۹۶۴ ISBN 964 - 5864 - 09 - 7

«فهرست اجمالی»

فصل ۱۲:
پیام به گورباچف

◘ پیام

زمان: ۱۱ دی ۱۳۶۷ / ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران

موضوع: دعوت به اسلام و بیان عجز تفکر مادی در تأمین نیازهای بشر؛ پیش بینی شکست کمونیسم

مخاطب: میخائیل گورباچف (صدر هیأت رئیسهٔ اتحاد جماهیر شوروی)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای گورباچف، صدر هیأت رئیسهٔ اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی

با امید خوشبختی و سعادت برای شما و ملت شوروی، از آنجاکه پس از روی کار آمدن شما چنین احساس می‌شود که جنابعالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان، خصوصاً در رابطه با مسائل شوروی، در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته‌اید، و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات جهان چه بسا منشأ تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد، لازم دیدم نکاتی را یادآور شوم. هر چند ممکن است حیطهٔ تفکر و تصمیمات جدید شما تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار آن حل پاره‌ای از مشکلات مردمتان باشد، ولی به همین اندازه هم شهامت تجدید نظر در مورد مکتبی که سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود قابل ستایش است. و اگر به فراتر از این مقدار فکر می‌کنید، اولین مسئله‌ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد این است که در سیاست اسلاف خود دایر بر «خدا زدایی» و «دین زدایی» از جامعه، که تحقیقاً بزرگترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد

کرده است، تجدید نظر نمایید؛ و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست. البته ممکن است از شیوه‌های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید، ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.

جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئلهٔ مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزهٔ طولانی و بیهوده با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.

جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسیترین درد جامعهٔ بشری در غرب و شرق است، به در آورد.

حضرت آقای گورباچف، ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این پس هم در مصاحبه‌ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید؛ ولی خود می‌دانید که ثبوتاً اینگونه نیست. رهبر چین[1] اولین ضربه

---

۱. مائوتسه تونگ.

را به کمونیسم زد؛ و شما دومین و علی الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ[۱] نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیدهٔ هفتاد سال کژی جهان کمونیسم را از چهرهٔ تاریخ و کشور خود بزدایید. امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای وطن و مردمشان می‌تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و رو زمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم، که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندانشان رسیده است، مصرف کنند.

آقای گورباچف وقتی از گلدسته‌های مساجد بعضی از جمهوریهای شما پس از هفتاد سال بانگ «الله اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی «ص» را از شوق به گریه انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می‌دانند؛ و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت، را یکسره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از «حس و عقل» می‌باشد، و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می‌باشد گر چه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است، و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد. و همان‌طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است.

---

۱. امریکا.

قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می‌کند، و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست و گرنه دیده می‌شد. ﴿لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾[1] می‌فرماید: ﴿لَاتُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾[2].

از قرآن عزیز و کریم و استدلالات آن در موارد وحی و نبوت و قیامت بگذریم، که از نظر شما اول بحث است، اصولاً میل نداشتم شما را در پیچ و تاب مسائل فلاسفه، بخصوص فلاسفهٔ اسلامی، بیندازم. فقط به یکی دو مثال ساده و فطری و وجدانی که سیاسیون هم می‌توانند از آن بهره ای ببرند بسنده می‌کنم. این از بدیهیات است که ماده و جسم هر چه باشد از خود بیخبر است. یک مجسمهٔ سنگی یا مجسمهٔ مادی انسان هر طرف آن از طرف دیگرش محجوب است. در صورتی که به عیان می‌بینیم که انسان و حیوان از همه اطراف خود آگاه است. می‌داند کجاست؛ در محیطش چه می‌گذرد؛ در جهان چه غوغایی است. پس، در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی‌میرد و باقی است. انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد. و شما خوب می‌دانید که انسان می‌خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است دل نبسته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد. انسان هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن علوم را هم بیاموزد. پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد. آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم، گرچه خود ندانیم. انسان می‌خواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی

---

۱. بخشی از آیه ۵۵ سوره بقره: قوم حضرت موسی به ایشان گفت: «ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم».

۲. سوره انعام آیه ۱۰۳: «او [خدا] را هیچ چشمی درک نمی‌کند و او بینندگان را درک می‌کند، و او نامرئی و آگاه است».

در خدا شود. اصولاً اشتیاق به زندگی ابدی در نهاد هر انسانی نشانهٔ وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است. اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه‌ها تحقیق کنید، می‌توانید دستور دهید که صاحبان اینگونه علوم علاوه بر کتب فلاسفهٔ غرب در این زمینه، به نوشته‌های فارابی[۱] و بوعلی سینا[۲] رحمة الله علیهما در حکمت مشّاء مراجعه کنند، تا روشن شود که قانون علیّت و معلولیّت که هرگونه شناختی بر آن استوار است، معقول است نه محسوس؛ و ادراک معانی کلی و نیز قوانین کلی که هرگونه استدلال بر آن تکیه دارد، معقول است نه محسوس، و نیز به کتابهای

---

۱. ابونصر محمد بن محمد الفارابی «فوت ۳۳۹ ه. ق.» از بزرگترین فیلسوفان ایرانی وی در شهر فاراب ماوراءالنهر متولد شده است. بعضی نژاد او را از ترکان و بیشتر از ایران می‌دانند. فارابی از ماوراءالنهر به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت و علوم فلسفی را نیز همان جا فرا گرفت و کتابهای ارسطو را مطالعه کرد. پس از آن به حلب و دمشق رفت و به خدمت سیف‌الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان رسید و همچنان در دمشق ماند و به تألیف پرداخت. فارابی به سبب شرحهایی که بر آثار ارسطو نوشته است به «المعلم الثانی» مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطو قرار داده‌اند. فارابی در همه علوم عهد خود استاد و صاحب تألیف است. در ریاضیات و موسیقی و طب اطلاعات بسیار داشته است و از آثار او شرحهایی است که بر «انالوطیقا»ی اول و ثانی و «سوفسطیقا» و «بوطیقا»ی ارسطو نوشته است. در علم النفس، کتاب النفس اسکندر الامرودیسی و در علوم، السماع الطبیعی و الاثار العلویه و السماء و العالم و کتاب الحروف ارسطو و المجسطی بطلمیوس را تفسیر کرده است. از کتابهای دیگر او: رساله فی مبادی آراء اهل المدینة الفاضله، فصوص الحکم، الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس. فارابی کوشیده است که در این کتاب، بین عقاید افلاطون و ارسطو التیام دهد. عقاید فارابی در فیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است.

۲. شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا «فوت ۴۲۸ ه. ق.» پزشک و فیلسوف و نویسنده ایرانی که مقام وزارت داشت و از بزرگترین حکیمان و عالمان جهان به شمار می‌آید. سینا آثار متعددی دارد و در حدود ۲۴۰ کتاب و رساله از او نام می‌برند که بسیاری از آنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است. از معروفترین آثار او، کتاب شفا، قانون، اشارات، نجات و دانشنامه علایی است. ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه و طب و ریاضی استادی داشت.

سهروردی[۱] رحمة الله علیه در حکمت اشراق مراجعه نموده، و برای جنابعالی شرح کنند که جسم و هر موجود مادی دیگر به نور صِرف که منزه از حس می‌باشد نیازمند است؛ و ادراک شهودیِ ذات انسان از حقیقت خویش مبرّا از پدیدهٔ حسی است. و از اساتید بزرگ بخواهید تا به حکمت متعالیه صدرالمتألّهین[۲] ـ رضوان الله تعالی علیه و حشره‌الله مع النبیین والصالحین ـ مراجعه نمایند، تا معلوم گردد که:

حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده، و هرگونه اندیشه از ماده منزه

---

۱. شیخ شهاب الدین ابوالفتوح یحیی بن حبش بن امیرک السهروردی «مقتول به سال ۵۸۷ ه. ق.» معروف به شیخ اشراق از بزرگترین فیلسوفان ایران است. در شهر «سهرورد» متولد شد و نزد شیخ مجدالدین الجبلی استاد فخر رازی حکمت و فقه آموخت و در فنون فلسفه استاد گشت. چون در بعضی موارد نظر سهروردی با عقاید قدما اختلاف داشت و اصطلاحات دین زرتشت را به کار می‌برد، او را به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حلب، صلاح الدین ایوبی، فرمانروای مصر و شام را به قتل او وادار سازند. شهاب الدین سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق در آثارش به کمال رسیده است. مجموع ٤٩ کتاب و رساله به شیخ اشراق نسبت می‌دهند که معروفتر از همه کتاب حکمة الاشراق و رسالة فی اعتقاد الحکماء و قصة الغربة الغربیة است» این سه کتاب به همت‌هانری کوربن، مستشرق فرانسوی با مقدمه ای به زبان فرانسه در سال ۱۳۳۱ چاپ شده است». دیگر کتاب تلویحات، کتاب المشارع و المطاوحات، رسالة عقل سرخ «چاپ انجمن دوستداران کتاب» رسالة العشق به نام مونس العشاق با شرح فارسی و همچنین لغت موران، صفیر سیمرغ، ترجمه رسالة الطیر ابن سینا، رسالة فی حالة الطفولیه و رسالة آواز پرجبرئیل است.

۲. صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا «فوت ۱۰۵۰ه. ق.» از فیلسوفان و حکیمان عالیمقام در قرن یازدهم. وی در شیراز متولد شد و پس از مرگ پدر به اصفهان سفر کرد و نزد میرداماد و شیخ بهایی به تحصیل پرداخت پس از آن چند بار به زیارت مکه رفت. ملاصدرا افکار فلسفی دقیق داشت و تألیفاتش در حکمت، مرجع و مأخذ اهل علم بوده است. مهمترین آثار او به زبان عربی است. از آثار ملاصدرا به زبان عربی: اسفار اربعه و شواهد الربوبیه، شرح اصول کافی، حاشیه بر الهیات شفای ابوعلی سینا، شرحی بر کلمة الاشراق «سهروردی» کتاب واردات القلبیه و چند تفسیر درباره بعضی سوره‌های قرآن است. ملاصدرا را می‌توان از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد.

است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.

دیگر شما را خسته نمی‌کنم و از کتب عرفا و بخصوص محی‌الدین ابن عربی[۱] نام نمی‌برم؛ که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در اینگونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر ز موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد. جناب آقای گورباچف، اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می‌خواهم دربارهٔ اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهان شمول اسلام است که می‌تواند وسیلهٔ راحتی و نجات همهٔ ملتها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مسئله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم. با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوریهای شوروی، نشان دادید که دیگر اینگونه فکر نمی‌کنید که مذهب مخدر جامعه است.[۲]

راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه استوار کرده است مخدر جامعه است ؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان و خواهان آزادی انسان از قیود مادی و معنوی است مخدر جامعه است ؟ آری، مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، در اختیار ابرقدرتها و

---

۱. محی الدین بن عربی یکی از بزرگترین حکما و فلاسفه اسلامی که آثار او به عنوان مأخذ و منبع، مورد استفاده فلاسفه و حکمای بعد از او قرار گرفته است.

۲. لنین، پایه گذار کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی، دین را افیون جامعه می‌دانست که بعداً این نظریه حتی از سوی خود کمونیستها نیز باطل اعلام گردید.

قدرتها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است مخدر جامعه است. ولی این دیگر مذهب واقعی نیست؛ بلکه مذهبی است که مردم ما آن را «مذهب امریکایی» می‌نامند.

در خاتمه صریحاً اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می‌تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید. و در هر صورت، کشور ما همچون گذشته به حسن همجواری و روابط متقابل معتقد است و آن را محترم می‌شمارد. والسلام علی من اتبع الهدی.[۱]

۶۷/۱۰/۱۱

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. هیأت نمایندگی امام خمینی در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۳ به سرپرستی آقای عبدالله جوادی آملی متشکل از آقای محمد جواد اردشیر لاریجانی و خانم مرضیه حدیده چی «دباغ» وارد مسکو شد. این هیأت از سوی منتاشیویلی (دبیر هیأت رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیر شوروی)، معاون وزیر امور خارجه این کشور، امام جمعه مسکو و سفیر جمهوری اسلامی ایران مورد استقبال قرار گرفت. آقای جوادی آملی پس از بازگشت از این سفر شرح مبسوطی بر پیام امام خمینی به گورباچف نوشتند که با عنوان «آوای توحید» از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به چاپ رسید.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۲۰ تا ۲۲۶.

▣ بیانات

زمان: صبح ۷ اسفند ۱۹/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: دریچه‌ای به دنیای بزرگ و جاوید
حضار: ادوارد شواردنادزه (وزیر امور خارجه شوروی)، ولایتی، علی اکبر (وزیر امور خارجه)، لاریجانی، محمدجواد نوبری، علیرضا (سفیر جمهوری اسلامی ایران در شوروی)

[در این دیدار وزیر امورخارجه شوروی ضمن تسلیم پیام کتبی میخائیل گورباچف به امام امت محتوای این پیام را به استحضار امام خمینی رساند.

در این دیدار ابتدا شواردنادزه گفت :

از حضرت امام بسیار متشکرم از این فرصتی که برای ملاقات با شما به دست آوردم . مأموریت دارم پیام جوابیهٔ میخائیل سرگئی گورباچف را تسلیم حضرت امام کنم. سعی خواهم کرد به طور خیلی مختصر محتوای این پیام را برای شما عنوان نمایم. ابتدا می‌خواستم عرض کنم که خود واقعیات تبادل پیامها بین رهبران کشور ما یک پدیدهٔ منحصر به فرد در روابط فیمابین است. اعتقاد ما بر این است که شرایط پیش آمده است تا روابط فیمابین دو کشور ما وارد یک مرحله کیفی جدیدی شود. که برای همکاریها در تمامی زمینه‌ها.

آقای گورباچف در پیام خود اشاره می‌کنند که پیام جنابعالی خطاب به دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از مفاهیم فراوان سرشار است.

تمامی اعضای هیأت رهبری شوروی متن پیام جنابعالی را مطالعه کردند. شکی نیست که ما در موارد عمده ای اتفاق نظر داریم اما مواردی هم است که ما اختلاف نظر داریم. اما این مهم نیست.

در پیام شما ملاحظات عمیق راجع به سرنوشت بشریت دارد. آقای گورباچف عقیده دارند که ما در مهمترین مورد اتفاق نظر داریم یعنی انسانها باید یاور یکدیگر باشند تا بشریت فنا ناپذیری به خود بگیرد. چنانچه انسانها متحد نشوند خطر فاجعه برای بشریت وجود دارد، چون امکانات بالقوه برای به وجود آوردن چنین فاجعه

توسط خود انسانها ایجاد شده است.

آقای گورباچف معتقد است که مبارزه در راه نیل به یک دنیای عاری از سلاح هسته‌ای و آزاد از زور وظیفهٔ تمامی ملتهاست.

و اما راجع به سیاست خارجی اتحاد شوروی، هدف ما تعمیم رجحان ارزشهای مشترک برای تمامی ملتها و برتری این ارزشها بر تمامی منافع دیگر چه طبقه‌ای و چه ملی است.

آقای گورباچف به شما می‌نویسد که حرفهای امام راجع به حسن نیت رهبری ایران جهت داشتن روابط حسنه و حسن همجواری با اتحاد شوروی با واکنش خوب از طرف رهبران شوروی مواجه شده است. ما دارای یک مرز بسیار طولانی هستیم همچون دارای سنن دیرینهٔ مناسبات و روابط فرهنگی بین دو ملت هستیم.

ما اساس خوبی داریم برای استمرار مناسبات ما بر پایهٔ جدید. یعنی بر پایه اصول احترام متقابل، تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر.

آقای گورباچف می‌نویسد که در سیاست بین المللی، ما پیرو یک اصل اساسی هستیم یعنی اصل احترام به آزادی انتخاب برای هر انسان و هر ملت. نتیجتاً کشور ما و تمامی ملت ما از انقلاب بزرگ شما حُسن استقبال کرده است. استبداد شاهنشاهی در ایران مردم خود را استثمار کرده و از روشهای واقعاً بربریّت استفاده می‌کرده و شرافت و آبروی ملت خود را پایمال کرده برای جلب رضایت نیروهای خارجی. انقلاب شما انتخاب ملت شما بوده است و ما از این انتخاب همیشه پشتیبانی کرده و می‌کنیم.

آقای گورباچف در پیام خود می‌نویسند که ملت ما نیز انتخاب خود را به عمل آورده و این در سال ۱۹۱۷ بود. در رهگذر ما هم مشکلات بزرگی بود و هم موفقیتهای چشمگیری بوده هم اشتباهات وخیمی بوده است و نقض حقوق بشر هم بوده که ما این اشتباهات خود را اصلاح می‌کنیم و آن را محکوم می‌کنیم. علی رغم

تمامی مشکلات ما از دستاوردهای خود توانستیم دفاع کنیم چون انتخاب مردم راست بوده است.

می‌خواستم به استحضارتان برسانم که مسئلهٔ آزادی انتخاب در دستور روز زندگی بین المللی کنونی نیز هست. ما برای خود سؤالی داریم چرا که راه برای ادامهٔ رهگذر پیدا کنیم : آیا این راه ما راه کهنه و دگماتیک باشد یا راه جدید و انقلابی. انتخاب ما به نفع راه دوم است، ما در کشورمان انقلاب داریم، اما یک انقلاب مسالمت‌آمیز بدون سنگرها و بدون توسل به زور، ما می‌خواستیم که حضرت امام بدانند که در کشور ما روند تجدید و بازسازی ادامه دارد. بازسازی اقتصادی و سیاسی، تجدید ارزیابیهای ما و طرز تفکر ما و تجدید نظریاتی که ما قبلاً داشتیم.

آقای گورباچف اشاره می‌کند که تحولات عظیمی در جهان اخیراً پدید آمده فکر می‌کنیم می‌شود گفت که ما در آستانهٔ یک نظام جدید اقتصادی و سیاسی قرار داریم.

توافقهای بسیار مهم به امضا رسیده است یک کلاس از سلاحهای هسته‌ای از بین می‌رود.

دورنمای خوبی برای از بین بردن سلاح شیمیایی باز شده است و همین طور دورنمای خوبی برای جلوگیری از تقابل نظامی دولتها، اما این یک هدیهٔ امپریالیستها نیست، این ارادهٔ ملتهاست و ارادهٔ زمان است.

چارهٔ دیگری وجود ندارد، مسابقه تسلیحاتی و آوردن آن به فضا منجر به فاجعهٔ بشریت خواهد بود. در مناطق مختلف دنیا مناقشات خونین دارند به پایان می‌رسند.

ما از خاتمهٔ جنگ ایران و عراق با صراحت حُسن استقبال می‌کنیم، برای همکاری با شما جهت استحکام صلح در خاورمیانه و نزدیک و تمامی جهان آمادگی داریم.

حضور وسیع نظامی در خلیج فارس مورد نگرانی ما است. منظورم حضور نظامی کشورهای خارج از منطقه است. این پدیده بسیار خطرناک است و باید آن را به اتمام رساند.

ما می‌خواهیم با موفقیت در امر حل و فصل عادلانهٔ مناقشهٔ افغانستان نیز با شما همکاری خوبی داشته باشیم، بگذاریم که مردم افغانستان سرنوشت خود را خودشان بدون دخالت از خارج تعیین نمایند.

شواردنادزه افزود: یک نکتهٔ دیگر از پیام آقای گورباچف ایشان اظهار آمادگی می‌کنند برای گسترش همکاریهای اقتصادی و همکاریهای ما در زمینه‌هایی که ما قبلاً همکاریهای خوبی داشته بودیم.

ما برای برقراری و ادامهٔ تماسها بین انسانها، نمایندگان محافل اجتماعی و روحانیون نیز آمادگی داریم.

دعوت جنابعالی برای انجام سفر به قم به آگاهی علمای اسلام کشور ما رسید، تردیدی نداریم که آنها از این دعوت جنابعالی استفاده خواهند کرد.

در پایان، فرستادهٔ ویژهٔ رهبر شوروی گفت: این بود محتوای اصلی پیام آقای گورباچف.

ایشان بهترین آرزوها و سلام خود را به جنابعالی می‌رسانند.

ایشان خواهان طول عمر جنابعالی به نفع و سعادت ملت ایران هستند.]

إن شاءالله سلامت باشند، ولی به ایشان بگویید که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگتر باز کنم.

[در خاتمه حضرت امام فرمودند:] من می‌خواستم دریچه ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و

محور اصلی پیام من آن بود.[۱] امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند.

[حضرت امام از خروج نیروهای شوروی از افغانستان استقبال کردند، و بر حُسن همجواری و توسعهٔ مناسبات قوی در ابعاد مختلف در مقابله با شیطنتهای غرب و خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس تأکید و آرزو کردند تا مردم شوروی و ایران همیشه در صلح و آرامش زندگی کنند.][۲]

---

۱. اشاره به پیام معروف امام خمینی خطاب به گورباچف «۱۳۶۷/۱۰/۱۱» که در آن فروپاشی کمونیسم را پیش بینی کرده و نسبت به درغلتیدن روسیه به دام سرمایه داری غرب و امریکا هشدار داده‌اند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۹۸ تا ۳۰۱.

فصل ۱۳:
پیام‌های عزت آفرین

▣ پیام

زمان: ۱۶ آبان ۱۳۵۸/ ۱۶ ذی‌الحجه ۱۳۹۹[۱] مکان: قم

موضوع: رد ملاقات نمایندگان اعزامی جیمی کارتر (رئیس جمهوری امریکا)

مخاطب: شورای انقلاب اسلامی و مسئولان دولتی

از قرار اطلاع نمایندگان ویژه کارتر در راه ایران هستند و تصمیم دارند به قم آمده و با اینجانب ملاقات نمایند.[۲] لهذا لازم می‌دانم متذکر شوم دولت امریکا که با نگهداری شاه، اعلام مخالفت آشکار با ایران را نموده است و از طرفی دیگر آنطور که گفته شده است سفارت امریکا در ایران محل جاسوسی دشمنان ما علیه نهضت

---

۱. در صحیفه نور، تاریخ ۵۸/۸/۱۷ ذکر شده است ولی تاریخ صحیح ۵۸/۸/۱۶ می‌باشد.

۲. پس از تسخیر لانه جاسوسی امریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، جیمی کارتر رئیس جمهوری امریکا «احتمالاً با هماهنگی عوامل داخلی و بخصوص چند عضو کابینه دولت موقت» «رمزی کلارک» و «ویلیام میلر» را برای ملاقات با امام خمینی به ایران اعزام داشت. نمایندگان اعزامی در حالیکه به ترکیه رسیده بودند و خود را برای سفر به ایران آماده می‌کردند، پیام فوق الذکر حضرت امام صادر شد و آنان بدون أخذ نتیجه به امریکا باز گشتند. پیام کوتاه و مختصر حضرت امام بلافاصله در جهان و رسانه‌های گروهی بین‌المللی انعکاس گسترده و کم‌نظیری یافت. یادگار حضرت امام آقای سید احمد خمینی در این باره تصریح می‌کنند: «حضرت امام به محض اطلاع اعلامیه ای صادر فرمودند و درآن اطلاعیه هیأت امریکایی را نپذیرفتند و به همه اعضای شورای انقلاب، هیأت دولت موقت و سایر مسئولین تذکر دادند که هیچ کس حق ملاقات با این هیأت امریکایی را ندارد. نکته قابل توجه در این اعلامیه آن است که این تنها اعلامیه حضرت امام است که بدون «بسم الله الرحمن الرحیم» است همانند سوره برائت در قرآن کریم». مجموعه آثار یادگار امام، ج ۲، ص ۴۱.

مقدس اسلامی است، لذا ملاقات با من به هیچ وجه برای نمایندگان ویژه ممکن نیست و علاوه بر این:

۱ـ اعضای شورای انقلاب اسلامی به هیچ وجه نباید با آنان ملاقات نمایند.

۲ـ هیچ یک از مقامات مسئول حق ملاقات با آنان را ندارند.

۳ـ اگر چنانچه امریکا، شاه مخلوع این دشمن شماره یک ملت عزیز ما را به ایران تحویل دهد و دست از جاسوسی بر ضد نهضت ما بردارد، راه مذاکره در موضوع بعضی از روابطی که به نفع ملت است باز می‌باشد.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ / ۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۰۰ — مکان: تهران، شمیران، دربند

موضوع: قطع رابطه امریکا و ایران — مخاطب: ملت ایران

۱۹ فروردین ۵۹ — بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف ایران، خبر قطع رابطه بین ایران و امریکا را دریافت کردم و اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد که بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت بپا خاسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین‌المللی با یک چپاولگر عالمخوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است. ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم؛ چون که این قطع رابطه دلیلی بر قطع امید امریکا از ایران است. ملت رزمندهٔ ایران این طلیعهٔ پیروزی نهایی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاولگریها کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد. ما امیدواریم که نابودی سرسپردگانی مثل سادات و صدام حسین بزودی انجام گیرد و ملتهای شریف اسلامی به این انگلهای خائن، آن

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۵۰۳

کنند که ملت ما با محمدرضای خائن کرد؛ و به دنبال آن برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابرقدرتها خصوصاً امریکا نمایند. من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطهٔ ما با امثال امریکا، رابطه ملت مظلوم با جهانخواران است.

شما ای ملت عزیز! که برای رضای خداوند متعال، با بانگ «الله اکبر» بر دشمنان خود چیره شدید و آزادی و استقلال را به دست آوردید، با اتکال به خداوند تعالی و حفظ وحدت کلمه مهیا باشید برای رو در رویی دشمنان اسلام و دشمنان مستضعفین؛ شما به خواست خدای تعالی پیروز هستید و بر مشکلات غلبه خواهید کرد. صدام حسین که همچون شاه مخلوع چهرهٔ قبیح غیراسلامی و انسانی خود را نشان داده و به هدم اسلام و حوزهٔ مقدسهٔ نجف کمر بسته و با مسلمانان مظلوم برای رضای کارتر، آن کند که مغول کرد، و با علمای اسلام خصوصاً حضرت آیت الله آقای سیدمحمدباقر صدر، آن کند که رضاخان و محمدرضا پهلوی با علما و روحانیون و سایر طبقات کردند، باید بداند که با این اعمال ضداسلامی، گور خودش و رژیم تحمیلی غیرانسانی و غیرقانونی بعث را با دست خود می‌کند.

ملت شریف عراق! شما اخلاف آنان هستید که انگلیس را از عراق راندند؛ بپا خیزید و قبل از آنکه این رژیم فاسد همه چیز شما را تباه کند، دست جنایتکار او را از کشور اسلامی خود قطع کنید. ای عشایر فرات و دجله![1] همه با هم و با همهٔ ملت اتحاد کنید و این ریشهٔ فساد را قبل از آنکه فرصت از دست برود، قلع و قمع نمایید، و برای خدا دفاع از کشور اسلامی خود و از اسلام مقدس نمایید که خدا با شماست.

ای ارتش عراق! اطاعت از این مخالف اسلام و قرآن نکنید و به ملت بگرایید و دست امریکا را که از آستین صدام بیرون آمده است قطع کنید و بدانید اطاعت از این سفاک، مخالفت با خدای متعال است و جزای آن عار و نار است. از خداوند متعال

---

۱. دو رود معروف در کشور عراق.

عظمت اسلام و مسلمین و کشور ایران را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.
روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۲۵ فروردین ۲۸/۱۳۵۹ جمادی‌الاول ۱۴۰۰ — مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: عدم نگرانی از قطع رابطه با امریکا (پاسخ پیام پاپ) — مناسبت: قطع رابطه ایران و امریکا
مخاطب: ژان پل دوم (رهبر کاتولیکهای جهان)

بسم الله الرحمن الرحیم

عالیجناب پاپ، ژان پل دوم

مکتوب آن عالیجناب براساس نگرانی از تیرگی بین کشور اسلامی ایران و ایالات متحدۀ امریکا واصل گردید.

از حسن نیت آن جناب قدردانی می‌کنم. و خاطر محترم را متوجه می‌کنم که ملت شریف مجاهد ما این قطع روابط را به فال نیک گرفته و برای آن جشن عظیم بپا کرده و چراغانیها و پایکوبیها نمودند.

از دعای شما به درگاه خداوند متعال برای ملت مبارز ما شکر گزارم؛ لکن متذکر می‌شوم که جناب شما از انگیزه‌های تیرگیهای دیگر و مشکلات خطرناک بزرگتر که مرقوم داشته‌اید نگران نباشید، که ملت اسلامی ایران از مشکلاتی که در این قطع روابط به وجود آید استقبال می‌کند و از خطرهای بزرگتر که مرقوم شده است، هراس ندارد. و آن روز برای ملت ما خطرناک است که روابطی نظیر روابط رژیم خائن سابق تجدید شود. و با امید به خدای متعال تجدید نخواهد شد.

من از جنابعالی با نفوذ معنوی که بین ملت مسیح دارید می‌خواهم که دولت امریکا را از عواقب ستمگریها و زورگوییها و چپاولگریها بترسانید؛ و آقای کارتر را،

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۳۳ تا ۲۳۴.

که با شکست نهایی مواجه است، نصیحت کنید که با موازین انسانی با ملتهایی که می‌خواهند استقلال مطلق داشته باشند و وابسته به هیچ قدرتی در جهان نباشند رفتار کند، و از تعلیمات حضرت مسیح سلام الله علیه پیروی نماید و خود و دولت امریکا را بیش از این در معرض رسوایی قرار ندهد. از خداوند متعال سعادت مستضعفین جهان را خواستار و قطع ایادی ستمگران را امیدوارم.

۲۵ فروردین ۵۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹/ ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۰۰ — مکان: تهران، شمیران، دربند

موضوع: اشتباه کارتر و نتایج آن

مناسبت: حمله نظامی امریکا به ایران «حادثهٔ طبس» — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت رزمندهٔ ایران، دخالت نظامی امریکا را شنیدید و عذرهای کارتر را نیز شنیدید. اینجانب که کراراً گفته‌ام کارتر برای وصول به ریاست جمهوری حاضر است به هر جنایتی دست بزند و دنیا را به آتش بکشد، شواهد آن یکی پس از دیگری ظاهر شده و می‌شود؛ و اشتباه کارتر در آن است که گمان می‌کند با دست زدن به این مانورهای احمقانه می‌توانند ملت ایران را که برای آزادی و استقلال خویش و برای اسلام عزیز از هیچ فداکاری رویگردان نیست، از راه خودش که راه خدا و انسانیت است منصرف کند. کارتر باز احساس نکرده با چه ملتی روبه روست و با چه مکتبی بازی می‌کند. ملت ما ملت خون و مکتب ما جهاد است. این شخص انساندوست![۲] برای رسیدن به چند سال ریاست و جنایت، جان گروهی را تباه کرد،

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۳۷ تا ۲۳۸.

۲. جیمی کارتر، رئیس جمهور امریکا.

که محتمل است برای کم جلوه دادن جنایتش، هشت نفر را اقرار کرده باشد، در صورتی که طبع واقعه شهادت می‌دهد که دهها نفر جان خود را در راه شهوات او از دست داده‌اند و دهها نفر هم در کویر لوت سرگردان و در معرض مرگند ادعای اینکه همه مسافران هواپیما را برده‌اند، مخالف گزارشاتی است که به ما داده‌اند. کارتر باید بداند که اگر این گروه به مرکز جاسوسی امریکا در تهران حمله کرده بودند اکنون از هیچ یک از آنها و از پنجاه نفرجاسوس محبوس در لانه جاسوسی خبری نبود و همه رهسپار جهنم شده بودند.

کارتر باید بداند که حمله به ایران، حمله به تمام بلاد مسلمین است و مسلمانان جهان در این امر بی‌تفاوت نیستند. کارتر باید بداند که حمله به ایران موجب قطع نفت از تمام دنیا خواهد شد و دنیا را بر ضد او بسیج می‌کند. کارتر باید بداند که این عمل احمقانهٔ او در ملت امریکا چنان اثری خواهد گذاشت که طرفداران او را مخالفان او خواهد کرد. کارتر باید بداند که با این عمل بسیار ناشیانه حیثیت سیاسی خود را به صفر رساند و از ریاست جمهوری باید قطع امید کند. کارتر با این عمل خود ثابت کرد که قدرت تفکر را از دست داده و از ادارهٔ یک کشور بزرگ مثل امریکا عاجز است. کارتر باید بداند که ملت ۳۵ میلیونی ما با مکتبی بزرگ شده‌اند که شهادت را سعادت و فخر می‌دانند و سر و جان را فدای مکتب خود می‌کنند. و کارتر باید بداند که تمام ساز و برگهای مدرن جنگی که امریکا به ایران برای پایگاه خود در زمان شاه مخلوع داده است، اکنون موجود است و به دست ارتش بزرگ و سایر قوای انتظامی است و بلای جان اوست.

اکنون که شیطان بزرگ دست به کار احمقانه زده است، ملت شریف و رزمندهٔ ما باید به امر خدای تبارک و تعالی با تمام توان خود و با اتکال به قدرت خدای متعال مهیا شود و آمادهٔ نبرد با دشمنان خود گردد. نیروهای انتظامی، ارتش و ژاندارمری و سپاه پاسداران به حال آماده باش باشند، و سپاه بیست میلیونی که خود را مجهز

نموده‌اند امروز برای فداکاری اسلام مهیا باشند که در موقع لزوم از کشور اسلامی خود دفاع کنند؛ و از این مانور احمقانه که به امر خدای قادر شکست خورد، هراسی به خود راه ندهند که حق با ما و خدا پشتیبان ملت مسلمان است. اینجانب به کارتر اخطار می‌کنم که اگر دست به امثال این کار ابلهانه بزند، کنترل این جوانان مسلمان و مبارز[۱] و غیوری که نگهبان جاسوسان جاسوسخانه هستند برای ما و دولت امکان ندارد و مسئول جان آنان، شخص اوست. و من اخیراً باید تذکر دهم که در قضایای کردستان که گروههای منحرف چپ و مخالف با اسلام به آشوبگری برخاسته‌اند، و در قضایای دانشگاهها که گروههای چپ امریکایی در آن مکانهای مقدس دست به آشوب زده‌اند، و آشوبگریهای دولت غیر قانونی عراق در مرزهای ایران با حملهٔ کارتر و دخالت نظامی در ایران رابطهٔ ملموسی دارد، و در این موقع حساس اگر این گروههای منحرف در دانشگاهها و یا خارج آنها دست به آشوب بزنند، ملت رابطهٔ مستقیم سران آنان را با امریکای جهانخوار خواهد فهمید و تکلیف خود را با آنان روشن خواهد کرد و اغماض و عفو، راه مخالف سیاست اسلامی خواهد بود. و اینجانب به همهٔ جوانان نصیحت می‌کنم که به ملت بپیوندند و از کشور خود دفاع کنند و مکتبهای انحرافی را کنار گذارند که وحدت صفوف به مصلحت همه است. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و قطع ید مفسدین و جباران را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۵۵ تا ۲۵۷.

▣ پیام

زمان: ۲۳دی ۱۳۵۸/ ۲۴صفر ۱۴۰۰ مکان:قم
موضوع: تکذیب شایعه درخواست کمک نظامی از شوروی
مخاطب: شورای انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

چند روز قبل ورقه ای در تبریز منتشر شده بود که در آن آمده بود، خمینی تقاضای کمک نظامی از شوروی نموده. من تصور کردم این یک دروغ فاحشی است که یک نفر غرضمند نوشته و منتشر نموده و قابل توجه نیست؛ لکن امشب در رادیو تلویزیون به وسیلهٔ خبرگزاری پارس[1] از خبرگزاری فرانسه چنین آمده بود: «کاردار شوروی در مکزیک اعلام کرد، اتحاد شوروی آماده است به ایران کمک کند تا این کشور بتواند در برابر تحمیل امریکا علیه خود مقاومت کند. وی گفت کمک نظامی نیز از کمکهای شوروی به ایران خواهد بود. کاردار شوروی در مکزیک تصریح کرد، این کمکها در صورتی در اختیار ایران قرار خواهد گرفت که دولت ایران و خمینی خواستار آن شوند». و بعد بعضی مطالب نامربوط گفته بود. شورای انقلاب جمهوری اسلامی و وزارت خارجه موظف هستند که به سفارت شوروی ابلاغ کنند که کاردار شوروی در مکزیک را تقبیح نمایند؛ و از تکرار این نوع مطالب توهین آمیز جلوگیری کنند. اینجانب و دولت ایران اجازه نمی‌دهیم که دولت شوروی و دولتهای دیگر، دست به این مطالب بی‌اساس که توهین به مقدسات ما و به ملت شریف ایران است بزنند. باید امریکای جنایتکار و شوروی بدانند که ما با تمام قدرت در مقابل تجاوز هر دولتی به کشور ما ایستاده و از میهن عزیز و اسلام بزرگ تا سر حد جان دفاع می‌کنیم. تکرار این مطالب موجب می‌شود که ملت غیور ما دست به کاری بزنند که

---

۱. خبرگزاری رسمی دولت ایران که بعداً به نام «خبرگزاری جمهوری اسلامی» تغییر یافت و نام اختصاری این خبرگزاری *«ایرنا»* است.

موجب تأسف شود؛ و ممکن است در روابط دولتین تجدید نظر شود.

روح الله الموسوی الخمینی

[امام خمینی به محض اطلاع از شایعهٔ درخواست کمک نظامی از اتحاد جماهیر شوروی، اطلاعیه ای در تاریخ ۲۰ /۱۰ /۵۸ صادر می‌کنند؛ ولی به دلایلی که در پیام فوق بدان اشاره شده است از انتشار آن منصرف می‌شوند. متن اطلاعیهٔ تحریر شده از سوی امام خمینی چنین بود:]

بسم الله الرحمن الرحیم

به اطلاع ملت شریف ایران می‌رساند:

نوشتهٔ سراپا دروغی در تاریخ ۱۲ شهر صفر ۱۴۰۰ به اسم «دفتر خمینی» خطاب به سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تهران پخش شده است مبنی بر کمک خواستن از دولت شوروی در همکاری نظامی موقت. دفتر خمینی این مطلب را تکذیب می‌کند؛ و دخالت شوروی را در افغانستان محکوم؛ و جسارت نسبتِ چنین امر دروغ فاحش را به دفتر خمینی دوباره محکوم می‌کند. دولت ایران با قدرت اسلامی و همت والای ملت، مقابل تمام قدرتها ایستاده و از کیان خود دفاع می‌کند، و اجازه نمی‌دهد دولتی در کشور اسلامی دخالت کند. دشمنان کشور و اسلامند که چنین دروغ فاحش را نسبت می‌دهند. باید ملت ایران این ریشه‌های فاسد شایعه افکن را با همت والای خود از بُن برکند. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۲۰ دی ماه ۵۸ / ۲۱ صفر ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۱۳ تا ۱۱٤.

▣ نامه

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۳/۱۳۵۸ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: قطع رابطهٔ سیاسی ایران با مصر مخاطب: یزدی، ابراهیم (وزیر امور خارجه دولت موقت)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه

با در نظر گرفتن پیمان خائنانهٔ مصر و اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرای دولت مصر از امریکا و صهیونیسم، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قطع روابط دیپلماتیک خود را با دولت مصر بنماید.

۵۸/۲/۱۰

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱٦۸.

فصل ۱۴:
تدبیر و قاطعیت
در برخورد با انحرافات

«برکناری آقای منتظری»

▣ نامه

زمان: ۱۲ مهر ۲۹/۱۳۶۵ محرّم ۱۴۰۷ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: ابراز علاقه و تأکید بر عدم حمایت از سید مهدی هاشمی و هشدار در مورد دسیسه های منافقین
مخاطب: منتظری، حسینعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین، فقیه عالیقدر، آقای منتظری ـ دامت ایام برکاته

پس از اهدای سلام و تحیت، علاقهٔ اینجانب به جنابعالی بر خود شما روشنتر از دیگران است. به حسب قاعدهٔ طول آشنایی صمیمانه و معاشرت از نزدیک، مقام ارجمند علمی و عملی شما، مجاهدت با ستمگران و قلدران، و رنجهای فراموش نشدنی جنابعالی در سالهای طولانی برای اهداف اسلامی، قداست و وجاهت و وارستگی کم نظیر آن جناب، و بالاتر حیثیت بلند پایه‌ای که دنبالهٔ این امور به خواست خداوند تعالی برای شما فعلاً حاصل است، و احتیاج مبرمی که جمهوری اسلامی و اسلام به مثل جنابعالی دارد، انگیزهٔ علاقهٔ مبرم است. لهذا این حیثیت مقدس باید از هر جنبه محفوظ و مصون باشد. حفظ این حیثیت به جهات عدیده بر

شما و همهٔ ماها واجب، و احتمال خدشه دار شدن آن نیز منجّز است برای اهمیت بسیار آن.

با این مقدمه باید عرض کنم این حیثیت واجب المراعاة به احتمال قوی، بلکه ظن نزدیک به قطع، در معرض خطر است؛ خصوصاً با داشتن مخالفین مؤثر در حوزه قم، که ممکن است دنبال بهانه ای باشند. این خطر بسیار مهم از ناحیهٔ انتساب آقای سید مهدی‌هاشمی[1] است به شما. من نمی‌خواهم بگویم که ایشان حقیقتاً مرتکب چیزهایی شدند؛ بلکه می‌خواهم عرض کنم ایشان متهم به جنایات بسیار، از قبیل قتل، مباشرت یا تسبیباً، و امثال آن می‌باشند. و چنین شخصی، ولو مبرّا باشد، ارتباطش موجب شکستن قداست مقام جنابعالی است که بر همه حفظش واجب مؤکد است.

آنچه مسلّم است و در آن پای فشاری دارم رسیدگی به وضعیت و موارد اتهام او است، رسیدگی به خانهٔ تیمی و انباشتن اسلحه، آن هم با پول ملت، به اسم کمک به سازمانهای به اصطلاح آزادیبخش. اصولاً یک همچو اعمالی بدون دخالت دولت

---

۱. سید مهدی هاشمی پیش از پیروزی انقلاب با همدستی چند تن از طرفدارانش در بخش «قهدریجان» اصفهان به اتهام قتل آقای شمس آبادی امام جماعت مسجد «سیّد» اصفهان و چند نفر دیگر دستگیر و در دادگاه جنایی اصفهان «در اسفند ماه سال ۱۳۵۵» محاکمه گردید. وی پس از پیروزی انقلاب آزاد شد و تحت عنوان کمک به سازمانهای آزادیبخش سمتهایی را احراز کرد.

او سپس به اتهام چند فقره قتل و جنایت و ارتکاب اعمال دیگر تحت تعقیب قرار گرفت و پس از دستگیری و اعتراف به قتلهای تکان دهنده که اعترافات وی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید محاکمه و به اعدام محکوم گردید و حکم صادره نیز اجرا گردید. یادآور می‌شود حمایت آقای منتظری از ایشان علی رغم تذکّرات مکرّر امام خمینی و دلسوزان انقلاب که به دلیل نفوذ همفکران وی در بیت آقای منتظری، بویژه تلاشهای سید هادی هاشمی داماد آقای منتظری و برادر سید مهدی هاشمی یکی از دلایل متعددی بود که سرانجام منجر به برکناری ایشان از قائم مقامی رهبری گردید.

جرم است. و باید ایشان، که صلاحیت این امر را ولو واقعاً برای این سازمانها باشد ندارد و دخالت در حکومت است، جواب بدهد. این امر قطعی است. و آنچه از شما می‌خواهم در رتبهٔ اول پیشنهاد مستقیم شما به دخالت وزارت اطلاعات و رسیدگی به این امور است. و اگر برای شما محذور دارد، به طوری که تکلیف شرعی از شما ساقط است، سکوت است. حتی در محافل خصوصی دفاع از یک همچو شخصی که خطر برای حیثیت شما است و احتمال فساد و خونریزی بیگناهان است سَم قاتل است. باید تمام فعالیتها که به اسم کمک به سازمانهای به اصطلاح آزادیبخش است قطع شود، و تمام کسانی که در این امور دخالت داشته‌اند محاکمه شوند.

و آنچه مسلّم است و مایه تأسف، حسن ظن جنابعالی به اعمال و افعال و گفته‌ها و نوشته‌هاست که به مجرد وصول به شما ترتیب اثر می‌دهید و در مجمع عمومی صحبت می‌کنید و به قوهٔ قضاییه و غیره سفارش می‌دهید. و من از شما، که دوست صمیمی سابق و حال من هستید و مورد علاقه ملت، تقاضا می‌کنم که با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت نمایید، پس از آن ترتیب اثر بدهید، تا خدای نخواسته لطمه به حیثیت شما، که برگشت به حیثیت جمهوری است، نخورد. آزادی بی‌رویهٔ چند صد نفر منافق، به دستور هیأتی که با رقت قلب و حسن ظنشان واقع شد، آمار انفجارها و ترورها و دزدیها را بالا برده است. «ترحم بر پلنگ تیز دندان ستمکاری بود بر گوسفندان».

من تأکید می‌کنم که شما دامن خود را از ارتباط با سید مهدی پاک کنید که این راه بهتر است؛ و الّا هیچ عکس العملی در رسیدگی به امر او از خود نشان ندهید که رسیدگی به امر جنایات مورد اتهام حتمی است. سلامت و توفیق جنابعالی را خواهانم.

۱۲ مهر ماه ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۳۶ تا ۱۳۸.

▣ نامه

زمان: ۵ آبان ۱۳۶۵ / ۲۲ صفر ۱۴۰۷ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: لزوم برخورد قاطع با افراد ضد انقلاب و منحرفین وابسته به مهدی هاشمی
مخاطب: محمدی ری‌شهری، محمد (وزیر اطلاعات)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای ری شهری، وزیر اطلاعات

با توجه به مسائلی که تاکنون کشف و یا مورد سوءظن شده است، و با توجه به جوسازی و اطلاعیه‌هایی که با اسامی مختلف توسط افراد ضد انقلاب و منحرف و وابسته به مهدی هاشمی پخش گردیده است، که نه تنها سوءظن را بیشتر می‌کند که خود دلیل مستقلی است بر خط انحراف از انقلاب و اسلام، جنابعالی موظف هستید به جمیع جوانب این امر باکمال دقت و انصاف رسیدگی نمایید؛ و تمام افراد متهمی را که از سران این گروه محسوب می‌شوند و نیز افراد دیگری را که در انتشار مسائل کذب و قضایای دیگر دست داشته‌اند تعقیب نمایید. و بدیهی است که این امر چون مربوط به اسلام و انقلاب و امنیت کشور است، تحقیق آن منحصراً در اختیار وزارت اطلاعات کشور می‌باشد.

باید تأکید کنم که همه در پیشگاه قضاوت اسلام مساوی بوده، و نیز به همان اندازه که اغماض از مجرمین گناه بزرگی است، تعرض نسبت به بیگناهان از گناهان نابخشودنی است. خداوند تعالی را حاضر و ناظر بدانید، که این امر عبادتی است که دامان بزرگانی[۱] را از اتهامات پاک، و توطئهٔ منحرفان را خنثی می‌کند. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. اشاره به آقای منتظری.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱٤٥.

◘ پیام

زمان: ۲فروردین ۱۳۶۸/۱۴شعبان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم استقامت درمقابل هجوم نظامی، سیاسی و فرهنگی جهانخواران
مناسبت: نیمه شعبان، میلاد حضرت مهدی (عج) مخاطب: مهاجرین جنگ تحمیلی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت خواهران و برادران و فرزندان عزیز مهاجرین جنگ تحمیلی ـ ایّدهم الله تعالی

با سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمهٔ شعبان و آخرین ذخیرهٔ امامت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می‌کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می‌شوند.

سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت راه ظهورش را هموار می‌کنند و سلام بر شما خواهران و برادران مهاجر که بدون شک در جنگ تحمیلی از کسانی هستید که صدمهٔ فراوان روحی و جسمی و مالی خورده‌اید. شما عزیزان در زمان یورش وحشیانهٔ صدام پس از روزها دفاع قهرمانانه اضطراراً محل زندگی و راحتی خود را ترک نموده و حقیقتاً به زندگی پر مشقت در نقطه‌ای دور از خانه و کاشانهٔ خویش تن داده‌اید. شما مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی، لحظه لحظهٔ جنگ و سختیهای آن را درک کرده‌اید. إن شاءالله جمهوری اسلامی در آینده ای نه چندان دور شهرها و روستاهای شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد گذاشت، ولی باید خود به کمک مسئولان آمده و در نوسازی و مهیاسازی شهر و روستاهاتان آنان را یاری نمایید. بحمدالله فرزندان خردسال آن روز شما، امروز جوانانی شده‌اند که مانند سایر برادران و خواهران خود از میهن اسلامی شان دفاع خواهند کرد.

همه می‌دانند که تحمل هشت سال فشار و سختی فقط برای اسلام عزیز بوده است، لذا مسئولین باید در دفاع از اسلام محکمتر از همیشه با تمام توان در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی جهانخواران بایستند، چرا که امروز دنیای استکبار خصوصاً غرب خطر رشد اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را علیه منافع نامشروع خود درک کرده است.

امروز غرب و شرق به خوبی می‌دانند که تنها نیرویی که می‌توانند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است. آنها در این ده سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به هر وسیلهٔ ممکن آن را در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است نابود کنند. اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد، با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچ کدام از اینها نشد، ایادی خودفروختهٔ خود از منافقین و لیبرالها و بی‌دینها را که کشتن روحانیون و افراد بیگناه برایشان چون آب خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می‌دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند. و نفوذیها بارها اعلام کرده‌اند که حرف خود را از دهان ساده‌اندیشان موجّه می‌زنند.

من بارها اعلام کرده ام که با هیچ کس در هر مرتبه ای که باشد عقد اخوت نبسته‌ام. چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سفرهٔ افطار گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده‌های همکاری آنان با امریکا از لانهٔ جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می‌کنند، پیش ملت عزیز و شهید دادهٔ ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده‌اند، از این

حرکات دست برندارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد.

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطهٔ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ـ ارواحنافداه است که خداوند بر همهٔ مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

مردم عزیز ایران که حقاً چهرهٔ منوّر تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختیها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفهٔ اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقهٔ مستضعف فشار می‌آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی‌شهادت میسر نیست.

من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و

جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیزم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهانخواران شکست می‌خوریم و نابود می‌شویم ؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می‌کنند؟ مگر بیش از این است که با نفوذ[۱] ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می‌کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می‌روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب الله در جهان به اسارت گرفته می‌شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفهٔ اسلامی خود عمل کنیم.

امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی برملا شده است. بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خود فروخته و نویسندهٔ مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان اینهمه فضاحت و بی‌آبرویی شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش بینی نکرده بودند که امروز با سرافکندگی و خواری از کردهٔ خود پشیمان و با ذلت مراجعت می‌کنند.

احتمالاً قضیهٔ مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ می‌باشد. گر چه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملتهای اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ماکه گفته‌ایم کسی که به پیغمبر اسلام ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ توهین کند و اجماع فقهای مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است ! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا

---

۱. اشاره به نفوذ سید مهدی هاشمی و همفکران او در بیت آقای منتظری.

دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاهها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است ؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پا برجا داشت. من باز می‌گویم همهٔ مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان به خیال خام خودشان بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی‌گذارند.

البته ما از زحمات وزارت امور خارجه قدردانی می‌کنیم و آنها باید با جدیت به کار خود ادامه دهند که إن شاءالله در انجام وظیفهٔ بزرگ الهی و سیاسی خود موفق خواهند بود.

از خداوند متعال می‌خواهم تا مهاجرین عزیزمان را هر چه زودتر به خانه و کاشانهٔ خود برساند و تلخی غربتها و سختیها را به شیرینی مراجعتشان مبدل سازد.

در خاتمه لازم است از همه کسانی که از مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی پذیرایی کرده و می‌کنند و همچنین از مسئولین محترم بنیاد مهاجرین که زحمات زیادی متحمل شده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۵ تا ۳۲۹.

▣ نامه

زمان: ۶فروردین ۱۸/۱۳۶۸شعبان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: عزل آقای منتظری از قائم‌مقامی رهبری
مخاطب: منتظری، حسینعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای منتظری

با دلی پر خون و قلبی شکسته چند کلمه ای برایتان می‌نویسم تا مردم روزی در جریان امر قرار گیرند. شما در نامه اخیرتان نوشته‌اید که نظر تو را شرعاً بر نظر خود مقدم می‌دانم؛ خدا را در نظر می‌گیرم و مسائلی را گوشزد می‌کنم. از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید. شما در اکثر نامه‌ها و صحبتها و موضعگیریهایتان نشان دادید که معتقدید لیبرالها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند. به قدری مطالبی که می‌گفتید دیکته شده منافقین بود که من فایده ای برای جواب به آنها نمی‌دیدم. مثلاً در همین دفاعیه شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلاف و الوف رساندند و می‌بینید که چه خدمت ارزنده ای به استکبار کرده‌اید. در مسئله مهدی هاشمی قاتل، شما او را از همه متدینین متدینتر می‌دانستید و با اینکه برایتان ثابت شده بود که او قاتل است مرتب پیغام می‌دادید که او را نکشید. از قضایای مثل قضیه مهدی هاشمی که بسیار است و من حال بازگو کردن تمامی آنها را ندارم. شما از این پس وکیل من نمی‌باشید و به طلابی که پول برای شما می‌آورند بگویید به قم منزل آقای پسندیده و یا در تهران به جماران مراجعه کنند. بحمدالله از این پس شما مسئله مالی هم ندارید. اگر شما نظر من را شرعاً مقدم بر نظر خود می‌دانید که مسلماً منافقین

صلاح نمی‌دانند و شما مشغول به نوشتن چیزهایی می‌شوید که آخرتتان را خرابتر می‌کند با دلی شکسته و سینه ای گداخته از آتش بی‌مهریها با اتکا به خداوند متعال به شماکه حاصل عمر من بودید چند نصیحت می‌کنم دیگر خود دانید:

۱ ـ سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرالها نریزد.

۲ ـ از آنجا که ساده لوح هستید و سریعاً تحریک می‌شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد.

۳ ـ دیگر نه برای من نامه بنویسید و نه اجازه دهید منافقین هر چه اسرار مملکت است را به رادیوهای بیگانه دهند.

۴ ـ نامه‌ها و سخنرانیهای منافقین که به وسیله شما از رسانه‌های گروهی به مردم می‌رسید؛ ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان ـ روحی له الفداء ـ و خونهای پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید؛ برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند.

والله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آن وقت شما را ساده‌لوح می‌دانستم که مدیر و مدبر نبودید ولی شخصی بودید تحصیلکرده که مفید برای حوزه‌های علمیه بودید و اگر اینگونه کارهاتان را ادامه دهید مسلماً تکلیف دیگری دارم و می‌دانید که از تکلیف خود سرپیچی نمی‌کنم. والله قسم، من با نخست وزیری بازرگان مخالف بودم ولی او را هم آدم خوبی می‌دانستم. والله قسم، من رأی به ریاست جمهوری بنی صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم.

سخنی از سر درد و رنج و با دلی شکسته و پر از غم و اندوه با مردم عزیزمان دارم: من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که مکلف به اغماض آن نیستم هرگز چشم پوشی نکنم. من با خدای خود پیمان بسته ام که رضای او را بر رضای

مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند دست از حق و حقیقت برنمی‌دارم. من کار به تاریخ و آنچه اتفاق می‌افتد ندارم؛ من تنها باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم. من بعد از خدا با مردم خوب و شریف و نجیب پیمان بسته‌ام که واقعیات را در موقع مناسبش با آنها در میان گذارم. تاریخ اسلام پر است از خیانت بزرگانش به اسلام؛ سعی کنند تحت تأثیر دروغهای دیکته شده که این روزها رادیوهای بیگانه آن را با شوق و شور و شعف پخش می‌کنند نگردند. از خدا می‌خواهم که به پدر پیر مردم عزیز ایران صبر و تحمل عطا فرماید و او را بخشیده و از این دنیا ببرد تا طعم تلخ خیانت دوستان را بیش از این نچشد. ما همه راضی هستیم به رضایت او؛ از خود که چیزی نداریم، هر چه هست اوست. والسلام. یکشنبه ۶۸/۱/۶

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۰ تا ۳۳۲.

▣ نامه

زمان: ۸فروردین ۱۳۶۸/ ۲۰شعبان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: موافقت با استعفای آقای منتظری از قائم‌مقامی رهبری مخاطب: منتظری، حسینعلی

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی

پس از سلام و تحیت، مرقومه شریفه مورخ ۶۸/۱/۶ واصل شد. ضمن تشکر از ارشادات و راهنماییهای حضرتعالی به عرض می‌رساند، مطمئن باشید همان طور که از آغاز مبارزه تاکنون در همه مراحل همچون سربازی فداکار و از خود گذشته و مطیع در کنار حضرتعالی و در مسیر اسلام و انقلاب بوده ام، اینک نیز خود را ملزم به اطاعت و اجرای دستورات حضرتعالی می‌دانم؛ زیرا بقا و ثبات نظام اسلامی مرهون اطاعت ازمقام معظم رهبری است. برای هیچ کس قابل شک نیست که این انقلاب عظیم تاکنون در سایهٔ رهبری و ارشادات حضرتعالی از خطرات مهمی گذشته؛ و دشمنان زیادی همچون منافقین کوردل، که دستشان به خون هزاران نفر از مردم و شخصیتهای عزیز ما و از جمله فرزند عزیز خود من[1] آغشته است، و سایر جناحهای مخالف و ضد انقلاب و سازشکار و لیبرال مآبهای کج فکر را رسوا واز صحنه خارج نموده است. آیا جنایات هولناک وضربات ناجوانمردانه این روسیاهان کوردل به انقلاب و کشور و ملت عزیز و فداکار ما فراموش شدنی است ؟ و اگر بلندگوهای آنان و رادیوهای بیگانه خیال می‌کنند با جوّسازیها و نشر اکاذیب و شایعه‌پراکنیها به نام اینجانب می‌توانند به اهداف شوم خود برسند و در همبستگی ملت ما رخنه کنند، سخت در اشتباهند.

و راجع به تعیین اینجانب به عنوان قائم مقام رهبری، خود من از اول جداً

---

۱. شهید محمد منتظری که در فاجعه انفجار ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی، واقع در سرچشمه تهران همراه با دهها تن از شخصیتهای مذهبی و سیاسی دیگر به شهادت رسید.

مخالف بودم؛ و با توجه به مشکلات زیاد و سنگینی بار مسئولیت، همان وقت به مجلس خبرگان نوشتم که تعیین اینجانب به مصلحت نبوده است. و اکنون نیز عدم آمادگی خود را صریحاً اعلام می‌کنم. و از حضرتعالی تقاضا می‌کنم به مجلس خبرگان دستور دهید مصلحت آینده اسلام و انقلاب و کشور را قاطعانه در نظر بگیرند. و به من اجازه فرمایید همچون گذشته یک طلبه کوچک و حقیر در حوزه علمیه به تدریس و فعالیتهای علمی و خدمت به اسلام و انقلاب، زیر سایه رهبری حکیمانه حضرتعالی، اشتغال داشته باشم. و اگر اشتباهات و ضعفهایی که لازمه طبیعت انسان است رخ داده باشد، إن شاءالله با رهبریهای حضرتعالی مرتفع گردد.

و از همه برادران و خواهران عزیز و علاقه مند تقاضا می‌کنم مبادا در مورد تصمیم مقام معظم رهبری و خبرگان محترم، به بهانه حمایت از من، کاری انجام دهند و یا کلمه ای بر زبان جاری نمایند؛ زیرا مقام معظم رهبری و خبرگان جز خیر و مصلحت اسلام و انقلاب را نمی‌خواهند.

امید است این شاگرد مخلص را همیشه از راهنماییهای ارزنده خود بهره مند، و از دعای خیر فراموش نفرمایید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۸ / ۱ / ۷

حسینعلی منتظری]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای منتظری ـ دامت افاضاته

با سلام و آرزوی موفقیت برای شما، همان طور که نوشته‌اید رهبری نظام جمهوری اسلامی کار مشکل و مسئولیت سنگین و خطیری است که تحملی بیش از طاقت شما می‌خواهد. و به همین جهت، هم شما و هم من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم، و در این زمینه هر دو مثل هم فکر می‌کردیم. ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند؛ و من هم نمی‌خواستم در محدودهٔ قانونی آنها دخالت کنم. از اینکه عدم آمادگی خود را برای پست قائم مقامی رهبری اعلام کرده‌اید پس از قبول، صمیمانه از

شما تشکر می‌نمایم. همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوده‌اید؛ و من به شما شدیداً علاقه مندم. برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد، به شما نصیحت می‌کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک نمایید؛ و از رفت و آمد مخالفین نظام، که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی خود را جا می‌زنند، جداً جلوگیری کنید. من این تذکر را در قضیهٔ «مهدی هاشمی»[1] هم به شما دادم. من صلاح شما و انقلاب را در این می‌بینم که شما فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند. از پخش دروغهای رادیو بیگانه متأثر نباشید. مردم ما شما را خوب می‌شناسند، و حیله‌های دشمن را هم خوب درک کرده‌اند که با نسبت هر چیزی به مقامات ایران کینهٔ خود را به اسلام نشان می‌دهند.

طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها، و رادیو تلویزیون، باید برای مردم این قضیهٔ ساده را روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم. جنابعالی إن شاءالله با درس و بحث خود حوزه و نظام را گرمی می‌بخشید. والسلام علیکم.

۶۸/۱/۸

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. سید مهدی هاشمی از جمله افرادی بود که پیش از انقلاب به اتهام معاونت در قتل آقای شمس آبادی دستگیر و محکوم گردید. او پس از پیروزی انقلاب از زندان آزاد شد و به مسئولیتهای مهمی نیز گمارده شد؛ اما بزودی چهره واقعی خود را نشان داد و با شرکت در چند فقره جنایت و اعمال خلاف قانون از سوی دادگاه محاکمه و به اعدام محکوم شد و حکم درباره او به اجرا درآمد.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۳ تا ۳۳۵.

■ **نامه**

زمان:۲۶فروردین ۱۳۶۸/ ۸رمضان ۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران
موضوع:برکناری آقای منتظری از قائم‌مقامی رهبری
مخاطب:نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزیران

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت فرزندان عزیز، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، و وزرای محترم ـ دامت افاضاتهم

با سلام، شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری نیستید و نمی‌دانید قضیه از چه قرار است. همین قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه‌ها و پیغامها تمام تلاش خود را نموده است تا قضیه بدین جا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد. از طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا با دلی پرخون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم.

إن شاءالله خواهران و برادران در آینده تا اندازه ای روشن خواهند شد. سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی بردار نیست؛ و در صورت تخطی، هر کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد. توفیق همگان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۶۸/۱/۲۶

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۰.

«برکناری بنی صدر»

▣ حکم

زمان: ۲۰ خرداد ۱۳۶۰/ ۷شعبان ۱۴۰۱
مکان: تهران، جماران
موضوع: عزل بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح
مخاطب: ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

آقای ابوالحسن بنی صدر از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شده‌اند.[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. به استناد بندهای ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی، نصب و عزل فرماندهان عالیرتبه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران از وظایف و اختیارات رهبری انقلاب است که براساس اختیارات مندرج در همین اصل، مسئولیت فرماندهی کل قوا بر عهده رهبری می‌باشد.

۲. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ٤۲۰

▣ پیام

زمان: ۲۸ خرداد ۱۳۶۰/۱۵ شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: تبریک نیمه شعبان ـ هشدار درباره توطئه مشترک گروهکهای ضدانقلاب

مناسبت: نیمه شعبان، میلاد مسعود حضرت مهدی موعود (عج) مخاطب: ملت مسلمان ایران[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

سالروز مبارک ولادت با سعادت و پربرکت حضرت خاتم الاوصیا و مفخرالاولیا حجت بن الحسن العسکری ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک باد. و چه مبارک است میلاد بزرگ شخصیتی که بر پاکننده عدالتی است که بعثت انبیا علیهم السلام برای آن بود. و چه مبارک است زادروز ابرمردی که جهان را از شرّ ستمگران و دغلبازان تطهیر می‌نماید و زمین را پس از آنکه ظلم و جور آن را فراگرفته پر از عدل و داد می‌نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می‌نماید. و چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازیها و فتنه انگیزیها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابد و منافقان و حیله گران از صحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخهای ستم و کنگره‌های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا ـ علیهم صلوات الله ـ و حامیان اولیا ـ علیهم‌السلام ـ بوده تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلمهای ننگین و زبانهای نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتو افکن گردد و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا گرایند و سازمانهای دروغین حقوق بشر از بنیاد برچیده شوند. و امید است که خداوند متعال

---

۱. متن پیام امام خمینی توسط آقای سید احمد خمینی در مراسم بزرگداشت نیمه شعبان، که در استادیوم شهید شیرودی تهران با حضور اقشار مردم و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزیر کشور و فرماندهان ارتش برگزار گردیده بود، قرائت شد.

آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هر چه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و امامت را طالع فرماید. و اکنون ما منتظران مقدم مبارکش مکلف هستیم تا با تمام توان کوشش کنیم تا قانون عدل الهی را در این کشور ولی عصر ـ عجل‌الله تعالی فرجه ـ حاکم کنیم و از تفرقه و نفاق و دغلبازی بپرهیزیم و رضای خداوند متعال را در نظر بگیریم و همگان در مقابل قانون خاضع باشیم و با صلح و صفا و برادری و برابری به پیشبرد انقلاب اسلامی کوشا باشیم و حق متعال را در همه احوال حاضر و ناظر بدانیم و تخلف از دستورات اسلام ننماییم و به وسوسهٔ فتنه‌انگیزان اعتنا نکنیم.

اینجانب از شما ملت شریف ایران متواضعانه می‌خواهم که در عین حال که در صحنه حاضرید آرامش را حفظ کنید. حضور شما مردم عزیز و مسلمان در صحنه است که توطئه‌های ستمگران و حیله گران تاریخ را خنثی می‌کند. حضور شما در صحنه است که گرد یأس و درماندگی بر چهره‌های منافقین و متحدان بی‌آبرویش می‌پاشد. حضور شما مردم شجاع و باایمان است که خط اصیل اسلام را بر ایران و به امید خدا بر جهان حاکم خواهد نمود. حضور شما مردم مؤمن و از جان گذشته است که روشنفکران غرب و شرقزده را برای همیشه رسوا می‌کند. حضور شما در صحنه، تمام «من»ها و منیتهای شیطانی را کوبیده و می‌کوبد و «ما» و اخوت اسلامی را جایگزین آن نموده و می‌نماید. حضور شما در صحنه به امریکا و غرب و شرق و دنباله روهای بی عقلشان هشدار داد که این ما بودیم که انقلاب نمودیم و این ما هستیم که سرنوشت خود را خود تعیین می‌نماییم و از کلمات بی‌محتوای شما گول نمی خوریم. حضور شما در صحنه، جبهه‌ها و سازمانها و جمعیتهایی را که به اسم طرفداری از فرد و فردپرستی به مقابله با اسلام و احکام شرعی آن برخاسته بودند، رسوا نمود. امروز و روزهای آینده روز شکست جریان دشمنان قسم خورده اسلام است. روز شکست فرد یا افراد نیست، روز شکست جریانی است که به اسلام معتقد نیستند و اگر هم باشند، مسلماً تا حدودی است که با قوانین غرب برنخورد و مخالفتی

نداشته باشد؛ روز شکست جریانی است که همیشه قلب مرا می‌آزارد، شکست جریانی است که بسیار خطرناکتر از تمامی جنایتها و خیانتهای رژیم پهلوی در طول حکومت ننگینشان بود؛ روز شکست جریانی است انحرافی که حضور به موقع شما، پایه‌های آن را لرزاند و فرو ریخت.

دوستان عزیزم، بسیار دقت کنید و کاملا بهوش باشید و هوشیارانه با آرامش کامل ولی با تمام توان در صحنه باشید که بی‌شما هیچ کس، هیچ نمی‌تواند کند و با شما همه دشمنان رسول اکرم و ائمه اطهار نابود خواهند شد.

بهوش باشید که ایران در آستانهٔ به ثمر رسیدن انقلاب اصیل شماست. آگاه باشید که خط منفور ضداسلامی، و غرب در حال شکست کامل است، و الحق نشان دادید که هوشیارانه مقاومت می‌کنید.

خمینی دست یکایک شما را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خودش می‌داند که بارها گفته ام من با شما یکی هستم و رهبری در کار نیست. من خوب درک می‌کنم که حضور شما در این روزهای حساس به چه معنایی است و به امید پیروزی نهایی شما بر دشمنانتان روز شماری می‌کنم.

و باز از ملت شریف خاضعانه می‌خواهم که جنگ را فراموش نکنند و برادران ارتشی و سپاهی و سایر رزمندگان عزیز در جبهه‌ها را با تمام وجود تشویق و تکریم نمایند. و شما سربازان دلاور اسلام در پادگانها و پایگاهها در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها هوشیارانه جریانات ضدانقلاب را دنبال کنید و بدانید که من نزدیک به یک سال بود که صلاح نمی‌دیدم آنچه را می‌دانم برای ملت شرح دهم، چرا؟ تا آرامش کشور حفظ شود و شما با آرامش کامل علیه مستکبران جهان بجنگید، تا احساس کردم دیگر مسئله از این حرفها گذشته است و خطر، اساس جمهوری اسلامی راکه با خون پاک هفتاد هزار شهید و معلولیت بیش از یکصد هزار نفر به وجود آمده بود تهدید می‌کند، دیگر تاب نیاوردم تا شما بجنگید و از پیروزی شما به نفع مقاصد شوم سیاسی

ضدانقلاب بهره برداری شود، لذا درد دل نمودم. شما در هر کجا که هستید با کمال دقت مراقبت کنید تا ضدانقلاب به مقاصد پلیدش نرسد.

افسران، درجه داران، و سربازان رشید اسلام، شما خوب می‌دانید که منافقین که امروز به عنوان طرفداران پروپا قرص «بعضیها»[۱] اطراف آنها را گرفته‌اند و به بهانهٔ طرفداری از آنان دست به انفجار و درگیری مسلحانه می‌زنند و هر روز در گوشه‌ای تشنج می‌آفرینند، همانها بودند که از روز اول پیروزی انقلاب، شعار انحلال ارتش را سر می دادند.

من با قدرت ملت دلاور، مقابل ضدانقلاب که تصمیم گرفته است بعضی افراد را بهانه قرار داده و علیه شما هر روز دست به اغتشاش بزند خواهم ایستاد.

شما ارتشیان و پاسداران، بسیج، ژاندارمری و شهربانی و تمامی نیروهای مردمی مسلح و تمامی مردمی که جانتان را برای اسلام و ایران فدا می‌کنید، بهوش باشید که اسلام را معیار حرکتهای خود قرار دهید.

امروز منافقین و جبهه ملی و حزب دمکرات و تمامی ضدانقلابیون دست در دست یکدیگر گذاشته‌اند تا شما و انقلاب پاک ملت را نابود کنند.

مگر نمی‌بینید که هر روز در گوشه ای جمع می‌شوند و دست به خرابکاری می‌زنند؟ مگر نبود که اگر حضور شما نبود، آبروی انقلاب شما را در جهان ریخته بودند؟

مگر اعلامیه‌های اتحادیه کمونیستهای ایران را ندیده‌اید که به بهانهٔ پشتیبانی از یک نفر، به تمام مقدسات شما توهین کرده‌اند؟ شما مردم عزیز هوشیار باشید و آرامش خودتان را حفظ کنید و به انتظار حکم خدا باشید.

---

۱. اشاره به ابوالحسن بنی صدر، که پس از خلع از مقام فرماندهی نیروهای مسلح، دفتر کار خویش در نهاد ریاست جمهوری را به مرکز تجمع سران سازمان منافقین مبدل ساخته بود.

سعی کنید اخلاق اسلامی را همیشه در مد نظر داشته باشید و از شعارهای زننده پرهیز کنید و با حضور دائمی خود، کید هرج و مرج طلبان را خنثی کنید. و بدانید که گناهی بزرگتر از این نیست که خدای ناکرده در مقابل ضد خدا و ضد مردم ساکت باشید و پاداشی بالاتر از حضورتان در مقابل ضدانقلاب نمی‌باشد. آرامش را حفظ نمایید و در حفظ وحدت و اخوت اسلامی کوشش نمایید.

از نفس گرم ولی الله اعظم ـ عجل الله تعالی فرجه ـ می‌خواهم که از خداوند تعالی تقاضا فرماید که همه ما و همه مقامات و تمام ملت شریف را توفیق عمل به اسلام و قوانین اسلامی عطا فرماید و تعجیل در ظهور بقیة الله ـ روحی فداه ـ نماید.

درود و سلام بر شهدا و خانواده محترم و شریف و مقاوم آنها. سلام بر معلولین عزیز و مقاوم اسلامی. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۲ تا ۴۷۶.

◙ حکم

زمان: ۱تیر ۱۹/۱۳۶۰شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: عزل ابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری
مخاطب: ملت ایران ـ رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس

[بسم الله الرحمن الرحیم

محضر شریف حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ ادام الله ظله

محترماً به عرض می‌رساند، رأی مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۳/۳۱ پس از بحث و بررسی با حضور ۱۹۰ نفر به شرح زیر:

آرای موافق : ۱۷۷

رأی مخالف : یک نفر

آرای ممتنع : دوازده نفر

در مورد آقای سید ابوالحسن بنی صدر بر این قرار گرفت که «آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد» به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مراتب برای اتخاذ تصمیم به خدمت امام عظیم الشأن گزارش می‌گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی ۶۰/۳/۳۱ اکبر هاشمی رفسنجانی]

بسم الله الرحمن الرحیم

پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم.[۱] اول تیرماه ۶۰

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. به موجب بند پنج اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عزل رئیس جمهور پس از حکم دیوانعالی کشور و یا رأی مجلس شورای اسلامی، از وظایف و اختیارات رهبری می‌باشد.

۲. صحیفه امام، ج ١٤، ص ٤٨٠.

غائله کردستان

▣ پیام

زمان: ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ / ۲۰ ربیع الاول ۱۳۹۹ **مکان: تهران، مدرسه علوی**
موضوع: اعزام آقای حسین نوری به کردستان **مخاطب: اهالی کردستان**

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۹/۱۱/۵۷ - ۲۰ ع ۱ ۹۹

برادران عزیز کردستانی - وفّقهم الله تعالی

ملت ایران هرگز همگامی و سختکوشی و مجاهدات دلیرانهٔ برادران کردستانی در مبارزات ضد استعماری و استبدادی رژیم طاغوتی پهلوی را فراموش نخواهد کرد.

نهضت اسلامی ایران مظهر برادری شیعه و سنی و همگامی نژادهای مختلف کشور ایران است.

شما خواهران و برادران عزیز باید توجه داشته باشید که دشمن اصلی یعنی استعمار هنوز با وسایل مختلف دست‌اندرکار سنگ‌اندازی و تفرقه افکنی است تا بدین وسیله بار دیگر بر مخازن ما سیطره پیدا کرده و به چپاول و غارت این ملت بپردازد. من به شما فرزندانم توصیه می‌کنم که گول نیرنگهای استعمار را نخورید و

حکم خدای بزرگ که ﴿وَٱعْتَصِمُوا بِحَبْلِ ٱللّٰهِ جَمِیعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا﴾[1] را با همکاری و همگامی با سایر برادران همرزم خود کماکان ادامه دهید.

اینجانب حضرت حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین نوری ـ دامت برکاته ـ راکه از مدرسین قم هستند و مدتها در دوران اختناق در آن منطقه از طرف رژیم تبعید بوده‌اند، به نمایندگی از طرف خود به آن منطقه فرستادم که اگر آن برادران مطالبی داشته باشند بتوانند به وسیله مشارٌالیه به اطلاع من برسانند.

از خداوند متعال مسئلت دارم که به همهٔ ما توفیق دهد که ایرانی اسلامی بسازیم و در زیر پرچم عدل اسلامی با آزادی و برادری و برابری راه تکامل و خیر را بپیماییم. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ پیام

زمان: ۳۰بهمن ۱۳۵۷ / ۲۱ربیع الاول ۱۳۹۹ مکان: تهران، مدرسه علوی
موضوع: توطئه اشرار و لزوم بازگشت نیروهای انتظامی به مراکز حفاظتی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

در این موقع حساس که اشرار با نامهای فریبنده مشغول توطئه بر ضد انقلاب اسلامی هستند و خطر برگشت اجانب با دست اینان بر سر چپاول کشور می‌رود، لازم است نیروهای انتظامی ملی فوراً به مراکز حفاظتی خود برگردند و با نیروی انتظامی، همکاری برای حفاظت شهر و مراکز حساس مربوط به شهر نمایند. اینان که دست به خرابی و اعمال ضداسلامی و انسانی زده‌اند و کوشش دارند مراکز حساس را به نفع بیگانگان به دست بیاورند، باید بدانند که قدرت آنان بیش از قدرت شیطانی شاه و پشتیبان آنان نیست؛ و در صورتی که به ملت نپیوندند و به طور معقول عمل نکنند،

---

۱. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «و جملگی به ریسمان الهی چنگ بزنید، و پراکنده نشوید».

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ١٨٤ و ١٨٥.

تکلیف را برای ملت شجاع ایران و تهران معلوم خواهم کرد.

من تحمل این بی‌فرهنگیها را نخواهم کرد. باید تمام اقشار، به هر اسمی که هستند، در تحت پرچم اسلام به فعالیت خود ادامه دهند و در غیر این صورت، قیام علیه حکومت انقلابی اسلامی است که جزای آن در قانون اساسی اسلام معلوم است. من حتی الامکان میل دارم تمام اقشار با هم با صدق و صفا رفتار نمایند ولی اجازهٔ هرج و مرج نخواهم داد. والسلام علی من اتبع الهدی. روح الله الموسوی الخمینی [۱]

◙ نامه

زمان: ۳۰بهمن ۱۳۵۷/ ۲۱ربیع الاول ۱۳۹۹ — **مکان: تهران، مدرسه علوی**

موضوع: اعزام آقای نوری به کردستان — **مخاطب: مفتی زاده، احمد**

بسمه تعالی

دانشمند ارجمند و روحانی شجاع جناب آقای احمد مفتی‌زاده ـ دامت‌افاضاته

به عرض می‌رساند، زحمات و فعالیتهای مداوم شما در امر مبارزات اسلامی و کوششهای شما در این راه، پیوسته مورد قدردانی و تشکر بوده امید است همیشه در انجام وظایف الهی و پیشبرد مقاصد اسلامی موفق و مؤید باشید. اینک جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ حسین نوری ـ دامت برکاته ـ که از مدرسین محترم حوزهٔ مقدسهٔ علمیه می‌باشند از طرف اینجانب بدان منطقه اعزام می‌شوند. هرگونه مطلبی باشد می‌توانید با ایشان در میان بگذارید تا جناب ایشان به اطلاع من برسانند. امید است با تلاشهای پیگیر آقایان هر چه زودتر حکومت جمهوری اسلامی برقرار گردد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. به تاریخ ۲۱ ع ۱ ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی [۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۹۵.

۲. صحیفه امام، ج ٦، ص ١٩٦.

▣ پیام

زمان: ۲۸ اسفند ۱۳۵۷ / ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۹۹
مکان: قم
موضوع: اغتشاش در کردستان
مخاطب: اهالی مسلمان کردستان

بسم الله الرحمن الرحیم

به اهالی محترم مسلمان کردستان

شنیده شده که عده‌ای وضع کردستان عزیز را مغشوش کرده‌اند و نمی‌خواهند بگذارند مسلمانان آسایش داشته باشند و برخلاف اسلام عمل می‌کنند. این عده به ارتش، که اکنون به سوی ملت مسلمان برگشته و از آن تبعیت می‌کنند، حمله می‌برند و آنها را مورد توهین قرار می‌دهند. این قبیل کارها برخلاف اسلام و مصالح مردم مسلمان است. مردم کردستان و سایر نقاط باید بدانند که هرگونه حمله به ارتش و ژاندارمری از نظر ما مردود است. و ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم، همه اهل ملت واحد و قرآن واحد هستیم. ارتش و ژاندارمری و پلیس نیز باید بدانند که از این به بعد آنها حافظ مصالح و استقلال مردم مسلمانند، و اگر کسی به آنها حمله کند از مردم مسلمان نیست و از عمال اجانب است. و باید نیروهای مسلح با قدرت از منافع و مصالح ملت مسلمان دفاع کنند و هرگونه حمله‌ای را به خود و به نوامیس مردم با قدرت دفع نمایند.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٣٨٤.

◘ پیام

زمان: ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ / ۲۴ رمضان ۱۳۹۹
مکان: قم
موضوع: فرمان پایان دادن به غائلهٔ پاوه
مخاطب: نیروهای نظامی و انتظامی، ژاندارمری و دولت

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۴ شهر رمضان ۹۹ / ۲۷ مرداد ۵۸

از اطراف ایران، گروههای مختلف ارتش و پاسداران و مردم غیرتمند تقاضا کرده‌اند که من دستور بدهم به سوی پاوه رفته و غائله را ختم کنند. من از آنان تشکر می‌کنم؛ و به دولت و ارتش و ژاندارمری اخطار می‌کنم اگر با توپها و تانکها و قوای مجهز تا ۲۴ ساعت دیگر حرکت به سوی پاوه نشود، من همه را مسئول می‌دانم.

من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند؛ و به تمام پادگانهای ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی‌انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند؛ و به دولت دستور می‌دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کنند.

تا دستور ثانوی، من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می‌دانم. و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند، با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده‌اند. من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸۵.

▣ حکم

زمان: ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ / ۲۴ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم

موضوع: تعقیب و دستگیری اشرار در کردستان

مخاطب: رؤسای ستاد ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

به رئیس کل ستاد ارتش، و رئیس کل ژاندارمری [جمهوری] اسلامی، [و] رئیس پاسداران کل انقلاب اکیداً دستور می‌دهم که به نیروهای اعزامی به منطقه کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند، و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم کنند؛ و تمام مرزهای منطقه را با فوریت ببندند که اشرار به خارج نگریزند. و اکیداً دستور می‌دهم که سران اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند. اهمال در این امر، تخلف از وظیفه و مورد مؤاخذه شدید خواهد شد. والسلام.

۲۴ شهر رمضان ۹۹ / ۲۷ مرداد ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ حکم

زمان: ظهر ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ / ۲۵ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم

موضوع: سرکوب عوامل خرابکار حزب دمکرات مخاطب: نیروهای نظامی، انتظامی و مردم

بسم الله الرحمن الرحیم

السّاعه خبر رسید که در سنندج «حزب دمکرات»، آنها ارتشیها و سازمانهای آنها را محاصره کرده‌اند، و اگر تا نیم ساعت دیگر کمک نرسد اسلحه‌ها را می‌برند. و از مسجد سنندج به ما اطلاع داده‌اند که حزب دمکرات زنهای ما را به گروگان برده‌اند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۸۶.

اکیداً به کلیهٔ قوای انتظامی دستور می‌دهم به پادگانهای مراکز ابلاغ کنند که به قدر کافی به طرف سنندج حرکت کنند، و با شدت اشرار را سرکوب نمایند. پاسداران انقلاب در هر محلی هستند به مقدار کافی به طرف سنندج و کردستان با پل هوایی بسیج شوند و با شدت، تمام اشرار را سرکوب نمایند. تأخیر ولو به قدر یک ساعت تخلف از وظیفه، و به شدت تعقیب می‌شود. از ملت ایران می‌خواهم که مراقب باشند هر یک از مأمورین تخلف کردند فوری اطلاع دهند. من انتظار دارم که تا نیم ساعت دیگر از قوای انتظامی به من خبر بسیج عمومی برسد. والسلام.

۲۸ مرداد ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▫ پیام

زمان: بعدازظهر ۲۸ مرداد ۱۳۵۸/ ۲۵ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: تشکر از حضور مردم برای سرکوبی اشرار در کردستان مخاطب: مردم و نیروهای نظامی و انتظامی

بسم الله الرحمن الرحیم

پیرو مسائل پاوه، گروههای بسیار زیادی از اطراف و اکناف کشور آمادگی خود را برای حرکت به منطقه و سرکوبی اشرار اعلام نمودند. من از مردم غیرتمند و برادران عزیزم تشکر وافر می‌کنم. پیرو مسئله سنندج که به اطلاع رسید و به قوای انتظامیه دستور بسیج فوری دادم از قوای انتظامی اطلاع رسید که اقدام مؤثر و فوری شده است. اکنون مطلع شدم که اهالی محترم و برادران غیور کرمانشاه به طور دسته جمعی پیاده به طرف سنندج حرکت کرده‌اند. ضمن تشکر فراوان، از آنان تقاضا دارم به منازل خود مراجعت کنند. به قوای انتظامیه و سپاه پاسداران دستور أکید داده‌ام که

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۶.

غائله کردستان را ختم نموده، و مردم شریف آن منطقه را از دست ضد انقلابیون نجات دهند و آن منطقه را از لوث اشرار خارج و داخل پاک نمایند. از خداوند تعالی سلامت و توفیق همگان را خواستارم. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ / ۲۶ رمضان ۱۳۹۹ **مکان: قم**
موضوع: غیرقانونی بودن حزب دمکرات کردستان **مخاطب: اهالی کردستان**

بسم الله الرحمن الرحیم

اهالی محترم کردستان، دوستان معظم من، پس از پیروزی انقلاب و اعلام جمهوری اسلامی، گروههایی که با اسلام دشمن هستند و از بستگان اجانب می‌باشند شروع به فعالیت بر ضد نهضت اسلامی و بر ضد جمهوری اسلامی نمودند. حتی بعضی از آنها علنی مخالفت کرده و رفراندم را تحریم نمودند و شما برادران دیدید که «حزب دمکرات کردستان» وابستگی مستقیم با امریکا و صهیونیزم دارد. در آستانهٔ تشکیل مجلس خبرگان و پس از راهپیمایی عظیم مسلمین برای قدس، سرکردگان خائن این حزب، جوانان را اغفال نموده و به برادرکشی کشاندند. برادران مسلمان من، شما به تبلیغات فریبندهٔ این مخالفین اسلام که می‌خواهند کشور مسلمان ما را به کفر بکشند گوش ندهید و نگذارید جوانان عزیز ما به دام این منحرفین بیفتند. من از اهالی محترم کردستان تشکر وافر می‌کنم که به تعهد انسانی و اسلامی خود باقی هستند، و از آنان تقاضا می‌کنم که از قوای انتظامی اسلامی پشتیبانی کنند؛ و سران این حزب و مفسدین را در منطقه بگیرند و تحویل مأمورین دهند و بدانند که با این عمل رضای خداوند تعالی و پیغمبر عظیم الشأن اسلام را به دست می‌آورند. «حزب

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۰۷.

دمکرات کردستان» غیر رسمی و غیر قانونی اعلام شد. و چون حزب شیطان است، باید تمام اهالی کردستان به وظیفهٔ شرعیه عمل، و جوانان خود را از عضویت در این حزب منحل ممنوع نمایند و با قاطعیت از توطئه این خیانتکاران جلوگیری و مخفیگاههای سران آنان را به دولت و ارتش اسلامی معرفی کنند. امید است این عمل شما موجب قبولی عبادات در درگاه حق تعالی شود. در خاتمه تأکید می‌کنم که اسلام تنها پناهگاه همهٔ ماست؛ و در زیر پرچم پرافتخار آن؛ همهٔ گروهها به حقوق خود می‌رسند. عوامل اجانب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند، برای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرکشی، قضیهٔ شیعه و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیطنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند. در جمهوری اسلامی همهٔ برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است و برادران کُرد باید این تبلیغات غیراسلامی را در نطفه خفه کنند. از خداوند تعالی وحدت کلمهٔ مسلمین و نابودی منافقین را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲۹ مرداد ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۱ تا ۳۱۲.

◙ حکم

زمان: ۱۳۵۸ هـ ش. / ۱۳۹۹ هـ ق. مکان: قم
موضوع: تقویت نیروهای انتظامی در کردستان
مخاطب: شاکر، محمدحسین (رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران)[1]

بسمه تعالی

با مشورت با شورای انقلاب، هر طور مصلحت است عمل شود؛ و حتی الامکان از درگیری منتهی به کشتار احتراز شود.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

◙ پیام

زمان: ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ / ۲۸ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: وظیفه نیروهای نظامی و انتظامی ـ دعوت از مردم کردستان برای همکاری با جمهوری اسلامی، و...
مخاطب: ملت ایران و اهالی کردستان

بسم الله المنتقم

از مقام رهبری انقلاب و فرماندهی کل قوا اخطار می‌کنم:

۱ ـ اینجانب پشتیبانی خود را از قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری، شهربانی و پاسداران انقلاب اعلام می‌کنم؛ و اجازه نمی‌دهم قلم یا قدمی در تضعیف آنان به کار رود. متخلفین مجرم؛ و در صورت احساس توطئه در دادگاههای انقلابی محاکمهٔ انقلابی می‌شوند. و از این تاریخ هیچ کس و هیچ مقامی حق تضعیف آنان را ندارد.

۲ ـ افراد قوای انتظامی فوق باید اطاعت از مافوق و حفظ سلسله مراتب را بکنند و در صورت تخلف مجرم شناخته می‌شوند و با احساس توطئه، دستور محاکمه در دادگاههای صحرایی را می‌دهم.

---

۱. مجوز فوق از سوی امام بنا به درخواست آقای محمدحسین شاکر، درباره «واگذاری پرسنل ارتشی به منظور تقویت نیروهای انتظامی در کردستان» صادر شده است.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۳.

۳ـ اعتصابات قوای انتظامی اکیداً ممنوع اعلام می‌شود و در صورت تخلف مجرم شناخته می‌شوند؛ و محرکین ضد انقلاب شناخته می‌شوند و در دادگاههای انقلابی به کیفر انقلابی می‌رسند، و با احساس توطئه، دستور دادگاههای صحرایی نسبت به آنان را می‌دهم.

۴ـ اکیداً دستور می‌دهم که قوای انتظامی، بخصوص ارتش و پاسداران انقلاب، هماهنگ باشند و تمام گروههای پاسدار نیز هماهنگ باشند؛ و در سرکوبی اشرار و پاکسازی مناطق، بخصوص کردستان و خوزستان همکاری کنند. متخلفین مجرم، و محرکین محاکمهٔ انقلابی می‌شوند.

۵ـ به اعضای حزب دمکرات، و کردهای غیور و پاکدل که از طرف سران توطئه‌گر این احزاب و خیانتگران به اسلام و ملت اغفال شده‌اند، اعلام می‌شود در صورتی که خائنان را رها کرده و به ملت و به اسلام بپیوندند و خود را به پادگانها و مقامات انتظامی معرفی کرده سلاح خودشان را تحویل دهند، مورد عفو واقع می‌شوند، و اگر سران خائن را دستگیر و تحویل دهند، پاداشی بزرگ به آنها می‌دهم. و در صورتی که در مخالفت با ملت و دولت پایداری کنند به سزای اعمال ضد اسلامی خود می‌رسند و با شدت با آنان عمل می‌شود.

۶ـ به مردم شریف کردستان اعلام می‌کنم که شما را برادر و برابر خود می‌دانیم، و از حقوقی برابر با سایر برادران ایرانی تان در هر کجا که باشید، برخوردار خواهید شد. و در جمهوری اسلامی هیچ فرقی بین ترک، کرد و لُر و عرب و فارس و بلوچ نمی‌باشد. این توطئه گران و وابستگان به اجانب هستند که مانع از اجرای اصلاحات می‌باشند. من از شما مرزنشینان کرد می‌خواهم که با تمام نیرو پشتیبانی از قوای انتظامی نموده و بدخواهان اسلام و کشور را بشدت سرکوب کنید.

۷ـ به مدیر عامل شرکت نفت دستور دادم که با مذاکره با دولت، پول یک روز نفت را به کردستان اختصاص دهند. و دولت موظف است در اسرع وقت، در عرض یک هفته، این امر را انجام دهد و نسبت به سایر استانها نیز اقدام می‌شود و برادران

عزیز کُرد ما را که مورد هجوم اشرار قرار گرفته‌اند مورد توجه قرار دهد.

۸ـ از ملت رزمنده و شریف ایران باید تشکر کنم که با کمال صداقت و شجاعت آمادگی خود را برای سرکوبی اشرار و حفظ سرحدات کشور اعلام داشتند و به پشتیبانی از قوای انتظامی برخاستند. پاسداران و سایر قوای انتظامی، امروز از اسلام و در مسیر اسلام هستند؛ و پشتیبانی از آنان وظیفهٔ شرعی و ملی همگی ماست.

۲۸ شهر رمضان ۹۹ / ۳۱ مرداد ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ / ۲۸ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: پاسخ تلگراف اعلام حمایت از سرکوب ضدانقلاب در کردستان
مخاطب: گلپایگانی، سید محمد رضا (از مراجع عظام تقلید)

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی ـ دامت برکاته ـ مشهد مقدس

تلگراف شریف واصل و موجب تشکر شد. خائنان و استفاده جویان از مال ملت، که خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند، به تلاش افتاده که به خیال خود با سلب آرامش و ایجاد فجیعه و کشتار مسلمین منطقه، مانع از پیشرفت سیاسی و اجتماعی کشور شوند؛ غافل از آنکه ملت به خواست خداوند متعال آنچنان با هوشیاری بپا خاسته و آمادهٔ سرکوبی آنان است که اگر جلوگیری و تقاضای صبر نشود، با بسیج عمومی، ریشهٔ فساد را قطع و به زندگی خائنانهٔ آنان خاتمه می‌دهد. از جنابعالی در تحت قبهٔ مطهر ثامن الائمه ـ علیهم السلام ـ امید دعا برای اسلام و مسلمین دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۶ تا ۳۱۷.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۱۸.

▣ نامه

زمان: ۲شهریور ۱۳۵۸/ ۱شوال ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: پاسخ تلگراف اعلام حمایت از سرکوب ضدانقلاب در کردستان
مخاطب: شیرازی، سیدعبدالله

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای شیرازی ـ مشهد مقدس

تلگراف شریف واصل و موجب تشکر گردید. ما به خواست خداوند متعال با پشتیبانی قاطع ملت عظیم، دست خائنین و وابستگان به آنان را از کشور کوتاه خواهیم کرد. اینانی که خود را عاجز می‌بینند، دست به شایعه افکنی زده و به خیال خام خود می‌خواهند مردم شریف کردستان را در مقابل نیروهای انتظامی قرار دهند. اگر نیروی انتظامی دست به قتل عام زده است، چرا مردم شریف پاوه و سنندج و سایر نقاط از آنان استقبال نموده و آنان را گلباران می‌کنند و از جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌نمایند؟! امید است بدون احتیاج به بسیج نیروی عظیم ملت، نیروهای انتظامی اشرار را قلع و قمع نموده، منطقه و مردم بیگناه را از چنگال این خونخواران نجات دهند. از جنابعالی امید دعای خیر در تحت قبهٔ مطهره دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۲۳.

◙ پیام

زمان: ۶شهریور ۱۳۵۸/ ۵شوال ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: اخطار به سران حزب منحل دمکرات ـ حدود آزادی مطبوعات
مخاطب: نیروهای نظامی و انتظامی و پاسداران

بسم الله الرحمن الرحیم

بدین وسیله مطالب زیر اعلام می‌شود:

۱ ـ هماهنگی در قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران به طور قاطع باید ادامه پیدا کند. متخلفین مجرم شناخته می‌شوند و مؤاخذه می‌گردند.

۲ ـ با سران حزب منحله دمکرات و دیگر سران که خائنان به ملت و کشور اسلامی هستند و قیام بر ضد حکومت مرکزی نمودند با شدت عمل می‌شود و جوانان عزیز و برومند کُرد آنان را گرفته، و تحویل نیروهای انتظامی دهند.

۳ ـ علمای اعلام اهل سنت، مکلفند شرعاً که با قوای انتظامی همکاری کنند و مخفیگاه خائنان را در صورتی که می‌دانند به آنان نشان دهند و با آنان معاملهٔ مرتد از اسلام نمایند تا نزد خدا مسئول نباشند.

۴ ـ من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام نژاد، زبان، قومیت و گروه و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین چه اهل سنت و چه شیعی برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند. از جمله جنایتهایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده‌اند ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است. من از همهٔ برادران اهل سنت تقاضا دارم که این شایعات را محکوم و شایعه سازان را به جزای اعمالشان برسانند.

۵ ـ هیچ کس به هیچ عنوان حق تجاوز به جان و مال برادران کردستان ما را ندارد. متجاوزین شدیداً به جزای اعمال خود می‌رسند.

۶ ـ آن دسته از اعضای حزب منحل دمکرات و سایر برادران ما که به وسیلهٔ تبلیغات باطل سران جنایتکار این حزب اغفال شده‌اند، در صورتی که به برادران

مسلمان خود بپیوندند، اسلحه را زمین گذاشته و تسلیم شوند، باز هم مورد عفو هستند و در امان حکومت جمهوری اسلامی می‌باشند.

۷ـ در عین حال که باید سلسله مراتب در قوای انتظامی دقیقاً مراعات شود و اطاعت از مافوق حتمی است، مافوق موظف است با زیردست رفتار اسلامی انسانی داشته باشد.

۸ـ شایعه سازیهای ضد انقلاب که از چپ و راست برخلاف مسیر ملت می‌شود و دولت را متهم به اختناق می‌کنند، جداً مردود است. ما در طول پیروزی انقلاب گوشزد کردیم که آزادی مطبوعات مورد نظر ماست لیکن از خیانت و توطئه به طور جدی و بدون اغماض، جلوگیری می‌شود. مطبوعاتی که توطئه گر و مخالف مسیر ملت نباشند، پس از تحقیق، آزاد خواهند بود.

۹ـ دادستانهای دادگاهها موظفند که بار دیگر رسیدگی به مطبوعات و حال نویسندگان آنها را بر عهده گیرند و هریک از مطبوعات را که توطئه گر و مخالف مصالح ملت و کشور ندانستند اجازهٔ نشر دهند و از نشریات مخالف مصالح ملت و کشور جداً جلوگیری کنند.

۱۰ـ مردم به هیچ وجه حق ندارند به کتابفروشیها تعرض نمایند در صورتی که دادستان شهرستانها نشریاتی را مضر انقلاب و مصلحت کشور تشخیص دادند موظف به جلوگیری هستند. اشخاص غیرمسئول از دخالت در این امور جداً خودداری کنند و الّا مؤاخذه می‌شوند.

۱۱ـ مطبوعات موظفند از تیترهایی که موجب تحریک و یا تضعیف مردم می‌شود و یا مخالف واقع است خودداری کنند و خود را با مسیر انقلاب تطبیق دهند؛ و نیز از درج مقالاتی که مضر به انقلاب و موجب تفرقه می‌شود خودداری کنند که این خود توطئه محسوب می‌شود. والسلام. روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۵۱ تا ۳۵۲.

▣ فرمان

زمان: ۱۳۵۸ه‍.ش./۱۳۹۹ه‍.ق. مکان: قم
موضوع: رفع محاصره از افراد ارتشی در کردستان مخاطب: بنی صدر، ابوالحسن [۱]

[تلفن از آقای بنی صدر: «یک گردان» تقریباً سیصد نفر» از ارتش ایران، اکنون در یک گردنهٔ کردستان در محاصره‌اند، و تا به حال ۶۵ نفر زخمی شده‌اند. دو راه وجود دارد: یا باید بمب ناپالم بزنیم که تقریباً عواقب تبلیغاتی سوئی دارد و یا اینکه در محاصره باشند و احتمال از بین رفتن همهٔ این گردان وجود دارد تکلیف چیست؟ ... انصاری]

بسمه تعالی

باید این محاصره شدگان را نجات داد؛ هر عواقبی دارد مانع ندارد. [۲]

▣ پیام

زمان: ۱۲ شهریور ۱۳۵۸ / ۱۱ شوال ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: افشای ماهیت سران گروهکها در کردستان و لزوم هوشیاری علما و روحانیون
مخاطب: علما، روحانیون و مردم مسلمان کردستان

بسم الله الرحمن الرحیم

امروز تلگرافی با قید دو فوریت و با اسم [و] امضای هجده نفر از ائمهٔ جماعت و رونوشت برای پانزده مقام از مهاباد واصل شد که در آن اظهار تأسف شده است که اینجانب به واسطه تبلیغات سوء بر ضد کردها و اهل تسنن، بسیج عمومی نموده ام. من با اینکه می‌دانم علمای اعلام کردستان در مهاباد و سایر شهرستانها واقعه را آنطور که هست می‌دانند، و پر واضح است که سران اشرار یا جعل امضا به اسم علما

---

۱. ابوالحسن بنی صدر، در این زمان رئیس جمهور و جانشین فرمانده کل قوا بود. پیغام تلفنی ایشان را آقای محمدعلی انصاری «عضو دفتر امام خمینی» به استحضار امام رسانید.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳٦۷.

نموده‌اند و یا علما و ائمه جماعت را الزام به امضا نموده‌اند، مع ذلک لازم است برای چندمین بار به استحضار علمای اعلام کردستان و برادران کردستانی و سایر طبقات برسانم : این سران خائن چون خود را شکست خورده و مورد تنفر ملت ایران‌دانند، دست به این تشبثات واهی زده‌اند. از اول پیروزی انقلاب تاکنون، در هر موقعیتی که پیش آمده است، اعلام کرده‌ایم که در اسلام کُرد و ترک و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و غیر اینها مطرح نیست. اسلام برای همه است؛ و جمهوری اسلامی حق همهٔ گروهها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد. در عین حال این خائنان به ایران خصوصاً کردستان دست از خیانت و جنایت برنداشته، و طرحهای مسالمت آمیز را با اسلحه‌هایی که از کشورهای خارجی و یا از غارتگری به دست آورده‌اند جواب داده‌اند؛ و برادران ما راکه برای حفاظت برادران کردستانی خود بسیج شده‌اند باکمال بی رحمی و شقاوت به آتش کشیده‌اند و سر بریده‌اند. حتی به برادران کردستانی ما و به کسانی که برای جهاد سازندگی و کمک به کردستان آمده بودند رحم نکردند و آنان را اعدام نمودند. ما به این اشرار می‌گوییم اگر ما بر ضد کُردها بسیج عمومی نمودیم، چرا در شهرستانهای کردستان مثل نقده و سنندج و پاوه و دیگر جاها پس از پاکسازی غیر از برادری رفتار نشده است ؟! و چرا برادران کردستانی ما از ارتش و پاسداران و سایر قوای انتظامی استقبال پرشور کردند و با آغوش باز پذیرفتند؟! و چرا ما که گروهی را برای بازسازی آن منطقه فرستادیم که حوائج برادران اهل سنت را برآورده کرده و با تمام امکان وسایل آسایش و رفاه آنان را فراهم کند؟ آیا ما برادران اهل سنت را دشمن می‌دانیم که بارها و بارها اعلام کرده‌ایم هیچ فرقی بین این دو فرقه نیست؟ ما که تصمیم گرفته‌ایم که آن سامان را به بهترین وجه آباد کنیم و مقدماتش را فراهم کرده‌ایم باکُرد مخالفیم؟ یا شما که اسلحه به دست گرفته و به هیچ چیز و به هیچ کس رحم نمی‌کنید طرفدار کرد هستید؟!

ما بسیج عمومی اگر بکنیم، برای پشتیبانی از برادران کردستانی و استخلاص آنان از اشرار است؛ و به خواست خداوند متعال، شرّ آنان را بزودی دفع، و سران خائن

را شدیداً به جزای اعمالشان رسانده، و با برادران کُرد، حتی آنانی که در حزب منحل دمکرات داخل شده‌اند، اگر به آغوش ملت برگردند، با برادری و برابری رفتار می‌کنیم و همه در پناه اسلام خواهند بود. والسلام علی عبادالله الصالحین.
روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۱۶ شهریور ۱۳۵۸/ ۱۵ شوال ۱۳۹۹[۲]
مکان: قم
موضوع: عفو عمومی در کردستان
مناسبت: سالگرد ۱۷ شهریور «جمعه خونین»
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

خاطرهٔ تلخ ۱۷ شهریور ۵۷ و خاطرهٔ تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت میوه شیرین سرنگونی کاخهای استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده «کل یومٍ عاشورا و کل ارضٍ کربلا»[۳] باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین، عاشورا قیام عدالتخواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحهٔ زندگی است در هرروز و در هر سرزمین. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر. و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مژده ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان، اگر چه با عده‌ای قلیل، علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۸۸ تا ۳۸۹.

۲. تاریخ تحریر پیام که به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور صادر شده است به استناد نسخه دستنویس و روزنامه‌ها، ۵۸/٦/١٦ می‌باشد و در صحیفه نور به اعتبار مناسبت پیام، تاریخ ۵۸/٦/١٧ درج گردیده است.

۳. هر روزی عاشورا و هر زمینی کربلاست.

را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است؛ و مژده که شهادت رمز پیروزی است. ۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید؛ و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با ارادهٔ مصمم و مشت محکم، بقایای رژیم ستمکار و توطئه‌گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم.

غائلهٔ کردستان، به دست مشتی از خدا بی‌خبر مزدور که از اسلحه اجنبی برخوردار و از پشت مرزها الهام می‌گرفت، با قیام دلاورانهٔ قوای انتظامی و پاسداران انقلاب درهم پیچید؛ و سرکردگان مفسد و وابسته به اجانب در گریزگاهها پنهان، و جوانان فریب خورده ای را به جای گذاشتند. ما به طوری که کراراً اعلام کردیم، بجز سران جنایتکار و آنان که در خیانت و جنایت با آنان شریک بودند، از دیگر جناحها، حتی گول خوردگانی که در حزب دمکرات وارد شده‌اند، در صورتی که سلاحهای خود را به مقامات انتظامی بسپارند، با برادری رفتار و عفو عمومی نمودیم. این اصل عمومی شامل قشرها و برادران کردستانی است. همه از پناهگاهها بیرون بیایند و به برادران خود ملحق شوند، و به زندگی عادی خود ادامه دهند. دولت جمهوری اسلامی در رفع گرفتاریهای آنان و ترمیم خرابیها و سازندگی عقب ماندگیها کوشا خواهد بود.

برادران کُرد من، به تبلیغات وابستگان «حزب دمکرات» اعتنا نکنید؛ و در شهرها به حال عادی خود برگردید و هیچ ترسی نه از ناحیه دولت و نه از ناحیه خرابکاران به دل راه ندهید، که دولت دوستدار شما و خرابکاران قدرت را از دست داده و مدفون شده و خواهند شد. از خداوند متعال رحمت و مغفرت برای شهدای اسلام و صبر و اجر برای بازماندگان آنان و سعادت و سلامت برای ملت بزرگ

خواهانم. والسلام علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[1]

◙ پیام

زمان: ۲۶آبان ۱۳۵۸ / ۲۶ذی‌الحجه ۱۳۹۹ **مکان: قم**
موضوع: تذکرات به مردم مسلمان کردستان **مخاطب: خواهران و برادران کُرد**

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر خواهران و برادران کُرد، که با وفاداری خود به اسلام و جمهوری اسلامی از توطئهٔ خائنین به کشور جلوگیری کردید. گزارشهای هیأت ویژه همان طور بود که متوقع از برادران و خواهران کُرد بود، که هرگز خود را از اسلام و ایران جدا نمی‌دانند. و آنچه بدخواهان به آنان نسبت می‌دهند چیزی جز افساد و توطئه گری نیست. اکنون من باید به شما برادران و خواهران کُرد و سایر برادران مطالبی را تذکر دهم:

۱ ـ در این موقع حساس، که ملت ما با چپاولگران که در رأس آنها امریکا است مواجه است و برای احقاق حق خود و به دست آوردن ذخایر هنگفتی که محمد رضا پهلوی به غارت برده و به محاکمه کشیدن این جانی قیام نموده، و همه قشرهای ملت با هم در این امر حیاتی متحد و هم صدا شده‌اند، برادران و خواهران کُرد ما هر جا هستند باید به طور اولویت در این امر شرکت کنند و با سایر خواهران و برادران هماهنگ شوند؛ و لازم است از اختلافاتی که بدخواهان ایجاد می‌کنند به طور قاطع جلوگیری کنند. برادران من ! امروز هر اختلافی به نفع امریکا و دیگر اجانب است. آنان هستند که از اختلاف ما بهره گیری می‌کنند و ما را می‌خواهند به اسارت بکشند. بپاخیزید، و توطئه گران را نصیحت کنید؛ و در صورت عدم قبول، از خود برانید و از مناطق خود بیرون کنید؛ یا آنان را گرفته تسلیم مقامات دولتی کنید.

۲ ـ اینجانب و همهٔ ملت از ستمهایی که به شما برادران کُرد در طول حکومت

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ٤٤٥ تا ٤٤٦.

استبدادی شده است و از تبعیضهایی که بر خلاف اسلام بر شما روا داشته‌اند مطلع هستیم.

لکن باید بدانید که این شما برادران نبودید که مورد ستم و ظلم واقع شدید؛ سایر برادران ترک و لر و عرب و بلوچ و فارس و ترکمن هم با شماها شریک بودند و همه محروم بودند از آنچه شما محروم بودید. شما اگر به زاغه نشینان و گود نشینان تهران توجه نمایید، خواهید دید آنان از همه محرومترند. اینجانب می‌دانم که در حکومت موقت هم آنطور که خواست شما و ملت است رسیدگی نشده. لکن باید بدانید باز در این امر همه برادران شما شریک می‌باشند؛ و دولت موقت با کمال جدیت اشتغال به کار و سامان دادن بود؛ لیکن آشفتگیها به قدری زیاد است که اصلاح محتاج به زمان است. و من امیدوارم که برای همه ملت و برای شما برادران کُرد، وسائل رفاه حاصل شود.

۳ـ شما برادران می‌دانید که نوسازی و عمران در محیطی که آشفته است و مردم در امان نیستند مشکل یا غیر ممکن است. شما برادران عزیز کوشش کنید و آرامش را حفظ کنید. و بدانید که با آرامش کارها اصلاح می‌شود؛ و به صلاح شما و به صلاح اسلام و مسلمین است.

۴ـ از هیأت ویژه می‌خواهم که به مذاکرات خود باکمال حسن نیت ادامه دهند؛ و با شخصیتهای مذهبی و سیاسی و ملی و سایر قشرها تماس بگیرند، تا تأمین خواسته‌های آنان که خواست ما نیز هست به طور دلخواه بشود؛ و آرامش و امن که از بزرگترین نعمتهای الهی است در منطقه برقرار گردد؛ و شما برادران کُرد در کنار سایر برادران به طور رفاه و آسایش زندگی نموده، و طمع اجانب برای همیشه از کشورمان قطع شود.

۵ـ اسلام بزرگ تمام تبعیضها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده؛ و تقوا و تعهد به اسلام، تنها کرامت انسانهاست. و در پناه اسلام و

جمهوری اسلامی، حق ادارهٔ امور داخلی و محلی و رفع هر گونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است، من جمله برادران کرد، که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می‌باشد. و مقررات و قوانین مربوط به آن بزودی إن شاءالله تعالی تدوین می‌شود.

۶ـ اخیراً باز نظر شریف علمای اعلام و مشایخ عظام و روشنفکران و سایر برادران عزیز در سراسر ایران را به موضع حساس امروز ایران و جبهه گیریهای دشمنان میهن و اسلام در مقابل ملت عزیز و تشبثات همه جانبهٔ آنان برای سرکوبی نهضت اسلامی و ملت معظم و برای اعادهٔ سلطهٔ همه جانبه بر کشور اسلامی ما جلب می‌کنم. آیا در این موقع تقاضای متواضعانه این خدمتگزار، که روزهای آخر عمرش را می‌گذراند، بجا نیست ؟!

۷ـ خواهران و برادران هم میهن در سراسر کشور! من دست خود را پیش شما دراز می‌کنم و از شما به خاطر خدا و اسلام و کشور، عاجزانه می‌خواهم که تمام توان خود را برای نجات کشورتان به کار برید؛ و اسلحه‌های سرد و گرم یعنی قلم و بیان و مسلسل را از نشانه گیری به روی یکدیگر منحرف، و به سوی دشمنهای انسانیت که در رأس آن امریکاست نشانه روید.

بار الها! من مأموریت خود را که نصیحت به ملت است به قدر توان ضعیف خود انجام دادم. و تو، ای خدای بزرگ، با قدرت لایزال خود، قلوب ملت ما را پیوند برادرانه عطا نما. انک قریب مجیب.[۱] سلام گرم من به ملت عزیز و برادران کُرد، و رحمت خداوند بر همه.

۲۶ ذی الحجه ۹۹ / ۲۶ آبان ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. بدرستی که خدایا تو به همه نزدیکی، و دعای خلق را اجابت می‌کنی.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۵۵ تا ۵۷.

برخوردهای دیگر

■ **نامه**

زمان: ۳۰بهمن ۱۳۶۶/ ۱رجب۱۴۰۸ — **مکان: تهران، جماران**

موضوع: ارزیابی عملکرد «نهضت آزادی» — **مخاطب: محتشمی، سیدعلی اکبر (وزیر کشور)**

[بسمه تعالی؛ محضر مقدس رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی آیت الله العظمی امام خمینی ـ دام ظله العالی ـ با عرض سلام و تحیات.

نهضت آزادی پس از استعفا و برکناری دولت موقت پیوسته در جهت اعلام مخالفت با دولت جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی، و حتی قوهٔ قضاییه و مغشوش کردن اذهان بوده است.

مسئولین نهضت با سمپاشیهای خود نسبت به سیاستهای دولت، دفاع مقدس و جنگ، مسئله برائت از مشرکین و فاجعه خونین مکه مکرمه، جهاد مالی و تصمیمات شورایعالی پشتیبانی جنگ و بالأخره فرمایشات اخیر حضرت امام روحی فداه راجع به حکومت و ولایت مطلقه، در جهت مبارزه و تضعیف نظام جمهوری اسلامی گام برداشته‌اند.

با توجه به اهمیت و نقش سرنوشت ساز مجلس شورای اسلامی نهضت آزادی در ماههای اخیر فعالیت گسترده ای را جهت به اجرا درآمدن قانون احزاب و آزادی فعالیت سیاسی آنان و نیز حرکت تبلیغاتی گسترده ای راجع به انتخابات و راه

یافتن به مجلس را آغاز کرده است.

آقای دکتر یزدی در جلسه مورخ ۶۶/۱۰/۵ نهضت آزادی راجع به شرکت در انتخابات و نقش نهضت آزادی چنین می‌گوید:

«... برگزاری انتخابات مستلزم وجود جامعه باز است، اگر رفتیم واقعاً مفید خواهیم بود و نخواهیم گذاشت این فتاوی را به زور بر مردم تحمیل کنند، شخصی که از طرف نهضت به مجلس برود مسلماً از این توپ و تشرها جا نخواهد زد، اگر قرار باشد مملکت را با «فتوا» اداره کنند، بنده پیشنهاد می‌کنم که، مجلس را ببندند و خوابگاه دانشجویان کنند».

دیدگاه نهضت آزادی راجع به جنگ و دفاع مقدس در بیانیه ای تحت عنوان «جنگ بی‌پایان» چنین است :

«... آنچه فعلاً دیده می‌شود جنگی است بی‌پایان که می‌تواند پایان دنیا باشد، پایان ایران و مردم ایران باشد...، گفته‌اند حتی اگر یک خانه هم در ایران سرپا بماند، باز به جنگ ادامه خواهیم داد و اگر یک نفر باقی بماند، آن یک نفر هم جنگ خواهد کرد، آیا این مترادف با چیزی جز «جنگ جنگ تا نابودی» هست ؟».

نهضت آزادی راجع به «حکومت و ولایت مطلقه» اطلاعیه ای منتشر کرده که در آن آمده است :

«این چه فرمانی است و چه انقلابی در ایران و اسلام، که حکومت را در موضع بالاتر از فرستادهٔ خدا قرار داده به او اختیار می‌دهد بر خلاف نص صریح و شاورهم فی الامر و بدون مشورت با امت تصمیم گیری در مصالح دولت و امور ملت نماید... الخ».

با عنایت به مراتب فوق خواهشمند است ارشاد فرمایید که:

۱ ـ آیا نهضت آزادی با چنین عقاید و تفکراتی می‌تواند به عنوان یک سازمان حزب و تشکیلات سیاسی در جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شود؟

۲ ـ در حالیکه مادهٔ سی قانون انتخابات از جمله شرایط تأیید صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی را:

الف) اعتقاد و التزام عملی به اسلام.

ب) اعتقاد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران.

می‌داند. آیا نهضت آزادی صلاحیت دارد که در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت نموده و نماینده ای در مجلس داشته باشد؟

در پایان از درگاه خداوند متعال طول عمر آن وجود شریف و مقدس و پیروزی عاجل رزمندگان اسلام را مسئلت می‌دارم.

سید علی اکبر محتشمی «وزیر کشور»

امام خمینی در پاسخ نامه وزیر کشور چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای محتشمی، وزیر محترم کشور ـ ایّده الله تعالی

در موضوع نهضت به اصطلاح آزادی مسائل فراوانی است که بررسی آن محتاج به وقت زیاد است. آنچه باید اجمالاً گفت آن است که پروندهٔ این نهضت و همین طور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت می‌دهد که نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به امریکا است، و در اینباره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است؛ و حمل به صحت اگر داشته باشد، آن است که شاید امریکای جهانخوار را، که هرچه بدبختی ملت مظلوم ایران و سایر ملتهای تحت سلطهٔ او دارند از ستمکاری اوست، بهتر از شوروی ملحد می‌دانند. و این از اشتباهات آنها است.

در هر صورت، به حسب این پرونده‌های قطور و نیز ملاقاتهای مکرر اعضای نهضت، چه در منازل خودشان و چه در سفارت امریکا و به حسب آنچه من مشاهده کردم از انحرافات آنها، که اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت

موقت باقی مانده بودند ملتهای مظلوم بویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال امریکا و مستشاران او دست و پا می‌زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می‌خورد که قرنها سر بلند نمی‌کرد، و به حسب امور بسیار دیگر، نهضت به اصطلاح آزادی صلاحیت برای هیچ امری از امور دولتی یا قانونگذاری یا قضایی را ندارند؛ و ضرر آنها، به اعتبار آنکه متظاهر به اسلام هستند و با این حربه جوانان عزیز ما را منحرف خواهند کرد و نیز با دخالت بیمورد در تفسیر قرآن کریم و احادیث شریفه و تأویلهای جاهلانه موجب فساد عظیم ممکن است بشوند، از ضرر گروهکهای دیگر حتی منافقین این فرزندان عزیز مهندس بازرگان، بیشتر و بالاتر است.

«نهضت آزادی» و افراد آن از اسلام اطلاعی ندارند و با فقه اسلامی آشنا نیستند. از این جهت، گفتارها و نوشتارهای آنها که منتشر کرده‌اند مستلزم آن است که دستورات حضرت مولی الموالی امیرالمؤمنین را در نصب ولات و اجرای تعزیرات حکومتی که گاهی بر خلاف احکام اولیه و ثانویهٔ اسلام است، بر خلاف اسلام دانسته و آن بزرگوار را نعوذبالله تخطئه، بلکه مرتد بدانند! و یا آنکه همهٔ این امور را از وحی الهی بدانند که آن هم بر خلاف ضرورت اسلام است.

نتیجه آنکه نهضت به اصطلاح آزادی و افراد آن چون موجب گمراهی بسیاری از کسانی که بی‌اطلاع از مقاصد شوم آنان هستند می‌گردند، باید با آنها برخورد قاطعانه شود، و نباید رسمیت داشته باشند.

والسلام علی من اتبع الهدی. توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٧٩ تا ٤٨٢.

فتوای قتل سلمان رشدی

▣ حکم

زمان: ۲۵ بهمن ۱۳۶۷/ ۷ رجب ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: فتوای قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی
مخاطب: مسلمانان جهان

بسمه تعالی

انا لله و انا الیه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است إن شاءالله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۶۳.

▣ اطلاعیه

زمان: ۲۹بهمن ۱۳۶۷/ ۱۱رجب ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: اطلاعیه دفتر امام خمینی در مورد وجوب قتل سلمان رشدی، و تکذیب شایعات
مخاطب: ملت مسلمان ایران و مسلمانان جهان

بسمه تعالی

[رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسئولین نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسندهٔ کتاب آیات شیطانی توبه کند حکم اعدام دربارهٔ او لغو می‌گردد. امام خمینی مد ظلّه فرمودند:]

این موضوع صددرصد تکذیب می‌گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی همّ خود را به کار گیرد تا او را به درک واصل گرداند.

[حضرت امام اضافه کردند:]

اگر غیر مسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریعتر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جایزه و یا مزد عمل به او بپردازند.(۱)

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲٦۸.

▣ نامه

زمان: ۹بهمن ۱۳۶۷/ ۲۱جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: اعتراض شدید به پخش برنامه توهین به مقدسات از رادیو
مخاطب: هاشمی، محمد (مدیرعامل صدا و سیما)

بسمه تعالی

آقای محمد هاشمی، مدیرعامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی

باکمال تأسف و تأثر روز گذشته[۱] از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می‌گردد، و دست‌اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلاشک فردتوهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از اینگونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه‌ها قوه قضاییه اقدام می‌نماید.[۲] ۶۷/۱۱/۹

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. شنبه ۸ بهمن.

۲. پس از ارسال نامه امام خمینی، تلفنگرامی از سوی آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی «رئیس دیوانعالی کشور» به این شرح مخابره شد:

(بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی

درباره محکومیت مسئولین چهارگانه پخش الگوی زن، من با قاضی محکمه صحبت کردم جرم آنها تسامح و سهل‌انگاری در انجام وظیفه خطیری است که در عهده دارند و از نظر قضایی با توجه به حساسیت مسئولیت، مجازات نامتناسب نیست ولی گفته می‌شود این افراد خدمتگزاران خوبی هستند و قرینه ایی بر سوءنیت موجود نیست و این ایام هم به وجود آنها نیاز است به نظر می‌رسد این برخورد موجب تنبه آنان شود که دیگر این قبیل سهل انگاریها تکرار نشود. بنده درخواست عفو آنها را از همه مجازاتهای تعیین شده در حکم از حضورتان دارم. ٦٧/١١/١٢ عبدالکریم موسوی) (بسمه تعالی. خدمت حضرت امام متن قرائت شد، فرمودند: عفو نمودم. ٦٧/١١/١٢ انصاری)

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۵۱.

◘ پیام

زمان: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۲/ ۲۰ رجب ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: دستگیری سران حزب توده و تجلیل از خدمات سربازان گمنام اسلام در وزارت اطلاعات و...
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اگر فاتحان دنیا افتخار می‌کنند به سرباز گمنام، اسلام بزرگ و ملت شریف و فاتحان عزیز ما افتخار می‌کنند به هزاران سرباز گمنام بزرگواری که در پی نام و نشان نیستند و برای کشور اسلامی خویش و اسلام عزیز و ملت انسانپرور افتخاراتی می‌آفرینند معجزه آسا و پیروزیهای ژرف. فرق است بین سرباز گمنامی که قدرتهای مادی دنیا به آن فخر می‌فروشند و بین سربازان گمنامی که پروردهٔ اسلام و مکتب توحید است، که انگیزهٔ آنان تحصیل قدرت و اکثراً ستمکاری است و انگیزهٔ اینان خدا و طلب حق است.

اساساً سربازان اسلام، اگرچه نامدار باشند، در این جهان گمنامند. نامدارترین سرباز فداکار در اسلام، امیرالمؤمنین است و او گمنامترین سرباز است. با کدام تفکر عرفانی، فلسفی، سیاسی و کدام قلم و زبان و بیان، بشر این سرباز گمنام را معرفی کند و بشناسد و بشناساند؟ و مطلب با حفظ مراتب همین است.

سربازان گمنام ما در تمام جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها که شب و روز و جوانی و هستی خود را برای اسلام و مکتب الهی فدا می‌کنند و نام و نشانی نمی‌خواهند و ندارند، چه بسا که به سبب ضرورت تشکیلاتی، همسران و مادران و نزدیکان آنان ندانند که اینان چه حماسه‌ها می‌آفرینند و چه ارزشها برای انقلاب خلق می‌کنند. از جبهه‌ها که کم و بیش مسائل آنها و حماسه‌های سرفرازانهٔ آنان را می‌دانید و تا در سنگرهای آنان که مراکز عبادت الله است نروید و دستی از دور بر آتش داشته باشید، عمق فداکاری و محافل عرفانی الهی آنان معلوم نمی‌شود، که بگذریم، جوانان ارجمند و عزیز ما در جبهه‌های داخلی از عمق جنگلهای وسیع تا بیغوله‌ها و

پناهگاههای بزرگ منحرفان غافل از خدا، از دمکرات و کومله تا منافقین و فدایی خلق و حزب خلق به اصطلاح مسلمان تا حزب توده و سایر گروهکهای کوچک و بزرگ را با فداکاریها و خداطلبیها آنچنان قلع و قمع کردند که دنیا را با همهٔ دشمنیها که دارند به اعجاب و تحیّر درآوردند. توجه به کارآمدی امنیتی و اطلاعاتی این جوانان گمنام پاسدار و بسیج و کمیته و دادستانی و دیگر دلباختگان در راه خدا در به دام انداختن سران خیانتکار حزب توده که چون مار پر خط و خال در براندازی اسلام فعالیت منافقانه داشتند و هر یک سابقه‌های طولانی بیست ـ سی ساله در جهات تشکیلاتی و اطلاعاتی و جاسوسی داشته‌اند و از تخصص در این امور بهره وافی داشتند. موجب سرفرازی امت اسلامی است که چنین فداکارانی دارد و اعجاب و تحیّر دستگاههای جاسوسی و اطلاعاتی سراسر جهان است و این اعجاز جز به هدایت حق تعالی و عنایات خاصه ولی الله الاعظم ـ ارواحنا فداه ـ صورت نگرفته است. ملت ایران از این پیروزی با ابعاد مختلفه خصوصاً سیاسی آن باید قدردانی و تشکر کنند و در تقویت جمیع سلحشوران مرزها و داخل کشور کوشا باشند. کمال بی‌انصافی است که کس یا کسانی به واسطهٔ عقده‌های بیهوده از این نگهبانان اسلام و حافظان کشور اسلامی خرده بگیرد.

بار الها! ما تو را به این نعمتها که نصیب ما فرمودی و ما را از کید و خیانت بدخواهان به وسیلهٔ جوانان عاشق خود حفظ فرمودی شکر می‌کنیم و از عهدهٔ آن برنمی آییم. بار الها! این عزیزان مجاهد فی سبیل الله را برای ملت ما حفظ فرما و به شهدای آنان رحمت و به بستگان آنان خصوصاً مادران و پدران و همسران آنان صبر و خیر و برکت عنایت فرما.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤٢١ تا ٤٢٢.

▣ پیام

زمان:مرداد ۱۳۵۶/شعبان ۱۳۹۷ مکان:نجف
موضوع:ابراز تنفر از خائنین و منحرفین مخاطب:عمومی

[محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی ـ مدظله العالی. محترماً به عرض می‌رساند به طوری که خاطر مبارک مستحضر است، اخیراً حملات ناروایی به دین مقدس اسلام مخصوصاً به طریقهٔ حقهٔ مذهب تشیع که روح اسلام است، از ناحیه کمونیستها و پیروان مکتب مارکس و منحرفین از مقام ولایت امیرالمؤمنین و اولاد معصومین بزرگوار ـ علیهم السلام ـ و نسبت به احکام دین مقدس اسلام، و توهین به مقام شامخ روحانیت از نواحی مختلف می‌گردد و متأسفانه عده‌ای از اینان خود را وابسته به حضرتعالی معرفی نموده و جزء هواداران آن جناب می‌دانند. متمنی است نظر مبارک خود را دربارهٔ این موضوعات و اینگونه افراد با کمال صراحت مرقوم فرموده تا رفع هر گونه ابهام و سوءتفاهمی بشود.]

بسمه تعالی

اینجانب کراراً نظر خود را در این نحو موضوعات گفته و نوشته ام. بعید به نظر نمی آید که دستجاتی که در ایران اشتغال به فعالیتهای ضد اسلامی و ضد مذهبی دارند، با اختلاف اسم و روش، گروههای سیاسی باشند که با دست اجانب برای تضعیف اسلام و مذهب مقدس تشیع و مقام عظیم روحانیت به وجود آمده باشند، برای انصراف ملت از مصالح روز. این جمعیتها در یک امر مشترک هستند و آن خیانت به کشور اسلامی و کوبیدن پاسداران آن و چون دشمنان اسلام و غارتگران ملل ضعیف، مصالح خود را با نفوذ روحانیت که یگانه حافظ قرآن کریم و احکام نجات بخش اسلام است در خطر می‌بینند ناچار برای حفظ مصالح استعماری خود دست به ایجاد احزاب انحرافی وابسته و گروههای به ظاهر منتحل[1] به اسلام و در

---

۱. منسوب.

حقیقت مخالف با آن زده‌اند.

اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال دست‌نشانده آنها چه راستی و چه چپی و روحانیت که حافظ آن است سدی است که با وجود آن، اجانب نمی‌توانند به نحوی که دلخواه آنهاست، با کشورهای اسلامی و خصوص با کشور ایران رفتار کنند، لهذا قرنهاست که با نیرنگهای مختلف برای شکستن این سد نقشه می‌کشند: گاهی از راه مسلط کردن عمال خبیث خود بر کشورهای اسلامی، و گاهی از راه ایجاد مذاهب باطله و ترویج بابیت و بهاییت و وهابیت، و گاهی از طریق احزاب انحرافی. امروز که مکتب بی‌اساس مارکس با شکست مواجه است و بی‌پایگی آن برملا شده است، عمال اجانب که خود بر ضد مکتب آن هستند در ایران از آن ترویج می‌کنند. برای شکستن وحدت اسلامی و کوبیدن قرآن کریم و روحانیت در ایران که مهد تربیت اهل بیت عصمت و طهارت است و با زنده بودن این مکتب بزرگ هرگز اجانب غارتگر به آرزوی غیرانسانی خود نمی رسند، ناگزیر هستند مذهب مقدس تشیع و روحانیت را که پاسداران آن هستند به هر وسیله تضعیف کنند و بکوبند. اُکْذُوبه[1] انتساب بعضی از این منحرفین را به اینجانب نیز از همین قماش است.

من صریحاً اعلام می‌کنم که از این دستجات خائن، چه کمونیست و چه مارکسیست و چه منحرفین از مذهب تشیع و از مکتب مقدس اهل بیت عصمت -علیهم الصلوة و السلام- به هر اسمی و رسمی باشد متنفر و بیزارم و آنها را خائن به مملکت و اسلام و مذهب می‌دانم.

و بدخواهان و مغرضین بدانند با این دروغها و حیله‌ها نمی‌توانند بین روحانیون خلاف ایجاد کنند. کسانی که به روحانیون منتسب هستند و از اسلام و

---

۱. سخن دروغ و بی‌اساس؛ جمع آن اکاذیب است.

مذهب دفاع می‌کنند، لازم است از این دستجات مفسده جو تبرّی کنند و از مقام شامخ روحانیت دفاع کنند و از تفرق و اختلاف احتراز کنند، و با هوشیاری نیرنگهای اجانب را خنثی کنند. از روحانیون عظیم الشأن تقاضا دارم که با طبقات جوان به چشم عطوفت و پدری نظر کنند؛ و بر طبقات جوان است که در حفظ روحانیت و روحانیون معظم کوشا باشند.

و اخیراً لازم است تذکر دهم که نویسندگان و متفکران محترم از تأویل و تفسیر قرآن کریم و احکام اسلام با آرای خود جدّاً خودداری کنند. و از جمیع طبقات ایّدهم الله تعالی تقاضا دارم که با حفظ وحدت کلمه، راه را بر دشمنان اسلام که دشمن بشریت هستند ببندند، و از خداوند تعالی جلت عظمته خواستارم که قطع ریشهٔ اجانب و عمال خبیث آنان را از ممالک اسلامی و از کشور اهل بیت بفرماید؛ «انه ولی الامر». سلام من بر روحانیون عظیم الشأن و بر طبقات مؤمنین ـ ایّدهم الله تعالی.

شهر شعبان ۹۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۳/ ۱۳ شعبان ۱۴۰۴ — مکان: تهران، جماران

موضوع: جایگاه رفیع شورای نگهبان و خطر تضعیف آن — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

چنانچه مشاهده می‌شود پس از انتخابات مرحله اول از دوره دوم مجلس شورای اسلامی، افرادی که نظریهٔ شورای محترم نگهبان در ابطال یا تأیید بعضی حوزه‌ها موافق میل شان نبوده است دست به شایعه افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان ـ ایدهم الله تعالی ـ را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند،

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۰۳ تا ۲۰۵.

تضعیف و یا خدای ناکرده توهین می‌نمایند و به پخش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست زده‌اند غافل از آنکه پیامد چنین اعمال و جوسازی‌ها آن هم در دوره دوم مجلس و نگذشتن سالی چند از انقلاب چه خواهد بود. امید است چنین اعمال، بی‌توجه به نتایج ناروا و أسف بار آن باشد.

معلوم نیست در صدر مشروطیت در دورهٔ اول بافقهای ناظر به قوانین این نحو عمل شده باشد. در آن زمان به تدریج فقها را از مجلس بیرون راندند و به سر این ملت آن آوردند که دیدیم.

من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان امری خطرناک برای کشور و اسلام است. همیشه انحرافات به تدریج در یک رژیم وارد می‌شود و در آخر، رژیمی را ساقط می‌نماید. لازم است همه به طور أکید به مصالح اسلام و مسلمین توجه کنیم و به قوانین، هر چند مخالف نظر و سلیقهٔ شخصی‌مان باشد احترام بگذاریم و به این جمهوری نوپاکه مورد هجوم قدرت‌ها و ابرقدرت‌هاست وفادار باشیم.

در خاتمه باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنائی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنان و حفظ مقامشان را لازم می‌دانم و امید آن دارم که این نحو امور تکرار نشود. و به شورای نگهبان تذکر می‌دهم که در کار خود استوار باشید و با قاطعیت و دقت عمل فرمایید و به خدای متعال اتکال کنید. از خداوند تعالی عنایت و رحمت برای ملت عزیز را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۳۱ و ۴۳۲.

▣ پیام

زمان: ۲۸ آبان ۱۳۶۴ / ۶ ربیع الاول ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: هشدار به نمایندگان مجلس برای خودداری از طرح مسائل مخالف با مصالح کشور در نطقهای قبل از دستور
مخاطب: نمایندگان مجلس شورای اسلامی

بسمه تعالی

جای بسی تأسف است که مجلس محترم شورای اسلامی، که اولیٰ به حفظ آبروی جمهوری اسلامی است، و در حال حاضر که جهان استکبار و بستگانشان بر ضد اسلام و مصالح کشور اسلامی کوشش بی‌وقفه دارند، در نطقهای مجلس ناخودآگاه یا خدای نخواسته با آگاهی و برای اغراض غیر انقلابی کوشش در پخش مطالبی مربوط به دولت و ادارات دولتی می‌کنند که در پیش شنوندگان بیخبر انعکاس آن، چنان مأیوس کننده است که گویی ادارات دولت اسلامی به طور دسته جمعی مشغول غارت مردم و رشوه گیری و دزدی و مخالفت با توده‌های ضعیف در کاغذبازی و رفیق بازی و هزاران جنایت دیگر هستند. و هر کس این مسائل را می‌شنود و بیخبر است گمان می‌کند نزدیکی به ادارات دولتی بی‌رشوه دادن و بدون رابطه، غیر مجاز است. و این امر باعث سستی مردم بعض مناطق کشور در شرکت در نماز جمعه و در جبهه‌ها شده است، که اخبار آن به اینجانب می‌رسد. آقایان می‌دانند که اگر در یک اداره بعض اشخاص تخلفاتی داشته باشند و به طور عمومی به کارمندان و ادارات دولتی نسبت ناروایی دهند، ارتکاب معصیت کبیره شده و در پیشگاه خداوند جواب لازم دارد. اگر بعض آقایان تحت تأثیر تبلیغات فاسد قرار گرفته‌اند و بدون تحقیق مطالبی آنچنان تند و بیحساب بگویند، با دست خود تیشه به ریشه انقلاب و بالأخره اسلام می‌زنند. اینجانب نصیحت به آقایان را از حقوق برادری ایمانی می‌دانم. و تأکید می‌کنم که در مسائلی که به حیثیت جمهوری اسلامی لطمه می‌زند و آبروی قشر بسیار زحمتکش را که با حقوق ناچیز کار می‌کنند می‌ریزد و ملت را به دولت خدمتگزار و ادارات مظلوم بدبین می‌کند و ممکن است انعکاس آن

موجب شکست سیاسی بلکه نظامی برای کشور اسلامی باشد، به مجرد گزارشهای فاسد و غرض آلود مشتی شکست خورده طرح این مسائل را نکنید و وجهۀ جمهوری اسلامی و اسلام را مشوّه جلوه ندهید. بلکه به حسب موازین شرعیه، اگر کسی مطلع باشد که یک نفر مشخص خلاف کرده و متجاهر به فسق[۱] نباشد، افشای آن فسق مخالف شرع است. و اگر در ادارات یا جای دیگر کسی مرتکب گناهی شد، نباید در ملأعام افشا نمود؛ بلکه باید به محاکم صالحه و مقامات ذی ربط اطلاع داد تا جلوگیری و مجازات شود. و مجرد وکالت، مصحّح خلاف شرع نیست. شما ملاحظه کنید که برای ملاقات این دو نفر مستکبر جهانخوار[۲]، که خود را در جوامع مستضعفین و ملتها شکست خورده می‌بینند، چندین ماه است چه تبلیغات وسیعی می‌کنند که دنیا را اغفال کنند و شکست سیاسی خود را جبران نمایند، و بر دنیا تحمیل کنند که جز در پناه این دو قدرت نمی‌توان زندگی کرد. و ما که کشورمان از آن فسادها و فحشاها و چپاولگریها و وابستگیها با تأیید خدای تعالی و همت ملت بزرگوار نجات یافته و اکنون در دنیا کشوری به این صلاح و سداد نخواهید یافت، با دست خود گور خود و انقلاب را می‌کنیم. و بالأخره چرا دیگران در باطل خود متفقند، و ما در حق خود متفرق. من با کمال تأییدی که از مجلس محترم می‌کنم، میل دارم این مجمع اسلامی، معلّم اخلاق و آداب اسلامی باشد؛ و انتقادات این نحو زننده نباشد که در بوقهای تبلیغاتی خارج بهانۀ بیشتری برای شایعه سازی شود. خداوند به همه آقایان توفیق دهد.

والسلام علیکم و رحمة الله.

۶ ربیع المولود ۱۴۰۶

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. کسی که کار زشت و فسق را آشکارا و در انظار عمومی انجام دهد.

۲. اشاره به ملاقات رونالد ریگان «رئیس جمهور امریکا» و گورباچف «رئیس اتحاد جماهیر شوروی».

۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۴۲۱ و ۴۲۲.

▣ سخنرانی

زمان: صبح ۲۹ آبان ۱۷/۱۳۶۵ ربیع الاول ۱۴۰۷ مکان: تهران، حسینیه جماران
موضوع: تأثیر بیداری ملت بر تبلیغات دامنه دار دشمنان
مناسبت: میلاد پیامبر اکرم (ص) و ولادت امام جعفر صادق (ع)، هفته وحدت
حضار: کروبی، مهدی (نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید)، خانواده‌های شهدا، مفقودان، اسرای اهل تشیع و تسنن استانهای کردستان، باختران، آذربایجان غربی، مناطق گنبد، بندر ترکمن و تهران، رحمانی، محمد علی (سرپرست بسیج مستضعفان)، مسئولان قضایی ارتش، مسئولان اعزام بزرگ سپاه محمد (ص)

بسم الله الرحمن الرحیم

رسوایی امریکا در طرح رابطه با ایران

امروز که از اعیاد بسیار بزرگ اسلام است به همه ملتهای محروم اسلامی و همه مستضعفین جهان و ملت بزرگوار خودمان تبریک و تهنیت عرض می‌کنم.

این عید بزرگ، سرمنشأ تمام برکات در عالم است و مرکز وحدت مسلمین در جهان است. من نمی‌توانم راجع به برکات این عید، امروز با وقت کم عرضی بکنم. امید است که گویندگان و نویسندگان در این امر اهتمام کنند و برکات تولد این دو بزرگوار را گوشزد کنند. آنچه که من امروز می‌خواهم عرض کنم، این است که ما در روزی عید گرفتیم که از جهاتی ملت ایران باید جشن بگیرند؛ یکی جهات پیروزی ملت ایران در جهان، در جبهه‌ها در پشت جبهه‌ها، در همهٔ کشورهای اسلامی و غیر اسلامی و یک امر مهمی که در این روز عید باید تبریک به همه عرض بکنم، این انفجار عظیمی است که در کاخ سیاه واشنگتن رخ داد و این رسوایی بسیار مهمی که برای سران کشور امریکا پیدا شد. شما ملاحظه بکنید و ببینید که در تمام دنیا، در سراسر جهان، مطبوعاتشان و رسانه‌هایشان و خطابه‌هایشان تمام متوجه این معناست که سرپوشی بگذارند بر این رسوایی که برای رئیس جمهور امریکا پیش آمد. رئیس جمهور امریکا در این رسوایی باید عزا بگیرد و کاخ سفید مبدل به کاخ سیاه بشود گرچه همیشه بوده است لکن این متفرقه گویی و اضطرابی که در کاخ سفید پیدا شد و در طرفدارهای امریکا، حکایت از عظمت مسئله می‌کند یک مقام عالیرتبه به قول

خودشان از امریکا به طور قاچاق و با تذکرهٔ جعلی وارد ایران می‌شود، در صورتی که ایران نمی‌داند چی است. به مجردی که وارد می‌شود و معلوم می‌شود که این از مقامات امریکاست، ایران او را در یک جایی تحت نظر قرار می‌دهد و محبوس می‌کند و تمام حرکات او را تحت نظر قرار می‌دهد و او با هر کس خواسته است ملاقات کند، ملاقات نمی‌کند.

آنی که ادعا می‌کند که اگر من به شوروی رفته بودم، رئیس شوروی سه مرتبه دیدن من می‌آمد، گمان می‌کند اینجا هم شوروی است! اینجا کشور اسلام است. اینجا نه کرملین قابل این است که ذکری ازش بشود و نه کاخ سیاه؛ اینجا کشور رسول خداست، اینجا کشور حضرت صادق است، اینجا پاسدارهای ما شرافت دارند بر کاخ‌نشینها، اینجا بسیجیهای ما و امت ما شرافت دارند بر تمام کاخ‌نشینهای عالم و همهٔ کسانی که ادعای پوچ خودشان را می‌کنند و گمان می‌کنند که باید عالم پیش آنها خاضع باشد.

آنهایی که می‌گفتند ما چه می‌کنیم و چه می‌کنیم و قطع رابطه می‌کنیم و از این مسائل می‌گفتند، امروز معلوم شد که با عجز و ناله در پیشگاه این ملت آمده‌اند و می‌خواهند که رابطه برقرار کنند، می‌خواهند عذر تقصیر بخواهند و ملت ما قبول نمی‌کند. این یک مسئله است، مسئله ای است که از تمام پیروزیهای شمابالاتر است. مسئله رئیس امریکا با آن همه به قول خودش جلال و جبروت، کسی را از مقامات عالی بفرستد به اینجا که با مقامات اینجا ملاقات کنند و هیچ یک از آنها حاضر به ملاقات نشود. این مسئله بزرگی است که دنیا را منفجر کرده است و باید هم بکند، کاخ سفید را به عزا نشانده است و باید هم بنشاند، مسئله مسئلهٔ مهم است.

هوشیاری، بیداری و اقتدار ملت ایران

الآن تسابق می‌کنند تمام کشورهای بزرگ برای رابطه پیدا کردن با ایران، این

چی است ؟ این افراد ایران است ؟ این جمعیت کثیر ایران است ؟ ایران جمعیتی ندارد در مقابل عالم. این ایمان جوانهای ماست، این برکات رسول اکرم است، این برکات امام صادق است. این برکاتی است که چشم دنیا را خیره کرده است و همه را مضطرب کرده. آنهایی که گمان می‌کردند که با یک تشر ایران را می‌توانند چه بکنند، گمان کردند که حالا هم زمان قاجار است. حالا هم زمان پهلوی است که مردم بیدار نبودند. امروز زمان بیداری مردم ماست، زمان هوشیاری و شکوفایی ایمان است در این کشور. و لهذا، می‌بینید که الآن هر رادیویی را باز کنید از خارج، از هر گوشهٔ عالم راجع به قضایای امریکا و راجع به خضوع او در مقابل ایران صحبت می‌کنند و حرفها را هم می‌زنند. اضطراب در کلمات خود ریگان این قدر هست، تناقض گویی، اضطراب هست که انسان نمی‌تواند باور کند که یک آدمی که رئیس یک همچو کشوری هست و ادعایش آن قدر زیاد است، این قدر تناقض گویی، این قدر اضطراب، این قدر وحشت که او را گرفته است، امروز یک چیز مهمی است. نه فقط او را، کرملین هم همین طور است، آنها هم مسابقه می‌کنند با امریکا در رابطه با ایران.

چی است مسئله ؟ چی شده است ایران ؟ چه قصه ای در ایران واقع شده است که سابق چنانچه در زمان سلاطین سابق، در زمان قاجار، در زمان پهلوی اگر یک کلمه در آنجا می‌گفتند، اینها تمام کنار می‌رفتند، اگر یک تشر می‌زدند آنها خلع سلاح می‌شدند. چه شده است که حالا پاسدارهای ما هم اعتنا به آنها نمی‌کنند؟ برای اینکه آن وقت مردم را خواب کرده بودند. تبلیغات دامنه دار دشمنهای اسلام، مردم را خواب کرده بودند، از هم جدا کرده بودند، شهرها از هم جدا بود، احزاب مختلفه همه با هم مختلف بودند، حکومتها همه دست نشانده بودند. اما امروز مسئله این نیست، امروز ایران بیدار شده است امروز اسلام در ایران رواج پیدا کرده است. امروز حقیقت ایمان در ایران شکوفایی پیدا کرده است، اینها برکات ایمان است. غافل نباشید از این، برکات وحدت شما در تمام امور است. غافل از این وحدت نباشید،

غافل از این حظّ الهی نباشید. در عین حال انسان می‌بیند که در حالی که کاخ کرملین به لرزه در آمده است و کاخ سیاه سیاهپوش شده است و می‌خواهند توجیه کنند هی حرفهای خودشان را و هی از این ور به آن ور می‌زنند که توجیه کنند این خطایی که کردند و این کسی را که اینجا فرستادند و با رسوایی از اینجا بیرونش کردند، می‌خواهند توجیه کنند. مع الأسف، بعض از اشخاصی که در خود ایران هستند، توجه به مسائل یا ندارند یا متعمدند. اینها هم به تبعیت از تبلیغات آنها، آنها هم با همان لسان، اینجا تبلیغ می‌کنند.

سرزنش نمودن همنوایان با تبلیغات دشمن

من نمی‌خواهم در این روز مبارک اسباب افسردگی اشخاص بشوم، لکن می‌خواهم عرض کنم چرا این قدر ما عقب افتاده هستیم ؟ چرا ما باید به واسطهٔ اغراض نفسانیه این قدر خودمان را ببازیم ؟ چرا باید وقتی که دنیا به تزلزل درآمده است برای این بی‌اعتنایی ایران به کاخ سفید و سیاه، چرا ما باید توجیه کنیم مسائل آنها را؟ چرا ما باید این قدر غربزده باشیم یا شیطانزده؟ من هیچ توقع نداشتم از بعض این اشخاص، ولو بعضیشان در نظر من پوچ‌اند، لکن از بعضی از این اشخاص که سابقه دارند هیچ توقع نداشتم که در این زمان که باید فریاد بزنند سر امریکا، فریاد می‌زنند سر مسئولین ما! چه شده است ؟ شماها چه تان است ؟ چه کردید شماها؟ شماها چرا باید تحت تأثیر تبلیغات خارجی واقع بشوید یا تحت تأثیرات نفسانیت خودتان ؟ در یک همچون مسئله مهمی که باید همهٔ شما دست به هم بدهید و ثابت کنید به دنیا که ما وحدت داریم، وحدت ما این طور شده است و در روزی که هفته وحدت است چرا شماها می‌خواهید تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید بین سران کشور تفرقه ایجاد کنید؟ چرا می‌خواهید دودستگی ایجاد کنید؟ چه شده است شما را؟ کجا دارید

می‌روید؟ این تذهبون؟[۱] من نمی‌توانم که آن طوری که می‌خواهم، با شما صحبت کنم و نمی‌خواهم در روز عید رنجش برای شما پیدا کنم، لکن شما انصاف بدهید که در یک همچو وقتی، وقت یک همچو اموری است ؟! وقت یک همچو تأییدی است از کاخ سفید؟ وقت یک همچو تأییدی است از ریگان؟ لحن شما در آن چیزی که به مجلس دادید، از لحن اسرائیل تندتر است، از لحن خود کاخ نشینان آن جا تندتر است. شما چه شده است این طور شدید؟ شما که این نبودید بعضیتان. من بعضیتان را می شناسم، شما این طور نبودید.

من امیدوارم که شما باز توجه کنید به مسائل، توجه کنید به دنیا، توجه کنید به خودتان، توجه کنید به قدرت خودتان. نشکنید این قدرت را، گرچه شماها نمی‌توانید، لکن نباید یک همچو کاری در ایران بشود. من نمی‌خواهم دل شما را بشکنم، لکن شما دل ملت ما را نشکنید، شما دل مسئولین ما را نشکنید، شما هی تندرو و کندرو درست نکنید، دودستگی ایجاد نکنید، این خلاف اسلام است، خلاف دیانت است، خلاف انصاف است، نکنید این کارها را.

من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به همهٔ ملت ما سلامت و سعادت عنایت کند، و دوستان ما را به خود بیاورد و کسانی که می‌خواهند تفرقه ایجاد کنند، إن شاءالله، خدا هدایتشان کند و خدای تبارک و تعالی شرّ اشرار را از سر این کشور کوتاه کند. و این عید مبارک را بر همه مبارکتر کند. و رزمنده‌های ما را در هر جا که هستند با دل قوی به پیش ببرد و بدانند رزمندگان که پیروزند و بدانند که این پیروزی که اخیراً پیدا شد، از همهٔ پیروزیها در نظر دنیا بالاتر است و توجه کنند به اینکه با عنایت خدا به پیش بروند و سیلی آخر را بزنند.

والسلام علیکم و رحمة الله[۲]

---

۱. به کجا می‌روید؟

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۵۹ تا ۱۶۳.

غائله حزب خلق مسلمان

▣ پیام

زمان: ۲۵بهمن ۱۳۵۷/ ۱۶ربیع الاول ۱۳۹۹ — مکان: تهران، مدرسهٔ علوی
موضوع: سرکوب اخلال کنندگان نظم در تبریز — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

به اهالی شجاع و مبارز سرتاسر کشور، پس از تشکر از مساعی جمیلهٔ آنان که با همت خود [باعث پیروزی] انقلاب اسلامی شدند، لازم است تذکر بسیار مهمی را بدهم:

ملت شجاع ایران! محمدرضا پهلوی شکست نهایی را خورد و در کشور پایگاهی ندارد. ارتش و سایر قوای انتظامی به ملت پیوستند و وفاداری خود را اعلام نمودند، لکن بعضی عناصر فاسده و منحرفه دست و پا می‌کنند که شاید بتوانند با ایجاد اغتشاش و هرج و مرج به مقاصد شوم خود که باز بودن دست ستمگران و رواج چپاول بیت المال و برگرداندن قدرت اجانب برای سلطه بر مقدرات کشور است برسند. اینان که برخلاف مسیر انقلاب اسلامی راهی در پیش گرفته و قیام علیه حکومت اسلامی نموده‌اند، خائنانی هستند که با ماسکهای فریبنده دست به ایجاد اخلال نموده‌اند. بر ملت مسلم شجاع است که اینان را با قدرت الهی خود دفع کنند، و مجال معارضه را از آنان سلب نمایند. از قرار مسموع، در تبریز بعضی وابستگان به رژیم فاسد دست به اخلال نظم زده‌اند. بر اهالی محترم آذربایجان و خصوصاً تبریز است که با تمام قوا برای سرکوبی آنان قیام کنند و همانند تهران به این حرکات مذبوحانه خاتمه دهند. البته ارتش و سایر نیروهای انتظامی با ملت است و بر همه است که دست به دست داده این زباله‌ها را که پس ماندهٔ رژیم پهلوی است دفع نمایند.

عزیزان من ! همت شجاعانه نمایید و قدرت اسلامی الهی خود را به این بیخبران از خدا و خائنین به ملت نشان دهید که حق پیروز است و خدا با شماست.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۱۳۹ تا ۱٤۰.

◙ پیام

زمان: ۱۵ آذر ۱۳۵۸ / ۱۶ محرم ۱۴۰۰
مکان: قم
موضوع: غائله حزب خلق مسلمان
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف ایران ـ ایّدهم الله تعالی

شما می‌دانید که بدخواهان اسلام و کشور در تمام مراحل توطئه نموده و بحمدالله با شکست مواجه شدند. این بار که در رفراندم قانون اساسی شکست مفتضحانه نصیبشان شد سخت وحشت زده شده‌اند و توطئه را با چوب و چماق شروع کردند و با بهانه‌ها و استفاده از سادگی بعضی قشرها غائله راه انداخته و خواهند انداخت. در این موقع که با دشمنی مثل امریکا و دنباله‌های او روبه رو هستیم ریشه‌های رژیم سابق و طرفداران آنها و دارو دستهٔ امریکا در این امور دست دارند که نگذارند آرامش در این کشور تحقق پیدا کند. لهذا من به شما ملت هوشیار هشدار می‌دهم که هر تشنجی و غائله ای امروز برخلاف مصالح اسلام و کشور است و موافق خواستهای دشمنان اسلام است.

من به شما دوستان اکیداً اخطار می‌کنم که هر کس عکس اینجانب را پاره کند یا بسوزاند و به من ناسزا بگوید و اهانت کند کسی حق ندارد به او تعرض کند و از من طرفداری کند. امروز در صددند ایجاد غائله کنند و شماها را به جان هم بیندازند. باید باکمال خونسردی و آرامش از کنار آنان بگذرید و تعرض به آنان و مقابله به مثل خلاف رضای خداوند و از محرمات بزرگ شرعیه است. خداوند همهٔ ما را از شرور شیاطین حفظ فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۶ محرّم الحرام ۱۴۰۰ / ۱۵ آذر ماه ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۷٤.

▣ پیام

زمان:۱۳۵۸ه‍ش./ ۱۴۰۰ه‍ق. مکان:قم
موضوع:منع از دخالت منسوبین در قضایای تبریز [۱] مخاطب:ملت مسلمان ایران

بسمه تعالی

دفتر و اشخاصی که در بیرونی هستند و هر کس به من ارتباط دارد حق ندارد که در مسائل روز و قضایای تبریز و غیرها دخالت کند، و حرفی تلفنی یا به غیر آن بزنند. در صورت تخلف، مؤاخذه خواهند شد.[۲]

---

۱. امام خمینی به دنبال اغتشاشات حزب خلق مسلمان در تبریز و حمایت از آقای شریعتمداری، به منظور خنثی سازی توطئه‌های آنان اطرافیان خویش را از دخالت در قضایای تبریز منع نمودند.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ٣٦٤.

فصل ۱۵:
روز جهانی قدس

▣ پیام

زمان: ۱۶ مرداد ۱۳۵۸/ ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم

موضوع: انتخاب آخرین جمعه ماه رمضان به عنوان «روز قدس» مخاطب: مسلمین ایران و جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

تعیین «روز قدس»

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم، که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است، و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می‌کند.

من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند. و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می‌تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۶۷.

ضرورت بیداری و قیام ملتها در قبال جنایات قدرتها

روز قدس را باید مسلمانها زنده نگه دارند. من کراراً راجع به طمعهای اسرائیل تنبه داده‌ام که اسرائیل اینطور نیست که اکتفا کند به آن زمینهایی که غصب کرده است. حالا دیدید که پایتخت خودش را در قدس قرار داده است و تمام این چیزهایی که از امریکا و از طرفدارهای حقوق بشر و از این محافل و مجالسی که در خارج هست، اینها تمام یک شعرهای غیر موزون است و لهذا، می‌بینید که انکار می‌کنند و اسرائیل هیچ اعتنا نمی‌کند. تنبه می‌دهند، اسرائیل آنها را محکوم می‌کند. این برای آن است که مسئله، مسئله جدی نیست. اینطور نیست که امریکا جداً مخالف باشد با اینکه پایتخت اسرائیل در قدس باشد و مع ذلک اسرائیل بتواند یک همچو کاری بکند. اینها همه یک مانورهایی است که می‌دهند. یا مثلاً، مجالس حقوق بشر و مجالس دیگری که از همین ابواب هست در آنجا، در آن ممالک هست، اینها همه دستشان توی هم است و برای چاپیدن ما مسلمین و کسانی که در آسیا، در افریقا، در آنجاها هستند، و مع الأسف، مسلمین متنبه نمی‌شوند.

ملتها باید خودشان راجع به این مسائل قیام کنند. برای اینکه دولتها هم غالبا الاّ کمی اگر باشد آنها هم دستشان با همان ابر قدرتها توی هم است و لهذا، می‌بینید که اینطور جنایاتی که از امریکا واقع می‌شود، مسلمانها یعنی، دولتهای اسلامی هیچ از خودشان یک گرایشی نشان نمی‌دهند. گاهی هم اگر یکی شان یک چیزی بگوید، یک حرفی است، بیش از یک حرف نیست[۱].

روز قدس، روز قیام مسلمانان علیه مفسدین

باید آقایان توجه کنند، تمام مسلمین توجه بکنند. روز قدس روزی است که

---

۱. صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص ۷۲.

باید تمام ملتهای اسلام با هم توجه بکنند و این روز را زنده نگه دارند. اگر یک هیاهویی از تمام ملتهای مسلمین بلند بشود، روز جمعه آخر ماه مبارک، که روز قدس است، همه ملتها قیام بکنند همان که حالا همان تظاهرات، همان راهپیمایی‌ها را بکنند این مقدمه می‌شود از برای اینکه ان شاءالله جلوی این مفسدین را ما بگیریم و کلک اینها از بلاد اسلام کنده بشود. ما، هی سست می‌گیریم، مسلمانها هی سست می‌گیرند، ملتها بی‌طرف می‌مانند، کم قیام می‌کنند و نهضت می‌کنند، کم تظاهر می‌کنند راجع به این امور. اسرائیل وقتی که دید ملتها با هم مخالف هستند و دولت مصر هم، که همراه اوست، برادر است و عراق هم که با اینها برادر است، وقتی این چیزها را دید، هی قدم قدم پیش می‌رود. و شما مطمئن باشید که اگر سست بگیرید، اینها تا فرات [1] خواهند بروند. اینها همه اینجا را ملک خودشان می‌گویند هست.

شما باید محکم بایستید در مقابل اینها و چنانچه مسلمین ملتهای مسلم بایستند در مقابل اینها، و اگر دولتهایشان بخواهند مخالفت کنند، مشت توی دهنشان بزنند چنانکه ایران مشت در دهن محمدرضا زد. محمدرضا از همه دولتهای مسلمین، از همه آنها قویتر بود، و از همه آنها پشتوانه اش بیشتر بود، مع ذلک، ملت ما قیام کرد و اسلام را وجهه نظر خودش قرار داد، و «الله اکبر» را فریاد کشید و این قدرت را از بین برد و قدرتهای دیگر را هم، و تا آخر هم همه قدرتها اگر روی هم باشند، نمی‌توانند آسیب به یک همچو ملتی برسانند [2].

ترغیب مسلمانان جهان به اتحاد بر علیه اسرائیل

خداوند ان شاءالله ما را موفق کند به اینکه یک روزی برویم و در قدس نماز

---

۱. رودی بزرگ در کشور عراق، شعار اسرائیل همیشه تصاحب نیل تا فرات بوده است.

۲. صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص ۷۸.

بخوانیم. امیدوارم که مسلمانها روز قدس را بزرگ بشمارند و در همه ممالک اسلامی، در روز قدس، در روز جمعه آخر ماه مبارک، تظاهر کنند، مجالس داشته باشند، محافل داشته باشند، مسجد داشته باشند، در مساجد فریاد بزنند. وقتی یک میلیارد جمعیت فریاد کرد، اسرائیل نمی‌تواند، از همان فریادش می‌ترسد. اگر همه مسلمینی که در دنیا الان هستند، که قریب یک میلیارد هستند، اگر در روز قدس، همه بیرون بیایند از خانه، فریاد بکنند «مرگ بر امریکا» و «مرگ بر اسرائیل» و «مرگ بر شوروی»، همین قول «مرگ بر شوروی» برای آنها مرگ می‌آورد[1].

◘ پیام

زمان: ۱۰ مرداد ۱۳۶۰/ ۳۰ رمضان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: بیدارباش به مسلمین جهان برای قیام علیه استکبار و صهیونیسم

مناسبت: روز جهانی قدس مخاطب: مسلمانان و مستضعفان ایران و جهان[2]

بسم الله الرحمن الرحیم

جمعه آخر ماه مبارک رمضان روز قدس است و در دهه آخر ماه رمضان به احتمال زیاد شب قدر است. شبی است که احیای آن سنت الهی است و قدر و منزلت آن از هزار ماه منافقان والاتر است. شبی است که مقدرات خلق در آن شب پایه ریزی می شود. روز قدس که همجوار شب قدر است لازم است که در بین مسلمانان احیا شود و مبداء بیداری و هوشیاری آنان باشد، و از غفلتهایی که در طول تاریخ خصوصاً سده‌های اخیر شده است بیرون آیند تا آن روز هوشیاری و بیداری از دهها سال ابرقدرتها و منافقان جهان والاتر باشد، و مسلمانان جهان مقدرات خود را خود به

---

۱. صحیفهٔ امام، ج ۱۳، ص ۸۰.

۲. متن پیام امام خمینی به مناسبت روز جهانی قدس «آخرین جمعه ماه مبارک رمضان» را فرزند ایشان آقای سید احمد خمینی در اجتماع صدها هزار تن از روزه دارانی که پس از راهپیمایی با شکوه از مسیرهای طولانی در دانشگاه تهران محل اقامه نمازجمعه گرد آمده بودند، قرائت کرد.

دست قدرت خود پی ریزی و پایه گذاری کنند. در شب قدر، مسلمانان با شب زنده‌داری و مناجات خود از قید بندگی غیرخدای تعالی که شیاطین جن و انسند، رها شده و به عبودیت خداوند در می‌آیند، و در روز قدس که آخرین روزهای شهرالله اعظم است، سزاوار است که مسلمانان جهان از قید اسارت و بردگی شیاطین بزرگ و ابرقدرتها رها شده و به قدرت لایزال الله بپیوندند و دست جنایتکاران تاریخ را از کشورهای مستضعفان قطع و رشته طمع آنان را بگسلانند.

مذاکرات سیاسی قدس را نجات نخواهد داد

هان! ای مسلمانان جهان و مستضعفان گیتی، بپاخیزید و مقدرات خود را به دست گیرید. تا کی نشسته اید که مقدرات شما را واشنگتن یا مسکو تعیین کنند؟ تا کی باید قدس شما در زیر چکمه تفاله‌های امریکا، اسرائیل غاصب پایکوب شود؟ تا کی سرزمین قدس، فلسطین، لبنان و مسلمانان مظلوم آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید، و بعض حکام خائن شما آتش بیار آنان باشند؟ تا کی قریب یک میلیارد مسلمان در جهان و قریب صد میلیون عرب با کشورهای وسیع و ذخایر بی پایان، شاهد چپاولگریهای شرق و غرب و ستمگریها و قتل عامهای غیرانسانی آنان و تفاله‌های آنان باشند؟ تا کی تحمل جنایات وحشتناک بر برادران افغانستان و لبنان را نموده و به ندای آنان جواب نمی‌دهند؟ تا کی به جای مقابله با دشمنان اسلام و برای نجات قدس از اسلحه گرم و قدرت نظامی و الهی غفلت نموده و با کارهای سیاسی و برخوردهای سازشکارانه با ابرقدرتها وقت گذرانده و به اسرائیل مهلت جنایتهای بی‌امان داده و شاهد قتل عامها باید بود؟ آیا سران قوم نمی‌دانند و ندیده‌اند که مذاکرات سیاسی با سیاستمداران قدرتمند و جنایتکاران تاریخ، قدس و فلسطین و لبنان را نجات نخواهد داد و هر روز بر جنایات و ستمگریها افزوده خواهد شد؟

آزادی قدس با مسلسلهای متکی بر ایمان

باید برای آزادی قدس از مسلسلهای متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و بازیهای سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگه داشتن ابرقدرتها به مشام می‌رسد کنار گذاشت. باید ملتهای مسلمان خصوصاً ملت فلسطین و لبنان، کسانی را که با مانورهای سیاسی وقت گذرانی می‌کنند، تنبه نموده و زیر بار بازیهای سیاسی که نتیجه ای جز زیان و ضرر برای ملت مظلوم ندارد نروند. تاکی اسطوره‌های دروغین شرق و غرب، مسلمانان قدرتمند را مسحور نموده و بوقهای تبلیغاتی میان تهی، آنان را وحشتزده می‌نماید؟ تاکی مسلمین از قدرت اسلام بزرگ غافلند؟ مسلمانانی که در نیم قرن آن فتوحات عظیم و تحولات شگرف را با دست خالی از ساز و برگ جنگی و دلی آغشته به ایمان و زبانی متذکر به الله اکبر به دست آورده و اسلام و توحید را در جهان قدرتمند آن روز پایه گذاری نمودند. اگر آن پیروزیها و تحولاتی که در تاریخ ثبت است از چشم انداز مسلمانان دور است، پیروزی ملت رزمنده ایران با انگیزه سربازان صدر اسلام که سلاحشان ایمان بود، در پیش چشم همگان پرتوافکن است. جهانیان و مسلمانان جهان دیدند که ملت غیور ایران با دست تهی از ساز و برگ نبرد، در مقابل ابرقدرتهای زمان و وابستگان خارج و داخل آنان نهضت کردند و انقلاب شکوهمند اسلامی را با همه مشکلات، برق آسا به ثمر رساندند و دست تمام جنایتکاران تاریخ را از کشور عزیز خود قطع کردند و توطئه‌های امریکایی و گروهکهای چپگرا و راستگرا را با قلبی سرشار از ایمان و عقیده یکی پس از دیگری خنثی نموده و زن و مرد و کوچک و بزرگ دلاورانه در صحنه حاضر و مقدرات کشور خود را در دست توانای خود تعیین نمودند، و امروز با خواست خداوند متعال، ارکان جمهوری اسلامی به دست متعهدین به مکتب و معتقدین به جمهوری اسلامی برقرار و فتنه‌انگیزان و توطئه گران را از صحنه خارج نمودند. و امروز ایران به رغم بوقهای خارج و دستگاههای تبلیغاتی امریکا و صهیونیست و سیلی خورده‌های از انقلاب، به

سوی سازندگی نهایی پیش می‌رود و این درس عبرتی است برای کشورهای اسلامی و مستضعفان جهان که قدرت اسلامی خود را بیابند و از عربده‌های شرق و غرب و وابستگان و تفاله‌های آنان نهراسند و با اعتماد به خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام و ایمان بپاخیزند و دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند و آزادی قدس شریف و فلسطین را سرلوحه برنامه خود قرار دهند و ننگ سلطه صهیونیسم، تفاله امریکا را از دامن خود بزدایند و روز قدس را زنده نگه دارند. امید است با زنده نگه داشتن این روز، بی تفاوتیها زایل شود و غفلتها مرتفع گردد. و با قیام ملتهای شریف، بعضی از سران خائن راکه به رغم مسلمانان و اسلام، دست در دست اسرائیل و چشم به فرمان امریکا برخلاف مصالح مسلمین به زندگانی سیاسی ننگین خود و به زندگی جنایت بار خویش ادامه می‌دهند، از صحنه خارج و در گورستان تاریخ مدفون نمایند. حکام غاصبی که در جنگ بین کفاری چون اسرائیل و صدام با مسلمین، طرف کفار راگرفته و به اسلام و مسلمین ضربه وارد می‌کنند، از صحنه اسلام باید خارج شوند و از حکومت بر مسلمین باید بر کنار گردند. ملتهای شریف مصر و عراق و دیگر کشورهای تحت سلطه منافقان باید قیام کنند و به بلندگوهای فاسد که این جنایتکاران را مسلمان جلوه می‌دهند، گوش فرا ندهند و از قدرتهای پوشالی این خائنان نهراسند.

مسلمانان و جهانیان دیدند که صدام عفلقی سرسپرده امریکا، به ایران که جز به اسلام و مصالح مسلمین نمی‌اندیشد، حمله کرد و آنچنان سرش به سنگ کوبیده شد که اکنون با توسل به سران عرب و پناه به اسرائیل، دنبال مفری[1] است که او را از سقوط حتمی نجات دهد، و ملت ایران و قوای مسلح شجاع، آنچنان ضربه ای به او و طرفداران جنایتکار او زدند که جز تسلیم یا سقوط، مفری ندارد و حیله‌های ابلهانه او

---

۱. گریزگاه، راه فرار.

و بوقهای تبلیغاتی صهیونیسم راهگشای او نخواهد شد.

روز قدس، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین و جهانخواران

ملت و دولت و مجلس و ارتش و سایر قوای مسلح ایران که امروز با وحدت اسلامی و انسجام الهی صف واحد هستند مصمم اند که در مقابل هر قدرت شیطانی و متجاوز به حقوق انسانها بایستند و از مظلومان دفاع نمایند، و تا برگشت قدس و فلسطین به دامن مسلمین، از لبنان و قدس عزیز پشتیبانی نمایند. مسلمانان جهان باید روز قدس را روز همه مسلمین، بلکه مستضعفین بدانند و از آن نقطه حساس در مقابل مستکبرین و جهانخواران بایستند، و تا رهایی مظلومان از زیر ستم قدرتمندان از پای ننشینند. و مستضعفان که اکثریت قاطع جهان را تشکیل می‌دهند مطمئن باشند که وعده حق تعالی نزدیک است و ستاره نحس مستکبران رو به زوال و افول است. ملت ایران، خواهران و برادران عزیز می‌دانند که انقلاب عظیم ایران که در نوع خود کم نظیر یا بی نظیر است از ارزشهای بزرگی برخوردار است که بزرگترین آن مکتبی بودن و اسلامی بودن آن است؛ همان ارزشی که پیامبران عالیمقام در پی آن قیام نمودند. امید است که این انقلاب جرقه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت‌بقیه‌الله ـ ارواحنا لمقدمه الفدا ـ منتهی شود. و باید ملت شریف که چنین انقلابی بزرگ را نموده است در ادامه آن هر چه بیشتر کوشا باشد و حضور خود را هر چه والاتر در صحنه اقامه عدل الهی به ثبت رساند. عزیزان من، باید بدانید که ارزش انقلاب هر چه بیشتر باشد فداکاری در راه تحقق آن ارزشمندتر و لازمتر است. انقلاب در راه هدف الهی و استقرار حکومت الله همان است که انبیای عظام در راه آن فداکاریها نمودند و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام تا آخرین لحظات زندگی پربرکت خود در راه آن با همه توان، فداکاری و ایثار فرمود، و امامان بزرگوار اسلام هر چه داشتند نثار آن کردند. ما نیز که

خود را پیرو آنان و امت محمد ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ می‌دانیم باید اقتدا به آنان نموده و در سبیل حق، مشکلات را با صبر انقلابی تحمل نماییم و از خرابکاریهای دغلبازان که آثار شکست و زبونی در آن مشاهد است نهراسیم، و در راه هدف حق و اسلام بزرگ چونان انبیای عظام و اولیای معظم فداکاری و ایثار نماییم. خداوند تبارک و تعالی پشتیبان مجاهدین و یار مظلومان است. درود بر اسلام عزیز، درود بر مجاهدین در راه حق. درود بر شهدای در راه خدا در طول تاریخ. درود بر شهدای ایران و فلسطین و لبنان و افغانستان. و سلام بر رزمندگان جبهه‌های جنگ علیه باطل و سلام بر بندگان صالح خداوند.

روح الله الموسوی الخمینی [1]

■ پیام

زمان:۲۵فروردین ۱۹/۱۳۶۱جمادی‌الثانی ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: اهمیت قدس شریف ولزوم مبارزه بااشغالگران قدس مخاطب: ملت فلسطین وامت اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست، و یک مسئله مخصوص به یک کشور و یا یک مسئله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است. و چه دردناک است برای مسلمانان جهان در عصر حاضر که با داشتن آن همه امکانات مادی و معنوی، در مرئیٰ [2] و منظر آنان به پیشگاه خداوند متعال و رسولان عالیقدرش اینچنین جسارت واقع شود، آن هم از یک مشت اوباش جنایتکار. و چه

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۹ تا ٦٣.

۲. محل دید، منظره.

ننگ است برای دولتهای اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرتهای جهان بنشینند و تماشاگر باشند که امریکا ابرجنایتکار تاریخ، یک عنصر فاسد بی‌ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده ای ناچیز عبادتگاه مقدس و قبله گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنان قدرت نمایی کند. و چه شرم آور است سکوت در مقابل این فاجعه بزرگ تاریخ. و چه زیبا بود که بلندگوهای مسجداقصی از همان روز که اسرائیل این عنصر خبیث دست به کار این جنایت عظیم شده بود، به صدا در می‌آمدند. اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی وبا آوای الهی از معراجگاه رسول[۱] ختمی صلی الله علیه و آله و سلم خروش بر آورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده اند و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده اند، باکدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می‌توان در این امر اسلامی بی تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعشان از مشتی دغلباز، با مسلسل جواب شنیده اند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند؟ باشد که فریاد همدردی آنان دولتها را بیدار کند که از قدرت عظیم اسلامی استفاده کرده و دست امریکای جهانخوار، این جنایتکار تاریخ را که از آن طرف دریاها به پشتیبانی ستمگران، دست پلید اسرائیل را می‌فشارد قطع کنند و خود و ملتهای مظلوم جهان را نجات دهند. امید است خداوند منان بر بشر منت فرموده و وعده قرآنی خود را هر چه زودتر انجاز[۲] فرماید و مستضعفان جهان را بر مستکبران غلبه دهد.

---

۱. مسجد الاقصی.

۲. محقق ساختن.

درود بر قدس و بر مسجداقصی. درود بر ملتهای بپاخاسته در مقابل اسرائیل جنایتکار؛ و درود بر مسلمانان و مستضعفان جهان. روح الله الموسوی الخمینی[(۱)]

◘ پیام

زمان: ۲۵تیر ۱۳۶۱/ ۲۴رمضان ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: جنایتهای رژیم اشغالگر قدس در لبنان ـ سستی و فتور سران دولتهای اسلامی
مناسبت: روز جهانی قدس مخاطب: ملت ایران و مسلمانان جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

غم‌انگیزترین و دردناکترین روزها

در سالروز قدس سال ۱۳۶۱ غم انگیزترین و دردناکترین روزها را می‌گذرانیم و اسفناکترین و مصیبت بارترین ایام را پشت سر می‌گذاریم. نه فقط غم و درد برای شهدای بی پناه و بیگناه لبنان مظلوم، و نه فقط أسف و مصیبت از حمله دامنه دار اسرائیل جانی با بمبهای خوشه ای و آتشزا به ساکنین عرب و مسلمانان بیروت، که موجب شهادت و آسیب هزاران پیر و جوان و زن و مرد و کودک بیگناه بی پناه شده است، و نه برای نقشه‌های شوم امریکای ابر جنایتکار، و نه برای هدم اساس اسلام در ایران و سایر کشورها، و نه برای کمکهای مادی و معنوی مصر و اردن و دیگر هم قطارانشان به دو جنایتکار افسار گسیخته «بگین» و «صدام»، که اینان خوی درندگی و جنایتکاری دارند و زندگی و حیات مادی آنان بستگی به تجاوز به حقوق ملتها و مستضعفان جهان دارد، و تحت ستم قرار دادن و سرکوبی ملتهای مظلوم از افتخارات آنان است؛ و نه برای تجاوز بی رحمانه صدام عفلقی و حزب بعث عراق به کشور اسلامی ایران و کشتار هزاران کودک، پیرزن و پیرمرد، و به ویرانه بدل کردن شهرهای

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۱۹۰ تا ۱۹۱.

آباد و سرسبز عرب نشین و فارس نشین ایران، که این حزب مشرک نمی‌تواند اسلام را تحمل کند و برنامه آن براندازی اسلام و هواداران آن است. مصیبت و تأسف و غم و درد برای ابتلای مسلمانان به این حکومتهای خودفروخته و دلباخته به ابرقدرت امریکا و چشم بسته به فرمان دشمنان اسلام و مسلمانان است. اینان برای مخالفت با جمهوری اسلامی و کمکهای نظامی و تسلیحاتی و مادی و معنوی به صدام که اسلام را دشمن خود می‌داند عذرهایی می‌تراشیدند و مسئله فارس و عرب را برخلاف دستورات اسلام و قرآن مجید پیش می‌آوردند و در بوقهای تبلیغاتی و مطبوعات در خدمت ابرقدرتها پشتیبانی اسرائیل از ایران را با دروغ شاخدار بهانه می‌کردند.

امروز که اسرائیل به یک کشور مسلمان عربی حمله نموده و مسلمانان را به خاک و خون می‌کشد، چه عذری در خفقان مرگبار خود دارند؟ چه عذری در پیشگاه خدای قهار و ملتهای اسلامی‌در کمک به اسرائیل و ارباب جنایتکارش دارند؟ چه عذری در تعقیب پیشنهاد ذلت بار «کمپ دیوید» و «طرح فهد» دارند؟ چه عذری در سازش با این جانیان بالذات و خونخواران حرفه ای دارند؟ آیا امریکا با امریکای سابق که ما را به دروغ متهم به سازش با آن می‌کردند فرق کرده است ؟ و یا اسرائیل با اسرائیلی که به بهانه دروغین دادن اسلحه به جمهوری اسلامی به کمک صدام شتافتند و به دشمنی با ما برای نجات حزب بعث عفلقی یقه پاره می‌کردند، تفاوت کرده است؟

بارالها، مسلمانان منطقه گرفتار یک چنین حکمفرمایانی هستند، چنانچه مولای آنان علی بن ابیطالب گرفتار منافقانی ظاهر الصلاح بود و به دست آنان در مثل این ایام به لقای تو شتافت و از گرفتاریها نجات پیدا کرد.

بارالها، امروز اسلام گرفتار منافقانی جنایتکارتر از «نهروانی»هاست که با نام اسلام، آن را می‌کوبند و با دشمنان اسلام به اسم اسلام و در حقیقت برای چپاول اموال

ملتهای مظلوم و محروم و دربند کشیدن آزادگان ملتها سازش می‌کنند.

خداوندا، این دولتمردان نادان، بار ذلت اسرائیل را به دوش می‌کشند که چند روزی بر ملتهای مسلمان حکومت کنند.

خداوندا، این حکومتهای نادان با داشتن همه امکانات برای پیروزی بر ابرقدرتها، به جنایات امریکا و اسرائیل صحه می‌گذارند، و برای تحکیم پایه‌های کفر شب و روز خود را نمی‌فهمند. بارالها، این خلق مسلمان و مظلوم را از چنگال آنان نجات ده. اما اکنون چه باید کرد؟ آیا راهپیمایی و فریادها و بیقراریها از دست دشمنان اسلام و مستضعفان جهان کافی است ؟ یا آنکه این وسیله است، نه هدف. گرچه دولتهای منطقه و عمال استعمارگران و ستم پیشگان همین فریادها را نیز تحمل نمی‌کنند؛ و مطمئن باشید که فریادها را در حلقوم ستمزدگان و محرومان خفه می‌کنند. هم آنان که از هم اکنون از فریاد مظلومانی که در هر سال یک مرتبه در حول کعبه آمال خود می‌گردند و ناله و فغان می‌کنند، و در مجمعی که اساسش بر امور سیاسی بنیان گذاشته شده به مخالفت برمی خیزند، خروش و پرخاش مسلمانان را برای رهایی قدس، به هر وسیله ای که باشد خفه خواهند کرد.

اسلام عزیز و پیامبر عظیم‌الشأنش و شهید محرابش که در شب مبارک قدر برای محرومین به خاک و خون کشیده شد، این شکوه را به کجا سر دهند که سلطه گران در بلاد اسلامی می‌گویند درد و رنج بکشید و ناله نکنید! در زیر شکنجه‌های امریکا و اسرائیل پلید و دیگر قدرتمندان خرد شوید و دم در نیاورید! دردها زیاد است، لکن چاره چیست؟ ملت ایران به پیروی از قرآن کریم و اسلام بزرگ، راه چاره را یافت و رژیم امریکایی پهلوی را پس از فریادها و اعتصابها با مشت و دندان در مقابل تانکها و مسلسلها از پای درآورد، و صدام جنایتکار و حزب مشرک او را با ایمان و قیام لله از پای درآورد، و صدام بلند پرواز را که لاف سرداری

قادسیه می‌زد به دریوزگی و ذلت کشاند، و تمام توطئه‌ها را با هدایت الهی در نطفه خفه کرد. و اکنون نیز از پای نمی‌نشیند تا آنچه از روز اول به عنوان غرامت و برای تأدیب مجرم خواست جامه عمل پوشد، و تصمیمات شورای امنیت و سازمانهای بی‌ارزش را جز ورق پاره‌هایی در خدمت «وتو»کنندگان نمی‌داند.

آنان با همه عربده‌ها و تبلیغات بی پایه سر تعظیم به پیش صهیونیزمها فرو آورده و برای تحکیم پایه‌های حکومت آنان و وابستگانشان چون صدام در آستانه مرگ ننگین به تشکیل جلسه و صدور قطعنامه پرداخته اند، و گمان کرده اند دولت متکی به خدا و ملت عظیم ایران بیدی است که از این بادها بلرزد. ملتی که اکنون طعم شیرین شهادت را چشیده است و پیرو مولای خود امیرالمومنین و اولاد عظیم القدر او که شهادت را فوز عظیم می‌دانسته و در محراب شهادت و میدان نبرد ندای فزت و رب الکعبه را سر می‌دادند از سازمانهای نوکر ابرقدرتها نمی‌هراسد. ملتی که ابرقدرت امریکا را از کشور بقیه‌الله ـ ارواحنا لمقدمه الفدا ـ با ذلت و خواری راند و نفت و خزائن خود را از حلقوم آن بیرون کشید، از طبلهای تو خالی سازمانهای ساخته آن نمی‌ترسد. و این ملت و دولت پیرو آن، همان گونه که کراراً اعلام نموده اند، خواستهای مشروع خود را از صدام و حزب عفلقی می‌گیرند، و برای احقاق حق مشروع خود به هر اقدامی دست می‌زنند «بلغ ما بلغ».

و اما تکلیف ملتها در آستان روز قدس و آستان سالروز شهادت بزرگ انسان تاریخ بشریت آن است که در اجتماعات و راهپیماییهای خود از دولتهای خویش به طور جدی بخواهند که با قدرت نظامی و سلاح نفت در مقابل امریکا و اسرائیل به مقابله برخیزند، و اگر گوش نکردند و اسرائیل جنایتکار را که تمام منطقه حتی حرمین شریفین را تهدید می‌کند و هم اکنون عمق خواسته‌های او واضح شده است، تأیید کردند، با فشار و اعتصابات و تهدید، آنان را مجبور به عمل کنند. در حالی که

اسلام و اماکن مقدسه آن مورد تهدید به تجاوز قرار گرفته هیچ فرد مسلمانی نمی‌تواند در مقابل آن بی تفاوت باشد. و آنچه در این موقع که اسرائیل تجاوز گسترده به بلاد مسلمین نموده و مسلمانان بیگناه و بی پناه را به خاک و خون کشیده است دولتهای منطقه انجام می‌دهند جز یک کلام بی‌محتوا و سازشکارانه نیست. و مصیبت‌بارتر آنکه از دست اسرائیل به امریکا جنایتکار اصلی پناه می‌برند؛ و در حقیقت از خوف مار به اژدها روی می‌آورند، و با داشتن ابزار مقابله با آنان حاضر به یک کلمه خشن یا یک تهدید نیستند. و با این وضع باید همه حاضر برای محو و نابودی شوند و در طول زندگی خود به هر ذلتی تن در دهند. ایران همان‌گونه که اعلام کرد جز از راه عراق و برکناری حکومت حزب بعث نمی‌تواند اقدامی مؤثر کند، و پس از حصول خواسته‌های مشروع خود داوطلب است که خیلی بیشتر از حال در کنار سایر مسلمانان و بویژه ملتها و دولتهای عربی در نبرد با اسرائیل تشریک مساعی نماید، و به عنوان یکی از قدرتهای بزرگ مسلمان منطقه با قدرتهای دیگر منطقه بسیار کوبنده‌تر از این زمان در نبرد با اسرائیل همکاری کند. و اگر خدای نخواسته اوضاع و احوال کشورهای اسلامی و عربی و حکومتهای منطقه به همین منوال باشد که نه تنها سراپا سازش و تسلیم و تأیید از دشمن اصلی و وابستگان به اوست، که کمکهای مادی و معنوی به آنان می‌کنند. ایران مجاهد در پیشگاه مقدس خداوند عذر دارد و از ملتهای اسلامی منهای دولتها استمداد می‌کند که اگر آنان اجابت کردند دست به اقدام مؤثرتر و جدیتری خواهد زد. من به سران فلسطینی نصیحت می‌کنم که دست از رفت و آمدهای خودشان برداشته و با اتکا به خداوند متعال و مردم فلسطین و اسلحه خویش تا حد مرگ با اسرائیل بستیزند، چرا که این رفت و آمدها موجب می‌شود که ملتهای مبارز از شما دلسرد شوند. شما اطمینان داشته باشید که نه شرق به درد شما می‌خورد و نه غرب. با ایمان بر خدا و تکیه بر سلاح با اسرائیل بجنگید،

همچون ملت و نیروهای مسلح ایران که بی اتکا به قدرتها و ابرقدرتها و با ایمان به خدای تعالی و قدرت لایزال او تا حصول خواسته‌های مشروع خویش دست از اسلحه برنمی‌دارند.

خداوندا، از این سستیها و بی تفاوتیها و جاه طلبیها و خودباختگیها در سراسر جهان به تو پناه می‌برم. خداوندا، برای نصرت اسلام و مسلمین جهان و مستضعفان دربند مستکبران و برای نصرت نیروهای جمهوری اسلامی بر فریب خوردگان بعثی صدامی از درگاه مقدست استمداد می‌طلبم. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۳۷۸ تا ۳۸۲.

فصل ۱۶:
فرهنگ جهاد و شهادت

الف : ایام الله

« یوم الله ۱۵ خرداد »

▣ پیام

زمان: ۱۲ خرداد ۱۳۵۸ / ۷ رجب ۱۳۹۹
مکان: قم
موضوع: چگونگی پیدایش نهضت ۱۵ خرداد
مناسبت: سالگرد حماسه ۱۵ خرداد
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

با فرا رسیدن ۱۵ خرداد خاطرهٔ غم انگیز و حماسه آفرین این روز تاریخی تجدید می‌شود. روزی که بنا بر آنچه که مشهور است قریب به پانزده هزار نفر از ملت مظلوم و ستم‌کشیدهٔ ما به خاک و خون کشیده شد. روزی که طلیعهٔ نهضت اسلامی این ملت شجاع و غیور گردیده؛ نهضت عظیمی که بیش از شانزده سال پیش به دنبال قیام روحانیت مسئول و متعهد در مقابل محمدرضا پهلوی که مخالفتش با اسلام عزیز آشکار و آشکارتر شد شکل گرفت. روحانیت به اعتراض برخاست و عصر عاشورا، پس از حادثه ای ناگوار، اعتراض با موج عظیم انسانی اسلامی بالا گرفت و به اوج

رسید. و پس از آن، دست ناپاک استعمار از آستین شاه مخلوع در آمد و غائلهٔ ۱۵ خرداد ۱۲ محرّم را هر چه دردناکتر به وجود آورد.

محرّم چه ماه پر غائله ای، و چه ماه خونی، و چه ماه حماسه آفرینی ! ماهی که دستگاه شاهنشاهی بنی امیه را در هم کوبید؛ و ماهی که رژیم شاهنشاهی ۲۵۰۰ سالهٔ جنایتکاران را در هم پیچید. ملت ما نه محرم را، که شاهد قتل عامهای وحشیانهٔ جباران است، فراموش می‌کند و نه ۱۵ خرداد را که سرآغاز نهضت اسلامی روحانیت است.

نهضت از حوزهٔ علمیهٔ قم، مرکز فقاهت راستین، برخاست؛ و برق آسا در سایر حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و در تهران و سایر شهرها قشرهای عظیم ملت را فرا گرفت، و همه را به میدان مبارزه کشید. و در سالهای اخیر که حوادث به دنبال حوادث به وجود آمد؛ و ملت بزرگ با شعار اسلام و فریاد «الله اکبر» و نور ایمان و وحدت کلمه بنیاد پهلوی را از بُن کند. و ملت ما این روز را عزیز می‌شمارد. و من روز ۱۵ خرداد را برای همیشه عزای عمومی اعلام می‌کنم. و برای بزرگداشت شهدای خویش در این روز بزرگ در مدرسهٔ فیضیه به سوگ می‌نشینم. به امید آنکه با خواست خداوند متعال باقیماندهٔ ریشه‌های گندیده استعمار از بیخ و بُن کنده شود؛ و جمهوری اسلامی مبنی بر احکام نورانی قرآن مجید در کشور ما مستقر گردد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۵۰ و ۵۱.

◘ پیام

زمان: ۱۵ خرداد ۱۳۶۰ / ۲ شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: تلاش مذبوحانهٔ گروهکهای وابسته به شرق و غرب علیه اسلام و انقلاب
مناسبت: سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد مخاطب: ملت ایران[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

در ۱۵ خرداد ۴۲ که مصادف بود با ۱۲ محرم، سوم شهادت بزرگ شهید فداکار تاریخ، گرچه ملت غیور ایران با فداکاری عظیم خویش و تسلیم قریب پانزده هزار شهید به درگاه خداوند متعال، به ظاهر سرکوب شد و دژخیمان رژیم جنایتکار پهلوی، ننگی ابدی بر ننگهای پنجاه سالهٔ خود افزودند، لکن سرلوحه پیروزی اسلام و ملت بود. همان سان که شهادت سید مظلومان و هواخواهان قرآن در عاشورا، سرآغاز زندگی جاوید اسلام و حیات ابدی قرآن کریم بود، آن شهادت مظلومانه و اسارت آل الله، تخت و تاج یزیدیان را که با اسم اسلام، اساس وحی را به خیال خام خود می‌خواستند محو کنند، برای همیشه به باد فنا سپرد و آن جریان، سُفیانیان را از صحنه تاریخ به کنار زد، این شهادت دلاورانهٔ ملت مظلوم ایران، تخت و تاج پهلویان و جریان پهلوی صفتان را که با اسم اسلام می‌خواستند اسلام را از صحنه خارج نمایند و افکار غرب و نشخوار امریکا را جانشین وحی کنند، از تاریخ ایران بیرون راند. در حقیقت دستاورد نهضت ۱۵ خرداد ۴۲، پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷ بود.

اینک باز تفاله‌های رژیم خونخوار سابق درصددند که با کمک و همکاری گروهکهای واپسزده و قلمداران غرب و شرقزده، تجدید حیات کنند و با قلمهای به ظاهر خلقی و زبانهای فریبنده، در خارج و داخل، جمهوری اسلامی را متزلزل کنند و

---

۱. مراسم بزرگداشت قیام ۱۵ خرداد که با حضور صدها هزار تن از مردم تهران که از ده منطقه به سوی دانشگاه تهران محل برگزاری نماز جمعه، راهپیمایی کردند، در محل دانشگاه برگزار گردید. سرتاسر دانشگاه و خیابانهای اطراف آن تا شعاع وسیعی مملو از جمعیت بود. پیام امام خمینی توسط فرزند ایشان: آقای سید احمد خمینی قرائت شد. انبوه جمعیت به حدی بود که ایشان با یک ساعت تأخیر به محل جایگاه سخنرانی رسید و از مردم عذرخواهی کرد.

در جهان، جمهوری ما را رژیمی ظالمانه و بدتر از رژیم پهلوی معرفی کنند و افکار عمومی را مشوش و به ابرقدرتها مشروعیت دخالت در امور کشور دهند. اینان با نام آنکه در ایران قانونی نیست و در ایران حکومت جنگل پابرجاست، و به نام آنکه تمام نهادهای جمهوری، برخلاف قوانین دنیا، به غارت اموال و اتلاف نفوس دست زده‌اند، می‌خواهند راه را برای اربابان خود یا ابرقدرت شرق و بلوک کمونیست یا ابرقدرت غرب و بلوک سرمایه داری باز کنند و ایران عزیز را با اسم آزادی که مراد آنان بی بند و باری است به لجن بکشند و ملت مسمان را از صحنه خارج کنند. اینان، آزادی مسلح بودن در مقابل حکومت اسلامی و آزادی در ایجاد اغتشاش را می‌خواهند. اینان آزادی ژ ۳ برای نابودی اسلام و جمهوری اسلامی را می‌خواهند؛ و این آزادی همان است که پیامبران و اسلام و رهبران آن، در سرتاسر تاریخ با آن به جنگ برخاسته اند و خود را فدا کرده‌اند، و ما نیز به حکم پیروی از آنان در صحنه هستیم. و غربزدگان آزادی به شکل غرب که حتی آزادی جنسی به حد فجیع آن و آزادی مراکز فحشا را طالبند، اسلام و جمهوری اسلامی مخالف ایده‌های حیوانی آنان است.

اینان با پاسدار و با اصل پاسداری و با ارتش و با تمام قوای مسلح مخالفند، و ملت عظیم ما باید بهوش باشد و کید آنان را به خودشان بازگرداند. اینان از بزرگداشت ۱۵ خرداد وحشت دارند چون این روز بزرگ تاریخی سرآغاز شکوفایی اسلام و استقلال و آزادی ملت است. در سایهٔ اسلام است که استقلال به معنای واقعی آن و آزادی به معنای منزّه آن تحقق می‌یابد. روز ۱۵ خرداد در عین حال که چون عاشورا روز عزای عمومی ملت مظلوم است، روز حماسه و تولد جدید اسلام و مسلمانان است. بزرگداشت روز حماسه آفرین ۱۵ خرداد، بزرگداشت ارزشهای انسانی در طول تاریخ است، همان سان که بزرگداشت روز سرنوشت ساز عاشورا، بزرگداشت اسلام و قرآن کریم است. ملت شریف ما، بلکه ملتهای مظلوم، از هر چه غفلت کنند، از این دو روز الهی نباید غفلت کنند.

عاشورا با «نه» خود، یزیدیان را در طول تاریخ نفی کرد و به گورستان فرستاد و ۱۵ خرداد پهلویان و پهلوی صفتان و ابرقدرتها را مدفون کرد. بزرگداشت و راهپیماییهای روز پانزده خرداد فریادی کوبنده است از مستضعفان بر سر مستکبران و از متعهدان به مکتب مترقی قرآن در مقابل تسلیم شدگان بی‌چون و چرا به مکاتب انحرافی یا التقاطی شرق و غرب که به طور خزنده در انحراف ملت مظلوم ما دست به قلم و زبان، در کوشش بی امان هستند. بر ملت شریف ماست که این ایام الله را که هدیه‌هایی از عالم غیب ربوبی است با جان و دل حفظ و با چنگ و دندان نگهداری کنند؛ و با شعار و شعور بر مخالفان مکتب و خدمتگزاران به شیاطین بزرگ و کوچک بتازند و صفهای خود را فشرده تر و دلهای خود را مطمئنتر، با قدم استوار و تصمیم آهنین، بر مشکلات و توطئه‌های غرب و شرق غلبه کنند، و مجهز به جهاز ایمان به خدا شوند در مقابله با مشکلات. و بر قوای مسلح اسلامی از ارتشیان و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و ژاندارمری و شهربانی و بسیج و عشایر تا همهٔ رزمندگان عزیز اسلامی که انسجام و وحدت خود را حفظ نمایند و با قدرت الهی و بانگ «الله اکبر»، بر دشمن کافر بتازند و از خدای بزرگ پیروزی طلب کنند، که دست غیب با آنان است. و بر ملت عزیز رزمنده است که از قوای مسلح پشتیبانی کنند و در همکاری و کمک به آنان از پای ننشینند و آنان را در این فداکاری و عبادت ارزشمند روحیه دهند، که فتح و ظفر ان‌شاءالله تعالی نزدیک است. شرف و عزت از آن شما و ننگ و خذلان از آن دشمنان اسلام است.

درود بر عاشورا، درود بر ۱۵ خرداد و ۲۲ بهمن، درود بر ایام الله و بر ملت شریف ارزشمند ایران، و درود بر رزمندگان و مجاهدان در جبهه‌های جنگ و در پشت جبهه‌ها. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۱۵ خرداد ۶۰

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۰۳ تا ۴۰۵.

▣ پیام

زمان: ۱۵ خرداد ۱۳۶۱/۱۲ شعبان ۱۴۰۲
مکان: تهران، جماران
موضوع: «یوم‌الله» ۱۵ خرداد پرتوی از عاشوراست
مناسبت: سالروز قیام ۱۵ خرداد
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

با سپاس بی‌حد به خداوند متعال، امروز به روز ۱۵ خرداد ۶۱ رسیدیم. سالروز خرداد ۴۲ خمیرمایهٔ نهضت مبارک ملت بزرگ ایران و روز بذر انقلاب بزرگ اسلامی ماست. ملت عزیز باید این خمیرمایه و بذر پربرکت را در عصر عاشورای ۸۳ [قمری] جستجو کند؛ عصر عاشورای مصادف با ساعات شهادت نصرت آفرین سید مظلومان و سرور شهیدان؛ عصر عاشورایی که خون طاهر و مطهر ثارالله و ابن ثاره به زمین گرم کربلا ریخت و ریشهٔ انقلابات اسلامی را آبیاری نمود. ملت عظیم‌الشأن در سالروز شوم این فاجعهٔ انفجارآمیزی که مصادف با ۱۵ خرداد ۴۲ بود با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد. واقعهٔ عظیم عاشورا از ۶۱ هجری تا خرداد ۶۱ و از آن تا قیام عالمی بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - در هر مقطع انقلاب ساز است. آن روز یزیدیان با دست جنایتکاران گور خود را کندند و تا ابد هلاکت خویش و رژیم ستمگر جنایتکار خویش را به ثبت رساندند، و در ۱۵ خرداد ۴۲ پهلویان و هواداران و سردمداران جنایتکارشان با دست ستمشاهی خود گور خود را کندند و سقوط و ننگ ابدی را برای خویش به جا گذاشتند، که ملت عظیم‌الشأن ایران بحمدالله تعالی با قدرت و پیروزی بر گور آتشبار آنان لعنت می‌فرستد.

سالروز ۱۵ خرداد ۶۰، با ۶۱ که اینک شاهد آنیم فرق بسیار دارد. در سال ۶۰ مع‌الأسف کشور و ملت شریف گرفتاریهای زیاد داشت که گرفتاری جنگ تحمیلی و خیانت بعضی عناصر آتش افروز برای بیگانگان و خرابکاریهای عناصر فاسد از

منافقان تا دیگر گروهکهای منحرف تروریست [که] منجر به شهادت عدهٔ کثیری از عزیزان متعهد به اسلام و جمهوری اسلام گردید، ولی بحمدالله تعالی در سالروز ۱۵ خرداد ۶۱ رزمندگان قدرتمند ما با فداکاری و عاشق پیشگی که پشتوانهٔ آنان عنایت حضرت باری تعالی و توجه خاص حضرت بقیه الله روحی لمقدمه الفداء و پشتیبانی ملت بزرگوار در سراسر کشور است، بر جنگ آفرینان پیروز شدند، و اکنون قدمهای آخر را برمی‌دارند. و صدامیان تبهکار نفسهای احتضار[1] را می‌کشند و بساط مفسدان داخل و گروهکهای مزدور با همت پاسداران، کمیته‌ها و پرسنل شهربانی و بسیج و همکاری ملت عزیز درهم‌پیچیده‌شد. در سال ۶۰ با فعالیت زیاد خائنان و وابستگان به امریکا می‌رفت تا میان سپاه پاسداران، این جوانان متعهد فداکار با ارتشیان رزمندهٔ عزیز که فداکاری همگان را در جبهه‌ها مشاهدیم با دست پلید جنایتکارانی سیاست‌باز و تروریستهایی جنایت پیشه با حیله‌هایی شیطانی شکاف پیدا شود. و خداوند می‌داند که کشور مظلوم ما با این نقشهٔ شوم به کجا کشیده می‌شد و به ملت شریف چه‌ها می‌گذشت و به سر اسلام چه‌ها می‌آمد. و به خواست خداوند بزرگ و همت مجلس شورای اسلامی و پشتیبانی ملت شریف در سال ۶۱ سالروز خرداد، این جرثومه‌های فساد و خیانت و این جنایت پیشگان امریکایی از صحنه خارج و به قبرستان نسیان سپرده شدند.

امروز با سپاس به الطاف خداوند متعال، نیروهای مسلح آنچنان از انسجام و وحدت برخوردار هستند که دلهای بدخواهان پلید را به وحشت مرگبار افکنده اند، و به رغم تبلیغات دروغین رسانه‌های گروهی دشمنان یاوه سرا، بین قوای مقننه و قضاییه و اجراییه و بین آنان و ملت آنچنان وحدت کلمه و اخوت ایمانی برقرار است که تاریخ نظیر آن را ندیده و بازگو ننموده است. و اینجانب امیدوارم که این بارقهٔ الهی

---

۱. لحظه‌های آخر عمر.

که به برکت اسلام و تعهد به آن برای کشور ایران جلوه کرده است برای همیشه برقرار و پایدار باشد. بگذار دشمنان شکست خورده و بدخواهان منزوی که دستشان از همه چیز کوتاه شده است خود را به این دروغهای مفتضح و آرزوهای بچگانه دلخوش کنند که؛ ایران بر سر قدرت در تب و تاب است و روحانیون بر سر به دست گرفتن زمام امور صف بندی می‌کنند و ایران پس از فلانی در آتیهٔ نزدیک به اغتشاش کشیده می‌شود و جمهوری اسلامی به جمهوری غیرمذهبی دمکراتیک مبدل می‌شود! و باید بدانند که این آرزوهای به خیال خود طلایی را به گور خواهند برد. و بحمدالله تعالی ایران عزیز به جایی رسیده است که بین همهٔ ارگانها و گروهها اخوت ایمانی قرآنی برقرار است و به مرتبه ای از ثبات رسیده است که با مردن اشخاص، هر که باشد، آسیب نخواهد دید. و این رسانه‌های دروغ ساز گروهی آنچنان مبتلا به خلافگویی و تناقض پراکنی شده‌اند که شاید به غیر از دوستان خیالپرداز و امیدپرور آنان کسی گوشش به این دروغها بدهکار نباشد. ما در زندگی خود در این انقلاب اسلامی چیزهایی دیده ایم و قبل از آن صحنه‌هایی دیده بودیم باورنکردنی و شگفت‌انگیز. از دوره افتادن رضاخان در تکایا و شمع روشن کردن تا قرآن طبع نمودن محمدرضا و احرام حج بستن، از عابد و زاهد و مسلمان شدن صدام تا اسلام‌شناس شدن کارتر و تا به حکم جهاد مسلمانان علیه ایران، تهدید کردن بلندگوی بگین و ریگان، و شاید اگر زندگی ادامه پیدا کند اینان را در صفهای جماعت و محراب عبادت ببینیم! درست در زمانی که جمهوری اسلامی برای حفظ سرزمینهای اسلامی و حراست از حرمین شریفین، مسلمانان را به وحدت اسلامی دعوت می‌کند و «یا لَلْمسلمین» می‌گوید، از مرکز وحی برای خنثی نمودن این فریاد، پیشنهاد جهاد علیه این دعوت را کرده و به نفع امریکا دشمن اسلام، و اسرائیل که برای گرفتن از فرات تا نیل و سلطه بر حرمین شریفین کوشش می‌نماید سینه چاک می‌زنند. در مدت قریب دو سال که صدام عفلقی

به کشور اسلامی ایران تجاوز نمود و شهرهای مسلمان عرب ایرانی را خراب، و کوچک و بزرگ آن سامان را با آتش توپها، و موشکها و سایر سلاحها به قتل رساند، دولتهای جهانخوار و بستگان آنان او را محکوم نکردند و سازمانهای حقوق بشر و امثال آنان دم فرو بسته بودند، ولی امروز که لاشهٔ نیمه جان صدام و حزب کافر بعث عراق در بغداد نفسهای آخر را می‌کشند همهٔ بوقهای تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی جهانخواران و تمام وابستگان به آنان با تبلیغات و رفت و آمدهای پی درپی، صلح طلب شده‌اند و استمداد از اسرائیل و مصر و اردن می‌کنند. و گاهی امریکا ایران را تهدید می‌کند، و هنوز نفهمیده است که ایران که برای کوتاه شدن دست آنان با انگیزهٔ شهادت قیام نموده است و جهاد در راه خداوند را به جان و دل می‌خرد، از تهدید امثال او باک ندارد. و اگر مسلمانان جهان از خواب برخیزند و با یاری خداوند دست اتحاد ایمانی به هم دهند هیچ قدرتی نمی‌تواند آنها را تهدید کند. و مقامات ایرانی آنان را به برادری و اتحاد در هر مقطع دعوت کرده‌اند. و امید است که به خود آیند و شرافت انسانی و اسلامی خویش را فدای قدرتهای شیطانی نکنند، و به جای آنکه با جمهوری اسلامی ایران که برای نجات آنان و کشورهای اسلامی حاضر به پشتیبانی از آنان است دست اخوت دهند، به مخالفت برنخیزند، و خود را فدای صدام عفلقی و اربابانش نکنند. و در غیر این صورت ملت بزرگ و قوای مسلح برومند ایران در هر پیشامدی که به دست خود آنان تحقق پیدا کند خود را در پیشگاه مقدس خداوند بزرگ و ملتهای اسلامی مسئول نمی‌داند. و ملت ایران نمی‌تواند در مقابل پیشامدهایی که اسلام یا کشورهای اسلامی را خصوصاً مهبط وحی و حرمین شریفین را تهدید می‌کند بی تفاوت باشد. ملت ایران همچون سایر مسلمانان جهان در مقابل مشکلات و خطرهایی که برای اسلام در دست اجراست، در پیشگاه خدای قادر مسئول است. و امروز از خطرناکترین امور، «طرح کمپ دیوید» و «طرح فهد»

است که اسرائیل و جنایات او را تحکیم می‌کند. همهٔ ما بویژه دولت عربستان در مقابل اسلام و قرآن کریم و نسلهای آینده مسئول می‌باشیم. و من خوف آن دارم که خدای نخواسته یک روز ملتها و دولتهای اسلامی به خود آیند که با دست امریکای جنایتکار، اسرائیل به خواستهای ظالمانه و جنایتکارانهٔ خود برسد و از مسلمین کاری ساخته نشود. من طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و شناسایی او را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولتهای اسلامی یک انفجار می‌دانم و مخالفت با آن را یک فریضهٔ بزرگ اسلام می‌شمارم، و به خداوند بزرگ از این نقشه‌ها که به دست مسلمان نماها برای اسلام کشیده می‌شود پناه می‌برم.

ملت بزرگ ایران سالروز ۱۵ خرداد را که یوم الله است زنده نگه می‌دارد، و افتخار قیام ملت را که با مشت گره کرده و خون طاهر خویش در مقابل ستمشاهی پهلوی ایستاد و پایهٔ استوار انقلاب اسلامی را که سرنگونی قدرتمندترین جنایتکار منطقه را در پی داشت ریخت از یاد نمی‌برد. و الآن فداکاریها و مجاهدات جوانان برومند کشور اسلامی را که پایه گذاری خروج از ظلمات به سوی نور و از حقارت به سوی سرافرازی و از اسارت به سوی استقلال را نمود بزرگ می‌شمارد، و عاشورای فریادزن «هیهات منا الذلة»[1] و ۱۵ خرداد و دیگر ایام الله را که در پی داشت و از نور الهی عاشورا فروغ و از شمس جمال حسینی گرمی واز پرتو هدایت او معرفت به وظیفه و از استقامت او در مقابل باطل استواری فراگرفت، ارجمند می‌دارد.

خداوند تعالی این ملت را که از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ و از آن وقت تاکنون برای اقامهٔ عدل الهی از هرچه داشته است گذشته است، و عزیزان برومند خود را که قامت رشید و بلند آنان چون ابدیت استوار و گرمی خونشان چون عشق به جمال

---

۱. «سازش با دشمن و ذلت از ما دور باد». فرازی از سخنان امام حسین علیه السلام در پاسخ به دعوت یزیدبن معاویه برای بیعت با او.

جمیل حق روح افزا بود، به پای دوست به قربانگاه فرستادند، با نور هدایت خود ارشاد، و با جلوه قدرت ازلی خود برومند و با بارقهٔ روانبخش خود در احقاق حق و ابطال باطل استوار و پایدار فرماید، و این وحدت و صلابت را از آنان سلب ننماید. «و لا حول ولا قوة الا بالله». والسلام علی عبادالله الصالحین.[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۱۵خرداد ۱۳۶۲/۲۳شعبان ۱۴۰۳ — مکان: تهران، جماران
موضوع: از خرداد خونین عصر طاغوت تا خرداد حکومت اسلامی — مناسبت: سالگرد قیام ۱۵ خرداد
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

سالروز پانزدهم خرداد ۴۲ فرا رسید. ملت عظیم‌الشأن ایران «خرداد»ها را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت، و به رغم تبهکاران جهان و سر سپردگانشان که با انواع سلاحها ملت ستمدیدهٔ ایران را تهدید به سقوط می‌کردند و خوابهای خرگوشی برای بلعیدن کشور و چپاولگریهای روزهای سیاه ستمشاهی می‌دیدند، امروز که پانزدهم خرداد ۶۲ را مشاهده می‌کنیم، استحکام پایه‌های حکومت اسلامی و قدرت نظام جمهوری و قوای نظامی و انتظامی از ارتش و سپاه سلحشور پاسداران و کمیته‌ها و ژاندارمری و شهربانی و بسیج و دیگر قوای عظیم مردمی روزافزون

---

۱. متن پیام امام خمینی در اجتماع عظیم و پرشکوه مردم تهران که برای بزرگداشت سالروز قیام ۱۵ خرداد سال ٤٢، پس از راهپیمایی از نقاط مختلف این شهر در میدان امام خمینی گرد آمده بودند توسط آقای سید احمد خمینی قرائت شد. در این اجتماع گروههایی از مبارزین نهضتهای آزادیبخش جهان، جمع زیادی از عشایر بسیجی، نیروهای مسلح، بانوان و قشرهای مختلف مردم، و در پیشاپیش آنان روحانیون حضور داشتند. در پلاکاردها شعارهایی همچون «پانزدهم خرداد برای اسلام بود، به اسم اسلام بود و به راهنمایی روحانیت»، «بزرگداشت روز حماسه آفرین ۱۵ خرداد، بزرگداشت ارزشهای اسلامی در تاریخ است» به چشم می‌خورد.

۲. صحیفه امام، ج ١٦، ص ۲۹۰ تا ۲۹٤.

است. و با عنایات خاصهٔ خداوند متعال و پشتیبانی ولی عصر و ناموس دهر ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ ملت دلاور ایران مشکلاتی را که هر یک برای از پای در آوردن یک کشور قدرتمند کافی بود، یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته و چون سدی عظیم و صفی مرصوص در مقابل تبهکاران و تفاله‌های آنان ایستاده است و توطئه‌های شیاطین بزرگ و کوچک خارج و داخل را به خواست خداوند قادر خنثی نموده و خط بطلان بر خیالات فاسدی که بدخواهان و فرصت طلبان در مغزهای پوچ خود می پروراندند کشیده است.

ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیهٔ روشن است و وعدهٔ خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکهٔ معظمه و کعبهٔ آمال محرومان و حکومت مستضعفان. از پانزدهم خرداد ۴۲ که حکومت مستکبران جبار در این سرزمین به اوج خود رسیده بود، و می‌رفت تا عربدهٔ شوم ﴿انا ربکم الاعلیٰ﴾[1] از حلقوم فرعون زمان[2] طنین افکند، تا ۲۲ بهمن ۵۷ که پایهٔ حکمرانی جباران عصر در این مرز و بوم فرو ریخت و تخت و تاج ۲۵۰۰ سالهٔ فرعون گونه ستمشاهی به دست توانای زاغه نشینان و ستمدیدگان تاریخ بر باد رفت و طومار تاراجگریها و حکمفرماییهای شیطان بزرگ و شیطانکهای وابسته و پیوسته به آن درهم‌پیچیده شد، ایامی معدود بیش نبود. و از ۲۲ بهمن ۵۷ تا امروز که ۱۵ خرداد ۶۲ را در آغوش می‌گیریم ساعاتی محدود بیش نیست، ولی تحولی که کمتر از صدها سال بعید به نظر می‌رسید با تقدیر

---

۱. سوره نازعات، آیه ۲۴: «فقال انا ربکم الاعلی» پس [فرعون] گفت: من خدای بزرگ شمایم.

۲. محمدرضا، شاه مخلوع.

خدای بزرگ در این ایام معدوده و ساعات محدوده[۱] تحقق یافت و جلوه‌ای از وعدهٔ قرآن کریم نورافشانی کرد. و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس در مغرب و اقطار عالم تحقق یابد. «وَ لَیْسَ مِنَ الله بمستنکرٍ»[۲] که دهر را در ساعتی بگنجاند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد، و آفاق را به جلوهٔ الهی ولی الله الاعظم صاحب العصر ـ ارواحنا له الفداء ـ روشن فرماید و پرچم توحید و عدالت الهی را در عالم بر فراز کاخهای سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز درآورد. ﴿و ما ذلک علی الله بعزیز﴾.[۳]

و ملت عظیم ایران لازم است شکر نعمتهای غیر متناهی الهی را در سالروز ۱۵ خرداد به جان و دل به جا آورد و تمام آنچه گذشته و می‌گذرد را از عنایات خاصهٔ خداوند متعال بداند که هر چه هست از اوست و به سوی اوست. و رمز پیروزی اسلام بر کفر جهانی را در این قرن که پانزدهم خرداد ۴۲ سرآغاز آن بود، در دوازدهم محرم حسینی جستجو کند، که انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. ملت بزرگ ما باید خاطرهٔ عاشورا را با موازین اسلامی هر چه شکوهمندتر حفظ نماید و به برکت آن و ارزش بی حساب ثارالله با حضور در صحنه ، انقلاب عظیم خود را هر چه پایدارتر نگه دارد و از پشتیبانی قوای مسلح در جبهه و پشت

---

۱. با فرار شاه از ایران در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷، آهنگ سقوط نظام کهن ستمشاهی در این کشور طنین افکن شد و با ورود امام خمینی به میهن در ۱۲ بهمن ۵۷ و تشکیل دولت موقت انقلاب، بقایای نظام سلطنتی بی اثر شدند و از بعد از ظهر روز ۲۱ بهمن ۵۷ با فرمان تاریخی امام خمینی که مردم را به نادیده گرفتن حکومت نظامی و ریختن به خیابانها دعوت کرد، ساعتی بیش نگذشت که مراکز نظامی و انتظامی و ارکان رژیم سلطنتی یکی پس از دیگری سقوط کردند و بامداد ۲۲ بهمن، خبر پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران، به تمام جهان رسید.

۲. «و از قدرت خداوند انکارپذیر نیست».

۳. سوره ابراهیم، آیه ۲۰: «و آن بر خدا، گران نیست».

جبهه، دست جنایتکاران را از میهن خویش قطع نماید و طمع غارتگران جبار را برای همیشه ببُرد و با پشتیبانی از نیروهای نظامی و انتظامی، توطئه‌های گروهکهای منحرف از اسلام را کشف و به مقامات مربوطه گزارش دهد.

اینجانب در پانزدهم خرداد ۶۲ که بحمدالله تعالی قدرت اسلام و دولت جمهوری اسلامی در منطقه زبانزد است، به دولتهای کشورهای اسلامی هشدار می‌دهم که از اشتباهات گذشته دست بردارند و با یکدیگر دست برادری دهند و با خضوع در مقابل خداوند تعالی و اتکال به قدرت اسلام، دست ظالمانهٔ جباران و غارتگران جهانخوار خصوصاً امریکا را از منطقه کوتاه کنند، و این توافق امریکایی، صهیونیستی، لبنانی را که سلطهٔ امریکا را در منطقه استوارتر و اسرائیل را بر کشور اسلامی لبنان و سپس از آن بر سایر کشورهای اسلامی و عربی چیره خواهد کرد، محکوم و عملاً نقض نمایند. و بدانند چنانچه کراراً گفته‌ام و شنیده‌اید، اسرائیل به این قراردادها اکتفا نمی‌کند و حکومت اعراب را از نیل تا فرات غصبی می‌داند و دیر یا زود با کمک امریکا به نقشهٔ شوم خود، اگر خدای نخواسته فرصت پیدا کند و حکومتهای عربی از خواب گران بیدار نشوند، جامه عمل می‌پوشاند. آیا برای مسلمانان و حکومتهای کشورهای اسلامی ننگ نیست که امریکا از آن طرف دنیا بر مقدراتشان حکومت کند، و به دست اسرائیل کافر غاصب همه را به دام اندازد و به خاک سیاه بنشاند؟ آیا وقت آن نرسیده است که عمق توطئه و شیطنت امریکا در وادار نمودن صدام عفلقی به هجوم به یک کشور اسلامی قدرتمند را بفهمند؟ آیا نمی‌دانند که وادار نمودن دولتهای منطقه را مستقیم یا غیر مستقیم به کمک مالی و نظامی و تبلیغاتی، به صدام، دشمن با اسلام، نقشهٔ شیطانی است که شماها با دست خود تیشه به ریشهٔ خود زنید و موجبات هلاکت خود و مسلمانان منطقه را فراهم نمایید؟ آیا مسلمانان غیور منطقه باز به سکوت مرگبار خود ادامه می‌دهند و فرصت می‌دهند که امریکا و اسرائیل با مقدرات آنان بازی کنند و اسلام را تحت سلطهٔ امریکا درآورند؟

آیا درست است که شوروی مسلمانان افغانستان را زیر شدیدترین فشارها قرار دهد و کشور اسلامی افغانستان را اشغال کند و شما ساکت باشید؟ آیا روحانیون متعهد و نویسندگان و روشن بینان متعهد نسبت به اسلام و مقدرات مسلمین باز به سکوت خود ادامه می‌دهند و در انتظار مرگ اسلام روزشماری می‌کنند؟ آیا این یک مشت آخوندهای روحانی نماکه با تشبث صدام محتضر، در بغداد جمع و به اسم اسلام و به نفع شرک، با اسلام به خیانت برخاسته اند، جواب خداوند را در روز رستاخیز چه می‌دهند؟ متصدیان محترم جمهوری اسلامی کراراً تذکر دادند که دولت و ملت جمهوری اسلامی، طالب اخوت ایمانی با مسلمانان جهان و منطقه و طالب زیست مسالمت آمیز با همهٔ کشورهای عالم است. و امروز نیز که تنها قدرت منطقه است، همان مطلب را تکرار می‌کنند و صلاح مسلمانان را در وحدت مقابل جهانخواران و سلطه‌جویان می‌دانند، و نفاق و تفرقه را همان نحو که قرآن کریم فرموده است موجب شکست و هلاکت می‌دانند.

ملت و دولت ایران امروز که سالروز پانزدهم خرداد ۴۲ و روز پانزدهم خرداد ۶۲ می‌باشد از هر زمان پیوسته تر و مصممتر و قویتر درمقابل تجاوزگران وکمک‌کاران به آنان ایستاده و در صورت ادامه کمک به متجاوز کافر، راه دیگری که هیچ‌گاه خواست آنان نیست را در پیش خواهند گرفت و همان طور که حزب بعث عراق را به فاجعه و دریوزگی و تشبث به این و آن کشاندند، با دیگر متجاوزان و کمک کاران آنان نیز می‌توانند همان گونه عمل کنند. و باید دولتهای منطقه بدانند که در وقت گرفتاری آنان، امریکا و هیچ قدرت دیگر پشتیبانی از آنان نخواهند کرد. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَلاَ تَرْكَنُوا إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ﴾.[1] خداوندا، ما آنچه امر

---

۱. سوره هود، آیه ۱۱۳: «و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله من اولیاء ثم لا تنصرون» به سوی آنان که ستم کردند نگردید که شما را آتش می‌رسد و جز خدا، دوستانی برای شما نیست و سپس یاری نمی‌شوید.

فرمودی به مراعات حق اخوت و نصیحت به برادران اسلامی عمل کردیم و آنان را به صلح و صفا دعوت نمودیم، و از تفرقه و نزاع تحذیر کردیم؛ تو خود آنان را از خواب غفلت بیدار فرما؛ که آنان در لب پرتگاه و حفیر جهنم[1] واقع شده‌اند، و مقدرات اسلام را تقدیم دشمنان خداوند می‌نمایند و از عاقبت شوم آن بیخبرند.

بارالها، تو عنایت فرمودی که خرداد خونین عصر طاغوت به خرداد حکومت اسلامی در کشور ولی الله الاعظم ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ تحول یابد. ما عاجزانه از مقام مقدس تو می‌خواهیم که عنایات خاصهٔ خود را بر این ملت که برای رضای تو قیام کرده و از ۱۵ خرداد خونین تاکنون از پای ننشسته و جان و جوان و مال خود را فدای اسلام عزیز و میهن خود نموده، مستدام بداری و قوای مسلح اسلام را بر قوای کفر پیروز فرمایی و اسلام را در جهان گسترش دهی و دست ستمکاران مستکبر را از تجاوز به محرومان و مستضعفان قطع نمایی و دلهای همهٔ ما را به نور هدایت خویش منور فرمایی و ملت عزیز ایران را در پیشبرد جمهوری اسلامی و سرکوب منحرفان و مخالفان با اسلام و پیروان آن مصممتر فرمایی، تا این انقلاب را به انقلاب جهانی مهدی موعود ارواحنا فداه ادامه دهند. و جوانان عزیز ما را در جبهه‌های دفاع از قرآن مجید و اسلام بزرگ هر چه سریعتر پیروز فرمایی و شهدای مظلوم اسلام را بویژه شهدای نهضت و انقلاب اسلامی ایران از پانزدهم خرداد ۴۲ تاکنون، به رحمت جاوید خود غریق فرمایی و پدران و مادران و همسران و بستگان آنان را صبر و اجر وافر عنایت نمایی و آسیب دیدگان در جبهه و پشت جبهه را شفا و سلامت مرحمت فرمایی و قوهٔ تقنینیه و قضاییه و مجریه و سایر متصدیان امور و خدمتگزاران به اسلام و مسلمین و مخلوق خدا را هر چه بیشتر تقویت فرمایی. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. گودی دوزخ.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤٨٠ تا ٤٨٤.

▣ پیام

زمان: ۱ خرداد ۱۳۶۴ / ۱ رمضان ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شهدای قیام ۱۵ خرداد مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

قیام ۱۵ خرداد[۱] اسطورهٔ قدرت ستمشاهی را در هم شکست و افسانه‌ها و افسونها را باطل کرد. شهادت جوانان رشید و زنان و مردان در آن روز سدّ عظیم قدرت شیطانی را از بنیان سست نمود. خون سلحشوران کوخ نشین، کاخهای ستم را در هم کوبید. ملت عظیم‌الشأن ایران با قیام و نثار خون فرزندان عزیز خویش، راه قیام را برای نسلهای آینده گشود و ناشدنیها را شدنی کرد.

خداوند تعالی این ملت را پایدار، و شهیدانشان را، خصوصاً شهیدان ۱۵ خرداد، این بنیانگذاران انقلاب اسلامی ایران را، در جوار رحمت خود قرار دهد؛ و به بازماندگان آنان صبر و اجر عنایت فرماید؛ و به معلولان عزیز قدرت مقاومت بیشتر عطا فرماید.

۶۴/۳/۱

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. قیام ۱۵ خرداد ۱۳٤۲ در پی دستگیری امام خمینی پس از سخنرانی کوبنده ایشان علیه رژیم شاه در روز عاشورا در مدرسه فیضیه قم، در شهر قم، تهران، ورامین و برخی از شهرهای دیگر ایران به وقوع پیوست. ابعاد و گستردگی قیام به حدی بود که رژیم شاه ناگزیر از فراخوان تانکها و نیروهای زرهی و بسیج ارتش برای در هم کوبیدن قیام و کشتار مردم شد. این قیام سرآغاز نهضت همه جانبه امام خمینی علیه رژیم شاه و جنایتهای امریکا در ایران و مبدأ تاریخ انقلاب اسلامی شد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲٦۷.

« یوم الله ۱۷ شهریور »

▣ پیام

زمان:۱۸شهریور ۱۳۵۷/ ۶شوال ۱۳۹۸ مکان:نجف
مناسبت:کشتار وحشیانه ۱۷ شهریور (جمعه خونین) مخاطب:ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و شجاع ایران

بار دیگر شاه با دستور حکومت نظامی در تهران و سایر شهرستانهای بزرگ ایران، ثابت کرد که پایگاهی در میان ملت ندارد. اعلام حکومت نظامی در محیطی آرام به اقرار رادیو و مطبوعات ایران که راهپیمایی با کمال آرامش در آن انجام می‌گرفت نه تنها قانونی نیست بلکه جرم است و دستور دهندهٔ آن مجرم. شاه برای به رگبار بستن مردم بی دفاع و مظلوم هیچ بهانه ای را بهتر از حکومت نظامی ندید. روزهای اخیر، تهران و سایر شهرستانهای مهم ایران برای اظهار مظلومیت و مخالفت با مجرمی که ۳۵ سال بر مقدرات آنان سلطه دارد و جنایات و خیانتهای او در کشور و مخالفتهای او با قانون اساسی واضح است، شاهد راهپیماییهای آرام بود. اظهار مخالفت با مجرمی که تمام هستی ملت را به باد داده است، از طرف کسانی بود که در حد عالی شعور سیاسی و دینی بودند؛ به طوری که حاضر شدند ارتش را گلباران کنند ولی «دولت آشتی ملی»، آنان را به عنوان شعار برخلاف قانون اساسی، محکوم نمود؛ و حال آنکه شعار آنان بر ضد قانون اساسی شکن یعنی شاه بود. شعار بر ضد رژیم تحمیلی غیرقانونی بود، اظهار مظلومیت بود ولی واقعیت این است که شاه می‌خواهد انتقام خود را ازملت بی دفاع بگیرد، و با صحنه سازیهای مبتذل، ملت بی دفاع را به مسلسل ببندد و نفسها را به خیال باطل خودش در سینه خفه گرداند ولی دیگر دیر شده است و ملت مظلوم و بیدار ایران آگاه گردیده‌اند. من هنوز اطلاع دقیقی از

کشتگان و مجروحان در سراسر ایران ندارم؛ ولی خبرگزاریها تعداد کشتگان را به صدها نفر گزارش داده‌اند و خبرهایی از ایران، این تعداد را بیش از هزار نفر می‌گویند. اکنون بر ملت شجاع ایران است که به هر ترتیبی که ممکن است به مجروحین بیشمار خود، خون، دوا و غذا برساند و از هر گونه کمک مالی دریغ ننماید.

چهرهٔ ایران امروز گلگون است و دلاوری و نشاط در تمام اماکن به چشم می‌خورد. آری این چنین است راه امیر مؤمنان علی و سرور شهیدان امام حسین. ای کاش «خمینی» در میان شما بود و در کنار شما در جبههٔ دفاع برای خدای تعالی کشته می‌شد.

ملت ایران! مطمئن باشید که دیر و یا زود پیروزی از آن شماست. شاه با حکومت آشتی ملی می‌خواهد روحانیت شریف ایران و سیاسیون محترم را در کشتار خود سهیم گرداند ولی فریب او خیلی زود برملا گردید. ﴿إِنَّ كَيْدَ ٱلشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفاً﴾.[1]

جهان باید بداند که این است فضای باز سیاسی ایران! و این است رژیم دموکراسی شاه! و این است عمل به دین مبین اسلام در منطق شاه و دولت او! اکنون به بهانه‌های پوچ دست به حبس و تبعید تازه زده اند و می‌زنند. باید علما و روشنفکران ملت در زیر چکمهٔ دژخیمان خُرد شوند تا کسی خیال آزادی به خود راه ندهد. شما ای ملت محترم ایران، که تصمیم گرفته‌اید خود را از شرّ رژیم شاه خلاص گردانید و در رفراندمی که در سه و چهارم شوال[2] در برابر ناظران سراسر جهان انجام دادید به دنیا نشان دادید که رژیم شاه جایی برای خود در ایران ندارد چنانچه در روزنامه‌های خارجی هم منعکس گردید. مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمی‌تواند با شما که بیدارید

---

۱. بخشی از آیه ۷٦ سوره نسا: «به راستی که مکر شیطان ضعیف است».

۲. چهارشنبه ۱۵ و پنجشنبه ۱٦ شهریور ۱۳۵۷.

و به پاخاسته‌اید روبه رو شود.

ارتش وطنخواه ایران! شما دیدید که ملت با شما دوست و شما را گلباران می‌کند. و می‌دانید که این چپاولگران برای ادامه ستمگری، شما را آلت قتل برادران خود قرار داده‌اند، به دیگر برادران ارتشی خود که شاه را رها کرده‌اند در پشتیبانی مردم، به دشمن حمله نموده اند بپیوندید، و به پاخیزید و نگذارید ملت شما نابود و برادران و خواهران شما به خاک و خون کشیده شوند. نام خود را در تاریخ که به سود ملت ایران به راه خود ادامه می‌دهد، هر چه زودتر ثبت کنید و ریشه خیانت و ظلم را بکنید.

شما ای علمای بزرگ اسلام و سیاسیون بزرگ، که از فشار شاه هراسی به دل راه نمی‌دهید! نشانهٔ اعتماد و قوّت روحیهٔ ملت هستید، و در این موقع حساس نه تنها باید استقامت کنید بلکه روحیهٔ عالی مقاومت جامعه را هر چه بیشتر باید تقویت کنید، و هر چه بیشتر صفوف خود را برای مقابله با دشمن مردم ایران متشکلتر کنید. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۵۷/ ۹ شوال ۱۳۹۸ — مکان: نجف

موضوع: تسلیت فاجعهٔ ۱۷ شهریور، لزوم ادامه مبارزه — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾[۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٥٩ تا ٤٦١.

۲. سوره بقره، آیه ١٥٤ تا ١٥٦.

وقتی شما را ای فرزندان عزیز اسلام، خداوند متعال تسلیت می‌دهد، آیا باز هم محتاج به تسلیتید؟ خداوند عزوجل می‌فرماید: «بشارت بده صبرکنندگان را؛ کسانی که هر مصیبتی می‌بینند به حساب خدا تحمل می‌کنند و می‌گویند ما همه برای خدا خلق شده ایم، برای خدا زندگی می‌کنیم، و وقتی بمیریم از بین نمی‌رویم بلکه به سوی خدای مهربان بر می گردیم. صلوات و رحمت خدا بر ایشان؛ اینها هستند که به آرزوی انسانی رسیده‌اند».

مع ذلک من به نیابت حضرت ولی عصر امام زمان به همهٔ مسلمانان جهان مصیبت. چهارم شوال سال ۹۸ هـ ق «۱۷ شهریور» را خاصه به خانواده‌های داغدار تسلیت می‌گویم، و در عین حال تبریک. و خدا شاهد است مصطفای من تنها آن نبود که سالش نزدیک است، بلکه همهٔ به خاک و خون کشیده‌های حادثهٔ شوال، مصطفاهای من بوده اند. من این استقامت را و این فیض شهادت را که خداوند متعال نصیب فرزندانم فرمود به پدران و مادران و همه بستگانشان تبریک می‌گویم. و چنین کشته شدنی که افتخار دارد، بزرگترین آرزوی من است و شاید نزدیک باشد.

اما فرج و پیروزی حق بر باطل، از آن نزدیکتر است. و از این پس جا دارد که همهٔ کارهای خود را تعطیل کنیم نه برای همیشه که به همین زودی ظالم جبار سرنگون می‌شود. در باز کردن مغازه‌ها و کارخانه‌ها عجله نکنید. در تقویت روحیه و ایمان کسانی که ضعیفند بکوشید که روزی دست خداست. چند روز تعطیل کسب و کار برای رضای خدا کسی را از گرسنگی نمی‌کشد. عزت و ثروت دست خداست. از مرگ نترسید که حیات و ممات به دست خداست. تعطیل را ادامه دهید که فرج نزدیک است.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٦٢ تا ٤٦٣.

◘ پیام

زمان: ۲۰ مهر ۱۳۵۷ / ۹ ذی‌القعده ۱۳۹۸
مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
مناسبت: چهلم شهدای ۱۷ شهریور (جمعه خونین)
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

۹ ذی القعده ۹۸

ملت آگاه و مبارز و شجاع ایران ـ اعلی الله کلمتهم

اکنون که چهلم عزیزان تهران به دنبال «چهلم»ها فرا رسیده، و با استقرار حکومت سرنیزه و پلیس در انتظار «چهلم»هایی باید باشیم، اکنون که سایهٔ شوم حکومت نظامی و نظام سیاه شاهنشاهی روزگار ملت محروم ما را به تباهی کشانده است، اکنون که دست ابرقدرتهای ستمگر برای چپاول مخازن غنی ما بر ضد اراده مصمم ملت از آستین دژخیمان شاه بیرون آمده و عزیزان اسلام را به خاک و خون می‌کشد، اکنون که نمودهای «دروازهٔ تمدن بزرگ» به دست پایه گذاران حقوق بشر، یکی پس از دیگری بر روی نعشهای جوانان برومند ما رخ می‌نماید، اکنون که به ادعای کارتر، ملت به آزادی و استقلال شاهانه نایل شده است، کشور بی پناه ما عزادار و ملت مظلوم ما سوگمندند. ما در غرب و شما در شرق به عزای عمومی می‌نشینیم، تا دست جنایتکار ابرقدرتهای نفتخوار در کشور نفت‌خیز ما باز است درهای سعادت و آزادی و استقلال بسته است.

عزیزان من! همت کنید و زنجیرهای اسارت را پاره کنید و مهره‌های خیانتکار را یکی پس از دیگری از صحنه خارج کنید، و دست مهره دارهای سودجو را از کشورهای اسلامی قطع کنید. سعادت و آزادی و استقلال، پشت سد مهره‌های داخلی و مهره‌دارها است، سدها را ویران کنید و صفها را درهم شکنید و کشور را نجات دهید. در منطق کارتر، این جنایتها و اختناقها و وحشیگریهای شاه کوشش در راه استقرار اصول دموکراسی و موضع گیریهای مترقیانه نسبت به مسائل اجتماعی است.

او مردم آگاه ایران را متهم می‌کند که با آزادی که شاه می‌خواهد بدهد مخالفند، و تمام اعتصابات و اعتراضات سراسر ایران برای گریز از آزادی است! لکن باید بداند که این فریبکاریها دیگر ارزش خود را از دست داده است و همهٔ جوامع شاه را شناخته‌اند.

ملت بزرگ ایران! تاریخ ایران، بلکه تاریخ جهان، نهضتی چون نهضت شما به یاد ندارد و قیام همگانی چون قیام شما آزادگان را پشت سر نگذاشته است. امروز نونهالان هفت هشت سالهٔ دبستانهای ما فدایی می‌دهند و در راه اسلام عزیز و کشور، خون نثار می‌کنند. شما در چه تاریخی چنین دیده اید؟ امروز زنهای شیردل، طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می‌روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟ امروز غریو «مرگ بر شاه» از دل طفل دبستانی تا پیران بیمارستانی مجال را بر رژیم منحط پهلوی چنان تنگ نموده و اعصاب شاه را آن سان خرد کرده که دست از پا نشناخته و تسکین خاطر خود را با خون کودکان و جوانان ما بیمه می‌کند.

خواهران و برادران عزیز! صبور باشید و سستی و ضعف از خود نشان ندهید؛ راه شما راه خدا و اولیای خدا است. خون شما در راهی می‌ریزد که خون پیغمبران و امامان و اصحاب صلاحیتدار آنان ریخته شد. شما به آنان می‌پیوندید و این نه تنها غم ندارد، که شادی آور است.

صفهای خود را محکم کنید و اراده‌ها را مصمم و وحدت کلمه را حفظ نمایید و با همه جناحهای مسلمان؛ خصوصاً ارتشیها ائتلاف کنید، و سلام گرم مرا به آنان برسانید، و بگویید اینان که با مسلسل شما و یا اجانب کشته می‌شوند برادران و خواهران شما هستند. برای ارضای شهوات شاه، خود را پیش خالق و خلق رسوا نکنید و در آغوش ملت بیایید آغوش ما برای شما باز است.

عزیزان من! از اختلاف که الهام ابلیس است اجتناب نمایید و به هم پیوسته در

راه هدف که سرنگون شدن رژیم فاسد پهلوی و قطع ایادی اجانب از مقدرات و مخازن کشور است، نهضت مقدس را ادامه دهید و در راه پیشرفت مقاصد اسلامی خود از هیچ عاملی نهراسید که این جنبش بزرگ را هیچ قدرتی نمی‌تواند متوقف کند. شما بحقید و دست خداوند تعالی با شما است، و خدا خواسته است که مستضعفین پیشوایی را به دست گرفته، خود وارث مقدرات و مخازن خود باشند.

اینجانب در اولین فرصت به یکی از کشورهای اسلامی که بتوانم به فعالیتهای اسلامی خود ادامه دهم خواهم رفت، و ان‌شاءالله تعالی عمرم را در راه خدای تعالی که خدمت به شماست به آخر می‌رسانم. تاکنون هیچ یک از دولتهای اسلامی از من دعوت ننموده اند، و به محض احراز آزادی بیان و قلم در کشوری از کشورهای اسلامی، ان‌شاءالله برای خدمت در آنجا خواهم رفت. اکنون در اینجا به خدمت ادامه می‌دهم. در نهضت اسلامی و خدمت به مردم مسلمان، مکان یا رنج در مکان مطرح نیست؛ آنچه مطرح است ملت است؛ صدای وجدان است. من هر چه بکنم و بر سر من هر چه بیاید در مقابل شمایی که خون در راه آزادی و اسلام داده اید خجلم. آنچه مرا در این مکان رنج و دردآور دلخوش می‌کند خدمت به شما است. من در غم خانواده‌های افتخار آفرین سراسر ایران خود را شریک می‌دانم و یاد کودکان دبستانی ایران که اخیراً به دست شاه جبار کشته شده‌اند قلبم را می‌فشارد. چهلم تهران را روز عزای عمومی اعلام کرده و خود نیز عزادارم.

از خداوند تعالی ادامه نهضت را تا حصول مقاصد اسلامی خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۱۱ تا ۵۱۳.

▣ پیام

زمان: ۱۶شهریور ۱۳۵۸/۱۵شوال ۱۳۹۹[۱]
مکان: قم
موضوع: عفو عمومی در کردستان
مناسبت: سالگرد ۱۷شهریور (جمعه خونین)
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

خاطره، تلخ ۱۷ شهریور ۵۷ و خاطره تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت میوهٔ شیرین سرنگونی کاخهای استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزندهٔ «کُلُّ یَومٍ عاشُورا و کُلُّ أرضٍ کَربَلا»[۲] باید سرمشق امت اسلامی باشد. قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین، عاشورا قیام عدالتخواهان، با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ، در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحهٔ زندگی است در هرروز و در هر سرزمین. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدانها و خیابانها و کوی و برزنهایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر. و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مژده ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان، اگر چه با عده ای قلیل، علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است؛ و مژده که شهادت رمز پیروزی است. ۱۷ شهریور، مکرر عاشورا و میدان شهدا، مکرر کربلا و شهدای ما، مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما، مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون درهم کوبید؛ و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خونها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از

---

۱. تاریخ تحریر پیام که به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور صادر شده است به استناد نسخه دستنویس و روزنامه‌ها، ۵۸/٦/۱٦ می‌باشد و در صحیفه نور به اعتبار مناسبت پیام، تاریخ ۵۸/٦/۱۷ درج گردیده است.

۲. هر روزی عاشورا و هر زمینی کربلاست.

پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم و با ارادهٔ مصمم و مشت محکم، بقایای رژیم ستمکار و توطئه‌گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم.

غائلهٔ کردستان، به دست مشتی از خدا بیخبر مزدور که از اسلحهٔ اجنبی برخوردار و از پشت مرزها الهام می‌گرفت، با قیام دلاورانهٔ قوای انتظامی و پاسداران انقلاب درهم پیچید؛ و سرکردگان مفسد و وابسته به اجانب در گریزگاهها پنهان، و جوانان فریب‌خورده‌ای را به جای گذاشتند. ما به طوری که کراراً اعلام کردیم، بجز سران جنایتکار و آنان که در خیانت و جنایت با آنان شریک بودند، از دیگر جناحها، حتی گول‌خوردگانی که در حزب دمکرات وارد شده‌اند، در صورتی که سلاحهای خود را به مقامات انتظامی بسپارند، با برادری رفتار و عفو عمومی نمودیم. این اصل عمومی شامل قشرها و برادران کردستانی است. همه از پناهگاهها بیرون بیایند و به برادران خود ملحق شوند، و به زندگی عادی خود ادامه دهند. دولت جمهوری اسلامی در رفع گرفتاریهای آنان و ترمیم خرابیها و سازندگی عقب‌ماندگیها کوشا خواهد بود.

برادران کُرد من، به تبلیغات وابستگان «حزب دمکرات» اعتنا نکنید؛ و در شهرها به حال عادی خود برگردید و هیچ ترسی نه از ناحیهٔ دولت و نه از ناحیهٔ خرابکاران به دل راه ندهید، که دولت دوستدار شما و خرابکاران قدرت را از دست داده و مدفون شده و خواهند شد. از خداوند متعال رحمت و مغفرت برای شهدای اسلام و صبر و اجر برای بازماندگان آنان و سعادت و سلامت برای ملت بزرگ خواهانم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ٤٤٥ تا ٤٤٦.

◘ پیام

زمان: ۱۷شهریور ۱۳۶۰/۹ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از حماسهٔ ۱۷شهریور و مقاومت ملت در مقابل توطئه‌ها
مناسبت: سومین سالگرد یوم‌الله ۱۷شهریور مخاطب: ملت ایران(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

سالروز هفدهم شهریور که گزارشگر جنایات شاهنشاهی ضد انسانی و اسلامی است و از ایام الله و نشانگر مقاومت و شجاعت و ایستادگی ملت در مقابل ستمگران و جنایتکاران است، در خاطرهٔ ملت مبارز ایران زنده است و زنده خواهد بود.

ملت شجاع و رزمندهٔ ایران در آن روز و روزهای اختناق و جنایت به دست دژخیمان شاه مطرود، نشان داد که تا رسیدن به هدفهای انسانی اسلامی خود چون سدی آهنین ایستاده و از قتل عامها و کشتارهای وحشیانهٔ دسته جمعی هراس به خود راه نداده و راه خود را شجاعانه ادامه می‌دهد. از هفدهم شهریور تا امروز سالروز افتخارآمیز آن، هرگز سستی و فتوری در ارادهٔ آهنین ملت انقلابی ایران حاصل نشده، بلکه هر واقعه و فاجعه ای او را مصمم تر و منسجم تر می‌کند.

هفده شهریور باید درسی باشد برای کوردلانی که گمان کرده‌اند با به شهادت رساندن چند نفر از سران متعهد کشور، می‌توانند سد عظیم مسلمانان نیرومند و شجاع را بشکنند. ملتی راکه پانزدهم خرداد و هفدهم شهریور و ایام دیگر را پشت سر نهاده است و چون سیلی خروشان موانع را هر چه بزرگ باشد از سر راه خود برداشته و درهم‌پیچیده است، نمی‌شود باکارهای بزدلانه که جز از شکست خورده‌ها و مأیوسها و مطرودها صادر نمی‌شود، ارعاب کرد و این دریای متلاطم را از

---

۱. متن پیام امام خمینی را فرزند ایشان آقای سید احمد خمینی در اجتماع پرشکوه صدها هزار تن از مردم تهران، خانواده‌های شهیدان ۱۷ شهریور و جمعی از مسئولین کشور و جانبازان واقعه ۱۷ شهریور که در میدان امام حسین و خیابانهای اطراف آن درگرامیداشت سالروز ۱۷ شهریور اجتماع کرده بودند، قرائت کرد.

خروشیدن و به پیش رفتن بازداشت.

بگذار کوردلان جنایت پیشه و ورشکستگان، پشت به اسلام و ملت نموده، با لاف و گزاف از خشم و اندوه خود بکاهند و حکومت ایران را متزلزل بخوانند. بگذار بوقهای تبلیغاتی که دستشان از مخازن ما قطع و امیدشان به یأس مبدل گردیده، خود را با تهمتها و دغلکاریها راضی نگه دارند و به ما تهمت ناروای رابطه با اسرائیل دشمن بشریت را بزنند. بگذار هر چه می‌خواهند ایران را بی ثبات و متزلزل و ورشکسته توصیف کنند.

ایران اکنون با انسجام بیشتر و وحدت نظر بالاتر و قدرت زیادتر قوای مسلح به سوی هدفهای اسلامی انسانی خود می‌رود و ملت هوشمند ایران با بیداری و هوشیاری برتر، بر پشتیبانی خود از دولت و مجلس و سایر ارگانها افزوده است و این تفاله‌های امریکایی را از سوراخهای خود بیرون کشیده و به مقامات مربوطه معرفی می‌نمایند. ارتش و سپاه پاسدار و سایر قوای مسلح اکنون در جبهه‌ها با پیروزی به نبرد خود شجاعانه ادامه می‌دهند و بزودی به خواست خداوند متعال، متجاوزان باطل را بیرون می‌رانند و دولت و مجلس و شورای قضایی و سایر دولتمردان با وحدت نظر و باکمال قدرت به کارهای خویش ادامه می‌دهند. و ملت عزیز و عظیم و سازش ناپذیر در صحنه حاضر و به هیچ دولت و قدرتی اجازهٔ دخالت در امر کشور را نمی‌دهد. و ما بحمدالله و توفیق الهی از ۱۵ خرداد تا ۱۷ شهریور و تا امروز که سالروز آن است، با رسیدن به هدفهای عالی اسلامی به راه خود ادامه می‌دهیم و از خداوند بزرگ عظمت اسلام و مسلمین و عزت مؤمنین و علوّ درجات شهدای ۱۷ شهریور را خواستاریم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۹۴ تا ۱۹۵.

◘ پیام

زمان: ۱۷شهریور ۱۹/۱۳۶۱ذی‌القعده ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: ضرورت یادآوری ایام‌الله مناسبت: سالگرد ۱۷شهریور
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و ذکر هم بأیام الله﴾[1] «قرآن کریم»

تذکر به «ایام الله» که خداوند متعال به آن امر فرموده است، انسان ساز است. قضایایی که در ایام الله رخ داده است، برای تاریخ و انسانها در طول تاریخ آموزنده و بیدار کننده است. حوادث بزرگ تاریخ که قرآن مجید هم از بعض از آنها یاد کرده است، سرمشقی پر برکت برای ساختن جامعه‌ها و اشخاص و جامعهٔ عصر ماکه عصر انقلاب است، و در کشور ایران که کشور انقلاب و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ است که باید آنها را ایام الله محسوب کنیم و به ذکر آنها و تذکر آن ایام بپردازیم؛ که برای ملت قهرمان و مجاهدان سلحشور، درس انقلاب است.

۱۷ شهریور که اکنون در آستانهٔ سالگرد آن هستیم از ایام الهی است که باید ذکر آن را زنده نگه داریم و به نسلهای آینده تسلیم کنیم. فداکاریهای ملت سلحشور در راه اسلام و دیوسیرتی دژخیمان رژیم شاهنشاهی در این روز، و ایامی نظیر آن، درس بسیار ارزنده ای از فداکاری است که ملت مظلوم سلحشور را و رژیم جنایتکار پهلوی را در طول تاریخ معرفی نموده است تا نسلهای آینده ببینند این جمهوری اسلامی با چه جان نثاریها و از خودگذشتگیها به دست آمده است تا ان‌شاءالله آنان نیز با شهامت و شجاعت و ایثار و فدای عزیزان خویش، این هدیهٔ بزرگ الهی را حفظ نمایند.

---

۱. بخشی از آیه ۵ سوره ابراهیم: «و روزهای خدا را به یادشان آور».

۱۷ شهریور ۵۷ و نظایر آن که قبل از پیروزی انقلاب و پس از آن بسیار بوده است و ملت مجاهد ایران بحمدالله تعالی در همهٔ آنها پیروزمندانه و شرافتمندانه و سرافرازانه در سرکوبی ستمکاران، قیام و اقدام نمودند، جلوهٔ الهی و قدرت پایان‌ناپذیر ایمان به غیب را در جهان پر توانکن ساخت، و آفتاب فروزندهٔ اسلام را که از گریبان مجاهدان در راه حق سر برآورد، به عالمیان بویژه مظلومان و مستضعفان معرفی نمود، و به آنان درس پر برکت جانبازی در راه هدف الهی را آموخت. بگذار کوردلان در داخل و خارج هر چه می‌خواهند بکنند و بگویند و به هر جنایتی که روی تاریخ را سیاه می‌کند و روی منافقان و هم قطاران جنایتکارشان را سیاهتر، دست بزنند، و با انفجارها که کار جنایتکاران ورشکسته است و هر فرد ساده ای می‌تواند این نحو جنایات را انجام دهد، به اسم قیام مسلحانه برای نجات خلق و جنگ خیابانی برای سرنگونی اسلام و جمهوری اسلامی، برای خود و سبعانی امثال خود، دلخوشی، و برای رسانه‌های گروهی در خدمت ابرجنایتکاران، سوژهٔ تبلیغاتی بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی فراهم کنند.

ملت شریف ایران باید اذعان کند که منافقان سیه بخت و هم قطاران آنان، گوی سبقت را از جنایتکاران تاریخ، و گوی رذالت و خباثت را از سفلگان جهان ربوده اند. و گمان ندارم شما بتوانید گروه و یا دسته ای را بیابید که جنایات و سفلگی شان به ابعاد این گروهک منافقین باشد که مدعی اسلام راستین باشند و قرآن کریم و آیات حدود آن را محکوم کنند، آن هم با تعبیری جسارت بار و کفر، شعار مدعی طرفداری از خلق باشند، و اینگونه با بندگان مستمند و کارگر و طبقهٔ ضعیف رفتار کنند. بمبگذاری کنند و آن را جنگ خیابانی مسلحانه بنامند و ادعای قدرتمندی کنند، و چون دزدان و روبهان فرار کرده و در بیغوله‌ها بخزند. ادعای سیاستمداری کنند و اینگونه با اعمال احمقانه، خود را از ملت جدا و رسوا و منزوی کنند. ادعای علم و جهان بینی کنند و

اینگونه در مسائل واضح، جاهل باشند که با جهل و نادانی خود تار و پود خود را بگسلانند. ادعای خدمت به میهن و کشور کنند و اینگونه به دشمنان سرسخت کشور و میهن خدمت کنند. و از استقلال و آزادمنشی دم زنند و اینگونه وابسته به قدرتهای شیطانی باشند. اینجانب صدای انفجاری را که به دست این جنایتکاران در پارک شهر در شب گذشته اتفاق افتاد، در جماران شنیدم. این انفجار عظیم در محلی اتفاق افتاد که مرکز طبقهٔ مستمند و کاسب جزء و کارگر و محل اجتماع زن و مرد و طفل و طبقهٔ ضعیف و محتاج است. و آنچه گزارش شده است، دهها نفر شهید و مجروح به جای گذاشته است که در بین آنان زنان باردار و طفل کوچک شیرخوار بوده است. و شما بدانید که اگر این گروهکها بتوانند، تهران را بویژه محله‌های جنوب شهر که بیشتر در تحقق اهداف اسلامی فداکاری کرده‌اند یکسره منفجر می‌کنند. این است قیام مسلحانه و جنگ خیابانی با سپاه پاسداران؛ و این است منطق آنان که برای ریاست دنیا به دام شیاطین افتاده اند. و باید ملت شریف ما بدانند اینان همیشه کارهایی را که انجام می‌دهند ارزیابی می‌کنند تا اگر صلاح خود را در انکار دیدند، انکار کنند، و اگر صلاح را در عهده داری دیدند، به عهده بگیرند و آن را از شاهکارهای چریکهای رزمندهٔ خود و به عنوان یک پیروزی، و اگر بشود، جنگ خیابانی مسلحانه، تحویل رسانه‌های گروهی دهند. و ما بیش از این منتظریم تا رادیوهای بیگانه این عمل احمقانه را به عنوان شکست جمهوری اسلامی و بی ثباتی حکومت، به خورد ساده دلان دهند. از خداوند تعالی عاجزانه تقاضا می‌کنم که ما را از شرّ نفس اماره و شیطان درونی و بیرونی حفظ فرماید. سلام و درود بر شهیدان و آسیب دیدگان هفدهم شهریور و نظایر آن. سلام و درود بر بازماندگان شهدا از پانزدهم خرداد تا هفدهم شهریور ۵۷ و تا پانزدهم و هفدهم شهریور ۶۱.

و سلام بر ملت شریف و مجاهد ایران که با همت والای خود هر مشکلی را

تحمل و با روی گشاده در جبهه و پشت جبهه برای اهداف مقدس اسلام فداکاری می‌کنند. و سلام و صلوات خداوند متعال و ملائکة الله و انبیای معظم و اولیای خدا بر حضرت بقیة الله -ارواحنا لتراب مقدمه الفداء- و السلام علی عبادالله الصالحین.[1]

روح الله الموسوی الخمینی[2]

۱. این پیام در مراسم بزرگداشت ۱۷ شهریور در مسجد امام خمینی تهران توسط آقای سید احمد خمینی قرائت شد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۸۵ تا ۴۸۷.

« یوم الله ۲۲ بهمن »

◘ پیام

زمان: ۲۲بهمن ۱۳۵۸/ ۲۴ربیع الاول ۱۴۰۰
مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: تشریح عظمت انقلاب استمرار مبارزه علیه مستکبرین تا قطع وابستگیها
مناسبت: سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

سالروز پیروزی انقلاب عظیم ایران را به مستضعفین جهان و مسلمانان عموماً و ملت شریف شجاع ایران تبریک عرض می‌کنم. در چنین روز فرخنده‌ای حق بر باطل و جنود رحمانی بر اولیای شیطان و حزب الله بر طاغوت و طاغوتیان غلبه نمود و حکومت عدل اسلامی مستقر گردید. و دست انتقام حق از آستین ملت رزمندهٔ ایران بیرون آمد و نصرت اعجازآمیز اسلام بر کفر تحقق یافت. در چنین روز مسعودی، همبستگی قشرهای ملت دلیر روزافزون، و ارتش و سایر قوای انتظامی وفاداری خود را به اسلام و ایران نشان دادند و میهن خود را از شرّ طاغوتهای زمان که در رأس آنان دولت امریکاست رهایی بخشیدند.

درود بر چنین ملت زندهٔ هوشیار؛ و آفرین بر قوای انتظامی و پاسداران اسلام و انقلاب اسلامی. جاوید باد پرچم پرافتخار «الله اکبر» که رمز پیروزی معجزه‌آسای ملت بزرگ ایران است. پیروزی عظیمی که در ظرف یک سال فقط یک سال دفتر سیاه جباران را به هم پیچید و اساس جمهوری اسلامی را برقرار نمود. آنچه در انقلابات غیر اسلامی در سالهای طولانی حاصل نشد در سایهٔ اسلام برای ملت عزیز ما در ظرف یک سال تحقق یافت. و آنچه در انقلابها با کشتار میلیونی و حبس میلیونها به

ثمر رسید در انقلاب ما با کمترین ضایعه و بزرگترین دستاورد حاصل شد. ما گرچه شهدای گرانمایه و جوانان برومندی را از دست دادیم، و برادران و خواهران معلول و ناقص العضو به جای گذاشتیم؛ شهدایی که نور انقلابمان، و خواهران و برادران معلولی که سرمایهٔ انقلاب اسلامی ما هستند و از احترام خاصی در میان ملت قدرشناس ما برخوردارند. لکن در عوض، ملتی بزرگ را نجات دادیم و چنگال گرگان آدمخوار وحشیان به صورت آدمی را از شریان حیات امتی عظیم‌الشأن قطع کردیم. و با خواست خداوند و ارادهٔ مصمم ملت عزیز تا ابد صحنهٔ میهن اسلامی خود را از لوث وجود جنایتکاران بی‌فرهنگ و خیانتکاران غارتگر پاک، و در تحت لوای پر برکت «الله اکبر» برای هم میهنان خود آزادی و استقلال را تأمین نمودیم.

من بارها گفته ام و هم اکنون اعلام می‌کنم که ایران باید تا قطع تمام وابستگیهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود از امریکا به مبارزات قاطع خود علیه این جهانخوار بی رحم ادامه دهد؛ و بعد در صورتی که ملت بیدار و شریف ما اجازه دهد، ارتباط بسیار عادی خود را در حد سایر کشورها با امریکا برقرار می‌کند. من بارها گفته‌ام و در این روز بزرگ می‌گویم [تا] قطع تمام وابستگیها به تمام ابرقدرتهای شرق و غرب، مبارزات آشتی ناپذیرانهٔ ملت ما علیه مستکبرین ادامه دارد. همه می‌دانیم که جهان اسلام در انتظار به ثمر رسیدن کامل انقلاب ماست؛ ما از تمام کشورهای زیر سلطه برای به دست آوردن آزادی و استقلال کاملاً پشتیبانی می‌نماییم، و به آنان صریحاً می‌گوییم که حق گرفتنی است. قیام کنید و ابرقدرتها را از صحنهٔ تاریخ روزگار براندازید. من بارها گفته ام و هم اکنون هشدار می‌دهم که اگر شرق ستمکشیده و افریقا به خودشان متکی نباشند، تا ابد گرفتارند. بیایید روی پای خودتان بایستید و بر غرب بتازید و آنان را از میدان به در کنید. من از گوشهٔ بیمارستان[1] به افریقا و شرقِ

---

۱. اشاره به زمانی است که امام خمینی به علت عارضه قلبی در بیمارستان قلب بستری بودند.

زیر سلطه و تمام کشورهای تحت ستم اخطار می‌کنم که متحد شوید و دست امریکای جنایتکار را از سرزمینهای خود قطع کنید. دست امریکا و سایر ابرقدرتها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمندهٔ جهان فرو رفته است. ما تا آخرین قطرهٔ خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛ چراکه مرد جنگیم. ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است. و تا بانگ لااله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم. ما از مردم بی پناه لبنان و فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم.

و اسرائیل این جرثومهٔ فساد همیشه پایگاه امریکا بوده است. من در طول نزدیک به بیست سال خطر اسرائیل راگوشزد نموده‌ام. باید همه بپا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم، و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم. ما از ملت مسلمان و دلیر افغانستان کاملاً پشتیبانی می‌کنیم؛ ملتی که علیه تجاوزگران به مبارزه برخاسته‌اند، بدانند که خدا با آنان است، هر چه بیشتر صفوف خودشان را فشرده تر کنند و با ایمان راسخ بجنگند تا پیروز شوند، و بدانند که پیروزی نزدیک است.

ملت عزیز ایران، شما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار را به وحشت انداخته، هیچ‌گاه با هیچ قدرتی سازش نکنید که یقین دارم نمی‌کنید. و هر کس در هر مقام که خیال سازش با شرق و غرب را داشت بی محابا و بدون هیچ ملاحظه او را از صفحهٔ روزگار براندازید، که سازش با شرق و غرب خودباختگی است و خیانت به اسلام و مسلمین است. امروز روز شهادت و خون است؛ و ما هر روز انتظار همه گونه توطئه را در سراسر ایران داریم. ولی مکتب اسلام عزیزمان دستور می‌دهد تا دست از آزادیخواهی و استقلال طلبی برنداریم و ما نیز برنخواهیم داشت. اینجانب مع‌الأسف به واسطهٔ منع پزشکان نتوانستم در جشن ملت و رژهٔ ارتش شرکت کنم، لکن دلم با

ملت و ارتش اسلامی ملی است، و دعای ناچیزم بدرقهٔ آنان. و تا رمقی دارم چون خادمی فداکار در خدمت همه هستم. و از خداوند متعال عظمت اسلام و رفاه جامعهٔ مسلمین را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۲ بهمن ۱۳۵۹ / ۵ ربیع الثانی ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: تحلیل شرایط ایران و جهان در آغاز سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی (توصیه‌های نه گانه به ملت)

مناسبت: دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی[۲] مخاطب: ملت ایران و مسلمانان جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستان سومین سال پیروزی ملت مسلمان ایران، به پیشگاه مبارک حضرت بقیةالله ارواحنا له الفداء و به ملت شریف و پیروزمند معظم تبریک و تهنیت تقدیم می‌نمایم.

ملت عزیز در این دو سال شاهد وقایع بسیار بود؛ شاهد پیامدهای بسیار شیرین و پیامدهای بسیار تلخ؛ شاهد پیروزی عظیم بر قدرتهای شیطانی و تشکیل حکومت اسلامی در تمامی ابعادش، برچیده شدن تسلط غارتگریها و چپاولگریها از جناحهای راست و چپ و وابستگان سرسپردهٔ آنان، باز شدن درهای زندانهای جهنمی به روی علمای ابرار و روشنفکران متعهد، بسته شدن مراکز گستردهٔ فحشا و عشرتکده‌های منحرف کنندهٔ نسل جوان، بیرون راندن مستشاران و اربابان پر مدعا و باجگیر و کارشکن، اعدام سران جنایتکار و خیانتکار زراندوز، فراری دادن انگلهای خائن و سودجو و جنایتکار، تحول عجیب قشرهای مختلف ملت عزیز از بی‌تفاوتی به تعهد در مقابل اسلام و میهن که در طول مدت جهاد با قدرتهای شیطانی و

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۶ تا ۱۴۸.

۲. پیام امام خمینی توسط آقای سید احمد خمینی در اجتماع صدها هزار تن از مردم تهران که پس از راهپیمایی در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در میدان آزادی تهران اجتماع کرده بودند، قرائت شد.

وابستگان آنان، خصوصاً در هجوم شیطانی صدامی اخیر به وجود آمده است و هزاران کارهای عمرانی و ایجاد مراکز تربیتی در سطح روستاها برای توده‌های عقب نگه داشته شده و شکستن اختناق و ایجاد فضایی آزاد و بسیار امور دیگر که در این مختصر مجال شمردنش نیست. و در مقابل اینهمه کارهای مثبت، تلخیها و نابسامانیهایی از قبیل قیام مسلحانه احزاب وابسته به قدرتهای شیطانی، قتل و غارت خواهران و برادران مسلمان کُرد و ترک و بلوچ، بی نظمی و خودسریها و افسار گسیختگیها که توسط خائنان و مزدورانی که در تمام قشرها و ارگانها نفوذ نموده اند و متأسفانه گاهی به دست جوانانی که از حکومت اسلامی بی اطلاع می‌باشند و عمل خلاف خود را اسلامی گمان کرده‌اند، و از همه بالاتر جنگ تحمیلی و هجوم سبعانهٔ رژیم جنایتکار بعث عراق و قتل و غارت بیگناهان مرزنشین و آواره شدن صدها هزار از خواهران و برادران عزیز و امور دیگری که پیامدهای غیر قابل احتراز تمامی انقلابات می‌باشد که به خواست خداوند متعال نسبت به سایر انقلابها حتی در کشورهای اسلامی بسیار ناچیز است، گرچه کج فهمان و یا بدخواهان آنها را بزرگ جلوه داده و در شکست اسلام دانسته یا ندانسته کوشش می‌نمایند.

اکنون که بحمدالله تعالی انقلاب بزرگ اسلامی در آستانهٔ سال سوم است و به رغم بدخواهان و گروهکهای فاسد مفسد و مزدور شرق و غرب که امید شکست انقلاب را در کمتر از شش ماه داشتند و چشم به راه سردی و سستی ملت و پشت نمودن آنان به انقلاب و باز شدن راه برای وابستگان به رژیم ستمکار سابق و در نتیجه برای امریکای جنایتکار و دیگر چپاولگران که با حیله‌های شیطانی در کمین نشسته‌اند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند، ملت معظم باید در حال افزایش انسجام و وحدت کلمه باشد. ملت آگاه ایران امروز شاهد آن همکاریهای عظیم انسانی اسلامی در سرتاسر کشور است و نیز شاهد ایثار مال و جان و عزیزان خود برای پیروزی و راندن کفار بعثی از میهن عزیز خویش است و قلمهای زهرآگین دشمنان آگاه بدخواه

و دوستان بی توجه، تأثیری در روحیه توده‌های میلیونی عظیم‌الشأن ایران و مسلمانان جهان ننموده است. لازم است تذکراتی داده شود:

۱ ـ تذکر متواضعانه ای است به حضرات گویندگان و نویسندگان اعم از روحانیون معظم و سایر آقایان مطبوعات و تمامی رسانه‌های گروهی. عزیزان من! شما می‌دانید آنچه که به دست آوردید از نفی طاغوت و جایگزین کردن جمهوری اسلامی به جای آن، ارزان نبوده است بلکه با خون هزاران جوان مؤمن و هزاران معلول و مجروح که ما باید تا آخر عمر خود را رهین آنان بدانیم، به دست آمده است. این نعمت بزرگ الهی را ارزان از دست ندهید. شما حضرات آقایان که در پیروزی انقلاب سهیم بودید و اسلام و ایران مال خودتان است، سعی کنید قلمها و زبانهایتان در خدمت انقلاب و به ثمر رسیدن آن، که آزادی و استقلال در سایه جمهوری اسلامی و زیر پرچم توحید و اسلام بزرگ است، باشد. سعی کنید روحیه ملت را تقویت نمایید و در مقابل فحاشیهای منحرفین که برای تضعیف روحیه ملت است بیدریغ فعالیت نمایید و از تضعیف اشخاص و یاگروههایی که در خدمت جمهوری اسلامی هستند و تضعیف آنان مستقیماً خدمت به جهانخوارانی است که در کمین نشسته‌اند تا از قلمها و زبانهای شما بهره گیری کنند، بپرهیزید.

انصاف نیست که جوانان عزیز اسلام از ارتش و سپاه و ژاندارمری و بسیج و شهربانی گرفته تا گروههای جانباز عشایر و عزیزان شهرها و روستاها در سراسر کشور در خدمت اسلام و مسلمین خون خود را نثار و جان خود را فدا کنند، ما در کناری بنشینیم و با قلمها و زبانهای خود قلب نورانی آنان را آزار دهیم. انصاف دهید که ما برای اسلام و کشور اسلامی خود چه کرده ایم و این جوانان عزیز از خود گذشته، از دانشگاهی تا روحانی و از روستایی تا شهرستانی و از کارگر تا بازاری چه کرده‌اند. از اول انقلاب تاکنون تمام رنجها و زحمتها و جانبازیها بر دوش این طبقات بوده است و آنان ولی نعمت ما بوده اند. رهبر ما آن طفل دوازده ساله ای است که با قلب

کوچک خود که ارزشش از صدها زبان و قلم ما بزرگتر است، با نارنجک خود را زیر تانک دشمن انداخت و آن را منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید.

خداوندا! من از پیشگاه مقدس تو عذر می‌خواهم که کودکان و جوانان عزیز ما خود را فدا کنند و ما بهره کشی نماییم.

۲ـ تذکر من به ارتشیان و سپاه پاسداران و ژاندارمری و بسیج و شهربانی و همهٔ نیروهای غیر نظامی مسلح این است که شما هم اکنون در خدمت اسلام و از جنود الله و محافظین کشور اسلامی می‌باشید. ملت مسلمان ایران از شما قدردانی می‌کند و شما را از خود و خود را از شما جدا نمی‌داند و اکنون در جهان کشوری نیست که پیوند ملت و قوای مسلحش بدین پایه باشد. قوای نظامی و انتظامی که از طاغوت بریدند و به الله پیوستند، درست در آن زمان که تخلف از طاغوت مساوی با مرگ بود، با تمام توان به صف جانبازان ملت پیوستند و با طاغوت به ستیز پرداختند، دین خود را به اسلام و میهن خود ادا نموده و خداوند متعال را از خود راضی نمودند و یا پاسداران عزیز و تمامی قوای غیرمنظم که با پشتیبانی ملت بزرگ انقلاب مقدس را به پیروزی رساندند، امید است همگان در پیشگاه مقدس حق تعالی روسفید باشند که جمهوری اسلامی را روسفید نمودند.

عزیزان من ! توجه کنید که افرادی از خدا بیخبر می‌خواهند شما را از هم جدا کنند و بدین وسیله ملت را از تمامی شما جدا و سپس انقلاب را به تباهی بکشند و کشور را اسیر ابرقدرتها کنند. با تمام توان از وسوسه‌های شیطانی این وابستگان به شرق و غرب بپرهیزید و با آن مبارزه نمایید. قوای مسلح از هر قشری که هستند، در حالی که باید دارای دید سیاسی باشند و هرگز کورکورانه عمل نکنند، نباید در اموری که سیاست بازان در آن دخالت دارند داخل شوند، زیرا اگر در امور سیاسی وارد شوند ناچار کسانی که در فن سیاست ورزیده شده‌اند بین آنان اختلاف ایجاد کرده و هر گروه از آنان را به یک طرف کشیده و شیرازهٔ ارتش را که تنها با انسجام کامل است که

می‌توانند به کشور خود خدمت نمایند از بنیان به هم می‌زنند و نتیجه نهایی خود را که اسارت کشور است به دست می‌آورند. شما ای قوای مسلح عزیز که عازم خدمت به میهن خود هستید! با ورود در بازیهای سیاسی ناچار از خدمت به میهن عزیز خود بازمانده و به سوی شرق یا غرب کشیده خواهید شد. بازیهای سیاسی است که شما را به یک گروه نزدیک و از یک گروه دور می‌سازد و شما را نسبت بـه یک قشر ملت بدبین می‌کند و پس از اختلاف ضربهٔ خود را می‌زند.

امروز تمامی ملت به شما خوشبین و شما را خدمتگزار بـه میهن و اسلام می‌داند و از شما پشتیبانی می‌کند، چنانچه مشاهده می‌نمایید در پشت جبهه، کوچک و بزرگ، زن و مرد، تـوده‌های مـیلیونی بـرای پـیروزی شـما بـه خـدمت و فـعالیت مشغولند. امروز گویندگان و نویسندگان به شما علاقه جدی دارند. در صورتی که اشخاص منحرف در بین شما نفوذ کرده تا باگفتار شیطانی خود شما را به روحانیون و متدینین بدبین کنند و شما را از آنان و بالاخره از ملت جدا کنند، بدانید که اینان هیچ مقصودی جز مقاصد شیطانی خویش ندارند. بهوش باشید، شیاطین را از خود برانید و لازم است با تمام توان کوشش نمایید تا بین خودتان خدای نخواسته شکافی واقع نشود. بدانید که قوای مسلح از هم جدا نیستند و همه برای خدا و اسلام و میهن عزیز در جنگ و فداکاری به سر می‌برند و کسانی که می‌خواهند بین سپاه و ارتش و دیگر اقشار قوای مسلح اختلاف ایجاد کنند به فکر میهن و اسلام نیستند و شما را خـدای نخواسته از داخل پوسانده و ضربه کاری خود را می‌زنند.

۳ـ تذکر أکید به روحانیونی است که در دادگاهها و کمیته‌ها، جهاد سازندگی و دیگر ارگانها اشتغال به خدمت دارند، که اولاً در اموری که صلاحیت آن را ندارند به هیچ وجه دخالت نکنند که دخالت آنان علاوه بر آنکه از جهت عدم صلاحیت آنـان غیرمشروع است، از جهت بدبین شدن ملت به روحانیت و درنتیجه جدا شدن ملت از شما که لطمه ای بزرگ بـه اسـلام و کشـور اسـلامی مـی‌باشد از گـناهان بـزرگ و

نابخشودنی است. شیاطینی که شما را وادار به این نحو دخالتها می‌کنند دشمنان سرسخت روحانیت و اسلامند، با این عمل خود نتایج شیطانی گرفته و شما را منزوی و کشور را به تباهی می‌کشند. دخالت در امور اجرایی، عزل و نصب و امثال اینها به استثنای دخالت کسانی که دولت مستقیماً گماشته است، دخالت غیرمشروع و موجب اختلال در امر کشور و باید از آن اجتناب بشود.

من خوف آن دارم که جوانهای روحانی که مکلف به حفظ آبرو و حیثیت اسلام و روحانیت هستند، به حسب اعمالی که بعضی از آنها ولو با حسن نیت انجام می‌دهند، چهرهٔ روحانیت و اسلام را غیر از آنچه هست نمایش دهند. من بیم آن دارم که شیاطینی که برای شکست جمهوری اسلامی با قلمهای مسمومشان نشسته‌اند تا یکی را صد کنند و اعمال بی رویهٔ اشخاص را به پای جمهوری اسلامی محسوب دارند، با فریاد وااسلاما جمهوری اسلامی را مشوّه کنند.

۴ ـ شکی نیست که دخالتهای غیرصحیح بعضی از اشخاص که به صورت روحانی درآمده اند و اشخاص غیر روحانی که خود را بدون هیچ گونه صلاحیتی در امور کشوری وارد کرده‌اند، زیاد هستند. باید مراجع صلاحیتدار از اینگونه اعمال شدیداً جلوگیری کنند و باید نویسندگان و گویندگان ذی صلاحیت در رفع آنها با نصایح برادرانه و انتقاد سالم بکوشند، لکن نه به طور انتقامجویی و از روی عقده‌های درونی و چهرهٔ جمهوری اسلامی را واژگونه کردن که خود گناهی بزرگ است، که اینگونه برخوردها نه تنها علاوه بر آنکه تأثیر درستی ندارد، دارای عکس العمل نیز می‌باشد. مع الأسف بعضی از نویسندگان و گویندگان به جای انتقاد سالم و هدایت مفید، با انتقاد کینه توزانه می‌خواهند افراد جامعه را به جمهوری اسلامی بدبین کنند. اینان به جای انتقاد سازنده به فحاشی پرداخته و به جای نهی از منکر، خود مرتکب منکر می‌شوند. خداوند آنان را هدایت فرماید.

۵ ـ من بار دیگر خطر امریکا را به جهان بخصوص منطقه و ایران گوشزد

می‌نمایم. امروز تمامی آنانی که علیه جمهوری اسلامی ایران متحد شده‌اند، با واسطه یا بدون واسطه در رابطه با امریکا می‌باشند ملت ایران باید با قاطعیت با این خطر بزرگ مبارزه نماید. امریکا از اینکه دید حمله نظامی توسط یکی از نوکرانش یعنی دولت عراق، مردم ما را متحدتر کرد، دوباره دست به تشدید اختلافات داخلی زد. مردم دلیر ایران باید با اتحاد خویش این نقشه شیطانی را هم به دنبال نقشه‌های قبل خنثی کنند.

۶ـ خطر کمونیسم بین الملل چیزی نیست که به سادگی بشود از آن گذشت. گرچه امروز ابرقدرتها زیر عناوین مختلف خون مردم مستضعف را می‌مکند و به هیچ وجه کاری به نوع تفکر خویش ندارند و آنچه برایشان مطرح است مسائل مادی خودشان است ولی خطر کمونیسم از سرمایه داری غرب کمتر نیست و مردم عزیز ایران باید در مقابل دسایس آنها هوشیار باشند.

۷ـ امروز اسرائیل و دوست صمیمی اش مصر، در منطقه، در فکر ایجاد یک هسته مرکزی برای نابودی مسلمانها و ارزشهای عالی فکری آنها می‌باشند، اخیراً عراق و بعضی سران کشورهای منطقه هم با این طرح موافقت نموده اند. من نزدیک به بیست سال است خطر صهیونیسم بین الملل را گوشزد نموده‌ام و امروز خطر آن را برای تمامی انقلابات آزادیبخش جهان و انقلاب اخیر اسلامی ایران نه تنها کمتر از گذشته نمی‌دانم که امروز این زالوهای جهانخوار با فنون مختلف برای شکست مستضعفان جهان قیام و اقدام نموده اند.

ملت ما و ملل آزاد جهان باید در مقابل این دسیسه‌های خطرناک با شجاعت و آگاهی ایستادگی نمایند.

۸ـ من بار دیگر از تمام جنبشهای آزادیبخش جهان پشتیبانی می‌نمایم و امیدوارم تا آنان برای تحقق جامعه آزاد خویش پیروز شوند. امید است دولت اسلامی در مواقع مقتضی به آنان کمک نماید.

۹ـ پیام من به ملت بزرگ و توده‌های عظیم انسانها که پیروزی به دست پر برکت آنان تحقق یافت و آنان اسلام عزیز را در این قرن تجدید نمودند و همه مرهون خدمات ارزندهٔ آنان هستیم این است که این اعجاز بزرگ قرن و این پیروزی بی نظیر و این جمهوری اسلامی محتاج به حفظ و نگهبانی است و آن هم نیز به دست توانای شما که دست خداوند قادر با آن است حاصل می‌شود. شما ملت عزیز بزرگوار، همه چیز خودتان را برای رضای خداوند تعالی در طبق اخلاص نهادید و این مائدهٔ بزرگ آسمانی را به دست آوردید. نگهداری این متاع محتاج به صبر و کوشش است. شیاطینی که شاید اکثر آنها از قشر مرفه وابسته به رژیم سابق باشند با شایعه‌ها و دروغها و فریبها می‌خواهند شما را سست کنند و این متاع را که با خون شهدا و جوانان عزیز به دست آوردید از شما سلب کنند و با اسم کمبود بنزین و نفت و قند و شکر و از این قبیل، شما را نسبت به حکومت جمهوری اسلامی دلسرد کنند و ضربهٔ آخر خود را بزنند. در صورتی که این قبیل شایعه و فریب ضربه ای است به شرافت انسانی شما. این کوردلان گمان کرده‌اند که شما، جوانان و عزیزان خود را در راه نفت و بنزین داده‌اید و به اسلام و میهن عزیز خود برای پرکردن شکم خود خدمت می‌کنید. اینان را که دشمن عزت و شرافت شما هستند از خود برانید و مجال ندهید که توطئه‌های آنان به ثمر برسد. شما به صدر اسلام و مجاهدت پیغمبر عظیم‌الشأن و یاران بزرگوار او نظر کنید که با چه زحمات و کمبودهایی مواجه بودند و چگونه با نثار جان و خون، اسلام را به ثمر رساندند و با پیروی از آن بزرگواران اسلام را تقویت کنید و میهن عزیز خود را حفظ نمایید و دست رد بر سینهٔ بدخواهان زنید و ترس به خود راه ندهید که خداوند با شماست. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین و پیروزی هر چه زودتر سپاه اسلام بر کفر را خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۷۱ تا ۷۸.

▣ پیام

زمان: ۲۲ بهمن ۱۶/۱۳۶۰ ربیع‌الثانی ۱۴۰۲ — مکان: تهران، جماران
موضوع: بیان موقعیت ایران و انقلاب در چهارمین سالگرد پیروزی
مناسبت: چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن) — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

بحمدالله تعالی سه سال از پیروزی انقلاب اسلامی سپری شد، و در آستان سال چهارم هستیم. با پیشگوییهای قشرهای غیر آشنا به اسلام و مردم دلیر ایران، باید جمهوری اسلامی بیش از دو سال از شکست خود را پشت سر گذاشته باشد! خوابهای شیرینی که مخالفان داخلی و پشتوانه‌های خارجی آنان دیده بودند و رؤیاهای امیدبخشی که کاخهای طلایی برایشان بنا نموده بودند یکی پس از دیگری با همت والای ملت عظیم‌الشأن و جوانان برومند اسلام فروریخت. این کوردلان که از نصرت خداوند غافل بودند و وعده‌های الهی را نمی‌توانند باور کنند و انقلاب اسلامی را چون سایر انقلابات بلکه ناچیزتر می‌دانند و با دید مادی و محاسبات غلط به این پدیدهٔ الهی می‌نگرند و از ارزشهای انسانی و حجم قدرت ایمان و تحولی که به خواست خداوند قادر در ملت انقلابی ایران پیدا شده خبری ندارند و ارزشها را با دیدهای مادی خود، خلاصه در سلطه‌جویی و استضعاف ملتهای زیر ستم می‌کنند، ناچار گرفتاریهای پس از انقلاب ایران و توطئه‌های همه جانبهٔ قدرتهای بزرگ و کوچک آنان را به این نتیجه رسانده بود که جمهوری اسلامی پس از چند ماه سرنگون خواهد شد، و امریکا با عوامل داخلی خود بر اریکهٔ قدرت خواهد نشست. و درست همین انگیزه بود که گروهکهای داخلی و عوامل جهانخواران خارجی مثل صدام را به مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی برانگیخت، تا خود و هواداران بازیخوردهٔ خود و ارتش بی اطلاع خود را به دامی مبتلا کنند که راه مفرّی جز تسلیم یا تباهی نداشته

باشند. و از صدام بیخبرتر و وابسته‌تر حسین اردنی[۱] است که پس از تجربهٔ برادر جنایتکارش[۲]، از خواب خرگوشی بر نخواسته و داوطلب جنگ با اسلام و قرآن کریم شده و پیش قدم برای نامنویسی در این جنایت و خیانت بر ملت و ارتش خود گردیده است. غافل از آنکه علاوه بر آنکه ملت اردن مسلمان است و هرگز با اسلام به جنگ برنخواهد خواست و در این اسم نویسی توفیقی پیدا نخواهد کرد، سرنوشت او همان سرنوشت شاه مخلوع با آن قدرت بزرگ شیطانی و پشتیبانی قدرتهای بزرگ و کوچک خواهد بود، چنانچه سرنوشت صدام به خواست خداوند قادر همان است. اینان نمی‌دانند قیام یک ملت منسجم از مرد و زن، کوچک و بزرگ، یعنی چه. و نمی‌دانند ملتی که برای خدا و نصرت احکام آسمانی او و نجات مظلومان و محرومان قیام نموده نصرت خداوند قادر را با خود دارد. من به حسب وظیفه اسلامی و انسانی او را نصیحت می‌کنم که گول وعده‌های شیطان بزرگ را نخورد، و خود را با جنود خداوند قهّار درگیر نسازد؛ و به جای این حرکت سفیهانهٔ غیر اسلامی، ارتش خود را برای نجات بیت‌المقدس مجهز کند که نفع خود و ملت عرب و اسلام در آن است؛ والّا بازی کردن با آتش و مقابله با قدرت اسلام عواقبی دردناک دارد. و ملت و دولت ایران نمی‌خواهند که به کشورهای اسلام صدمه و ضرری وارد شود؛ بلکه می‌خواهند همه به برادری در مقابل دشمنان اسلام، خصوصاً اسرائیل، دشمن سرسخت اسلام و عرب، ایستاده و چپاولگران جهانخوار را از سلطه بر کشورهای اسلامی و مسلمانان و مستضعفان باز دارند و دست چپاولگران و ستمکاران را قطع کنند.

اکنون در آغاز چهارمین سال پیروزی اسلام در کشور عزیزمان لازم است تذکراتی هر چند تکراری عرض نمایم ﴿فَإِنَّ ٱلذِّكْرَىٰ تَنفَعُ ٱلْمُؤْمِنِينَ﴾[۳]:

---

۱. ملک حسین، پادشاه اردن.

۲. اشاره به صدام حسین، رئیس جمهور عراق.

۳. سوره ذاریات، آیه ۵۵: «هر آینه تذکر، مؤمنان را سودمند افتد».

۱ ـ نصرت حق تعالی از کشور اسلامی ما و هر کشور اسلامی مشروط است به نصرت دادن کشور و کشورها به دین مبین اسلام و احکام مترقی آن، که نصرت مظلومان و محرومان جامعه را نیز در بر دارد. و ما اگر حق را نصرت ننماییم، نباید در انتظار نصر خدا باشیم. و از این جمله است اجرای عدالت اسلامی در تمام دستگاههای قضایی و اجرایی در سراسر کشور. و از جملهٔ مهمات رسیدگی سریع به پرونده‌های زندانیان و خصوصاً آنانکه جرمشان مادون جرم گروهکهای مفسدین و ملحدین اغتشاش گر است. رسیدگی به پرونده‌های کسانی که به عللی به تعویق افتاده است اولویت دارد؛ چنانچه رسیدگی به دادگاههای قضایی و دادستانیها از اولویت خاص برخوردار است. و امیدوارم کیفیت برخورد ادارات و دستگاههای اجرایی با مردم به گونه ای باشد که احتیاج به رسیدگی نداشته باشد.

۲ ـ تقویت و توسعهٔ تبلیغات، خصوصاً در خارج از کشور، از اهمّ امور است و کشور ما در این چند سال تقریباً فاقد آن بوده است. ما در مقابل همهٔ بوقهای تبلیغاتی جهانخواران در خارج، که اسلام عزیز آنان را به وحشت انداخته است، فاقد تبلیغات صحیح هستیم. سفارتخانه‌های ما عمل مثبتی انجام نداده‌اند و «وزارت ارشاد»، قطع نظر از تلاشهای اخیرش تاکنون نتوانسته است این امر مهم و حیاتی را توسعه دهد. و کشور اسلامی ما مظلومانه مورد هجوم رسانه‌های گروهی و دستگاههای دروغ پراکنی واقع شده است. و لازم است دولت به مقدار قدرت و توانایی این نقیصه را رفع کند؛ و برای رساندن صدای مظلومان به جهان در توسعه شبکه‌های رادیویی جدیت نمایند، تا ملتها هرچند مختصر از آنچه بر ما گذشته است و می‌گذرد مطلع شوند و گروههایی برای روشنگری و تبلیغ در فرصتهای مناسب به کشورها اعزام که صدای مظلومیت ملت و جرایم قدرتمندان ستمگر را به اطلاع ملتها و مظلومان جهان برسانند، و به آنان بفهمانند که مخالفان جمهوری اسلامی ایران، همان گونه که از اقوال و اعمالشان بخوبی ظاهر می‌شود، مخالفت اصلی و هدفشان [مخالفت] با اسلام

است، و اسلام هر جا برود اینان مخالفت می‌نمایند.

۳ـ ملت ایران پس از انقلاب مواجه با مشکلات و گرفتاریهایی که لازمهٔ اجتناب‌ناپذیر هر انقلابی است می‌باشند. و باید بدانند که این انقلاب چون مردمی و اسلامی است، از همهٔ انقلابهای جهان پر ثمرتر و کم ضایعه تر است. و مردم انقلابی ما باید بدانند که برای حفظ اسلام و انقلاب و نگهبانی از ثمرات آن و پاس خون شهیدان لازم است از خود صبر و بردباری انقلابی نشان دهند و به تبلیغات غرض آلود دشمنان انقلاب و اسلام، که با تمام وجود کوشش می‌کنند تا مردم را از انقلاب و جمهوری اسلامی نگران و دلسرد کنند، گوش فرا ندهند. و باید بدانند که اکثر کسانی که علیه انقلاب سمپاشی می‌کنند از طبقاتی هستند که جلو استفاده‌های نامشروع آنان گرفته شده است و یا از عیاشیها و هرزه گریها بازمانده اند؛ و الّا طبقه محروم، که اکثریت قاطع را تشکیل می‌دهند، وفادار به اسلام و جمهوری اسلامی می‌باشند. البته هدف بزرگ دارای اشکالات و گرفتاریهای بزرگ نیز هست. طبقات محروم و زجرکشیده انقلاب به اندازهٔ پیامبران عظیم‌الشأن و پیغمبر اسلام در طول زندگی، خصوصاً سیزده سال قبل از هجرت، رنج و زحمت متحمل نشده‌اند؛ ولی چون هدف بزرگ بود با روی گشاده تحمل کردند. و هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم‌الشأن است. با صبر و تحمل انقلابی به پیش، تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز.

۴ـ از جمله کمبودهای چشمگیر که پس از انقلاب ناگهان با آن مواجه شده و هستیم کمبود قاضی شرع و مبلّغ اسلامی است. امروز هزاران قاضی و مبلّغ مورد حاجت است، که باید با همت اکابر[1] و علما و مدرسین و فضلای حوزه‌ها در سراسر کشور، خصوصاً قم، مشهد و شهرستانهای بزرگ، تربیت شوند. از گوشه و کنار کشور قاضی می‌خواهند و مبلّغ؛ و هرروز احتیاجات روز افزون می‌شود. حوزه‌های علمیه

---

۱. بزرگان.

باید با صرف وقت برای این امر بسیار مهم کوشش خستگی ناپذیر نموده و بپاخیزند؛ البته در قم به همت فضلا و مدرسین محترم این امر شروع شده است لکن چون حجم کار بسیار زیاد است، لازم است حوزه‌ها تعلیماتشان را افزایش دهند که ان‌شاءالله این کمبودها تا چند سال دیگر رفع شود.

۵ ـ یکی از امور مهمی که مورد توجه بزرگان و علمای حوزه علمیّه قم بوده است، لکن عمل مثبتی درباره آن انجام نگرفته، ایجاد نظم و انضباط در حوزه‌هاست، که لازم است از حوزه علمیه قم شروع شود و به طور جدی و اساسی عمل شود. البته این امر برای حفظ حوزه‌ها از ورود عناصر منحرف از حیث عقاید و اخلاق و اعمال از اهم وظایف شرعی است، که به عهده همه خصوصاً فضلا و علما و مدرسین می‌باشد؛ و با همکاری جدی همگان و با تأیید مراجع معظم می‌تواند جامه عمل پوشد. در این زمان که حوزه‌های علمیه و روحانیون معظّم در پیشبرد مقاصد اسلام و تحکیم جمهوری اسلامی نقش بسیار مؤثری دارند، شک نیست که قدرتمندان و قدرت طلبان بیکار ننشسته‌اند، بلکه در تلاشند تا این قدرت فعال را تضعیف کنند. و این امر برای آنان میسر نیست مگر با رخنه کردن عناصر فاسد در حوزه‌ها، که از داخل موجبات تباهی و از کار افتادن این پدیده الهی را فراهم آورده، و خدای نخواسته به تدریج و در دراز مدت ملت را از آنها مأیوس و روی گردان کنند. و همه می‌دانیم که اگر خدای نخواسته حوزه‌ها از عهدهٔ تربیت فقها و علما و خطبای موجه و مورد علاقه مردم برنیایند و به طور هرج و مرج و بدون برنامه صحیح و ضابطه اسلامی عقلایی حوزه‌ها اداره شوند، باید همه منتظر فاجعه شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ باشیم. و اگر اکنون با همت همگان از سرچشمهٔ فساد جلوگیری نشود، فردا و فرداها دیر است، و بسا باشد که به جایی رسد که از قدرت همه خارج شود و مقایسه امروز حوزه‌ها با قبل از انقلاب، که روحانیون از سیاست و نظر در امور کشور به واسطه تبلیغات و فشارها و کج فهمیها منعزل و برکنار بودند، بسیار نابجا و غلط است. گرچه

ممکن است بعضی کج فهمها با این امر حیاتی مخالف باشند و با تز «نظم در بی نظمی است» با توهّمات شیطانی دست به گریبان باشند، لکن اینان در اقلیت هستند؛ و قشرهای عظیم روحانیون متفکر و متوجه به مسائل و پیشامدها در این فکر هستند. و بالأخره همانطور که پاکسازی و تصفیه در همهٔ ارگانهای دولتی و کشوری و لشکری لازم است، در حوزه‌ها و دانشگاهها، که همگام با حوزه‌ها هستند و هر دو از ویژگی خاصی برخوردارند، تصفیه و پاکسازی مهمتر است. و با تصفیه این دو پایگاه اسلامی و ملی، محتوای جمهوری اسلامی به رشد و ترقی خود ادامه خواهد داد. و با انحراف این دو، انقلاب و جمهوری از مسیر اصلی خود منحرف خواهد شد.

۶ـ چنانچه اینجانب و مسئولین جمهوری اسلامی مکرراً اعلام نموده‌ایم، ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران تسلیم احکام مقدس قرآن و اسلامند؛ و به حکم قرآن مجید خود را برادر ایمانی تمام ملتهای اسلامی و کشورهای مختلف از حیث فرهنگ و جغرافیا می‌دانند؛ و صلحجویی و زندگانی مسالمت آمیز را با تمام دولتها و ملتها طالب می‌باشند، و تا دولتی به حریم کشور آنان تجاوز نکند و متعهد به احکام اسلام باشد، آن را برادر خود می‌دانند؛ و از همهٔ کشورها و ملتها می‌خواهند که با هم متحد و یکصدا در مقابل تجاوزگران، هر کس باشد، قیام کنند و خود را از چنگ جهانخواران نجات دهند؛ و نیز به حکم اسلام از تجاوز به حقوق و حدود خود دفاع کرده و تجاوزگر را تأدیب نمایند و در این صورت است که هیچ قدرتی به فضل خداوند متعال نمی‌تواند آنان را از این دفاع مقدس بازدارد. و به دولتها نصیحت می‌کنم که دست از کینه توزی و زورآزمایی بردارند، و با دولت و ملت ایران دست برادری دهند تا اسرائیل غاصب را از کشورهای اسلامی و زمینهای مغصوب بیرون رانند. و نژادپرستی و زبان سالاری را، که در اسلام محکوم و مردود است، کنار زنند، تا سعادت دارین را در آغوش گیرند و هیچ قدرتی نتواند با آنان مقابله کند.

۷ـ سال گذشته گرچه برای ملت ایران سال پرخسارتی بود و شخصیتهای

بزرگ و متعهدی را چه لشکری و چه کشوری، در تهران و تبریز و شیراز و سایر نقاط کشور از دست داد و همه را سوگمند کرد،[۱] گرچه دشمنان اسلام و جمهوری اسلامی گمان می‌کردند با ترور وحشیانه به اسلام و جمهوری شکست وارد شده و روحیهٔ مردم تضعیف می‌شود و در اداره و پیشرفت امور کسی جایگزین آنان نمی‌شود، لکن همه دیدند و دشمنان کوردل فهمیدند که این حسابها غلط از کار در آمد. این حسابگران داخل و خارج با همهٔ پرمدّعایی، انقلاب اسلامی را که از دل پاک یک ملت سرچشمه گرفته بود و با جان مردم و ایمان و عقیدت آنان آمیخته بود، نشناخته بودند. گویی آمال طبیعی حیوانی و شیطانی چشم و گوش آنان را بسته و از معنویات کور و کر شان نموده است.

ملتی که عشق شهادت در دل زن و مرد و کوچک و بزرگش جوش می‌زند و برای شهادت هریک بر دیگری سبقت می‌گیرد و از شهوات حیوانی و دنیایی گریزان بوده و عالم غیب و رفیق أعلی را باور کرده است، با این خسارات، هرچه بزرگ باشد، از صحنه خارج نمی‌شود و همه دیدیم که هر شهادتی برای ملت رشید ما رشدی چشمگیر به ارمغان آورده به طوری که شهادتهای پی درپی، جمهوری اسلامی را آنچنان بیمه کرد که از آسیب دهر مصون گردید؛ و شهادت هریک از عزیزان سند رسوایی گروهکهای ملحد و منافق شد و شکست حتمی آنان را تسریع کرد و اکنون،

---

۱. با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری که حلقه ارتباطی و حمایتی عناصر ضد انقلاب بود، سازمان تروریستی منافقین به رویارویی مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی روی آورد و با انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رساندن هفتاد و دو تن از مسئولین عالیرتبه نظام و دست زدن به ترورهای خیابانی و شهید نمودن ائمه جمعه تبریز و شیراز، و کشتن شخصیتهایی همچون شهیدهاشمی نژاد، کارنامه سیاه خویش را سیاهتر نمود. امریکا و دولتهای غربی علیرغم شعار دفاع از حقوق بشر، نه تنها در مقابل این جنایات سکوت کردند بلکه با پناه دادن به تروریستها و در اختیار نهادن امکانات مادی و تسلیحاتی و تبلیغاتی، این سازمان تروریستی را در کشتارها و جنایاتش همراهی کردند.

به خواست خداوند متعال، جمهوری اسلامی ایران از قدرتی برخوردار است که سابقه نداشته است. و امید است که دست قدرتمند الهی پشتیبان این ملت مظلوم غارت شده و ستمدیده و پشتیبان قوای مسلح نظامی و مردمی در جبهه‌های نبرد علیه باطل باشد. و رحمت حق تعالی بر شهیدان راه حق در طول تاریخ و از پانزده خرداد تا کنون، و سعادت و سلامت نصیب معلولان و مجروحان و ستمدیدگان و آوارگان و بازماندگان شهدا باد.

۸ـ مراتب تشکر و سپاس خود را متواضعانه تقدیم ملت بزرگوار متعهد ایران نموده و از خداوند تبارک و تعالی تشکر می‌کنم که در عصر حاضر، که عصر حکومت شیطان بر زمین است، چنین ملت آگاه رشید جان نثاری در راه عقیدت و ایمان و عاشق لقاءالله و مجاهد فی سبیل الله به این کشور طاغوت زده و غارت شده عنایت فرموده که با مجاهدات خویش بدون تکیه بر قدرتهای چپ و راست، بر طاغوتیان غلبه نموده است و دست آنان را از کشور عزیز و مخازن آن کوتاه کرده و منحرفان و منافقان را منزوی نموده یا از کشور رانده است. و از درگاه خداوند متعال عاجزانه خواستار است که آنان را در صراط مستقیم اعانت فرموده و در مقابل پیشامدها و مشکلات اجتناب‌ناپذیر دنباله انقلاب، استقامت عطا فرماید. و ملت عزیز بدانند که «استقامت» آنچنان اهمیت ویژه دارد که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که فرموده: سورهٔ هود مرا پیر کرد [آنجا] که فرموده است تو و پیروانت استقامت کن.[1] ما و شما که افتخار پیروی آن حضرت و ادعای آن را داریم باید در حفظ دین مقدس و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی استقامت کنیم و مشکلات را با استقبال و استقامت انقلابی رفع نماییم. خداوند یاور و پناه شما عزیزان باشد؛ و به شما صبر انقلابی مرحمت فرماید که در مشکلات ناتوان نشوید؛ و دید انقلابی دهد

---

۱. حضرت رسول اکرم «ص» در باره آیه فاستقم کما امرت و من تاب معک (سوره هود، آیه ۱۱۲) فرمود: «شیبتنی سورة هود لمکان هذه الایة».

که تحت تأثیر جوسازان خدانشناس و متکبران بی اعتنا به اسلام و انقلاب اسلامی واقع نشوید، و از شایعه سازان مخالف مصالح عمومی انقلاب پیروی ننموده و به مقابله با آنان برخیزید.

۹ـ در خاتمه، سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی را به مسلمانان جهان و ملت معظّم ایران و مستضعفان سراسر عالم تبریک عرض می‌کنم و مبارک باد بر همه پیروزی اسلام و پیروزی جنود حق بر جنود ابلیس. و مبارک باد پیروزیهای جبهه‌های دفاع از اسلام و حق بر ملت و خصوصاً قوای مسلح نظامی، انتظامی و مردمی.

اینجانب به شکرانهٔ این نعمتهای بزرگ و به احترام «دههٔ فجر» و بیست و دوم بهمن، سالروز پیروزی ملت عظیم‌الشأن، از جناب حجت الاسلام آقای موسوی،[۱] رئیس محترم دیوانعالی کشور، می‌خواهم تا به عموم دادستانها و قضات محترم ابلاغ کنند که علاوه بر اسامی تهیه شده برای آزادی، در اسرع وقت ممکن و حداکثر تا دو ماه به پرونده‌ها رسیدگی نموده، و لیست اسامی زندانیانی که به حسب شرع مقدس عفوشان مانعی ندارد تهیه و نزد اینجانب بفرستند. لازم است مسئولین امور در تهیهٔ این لیست سختگیری ننمایند و هرچه بیشتر کوشش نمایند تا زندانیان به مردم عزیز ما ملحق شده و همگام با آنان راه انقلاب اسلامی را بپیمایند. مقتضی است تأکیدکنم تا در این امر مسامحه نشود. و همانطور که قبلاً تذکر دادم دادستانیها و محاکم قضایی موظفند در اسرع وقت ممکن به پرونده‌هایی که به عللی رسیدگی به آن به تعویق افتاده است رسیدگی نموده و آنان را در اولویت قرار دهند. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۴۲ تا ۵۰.

▣ پیام

زمان: ۲۰ بهمن ۲۵/۱۳۶۱ ربیع الثانی ۱۴۰۳
مکان: تهران، جماران
موضوع: تبریک یوم الله ۲۲ بهمن
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

بیست و دو بهمن سرآغاز پیروزی ملت ایران بر مستکبران و غارتگران، ۲۲ بهمن سرآغاز برچیده شدن دستگاه ستمگری طاغوتیان، و ۲۲ بهمن سرآغاز حکومت الله بر جهان، ۲۲ بهمن سرآغاز برافراشته شدن پرچم عدالت اسلامی و بیداری مستضعفان، بر کشور و ملت بزرگ ایران و بر جمیع مسلمانان و مستضعفان و محرومان مبارک باد.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۲ بهمن ۲۷/۱۳۶۱ ربیع الثانی ۱۴۰۳
مکان: تهران، جماران
موضوع: ارزیابی وضعیت انقلاب اسلامی در آستانهٔ پنجمین سال پیروزی تذکراتی به مردم، رزمندگان و قوای سه گانه
مناسبت: ۲۲ بهمن (چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی)
مخاطب: مسئولین نظام جمهوری اسلامی، نیروهای مسلح و دیگر اقشار ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

در آستان پنجمین سال پیروزی حق بر باطل و حزب الله بر احزاب شیطانی، مراتب تشکر و عبودیت را به پیشگاه مقدس خداوند متعال که همه از او هستیم و به سوی او می‌رویم، و پیروزیهای روزافزون به عنایت و لطف اوست تقدیم. و عرض ارادت به مقام مقدس ولیّ الله اعظم و بقیة الله فی ارضه ارواحنا لمقدمه الفداء که واسطهٔ فیض و عنایات حق تعالی است و دعای خیرش بدرقه امت جد بزرگوارش صلی‌الله علیه و آله می‌باشد، تقدیم می‌داریم. و تبریک و تهنیت بی‌پایان خود را نسبت به ملت شریف و متعهد ایران عرض می‌کنم که از ابتدای نهضت تا انقلاب عظیم

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۹۸.

اسلامی، و از انقلاب تا پیروزی، و از روز پیروزی تا امروز، دلیرانه و سخاوتمندانه در تمام صحنه‌های انقلاب با جان و دل حاضر بوده و هستند، و از حریم اسلام عزیز و کشور خویش دفاع نموده، و بر ما و همه، منّتها دارند. و اگر نبود پایمردی آنان، انقلابی نبود و پیروزی به این عظمت نصیب اسلام و کشور اسلامی نمی‌شد. و خدای را بر این نعمت شکر که با تأییدات غیبی خود چنین تحول الهی را برای این ملت مظلوم بی‌پناه تقدیم فرموده، و آن را در پناه رحمت خود و با نصیب از قدرت لایزال خویش بر دشمنان اسلام و بشریت پیروز فرموده، و عاجزانه از ساحت مقدسش می‌خواهیم که این عنایت و نعمت را بر این ملت پایدار و مستدام فرماید و نصیب همه مسلمانان جهان نماید. و سپاس و تقدیر فراوان بر رزمندگان عزیز و شجاع از ارتش و سپاه و بسیج تا شهربانی و کمیته و ژاندارمری و عشایر محترم و سایر قوای مسلح که با دست توانای خود که از امدادهای غیبی برخوردار است چنان سیلی به رخسار کریه صدامیان و ضربه بر پیکر حامیان آنان زدند که حزب بعث عفلقی با تشبث به هر حشیش[1] نمی‌تواند آن را جبران کند. و سردار نگونبخت قادسیه دست دریوزگی به هر طرف دراز و چشم امید به جنایتکاران ورشکسته دوخته که چند روزی دیگر به جنایات خود نسبت به ملت مظلوم عراق و مسلمان عرب و غیر عرب ایران و منطقه ادامه دهد. و آنچنان بیچاره و درمانده شده است که با وقاحت تمام، قلم سیاه بر ادعاهای پوچ خود کشیده، و با اسرائیل که تا دیروز ادعای دشمنی با آن را می‌کرد دوست صمیمی شده، و با امریکا که مدعی ترک روابط با آن بود آرزوی وابستگی می‌کند، و با دویله‌های وابسته به امریکا که با اخافه و ارعاب و عربده جیب آنان را خالی کرده بود اکنون با تملق و سرافکندگی چشم طمع دوخته است، و به حسنی[2] و

---

۱. گیاه خشک، کاه، شی ء کوچک و بی ارزش.

۲. حسنی مبارک، رئیس حاکم بر رژیم مصر.

حسن[۱] و حسین[۲] و نمیری[۳] و دیگر جنایتکاران تاریخ که خود ورشکستگانی بیش نیستند امید نجات بسته است. و بوق و شیپور رسانه‌های گروهی سر تاسری با تبلیغاتی که امروز دروغهای شاخدارشان بر همگان روشن گردیده است، برای نجات این غریق وامانده[٤] به دست و پا افتاده اند تا چند روز دیگر بر رخسار درخشندهٔ آفتاب عالمتاب اسلام پرده پوشند، با آنکه خود می‌دانند این سیل خروشان رحمت الهی برای نجات مسلمانان و جمیع مستضعفان و محرومان جهان را با حیله‌های شیطانی نتوان جلوگیری کرد، و این خورشید آسمان معنویت را با تبلیغات دروغین خاموش نتوان نمود. و امید است وعدهٔ الهی ارادهٔ منت بر مستضعفان بزودی تحقق یابد و دست قدرتمند حق تعالی هر چه سریعتر از آستین ملتهای مظلوم بیرون آید و تحول الهی ای که در ملت ایران به وجود آمده است در همهٔ ملل و نحل به خواست خداوند تعالی تحقق یابد، که دست ستمکاران از جنایت نسبت به مستضعفان جهان کوتاه شود، و مظلومان، به حقوق از دست رفتهٔ خود دست یابند.

در اینجا لازم است تذکراتی به خواهران و برادران محترم داده شود، گرچه بحمدالله به مسائل اسلام و روز آشنا هستند:

۱ ـ این مطلب مهم راکه کراراً عرض کرده ام، تکرار می‌کنم که ملت عزیز مجاهد و بویژه سلحشوران رزمندهٔ مجاهد فی سبیل الله توجه داشته باشند که غرور از پیروزیها آفت بزرگی است که شیطان باطنی در بندگان خدا به وجود می‌آورد تا آنان را

---

۱. ملک حسن، پادشاه مغرب «مراکش».

۲. ملک حسین، پادشاه اردن .

۳. محمد جعفر نمیری، رئیس جمهور سودان .

٤. اشاره به صدام حسین «رئیس حاکم بر عراق» که بر خلاف ادعاهایش در روزهای آغاز تجاوز به ایران، بعد از عملیات فتح المبین و فتح خرمشهر، برای جلوگیری از شکستهای بیشتر بـه دست و پـای امریکا و دولتـهای مرتجع عربی افتاده بود.

از راه حق منحرف کند، و در اثر آن خلق خدا را در کوشش برای مقاصد الهی سست کند، و اگر خدای نخواسته این حالت شیطانی در جبهه‌ها پیش آید، در پیروزیها وقفه حاصل، بلکه با مکر شیطانی ممکن است به شکست منتهی شود. و زمانی این آفت وجدان کش پیش می‌آید که انسان از خود و خداوند غافل شود و قدرت و پیروزیها را از خود بداند، و منشأ اصلی آن که اَزِمّهٔ امور را در دست دارد و هر چه کمال و قدرت و جمال است از اوست را از یاد ببرد. ملت عزیز و قوای مسلح رزمنده در طول این انقلاب و این جنگ لمس نموده اند که اگر مددهای الهی و عنایات خاص خداوند قادر نبود، هرگز در ما قدرت مقابله با رژیم شیطانی تا دندان مسلح و متکی به قدرتهای جهانی نبود. ولی از آنجایی که ملت با تحولی الهی به انقلابی اسلامی متکی به معنویات دست زد، توانست آن قدرت بزرگ منطقه را در هم بشکند، و در جنگ نابرابر از حیث تسلیحات و کمکهای بیدریغ شرق و غرب و منطقه، اینهمه پیروزیهای اعجازآمیز را نصیب ایران و اسلام نماید. ما نباید فتحهای بزرگ مثل خرمشهر را از یاد ببریم که دشمن با همهٔ تجهیزات در سنگرهای بسیار محکم با عده و عدد بسیار کمین کرده بود، و در مقابل عده‌ای از سلحشوران متعهد اسلام از بیابان باز به آنان تاخته، و خداوند آنچنان رعب و وحشت را بر دشمنان ما غلبه داد که با اسارت هزاران نظامی و غنیمتهای بسیار، باقیماندهٔ اشرار با فضاحت تمام رو به فرار گذاشته و شهرها را رها کردند. رزمندگان عزیز ما نباید این پیروزی معجزه آسا را جز با مددهای الهی ببینند و اگر چنین شد، غرور آنها خلاصه می‌شود در اینکه ما مورد عنایت قادر متعال هستیم و از خود چیزی نداریم و آنچه داریم از اوست و باید به راه او نثار کنیم. و اینجاست که خداوند عنایات خود را ادامه می‌دهد، و شما سلحشوری و جنگ شرافتمندانه را برای دفاع از اسلام و میهن اسلامی ادامه می‌دهید، و به خواست قادر متعال به پیروزی نهایی دست خواهید یافت.

۲ ـ اکنون که بحمدالله و المنّه محیط ایران از غبارهای شرارتهای اشرار، این

مدعیان دروغین طرفداری از ملت و خلق که خود با دست پلید خویش پرده از چهره کثیف خود برداشتند و به دشمنان اسلام که هم قطاران و یا اربابانشان بودند پیوستند، تقریباً آرامش و سکون با عنایت پروردگار برقرار است، ملت بزرگ متعهد اسلامی لازم است با تمام توان به بازسازی نارساییهایی که لازمهٔ هر انقلاب است، و در انقلاب ایران که متکی به قدرت لایزال حق تعالی و همت والای اقشار معظم ملت است، از سایر انقلابهای بزرگ ضایعاتش کمتر و دستاوردهایش بیشتر است، قیام نماییم، و بدون وقفه از فرصت استفاده نموده و کشور را به سوی بیشتر اسلامی شدن در تمام ابعاد آن، در تمام ارگانهای نظام جمهوری اسلامی از قوای سه گانه که اساس نظام است تا حوزه‌های علمیه و دانشگاهها که اساس فرهنگ است و از قوای نظامی و انتظامی و قوای مسلحهٔ دیگر که اساس امنیت هستند تا قشرهای بازاری و کشاورز و کارگر که هر یک رکنی مهم از ارکان اقتصاد کشورند، همت گماریم. و معلوم است که در این امر بزرگ با ابعاد وسیعش که سرنوشت ملت اسلام بستگی به آن دارد، تا تمام ملت همت نکنند و قیام فعالانه نداشته باشند، مقصد اعلای اسلامی تحقق نخواهد پذیرفت. و تنها با اتحاد کلمه و همت همگان که دست توانای حق تعالی با آن است ان‌شاءالله تعالی کار به نتیجه خواهد رسید، اما کیفیت کمک:

الف ـ قوه قضاییه که امروز برای قضای شرعی احتیاج مبرم به افراد عالم متقی با فضیلت دارد، حوزه‌های علمیه در هر جا هستند، خصوصاً حوزه‌های بزرگ باید این مسئله را یک واجب کفایی شرعی مهم تلقی نمایند. و برای این مقصد مهم اسلامی از علمای موجود در حوزه‌ها و شهرستانها دعوت نمایند. و همهٔ علمای اعلام می‌دانند که قضا امر بسیار مهمی است که در رژیمهای طاغوتی به دست اشخاصی که اکثریت آنان صلاحیت نداشته اند سپرده شده بود. در رژیم سابق ما معذور بودیم، چون اشخاص صلاحیتدار را در هیچ امری، چه رسد به قضای شرعی، نمی‌پذیرفتند، ولی امروز که قضای اسلامی می‌خواهد اجرا شود عذری نیست. و بر اشخاص

صلاحیتدار واجب است تا حد کفایت به این واجب عمل کنند و دیگران را هدایت نمایند و بسیج کنند. و نیز لازم است حضرات مدرسین محترم حوزه‌ها و علمای اعلام و مجتهدین عظام، کتبی را که به آنها «علوم غریبه» نام می‌نهادند زیرا در بحثها و حوزه‌های علمی منسی[1] بودند، چون محل ابتلا نبودند امروز که شدیداً به آنها احتیاج است، مثل کتاب قضا و شهادات و قصاص و حدود و دیات و دیگر کتب محل حاجت را مورد بحث و تدریس و تحقیق قرار دهند، که در آینده مثل امروز گرفتار کمبود اشخاص نباشیم. امید است برای رضای خدای تعالی و برای عمل به وظیفه، به این امر توجه زیاد شود، و مسئله قضا که امروز از مشکلات جمهوری اسلامی است به برکت مراجع بزرگ و علمای اعلام حل شود؛ و نیز شورای قضایی قوانین مربوط به قضا را با جدیت تهیه نمایند، و مجلس محترم هم تصویب این قوانین شرعیه را مقدم بر سایر کارها قرار دهند که قضای اسلامی در کشور اجرا شود.

ب ـ مجلس محترم شورای اسلامی که در رأس همه نهادهاست، در عین حال که از اشخاص عالم و متفکر و تحصیلکرده برخوردار است، خوب است در موارد لزوم از دوستان متعهد و صاحبنظر خود در کمیسیونها دعوت کنند که با برخورد نظرها و افکار، کارها سریعتر و محکمتر انجام گیرد. و از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظر خواهی شود که کارها به نحو شایسته انجام گیرد. و این نکته نیز لازم است که تذکر داده شود که رد احکام ثانویه پس از تشخیص موضوع به وسیله عرف کارشناس، با ردّ احکام اولیه فرقی ندارد، چون هر دو احکام الله می‌باشند. و نیز احکام ثانویه ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد و پس از رأی مجلس و انفاذ شورای نگهبان، هیچ مقامی حق ردّ آن را ندارد، و دولت در اجرای آن باید بدون هیچ ملاحظه ای اقدام کند. و با تشخیص دو سوم مجلس

---

۱. فراموش شده.

شورای اسلامی که مجتمعی از علمای اعلام و مجتهدان و متفکران و متعهدان به اسلام هستند، در موضوعات عرفیه که تشخیص آن با عرف است، با مشورت از کارشناسان، حجت شرعی است که مخالفت با آن بدون حجت قویتر خلاف طریقه عقلاست. چنانچه تغییر احکام اولیه، با شک در موضوع و عدم احراز آن با طریقه عقلا مخالف است.

ج ـ دولت جمهوری اسلامی که متصدی ادارهٔ کشور است و در هر پیشامدی موظف است اقدام مقتضی نماید، در وضع کنونی بدون کمک ملت، توانایی رفع تمام گرفتاریها را ندارد، و برای ادارهٔ نظام جمهوری و دفاع از دشمنان مهاجم و رفع مشکلات جنگ که حجم آن بسیار عظیم است، احتیاج به کمک دارد. و چون پای دفاع از اعراض و نفوس و اموال کشور و حفظ اسلام درمیان است، بر همه کس واجب است که به مقدار کفایت، از خطر عظیم و هجوم اجانب به اسلام و مسلمین ، کمک نماید. و این تکلیفی است که بیشتر متوجه است به طبقهٔ مرفه و ثروتمند و پس از آنان به طبقه متوسط به حسب احوال آنها، نه طبقه مستمند و ضعیف که درآمدشان به مقدار اعاشهٔ آنهاست، گر چه این قشر از تمام قشرها خدمتشان بیشتر است. اینجانب از تمام هم میهنان عزیز تشکر و قدردانی می‌کنم که از اول انقلاب تاکنون در صحنه بودند؛ و امیدوارم خداوند متعال توفیق حضور بیشتر را به همه ما عنایت فرماید. و باید دولت محترم توجه نماید که علاوه بر تکلیف الهی که متوجه همه ملت است، دولت از ویژگی خاصی برخوردار است و تکلیف الهی، بیشتر و متوجه آن و سایر دست‌اندرکاران است، و برای نظم امور در جمیع ابعاد کوشش خواهد کرد. و مسئله جنگ دفاعی که در رأس امور است و ملت متعهد کمک به آن را برای خود یک امر لازم می‌داند و دولت در رابطه با آن حقاً تمام کوشش را می‌کند، لکن تذکر و تکرار در امور مهم، لازم است، و باید هر روز ابعاد کمک به جبهه‌ها را بیشتر گسترش دهد و تا فتح نهایی ان‌شاءالله تعالی برنامه دفاع را در رأس همهٔ برنامه‌ها قرار دهد. بحمدالله

تعالی قوای مسلح اسلامی در دفاع از اسلام و میهن عزیز، عاشقانه از ابتدای هجوم اشرار تاکنون با نثار جان و خون و با عشق به لقاءالله قوای شیطانی دشمن را در هم شکسته و در هر مرحله از مرحله قبل نیرومندتر و متعهدتر به رزمندگی دلیرانهٔ خود ادامه داده‌اند. و همهٔ ما و میهن اسلامی ایران مرهون خدمات ارزندهٔ آنان هستیم. و اگر نبود قدرت روحی و الهی آنان، معلوم نبود کشور ما با اینهمه دشمن و کمکهای قدرتهای بزرگ و کوچک به کجا کشیده می‌شد. و ملت مجاهد متعهد که در طول انقلاب و جنگ تحمیلی از کمکهای شایان به جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها دریغ نکرده است، و یکی از ارکان پیروزی، حضور ملت در همهٔ صحنه‌ها خصوصاً صحنهٔ جنگ است. و الحق، این ملت نمونه در پیشگاه خداوند تعالی ارزشی عظیم دارد، و امید و توقع است که برای حفظ اسلام و کشور اسلامی خود بر حجم کمکها افزوده شود که بحمدالله می‌شود؛ چنانچه بر حجم مخارج دولت هر روز افزوده می‌شود. در زمانی که حضور و کمک ملت شریف ایران به دولت و جبهه‌های جنگ هر روز بیشتر می‌گردد، عده‌ای از محتکران و گرانفروشان خدانشناس دست از این حرفهٔ کثیف بر نمی‌دارند و به حال خود و کشور خود دلسوز نیستند، اینان باید از غضب الهی بترسند و بیش از این خود را در پیشگاه خدا و خلق خدا رسوا نکنند.

هـ ـ درباره فرهنگ هر چه گفته شود کم است. و می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگانها و مقامات آن رژیم به صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند، و به استقلال و آزادی ملت از قیود شیطانی عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند، و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشد، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند، و همه را خواهی نخواهی به انحراف کشاند، و نسل آتیه را آنچنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند، و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد و بر سر خود و کشور خود، آن آورد که در طول ستمشاهی و خصوصاً پنجاه سال سیاه

بر سر کشور آمده. و مجلس و ملت و متفکران متعهد باید این حقیقت را باور کنند و اصلاح فرهنگ و از آن جمله اصلاح مدارس از دبستان تا دانشگاه را جدی بگیرند، و با تمام قوا در سد راه انحراف بکوشند. اشخاصی معدود قدرت ندارند تا این امر عظیم‌الحجم مهم را اصلاح کنند و صددرصد آن را اسلامی و ملی و در خدمت کشور قرار دهند. همه مسئولیم و همه باید در پیشگاه خدا و خلق خدا جواب تهیه کنیم. و در این زمان که فرصتی ارزنده داریم از هیچ کس هیچ عذری پذیرفته نیست و همه باید به مقدار توان خویش در این امر حیاتی کوشش نماییم تا خون جوانان برومند مجاهد و کوشش ملت و مجاهدات بیدریغ آن هدر نرود.

۳ـ کراراً مقامات و مسئولان کشور به دولتهای اسلامی منطقه اعلام نمودند که جمهوری اسلامی ایران که محتوای آن بر اساس عدل اسلامی است و نسبت به آن با تمام جان متعهد است، اجازه ندارد که به حریم دیگران ظلم و ستمگری و تجاوز نماید، و این تعهد الهی اساس نظام اسلام و جمهوری اسلامی است. و کراراً در هر فرصتی به دولتهای منطقه و دیگران نصیحت نموده واز آنان خواسته است که برای مراعات احکام خدا و قرآن مجید پایبند حسن همجواری و اخوت اسلامی باشید، و مطمئن باشید که اگر شما یک قدم برای مراعات برادری جلو گذارید، ما چندین قدم برای فشردن دست شما، برای از بین بردن ابر قدرتها پیش خواهیم آمد. و بسیار تذکر داده شده است که اگر مسلمانان به دستورات اسلامی رفتار کنند و وحدت کلمه خود را حفظ نمایند و از اختلاف و تنازع که مایه شکست آنهاست دست بکشند، در سایه پرچم «لا اله الا الله» از تجاوز دشمنان اسلام و جهانخواران مصون خواهند شد، و دست شرق و غرب را از بلاد عزیز مسلمین قطع خواهند کرد، زیرا هم عدهٔ اینها فزونتر و هم ذخایرشان بی‌پایان است. و از همه بالاتر قدرت غیر متناهی خداوند پشتیبان آنان است، و قدرتهای بزرگ به اینان محتاج هستند. و مکرر این واقعیت گفته شده و لمس گردیده که ابرجنایتکاران شرق و غرب جز به منافع شیطانی خود و

غارت اموال دیگران و سلطه بر آنـان، بـه هـیچ چـیز نـمی‌انـدیشند، و بـه صـراحت می‌گویند ما در منطقه منافع داریم و باید منافع و مصالح خود را حفظ کنیم! و اگر یک دلار به شماها کمک کنند صدها چندان از شما پس می‌گیرند. و این رفت و آمـدهای سیاسی و کمکهای تسلیحاتی و نظامی جز بـرای تـحکیم پـایه‌های نـفوذ خـود در کشـورهای اسـلامی و غـیر اسـلامی نـیست. و شـماها و رسانه‌های گروهی اکـثر ایستگاهها، چه تبلیغ دروغین بکنید و چه نکنید و چه چشم و گـوشهای خـود را از حقیقت روشن ببندید یا نه، صدام عفلقی و حزب بعث عراق اساساً ضد اسلامند و در منطقه فتنه انگیزند. امریکا از جهالت و غرور و بلند پروازی صدام استفاده کرد و او را به هجوم به ایران واداشت. و به منطق امریکا شکست عراق و ایران و از پا درآمدن هر دو یا ایران، در هر صورت به نفع اوست. و صدام بدبخت پیش خود حسابهاکرده بود. ژاندارمی منطقه و سرداری بزرگ قادسیه را در مغز پوک خود مـی‌پرورانـد. و آنـچه نمی‌دانست و نخواهد فهمید قدرت اسلام بزرگ و جانبازی سربازان فداکار اسـلام بود. و در اثر این جهالت و حماقت خود را در دامی افکند که هیچ قدرتی نمی‌تواند او را نجات دهد. و ما مجدداً به دولتهای منطقه هشدار می‌دهیم کـه بـیش از ایـن بـرای نجات یک سبع جنایتکار که اگر فرصت یابد منطقه را به آتش می‌کشد، زحمت نکشید و خود را به غرقاب هلاکت دچار نکنید. و وعده‌های امریکا و دیگران شما را غـافل نکند که با ادامهٔ کمک به دشمن اسلام ممکن است برای ملت و دولت ایران تکـلیفی پیش آید که ما میل به آن نـداریـم. و تـا وقت نگـذشته است بـه اسـلام و دسـتورات حیاتبخش آن گردن نهید و کشور خود را از شرّقدرتهای اغفال کننده نجات دهید. و بدانید که رو آوردن به اسلام و مسالمت با جمهوری اسلامی به صـلاح شـماست، و دولت و ملت ایران برای شما بهتر از امریکا و صدام و مصر و دیگر دغـلبازان است. شماها باید احساس و لمس کرده باشید که قدرت مجموع مـنطقه کـمتر از نـیمی از قدرت شاه مخلوع و معدوم است. و قدرت امروز ایران به بـرکت اسـلام و حـضور

ملت، چندین مقابل آن رژیم است. و امریکا همان طور که در موقع سختی به شاه مخلوع نتوانست و نخواست کمک کند، به شما که از شاه معدوم پیش او بی ارزشترید کمک نخواهد کرد. امریکا و دیگر قدرتمندان ، شما را آلت دست قرار داده‌اند که منافعشان در منطقه تأمین گردد، و اگر شما به دام افتادید، برای نجاتتان به خود زحمت نمی‌دهند.

۴ـ متصدیان امور و شورایعالی قضایی و ستاد پیگیری کوشش نمایند که با سرعت به زندانها و حال زندانیان رسیدگی نموده و از کسانی که از عفوشان ضرری به جمهوری اسلامی نمی‌خورد و مستحق عفو هستند صورتی تهیه و عفو آنان را تسریع نمایند. و کسانی که اسلام برای آنان جزا مقرر فرموده، تکلیفشان را تعیین کنند و پس از اجرای حکم خدا، اگر فساد ایجاد نمی‌کنند، آزادشان نمایند، و بالأخره رویه را بر عفو و رحمت قرار دهند. لکن با مفسدان و گروهکهای فاسد و مفسد با شدت عمل، رفتار کنند، مگر آنکه توبه کنند و ثابت شود که توبه آنها جدی است که با ضمانت می‌شود آزاد کرد.

۵ـ از امور مهمی که اینجانب نگران آن هستم مسائل حوزه‌های علمیه خصوصاً حوزه‌های بزرگ مثل حوزهٔ مقدسهٔ قم است. آقایان علمای اعلام و مدرسین محترم که خیر خواهان اسلام و کشورهای اسلامی هستند، توجه عمیق کنند که مبادا تشریفات و توجه به ساختمانهای متعدد برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام، آنان را از مسئله مهم اصلی حوزه‌ها که اشتغال به علوم رایج اسلامی و خصوصاً فقه و مبادی آن به طریق سنتی است، اغفال کند، و مبادا خدای نخواسته اشتغال به مبادی و مقدمات موجب شود که از غایت اصلی که ابقا و رشد تحقیقات علوم اسلامی، خصوصاً فقه به طریقهٔ سلف صالح و بزرگان مشایخ همچون «شیخ الطائفه»[1] و امثاله

---

۱. شیخ طوسی، ابوجعفر، از عالمان بزرگ شیعه.

ـ رضوان الله تعالی علیهم ـ و در متأخرین همچون «صاحب جواهر»[۱] و شیخ بزرگوار «انصاری»[۲] علیهم ـ رضوان الله تعالی ـ باز دارد. اسلام اگر خدای نخواسته هر چیز از دستش برود ولی فقهش به طریقه موروث از فقهای بزرگ بماند، به راه خود ادامه خواهد داد. ولی اگر همه چیز به دستش آید و خدای نخواسته فقهش به همان طریقه سلف صالح از دستش برود، راه حق را نتواند ادامه داد و به تباهی خواهد کشید. و با آنکه می‌دانیم مراجع عظام و علمای اعلام و مدرسین عالیقدر ـ دامت برکات وجودهم توجه به این امر دارند، لکن خوف آن است که اگر تشریفات و زرق و برقهای شبیه به قطب مادیت رواج پیدا کند، در نسلهای بعد اثر گذارد و خدای نخواسته آنچه از آن می‌ترسیم به سر حوزه‌ها بیاید. لازم است آقایانی که در این امور دست دارند و متصدی این مسائل هستند توجه کنند که حد افراط را جلوگیری کنند، و هر چه می‌کنند در خدمت حوزه‌های علمی و در خدمت اسلام و علوم اسلامی باشد، و کارها تعدیل شود و از افراط و تفریط احتراز گردد. از خداوند تعالی توفیق همگان را در خدمت به علم و علما و اسلام و ملت خواستارم.

۶ ـ آن مطلبی که همیشه مد نظر همه بوده و دربارهٔ آن پافشاری شده، حفظ وحدت کلمه و اجتناب از تفرقه است که همه می‌دانیم وحدت ملت چه اثرهای معجزه آسایی داشته است و دارد. و در مقابل، تفرقه و تنازع چه نکبتهایی به سر مسلمین در طول تاریخشان آورده است. و ملت عظیم‌الشأن ایران که هر دو طرف را مشاهده کرده‌اند و از تفرق رنج برده اند، و بحمدالله شهد وحدت را چشیده اند و اعجاز آن را از اول نهضت تا انقلاب و تاکنون لمس نموده اند، لازم است مراقبت کنند و نگذارند دستهای پلید شیطانی و عمال سر سپردهٔ استکبار جهانی در صفوف مقدس

---

۱. شیخ محمد حسن، صاحب جواهر الکلام؛ یکی از برجسته ترین آثار فقهی شیعه که در بردارنده یک دوره فقه استدلالی با مبانی اجتهادی شیعی در تمام ابواب فقه می‌باشد.

۲. شیخ اعظم، مرتضی انصاری، از اصولیین و فقهای نامدار معاصر شیعه.

آنان وارد شده و به تفرقه افکنی قیام کنند. و هر وقت از اشخاص یا گروههایی یک چنین خیانتهایی مشاهده کردند، بدون وقفه و در اسرع اوقات درصدد جلوگیری برآیند، و به مسئولین کشور اطلاع دهند، و آنان را معرفی نمایند. و این امر برای همهٔ ملت اهمیت دارد، و برای دو قشر از اهمیت ویژه ای برخوردار است: یکی، قشر محصلین خصوصاً دانشگاهیان، که لازم است با هوشیاری و تعهد به اسلام و خدمت به کشور مراقب اوضاع و احوال طبقات محصلین و دانشگاهیان باشند که خدای نخواسته یکوقت این مراکز بزرگ تعلیم و تربیت به سوی مسائلی که قبلاً مبتلا بدان بودند کشیده نشود. خداوند یار و مددکار همه باشد.

دوم، قوای مسلح است که در این حال که هجوم اجانب را می‌بینیم و مبتلا به توطئه، قدرتهای شیطانی هستیم، اهمیتش بیشتر از هر وقت و هر چیزی است. باید تمام فرماندهان و افراد ارتش و سپاه و بسیج و عشایر و قوای نظامی و انتظامی توجه خاص به این امر حیاتی داشته باشند. و اگر خدای نکرده این قشرهای متعهد عزیز با دست جنایتکاران و توطئه چینان، مبتلا به اختلاف شوند، و هر یک خود را محور قرار دهند، مطمئن باشند که شیطانها و شیطان بزرگ در آنان رخنه کرده و طولی نخواهد کشید که همه به تباهی کشیده شوند و شکست برای آنان حتمی است. و با شکست آنان اسلام در اینجا و سایر مناطق به شکستی مبتلا می‌شود که قرنها جبران‌پذیر نیست. برادران مسلح، عزیزان ملت، پشتوانه‌های اسلام و جمهوری اسلامی، بهوش باشید که شیاطین در کمینند و کوچکترین غفلت شما بزرگترین فاجعه را برای ملت و اسلام به بار می‌آورد. خداوند کریم و رحیم همهٔ ما را از شرّ آنان حفظ فرماید.

۷ـ و آخرین کلام آنکه در محضر خداوند منان عرض کنیم که خدایا، تو بر ما منت نهادی و ما را در مثل ۲۲ بهمن بر دشمنان خودت پیروز کردی. و دست این ملت مظلوم را گرفتی و از سراشیبی سقوط و جهنم هر دو عالم به قلهٔ بلند عنایات خود

رساندی. و این امت مستضعف در طول ستمشاهی را به عزت جاودان کشاندی. و جوانان برومند این امت را عاشق خود و شهادت فرمودی، و دعای خیر شب زنده‌داران را در حق ما قاصران اجابت فرمودی.

بارالها، عنایت خود را از ما دریغ مدار، و ناموس دهر و ولی عصر ارواحنا فداه را از ما راضی فرما و ما را از نور هدایت خود همیشه بهره مند نما. ﴿انک مجیب قریب﴾[1]. بارالها، این جوانان سلحشور ما راکه با عشق به جمال تو و به امید عنایت و حمایت تو به دشمن متجاوز که به بندگان تو ناگهان تاختند و خونهای بیگناهان را ریختند، و خانه‌هایشان را بر سرشان خراب کرده، بدتر از مغولان به صغیر و کبیر و عرب و عجم رحم نکردند، شجاعانه تاختند وصفهای آنان را شکستند، و با جنگ نامتعادل که یک طرف تا دندان مسلح و از ساز و برگ جنگی و آرایش حربی و کمکهای بی‌پایان شرق و غرب و منطقه برخوردار بوده، و طرف دیگر مسلمانانی پاکدل و سحر خیزانی عاشق پیشه و سلحشورانی وارسته و پیوسته به تو با قدرت ﴿وَمَا رَمَیْتَ إِذْ رَمَیْتَ وَلَٰکِنَّ ٱللَّهَ رَمَیٰ﴾[2] در هر ناحیه آنان را با اسارت دسته جمعی و غنیمتهای بسیار در هم کوبیده و به خواری و مذلت کشاندند، و از کشور خود بیرون راندند، و کمکهای شرق و غرب را به هیچ شمردند، خداوندا، اینان را به رحمت واسعهٔ خود غریق فرما و به پیروزی نهایی برسان. و شهیدان آنان را با شهدای صدر اسلام در رکاب پیامبر عالیمقام محشور فرما. و پدران و مادران شریفی که این عزیزان را در دامن مهر خود تربیت کرده و در راه اسلام دادند، در جوار رحمت خود و با اولیای عظام علیهم السلام محشور فرما. و به همسران و خواهران و برادران و نزدیکان آنان صبر و عزت مرحمت کن. و ملت ایران که موجب سرافرازی اسلام در

۱. اقتباس از آیه ٦١ سوره هود: «که هر آینه، تو اجابت کننده «دعاها» و نزدیکترینی».

۲. بخشی از آیه ۱۷ سوره انفال: «و آنگاه که تیر انداختی، تو نبودی که تیر افکندی بلکه خدا انداخت».

جهان گردید، و کشور نمونه‌ای ساخت که امید است پرتو خورشیدآسای آن بر مشارق ارض و مغارب آن بتابد و مستضعفان تحت ستم جهان را بر مستکبران پیروزی دهد ان‌شاءالله، قدرت ده.

درود فراوان بر همهٔ مجاهدان راه حق از انبیای عظام و اولیای کرام و صالحین و مصلحین در طول تاریخ بویژه خاتم پیامبران و اشرف نسل آدم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و دودمان معظمش سیّما بقیة الله خاتم الاولیاء ارواحنا لمقدمه الفداء. و درود بر بیست و دوم بهمن، یوم الله و بر آفرینندگان آن.

والسلام علی عباد الله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۲بهمن ۱۳۶۲/ ۸جمادی‌الاول ۱۴۰۴
مکان: تهران، جماران
موضوع: ارزیابی شرایط ایران، انقلاب اسلامی، جنگ و مسائل اجتماعی در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

بارالها، از عنایات بی‌پایان و مراحم بی‌نهایتت خاضعانه تشکر می‌کنیم که ما را در آغاز ششمین سال پیروزی با سرافرازی قرین فرمودی. پنج سال از قطع ید ستمشاهی و ستمکاران جهان بر ملت مظلوم ایران گذشت. محاسبات حسابگران شرق و غرب و ایادی غربزده و شرق‌زدهٔ آنان غلط از آب در آمد. اینان که چشمهایشان جز ظواهر و بندوبستهای مادی را نمی‌بیند و از قدرت مافوق‌الطبیعه بی‌خبرند؟ محال می‌پنداشتند که یک ملت با دست خالی و بدون هیچ یک از ابزارهای جنگهای امروزی بر یک رژیم ۲۵۰۰ ساله که تا بن دندان مسلح به سلاحهای امریکایی و غربی و شرقی بود چیره شود. و پس از آن، در محاسبات دیگرشان، این پندار که هر انقلابی باید یا متکی به غرب باشد یا به شرق، و یا این انقلاب اسلامی تازه

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۱۶ تا ۳۲۸.

و بی‌سابقه بیش از چند ماهی نمی‌پاید، غلط از آب درآمد. ماهها پس از ماهها و نیز سالها گذشت و ایران آرامش خود را باز یافت؛ و انقلاب و رژیم اسلامی چون کوهی خلل ناپذیر بر جای ماند؛ و جهان شرق و غرب را با قدرتی الهی مواجه نمود. و به خواست خداوند متعال، ملتهای اسلامی و مظلومان جهان در سراسر گیتی، با پرخاش بر قدرتهای اتمی و هسته‌ای، رو به انقلاب و قیام علیه باطل و دیکتاتوری در شکل دمکراسی و جلادی در پوشش انساندوستی و غارتگری در لباس سوسیالیستی آورده اند. و جلوی این سیل عالمگیر را با سلاح و زور نمی‌توان گرفت. و با عنایات خاصهٔ خداوند متعال و نظر کریمانهٔ ولیِّ امر و صاحب عصر، ارواحنا فداه، قدرت اسلام در ایران، که پرتوش در شرق و غرب جهان گسترده شده است، زبانزد همهٔ قدرتهای شیطانی است، تا آن حد که در هر گوشهٔ جهان که به دست مظلومان و غارت‌شدگان قیام و انقلاب یا انفجاری رخ می‌دهد مقامات بلندپایهٔ قدرتهای جهنمی می‌گویند ایران در آن دست داشته است، یا جوانهای ایرانی این کار را کرده‌اند. و کاخهای ابرقدرتها، چون کاخ سفید، به دور خود دیوارهای امنیتی می‌کشند؛ و بر فراز کشتیها و ناوهای آنان هواپیماهای جنگنده در حرکت هستند. و خداوند تعالی آرامش را از آنان سلب نموده، و نصر به رعب را نصیب مجاهدان در راه خود نموده است.[1] و شایعه‌سازان، که به خیال خود با دروغ و نسبتهای ناروا می‌خواهند انقلاب اسلامی را تضعیف کنند، با همین شایعه‌ها ایران و مجاهدان ایرانی را تقویت می‌کنند. و به دنبال آن، ملتهای زیر ستم و مظلومان جهان روحیه ای قوی پیدا می‌نمایند. و خداوند دین خود را با دست بدخواهان تقویت می‌فرماید.

باید قدرتهای جهان بدانند امروز مثل دیروز نیست که با یک تشر ملتها چون دولتها از میدان عقب نشینی کنند. امروز این قدرت شیطانی امریکا و همداستان و

---

۱. برگرفته از مضمون آیه ۲۶، سوره احزاب.

دستان اوست که با یک انفجار در گوشه ای از جهان کاخهایشان بسته می‌شود و اطراف آنها دیوارهای بتونی کشیده می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در عین حال که در هیچیک از انفجارها دست نداشته است، لکن این هنر را کرده که بتهای عظیم تخیلی را شکسته، و رعب و وحشت را از دل مظلومان برداشته و در دل ستمگران گذاشته است. و این خود از یک ملت بی عده و عده کافی معجزه ای است که به ید قدرت الهی تحقق یافته است.

امریکا باید بداند که تصمیمات عجولانه و دست و پاکردنهای بدون سنجش، که اخیراً اعلام نمود که ایران را در لیست کشورهای موافق یا دخیل در اعمال تروریستی قرار داده است، گرهی را برای او باز نخواهد کرد و راه مفری پیش رویش نخواهد گذاشت؛ چراکه اکنون جهان مستضعفان برای قطع ید ستمکاران، چه به صورت قیام و انقلاب و چه به صورتهای دیگر، بسیج شده‌اند. و برای ایران نیز مشکلی پیش نخواهد آورد؛ چراکه امریکا پس از شکست در ایران با استفاده از همپیمانان غربی خود در اروپا دست به محاصره اقتصادی ما زد و هرچه توانست انجام داد، و ما باگرمی تمام از آن استقبال کردیم. اداره کنندگان کاخ سفید باید بدانند که دنیا عوض شده است، و قدرتهای شیطانی از حربه‌های استعماری کهنه و نو خلع سلاح شده‌اند. کارگزاران سیاست امریکا باید طرز تفکر و سیاستهای خود را تغییر دهند. و گمان نکنند اداره کل جهان در دست آنهاست، و همه کشورها چشم و گوش بسته در اختیار آنان هستند. باید توجه کنند که قطع رابطه و تحریم اقتصادی و لیستهای دروغین آنها دنیا را بر کشوری تنگ نخواهد کرد. چنانچه وارد نمودن مصر را در سازمان کنفرانس باصطلاح اسلامی[1]، با آن مقدمات و مؤخرات و بست و بند

---

۱. اشاره به تشکیل کنفرانس اسلامی در شهر کازابلانکا درمراکش است که در آن به بازگشت رژیم مصر به کنفرانس و جامعه اعراب، اتخاذ تصمیم شد.

نمودن با حسین[۱] و حسن[۲] و حُسنی[۳]، عقده‌هایی را که از بیداری ملتها و پرخاشگری آنها برای اینان حاصل شده است حل نخواهد نمود. عجب نیست که امریکا و سرسپردگان او برای برگشتن مصر به جرگه اعراب به هر دری می‌زنند؛ تأسف آور و عجیب وضعیت سران اعراب است که پس از آن مقدمات طولانی و تبلیغات و رفت و آمدهای پشت پرده و روی پرده و هیاهوهای عجیب و غریب و صحبت از طرحهایی که در اجتماع ملوک و رؤسای جمهور و سران بلندپایه کشورهای عربی و غیر عربی می‌شد شاید کسانی که آنان را نمی‌شناختند منتظر بودند که در این گردهمایی از مشکلاتی که برای اسلام و مسلمانان و ملتهای مظلوم جهان از دست ابرقدرتها پیش آمده بحث و گفتگو شود، و طرحهایی برای اصلاح حال ملتهای دربند ریخته شود و راه حل مشکلات جهانی آنها را پیدا کنند با آن همه تشریفات نشستند و برخاستند و تمام مشکلات اسلام و مسلمین را خلاصه کردند در برگشت مصر معاهد با اسرائیل به حوزه اعراب! آن روز مصر را برای قرارداد با صهیونیست خارج کردند؛ و امروز به خاطر تثبیت و شناسائی اسرائیل برگرداندند! آن روز مصر را برای پشت کردن به خواست اعراب خارج کردند؛ و امروز آن را به خاطر بوسیدن دست امریکا برگرداندند. آن روز مصر را برای خیانت به آرمان فلسطین خارج کردند؛ و امروز برای امضای دستجمعی آن خیانت آن را برگرداندند. و تأسف آورتر و ننگینتر آنکه مصر با کمال بی اعتنایی هیچ شرطی را قبول نکرد. و یکی از مقامات بالای قاهره گفت سران عرب باید به اشتباه خود اقرار کنند! مسئله لبنان، مسئله افغانستان، و مسائل دیگر ملتهای عرب مشکلی نبود که باصطلاح سران کشورهای اسلامی وقت عزیز خود را صرف امثال آن کنند! ملتهای مظلوم و محترم غیر عرب و

---

۱. ملک حسین، پادشاه اردن هاشمی.

۲. ملک حسن پادشاه مراکش.

۳. حسنی مبارک رئیس رژیم مصر.

عرب و مسلمانان این ننگ را چگونه تحمل کنند که اینان فرمانروایان آنها هستند. آیا وقت آن نرسیده است که ملتهای اسلامی از جای خود برخیزند و سردمداران خود را یا در مقابل شرف اسلام خاضع کنند، و یا با آنان همچون ایران عمل کنند؟ آیا حکومتهای باصطلاح اسلامی در خواب‌اند و نمی‌بینند که امروز وضع ملتها غیر از سابق است ؟ نمی‌خواهند بفهمند که چشم و گوشها باز شده است و فریبکاریهای از قماش شرقی یا غربی توان خود را از دست داده است ؟ نمی‌دانند و نمی‌بینند که انقلاب اسلامی صادر یا در شرف صدور است ، و با تأییدات خداوند متعال پرچم اسلام در آتیه ای نه چندان دور به دست ملت‌های اسلامی ، بلکه مظلومان تشنه عدالت اسلامی ، در سراسر عالم به اهتزاز در خواهد آمد؟ پس بهتر نیست که حکومتها به خود آیند، و از گناه بزرگی که در کازابلانکا مرتکب شدند و به شرف اسلام و مسلمانان ، خصوصاً اعراب ، تجاوز کردند و برای خود ننگ تاریخی بجای گذاشتند توبه کنند و بازگشت به خدای قادر قاهر نمایند، که مبادا آتش قهر او تر و خشک را بسوزاند؟

اکنون در آغاز سال ششم پیروزی لازم است تذکراتی راکه کراراً عرض کرده‌ام بازگو کنم. فان الذکری تنفع المؤمنین.[۱]

۱ ـ اکنون که بحمدالله در سایه عنایات خداوند متعال و ادعیه حضرت بقیة‌الله الاعظم، روحی لمقدمه الفداء، جمهوری اسلامی با سعی و کوشش قشرهای مختلف ملت با استقرار و پایداری به جلو می‌رود، از ملت عظیم‌الشأن خواهانم که به طور فعال در صحنه حاضر، و از کمک به دولت خدمتگزار و جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها دریغ ننمایند. مسئله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفایی است. و همه ما، به حسب امکاناتی که در اختیار داریم، لازم است

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۵: «یادآر (خدا) راکه یادآوری به مومنان، سود می‌رساند».

احتیاجات جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را، که آن نیز کمک به دفاع است، برآورده نماییم. و اینجانب با تشکر از ملت بزرگوار ایران، که انقلاب را با حضور خود و فداکاریهای بیدریغ به ثمر رسانده و به پیش می‌برند. می‌خواهم که به حضور فعال خود ادامه دهند؛ و در این حضور رضای خداوند تعالی را جلب نمایند. و امیدوارم که حق تعالی با عنایات خود نسبت به این ملت معظم، همه را از مجاهدین فی سبیل الله محسوب، و در اجر مجاهدان صدر اسلام در رکاب پیامبر، صلی الله علیه و آله و سلم، شریک فرماید.

۲ـ قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام که با مجاهدت و جانبازی در راه هدف و حفظ آرمانهای اسلامی و پیروزیهای عظیم در تمام جبهه‌ها موجب افتخار و سرافرازی جمهوری اسلام و اولیای خدا، علیهم الصلوة والسلام، شدند. با چه بیان و قلم از جوانانی که به عشق خداوند و شوق لقاالله در سبقت در دفاع از حق و اسلام عزیز سر از پای نمی‌شناسند و تنها سرمایه بزرگ خود را که جان است فدای هدف مقدسی می‌کنند که انبیا و اولیای بزرگ خدا، همچون سید مظلومان و سرور فداکاران، نمودند و ندای هیهات مناالذلة[1] آن بزرگمرد تاریخ را با قول و عمل خود در سراسر کشور بلکه جهان سر می‌دهند، می‌توان تجلیل نمود. و با کدام قلم و بیان می‌توان از عزیزانی که سنگرهای جنگ را به محراب مسجد و معراج الی الله تبدیل کردند ثنا کرد. گیرم که قلمفرسایان هنرمند بتوانند میدانهای شجاعت و دلاوری آنان و قدرت و جسارت فوق العاده آنها را در زیر آتش مسلسلها و توپها و تانکها ترسیم نمایند و نقاشان و هنرپیشگان بتوانند پیروزیهای هنرمندانه آنان را در آن شبهای تار در مقابل موشکها و بمب افکنهای دشمن غدار و عبور از پیچ و خمهای سیمهای خاردار و کوههای سر به فلک کشیده و

۱. دریغ و افسوس برخواری. دور باد از ما ذلت و خواری.

بیرون کشیدن دشمنان خدا از سنگرهای بتونی و مجهز به جهازهای پیشرفته را مجسم نمایند؛ لکن آن بُعد الهی عرفانی و آن جلوه معنوی ربانی ، که جانها را به سوی خود پرواز می‌دهد، و آن قلبهای ذوب شده در تجلیات الهی را با چه قلم و چه هنر و چه بیانی می‌توان ترسیم کرد. راستی این غربیان و شرقیان و غربزدگان و شرقزدگان و ملی گرایان این فداکاریها را با این بُعد معنوی و روح عرفانی و عشق الهی با چه چیزی توجیه و تحلیل می‌کنند؟ اینجا عمل و جسارت مطرح نیست ؛ انگیزه و روح و جهت لدی الربّی آن مطرح است . عشق به محبوب حقیقی ، که همه چیز را محو می‌کند و هر انگیزه‌ای غیر از عشق به او را می‌سوزاند، مطرح است . در کدام جنگ و نهضت و انقلاب و شورش ، در طول زمان و سراسر خلقت ، سربازانی چنین و فداکارانی مانند ایران را سراغ دارید؛ جز در طبقه اولیای الهی و تربیت شدگان در مکتب آنان ، که فرزندان این دیار به نور آنان استضائه[1] کرده و از خود رسته اند. و در کجا، در لابلای تاریخ ، چون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیشقدم می‌شوند. این مکتب قرآن و اسلام راستین است ؛ و اینان فرزندان این قرآن و این مکتب و آن صاحب مکتبمان . سلام و تحیات خدا و رسولانش بر این مادران و پدران و این فرزندان عالیمقام . و درود بر این جانبازان و از هر چیز در راه هدف گذشتگان باد.

۳ـ ای عزیزان اسلام و سرمایه‌های ملت ، مجاهده کنید که خودیت را از سِرّ قلب خود بزدایید. و باید بدانید و بدانیم که هر چه هست اوست و جلوه جمال او. جسم و جان و روح و روان همه از اوست . بکوشید تا حجاب خودیت را بردارید، و جمال جمیل او جلّ و علا را ببینید. آنگاه است که هر مشکلی آسان و هر رنج و

۱. روشنی خواستن ، روشن کردن ، روشنی پذیرفتن .

زحمتی گوارا؛ و فدا شدن در راه او احلی[۱] از عسل، بلکه بالاتر از هر چیز، به گمان آید. مبادا غرور شجاعت و جوانی و پیروزی در دل شما راه یابد، که با آمدن آن، همه چیز فرو ریزد و طاق و رواق آمال درهم شکنند. بکوشید تا همه قشرهای سلحشور، از ارتش و سپاهی و بسیجی و ژاندارمری و کمیته ای و شهربانی و عشایر، همه در هم ذوب شوید و تو و من را از میان بردارید، و چون ید واحده و قدرت واحده بر دشمن بتازید، و مقصد همه دفاع از اسلام و میهن اسلامی باشد؛ تا پیروزی هر قشر پیروزی قشرهای دیگر باشد؛ و هدف مطرح باشد، نه سپاه و ارتش و سایر سلحشوران.

اینجانب به همه قوای مسلح هشدار می‌دهم که اگر خدای نخواسته با دست شیاطین و دشمنان انقلاب چنین مسائلی ولو در آینده پیش بیاید، مطمئن باشید که عنایت حق تعالی از شما سلب می‌گردد، و در جنگ با دشمنان اسلام شکست نصیبتان خواهد شد؛ و در پیشگاه ملت اسلام رسوا شده و ننگ ابدی را باید تحمل کنید؛ و از آن بالاتر، در بارگاه قدس قادر متعال ساقط و با خذلان آخرت خدای نخواسته مواجه می‌شوید. عزیزان من، مطلب مهم است. ننگ و شرافت است و شقاوت و سعادت. پس، لازم است جدا از هواهای نفسانی، که ریشه شیطانی دارد، بر حذر باشید؛ و دست برادری و برابری یکدیگر را، که تاکنون به توفیق خدا با هم فشرده اید، بیشتر بفشارید؛ و اسلام و مصالح کشور خود را در نظر بگیرید، و به چیز دیگری جز آن فکر نکنید. خداوند یار و یاورتان باد.

۴ ـ از مسائل بسیار مهمی که در آینده نزدیک با آن مواجه هستیم مسئله انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی است. این مسئله از جهات مختلف آن قدر حساس و حیاتی است که هر چه درباره آن گفته شود بجاست. گویندگان محترم در هر موقع مناسبی و در هر اجتماعی، در سراسر کشور، خصوصاً در نماز جمعه‌ها،

---

۱. شیرین تر.

چه ائمه جمعه محترم و چه سخنرانان قبل از خطبه‌ها، جهات مختلف اهمیت آن را به ملت گوشزد نموده ؛ و خطرات ناشی از سوء جریان آن را که به سرنوشت ملت و اسلام بستگی دارد با آنان در میان گذارند. مجلس محلی است که اکثریت قاطع مسائل مهم کشور بیواسطه یا باواسطه به آن وابسته است . هر چه به سر این ملت مظلوم در طول زمان، پس از مشروطیت تا دوره آخر انتصابات ستمشاهی آمد، به طور قاطع از مجلسهای فاسد بود که ملت در انتخاب نمایندگانش یا هیچ دخالت نداشت ، یا دخالت بسیار ناچیزی داشت . روحانیون را یکسره از دخالت بر کنار کردند؛ و با توطئه‌های موذیانه و تبلیغات مسموم ملهم از غرب ،که توسط روشنفکران و غرب و شرقزدگان خائن یا نفهم صورت می‌گرفت ، مجلس را در نظر روحانیون و متدینین به گونه ای ساخته بودند که دخالت در انتخابات از معاصی بزرگ و اعانت به ظلم و کفر بود! و روحانیت بکلی از صحنه خارج شد و به انزوا کشیده شد؛ و دست قلدران و شرق و غربزدگان باز شد؛ و کشور را به آنجا کشاندند که دیدید و دیدیم . مع‌الأسف امروز هم آن افکار پوسیده در نادری از معممین بیخبر از دنیا دیده می‌شود. در حالی که اگر در هر شهری و استانی چند نفر مؤثر افکار، مثل مرحوم مدرس شهید، را داشتند، مشروطه به طور مشروع و صحیح پیش می‌رفت ، و قانون اساسی با متمم آن ، که مرحوم حاج شیخ فضل الله[1] در راه آن شهید شد، دستخوش افکار غربی و دستخوش تصرفاتی که در آن شد نمی‌گردید، و اسلام عزیز و مسلمانان مظلوم ایران آن رنجهای طاقت فرسا را نمی‌کشیدند. به دنبال خروج روحانیون ، یا به عبارت دیگر، اخراج آنان از صحنه ، عموم متدینین ، از هر قشری از اقشار، چه فرهنگی ، چه کارگری، چه اداری و بازاری و چه غیر اینها، نیز از دخالت کناره گرفتند یا بر کنارشان

---

۱ . شیخ فضل الله نوری از روحانیون صدر مشروطیت ،که به خاطر پافشاری بر جنبه اسلامیت نهضت مشروطیت به شهادت رسید.

کردند؛ و آن شد که شد. اکنون ما باید از آن توطئه‌ها و مفاسدی که از انزوای متدینین پیش آمد و سیلی ای که اسلام و مسلمین خوردند عبرت بگیریم ؛ و بدانیم و بفهمیم که نظام اسلام و اجرای احکام آسمانی آن و مصالح ملت و کشور اسلامی و حفظ آن از دستبرد اجانب بستگی به دخالت اقشار ملت و بویژه روحانیون محترم و مراجع معظم دارد. و اگر خدای نخواسته بر اسلام یا کشور اسلامی ، از ناحیه عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه ای وارد شود، یک یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهار توانا مسئول خواهیم بود؛ و نسلهای آینده ، که ممکن است از کناره گیریهای کنونی مورد هزار گونه تجاوز واقع شوند، ما را نبخشند. پس ، یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه‌های انتخابیه ، و رأی دادن به نمایندگان صالح کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی جهان و سایر چیزهایی که کشور به آنها احتیاج دارد می‌باشد؛ چه از روحانیون باشند، چه نباشند. و مجلس چنانچه محتاج به علما و روحانیون مطلع از احکام شرعی و سیاسی اسلام است ، محتاج به متخصصین رشته‌های مختلفی است که کشور احتیاج به آنها دارد. مجلس امروز مواجه است با دنیای پرآشوب صنعتی و سیاسی پیچیده و فرهنگهای غربی و شرقی و صحنه‌های تنازع بقای بین‌المللی . و چنین مجلسی باید انباشته از مطلعین و دانشمندان و متخصصان در هر رشته باشد. و لازم است کسانی که کاندیداهایی به ملت معرفی می‌کنند در نظر داشته باشند که از مطلعین هر رشته تخصصی چند نفری در بین کاندیداهای آنها باشد. و اگر کسی یا کسانی را در غیر گروه یا صنف خود یافتند که از افراد گروهشان لایق تر است او را کاندیدا کنند. مسئله انتخابات یک امتحان الهی است که گروه گرایان را از ضوابط گرایان ممتاز می‌کند، و مؤمنین و متعهدین را از مدعیان جدا می‌نماید. و کسانی که خود را کاندیدا می‌کنند، یا کاندیدا گروههایی هستند، اگر خود را صالح برای وکالت در یک چنین مجلسی نمی‌دانند و وجود آنها در این مکان نفعی برای کشورشان ندارد، خدای متعال را در نظر بگیرند و رضای او را

بر رضای خود مقدم دارند، و چنین خلاف ناشایسته ای را مرتکب نشوند. و حضرات روحانیون، از ائمه جمعه و جماعات یا سایر آقایان محترم، توجه کنند که شهرهای خود را از خدمتگزاران به ملت و بندگان صالح خدا خالی نکنند، که خدمت به مردم و رفع حاجات آنان و تربیت علمی و اخلاقی بندگان خدا، که شغل شریف روحانیت است، بر هر چیز مقدم است؛ مگر آنکه بدانند وجود آنها در مجلس برای خدمت به اسلام مفیدتر است. میزان در نظر همه ارزش خدمت باشد، نه خدای نخواسته تحصیل مقام. و شما می‌دانید در جمهوری اسلامی مقاماتی که در رژیمهای دیگر مطرح است، و برای تحصیل آن دست به همه نوع فعالیت مشروع یا غیر مشروع می‌زنند، مطرح نیست. و اساساً این مقامات ارزشی ندارد، مگر آنکه خدمت به خدا و خلق خدا باشد. شماها تابع آن بزرگ مرد تاریخ، صلوات الله علیه، هستید که درباره حکومت آن کلام را فرمود.[1]

و اما مردم در سراسر کشور در انتخاب فرد مورد نظر خود آزادند؛ و احدی حق تحمیل خود یا کاندیداهای گروه یا گروهها را ندارد. هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد به دیگران که مخالف نظرشان هستند توهین کنند، یا خدای نخواسته افشاگری نمایند؛ گرچه همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را دارند، و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری از این حق نماید. و البته لازم است تبلیغات موافق مقررات دولت باشد. و احدی شرعاً نمی‌تواند به کسی کورکورانه و بدون تحقیق رأی بدهد. و اگر در صلاحیت شخص یا اشخاصی تمام افراد و گروهها نظر موافق داشتند ولی رأی دهنده تشخیصش بر خلاف همه آنها بود، تبعیت از آنها صحیح نیست، و نزد خداوند مسئولیت دارد. و اگر گروه یا

---

۱. امام علی (ع) پس از بیان علل پذیرش خلافت فرمود: «دنیای شما نزد من از عطسه بز ماده بی ارزشتر است». نهج البلاغه خطبه سوم «معروف به خطبه شقشقیه». و در کلامی دیگر خطاب به ابن عباس فرمود: «حکومت و خلافت نزد من از این کفش [پر از وصله] بی ارزشتر است». همان خطبه.

اشخاص صلاحیت فرد یا افرادی را تشخیص دادند و از این تأیید برای رأی دهنده اطمینان حاصل شد، می‌تواند به آنها رأی دهد.

و بالجمله، حکومت حکومت اسلام و مردم است؛ و مجلس از مردم است، و رأی نیز از آن مردم است؛ و احدی تحت فرمان مقام یا مقاماتی نیست. لازم به تذکر است که اهالی محترم هر حوزه انتخابیه فرد یا افرادی را کاندیدا نموده، و برای آنان فعالیت صحیح قانونی و شرعی انتخاباتی نمایند. و برای هرچه بهتر و پرشورتر شدن انتخابات هیچ حوزه ای برای حوزه دیگر کاندیدا تعیین ننماید. و همچنین صلاحیت و عدم صلاحیت شخص و یا اشخاص کاندیدا را تأیید و تصدیق ننماید. دخالت در انتخابات هر حوزه به عهده خود آن حوزه می‌باشد. و بهتر است که نمایندگان تمامی اقشار حوزه‌ها برای تعیین فرد یا افراد مورد نظرشان تبادل نظر نمایند. با تمام این اوصاف، تمامی افراد در صورت دارا بودن شرایط لازم، در تعیین کاندیدا و یا کاندیدا شدن آزاد و مختارند.

۵ـ مسئله حوزه‌های علمیه فقاهتی و مسئله دانشگاهها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، زیرا به منزله مواد خام مقدرات یک ملت و کشور هستند. این دو مقام مرجع نشر حقایق اسلام و مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و دیگر مسائل مورد اطلاع کشور می‌باشند. با وجود این قشر موتور حیات یک نظام به کار می‌افتد. اینان هستند که اصلاح و صلاح آنها کشور را به صلاح می‌کشاند؛ و خدای نخواسته فسادشان منشاء فساد یک ملت است. مدرسه و دانشگاه اگر فعال و صالح بودند، مجالس گذشته و دولتهای گذشته و قضای گذشته به آن مصیبتباری نبودند و آن همه مصیبت برای کشور و ملت مظلوم ما پیش نمی‌آمد. اگر ملت ما بخواهد گرفتار چنگال قدرتهای متجاوز و دنباله‌های آنان و همچنین گرفتار حکومتهایی مثل دوره قاجار، و صد مرتبه بدتر از آن رژیم پهلوی، نشود، باید برای اصلاح این دو قطب همت گمارد. و اگر طلاب و فضلا و علما و مراجع عظام و قشر دانشگاهی، از اساتید

محترم و دانشجویان، و همچنین کلیه دانشمندان بخواهند کشورشان مبتلا به استعمار و استثمار جهانخواران نشود، باید در تربیت صحیح اسلامی، ملی، انقلابی ملت کوشش کنند؛ و نیز دانشجویان و طلاب با کوشش فراوان به راهنماییهای اساتید و معلمان و مربیان در ساختن خویش تلاش نمایند؛ و نیز در تحکیم وحدت به صورتی جدی بین دانشگاهها و مدارس علوم اسلامی کوشش نمایند. چرا که دشمنان ملت و میهن از تفرقه بین اینان سودها بردند و کشور و اسلام ضررهای جانکاه کردند. امروز فضلا و مدرسین علوم اسلامی طریقه سلف صالح را حفظ، و افکار خود را برای هرچه پربارتر کردن فقه و تفسیر و فلسفه و سایر علوم اسلامی به کار برند؛ و شاگردان خود را برای همین مقصد الهی هدایت کنند. و اساتید و دانشمندان دانشگاهها هم خود را در مسائل علمی مختلفی که یک امت بدانها احتیاج دارد صرف نموده و استقلال علمی و فرهنگی را پی ریزی نمایند؛ تا پس از مدتی به خواست خداوند تعالی، در سایه کوشش و به کار انداختن افکار عالیه خود و اعتماد به نفس، احتیاج علمی دانشجویان عزیز را آن گونه برآورند که از رفتن به خارج مستغنی شوند. و این امری است شدنی. و اگر تبلیغات خارجی و داخلی عمال غرب و دلباختگان به غربی‌ها نبود، تاکنون تحقق یافته بود. لکن روشنفکران غربزده، این سرسپردگان به انگلستان و فرانسه در سابق و پس از آن به امریکا، نگذاشتند ما به خود آییم و جوانان ما را مأیوس نمودند؛ و به سر دانشگاهها آن آوردند که دیدیم. فساد مجلس و دولت و همه جای کشور را فرا گرفت.

اکنون وقت آن است که به خود آییم و توطئه‌های استعماری را خنثی کنیم. و جوانان عزیز ما، که سرمایه‌های میهن هستند، باید بدانند که رفتن به غرب و شرق برای آموختن علوم مختلف آنان را از رسیدن به مقصود، که استقلال و آزادی است، باز می‌دارد، و وابسته ترشان خواهد نمود. دشمنان ما، که به کشورمان چشم طمع دوخته‌اند، هرگز نخواهند گذاشت ما استقلال پیدا کنیم و از وابستگی رها شویم. باید

به خود تلقین کنیم که در غرب هیچ خبری جز عقب نگه داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست. و باید همه بدانیم که دشمنان غارتگر ما چشم طمع به دانشگاهها دوخته‌اند که ولو در آینده ای دور به دانشگاهها رخنه کنند و جوانان پاکدل را با افسانه‌ها و دروغپردازیها منحرف نمایند، و راه را برای خود و چپاولگریها و استثمارها باز نمایند. اساتید متعهد به مصالح کشور و جوانان پرشور وطنخواه ناظر باشند که مبادا در صفوف آنها از غربزدگان فرصت طلب رخنه کنند، و مقاصد شوم جهانخواران را بتدریج تحمیل نمایند. اگر کوچکترین انحراف را در اقوال و اعمال شخصی دیدید، آن را کوچک نشمارید، و بلافاصله در نطفه خفه کنید. خداوند پناهتان باد.

۶ـ قوهٔ قضائیه، که ملجأ و پناهگاه مردم ستمدیده است، قوه‌ای است مستقل و هیچ مقامی حق دخالت در آن را ندارد. و اگر کسانی پیدا شوند که ندانسته در امور قضایی دخالت می‌کنند، باید بدانند که برخلاف دستورات شرعیه و نظام جمهوری اسلامی عمل کرده‌اند. و اگر دانسته تخلف می‌کنند، مستحق عقاب و تعقیب اند. و بر دولت و قوای اجرایی است که از تجاوز و تخلف هرکس در هر جا جلوگیری کنند. و کسانی که پس از احضار در محاکم قضایی از حضور در آن سرپیچی می‌کنند باید مورد تعقیب واقع و تعزیر شرعی شوند. و کسانی که از حکم قضات شرعی تخلف می‌کنند و در مقابل آن مقاومت می‌کنند بر خلاف اسلام و امر خداوند عمل کرده‌اند، و باید مورد تعقیب واقع شوند. و کسانی که از قاضی شکایت دارند، یا به حکم قاضی اعتراض دارند، باید به مقامات صالحه رجوع نمایند؛ و به هیچ وجه خودسرانه عملی را انجام ندهند و باید بدانند که احکام صادره از قضات شرعی مادامی که خلاف شرع بودن آن در محاکم و مراجع صالحه ثابت نشده، واجب العمل است.

مجلات و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی توجه داشته باشند که تضعیف قوه قضائیه برخلاف موازین اسلامی است؛ و از پخش چیزهایی که موجب تضعیف یا

توهین مقام قضاست احتراز کنند. این کشور اسلامی است ، و باید هر امری موافق با موازین اسلامی باشد. شکایت از قاضی یا دادگاه باید به حسب مقررات شرعی باشد. و شاکی هر کس هست حق ندارد در مطبوعات یا رسانه‌های گروهی یا در مجامع عمومی طرح دعوا کند، و علیه قوه قضائیه جوسازی نماید. و روزنامه‌ها و مجلات و رادیو ـ تلویزیون توجه به این مسائل و اشباه آن را داشته باشند. و بالجمله ، مسئله قضا و احترام از قضات محترم و اطاعت از احکام صادره آنها امری است که مورد اهتمام اسلام است. خداوند همه را موفق فرماید.

از طرف دیگر، دستگاه قضایی و قضات محترم توجه داشته باشند که در حساسترین مکان نظام خدمت می‌کنند. خیلی سعی کنند تا حتی اشتباهی انجام ندهند. و در صورتی که متوجه اشتباه شدند، به هیچ وجه از برگشت از حکمشان خجالت نکشند؛ که خجالت در پیشگاه خداوند متعال بسیار سنگینتر از خجالت از مردم است. سعی کنند باکمال دقت و مهربانی و قاطعیت با تمام افراد مواجه گردند، تا مردم از آنان راضی گردند؛ که رضایت مردم رضایت خداوند را به دنبال دارد. قضات محترم سعی کنند مردم را بی‌جهت معطل ننمایند و هرچه زودتر به کار آنان رسیدگی نمایند.

۷ـ امروز کشور ایران، به جرم آنکه می‌خواهد احکام مترقی اسلام را اجرا کند و قدرتهای بزرگ از آن هراس دارند و حکومت‌های منطقه نیز به توهم غیر صحیح از آن خوفناک اند، مورد هجوم همه زورگویان شده است و از هر تبلیغات و تسلیحاتی بر ضد آن فروگذار نمی‌کنند. در این جو جهانی ملت و دولت باید با تمام توان از هم پشتیبانی کنند؛ و هر چند گله‌های برادرانه از هم داشته باشند، دست برادری و برابری به هم دهند. دولت با تمام توان در خدمت ملت است. و اگر نقیصه ای در کار باشد، اجتناب از آن در نظامی که تازه مولود است و هنوز دوران انقلاب را پشت سر نگذاشته است و در حال جنگ است، آن هم جنگ با جهانخواران شرق و غرب که در

تمام ابعاد با هم به ستیز برخاسته‌اند، غیر ممکن است. و استقامتی که دولت در این جو جهنمی نموده قابل تقدیر و تشکر است. باید ملت با تمام توان از آن پشتیبانی کند؛ و نقیصه‌ها را به خود دولت گوشزد کند، و با آن در رفع آنها همدست شود. و دولت نیز لازم است در رفع نقیصه‌ها اهتمام داشته باشد. و بالجمله، اگر تمام اقشار ملت و تمام اعضای دولت و قوای مسلح و عشایر همدست و همداستان از کشور خود و اسلام دفاع نکنند و خدای نخواسته شکستی پیش آید، همه در مقابل خداوند تعالی مسئول، و در مقابل نسلهای آینده و مظلومان جهان مردود خواهیم بود. و آنچه ذکر شد به آن معنا نیست که انتقاد سازنده و هشدارهای پدرانه و برادرانه از طرف مجلس که حق آن است اشکال داشته باشد؛ بلکه آن مطلوب است. و هرگاه که خدای نخواسته انحرافی دیدند، اعتراض کنند، و حتی در حد استیضاح پیش روند.

۸ـ ملت و دولت ایران، بلکه تمام مسلمانان متعهد و متوجه به مصالح اسلام و جهان و مستضعفان آگاه از مسائل جهان، این ستمدیدگان تاریخ، از بعض اعمال دولتمردان منطقه و سایر کشورهای اسلامی ناراضی و ناراحت هستند و اعمال آنان را برخلاف شئون اسلام و کشورهای اسلامی می‌دانند. و تلاش سران این کشورها در قالب کنفرانسها را در راهی که جز شناسایی اسرائیل غاصب و باز کردن هرچه بیشتر دست امریکا در منطقه و کشورهای اسلامی و کمک به چپاولگری ذخایر عظیم مسلمین و کمک و دامن زدن به جنگی که علیه مسلمین لبنان مظلوم بپا کردند و کمک به تجاوز صدامیان در جنگی که به ایران تحمیل کردند، که آن هم به استحکام پایه‌های حکومت غاصبانه اسرائیل کمک می‌کند، [نیست] همه را محکوم می‌کنند. ما کنفرانس مراکش را، چه از جهت محل و چه از جهت محتوای آن، محکوم می‌نماییم. شما محلی را انتخاب کردید و شخصی را به ریاست کنفرانس قبول نمودید که در همان هنگام که کوشش در قبول طرح "کمپ دیوید" یا فهد می‌شد، ملت مراکش را به خاک و خون کشید؛ و موج اعتراض ملت مراکش همه شهرها را فراگرفت. و میزبان

شما بار دیگر دستش تا مرفق به خون مظلومان مظلوم [و] مسلمانان مظلوم آغشته گشت . با همه این مصایب و مسائل که اعراب و سایر مسلمانان جهان دارند، باز از آنجا که مقدراتشان به حسب اسلام بزرگ به هم پیوند خورده است ، پیشنهاد می‌کنم که علما و روشنفکران همه کشورهای اسلامی ، به انگیزه پیدا کردن راهی برای نجات کشورهای اسلامی از چنگال ابرقدرتهای غرب و شرق و برای بیرون کردن سران کشورهای اسلامی از تحت سلطه جهانخواران و برای ایستادگی در مقابل استعمار و استثمار، طرحی بریزند که هرچه بیشتر با یکدیگر در تماس باشند. و اساس طرح را بر بیداری خلقهای محروم بگذارند. و به یقین باور کنند که راه را خواهند یافت و پیروز خواهند شد. امیدوارم خدای متعال و بندگان او از آنها راضی شوند و در دو جهان رو سفید شوند، و نامشان به نیکی در جهان و نسلهای آینده زبانزد شود. و مطمئن باشند که وضع دنیا به طور اساسی در شرف تغییر است ؛ و دنیای امروز اجازه نمی‌دهد که در جهان دو قدرت هر کاری می‌خواهند بکنند و در کشورها یک عده سرنوشت ملتها را در دست گیرند. پس ، بهتر است علما و روشنفکران متعهد قبل از تحول عمومی ، خودشان را به ملتها نزدیک کنند و آنان را به حساب آورند، و تحت فرمان قرآن کریم و سنت رسول اکرم ، صلی الله علیه و آله و سلم ، با آنها رفتار نمایند. و با این ترتیب نظر ملتها را به خودشان جلب تا این جدایی که بین روشنفکران هر جامعه و توده‌های زحمتکش و فقیر جوامع پیدا شده است یا بکلی رفع ، و یا کم گردد. امروز مردم ما صحبتهای روشنفکرمآبانه را نمی‌فهمند. باید با زبان مردم درد مردم را بیان کرد. تنها در این موقع است که مردم پشتیبان شما می‌شوند، و از تحت سلطه ذلت بار ابرقدرتها و وابستگان آنان بیرون می‌آیند، و در حصن حصین[1] کلمه لا اله الا الله در خواهند آمد. و درست در این صورت است که همه ملتهای اسلامی با یکدیگر دست برادری داده ، و به زندگی شرافتمندانه ای که لذتش صدبار از این زندگانی

---

۱. قلعه محکم.

پرتشویش و متزلزل بالاتر و بالاتر است، به سوی تعالی و ترقی در دین و دنیا، پیشرفت می‌نمایند. و آن دسته از مردمی که فریب تبلیغات شرق و یا غرب را خورده و شرق و یا غربزده شده‌اند از فرهنگ اسلام آگاهی کامل ندارند؛ والّا همه با روی گشاده به آغوش اسلام می‌آیند. امید است روشنفکران ما و تمام کشورهای اسلامی حس اتکا به نفس و استقامت در مقابل تمامی ابرقدرتها را با بیانی ساده برای مردم کشورهای اسلامی بیان کنند و مطمئن باشند که هیچ کس ذاتاً مایل نیست که وابسته باشد. ما باید با تمام توان کوشش کنیم تا مردم متوجه گردند که می‌شود روی پای خودمان بایستیم؛ می‌شود در مقابل شرق و غرب از فرهنگ و حیثیت ملی اسلامیمان دفاع کنیم؛ و می‌توانیم دنیای مادی را شکست دهیم و پرچم لا اله الا الله و محمداً رسول الله را در تمامی دنیا به اهتزاز درآوریم.

۹ـ از اموری که هر چه بیشتر باید به آن توجه شود رفاه حال زندانیان است. چه گروههایی که بر ضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بیگناه کوچه و بازار را به خاک و خون کشیده اند؛ و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره فرزندان کشور را به فساد کشانده اند؛ و چه سایر گناهکاران. اینان اکنون اسیران شما هستند، و به دست خود به اسارت کشیده شده‌اند. با اسرای خود، چه اینان و چه اسرای جنگی، رئوف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید؛ و زندانها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید، چنانچه تاکنون عمل کرده اید، تا منحرفان و گناهکاران شیرینی عدالت اسلامی را بچشند، و به اسلام و نظام اسلامی روآورند؛ و از روی حقیقت توبه کنند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمایند، که باب رحمت گنهکاران را بهتر جذب می‌کند. حتی آن کس که مستحق حدود الهی است، از قتل و دیگر جزاها، باید از عطوفت مأموران، تا پای دار و محل مجازات، برخوردار باشند. و شورایعالی قضایی و ستاد پیگیری در بررسی وضع زندانیان تسریع نمایند. و هر کس استحقاق عفو دارد به فوریت معرفی نمایند تا عفو شوند و به زندگی آزاد خود ادامه

دهند، و انشاء الله عضو فایده بخش و فعال برای میهن خود گردند.

۱۰ـ از هموطنانی که خارج کشور هستند و می توانند برای کشور خود خدمت و به ملت مظلوم خود کمک کنند، چه اطبای محترم و چه متخصصان در رشته‌های مختلف و چه دیگران، تقاضا دارم که قدری به حال ملتی که در طول تاریخ گرفتار رنج و زحمت بوده اند و زیر بار ظلم ستمکاران کمرشان خمیده شده است بیندیشند، و ببینند که آیا وجدان بیدار و شرافتمند ایرانی به آنها اجازه می‌دهد که با خیالهای باطل و تبلیغات دروغین رادیوها و مطبوعات خارجی، که همه دشمن میهن و ملت شمایند، و با شایعه افکنیهای منافقین و سلطنت طلبان، که جز سود خود و امریکا را در نظر ندارند و می‌خواهند کشور را چون رژیم ستمشاهی به دامن امریکا بیفکنند، در خارج وطن خود بنشینند و به کشورهای دشمن خود و وطنشان و دینشان خدمت کنند و صدای مظلومیت همکیشان و هموطنانشان را بشنوند و بی تفاوت باشند و در غم و رنج آنها شرکت نکنند؟ آنچه در خارج از رسانه‌های گروهی می‌شنوید چیزی جز تبلیغات بی‌اساس نیست. بیایید و از نزدیک ببینید که ملت و کشور شما آزادی و استقلال خود را یافته و دست غارتگران را کوتاه کرده و مقدرات خود را خود به دست گرفته است؛ و از وابستگی سیاسی و نظامی و فرهنگی بکلی خارج، و در بعد اقتصادی نیز به سوی خودکفایی پیش می‌روند. بیایید و تحولی را که در تمام قشرها پیدا شده است ببینید. بیایید و خدمتهایی را که در این چند سال به محرومان تاریخ شده است ببینید. و توجه کنید که با همه گرفتاری که دولت و ملت به آن مبتلا بود، همچون نفسِ انقلاب و پیامدهای آن، و جنگ افروخته شده از جانب قدرتهای بزرگ و کوچک، و شرارتها و خیانتهای گروهها و گروهکهای داخلی، و فشارهای کمرشکن از قبیل محاصره اقتصادی و تحریمها، و تبلیغات رسانه‌های گروهی جهان، و هجوم آوارگان جنگ و تبعیدهای حزب بعث و آوارگان افغانی، توانستند این کشور را از انحراف به چپ و راست نجات دهند. بنابراین، شما هم بیایید و به میهن خود

خدمت کنید و دین خود را به کشور خود ادا کنید. اگر به اسلام معتقد هستید، ببینید مظاهر اسلام امروز چیست و در رژیم پهلوی چه بود. اگر ملی هستید، ببینید که امروز ایران در جهان به عنوان تنها کشوری که در مقابل امریکا و شوروی ایستاده است دارای چه قدرتی است و دارای چه شهرتی است. و به همین دلیل است که تمام همّ دولتها و قدرتها و رسانه‌ها برای جلوگیری از این شهرت و نفوذ است. بیایید و ببینید که ایران در چه وضعی است. در حالی که در رژیم سابق که شاهش در ردیف نوکرهای امریکا و ملتش را آن طور وابسته کرده بودند که در چنگال امریکا بود، چه بدبختی و ذلتی گریبانگیر همه بود. البته روی سخن با آنان نیست که خوردند و دزدیدند و بردند و هم اکنون هم در لجنزار شهوات و فسادها دست و پا می‌زنند؛ بلکه روی سخن با اشخاص شریفی است که وجدان انسانی خود را از دست نداده‌اند.

۱۱ ـ عرض من به روحانیت محترم و ائمه جمعه و جماعات آن است که همیشه آقایان محور وحدت کلمه در مردم بودید. و چنانچه می‌دانید، امروز بیشتر از هر وقت محتاج به وحدت کلمه هستیم. امروز که دستهای ناپاک برای تفرقه افکنی در فعالیت هستند و از وحدت کلمه ملت خوف دارند، و ممکن است ساده دلان را که از انقلابهای جهان بی خبرند تحت تأثیر قرار دهند، بهترین قشری که با این طبقه تماس دارد شما هستید که می‌توانید با روشنگری خود آنان را از دست بدخواهان و توطئه گران نجات دهید؛ و به آنان گوشزد نمایید که انقلاب را شماها کردید و خود را از قید و بند اسارت امریکا و دیگر جهانخواران و از ستمهای رژیم پهلوی رها کردید. اکنون اگر به سمپاشیهای بدخواهان و وسوسه‌های وابسته و پیوسته به امریکا و دیگران گوش فرا دهید و خدای نخواسته در صفوف فشرده شما تفرقه پیدا شود، تمام زحمات طاقت فرسایتان و خونهای پاک شهدایتان به هدر می‌رود، و باز اسلام و کشورهای اسلامی و نسلهای آینده تان در دست اجانب و دشمنان اسلام و میهن اسیر خواهد شد؛ و اسلام که به دست توانای شما تجدید حیات کرد با دست شما سالها و

قرنها شکستی جبران ناپذیر خواهد خورد، و در نزد خدا و نسلهای آینده مسئول و محکوم خواهید شد.

و به ملت عزیز و توده‌های میلیونی ایران عرض می‌کنم که هیچ انقلابی بدون شهادت‌خواهی و فداکاری و سختی و گرانی و فشارهای مادی موقت تحقق نیافته، و پس از این نیز تحقق پیدا نخواهد کرد. ولی با مقایسه با انقلابهای دیگر، هیچیک از انقلابها چون انقلاب اسلامی ایران برای محتوای اسلامی خود، که توده‌های اسلامی را به دنبال خود کشید و به دنبال آن سایر هم‌میهنان همچون اقلّیتهای مذهبی به میدان آمدند و ملت بحمدالله تعالی با یکپارچگی به پیروزی رسید، پیروزی آنچنانه‌ای که جهان را تکان داده است و موج آن سراسر جهان را فراگرفته است کم ضایعه‌تر و پرثمرتر نبوده است. و اگر هیچ نبود جز مطرح شدن اسلام در جهان و به عزا نشاندن ابرقدرتها و ستم‌پیشگان، برای ملت عزیز افتخاری بزرگ کسب گردیده بود. و اکنون برای حفظ این افتخار بزرگ صبر و بردباری و کوشش و مجاهده لازم است. و شما بحمدالله تعالی تاکنون به تکلیف اسلامی و ملی و میهنی خود به طور شایسته عمل نموده‌اید؛ و ان‌شاءالله تعالی از این پس نیز عمل خواهید کرد.

و به آن دسته از تحصیلکردگان و روشنفکران و دانشمندان که به مرض غرب و شرق‌زدگی مبتلا نیستند و حاضر نیستند شرف اسلامی، ملی و میهنی خود را فدای امیال قدرتمندان کنند، یا در راه لذات و شهوات زودگذر فدا نمایند، عرض می‌کنم همت بگمارید که قلم و بیان خویش را برای تعالی اسلام و کشور و ملت خود به کار گیرید؛ و با توده‌های محروم همصدا و همدست شوید، که آزادی از چنگال شرق و غرب را که امروز نصیبتان شده حفظ کنید. و در این خدمت از هیچ کوششی و مجاهده‌ای دریغ ننمایید، که برای هیچیک از ملتهای جهان این فرصت نبوده است؛ و یا برای کمتر ملتی این فرصت پیش آمده است. خداوند همه ما را توفیق شناخت وظیفه عنایت فرماید.

۱۲ ـ دست گناهکارمان را به سوی خداوند بخشنده بلند می‌کنیم، و از درگاه مقدسش عاجزانه استدعا می‌کنیم که ما را لحظه ای به خود وامگذارد؛ و سایه عنایت خود را بر سر مسلمین جهان بویژه ملت ایران مستدام بدارد. ما می‌دانیم که بی نظر رحمت آن وجود مقدس، ما را توان مقاومت با تبهکارانی که عالم را تحت سلطه شیطانی خود قرار داده‌اند نیست، و این حفظ تواست که این کشور را با آن همه فشارهای سیاسی و نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی حفظ کرده است، تو خود ما را توفیق عنایت فرما که به راه تو، برای تو، و بندگان مظلوم تو ادامه دهیم؛ و تو خود ما را از لغزشها حفظ فرما.

بارالها، شهیدان ما را، که دلباخته تو بوده اند، به جوار خود بپذیر و در صف اولیای خود قرار ده؛ و به شهدای زنده ما، که تا مرز شهادت پیش رفتند و سلامت خود را در راه دفاع از اسلام و بندگان مظلوم تو از دست داده‌اند، اجر شهدای صدر اسلام را عنایت فرما، و سلامتشان را به آنها بازگردان. خداوندا، تمام مفقودین عزیز ما را هرچه زودتر به دامن پرمهر و عطوفت این ملت و خانواده‌های عزیزشان برگردان. بارالها، اسرای ما اسیر جانیترین دژخیم زمان می‌باشند، مقاومت آنها دنیا را شگفتزده کرده است، هرچه زودتر آنها را برای خدمت به تو و بندگانت آزاد فرما؛ و به خاندان محترم همه صبر و اجر و سلامت و مغفرت عنایت فرما؛ و به ملت شریف و بزرگوار ایران سعادت و سلامت و برکت مرحمت کن؛ و به رزمندگان عزیز پیروزی نهایی را به اسرع وقت عطا فرما؛ و به همه ما قصد خالص لطف کن، و از شرّ شیطان و نفس امّاره نجات ده.

و صلوات و سلام بی‌پایان خداوند بر انبیای عظام، خصوصاً اشرفهم و خاتمهم، و بر اولیای عظام، سیّما ولیّ عصر و امام زمان، أرواحنا لمقدمه الفداء، باد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۲۸ تا ۳۴۷.

◙ پیام

زمان: ۲۲بهمن ۱۳۶۳ / ۲۰جمادی‌الاول ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: پیام به مناسبت ۲۲بهمن و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی دربارهٔ جنگ، دانشگاهها، وظایف قوای سه گانه، رسانه‌های گروهی و تشکر از ملت
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و لا حول و لا قوة الا باللّه العلی العظیم﴾

با حول و قوهٔ خداوند متعال و عنایات و رحمت خاصش که از اول انقلاب شامل حال این ملت شجاع انقلابی و در عین حال مظلوم در طول تاریخ بوده و امید است با ادعیهٔ خاصهٔ ولی الله الأعظم ارواحنا فداه این نعمت بزرگ مستدام باشد، یک سال دیگر از انقلاب متکی به خداوند تعالی با سرافرازی و بلند قامتی گذشت ؛ و بیست و دوم بهمن ۶۳ یوم الله با همهٔ نشیب و فرازها فرا رسید و توطئه‌های روزافزون جهانخواران و انگلهای متکی به آنان که در این سال به اوج خود رسید و هر یک برای سرکوب و انزوای یک رژیم کافی بود، با دست توانای خداوند قادر یکی پس از دیگری خنثی شد؛ و بحمدالله تعالی این مولود نوپای ابراهیمی محمدی صلی‌الله علیهما و آلهما به رشد و قدرت و شهرت خود ادامه داده به پیش می‌رود و انعکاس جهانی آن ملتهای دربند را در سراسر جهان به خود آورده و مظلومان را بر ستمگران شورانده است و امید است آفتاب درخشان اسلام بر جهانیان نور افشاند، و مقدمات ظهور منجی بشریت را فراهم آورد، ﴿وَمَا ذٰلِكَ عَلَى ٱللّٰهِ بِعَزِيزٍ﴾[1].

در طول این مدت از ابعاد مختلفه برای شکستن روحیهٔ مقاوم ملت و قوای مسلحهٔ ایران و تقویت روحیهٔ نظام نیمه جان عفلقی فعالیتهای گسترده ای از سوی قدرتهای شیطانی مستقیماً و به وسیلهٔ عمال فاسد سرسپرده و یا جاهل بی اراده آنان

---

۱. سوره ابراهیم، آیه ۲۰: «و آن (امر) بر خداوند گران و دشوار نیست».

در جریان بود و اکنون نیز به قوّت خود باقی است بلکه روزافزون است. اینان از هیچ وسیله ای گرچه مفتضح و واضح الفساد دریغ نکردند. از ترور کور اشخاص بیگناه کوچه و بازار تا انفجارهای منجر به قتل خردسالان و کهنسالان. از دزدی منازل و مغازه‌ها تا ربودن هواپیماها و زجر یا قتل اشخاص و مسافران عادی. با آنکه چندین سال است تجربه کرده‌اند که هیچ یک از اینها در ارادهٔ ملت بزرگ ایران که برای احیای احکام اسلام عزیز و خدای بزرگ بپا خاسته اند، تأثیری ندارد و بحمدالله تعالی هر سال بر قوّت اراده و قدرت نظامی و انسجَام قشرهای مختلف افزوده می‌شود و در ضعف روحی و بدبختی و دریوزگی مخالفان بویژه صدامیان افزوده می‌شود، در رسانه‌های گروهی شان در سراسر جهان از هیچ افترا و تهمت و دروغ سازی ابا ندارند. آنان که با خیال خام خود به هوای قادسیه افتاده بودند و آلت دست قدرتهای شیطانی شده و خود را در سراشیبی هلاکت و فلاکت قرار دادند، امروز از خوف و هراس قدرت اسلام و قوای مسلح متکی به خدای تبارک و تعالی خواب از چشمانشان و قرار از روحشان رخت بر بسته است و برای ادامهٔ چند روز تبهکاری و خیانت به هر دری می‌زنند و به هر حشیشی متشبث می‌شوند. جهانخواران که با نامهای پرزرق و برق و شعارهای طرفداری از حقوق بشر و صلح دوستی و آرامش جهان و طرفداری از توده‌های کارگر و کشاورز به جان جهانیان مظلوم افتاده و فساد و ترور و قتل و غارت را در صحنهٔ گیتی روزافزون می‌کنند و از بیداری مظلومان و ستمدیدگان جهان در طول تاریخ خطر را از نزدیک می‌بینند، به فکر اغفال آنان افتاده‌اند. و رفت و آمدها برای برچیدن سلاحهای مخرب که جهان را تهدید می‌کند جز شعاری بیش نتواند بود.

کدام عاقل است که باور کند اینان از اینگونه مسائل صرف نظر نمایند و به حال بشریت رحم کنند! بعید نیست که امریکا از این ملاقاتها و مذاکره‌ها دو مقصود داشته باشد: یکی اغفال جهانیان و جلب نظر آنان، و به خاموشی کشاندن شعله‌هایی که در

دل مظلومان جهان بر ضد منافع نامشروع این ابرمتجاوز افروخته شده و رو به افزایش است . و دیگر اغفال شوروی و همدستان و همداستانانش تا برتری اتمی خود را حفظ کند. باید مظلومان جهان بیدار و هوشیار باشند و از این توطئه‌ها و حیله‌ها گول نخورند؛ و به فعالیت خود در راه رسیدن به آزادی و خروج از قید و بندهای استعماری و استثماری ادامه دهند. و بدانند که اینان با شعار طرفداری از حقوق بشر بزرگترین پایمال کنندگان حقوق انسانها هستند و در رسیدن به اهداف ظالمانهٔ خود هیچ‌گاه غفلت نمی‌کنند و از هیچ جنایتی دریغ ندارند.

امروز که نسیم بیداری در سراسر جهان وزیدن گرفته و توطئه‌های فریباگر ستمکاران تا حدودی فاش شده است ،وقت آن است که دلسوختگان واقعی مظلومان از هر قوم و قبیله و در هر مرز و بوم با قلم و بیان و اندیشه و فکر از جنایات ستمگران در طول تاریخ سیاه آنان پرده بردارند و پرونده‌های تجاوز آنان را به ساکنین این سیاره ارائه دهند. و علما و دانشمندان سراسر جهان بویژه علما و متفکران اسلام بزرگ یکدل و یک جهت در راه نجات بشریت از تحت سلطهٔ ظالمانهٔ این اقلیت حیله باز و توطئه‌گر که با دسیسه‌ها و جنجالها سلطهٔ ظالمانهٔ خود را بر جهانیان گسترده اند، بپا خیزند و با بیان و قلم و عمل خود خوف و هراس کاذبی را که بر مظلومان سایه افکنده است بزدایند؛ و این کتابهایی را که اخیراً با دست استعمار که از آستین کثیف این بردگان شیطان منتشر شده و دامن به اختلاف بین طوایف مسلمین می‌زنند نابود کنند و ریشهٔ خلاف که سرچشمهٔ همهٔ گرفتاری مظلومان و مسلمانان است را برکنند؛ و یکدل و یک‌سو بر این رسانه‌های گروهی که در بیشتر ساعات شب و روز به فتنه انگیزی و نفاق‌افکنی و دروغ پردازی و شایعه سازی عمر خود را می‌گذرانند پرخاش کنند و بر سرچشمهٔ تروریزم که از کاخ سفید می‌جوشد بشورند. چرا که با ریشه یابی معلوم می‌شود اساس آنچه که تفنگداران و سربازان امریکا را در بیروت و دیگر جاها با انفجارهای محیط به هلاکت رسانده و می‌رساند همان کاخهای ستم بویژه کاخ سفید

است . اینان توقع دارند که دستهای ستم خود را از مراکز قدرت در سراسر جهان بر سرنوشت بشریت بکوبند و مظلومان ستمدیده دست آنها را بفشارند و از آنها با پایکوبی و دست افشانی استقبال کنند! این انفجارها و از این قبیل مسائل از توده‌های مظلوم جهان عکس العمل ستمها و تجاوزهای طاقتفرسای شماست ؛ و اجتناب‌ناپذیر است ، مگر آنکه در کارهای ظالمانهٔ خود تجدید نظر کنند. ایران در هیچ یک از این انفجارها دخالت نداشته است ؛ و مسئولین جمهوری اسلامی این مطلب را بارها تذکر داده‌اند.

اکنون تذکراتی ولو تکراری می‌دهم: ﴿فان الذکری تنفع المؤمنین﴾[1].

۱ ـ امروز جنگ اصلیترین مسئله کشور است. ملت عزیز باید توجه داشته باشد که در کشوری زندگی می‌کند که بیش از چهار سال است که در جنگ به سر می‌برد و شهدای بزرگ تقدیم اسلام و انقلاب نموده است و اکثر نارساییها به مناسبت تحمیل جنگ از طرف ابرقدرتها برماست. امروز اسلام در مقابل تمامی کفر است و با کوچکترین درنگ در این امر حیاتی چنان ضربه ای خواهیم خورد که جبرانش به این زودیها میسر نمی‌شود. باید شور و شوق دفاع از میهن اسلامی و اسلام را در تمامی قلبها زنده نگه داشت . امروز قوای محترم مسلح که حافظ حدود و ثغور کشور هستند و حافظ نظم در داخل ، از شهرها و روستاها گرفته تا راههای مواصلاتی بین آنها و از دفاع از کشور در جبهه‌ها تا دفاع از مظلومان و بالاخره قوای نظامی و انتظامی و مردمی که تشکر و قدردانی از آنان در قدرت قلم قاصر نیست ، وظیفه‌های مهم و مشکلی دارد. و بحمدالله تعالی با تحولی که با عنایات خاصهٔ حق تعالی و دعای صالحان بویژه عبدصالح روحی فداه که برای قاطبهٔ ملت بویژه جوانان عزیز حاصل شده، امید واثق است که کشور اسلامی را از آسیب متجاوزان قدرتمند و منحرفان

---

۱ . بخشی از آیه ۵۵ سوره ذاریات : «بدرستی که تذکر و یادآوری به مؤمنان سود رساند».

سرسپرده نگهداری و پاسداری نمایند. عزیزانی که در جبهه‌ها در دفاع از اسلام و کشور اسلامی سر از پا نمی‌شناسند و جهات معنوی و عرفانی آنان را و عمق ارزش آن را جز خدای تعالی کسی نمی‌داند و راهی برای امثال نویسنده بر آن نیست، باید هر چه بیشتر به نصرت حق تعالی اعتماد کنند؛ که قدرتهای امکانی در مقابل نصر الهی ناچیز است. عزیزان من، شما پیروز و منصورید چه در راه حق تعالی به نصرت ظاهری برسید و چه شهید و معلول و اسیر شوید. حق تعالی با شماست و دست توانای بقیة الله که یدالله است دستگیر شما. آن کس که برای خدا و عزت اسلام و نجات محرومان قیام کند چه باک از حوادث دهر دارد. شما پیروان رسول الله هستید که در راه دین خدا چه رنجهای طاقتفرسا کشیده و چه زحمتها متحمل گردیده‌اند. در مکه با آنهمه فشارها و تهمتها و اهانتها؛ و در مدینه با آنهمه جنگها و دفاعهای خردکننده. ولی آن حضرت و یاران وفادارش چون کوهی استوار ایستاده و برای اسلام و مسلمانان خدمت می‌کردند. و شیعه امیرالمؤمنین و فرزندان آن بزرگوار هستید که در راه خداوند هر رنج و تعبی را استقبال کردند. برادران عزیزم از یاوه‌گوییها و تهمتها و برچسبهای دشمنان خدا و اسلام و میهن اسلامی نهراسید که هر چه حجم دروغ پردازیها، که از عقده‌های دل و رنجهای شکست سیاسی و نظامی بر می‌خیزد افزون باشد، دلیل عجز و یأس آنهاست که باید بر حجم سکونت خاطر و طمأنینهٔ قلب و فعالیتهای شما افزوده شود. آنان که به خیال خود برای ایران دل می‌سوزانند و به ادعای واهی برای ملت ایران غمناکند، ایرانی را می‌خواهند که مستشاران امریکا گردانندگان آن باشند. ایران وابسته و دلبسته به اجنبی را می‌خواهند.

ایران زمان پهلوی را که غرق فساد اخلاقی و بر باد ده شرف انسانی بود را می‌خواهند. ایرانی را که سرپرستش مظلومان را غارت کند و جیب آنان را پر کند و سرمایه‌هایش در خدمت طبقات مرفه و بالانشین باشد، و مستمندان و کوخ نشینان در فقر و محرومیت بسوزند و هیچ کس به فکر آنان نباشد. و بالأخره ایرانی را

می‌خواهند که به اصطلاح شخص اولش در مقابل رئیس جمهور امریکا چون دریوزگان، گردن کج کند تا مظلومان را پایمال کند. آن روز ایران را مستقل و زنده می‌دانند، و امروز که به برکت اسلام جوانان و کودکان و پیران و خردسالان از هر طبقه بیدار و متحول شدند و همهٔ قید و بندهای استعماری و استثماری را بریدند و با مشت گره کرده امریکا و اذناب او را از کشور راندند ایران را مرده و وابسته می‌دانند! و شما ملت عظیم‌الشأن هستید که باید چون کوه سر به فلک کشیده در مقابل همهٔ مشکلات بایستید و خداوند تعالی با شماست.

اینک به تمام متصدیان امور و دست‌اندرکاران کشور هشدار می‌دهم که قدر این جوانان حزب اللهی را بدانید، و از آنان قدردانی کنید و آنان را تشویق نمایید و در آغوش محبت خود حفظ کنید. اینان بودند که ایران را نجات دادند؛ و از این پس همینها هستند که انقلاب را پاسداری می‌کنند، و همینها هستند که با صرف هزینه ای کم در ظرف مدت کوتاهی با روشن بینی خاص خویش کارهای تعجب آوری نمودند که گمان نمی‌شد در ایران بتوان انجام داد. این مغزهای متعهد باید تشویق شوند تا شکوفا گردند. مسئولین صاحبان اصلی انقلاب را با بهانه‌های بی اساس پس نزنند تا به جای آنان کسانی را که وارثان رژیم گذشته و وابستگان فکری آنان هستند جایگزین کنند. البته باید از متخصصان متعهد یا لااقل غیر معاند استفاده شود، لکن نه به قیمت کنار گذاشتن صاحبان اصلی انقلاب. چشمها و گوشها را باز کنید که دشمنان حیله‌بازان کارکشته هستند و ممکن است از ساده دلی شما استفاده کنند و مراکز حساس را کم کم به دست گیرند و انقلاب را به سوی غرب یا شرق بغلتانند. خداوند همهٔ مسلمانان را از شرّ مخالفان اسلام و غارتگران کشورهای اسلامی حفظ بفرماید.

۲ - پس از جنگ، از مدارس علمی و دانشگاهها، که در حقیقت قلب تپنده و نبض زندهٔ ملت هستند، شروع می‌کنیم. می‌دانیم که این دو مرکز در حقیقت دو شاخه‌اند از یک شجرهٔ طیبه و دو بازو از یک مقام انسان روحانی؛ که اگر به صلاح

گرایند و تعهد روحانی خود را حفظ کنند و دست در دست هم در صف واحد و در خدمت به حق و خلق قیام کنند ملت را بـه کـمال خـود در دو بـعد مـعنوی و مـادی می‌رسانند و آزادی و استقلال را در کشور حفظ می‌کنند و چون سدی محکم و صفی و بنیانی مرصوص در مقابل تهاجم اجانب و نفوذ فساد ایستاده و ملت و کشور را با قامتی راست و پرچمی افراشته بـه سـوی تـرقی و تـعالی سـوق مـی‌دهند. و خـدای نخواسته اگر در هر یک از وظایف الهی و ملی خود انحراف پیدا کنند، به سر ملت آن می آورند که دانشگاه وابسته در رژیم وابسته آورد، که اکنون نیز کشور و ملت اسلامی ما از گرفتاریهای آن خارج نشده . و شک نیست که گرفتاری امروز ما در بعد اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بلکه در جـنگ تـحمیلی و شـرارت وابسـتگان بـه دو قـطب سلطه‌جو از آثار شوم دانشگاههای مبتلا به غرب و شرقزدگان ضداسلامی و ضد ملی است.

هجوم مغولانهٔ رضاخان به حوزه‌های اسلامی و شعائر مذهبی، که اشخاصی که آن روز سیاه را درک کرده‌اند و به عیان دیده‌اند می‌دانند و با وصف و بیان نتوان آن را منعکس کرد و هجوم بدتر از مغول غربزدگان و شرقزدگان به دانشگـاهها و مـراکـز آموزشی نوباوگان و جوانان که به کشور و مصالح ملت آن کرد که ملت و کشور را تا آستانهٔ سقوط کشانید، بی انگیزه نبود. کوشش بیش از حد تربیت شدگان در مکاتب غرب و شرق و نیز مدعیان «ملی گرایی» در ایجاد عداوت بین دو قشـر بسـیار مـؤثر روحانی و دانشگاهی بی‌جهت نبود. مأموریت رضاخان برای محو آثار شـریعت در سراسر ایران با فشار و اختناق و قلدری ، و خلف خطرناکتر از خودش در محو همان آثار به شکل نوین آن بود؛ که با تأیید خداوند متعال و ادعیهٔ حضرت ولی الله الأعظم ارواحنا لمقدمه الفداء ـ کوشش و جدیت و جانبازی زن و مرد و کوچک و بزرگ این ملت از شرّ حکومت طاغوتی وابسته به امریکا و از شرّ غـربزدگان و شـرقزدگان تـا حدی رهانیده شد و با برقراری حکومت اسلامی ، این غرب و شرقزدگان پشت به آن

کردند و رو به قبلهٔ خود غرب و شرق نمودند و با قلم و قدم بر ضد حکومت اسلامی با شکلهای مختلف به جدیت و هیاهو برخاستند. این الهام گیرندگان از شرق و غرب اکثراً با اصل اسلام مخالفند؛ و استقلال و آزادی را که اسلام بیاورد نمی‌خواهند و بعضی نیز با کوتاه شدن دست امریکا مخالفند.

منظور از طول کلام آن است که ملت عزیز عموماً و متعهدان و متخصصان خصوصاً و دولتمردان بالأخص به این دستگاههای آدم ساز و پشتوانهٔ ارزشمند اهمیت ویژه ای دهند و با جان و دل در تقویت و تهذیب آن بکوشند. و حوزه‌های معظمهٔ علمیه و اساتید محترم در کنار تعلیم قرآن و فقه و مقدماتش، تهذیب اخلاق و معارف اسلامی را که اساس است با عنایات خاص مورد توجه قرار دهند که «اذا صلح العالم صلح العالم، و إذا فسد فسد»[1].

۳ـ قوای محترم سه گانه، که حکومت اسلام و رژیم جمهوری اسلامی هستند، مورد توجه همگان باید باشند و هر یک را وظایفی الهی است.

الف ـ اعضای مجلس محترم شورای اسلامی بحمدالله تعالی در دورهٔ دوم نیز اشخاص محترمی هستند که با تعهد و جدیت خود می‌توانند خط مشی دولت را هرچه بهتر تعیین کنند. البته شک نیست که عده ای از آقایان، که شک در خدمتگزاری‌شان نسبت به اسلام عزیز و کشور نیست در امور عظیم کشور و گرفتاریهای بسیار پیچیده وارد نبوده یا کمتر وارد باشند و خود نیز توجه دارند که در مسائل بسیار مشکل یک دولت در حال انقلاب و کشور مورد هجوم قدرتهای بزرگ و کوچک و کارشکنیهای مغرضان و مفسدان چپ و راست که محتاج به کارشناسان متخصص در رشته‌های مختلف است، نمی‌توان به طور سطحی نظر داد و بدون توجه به تمام مسائل سیاسی و اجتماعی و انعکاسات داخلی و خارجی آن با سلیقهٔ

---

۱. آنگاه که عالم صالح شد، جهان صالح می‌شود؛ و هرگاه فاسد گردید، جهان فاسد می‌شود.

شخصی اظهارنظر کرد و چه بسا چنین نظرهایی ولو از چند نفر معدود در سرنوشت امت تأثیر منفی گذارد و از این جهت لازم است در کمیسیونها بویژه کمیسیونهای مهم، چند نفر از متخصصان متعهد که مسائل را روی هم می‌سنجند و به مشکلات سخت نظام آگاهی دارند دعوت شود و با مشورت آنان رسیدگی به امور گردد. و چون مسئله اسلام و حکومت الهی در کار است ، مسامحه در این امور چه بسا خللی وارد آورد که جبران آن مشکل یا غیر ممکن شود و مسئولیت آن در پیشگاه خداوند بزرگ عظیم باشد.

مسئلهٔ حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه گیریهایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود، از اهمّ واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند؛ و از اموری است که احتمال خلل در آن عقلاً منجز است. حضرات وکلای محترم که بحمدالله به جمهوری اسلامی تعهد دارند، در نطقهای قبل از دستور و در مباحثات در حال دستور با کمال دقت مواظب جملات خود و کیفیت ادای آن باشند، که خدای نخواسته به مسلمانی بلکه انسانی توهین نشود و شخصیتی ساقط نگردد و کسی مظلوم واقع نشود. البته انتقاد سالم و سازنده بدون اغراض شخصیه و خدای نخواسته انتقامجویی لازم است و مفید و موجب رشد و تعالی است. و هر کس در نزد وجدان خود تشخیص رفتار و گفتار و نوشتار خود را می‌دهد و همه چیز در محضر مقدس حق تعالی واقع می‌شود. حجم عظیم کارهای قوهٔ قضاییه و عظیمتر قوهٔ مجریه را در پیش خود مجسم فرمایید و خود را به جای مسئولین در هر یک از محاکم قضایی و امور اجرایی قرار دهید تا معلوم شود امر و نهی و اشکال و انتقاد آسان است ، لکن عمل و حل صد در صد با اینهمه گرفتاریهای در حال انقلاب از عهدهٔ هیچ کس برنمی‌آید. اعضای محترم مجلس انقلابهای تاریخ را در نظر بگیرند، با انقلاب اسلامی ایران مقایسه نمایند، تا عظمت اعجازآسای این انقلاب و حجم

فعالیتهای شایستهٔ قوای سه‌گانه را بهتر توجه کنند. شوروی امروز هم پس از انقلاب به اصطلاح توده‌ای‌اش در کشاورزی نتوانسته است خودکفا باشد و اگر امریکا راه ارزاق را به روی آنان ببندد شاید به زانو دربیاید. شما انفجارات، ترورها، اعتصابات، و سرقتها و شرارتها را در سطح دنیا حتی در کشورهایی که از نظر صوری پیشرفت کرده‌اند مثل انگلستان و فرانسه و حتی امریکا را در نظر بگیرید و با انصاف حکم کنید. افرادی که با چند شکواییه از چند یا چندین نفر گمان می‌کنند مردم ناراضی هستند، در اشتباهند. زیرا امروز دامنهٔ اعتصابات و تظاهرات عظیم در سطح دنیا مانند اعتصاب چندین ماههٔ انگلستان، این مهد به اصطلاح تمدن و سیاست و قدرت، کارها را فلج نموده و تظاهرات و مخالفتهای بسیاری در فرانسه و سایر کشورهای به اصطلاح متمدن صورت می‌گیرد. و یا مخالفتهای احزاب با دولتهایی مثل هند و پاکستان به صورت گسترده ای به چشم می‌خورد. ولی بحمدالله در ایران که مبتلا به مخالفت کشورهای کوچک و بزرگ است، کارگرانِ عزیز و متعهد ما همچنان به کار و تلاش و سازندگی ادامه می‌دهند و هر گونه توطئه ای را قبل از وقوع در نطفه خفه می‌سازند و اجازه نمی‌دهند که دستهای استکبار کارخانجات را به اعتصاب بکشانند. آقایان دست‌اندرکاران در هر مقام و هر شغل هستید با قدرت روحی و قوت ایمان و اتکا به خداوند متعال جلّت قدرته و اعتماد به ادعیهٔ حضرت بقیة الله -روحی له الفداء- برای حفظ نظام الهی جمهوری اسلامی به پیش روید و از تبلیغات و هیاهوهای رسانه‌های گروهی که گاه کاهی را کوه می‌کنند نهراسید که خداوند تبارک و تعالی با شماست ﴿و کفی به وکیلاً﴾[1].

و اما شورای محترم نگهبان، که حافظ احکام مقدس اسلام و قانون اساسی

---

۱. اشاره به آیه ۱۳۲ سوره نساء: «و لله ما فی السموات و ما فی الارض و کفی بالله وکیلا» آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست و خدا به تنهایی نگهبانی خلق راکافی است.

هستند، مورد تأیید اینجانب می‌باشند. و وظیفهٔ آنان بسیار مقدس و مهم است. و باید با قاطعیت به وظایف خود عمل نمایند. البته توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی‌کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است آقایان با تعهدی که دارند تحت تأثیر هیچ جوی واقع نمی‌شوند. ان‌شاءالله مؤید باشند.

ب ـ قوهٔ محترم قضاییه از آنجا که با اعراض و اموال مردم سر و کار دارد، حائز اهمیت فراوان است و جمهوری اسلامی وارث به اصطلاح یک دادگستری و قضاوت عاری از احکام اسلام و متکی به قضاوت اجنبی، با آن شرایط بسیار سنگین و مهمی که برای قضات و قضاوت در شرع اسلام اعتبار شده است گردید؛ که تغییر و تحول در آن، ولو به طور ابتدایی، از مشکلات عظیم بود. و چون حوزه‌های علمیه، که باید قاضی جامع‌الشرایط تحویل دهند، از همهٔ امور بویژه قضاوت به طور مأیوسانه بر کنار بودند، همت علمای اعلام و فقهای بزرگ مصروف به کتب عبادی فقه و بعضی کتب معاملات گردید و از تحویل صدها قاضی، قاضی جامع الشرایط، عاجز بودند. ناچار برای کوتاه کردن دست قضات بی اعتنا به احکام اسلام و احیاناً ضد اسلام از اعراض و نفوس ملت و معطل نماندن قضاوت که موجب هرج و مرج و هجوم به اعراض و اموال می‌گردید، عده ای از فضلای متدین که مسائل قضا را ولو تقلیداً می‌دانستند مجاز در امر قضاوت شدند و از حوزه‌ها خواسته شد که در تربیت قضات عنایت بیشتری کنند که این امر مهم حیاتی به وجه شایسته ولو در درازمدت تحقق یابد. و با جدیت شورای محترم قضایی تاکنون پیشرفتهای چشمگیری شده است لکن کافی نیست. و لهذا از حوزه‌های علمیه تقاضا می‌شود که در این امر اهتمام بسیار نمایند که این واجب مهم کفایی به حد کفایت برسد. و از شورای محترم قضایی تقاضا می‌شود که در انتخاب قضات، چه آنان که به حد صلاحیت رسیده‌اند و چه آنان که به طور مجاز مشغول می‌شوند، حد اعلای دقت را بفرمایند. چنانچه لازم است اشراف

بر کیفیت اعمال قضات محترم تا حد امکان داشته باشند و اگر خلافی اشتباهاً شده باشد جبران نمایند و اگر احیاناً خدای نخواسته به طور عمد بوده، با قاطعیت و شدت عمل با آنان رفتار نمایند و نگذارند اشخاص نفوذی غیر متعهد این دستگاه مقدس اسلامی را آلوده نمایند. و دربارهٔ زندانیان عنایت خاص داشته باشند که نه از مستحق حدود و تعزیرات شرعیه از مجازات الهیه بدون مجوز شرعیه صرف نظر کنند و نه خدای نخواسته غیر مستحقی مظلوم واقع شود. نه ساده اندیشی کنند که منحرفین و مفسدین رها شده و به فساد خود ادامه دهند و نه کسانی که چنین نیستند حتی یک روز دربند باشند. قاضی پس از شرایط معتبرهٔ شرعیه باید در اجرای موازین قضایی سخت و صُلب[1] باشد. نه تحت تأثیر عواطف و جوسازیهای بیمورد واقع شود و از اجرای احکام خدا سرپیچد و نه با جوسازیهای منحرفان و انتقامجویان، برخلاف موازین الهی از رحمت بر بندگان خدا دریغ کنند که هر دو طرف افراط و تفریط برخلاف عدل الهی است و آقایان شورای قضایی و قضات محترم در سراسر کشور باید احراز کرده باشند که در هر صورت از تبلیغات باطل و تهمتها و افتراها در امان نیستند. بنابراین، اعتنا به این امور و خدای نخواسته خروج از اعتدال و عدالت الهی و صراط مستقیم انحراف است و اجتناب از آن، وظیفهٔ الهی است.

ج ـ قوهٔ محترمهٔ مجریه، که مسئولیت آن بسیار زیاد و حجم عملش عظیم می‌باشد و در صورت صحت و شایستگی عمل و خلوص نیت و دلسوختگی برای کشور و ملت تحت رنج و ستم در طول تاریخ و خدمت به همهٔ ملت بویژه طبقات محروم و ضعیف که در حقیقت سنگینی بار انقلاب از زمان ستمشاهی تا زمان پیروزی و تا امروز به عهدهٔ آنان است و همه مرهون آنان هستیم، کار ارزشمندی است که بُعد معنوی آن را جز خداوند تبارک و تعالی کسی نمی‌تواند به سنجش درآورد و

---

۱. سخت، شدید، درشت و قوی.

در صورت تصدی برای آرمانهای شیطانی و اطاعت از نفس امّاره بالسوء و عمل برای سود خود ولو به زیان کشور اسلامی و ملت مظلوم، عواقب دنیا و آخرت آن را کسی جز ذات باری تعالی نمی‌تواند پیش بینی کند.

وهان! ای متصدیان و دولتمردان از ردهٔ به اصطلاح بالا تا پایین، بهوش باشید که در دوراهی سعادت و شقاوت قرار دارید. طریق اعوجاجی، شیطان است و طریق مستقیم «الله» تبارک و تعالی. توجه کنید و بسیار توجه که همه و همه در محضر مبارک حق هستید و اعمال قلبیه و قالبیه و خاطرات روحیه و لغزشهای عملیه همه در حضور اوست. اگر به واسطهٔ سوء مدیریت و ضعف فکرو عمل شما به اسلام و مسلمین ضرری و خللی واقع شود و خود می‌دانید و به تصدی ادامه می‌دهید، مرتکب گناه عظیمی و کبیرهٔ مهلکی شده اید که عذاب بزرگ دامنگیرتان خواهد شد. هر یک در هر مقام احساس ضعف در خود می‌کند، چه ضعف مدیریت و چه ضعف اراده از مقاومت در راه هواهای نفسانی، بدون جوسازی، دلاورانه و با سرافرازی نزد صالحان از مقام خود استعفا کند که این عمل صالح و عبادت است. و هر کس خود را مدیر و مدبّر و خدمتگزار برای خلق خدا می‌داند کناره گیری او در این زمان پشت به خلق و خدای خلق است، مگر آنکه خدمتگزاری بهتر یا همطراز او جایگزین او معرفی شود. دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته‌های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت رو سفید باشند و در امور موفق باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی‌تفکر و تأمل که این رویّه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. دوست خوب برای دست اندر کاران آن است که در پیشرفت امور محوله به آنان مؤثر باشد و در خدمت ملت باشد، نه در خدمت آنان، هر که و هر چه خواهد بود. دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند.

دولتمردان با رویّه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه صلاح اسلام و کشور است به پیش روند. و این سیاست صحیح اسلامی است. و خدای نخواسته در سیاستبازیهای گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می‌شوند. دولت چنانچه کراراً تذکر داده ام بی شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود و در این موضوع گزارشهای مختلفی می‌رسد و هیأت دولت موظف است این امر را به طور همگانی گزارش دهد و کیفیت عمل را در اختیار عموم گذارد و این امر را جدی تلقی کند. و تذکر این نکته مهم است که دخالت دادن کسانی که در امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد و مسلمان و متعهد از امور ضروری است. دولت و این دوستان باید دقیقاً توجه کنند که آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هرچه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کارکرد؛ نه چون گذشته تعدادی از خدا بی‌خبر در تمام امور تجاری و مالی مردم سلطه پیدا کنند.

باز هم موضوع مهم خدمت به محرومان و دورافتادگان را تذکر می‌دهم. با آنکه می‌دانم در این سالهای محدود با گرفتاریهای بیشمار عظیمی که کشور و دولت خدمتگزار با آنها مواجه بود، حجم خدمتهایی که به روستاییان در تمام زمینه‌ها شده است چشمگیر و اعجاب آور است و دولت حقاً و انصافاً در این امر توفیق بسیار داشته است که با مقایسه با کارهای در طول رژیمهای سابق می‌توان یافت، لکن باز کافی نیست و حق محرومان به آن نحو که دلخواه است ادا نشده؛ البته نه از باب قصور [و] تقصیر، بلکه از جهت حجم احتیاجات و گسترش فوق العاده آن. و اشکال‌تراشان اگر معاند باشند حرفی نیست و اگر متعهد باشند و دلسوز باید گفت دستی از دور بر آتش دارند. امید است دولت با تمام توان خدمت خود را تعقیب و از

خداوند تعالی توفیق خدمت طلب کند و تمام این امور مرهون آن است که دولت یکپارچه و بدون اختلاف درونی وبا تعهد اوقات خود را صرف در مسائل مهم کلیدی که مشکل گشای امور باشد نماید؛ و در امور مهمه نیز مهمترین را بیشتر و سریعتر مورد توجه قرار دهد. و وزرای محترم هر یک با چشم‌برادری ایمانی به هم بنگرند و در مشکلات پشتیبان هم باشند. و ملت عزیز پشتیبان دولت و سایر ارگانها باشند، که بدون پشتیبانی همه جانبه توقع پیشرفت از دولت بیموقع است. وبا اتکال به خداوند تعالی ، که در مشکلات بزرگ عنایتهای غیبی را فرموده، بدانند که تا ملت و دولت به تعهد خود در نصرت به دین خدا و به بندگان او پابرجا باشند، نصرت خدا ادامه دارد: ﴿ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم﴾[1].

۴ ـ رسانه‌های گروهی ، بویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمتهای گرانمایه ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند. بنگاههایی که شب و روز، ملت در سراسر کشور با آنها تماس سمعی و بصری دارند، چه مطبوعات در مقالات و نوشتارهای خود و چه صدا و سیما در برنامه‌ها و نمایشنامه‌ها و انعکاس هنرها و انتخاب فیلمها و هنرهای آموزنده باید همت گمارند و بیشتر کار کنند ؛ و از گردانندگان و هنرمندان متعهد بخواهند تا در راه تربیت صحیح و تهذیب جامعه وضعیت تمام قشرها را در نظر گرفته ، و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه‌ها به ملت بیاموزند، و از هنرهای بدآموز و مبتذل جلوگیری کنند.

ملت عزیز در طول پنجاه سال سیاه اخیر گرفتار مجلات و روزنامه‌های تخریب کننده و فاسد کننده نسل جوان و از آنها بدتر سینماها و رادیو تلویزیون بود که با برنامه‌های خود ملت را به حد وافر در آغوش غرب و غربزده‌ها غلتانید و

---

۱. بخشی از آیه ۷ سوره محمد (ص): «اگر خدا را یاری کنید، او شما را یاری و گامهایتان را استوار می‌کند».

ضررهای رسانه‌های گروهی از خرابیهای توپ و تانکها و سلاحهای مخرب بالاتر و بدتر است چه که ضررهای سلاحها گذراست، و ضررهای فرهنگی باقی و به نسلهای بعد انتقال پیدا می‌کند. چنانچه دیدید و می‌بینید. و اگر نبود لطف خاص خداوند منّان و تحول برق‌آسای ملت در سراسر کشور، نمی‌دانیم سرانجام اسلام و کشور به کجا کشیده می‌شد. امروز نیز که از تفاله آن رژیم فاسد عددی باقی مانده است اگر به طور قاطع با آنان برخورد نشود، خطر ولو در درازمدت کشور را تهدید می‌کند و سهل‌انگاری در این امور ساده اندیشی است. و بر متعهدان است که کوشش کنند و از انحرافات، گرچه جزئی باشد جلوگیری نمایند و باید عرض کنم که اخبار رادیو - تلویزیون ناقص است و محتاج به عنایت بیشتر.

۵ـ با تشکر فراوان از ملت بسیار عزیز که در سالهای طولانی قبل از انقلاب و در حال پرهیجان انقلاب و پس از پیروزی تا امروز با همه فداکاریها و جانبازیها و سختیها و فشارها در صحنه حاضر و از اسلام بزرگ و میهن عزیز دفاع نموده و در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها چون سدی آهنین ایستاده‌اند تقاضا دارم که بسیار بیدار و هوشیار و مراقب باشند که در این صفوف فشرده الهی شیاطین رخنه نکنند و تخم نفاق و اختلاف نیفشانند که این دست پروردگان غرب و شرق و این وارثان رژیم ستمشاهی و این محروم‌شدگان از دسترنج ملت و ذخایر کشور در کمینند و درصدد اختلاف‌افکنی و با قلم و زبان خود از هیچ افترا و تهمت در راه شکست جمهوری اسلامی و رسیدن به مطامع کثیف خویش فروگذار نمی‌کنند و با شایعه‌افکنیها و دغلبازیها و دروغ پردازیها می‌خواهند در وحدت شما که وحدت الهی است خلل ایجاد کنند و از ساده دلی بعضیها استفاده کنند. هان! ای ملت عزیز، که پرچم پرافتخار اسلام را به اهتزاز درآورده و سکوت مظلومان را در مقابل ستمگران و قلدران شکسته و متحول به فریاد و پرخاش کردید و ندای «الله‌اکبر» اسلام را با امواج فرستندگان غیبی به اقصیٰ بلاد جهان رساندید، بهوش باشید و به عهد خود به پیشگاه

مقدس خداوند پابرجا باشید که شکست اسلام خدای نکرده در ایران دفن معنویات و احکام مقدس اسلام است. بهوش باشید که موریانه‌های موذی، این ایادی استکبار جهانی درصدد رخنه کردن در صفوف شما هستند. دستهای وحدت را به هم دهید و بازو به بازوی هم یکدل و یک جهت این هدیه الهی را، که پس از قرون متمادی به شما عطا فرموده قدردانی و حفظ کنید و از نقصها و کمبودها که لازمه هر انقلابی است و در انقلاب شما به برکت اسلامی و مردمی بودن از همه کمتر است، به خود سستی راه ندهید، که با خواست خداوند منّان با پیروزی شما همه چیز اصلاح می‌شود.

بار الها، از الطاف بیکران تو شکرگزاریم؛ گرچه شکر ما و همهٔ موجودات در مقابل نعمتهای بی انتهای تو ناچیز است. خداوندا، اگر عنایات تو نبود ما قدمی به سوی پیروزی نمی‌توانستیم برداریم. هرچه هست از توست و همهٔ قدرتها شیران علم هستند[1]. ما کور دلان را از خودخواهی و خود بینی حفظ و اسلام عزیز را تو خود قوّت و عظمت ده و مسلمین بویژه علما و دانشمندان و دولتمردان را به وظایف خود آگاهی مرحمت فرما و اتحاد بین مسلمین را به دست توانای خود ایجاد فرما و به ملت متعهد شجاع ایران هرچه بیشتر قدرت و استقامت عنایت فرما و به نیروهای مسلح اسلام در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها پیروزی کامل عنایت فرما و به شهدای اسلام بویژه شهدای جنگ تحمیلی رحمت و تقرب به درگاه خود مرحمت و به آسیب دیدگان عزیز صحت و عافیت و اجر شهدا عنایت کن و به اسرا و مفقودین صبر و رهایی نصیب فرما و به بازماندگان شهدا و نزدیکان آسیب دیدگان و مفقودین بردباری و اجر مرحمت فرما. صلوات و سلام بر پیامبران عظام ـ سیّما أفضلهم و خاتمهم و سلام و تحیت بر امامان معصوم، بویژه مولانا، بقیة الله ارواحنا فداه.

والسلام علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. اشارت است به شعر معروف مولانا: «ما همه شیریم ، شیران علم / حمله مان از باد باشد دم به دم».

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱٤٦ تا ۱٦۱.

▫ پیام

زمان: ۲۲ بهمن ۱۳۶۴ / ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران

موضوع: دستاوردهای انقلاب در یک سال گذشته تکریم از حرکت عظیم راهیان کربلا به سوی جبهه‌ها

مناسبت: سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۲۲ بهمن) مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿و ما النصر الّا من عند الله﴾[۱]

با تقدیم حمد بی‌پایان به درگاه مقدس پروردگار جهان و عرض ارادت به محضر حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - سالروز یوم الله بیست و دوم بهمن را به ملت بزرگوار ایران و مستضعفان جهان و مظلومان ستمزدهٔ اعصار تاریخ تبریک عرض می‌کنم. بحمدالله تعالی در این سال که گذشت، اسلام و جمهوری اسلامی ایران به پیروزیهای چشمگیر و گسترش دامنه داری دست یافت و می‌توان گفت خورشید درخشان ۲۲ بهمن به نصف النهار آمال و آرمانهای بزرگ اسلامی نزدیک می‌شود، و آمال ستمگران و جهانخواران رو به افول و دست ظلم پیشگان جهنمی که در طول تاریخ بویژه در سده‌های اخیر از هیچ جنایت و ستمی بر مظلومان جهان فروگذار نکرده در آستان قطع است و به رغم بوقهای تبلیغاتی مشحون بر دروغ و رجزخوانیها و قدرت نماییها پایه‌های کاخهای سفید و سرخ، هر روز لرزانتر است و باخواست خداوند متعال با موج عظیم پرخاشگران مستضعف بر ابرستمکاران، می‌رود تا بنیان تجاوز بر حقوق بشر را از جای برکند، و حکومت عدل اسلامی را که همان حکومت مستضعفان است جایگزین آن کند. گویی وعدهٔ خداوند قادر نزدیک است و امید است این بارقه برق آسا که در سراسر جهان پرتو افکنده و نوید فتح مبین می‌دهد، به حکومت مطلقه منجی[۲] آخرالزمان و پناه مستضعفان متصل شود.

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲٦: «هیچ نصرت و کمکی نیست مگر از جانب خداوند».

۲. نجاتبخش.

با نظر کوتاهی به کشور اسلامی ایران و کشورهای منطقه و جهان می‌توان پیشرفت انقلاب اسلامی را دریافت. در کشور مبارز ایران به رغم تبلیغات بوقهای خارجی و بعضی گروهکهای داخلی که دم از سرد شدن ملت از جنگ و نارضایی مردم از طولانی شدن می‌زنند، موج عظیم راهیان کربلا که از شهر قم، دانشگاه خون و قیام شروع و در تمام کشور گسترده شد و هنوز ادامه دارد، خط بطلان بر آرزوهای آنان که به امید سرد شدن مردم و شکست جمهوری اسلامی روز شماری می‌کنند، کشید. هر چند اینان چشم و گوش خود را بسته که از درک حقایق محروم شوند و دل را به خاطرات خوش خود تسکین می‌دهند. در جبهه‌های جنگ آنچنان تزلزل و هراسی از این سیل عظیم راهیان کربلا به دل صدام و صدامیان افتاده که روز را بر آنان سیاه نموده و به هر دری برای نجات خود می‌زنند و با هر شکستی که می‌خورند نغمهٔ پیروزی بزرگ سر می‌دهند و به ارتش شکست خورده خود نشان پیروزی می‌دهند، و رسانه‌های دروغ پرداز جهان نیز به پخش دروغهای آنان، شاید با عمق بیشتر و شیطنت بالاتر می‌پردازند غافل از آنکه ملتهای جهان، خصوصاً کشورهای اسلامی امروز بیدار شده‌اند و برای این تبلیغات و کرّوفرّهای بی مغز ارزش قائل نیستند. شاهد بر این مدعی، کشورهای اسلامی مثل ایران و افغانستان و لبنان و مصر و لیبی و دیگر ملل اسلامی و کشورهای امریکایی و بسیاری از مناطق شوروی که با اوجگیری پرخاشگران همه را سراسیمه کرده و به خیال خود به فکر علاج افتاده اند، آن هم «علاجی پس از مرگ سهراب»[1].

---

۱. اشاره به ضرب المثل مشهور ایرانی «نوشداروی بعد از مرگ سهراب» است. آقای سید احمد خمینی در ذیل این پیام، چنین نوشته است: «این پیام بیست و دوم بهمن است که حضرت امام فرمودند پیام نمی‌دهند و قرار شد سخنرانی نمایند. ۲۲ بهمن ٦٤ احمد»؛ صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٧٦ تا ٤٧٧.

«یوم الله ۱۲ فروردین»

▣ پیام

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ / ۳ جمادی‌الاول ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: اعلام جمهوری اسلامی ایران و تشکر از حضور گسترده مردم در رفراندم
مناسبت: برگزاری رفراندم جمهوری اسلامی ایران مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا فِي ٱلْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ ٱلْوَارِثِينَ﴾[1]. صدق الله العظیم.

من به ملت بزرگ ایران که در طول تاریخ شاهنشاهی، که با استکبار خود آنان را خفیف[2] شمردند و بر آنان کردند آنچه کردند، صمیمانه تبریک می‌گویم. خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملتهای مستضعف نمود، و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک، روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام می‌کنم. به دنیا اعلام می‌کنم که در تاریخ ایران چنین رفراندمی سابقه ندارد، که سرتاسر مملکت با شوق و شعف و عشق و علاقه به صندوقها هجوم آورده و رأی مثبت خود را در آن ریخته و رژیم طاغوتی را برای همیشه در زباله‌دان تاریخ دفن کنند.

---

۱. سوره قصص، آیه ۵: «و ما بر آن هستیم که بر مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان سازیم و وارثان گردانیم.»

۲. سبک، بی ارزش.

من از این همبستگی بیمانند که جز مشتی ماجراجو و بیخبر از خدا، همه و همه به ندای آسمانی ﴿واعتصموا بحبل الله جمیعاً﴾[۱] لبیک گفتند، و با تقریباً اتفاق آرا به جمهوری اسلامی رأی مثبت دادند و رشد سیاسی و اجتماعی خود را به شرق و غرب ثابت کردند، تقدیر می‌کنم. مبارک باد بر شما روزی که پس از شهادت جوانان برومند و داغ دل مادران و پدران و رنجهای طاقتفرسا، دشمن غول صفت و فرعون زمان را از پای درآوردید، و با رأی قاطع به جمهوری اسلامی، حکومت عدل الهی را اعلام نمودید. حکومتی که در آن، جمیع اقشار ملت با یک چشم دیده می‌شوند و نور عدالت الهی بر همه و همه به یک طور می‌تابد، و باران رحمت قرآن و سنت بر همه کس به یکسان می‌بارد. مبارک باد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لر و کرد و بلوچ مطرح نیست. همه برادر و برابرند؛ فقط و فقط کرامت در پناه تقوا و برتری و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است.

مبارک باد بر شما روزی که در آن تمام اقشار ملت به حقوق خود می‌رسند، فرقی بین زن و مرد و اقلیتهای مذهبی و دیگران در اجرای عدالت نیست. طاغوت دفن شد و طغیان و سرکشی به دنبال او دفن می‌شود، و کشور از چنگال دشمنهای داخلی و خارجی و چپاولگران و غارت پیشگان نجات یافت. اینک شما ملت شجاع، پاسداران جمهوری اسلامی هستید. اینک شما هستید که باید این ارث الهی را با قدرت و قاطعیت حفظ کنید و نگذارید بقایای رژیم متعفن[۲] که در کمین نشسته‌اند و طرفداران دزدان بین‌المللی و نفتخواران مفتخوار در بین صفوف فشردهٔ شما رخنه کنند. اینک شمایید که باید مقدرات خود را به دست بگیرید و مجال به فرصت طلبان ندهید، و با قدرت الهی که مظهر آن جماعت است، قدمهای بعدی را بردارید، و با

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: «و همگی به رشته خدا چنگ بزنید».

۲. بدبو، گندیده.

فرستادن طبقهٔ فاضله و اُمنای خود در مجلس مؤسسان، قانون اساسی جمهوری اسلامی را به تصویب برسانید، و همان طور که با عشق و علاقه به جمهوری اسلامی رأی دادید، به امنای امت رأی دهید تا مجالی برای بداندیشان نماند.

صبحگاه ۱۲ فروردین که روز نخستین حکومت الله است از بزرگترین اعیاد مذهبی و ملی ماست. ملت ما باید این روز را عید بگیرند و زنده نگه دارند. روزی که کنگره‌های قصر ۲۵۰۰ سال حکومت طاغوتی فرو ریخت، و سلطهٔ شیطانی برای همیشه رخت بربست و حکومت مستضعفین که حکومت خداست به جای آن نشست.

هان! ای ملت عزیز که با خون جوانان خود حق خود را به دست آوردید، این حق را عزیز بشمرید و از آن پاسداری کنید، و در تحت لوای اسلام و پرچم قرآن، عدالت الهی را با پشتیبانی خود اجرا نمایید. من با تمام قوا در خدمت شما که خدمت به اسلام است، این چند روز آخر عمر را می‌گذرانم، و از ملت انتظار آن دارم که با تمام قوا از اسلام و جمهوری اسلامی پاسداری کنند.

من از دولتها می‌خواهم که بدون وحشت از غرب و شرق، با استقلال فکر و اراده، باقیماندهٔ رژیم طاغوتی را که آثارش در تمام شئون کشور ریشه دارد پاکسازی کنند، و فرهنگ و دادگستری و سایر وزارتخانه‌ها و ادارات که با فرم غربی و غربزدگی بپا شده است به شکل اسلامی متحول کنند، و به دنیا عدالت اجتماعی و استقلال فرهنگی و اقتصادی و سیاسی را نشان دهند. از خداوند تعالی عظمت و استقلال کشور و امت اسلامی را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٤٥٢ تا ٤٥٤.

◘ پیام رادیو ـ تلویزیونی

زمان: عصر ۱۲ فروردین ۱۳۵۸/ ۳ جمادی‌الاول ۱۳۹۹
مکان: قم
موضوع: رأی قاطع ملت به جمهوری اسلامی
مناسبت: پایان رفراندم و اعلام آرا[1]
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

وعده خداوند تعالی نزدیک است

خداوند تعالی وعده فرموده است که مستضعفین ارض را با منت خودش و توفیق خودش بر مستکبرین غلبه دهد و آنها را امام قرار دهد پیشوا قرار دهد. وعدهٔ خداوند تعالی نزدیک است. من امیدوارم که ما شاهد این وعده باشیم و مستضعفین بر مستکبرین غلبه کنند؛ چنانچه تاکنون غلبه کردند. تاکنون این راهی را که پیمودیم برای تبعیت از اسلام و احکام اسلام بوده است و ما اسلام را باید معرفی کنیم به عالم؛ و اگر چنانچه آنطور که اسلام هست معرفی بشود به عالم، عالم توجه به اسلام پیدا می‌کند. متاع مسلمین متاع ذی قیمتی است لکن عرضه باید بشود.

تحلیل نتیجهٔ رفراندم

من از عموم ملت ایران تشکر می‌کنم که در این رفراندم شرکت کردند و رأی قاطع خودشان را که باید گفت صددرصد پیروزی بوده است و رأی داده شده است، به طور قاطع رأی خودشان را دادند و به جمهوری اسلامی همه رضایت دادند و رأی دادند؛ چنانچه قبلاً هم داده بودند این رأی را. ما احتیاجی نمی‌دیدیم در این مسئله به

---

۱. امام خمینی در سخنرانیهای آتی خویش از توطئه‌های بسیاری در جریان رفراندم سخن خواهند گفت که تنها نمونه‌هایی از تیترهای روزنامه‌ها نقل می‌شود: «سقز، آتش زدن صندوق رأی» اطلاعات، ۵۸/۱/۱۱، ص ۷. «کشف توطئه» اطلاعات، ۵۸/۱/۱۱، ص ۱ و ۲. «اغتشاش در چند حوزه» کیهان، ۵۸/۱/۱۱، ص ۲ تا ۸ و اخباری پیرامون تحریم رفراندم را در اطلاعات، ۵۸/۱/۷، ص ۸. وکیهان، ۵۷/۱۲/۲۹، ص ۳ و ۵۸/۱/۹، ص ۸ بخوانید.

رفراندم لکن چون برای قطع بعض حرفها و بعض بهانه‌ها بنابراین شد که رفراندم بشود. و بهانه گیرها فهمیدند به اینکه مسئله آنطور که خیال می‌کردند نیست و ملت با اسلام است، ملت با روحانیت اسلام است، ملت می‌خواهد که قرآن کریم در ایران عمل بشود؛ و بحمدالله با شوق و شعف و شور و عشق، همه اقشار ملت از سرتاسر ایران رأی خودشان را دادند به جمهوری اسلام و نه چیزهای دیگر. جمهوری اسلام است که می‌تواند همهٔ مقاصد ایرانی را انجام دهد؛ جمهوری اسلام است که احکام مترقی او بر تمام احکامی که در سایر قشرها و سایر مکتبهاست تقدم دارد.

تخطئهٔ مدعیان دروغین حقوق‌بشر

ما می‌بینیم که مدعیان دمکراتیک دمکراسی صحبت می‌کنند، ادعا می‌کنند لکن مکتبهای آنها در شرق یک نحو است و در غرب یک نحو؛ در شرق با دیکتاتوری عظیم مردم آنجا مصادف هستند و در غرب هم همین طور. ما می‌بینیم که بعضی از اشخاص که ادعا می‌کنند که ما حقوق بشر را ملاحظه می‌کنیم و جمعیتهای حقوق بشر در طول این پنجاه سال که دولت غاصب پهلوی و پسر پهلوی بر این ملت غلبه کرد و بر این ملت با غصب تمام چیزهای این ملت را برد، در طول این پنجاه سال جوانان ما در حبسها به سر بردند و چه بسا جوانانی ما داشتیم که در حبس پای آنها را اره کردند؛ آنها را روی تاوه‌ها بو دادند و تا این زمان آخر هم اینها در حبس بودند، در شکنجه بودند؛ دژخیمان شاه سابق آنها را از هستی ساقط کرد، و این مدعیان همراهی با حقوق بشر در این طول مدت ندیدیم که یک صحبتی بکنند، یک استنکاری بکنند. ما دیدیم که، رئیس امریکا رئیس جمهور امریکا با این شاه بدبخت، با این شاه سابق ظالم بدبخت همراهی می‌کرد و پشتیبانی می‌کرد؛ پشتیبانی از دژخیمی که تمام هستی ما را به باد داد. و ندیدیم مدعیان جامعهٔ حقوق بشر استنکار کنند بر رئیس جمهور امریکا. لکن حالا که این دژخیمان به دام ملت افتاده‌اند و ملت می‌خواهد از آنها انتقام

بکشد، فریاد «وا بشرا»ی اینها بلند شده است![1] نمی‌توانم من جز این بدانم که اینها دست نشانده دژخیمان هستند. اینها دست نشانده ابرقدرتها هستند؛ نه اینکه اینها برای حقوق بشر [فعالیت] می‌کنند. من توقع این را داشتم که جامعه حقوق بشر اگر راست می‌گوید و طرفدار حقوق بشر است به ما اعتراض کند که اینها را چرا نگاه داشتید؛ این دژخیمان را باید همان روز اول کشته باشید! نه اینکه آنها را ما نگاه داشتیم و در حبسها الآن هستند و حبسهای ما هم مثل حبسهای سابق نیست؛ حبسهایی است که در آنها اشخاص به هیچ وجه مورد اهانت، حتی نیستند اینها به ما اعتراض کنند که چرا اینها را محاکمه کردید! اصلاً معنا ندارد محاکمهٔ مجرم؛ محاکمه مجرم یک امری است که مخالف با حقوق بشر است؟!

معدومین، مجرم و جنایتکار بودند نه متهم

حقوق بشر اقتضا می‌کند که ما آنها را همان روز اول کشته باشیم برای اینکه مجرمند، و معلوم است که اینها مجرم هستند. آنکه باید برای او وکیل گرفت، آنکه باید به ادعای او گوش کرد، او متهم است نه مجرم. اینها متهم نیستند، اینها مجرم هستند. اینها اشخاصی بودند که در خیابانها مردم را کشته اند، زجر دادند، و ذخایر ما را همه را با خیانتها از بین برده اند. آیا آنهایی که کشته شده‌اند در این خیابانهای شهرهای مختلف ایران، اینها بشر نبودند؟ اینها حقوق ندارند؟... مدعیان طرفداری از حقوق بشر نسبت به اینها که کشته شده [اند] چرا طرفداری نمی‌کنند؟ چرا به ما اشکال می‌کنند که شما چرا دژخیمان را می‌کشید؟

ما در عین حال که اینها را همه را مجرم می‌دانیم و باید فقط هویت اینها ثابت

---

۱. «سازمان عفو بین‌المللی»، «اتحادیه قضات فرانسوی»، «بخش آلمان غربی عفو بین‌المللی»، وکلای فرانسوی موسوم به «قهرمانان تاریخی دفاع از حقوق بشر»، «نهضت حقوقدانان کاتولیک»، از نخستین سازمانهای مدعی حقوق بشر بودند که به اعدامهای انقلابی در ایران اعتراض کردند.

بشود و آنها را باید همین که هویتشان ثابت شد کشت نصیری[1] [را] همین که هویتش ثابت شد که نصیری است باید کشت مع ذلک چند روز نگه داشتند و محاکمه کردند و اقرارات او را ثبت کردند و او را کشتند. آیا این جامعه حقوق بشر تصور نمی‌کند که مجرم را باید کشت برای حقوق بشر، برای اینکه حق خواهی کنیم ما از بشر بشرهایی که اینها کشتند، زجر دادند، از بین بردند؟ ما اینها را مع ذلک محاکمه می‌کنیم و محاکمه کردیم؛ ولیکن اعتقاد ما این است که مجرم محاکمه ندارد و باید کشت. لکن من متأسفم از اینکه باز غربزدگی در ماها هست، و ما ترس از این داریم که مبادا در روزنامه [های] غرب چیزی بنویسند و مثلاً مجلات غرب یک کلمه‌ای بنویسند.[2] آنها البته با عدل و انصاف مخالفند و آنها موافق به حقوق بشر نیستند. آنها حقوق اشخاص ابرقدرت را حفظ می‌کنند به اسم حقوق بشر!

لزوم تحولات ریشه‌ای در «جمهوری اسلامی»

در هر صورت ما بحمدالله در این رفراندم فاتح شدیم و حرفهایی که در مجلات خارج نوشته شد و چیزهایی که گفته شد همه باطل از کار درآمد. و بحمدالله ملت ما، قریب صددرصد، رأی به جمهوری اسلامی دادند؛ و از این به بعد بر عهدهٔ ملت است که این جمهوری اسلامی را پیاده کند.

در جمهوری اسلامی باید تمام مسائلی که در ایران است متحول بشود. در جمهوری اسلامی باید دانشگاهها متحول بشود؛ دانشگاههای پیوسته، به

---

۱. نعمت الله نصیری، از عوامل کودتای ۲۸ مرداد، فرماندار نظامی تهران در کشتار ۱۵ خرداد و معروفترین رئیس ساواک.

۲. اشاره امام خمینی بخصوص به مصاحبه‌های آقای مهدی بازرگان بود که ضمن آنها بی اطلاعی و عدم موافقت تلویحی خویش را از اعدامهای انقلابی اعلام می‌داشت. از جمله در کیهان، ۵۷/۱۲/٦، متن مصاحبه ایشان با تلویزیون فرانسه.

دانشگاههای مستقل متبدل بشود. فرهنگ ما باید متبدل بشود؛ فرهنگ استعماری، فرهنگ استقلالی بشود. دادگستری ما باید متحول بشود؛ دادگستری غربی به دادگستری اسلامی متبدل بشود. اقتصاد ما باید متحول بشود؛ اقتصاد وابسته به اقتصاد مستقل متبدل بشود. تمام چیزهایی که در حکومت طاغوت بود و به تبع اجانب در این مملکت ضعیف، در این مملکت زیردست، پیاده شده بود با استقرار حکومت اسلامی و حکومت جمهوری اسلامی تمام اینها باید زیرورو بشود. و باید مردم خودشان را اصلاح بکنند؛ و باید اشخاصی که ظالم هستند و به زیردستها ظلم کردند، باید آنها دیگر ظلم نکنند. طبقات مختلف به طبقات پایین ظلم نکنند. باید حق فقرا، حق مستمندان داده بشود. تمام اینها در جمهوری اسلامی باید عمل بشود. و ملت وظیفه دارد که در جمهوری اسلامی پشتیبانی از دولتها بکند که به خدمت ملت هستند. اگر دولتی را دید که خلاف می‌کند، ملت باید تودهنی به او بزند. اگر چنانچه دستگاه جابری را دید که می‌خواهد به آنها ظلم کند، باید شکایت از او بکنند و دادگاهها باید دادخواهی بکنند؛ و اگر نکردند خود ملت باید دادخواهی بکند، برود توی دهن آنها بزند.

تقویت مستضعفین

در جمهوری اسلامی ظلم نیست. در جمهوری اسلامی اینطور مسائلی که زورگویی باشد نیست. فقیر و غنی؛ نمی‌تواند طبقهٔ غنی بر طبقهٔ فقیر زور بگوید، نمی‌تواند استثمار کند، نمی‌تواند آنها را با اجر کم وادار به عملهای زیاد بکند. باید مسائل اسلامی حل بشود در اینجا و پیاده بشود. باید مستضعفین را حمایت بکنند، باید مستضعفین تقویت بشوند؛ زیرورو بشوند مستکبر باید مستضعف بشود و مستضعف باید مستکبر بشود. نه مستکبر به آن معنی بلکه باید همه با هم برادروار در این دنیا در این مملکت همه با هم باشند.

جمهوری اسلامی و حفظ حقوق اقشار و اقلیتها

و من به همهٔ اقشار ملت به تمام عرض می‌کنم که در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص [و] گروههای مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیر ترک به هیچ وجه امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و به تقوا دانسته است.(۱) کسی که تقوا دارد امتیاز دارد، کسی که روحیات خوب دارد امتیاز دارد؛ اما امتیاز به مادیات نیست، امتیاز به داراییها نیست. باید این امتیازات از بین برود؛ و همه مردم علی السّواء هستند با هم و حقوق تمام اقشار به آنها داده می‌شود. و همه در حقوق مساوی هستند. اقلیتهای مذهبی حقوقشان رعایت می‌شود؛ اسلام به آنها، برای آنها احترام قائل هست. برای همهٔ اقشار احترام قائل است. کردها و سایر چیزها سایر دستجاتی که هستند و زبانهای مختلف دارند، اینها همه برادرهای ما هستند و ما با آنها هستیم و آنها با ما هستند؛ و همه اهل یک ملت و اهل یک مذهب هستیم و من امیدوارم که در بعض جاهای مختلفی که در ایران، بعض عناصر مفسده جو رفتند و آنجا تبلیغات سوء می‌کنند و مردم بیچاره را وادار می‌کنند به اینکه شلوغ کنند و برادرکشی کنند، خود مردم بیدار بشوند و نگذارند این خائنین این کارها را آنجا بکنند. ما همه برادر هستیم؛ ما با اهل سنت برادر هستیم و ما نباید بعضی‌مان بر بعض آقایی کنیم؛ نباید حقوق بعضیها را ملاحظه نکنیم. ما در حقوق علی السّواء هستیم و قانون هم که ان‌شاءالله بعد به تصویب ملت می‌خواهد برسد در قانون هم همهٔ اقشار حقوقشان ملاحظه شده است و اقلیتهای مذهبی، نسوان، دیگر اقشار همه حقوقشان ملاحظه شده است و هیچ فرقی مابین گروه و گروهی در اسلام نیست؛ فقط به تقوا و به اِتقاء عن الله تعالی فرق است.

---

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۱۲ فروردین، روز عید ملت

و ما امیدواریم که خداوند تعالی به ما توفیق بدهد، که تا حالا که رساندیم مطلب را به اینجا و جمهوری اسلامی را اعلام کردیم؛ و الآن من اعلام می‌کنم جمهوری اسلامی را و این روز را روز عید می‌دانم. و امیدوارم که در هر سال روز «۱۲ فروردین» روز عید ملت ما باشد؛ که رسیدند به قدرت ملی و خودشان سرنوشت خودشان را به دست خواهند گرفت. ما به همه ملت تبریک عرض می‌کنیم و من این روز را بر ملت عزیز خودمان، به همه اقشارشان، تبریک عرض می‌کنم. مبارک باد بر شما این عید! مبارک باد بر شما این جمهوری اسلامی ! لکن همه مکلفیم که احکام اسلام را مراعات کنیم. باید بازار ما بازار اسلامی باشد؛ بازار ما از بی انصافی باید شستشو بشود. باید دولت ما و همه دولتهایی که بعدها می‌آیند همه روی موازین اسلامی باشد، وزارتخانه‌ها روی موازین اسلامی باشند، ادارات دولتی روی موازین اسلامی باشند. باید مملکتی که رنگ طاغوت دارد مبدل بشود به مملکتی که رنگ الله دارد. باید مملکت طاغوتی به مملکت الهی تبدیل بشود.

دمکراسی غربی، دمکراسی اسلامی

ما باک نداریم که در غرب به ما صحبتی بکنند، و کسانی که ادعا می‌کنند که ما حقوق بشر را مراعات می‌کنیم به ما اشکال بکنند. ما باید روی میزان عدل رفتار کنیم. ما بعد خواهیم فهماند به آنها که معنی دمکراسی چیست. دمکراسی غربی اش فاسد است، شرقی اش هم فاسد است؛ «دمکراسی اسلامی» صحیح است و ما بعدها اگر توفیق پیدا کنیم به شرق و غرب اثبات می‌کنیم که این دمکراسی که ما داریم، این دمکراسی است نه آنکه شما دارید و طرفدار سرمایه دارهای بزرگ هستید و نه اینکه آنها دارند و طرفدارهای ابرقدرت هستند و همه مردم را در اختناق عظیم گذاشتند.

معیار برتری در جامعه اسلامی

اختناق در اسلام نیست؛ آزادی است در اسلام برای همه طبقات : برای زن، برای مرد، برای سفید، برای سیاه، برای همه. مردم از این به بعد باید از خودشان بترسند نه از حکومت؛ از خودشان بترسند که نبادا خلاف بکنند. حکومت عدل [از] خلافها جلوگیری می‌کند، جزا می‌دهد. ما از خودمان باید بترسیم که خلاف نکنیم والّا حکومت اسلام خلاف نخواهد کرد. دیگر قضیه سازمان امنیت در کار نیست، زجرهای سازمان امنیت دیگر در کار نیست؛ دیگر نمی‌توانند پاسبانها به ما زور بگویند و به ملت ما زور بگویند. دیگر نمی‌تواند دولت به ملت زور بگوید؛ دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است، باید خدمتگزار ملت باشد. و ملت چنانچه نخست وزیر هم یک وقت ظلم کرد، در دادگاهها از او شکایت می‌کند و دادگاهها او را در دادگاه می‌برند؛ و جرم او اگر ثابت شد، به سزای اعمالش می‌رسد. این دیگر آنطور نیست که در اسلام بین نخست وزیر و بین غیر نخست وزیر فرق داشته باشد. خلیفهٔ مسلمین در صدر اسلام با یهودی با اهل ذمه‌ای که با هم یک مخالفتی داشتند در محضر قاضی حاضر شد و قاضی حکم برخلاف او کرد و سر به اطاعت گذاشت.[۱] اسلام اینطور است؛ اسلام طوری نیست که برای طبقهٔ بالا یک بالایی قائل باشد، ولو برای طبقه دانشمندان؛ البته [برای] متقی مرتبهٔ بالاتر هست برای اینکه مرتبه انسانیت ایشان بالاتر است. اسلام به انسانیت انسان ارج می‌گذارد؛ انسانیت انسان به علم و تقواست، به دانشمندی و تقواست. کسی که علم و تقوا دارد، این به دیگران مقدم است؛ و کسی هرچه هم دارایی داشته باشد ولی علم و تقوا نداشته باشد، ابداً در اسلام ارجی ندارد.

در هر صورت من از عموم ملت می‌خواهم که متحول کنند خودشان را.

---

۱. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۰۱ و کنزالعمال، ج ٤، ص ٦.

روحیاتی که تاکنون در زمان طاغوت داشتند متحول کنند به روحیات اسلامی. الآن ما در ایران بسیاری از مستمندان داریم، بسیاری از مصدومین داریم، بسیاری از اشخاص داریم که از هستی در این قضایا ساقط شدند، باید اشخاصی که دارا هستند به آنها کمک کنند و مستمندان را یک زندگی مرفه به آنها بدهند. دولت باید فکر اینها باشد، ملت باید فکر اینها باشد؛ باید برای آنها مسکن بسازند، برای آنها زندگی صحیح بسازند. برای کارمندها زندگی صحیح بسازند. در چند روز پیش که یک دسته از کسانی که دارای کارخانه بودند و رؤسای کارخانه‌ها بودند که آمدند اینجا من به آنها گفتم که خود شما باید کار را اصلاح بکنید؛ الآن بروید خارج از این منزل و در آنجا خودتان یک جلسه‌ای بکنید و با هم یک مشورت بکنید و با هم سرمایه بگذارید از برای اینکه کارمندها و کارگرهای این کارخانه‌ها را برایشان منزل درست کنید، برایشان زندگی مرفه درست کنید. اگر نکنید ممکن است خدای نخواسته یک وقت اینها عصیان بکنند و اگر عصیان کردند، دیگر ما نمی‌توانیم جلو آنها را بگیریم.

و من به کارمندان و کارگران و سایر طبقات مستضعف ان‌شاءالله وعده می‌دهم که ایران برای شما کار درست می‌کند، اسلام برای شما کار درست می‌کند، اسلام زندگی شما را مرفه می‌کند، اسلام برای شما منزل درست می‌کند. اسلام آنقدری که در فکر مستمندان است در فکر دیگران نیست. و من از خدای تبارک و تعالی در این روز عید که روز پیروزی ملت ماست توفیق همهٔ مسلمین را خواستارم. و من امیدوارم که دیگر ممالک اسلامی با هم متحد بشوند و دست طاغوتها را از ممالک خودشان قطع بکنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ٤٥٧ تا ٤٦٥.

▣ پیام

زمان: ۱۲ فروردین ۱۵/۱۳۵۹ جمادی‌الاول ۱۴۰۰
مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: نیرنگهای تازهٔ امریکا و دشمنان اسلام و ایران
مناسبت: سالروز تأسیس جمهوری اسلامی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

روز دوازدهم فروردین، سالروز رسمیت یافتن حکومت مستضعفین بر مستکبرین در ایران است؛ سالروز تحقق وعدهٔ حق تعالی است. و منت خدای را که ملت مستضعف ایران بر مستکبرین جهان چه شرقی چه غربی چیره و پیروز شد.

دوازده فروردین، روز غلبهٔ جنودالله بر جنود شیطان و روز فتح و نصر خدا و بندگان مؤمن به اوست. ملت ایران این روز را عیدی اسلامی ملی تلقی می‌کند. و آن روز فتح مطلق و نصر به تمام معناست که همهٔ مستضعفین جهان را این نور سنت الهی و سایه پرچم نصر من الله فرا گیرد. آن روزی که مسلمین جهان با مدد غیبی در هر کشور و قُطْر[1] دست جنایتکار ستمگران و چپاولچیان را از کشور خود قطع کنند و پرچم اسلام و آرم الله اکبر را افراشته نمایند؛ آن روزی که با قیام دلاورانه و بانگ «الله اکبر»، با امثال سادات[2] و هم مسلکان شاه مخلوع، آن کنند که ملت شجاع ایران با محمدرضا پهلوی کرد. ملت بزرگ مصر که از ننگ سادات خیانتکار به تنگ آمده بودند، اکنون مواجه با تحمل ننگ بزرگتری شده‌اند که با دسیسه و توطئهٔ شیطان بزرگ، بر آنان تحمیل شده است. شیطان بزرگ برای رسیدن به چند سال مسند جنایت، به هر وسیلهٔ ممکن دستاویز و به هر نقشهٔ شیطانی متشبث می‌شود؛ محمدرضا را به مصر تحمیل و خود را از آن بی خبر معرفی می‌کند. غافل از آنکه ملتها

---

۱. ناحیه، خطه، سرزمین.

۲. محمدانورالسادات، رئیس حاکم بر کشور مصر.

بیدار شده‌اند و دست امثال او را خوب خوانده‌اند. او که گاهی با اشغال نظامی و پیاده کردن چتربازان در لانهٔ جاسوسی و گاهی با محاصرهٔ اقتصادی و منزوی کردن کشور، ما را تهدید می‌کرد و از آن نتیجه نگرفت، اکنون دست به یک نقشهٔ سیاسی و یک نیرنگ شیطانی زده است و با نرمش و چاپلوسی می‌خواهد ما را اغفال کند و قمار سیاسی خود را از رقیبان خود با نیرنگ به ملت ما، ببرد.

این نیرنگ جدید کارتر شبیه همان نیرنگی است که شاه مخلوع در اواخر عمر سلطنت ننگینش زد و در مقابل ملت و روحانیون به چاپلوسی و حیله گری پرداخت و دسیسهٔ او نقش بر آب شد. آقای کارتر باید بداند که با فرستادن شاه مخلوع به مصر و عذرخواهی از اشتباهات گذشته و اعتراف به خیانتهای امریکا به ملتهای مظلوم از آن جمله ایران و راه حل لانهٔ جاسوسی را از من که یک نفر از ملت بزرگ ایران هستم خواستن، به بیراهه رفتن است. حل این مسئله به دست هیچ کس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی منبعث از آرای ملت نیست. و باید بداند که حمایت از شاه مخلوع بعد از آنهمه جنایات و خیانتهای بزرگ و آن چپاولگریها مجالی برای حل به اصطلاح شرافتمندانه نگذاشته است. با سپردن شاه مخلوع دشمن اسلام و ایران به دست دشمنی که با اعمال ننگین خود مسلمانان جهان را سخت آزرده است، راه حل را پیچیده تر نموده است. عجب آن است که سادات نیز مثل کارتر مدعی است که حس انسان دوستی، او را وادار به پذیرفتن شاه مخلوع نموده است اینان که در هر فرصت، ملتهای بزرگ را که جرمی جز حق طلبی ندارند، از پا درمی آورند، با ادعای احساس انسان دوستی یک نفر جنایتکار را که در ظرف قریب به چهل سال، ملتی بزرگ را به تباهی کشید و دهها هزار انسان بیگناه را به خاک و خون کشید، و نزدیک به صدهزار نفر را مجروح و معلول نمود، و اموال یک ملت فقیر را به یغما برد، پناه داده و از او حمایت نموده و می‌نمایند و این را احساس انسان دوستی می‌نامند و ملت ما و

ملت خودشان را به بازی سیاسی می‌گیرند.

اکنون که ماگرفتار اشخاصی هستیم که از هیچ امری و ارتکاب هیچ جرمی برای رسیدن به مسند چند ساله روگردان نیستند و از دروغگویی و یاوه سرایی و گفتن و حاشاکردن ابا ندارند و مع الأسف دارای قدرت شیطانی نیز می‌باشند، بر همه مستضعفین و خصوص مسلمانان جهان است که به خود آیند و از حق و حقیقت دفاع کنند و کشورهای خودشان را از لوث وجود این اشخاص پاک کنند.

و بر ملت شریف ایران است که در هر مسلکی و با هر گروهی هستند، از اختلاف و نفاق و کارشکنی برای یکدیگر دست بردارند و دشمنان را با وحدت کلمه و اعتصام به «حبل الله» درهم کوبند، و نزاعهای شخصی و گروهی را که جز از هوای نفس برنمی‌خیزد و در صورت رشد همه را به تباهی می‌کشد و کشور را به خرابی سوق می‌دهد کنار گذارند، و گویندگان و روشنفکران و متفکران و دانشگاهیان و دانشمندان، همهٔ توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما امریکا کنند که با سلطهٔ دشمن قدرتمند، برای هیچ یک چیزی باقی نخواهد ماند. من از برادران و خواهران کردستانی می‌خواهم که برادرانه با سایر برادران مسلمان خود و در کنار هم از کشور خود دفاع کنید، و ارتش و سایرقوای انتظامی را که خدمتگزاران به کشور و برای امنیت و رفاه ملت تحمل زحمت و مشقت می‌کنند، چون برادران خود پذیرا شوید، و به منحرفین که به اسم کرد و ملت کرد می‌خواهند کشور شما را به دامن قدرتهای شیطانی بیندازند و گرفتاریها و رنجهای سابق را اعاده کنند و از اسلام عزیز و احکام آن اطلاعی ندارند و با آن دشمن هستند، گوش فرا ندهید که با استقرار حکومت اسلامی همهٔ قشرهای ملت در کنار یکدیگر با امن و امان و رفاه، به خواست خدای متعال ادامهٔ زندگی می‌دهند. برادران و خواهران من، اگر خدای نخواسته نهضت اسلامی به شکست گراید، نه کردستان باقی می‌ماند و نه خوزستانی و نه استانهای

دیگری. بیایید برای رضای خداوند دست از اختلاف بردارید و با برادران دیگر خود با صلح و صفا رفتار کنید، و با تمسک به قدرت الهی از کشور خودتان دفاع نمایید که در این صورت خدا با شماست و هیچ قدرتی نخواهد توانست بر شما غلبه کند. از خداوند متعال پیروزی اسلام و مسلمین و هدایت منحرفین را خواستارم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۱۲ فروردین ۵۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۲فروردین ۲۵/۱۳۶۰جمادی‌الاول ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: پیام هفت ماده‌ای دربارهٔ اولویت دفاع مقدس و پرهیز از اختلافات مسئولین
مناسبت: ۱۲فروردین، سالروز تأسیس جمهوری اسلامی ایران مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

درود بی‌پایان بر ملت انقلابی ایران که با قیام خود دست جنایتکاران خارج و داخل را قطع و جمهوری اسلامی را پایه گذاری نمود. رحمت خداوند تعالی بر شهدای راه استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی، و درود بر رزمندگان شجاع در جبهه‌های غرورآفرین دفاع از میهن عزیز و اسلام بزرگ. سلام بر آوارگان و خانواده‌های شهدا و برکت خدا بر پشتیبانان پشت جبهه‌ها در سراسر ایران.

آغاز سومین سالروز رسمیت جمهوری اسلامی که با پشت سرگذاشتن مشکلات بزرگ و توطئه‌های ابرقدرتها و قدرتهای شیطانی که در رأس آن امریکای جنایتکار است با سرافرازی ملت عظیم‌الشأن و قدرت نهادهای انقلابی و نیروهای مسلح سلحشور با پیروزی حق بر باطل و اسلام بر کفر به خواست خداوند متعال، این

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۱۹ تا ۲۲۱.

یار مستضعفان و پناهگاه مظلومان، بر همه مبارک باد. ما هم اکنون در موضع قدرت با وحدت کلمه و توحید مقصد، با دشمنان جهانخوار و خودفروختگان بی وطن مواجه هستیم. ما در سال قبل با توطئهٔ امریکا و آلت بی ارادهٔ او، سادات، که با پناه دادن شاه مخلوع، در صدد غائله راه انداختن و شاه معدوم را وسیله قرار دادن بود، مواجه بودیم که با تأیید خداوند تعالی شاه با فضاحت به گورستان و توطئه‌گران با رسوایی به زباله‌دان تاریخ رهسپار شدند. و در این سال، با شاخهٔ فاسد و ریشهٔ جنایتکارتر غرب و شرق مواجه می‌باشیم؛ و بحمدالله تعالی این جنگ تحمیلی موجب انسجام هر چه بیشتر ملت رزمندهٔ ما گردید. دولت بعث عراق که با حسابهای غلط خود و فریب محرکین آن به دام افتاده است و راه پس و پیش ندارد، زیرا از یک‌سو ملت عراق بدان پشت کرده و آن را به تزلزل کشانده است، و از سوی دیگر قوای مسلح شجاع ایران او را در تنگنا قرار داده است، با حرکات مذبوحانه و تشبثات همه جانبه، درصدد است تا خود را از این دام که به دست خائن خود فراهم نموده است نجات دهد و به خیال خام خود حیثیت به باد رفتهٔ خود را اعاده کند و بر جنایات بی‌سابقه خود بر ملت شریف عراق و ایران پرده فریب کشد، غافل از آنکه دیر شده است و او نیز چون شاه مخلوع و پشتیبانان او، در همان گورستانی رود که آنان رفته اند. ﴿الیس الصبح بقریب﴾[1].
صدام و پشتیبانان ستمگر او باید بدانند که در این سال، انسجام و قدرت ارتش شجاع و سپاه پاسداران غیور و سایر قوای مسلح نظامی و ملی اسلامی ما بیش از سالهای پیش است، و ملت رزمندهٔ ما بیش از سابق پشتیبان آنان هستند، و داوطلبان شهادت در راه خداوند متعال روز به روز افزایش یافته و منتظر فرمان الهی هستند. امروز

---

۱. بخشی از آیه ۸۱ سوره هود «ان موعدهم الصبح الیس الصبح بقریب» همانا وعده گاه آنان بامداد است؛ و آیا صبح نزدیک نیست؟

متفکران ملت بزرگ ما، در اثر محاصرهٔ اقتصادی، مغزهای خود را به کار انداخته اند و نقصانهای موجود را به طور چشمگیری رفع و زیانهای ناشی از محاصره را با کوشش شبانه روزی خود به مقدار زیاد جبران نمودند.

امروز دولت ایران با پشتیبانی ملت، قویتر و سرسخت تر در مقابل دشمنان ایستاده است. صدام جنایتکار و دوستان او باید بدانند که جنایات وارد بر عراق و ایران به دست سردمداران جنایتکار او، به میزانی نیست که به حساب آید. خسارات مالی که بالغ بر صدها میلیارد تومان می‌باشد و جنایات انسانی که از خسارات مالی بسیار بزرگتر است، بهترین جوانان عزیز ما را که می‌بایست در راه اعتلای اسلام در سراسر جهان و کشور عزیز کوشش می‌کردند، شهید و ارتش عراق را که لااقل می‌بایست با دشمن اعراب اسرائیل جنایت پیشه به جنگ برخیزد و قدس را نجات دهد، به تجاوز به کشوری که جز به اسلام فکر نمی‌کند وادار و به هلاکت رساندند. باید جهانیان بدانند که امروز کشور ایران مثل ابرقدرتها و یا رژیمهای فاسد دست‌نشاندهٔ ابرقدرتها نیست که یک اقلیت زورگو و قلدر بر یک اکثریت مظلوم تحت سلطه حکومت کنند و مقدرات آنان را به دست بگیرند؛ بلکه ایران امروز یک ملت است که دسته‌ای از آن خدمتگزارانی هستند که تدبیر امور کشور و دفاع از آن را با ارادهٔ ملت به عهده دارند، و ملت نیز خود را عهده دار پشتیبانی از آنان می‌دانند. چنانچه در طول مدت پیروزی انقلاب، سراسر کشور عزیز از زن و مرد، کوچک و بزرگ، در مشکلات دولت و ارتش، سهیم و در رفع آنها هم قدم و همفکر بودند، و در جنگ تحمیلی و چه در جبهه و چه در پشت جبهه تمام ملت در دفاع از کشور سهیم می‌باشند و ارادهٔ چنین ملتی در سرنوشت کشور و در جنگ و صلح تعیین کننده است. و کسانی که به عنوان حسن نیت، پای در میان گذاشته و رفت و آمد می‌کنند، اگر حقیقتاً بشردوست و با حسن نیت و به حکم اسلام به این امر قیام نموده اند، باید با رسیدگی

کامل، ظالم را از مظلوم و غارتگر را از غارت شده و جانی را از کسی که بر آن جنایت واقع شده است شناسایی نموده و معرفی نمایند.

ملت ما در مقابل حق و عدالت تسلیم است، چنانچه در مقابل ظلم و جور ایستاده است. ما انتظار داریم تا هیأتی به تجاوزات و جنایات رسیدگی کامل نماید و ظالم و متجاوز را معرفی نموده و با آن، طوری عمل کنند تا عبرتی برای متجاوزان به حقوق بشر گردد؛ و با این شیوه نیز می‌توان صلح و آرامش را به جهان برگرداند.

غمض عین[1] از جنایتکاران و نادیده گرفتن جنایات ستمگران، راه را برای ظالمان باز و دنیا را به هلاکت خواهد کشاند. اکنون به حکم ادای وظیفهٔ خدمتگزاری به ملت شریف، لازم است تذکراتی گرچه تکراری است، بدهم:

۱ ـ به تمام گروهها و سازمانها و احزاب و دستجات در سراسر ایران اعلام می‌شود که اگر سلاح خود را تحویل دهند و اظهار ندامت کنند، به آنان تأمین داده می‌شود و می‌توانند برادروار در کشورشان زندگی نمایند و آنچه گذشته است، مورد عفو است؛ و اگر به جنایات خود ادامه دهند، روزی که پشیمان شوند، به حکم اسلام، از آنان پذیرفته نخواهد شد، و من مطمئن هستم که بزودی روز پشیمانی برای آنان خواهد آمد. شما مخالفان جمهوری اسلامی، در این دو سال باید درک کرده باشید که نمی‌توانید با ملتی که در راه کشور و اسلام از جان گذشته است، مقابله کنید و پس از رنجها و زحمتها و جنایات، ناچار تسلیم خواهید شد. پس بهتر آن است که هر چه زودتر به ملت بپیوندید و از گرایش به شرق و غرب خودداری نمایید و برگشت خود را به آغوش ملت و اسلام اعلام نمایید تا مورد حمایت ملت قرار گیرید.

۲ ـ در این چند روز که اظهار مخالفتها بحمدالله کاهش پیدا کرد و روزنامه‌ها

---

۱. چشم پوشی و اهمال.

تعطیل و از ایجاد اختلاف دستشان کوتاه بود[۱] و پس از انتشار نیز اکثر آنها از دامن زدن به اختلافات تا حدی خودداری نموده اند[۲] و گوش ملت از هیاهوهایی که به وسیلهٔ گروههای منحرف ایجاد می‌شد آسوده بود و در جبهه‌های جنگ، مبارزان شجاع از این جهت آسوده خاطر و فرماندهان، با دلگرمی مشغول فعالیت بودند، بحمدالله تعالی پیروزیهای چشمگیری نصیب ایران گردید. بنابراین، لازم است کسانی که به کشور و اسلام و ملت علاقه‌مند هستند، این راه نجات را که راه حق و مرضیّ خداوند متعال است، ادامه دهند و از کوچکترین اختلافات یا دامن زدن به آن، که راه شیطان و مخالف رضای حق تعالی است احتراز نمایند تا در دنیا و آخرت سعادتمند شوند و کشور راه سازندگی را پیش گیرد.

۳ـ بر جمیع سخنرانان، چه در محیطهای باز و چه بسته و تمام نویسندگان، تکلیف حتمی شرعی است که حتی به طور اشاره و کنایه، از گفتار و نوشته‌های اختلاف انگیز اجتناب نمایند که امروز اختلاف برای امت اسلامی، سم کشنده است. و باید بدانند که ایجاد اختلاف در محیط حاضر، جز تبعیت از نفس اماره و شیطان درونی و خدمت به ابرقدرتها خصوصاً امریکای جهانخوار، نیست. و از منکرات بزرگی است که شیطان به اسم اسلام، بر زبانها و قلمها جاری می‌کند و باید بدانند که انقلاب اسلامی تاب تحمل آن را ندارد و متخلف را مجازات خواهد کرد. دادستان کل کشور موظف است تا به این طریقهٔ خطرناک خاتمه دهد. سخنرانیهای سالم و سازنده در محیطهای سالم غیرمتشنج، برای ایجاد وحدت و تفاهم و جلوگیری از اختلاف و

---

۱. اشاره به تعطیلی رسمی ایام عید نوروز، که در این ایام روزنامه‌ها منتشر نمی‌شوند.

۲. در پی بالا گرفتن اختلافات ابوالحسن بنی صدر با مسئولین قوای مقننه و قضاییه و نخست وزیر، از سوی امام خمینی هیأتی مامور حل اختلاف و مقابله با تشنج گردید.

تشنج، مفید و موجب رضای خداست.

۴ـ من برای روحانیت که نگهبان اصیل اسلام است نگران هستم و خوف آن دارم که کسانی که کفالت امری از امور کشور را دارند، خصوصاً دادگاهها و کمیته‌ها و دادستانیها با رفتار بعضی از آنان ولو به واسطهٔ عدم توجه به موازین اسلامی، وجههٔ روحانیت، این سنگر اسلام، پیش ملت مشوّه بشود و با شایعه سازیها و تهمتها از طرف مخالفین با اسلام یا با روحانیت، یک امر جزئی، چندین برابر به نمایش گذاشته شود. و متأسفانه بعضی از علما بی توجه به مسائل، به خیال پشتیبانی از اسلام تحت تأثیر شایعات واقع شده و یکسره به انتقاد از جمهوری اسلامی و از تمام دادگاهها و همهٔ ارگانهای جمهوری اسلامی برخاسته و به دشمنان اسلام و قرآن کریم ناآگاهانه کمک و شریک جرم گروهکهای منحرف می‌شوند. اینجانب جداً از رئیس دیوانعالی و دادستان کل کشور و انقلاب و شورایعالی قضایی می‌خواهم هیأتهایی مرکب از اشخاص عالم، مؤمن و متعهد تشکیل دهند تا دادگاههای کشور را رسیدگی نمایند و قضات غیرصالح و دادستانهای منحرف راکنار گذاشته، و اگر به مال و یا آبروی اشخاص تعدی نموده اند محاکمه نمایند. سستی در این امر مهم و مسامحه در آن، خطر عظیمی است برای جمهوری اسلامی که هر چه بگذرد، ناراحتی زیاد و خطر افزون می‌شود.

۵ـ گاهی شنیده می‌شود که بعضی از پاسداران در بعضی از نقاط کشور از طریق اعتدال و شرع خارج و از مأموریت قانونی خود، تجاوز در اموری که مربوط به دادگاهها یا نهادهای دیگر می‌باشد، دخالت ناروا می‌کنند. بر رؤسای پاسداران در سطح کشور است تا از این نحو دخالتها که خلاف قانون و خلاف طریقهٔ اسلام است، جلوگیری و خودداری نمایند؛ و اگر بعضی اشخاص، این نحو دخالتها می‌کنند و ممکن است از گروههای منحرف در بین آنان رخنه کرده باشند آنان را تصفیه نموده؛

و اگر خلاف انجام داده‌اند، تحویل دادگاهها نمایند. بر شورایعالی سپاه لازم است این حرکات را تحت نظر گرفته و نگذارند تا این ارگان فداکار مؤمن و متعهد، حیثیت خود را در بین ملت از دست بدهد. نفوذ افراد بعضی از گروهکهای منحرف و اعمال خلاف عقل و شرع آنان، خدای نخواسته این جوانان عزیز انقلابی را بدنام می‌کند. بر رؤسای سپاه پاسداران است که در سراسر کشور از انحرافات اشخاص جلوگیری نمایند.

۶ـ لازم است دولت بیش از پیش کمکهای لازم را به کشاورزی و کشاورزان بکند و در این امر از هیچ کوششی خودداری ننماید و از پیچ وخمهای اداری که موجب تأخیر در این امر حیاتی است جلوگیری نماید، و در این موضوع، به استاندارها در سطح کشور سفارش اکید نماید که امر کشاورزی در کشور ما، از اهمّ امور است و هدایت و اجرای آن به وجه صحیح، اساس اقتصاد کشور است.

۷ـ از عموم ملت عزیز می‌خواهم که از شایعه‌ها که از طرف گروههای وابسته به رژیم سابق و یا ابرقدرتها پخش می‌شود، بی اعتنا بگذرند و به اکاذیب آنان گوش نکنند. اکنون که مخالفین انقلاب از توطئه‌های گذشته مأیوس شده‌اند، به شایعه‌سازی و دروغ پردازی کمر بسته و می‌خواهند مردم را از این راه مأیوس کنند و کشور را به دامان چپ و یا راست بکشانند. از خداوند متعال سعادت و پیروزی اسلام را در این سال جدید مسئلت می‌نمایم، و امید است که با قدرت کامل خود، این کشور اسلامی را از شرّ بدخواهان حفظ فرماید. سلام و درودبر ملت بزرگ و رحمت خداوند و درود بر شهیدان و آسیب دیدگان در راه اسلام. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۲۵۰ تا ۲۵۵.

◙ پیام

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۶۱ / ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۲
مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از رزمندگان اسلام - تذکراتی به ملت، دولت و قوای مسلح کشور
مناسبت: چهارمین سال تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۲ فروردین)
مخاطب: ملت ایران و نیروهای مسلح

بسم الله الرحمن الرحیم

در آغاز چهارمین سال رسمیت جمهوری اسلامی حمد و ثنای بی‌پایان خداوند متعال راکه با نصرت خود و جنود غیبی، رزمندگان سلحشور و متعهد ایران را در دو بُعد معنوی و ظاهری پیروز و با سرافرازی هر چه تمامتر به جایی رساند که معجزهٔ عصر به دست مبارک و توانای آنان به صورتی آشکار، تحقق پیدا کرد و لشکرهای مجهز به جهازهای مدرن قدرتهای شیطانی در فاصله ای اندک شکست مفتضحانه خورده یا تسلیم شدند و یا فرار نمودند و یاکشته شدند.

دوازده فروردین سال ۶۱ درخشندگی دیگری در تاریخ ایران دارد. درخشندگی پرتو نور خدا، درخشندگی حمایت و عنایت خاص پروردگار جهان بر ملت ستمدیده و غارتزدهٔ ایران. کسی که این حمایت و اعجاز را نبیند خفاشی است که نور خورشید جهان افروز را نتواند دید. با تمام اسباب اطمینان و سکون خاطر در دشمن و تمام اسباب وحشت و خوف در رزمندگان ایران، کدام سبب، اطمینان و سکینه را در اینان ایجاد و رعب و وحشت را در آنان متحقق کرد؟ آنها برخوردار از پشتیبانی ابرقدرتها بویژه شیطان بزرگ، امریکا بودند و می‌باشند. اکثر قدرتمندان منطقه به آنها انواع سلاح را از اطراف جهان می‌رساندند و میلیاردها دلار در اختیار آنها می‌گذاشتند و به پشتیبانی از آنان از فرستادن ارتش هم دریغ نداشتند. و تمام رسانه‌های گروهی مؤثر در خدمتشان بود و هست و ما در محاصرهٔ اقتصادی و در حال انقلاب و درهم ریختگی و مواجه با توطئه‌های جانفرسای داخلی و خارجی. آنها غافلگیرانه به ما هجوم آوردند و از دریا و زمین و هوا به ما حمله کردند و مقدار

زیادی از کشور ما را تصرف نمودند و به خرابی و قتل و غارت شهرهای ما و ملت مظلوم ما پرداختند که این نیز از اسباب بزرگ برای رعب و وحشت ما و آرامش و سکون برای مهاجمین به کشور ما بود. آیا آنچه خداوند تعالی می‌فرماید: و قذف فی قلوبهم الرعب فریقا تقتلون و تأسرون فریقاً[۱]، مصداق ظاهرش در فتح مبین متحقق نیست ؟ آیا آیه هُوَ ٱلَّذِي أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ ٱلْمُؤْمِنِينَ[۲] مصداق ظاهرش رزمندگان این جبهه نیست ؟ مگر آنچه در صدر اسلام واقع شد و موجب فتح لشکر اسلام گردید جز اینها بود؟ آیا در ظرف یک هفته آنچه تاکنون شمارش شده است بیش از پانزده هزار اسیر و هزاران مقتول و هزاران مجروح و آنهمه غنایم جنگی امری عادی است ؟ آیا فوج فوج تسلیم در مقابل عده ای غیر معادل با خصم امری عادی و طبیعی است ؟

بارالها! جوانان رزمندهٔ ایران فتح را از تو می‌دانند و به قدرت خویش مغرور نیستند. و اگر غرور و سرافرازی هست برای آن است که مورد عنایت و حمایت ذات مقدس تو هستند. تو، طمأنینه و سکینه[۳] را در دل آنان نازل فرمودی و رعب و وحشت را در قلوب دشمنان آنان که دشمنان اسلامند انداختی.

خداوندا! هر چه هست از توست، و امید آن داریم که این عنایت و حمایت را ادامه دهی تا پیروزی نهایی، و پس از آن نیز تا آنگاه که دشمنان تو و اسلام در نبرد با جنودالله و حزب الله هستند و تا استقرار حکومت الله.

اینک بعضی تذکرات که ملت و دولت و ارتش و سپاه و بسیج و دیگر قوای مسلح به آنها توجه دارند عرض می‌کنم:

۱ ـ همه باید بدانیم که تمام امور و از آن جمله فتح و نصر به دست خداوند

---

۱. سوره احزاب، آیه ۲٦.

۲. بخشی از آیه ٤ سوره فتح: «و اوست که در دلهای مؤمنین، آرامش فرستاد».

۳. آرامش، اطمینان.

متعال است. و ما النصر إلا من عندالله العزیز الحکیم.[1] باید توجه داشته باشیم که در این فتح مبین و سایر فتوحات، غرور به قدرت خویش پیدا نکنیم و شیطان نفس بر ما غلبه نکند، که غرور موجب سردی و سستی می‌شود. و در جنگ لازم است قوای مسلح تا آخرین نقطه و تا پیروزی نهایی دارای آمادگی لازم بوده و از نیرنگ و خطر دشمن در هیچ حال غافل نباشند؛ بویژه دشمنی که تمام قدرتهای شیطانی برای حفظ او کوشش دارند و خود، خوب می‌داند که شکست برای او نابودی است. رزمندگان معظم در مرزها، سنگرها و پایگاهها خود را محکم کنند و لحظه ای از هجوم دشمن غفلت نورزند که لحظات پیروزی بسیار حساس است. با یاد خداوند منّان و دلبستگی به نصرت او آماده و مجهز باشید و دشمن را حقیر و بیچاره نشمرید. خدایتان نصرت نهایی را عنایت فرماید.

۲ - از اینکه بوقهای تبلیغاتی دروغ پرداز و شایعه ساز که در خدمت ابرجنایتکارانند از پیروزیهای رزمندگان شجاع ما نامی نمی‌برند و در سکوت مرگبار فرو رفته اند، و گاهی از پیشرویهای صدامیان شکست خورده و ناتوان در شوش و دزفول سخن می‌گویند، ناراحت نباشید. بحمدالله تعالی نخواهند توانست بر این پیروزیها که چون خورشید عالمتاب می‌درخشد سرپوش نهند؛ چنانچه اخیراً که رسوایی سکوت به حد اعلی رسید مجبور شدند خبرها را با حالتی متزلزل بیان کنند. شما رزمندگان عزیز و شجاع که با ذکر خداوند متعال و ندای الله اکبر به پیش می‌روید و به دشمن می‌تازید از بوقهای قدرتهای سیلی خورده چشمداشت انعکاس صحیح پیروزیهای خدا داده را ندارید و نباید داشته باشید. شما چون ماه نورافشانی کنید و آنان بوق مخالف بزنند. شما برای عقیده، جهاد و دفاع می‌کنید و از خداوند چشمداشت رحمت دارید، و بگذارید تا تبلیغات استعماری از آنان از خدا بیخبر که

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۲۶.

برای دنیا و شیطان به جنگ با اسلام برخاسته اند پشتیبانی نمایند. پیروز باشید و سرافراز و به خدای قادر اعتماد کنید و به پیش بروید. والعاقبة للمتّقین.(۱)

۳ـ هر چند جنگ و دفاع از حق و میهن، زحمتها و خسارتها دارد و جوانان پرارزش را از ما گرفت و جنگزدگان مظلومی را آواره و بی خانمان کرد. لکن به خواست خدای منّان محتوای پرعظمت و شکوهمندی داشت. این جنگ تحمیلی، شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود، و ایران بزرگ که می‌رفت با خیانتهای خاندان پهلوی و بستگان آنان یک کشور وابسته و مصرفی و یک ملت مرده و سر به زیر برای ضربه خوردن و ستم پذیرفتن معرفی شود، ناگهان با یک جهش بی‌سابقه و یک انقلاب الهی در جنگ غافلگیرانه با توطئهٔ جهانخواران ستم‌پیشه و مزدوران بی‌فرهنگ و پشتیبانی آشکار و نهان ابرقدرتها آنچنان پیروزمندانه و شجاعانه بر پیکر پلید صدامیان و امریکائیان منطقه تاخت، و آنچنان اسطوره‌های شیطانی را یکی پس از دیگری در هم شکست که گویی دست مبارک علی بن ابیطالب ـ سلام الله علیه ـ در روز خندق از آستین پرعظمت لشکریان ما بیرون آمده است و در مبارزهٔ تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر ظفرمندانه و سرافراز با قامتی به بلندی ابدیت استوار ایستاده است. امروز ایران در جهان پیش دوست و دشمن به نام یک کشور مکتبی مقاوم در مقابل قدرتهای بزرگ مطرح است؛ حتی آنان که از روی جهل و نادانی و یا حسد و عقده‌های درونی با این جمهوری و این جوانان پرتوان به دشمنی برخاسته‌اند در باطن و سیر ذاتشان با اعجاب و بزرگی به آن می‌نگرند و از پیروزیهای آن خون دل می‌خورند.

۴ـ گرچه می‌دانم مکتبی بودن و تعهد به اسلام راستین اقتضا می‌کند تا رزمندگان اسلام با اسرای جنگی و پناهندگان با عطوفت و فتوت، به گونه‌ای اسلامی

---

۱. بخشی از آیه ۸۳ سوره قصص: «فرجام نیک از آن پرهیزکاران است».

رفتار کنند که بحمدالله می‌کنند، هر چند صدام و صدامیان برخلاف اینان رفتارشان غیرانسانی و سبعانه باشد، لکن تذکر و تأکید سودمند است . باید جوانان ما و کسانی که عهده دار نگهداری اسیران و پناهندگان هستند طعم شیرین رحمت و بزرگواری اسلام را به آنان بچشانند و با آنان آنگونه رفتار کنند که مولای آنها و پیشوای عظیم‌الشأن‌شان با بدترین خلق خدا و جنایتکارترین انسانها ابن ملجم[1] ـ لعنة الله علیه ـ رفتار فرمود، تا اسیران که ضربهٔ روحی خورده اند احساس آرامش و جبران در حکومت اسلامی نمایند، و پس از آزادی در سلک مبلغین اسلام و احیاناً فداکاران آن درآیند که این خود خدمت پرارزشی به اسلام و جمهوری اسلامی است . و چه بساکه این اسیران و پناهندگان با اجبار و تهدید به مرگ خود و خانواده‌هایشان به جبهه‌ها فرستاده شده باشند، چنانچه بعضی از آنها این ادعا را دارند. و گمان نکنید آن خوی جنایتکاری و سبعیتی که در امثال صدام است ، در اینان باشد. و چه نیکوست که جوانان عزیز و نگهبانان این بازیخوردگان از یک موجود صدامی یا در خدمت جنایت ، یک انسان اسلامی و در خدمت مکتب مقدس قرآن بسازند، و بدانند که مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعاً[2] و هدایت از بزرگترین مظاهر احیا است.

۵ ـ امروز دنیا، حتی کوردلان هم ، می‌دانند که ایران از موضع قدرت که موهبت الهی است صحبت می‌کند. امروز ایران به آن حرفی که از روز اول گفته است پایبند است. ما با هیچ کشوری، چه اسلامی و چه غیر اسلامی سرجنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم، و تاکنون نیز به دفاع که برای هرکس فریضه ای است الهی و حقی است انسانی، برخاسته‌ایم؛ و هرگز قصد تجاوز به کشورهای دیگر را نداریم. و می خواهیم کشورهای اسلامی‌در کنار هم با تعهد اسلامی به دفاع از حقوق

---

۱ . ابن ملجم مرادی ، مردی از خوارج که حضرت علی (ع) را در محراب عبادت و در مسجد کوفه به شهادت رسانید.

۲ . برگرفته از آیه ۳۲ سوره مائده : «آن کس که یک نفر را زنده کند، گویی که جامعه ای را زنده کرده است».

مسلمین و کشورهای اسلامی در مقابل متجاوزان و متجاسران مانند اسرائیل تجاوزگر بایستند. و اگر این آرزوی دیرینهٔ ملت و دولت ایران جامهٔ عمل بپوشد هیچ قدرتی هر چند هم بزرگ نمی‌تواند به کشورهای اسلامی یا یکی از آنها تجاوز کند یا اعمال قدرت و زور نماید. و ما صلاح تمام کشورها بویژه کشورهای مجاور و منطقه را در آن می‌دانیم که برای ارضای شهوت بلندپروازی و ماجراجویی صدام و منفعت‌طلبی و سلطه‌جویی قدرتهایی که او را به دام و مهلکه انداخته اند خود را به تباهی و هلاکت دنیوی و عذاب الیم اُخروی مبتلا نکنند، و با کشوری که با همهٔ مسلمانان جهان می‌خواهد دست برادری دهد و اُخوتی که خداوند عطا فرموده است به رسمیت بشناسد و جامهٔ عمل پوشد به طور مسالمت آمیز رفتار نمایند، و از حرکت جنون آمیز صدام عفلقی و عاقبت امر آن عبرت بگیرند و بدانند که اگر خدای نخواسته قدرت به دست صدام جاه‌طلب بیفتد، با آنان کمتر از اسرائیل عمل نخواهد کرد و آن روز پشیمان خواهند شد که گرفتار اسرائیل دوم یا بدتر از او شوند. پس سزاوار است که این نصیحت اسلامی را بپذیرند و با آتش، بازی نکنند. و سزاوارتر آنکه با ملت بپاخاستهٔ مظلوم در اراضی اشغالی فلسطین هم صدا شده و از تظاهرات و قیام آنان در مقابل ستمهای اسرائیل پشتیبانی عملی کنند تا همان گونه که ایران با تظاهرات و انقلاب اسلامی رژیم ستمشاهی را ساقط نمود آنان نیز بر این دیو آدمخوار و غاصب ملحد غلبه کنند. و امید است که مظلومان مراکز اشغالی به تظاهرات و اعمال ضد صهیونیستی خویش ادامه دهند تا پیروزی را به دست آورند. از خداوند متعال، تعالی اسلام و هواداران آن را خواستار و سرنگونی پرچمهای شیطانی را امیدوارم.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ١٥٤ تا ١٥٩.

▣ پیام

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۶۲/ ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: شش تذکر به ملت، دولت، مجلس و قوه قضاییه
مناسبت: ۱۲ فروردین، سالروز استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿وَلتَكُن مِنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلى ٱلْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ﴾(۱)

آغاز پنجمین سال رسمیت جمهوری اسلامی را به ملت شریف ایران و ملتهای مظلوم تحت فشار ستمگران بومی و اجنبی تبریک می‌گویم، و نجات ملتهای دربند را از خداوند قادر متعال خواستارم. تبریک برای آنکه سالهایی که پشت سر گذاشتیم، خصوصاً سال قبل، شاهد پیروزیهای عظیم سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده ایم، و بحمدالله تعالی ملت و مجلس و دولت و قوهٔ قضاییه و قشرهای متعهد روحانی و دانشگاهی با سرافرازی و روسفیدی در نزد خداوند متعال و جهانیان با قامتی افراشته از بوتهٔ امتحان پیروزمندانه خارج، و امید جهانیان تحت ستم را به اسلام و قدرت معنوی و ظاهری آن در هر قدم بیش از پیش جلب نموده اند، و با همهٔ نشیب و فرازها و رجزخوانیهای جهانخواران و ریزه خواران پیوسته به آنان، بر جهانیان ثابت نمودند که ﴿وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ﴾(۲) و ﴿إِن تَنصُرُوا ٱللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾(۳).

---

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴: «و باید از شما گروهی باشد که دعوت کنند به نیکی و امر به خوبی و نهی از بدی کنند، و آنان از رستگارانند».

۲. بخشی از آیه ۱۲۶ سوره آل عمران: «فتح و پیروزی نیست مگر از جانب خداوند».

۳. بخشی از آیه ۷ سوره محمد «ص»: «اگر خدا را یاری کنید، او شما را یاری رسانده و قدمهایتان را استوار می‌گرداند».

خداوند تعالی عنایات خاصهٔ غیبیهٔ خود را بر این ملت ستمدیده ارزانی فرمود که در آغاز پنجمین سال، کشوری در تمام ابعاد آزاد و مستقل به طور معجزه آسا و پیروزمندانه به حیات انسانی اسلامی خود امید زایدالوصف بسته است، و از هیچ قدرتی هراس به خود راه نمی‌دهد، و دشمنهای نظامی و سیاسی خود را به زانو درآورده است، و به طور حیرت انگیز با همهٔ فشارهای گوناگون ابرقدرتها و وابستگان آنان و کمکهای نظامی و تسلیحاتی و تبلیغاتی و مالی فراوان به دشمن اسلام و ایران، تاکنون نظام جمهوری اسلامی به عنایت پروردگار از هیچ دولت و ملتی تقاضای کمک نکرده است، و با پشتیبانی ملت و همت جوانان عزیز تمام چرخهای اقتصادی و نظامی به طور شایسته در مسیر اسلام در حرکت است. و اگر ان‌شاءالله تعالی ملت و دست‌اندرکاران نظام اسلامی به همین منوال، یعنی متعهد به اسلام و احکام مقدس آن باشند، هر سال از سال دیگر در تمام ابعاد و مراحل قویتر و سرافرازتر خواهند بود. و اینک لازم است چند تذکر، گرچه تکراری است و ملت و دولت بحمدالله تعالی متوجه هستند، بدهم:

۱ـ همه می‌دانید و باید بدانیم مادامی که ملت، پشتیبان مجلس و دولت و قوای مسلح هستند و دولت و مجلس و قوای مسلح در خدمت ملت بویژه قشرهای محروم می‌باشند، و جلب رضای خداوند را در این خدمت متقابل، می‌نمایند، هیچ قدرتی توانایی آسیب رساندن به این نظام مقدس را ندارد، و اگر خدای نخواسته یکی از این دو یا هر دو از خدمت متقابل دست بردارند شکست جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ، اگرچه در درازمدت، حتمی است. بنابراین، ترک این خدمت متقابل که به شکست اسلام و جمهوری اسلامی منتهی می‌شود از بزرگترین گناهان کبیره است که باید از آن اجتناب شود، چنانچه این خدمت از واجبات بزرگ است که باید به آن قیام نمایند. برادران عزیز و خواهران محترم، در این هنگام که ابرقدرتها و قدرتها از هر طرف برای نابودی جمهوری اسلامی و اسلام عزیز بر ما یورش کرده‌اند، با غفلت از

وظیفه و سهل انگاری، دین و دنیای این ملت مظلوم در خطر است. برای حفظ نوامیس و شرف خود صبر را پیشه کنید، و به خاطر بعض کمبودها و گرانی اجناس سستی به خود راه ندهید. گرانفروشان و محتکران بی انصاف گمان نکنند که این ظلم در حال حاضر چون سایر احوال است، امروز این نحو جنایات که ممکن است به شکست جمهوری اسلامی منتهی شود، کوشش در تضعیف اسلام است. اینجانب خوف آن دارم که خداوند قهار بر شما غضب فرماید و خدای نخواسته تر و خشک با هم بسوزند و راه گریزی در کار نباشد، «اعوذ بالله من غضب الحلیم»[1] بهتر است بازاریان محترم که استوانه فعال جمهوری اسلامی می‌باشند توطئه این بی انصافها را که لکهٔ ننگی بر دامان آنان هستند، با تدبیرات عاقلانه خنثی نمایند.

۲ ـ اینجانب در آغاز سال جدید و سالروز رسمیت جمهوری اسلامی انتظار دارم که تمام نهادهای این جمهوری از مجلس و ارگانهای دولتی و جهاد سازندگی و شورای نگهبان و شورایعالی قضایی و قضات محترم سراسر کشور و دادستانیهای سطح کشور و قوای مسلح از ارتش و سپاه و بسیج و ژاندارمری و کمیته و شهربانی و نیروهای مردمی و عشایری ایّدهم الله تعالی همه و همه کوشش کنند در پیاده کردن احکام اسلام؛ در افزایش تعهد به ابعاد مختلف این مکتب انسان ساز؛ در مجاهده در راه حق و ساختن خویش؛ در اصلاح درون و برون که خود با اصلاح آنان کشور رو به صلاح می‌رود. در رژیمهای گذشته آنچه موجب فساد ملت بویژه قشر جوان شد فساد دستگاه حاکمه بود که چون سرطان به جان ملت افتاده بود و جوانان را به فساد سوق می‌داد. و از همهٔ کوششها لازمتر، کوشش دو قشر روحانی و دانشگاهی در راه تهذیب و تربیت خود و جوانان عزیز همدوش با تعلیم تا حد تخصص است، چرا که

۱. پناه می‌برم به خدا از خشم شکیبایش.

با فساد آنان عالَم فاسد می‌شود[۱] و با صلاح آنان صالح. علمای اعلام و مدرسین عظام حوزه‌های علمیه بلاد و اساتید محترم و متعهد دانشگاهها در نزدیک کردن هر چه بیشتر حوزه‌ها و دانشگاهها کوشش نمایند. اساتید محترم و متفکران متعهد دانشگاهها و سایر مراکز تحصیلی که فساد رژیم سابق را لمس کردند و بدبختیهایی که از آن دستگاه فاسد نصیب ملت و کشورشان شد دریافتند، برای رضای خداوند تعالی و برای حفظ استقلال و آزادی کشورشان در تربیت انسانی نونهالان همراه با تعلیم آنان کوشش کنند؛ که علم و تخصص بدون تهذیب و تربیت، بلایی است که امروز بشر مبتلای به آن است و می‌رود تا عالم را به آتش کشد. و مسابقه و رقابت دو ابرقدرت در مجهز شدن به سلاحهای مدرن اتمی و هسته ای که از مبادی شیطانی و نفسانی سرچشمه می‌گیرد، چه مصیبتهایی برای بشریت دارد؛ مگر آنکه دستی از غیب بیرون آید و بشریت را نجات دهد.

۳ـ لازم است در این زمان که کشور اسلامی ما مبتلا به جنگ تحمیلی است به قوای مسلح و رزمندگان عزیز، این مدافعان اسلام بزرگ و کشور عزیز، و سایر متصدیان امور نظامی و انتظامی و امنیتی تذکر دهم که همان طور که تاکنون مشاهده و لمس کرده اید با وحدت و انسجام شماست که پیروزی در مرزها و در داخل کشور نصیب شما و ملت بزرگ ایران شده است، کوچکترین غفلت از این امر و بالاتر از آن، خدای نخواسته غفلت از یاد خداوند تعالی موجب سستی و تزلزل خواهد شد و زحمات چندین ساله تان و خون شهیدان عزیزمان به باد فنا خواهد رفت. توجه به معنویت و تکلیف الهی و یاد خداوند باعث می‌شود که این وحدت محفوظ و این

---

۱. «اذا فسد العالم فسدا لعالم». هنگامی که عالمی فساد کند، جهان را فاسد می‌کند. حضرت علی «ع» می‌فرماید: «زلة العالم تفسدالعوالم» لغزش عالم، جهانها را فاسد می‌کند. «غررالحکم، آمدی، ماده زلة». از پیغمبر اکرم «ص» پرسیده می‌شود: بدترین مردم چه کسی است ؟ می‌فرماید: «العلماء اذافسدوا» علما، زمانی که فاسد می‌شوند. «بحارالانوار، مجلسی، ج ٧٤، ص ١٣٨».

برادری برقرار ماند. خوف آن است که اسلحه در دست شما جوانان عزیز موجب غرور و سرکشی شود و آن تحول روحانی عظیم که در شما پیدا شده است از دستتان برود، و شیطان نفس اماره شما را به دام کشد و با سوء رفتار با برادران خود صدق و صفا رخت بربندد و به جای آن کدورت و جفا جایگزین شود، و آن روز فاجعه ای است برای اسلام و مصیبت دردناکی است برای شما و یارانتان. پس این اخوت و صفا را هر چه بیشتر حفظ نمایید تا همان طور که تاکنون از پشتیبانی بی‌دریغ ملت برخوردار بودید از این پس هم برخوردار باشید. خداوند پشت و پناهتان باد.

۴ـ قوهٔ قضاییه و هیأت پیگیری و دیگر هیأتهای مربوط و منشعب از آنها در این سال جدید بر کوشش خود در اسلامی نمودن همهٔ نهادها بیفزایند، و با قدرت تمام به کج رفتاران و منحرفان مهلت ندهند که با اعمال غیرانسانی اسلامی خود عمداً یا از روی نادانی و بی بند و باری چهرهٔ مقدس جمهوری اسلامی را بر خلاف آنچه هست نمایش دهند. باید عدالت اسلامی در حق آنان بدون غمض عین اجرا شود. و لازم به تذکر است که در حق مجرمان و منحرفان از خدا بیخبر هم نباید از معیارهای اسلامی و حدود و تعزیرات مقرره تجاوز گردد که آن خود نیز از نظر عدالت اسلامی جرمی است که موجب کیفر است. از خداوند متعال توفیق و تأیید آنان را می‌خواهم که طوری با قاطعیت و سرعت عمل نمایند که جمهوری اسلامی بتواند ادعا کند که در کشور ما عدالت اسلامی را به طور کامل اجرا نموده است. و از امور لازم رسیدگی به حال زندانیان و پرونده‌های آنان است که برای تسریع در این امر لازم است هیأتهایی برای رسیدگی به وضع آنان تعیین گردد تا هر چه زودتر گزارش کامل زندانها و زندانیان را برای مسئولین امور قضایی تهیه نمایند.

۵ـ امید است دختران و پسرانی که گول منحرفان بی دین و بی وطن را خورده و زندگانی خود را تباه نموده و می‌نمایند از اعمال خلاف انسانی و ملی و اسلامی گروهکها عبرت گرفته و به خود آیند. و توجه کنند که سران پر مدعای این گروهکها

در خارج ایران خصوصاً فرانسهٔ مجهز کنندهٔ صدام عفلقی به سلاحهای مخرب که در قتل و جرح و تخریب ایران و طبقه مظلوم بلاد عرب نشین و غیر آن به کار برده می‌شود، زندگانی مرفهی تشکیل داده و عقد اخوت با حزب کافر بعثی می‌بندند و از قدرتهای ضد اسلام و ایران طرفداری می‌نمایند. کمی فکر کنید که آیا از کسانی که منازل خلق بینوا و مظلوم را بر سرزن و بچهٔ بی پناهشان خراب می‌کنند می‌شود طرفداری کرد؟ آیا از کسانی که دست صدامی را که ایران را به آتش و خون کشیده است می‌فشرند، می‌شود پشتیبانی کرد؟ انسان در حیرت است از انحطاط انسانی و اسلامی و ملی کسانی که برای رسیدن به مقامی موهوم، آنهمه ادعاهای خود را در طرفداری از خلق و دارا بودن مغز متفکر و در روشن بینی و روشنفکری و استقلال خواهی و آزادی طلبی و امثال آن، یکباره زیر پا نهاده و به توهم آنکه حزب بعث، ایران را مغلوب و تحت سلطهٔ خود درمی‌آورد و جان و ناموس ایرانیان را از بین می‌برد، به طمع موهوم «در پناه دشمن ایران به نوایی رسیدن»، به آن پیوسته و پناهنده شود و حیرت انگیزتر آنکه بعضی جوانان که خیانتهای سران گروهکها را دیده‌اند، و نیز به عیان دیده‌اند که در ایران برای آنها جایی و آبرویی نیست، تنها و تنها به لجاجت کودکانهٔ خود ادامه داده و زندگی و جوانی خود را فدای طمعهای پوچ آنان می‌کنند. غافل از آنکه آنان در فرانسه و کشورهای دیگر به عیش و عشرت و عقد و ازدواج مشغولند، و این بازی خورده‌ها خود را برای آنها به دام بلا می‌اندازند. امید است ان‌شاءالله خداوند اینان را بیدار و هوشیار کند و از این دام بلا برهاند. و اینجانب به آن خود فروختگانی که خارج نشسته و به دروغ پردازی و خواب خرگوشی عمر خود را تباه می‌کنند، برای چندمین بار نصیحت می‌کنم که اگر چشم و گوش شما را هواهای نفسانیه نبسته است باید بدانید که با این شایعه سازیها و دروغ پردازیها کاری از پیش نمی برید، و بهتر است بیش از این به‌کار بیهوده‌ای که موجب بیشتر بردن عِرض خود است. عمر خود را صرف نکنید.

۶ـ کلام آخر با دولتهای منطقه است که همچون صدام بدبخت آلت دست امریکا شده‌اند، و برای رضای امریکا و اسرائیل و برای حفظ منافع آنها بویژه امریکا می‌خواهند خود را به خذلان اخروی و هلاکت و ننگ دنیوی دچار کنند. نصیحت می‌کنم که شما در این چهار سال که از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد مشاهده کردید که قدرتهای بزرگ و اکثر دولتهای منطقه در محو آثار نبوت و قرآن کریم کوشش کردند، و با تمام قوای مادی و معنوی از دشمن اسلام حمایت کردند و کردید، ولی جمهوری اسلامی به عنایت خداوند متعال و پشتیبانی ملت عظیم القدر ایران با قدرت و بدون اتکال به غیر خداوند متعال به پیش می‌رود، و همهٔ کوششهای شما و ذخیره‌های ملتهای مظلومتان به باد فنا رفت. از این کار بیهوده و زیانبار دست برداشته و با جمهوری اسلامی که تنها قدرت بزرگ و برومند منطقه است دوستی کنید. و مطمئن باشید که امریکا در شدتها و گرفتاریها به شما کمک مؤثر نخواهد کرد، و شما را ـ چنانچه از تحلیل دولت امریکا معلوم است ـ برای منافع خود می‌خواهد. و از اسرائیل این دشمن اسلام و عرب جانبداری نکنید که این افعی افسرده اگر دستش برسد به صغیر و کبیر شما رحم نمی‌کند. مکرراً دولتمردان ایران در هر فرصتی اعلام نموده‌اند که جمهوری اسلامی مایل است با همهٔ همجواران و دیگران با صلح و صفا زندگی کند، و از دولتهای اسلامی اگر مورد تهاجم واقع شوند پشتیبانی می‌کند، لکن در مقابل کج رفتاریها و ستمگریها و اسلام شکنیها با قامت بلند ایستاده است و از هیچ قدرتی باک ندارد. و چون برای نصرت خداوند بپا خاسته به وعدهٔ او دل بسته است و امید نصرت او را دارد. و او فرموده است: ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم. از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه مسئلت می‌نمایم که یاری خود را از جمهوری اسلامی و ملت مظلوم ایران دریغ نفرماید. و دست ستمکاران را از بلاد مسلمانان قطع فرماید. و به ملت و دولت ایران توفیق نصرت دین او را مرحمت فرماید. و توفیق خدمت به مستضعفان و محرومان را به همهٔ ما عنایت فرماید. و دولتهای اسلامی را از

غفلتها نجات دهد. و وحدت کلمه بین مسلمین ایجاد فرماید. والسلام علی انبیاءالله سیّما خاتمهم صلی الله علیه و آله و سلم ـ و علی اولیاءالله ـ علیهم الصلوة والسلام ـ سیّما خاتمهم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء. و سلام و درود بر ملت بزرگ ایران، و رحمت خداوند بر شهیدان راه حق بویژه شهیدان جمهوری اسلامی. و درود بر بازماندگان آنان و سلام بر آسیب دیدگان جنگ تحمیلی، این عزیزان بزرگوار و شهدای زندهٔ انقلاب. و سلام بر اسرای عزیز ما در چنگال دشمنان اسلام و مفقودین دلاورمان. و درود بر پدران و مادران و همسران همهٔ آنان باد. و درود بر قوای مسلح و رزمندگان سلحشور ـ ایّدهم الله تعالی.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۹۰ تا ۳۹۶.

ب: مقام و منزلت جهاد و شهادت

◘ پیام

زمان: ۳۰شهریور ۹/۱۳۶۷صفر ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد — مخاطب: هنرمندان و خانوادهٔ شهدا

بسم الله الرحمن الرحیم

خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت سرمایهٔ زوال ناپذیر آنگونه هنری است که باید، به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند.

تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل‌دهندهٔ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم - إسلام ائمهٔ هدی - علیهم السلام - اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیتها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبندهٔ سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی‌درد، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» باشد.

هنر در مدرسه عشق نشان دهندهٔ نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و

شرافت و انصاف، و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است.

هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب، و در رأس آنان امریکا و شوروی، را بیاموزد. هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده اند.

و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدسمان اینگونه بودند، تا به ملأ اعلا شتافتند. و برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند؛ و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام مدعیان هنر بی درد را رسوا نمودند.

خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند. ۶۷/۶/۳۰

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۱ تیر ۱۳۶۰/ ۱۹ شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

مناسبت: شهادت آقای مصطفی چمران (نمایندهٔ امام در شورایعالی دفاع)

مخاطب: ملت ایران و لبنان، خانوادهٔ شهید چمران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

شهادت انسان ساز سردار پر افتخار اسلام و مجاهد بیدار و متعهد راه تعالی و پیوستن به ملأ اعلیٰ، دکتر مصطفی چمران را به پیشگاه ولی عصر - ارواحنا فداه تسلیت و تبریک عرض می‌کنم.

تسلیت از آنرو که ملت شهیدپرور ما سربازی را از دست داد که در جبهه‌های

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱٤٥ تا ١٤٦.

نبرد با باطل، چه در لبنان و چه در ایران حماسه می‌آفرید و سرلوحهٔ مرام او اسلام عزیز و پیروزی حق بر باطل بود. او جنگجویی پرهیزکار و معلمی متعهد بود که کشور اسلامی ما به او و امثال او احتیاج مبرم داشت. و تبریک از آنرو که اسلام بزرگ چنین فرزندانی تقدیم ملتها و توده‌های مستضعف می‌کند و سردارانی همچون او در دامن تربیت خود پرورش می‌دهد. مگر چنین نیست که زندگی عقیده و جهاد در راه آن است.

چمران عزیز با عقیدهٔ پاک خالص غیر وابسته به دستجات و گروههای سیاسی و عقیده به هدف بزرگ الهی، جهاد را در راه آن از آغاز زندگی شروع و با آن ختم کرد.[۱] او در حیات با نور معرفت و پیوستگی به خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان خود را نثار کرد. او با سرافرازی زیست و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید.

هنر آن است که بی هیاهوهای سیاسی و خودنماییهای شیطانی برای خدا به جهاد برخیزد و خود را فدای هدف کند نه هویٰ، و این هنر مردان خداست.

او در پیشگاه خدای بزرگ با آبرو رفت. روانش شاد و یادش بخیر. و اما، ما می‌توانیم چنین هنری داشته باشیم ؟ با خداست که دستمان را بگیرد و از ظلمات جهالت و نفسانیت برهاند. من این ضایعه را به ملت شریف ایران و لبنان، بلکه به ملتهای مسلمان و قوای مسلح و رزمندگان در راه حق و به خاندان این مجاهد عزیز تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی رحمت برای او و صبر و اجر برای بازماندگان محترمش خواهانم. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. ایشان در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در جبهه سوسنگرد ـ دهلاویه، در نبرد با قوای متجاوز بعثی به شهادت رسید.

۲. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۸ تا ۴۷۹.

▣ پیام

زمان: بعدازظهر ۱۹ بهمن ۲۱/۱۳۵۸ ربیع الاول ۱۴۰۰
مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: صلح جهانی، نابودی مستکبرین
مناسبت: گردهمایی خانواده شهدای سراسر کشور
مخاطب: خانواده شهدا

بسم الله الرحمن الرحیم

رحمت سرشار خداوند متعال بر شهدای فضیلت؛ شهدایی که با نثار خون خود درخت با برکت اسلام را آبیاری نمودند. درود فراوان بر معلولین و مصدومین در راه انقلاب اسلامی که ایران را در جهان سربلند نمودند.

ما هر روز که می‌گذرد به عمق جنایات شاه مخلوع و پشتیبانان ستمکار او بیشتر پی می‌بریم؛ گر چه معلوم نیست تاریخ هم بتواند تمام این جنایات را ثبت کند. جنایات زورمندان، خارج از فطرت انسانی است. زورمندانی که زندگی ننگین خود و سلطه و ادامهٔ جنایات خویش را در سرکوبی و مرگ دیگران می‌دانند و شهوت ریاست آنان را کور و کر کرده است. عموم مستضعفین باید به هم بپیوندند و ریشهٔ فساد را از کشورهای خود قطع کنند. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند.

هان ای مظلومان جهان! از هر قشر و از هر کشوری هستید به خود آیید و از هیاهو و عربدهٔ امریکا و سایر زورمندان تهی مغز نهراسید، و جهان را بر آنان تنگ کنید و حق خود را با مشت گره کرده از آنان بگیرید. وهان ای مسلمین! از هر تیره و پیرو هر مذهب که هستید دشمنی خانگی را کنار بگذارید و به فرمان قرآن کریم و خدای بزرگ گردن نهید: ﴿وَٱعْتَصِمُوا بِحَبْلِ ٱللّٰهِ جَمِيعاً وَلاَ تَفَرَّقُوا﴾[1] خداوند تعالی عزت را برای خود و رسول عظیم‌الشأن خود و مؤمنین قرار داده است به حکومتهای

---

۱. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «و همگی دست در ریسمان خدا بزنید و پراکنده مشوید».

جابرانه که هستی شما را تحت اختیار دشمنان اسلام قرار داده‌اند بشورید و ممالک خود را از دست این خائنین سیه روی نجات دهید؛ که خداوند با شماست.

من به تمام بازماندگان شهدا در راه اسلام تهنیت و تسلیت عرض می‌کنم، و آرزوی سعادت برای همه می‌نمایم. و از خداوند متعال بهبودی معلولین و مصدومین را خواستار، و سلامت و سعادت همگان را امیدوارم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۲۱ ربیع الاول ۱۴۰۰ / ۱۹ بهمن ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۲۲ مرداد ۱۳۵۹ / ۲ شوال ۱۴۰۰ — مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شهدا — مخاطب: خانواده‌های شهدای کردستان (پاوه)

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر شهدای پاسداران انقلاب اسلامی و تمامی نیروهای مسلح متعهد اسلامی. و سلام بر خانواده‌های عزیز و قهرمانپرور آنان. و درود خداوند بر خانواده‌های شهدایی که با صبر و شکیبایی و مقاومت و با تقدیم عزیزان خود به خدا و اسلام بزرگترین حماسه‌های تاریخ معاصر را ترسیم کرده و می‌کنند. و درود بر تمام پاسداران اسلام که با خون خود و مشتهای مردانه انقلاب اسلامی را به ثمر رساندند. و درود بر تمام قوای مسلح متعهد اسلامی که باگرایش به انقلاب مقدس ایران و پشتوانهٔ ملت عزیز کاخ ستمگری را واژگون کردند. ملت شریف ایران از شما خانواده‌های عزیز شهدای پاسدار قدردانی می‌کند؛ و بالاتر از این تقدیری است که از بارگاه مقدس خداوند متعال نصیب شما و همهٔ شهدای اسلام و وابستگان به آنان خواهد شد. شهدای این انقلاب بزرگ چون شهدای صدر اسلام در پیشگاه مقدس ربوبی ارزشمند و مورد عنایت حق تعالی و اولیای اسلام هستند و خواهند بود.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۴ و ۱۴۵.

اینجانب به عنوان یک خدمتگزار و دعاگوی حقیر، خود و ملت را مرهون این عزیزان می‌دانم، و از خداوند بزرگ طلب رحمت و مغفرت برای همگان می‌نمایم. تاریخ، فداکاری این جوانان غیور متعهد را فراموش نمی‌کند، و نام نامی ملت عظیم ایران و فداکاران در راه اسلام در صفحات تاریخ ثبت و در چهرهٔ دهر ضبط است.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۵مهر ۱۷/۱۳۵۹ذی‌القعده ۱۴۰۰
مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم دیدار از بازماندگان شهیدان
مخاطب: ملت ایران و علمای اعلام

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام سراسر کشور ـ دامت برکاتهم ـ و سایر برادران و خواهران ایمانی میهن عزیز ـ دامت تأییداتهم

پس از اهدای سلام و تحیت خالصانه، در وضع فعلی کشور، که قوای مسلح ایران در مرزها با خلوص نیت و قلب سرشار از محبت به اسلام و کشور اسلامی به جنگ دفاعی با دشمنان اسلام که در رأس آنها امریکاست بپا خاسته اند، و در زمانی که امثال صدام تبهکار به پیروی از شیطان بزرگ به کشور اسلامی ما هجوم آورده است و قوای مسلح ایران با فداکاری بی نظیر از کشور قرآن دفاع می‌نماید، بر همهٔ ملت خصوصاً علمای اعلام لازم است از بازماندگان شهیدان اسلام دیدن نموده، و با عواطف اسلامی خود در خدمت آنان کوشا باشند و از کمکهای معنوی و عواطف روحی دریغ ننمایند.

اینجانب مراتب احترام خود را تقدیم بازماندگان محترم شهیدانی که در راه هدف الهی خود را فدا و دِین خود را در پیشگاه ربوبیت ادا نموده اند، تقدیم می‌نمایم؛ و از خداوند متعال رحمت واسعه برای شهدا و عزت و سلامت برای بازماندگان عزیز

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۰۸.

مسئلت می‌نمایم، و مراتب شکرگزاری خود را تقدیم می‌کنم. امید است ان‌شاءالله تعالی از عواطف گرم ملت و علمای عظیم‌الشأن اسلام بر قلوب سرشار از افتخار و جریحه دار آنان تسکین بخشد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

◘ پیام

زمان: ۲۲بهمن ۱۳۵۹/۵ربیع الثانی ۱۴۰۱ — **مکان:** تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شهدا و خانواده معظم آنان — **مخاطب:** ملت ایران و خانواده شهدا
مناسبت: آغاز سومین سال پیروزی انقلاب اسلامی [۲]

بسم الله الرحمن الرحیم

در آغاز سومین سال پیروزی انقلاب که مرهون فداکاریهای دلاورانهٔ ملت، خصوصاً شهیدان و معلولان انقلاب است، اینجانب رحمت بی‌پایان خداوند متعال را برای شهدای جاوید و صحت و سلامت را برای معلولان و مجروحان عزیز خواستارم و درود پیاپی تقدیم آنان می‌نمایم. این جانبازان حماسه آفرین که پرچم پرافتخار لا اله الا الله را بر فراز این کشور عزیز به اهتزاز درآورده‌اند و با خون و توان خود شرافت انسانی ملت بزرگ را بیمه نمودند و با پشتیبانی توده‌های میلیونی بپا خاسته، ائمهٔ کفر و الحاد را شکست مفتضحانه داده و کشور را از لوث وجود آنان پاک نموده اند، الحق به ملت ما حق بزرگ دارند. رحمت خدا و سپاس بی‌پایان ملت عزیز نثار روح آنان و دیگر فداکاران در راه گسترش عدالت اسلامی انسانی باد.

کشور ما در این دو سال مواجه با مشکلات بسیار بوده که بحمدالله تعالی تمام آن مشکلات را پیروزمندانه و سرفراز پشت سر نهاد، و امید است که با عنایات

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲٤۲.

۲. آقای سید احمد خمینی متن پیام امام را در اجتماع هزاران تن از خانواده‌های شهدای ایران، لبنان، فلسطین، الجزایر، لیبی، سوریه، بحرین، افغانستان و مجاهدین عراق که در مراسم بزرگداشت سالروز ۲۲ بهمن در سالن کشتی مجموعه ورزشی آزادی گرد آمده بودند، قرائت کرد.

خداوند متعال و وحدت کلمه بر دیگر مشکلات که در هر انقلابی احترازناپذیر است غلبه کند و با استقامت و صبر در مقابل ناملایمات ایستادگی نماید. ملت ما و قوای مسلح جمهوری اسلامی در این دو سال امتحان خود را داده‌اند که به هیچ وجه حاضر نیستند آنچه را با چنگ و دندان به دست آورده اند از دست بدهند؛ اگر چه با نثار جان و فرزندان عزیزشان باشد. شما خانواده‌های شهدا و معلولین و مجروحین نشان دادید که هرگز اجازه نمی‌دهید استعمار بر مقدرات این کشور سایه افکند. شما خانواده‌های شهدا با شهادت افتخارآفرینان این مرز و بوم به جهان فهماندید که از همهٔ عزیزان در راه اسلام خواهید گذشت. شما چشم و چراغ این ملتید، خداوند یارتان باد. شما با ایثار فرزندان و جوانان و عزیزان خویش به همه نشان دادید که توطئه‌های داخل و خارج نخواهد توانست بر این ملت مصمم پیروز شود.

مبارزات کشور ما عقیدتی است و جهاد در راه عقیده، شکست ناپذیر است. جهاد در راه عقیده است که سرتاسر کشور را در یک راه تجهیز می‌کند و تمام سختیها و مشکلات را از سر راه برمی‌دارد. پیروز است ملتی که راه خود را که صراط مستقیم انسانیت است یافته و در راه آن به جهاد مقدس برخاسته است.

مسلماً پیروز خواهید بود.هان ای شهیدان، در جوار حق تعالی آسوده خاطر باشید که ملت شما پیروزی شما را از دست نخواهد داد. و ای بازماندگان شهدای به خون خفته، و ای معلولان عزیزی که حیات جاوید را با نثار سلامت خود بیمه کرده‌اید، مطمئن باشید که ملت شما مصمم است پیروزی را تا حکومت الله و تا ظهور بقیةالله ـ روحی فداه ـ نگهبان باشد. جاوید باشید، و پیروز باشد جمهوری اسلامی.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۷۹ و ۸۰.

◘ پیام

زمان: ۱۳۶۰هـ.ش./۱۴۰۱هـ.ق. مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شهدا و خانواده معظم آنان مخاطب: خانواده شهدا و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

گرچه فقدان شهیدان عظیم‌الشأن برای ملت خسارتی عظیم و برای بازماندگان محترمشان مصیبتی جانکاه و به دوش همهٔ ما سنگینی می‌کند، اینان سرمایه‌های بزرگی بودند جبران ناپذیر، و برادران و فرزندانی بودند که همه را به سوگ نشاندند، لکن آنچه مایهٔ تسلیٰ است خدمت ارزندهٔ بزرگی است که اینان با همت عظیم خود به اسلام و کشور کرده‌اند. اسلام از صدر اول تاکنون فداییان بزرگ داشته؛ و رسول معظم صلی الله علیه و آله و ائمهٔ معصومین ـ علیهم السلام ـ چه رنجها که در راه این هدف مقدس کشیدند و چه فداکاریها و جانبازیها که کردند. عزیزان شهید ما نیز قدم به جای پای آنان گذاشتند و برای اسلام و وطن خود سرفرازی ایجاد نمودند.

درود خداوند و سلام انبیا و اولیای عظام ـ علیهم الصلوات و السلام ـ بر جان پاک این جان نثاران، و نثار مادران و پدران و بستگان آنان که با سرفرازی چنین فرزندانی در دامن خود تربیت کردند و آنان را با روی گشاده تقدیم اسلام نمودند. رحمت خداوند تعالی بر شهدای پاکدل و بر بازماندگان صبور و شجاع آنان.

والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ١٤، ص ٤٧٧.

▣ تقریظ

زمان: ۱اردیبهشت ۱۳۶۰/۱۶جمادی‌الثانی ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: مقدمه‌ای برکتاب «پیام خون»[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

آنچه مقابل شماست جملاتی از وصیتهای عده ای از شهدای انقلاب اسلامی است. براستی انسان را به یاد شهدای صدر اسلام می‌اندازد. من شرمم می‌آید که خود را در مقابل این عزیزان سرشار از ایمان و عشق و فداکاری به حساب آورم؛ آنان با عشق به خدای بزرگ به معشوق خویش پیوستند و ما هنوز در خم یک کوچه هم نیستیم. خداوندا، این عزیزان از خود گذشته را در جوار رحمت خود بپذیر، و ما را از قیدها و بندهای خودبینی و خودخواهی نجات مرحمت فرما. «انک ذوالفضل العظیم».

۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ / ۱۶ج۲
روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. از انتشارات بنیاد شهید انقلاب اسلامی، حاوی فرازهایی از وصایای ارزشمند جمعی از شهیدان انقلاب اسلامی.

۲. صحیفه امام، ج ١٤، ص ٣١٠.

◙ پیام

زمان: ۸مهر ۱۳۶۰ / ۱ذی‌الحجه ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
مناسبت: شهادت جمعی از رزمندگان و از جمله فرماندهان نظامی (شهیدان: فلاحی، نامجو، فکوری، کلاهدوز)
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

باکمال تأثر و تأسف خبر دلخراش سانحه هوایی یک فروند هواپیمای نیروی هوایی که حامل شهدا و مجروحین جنگ اخیر بود و منجر به شهادت جمعی از خدمتگزاران به اسلام و ملت شهید پرور ایران گردید، که در بین آنان تیمسار سرلشکر ولی الله فلاحی، تیمسار سرتیپ نامجو، تیمسار سرتیپ فکوری و آقای کلاهدوز بودند واصل گردید.[1] اینان خدمتگزاران رشید و متعهدی بودند که در انقلاب و پس از پیروزی با سرافرازی و شجاعت در راه هدف و در حال خدمت به میهن اسلامی به جوار رحمت حق تعالی شتافتند.

امید است که پس از پیروزی شرافت آفرین برای ملت و پس از زحمات طاقتفرسا در راه هدف و عقیده، روسفید و سرافراز به پیشگاه مقدس ربوبی وارد و مورد رحمت خاصه واقع شوند. شک نیست که همه باید این راه را برویم و به سوی حق و سرنوشت خویش بشتابیم؛ پس چه سعادتی بالاتر از آنکه در حال جهاد با دشمنان اسلام و خدمت به حق و خلق و مجاهدت در راه هدف و شرف این راه طی شود. و چه سعادتمند بودند این شهیدان که دیْن خود را به اسلام و ملت شریف ایران ادا نموده و به جایگاه مجاهدین و شهدای اسلام شتافتند. اکنون بر ملت ایران و

---

۱. ساعت ۱۹ هفتم مهر ماه ۱۳٦۰ یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ متعلق به ارتش جمهوری اسلامی ایران که از مناطق جنگی به تهران عزیمت می‌کرد در حومه جنوبی تهران (کهریزک) به علت نامعلومی دچار سانحه گردید و سقوط کرد. و فرماندهان نظامی آقایان: ولی الله فلاحی، موسی نامجو، جواد فکوری، یوسف کلاهدوز، و محمد جهان آرا به شهادت رسیدند.

خصوص قوای مسلح است که با شجاعت و قدرت و مجاهدت و افزودن پشتکار، یاد آنان را زنده و به جهاد چون آنان ادامه دهند. و در جبهه و پشت جبهه پیروزی آفرینند و به پیش روند، و دل دشمنان کوردل را که با شهادت هر یک از رزمندگان ما وعدهٔ شیطانی به خود می‌دهند لرزنده تر کنند و به آنان بفهمانند کسانی که برای هدف و عقیده جهاد می‌کنند و از میهن عزیز خود دفاع می‌نمایند، از شهادت این عزیزان سستی و هراسی به خود راه نمی‌دهند. جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان شهید جاویدی[1] هستند که تاریخ می‌گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می‌رسیدند، رخسار مبارکش افروخته تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می‌گردید، و یادگار شجاعان صدر اسلام هستند که پرچم از دست هر یک از فرماندهان می‌افتاد دیگری پرچم را می‌گرفت و به رزم در راه هدف ادامه می‌داد. ما گر چه عزیزان ارزشمندی را از دست دادیم، لکن هدف به قوت خود باقی و فرزندان اسلام با ارادهٔ آهنین و تصمیم قاطع از اسلام و میهن عزیز خود دفاع می‌کنند، و هر چه بیشتر برای خود و میهن خود افتخار می‌آفرینند تا کوردلان و منافقان و پناهندگان در دامن غرب بدانند تا ملت ایران و قوای مسلح شجاع زنده است برای غرب و شرق و غربزده و شرقزده در کشور بقیة الله اعظم جایی نیست. اینجانب این ضایعهٔ اسفناک را به ملت ایران و ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح و فرماندهان شریف آنها و به خانوادهٔ محترم شهدا تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. این شهدا و شهدای عزیز ما که در راه هدف و آرمان اسلامی به شهادت رسیدند موجب سرافرازی و افتخار هم میهنان و قوای مسلح و خانواده‌های عزیز خود شدند. از خداوند متعال برای آنان رحمت و برای ملت و بازماندگان شهدای عزیز سعادت و صبر می‌طلبم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. امام حسین «ع».

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۶۳ و ۲۶۴.

▣ پیام

زمان:۲۵آبان ۱۳۶۱/۲۹محرم۱۴۰۳ مکان:تهران،جماران

موضوع:تجلیل از شهیدان و خانواده‌های آنان مخاطب:مردم اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت عموم مردم مسلمان و رشید اصفهان[۱] دامت توفیقاتهم

سَلامٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ[۲]

رحمت خداوند بر همهٔ شهیدان، و رضوان و مغفرت حق بر ارواح مطهرشان که جوار قرب او را برگزیدند و سرفراز و مشتاق به سوی جایگاه مخصوصشان در پیشگاه رب خویش شتافتند. و سلام و درود بر شما پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان شهدا که از بهترین عزیزان خود در راه بهترین هدف که اسلام عزیز است، بزرگوارانه گذشته اید، و در امر دفاع از دین خدا، آنچنان صبر و مقاومت نشان داده‌اید که رشادت و استقامت یاران سید شهیدان حضرت امام حسین علیه‌السلام را در خاطرهٔ جهانیان تجدید کردید. اینجانب با عرض تبریک و تسلیت به مردم قهرمان و شهید پرور استان نیروخیز اصفهان و همهٔ ملت بزرگ ایران که وفاداری خود را به اسلام و خدای متعال به نحو احسن به اثبات رسانده اند، اطمینان دارم که این فداکاریها و جانبازیها در آیندهٔ نزدیک شجرهٔ طیبه اسلام را بیش از پیش بارور می‌نماید، و دشمنان قسم خوردهٔ اسلام را به نابودی و اضمحلال محکوم خواهد ساخت. از خداوند متعال برای شهدای عزیز، رحمت و مغفرت، و برای جانبازان مجروح و معلول، شفای عاجل، و برای خانواده‌های محترم آنان صبر و اجر مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. استان اصفهان در اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ تحمیلی و دفاع از انقلاب، پیشگام؛ و بیشترین شهید را داده است.

۲. سوره رعد، آیه ۲٤: «درود بر شما بر آنچه شکیبا بودید. و چه خوب است فرجام آن سرای».

۳. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۹۵.

▣ پیام

زمان: ۲۰آذر ۲۵/۱۳۶۱صفر ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از مقام شهیدان مخاطب: خانواده‌های شهیدان

بسم الله الرحمن الرحیم

از شهیدان ارجمندی که خداوند تعالی در شأن آنان کلمهٔ بزرگ ﴿أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾[1] را فرموده است، بشری قاصر مثل من چه تواند گفت. آیا بار یافتن نزد خداوند و ضیافت مقام ربوبی از آنان را می‌توان با قلم و بیان و گفت و شنود توضیح داد؟ آیا این همان مقام ﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾[2] نیست که حدیث شریف بر سید شهیدان و سرور مظلومان منطبق نموده است؟ آیا این جنت همان است که مؤمنان در آن راه دارند، یا لطیفهٔ الهی آن است؟ آیا این بار یافتن و ارتزاق نزد رب الارباب همان معنی بشری آن است، یا رمزی الهی و والاتر و فوق برداشت بشر خاکی؟

بارالها، این چه سعادت عظیمی است که نصیب بندگان خاص خود فرمودی که ما از آن محرومیم. اکنون من به مادران و پدران مربی این بندگان خاص خدا و همسران و بازماندگان این عزیزان به جای تسلیت، تبریک عرض می‌کنم. يَا لَيْتَنِي كُنتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً.[3] والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[4]

---

۱. بخشی از آیه ۱۶۹ سوره آل عمران: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون» آنان را که در راه خدا کشته شدند، مردگان مپندارید، بلکه زندگانی هستند که نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

۲. سوره فجر، آیه ۲۹ و ۳۰: «و در زمره بندگان من داخل شو، و به بهشت من درآی».

۳. بخشی از آیه ۷۳ سوره نسا: «کاش با شما بودم تا بهره مند می‌شدم به بهره ای بزرگ».

٤. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۵.

◘ پیام

زمان: ۵دی ۱۳۶۱/ ۱۰ربیع الاول ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: فضیلت جهاد در راه خدا- تجلیل از رزمندگان جبهه های نبرد
مخاطب: فرماندهان نظامی و رزمندگان سپاه، ارتش، بسیج، نیروهای مردمی، عشایر و نیروهای انتظامی

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه[1] «عن امیرالمؤمنین علیه السلام»

این فضیلت بزرگ در بین فضایل بیشماری که برای مجاهدین فی سبیل الله نقل شده بیشتر جلب توجه می‌کند. این واژه‌ها با همان معنای عرفی خود نه اسرار الهی و عرفانی که دست ما از آنها کوتاه است بی شک گفتار و نوشتار بشر عادی از بیان آنها عاجز است. این مدال الهی بر بازوان مجاهدان، چون خورشید در نزد صاحبان اسرار غیبی و ملکوتی می‌درخشد. مگر این جلوهٔ همان خلقت نیست که ابراهیم خلیل الرحمن را مفتخر کرد؟ و بارقه ای از مقام حبیب اللهی نیست که در تارک افضل موجودات می‌درخشد؟ و مگر نازلهٔ مقام ولی اللهی نیست از امیرالمؤمنین تا خاتم الاولیا که به آن اولیاء الله مشرف شده ؟ اگر هست که هست با چه بیان می‌توان حول آن گردید، و با کدام چشم بشری می‌شود این جلوه را دید؟ پس بهتر اینکه من قاصر با تقدیم «السلام علیکم یا خاصة اولیاءالله»[2] دم فرو بندم. و این کرامت بزرگ برای مجاهدان فی سبیل الله است، چه شهید یا پیروز شوند یا نشوند. و برای شهیدان، فضایل زایدالوصف دیگر است و برای پیروزمندان عزیز فضلی جداگانه. پیروزمندانی چون این عزیزان شورانگیز، از فرماندهان عزیز سپاه و ارتش تا سایر

---

۱ . «جهاد، دری از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خویش گشوده است». نهج البلاغه امام علی «ع»، خطبه ۲۷.

۲ . «درود بر شما ای اولیای برگزیده خدا».

مجاهدان، تا سایر مبارزان و مجاهدان میدان دفاع و پیشتازان بسیج و کمیته و ژاندارمری و شهربانی، نیروهای مردمی و عشایری شجاع و دلیر که در شکستن حصر آبادان تا شکستن دژ محکم خرمشهر تا فتح بزرگ محرّم، نقش اساسی داشتند و به صورت حریف ستمگر که تا بن دندان به سلاحهای امریکا و شوروی و دیگر قدرتها و از پشتیبانی مالی و نظامی مرتجعان منطقه مجهز و برخوردار بوده است آنچنان سیلی زدند که داغ رسوایی آن بر جبههٔ صدامیان در تاریخ خواهد ماند. قدرتهای بزرگ و حامیان صدام تاکنون باید فهمیده باشند که قدرت نظامی و سلاحهای مدرن هرگز نمی‌تواند با خشم انقلابی و مقدس ملتها مقابله کند.

اینجانب با عذر تقصیر، به فرماندهان ارتش و سپاه و تمام فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و تمامی همرزمان آنان که با دفاع سلحشورانهٔ خود از اسلام و کشور برای اسلام و مسلمین و هم میهنان عزیز در صحنه خودشان سرافرازی کسب نمودند، تبریک عرض، و برای شهدای بزرگوار و آزادهٔ آنان و میهن اسلامی که به سعادت ابدی رسیدند، رحمت بی انتهای خداوندی، و برای مادران و پدران و همسران و سایر بستگان و بازماندگان آنان آرزوی سعادت ابدی و صبر جمیل و اجر جزیل می‌نمایم. درود بر سپاهیان و ارتشیان ایران اسلامی. سلام بر فرماندهان محترم آنان. درود بر همهٔ مجاهدان و رزمندگان در راه هدف. پیروز باد فرماندهان و رزمندگان ژاندارمری و شهربانی و کمیته و بسیج و نیروهای مردمی و عشایری. بر افراشته باد پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران. و صلوات و سلام بر پشتیبان عظیم‌الشأن مستضعفان جهان، حضرت بقیة الله ـ ارواحنا فداه.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۷۹ تا ۱۸۰.

◙ پیام

زمان: ۲۱ بهمن ۲۶/۱۳۶۱ ربیع الثانی ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: تبیین مقامات معنوی رزمندگان و تجلیل از مقام شهیدان و ایثارگران
مناسبت: سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (دهه فجر)
مخاطب: رزمندگان و خانواده‌های معظم شهدا و ملت ایران (۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

با فرا رسیدن یوم الله، روز بیست و دوم بهمن سالروز شکست باطل و جنود ابلیسی به دست حق طلب جندالله، ماها و نویسندگان و گویندگان و سخنوران اگر بخواهیم ارزش عمل این شهیدان و جانبازان راه خدا را و فداکاری آنان و حجم پیامد این شهادتها و جان نثاریها را بشماریم، شاید ناچار باشیم به عجز خود اعتراف کنیم، تا چه رسد به مراتب معنوی و مسائل انسانی و الهی آن، که بی شک عاجز و وامانده می‌باشیم. آنان که از اینگونه عشق به لقاءالله و شهادت و بارقه‌های باطنی و جلوه‌های روحی که از ثمراتشان اینگونه عشق است، غافل هستند و تا آخر عمر چون منِ قلم شکسته اسیر گره‌های طبیعت و دامهای شیطانی می‌باشند، دستشان از قلهٔ بلند این تحولات معجزه آسای الهی کوتاه است. پس اولیٰ آن است که به بعضی پیامدهای ظاهری مشهود بپردازیم چه که ارزیابی همه جانبهٔ آن نیز میسور نیست. شما اگر به بررسی انقلاب و حالاتی که لازمهٔ انقلاب یک ملت است بپردازید و با تعمق و بیطرفی و بی نظری به آن نظر اندازید، خواهید دید که چه هرج و مرج و گسیختگیهایی در سراسر کشور انقلابی به وجود می‌آید، که رسیدن به حداقل نظم و مهار نمودن آن سالهای طولانی به درازا می‌کشد و لااقل در مدتی طولانی با قحطیها و مرضهای پیگیر و درگیریها در سطح کشور و چپاولها و قتل و غارتها و دزدیها و

---

۱. متن پیام امام خمینی را آقای سید احمد خمینی در اجتماع گروه زیادی از خانواده‌های معظم شهیدان، رزمندگان و مسئولین نظام جمهوری اسلامی، که برای بزرگداشت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در روز پنج شنبه ۲۱ بهمن در «مهدیه تهران» گرد آمده بودند، قرائت نمود.

فسادهای اخلاقی و گرفتاریهای بسیار دیگر دست به گریبان است و این در حالی است که انقلاب متکی به یک یا چند قدرت بزرگ باشد. ولی کشور ایران با بافتی که انقلاب اسلامی داشت که اسلام برنامهٔ همگانی بود و انقلاب مردمی و مستقل بود، قبل از آنکه به پیروزی نهایی برسد با آنکه دولت رژیم سابق برقرار بود، با عده‌ای قلیل از افراد متعهد، شورای انقلاب را تشکیل داد و همچنین دولت موقت انتقالی را و در مدت بسیار کوتاه چندین رفراندم و انتخابات انجام گرفت و نظام جمهوری برقرار شد و از قحطی هیچ خبری نبود. مراکز فساد اخلاق و میخانه‌ها و عشرتکده‌ها و قمارخانه‌ها و امور غیرمشروع به سرعت برق برچیده شده و آنچه که گروهکها، خصوصاً منافقین با چهره‌ای موافق، خود را وارد انقلاب نمودند و به جمع آوری و دزدی اسلحه و مهمات و اموال بیحساب مردم به صورتی ریاکارانه دست زدند و با همان سلاحها خود را مقابل مردم قرار دادند، به وجود آوردند، در مدتی نه چندان زیاد در هم شکسته شد و کارهای باقیماندهٔ آنان همان چیزی است که کشورهای بزرگ و کوچک در حال آرامش دنیا با این نوع درگیریها و انفجارها دست و پنجه نرم می‌کنند و روزی نیست که در کشوری از کشورهای به اصطلاح متمدن اروپا و امریکا و سایر قاره‌ها انفجاری صورت نگیرد و کشور ایران هم در این امور مشابه آنهاست، البته با حجمی بسیار کمتر. این پیروزی معنوی و مادی مرهون اسلامی بودن انقلاب و مردمی بودن و توجه مردم به اسلام و تحول روحی عظیمی است که خداوند در این ملت، معجزه آسا ایجاد فرمود، از آن جمله این جوانان بسیار عزیز در سطح کشورند که ناگهان با یک جهش برق‌آسای معنوی و روحی با دست رحمت حق تعالی از منجلابی که برای آنان با دست پلید استکبار جهانی که از آستین امثال رضاخان و محمدرضاخان و دیگر سرسپردگان غرب یا شرق تهیه دیده بودند، نجات یافته و یکشبه ره صدساله را پیمودند و آنچه عارفان و شاعران عارف پیشه در سالیان دراز آرزوی آن را می‌کردند، اینان ناگهان به دست آوردند و عشق به لقاءالله را از حد شعار

به عمل رسانده و آرزوی شهادت را باکردار در جبهه‌های دفاع از اسلام عزیز به ثبت رساندند و این تحول عظیم معنوی با این سرعت بی‌سابقه را جز به عنایت پروردگار مهربان و عاشق پرور نتوان توجیه کرد.

اینجانب هنگامی که این جوانان عزیز در عنفوان شباب را، که باگریه از منِ عقب مانده تقاضای دعا برای شهادت می‌کنند، مشاهده می‌کنم از خود مأیوس و از آنان شرمنده می‌شوم و هنگامی که عکسهای متعدد این شهیدان نورس نورانی را می‌نگرم و ارزشهای انسانی و مقامات الهی آنان، که خود از آنها به مرحله‌هایی دور هستم غبطه می‌خورم و چون به مادران و پدران این جوانان و نوجوانان شهید برخورد می‌کنم و آن شجاعتها و شهامتهای فوق تصور را از آنان مشاهده می‌کنم احساس حقارت نموده، به پیشگاه پیامبر بزرگ اسلام ـ صلی الله علیه و آله ـ و حضرت بقیة الله ـ روحی لمقدمه الفداء ـ به خاطر چنین امتی و پیروانی متعهد و مجاهد تبریک عرض می‌کنم و از خداوند تعالی ولی نعمت و حافظ امت سپاسگزارم. امروز، اسلام بزرگ، نتیجهٔ آن ایثارها و شهادتها را می‌بیند که دنیا در مقابل آن با همه تبلیغات گمراه کننده و کارشکنیهای بی‌حد و حصرش، ناچار است سر تعظیم فرود آورد و این نسیمی است که از معنویات اسلام در این کشور مظلوم در طول ستمشاهی وزیدن گرفته است و امید از الطاف خداوند منان است که این نسیم الهی را افزایش دهد و آن را به همهٔ کشورهای ستمدیده و دربند مرحمت فرماید. شاید که دولتهای خواب کشورهای اسلامی به خود آیند و به تکلیف الهی و وجدانی و انسانی خود آگاه شوند و بیش از این لجاجت نکنند و توبه کنند که بازگشت از خیانت به اسلام و کشورهای اسلامی و از جنگ باکشوری که هر چه داشته است در راه مقاصد الهی و اسلامی فدا کرده و می‌کند، دیر می‌شود و امروز اشتباهات خود را جبران کنند که فردا دیر است. اینان با چشم و گوش باز از اول هجوم صدام امریکایی به کشور اسلامی

تاکنون شکستهای ذلت بار او را دیده و هنوز در عِمیٰ[1] بسر می‌برند. حیرتم از چشم بندی خدا، همه می‌دانیم که شیوهٔ رسانه‌های گروهی وابسته به دولتهای جهانخواران است که عکس آنچه در ایران می‌گذرد را در جهان منتشر کنند و آنچه ناشایسته است به این کشور انقلابی که می‌خواهد آزاد و مستقل باشد، آن هم به صورتی بزرگ نسبت می‌دهند.

دنیا امروز گرفتار جهانخواران و غارتگرانی است که کشورها را به آتش می‌کشند و غارت می‌کنند و نیز گرفتار وابستگان آنان است که منافع ملتها و کشورهای خود را فدای منافع ابرقدرتها می‌کنند و همچنین گرفتار سازمانهای دست نشاندهٔ قدرتهای بزرگ بویژه امریکاست که با اسم بی محتوای شورای امنیت و عفو بین‌المللی و حقوق بشر و از این قبیل مفاهیم بی محتوا که به قدرتهای بزرگ خدمت می‌کنند و در حقیقت مجری احکام و مقاصد آنان و مأمور محکوم نمودن مستضعفان و مظلومان جهان به نفع قدرتهای بزرگ جهانخوار هستند.

همه می‌دانیم و می‌دانید که صدام قریب سه سال است با هجوم وحشیانهٔ خود به قتل و غارت و تخریب کشور ایران پرداخته است و از اول تاکنون قسمتی از کشور ما را در دست داشته و دارد و به خیانت خود نسبت به مردم بیگناه مشغول است و این سازمانها برای یک بار هم او را محکوم نکردند. صدام زمانی به دروغ پیشنهاد صلح می‌کرد که ایران زیر تاخت و تاز صدامیان خونخوار بسر می‌برد، او با این مقصد شیطانی تصمیم داشت هر چه زودتر خوزستان را تصرف نموده و با در دست داشتن منابع بزرگ نفتی و حمایت قدرتهای جهانخوار، منطقه را به آتش و خون بکشد، چرا که دیو سرکش نفس حیوانی او حد و مرزی نمی‌شناسد و تا منطقه از لوث وجود او پاک نشود روی امنیت نخواهد دید. همه می‌دانیم که هر روز دست صدام به خون

---

۱. کوری.

صدها نفر مردم مظلوم ما آغشته است ولی رسانه‌های گروهی و سازمانهای وابسته به قدرتها، بویژه امریکا چقدر از صلح دوستی صدام پشتیبانی و ثناخوانی نموده و می‌نماید، در صورتی که صلح خواهی صدام و کوشش امریکا در ایجاد امنیت در دنیا و نیز دیگر قدرتمندان چپاولگر و به اصطلاح طرفداران حقوق بشر همه از یک قماش هستند و تا دنیا به این آرامش طلبان و صلح دوستان و طرفداران حقوق بشر مبتلا است روی امنیت و صلح و آرامش نخواهد دید، و آنچه آرزوی بشر است تحقق نخواهد یافت، بلکه تنها بشر به برکت مکتبهای توحیدی و مؤمنان واقعی آنهاست که به آزادی و سعادت خواهد رسید نه مثل دولتهای مسیحی و یهودی و دولتهای به اصطلاح اسلامی. آنان که وابسته و پیوسته به قدرتهای شیطانی هستند که ضرر این وابستگان و پیوستگان از ضرر ابرقدرتها برای ملتهای در بند نه تنها کمتر نیست که بیشتر است. دوستان حقیقت و دلسوزان بشریت باید برای این بلای خانمانسوز فکری کنند. از خداوند تعالی خواهانم که جهانیان را از شرّ این ستمگران نجات دهد و صلح و صفا و آرامش بیشتری عنایت فرماید و کشور ما را به آرزوی خود که ظهور حضرت مهدی ـ ارواحنا فداه ـ مستقر کنندهٔ عدل و انصاف و آرامش دهندهٔ جهان است، برساند و شهدای ما را به رحمتهایی که برای خاصان درگاهش اختصاص داده است مفتخر فرماید و مجروحان و آسیب دیدگان عزیز ما را شفای عاجل عنایت فرماید و اسرا و گمشدگان عزیز ما را هر چه زودتر از شرّ صدامیان نجات داده و به میهن اسلامی خودشان برگرداند و به بازماندگان شهدا مخصوصاً پدران و مادران و همسران و همهٔ نزدیکان آنان اجر و صبر مرحمت فرماید و رزمندگان سلحشور ما را پیروز فرماید. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۰۳ تا ۳۰۷.

▣ پیام

زمان: ۶شهریور ۱۳۶۲/۱۹ذی‌القعده ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از مقام و منزلت شهیدان مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

شهادت در راه خداوند چیزی نیست که بتوان آن را با سنجشهای بشری و انگیزه‌های عادی ارزیابی کرد. و شهید در راه حق و هدف الهی را نتوان با دیدگاه امکانی به مقام والای آن پی برد؛ که ارزش عظیم آن معیاری الهی و مقام والای این دیدی ربوبی لازم دارد؛ و نه تنها دست ما خاک نشینان از آن و این کوتاه است، که افلاکیان نیز از راه یافتن به کنه آن عاجزند؛ چه که آنها از مختصات انسان کامل است، و ملکوتیان با آن مقام اسرارآمیز فاصله‌ها دارند. قلم اینجا رسید و سر بشکست. و ما بازماندگان و عقب‌افتادگان در آرزوی آن و این باید روز شماری کنیم، و حسرت شهادت و شهید و شهید پروران اینچنانی را، که با ایثار ثمرۀ حیات خود عاشقانه به این شهیدان شاهد افتخار می‌کنند، به گور بریم؛ و از شجاعتهای بی نظیر شهیدان و دوستان اسیر و مفقودشان و آسیب دیدگان و اشتیاق زایدالوصف اینان برای بازگشت به میدان شهادت احساس خجلت و حقارت کنیم. زنان و مردان و کودکان نمونه‌ای که در زیر بمبارانها و از بستر بیمارستانها سرود شهادت سر می‌دهند و با دست و پای قطع شده بازگشت به جبهه‌های انسان ساز را آرزو می‌کنند، فوق آنچه ما تصور می‌کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر در می‌آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می‌کنند، می‌باشند.

آنچه آنان با قدمهای علمی و استدلالی و عرفانی یافته اند، اینان با قدم عینی به آن رسیده اند و آنچه آنان در لابلای کتابها و صحیفه‌ها جستجو کرده‌اند اینان در میدان خون و شهادت در راه حق یافته اند.

بار الها، ما را به خدمتگزاری در راه آنان و برای هدف بزرگشان توفیق ده؛ و شهدای عزیزمان را در خوان ضیافت معنوی خود از جلوه‌های خاص خویش ارزانی

بخش ؛ و خاندان بزرگوار آنان را با صبر و اجر قرین فرما؛ آسیب دیدگان عزیز ما را شفا مرحمت نما؛ و اسیران و مفقودان معظم را هر چه زودتر به آغوش ملت عظیم‌الشأن برگردان؛ و به پدران و مادران و همسران آنان شکیبایی و پایداری عنایت فرما؛ و از برکات حضرت بقیةالله ـ أرواحنا فداه ـ همهٔ آنان و ملت را نصیب وافر مرحمت فرما. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۷آذر ۱۳۶۲/ ۲۲صفر ۱۴۰۴ **مکان:** تهران، جماران

موضوع: تجلیل از شهدا

مخاطب: خانواده‌های معظم شهدا، ایثارگران و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اگر جهاد فی سبیل الله و دفاع از حریم قرآن کریم و اسلام عزیز و میهن اسلامی تا مرز شهادت وظیفه ای الهی و آرمانی انسانی است، بحمدالله تعالی ملت عظیم‌الشأن متعهد ایران از طبقات و قشرهای گوناگون، زن و مرد و کبیر و صغیر، این وظیفه را در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها بطور شایسته ایفا نموده‌اند و با شهادت و فداکاری از ارزشهای اسلامی انسانی خود دفاع شجاعانه نموده اند. در بین این شهیدان واصل به حق و شهیدان زنده[۲] که در صفوف مقدم جهاد نام خود را ثبتِ و گوی سبقت ربوده‌اند، جمعی از برادران روحانی هستند که با همرزمان مجاهد خویش به شهادت یا به مرز آن رسیده و خون پاک خود را مخلوط به خون مطهّر سایر شهدا نموده اند.

خداوند رحمن به اینان که موجب سرافرازی روحانیت شده‌اند و به همهٔ شهیدان و جانبازان که برای ملت و کشور افتخار آفریدند اقامتگاه روحانی و معنوی در جوار کرامت خویش مرحمت فرماید؛ و از آن روزیِ خاصی که در میهمانی خود

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۷٤ تا ۷۵.

۲. جانبازان انقلاب.

برای شهیدان فی سبیل الله[۱] مقرر فرموده به همه عنایت فرماید؛ و به بازماندگان آنان، خصوصاً مادران و پدران و همسرانشان، صبر جمیل و اجر جزیل مرحمت نماید؛ و به امثال من که وامانده از قافله‌ایم، توفیق خدمت دهد.

سلام بر شهدای اسلام از عصر نبوت تاکنون و پس از این درود بر ملت مجاهد ایران. و سلام و صلوات خداوند و اولیایش بر ولیّ امر و خاتم اوصیاء بقیّة الله فی الأرضین ـ ارواحنا لمقدمه الفداء.

۲۲ شهر صفر ۱۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: صبح ۱۹ بهمن ۱۳۶۲ / ۵ جمادی‌الاول ۱۴۰۴[۳] **مکان:** تهران، جماران

موضوع: منزلت شهادت و شهید نزد خداوند

مخاطب: خانواده‌های شهدا، مفقودان، جانبازان و اسرا

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿وَلاَ تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ ٱللّهِ أَمْوَاتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾[٤].

اگر نبود برای شهدا در راه خداوند مگر این آیهٔ کریمه، در معرفی مقام بلند پایهٔ شهدا، کافی بود که عزیزانی در راه حفظ اسلام و کشور اسلامی بزرگترین سرمایهٔ خود را از دست داده‌اند. شهدایی که در حفظ شرف اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی همه

---

۱. اشاره به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون» آنانی راکه در راه خداکشته شدند مرده مپندارید، که آنان زنده‌هایی هستند که نزد خدایشان روزی می‌خورند.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۳۱ تا ۲۳۲.

۳. در صحیفه نور ذیل تاریخ ۲۰ بهمن درج شده، ولی به استناد تاریخ مندرج در نسخه خطی، ۱۹ بهمن صحیح است.

٤. سوره آل عمران، آیه ۱٦۹: «و گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانند، بلکه ایشان زنده بوده، نزد خداوند روزی می‌خورند».

چیز خود را در طبق اخلاص، تقدیم خداوند متعال کردند.

در این آیهٔ کریمه بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست که در آن عالم همهٔ مخلوقات دارای نفس انسانی به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا زندگی انسانی و مافوق آن زنده هستند، بلکه شرف بزرگ شهدای در راه حق، «حیات عندالرّب» و ورود در «ضیافة الله» است.

این حیات و این ضیافت را با قلمهای شکسته ای مثل قلم من نمی‌توان توصیف و تحلیل کرد، این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این لقاء الله و ضیافة الله می‌باشد. آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است فَٱدْخُلِي فِي عِبَادِي وَٱدْخُلِي جَنَّتِي[1] که فرد بارز آن سید شهیدان سلام الله علیه ـ است. اگر آن است چه مژده ای برای شهیدان در راه مرام حسین علیه سلام الله ـ که همان سبیل الله است، از این بالاتر که در جنتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل الله وارد می‌شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه دخول دهند که آن غیر از ضیافتهای بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بود. بحمدالله شهیدان ما که پیرو شهید عظیم‌الشأن اسلام ـ علیه السلام ـ هستند جمهوری اسلامی را بیمه کردند و پیروزی بر دشمنان اسلام و ایران و ملت بزرگوار ایران و سایر ملتهای مسلمان بلکه مستضعفان جهان را تحفه آوردند.

بی‌جهت نیست که مستکبران جهان با تمام توطئه‌ها و شیطنتها بر ضد یک ملت کوچک چهل میلیونی که به حسب معنویت و ارزشهای انسانی بر قلهٔ بلند و والای سعادت ارتقا یافته است، قیام نموده اند. خود این توطئه‌ها و بوق و کرناهای ابرقدرتهای عالم و پیوستگان و وابستگان به آنان از بزرگترین ارزشها و والاترین مقامها برای یک ملت است که تاکنون برای هیچ ملتی رخ نداده است و این ارزش را

---

۱. سوره فجر، آیه ۲۹-۳۰: «پس داخل شو در بندگان من، و داخل شو در بهشت من».

شهدای والامقام و جانبازان، این شهدای زنده و به دنبال آنان، ملت عظیم‌الشأن ایران در پشت جبهه‌ها آفریده اند. آفرین بر این قدرت ایمان و قوّت بازوی عزیزان و صدها آفرین بر امتی که خود را و جوانان خود را از لجنزار و کانون فساد و تیره روزی که رژیم ستمشاهی برای آنان فراهم کرده بودند، رها ساخته و به اوج عظمت و معنویت رساندند.

رحمت خداوند منان بر شهدای عظیم‌الشأن و درود بر شهدای زنده که پشتوانهٔ اسلام بوده و هستند و سلام بر رزمندگان سلحشور از ارتشی، سپاهی و بسیجی تا ژاندارمری و شهربانی، کمیته ای و عشایری و تمامی نیروهای مردمی که انعکاس قدرتشان کاخهای ابرقدرتها را به لرزه در آورده است. و این همان قدرت الهی و نوری است که «لا شرقیّه و لا غربیّه»[1] می‌باشد و خداوند این نور را مستدام فرماید.

و درود بر مادران و پدران و همسران و فرزندان و بستگان شهدا و جانبازان و جوانان برومند جبهه‌ها و سلام بر معلولین و مفقودین و اسرای عزیزی که افتخار اسلام و میهن اسلامی خویش می‌باشند و رحمت خداوند بر این دامنهای پاکی که پرورانندهٔ این جوانان شیردل می‌باشند. و صلوات و سلام خداوند تعالی بر انبیای عظام، بویژه سید و خاتم آنها که با انوار وحی الهی عالم را روشن نمودند و بر اوصیای بزرگ آنان که با نور هدایت، غافلان را هوشیار و مردگان را زنده و بیدار کردند و سلام و تحیت همهٔ انبیا و اولیا ـ علیهم السلام ـ بر خاتم اوصیا حضرت بقیة الله المنتظر ارواحنا لمقدمه الفداء. و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

۱۹ بهمن ۶۲

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. نه شرقی است و نه غربی.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۲۵ تا ۳۲۷.

▣ پیام

زمان:۱۸بهمن۱۳۶۳/۱۶جمادی‌الاول۱۴۰۵
مکان: تهران،جماران
موضوع:تجلیل ازشهیدان
مخاطب:خانواده‌های معظم شهداوملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

درود و رحمت خداوند متعال بر شهدای ارجمند و جانبازان عزیز، این مهاجران الی الله و رسوله که بالاترین سرمایه ای که خداوند به آنها امانت داده در راه پر ارزش و والاترین ایده در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم محضر مقدسش کردند، و ارزشمندترین نظام را تا سرحد جان و توان پاسداری کردند و دشمنان خدا را از میهن اسلامی بیرون راندند. کدام هجرت به سوی خدا و رسول بالاتر و والاتر از این هجرت است و کدام فداکاری ارزشمندتر از این فداکاری و جانبازی است. و چه کس و چه شخصیت می‌تواند ارزش این سرمایهٔ آمیخته با معنویت و اخلاص را ارزیابی کند و عوض و اجر دهد، جز صاحب اصلی آن و مشتری والای آن، که فرموده : فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُهُ عَلَىٰ ٱللّٰهِ[1] ای شهدای بزرگ و ای شهدای زندهٔ عزیز، اگر نبود مجاهدات شما و برادران و خواهران بزرگوار شما در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، که با اخلاص خود عنایات خاص خداوند قادر را جلب نمودید، کدام قدرت و کدام ابزار جنگی می‌توانست جمهوری اسلامی و کشور عزیز شما را از این دریای مواج متلاطم، که شرق و غرب و وابستگان به آنان دست به دست هم و بازو به بازوی یکدیگر داده و در پی غرق آن کوشیدند و می‌کوشند، نجات دهد. این کوردلان از خدا بیخبر و عاری از

---

۱. بخشی از آیه ۱۰۰ سوره نساء: «و من یخرج من بیته مهاجرا الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله» کسی که از خانه خود به قصد هجرت به سوی خدا و پیامبرش خارج شود و آنگاه مرگش فرا رسد، هر آینه اجر او بر خداوند است.

معنویات نمی‌دانستند که این کشتی نوح است که خدایش کشتیبان و پشتیبان است. اینان با ابزار و ساز و برگ مادی به جنگ ایمان و معنویت و کشـور صـاحب الزمـان ارواحنا لمقدمه الفداء آمده‌اند؛ و اکنون نیز پس از سالها تجربه به خود نیامده‌اند و به حرکات مذبوحانه ادامه می‌دهند. ولی چه باک از موج بحر آن راکه باشد نوح کشتیبان.

خداوندا! ما هیچیم هیچ! و هر چه هست از تو و به سوی تو است. ما به قدرت مطلق تو امیدواریم و از تو استمداد می‌کنیم. اگر تو با مایی شکست و پیروزی را بـه پشیزی نمی‌شناسیم. تو خود یار این ملت و این جوانان مخلص باش؛ و رحمت خود را بر این شهیدان جاوید نثار فرما. و جانبازان، این شهیدان زنده را شـفا واخـلاص و أجر عنایت نما؛ و به بازماندگان آنان و خاندان و پرستاران اینان صـبر و جـزای خـیر مرحمت فرما و اسرا و مفقودین ما را صحت و استقامت و نجات بـده؛ و رزمـندگان عظیم‌الشأن، این پشتوانه‌های جـمهوری اسـلامی را پـیروزی و قـدرت و شـجاعت بیشتر لطف فرما و به ملت شریف ایران هر چه بیشتر استقامت و مقاومت و صـبر و بردباری در راه پیشبرد مقاصد اسلام عنایت فرما و بین ملتهای اسلامی توحید کلمه ایجاد فرما و دولتهای اسلامی را از خواب گران بیدار نما و عظمت اسـلام را بـه اوج خود برسان و دست ستمکاران و مفسدان و مـاجراجـویان را از اسـلام و جـمهوری اسلامی ایران قطع فرما و طمع طمعکاران را به ناکامی برسان و کید آنان را به خودشان برگردان و صلوات بی‌پایان خود را به انبیای معظم، بویژه اشرف و خاتم آنان ـ صلی الله علیه و آله و علیهم ـ نثار فرما و درود بی‌پایان به ائمهٔ معصومین سیّما خـاتمهم و غائبهم بقیة الله ـ علیهم السلام ـ بفرست؛ و ما را از شرّ شیطان و نـفس امـاره نـجات مرحمت فرما.

تاریخ بهمن ۶۳

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ١٤٤ تا ١٤٥.

▣ پیام

زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۶۴ / ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شهدا، اسرا و جانبازان دفاع مقدس
مناسبت: فرا رسیدن ایام مبارکهٔ دهه فجر انقلاب اسلامی
مخاطب: خانواده‌های شهدا، اسرا، مفقودین و جانبازان

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بی‌پایان از خداوند تبارک و تعالی که با عنایات خاصهٔ خود منت بر ما نهاده و ما را به ملتی که با قیام خونین و انقلاب الهی خویش و روح ایمان و عرفان بر ابر قدرتها تاخته است، سرافراز فرموده است؛ ملتی که با فداکاری ارزشمند، دست ستمگران را از کشور عزیز اسلامی قطع نموده و شرف و استقلال آن را برگردانده است؛ ملتی که مجد و عظمت میهن اسلامی را تجدید و خود را بر مقدرات و سرنوشت خود آزادانه مسلط و حکومت عدل اسلامی را به جای حکومت طاغوت ستمشاهی جایگزین کرده است و اسلام عزیز را بر ملتهای تحت ستم در شرق و غرب عرضه نموده است. رحمت خداوند و سلام و درود صالحان و مخلصان بر روان شهدای بزرگ و نثار جانبازان و مفقودین و اسرای عزیز که با نثار جان و خون و سلامت و دوری از میهن خود، در راه شرف، عزت کشور و اسلام، راه را برای نیل به سعادت دنیا و آخرت باز، خود و ملت خود را در پیشگاه مقدس حق تعالی سرافراز و روسفید نمودند.

اکنون پس از گذشت چندین سال از انقلاب اسلامی شکوهمند و فشارهای جانکاه قدرتمندان و توطئه‌های بی امان همه جانبهٔ ستمگران بزرگ و کوچک برای اطفای نور خدا، بحمدالله تعالی با قدرت عظیم روحی و به برکت خون پاک شهدا و جانبازان در راه اسلام، تمام توطئه‌ها خنثی، و کید ستمگران به خودشان برگشت و بارقهٔ با عظمت اسلام در جهان رو به گسترش است و وعدهٔ خداوند متعال بر امامت و وراثت مستضعفان، گویی نزدیک است. و بحمدالله تحلیلهای علیل وابستگان به

بلوک شرق و غرب بیخبر از اسلام و قدرت ملتهای اسلامی، غلط از کار درآمد و جمهوری اسلامی ایران با قدرت عظیم خود که از موهبتهای الهی نشأت می‌گیرد، به راه خود که همان راه مستقیم اسلام است به پیش می‌رود. خداوندا! تو این تحول عجیب را در ملتی که می‌رفت فدای امیال جهانخواران به وسیلهٔ وابستگان آنان، این بردگان بی‌چون و چرا شود، ایجاد فرمودی و منت بر این ملت تحت ستم در طول تاریخ نهادی و ما را از ذل بردگی غیر به عز عبودیت خود رساندی و ملت عزیز را الگو برای همهٔ مستضعفان جهان قرار دادی.

بارالها! این کشور، وابسته به رسول اکرم ـ صلی الله علیه و آله ـ و اهل بیت گرامی او است، و کشور حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ است، به حرمت آنان در بارگاه قدس تو، عنایات خود را مستدام بدار! و پیروزی نهایی را بزودی نصیب رزمندگان عزیز فرما! و شهدای عزیز و جانبازان مکرم را از رحمت خود نصیب وافر عنایت فرما! و به رزمندگان آنان و خاندان اینان صبر و اجر مرحمت فرما! و اسرا و مفقودان ما را با سلامت به کشور خود بازگردان ! و راهیان عزیز کربلا، این سلحشوران فداکار در راه حق را به مقصد والای خود برسان ! و دست ستمکاران را از کشورهای اسلامی کوتاه فرما! و اخلاص و عز بندگی خود را به ما عنایت فرما! و صلوات بی‌پایان بر انبیای عظام، خصوصاً سید آنان ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و به اولیای معظم بویژه خاتم آنان ـ روحی فداه ـ نثار فرما! و ما را از شرّ شیطان و نفس اماره نجات ده ! «انک ولی النعم».[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. در مراسمی که به مناسبت بزرگداشت روز «انقلاب اسلامی و شهادت» در ششمین روز از دهه فجر انقلاب اسلامی، با حضور جمع زیادی از خانواده‌های ایثارگران و مردم تهران و مسئولین لشکری و کشوری و میهمانان خارجی در «بهشت زهرا» تهران، مزار شهیدان برگزار گردید، پیام امام خمینی توسط آقای سید احمد خمینی قرائت شد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٧٤ تا ٤٧٥.

▣ پیام

زمان: ۸اردیبهشت ۱۳۶۵/ ۱۸شعبان ۱۴۰۶ **مکان:** تهران، جماران
موضوع: تجلیل از فداکاری شهیدان و خانواده معظم شهدا و ایثارگران
مخاطب: خانواده شهیدان و ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحیم

نور چشمان عزیزم، فرزندان محترم شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودین **ایّدهم الله تعالی**

پیام شما را شنیدم. من به شما سلام و درود می‌فرستم، و به وجود شما مباهات و افتخار می‌کنم. و چه افتخاری بالاتر از اینکه ما در تداوم انقلابمان ذخیره‌های عظیمی همچون شما عزیزان را داریم که حضورتان در جامعه در تمامی صحنه‌های اسلامی و انقلابی و مردمی یادآور رشادتها و فداکاریها و اخلاص رادمردانی است که به برکت خونهای پاک آنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بارور گردید؛ و با شهادت و ایثار و جانبازی و اسارت آنان، از پانزدهم خرداد تاکنون، بر تارک نهضتمان نام مجد و آزادی و شرف پایدار ماند. شما، گواهان صادق و یادگاران عزمها و اراده‌های استوار و آهنین، نمونه ترین بندگان مخلص حقید، که مراتب انقیاد و تعبد خویش را به درگاه اقدس حق تعالی با نثار خون و جان به اثبات رسانیدند؛ و در میدان جهاد اکبر با نفس و جهاد اصغر با خصم، واقعیت پیروزی خون بر شمشیر و غلبهٔ ارادهٔ انسان را بر شیطان مجسم کردند؛ و سرمایه جان خویشتن را به بهای اندک نفروختند و ملعبهٔ زخارف زودگذر دنیا و متعلقات آن نشدند؛ و با همتی بلند به سودا و معامله ای برخاستند که خدا مشتری جان آنان شد و اجر و مزدشان را بیدریغ در نزد خود قرار داد[1] و حیاتشان را جاودانه ساخت، که این، منتها آرزوی عاشقان و

---

۱. اشاره به آیه ۱۱۱ سوره توبه.

مشتاقان و غایت عمل و آمال عارفان است که «یالیتنا کنا معهم».[۱] و گوارا باد بر این شهیدان، لذت انس و همجواری شان با انبیای عظام و اولیای کرام و شهدای صدر اسلام! و گواراتر بر آنان باد نعمت رضایت حق که رضوان من الله اکبر.[۲] و اینک ما و شما مانده ایم که وارث آن رسالتیم و حامل آن امانت.

عزیزانم، من شما را دوست داشته و همچون فرزندان خود می‌دانم؛ و همیشه شما را دعا می‌کنم و با نصیحتی مشفقانه و پدرانه از شما فرزندان خوب و با وفای خودم می‌خواهم که بار امانت پدرانتان را، که میراث عزت و راه و رسم زندگی آنان بوده است، به خوبی بر دوش کشید؛ و تقوا و پاکی و پاکدامنی را پیشه کنید؛ و نظم در زندگی و تمامی مراحل آن حکمفرما سازید؛ و با جدیت به تحصیل علوم و کسب معارف و بهره وری از استعدادهای الهی خود بپردازید؛ و هیچ‌گاه سلاح مبارزه با ظلم و استکبار و استضعاف را بر زمین نگذارید؛ و دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا را شعار خود سازید؛ و خود را از مردم پابرهنه و مستضعف و بی پناهی که تمامی عزت ما رهین منت و خدمت آنان است، و شهیدان و جانبازان و اسرا و مفقودین نیز از همین قشرند، دور نسازید. و مؤکداً از شما فرزندان شهدا می‌خواهم که با مادران داغدیده خود به عطوفت و مهربانی رفتار کنید که الجنة تحت اقدام الامّهات.[۳]

و آخرین سخنم در اینجا با شما اینکه به جمهوری اسلامی، که ثمرهٔ خون پدرانتان است، تا پای جان وفادار بمانید؛ و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیة‌الله -روحی فداه- فراهم سازید.

---

۱. «ای کاش ما نیز با ایشان می‌بودیم».

۲. بخشی از آیه ۷۲ سوره توبه: «خشنودی و رضای خدای تعالی بالاتر است».

۳. کنزالعمال، ج ۱۶، ص ۴۶۱: «بهشت زیر گامهای مادران است».

و به مسئولین محترم جمهوری اسلامی ایران، برای چندمین بار، سفارش می‌کنم و این نصیحت و سفارش همیشگی است که قدر این نعمتهای بزرگ الهی را بدانند؛ و در شرایط کنونی و آینده‌های دور، اولویت را به این عزیزان و کسانی بدهند که در راه اسلام خون داده‌اند و مبارزه کرده‌اند؛ و بشدت از بهانه جویی و سنگ اندازی و مانع تراشی و کاغذبازی، که مانع رشد آنان و ملت دلاور ایران است، خودداری ورزند.

خداوند به همه ما توفیق خدمت و اخلاص عنایت فرماید؛ و این گوهرهای گرانبها را از کید و وسوسه‌های شیطان محافظت کند. ان ربی قریب مجیب.[1]
والسلام علیکم و رحمة الله.

هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ / ۱۸ شعبان ۱۴۰۶ روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ پیام

زمان: ۲۰مرداد۱۳۶۵/۵ذی‌الحجه۱۴۰۶ **مکان:** تهران، جماران
موضوع: تجلیل و تکریم شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودین **مخاطب:** ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿وَلاَ تَحْسَبَنَّ ٱلَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَاتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾[3].

اگر نبود در شأن و عظمت شهدای معظم فی سبیل الله جز این آیهٔ کریمه، که با قلم قدرت غیب بر قلب مبارک نورانی سید رسل صلی الله علیه و آله و سلم نگاشته و پس از تنزل مراحلی به ما خاکیان صورت کتبی آن رسیده است، کافی بود که قلمهای

---

۱. بخشی از آیه ٦١ سوره هود: «پروردگار من نزدیک و پاسخگو است».

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۷ تا ۳۹.

۳. سوره آل عمران، آیه ١٦٩: «آنانی راکه در راه خدا کشته شدند مرده مپندارید، آنها زنده‌هایی هستند که نزد پروردگارشان روزی دارند».

ملکوتی و ملکی شکسته شود و قلبهای ماورای اصفیاء الله از جولان در حول آن فرو بسته شود. ما خاکیان محجوب یا افلاکیان چه دانیم که این «ارتزاق عند رب الشهدا» چی است. چه بسا مقامی باشد که خاص مقربان درگاه او جلّ و علا و وارستگان از خود و ملک هستی باشد. پس مثل من وابسته به علایق و وامانده از حقایق چه گویم و چه نویسم، که خاموشی بهتر و شکستن قلم اولیٰ است.

بارالها، تو واقفی بر اسرار و غیر تو چه داند و چه تواند و چه سان از عهدهٔ شکر نعمتهایی که به ملت عزیز ما عطا فرموده ای به در آید. ما از عهدهٔ شکر شهدای گرانقدر و شهیدان زندهٔ عزیز و اسرا و مفقودین معظم و بازماندگان و وابستگان به آنان و بالجمله ملت بزرگوار نیز نخواهیم برآمد. پس، تو که شکور و غفوری به همهٔ آنان از الطاف خفیه خود مرحمتی فرما؛ و دری از معارف الهیه بر روی همگان بگشا؛ و به شهدای گرانقدر مقام هرچه والاتر، و به شهدای زنده[۱] اجر شهید در راه خود و سلامت و عافیت، و به مفقودین و اسرا صبر و عودت به وطن، و به بازماندگان شهدا و بستگان سایرین اجر و صبر عنایت فرما؛ و ظهور بقیة الله ـ أرواحنا لمقدمه الفداء ـ را نزدیک نما. «انک ولی النعمة و المغفرة».

۲۰ مرداد ۶۵ / ۵ ذی حجه ۱۴۰۶

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. منظور، جانبازان و معلولان است.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۰۱ تا ۱۰۲.

◙ پیام

زمان: ۱۶ بهمن ۱۳۶۵ / ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شهیدان و رزمندگان مخاطب: ملت ایران
مناسبت: سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (دهه مبارکه فجر)

بسم الله الرحمن الرحیم

گرامی باد بر ملت بزرگ ایران، و بر پیروان شاهد بزرگ، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم وجود رادمردانی که راه شهادت را برگزیده اند و در هجرت از زندگی عالم ادنیٰ و جهان سفلیٰ به وادی ایمن و ملکوت اعلا رسیده اند، و در جستجوی حیات سرچشمه را یافته اند و سیراب و سرمست از جرعهٔ ارجعی الی ربک[1] به رؤیت جمال و کشف رضایت حق نایل آمده اند. «و کفی بهم فخراً»[2] و چه غافلند دنیاپرستان و بیخبران که ارزش شهادت را در صحیفه‌های طبیعت جستجو می‌کنند و وصف آن را در سروده‌ها و حماسه‌ها و شعرها می‌جویند و در کشف آن از هنر تخیل و کتاب تعقل مدد می‌خواهند. و حاشا که حل این معما جز به عشق میسر نگردد، که بر ملت ما آسان شده است. و اینک ما شاهد آنیم که سبکبالان عاشق شهادت بر توسن شرف و عزت به معراج خون تاخته‌اند؛ و در پیشگاه عظمت حق و مقام جمع الجمع به شهود و حضور رسیده‌اند؛ و بر بسیط ارض ثمرات رشادتها و ایثارهای خود را نظاره می‌کنند، که از همت بلندشان جمهوری اسلامی ایران پایدار و انقلاب ما در اوج قلهٔ عزت و شرافت مشعلدار هدایت نسلهای تشنه است؛ و قطرات خونشان سیلابی عظیم و طوفانی سهمناک را برپا کرده است و ارکان کاخهای ظلم و ستم شرق و غرب را به لرزه انداخته است، و آنان را در عزا و ماتم از

---

۱. سوره فجر، آیه ۲۸: «بسوی پروردگارت بازگرد».

۲. «برای آنها، همین افتخار کافی است».

دست دادن یاران و نوکرانی چون محمدرضا خان و «سادات‌ها»[۱] و «نمیری‌ها»[۲] و نیز اقتدارها و افتخارات شیطانی خود سیاهپوش کرده است. و هنوز اول ماجرا است، و کابوسهای دیگری دارند. و باید خود را برای نابودی و مرگ جیره خوارانی چون صدام و دست نشاندگانی چون اسرائیل غاصب آماده کنند؛ که اینها همه از برکات سحر شهیدان ماست. و ما در انتظار رؤیت خورشیدیم. و به شهیدان باید گفت: اٰتیکم الله مالم یؤت احداً من العالمین.[۳]

و مبارک باد بر خانواده‌های عزیز شهدا، مفقودین، و اسرا، و جانبازان و بر ملت ایران، که با استقامت و پایداری و پایمردی خویش به بنیانی مرصوص مبدل گشته اند که نه تهدید ابرقدرتها آنان را به هراس می‌افکند، و نه از محاصره‌ها و کمبودها به فغان می‌آیند، و نه از خیانت و وحشیگریهای صدام دیوانه و افسار گسیخته رو به زوال در زدن شهرها و ویران کردن خانه‌ها و مساجد و بیمارستانها و مدارس خم به ابرو می‌آورند، و چون گذشته به راه خود، که همان راه اسلام عزیز و عزت و شرف و انسانیت است، ادامه می‌دهند؛ و زندگی با عزت را در خیمهٔ مقاومت صبر بر حضور در کاخهای ذلت و نوکری ابرقدرتها و سازش و صلح تحمیلی ترجیح می‌دهند. و من افتخار می‌کنم که در میان شما و در کنار شما هستم و در غم و مصیبتهای شما که مصیبت اسلام و مسلمین است، شریک می‌باشم. عجبا که دیو صفتان عفلقی وقتی که در صحنه‌های نبرد آنهمه شکستها را متحمل شده‌اند و بزدلانه از روبه روی شیرمردان ارتش اسلام پا به فرار گذاشته‌اند، برای جبران آنهمه ناتوانی و عجز، ناجوانمردانه خانه‌ها و مدارس و بیمارستانها و مساجد را بر سر اقشار بی دفاع مردم از طفل شیرخواره گرفته تا محصل دبستانی و دبیرستانی و از بیمار در بیمارستانها تا

---

۱. انور سادات، رئیس جمهور معدوم مصر.

۲. جعفر نمیری، رئیس جمهور سودان.

۳. برگرفته از آیه ۲۰ سوره مائده: «خدا آنچه را که به شما داد به هیچ کس در جهان نداد».

پیرمردان و پیرزنان خراب می‌کنند. آری، ملت عزیز ایران و خصوصاً مردم شهرهای مورد تهاجم هوایی دشمن، به خوبی لمس کرده‌اند که دشمنان آنان راه پیشوایان و اعقاب شجرهٔ خبیثهٔ بنی امیه و یزیدیان ـ علیهم لعنةالله ـ را برگزیده‌اند و هدفی جز محو آثار رسالت و اثبات و تحکیم شعار پوسیده «لا خبر جاء و لا وحی نزل»[1] را دنبال نمی‌کنند؛ چرا که از یزیدیان[2] انتظاری جز این نیست که به حریم کشور اسلامی ما و به ملت پیرو امام زمان ـ عجل‌الله فرجه الشریف ـ و حتی به خانه آل محمد ـ صلی الله علیه و آله ـ یعنی قم تجاوز نمایند. و از ملت دلاور مسلمان ایران هم انتظاری جز ادامه راه حسین علیه السلام و زینب ـ سلام الله علیها ـ نیست که این راه را انتخاب کرده‌اند. ملتی که سالار شهیدان را پیشوا و ایثار و فداکاری را سلاح و شهادت را سبب جاودانگی خود می‌داند از چه می‌ترسد و با چه کسی جز خدا معامله می‌کند؟

و اینک من به همه عزیزانی که خانه و کاشانه و جگرگوشگان خود را در این حوادث و میدان کارزار از دست داده‌اند عرض می‌کنم که یقیناً شما احساس همدردی این خدمتگزار و پدر پیر خود را درک می‌کنید که من ویرانی خانه‌های شما را ویرانی خانه خود و شهادت و جراحت عزیزان و فرزندان شما را شهادت و جراحت فرزندان خود می‌دانم و با شما هستم؛ و شما را به صبر و مقاومت سفارش می‌کنم. و امیدوارم که ملت ایران با همان روح همبستگی و برادری که در همه مشکلات خود را یاور و غمخوار یکدیگر می‌دانند در این امتحان بزرگ الهی به یاری و کمک آسیب‌دیدگان بشتابند و با آغوش باز و محبت و اخوت در رفع مشکلات آنان کوشش نمایند؛ و همگام با دولت خدمتگزار که با کمال فداکاری و پشتکار شب و روز مشغول امداد و برنامه‌ریزی هستند، به جنگ مشکلات بروند. به هر حال، قلم و بیان من عاجز

---

۱. «هیچ خبری نیامد و هیچ وحی ای نازل نشد!» این سخن کفرآمیز از یزیدبن معاویه است.

۲. اشاره به وابستگان به حزب بعث عراق و صدام حسین.

است که مقاومت عظیم و گسترده میلیونها مسلمان شیفته خدمت و ایثار و شهادت را در این کشور صاحب الزمان ـ ارواحنا فداه ـ ترسیم نماید، و از حماسه‌ها و رشادتها و خیرات و برکات فرزندان معنوی کوثر، حضرت فاطمه زهراء ـ سلام الله علیها ـ سخن بگوید؛ که همه اینها از هنر اسلام و اهل بیت و از برکات پیروی امام عاشورا سرچشمه گرفته است. و ملت ما کمربندها را محکم بسته اند؛ و از زن و مرد و پیر و جوان همه و همه، جز تعداد انگشت شماری منافق خود فروختهٔ جاسوس و سایر وابستگان به استکبار جهانی، در صحنه نبرد حق در برابر باطل ایستاده‌اند و بر یکدیگر سبقت می‌جویند. و کدام سبقتی در مسیر الی الله بالاتر از اینکه سیلزدگان محصور در فکر کمک به جبهه‌اند و رزمندگان در صحنه نبرد هم بضاعت مالی خود را به سیلزدگان تقدیم می‌کنند؟ و کدام تحولی بالاتر از اینکه پدران و مادران و همسران شهیدان ما از فراق عزیزان خود شکوه نمی‌کنند، ولی غبطه و حسرت دوری از قافله شهدا را بر زبان دارند؟ و چه کور و کرند آنان که بعد از تجربه سالها مقاومت و سرسختی این ملت قهرمان هنوز هم بر حقایق و واقعیات پا می‌نهند، و به تجهیز صدام رو به احتضار و حزب عفلقی ادامه می‌دهند، که در حقیقت خود و صدام را به گورشان نزدیکتر و ملت ما را آبدیده‌تر می‌سازند و عزم آنان را برای سرعت بخشیدن به سقوط متجاوز جزمتر می‌کنند. ابرقدرتها، از امریکا که در رأس مفاسد همهٔ عالم است گرفته تا شوروی و فرانسه که متأسفانه بیشترین امکانات تهاجم به شهرها را اعم از موشک و بمب و هواپیما در اختیار عراق گذارده اند، باید بدانند که با ادامه این حمایتهای علنی و تلویحی از صدام کینه یک ملت انقلابی و استوار و یک حکومت اسلامی و مردمی و صد در صد تثبیت شده و دارای هواداران بیشمار از مکتبها و نژادها و ملیتهای مختلف در سر تا سر جهان را علیه خود برمی افروزند و مردم ما و ملتهای جهان آنان را در این جنایتها و خیانتها سهیم می‌دانند. و باید تمامی قدرتها و ابرقدرتها بدانند که ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطرهٔ خون برای اعلای کلمة الله

ایستاده‌ایم؛ و بر خلاف میل تمامی آنان، حکومت نه شرقی و نه غربی را در اکثر کشورهای جهان پایه ریزی خواهیم نمود. و استکبار جهانی چه زود فراموش کرده است صحنه عظیم و تاریخی حضور مردم در «روز قدس» را که اگر دهها بار هم تکرار بشود، به یاری خداوند مردم ما همان مردمند و صحنه‌ها همان صحنه‌هاست.

من ضمن تشکر و تقدیر فراوان از نیروهای مردمی و بسیجیان جان بر کف و سپاهیان محمد ـ صلی الله علیه و آله ـ و ارتش قدرتمند و مقاوم و سپاهیان قهرمان و دلاور و روحانیون و جهادگران و امدادگران و خبرنگاران و نیروهای انتظامی کمیته و شهربانی و ژاندارمری و همهٔ کسانی که در پشت جبهه‌ها به تقویت و تدارک رزمندگان همت گماشته اند و نیز با تقدیر و تشکر وافر از رزمندگان عملیات کربلای ۴ و ۶ و خصوصاً کربلای ۵ که واقعاً حماسه‌ها آفریدند و حیرت و تعجب همهٔ جهانیان را برانگیخته اند و بر مستحکمترین دژها و موانع و مدرنترین سلاحها یورش بردند و دلاورانه در مصاف با دشمن زبون جنگیدند و امیران و افسران و درجه داران و سربازان بیشماری از دشمن را به اسارت گرفته اند و هم اکنون نیز به نبرد خود ادامه می‌دهند و دل انبیا و پیامبر اسلام و مولای خود حضرت صاحب الأمر را شادمان ساخته اند، از همهٔ جوانان غیور و اقشار برومند کشور اسلامی می‌خواهم که مثل همیشه به جبهه‌ها هجوم آورند و به سپاهیان حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه بپیوندند و نفسهای آخر عمر صدامیان را بگیرند که دست نصرت حق با شما است؛ و چنانچه تا به امروز و در همه صحنه‌ها از امدادهای غیبی و عنایات ویژه خود، شما را متنعم ساخته است، بعد از این نیز یار و یاورتان خواهد بود و شما را تنها نخواهد گذاشت. و من هم در همه حالات به شما دعا می‌کنم و شما را دوست می‌دارم؛ و ای کاش در کنار شما و در سنگر شما بودم.

خداوندا، به ملت ما و رزمندگان لشکر اسلام و به مسئولین و فرماندهان که با دقت و نظم و سعهٔ صدر و جلب رضایت حق به برنامه ریزی و هدایت امر جنگ

مشغول اند و به رزمندگان با اخلاص و با ایمان، از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش و سپاه و جنگاوران بسیج که اسلام و انقلاب و میهن اسلامی خود را بیمه کرده‌اند و دست تجاوزگران را شکسته اند، و به روحانیون عزیزی که حوزهٔ علم را به مکتب عشق مبدل ساخته و پیشاپیش ارتش اسلام سینه‌ها را سپر کرده‌اند، و به جهادگران بی‌سنگری که در سخت ترین شرایط به پاسداری از حریم رزمندگان و تحکیم مواضع بیقرار آنان همت گمارده و با ایثار و فداکاری جان عزیزانمان را در سنگر و مواضع دفاعی حفظ کرده‌اند، و به امدادگران و طبیبانی که از خانه‌های امن خود به جبهه می‌روند و پا به پای خطشکنان به نجات مصدومین و مجروحین همت می‌گمارند و یا ابدان مطهر شهیدان را حمل می‌کنند و به دانشگاهیان و دانشجویان و متخصصین از ارگانها و وزارتخانه‌ها که در امور مختلف یار و مددکار ارتش اسلامند، و به فیلمبرداران و خبرنگارانی که در خطوط مقدم جبهه‌ها حماسه‌های بی نظیر و جلوه‌های ملکوتی جنود خدا را به نمایش می‌گذارند و ملت ایران و مردم جهان را در عصر حاضر و آیندگان را به فرهنگ دفاع مقدس خود و تاریخ انقلاب آشنا می‌سازند، و به همه پشتیبانان و مراکز پشتیبانی از جبهه، از کشاورزان در گوشه‌های دهات که از ثمرات رنج خود می‌گذرند گرفته تا کارگران و مردم شهرها و بخشها و اقشار گوناگون بازاری و اداری و غیره که با جان و مال و قول و فعل خود رزمندگان را حمایت و دلگرم می‌کنند، نصرت و برکت و پیروزی و شرافت و عزت دنیا و آخرت کرامت فرما.

خداوندا، شهدای عزیز این ملت را که برای تو و برای اعتلای دین تو جان باخته‌اند، در جوار اولیایت مخلّد فرما؛ و به بازماندگان آنان، خصوصاً پدران و مادران، فرزندان و همسرانشان که برای رضای تو فراق و دوری آنان را تحمل می‌کنند و پرچم مبارزهٔ آنان را بر دوش گرفته و به پیش می‌روند صبر و اجر کرامت کن؛ و فرزندان آنان را برای رأفت و مهربانی بیشتر به مادران داغدیدهٔ خود مهیا فرما؛ و

جانبازان عزیز و پیروز و سرافراز ما را شفا عنایت کن؛ و مفقودین و اسرا، این شیرمردان دربند را با سلامت و پیروزی به اوطان خود بازگردان؛ و ما را خدمتگزار این ملت، و ملت را قدرشناس زحمات شهیدانمان گردان؛ و شیرینی و حلاوت محبت و رضایت خود را به ما عنایت کن؛ و دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را شامل حالمان گردان؛ و این انقلاب را از خطر آفتها و لغزشها و کید کافران و منافقان و ملحدان حفظ فرما. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.[۱] ۱۶ بهمن ماه ۶۵

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. متن پیام امام خمینی، توسط آقای سیداحمد خمینی در مراسمی در بهشت زهرا قرائت گردید.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۹۶ تا ۲۰۱.

▣ پیام

زمان: ۳۱شهریور ۲۸/۱۳۶۶محرّم ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از رزمندگان اسلام و شهدا
مناسبت: سالگرد آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (هفته دفاع مقدس)
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿وَمَن يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْراً عَظِيماً﴾[۱]

این أجر عظیم که به قلم با عظمت عظیم مطلق وعده داده شده است، چگونه آن را با فکر ناچیز بشر می‌توان تحلیل کرد. گویی این أجر عظیم همان حب خداوند تعالی است که در سورهٔ مبارکهٔ صف آمده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفّاً كَأَنَّهُم بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾.[۲] محبوبیت نزد بارگاه احدی را کدام فیلسوف توانا یا عارف علمی بزرگ دانا می‌تواند درک کند تا از آن سخن گوید و یا به سخن قلم درآورد؟ آیا این حب نافله است که در نتیجه تقرب به آن بنده خاکی پا بر سر ملک و ملکوت اعلا نهد و حق جلّ و علا با جاذبهٔ غیبی خویش سمع و بصر و قلب او شود و آنچه بشنود یا ببیند یا ذوق عرفانی کند با سمع و بصر و قلب حق جلّ و علا باشد و نبیند جز به بصر حق و نشنود جز به سمع حق و نداند جز به علم حق و حجابها مرتفع شود و جهان را آنچه که هست مشاهده کند که «اللهم ارنی الا شیاء کما هی»،[۳]

---

۱. بخشی از آیه ۷٤ سوره نساء: «مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت برگزیدند جهاد کنند، و هر کس در جهاد به راه خدا کشته شد یا فاتح گردید، زود باشد که او را در بهشت ابدی أجری عظیم دهیم».

۲. سوره صف آیه ٤: «خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند، بسیار دوست می‌دارد».

۳. خدایا، [حقیقت] اشیاء را آنچنان که هست بر من بنما.

یا قرب فریضه است که در آن شخص و شخصیت محو شود و صعق[۱] رخ دهد و خود و خودی از میان برود و کثرت به تمام معنی رخت بربندد و نه چشمی باشد و نه گوشی و نه باطنی و نه ظاهری ؛ ﴿هُوَ ٱلْأَوَّلُ وَٱلْآخِرُ وَٱلظَّاهِرُ وَٱلْبَاطِنُ﴾.[۲] دیگر سبیل اللهی در کار نیست و اسم و رسمی به جا نمی‌ماند، اینان از خانه خارج شدند و موت آنان را ادراک نموده و قدمها و قلمها شکسته شده است . بارالها! این وصف مجاهدان فی سبیل الله و أجر عظیم آنان است که در صحنه‌های کارزار با دشمنان تو و دشمنان رسول معظم تو و دشمنان قرآن کریم تو به شهادت رسیده اند یا در این راه پیروز گردیده‌اند و تو خود شاهدی که در این سال ما جانبازان و مهاجران و مجاهدانی داشتیم که به سوی تو و به سوی خانه أمن تو که از صدر خلقت تاکنون مأمن هر موجودی بوده است هجرت کردند و در پیش چشمان حیرتزدهٔ مسلمانان کشورهای جهان به دست پلید امریکا که از آستین آل سعود به در آمده است ، به خاک و خون کشیده شدند و در آستانه عاشورای ولی الله اعظم ـ سلام الله علیه ـ عاشورایی دیگر با ابعاد مختلف در جوار تو و خانهٔ امن تو در جمعه خونین پدید آوردند که ای کاش نبودم تا آن را ببینم و یا بشنوم ، نه برای شهادت عزیزانی مجاهد و مهاجر، که شهادت امری است که آرزوی عزیزان ما است و شهدی است آشنا برای زنان و مردان و کودکان ما که در یورشهای مغولانهٔ صدام عفلقی شدیدتر و فجیع تر آن را چشیده‌اند و دیده‌ایم ، بلکه برای مصیبتی است که نه تنها برای پیغمبر اسلام ـ صلوات الله علیه ـ که برای تمامی انبیا و مرسلین از آدم تا خاتم پیش آمد و به فرمان کاخ سیاه[۳] به دست ناپاک آل سعود، این شقیترین جانیان عصر، بالاترین مقام قدس الهی شکسته شد. اگر

---

۱ . به معنای بیهوشی از شدت ترس یا از شنیدن صدای خوف انگیز است . اما در اصطلاح عرفا «صعق» فانی شدن در حق است هنگامی که تجلی ذاتی حق ، محترق شود و بر بندگان خاص او وارد شود.

۲ . بخشی از آیه ۳ سوره حدید: «اول و آخر و پیدا و نهان وجود، همه اوست».

۳ . اشاره طنزآمیز به کاخ سفید واشنگتن ، مقرّ رئیس جمهور امریکا.

در عاشورای حسینی ولیّ خدا با یارانش در راه تو جنگیدند و شهید شدند، در عاشورای جمعه خونین مکه با تو و رسول تو و زائران ما، این رسولان مکتب رسول تو که به خاطر دین تو هیچ گونه وسیله ای حتی برای دفاع از خود نداشتند چنان کردند که تنها از دست امریکا، شیطان بزرگ و اذنابش میسر بود. امریکا و دست‌نشاندگانش در این کشتار سبعانه انتقام از اسلام عزیز و مهبط وحی و محل أمن خدا باز گرفتند. اسلامی که در آینده‌ای نه چندان دور مکتب تمامی کشورهای زیر یوغ شرق و غرب می‌گردد.

خداوندا! امروز تمامی قدرتها و ابر قدرتها مصمم شده‌اند تا ریشهٔ اسلام ناب رسول گرامی‌مان ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ را قطع کنند. بار الها! امروز صدامیان با کینه‌ای که از دین تو دارند، دست در دست تمامی شیاطین جهان داده‌اند تا صدای اسلام محمدی را خاموش سازند. از تو می‌خواهم تا ما را در راهت صبورتر و شکیبایی خانواده‌های عزیز و بزرگوار شهدا، جانبازان، مفقودین و اسرامان را بیشتر گردانی. پروردگارا! شهدای ما را با سیدالشهدا ـ علیه‌السلام ـ محشور فرما و جانبازان عزیز و مقتدر انقلاب اسلامی خودت را شفا عنایت فرما. اسرا و مفقودین ما را هر چه زودتر به اوطانشان بازگردان. خداوندا! به تمام ملتهای اسلامی خصوصاً ملت شجاع و حماسه ساز ایران تحمل بیشتر فشارهای نظامی استکبار از زمین و دریا و هوا و فشارهای اقتصادی و سیاسی روزافزون کانونهای فساد را عنایت فرما.

خداوندا! باطن دلهای معتقدان به دین رسول اکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ را تنها از رضایت خود لبریز گردان. ﴿انک مجیب الدعوات﴾.[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. برگرفته شده از آیه ۱۸٦ سوره بقره: «همانا تو برآورنده دعاهایی».

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۹۰ تا ۳۹۲.

▣ پیام

زمان: ۱مهر ۱۳۶۷/ ۱۱صفر ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از خانواده‌های شهدا و ایثارگران مناسبت: هفته دفاع مقدس
مخاطب: خانواده شهدا، اسیران، جانبازان و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

خداوندا، همه چیز تویی؛ و غیر از تو همه هیچ. خداوندا، تو عزیزی؛ و غیر از تو همه ذلیل. خداوندا، تو غنی‌ای؛ و غیر از تو همه فقیر. هفتهٔ جنگ امسال حال و هوای دیگری دارد. پس از سالها دفاع مقدس، یاری دین خدا صورت دیگری به خود گرفته است. آمادگی جنگی ضرورت بیشتری یافته است. و دشمنان خدا و خلق خدا آنی غافل نیستند، و در کمین نشسته‌اند تا آنچه را خدایی است نابود کنند. خانواده‌های شهدا، تا همیشهٔ تاریخ این مشعلداران راه اولیا، افتخار روشنایی طرق الی الله را به عهده گرفته‌اند. مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده‌اند که در گوشه گوشهٔ این مرز و بوم به دین باوران راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می‌دهند: راه رسیدن به خدای کعبه را. اسرا در چنگال دژخیمان خود سرود آزادی‌اند، و احرار جهان آنان را زمزمه می‌کنند. مفقودین عزیز محور دریای بیکران خداوندی اند؛ و فقرای ذاتی دنیای دون در حسرت مقام والایشان در حیرتند. از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقههٔ مستانه‌شان و در شادی وصولشان عند ربهم یرزقون[۱] اند؛ و از «نفوس مطمئنه‌ای» هستند که مورد خطاب ﴿فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی﴾[۲] پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش برخود می‌شکافد. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. بخشی از آیه ۱۶۹ سوره آل عمران: «نزد پروردگارشان متنعم خواهند بود».

۲. سوره فجر، آیات ۲۹ و ۳۰: «در صف بندگان خاص من درآی، و در بهشت رضوان من داخل شو».

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۷.

ج ـ تجلیل از مقام
مجاهدان و شهیدان راه علم و فضیلت

▣ پیام

زمان: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ / ۴ جمادی الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: شخصیت و منزلت علمی آقای مرتضی مطهری
مناسبت: شهادت آقای مرتضی مطهری
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

اینجانب به اسلام و اولیای عظیم‌الشأن آن و به ملت اسلام و خصوص ملت مبارز ایران ضایعهٔ أسف انگیز شهید بزرگوار و متفکر و فیلسوف و فقیه عالیمقام مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی مطهری قدس سره را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت در شهادت شخصیتی که عمر شریف و ارزندهٔ خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجرویها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد، تسلیت در شهادت مردی که در اسلام شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود. من فرزند بسیار عزیزی را از دست دادم و در سوگ او نشستم که از شخصیتهایی بود که

حاصل عمرم محسوب می‌شد. در اسلام عزیز با شهادت این فرزند برومند و عالم جاودان ثلمه ای وارد شد که هیچ چیز جایگزین آن نیست. و تبریک در داشتن این شخصیتهای فداکار که در زندگی و پس از آن با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند. من در تربیت چنین فرزندانی که با شعاع فروزان خود مردگان را حیات می‌بخشند و به ظلمتها نور می‌افشانند، به اسلام بزرگ، مربی انسانها و به امت اسلامی تبریک می‌گویم. من گرچه فرزند عزیزی را که پاره تنم بود از دست دادم لکن مفتخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشت و دارد. مطهری که در طهارت روح و قوّت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملأ اعلیٰ پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی اش نمی‌رود.

تروریستها نمی‌توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند. آنان بدانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصممتر می‌شوند. ملت ما راه خود را یافته و در قطع ریشه‌های گندیده رژیم سابق و طرفداران منحوس آن از پای نمی‌نشینند. اسلام عزیز با فداکاری و فدایی دادن عزیزان رشد نمود. برنامه اسلام از عصر وحی تاکنون بر شهادت توأم با شهامت بوده. قتال در راه خدا و راه مستضعفین در رأس برنامه‌های اسلام است. ﴿وَمَا لَكُمْ لاَ تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ ٱلرِّجَالِ وَٱلنِّسَاءِ وَٱلْوِلْدَانِ﴾.[۱]

اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیرانسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، بد گمان کرده‌اند. از هر موی شهیدی از ما و از هر قطرهٔ خونی که به زمین می‌ریزد، انسانهای مصمم و مبارزی به وجود می‌آید. شما مگر تمام افراد ملت شجاع را ترور کنید والّا ترور فرد هر چه بزرگ باشد، برای اعاده چپاولگری سودی ندارد. ملتی که با اعتماد به

۱. سوره نساء، آیه ۷۵: «چرا در راه خدا و به خاطر مردان و زنان و کودکان ناتوان نمی‌جنگید؟»

خدای بزرگ و برای احیای اسلام بپا خاسته با این تلاشهای مذبوحانه عقبگرد نمی‌کند. ما برای فداکاری حاضر و برای شهادت در راه خدا مهیا هستیم.

اینجانب روز پنجشنبه سیزده اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت، عزای عمومی اعلام می‌کنم و خودم در مدرسهٔ فیضیه روز پنجشنبه و جمعه به سوگ می‌نشینم. از خداوند متعال برای آن فرزند عزیز اسلام رحمت و غفران و برای اسلام عزیز عظمت و عزت مسئلت می‌نمایم. سلام بر شهدای راه حق و آزادی.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پیام

زمان: ۲۷اسفند ۱۳۵۸/۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۰ [۲] **مکان: تهران، شمیران، دربند**

موضوع: توصیه به جوانان در استفاده از آثار و کتب استاد شهید مطهری

مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

گرچه انقلاب اسلامی ایران به رغم بدخواهان و ماجراجویان به خواست و توفیق خداوند متعال به پیروزی رسید و نهادهای اسلامی انقلابی یکی پس از دیگری در ظرف تقریباً یک سال با آرامش و موفقیت انجام گرفت، لکن بر ملت ما و به حوزه‌های اسلامی و علمی خسارتهای جبران ناپذیر نیز به دست منافقین ضد انقلاب واقع شد؛ همچون ترور خائنانهٔ مرحوم دانشمند و اسلام‌شناس عظیم‌الشأن حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مرتضی شهید مطهری رحمة الله علیه.

---

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۲. تاریخ نسخه دستنویس امام خمینی ۲۷ اسفند ۱۳۵۸ می‌باشد. این پیام در روزنامه‌های کیهان و اطلاعات و صحیفه نور، مورخ ۵۹/۱/۳۱ منتشر گردیده است.

اینجانب نمی‌توانم در این حال احساسات و عواطف خود را نسبت به این شخصیت عزیز ابراز کنم. آنچه باید عرض کنم دربارهٔ او آن است که او خدمتهای ارزشمندی به اسلام و علم نمود و موجب تأسف بسیار است که دست خیانتکار، این درخت ثمربخش را از حوزه‌های علمی و اسلامی گرفت و همگان را از ثمرات ارجمند آن، محروم نمود. مطهری فرزندی عزیز برای من و پشتوانه‌ای محکم برای حوزه‌های دینی و علمی و خدمتگزاری سودمند برای ملت و کشور بود. خدایش رحمت کند و در جوار خدمتگزاران بزرگ اسلام جایگزین فرماید. اکنون شنیده می‌شود که مخالفین اسلام و گروههای ضد انقلاب درصدد هستند که با تبلیغات اسلام شکن خود دست جوانان عزیز دانشگاهی ما را از استفاده از کتب این استاد فقید کوتاه کنند. من به دانشجویان و طبقه روشنفکران متعهد توصیه می‌کنم که کتابهای این استاد عزیز را نگذارند با دسیسه‌هاي غیر اسلامی فراموش شود.

از خداوند متعال توفیق همگان را خواهانم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۲۷ اسفند ماه ۵۸ـ ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

◘ پیام

زمان: ۹اردیبهشت ۱۳۶۰/۲۴جمادی‌الثانی ۱۴۰۱ **مکان:** تهران، جماران

موضوع: تجلیل از شخصیت شهید مطهری و خدمات و آثار علمی وی

مناسبت: در آستانه سالگرد شهادت آقای مرتضی مطهری

بسم الله الرحمن الرحیم

سالروز شهادت شهیدی مطهر است که در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود. او با قلمی روان و فکری توانا در تحلیل مسائل اسلامی و توضیح حقایق فلسفی، با زبان مردم و بی قلق[1] و اضطراب، به تعلیم و تربیت جامعه پرداخت. آثار قلم و زبان او بی استثنا آموزنده و روانبخش است و مواعظ و نصایح او که از قلبی سرشار از ایمان و عقیدت نشأت می‌گرفت، برای عارف و عامی سودمند و فرحزا است امید آن بود که از این درخت پرثمر، میوه‌های علم و ایمان بیش از آنچه به جا مانده، چیده شود و دانشمندانی پربها تسلیم جامعه گردد. مع الأسف دست جنایتکاران مهلت نداد[2] و جوانان عزیز ما را از ثمرهٔ طیبهٔ این درخت برومند محروم نمود، و خدای را شکر که آنچه از این استادشهید باقی است، با محتوای غنی خود مربی و معلم است. مرحوم شهید استاد مرتضی مطهری به ابدیت پیوست، خدایش با رحمت خود با موالیانش محشور فرماید.

روح الله الموسوی الخمینی[3]

---

۱. قلق: ناآرام و بیقرار «زبان بی قلق: گفتار آرام و آرامش بخش».

۲. آقای مرتضی مطهری، فیلسوف و متفکر بزرگ و عضو شورای انقلاب، در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ به دست گروهک تروریستی فرقان به شهادت رسید.

۳. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۲۲۵.

▣ یاد نامه

زمان: ۶بهمن ۱۳۶۰/ ۳۰ربیع الاول ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: اهدای یادنامهٔ شهید مطهری مخاطب: طباطبایی، فاطمه

بسم الله الرحمن الرحیم

یادنامهٔ شهید متفکر مطهری را به یادگاری و یادنامهٔ خود به دختر عزیزم فاطی وفقها الله تعالی ـ دادم. امید است از کتب ارزشمند شهید ما هر چه بیشتر استفاده نموده و آن مرحوم را به دعای خیر یاد نماید.[۱]

ششم بهمن ماه ۱۳۶۰ / ۳۰ ربیع الاول ۱۴۰۲
روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۵خرداد ۱۳۵۸/ ۲۹جمادی الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: هوشیاری مردم و مسئولین در برابر توطئه‌ها مناسبت: ترور نافرجام آقای هاشمی رفسنجانی
مخاطب: هاشمی رفسنجانی، علی اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام مجاهد متعهد، آقای هاشمی عزیز

مرحوم مدرس که به امر رضاخان ترور شد، از بیمارستان پیام داد: «به رضاخان بگویید من زنده هستم». مدرس حالا هم زنده است. مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است.

امریکا و دیگر ابرقدرتها بدانند ملت ما زنده است. اجتماعات عظیم این دو ـ سه

---

۱. یادنامه شهید مرتضی مطهری «کتاب اول»، زیر نظر آقای عبدالکریم سروش تهیه شده بود که امام خمینی نسخه ای از آن را، با نگارش مرقومه فوق در ابتدای آن، به خانم فاطمه طباطبایی همسر آقای سیداحمد خمینی اهدا کردند.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۲۳.

روز شاهد زنده بودن انقلاب است. اینان با این تلاشهای احمقانه نمی‌توانند انقلاب اسلامی ما را ترور کنند؛ نمی‌توانند شخصیت انسانی ـ اسلامی مطهری و هاشمی را ترور کنند؛ هر چند ترورها حساب شده و سازمان یافته باشند و از لابه لای آنها جای پای ابرقدرتها و جنایتکاران بین‌المللی به چشم بخورد.

ملت با تمام قوا باید در مقابل دسیسه‌ها مقاومت کنند، توطئه‌ها را بشکنند؛ با کمال مراقبت انقلابی این جنایتکاران را شناسایی کنند و به دادگاههای انقلابی معرفی کنند. پاسداران انقلاب و رؤسای آنان موظفند از این شخصیتهای ارزندهٔ انقلابی حفاظت کنند و رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظر بگیرند؛ اگر چه خود آنان راضی نباشند. ملت بزرگ اسلامی مصمم است به نهضت اسلامی خود ادامه دهد، و اجازهٔ دخالت خیانتکاران را در کشور خود ندهد. ما ملتهای بزرگ اسلامی را به همکاری در این نهضت اسلامی ایران دعوت می‌کنیم.

باید دست جنایتکاران از ممالک اسلامی و از عموم مستضعفین قطع شود، و وعده الهی به همت اقشار ملتهای اسلامی تحقق یابد. من به آقای هاشمی فرزند برومند اسلام تبریک می‌گویم که در راه هدف تا نزدیک شهادت به پیش رفت. و سلامت و ادامهٔ خدمت ایشان را از خدای تعالی خواستارم. والسلام علیه و علی عباداللّه الصالحین. روح اللّه الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۹۵ و ۴۹۶.

▫ پیام

زمان: ۱۱ آبان ۱۳۵۸ / ۱۱ ذی‌الحجه ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: شهادت آقای سید محمد علی قاضی طباطبایی
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

باکمال تأسف ضایعهٔ ناگوار شهادت عالم مجاهد، حجت الاسلام والمسلمین، آقای حاج سید محمد علی قاضی طباطبایی - رحمة الله علیه - را به عموم مسلمانان متعهد و علمای اعلام مجاهد و مردم غیور مجاهد آذربایجان و خصوص بازماندگان این شهید سعید تسلیت عرض، و از خداوند متعال صبر انقلابی برای مجاهدین راه حق و اسلام خواستارم.

ملت عزیز برومند ایران و آذربایجانیان غیرتمند عزیز باید در این مصیبتهای بزرگ، که نشانهٔ شکست حتمی دشمنان اسلام و کشور و عجز و ناتوانی و خودباختگی آنان است، هرچه بیشتر مصمم، و در راه هدف اعلای اسلام و قرآن مجید بر مجاهدات خود افزوده و از پای ننشینید، تا احقاق حق مستضعفین را از جباران زمان بنمایند.

عزیزان من، در انقلابی که ابرقدرتها را به عقب رانده و راه چپاولگری آنان را از کشور بزرگ بسته است این ضایعات و ضایعات بالاتر، اجتناب‌ناپذیر است.

ما باید از کنار این وقایع با تصمیم و عزم و خونسردی بگذریم؛ و به راه خود که راه جهاد فی سبیل الله است ادامه دهیم.

شهادت در راه خداوند زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملتهاست. ملتهای مسلمان باید از فداکاری مجاهدین ما در راه استقلال و آزادی و

اهداف مقدسهٔ اسلام بزرگ الگو بگیرند؛ و با پیوستن به هم سد استعمار و استثمار را بشکنند، و به پیش به سوی آزادگی و زندگی انسانی بروند. از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و رحمت و مغفرت برای شهدای راه حق و شهید سعید طباطبایی خواستارم.

۱۱ ذی الحجهٔ الحرام ۹۹ـ آبان ۵۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۷ آذر ۲۸/۱۳۵۸ محرم ۱۴۰۰
مکان: قم
موضوع: محکومیت ترور
مناسبت: شهادت آقای محمد مفتح
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون[۲]

آنگاه که منطق قرآن، آن است که ما از خداییم و به سوی او می‌رویم و مسیر اسلام، بر شهادت در راه هدف است، و اولیای خدا علیهم السلام شهادت را یکی از دیگری به ارث می‌بردند، و جوانان متعهد ما برای نیل شهادت در راه خدا درخواست دعا می‌کرده و می‌کنند، بدخواهان ما که از همه جا وامانده دست به ترور وحشیانه می‌زنند، ما را از چه می‌ترسانند؟ امریکا خود را دلخوش می‌کند که با ایجاد رعب در دل ملت که سربازان قرآنند می‌تواند وقفه ای در مسیر حق و عقبگردی از جهاد مقدس در راه خدا ایجاد کند؛ غافل از اینکه ترس از مرگ برای کسانی است که دنیا را

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۲۰ و ۴۲۱.

۲. بخشی از آیه ۱۵۶ سوره بقره: «همه از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم».

مقرّ خود قرار داده و از قرارگاه ابدی و جوار رحمت ایزدی بی خبرند. اینان از کوردلی، صحنه‌های شورانگیز ملت عزیز و شجاع ما را در هر شهادتی، پس از شهادتی که در پیش چشمان خیرهٔ آنان منعکس است نمی‌بینند. ﴿صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لاَ يَعْقِلُونَ﴾[1] اینان می‌بینند که هزار و سیصد سال بیشتر از صحنهٔ حماسه آفرین کربلا می گذرد و هنوز خون شهیدان ما در جوش و ملت عزیز ما در حماسه و خروش است. جناب حجت الاسلام دانشمند محترم آقای مفتح و دو نفر پاسداران عزیز اسلام ـ رحمة الله علیهم ـ به فیض شهادت رسیدند و به بارگاه ابدیت بار یافتند، و در دل ملت و جوانان آگاه ما حماسه آفریدند و آتش نهضت اسلامی را افروخته تر و جنبش قیام ملت را متحرکتر کردند. خدایشان در جوار رحمت واسعهٔ خود بپذیرد و از نور عظمت خود بهره دهد. امید بود از دانش استاد محترم و از زبان و علم او بهره‌ها برای اسلام و پیشرفت نهضت برداشته شود؛ و امید است از شهادت امثال ایشان بهره‌ها برداریم. من شهادت را بر این مردان برومند اسلام، تبریک و به بازماندگان آنان و ملت اسلام تسلیت می‌دهم. سلام بر شهیدان راه حق.

۵۸/۹/۲۷ ـ ۲۸ محرّم الحرام ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. سوره بقره، آیه ۱۷۱: «و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لا یسمع الا دعاء و نداء صم بکم عمی فهم لا یعقلون» و مثل کافران در شنیدن سخن انبیا و درک نکردن معنای آن، چون حیوانی است که آوازش کنند، از آن آواز معنایی درک نکرده، جز صدایی نشنود، وکفار هم از شنیدن وگفتن و دیدن حق، کر و لال و کورند، زیرا عقل خود را درکار نمی‌بندند.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۲۰ و ۳۲۱.

◘ پیام

زمان: ۲اردیبهشت ۱۳۵۹/ ۶جمادی‌الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: وظیفه اقشار ملت عراق در قبال جنایات حزب بعث
مناسبت: شهادت آقای سیدمحمدباقر صدر و خواهر مظلومه‌اش بنت‌الهدی
مخاطب: ملت مسلمان ایران و مسلمین جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

باکمال تأسف حسب گزارش جناب آقای وزیر خارجه که از منابع متعدده و مقامات کشورهای اسلامی به دست آورده است و حسب گزارشاتی که از منابع دیگر به دست آمد. مرحوم آیت الله شهید سیدمحمد باقر صدر و همشیرهٔ مکرمهٔ مظلومهٔ او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادب بود به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجهٔ رفیعهٔ شهادت رسیده اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیتهای عزیز از موالیان خود برده اند؛ و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است که امثال این جنایتکاران تاریخ از اسلاف[1] ستم پیشهٔ خود می‌برند. شهادت این بزرگواران که عمری را به مجاهدت در راه اهداف اسلام گذرانده اند به دست اشخاص جنایتکاری که عمری به خونخواری و ستم پیشگی گذرانده اند عجیب نیست؛ عجب آن است که مجاهدان راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت پیشه، دست خبیث خود را به خون آنان آغشته نکنند. عجب نیست که مرحوم صدر و همشیرهٔ مظلومه‌اش به شهادت نایل شدند؛ عجب آن است که ملتهای اسلامی و خصوصاً ملت شریف عراق و عشایر دجله و فرات و جوانان غیور دانشگاهها و سایر جوانان عزیز عراق از کنار این مصایب بزرگ که به اسلام و اهل بیت رسول الله ـ صلی الله علیه و آله ـ وارد می‌شود بی تفاوت بگذرند و به حزب ملعون بعث فرصت دهند که مفاخر آنان را یکی پس از دیگری مظلومانه شهید کنند. و عجبتر آنکه ارتش عراق

---

۱. پیشینیان.

و سایر قوای انتظامی آلت دست این جنایتکاران واقع شوند و در هدم اسلام و قرآن کریم به آنان کمک کنند.

من از ردهٔ بالای قوای انتظامی عراق مأیوس هستم؛ لکن از افسران و درجه‌داران و سربازان مأیوس نیستم و از آنان چشمداشت آن دارم که یا دلاورانه قیام کنند و اساس ستمکاری را برچینند همان سان که در ایران واقع شد؛ و یا از پادگانها و سربازخانه‌ها فرار کنند و ننگ ستمکاری حزب بعث را تحمل نکنند. من از کارگران و کارمندان دولت غاصب بعث مأیوس نیستم؛ و امیدوارم که با ملت عراق دست به دست هم دهند و این لکهٔ ننگ را از کشور عراق بزدایند. من امیدوارم که خداوند متعال بساط ستمگری این جنایتکاران را درهم پیچد.

اینجانب برای بزرگداشت این شخصیت علمی و مجاهد، که از مفاخر حوزه‌های علمیه و از مراجع دینی و متفکران اسلامی بود، از روز چهارشنبه سوم اردیبهشت به مدت سه روز عزای عمومی اعلام می‌کنم، و روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام می‌نمایم، و از خداوند متعال خواستار جبران این ضایعهٔ بزرگ و عظمت اسلام و مسلمین می‌باشم. والسلام علی عباداللّه الصالحین.

دوم اردیبهشت ۵۹

روح اللّه الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

◘ پیام

زمان: ۷تیر ۱۳۶۰/۲۵شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
مناسبت: سوء قصد و ترور نافرجام علیه آقای خامنه‌ای
مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (نماینده امام خمینی در شورایعالی دفاع و امام جمعهٔ تهران)[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه‌ای ـ دامت افاضاته.

خداوند متعال را شکر که دشمنان اسلام را از گروهها و اشخاص احمق قرار داده است، و خداوند را شکر که از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی هر نقشه که کشیدند و هر توطئه که چیدند و هر سخنرانی که کردند ملت فداکار را منسجم‌تر و پیوندها را مستحکم تر نمود و مصداق «لازال یؤید هذا الدّین بالرجل الفاجر»[۲] تحقق پیدا کرد. اینان هر جا سخن گفتند خود را رسواتر کردند و هر چه مقاله نوشتند ملت را بیدارتر نمودند و هر چه شخصیتها را ترور نمودند قدرت مقاومت را در

---

۱. آقای خامنه ای در واکنش به پیام محبت آمیز امام خمینی، با صدور پیامی اظهار داشتند: «بسم الله الرحمن الرحیم بعد از چهار روز که از این حادثه بر من می‌گذرد به فضل الهی و به کمک و تلاش بیدریغ کارکنان عزیز این بیمارستان خودم را در وضع بسیار مناسب و خوبی می‌بینم . هر وقت به یاد این می‌افتم که این حادثه موجب شده امام عظیم‌الشأن ما اظهار لطف کنند و در پیامشان اظهار دلسوزی بکنند و ملت بزرگ و قهرمان ما دست به دعا بردارد و دعا کنند، در خودم احساس شرمندگی می‌کنم . در راه انجام وظیفه اینگونه حوادث، حوادثی نیست که اینهمه لطف و محبت و بزرگواری را چه از سوی امام، چه از سوی امت و همچنین از سوی کارکنان، کارمندان این‌واحدهای پزشکی که واقعاً شب و روزشان را در این کار گذاشته‌اند، این همه اظهار شد. . . من بدین وسیله از همین جا عرض سلام و ارادت بی‌پایان خودم را خدمت امام امت می‌کنم و به ایشان عرض می‌کنم که در مقابل حوادث این چنین ما هیچ انتظار نداریم و توقعی نداریم که کمترین رنجشی به خاطر ایشان بنشیند. ما معتقدیم که، سرخم می‌به سلامت، شکند اگر سبویی، . . .».

۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۳۰۹؛ کنزالعمال، ج ۱، ص ٤٥، ح ۱۱۵.

صفوف فشردهٔ ملت بالاتر بردند. اکنون دشمنان انقلاب با سوء قصد به شما[1] که از سلالهٔ رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعهٔ و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنهٔ انقلاب می‌باشید، میزان تفکر سیاسی خود و طرفداری از خلق و مخالفت با ستمگران را به ثبت رساندند. اینان با سوءقصد به شما عواطف میلیونها انسان متعهد را در سراسر کشور بلکه جهان جریحه دار نمودند. اینان آنقدر از بینش سیاسی بی نصیبند که بی‌درنگ پس از سخنان شما در مجلس و جمعه و پیشگاه ملت به این جنایات دست زدند، و به کسی سوءقصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد در گوش مسلمین جهان طنین انداز است. اینان در این عمل غیرانسانی به جای برانگیختن و رعب، عزم میلیونها مسلمان را مصمم تر و صفوف آنان را فشرده تر نمودند. آیا با این اعمال وحشیانه و جرایم ناشیانه وقت آن نرسیده است که جوانان عزیز فریب خورده از دام خیانت اینان رها شوند و پدران و مادران، جوانان عزیز خود را فدای امیال جنایتکاران نکنند و آنان را از شرکت در جنایات آنان برحذر دارند؟ آیا نمی‌دانند که دست‌زدن به این جنایات، جوانان آنان را به تباهی کشیده و جان آنان به دنبال خودخواهی مشتی تبهکار از دست می‌رود؟ ما در پیشگاه خداوند متعال و ولی بر حق او حضرت بقیةالله ـ ارواحنا فداه ـ افتخار می‌کنیم به سربازانی در جبهه و در پشت جبهه که شبها را در محراب عبادت و روزها را در مجاهدت در راه حق تعالی به سر می‌برند.

من به شما خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس

---

۱. روز ٦ تیر ١٣٦٠ در حالی که آقای خامنه ای در مسجد ابوذر تهران بعد از نماز ظهر به ایراد سخنرانی و پاسخ به سؤالات حاضران مشغول بود بر اثر انفجار بمبی که در ضبط صوت از سوی تروریستهای منافق کار گذاشته شده بود، بشدت مجروح شد. با دعای امام و تلاش بی وقفه پزشکان، خوشبختانه ایشان از این سوءقصد جان سالم به در بردند هر چند که بر اثر این حادثه یک دست ایشان سلامتش را باز نیافت.

سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده، و از خداوند تعالی سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ تلگراف

زمان: ۸تیر ۱۳۶۰/ ۲۶شعبان ۱۴۰۱ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: تجلیل از مجاهدتهای شهید محمد منتظری **مخاطب: منتظری، حسینعلی**
مناسبت: شهادت محمد منتظری در حادثه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری ـ دامت برکاته

گرچه تمام شهیدان انقلاب و شهیدان عزیز و معظم یکشنبه شب،[۲] از برادران ما و شما بودند و ملت قدرشناس برای آنان به سوگ نشستند و دشمنان اسلام در شهادت آنان شاد و اسلام عزیز سرافراز است لکن از فرزند عزیز شما شناختی دارم که باید به شما با تربیت چنین فرزندی تبریک بگویم. او از وقتی که خود را شناخت و در جامعه وارد شد، ارزشهای اسلامی را نیز شناخت و با تعهد و انگیزهٔ حساب شده وارد میدان مبارزه علیه ستمگران گردید. او با دید وسیعی که داشت، سعی در گسترش مکتب و پرورش اشخاص فداکار می‌نمود. محمد شما و ما، خود را وقف هدف و برای پیشبرد آن سر از پا نمی‌شناخت. شما فرزندی فداکار و متعهد و متفکر و هدفدار تسلیم جامعه کردید و تقدیم خداوند متعال. او فرزند اسلام و فرزند قرآن بود. او عمری در زجرها و شکنجه‌ها و از آن بدتر، شکنجه‌های روحی از طرف بدخواهان به سر برد. او به جوار خداوند متعال شتافت و با دوستان و برادران خود راه حق را طی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۵۰۳ و ۵۰٤.

۲. حادثه جانخراش انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر ماه که با بمبگذاری سازمان منافقین به وقوع پیوست و در جریان آن آقای سید محمد بهشتی رئیس دیوانعالی کشور و بیش از هفتاد تن از مسئولین بلندپایه جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

کرد. خدایش رحمت کند و با موالیانش محشور فرماید. از خداوند متعال برای جنابعالی و بازماندگان این فرزند برومند اسلام صبر و اجر خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی(۱)

◙ پیام

زمان: ۹ تیر ۱۳۶۰/۲۷ شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: شهادت ۷۲ تن از یاران امام و امت
مناسبت: فاجعهٔ انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی توسط منافقین
مخاطب: ملت ایران خانواده‌های معظم شهدای هفتم تیر

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

ملتی که برای اقامهٔ عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای شهادت و شهید دادن آماده نموده است و به خود باکی راه نمی‌دهد که دست جنایت ابرقدرتها از آستین مشتی جنایتکار حرفه ای بیرون آید و بهترین فرزندان راستین او را به شهادت رساند. مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما که حیات را عقیده و جهاد می‌دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می‌کردند به ملت شهیدپرور ما رسیده است ؟ مگر عزت و شرف و ارزشهای انسانی، گوهرهای گرانبهایی نیستند که اسلاف صالح این مکتب ، عمر خود و یاران خود را در راه حراست و نگهبانی از آن وقف نمودند؟

مگر ما پیروان پاکان سرباخته در راه هدف نیستیم که از شهادت عزیزان خود به دل تردیدی راه دهیم ؟ مگر دشمن قدرت آن دارد که با جنایت خود مکارم و ارزشهای انسانی شهیدان عزیز ما را از آنان سلب کند؟ مگر دشمنهای فضیلت می‌توانند جز این خرقهٔ خاکی را از دوستان خدا و عاشقان حقیقت بگیرند؟ بگذار این

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ٥١١.

ددمنشان که جز به «من» و «ما»های خود نمی‌اندیشند و ﴿یأکلون کما تاکل الانعام﴾[1] عاشقان راه حق را از بند طبیعت رهانده و به فضای آزاد جوار معشوق برسانند.

ننگتان باد ای تفاله‌های شیطان، و عارتان باد ای خودفروختگان به جنایتکاران بین‌المللی که در سوراخها خزیده و در مقابل ملتی که در برابر ابرقدرتها برخاسته است، به خرابکاریهای جاهلانه پرداخته اید. عیب بزرگ شما و هوادارانتان آن است که نه از اسلام و قدرت معنوی آن و نه از ملت مسلمان و انگیزهٔ فداکاری او اطلاعی دارید. شما ملتی را که برای سقوط رژیم پلید پهلوی و رها شدن از اسارت شیطان بزرگ دهها جوان عزیز خود را فدا کرد و با شجاعت بیمانند ایستاد و خم به ابرو نیاورد، نشناخته‌اید. شما ملتی را که معلولانشان در تختهای بیمارستانها آرزوی شهادت می‌کنند و یاران را به شهادت دعوت می‌کنند، نشناخته اید. شما کوردلان با آنکه دیده اید با شهادت رساندن شخصیتهای بزرگ صفوف فداکاران در راه اسلام فشرده تر و عزم آنان مصمم تر می‌شود، می‌خواهید با به شهادت رساندن عزیزان ما این ملت فداکار را از صحنه بیرون کنید. شما تا توانسته اید به فرزندان اسلام چون شهید بهشتی و شهدای عزیز مجلس و کابینه با حربهٔ ناسزا و تهمتهای ناجوانمردانه حمله کردید که آنها را از ملت جدا کنید، و اکنون که آن حربه از کار افتاد و کوس رسوایی همه تان بر سر بازارها زده شد، در سوراخها خزیده و دست به جنایاتی ابلهانه زده‌اید که به خیال خام خود ملت شهیدپرور و فداکار را با این اعمال وحشیانه بترسانید، و نمی‌دانید که در قاموس شهادت واژهٔ وحشت نیست. اکنون اسلام به این شهیدان و شهیدپروران افتخار می‌کند و با سرافرازی همهٔ مردم را دعوت به پایداری می‌نماید، و ما مصمم هستیم که روزی رخش ببینیم و این جان که از اوست تسلیم وی کنیم.

---

۱. بخشی از آیه ۱۲ سوره محمد: «همانند حیوانات می‌خورند و می‌درند».

ملت ایران در این فاجعهٔ بزرگ ۷۲ تن بیگناه به عدد شهدای کربلا از دست داد. ملت ایران سرافراز است که مردانی را به جامعه تقدیم می‌کند که خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرده بودند و دشمنان خلق گروهی را شهید نمودند که برای مشورت در مصالح کشور گرد هم آمده بودند. ملت عزیز، این کوردلان مدعی مجاهدت برای خلق،[۱] گروهی را از خلق گرفتند که از خدمتگزاران فعال و صدیق خلق بودند. گیرم که شما با شهید بهشتی که مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار در چشم دشمنان اسلام و خصوص شما بود دشمنی سرسختانه داشتید، با بیش از هفتاد نفر بیگناه که بسیاری شان از بهترین خدمتگزاران خلق و مخالف سرسخت با دشمنان کشور و ملت بودند چه دشمنی داشتید؟ جز آنکه شما با اسم خلق از دشمنان خلق و راه صاف کنان چپاولگران شرق و غرب می‌باشید. ما گر چه دوستان و عزیزان وفاداری را از دست دادیم که هر یک برای ملت ستمدیده استوانهٔ بسیار قوی و پشتوانهٔ ارزشمند بودند، ما گر چه برادران بسیار متعهدی را از دست دادیم که ﴿اشداء علی الکفار رحماء بینهم﴾[۲] بودند و برای ملت مظلوم و نهادهای انقلابی سدی استوار و شجره‌ای ثمربخش به شمار می‌رفتند، لکن سیل خروشان خلق و امواج شکنندهٔ ملت با اتحاد و اتکال به خدای بزرگ هر کمبودی را جبران خواهد کرد. ملت ایران با اعتماد به قدرت لایزال قادر متعال همچون دریایی مواج به پیش می‌رود و در مقابل ابرقدرتها و تفاله‌های آنان با صفی مرصوص[۳] ایستاده است، و شما درماندگان عاجز را که در سوراخها خزیده اید و نفسهای آخر را می‌کشید به جهنم می‌فرستد و خداوند بزرگ پشت و پناه این کشور و ملت است.

---

۱. اشاره به سازمان تروریستی منافقین، که نام خود را سازمان مجاهدین خلق نهاده اند.

۲. بخشی از آیه ۲۹ سوره فتح: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم. محمد (ص) فرستاده خداست و کسانی که با اویند، بر کفار سخت می‌گیرند و به خویشتن مهربانند».

۳. استوار و مستحکم.

اینجانب بار دیگر این ضایعهٔ عظیم را به حضور بقیة الله ـ ارواحنا له الفداء ـ و ملتهای مظلوم جهان و ملت رزمندهٔ ایران تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. من با بازماندگان شریف و عزیز این شهدا در غم و سوگ شریک و رحمت واسعهٔ خداوند رحمان را برای این مظلومان و صبر و شکیبایی را برای بازماندگان محترم آنان از درگاه خداوند متعال خواستارم. رحمت خدا و درود بی‌پایان ملت بر شهدای انقلاب از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۷ تیرماه ۶۰، و سلام و تحیت بر مظلومان جهان و مظلومان ایران در طول تاریخ.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۵ شهریور ۱۳۶۰/ ۷ ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از مقام شهیدان: علی قدوسی «دادستان کل انقلاب» و وحید دستجردی «رئیس شهربانی»
مناسبت: شهادت شهید علی قدوسی و سرهنگ وحید دستجردی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

باکمال تأسف و تأثر حجت الاسلام شهید قدوسی به دوستان شهید خود پیوست.[۲] شهیدی عزیز که سالیان دراز در خدمت اسلام بود؛ و اخیراً مجاهدات او در راه انقلاب بر همگان روشن است. اینجانب سالیان طولانی از نزدیک با او سابقه داشتم، و آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می‌شناختم. شهادت بر او مبارک و وفود الی الله و خروج از ظلمات به سوی نور بر او ارزانی باد. راهی است که باید پیمود و سفری است که باید رفت. چه بهتر که در

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱ تا ۳.

۲. ساعت ۲۰: ۲۰ دقیقه روز ۱۳٦۰/٦/۱٤ بر اثر انفجار بمب آتشزای قوی که به وسیله تروریستهای عضو گروهک منافقین در محل دادستانی کل انقلاب اسلامی (تهران) نصب شده بود، آقای علی قدوسی، (دادستان کل انقلاب) به شهادت رسید.

حال خدمت به اسلام و ملت شریف اسلامی شربت شهادت نوشیدن و با سرافرازی به لقاءالله رسیدن. و این همان است که اولیای معظم حق تعالی آرزوی آن را می‌کردند و از خدای بزرگ در مناجات خود طلب می‌کردند.

گوارا باد شربت شهادت بر شهدای انقلاب اسلامی، و خصوص شهدای أخیر ما، که با دست جنایتکار منفورترین عناصر پلید به جوار رحمت حق شتافتند، و افتخار برای اسلام و ننگ و نفرت برای دشمنان دژخیم ملت شریف آفریدند.

اینجانب شهادت دادستان کل انقلاب و سرهنگ وحید دستجردی،[1] که در رأس شهربانی و قوای انتظامی در حال انجام وظیفه بودند و بدین تحفهٔ الهی نایل شدند، را به ملت ایران و به حوزهٔ علمیهٔ قم و به قوای مسلح تبریک و تسلیت عرض می‌کنم؛ و از خدای تعالی رحمت برای آنان و صبر و شکیبایی برای خانوادهٔ محترمشان خواستارم. ننگ و خسران برکسانی که گمان می‌کنند با این شرارتها ملت شریف ایران راکه برای اقامهٔ عدل اسلامی قیام نموده اند از صحنهٔ مبارزه باکفر خارج می نمایند و تن به عار و ذلت ابرقدرتهای جنایتکار می‌دهند. این کوردلان شکست خورده نمی‌بینند که مادران و پدران و فرزندان و همسران این شهدا چون قهرمانان صدر اسلام به شهادت اینان افتخار می‌نمایند و چون کوهی در مقابل حوادث ایستاده‌اند. گویی اینان از شدت یأس به جنون کشیده شده‌اند؛ و چون خود را مطرود ملت مسلمان می‌بینند، از ملت ایران انتقام می‌کشند.

---

۱. آقای وحید دستجردی، رئیس کل شهربانی جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۸ در جریان بمبگذاری منافقین که منجر به شهادت رئیس جمهور «محمدعلی رجایی» و نخست وزیر «محمد جواد باهنر» گردیده بود، بشدت دچار سوختگی و جراحت شد و سرانجام بر اثر شدت جراحات وارده در تاریخ ۱۳۶۰/۶/۱٤ به درجه رفیع شهادت و لقاء الله واصل گردید. پیکر پاک شهید قدوسی و شهید دستجردی در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳٦۰ در مراسمی با شکوه و با حضور انبوه جمعیت عزادار از مدرسه عالی شهید مطهری تهران تشییع شد.

از خداوند تعالی هدایت برای جوانان گول خورده، و خذلان برای سران از خدا بیخبر آنها خواستارم.

سلام و درود بر شهیدان راه حق. رحمت بر شهدای اخیر اسلام. والسلام علی من اتبع الهدی. روح الله الموسوی الخمینی(۱)

◘ پیام

زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۶۰/ ۱۳ ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از شخصیت شهید محراب، امام جمعهٔ تبریز بیان جنایات امریکا

مناسبت: شهادت آقای مدنی، به دست یک منافق تروریست مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

با شهید نمودن یک تن دیگر از ذریهٔ رسول الله و اولاد روحانی و جسمانی شهید بزرگ امیرالمؤمنین سند جنایت منحرفان و منافقان به ثبت رسید. سید بزرگوار و عالم عادل عالیقدر و معلم اخلاق و معنویات، حجت‌الاسلام والمسلمین، شهید عظیم‌الشأن، مرحوم حاج سیداسدالله مدنی ـ رضوان‌الله‌علیه ـ همچون جد بزرگوارش در محراب عبادت به دست منافقی شقی به شهادت رسید.(۲) اگر با به شهادت رسیدن مولای متقیان اسلام محو و مسلمانان نابود شدند، شهادت امثال فرزند عزیزش شهید

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۳ تا ۱۷۴.

۲. آقای سیداسدالله مدنی، نماینده امام وامام جمعه تبریز در حالی که پس از اقامه نماز جمعه در روز ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ در میدان نماز شهر تبریز مشغول نماز مستحبی بود، بر اثر انفجار نارنجک دستی که به وسیله یک تروریست عضو منافقین منفجر گردید، به شهادت رسید. در این فاجعه سه تن دیگر از نمازگزاران شهید و حدود پنجاه نفر نیز مجروح شدند. به این مناسبت در استان آذربایجان اعلان عزای عمومی شد و در روز ۲۱ شهریور ۱۳۶۰ مردم غیور این استان در یکی از بی نظیرترین مراسم سوگواری خویش پیکر پاک آقای مدنی را تشییع نمودند. و در روز ۲۲ شهریور مراسم تشییع آن شهید عزیز همراه با پیکر پاک آقای شهاب الدین اشراقی «داماد امام خمینی» با حضور گسترده مردم و علمای قم برگزار گردیده و هر دو در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شدند.

مدنی هم آرزوی منافقان را برآورده خواهد کرد. اگر خوارج سیاه بخت از شهادت ولی‌الله‌الاعظم طرفی بستند و به حکومت رسیدند، این گروهکهای خائن نیز به آمال خبیث خود، که سقوط حکومت اسلام و برقراری حکومت امریکایی است، می‌رسند. آنان لعنت خداو رسول و ننگ ابدی را برای خود، و اینان عذاب ابدی خدا و نفرت و لعنت قادر متعال و امت اسلام را برای خود و هم پیمانان و اربابان خونخوار خویش، به بار آوردند. ملت بزرگ و روحانیون معظم چون صفی مرصوص ایستاده‌اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری بیفتد سردار دیگری آن را برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلامی به کوشش برخیزد. شهید مدنی با شهادت مظلومانهٔ خود ضدانقلاب و منافقین ضداسلام را بکلی منزوی کرد. این چهرهٔ نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند. و از چهره‌های کم نظیری بود که به حد وافر از علم و عمل و تقوا و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود. به شهادت رساندن چنین شخصیتی به تمام معنا اسلامی همراه با تنی چند از فرزندان اسلام و یاران باوفای انقلاب اسلامی در میعادگاه نماز جمعه و در حضور جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد. اگر تا امروز برای جنایتها و شرارتهای خود بهانه‌های بی پایه‌ای می‌تراشیدند، در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی‌اندیشید بهانه ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی‌توانند بتراشند. انتقام از اسلام، که آن را اساس سقوط دستگاههای جبار و شکست ابرقدرتها در ایران و پس از آن در منطقه می‌بینند و از ملت قدرتمند که پشت بر آنان نموده و کاخهای آمال و آرزوی آنان را در هم کوبیده و تمامی آنان را از صحنه تا ابد بیرون رانده است، می‌گیرند. مردم رزمندهٔ ایران و خصوص مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و عالم عالیقدری را از دست داده‌اند و حریف شکست خوردهٔ خود را می‌شناسند با عزمی جزم و اراده‌های خلل ناپذیر انتقام خود را از آنان می‌گیرند.

اینجانب شهادت این مجاهد عزیز عظیم و یاران با وفایش را به پیشگاه اجداد طاهرینش، خصوصاً بقیةالله ـ ارواحناله‌الفداء ـ و به ملت مجاهد ایران و اهالی غیور و شجاع آذربایجان و به حوزه‌های علمیه و خاندان محترم این شهیدان تبریک و تسلیت می‌گویم.

خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است. و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریهٔ طیبهٔ آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است. درود خداوند و سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت. و رحمت بی‌پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ. و افتخار و سرفرازی بر فرزندان پرتوان پیروزی آفرین اسلام و شهدای راه آن. و ننگ و نفرت و لعنت ابدی بر وابستگان و پیروان شیاطین شرق و غرب، خصوصاً شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار که با نقشه‌های شیطانی شکست‌خوردهٔ خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و اسلام بزرگ قیام نموده و هزاران شهید و معلول تقدیم نموده با این دغلبازیها می‌تواند سست کند و یا از میدان به در برد. اینان پیروان سید شهیدانند که در راه اسلام و قرآن کریم از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود. و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و رحمت برای شهیدان، خصوصاً شهدای اخیرمان، و بالأخص شهید عزیز مدنی معظم، و سلامت کامل برای مجروحین این حادثه، و صبر و استقامت برای ملت بزرگ، خصوصاً آذربایجانیهای عزیز و بازماندگان شهیدان، خواهانم. سلام و درود بر همگان. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۲۵ تا ۲۲۷.

▣ پیام

زمان: ۸مهر ۱۳۶۰ / ۱ذی‌الحجه ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
مناسبت: شهادت جمعی از رزمندگان و از جمله فرماندهان نظامی مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

با کمال تأثر و تأسف خبر دلخراش سانحهٔ هوایی یک فروند هواپیمای نیروی هوایی که حامل شهدا و مجروحین جنگ اخیر بود و منجر به شهادت جمعی از خدمتگزاران به اسلام و ملت شهید پرور ایران گردید، که در بین آنان تیمسار سرلشکر ولی الله فلاحی، تیمسار سرتیپ نامجو، تیمسار سرتیپ فکوری و آقای کلاهدوز بودند واصل گردید.[1] اینان خدمتگزاران رشید و متعهدی بودند که در انقلاب و پس از پیروزی با سرافرازی و شجاعت در راه هدف و در حال خدمت به میهن اسلامی به جوار رحمت حق تعالی شتافتند.

امید است که پس از پیروزی شرافت آفرین برای ملت و پس از زحمات طاقتفرسا در راه هدف و عقیده، روسفید و سرافراز به پیشگاه مقدس ربوبی وارد و مورد رحمت خاصه واقع شوند. شک نیست که همه باید این راه را برویم و به سوی حق و سرنوشت خویش بشتابیم؛ پس چه سعادتی بالاتر از آنکه در حال جهاد با دشمنان اسلام و خدمت به حق و خلق و مجاهدت در راه هدف و شرف این راه طی شود. و چه سعادتمند بودند این شهیدان که دین خود را به اسلام و ملت شریف ایران ادا نموده و به جایگاه مجاهدین و شهدای اسلام شتافتند. اکنون بر ملت ایران و خصوص قوای مسلح است که با شجاعت و قدرت و مجاهدت و افزودن پشتکار، یاد

---

۱. ساعت ۱۹ هفتم مهر ماه ۱۳٦۰ یک فروند هواپیمای سی ۱۳۰ متعلق به ارتش جمهوری اسلامی ایران که از مناطق جنگی به تهران عزیمت می‌کرد در حومه جنوبی تهران (کهریزک) به علت نامعلومی دچار سانحه گردید و سقوط کرد. و فرماندهان نظامی آقایان: ولی الله فلاحی، موسی نامجو، جواد فکوری، یوسف کلاهدوز، و محمد جهان آرا به شهادت رسیدند.

آنان را زنده و به جهاد چون آنان ادامه دهند. و در جبهه و پشت جبهه پیروزی آفرینند و به پیش روند، و دل دشمنان کوردل را که با شهادت هر یک از رزمندگان ما وعدهٔ شیطانی به خود می‌دهند لرزنده تر کنند و به آنان بفهمانند کسانی که برای هدف و عقیده جهاد می‌کنند و از میهن عزیز خود دفاع می‌نمایند، از شهادت این عزیزان سستی و هراسی به خود راه نمی‌دهند. جوانان رزمنده و شجاع ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح پیروان شهید جاویدی[۱] هستند که تاریخ می‌گوید هر یک از جوانان و یاران او که به شهادت می‌رسیدند، رخسار مبارکش افروخته تر و آثار شجاعت و تصمیم در او بارزتر می‌گردید، و یادگار شجاعان صدر اسلام هستند که پرچم از دست هر یک از فرماندهان می‌افتاد دیگری پرچم را می‌گرفت و به رزم در راه هدف ادامه می‌داد. ما گر چه عزیزان ارزشمندی را از دست دادیم، لکن هدف به قوت خود باقی و فرزندان اسلام با ارادهٔ آهنین و تصمیم قاطع از اسلام و میهن عزیز خود دفاع می‌کنند، و هر چه بیشتر برای خود و میهن خود افتخار می‌آفرینند تا کوردلان و منافقان و پناهندگان در دامن غرب بدانند تا ملت ایران و قوای مسلح شجاع زنده است برای غرب و شرق و غربزده و شرقزده در کشور بقیة الله اعظم جایی نیست. اینجانب این ضایعهٔ اسفناک را به ملت ایران و ارتش و سپاه و سایر قوای مسلح و فرماندهان شریف آنها و به خانوادهٔ محترم شهدا تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. این شهدا و شهدای عزیز ما که در راه هدف و آرمان اسلامی به شهادت رسیدند موجب سرافرازی و افتخار هم میهنان و قوای مسلح و خانواده‌های عزیز خود شدند. از خداوند متعال برای آنان رحمت و برای ملت و بازماندگان شهدای عزیز سعادت و صبر می‌طلبم. والسلام علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. امام حسین (ع).

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ٢٦٣ تا ٢٦٤.

▣ پیام

زمان: ۲۰ آذر ۱۳۶۰/۱۴ صفر ۱۴۰۲ — مکان: تهران، جماران

موضوع: شهادت نماینده امام و امام جمعه شیراز — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

شهادت برای فرزندان اسلام و ذریهٔ پیامبر عظیم‌الشأن ـ صلی‌الله علیه و آله ـ و اولاد فاطمه ـ علیهم السلام ـ و یادگاران حسین ـ سلام‌الله علیه ـ در راه هدف و اسلام عزیز و قرآن کریم چیزی غیرعادی و پدیده ای غیر معهود نیست.

ملت بزرگ اسلام از محراب مسجد کوفه تا صحرای افتخارآمیز کربلا و در طول تاریخ پر ارزش سرخ تشیع قربانیانی ارزشمند به اسلام عزیز و فی سبیل الله تقدیم نموده و ایران شهادت طلب هم از این پدیدهٔ سعادتمند مستثنا نیست، و انقلاب اسلامی گوش و چشمش پر از این شهیدان حسین گونه است. ملت عزیز ما در روز رستاخیز با سرافرازی در پیشگاه مقدس خدای بزرگ و پیامبران و اولیای عظیم‌الشأن، صفهای طولانی از شهیدان در راه دفاع از حق عرضه می‌دارد؛ از علمای اعلام و ائمهٔ جمعه و جماعت تا فداکاران و سربازان در جبهه‌های دفاع از حریم مقدس اسلام. پیامبر بزرگ اسلام که بر امم دیگر حتی به سقط، مباهات می‌کند، مطمئن هستیم به فداکاری این عزیزان جبهه و پشت جبهه و این شهیدان محراب و منبر و در صف جماعات و در داخل مسجدها و بیمارستانها مباهات می‌فرماید. و چه بهتر و گواراتر که با شهادت این فرزندان اسلام و ذریهٔ طاهره بر افتخارات آن بزرگوار در روز عرض اعمال هرچه بیشتر بیفزاییم.

عزیزان و نور چشمان ما در جبهه‌های جنوب و غرب هر روز با سرکوبی اشرار امریکایی و عقب راندن و به جهنم فرستادن جنود شیطان، برای اسلام سربلندی و عظمت خلق می‌نمایند، به طوری که تاب تحمل این پیروزی‌ها را از

امریکاییان خارج و داخل، منافق و منحرف، سلب نموده و بر جنون و وحشیگریهای آنان افزوده است. شما فرضاً شهید بهشتی را گناهکار بدانید، شهدای دیگر مثل شهید مدنی و شهید دستغیب، که جز تربیت محرومان و هدایت مردم گناهی نداشته اند، با چه انگیزه شهید می‌کنید. شما به گمان خود اگر اینان را به جرم وفاداری به اسلام و طرفداری از محرومان و مظلومان مستحق قتل می‌دانید اطفال معصومی که در گهواره جای دارند و زبان باز نکرده‌اند چه گناهی دارند؛ جز آنکه اطفال مسلمانانی هستند که مخالف سلطهٔ امریکا به جان و مالشان می‌باشند؟![1]

امروز روز جمعه و نماز و عبادت، دست جنایتکار امریکائیان یک شخص ارزشمند که مربی بزرگ و عالمی عامل، که گناهش فقط تعهد به اسلام بود، از دست ملت ایران و اهالی محترم فارس گرفت و حوزه‌های علمیه و اهالی ایران را به سوگ نشاند. حضرت حجت الاسلام و المسلمین شهید حاج سید عبدالحسین دستغیب را که معلم اخلاق و مهذّب نفوس و متعهد به اسلام و جمهوری اسلامی بود با جمعی از همراهانش به شهادت رساندند و خدمت خود را به ابرقدرت و ابرجنایتکار زمان ایفا کردند، به گمان آنکه به ملت رزمندهٔ ایران آسیب رسانند و آنان را در راه هدف به سستی بکشند. این کوردلان نمی‌بینند که در هر شهادتی و در هر جنایتی ملت متعهد به اسلام و کشور مصمم تر و در صحنه حاضرترند؟ اینان پس از بمباران شهرها در جنوب و غرب و قتل عامهای فجیع مردم بی پناه، فریاد «جنگ جنگ تا پیروزی» را نشنیده اند که ملت وفادار، شهادت را در راه خداوند با آغوش باز پذیرا هستند؟ یا می‌خواهند شکستهای لشکر کفر را و آتشی که به جان دوستان و اربابانشان از

---

۱. اشاره به ترورهای کور منافقین و عوامل امریکا که پس از فرار سرکرده سازمان تروریستی منافقین به فرانسه و پناه گرفتن در دامان حمایتهای امریکا و دولتهای اروپایی، عوامل این سازمان در ایران دست به جنایتهای بی‌سابقه زدند.

پیروزی رزمندگان ایران افتاده است با خون این مردان خدا فرونشانند؟ اینک سزاوار است اصحاب نظر و ارباب تحلیل در این شرارتها و جنایتها فکر کنند که انگیزهٔ آنکه در هر پیروزی و دنبال هر شکست حزب بعث امریکایی یک جنایت بزرگ از این منافقان و منحرفان واقع می‌شود چیست. از باب اتفاق نمی‌شود باشد که دنبال پیروزی آبادان جنایتی واقع، و دنبال فتح بستان، باز جنایتی و امروز به دنبال فتح عظیم در غرب و شکست مفتضحانهٔ دشمنان اسلام، این جنایت بزرگ واقع شد آیا اینها هم من باب اتفاق است یا حساب شده یا دیکته شده عمل می‌شود؟ آیا ما این بزرگان، علما و معلمان ارزشمند را برای جبران شکست امریکا در منطقه و صدام امریکایی در جبهه‌ها از دست می‌دهیم ؟ رحمت خداوند بر این مجاهدان عظیم‌الشأن که شهادتشان پیروزی اسلام را بیمه می‌کند و ننگ و نفرت بر امریکای جنایتکار و دست نشاندگان و هواداران آن.

اینجانب این ضایعه بزرگ و فاجعه اسفناک را بر حضرت مهدی ارواحنا فداه و ملت شجاع ایران و اهالی معظم استان فارس و خانواده آن شهید تسلیت می‌دهم و به پیشگاه مقدس پیامبر اسلام این فداکاریهای ملت اسلام و مجاهدات قشرهای مختلف ایران را تبریک عرض می‌کنم، و برای خاندان این شهید پرافتخار از خداوند تعالی توفیق صبر و بردباری و سلامت طلب می‌نمایم.

سلام بر مجاهدان بزرگوار اسلام، و درود بر رزمندگان غرب و جنوب، و تهنیت بر نیروهای نظامی و مردمی پیروزی آفرین در جبههٔ غرب. از خداوند تعالی پیروزی نهایی لشکر اسلام را بر قدرتهای شیطانی مسئلت می‌نمایم. والسلام علی عباد الله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ٤۱۷ تا ٤۱۹.

▣ پیام

زمان: ۱۱ تیر ۱۳۶۱ / ۱۰ رمضان ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران

موضوع: پیام به مناسبت شهادت آقای صدوقی (نماینده امام و امام جمعه یزد)[1]

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

طبع یک انقلاب، فداکاری است. لازمهٔ یک انقلاب، شهادت و مهیا بودن برای شهادت است. قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب‌ناپذیر است، بویژه انقلابی که برای خداست و برای دین او، برای نجات مستضعفان است و برای قطع امید جهانخواران و مستکبران. ما در هر جمعه و در هر جماعت و در هر محفل اسلامی و در هر گردهمایی برای یاری الله در انتظار قربانی هستیم و در انتظار شهادت.

قربانی برای یک انقلاب بزرگ نشانه یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است. بی‌جهت نیست که دربارهٔ سید شهیدان جهان، منقول است که هرچه یاران بزرگوارش از دست می‌رفتند و هر چه به ظهر عاشورا نزدیکتر می‌شد رنگ مبارکش

---

۱. «شهید محراب» آقای محمد صدوقی، از علمای مجاهد و از یاران دیرین امام خمینی و از فعالان نهضت امام در مبارزه علیه رژیم شاه بود. وجود او در استان یزدپایگاهی برای حمایت از انقلاب اسلامی محسوب می‌شد. کمکهای مالی فراوان مردم نیکوکار و مؤمن یزد با هدایت وی پشتوانه ای برای مبارزین محسوب می‌شد. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی خدمات ارزنده ایشان، به عنوان نماینده امام وامام جمعه یزد در امور خدماتی و عمرانی و تأسیس مراکز و بنیادهای خیریه در استان و در سطح کشور بویژه درکمک رسانی به آسیب دیدگان از بلایای طبیعی نظیر سیل و زلزله و ... زبانزد بود. وی سرانجام پس از عمری جهاد علمی و عملی، و در اوج نیک‌نامی، در حالی که برای اقامه نماز عازم محراب عبادت بود، بر اثر انفجار بمب عوامل سازمان تروریستی منافقین به شهادت رسید.

افروخته تر و ابتهاجش زیادتر می‌شد؛ هر شهیدی که می‌داد یک قدم به پیروزی نزدیکتر می‌شد. مقصد، عقیده است و جهاد در راه آن و پیروزی انقلاب، نه زندگی و دنیا و رنگ و بوی ننگین آن. این شهادتهاست که به ملت ما وعدهٔ پیروزی نهایی می‌دهد. مگر اسلام از شهادت ۷۲ تن برگزیدگان خدا در حکومت جبار بنی امیه خسارت دید؟ و انقلاب عظیم ایران از شهادت هفتاد و چند تن در یک لحظه و هزاران جوانان بزرگوار عاشق خدا و شهادت خسارت دید، که ما خوف خسارت در شهادت عالمی بزرگوار و بزرگی متعهد و فداکار داشته باشیم. مگر فقهای ارجمند و ائمهٔ جمعه و جماعت والا مقام که در صف مقدم انقلاب بودند و هستند نباید در صف مقدم شهدا و جانبازان در راه دوست باشند. چه کسی اولیٰ به شهادت است در زمانی که کفر بنی امیه اسلام را تهدید می‌کرد، از فرزند معصوم پیامبر اسلام و فرزندان و اصحاب او؟ و چه کسی اولیٰ به شهادت است در عصری که استکبار جهانی و فرزندان خلف آن در داخل و خارج، اسلام عزیز را تهدید می‌کنند، از امثال شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام شهید صدوقی عزیز ـ رضوان الله علیه ـ شهید بزرگی که در تمام صحنه‌های انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود، و وقت عزیزش صرف در راه پیروزی اسلام و رفع مشکلات انقلاب می شد، و برای خدمت به خلق و انقلاب سر از پا نمی‌شناخت. هر جا زلزله می‌شد شهید صدوقی برای ترمیم خرابیها آنقدر که توان داشت حاضر؛ هر جا که سیل می‌آمد او بود که در صف مقدم برای دستگیری خلق خدا حاضر بود. در جبهه‌ها او و دوستان او و امثال او بودند که هر چند یک دفعه سرکشی کرده و آرامش قلب خلق الله بودند. این مدعیان خدمت به خلق و قیام برای خلق که در بیغوله‌ها خزیده و در حال انقلاب به چپاول اسلحه و مهمات بیت المال خلق فعالیت شبانه روزی نمودند، اینک که خداوند تعالی چهرهٔ کریهشان را آشکار کرد و دستشان را از مال و جان خلق الله کوتاه

نمود، چنین خدمتگزارانی را از این خلق می‌گیرند، و چون دزدان از سوراخ درآمده و غافلگیرانه اینگونه مردان فداکار برای ملت و توده‌های محروم را از محرومین می‌ستانند و آن را به حساب قدرت خویش می‌آورند و فتحی بزرگ برای خود و اربابان خود می‌دانند، و با تمام رسوایی باز خود را برای حکومت این ملت اسلامی مهیا می‌کنند. غافل از آنکه هر شهادتی ملت را به هدف بزرگ نزدیکتر می‌کند، و آنان را در پیشگاه حق و خلق رسواتر و بی آبروتر. ما در عین حال که از شهادت و فقدان این بزرگان خدمتگزار به اسلام و محرومین در سوگیم، از نزدیک شدن به هدف اعلا که قطرات خون این شهیدان آن را نوید می‌دهند، دلگرم و خرسندیم. آنچه پیش ما مطرح است هدف بزرگ و شخصیتهای این بزرگمردان شهید است که بحمدالله هدف نزدیک و شخصیتهای اینان بارزتر و بزرگتر می‌شود. اینجانب دوستی عزیز که بیش از سی سال با او آشنا و روحیات عظیمش را از نزدیک درک کردم از دست دادم، و اسلام خدمتگزاری متعهد را، و ایران فقیهی فداکار، و استان یزد سرپرستی دانشمند را از دست داد؛ و در ازای آن به هدف نهایی که آمال این شهیدان است نزدیک شد. من به پیشگاه مقدس بقیة الله الاعظم ـ روحی فداه ـ و ملت عزیز و اسلام عزیزتر تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند تعالی برای آن شهید عظیم رحمت و مغفرت، و برای ملت بزرگ بویژه یزد متعهد صبر و اجر، و برای خاندان محترم این بزرگوار خصوصاً فرزند برومند عزیزش صبر جمیل و اجر جزیل، خواهانم. از خداوند متعال پیروزی اسلام و سرنگونی کفر را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

۱. صحیفه امام، ج ١٦، ص ٣٦٧ تا ٣٦٩.

◙ پیام

زمان: ۲۳ مهر ۱۳۶۱ / ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شخصیت شهید محراب آقای اشرفی اصفهانی [۱] و محکومیت اقدام منافقین
مناسبت: شهادت شهید محراب آقای اشرفی اصفهانی مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

چه سعادتمندند آنان که عمری را در خدمت به اسلام و مسلمین بگذرانند، و در آخر عمر فانی به فیض عظیمی که دلباختگان به لقاء الله آرزو می‌کنند نایل آیند. چه سعادتمند و بلند اخترند آنان که در طول زندگانی خود کمر همت به تهذیب نفس و جهاد اکبر بسته، و پایان زندگانی خویش را در راه هدف الهی با سرافرازی به خیل شهدای در راه حق پیوستند. چه سعادتمند و پیروزند آنان که در نشیب و فرازها و پست و بلندیهای حیات خویش به دامهای شیطانی و وسوسه‌های نفسانی نیفتاده، و آخرین حجاب بین محبوب و خود را با محاسن غرق به خون خرق نموده [۲] و به قرارگاه مجاهدین فی سبیل الله راه یافتند. چه سعادتمند و خوشبخت اند آنان که به دنیا و زخارف آن پشت پا زده و عمری را به زهد و تقوا گذرانده و آخرین درجات سعادت را در محراب عبادت و در اقامهٔ جمعه با دست یکی از منافقین و منحرفین شقی، فائز و به والاترین شهید محراب که به دست خیانتکار اشقی الاشقیاء به ملأ اعلا شتافت، ملحق شدند.

---

۱. آقای عطاءالله اشرفی اصفهانی، نماینده امام وامام جمعه کرمانشاه از علمای وارسته و از شاگردان امام خمینی، و شخصیتی ذینفوذ بود و مورد علاقه و اعتماد مردم استان کرمانشاه، که در روز جمعه ۱۳٦۱/۷/۲۳، ساعت ۱۲/۱۵ ظهر، در مسجد جامع کرمانشاه، در حال استماع سخنان سخنران قبل از خطبه‌های نماز جمعه، به دست یک تروریست عضو سازمان منافقین به شهادت رسید.

۲. خرق نمودن : شکافتن، از میان برداشتن «کنایه از اینکه شهیدان با استقبال از شهادت، لباس «انیت» و (خودی) را پاره کرده و به مقام فنای فی الله می‌رسند».

و شهید عزیز محراب این جمعهٔ ما از آن شخصیتهایی بود که اینجانب یکی از ارادتمندان این شخص والا مقام بوده و هستم. این وجود پربرکت متعهد را قریب شصت سال است می‌شناختم. مرحوم شهید بزرگوار حضرت حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا عطاء الله اشرفی را در این مدت طولانی به صفای نفس و آرامش روح و اطمینان قلب و خالی از هواهای نفسانی و تارک هویٰ و مطیع امر مولا و جامع علم مفید و عمل صالح می‌شناسم، و در عین حال مجاهد و متعهد و قوی النفس بود. او در جبههٔ دفاع از حق از جمله اشخاصی بود که مایهٔ دلگرمی جوانان مجاهد بود و از مصادیق بارز ﴿رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا ٱللَّهَ عَلَيْهِ﴾[1] بود. و رفتن او ثلمه[2] بر اسلام وارد کرد و جامعهٔ روحانیت را سوگوار نمود. خداوند او را در زمرهٔ شهدای کربلا قرار دهد و لعنت و نفرین خود را بر قاتلان چنین مردانی نثار فرماید. ننگ ابدی بر آنان که یک چنین شخص صالحی راکه آزارش به موری نرسیده بود از ملت ما گرفتند و خود را در پیشگاه خداوند متعال و در نزد ملت فداکار، منفورتر و جنایتکارتر از قبل معرفی کردند. این بزرگوار مثل سایر شهدای عزیز ما به جوار رحمت حق پیوست، و ملت مجاهد و قوای مسلح سلحشور ما با عزمی راسختر به پیشبرد انقلاب ادامه می‌دهند. و آنان که به ادعای واهی خود کوس طرفداری از خلق را می‌زنند و با خلق خدا آن می‌کنند که همه می‌دانند، در این جنایت عظیم چه توجیهی دارند؟ و با به شهادت رساندن عالمی خدمتگزار و پیرمرد بزرگوار هشتاد ساله چه قدرتی کسب می‌کنند و چه طرفی می‌بندند؟ و آنان که در سوگ این جنایتکاران اشک تمساح می‌ریزند و از جریان حکم خدا دربارهٔ آنان شکایت دارند، چه انگیزه ای دارند؟ آیا انتقام از جمهوری اسلامی به شهادت رساندن یک عالم پارساست، و به آتش کشیدن یک عده کودک و زن و مرد و توده‌های رنجکش است ؟! آیا راه به حکومت رسیدن و

---

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳: «مردانی که راست گفتند در آنچه با خدا پیمان بستند».

۲. رخنه، خلل.

قدرت را به دست آوردن، این نحوه جنایات است ؟!

بارالها، ملت مجاهد ما در این برهۀ زمان با چه حوادثی و با چه چهره‌هایی مواجه است. عصری که حکومتهای مسلمین آنچنانند، و رسانه‌های گروهی آنچنان، و ابرقدرتها اینچنین. عصری که باطل را به صورت حق به خورد مردم می‌دهند و جنایات را به صورت صلح طلبی. عصری که دشمنان اسلام و مسلمین با ملتهای مستضعف، آن می‌کنند که چنگیز نکرد، و اکثر حکومتهای مسلمانان در جنایاتی که بر ملتهای خود می‌رود از جانیان طرفداری می‌کنند. عصری که در خانه اُمن خدا از دشمنان اسلام و جنایتکاران به مسلمین نمی‌شود شکایت کرد. عصری که فریاد مرگ بر اسرائیل و امریکا بر خلاف اسلام تلقی می‌شود. و عصری که برای استقرار حکومت اسلامی و پیاده کردن احکام اسلام در یک کشور، مدعیان اسلام به ستیز نظامی و تبلیغاتی با آن برمی خیزند و با اسلام عزیز به اسم اسلام می جنگند.

بارالها، ملت مجاهد ایران در این عصر جاهلیت و تاریک مظلومند، و بجز اتکال به درگاه تو و اعتماد به عنایات تو پناهی ندارند، و از پیشگاه مبارک تو استمداد می‌کنند. و در راه حق به راه خود ادامه می‌دهند، و از این وحشیگری هراسی به خود راه نمی‌دهند. و عزتی که برای تو و رسول تو و مؤمنین است، برای زندگی عاریت چند روزه از دست نمی‌دهند.

بارالها، از تو رحمت برای شهدای عزیز و بویژه شهید محراب این هفته، و سلامت و سعادت و صبر برای ملت بویژه بازماندگان شهدا و اهالی محترم باختران، و شفای عاجل برای آسیب دیدگان و انتقام از دشمنان اسلام را خواستارم. درود به روان پاک عزیزان شهید. درود بر بازماندگان شهدا. سلام بر آسیب دیدگان و صلوات و سلام خداوند و مقربان درگاهش بر حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤٩ تا ۵۱.

▣ پیام

زمان: ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ / ۶ رمضان ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: شهادت شش تن از اعضای بیت آقای حکیم در عراق
مخاطب: ملت ایران و عراق

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

خبر بسیار أسف انگیز و حیرتبار شهادت شش شخصیت از بیت مرحوم آیت الله حکیم - رحمة الله علیه - به دست جنایتکار ددمنش دهر، صدام عفلقی با کیفیتی که توسط فرزند برومند ایشان جناب حجت الاسلام سید محمد باقر حکیم - حفظه الله تعالی گزارش دادند، هر انسان با وجدانی را که از فطرت انسانی منحرف نشده است متأسف و ناراحت می‌کند. ما در عصری زندگی می‌کنیم که مقدرات ملتهای در بند مظلوم، به دست مشتی جنایت پیشه که خوی سبعیت بر آنان غالب است می‌باشد. دنیا در عصر ما و عصرهایی نظیر آن مبتلا به حکومتهایی بوده است که جز قانون جنگل در آن حکومت نمی‌کند. ما در عصری هستیم که جنایتکاران به جای توبیخ و تأدیب، تحسین و تأیید می‌شوند. ما در عصری به سر می‌بریم که سازمانهای به اصطلاح حقوق بشر، نگهبان منافع ظالمانهٔ ابرجنایتکاران و مدافع ستمکاری آنان و بستگان آنان هستند. ما در منطقه ای به زندگی مرگبار خود ادامه می‌دهیم که اکثر حکام آن چشم و گوش بسته تحت فرمان امریکا، به جنایات اسرائیل و حزب بعث عراق مشروعیت می‌دهند و در هدم اسلام و قرآن کریم کوشش می‌کنند. ما در محیطی گذران می‌کنیم که مظلومان که جرمی جز دفاع از حق ندارند زیر چکمهٔ ستمگران خرد می‌شوند و آخوندهای کثیف درباری به این اعمال وجهه اسلامی می‌دهند. ما و دنیای مسیحیت در عصری هستیم که پاپ، رهبر کاتولیکها به جای آنکه امریکا را در

جنایاتی که به بشریت می‌کند، محکوم کند و پیروان خود را به مقابله با ظالمان برانگیزد، از امریکا پشتبانی می‌کند و به ستمکاران دیگر توصیهٔ همکاری با آن را می‌کند. اکنون در این دنیای مسموم که نفس کشیدن در آن مرگ تدریجی است، تکلیف ملتهای در بند این ابرقدرتها و انگلهای آنان چیست ؟ باید بنشینند و این صحنه‌های جنایت بار را تماشا کنند و با سکوت مجال دهند که دنیا در آتش بسوزد؟ آیا روحانیون، نویسندگان، گویندگان، روشنفکران، متفکران از هر ملت و مذهب که هستند، در این زمان تکلیفی انسانی، مذهبی، ملی و اخلاقی ندارند و باید نقش تماشاگر را در کشورهای خود ایفاکنند؟ و یا آنکه باید این سران و سردمداران باگفتار و نوشتار خود، ملتهای مظلوم دربند را بسیج کنند تا ستمگران را از صحنه خارج نمایند و حکومت را به دست مستضعفان بسپارند، چونان که در ایران با همت ملت بزرگوار شد. آیا در منطقه قدرتی به پایه قدرت رژیم ظالمانهٔ شاهنشاهی و ستمشاهی بود و ملتی همچون این ملت مظلوم دربند بود؟ و دیدید که با دست خالی و ایثار جان و توان در مدت کوتاهی از بندها رها و ستمگران و دزدان را یا در بند کشیدند و یا بیرون راندند. محرومان و ستمدیدگان تاریخ باید خود برخیزند و انتظار نکشند که ستمکاران آنان را از بند نجات دهند.

اینجانب این مصیبت بزرگ را که بر بیت معظم حکیم وارد شده است و شش تن از فرزندان پیامبر عظیم‌الشأن مظلومان را به دست دژخیمان صدام با آن وضع فجیع و رقتبار به شهادت رساندند، به اجداد بزرگ آنان و به اسلام بزرگ و مسلمانان متعهد جهان و به ملت ایران و عراق تسلیت می‌دهم.

باید ملت عراق بدانند که قضیه مربوط به بیت معظم حکیم نیست. اینان که با آن شکنجه‌ها شهید شدند، در راه اسلام عزیز و مصالح ملت عراق به شهادت رسیدند

و به لقاءالله در جوار اجداد معظمشان محشورند. لکن مسئله مهم، اسلام است که اگر به این ملحد مخالف بالذات با اسلام مهلت داده شود، اسلام بزرگ و ملت عزیز عراق را در زیر چکمهٔ دژخیمان جنایتکارش خرد خواهد کرد و به حرث و نسل ملت عراق بس نخواهد کرد. ارتش عراق که از همان ملت هستند و فرزندان همان آب و خاک هستند تا کی تحمل اینگونه ننگها را که این جنایتکار می‌کند، می‌نمایند؟ و عجب آن است که خیرخواهان منطقه به گمان خود برای اصلاح بین حزب بعث و دولت ایران دامن به کمر زده اند و فعالیت می‌نمایند، غافل از آنکه اصلاح با این پلنگ تیزدندان، ستمکاری بود بر مستمندان و اسلام و مسلمین و غافل از آنکه این شخص که به واسطه شکست در جنگ و از دست دادن همه چیز خود آنچنان دیوانه شده است که به هیچ قراردادی پایبند نیست و ملت ایران با آنهمه رنج و درد که از این دژخیم دیده‌اند به هیچ وجه به اصلاح تن در نمی‌دهند و اسلام عزیز اجازت نخواهد داد که با اسم اصلاح، به ملتهای مظلوم، ستمهای فوق طاقت تحمیل شود.

بار دیگر این مصیبت بزرگ را به همهٔ مسلمانان بخصوص خاندان معظم حکیم و جناب حجت الاسلام آقای سید محمد باقر حکیم تسلیت عرض می‌نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۶ رمضان المبارک ۱۴۰۳ ـ ۱۳۶۲/۳/۲۸

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۰۰ تا ۵۰۲.

◙ پیام

زمان: ۷اردیبهشت ۲۵/۱۳۶۳رجب ۱۴۰۴ — مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شخصیت شهید شاه‌آبادی [۱] — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

باکمال تأسف و تأثر شهادت استادزادهٔ محترم، [۲] جناب حجت الاسلام، آقای آقا شیخ مهدی شاه آبادی، را به پیشگاه معظم حضرت بقیة‌الله، أرواحنا لمقدمه الفداء، تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. مبارک باد بر آن حضرت چنین فداکاران و جانبازان در راه هدف بزرگ و اسلام عزیز، که با شهادت افتخارآمیز خود ملت عظیم‌الشأن ایران، بویژه روحانیت عالیقدر، را سرفراز می‌نمایند. این شهید عزیز علاوه بر آنکه خود مجاهدی شریف و خدمتگزاری مخلص برای اسلام بود و در همین راه به لقاءالله پیوست، فرزند برومند شیخ بزرگوار ما بود، که حقاً حق حیات روحانی به اینجانب داشت، که با دست و زبان از عهدهٔ شکرش برنمی آیم. از خداوند متعال برای این شهید سعید و سایر شهدای در راه اسلام رحمت در جوار خود، و برای فامیل معظّم و حضرات آقازادگان محترم شاه آبادی، دامت افاضاتهم، صبر و اجر عظیم خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی [۳]

---

۱. شهید بزرگوار آقای مهدی شاه آبادی، روحانی مبارز و نماینده مردم تهران در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳٦۳ هنگام بازدید از جبهه‌های جنگ تحمیلی در جزیره مجنون بر اثر اصابت ترکش گلوله توپ متجاوزان بعثی به شهادت رسید.

۲. آقای میرزا محمد علی شاه آبادی، پدر شهید مهدی شاه آبادی، از عارفان وارسته بود که امام خمینی سالها از محضر ایشان کسب فیض کرده است.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤۰۷.

◘ پیام

زمان: ۱۸ اسفند ۱۳۶۳ / ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: شهادت ده نفر از علما و روحانیون بیت آقای حکیم و شهادت بیگناهان در انفجارهای لبنان
مخاطب: ملت عراق اعضای بیت آقای حکیم و ملت لبنان

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

فاجعه بزرگ شهادت ده نفر از علما و سادات محترم بیت معظم مرحوم آیت الله حکیم - رضوان الله علیه - به دست جنایتکار رژیم عفلقی عراق[1] موجب کمال تأسف و تأثر گردید و برگی بر جنایات صدام پلید که به هیچ اصلی از اصول انسانیت پایبند نیست، افزود. ما از این جنایتکار که با اعمال خود روی مغول را سفید نموده توقع غیر از این نحو تبهکاریها نداریم. از مرد خونخواری که هر روز دستش تا مرفق به خون بیگناهان در عراق و ایران فرو رفته است جز این انتظاری نیست. تعجب ندارد که این حزب بی‌فرهنگ، هر روز شهرهای ایران را بر روی ساکنین عرب و فارس بیگناه، از زن و مرد و کودک و پیر و جوان فرو ریزد. تعجب نیست که اینان زندانیان بیگناه را چه عراقی و چه ایرانی در شکنجه گاههای خود برخلاف مقررات ملل آزاد شکنجه نمایند. اینگونه اعمال، خوی شیطان صفتان و درندگان منحرف است. تعجب از مدعیان دروغین طرفداران حقوق بشر است که این جنایت پیشگان را در اطراف جهان برای این اعمال تشویق می‌کنند و به آنان کمکهای تسلیحاتی و تبلیغاتی می‌کنند. تعجب از سازمانهای عریض و طویل بین‌المللی است

---

۱. در روز ۱۸ اسفند ۱۳٦۳ خبر تکان دهنده کشتار ده تن از علمای بزرگوار حوزه علمیه نجف که عموماً از منسوبین بیت شریف آقای سید محسن حکیم (از مراجع بزرگ شیعه) بودند، منتشر گردید. شهدای این اقدام جنایتکارانه رژیم صدام عبارتند از حضرات آیات: سید عبد المجید حکیم، عبد الهادی حکیم، سید حسن حکیم، سید حسین حکیم، سید محمدرضا حکیم، سید محمد حکیم، سید عبدالصاحب حکیم، سید ضیاءالدین حکیم، سید بهاءالدین حکیم و سید محمدعلی حکیم.

که گاه باگفتار و گاه با سکوت خود از اینان پشتیبانی می‌کنند. باید ملتهای مظلوم چشم امیدی به اینان نداشته و بدانند که آنها جز در خدمت زورگویان و قدرتمندان نیستند و ابرقدرتها جز در پی مطامع خود نمی‌باشند. این ملتهای مستضعف هستند که باید در مقابل ظالمان و جنایتکاران قیام کنند و با اتکا به خدای تعالی از هیچ قدرتی نهراسند و دست ستمکاران را قطع نمایند. ملت شریف عراق لازم است به ملت ایران و لبنان و فلسطین بپیوندد که خواب را از چشم عفلقیها و صهیونیستها و هواداران آنان بریده و جهان را در چشم آنان تیره و تار نموده‌اند. قوای مسلح قدرتمند ایران آنچنان سیلی به روی سیاه صدام زده است که جنون‌آمیز دست و پای خود راگم کرده و به هر جنایتی دست می‌زند و نسل و حرث را به آتش می‌کشد. ان‌شاءالله تعالی در موقع مقتضی سیلی نهایی را خواهد خورد و کشور عزیز عراق و ایران از شرّ او نجات خواهد یافت.

اینجانب به ملت عراق و بیت معظم مرحوم آیت الله حکیم -رحمة الله علیه- و فرزند شجاع او، حجت الاسلام سید محمد باقر حکیم، این مصیبت جانسوز و سایر مصیبتهای وارده به ملت شریف عراق را تسلیت عرض می‌کنم. چنانچه مصیبتهای وارده به ملت مسلمان لبنان را خصوصاً مصیبتهای انفجارهای أخیر را که موجب شهادت و جراحت جمع کثیری از برادران و خواهران عزیز ما گردید، به ملت لبنان خصوصاً علمای اعلام تسلیت می‌گویم و از خداوند تبارک و تعالی برای همه شهدای در راه حق خصوصاً شهدای اخیر عراق و لبنان طلب رحمت می‌نمایم.

أخیراً باید متذکر شد که این کوردلان که جز امور مادی و شهوات حیوانی از همه چیز غافلند، ملت شریف ما را نشناخته و گمان می‌کنند با شهادت فرزندان عزیز ما می‌توانند آنان را از راهی که انتخاب نموده اند که آن جز اسلام عزیز نیست، منصرف یا سست نمایند.

ملت بزرگ ایران در این چند سال که از جنایات شرق و غرب رنج می‌برد و

عزیزان خود را از دست داده و می‌دهد در هر انفجاری منفجرتر و در هر حملهٔ ددمنشانه ای شجاعانه تر راه خود را در پیش داشته و جلو می‌رود. اینان ندیده‌اند که مادران و پدران شجاع ایران فرزندان و نور چشمان خود را از زیر خروارها خاک بیرون می‌کشند و فریاد «جنگ، جنگ تا پیروزی» سر می‌دهند و از دست‌اندرکاران مقابله به مثل و از سلحشوران جبهه‌ها ادامه جنگ را طلب می‌کنند. درود خدا بر این ملت شجاع و مؤمن که جان می‌دهد و تن به سازش و تسلیم نمی‌دهد.

اینجانب برای شهدای این چند روز ایران که به دست جنایتکاران بعثی عراق صورت گرفت، رحمت و برای آسیب دیدگان شفا و سلامت، و برای بازماندگان و اقربای آنان مقاومت و صبر و اجر، و برای رزمندگان اسلام پیروزی و پایمردی را خواستارم.

صلوات و سلام بر جمیع انبیا و خصوصاً سیدهم و خاتمهم، و بر جمیع اوصیا علیهم السلام ـ و بویژه خاتم الاوصیا ـ روحی فداه ـ و درود بر عبادالله الصالحین.

۱۸ اسفند ۶۳ / ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۰۵

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پیام

زمان: ۱۴شهریور ۱۳۶۷/۲۳محرم۱۴۰۹ — **مکان:** تهران، جماران
موضوع: عرصه تقابل اسلام‌ناب محمدی (ص) بااسلام امریکایی — **مناسبت:** شهادت آقای سیدعارف حسین حسینی
مخاطب: ملت‌مسلمان پاکستان ـ علمای اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و ملت بزرگوار پاکستان ایّدهم الله تعالی ـ پیامها و تلگرافات تبریک و تسلیت شما در رابطه با شهادت جناب حجت‌الاسلام آقای سیدعارف حسین‌الحسینی این یار وفادار اسلام و مدافع محرومان و مستضعفان و این فرزند راستین سید و سالار شهیدان،

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۷۶ تا ۱۷۸.

حضرت ابی عبدالله‌الحسین علیه‌السلام واصل گردید. گرچه این حادثهٔ بزرگ قلوب مسلمانان و خصوصاً روحانیت متعهد اسلام را جریحه دار نمود، ولی مسئله‌ای دور از انتظار ما و ملّتهای مظلوم جهان و خصوصاً ملت بزرگوار پاکستان که خود طعم تلخ استعمار را چشیده است و با مبارزه وجهاد و شهادت استقلال خویش را به دست آورده است، نبود.

دردآشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خون بسته اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه اند و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند. و برای امثال علامه عارف حسین حسینی بشارتی بالاتر از این نبوده است که از محراب عبادت حق عروج خونین ﴿ارجعی الی ربک﴾[1] را نظاره کند، و جرعه وصل یار را از شهد شهادت بیاشامد، و شاهد وصول هزاران تشنه عدالت به سرچشمه نور گردد. بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی نماها در همین است که علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای زهرآگین جهانخواران بوده اند و اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است؛ ولی روحانی نماها در کنف حمایت زرپرستان دنیاطلب، مروّج باطل یا ثناگوی ظلمه و مؤید آنان بوده اند.

تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و امریکای جهانخوار ایستاده باشد. همان گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین لحظه ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد. و عارف حسینی اینگونه بود. و ملتهای اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران «مطهری»ها و «بهشتی»ها و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز، و در عراق «صدر»ها و «حکیم»ها و در

---

۱. بخشی از آیه ۲۸ سوره فجر: «به سوی پروردگارت بازگرد».

لبنان «راغب حرب»ها و «کُریم»ها، و در پاکستان «عارف حسینی»ها، و در تمامی کشورها روحانیون درد آشنای اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ هدف توطئه و ترور می‌شوند.

ملت شریف و مسلمان پاکستان، که بحق ملتی انقلابی و وفادار به ارزشهای اسلامی بوده اند و با ما رابطه دیرینهٔ گرم انقلابی، عقیدتی و فرهنگی دارند، باید تفکر این شخصیت شهید را زنده نگه دارند، و نگذارند شیطان زادگان جلوی رشد اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ را بگیرند. امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیتهای دینی و سیاسی را از یک طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام امریکایی را ازطرف دیگر به آزمایش گذاشته‌اند. ای کاش همهٔ تجاوزات جهانخواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمان پرور افغانستان علنی و رودررو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می‌شکستند؛ ولی راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملتهای اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه داران خدانشناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است، که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما، عارف، حسین، در میان ما بود. وظیفه همه علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند. البته خون این شهیدان عزیز تمامی خاک و خاشاکها را از مسیر اعتلای ارزشهای معنوی ریشه کن می سازد، و همهٔ مروجین باطل را به دریا می‌ریزد؛ ولی نباید از این مسئله غفلت کنیم که امروز روزِ آماده باش همهٔ دشمنان اسلام است، روز بیدار باش همهٔ جهانخواران

است. آن روزی که استعمار شرق و غرب مسلمانان را خواب کرده بود و بر مرکب مراد سوار بود از خطر بزرگ و بالقوه ای به نام اسلام و قرآن سخن می‌گفت. و اما امروز که شوروی و امریکا به دنبال انقلاب مقدس اسلامی ایران صدها ضربهٔ سیاسی و نظامی و فرهنگی خورده اند و در همه جای عالم زنگ خطر اسلام علیه منافع حیاتی‌شان به صدا درآمده است باید با دقت تمام کید وفریب استکبار شرق و غرب را شناخت و خنثی نمود.

ملتهای مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرتها با خود بگذارند، مگر اینکه خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند. ما به حبل ولایت خدا و پیامبر و ائمهٔ معصومین ـ علیهم السلام ـ چنگ زده‌ایم؛ و جداً باید از هر آنچه غیر رضایت آنان است متنفر و بیگانه باشیم، و از این بیگانگی هم برخود فخر و مباهات کنیم.

شهادت جناب حجت الاسلام آقای سیدعارف حسین حسینی، را به روحانیون متعهد اسلام و خانواده محترم این شهید و ملت مسلمان پاکستان تبریک و تسلیت عرض نموده؛ و به همهٔ برادران و خواهران مسلمان خود در آن کشور اطمینان می‌دهم که ایران اسلامی در کنار شما و به عنوان یاری امین و سنگری محکم از شرافت، استقلال، عزت و اعتبار اسلامی تان دفاع خواهد نمود.

اینجانب فرزند عزیزی را از دست داده ام. خداوند تعالی به همه ما توفیق تحمل مصائب و توان ادامه راه پر فروغ شهیدان را بیشتر از پیش کرامت فرماید؛ و توطئه و مکر ستمگران را به خودشان برگرداند؛ و ملت پرکرامت اسلام را در مسیر جهاد و شهادت ثابت قدم نگه دارد. والسلام علی عبادالله الصالحین.

به تاریخ ۲۳ محرّم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۱۹ تا ۱۲۲.

د ـ دفاع مقدس

▣ پیام

زمان: ۱اسفند ۱۳۵۸/ ۳ربیع الثانی ۱۴۰۰ — مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: استقبال جوانان از بسیج عمومی — مناسبت: برگزاری «هفته بسیج»
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب از ملت شریف ایران و از جوانان برومند که از بسیج عمومی استقبال نمودند تشکر می‌کنم. دفاع از اسلام و کشور اسلامی، امری است که در مواقع خطر، تکلیف شرعی، الهی و ملی است؛ و بر تمام قشرها و گروهها واجب است در این موقع حساس که ملت با دشمنان سرسخت و ابرقدرتها خصوصاً امریکا که با مداخلهٔ جنایتکارانهٔ خودش در طول سلطنت غاصبانهٔ محمدرضا پهلوی، ملت ما را از رشد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی بازداشت، و ذخایر این ملت فقیر را به یغما برد، مواجه است، اگر غفلت شود و با قدرت و پشتکار در مقابل دشمنان بشریت خود را مهیا نکند، و با بسیج عمومی که به خواست خداوند متعال هیچ قدرتی نمی‌تواند با آن مقابله کند مهیای دفاع از کشور اسلام نشود، خود را و کشور خود را با دست خود به تباهی کشانده است. من از آنچه تاکنون به همت مردان و زنان با شرف و رزمنده شده است، امید آن دارم که در بسیج همه جانبهٔ آموزش نظامی و عقیدتی و اخلاقی و

فرهنگی با تأیید خداوند متعال موفق شوند، و دورهٔ تعلیمات و تمرینهای عملی نظامی و پارتیزانی و چریکی را شایسته، و به طوری که سزاوار یک ملت اسلامی بپاخاسته است، به پایان رسانند.

بکوشید تا هر چه بیشتر نیرومند شوید در علم و عمل، و با اتکال به خدای‌قادر، مجهز شوید به سلاح و صلاح؛ که خدای بزرگ با شماست؛ و دست قدرتی که قدرتهای شیطانی را در هم شکست پشتیبان جامعهٔ الهی است.

من امیدوارم که این بسیج عمومی اسلامی، الگو برای تمام مستضعفین جهان و ملتهای مسلمان عالم باشد، و قرن پانزدهم قرن شکستن بتهای بزرگ و جایگزینی اسلام و توحید به جای شرک و زندقه و عدل و داد به جای ستمگری و بیدادگری و قرن انسانهای متعهد به جای آدمخواران بی‌فرهنگ باشد.

ای مستضعفان جهان! بپا خیزید و خود را از چنگال ستمگران جنایتکار نجات دهید. و ای مسلمانان غیرتمند اقطار عالم! از خواب غفلت برخیزید و اسلام و کشورهای اسلامی را از دست استعمارگران و وابستگان به آنان رهایی بخشید.

ای ملت شریف ایران! به نهضت اسلامی خود ادامه دهید، و به اجانب هر که باشد اجازه ندهید که در سرنوشت شما دخالت کنند، و به غارتگریها برای همیشه خاتمه دهید، و با قاطعیت از امریکا و هر دولت دیگر که به حمایت خیانتکار به اسلام و ملت محمدرضا پهلوی برخاسته بخواهید که این جانی و اموال مسروقه ملت را به ما برگردانند و تا پیروزی از پای ننشینید.

بارالها! پشتیبان ملت ما و جوانان عزیز ما باش که اینان برای رضای تو بپاخاسته‌اند و با نهضت خود دشمنان دین را از صحنه رانده‌اند: إنک علی کل شیء قدیر[1]. سلام و درود بر ملت بزرگ و بر مبارزان راه حق و استقلال و آزادی.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. بدرستی که تو بر هر چیزی قادری.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

▫ پیام رادیو - تلویزیونی

زمان: ساعت ۷ بعدازظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹/۱۲ ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: حمله صدام به ایران با تحریک امریکا مناسبت: آغاز سال تحصیلی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

تلاش گروهکها در ایجاد اغتشاش

در این موقع که مدارس ایران باید باز بشود و امیدوارم که جوانان ما و اطفال ما با تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی، به مدارس بروند و کار خودشان را شروع کنند، باید به این جمعیتهایی که می‌خواهند نگذارند مدرسه‌های ما باز بشود، توجه داد که شما در یک همچو موقعی که ایران در این وضع واقع است و عراق رسماً اعلام جنگ کرده است به ایران، اگر راست می‌گویید که شما با ملت هستید و نسبت به خلق وفادار هستید، باید شما خودتان در این امر با دولت ایران همراهی کنید و اگر ما دیدیم که شما در مدارس ایجاد یک اغتشاش کردید، ماهیت شما با اینکه مقداری‌اش معلوم است، بیشتر معلوم می‌شود پیش ملت ایران. در یک همچو وقتی که ایران در حال جنگ است با امریکا و این آلت دست امریکا تجاوز کرده است به ایران، شما اگر برای باز شدن مدارس اغتشاش بپا کنید یا شایعه سازی کنید، معلوم می‌شود که شما عمّال امریکا و همدست صدام حسین خبیث هستید. بنابراین، ملت ما باید با آگاهی و با خونسردی به این مسائل توجه کند.

هشدار به رژیم عراق در شروع تجاوز به ایران

بعض نکات باید گفته بشود: یکی اینکه گمان نکند ملت ما که دولت ایران و ارتش ایران عاجز از این است که جواب به اینها بدهد. هر وقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهم داد و به صدام حسین و امثال او خواهم ثابت کرد که اینها، این

اذناب امریکا قابل ذکر نیستند و ما همیشه بنا داریم که در این برخوردها، طوری برخورد بشود که جواب برخورد آنها داده بشود که به ملت عراق خدای نخواسته صدمه ای وارد نشود. لکن ما عازم بر این هستیم، مصمم بر این هستیم که اگر عراق حدّ خودش را نداند و تجاوز را تکرار بکند، ما دستور بدهیم و ملت ما بسیج بشوند و آن وقت برای ملت عراق معلوم باشد که ما با آنها هیچ کار نداریم، بلکه این صدام حسین است که به واسطهٔ تحریک امریکا به ما تجاوز کرده است و ما اگر جوابی به او بدهیم، هرگز به ملت عراق، که برادر ما هستند، مربوط نیست.

امروز من صدای منحوس این آدم را شنیدم؛ یعنی، بیانیه اش را شنیدم. ایشان معلوم می‌شود که تازه مسلمان شده است ! برای اینکه به حضرت امیر، علی بن ابی طالب و امام حسین سلام الله علیهما و اینها تشبث کرده و مردم را می‌خواهد گول بزند. ایشان نمی‌داند که مردم عراق ایشان را می‌شناسند و از اوّلی که این حکومت اشتراکی روی کار آمد و مرحوم آقای حکیم[۱] تحریم کرد و آنها را تکفیر کرد، مردم عراق اینها را شناخته اند و بعد هم از اعمالی که انجام داده‌اند، اینها شناسایی شده‌اند. اینها علمای بزرگ عراق را اعدام کردند. اینکه الآن به شَعب[۲] عراق متوسل می‌شود، اینها شعب عراق را سرکوب کرده‌اند. این صدام حسین، من از اول وقتی که روی کار آمد تنبّه دادم که این دیوانه است، این عقلش درست کار نمی‌کند، و لهذا، با دیوانگی دارد عمل می‌کند و خودش را به هلاکت می‌رساند.

---

۱. آقای سید محسن حکیم «متوفای ۱۳۸۹ قمری» از مراجع تقلید و رهبر شیعیان عراق.

۲. مردم، ملت.

توصیه به ملت در حفظ خونسردی و برخورد با شایعه سازان

من یک صحبت دارم برای ملت ایران و برای ملت عراق و ارتش عراق هم یک صحبت. برای ملت ایران این صحبت را دارم که گمان نکند ملت ایران که ارتش ایران نمی‌تواند جلوی اینها را بگیرد. خیر، ارتش ایران و قوای مسلّح ما، پاسدارهای عزیز ما قادر بر این معنا هستند، لکن تا مسئله جدّی نشود، آنها جداً عمل نمی‌کنند. آن روزی که مسئله جدّی شد، تمام اینها به طور جِدّ، امر می‌کنم که عمل بکنند و عراق را سر جای خودشان بنشانند.

ملت ایران نباید خیال بکنند که جنگی شروع شده است و حالا فرض کنید که دست و پای خودمان راگم کنیم. نه، این حرفها نیست. یک چیزی آوردند و یک بمبی اینجا انداختند و فرار کردند، رفتند. الآن هم دولت ایران جواب آنها را مشغولند که جواب آنها را بدهند و می‌دهند جواب آنها را. قوای بحریه شان[1] بکلی از بین رفته است و قوای بریّه شان[2] هم از بین خواهد رفت. شما خیال نکنید که یک چیزی است. این جنگهای متعددی که واقع شده است یک مقدارش هم نصیب ایران شده است که من هر دو جنگ را یادم هست. هیچ، ابداً مسئله‌ای نیست. شایعات یا چیزهایی را اگر دشمنهای ما، این احزاب مختلفه‌ای که الآن در ایران هستند، این گروهها و گروهکهایی که در ایران هستند، حالا اگر فرصت می‌خواهند به دست بیاورند و شایعه سازی کنند و هی تلفن کنند به این طرف و آن طرف که چه شده است، چه شده، کودتا شده نمی‌دانم این حرفها در کار نیست. این یک دزدی آمده است یک سنگی انداخته و فرار کرده، رفته است سر جایش. دیگر قدرت اینکه تکرار بکنند

---

۱. نیروی دریایی.

۲. نیروی زمینی.

ان‌شاءالله ندارد. من به ملت ایران سفارش می‌کنم که چند جهت را ملاحظه کنند: یک جهت اینکه خونسردی خودشان را حفظ کنند و ابداً توجه به این معنا که یک قضیه‌ای واقع شده است و واقعاً واقع نشده قضیه ای. توجه نکنند به این معنا. یک وقت اغتشاشی از این راه بار نیاید.

یک جهت هم اینکه ممکن است که این اشخاصی که با اسلام مخالفند و با جمهوری اسلامی از اول مخالف بودند، حالا شایع کنند که خود لشکر ایران و ارتش ایران و ژاندارمری ایران دارند خرابکاری می‌کنند تا شما را وادار کنند که با آنها مقابله کنید. خیر، اینطور نیست. ارتش ایران و ژاندارمری ایران وفادارند به ما و مشغولند آنها به کوبیدن عراق. شما گمان نکنید که یک وقت بیایند به شما بگویند که تحریک کنند شماها را به اینکه بروید سراغ مثلاً پادگانها. یک همچو کاری جایز نیست و از معاصی بزرگ اسلام است و مخالف رضای خداست و ابداً به اینها اعتنا نکنید و اگر از این افراد کسی پیدا شد که یک همچو تحریکی کرد، بگیرید او را و تحویل بدهید به کمیته‌هایی که هستند، به آنها تحویلشان بدهید تا آنها را به جزای خودشان برسانند. این حرفی است که ما با ملت ایران داریم که اینها با آرامش، بدون اینکه اصلاً خوفی از چیزی داشته باشند. خوفی در کار نیست اصلاً، چیزی نیست که خوف داشته باشد. یک حرف با ملت ایران است که هم خونسردی خودشان را حفظ کنند و هم این شایعه‌سازها را جلویشان را بگیرند و هیچ اعتنا به شایعه‌ها نکنند. من خودم تماس دارم و همه مطالب پیش من می‌آید. امروز هم آقای رئیس‌جمهور[1] و آقای نخست‌وزیر[2] آمدند اینجا و گزارش دادند اینجا و من هر روزی که محتاج به این بشود

---

۱. آقای ابوالحسن بنی صدر.

۲. آقای محمد علی رجایی.

که بسیجی بکنم، خواهم کرد و ان‌شاءالله،نباید آن روز که یک همچو امری واقع‌بشود.

هشدار به ارتش عراق

و یک حرفی [هم] که با ارتش عراق دارم این است که ارتش عراق با کی جنگ می‌خواهد بکند؟ طرفدار کی هست و مخالف کی ؟ طرفدار صدام است که اشتراکی است و کافر است ؟! بر ضد کی ؟ بر ضد اسلام ؟! ارتش عراق باید بداند که این آدم که حالا آمده است اسم علی بن ابی طالب سلام الله علیه را می‌آورد و اسم حسین بن علی سلام الله علیه را می‌آورد، این دشمن اینهاست؛ این شخص با اینها دشمن است، با اسلام اصلاً دشمن است این. ارتش عراق باید بداند که این جنگ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر و یک همچو جنگی برخلاف رضای خداست و خدای تبارک و تعالی نخواهد بخشید بر آن کسانی که قیام کنند بر ضد اسلام به واسطه همراهی با کفر، که هم خود صدام حسین به حسب حکم شرعی کافر است و هم این طرفدار کفّار است، طرفدار کارتر است و به واسطهٔ طرفداری از کارتر و گرفتن قوا از او، دارد به ایران حمله می‌کند و کارتر این نوکرهای خودش را مثل صدام حسین و مثل سادات و امثال اینها را وادار کرده است که به ایران حمله بکنند یا به ایران صدمه بزنند. ملت عراق و ملت مصر باید بدانند این معنا را که اگر خدای نخواسته با ایران طرف بشوند و ارتش عراق با ایران طرف بشود، طرف شدن با اسلام است و ضرر زدن به اسلام و ضرر زدن به پیغمبر اسلام است به طرفداری از کفر، به طرفداری از صدام، به طرفداری از کارتر.

وظیفه ملت عراق در قیام علیه صدام

ملت عراق باید بدانند که این جرثومهٔ فساد همان طوری دارد با شما عمل

می‌کند که محمدرضا با ایران عمل می‌کرد. ما محمدرضا را بیرون کردیم و شما هم باید این شخص را بیرون بکنید از عراق. تا قیام نکنید و تا مقابله نکنید با این جرثومهٔ فساد، این می‌خواهد اسلام را از بین ببرد و می‌خواهد عربیّت را به خیال خودش آن هم نه اینکه واقعاً عقیده دارد به او می‌خواهد او را جانشین کند و همچو خیالی هم ندارد. می‌خواهد امریکا را دستش را باز کند در این ممالک اسلامی و ما جرممان این است که با امریکا مخالف هستیم. این جرمی که پیش صدام حسین بخشودنی نیست این است که ما برخلاف امریکا هستیم و لهذا، ما را هر چه می‌خواهد، می‌گوید؛ ما را مجوس می‌گوید هستیم. ما که داریم در مملکتمان قرآن را ترویج می‌کنیم، در مملکتمان احکام اسلام را داریم ترویج می‌کنیم و پیاده می‌کنیم به جای آن احکامی که در سابق بوده است، این آقا ما را مجوس می‌داند و خودشان که بر ضد اسلام و بر ضد مسلمین هستند، خودشان را طرفدار علی بن ابی طالب ـ سلام الله علیه ـ و اصحاب رسول الله می‌دانند. باید ملت عراق بداند که این آدم، آدم خطرناکی است برای ملت عراق و خطرش بر ملت عراق زیاد است والّا به ملت ما، او که نمی‌توانند صدمه ای بزنند. او بر ملت عراق خطرناک است. ملت عراق باید با تمام قوا، کوشش کنند که این شخص فاسد را از بین ببرند و این جمعیتی که برخلاف اسلام و برخلاف مصالح اسلام و قرآن دارند عمل می‌کنند، آنها را از بین ببرند.

و سربازهای ارتش عراق و صاحب منصبهای ارتش عراق باید بدانند که جنگ با ایران، جنگ با اسلام است، جنگ با قرآن است، جنگ با رسول الله است و این از اعظم محرّماتی است که خدای تبارک و تعالی نمی‌گذرد از او. شما هم همان کار را بکنید که ارتش ایران نسبت به شاه سابق کردند؛ همان طوری که آنها رها کردند او را و متصل شدند به ملت و سربازها فرار کردند از پادگانها و متصل شدند به ملت. شما هم فرار کنید و قوای خودتان را صرف این کنید که این جرثومهٔ فساد را از بین ببرید. خدا

به شما تأیید می‌کند، اگر قیام کنید و این شخص را از بین ببرید و یکی را خودتان به جای او بگذارید. ما هم کمک شما هستیم در اینکه از خود شما، از ملت شما یک نفر اداره کند حکومت عراق را. این آدمی [را] که برخلاف اسلام، و برخلاف مصالح اسلام مشغول مفسده شده است، این فاسد را از بین ببرید، با ملت همراه بشوید.

ملت عراق هرگز با صدام حسین موافق نیست. یک روز هم موافقت ندارد. ملت عراق با اسلام موافق است. کسی که با اسلام موافق است، کسی که کتاب او «قرآن» است، کسی که کعبه قبلهٔ اوست، نمی‌شود با یک آدم کافری که در پناه کفار دارد زندگی می‌کند و در پناه کارتر و امثال کارتر دارد به حیات خودش ادامه می‌دهد، نمی‌شود با این همراهی بکنید. من به آنها سفارش می‌کنم به ارتش عراق که اگر می‌توانند قیام کنند بر ضد این آدم و این آدم را از بین ببرند و خودشان جانشین او بشوند و ما هم تأییدتان می‌کنیم و اگر این برایشان میسور نیست، فرار کنند و جنگ با اسلام نکنند.

با ملت عراق هم عرض می‌کنم که با همه قوا، قیام کنید بر ضد این آدمی که الآن قیام بر ضد اسلام کرده است. قیام این نسبت به ایران، قیام کافر بر مسلم است و قیام لشکر کفر بر لشکر اسلام است. باید با همهٔ قوا با این شخص مقابله کنید و مقاتله کنید. من چنانچه خدای نخواسته دامنه پیدا کرد این کارهای صدام حسین و اربابهای صدام حسین، تکلیف ملت ایران را تعیین خواهم کرد و امیدوارم به آنجا نرسد و اگر برسد، دیگر بغدادی باقی نخواهد ماند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۲۱ و ۲۲۶.

◘ پیام

زمان: ۱ مهر ۱۳۵۹/۱۳ ذی القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران،
موضوع: اطاعت از شورای فرماندهی وظیفه رسانه‌ها در نقل اخبار جنگ تکلیف مردم و...
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

مطالب زیر ابلاغ می‌گردد:

۱ ـ باید اطاعت ار شورای فرماندهی بدون کوچکترین تخلف انجام گیرد، و متخلفین با سرعت و قاطعیت باید تعیین و مجازات شوند.

۲ ـ باید اشخاص و مقامات غیر مسئول از دخالت در امر فرماندهی خودداری کنند و فرماندهٔ کل قوا به نمایندگی اینجانب[1] و شورای فرماندهی، مسئول امور جنگی هستند.

۳ ـ در شرایط فعلی اقدام دادگاههای ارتش در اموری که شورای فرماندهی صلاح نمی‌داند، بدون اطلاع اینجانب ممنوع اعلام می‌گردد.

۴ ـ رادیو و تلویزیون موظفند اخباری را نقل کنند که صددرصد صحت آن ثابت می‌باشد و برای عدم اضطراب و تشویش اذهان، اخبار را از غیر منابع موثق نقل ننمایند.

۵ ـ نیروهای انتظامی موظف هستند کسانی را که دست به شایعه سازی می‌زنند از هر قشر و گروهی که باشند، فوراً دستگیر و به دادگاههای انقلاب تسلیم و دادگاههای مذکور آنان را در حد ضد انقلابیون مجازات نمایند.

مردم مبارز ایران موظف هستند شایعه سازان را به دادگاههای انقلاب معرفی و با نیروهای انتظامی همکاری نمایند.

۶ ـ روزنامه‌ها در وضع فعلی موظفند از نشر مقالات و اخباری که قوای مسلح

---

۱. ابوالحسن بنی صدر، رئیس جمهور و فرمانده کل قوا به نمایندگی از سوی امام خمینی بود.

را تضعیف می‌نماید جداً خودداری نمایند؛ که امروز تضعیف این قوا عقلاً و شرعاً حرام و کمک به ضد انقلاب است. من کراراً از نیروهای مسلح عزیز پشتیبانی نموده‌ام؛ و امروز که آنان در جبهه جنگ با صدام کافر هستند، تشکر می‌کنم و از زحمات آنان قدردانی می‌نمایم، و از خداوند متعال توفیق و پیروزی برای آنان طلب می‌نمایم.

۷ـ اکیداً همه قشرهای ملت و ارگانهای دولتی موظف شرعی هستند که دست از مخالفتهای جزئی که دارند، بردارند و با مخالفت خود کمک به دشمنان اسلام ننمایند. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۲ مهر ۱۳۵۹/۱۴ ذی‌القعده ۱۴۰۰ **مکان: تهران، جماران،**
موضوع: تکلیف شرعی، الهی و انسانی ملت عراق **مخاطب: ارتش و ملت مسلمان عراق**

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و مبارز و مسلمان عراق، ارتشیان رزمنده، افسران و درجه‌داران و سربازان مسلمان عراق. کارگران و کارمندان مسلمان عراق! شما همه از نزدیک جنایتها و خیانتهای حزب کافر بعث را دیده و می‌بینید. شما تلخی حکومت کافر بعثی را چشیده اید. شما می‌دانید که صدام حسین و رفقای کافر او تابع میشل عفلق[۲] ملحد و نوکر چشم بسته صهیونیسم و امپریالیسم به امر اربابان جهانخوار خود به ایران و ملت ایران که با الله‌اکبر و پشتوانهٔ اسلام عزیز کفار را از میهن خود راندند حمله نموده و بی رحمانه برادران ایمانی شما را به قتل می‌رسانند. شما می‌دانید که این

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۲. ایدئولوگ حزب بعث.

جنگ بین ایران و بعثیهای عراق، جنگ بین اسلام و کفر و قرآن کریم و الحاد است. از این جهت، بر همهٔ شما و ما مسلمانان جهان لازم است از اسلام عزیز و قرآن کریم دفاع کنیم و این خیانتکاران را به جهنم بفرستیم. اکنون تکلیف شرعی، الهی، انسانی شما آن است که در هر محلی هستید به ضدیت و کارشکنی برآیید. ارتش عراق به ارتش ایران ملحق شود؛ و امروز نزدیک به صد نفر از درجه داران و افسران و رزمندگان عراق به ایران آمده و در آغوش اسلام قرار گرفته اند. و باید ارتش عراق بداند که ایران با آغوش باز از برادران ایمانی ارتشی عراقی خود پذیرایی و پشتیبانی می‌کند. باید به حسب تکلیف شرعی کارگران از هر طبقه که هستند و کارمندان در اداره که می‌باشند با اعتصابها و مخالفتها خدمت خود را به اسلام عزیز و قرآن کریم نشان دهند. ملت عراق از دادن مالیات و پول آب و برق به دولت کافر خودداری کند، که کمک به دولت غیرقانونی کافر است؛ کمک به مخالفین اسلام است که در حال جنگ با اسلام می‌باشند، و با راهپیماییهای میلیونی عمل جنایتکاران عراقی را محکوم نمایند. شما برادران عراقی باید بدانید که برادران ایرانی شما اکنون در حال آماده باش هستند، و هر وقت که لازم باشد با بسیج عمومی، مخالفین با اسلام را سرکوب می‌کنند. شما برادران ارتشی و غیر ارتشی و همه قوای مسلح از عمل ملت ایران که با دست خالی قدرت شیطانی ابرقدرتها را در هم شکست، عبرت بگیرید و از شیطان بزرگ و کوچک نهراسید، و برای دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی بپاخیزید. خداوند با شما است. ﴿إن تنصروا الله ینصرکم و یثبت أقدامکم﴾[1] والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. بخشی از آیه ۷ سوره محمد (ص): «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گامهای شما را استوار می‌گرداند».

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

◘ پیام رادیو ـ تلویزیونی

زمان: ۳مهر ۱۳۵۹/ ۱۵ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: اتکال به خدا، مایه قدرت و قوت ملت مناسبت: مانور هوایی ارتش در آسمان تهران
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

در دو سه ساعت قبل، یک صدایی در بالای آسمان پیدا شد و از جاهای مختلف از قراری که گفتند اظهار نگرانی کردند. در صورتی که مسئله ای نبود که نگرانی داشته باشد. ما قوی هستیم و قدرتمند هستیم و ما بر آنها غلبه خواهیم کرد. ملت ایران باید از اینطور مسائل هیچ نترسد، در صورتی که مسئله ای نبوده است؛ و فقط آنطوری که به ما اطلاع دادند یک مانور هوایی بوده است برای امتحان، و هیچ خوفی نیست در کار، و همه ما سالم و سلامت هستیم و در اینجا هم هیچ قضیه‌ای واقع نشده. و من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسئله ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باک نداشته باشند. ما از آن قدرتهای بزرگ نترسیدیم، این که قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست. در صورتی که در خود عراق و در بغداد از قراری که اطلاع دادند الآن در بغداد مشغول به تفنگ‌اندازی و انفجارات است و اینها در حال انفجار هستند، در حال احتضار[۱] هستند و ان‌شاءالله با دست قوی ملت و با تأیید خدای تبارک و تعالی این ریشه‌های فساد قطع خواهد شد و اسلام گسترش پیدا خواهد کرد در همه جا. و ما متکی به خدا هستیم و با اتکا به خدا از هیچ چیز ترسی نداریم. و شما ملت عزیز مجتمع باشید، مصمم باشید و از هیچ چیز هراس نداشته باشید که هراسی هم نیست.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته[۲]

---

۱. در حال مرگ.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۳۲.

▣ پیام رادیو - تلویزیونی

زمان: ۴مهر ۱۳۵۹/ ۱۶ذی‌القعده ۱۴۰۰[۱] مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از جوانمردیهای نیروهای مسلح توصیه به ارتش و ملت عراق

مخاطب: ملت و ارتش ایران ملت و ارتش عراق

بسم الله الرحمن الرحیم

جوانمردیهای ارتش و نیروهای مسلح

من یک کلمه با ارتش خودمان صحبت دارم، و یک کلمه با ملت و یک کلمه با ارتش عراق و یک کلمه با ملت عراق. جوانمردی ارتش و سایر قوای مسلحه مثل سپاه پاسداران و دیگران ما را به یاد جوانمردیهای صدر اسلام انداخت. در صدر اسلام با اینکه قوای دشمن با قوای اسلام قابل مقایسه نبودند، در جنگ روم، هفتصد یا هشتصد هزار آنها بودند و سی هزار هم لشکر اسلام، و آن طلیعهٔ لشکر که پیشروها هستند شصت هزار نفر بودند، دو مقابل تمام لشکر اسلام، خالدبن ولید که یکی از سردارهای اسلام بود گفت: ما باید یک ضربه ای به اینها بزنیم تا اینکه روحیه شان را از دست بدهند حالا به این تعبیر که من می‌گویم و ما سی نفر می‌رویم با این طلیعه که شصت هزار نفرند، سی نفرمان می‌رویم با آنها جنگ می‌کنیم. بالأخره عده‌ای قبول نمی‌کردند. بالأخره بنا شد شصت نفرشان بروند و جنگ کنند، شبیخون بزنند. شصت نفر رفتند و شب شبیخون زدند، و آن شصت هزار نفر را تار و مار کردند، از بین بردند.

وحدت کلمه و اتکال به خداوند رمز پیروزی

ما در تمام طول مدتی که در این قضایای ایران بودیم، همیشه به حسب قوا و به حسب آن چیزهایی که در جنگ مثلاً باید به کاربرد، ما در مقابل ارتشی که آن وقت شاه مخلوع داشت یک چیز ناچیزی بودیم، و دنبالش بگذارید که او قوای بزرگ دنیا؛

---

۱. در صحیفه نور، تاریخ ۵/۷/۵۹ درج شده است.

ابرقدرتها را همراه داشت، و ما از این اسباب طبیعی کسی را نداشتیم که همراه باشد. آخر هم که سی میلیون جمعیت ایران بود باز در مقابل چند صدمیلیون جمعیتی که با ما مخالف بودند. آن چیزی که مطرح است در جنگ، عدد نیست. آن چیزی که مطرح هست آن قدرت فکری انسان هست. همان قدرتی که با اتکال به خدا در صدر اسلام، یک عدۀ کمشان لشکرهای زیاد را به هم می‌زد، و اوضاعشان را به هم می‌زد. بحمدالله در مملکت ما هم با اینکه عدد کم است، و آنها دشمنهای ابرقدرت زیاد، لکن امتحان داد ملت ما به اینکه با این وحدت کلمه، و با این اتکال به ذات مقدس حق تعالی، می‌تواند که آن لشکرهای زیاد را و آن جمعیتهای زیاد را شکست بدهد. پس آنکه مطرح هست، آن قدرتی است که برای اشخاص از غیب پیدا می‌شود، و آن قدرت بحمدالله الآن هست، و آنطوری که برای ما ذکر می‌کنند الآن در ارتش و در سپاه پاسداران و در سایر قوای انتظامی و نظامی ما آن قدرت هست. همچنین هست که اگر چنانچه، دَم مرگ هم باشند، مع ذلک فریادشان به الله اکبر بلند است و حمله می‌کنند. چند نفر معدود در یک پایگاهی هستند و بودند آن وقت، و از آن طرف آن جمعیت زیادی که در کردستان بود و حمله می‌کرد. اینها با جمعیت کمی جواب آنها را می‌دادند. برای اینکه، اینها اتکال به خدا داشتند و آنها اتکال بر خدا نداشتند. پس ارتش ما نباید بگوییم که یک ارتشی است که مثل ارتشهای دیگر است. ژاندارمری ما هم مثل ژاندارمری دیگر است. سپاه پاسداران ما هم مثل قوای مسلح دیگران است. این صحیح نیست. برای اینکه سپاه دیگران، ارتش دیگری برای کی جنگ می‌کند؟ ارتش عراق برای صدام حسین. کدام عاقل است که برای صدام حسین جان خودش را بدهد؟ که چه بشود؟ ارتش ما حجت دارد. می‌گویند که ما اگر بمیریم پیش خدا می‌رویم. این روحیه است که مقدّم می‌دارد. این روحیه‌ای که عقیدۀ ایمانی‌اش این است که من اگر کشته بشوم، یک توفیقی است برای من، و من می‌روم در جوار رحمت الهی. این روحیه است که ما را پیروز کرده، و ارتش ما هم این روحیه را

بحمدالله دارند. و سایر قوای مسلحه ما هم از قبیل پاسدارها و ژاندارمری و شهربانی و همینهایی که در حال نظم و انتظام هستند. پیام من به ارتش این است که اولاً تقدیر می‌کنم از شماها. از همهٔ قوای مسلحه تقدیر می‌کنم به اینکه شماها مردانه و مثل سربازهای صدر اسلام الآن دارید عمل می‌کنید. و به آنها بشارت می‌دهم که شما اگر بکشید آنها را، شما به بهشت می‌روید، و اگر آنها هم شما را بکشند، شما به بهشت می‌روید. این هم بشارتی است. پس این قدرت، یک قدرت الهی است، و قوای انتظامی، نظامی و سپاه پاسداران ما مجهز به قوهٔ الهی هستند. سلاحشان الله اکبر است و هیچ سلاحی در عالم مقابل همچو سلاحی نیست. ملت ما هم همین طور است.

مدد غیبی در تحول روحی ملت

این تحولی که پیدا شد در ملت، یک تحولی بود که الهی بود. امکان نداشت کسی تصور این را بکند که سی میلیون جمعیت یا بیشتر، که اکثراً کار نداشتند به این کارها، زمان طاغوت مردم کارشکنی می‌کردند یا اکثرشان کاری هم نداشتند، هر کاری می‌کردند، کرده بودند، و همچو خوف در آنها پیدا شده بود که یک پاسبان اگر می‌رفت در بازار و هر حکمی می‌کرد، تخلف نمی‌کردند. یک وقت یک دست غیبی پیدا شد، که این دست غیبی متحول کرد این مردمی که ضعیف بودند، به یک اشخاص پولادین. و با عده ای که البته زیاد بودند لکن مجهز نبودند. همه سلاحها دست آنها بود. بدون خوف از اینکه این چیزی که دارد می‌آید تانک است. این چیزی که دارد می‌آید مسلسل است. بدون خوف این وارد می‌شدند. بعضی شان می‌رفتند روی آن چیزهایی که می‌آوردند، آن آلاتی را که می‌آوردند، روی آن سوار می‌شدند و می‌رفتند. این یک قدرت الهی بود که ملت ما داشت، و الآن هم بحمدالله دارد. و این توهّم است که انسان خیال کند که حالا دیگر کاری ندارند. حالا دیگر چه. اینها دلخوشی است که بعضی طایفه‌ها و بعضی گروهها به خودشان می‌دهند، که حالا دیگر مثلاً آنطور

نیست. ولی ما می‌بینیم که در مشکلات یکدفعه همه اینها می‌آیند قیام می‌کنند. الآن در خرمشهر و در جاهای دیگری که هست، آبادان و اهواز و اینها سنگربندی کردند و آقای رئیس جمهور الآن اینجا بودند. گفتند ما رفتیم دیدیم سنگربندی کردند و مجهز هستند. و آن مطالبی که برای ما و برای ملت ما از خارج نقل می‌شود اینها شایعات است. شایعه کردند که خرمشهر را آنها گرفتند. اصلاً از نزدیک، خود آقای بنی صدر رفته در خرمشهر، در آبادان، در جاهای دیگر رفته، خودش رفته. این شایعات را درست می‌کنند برای دلخوشی خودشان. شنیدم که امروز هم یک شایعهٔ مرگ فلانی شده است،[۱] و دلخوش کرده خودش را به اینکه فلانی مُرد. من بمیرم که شما باید دعا کنید خدا بمیرد! خدا هست، من کی هستم. ملت ما خدا دارد. ملت ما از اول تا حالا، همیشه ملت پشتیبانش خدای تبارک و تعالی بوده، منتها گاهی ملموس بوده است و گاهی غیر ملموس. حالا الآن ملموس است که کارها برخلاف آن چیزی که آنها خیال می‌کنند انجام می‌گیرد. پس ملت ما یک ملتی است که از ضعف به قدرت متحول شده است، و آرزوی شهادت می‌کند. یک همچو ملتی که آرزوی شهادت می‌کند، این ملت دیگر خوف ندارد، خوب پیروز است ان‌شاءالله.

تفاوت انگیزهٔ ارتش ایران و عراق برای جنگ

و آنکه می‌خواهم به ارتش عراق بگویم. من متأسفم که ارتش عراق که مسلم هستند حالا آنهایی که از اسرائیل آوردند من اطلاعی ندارم من با آنها کار ندارم ارتش عراق که مسلمان هستند، کعبه قبلهٔ آنهاست، و قرآن کتاب آنهاست، و پیغمبر اکرم رسول آنهاست، اینها برای چه جنگ می‌کنند؟ با کی جنگ می‌کنند؟ روی چه

---

۱. یکی از شگردهای دشمن برای تضعیف روحیه مردم به زعم خود پراکنده کردن شایعه رحلت امام خمینی بود، که معظم له در اینجا به یکی از آنها اشاره کرده‌اند.

انگیزه‌ای جنگ می‌کنند؟ مقابل آنها مسلمانها هستند. البته صدام حسین منطقش در اسلام غیر ماهاست. او البته ما را می‌گوید مجوسند اینها، اهل مجوسی هستند. این چیزی که کهنه شده است، و سابقاً یک کسی می‌گفت یک چیزی. این ارتش عراق برای کی دارند خون خودشان را می‌دهند؟ اینها نمی‌دانند که اگر به جنگ ایران بیایند اینطور کشته می‌شوند؟ الآن نفهمیدند که در جنگ ایران نمی‌توانند هیچ اعمال قدرتی بکنند؟ اینها برای چی خون خودشان را می‌دهند؟ روی چه انگیزه‌ای خونشان را می‌دهند؟ اینها می‌توانند بگویند ما برای خدا داریم کار می‌کنیم ؟! صدام حسین به خدا چه کار دارد؟ میشل عفلق به خدا چه کار دارد؟ حزب بعث، حزبی است که به خدا کار ندارد، مأنوس به خدا نیست این. پس شما دارید در غیر راه خدا خون خودتان را می‌دهید. انگیزهٔ شما چی است؟ انگیزهٔ قدرتهایی که ما داریم، انگیزهٔ این است که ما برای خدا جنگ می‌کنیم. خدا به ما همه چیز داده. ما از او هستیم و به او هم تحویل می‌دهیم. این انگیزهٔ لشکر اسلام است. در صدر اسلام هم همین انگیزه بوده. الآن هم همین أنگیزه است. شما انگیزه تان چیست ؟ شما برای خدا با اسلام مخالفت‌کنید؟! برای خدا با قرآن مخالفت می‌کنید یا برای صدام حسین ؟ اگر برای خداست که راهی ندارید شما. راهی ندارید که بگویید برای خداست. پس برای صدام حسین است. انگیزه تان هم این است که اسلام قدرت پیدا بکند؟! خوب اینجا اسلام است، قدرت هم دارد. خود ملت عراق که با صدام حسین موافق نیست، مخالف است. تمام توده‌های اسلامی مخالفند. برای اینکه، صدام حسین، هم مسلکش الحادی است و هم خودش ملحد است. پس انگیزه، آن انگیزه‌ای که در ارتش و در قوای مسلحهٔ ما و پاسدارها و همهٔ نیروهایی که هست، نیروی دریایی، نیروی زمینی، نیروی هوایی و سایر نیروهایی که در ایران هستند، انگیزهٔ آنها یکی است، و آنکه ما برای خدا داریم کار می‌کنیم. مملکت، مملکت اسلامی است. طاغوت را از بین بردند و اسلام به جای طاغوت نشسته، و ما برای اینکه اسلام را پیاده کنیم، و طاغوت را هم همهٔ ریشه‌هایش

را بکنیم، برای این انگیزه داریم جنگ می‌کنیم. اما شما، ارتش عراق برای چه انگیزه‌ای خون خودشان را می‌دهند؟ خون خودشان را که دادند چه تحویلشان می‌دهند آنها؟ آنها چه می دهند به شما وقتی خون خودتان را دادید؟ اینجا می‌گویند که ما وقتی خون خودمان را دادیم خدا در بهشت ما را مقامات عالیهٔ از اینجا بهتر می‌دهد. شما برای چی؟

برگردید به اسلام ای ارتش عراق! ای قوای مسلحهٔ عراق برگردید به اسلام تا وقت نگذشته! آن روزی که وقت گذشت دیگر نمی‌توانید برگردید. الآن که وقت باقی است توبه کنید. همان طوری که از برادران شما بسیاری توبه کردند و آمدند اینجا و جزء لشکر اسلام شدند. شما هم برگردید و ملحق بشوید به کشور اسلامی و به لشکر اسلامی. هم برای دنیا و هم برای آخرتتان، این صلاحتان هست. دنبال یک کافر، یک ملحد که هم مسلکش الحادی است و هم خودش ملحد است، دنبال این نروید. دنبال یک مسلکی بروید که می‌گوید من اسلام مسلکم است. دنبال رسول خدا شما باشید، نه دنبال صدام، رها کنید اینها را. اگر شما رها کنید اینها را، آنها دیگر چیزی نیستند. شما رها کنید اینها را. اگر می‌توانید بکشید اینها را. سلاحها را در مقابلشان قرار بدهید و بکشید اینها را. و اگر دستتان هم نمی‌رسد به اینها رها کنید و اِعراض کنید از ایشان. بیایید در ایران، جای شما در ایران باز است، و کشور ایران خانهٔ خود شماست. بیایید در اینجا ما از شما پذیرایی می‌کنیم، هم خدمت به شما می‌کنیم.

ضرورت قیام ملت عراق و دفاع از حیثیت اسلام

ملت عراق هم، با اینکه من سابقاً این معنا را به نظرم بود که این عشایری که در عراق هستند مسلح اند و ملت عراق هم یک ملت زنده ای است، حالا هم همین طور است، لکن نمی‌دانم چه شده است الآن که آنطوری که باید حرکت کنند و نهضت بکنند، آنطور نیست. من می‌دانم که همه دل خون دارند از این حکومت، و هیچ

مسلمی نمی‌تواند موافق باشد با او. لکن حالا که سرگرم جنگ با ایران هستند، و قبل از اینکه ما آنها را اعدام کنیم، از بین ببریم، ملت قیام کند و نهضت کند، مثل قیامی که ملت ایران کرد. ملت ایران قیام کرد و یک قدرت صد چندانی قدرت صدام حسین را از بین برد. شماها هم قیام کنید. الآن این آدم مشغول است به ایران. شما از پشت خنجر به او بزنید. قیام کنید. اعتصاب کنید. راهپیمایی کنید برخلافش. مگر می‌تواند قتل عام بکند وقتی همهٔ شهرهای عراق راهپیمایی کردند بر ضد او، و منطقشان هم این بود که تو داری با اسلام مخالفت می‌کنی. برای خدا، برای اسلام راهپیمایی کنید. اقتصادش را فلج کنید. ندهید مالیات به او. حرام است دادن مالیات به این. از گناهان کبیره است. برای اینکه، اعانت بر یک کسی است که برخلاف اسلام است. و پول آب و برق را ندهید. چیزهای دیگر را که می‌خواهند، ندهید. زیر بار نروید و تظاهرات بکنید و راهپیمایی بکنید. محکوم کنید او را. نمی‌تواند با یک ملت طرف بشود او. حالا هی در رادیوشان می‌گویند که ملت عراق چطور، ملت عراق چطور. این را شما می‌دانید، ملت عراق می‌دانند که این با ملت عراق دارد چه می‌کند و چه کرده است تا حالا. و اگر این دستش برسد، اگر این خبیث دستش برسد، تمام آثار اسلام را در عراق از بین خواهد برد. تمام مساجدتان را از بین خواهد برد. الآن این فرصت نیست برایش. اگر فرصت پیدا بشود برایش تمام آثار اسلام را به آنطوری که رأی اینها اینطور است، مسلک اینطور است، تمام آثار اسلام را اینها خواهند از بین برد. قبل از اینکه اینها فارغ بشوند از جنگ با ایران، شما از پشت مشغول بشوید. راهپیمایی کنید. منفجر کنید جاهایی را که مال دولت است. و آنطوری که در ایران عمل می‌کردند و حالا هم عمل می‌کنند. پس شما باید در مقابل جمعیتی که بر ضد اسلام است، قیام کرده است بر ضد اسلام باید دفاع از اسلام بکنید. دفاع از اسلام یک چیز واجبی است. چیز لازمی است. به علاوه این دفاع از حیثیت خودتان است. این آدم با تشبثات مختلف که همه اش دروغ است، تشبث به اینکه ما عربی هستیم، دروغ می‌گوید، خیر شما امریکایی

هستید. شما عرب نیستید. عرب مسلم است. شما عرب نیستید. شما امریکایی هستید. آمدی حالا در اینجا ادعای اسلام می‌کنید. این مطلب را باید ملت عراق بدانند که امروز جنگ بین اسلام و کفراست، و بر همهٔ مسلمین واجب است که دفاع کنند از اسلام. اگر این آدم به فرض محال غلبه پیدا کند بر ایران و جمهوری اسلامی را از بین ببرد، این عکس العملش در همهٔ کشورهای اسلامی می‌شود. اینها مایلند که اصل کشور اسلامی نباشد. اینها تابع میشل عفلق هستند. میشل عفلق به اسلام کار دارد؟! میشل عفلق اسلام را منافی با مقاصد خودش می‌داند. این حزب بعث، اسلام را منافی می‌دانند با مقاصدی که دارند. ملت عراق باید بیدار بشوند. باید قیام کنند. باید نهضت کنند. باید انقلاب کنند. انقلاب کنید تا این را از بین ببرید، و بدانید این را که اگر برای خدا انقلاب کنید، شما پیروز خواهید بود، چنانچه ما برای خدا، ملت ما برای خدا قیام کرد و پیروز شد. حالا هم پیروز خواهد شد و ان‌شاءالله این مرد را از بین [برده] هم شما و ما با هم دست به هم بدهیم و این حزب را منحلش کنیم، و اشخاص حزبی که برنگردند به اسلام اعدامشان بکنیم، تا اینکه این مملکت از شرّ اینها و از شرّ «میشل عفلق»ها و «صدام حسین»ها و «سادات»ها، از شرّ اینها فارغ بشود، و دیانت خودشان را پیاده کنند، و بشود یک مملکت اسلامی. همه جا حکومت خودش سر جای خودش. حکومت اسلامی سر جای خودش. ایران حکومت خاص دارد. عراق حکومت خاص دارد. مصر حکومت خاص دارد. اینها سر جای خودشان، لکن همه با هم در تحت لوای اسلام باشید. و ان‌شاء الله اینها را از بین ببریم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۳۳ تا ۲۴۰.

◘ پیام

زمان: ۴مهر ۱۳۵۹/ ۱۶ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران،

موضوع: تقدیر از مجاهدات روحانیان و مردم آذربایجان

مخاطب: انگجی، سید حسن و علما و روحانیان تبریز

بسم الله الرحمن الرحیم

به وسیله حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا حسن آقای انگجی ـ دامت برکاته ـ خدمت حضرات حجج اسلام و علمای اعلام تبریز ـ دامت برکاته

تلگراف شریف مبنی بر پشتیبانی از دولت و ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران موجب کمال تشکر گردید. آذربایجان همیشه سنگر پایدار و محکم اسلام و کشور بوده، و إن‌شاءالله خواهد بود. علمای عظیم‌الشأن تبریز و سایر نقاط آذربایجان چون مردم دلیر و غیورش در صف مقدم دفاع از کیان اسلام بزرگ و کشور اسلامی بوده اند، و در مقابل رژیم منحط سابق به مجاهدت برخاسته و زحماتی جانفرسا متحمل گردیده‌اند. جنابعالی و سایر حجج اسلام اخلاف صالحۀ اسلاف عظیم می‌باشید. و واضح است که در این جنگ بین ایران عزیز و اسلام مقدس با امریکای ستمگر و نوکران سرسپردۀ آن، اهالی معظم آذربایجان، و در رأس آن حضرات حجج اسلام و علمای اعلام در طلیعه هستند و در موقع لزوم در صف مقدم رزمندگان اسلامی برای سرکوبی دولت کافر بعث خواهند جنگید؛ چنانچه قشرهای عظیم ملت اسلامی چون صفوف ملائکة الله همرزم و هم صدا خواهند بود.

در خاتمه در صورتی که علمای آن منطقه با اینجانب کاری دارند، می‌توانند به وسیله جنابعالی و یا سایر برادران با اینجانب تماس برقرار نمایند. امیدوارم در خدمت به آقایان کوتاهی نشود. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲٤۱.

▣ پیام

زمان: ۵مهر ۱۳۵۹/ ۱۷ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: وظیفه خطیر علما و مسئولان، آماده‌سازی مردم در نبرد با امریکا و ایادی آن
مخاطب: علما و مشایخ اهل سنت ـ نمایندگان مجلس شورا

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت حضرات آقایان علمای اعلام و حجج اسلام و مشایخ بزرگ اهل سنت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی

تلگرافات حضرات آقایان محترم واصل گردید. اظهار آمادگی و پشتیبانیهای بیدریغی که از سوی تمام اقشار مختلف و بخصوص آقایان علمای اعلام ـ دامت برکاتهم می‌شود، پشتوانهٔ عظیمی برای سربازان و مجاهدان عزیزی است که در سنگرهای جنگ، عرصه را بر دشمنان اسلام تنگ کرده‌اند و با رشادتهای اعجاب‌انگیز خود، تاریخ سربازان از جان گذشتهٔ صدر اسلام را مجسم ساخته اند و پیروزی کامل را در تمام جبهه‌های جنگ، بر ضد دشمنان و ابرقدرتهای شرق و غرب نوید می‌دهند و این وحدت و انسجامی که امروز بین ملت دلیر و ارتش و سپاه شجاع دیده می‌شود، در تاریخ ایران و جهان بی‌سابقه است. حضرات آقایان! در هر نقطه که هستند مردم را برای جنگ و درگیری با امریکا و اذناب خونخوارش چون عراق آماده کنند که جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است، و میهن از جان عزیزتر ما، امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود را برای نبرد با باطل مهیا سازد. ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایرانی مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است.

امروز، روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگزده کمک نمایند. امروز، روزی است که بر تمام ملت واجب است با سربازان و پاسداران اسلام و ایران همکاری لازم و نزدیک داشته باشند. امروز، روزی است که عشایر عزیز و غیور ما از مرزهای کشورشان باید دفاع نمایند. امروز، روزی است که

ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به دشمنان بفهمانند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد که از وَجَب به وَجَب شهرشان دفاع می‌نمایند. امروز، روزی است که روحانیونِ ما در شهرها باید روح شهامت و شجاعت و شهادت را در کالبد مردم ما بدمند که بحمدالله دمیده شده است. امروز، روز اتحاد و یگانگی است و این هم از الطاف بزرگ و تأییدات الهی است که درست بر خلاف تصور و خواست فتنه انگیزان و جنگ افروزان، همهٔ توطئه‌ها و جنگها، به اتحاد و یکپارچگی ملت بیدار و زندهٔ ما در برابر قدرتها می‌انجامد، و ان‌شاءالله تعالی برای همیشه فکر تجاوز و سرکوبی انقلاب عظیم اسلامی ما را از سر این کوته فکران و خیره سران بیرون خواهد برد.

اینجانب ضمن تشکر و سپاسگذاری از همه آقایان محترم، از اینکه به واسطهٔ کثرت تلگرافات و کمی فرصت نمی‌توانم به یکایک تلگرافات جداگانه پاسخ دهم معذرت خواسته و موفقیت همگان را از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۵۹/۷/۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۸مهر ۱۳۵۹ / ۲۰ ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران

موضوع: پیروزی نیروهای مسلح درگرو ایمان و فداکاری

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی ـ دامت برکاته ـ قم

تلگراف شریف در مورد پشتیبانی مبارزات قهرمانانهٔ نیروهای مسلح عزیز و

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۴۳ و ۲۴۴.

مردم مبارز و تبریک پیروزیهای ارزشمند آنان واصل گردید. این پیروزیها در گرو ایمان به خدای تعالی و فداکاریهای بیدریغ آنان و پشتیبانیهای صمیمانهٔ تمام اقشار محترم ملت از این رزمندگان جان بر کف می‌باشد و امید است تا پیروزی کامل بر همهٔ ابرقدرتهای اشغالگر جهان و دشمنان اسلام ادامه داشته و این همبستگی و وحدت همچنان استمرار یابد. از خدای تعالی سلامت و توفیق جنابعالی را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۱۲ مهر ۱۳۵۹ / ۲۴ ذی‌القعده ۱۴۰۰ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: دعوت از ملت عراق برای براندازی حکومت بعثی عراق
مخاطب: ملت و ارتش عراق و مسلمین ایران و جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر ملت مظلوم و شریف عراق که سالهای طولانی در تحت سلطهٔ رژیم سفاک بعث متحمل انواع خیانتها و جنایتهای این حزب کافر فاجر بوده و هستید، و شاهد ستمگریها و فشارهای جانفرسا نسبت به بزرگان و مراجع و مجاهدین کشورتان بوده‌اید. شما و ما شاهد بودیم که این حزب فاسد با مرحوم آیت الله حکیم و آقازاده‌های معظم ایشان چه‌ها کردند و آن سید بزرگوار مظلوم در آخر عمر با چه خون دل به اجداد بزرگوارش ملحق شد، و شاهد حبس و زجر و فشار به فرزندان محترم ایشان بودید. و شما و ما شاهد بودیم که با سید مجاهد بزرگوار آقای صدر و خواهر مظلومش چه کردند و با چه شکنجه‌ها آنان را به شهادت رساندند. و شما و ما شاهد بودیم که با حوزهٔ علمیهٔ نجف و سایر مشاهد مشرفه چه ستمها و چه وحشیگریها کردند و گروه گروه علما و طلاب را به حبس و شکنجه کشیدند. و شما و

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲٤٥.

ما شاهد بودیم که این سفاکان جنایتکار چه اهانتها به بقاع مطهر ائمهٔ اسلام نمودند. و دیدید و دیدیم که دژخیمان رژیم در صحن مطهر مولا امیرالمؤمنین ـ علیه‌الصلوة والسلام ـ ریخته و مردم مظلوم را با چه وضعی مضروب نمودند، و بقعهٔ شریفه را به مسلسل بستند. و شما و ما شاهد بودیم که در اربعین حسینی چه جنایتها نسبت به زوّار عزیز آن مظلوم کردند. و شما و ما شاهد بودیم که مردم مظلوم بیگناه را گروه گروه از وطن خودشان آواره کردند، که اکنون این آوارگان، در کشور اسلامی ایران با سلامت و عزت به سر می‌برند.

ای ملت شریف، و ای ارتش گرفتار تحت سلطهٔ کفر! اکنون بیش از ده روز است که رژیم بعث فاسد به امر قدرتهای کافر، به کشور اسلام و همسایهٔ شما هجوم وحشیانه نموده و شهرهای بی پناه و برادران مسلمان مظلوم شما را مورد تجاوز و ستم قرار داده و منازل و پناهگاههای آنان را خراب و اطفال و زنان مظلوم را قتل عام نموده اند که جرم آنان هیچ نیست جز آنکه می‌خواهند در کشورشان جمهوری اسلامی باشد و احکام قرآن مجید جاری شود. و می‌خواهند مستقل و آزاد باشند و زیر سلطه و ستم ابر قدرتان نباشند و مخازن کشورشان از خودشان و مستمندان میهنشان باشد. و چه جرمی در نظر چپاولگران و نوکران و جیره خوران آنان بالاتر از این جرمها!

برادران ارتش عراق! تا کی می‌خواهید اسیر کفار باشید و به امر آنان باکشور برادر و همسایه و اسلامی خود در جنگ باشید؟ تا کی می‌خواهید به نفع کفار، به اسلام و قرآن مجید و کشور اسلامی هجوم نموده و برادران خود را شهید کنید؟ بپاخیزید و دست این جنایتکاران را از کشور اسلامی خود قطع کنید. تا کی خواهید خود و عزیزان خود را برای خدمت به کفر به هلاکت کشید؟ شما می‌دانید که این جنگ به کشور ایران تحمیل شده و ما از کشور خود دفاع می‌کنیم؛ دفاعی که عقلاً و شرعاً واجب است. و باکمال تأسف و تأثر مشاهده می‌کنیم که کفار و نوکران خبیث

آنان دو طایفه از مسلمانان را بـه جـان هـم ریـخته و خـودشان در کـناری نشسـته و می‌خواهند از این موضوع استفاده کنند. ای افسران و درجه داران و سربازان عـراق! آیا می‌دانید چه می‌کنید و خود را برای چه انگیزه‌ای به هلاکت می‌کشید؟ آیا می‌دانید که برای استفادهٔ دیگران خود را با چه ارتش و با چه نیروی عظیم انسانی، و با چه ملت مشتاق به جهاد در راه خدا طرف نموده و به کام مرگ می‌کشانید؟ آیا می‌دانید خداوند متعال و پیامبر اسلام از کسانی که به روی برادران اسلامی خود اسلحه بکشـند بـیزار است و عاقبت این امر، جهنم و غضب خدای جبار می‌باشد؟ دست بردارید از ایـن برادرکشی، و به کشور اسلامی ایران با سلاح خود پناه آورید که ما شما را با آغوش باز پـذیرا هسـتیم. و ای عشـایر غـیور دجـله و فـرات و ای رزمـندگان و سـلحشوران! بپاخیزید و از اسلام دفاع کنید و قرآن و احکام آن را حفظ کنید که بر تمام مسلمین، چه زن و چه مرد، دفاع از اسلام و قرآن کریم واجب است. و‌ای ملت عراق! که جـنایات این مزدوران را چشیده و می‌چشید همچون ملت رزمندهٔ ایران بـپاخیزید و انـقلاب کنید و از این حزب کافر هراسی نکنید؛ و بدانید اگر به اینان مهلت دهید و فرصت پیدا کنند اسلام را محو و آثار آن را از بین می‌برند. اینان با اسلام دشمن هستند. امریکا و بستگان و نوکران آن از اسلام سیلی‌خورده و با اسلام به دشمنی برخاسته‌اند. شـما از «عفلق»ها و «صدام»ها و «سادات»ها توقع نداشته باشید که دست از دشمنی با اسلام بردارند. وهان ای علمای اعلام و مشایخ اهـل سـنت و خـطبا عـظام و روشـنفکران مسلمان عراق! مردم را بیدار کنید و برای اسلام و حفظ کشورهای اسلامی قیام کنید که خداوند معین شماست. شما و ما دیدیم که ملت رزمندهٔ ایران، بـا ایـمان بـه خـدا و وحدت کلمه بر قدرت شیطانی عظیم که همهٔ قدرتها پشتیبان آن بودند غالب شـد و دست همهٔ ابرقدرتها را از کشور خود قطع کرد. و شما ای ملت عزیز و ارتش عراق! بدانید که قوای مسلح ما، ارتشیان دلاور و پاسداران قدرتمند و شهربانی و ژاندارمری شجاع و پیش مرگان فداکار همراه با قشرهای رزمندهٔ ملت و سپاه، بسیج سلحشور،

قدرت عظیمی است منسجم، و چون سد آهنین در مقابل همهٔ قدرتمندان ایستاده است. و چون خدای متعال و اسلام و قرآن کریم انگیزهٔ نبردشان و شهادت و وصول به حق آرمانشان است، پیروزی با آنان است. و ملت شریف ما در عین حال که بر اساس تعلیمات اسلام، صلح جو و عدالتخواه است با اسرای خود آنچنان مردانه و اسلامی رفتار می‌کند که با جوانان ملت خود؛ ولی با مخالفان اسلام و مهاجمان به کشور اسلامی خود کوبنده و شدیدالقوا و افتخارآفرین می‌باشد. و ما و شما دیدیم که در این جنگ تحمیلی که مخالف با میل آنان بود چطور به خصم خیره سر فهماندند که در میدان نبرد، رزمندگان شیردلی هستند که بر نیروهای شیطانی آنان چون عقاب حمله آوردند و جوانان آنان از هیچ قدرتی هراس ندارند، و آنچنان بر دشمن ضربه زدند که هر چه داشت گذاشت و فرار را اختیار کرد. و نباید روزی که محتاج به بسیج عمومی شویم، که دنیا خواهد دید قدرت اسلام چیست و نیروی ایمان بر همهٔ قوا پیروز است. و شما و ما دیدیم که صدام پس از آن همه شرارت و خونریزی و حمله به شهرهای بیگناه و مسلمین بی پناه، اکنون تقاضای آتش بس کرده.

البته هر جنایتکار و غارتگر، پس از جنایت مایل است حریف، ساکت باشد تا او با کمک گیری از اشرار و دیگر همجنسان خود و تجدید قوا، به شرارت و خونریزی خود ادامه دهد. لکن ملت و قوای مسلح ما تا پیروزی نهایی و انتقام جنایات حزب خونخوار بعث از پای نخواهد نشست و به نبرد خود دلاورانه ادامه خواهند داد و به بازیگریهای دزدان بین‌المللی اعتنا نخواهند کرد.

و شما شنیده و ما هم شنیده ایم که بعضی شیخ نشینهای خلیج و بعضی دولتهای کشورهای اسلامی در جنگ بین اسلام و کفر، طرف کفر را اختیار و کمکهای نظامی و تبلیغاتی از دولت غاصب بعث و جنایتکار می‌کنند. و جای تأسف و شگفت است که کسانی خود را مسلمان بدانند و حکام کشورهای اسلامی باشند و بر ضد اسلام و قرآن کریم قیام کنند و آتش به روی مسلمانان بیگناه گشایند. اینان باید بدانند

که اگر ثابت شود که بر خلاف مصالح اسلام عملی انجام داده‌اند و برائت خود را ثابت نکنند، دولت و ملت اسلام با آنان به وظیفهٔ شرعیه عمل می‌نمایند. اینجانب آنان را موعظه می‌کنم که دست از مخالفت با اسلام و طرفداری از کفر بردارند و به وظیفه انسانی و اسلامی خود عمل کنند و با سرنوشت خود بازی نکنند. اینجانب در حالی که به حسب اخبار موثق می‌دانم ملت و قوای مسلح ما با آوارگان به طور اسلامی و انسانی رفتار می‌کنند، از همهٔ آنان می‌خواهم که با اسرا؛ خصوصاً مجروحین و مصدومین آنان هر چه بیشتر محبت و خدمت کنند. و از نیروهای مسلح می‌خواهم که چون گذشته مواضع دشمن را بمباران نمایند؛ گر چه قوای دشمن حتی بیمارستانهای ما را مورد حمله قرار داده‌اند و همین فرق بین حق و باطل است. و شما و ما می‌دانیم که دستگاههای تبلیغاتی غرب و گروههای خبری آنان با پخش اکاذیب، به دشمن اسلامی ایران کمکهای فراوان می‌کنند و مع الأسف در دستگاههای تبلیغاتی بعضی کشورهای اسلامی نیز این معنا دیده شده است. به کشورهای اسلامی اخطار می‌کنم که جلو این تبلیغات باطل را بگیرند و با اسلام عزیز مخالفت نکنند. و اخیراً از جمیع ملتها و دولتهای اسلامی و غیر اسلامی و جمیع گروههای مسلمان و غیر مسلمان که جنایات ابر قدرتها و نوکرهای چشم بستهٔ آنان را محکوم و به کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کنند تشکر فراوان می‌کنم و به آنان دعای خیر می‌نمایم؛ چنانچه از گروههای دانشجو و غیر دانشجو که در کشورهای اروپایی و غیر اروپایی، صدام جنایتکار و اربابانش را محکوم نموده و می‌نمایند جداً متشکرم و سلامت و سعادت همگان را از خداوند متعال خواستارم. و از ملت شریف مبارز ایران و قوای مسلحه نظامی و انتظامی و برادران پاسدار و پیش مرگان اسلام و سپاه، بسیج و روحانیون و غیر روحانیون عزیزی که در جبههٔ نبرد رفته و فداکاری می‌کنند شکرگزارم. و از عزیزانی که در سطح کشور با کمکهای شایان، تقدیر مادی و معنوی به برادران مجاهد خود می‌نمایند تقدیر و تشکر می‌کنم و از خداوند تعالی نصرت

اسلام و مسلمین را خواستارم و انتظار نصرت و فرج نهایی را دارم.

﴿إنه علی نصره لقدیرٌ﴾[۱] سلام و درود فراوان بر ملت شریف عراق که قلبشان با ما است. و امیدوارم در بقاع متبرکه، پیروزی اسلام و قلع و قمع کفار را بخواهند. والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◙ پیام

زمان: ۲۷مهر ۱۳۵۹/ ۹ذی‌الحجه ۱۴۰۰ **مکان:** تهران، جماران

موضوع: فرمان آماده باش به ملت ایران برای رفع تجاوز دشمن بعثی

مناسبت: عید سعید قربان

مخاطب: نیروهای مسلح و ملت مسلمان ایران مسلمانان و مستضعفان جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

مبارک باد عید سعید قربان بر جمیع مسلمانان جهان و بر امت پیامبر عظیم‌الشأن. مبارک باد این عید بزرگ اسلامی بر مستضعفین جهان که در مقابل مستکبرین و اولیای طاغوت قیام نمودند. مبارک باد بر ملت عظیم اسلامی ایران که صادقانه و دلاورانه در مقابل اولیای شیطان بپا خاستند. و مبارک باد بر قوای مسلح جمهوری اسلامی و بر دلیران رزمندۀ غرب و جنوب که با تعهد اسلامی و فداکاری در راه خداوند تعالی به جهاد مقدس و دفاع از کشور اسلامی چون سدی آهنین ایستاده و خون آشامان حزب کثیف بعث عراق و سرسپردگان به دشمنان اسلام و بشریت را از کشور خود رانده و خواهند راند.

آن روز مبارک است برای اسلام و ملتهای اسلامی که دست ستمگران و خون آشامان از کشورهای اسلامی کوتاه شود. و آن روز مبارک است برای ملت شریف ما

---

۱. برگرفته از آیه ۳۹ سوره حج.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۵٤ تا ۲۵۸.

که جمهوری اسلامی به تمام معنا در کشور اسلامی پیاده شود و احکام مترقی اسلام به جای احکام ضد انسانی برقرار گردد.

اکنون، شما ای ملت بزرگ اسلامی ایران، بر سر دوراهی می‌باشید؛ راه سعادت و افتخار ابدی در سایهٔ پرافتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور اسلام، و راه ذلت و ننگ ابدی؛ اگر خدای نخواسته در این جهاد مقدس سستی و سردی از خود نشان دهید. و من امید واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهند داد، و تا سقوط رژیم منحط بعث عراق از پای ننشینند و تا ملت شریف عراق را از اختناق و جنایاتی که بر آنان سایهٔ شوم افکنده نجات ندهند، دست از جهاد مقدس برندارند. و شما ای جوانان برومند خوزستان و منطقهٔ غرب و دیگر جبهه‌ها، در این میدان شرف پایدار باشید و از وطن اسلامی خود با تمام کوشش و فداکاری دفاع کنید که به خواست خداوند متعال پیروز خواهید شد و جنود ابلیس را با فضاحت تمام به عقب خواهید راند. و شما ای قوای مسلح که در خوزستان و مرزهای جنگزده در مقابل کفار ایستاده اید، بهوش باشید و هماهنگ باشید و به دستورات شورای دفاع عمل کنید، و از اختلاف و تفرقه برحذر باشید که نصرت خدا را ان‌شاءالله در آغوش گرفته و سربلند و مفتخر از میدان بیرون آیید. و اینجانب اولاً به ملت ایران هشدار می‌دهم که خود را مهیا کنند و اسلحه‌های خود را آماده کنند و به حال آماده باش باشند، که اگر خدای نخواسته محتاج به بسیج عمومی شد و امر به جهاد مقدس عمومی داده شد، فوراً به میدان رفته و از دین خدا و کشور اسلامی دفاع نمایند. و ثانیاً به قوای نظامی اخطار می‌کنم که با کمال جدیت و بدون فوت وقت، ساز و برگ جنگی را که بحمدالله در حد کافی در اختیار دارید در اختیار رزمندگان، چه قوای مسلح و چه سایر جوانان فداکار گذاشته و کوچکترین مسامحه را جایز ندانید. و از شورای دفاع می‌خواهم که هر روز اینجانب را از وضع جبهه‌ها مستحضر کنند و چنانچه احتیاج به نیرو دارند تذکر دهند که جوانان پرشور در سطح کشور آماده جهاد هستند. و باید فرماندهان نظامی داوطلبانی

را که [برای جنگ] می‌آیند بی درنگ مجهز کنند و به جبهه بفرستند و نیروی زمینی را با اقسام سلاحها و آتشبارها و توپها تقویت کنند؛ و بدانند که مسامحه در این امر نزد خداوند و ملت گناهی نابخشودنی است و از عواقب آن بر حذر باشند. و به همهٔ جناحها اطمینان می‌دهم که پیروزی با اسلام و کشور اسلامی است و شکست خذلان نصیب دشمنان شما است.

من از خداوند تعالی رحمت برای شهدای عزیز در این جنگ تحمیلی خواستارم. اینان برای اسلام فدا شدند و در نزد خدای تعالی و در جوار رحمت واسعهٔ او به سعادت ابدی و افتخار دائمی رسیدند، و به بازماندگان آنان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. شما مسلمانان متعهد دیْن خود را به اسلام بزرگ و خداوند متعال اداکردید و راه وفاداری و فداکاری را به ما آموختید. خداوند تعالی ما را به شما ملحق کند و از این فیض عظیم محروم نفرماید. و اخیراً تأکید می‌کنم که پایداری در این امر حیاتی و شدت عمل موجب افتخار جوانان ماست.

از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و پیروزی مجاهدین در راه خدا را خواستار است. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۷۱ تا ۲۷۳.

▣ پیام

زمان: ۱بهمن ۱۳۵۹/۱۴ربیع الاول ۱۴۰۱ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: اعلامیه یازده ماده‌ای درباره نیروهای مسلح و امور جنگ
مخاطب: نیروهای مسلح و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

در این مقطع زمانی سرنوشت ساز، در وضع حساس جنگ تحمیلی ابرقدرتان به دست وابستگان خود علیه نیروهای مسلح اسلام، لازم است تذکراتی داده و اخطار نمایم. بدیهی است تخلف از آنها خطرهای هولناکی برای اسلام و کشور اسلامی ما به بار خواهد آورد، و موجب تعقیب قانونی و شرعی است:

۱ ـ نیروهای مسلح نظامی و غیرنظامی از هر قشر که هستند لازم است انضباط را دقیقاً حفظ کرده و از کارهایی که مخالف انضباط است اجتناب نمایند و به مسئولیت بزرگی که بر عهدهٔ آنان گذاشته شده است توجه نموده. و تخلف از انضباط مطلوب موجب مسئولیت و تعقیب است.

۲ ـ از ثمرات انضباط، اطاعت از فرماندهان است. باید تمام افراد نیروهای مسلح از فرماندهان خود اطاعت کنند، که بحمدالله می‌کنند. سرپیچی از اطاعت فرمانده، چه در قوای نظامی و انتظامی و چه در سپاه پاسداران و چه بسیج و نیروهای مردمی، مسئولیت دارد و موجب تعقیب است.

۳ ـ وحدت فرماندهی از مسائل مهم سرنوشت ساز است که بدون آن پیروزی میسر نیست؛ و عدم مراعات آن فاجعه آفرین است. و کسانی که بدان سر ننهند مسئول می‌باشند.

۴ ـ فرار از جنگ در اسلام از گناهان بزرگ است، و موجب مسئولیت و تعقیب در این دنیا و عذاب بزرگ در آخرت است. باید فرماندهان فرد و یا افراد نادری را که خدای ناکرده اقدام به فرار می‌نمایند که نمی‌نمایند دستگیر نموده و تحویل دادگاه دهند.

۵ ـ هماهنگی جمیع قوای نظامی و غیر نظامی از مهمات آینده‌ساز است. اگر

فرد و یا افرادی در این امر حیاتی اخلال نمایند، باید معرفی شوند تا به دادگاه تسلیم گردند.

۶ـ همان طور که اطاعت از فرماندهان لازم است و تخلف از آن جرم، فرماندهان نیز لازم است با سربازان و افراد به اصطلاح زیردست خود به شیوه‌ای اسلامی انسانی رفتار نمایند، و آنان را با عواطف خود دلگرم نمایند و با اعمال پسندیدهٔ خود از آنان سربازانی فداکارتر بسازند.

۷ـباید فرماندهان و همهٔ افراد قوای مسلح، باکمال دقت مواظب باشند تا ضد انقلاب در سنگرهای آنان و در جبهه‌ها نفوذ نکنند و با تبلیغات باطل خود جنگنده‌های نیرومند ما را تضعیف ننمایند. و اگر کسانی به چنین اعمال خیانت باری دست زدند، همه موظف هستند آنان را دستگیر نموده تسلیم فرماندهان کنند تا به دادگاه تسلیم نمایند.

۸ـکسانی که از ارتش بازی خوردهٔ عراق به ایران پناهنده شوند مورد عفو و محبت و اغماض هستند و با آنان چون برادران خودمان رفتار می‌شود؛ و کسی حق ندارد به غیر از رفتار انسانی اسلامی با آنان رفتار کند. و به تمامی سربازان و درجه‌داران و افسران و صاحب منصبان عراقی و غیر عراقی اعلام می‌شود که در صورت تسلیم به لشکر اسلام، مورد عفو واقع می‌شوند؛ و پس از جنگ، در صورتی که مایل باشند، در ایران می‌مانند؛ و در صورتی که تقاضا کنند، آنان را به کشور خودشان با احترام برمی‌گردانند. اینجانب به عموم ارتش عراق نصیحت می‌کنم که گول حزب کافر بعث را نخورند و با برادران اسلامی خود جنگ نکنند؛ و متوجه باشند تا صدام کافر آنان را در خدمت امریکا به برادرکشی اغوا نکند. برادران عراقی ام تا وقت نگذشته و عذاب الهی نازل نشده است به دامان اسلام پناهنده شوید که اسلام دین عفو و رحمت و اغماض است.

۹ـاینجانب به حسب وظیفهٔ اسلامی و اخلاقی، به گروههای داخل کشور، اعم از تهران و کردستان و سایر نواحی ایران، در هر نقطه که هستند، پدرانه توصیه می‌کنم

که به آغوش گرم اسلام و ملت مسلمان برگردید، و سلاحهای خود را کنار گذاشته با برادران و خواهران خود آشتی کنید. در این صورت، اینجانب به همهٔ آنان تأمین می‌دهم که مادامی که با صلح و صفا به کشور خودتان خدمت کنید و به جمهوری اسلامی وفادار باشید، هیچ کس مزاحم شما نخواهد شد. چه چیز بهتر از اینکه در محیط صلح و صفا همهٔ قشرهای ملت در بازسازی کشور عزیزمان، که در اثر حکومت سالهای طولانی رژیم منحط پهلوی به خرابی کشیده شده است، با کار و کوشش اقدام نمایند، و چه تأسف‌آور است که برادران ارتشی و سپاهی و دیگر قشرهای متعهد در راه خداوند و کشور عزیز اسلامی مان فداکاری کنند تا دشمن اسلام و وطن را از خاک خود برانند و گروههایی بازی خورده تحت تأثیر بعضی منحرفین واقع شده و کارشکنی کنند و به دشمن کمک مستقیم یا غیر مستقیم نمایند و بر روی برادران مسلمان خود اسلحه بکشند؛ من بار دیگر یادآوری می‌کنم که روزی می رسد که از کردار خود پشیمان می‌شوید. و در آن روز، که خیلی هم طولانی نیست، پشیمانی فایده‌ای نخواهد داشت. چه بهتر امروز که درهای رحمت خداوند بزرگ بر روی شما باز است به صفوف فشردهٔ ملت بپیوندید، و در پناه اسلام آسوده خاطر به زندگی شرافتمندانهٔ خود ادامه دهید.

۱۰ ـ بار دیگر به ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و بسیج و همهٔ نیروهای مسلح نظامی و غیر نظامی تأکید می‌کنم که با هماهنگی هر چه بیشتر بر دشمن بتازید؛ و از اختلاف که از وسوسه‌های شیطان و به سود شیاطین است بپرهیزید؛ و از فرماندهان اطاعت کنید؛ و به خدای متعال اعتماد و اتکال نمایید، و کشور خود را از شرّ شیاطین با وحدت کلمه نجات دهید؛ و به اطمینان خاطر و صبر و شکیبایی، همچون سربازان صدر اسلام، به جنگ و دفاع از کشور عزیزمان ادامه دهید که خداوند متعال پشت و پناه شماست و شما به خواست پروردگار بزرگ پیروزید.

۱۱ ـ بار دیگر به دوستانی که پشت جبهه هستند، چه دولتمردان و چه سایر قشرهای مختلف ملت، أکیداً توصیه می‌کنم که از کارهایی که ممکن است جنگنده‌های

عزیز از جان گذشته را که خدا یارشان باد، در جبهه‌ها دلسرد کند، احتراز نمایید. و بدانید که اگر آسیبی به آنان و کشور عزیز اسلامی مان به واسطهٔ اقوال و افعال ما برسد، مسئول هستیم و در پیشگاه عدل الهی و ملتهای اسلامی معذور نخواهیم بود.

در خاتمه به تمامی شما و خواهران و برادرانی که در محیط جنگ به زندگانی دلاورانهٔ خود ادامه می‌دهید و از کشته شدن به دست دشمنان خدا در راه خدا ترسی ندارید و با چنگ و دندان از میهن عزیزتان برای رضای خدا دفاع می‌کنید و موجب دلگرمی رزمندگان اسلام می‌شوید و همه چیز خود را در طبق اخلاص قرار داده اید و با فداییهای مکرر صحنه‌های شجاعت و شهامت را در تاریخ سراسر مبارزات بی‌امانتان ثبت نموده و می‌نمایید و با درس فداکاری و رشادت به مستضعفین جهان می‌آموزید که وعدهٔ خدا بر حکومت پابرهنگان جهان حق است ، به شما که با مبارزات خویش روی ابرقدرتها و قدرتها را سیاه کردید، درود می‌فرستم و در مقابل صبر و استقامتتان خاضع و خاشعم.

خمینی که آخرین روزهای عمرش را می‌گذراند، تمام امیدش به شما مردم سلحشور ایران است؛ به شما مردمی که به هیچ وجه تحت تأثیر اختلافات جزئی و کلی واقع نشده و ان‌شاءالله نمی‌شوید؛ شما مردمی که با تمام وجود بر سر غرب و شرق جهانخوار شوریدید، شما عزیزانم، به امید خدا پیروزید. شما مردم دلیر و آگاه سرمشقی هستید برای ملل زیر سلطه. و باید بدانید در میدانی که قدم گذاشته اید مواجه هستید با مشکلات بسیاری که تنها مقاومتتان نجاتتان خواهد داد. به هیچ وجه ترس و بیم در خود راه ندهید، که مبارزات کوبنده تان نشان داده است که نمی‌دهید. متحد شوید که در سایهٔ اتحاد پیروزی‌تان بر ابرقدرتان حتمی است. از خداوند متعال غلبهٔ اسلام بر کفر و پیروزی رزمندگان اسلامی را خواستارم.

والسلام علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ٥٤١ تا ٥٤٤.

▣ پیام

زمان: ۲۷ شهریور ۱۳۶۰/ ۱۹ ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: بررسی علل و ابعاد جنگ تحمیلی، جنایات صدام با حمایت قدرتهای بزرگ
مناسبت: اولین سالگرد آغاز جنگ تحمیلی (هفته دفاع مقدس)
مخاطب: ملت ایران و مسلمانان و آزادگان جهان[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

یک سال از جنگ صدام تکریتی امریکایی با اسلام عزیز می‌گذرد. یک سال از هجوم بعث کافر عراق به سرزمین اسلام و جمهوری اسلامی ایران گذشت. اکنون در آستانهٔ «هفتهٔ جنگ» و بررسی ابعاد مختلف آن، از انگیزه‌ها و پیامدها و دستهای جنایتکاری که از آستین حزب بعث کافر عراق و صدام عفلقی پیداست، تا ثمرات تلخ و شیرینی که در مقابلهٔ حق و باطل و اسلام و کفر به بار آورده است، سخن می‌باشد، و در این هفته نویسندگان و گویندگان و رزمندگان و افشاگران و هنرمندان به بررسی کامل جنگ می‌پردازند و ابعاد این واقعهٔ تاریخی را روشن می‌نمایند. آنچه تاکنون از انگیزهٔ صدام بعثی و حزب بعث عراق بر روشن بینان نباید مخفی باشد آن است که ابرقدرتان جنایتکار و خصوصاً امریکا در این انقلاب به این نتیجه رسیده اند که انقلاب اسلامی ملت ایران با سایر انقلابهای غیرالهی تاریخ فرق اساسی دارد و رمز پیروزی شگفت انگیز آن را پس از تجزیه و تحلیل، در اسلام راستین یافتند. چنانچه رمز وحدت کلمه و نهضت همهٔ اقشار ملت را نیز در اسلام بزرگ احساس کردند، و خطر عظیم صدور انقلاب و پرتو حق در جهان اسلام بلکه در جهان مستضعفان آنان را در وحشت انداخت؛ وحشتی که در آن کوتاه شدن دست جنایتکارشان از کشورهای اسلامی بلکه از کشورهای مظلوم تحت سلطه را در پهناور گیتی به عیان

---

۱. متن پیام امام خمینی توسط آقای سید احمد خمینی در اجتماع پر شکوه نماز جمعه در دانشگاه تهران، قرائت شد.

می‌دیدند و شیاطین کارشناس آنان زنگ خطر سقوط امپراتوری جهانی شان را به صدا درآوردند. لذا از انقلاب هر چه گذشت بر توطئه‌هایشان برای سقوط اسلام، این رمز الهی برچیده شدن دستگاههای ستمگران و چپاولچیان افزایش پیدا کرد، و در بین حکومتهای منطقه، حکومتی را که صد در صد با اسلام مخالف و در سرکوبی آن مصمم است جز بعث عراق و شخص صدام نیافتند و او را با وعدهٔ فتح و پیروزی و امید چیره شدن بر اسلام با بهانه ای ابلهانه به این دام انداختند، و بحمدالله بر خلاف میلشان ماهیت زشت او که برای مسلمانان عراق واضح و الحاد و کفر او به فتوای فقیه وقت ثابت شده بود، برای سایر مسلمانان نیز واضح گردید. صدام اکنون پس از یک سال شرارت و جنایت و خسارات فراوان و به هدر دادن نیروهای فراوان انسانی و مادی از ملت مظلوم ایران و عراق و آنهمه تشبث به قدرتها و حکام منطقه، دیوانه وار به کشتار ملت و ارتشیان عراق کمر بسته است، و از آنان که به الحاد او تن در نمی‌دهند انتقام می‌گیرد و زندگی نکبت بارش را مأیوسانه می‌گذراند.

انگیزهٔ او و دوستانش سرکوبی اسلام به نفع ابرقدرتها و انگیزهٔ ملت و قوای مسلح اسلامی ایران دفاع از اسلام و قرآن کریم به نفع ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان است. حزب بعث خبیث عراق با انگیزهٔ شیطانی خود در سراشیبی سقوط به سوی عذاب الیم الهی می‌غلتد، ولی ملت و ارتش و پاسداران و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردم ایران، با احدی الحسنیین : پیروزی یا شهادت و وصول به لقاءالله، قلهٔ سعادت را می‌پیمایند. چه غم امتی را که یا به سوی خداوند تعالی می‌رود و یا به سوی تحقق اهداف اسلامی و انعکاس آن در جهان. و چه غم این ملت انقلابی را که هفته‌های جنگ داشته باشد و به پیامبر اسلام ـ صلی الله علیه و آله ـ و خاندان او اقتدا نموده و در راه اهداف اسلام عمری با شرافت و سربلندی به جهاد مقدس ادامه دهند و پس از صدام دشمن اسلام، به اسرائیل خبیث دشمن

بشریت بپردازد. تأسف ما در این جنگ تحمیلی آن است که قدرتهایی که باید صرف برانداختن اسرائیل و نجات بیت‌المقدس بزرگ شود با تبانی بین شیاطین بزرگ و صهیونیسم جهانی و بین حزب بعث عراق، صرف هجوم بر ضد مخالف سرسخت اسرائیل و امریکا شد و می‌شود.

ما اکنون نیز تکرار می‌کنیم که تا ملتهای اسلام و مستضعفان جهان بر ضد مستکبران جهانی و بچه‌های آنان خصوصاً اسرائیل غاصب قیام نکنند، دست جنایتکار آنان از کشورهای اسلامی کوتاه نخواهد شد و این غدهٔ سرطانی از بیت‌المقدس و لبنان اخراج نخواهد گردید، و امثال صدام و سادات به جنایات خود ادامه خواهند داد و مصر و عراق را به تباهی خواهند کشید. چاره برای دفع این ستمکاران، پناه به اسلام و گرایش متعهدانه به قرآن کریم و در زیر پرچم توحید با وحدت و انسجام بپاخاستن است.

هان ای مسلمانان جهان، و ای مستضعفان گیتی، آن نظام که برای شما، برای رشد و تکامل شما، برای سعادت دنیا و آخرت شما، برای رفع ظلم و خونخواری و چپاولگری از مظلومان جهان و برای تربیت و تعلیم انسانی و برای آزادی و استقلال کشورهای شما از جانب خداوند متعال بپا شده نظامهای الهی است که بالاترین آنها نظام اسلامی است. امروز امثال سازمانهای حقوق بشر برای کشیدن جهان به نفع ابرقدرتهای ستم پیشه است، و نظامهای الهی و در رأس آنها اسلامی به استضعاف است که به نفع مستضعفان علیه مستکبران در طول تاریخ در ستیز بوده اند و به استعمار و استثمار «نه» گفته اند. از این جهت مستکبران، چپاولگران، قدرت طلبان با آنان به جنگ پرداختند. و شما می‌بینید که جمهوری اسلامی ایران که از ابتدا با آوای «نه شرقی و نه غربی» برای استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی برپاخاست و انقلاب کرد و پیروز شد، تمام منحرفین و قدرتهای کافر در مقابلش جبهه گرفتند و

علیه آن از خارج و داخل به وسیلهٔ تفاله‌ها و انگلها و گروهکهای منافق ملحد به کارشکنی و شرارت پرداختند، و تمامی بوقهای تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی ایران به صدا درآمدند و دستگاههای نفاق افکن بین مسلمانان به تکاپو برخاستند و سیل تهمت و افترا به وسیلهٔ موجهای استعماری به سوی جمهوری اسلامی ایران جاری گردید و کمکهای بیدریغ تبلیغاتی و تسلیحاتی از هر طرف به سوی رژیم عراق برای سرکوبی اسلام سرازیر شد.

اکنون بر ملت شریف و مبارز ایران است که در مقابل تمام توطئه‌ها و شرارتها بایستند و همان طور که با قیام و انقلاب خود دست قدرتهای بزرگ و تفاله‌های آنان را از ایران قطع کردند، برای ادامهٔ انقلاب اسلامی خود و برای اقامهٔ عدل الهی از هیچ قدرتی و شرارتی هراس به خود راه ندهند. و بر قوای مسلح اسلامی، از ارتش، سپاه، بسیج و سایر قوای نظامی و انتظامی تا نیروهای مردمی در جبهه و پشت جبهه است که چون سیلی خروشان مزدوران جبهه را از کشور اسلامی شان برانند و ایران عزیز را از این خس و خاشاکها پاک نمایند، و بدانند که نیروی ایمان پیروز است. و بر ملت قهرمان است که با پشتیبانی بیدریغ خود از قوای انتظامی و سپاه پاسداران، این گروهکهای ورشکسته را که در خیابانها به شرارت می‌پردازند دستگیر کرده و به محاکم صالحه تحویل دهند. و بر محاکم انقلاب است که بر طبق فرمان الهی با آنان رفتار نمایند و بی‌کم و کاست حکم قرآن کریم را اجرا نمایند و به خواست خداوند فتنه را بخوابانند و از تجاوز و افراط خودداری کنند.

از ملت عزیز و خصوص دست‌اندرکاران و قوای مسلح می‌خواهم که هیچ امری آنان را از جنگ تحمیلی اغفال نکند و جنگ را سرلوحهٔ همهٔ امور قرار دهند که دستهای خیانتکار برای انصراف آنان از جنگ درکار است. و به آوارگان مظلوم جنگی تأکید می‌کنم که صبر و شکیبایی را از دست ندهند و مطمئن باشند که خسارات جنگی

باخواست خداوند به دست ملت و دولت جبران خواهد شد. و از ملت و دولت تقاضا دارم که نسبت به حوائج آوارگان جنگی از هیچ کوششی دریغ ننمایند. اینان برادران و خواهران و فرزندان شمایند که به دست عمال امریکا از خاندان خود آواره شده‌اند. و از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه تقاضا دارم که ملت ایران را با مددهای غیبی حمایت فرماید و دست مخالفان اسلام را از کشور اسلامی ما قطع فرماید و پیروزی نهایی را بر تمام جبهه‌ها نصیب کشور اسلامی فرماید. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

فرمان شکست حصر آبادان

من منتظرم که این حصر آبادان از بین برود. و [هشدار] می‌دهم به پاسداران، قوای انتظامی و فرماندهان قوای انتظامی که باید این حصر شکسته بشود؛ مسامحه نشود در آن، حتماً باید شکسته بشود. فکر این نباشند که ما اگر اینها هم آمدند، بیرونشان می‌کنیم. اگر اینها آمدند، خسارات بر ما وارد می‌کنند. نگذارند اینها بیایند در آبادان وارد بشوند. از خرمشهر اینها را بیرون بکنند. حال تهاجمی بگیرند.[۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۳۸ تا ۲۴۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۳۳.

◙ پیام

زمان: ۱۶خرداد ۱۳۶۰/۳شعبان ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: رسالت عظیم پاسداران و تجلیل از فداکاریها و جانفشانیها
مناسبت: سوم شعبان، میلاد مسعود حضرت امام حسین (ع) و روز پاسدار
مخاطب: ملت ایران و مسلمانان جهان [۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

عید سعید پر برکت سوم شعبان المعظم، ولادت با سعادت سید مظلومان، بر مظلومان جهان مبارک باد.

این روز شریف که طلیعهٔ ادامهٔ بعثت خاتم الانبیا ـ صلی الله علیه و آله و سلم بوده است مبارک بوده و خواهد بود. اگر عاشورا و فداکاری خاندان پیامبر نبود، بعثت و زحمات جانفرسای نبی اکرم را طاغوتیان آن زمان به نابودی کشانده بودند.

و اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابوسفیانیان که می‌خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید یادگار عصر تاریک بت پرستی که به‌گمان خود باکشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «لاخبر جاء ولا وحی نزل»[۲] بنیاد حکومت الهی را برکند. نمی‌دانستیم به سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می‌آمد. لکن ارادهٔ خداوند متعال بر آن بوده و هست که اسلام رهایی بخش و قرآن هدایت افروز را جاوید نگه دارد و با خون شهیدانی چون

---

۱. متن پیام امام خمینی توسط آقای سید احمد خمینی در مراسم روز پاسدار قرائت شد. این مراسم بعدازظهر شانزده خرداد (سوم شعبان) در میدان امام حسین و با حضور دهها هزار تن از مردم تهران و اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج، پس از رژه منظم یگانهای نظامی و بسیجی با سلاحهای سبک و سنگین و در اجتماع پرشور مردم برگزار گردید.

۲. یزید بن معاویه که سلطنت را جایگزین خلافت اسلامی نمود در عدول از سیره خلفا و بازگشت به ارزشهای جاهلیت تا بدانجا پیش رفت که گفت: «نه خبری از جانب خدا آمده است و نه وحی ای نازل شده است!» تاریخ طبری، ج ۱۰، ص ٦.

فرزندان وحی احیا و پشتیبانی فرماید و از آسیب دهر نگه دارد و حسین بن علی آن عصارهٔ نبوت و یادگار ولایت را برانگیزد، تا جان خود و عزیزانش را فدای عقیدت خویش و امت معظم پیامبر اکرم نماید، تا در امتداد تاریخ، خون پاک او بجوشد و دین خدا را آبیاری فرماید و از وحی و از رهاوردهای آن پاسداری نماید.

و اینک که پاسداران از سپاه و کمیته‌های عصر حاضر، این روز بزرگ پر برکت جاوید را روز پاسدار اعلام نموده اند، مسئولیتی بس بزرگ و تکلیفی بس عظیم را عهده دار شده‌اند، گویی آنان به یاد پاسداران عاشورا و انگیزهٔ جانفشانیها و فداکاریهای کربلا این روز را انتخاب نمودند و نیکو انتخابی است و بزرگ مسئولیتی. نیکوست که ادامهٔ خون سرخ تشیع را تداعی می‌کند و پر مسئولیت‌است که انگیزهٔ آن فداکاری و جانبازی آنچنان لطیفهٔ الهی دارد که آن خون را «ثارالله» و از مرزهای حجب نور و ظلمت فراتر بوده و از خودیها و خودبینیها پیراسته و به مرز «العبودیة جوهرةٌ کنهها الرّبوبیة»[1] رسانده و آراسته و دست ما از آن کوتاه است. لکن مأیوس نشوید و کوشش کنید تا به کوشش خویش رنگ اسلامی الهی بیشتری دهید و به فداکاری خویش اخلاصمندتر باشید که بحمدالله هستید.

شما عزیزان که از بدو انقلاب از متن جامعهٔ اسلامی جوشیدید و در جهاد حق علیه باطل و رژیم شاهنشاهی کوشیدید و اکنون در جهاد اسلامی مقابل کفر صدامیان یعنی امریکای خونخوار همدوش با برادران ارتشی و سایر قوای مسلح از بسیج گرفته تا عشایر برومند در رزم و جهاد مقدس جانبازی می‌کنید و افتخارات بزرگ برای ملت و اسلام می‌آفرینید، باید بدانید که خدا پشتیبان لشکریان خویش است و همیشه در نهایت حق پیروز است.

---

۱. «عبودیت و بندگی خدا گوهری است که باطن آن ربوبیت است». مصباح الشریعه، ص ٥٣٦، باب صدم: در حقیقت عبودیت.

امریکای جهانخوار باید بداند که ملت عزیز و خمینی تا نابودی کامل منافعش او را راحت نخواهند گذاشت و تا قطع هر دو دست آن به مبارزهٔ خدایی خود ادامه خواهند داد. ملت ما همان گونه که نشان داده‌اند، تحمل تمام کمبودها را برای حفظ شرف و آبروی خویش خواهد نمود. ملت مقاوم ما از روز اول مبارزه‌اش می‌دانست که با تمام قدرتها و ابرقدرتها دست به گریبان است و باید بداند که تمام ایادی داخلی و خارجی قدرتها و ابرقدرتها خصوصاً امریکای جنایتکار برای شکست ما از تمام امکاناتش استفاده خواهد نمود، ولی چاره چیست که کوه مصیبتها در مقابل حیثیت اسلامی ایرانی ما چون کاهی است و مردم ما باید خود را آماده این درگیری حسینی تا پیروزی کامل بنمایند، که مرگ سرخ به مراتب بهتر از زندگی سیاه است.

و ما امروز به انتظار شهادت نشسته ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند و بار مسئولیت استقلال واقعی را در تمامی ابعادش به دوش کشند و با افتخار پیام رهایی مستضعفین را در جهان سر دهند. شما دلاوران سلحشور و شما سپاهیان انقلاب اسلامی مردم ایران، شما از همان روزهای اول هدف ناجوانمردانهٔ گروهها و گروهکهای منحرف واقع شدید و این خود فخری بر افتخارات شما افزود، و اکنون نیز آن کس که از اسلام بیشتر گریزان است، دشمن سرسخت تر شما عزیزان است. بکوشید که نفاق افکنان در شما رخنه نکنند و میان شما و برادران رزمندهٔ دیگرتان جایی نیفکنند؛ که اکنون قوای نظامی و انتظامی همچون شما و سایر قوای مسلح مردمی لشکریان اسلامید و برادران ایمانی.

بهوش باشید که از تفاله‌های رژیم طاغوتی و مکتبهای انحرافی آسیب نبینید که دشمنان اسلام در کمینند و قلمهای زهرآگین از هر سو از غلافها کشیده شده تا جمهوری اسلامی را از صحنه به در کنند و بجز جمهوری اسلامی به هر چه‌باشد گردن نهند. اینان همانها هستند که از اول از اسم جمهوری اسلامی وحشت داشتند و اکنون نیز وحشت دارند و با قلم و قدم هر چه بیشتر در هدم آن و دولت مردمی شما

می‌کوشند؛ لکن باید بدانند که سیل خروشان ملت آنان را چون خسی بر کنار خواهد زد و قدرت الهی اسلام فوق آن است که در مغزهای بی محتوای آنان بگنجد. و شما مطمئن باشید که هر گاه تکلیف شرعی احساس شود، به راهی که خداوند قاهر پیشاروی ملت گذاشته است هدایت خواهند شد. اینجانب روز مبارک پاسدار را به شما دوستان و سایر قشرهای ملت، بلکه به مستضعفان جهان تبریک می‌گویم و سعادت آنان و عظمت اسلام و مسلمین را خواهانم.

درود بر رزمندگان مجاهد، درود بر سپاه پاسداران، درود بر کمیته‌های انقلابی، درود بر شهدای راه اسلام، درود بر بازماندگان شهدا و درود بر آسیب دیدگان جنگ تحمیلی و درود بر ملت ایران. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۵مهر ۲۸/۱۳۶۰ذی‌القعده ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: شکست محاصره آبادان و تقدیر امام از رزمندگان اسلام
مخاطب: فلاحی، ولی الله ـ ظهیرنژاد، قاسمعلی ـ رضایی، محسن «فرماندهان ارتش و سپاه»

بسم الله الرحمن الرحیم

تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد، و جناب آقای محسن رضایی ـ ایّدهم الله تعالی

تلگراف شما در خصوص فتح بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، بسیج، ژاندارمری، فداییان اسلام، و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصرهٔ آبادان به طور کامل

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ٤٠٦ تا ٤٠٩.

شکسته شده است[۱] واصل گردید. اینجانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می‌گویم. و امید است این سرافرازیها راکه برای اسلام و میهن فراهم می‌کنند منظور نظر مبارک ولی الله الاعظم، بقیة الله ـ ارواحناله الفداء ـ باشد. و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمینهای میهنمان است، ملت شریف بزودی مشاهده کند. اینجانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ـ ایّدهم الله تعالی ـ تقدیر و تشکر می‌کنم. از خداوند متعال توفیق، نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و بخصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستار است. والسلام علیکم روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. متن تلگراف فرماندهان سپاه اسلام:

بسم الله الرحمن الرحیم

«محضر مبارک حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و فرماندهٔ کل قوا. در اجرای فرمان آن امام امت، دایر بر شکستن محاصرهٔ آبادان و انهدام نیروهای متجاوز در شرق رود کارون و براساس طرح پیشنهادی نیروی زمینی و سپاه در شورایعالی دفاع که در حضور جنابعالی ارائه و مورد تصویب قرار گرفت، در سحرگاه روز پنجم مهر ماه با شرکت لشکر ۷۷ تقویت شدهٔ خراسان و سپاهیان پاسدار انقلاب و نیروی هوایی و هوانیروز و ژاندارمری و فداییان اسلام و سایر نیروهای مردمی، اجرا و ظرف چند ساعت با اجرای یک مانور ماهرانه نیرویی از دشمن متجاوز عراق به استعداد یک لشکر تقویت شده اسیر و مجروح و منهدم و متواری گردید و شمال آبادان و شرق رودکارون باز پس گرفته شد و به طور کلی محاصرهٔ آبادان شکسته شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این پیروزی را مرهون لطف خداوند و رهنمودهای امام امت می‌دانند و این پیروزی را به امام امت و ملت ایران تبریک عرض می‌کنند. جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرتیپ فلاحی؛ فرماندهٔ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سرتیپ قاسمعلی ظهیرنژاد؛ فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محسن رضایی».

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۵۴ تا ۲۵۵.

◙ نامه

زمان: ۶مهر ۱۳۶۰/ ۲۹ذی‌القعده ۱۴۰۱[1]
مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ پیام تبریک به مناسبت شکستن حصر آبادان به وسیله رزمندگان اسلام
مخاطب: شیرازی، سید عبدالله

بسم الله الرحمن الرحیم

مشهد مقدس حضرت آیت الله آقای شیرازی ـ دامت برکاته

تلگراف شریف در تبریک پیروزیهای مهم نیروهای مسلح موجب تشکر گردید. امید است با توجهات خاصهٔ ولی عصر، بقیة الله ـ ارواحنا له الفداء ـ و دعای خیر جنابعالی و سایر حضرات آقایان معظم در تحت قبهٔ منورهٔ حضرت ثامن الحجج ـ علیه و علیهم الصلوة والسلام ـ خداوند تعالی توفیق پیروزی نهایی و سرکوبی دشمنان اسلام در داخل و خارج را به قوای مسلح و ملت رزمندهٔ ایران عنایت فرماید؛ و منحرفین را که آگاهانه و یا ناآگاهانه در خدمت دو قطب شرق یا غرب به اسلام و جمهوری اسلامی ضربه می‌زنند، هدایت یا سرکوب فرماید؛ و جوانان به دام کشیده را که جان خود و هم‌میهنان خود را در راه اهداف دغلبازان به هدر می‌دهند، از خواب غفلت بیدار و به دامن ملت برگرداند. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۹ ذی قعده ۱۴۰۱ / ۶ مهر ماه ۶۰

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. در صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱٦٦، ذیل تاریخ ٦٠/٧/٧ ه‍ . ش . درج شده است که به استناد تاریخ مندرج در نسخه خطی، تاریخ ٦٠/٧/٦ صحیح است .

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲٥٦.

▣ پیام

زمان: ۴آذر ۲۸/۱۳۶۰محرم۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: ضرورت حفظ و حراست از اسلام و کشور اسلامی مناسبت: سالروز تشکیل بسیج مستضعفان
مخاطب: بسیجیان و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

درود بی‌پایان نثار ملت عظیم‌الشأن ایران که با همت والای خود در مقابل هر پیشامد و خطری شجاعانه و عاشقانه ایستاده و مقاومت نموده و در راه خداوند تعالی و جمهوری اسلامی که کفیل پیاده نمودن احکام روشنی بخش و مترقی اسلام است از هیچ کوشش و بذل جان و مال دریغ ننموده. و سلام بر قوای مسلح و رزمندگان پرشور و عاشق لقاء الله که در راه هدف مقدس، سر از پای نشناخته و جان بر کف به دفاع از حق و میهن عزیز خود در جبهه‌ها و پشت جبهه و جهاد مقدس تا پیروزی نهایی ادامه می‌دهند. و رحمت و برکات خداوند بزرگ بر بسیج مستضعفان که بحق پشتوانهٔ انقلاب اسلامی است و به کوشش ارزندهٔ خود ادامه داده [اند] و بحمد الله تعالی با همت جوانان برومند و داوطلبان، گروه میلیونی رزمنده تربیت [کرده‌اند]، و امید آن است که با شرکت فعال قشرهای معظم ملت و شور و شعفی که در جوانان عزیز از برکت اسلام مشاهده می‌شود «ارتش بیست میلیونی» که نگهبان جمهوری اسلامی و کشور عزیز از شرّ جهانخواران متجاوز است، تحقق یابد.

شما عزیزان و جوانان بزرگوار باید بدانید که حفظ و حراست اسلام و کشور اسلامی و دین حق از بزرگترین طاعاتی است که از صدر عالم تاکنون انبیای معظّم و اولیای بزرگ ـ صلوات الله علیهم اجمعین ـ در راه آن کوشش جانفرسا نموده و از هیچ فداکاری دریغ ننموده اند و تربیت و تعلیم و تعلم فنون نظامی در راه این هدف ارزنده‌ترین ارزشهاست، و تا شما جوانان بیدار و سایر قشرهای ملت بزرگ با این شور و شعور در صحنه حاضرید به کشور و جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد رسید.

شما ملت معظّم که می‌خواهید از دین خدا دفاع کنید و نگهبان کشور

ولی الله‌الاعظم ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ باشید، مطمئن باشید که دست قدرت خداوند قادر بر سر شما سایه افکنده و عنایات غیبی شامل حال شماست و شرّ اشرار و توطئه‌های شرق و غرب را خنثی خواهد فرمود.

ملت عزیز با توجه به اینکه قدرتهای جهنمی از هر طرف در صدد به شکست کشاندن جمهوری اسلامی، که دست آنان را از چپاول اموال این ملت مظلوم کوتاه کرده می‌باشند، باید همگی تشریک مساعی در رفع مشکلات کشور عزیز نمایند و در پیشبرد اهداف اسلام بزرگ از هیچ کوششی دریغ ننمایند، و هر گروه و دسته ای در هر مقام، در این هدف عالی اسلامی کوشا باشند.

مجلسیان در تصویب لوایحی که از ارگانها به آنها می‌رسد با تحقیق و تدقیق و مراعات موازین اسلامی تسریع نمایند و مواردی که احتیاج به تشخیص متخصصین دارد از آنان دعوت و مشورت و نظرخواهی نمایند. و شورای نگهبان در نظارت بر قوانینی که می‌گذرد، چه مربوط به مسائلی باشد که تماس با احکام اولیهٔ شرعی دارد یا احکام ثانویه، با مراعات همهٔ جوانب نظر دهند. و دولتمردان در اجرای قوانین مذکور تسریع و در عدم تجاوز از حدود قانون سختگیری نمایند و متجاوزان [را] از هر قشر و دسته‌ای باشند به دادگاهها بسپارند تا به مجازات برسند. و شورای قضایی در کار پرزحمت و ارزندهٔ خود با سرعت عمل، مسئلهٔ مهم مشکل قضا را حل نماید و متخلفان از موازین اسلامی را به دادگاهها دعوت و به مجازات شرعی برسانند و رزمندگان و قوای مسلح نظامی و غیرنظامی و کمیته‌ها و نیروهای مردمی از عشایر و سایر قشرها در پیشبرد جنگ در جبهه‌ها و در جلوگیری از شرارت منافقان و منحرفان با تشریک مساعی و کمک اطلاعاتی میلیونی مردم متعهد از کوشش شبانه روزی دریغ ننمایند. و جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفان و متصدیان امور جنگزدگان و آوارگان بر قدرت فعال خود بیفزایند. و بسیج مستضعفان که سالروز آن را به ملت ایران و جوانان متعهد و مؤمن تبریک می‌گویم در تعلیم و تربیت به جوانان و

نوجوانان مساعی جمیلهٔ خود را روز افزون کند.

و نویسندگان و روشنفکران متعهد و رسانه‌های گروهی بر حجم تبلیغات خود افزوده و تبلیغات دامنه دار دشمنان جمهوری اسلامی ایران را خنثی نمایند. و شورای [انقلاب] فرهنگی کوشش کنند که با کمک مستضعفان و دانشمندان، دانشگاهها باز و به کار خود ادامه دهند؛ و بر عالمان دانشمند است که دعوت شورا را در این امر حیاتی لبیک گویند. و ملت شریف که انقلاب اسلامی را به پیش بردند، در تمام مشکلات جنگی و نظامی و اقتصادی و فرهنگی با متصدیان این امور همراهی و همفکری نمایند.

و حوزه‌های مقدسهٔ علمیه در تمام کشور در تربیت قضات شرع و مبلغان و فقها و دانشمندان بیش از پیش کوشش نمایند، که امروز احتیاج به این قشرها بیش از سابق است و تکلیف مهم بیشتری متوجه آنان است. و علمای اعلام و ائمهٔ جماعت و خطبای محترم بر حجم ارشاد و رهنمودهای خود بیافزایند و قشرهای میلیونی مردم را متوجه طرق نگهبانی از اسلام و احکام مقدسه و حراست از جمهوری اسلامی نمایند، و به توده‌های متعهد میلیونی اسلامی لزوم تشریک مساعی در تمام امور کشوری و لشکری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را گوشزد نمایند و به آنان توصیه کنند که برای کمک به اقتصاد کشور که امروز از اهم مسائل است از اسراف، تبذیر[1] و استعمال امور تشریفاتی و تجملی اجتناب نمایند، و از سپردن پولهای خود اگرچه اندک باشد به بانکهای دولتی برای به راه افتادن چرخهای اقتصاد و کمک به دولت اسلامی دریغ ننمایند، و از کمک کردن به جنگ و جنگزدگان غفلت ننمایند، و از شرکت در بسیج مستضعفان و تعلیم و تربیت دیدن برای حراست از اسلام عزیز کوشا باشند.

---

۱. زیاد خرج کردن، بیهوده خرج کردن.

و کوتاه سخن آنکه، امروز جمهوری اسلامی ودیعه‌ای است که از جانب خداوند متعال به ملت ایران سپرده شده و همهٔ ما از زن و مرد و پیر و جوان در حفظ این ودیعه مسئول هستیم و باید تمام قشرها با اتکال به خداوند تبارک و تعالی و وحدت کلمه و اجتناب از اختلاف، جمهوری اسلامی را نگهبان باشیم و راه مستقیم انسانیت و اسلامیت را به توفیق الهی ادامه دهیم.

از خداوند متعال توفیق همگان را در خدمت به خلق خدا و آیین مقدس او خواستارم. والسلام علی عبادالله الصالحین. ۱۳۶۰/۹/۴

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان:۸آذر ۱۳۶۰/ ۲صفر ۱۴۰۲ مکان:تهران،جماران

موضوع:پیروزی لشکریان اسلام درجبهه‌ها

مخاطب:خامنه‌ای،سیدعلی‌ظهیرنژاد،قاسمعلی‌صیادشیرازی،علی‌رضایی،محسن

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای حاج سید علی خامنه ای رئیس جمهوری محترم اسلامی ایران؛ تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ سرکار سرهنگ علی صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی؛ جناب آقای محسن رضایی فرماندهٔ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی : ﴿إن تنصروا الله ینصرکم و یثبت أقدامکم﴾[۲]

تلگرافهای شریف که بشارت پیروزی قوای مسلح شجاع را بر قوای شیطان آمریکایی صدامیان که با هجوم ظالمانهٔ خود فتح قادسیه را به مغزهای تهی از ایمان به غیب وعده می‌دادند، واصل گردید. اتکا به مسلسل و تانک، و غفلت از خداوند قادر و جنود الهی، انسانها را به ورطهٔ هلاکت و فضاحت می‌کشاند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۸۶ تا ۳۸۹.

۲. سوره محمد (ص)، آیه ۷: «اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌گرداند».

آنانکه رمز پیروزی را مجهز به جهاز شیطانی و «میگ»ها[1] و «میراژ»ها[2] می‌دانند و ایمان به غیب و خداوند قادر را بـه حسـاب نـمی‌آورند و دم از پـیروزی قادسیه[3] می‌زنند و رمز پیروزی قادسیه و مؤمنان صدر اسلام را باز نیافته‌اند و قدرت ایـمان و شـهادت‌طلبی را نـمی‌فهمند، بـاید بـا شکست مـفتضحانه روبرو شـوند و گوشمالی الهی ببینند. اینان از پیروزیهای صدر اسلام که پیروزی ایـمان و خـون بر شمشیر و قوای جهنمی بود باید عبرت بگیرند. مردم ایران و ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای نظامی و غیرنظامی برای حفظ اسلام و کشور اسلامی و رسیدن به لقاء الله دفاع می‌کنند، و فرق است بین این عزیزان و آن گولخوردگان که بـرای مـقاصد پـلید امریکا و وابستگان آن به جنگ برضد اسلام و قرآن مجید برخاسته‌انـد. آنـچه بـرای اینجانب غرورانگیز و افتخارآفرین است روحیهٔ بزرگ و قلوب سـرشار از ایـمان و اخـلاص و روح شـهادت‌طلبی ایـن عزیزان کـه سـربازان حـقیقی ولی الله الاعـظم ارواحنا فداه ـ هستند، و این است فتح‌الفتوح. من به ملت بزرگ ایران و به فرماندهان شجاع قبل از آنکه پیروزی شرافتمندانه و بزرگ خوزستان را تبریک بگویم، وجـود چنین رزمندگانی را که در دو جـبههٔ مـعنوی و صـوری و ظـاهر و بـاطن از امـتحان سرافراز بیرون آمده‌اند، تبریک می‌گویم.

مبارک باد بر کشور عزیز ایران و بر ملت شریف، رزمندگانی چنین قدرتمند و عاشقانی چنین محو جمال ازلی و سربازانی چنین دلباخته که شهادت را آرزوی نهایی خود و جانبازی در راه محبوب را آرمان اصیل خویش می‌دانند. افتخار بر رزمندگانی که جبهه‌های نبرد را با مناجات خویش و راز و نیاز با محبوب خود عطرآگین نمودند.

---

۱. میگ، نوعی هواپیمای جنگی روسی.

۲. میراژ، هواپیمای جنگی و پیشرفته فرانسوی.

۳. قادسیه، یکی از جنگهای مسلمین با ایرانیان بود که به پیروزی لشکریان اسلام انجامید و صدام حسین جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را به جنگ قادسیه نامید!

فخر و عظمت بر جوانان عزیزی که در راهی قدم برداشته و پاسداری از مکتبی می‌کنند که شکست ناپذیر و سرتاپا پیروزی است. و ننگ بر آنان که در راهی جان خود را هدر می‌دهند و عِرض و آبروی خود را می‌برند که پیروزیشان شکست و زندگیشان ننگ آفرین است.

اینجانب از فرماندهان محترم و رزمندگان عزیز قوای مسلح نظامی وانتظامی، ارتش و سپاهی و بسیج مستضعفان و ژاندارمری و شهربانی و عشایر محترم و نیروهای نامنظم و مردمی تشکر و قدردانی می‌کنم. درود بر شما و همه آنان که برای اسلام و کشور عزیز خود حماسه می‌آفرینند. از خداوند تعالی پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و سلامت و سعادت همگان را خواهانم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲فروردین ۱۳۶۱/ ۲۶جمادی‌الاول ۱۴۰۲ — مکان: تهران، جماران
موضوع: تبریک پیروزی رزمندگان — مناسبت: آغاز عملیات فتح المبین
مخاطب: ملت ایران و رزمندگان قوای اسلام

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿إِن تنصروا الله ینصرکم و یثبت أَقدامکم﴾[۲]

اخبار غرورآفرین جبهه‌های نبرد علیه قوای شیطانی را یکی پس از دیگری دریافت نمودم. قلم قاصر است که احساسات خویش را ابراز کنم. به قوای مسلح اسلامی که خدایشان نصرت آخرین را نصیب فرماید تبریک عرض می‌کنم. مبارک

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۹٤ تا ۳۹۵.

۲. بخشی از آیه ۷ سوره محمد: «اگر خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌گرداند».

باد بر شما عزیزان افتخارآفرین پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکة الله و نصرت ملکوت اعلیٰ نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیة الله الاعظم ارواحنا له‌الفداء ـ نمودید. رحمت واسعهٔ خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شبهای نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند. مژده باد به شما جوانان برومند در تحصیل رضای پروردگار که از بالاترین سنگرهای روحانی و جسمانی ظاهری و باطنی پیروزید. مبارک باد بر بقیة الله ـ ارواحنا له الفداء ـ وجود چنین رزمندگان ارزشمند و مجاهدان فی سبیل الله که آبروی اسلام را حفظ و ملت ایران را روسپید و مجاهدان راه خدا را سرافراز نمودید. ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام به شما سلحشوران افتخار می‌کنند. آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکة الله نشاندید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت چنین جوانان رزمنده‌ای، و بر شما چنین ملت قدردانی که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستند. اینجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم. شما دیْن خود را به اسلام عزیز و میهن شریف ادا کردید و طمع ابرقدرتها و مزدوران آنان را از کشور خود بریدید و سخاوتمندانه در راه شرف و عزت اسلام جهاد کردید. «یا لیتنی کنت معکم فَافوز فوزاً عظیماً».[1]

درود بر فرماندهان بزرگوار رزمندگان و بر همهٔ مجاهدان راه عظمت کشور و اسلام. و نفرت و لعنت بر منافقان و منحرفانی که می‌خواستند یکی از انبارهای مهمات چنین مجاهدانی را به آتش بکشند. و غضب و سخط خداوند بر آن خدانشناسانی که با کمک به صدام عفلقی می‌خواستند او را نجات دهند. و شکر

---

۱. «کاش با شما می‌بودم تا به بهره‌ای بزرگ نایل آیم»؛ فرازی که در زیارتنامه بزرگان دین و شهدای کربلا وارد شده است، بیان این فراز خطاب به رزمندگان جبهه‌های دفاع مقدس و شهدای جنگ تحمیلی حاکی از رفعت مقام آنان در نگاه امام خمینی است.

بی‌پایان خداوندی را که توانستید با شکست مفتضحانه، نیروهای کفر را در بارگاه قادر متعال بی آبرو و در پیشگاه ملتهای مسلمان منفور نمایید. من از خداوند تعالی نصرت نهایی شما عزیزان و شکست مخالفان حق را خواستارم.

درود بر شما و رحمت خدا بر شهیدان راه حق و شهدای جبههٔ نبرد حق علیه باطل. والسلام علی عبادالله الصالحین. ۲ فروردین ۶۱

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۰ فروردین ۱۳۶۱ / ۴ جمادی‌الثانی ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از رشادت‌های رزمندگان در عملیات بزرگ «فتح المبین»
مخاطب: آقایان: ظهیرنژاد، قاسمعلی ـ صیاد شیرازی، علی ـ معین پور رضایی، محسن ـ «فرماندهان نیروهای ارتش و...»

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿إن الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیانٌ مرصوص﴾[۲]

تیمسار ظهیرنژاد «رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران»، سرکار سرهنگ صیاد شیرازی «فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران»، جناب آقای محسن رضایی «فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران»، سرکار سرهنگ معین پور «فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران».

پیام آرامش بخش و افتخارآمیزتان پیرو پیروزیهای بزرگ سلحشوران ظفرمند عملیات فتح المبین واصل و موجب سرافرازی گردید. گرچه این شجاعتها و فداکاریها و پیروزیهای عظیم کم سابقه یا بی‌سابقه در بُعد نظامی و میدان نبرد از طرف نیروهای مسلح عظیم القدر جمهوری اسلامی، آنچنان افتخارآفرین و اعجاب آمیز

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۴۲ تا ۱۴۳.

۲. سوره صف، آیه ٤: «خدا دوست دارد کسانی را که در راه او در صفی چونان سدی (نفوذناپذیر) که اجزایش را با سرب به هم پیوند داده باشند، می‌جنگند».

است که با مقیاسهای عادی و معیارهای نظامی و جنگی نتوان ارزش پرعظمت و غرورآفرین آن را با الفاظ محدود و عبارات معدود توصیف نمود و شجاعت و حملهٔ برق‌آسای سلحشوران ایران بزرگ را به ذهن آورد، و با قلم و بیان اظهار کرد. گر چه این شکل پیروزیها و سلحشوریها در باب خود بی نظیر یا کم نظیر است، و گر چه این نحو تاختن بر نیروهای زمینی و هوایی دشمنانی که تا بن دندان با سلاحهای سنگین و سبک مدرن غربی و شرقی مسلح بودند، در جنگهای جهان نمونه است که در ظرف کمتر از یک هفته آنچنان مات شوند که هر چه دارند بگذارند و فرار نمایند و یا تسلیم شوند، به صورتی که قوای مسلح ما تاکنون نتوانند اسیران و کشتگان و غنایم را به شمار آورند، و گر چه تمام این امور بر خلاف عادت به صورتی معجزه آسا تحقق یافت، لکن آنچه انسان را در مقابل رزمندگان جبهه‌ها و پشتیبانان آنان در میدان رزم مثل جهاد سازندگی و همچنین فیلمبرداران جان بر کف عزیز و پزشکان و پرستاران متعهد و والامقام و خبرنگاران جسور و مردمان میلیونی پشت جبهه به خضوع وادار می‌کند، بُعد معنوی آن است که با هیچ معیاری نمی‌توان سنجید و با هیچ میزانی نمی‌توان عظمت آن را دریافت.

ما عقب ماندگان و حیرتزدگان، و آن سالکان و چله نشینان و آن عالمان و نکته‌سنجان و آن متفکران و اسلام شناسان و آن روشنفکران و قلمداران و آن فیلسوفان و جهان‌بینان و آن جامعه شناسان و انسان یابان و آنهمه و همه، با چه معیار این معما را حل و این مسئله را تحلیل می‌کنند که از جامعهٔ مسمومی که در هر گوشه آن عفونت رژیم ستمشاهی فضا را مسموم نموده بود، بازار و مغازه‌هایش مسموم، خیابانها و گردشگاههایش مسموم، تفریحگاهها و سینماهایش مسموم، مطبوعات و رسانه‌های گروهی اش مفتضح و مسموم، وزارتخانه‌ها و اداراتش مسموم، مجلس شورا و دادسراها و دادگاههایش مسموم، مراکز تعلیم و تربیتش از کودکستان تا دانشگاهش مسموم و بدتر از مسموم، و فضای حاکم بر سرتاسر کشور مسموم، که هر

یک برای مسموم نمودن جوانان و به فساد کشاندن آنان عاملی فعال بود، و نونهالان و تازه جوانان ما در یک چنین محیطی به جوانی و رشد رسیده بودند که به حسب موازین و عادت باید سرشار از مسمومیت و فساد اخلاق و عقیدت باشند، که اگر معلم و مربی اخلاق و مهذب نفوس بخواهد تنها یکی از آنها را با صرف سالهای طولانی متحول گرداند میسر نگردد، چگونه در ظرف سالهای معدود از بطن این جامعه و انقلاب که خود نیز اگر معیارهای عادی را حساب کنیم باید کمک به فساد کند یک همچو جوانان سرشار از معرفت الله و سراپا عاشق لقاء الله و با تمام وجود داوطلب برای شهادت جان نثار برای اسلام که پیران هشتاد ساله و سالکان کهنسال به جلوه ای از آن نرسیده اند، بسازد؟ جز دست غیبی و دستگیری الهی و تصرف ربوبی، با چه میزان و معیار می‌توان تحلیل این معما کرد؟

اینجانب هر وقت با یکی از این چهره‌ها روبه رو می‌شوم و عشق او را به شهادت در بیان و چهرهٔ نورانی‌اش مشاهده می‌کنم احساس شرمساری و حقارت می‌کنم. و هر وقت در تلویزیون، مجالس و محافل این عزیزان که خود را برای حمله به دشمن خدا مهیا می‌کنند، و مناجات و راز و نیازهای این عاشقان خدا و فانیان راه حق را در آستانهٔ هجوم به دشمن می‌نگرم که با مرگ دست به گریبان هستند و از شوق و عشق در پوست نمی‌گنجند، خود را ملامت می‌کنم و بر حال خویش تأسف می‌خورم. اکنون ملت ما دریافته است که : «کلّ یوم عاشورا و کل ارضٍ کربلا»[۱]. مجالس حال و دعای اینان شب عاشوراهای اصحاب سیدالشهدا را در دل زنده می‌کند.

جوانان عزیزم و فرماندهان محترم، شما توقع نداشته باشید که من بتوانم از عهدهٔ ثنای شما و شکر عمل شما برآیم. شما را همان بس که محبوب خدای تعالی

---

۱. هر روز عاشورا و هر زمینی کربلاست.

هستید، و خدای شما فرموده که شما را که چون سدی محکم و بنیانی مرصوص در مقابل دشمنان خدا و برای رضای او ایستاده اید دوست می‌دارد. و این است جزای شما و این است عاقبت عمل شما. پس، از این مرحله بگذرم و از گروههایی که از جهات مختلف در جبهه‌ها با آن حال جنگ و نزدیکی خطر، شما را کمک کرده و می‌کنند و در خدمت شما بوده و هستند باید تشکر کنم. خدایتان یار و مددکار و رحمت حق بر شهدای عزیزتان و خاندان محترمشان که با شجاعت و شهامت به شهادت فرزندان و نزدیکانشان افتخار می‌کنند، خود را و فرزندان خود را از اسلام و برای اسلام می‌دانند. سلام خدا و بزرگان دین بر شهدا و خاندانشان و بر رزمندگان در راه اسلام و ایران. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پیام

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۶۱ / ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۰۲ — مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از رزمندگان اسلام تذکراتی به ملت، دولت و قوای مسلح کشور

مناسبت: چهارمین سال تاسیس نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۲ فروردین)

مخاطب: ملت ایران و نیروهای مسلح

بسم الله الرحمن الرحیم

در آغاز چهارمین سال رسمیت جمهوری اسلامی حمد و ثنای بی‌پایان خداوند متعال را که با نصرت خود و جنود غیبی، رزمندگان سلحشور و متعهد ایران را در دو بعد معنوی و ظاهری پیروز و با سرافرازی هر چه تمامتر به جایی رساند که معجزهٔ عصر به دست مبارک و توانای آنان به صورتی آشکار، تحقق پیدا کرد و لشکرهای مجهز به جهازهای مدرن قدرتهای شیطانی در فاصله‌ای اندک شکست مفتضحانه خورده یا تسلیم شدند و یا فرار نمودند و یا کشته شدند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۴۹ تا ۱۵۱.

دوازده فروردین سال ۶۱ درخشندگی دیگری در تاریخ ایران دارد. درخشندگی پرتو نور خدا، درخشندگی حمایت و عنایت خاص پروردگار جهان بر ملت ستمدیده و غارتزدهٔ ایران. کسی که این حمایت و اعجاز را نبیند خفاشی است که نور خورشید جهان افروز را نتواند دید. با تمام اسباب اطمینان و سکون خاطر در دشمن و تمام اسباب وحشت و خوف در رزمندگان ایران، کدام سبب، اطمینان و سکینه را در اینان ایجاد و رعب و وحشت را در آنان متحقق کرد؟ آنها برخوردار از پشتیبانی ابرقدرتها بویژه شیطان بزرگ، امریکا بودند و می‌باشند. اکثر قدرتمندان منطقه به آنها انواع سلاح را از اطراف جهان می‌رساندند و میلیاردها دلار در اختیار آنها می‌گذاشتند و به پشتیبانی از آنان از فرستادن ارتش هم دریغ نداشتند. و تمام رسانه‌های گروهی مؤثر در خدمتشان بود و هست و ما در محاصرهٔ اقتصادی و در حال انقلاب و درهم ریختگی و مواجه با توطئه‌های جانفرسای داخلی و خارجی. آنها غافلگیرانه به ما هجوم آوردند و از دریا و زمین و هوا به ما حمله کردند و مقدار زیادی از کشور ما را تصرف نمودند و به خرابی و قتل و غارت شهرهای ما و ملت مظلوم ما پرداختند که این نیز از اسباب بزرگ برای رعب و وحشت ما و آرامش و سکون برای مهاجمین به کشور ما بود. آیا آنچه خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ فَرِيقاً تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقاً﴾[1]، مصداق ظاهرش در فتح مبین متحقق نیست ؟ آیا آیه ﴿هُوَ ٱلَّذِي أَنزَلَ ٱلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ ٱلْمُؤْمِنِينَ﴾[2] مصداق ظاهرش رزمندگان این جبهه نیست ؟ مگر آنچه در صدر اسلام واقع شد و موجب فتح لشکر اسلام گردید جز اینها بود؟ آیا در ظرف یک هفته آنچه تاکنون شمارش شده است بیش از پانزده هزار اسیر و هزاران مقتول و هزاران مجروح و آنهمه غنایم

---

۱. سوره احزاب، آیه ٢٦.

۲. بخشی از آیه ٤ سوره فتح : «و اوست که در دلهای مؤمنین، آرامش فرستاد».

جنگی امری عادی است ؟ آیا فوج فوج تسلیم در مقابل عده ای غیر معادل با خصم امری عادی و طبیعی است؟

بارالها! جوانان رزمندهٔ ایران فتح را از تو می‌دانند و به قدرت خویش مغرور نیستند. و اگر غرور و سرافرازی هست برای آن است که مورد عنایت و حمایت ذات مقدس تو هستند. تو، طمأنینه و سکینه[1] را در دل آنان نازل فرمودی و رعب و وحشت را در قلوب دشمنان آنان که دشمنان اسلامند انداختی. خداوندا! هر چه هست از توست، و امید آن داریم که این عنایت و حمایت را ادامه دهی تا پیروزی نهایی، و پس از آن نیز تا آنگاه که دشمنان تو و اسلام در نبرد با جنودالله و حزب الله هستند و تا استقرار حکومت الله.

اینک بعضی تذکرات که ملت و دولت و ارتش و سپاه و بسیج و دیگر قوای مسلح به آنها توجه دارند عرض می‌کنم:

۱ ـ همه باید بدانیم که تمام امور و از آن جمله فتح و نصر به دست خداوند متعال است. ﴿وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ﴾.[2] باید توجه داشته باشیم که در این فتح مبین و سایر فتوحات، غرور به قدرت خویش پیدا نکنیم و شیطان نفس بر ما غلبه نکند، که غرور موجب سردی و سستی می‌شود. و در جنگ لازم است قوای مسلح تا آخرین نقطه و تا پیروزی نهایی دارای آمادگی لازم بوده و از نیرنگ و خطر دشمن در هیچ حال غافل نباشند؛ بویژه دشمنی که تمام قدرتهای شیطانی برای حفظ او کوشش دارند و خود، خوب می‌داند که شکست برای او نابودی است. رزمندگان معظم در مرزها، سنگرها و پایگاهها خود را محکم کنند و لحظه‌ای از هجوم دشمن غفلت نورزند که لحظات پیروزی بسیار حساس است. با یاد خداوند منّان و دلبستگی

---

۱. آرامش، اطمینان.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۲٦.

به نصرت او آماده و مجهز باشید و دشمن را حقیر و بیچاره نشمرید. خدایتان نصرت نهایی را عنایت فرماید.

۲ـ از اینکه بوقهای تبلیغاتی دروغ پرداز و شایعه ساز که در خدمت ابرجنایتکارانند از پیروزیهای رزمندگان شجاع ما نامی نمی‌برند و در سکوت مرگبار فرو رفته اند، و گاهی از پیشرویهای صدامیان شکست خورده و ناتوان در شوش و دزفول سخن می‌گویند، ناراحت نباشید. بحمدالله تعالی نخواهند توانست بر این پیروزیها که چون خورشید عالمتاب می‌درخشد سرپوش نهند؛ چنانچه اخیراً که رسوایی سکوت به حد اعلی رسید مجبور شدند خبرها را با حالتی متزلزل بیان کنند. شما رزمندگان عزیز و شجاع که با ذکر خداوند متعال و ندای الله اکبر به پیش می‌روید و به دشمن می‌تازید از بوقهای قدرتهای سیلی خورده چشمداشت انعکاس صحیح پیروزیهای خدا داده را ندارید و نباید داشته باشید. شما چون ماه نورافشانی کنید و آنان بوق مخالف بزنند. شما برای عقیده، جهاد و دفاع می‌کنید و از خداوند چشمداشت رحمت دارید، و بگذارید تا تبلیغات استعماری از آنان از خدا بیخبر که برای دنیا و شیطان به جنگ با اسلام برخاسته اند پشتیبانی نمایند. پیروز باشید و سرافراز و به خدای قادر اعتماد کنید و به پیش بروید. ﴿و العاقبة للمتّقین﴾.[1]

۳ـ هر چند جنگ و دفاع از حق و میهن، زحمتها و خسارتها دارد و جوانان پرارزش را از ما گرفت و جنگزدگان مظلومی را آواره و بی خانمان کرد. لکن به خواست خدای منّان محتوای پرعظمت و شکوهمندی داشت. این جنگ تحمیلی، شکوه و عظمت ایمان و اسلام را در پهناور جهان منتشر نمود، و ایران بزرگ که می‌رفت با خیانتهای خاندان پهلوی و بستگان آنان یک کشور وابسته و مصرفی و یک ملت مرده و سر به زیر برای ضربه خوردن و ستم پذیرفتن معرفی شود، ناگهان با یک

۱. بخشی ازآیه ۸۳ سوره قصص: «فرجام نیک از آن پرهیزکاران است».

جهش بی‌سابقه و یک انقلاب الهی در جنگ غافلگیرانه با توطئهٔ جهانخواران ستم‌پیشه و مزدوران بی‌فرهنگ و پشتیبانی آشکار و نهان ابرقدرتها آنچنان پیروزمندانه و شجاعانه بر پیکر پلید صدامیان و امریکائیان منطقه تاخت، و آنچنان اسطوره‌های شیطانی را یکی پس از دیگری در هم شکست که گویی دست مبارک علی بن ابیطالب ـ سلام الله علیه ـ در روز خندق از آستین پرعظمت لشکریان ما بیرون آمده است و در مبارزهٔ تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر ظفرمندانه و سرافراز با قامتی به بلندی ابدیت استوار ایستاده است.

امروز ایران در جهان پیش دوست و دشمن به نام یک کشور مکتبی مقاوم در مقابل قدرتهای بزرگ مطرح است؛ حتی آنان که از روی جهل و نادانی و یا حسد و عقده‌های درونی با این جمهوری و این جوانان پرتوان به دشمنی برخاسته اند در باطن و سیر ذاتشان با اعجاب و بزرگی به آن می‌نگرند و از پیروزیهای آن خون دل می‌خورند.

۴ ـ گرچه می‌دانم مکتبی بودن و تعهد به اسلام راستین اقتضا می‌کند تا رزمندگان اسلام با اسرای جنگی و پناهندگان با عطوفت و فتوت، به گونه‌ای اسلامی رفتار کنند که بحمدالله می‌کنند، هر چند صدام و صدامیان برخلاف اینان رفتارشان غیرانسانی و سبعانه باشد، لکن تذکر و تأکید سودمند است. باید جوانان ما و کسانی که عهده دار نگهداری اسیران و پناهندگان هستند طعم شیرین رحمت و بزرگواری اسلام را به آنان بچشانند و با آنان آنگونه رفتار کنند که مولای آنها و پیشوای عظیم‌الشأنشان با بدترین خلق خدا و جنایتکارترین انسانها ابن ملجم[1] لعنة الله علیه رفتار فرمود، تا اسیران که ضربهٔ روحی خورده اند احساس آرامش و جبران در

---

۱. ابن ملجم مرادی، مردی از خوارج که حضرت علی (ع) را در محراب عبادت و در مسجد کوفه به شهادت رسانید.

حکومت اسلامی نمایند، و پس از آزادی در سلک مبلغین اسلام و احیاناً فداکاران آن درآیند که این خود خدمت پرارزشی به اسلام و جمهوری اسلامی است. و چه بسا که این اسیران و پناهندگان با اجبار و تهدید به مرگ خود و خانواده‌هایشان به جبهه‌ها فرستاده شده باشند، چنانچه بعضی از آنها این ادعا را دارند. و گمان نکنید آن خوی جنایتکاری و سبعیتی که در امثال صدام است، در اینان باشد. و چه نیکوست که جوانان عزیز و نگهبانان این بازیخوردگان از یک موجود صدامی یا در خدمت جنایت، یک انسان اسلامی و در خدمت مکتب مقدس قرآن بسازند، و بدانند که ﴿وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا ٱلنَّاسَ جَمِيعاً﴾[1] و هدایت از بزرگترین مظاهر احیا است.

۵ـ امروز دنیا، حتی کوردلان هم، می‌دانند که ایران از موضع قدرت که موهبت الهی است صحبت می‌کند. امروز ایران به آن حرفی که از روز اول گفته است پایبند است. ما با هیچ کشوری، چه اسلامی و چه غیر اسلامی سرجنگ نداریم و طالب صلح و صفا برای همه هستیم، و تاکنون نیز به دفاع که برای هرکس فریضه‌ای است الهی و حقی است انسانی، برخاسته ایم؛ و هرگز قصد تجاوز به کشورهای دیگر را نداریم. و می‌خواهیم کشورهای اسلامی در کنار هم با تعهد اسلامی به دفاع از حقوق مسلمین و کشورهای اسلامی در مقابل متجاوزان و متجاسران مانند اسرائیل تجاوزگر بایستند. و اگر این آرزوی دیرینهٔ ملت و دولت ایران جامهٔ عمل بپوشد هیچ قدرتی هر چند هم بزرگ نمی‌تواند به کشورهای اسلامی یا یکی از آنها تجاوز کند یا اعمال قدرت و زور نماید. و ما صلاح تمام کشورها بویژه کشورهای مجاور و منطقه را در آن می‌دانیم که برای ارضای شهوت بلندپروازی و ماجراجویی صدام و منفعت‌طلبی و سلطه‌جویی قدرتهایی که او را به دام و مهلکه انداخته اند خود را به تباهی و هلاکت دنیوی و عذاب الیم اُخروی مبتلا نکنند، و با کشوری که با همهٔ مسلمانان جهان می‌خواهد

---

۱. برگرفته از آیه ۳۲ سوره مائده: «آن کس که یک نفر را زنده کند، گویی که جامعه ای را زنده کرده است».

دست برادری دهد و اُخوتی که خداوند عطا فرموده است به رسمیت بشناسد و جامهٔ عمل پوشد به طور مسالمت‌آمیز رفتار نمایند، و از حرکت جنون آمیز صدام عفلقی و عاقبت امر آن عبرت بگیرند و بدانند که اگر خدای نخواسته قدرت به دست صدام جاه‌طلب بیفتد، با آنان کمتر از اسرائیل عمل نخواهد کرد و آن روز پشیمان خواهند شد که گرفتار اسرائیل دوم یا بدتر از او شوند. پس سزاوار است که این نصیحت اسلامی را بپذیرند و با آتش، بازی نکنند. و سزاوارتر آنکه با ملت بپاخاستهٔ مظلوم در اراضی اشغالی فلسطین هم صدا شده و از تظاهرات و قیام آنان در مقابل ستمهای اسرائیل پشتیبانی عملی کنند تا همان گونه که ایران با تظاهرات و انقلاب اسلامی رژیم ستمشاهی را ساقط نمود آنان نیز بر این دیو آدمخوار و غاصب ملحد غلبه کنند. و امید است که مظلومان مراکز اشغالی به تظاهرات و اعمال ضد صهیونیستی خویش ادامه دهند تا پیروزی را به دست آورند. از خداوند متعال، تعالی اسلام و هواداران آن را خواستار و سرنگونی پرچمهای شیطانی را امیدوارم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۹فروردین ۲۳/۱۳۶۱ جمادی‌الثانی ۱۴۰۲ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: بیان ویژگیهای ارتش اسلام و رهنمودهایی به نظامیان

مناسبت: روز ارتش «۲۹فروردین» **مخاطب: ملت ایران و نیروهای نظامی**

بسم الله الرحمن الرحیم

گرچه روز ارتش در جمهوری اسلامی از روز مردم جدا نیست، بحمدالله تعالی ارتش آنچنان مردمی است و در خدمت مردم است، و مردم آنچنان با ارتش منسجم و پیوند ناگسستنی دارند که هر دو یک واحد را تشکیل می‌دهند و روز ارتش روز مردم است، لکن انتخاب یک روز برای ارتش به منظور تجلیل بیشتر و تقدیر،

---

۱. صحیفه امام، ج ١٦، ص ١٥٤ تا ١٥٩.

سزاوارتر و نمودار تکریم از چهرهٔ سلحشور و رزمندهٔ آنان است. ملت عظیم‌الشأن ایران روز ۲۹ فروردین را به عنوان روز مبارک ارتش به آنان تبریک می‌گویند. امسال با سپاس بی‌حد به درگاه خداوند تعالی با پیروزیهای بزرگ که ارتش و سایر قوای مسلح نصیب ملت ایران نموده‌اند و با افتخار جاویدی که در فتوحات، به ویژه «فتح مبین» برای کشور اسلامی آفریدند تبریکها بیشتر و جدّیتر و توأم با سرافرازی است. جاوید باد قوای مسلح و ارتش؛ و سرافراز باد کشور بقیة الله اعظم ـ ارواحنا لمقدمه الفدا ـ که اینچنین سربازان متعهد و فداکار دارد. در این جنگ تحمیلی و دفاع از حق، ارتش ایران و دیگر قوای مسلح بر جهانیان ثابت کردند که مجاهدین در راه هدف و اسلام و میهن معظّم از یک قدرت غیبی مافوق طبیعت و برتر از محاسبات کاخ نشینان ستمگر برخوردارند که با ارزیابی کوردلان خدانشناس نمی‌توان سنجید و با معیارهای الحادی درست نخواهد شد. با کدامین سنجشها و معیارها می‌توان «فتح مبین» را تحلیل کرد، و با کدامین معادلات می‌توان ارزیابی نمود نبرد نابرابری که یک طرف آن قدرت شیطانی مجهز به تمام ابزار جنگی سبک و سنگین و برخوردار از پشتیبانی بی‌دریغ ابرقدرتها و اکثر دولتهای منطقه که با دست باز و روی گشاده تمام امکانات خویش را در اختیار آن قرار داده‌اند و تمام بوقهای تبلیغاتی جهان نیز از آن پشتیبانی نموده‌اند و همهٔ جهات تقویت در آن موجود بوده است، و طرف دیگر قوای مسلحی که ولادت او پس از انقلاب و پیروزی آن بود و ارتشش تازه از زیر سلطهٔ مستشاران امریکایی و فرماندهان ستمشاهی نجات پیدا کرده و از رژیم طاغوتی به رژیم اسلامی انسانی انتقال یافته اند، و سپاه پاسدارانش و بسیجش از متن ملت برخاسته و تازه تفنگ به دست گرفته و دانشگاههای نظامی آنچنان ندیده‌اند و از ابزار جنگی کامل برخوردار نبوده، و تمام اسباب ظاهری ضعف در آن موجود بوده است و تنها ایمان به خداوند و عشق به شهادت در راه اسلام و روح ایثار و فداکاری، ابزار نبرد نابرابر ایشان بود، و در ظرف قریب به یک هفته آنچنان قوای عظیم شیطانی را در هم کوبید و آنچنان طومار ارتش مجهز برخوردار از آرایش را در هم پیچید که فوج فوج

قوای دشمن با همهٔ تجهیزات، تسلیم یا فراری و یا مقتول گردیدند. کدام روشنفکران تحلیلگر و دانشگاه جنگ رفتگان متفکر این پیروزی معجزه آسا را توجیه می‌کنند؟ اگر ارتش و سایر قوای مسلح از نصرت معنوی الهی برخوردار نبودند پس این امر خارق‌العاده چگونه تحقق یافت ؟ آری فرق بسیاری است بین جوانانی که شب را با مناجات و قرائت قرآن و نماز و نیایش به سر می‌برند و حمله را با ذکر خدا و الله اکبر شروع می‌کنند، با آنان که شب را با معصیت خدا و روز را در جنگ با خدا آغاز می‌کنند. فرق است میان آن سنگرها که کتاب خدا و نهج البلاغه و کتابهای دعا در آن است، با آن سنگرها که بنا به گفتهٔ فاتحان، ابزار قمار و شراب و مسکرات و بدتر از آن در آنها یافت می‌شود. و فرق است میان آنان که با اعتقاد به اینکه صاحب الزمان ـ روحی فداه ـ فرماندهٔ آنهاست و جنگ می‌کنند، و آنان که صدام عفلقی ابرجنایتکار فرماندهٔ آنان است. و فرق است میان آنان که خود را برادر ملت مسلمان عراق می‌دانند و هرگز به خود اجازه نمی‌دهند که به شهرها یا روستاهای برادر خود تجاوز کنند، با آنان که هر روز به هر شهر و دهکده، هرچند عرب نشین، که بتواند، آتش گشوده و با دعوی جنگ برای عربیت، کودکان و زنان و پیرمردان بی گناه را قتل عام می‌کنند. فرق است میان آنان که با اسرای جنگی خویش که در حال جنگ با آنان به اسیری در آمده‌اند چون برادران خویش رفتار می‌کنند، با آنان که با اسرایی که از ایران گرفته اند و اکثر آنها مردم عرب روستاها یا شهر بوده و در جنگ دخالت نداشته اند آنچنان دژخیمانه رفتار می‌کنند که از ترس رسوایی بیشتر اکنون نیز نتوانند خویشاوندان و نزدیکان آنان را برای ملاقات بپذیرند. *ما بحمدالله تعالی امروز ارتشی داریم که با سرافرازی و قامتی استوار در جهان می‌درخشد. امسال ملت ایران با چنان سرافرازی و افتخار، روز ارتش را می‌گذراند که در سالهای پیش بی‌سابقه بوده است. و ارتش با چنان درخششی در مقابل دشمنان ایستادگی می‌کند که در تاریخ حیاتش کم نظیر یا بی نظیر بوده است؛* و امید است که هر سال از سال پیش افتخار آفرینتر گردد. و در اینجا از بعضی تذکرات هر چند بدان توجه داشته باشید نگذرم:

۱ـ از عنایات غیبی الهی غافل نباشید و تمام قوای نظامی و انتظامی و قوای مسلح از هر ارگانی که هستید سعی کنید این عنایات الهی را برای خودتان و برای ملت حفظ کنید. و راه آن این است که به تعهد خویش عمل کرده و در پیشگاه حق تعالی برای اسلام و جمهوری اسلامی تا حد توانایی فداکاری نمایید. برای رضای خداوند تعالی، نه هواهای نفسانی و شیطانی، برای دفاع از اسلام و میهن خودتان در صحنه حاضر باشید. و مبادا پیروزیها شما را مغرور کند و از کمکهای غیبی غافل نماید که غرور و غفلت انسان را به تباهی می‌کشد و بی تردید از قدرت نظامی می‌کاهد. و پس از اتکال به خداوند، به قدرت خود که از اوست اعتماد و اتکال داشته باشید.

۲ـ می‌دانید که پیروزیها در اثر انسجام تمام قوای مسلح با نقشهٔ واحد و فکر واحد نصیب شما شد. باید این انسجامها و این وحدت حفظ شود که تزلزل در این امر الهی از بزرگترین اسباب فَشَل و خدای ناخواسته شکست است. و اگر کسی یا خطی درصدد ایجاد تفرقه باشد بی درنگ به فرماندهان خبر دهید تا جلوگیری کنند. تمام قوای مسلح در جمهوری اسلامی برای مقصد و هدف معیّن کوشش می‌کنند و همه باید بمنزلهٔ دست واحد علیه مخالفان و معاندان با اسلام و جمهوری اسلامی باشند. و بدانند که تا این وحدت و انسجام و این هدف عالی اسلامی پابرجاست کشور شما آسیب نخواهد دید.

به برادران ارتش و پاسدار و ژاندارمری و شهربانی و بسیج و گروههای مسلح مردمی توصیه می‌کنم خود را چنانچه قرآن کریم امر فرموده با هم برادر بدانید و در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها چون برادران همخط و همفکر و همصدا باشید، که در این صورت می‌توانید از نیروهای معنوی و غیبی الهی برخوردار باشید و بر تمام مشکلات غلبه کنید. ان‌شاءالله تعالی موفق و پیروز باشید. خداوند یار و نگهدار شما.

۳ـ از امور مهمی که باید تمام نیروهای مسلح از آن پیروی کنند و اغماض از آن به هیچ وجه نمی‌توان کرد و باز هم تذکر داده ام، آن است که هیچ یک از افراد نیروهای مسلح، چه رده‌های بالا یا پایین در حزب و گروهی با هر اسم و عنوان نباید وارد

شوند، هرچند آن حزب و گروه صد در صد اسلامی و به جمهوری اسلامی وفادار باشند. و هر کس در یک حزب و گروه وارد شد باید از ارتش و سپاه و سایر قوای انتظامی و نظامی و قوای مسلح خارج شود. و فرماندهان و مسئولان موظف هستند که هر کس در یکی از احزاب یا گروههای سیاسی یا دینی وارد شد به او تذکر دهند که از حزب و یا گروهها و یا سازمان خارج شود، و اگر تخلف کرد او را از ارتش یا دیگر قوای مسلح اخراج کنند، و همهٔ افراد موظف اند چنین اشخاصی را به فرماندهان معرفی نمایند. و باید توجه داشته باشند که ورود قوای مسلح در احزاب و گروهها و سازمانها پایهٔ قوای مسلح را متزلزل خواهد کرد و غفلت از این امر موجب پیگرد خواهد بود.

۴ـ همه می‌دانیم که ارتش ایران و سایر قوای مسلح از پشتیبانی بی دریغ ملت در سراسر کشور آنچنان برخوردارند که در طول تاریخ، بی نظیر یا بسیار کم نظیر است. گمان ندارم کسی بتواند ادعا کند که ملتی جز ملت عظیم‌الشأن ایران از کوچک و بزرگ و زن و مرد سراسر کشور اینگونه پشتیبان قوای مسلح خود باشند و ایثارگر و داوطلب به جبهه‌های جنگ برای فداکاری و شهادت سبقت گیرند. و گمان ندارم هیچ معیاری جز عقیده به مکتب و ایثار در راه خدا و هدف معنوی قادر به حل این معما باشد. اینجانب به ارتش عزیز و سایر عزیزان نصیحت می‌کنم که قدر این نعمت الهی را بدانید و با تمام قوا بکوشید که این حضور عمومی ملت را در صحنه و این پشتیبانی بزرگ را حفظ نمایید. و راه آن استقامت و پایداری در راه هدف و فداکاری برای اسلام عزیز و ایران و جمهوری اسلامی است. مادام که شماها در حفاظت میهن خودتان و اسلام و جمهوری اسلامی با اتحاد و انسجام کامل در صحنه باشید، از توطئه‌های دشمنان اسلام برای براندازی جمهوری اسلامی نهراسید و چون سدی آهنین در مقابل آنان بایستید و با سرافرازی بر مهاجمین تبهکار بتازید و آنان را در هم کوبید.

ملت بزرگ یکدل و یکجهت پشتیبان شماست و دست عنایت حق تعالی و پرتو قدرت لایزال او بر سر شماست. پیروز باشید و با قدرت به پیش بروید و دشمنان

خدا را از کشور خود برانید و دست تباهکاران داخل و خارج را قطع کنید و از خداوند قادر استعانت نمایید.

۵ـملت ایثارگر ایران، عزیزان بسیاری در جبهه‌ها از دست داده و تحمل رنجها و سختیهای بسیاری نموده و از دشمنان قسم خورده و دوست نمایانی خیانتکار و تبه روزگار، دغلبازیهای زیادی دیده‌اند، لکن در مقابل، در پیشگاه خداوند متعال سرافراز و روسفید، و در جهان نمونه و الگو، و در نزد نسلهای آینده مأجور و سربلند است. از خداوند تعالی برای ملت سعادت ابدی؛ و برای رزمندگان در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها استقامت و پایداری؛ و برای شهدای بزرگوار از اول نهضت تاکنون و پس از این رحمت و مغفرت؛ و برای آسیب دیدگان عافیت و سلامت؛ و برای بازماندگان و ستمدیدگان صبر و شهامت؛ و برای ارتش و دیگر قوای مسلح شجاعت و اخلاص و مروّت؛ و برای جمهوری اسلامی بقا؛ و برای گردانندگان آن حسن تدبیر و سیاست؛ و برای مخالفان جاهل و بی غرض آن، بیداری و انصاف؛ و برای غرض‌مندان و دشمنان آن خذلان و ذلت؛ و برای مسلمانان جهان همبستگی و وحدت؛ و برای کشورهای اسلامی استقلال و عظمت، و برای سران آنها خروج از قید خودخواهی و سرپیچی از تبعیت بیگانگان؛ و برای همگان شناخت اسلام عزیز و عظمت و قدرت آن را خواستارم.

بار الها، ارتشیان و سایر رزمندگان اسلام را بر کفر جهانی هر چند فزونتر پیروز فرما، و توفیق خدمت و اخلاص به همه ما عنایت فرما. سلام بر ارتشیان محترم، و درود بر سپاهیان و دیگر قوای مسلح.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۲۰۰ تا ۲۰٤.

▣ پیام

زمان: ۳خرداد ۱۳۶۱/ ۳۰رجب ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از رزمندگان اسلام و تبریک فتح خرمشهر مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

با تشکر از تلگرافاتی که در فتح خرمشهر به اینجانب شده است، سپاس بی‌حد بر خداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود. اینجانب با یقین به آنکه ﴿وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ﴾[۱] از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح، که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیةالله الاعظم ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ را از چنگ گرگان آدمخوار که آلتهایی در دست ابرقدرتان خصوصاً امریکای جهانخوارند بیرون آورد و ندای «الله اکبر» را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پرافتخار «لا اله الا الله» را بر فراز آن شهر خرّم که با دست پلید خیانتکاران قرن به خون کشیده شده و «خونین شهر»[۲] نام گرفت [بیافراشت] تشکر می‌کنم. و آنان فوق تشکر امثال من هستند. آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپاکنندهٔ عدل الهی در سراسر گیتی روحی لتراب مقدمه الفداء می‌باشند. آنان به آرم ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ﴾[۳] مفتخرند.

مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنایم بی‌پایان و هزاران اسیر گمراه و

---

۱. بخشی از آیه ۱۲۶، سوره آل عمران: «هیچ نصرت و کمکی نیست مگر از جانب خداوند».

۲. خرمشهر، پس از اشغال توسط رژیم بعث عراق به ویرانه ای تبدیل شد و بدین جهت «خونین شهر» نام گرفت و پس از آزادی بار دیگر نام «خرمشهر» به آن باز گشت.

۳. بخشی از آیه ۱۷ سوره انفال: «و آنگاه که تیرافکندی تو نیانداختی بلکه خدا تیر انداخت».

مقتولین و آسیب دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی، این ابرجنایتکار دهر، به تباهی کشیده شده‌اند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی به هدیه آوردید. و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین فداکارانی هستند که ستارهٔ درخشندهٔ پیروزیهای آنان بر تارک تاریخ تا نفخ صور نورافشانی خواهد کرد. و مبارک باد بر ملت عظیم‌الشأن ایران اینچنین فرزندان سلحشور و جان برکفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند. و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبههٔ جنگ با دشمن باطنی و دشمنان ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرافرازی آفریدند.

وهان ای فرزندان قرآن کریم و نیروهای ارتش و سپاهی و بسیج و ژاندارمری و شهربانی و کمیته‌ها و عشایر و نیروهای مردمی داوطلب و ملت عزیز، هوشیار باشید که پیروزیها هر چند عظیم و حیرت انگیز است شما را از یاد خداوند که نصر و فتح در دست اوست غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند؛ که این آفتی بزرگ و دامی خطرناک است که با وسوسهٔ شیطان به سراغ آدم می‌آید و برای اولاد آدم تباهی می‌آورد. و من با آنکه به همهٔ شما اطمینان تعهد به اسلام دارم، لکن از تذکر، که برای مؤمنان نفع دارد، باید غفلت نکنم؛ چنانچه از نصیحت به حکومتهای همجوار و منطقه دریغ ندارم. و آنان می‌دانند امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می‌گوید. و من به پیروی از آنان به شما اطمینان می‌دهم که اگر از اطاعت بی‌چون و چرای امریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن کریم رفتار کنید، از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید. و شما بدانید آنقدر که ابرقدرتها از صدام، این نوکر چشم و گوش بسته ، پشتیبانی کردند از شماها که قدرتهای کوچک و حکومتهای ضعیف هستید پشتیبانی نمی‌کنند. و شما عاقبت این جنایتکار و هم قطار جنایتکارش شاه مخلوع را به عیان دیده اید. قدرتهای

بزرگ بیش از آنچه از شما استفاده نمایند از شما طرفداری نمی‌کنند. و شماها را برای منافع خویش به هلاکت می‌کشند. و من نصیحت برادرانه به شما می‌کنم که کاری نکنید که قرآن کریم برای برخورد با شما تکلیف نماید و ما به حکم خدا با شما رفتار کنیم. و یقین بدانید که امثال حسنی مبارک مصری[۱] و حسین اردنی[۲] و دیگر هم جنایتکاران آنان برای شما نفعی ندارند و دین و دنیای شما را تباه می‌کنند. و اگر با نشستهای خود بخواهید طرح کمپ دیوید[۳] یا فهد[٤] را، که مرده اند، زنده کنید؛ که ما خطر بزرگ برای کشورهای اسلامی خصوصاً حرمین شریفین می‌دانیم، اسلام به ما اجازهٔ سکوت نمی‌دهد. و اینجانب در پیشگاه مقدس خداوند تکلیف الهی خود را ادا نمودم. اکنون دست تضرع و دعا به سوی خالق یکتا بلند کرده و به قوای مسلح اسلام و فداکاران قرآن کریم و میهن عزیز ایران دعا می‌کنم، و سلامت و سعادت و پیروزی آنان را خواستار هستم.

سلام و درود بی‌پایان بر فرماندهان متعهد قوای مسلح و بر رزمندگان فداکار و بر ملت دلیر ایران عزیز و سرشار از شادیها. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۵]

---

۱. رئیس جمهوری مصر و از موافقان طرح امریکایی سازش ذلت بار با رژیم صهیونیستی.

۲. ملک حسین، پادشاه اردن.

۳. قراردادی بود که بین محمد انورسادات (رئیس جمهوری مصر) و مناخیم بگین (نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس) و با حضور و وساطت جیمی کارتر (رئیس جمهوری امریکا) در (کمپ دیوید امریکا) به امضا رسید.

٤. طرح هشت ماده ای فهد که براساس آن، رژیم اشغالگر قدس به طور ضمنی مورد شناسایی قرار می‌گرفت و امنیت آن تضمین می‌شد. این طرح به مرحله اجرا در نیامد.

۵. صحیفه امام، ج ١٦، ص ۲۵۷ تا ۲۵۹.

▣ پیام

زمان: ۶خرداد ۱۳۶۱/ ۳شعبان ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران

موضوع: تبریک پیروزی ارتش اسلام هشدار به دولتهای حامی صدام

مناسبت: سوم شعبان، میلاد مسعود حضرت امام حسین (ع) و روز پاسدار

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

طلوع آفتاب سوم شعبان که سالروز طلوع شمس معنویت و پاسدار اسلام و مجدد حیات قرآن کریم و نجاتبخش امت خاتم ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ از شب تاریک به عصر ظلمانی حکومت جائرانهٔ یزیدیان که می‌رفت تا قلم سرخ بر چهرهٔ نورانی اسلام کشد و زحمات طاقتفرسای پیامبر بزرگ اسلام ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و مسلمانان صدر اسلام و خون شهدای فداکار را به طاق نسیان سپارد و به هدر دهد، بر همه مسلمانان جهان و شیعیان خط سرخ امامت و ملت فداکار در صحنهٔ ایران بزرگ و رزمندگان در راه هدف مقدس و خصوص سپاه پاسداران عزیز که این روز عظیم‌الشأن را برای خود انتخاب نموده اند مبارک باد. و امروز که نوید پیروزی حق را بر باطل و جنودالله را بر جنود شیطان، با پیروزیهای بزرگ پی در پی خصوصاً بیت‌المقدس که از شاهکارهای عظیم کم نظیر جنگها بوده است می‌دهد، مبارکتر و پربرکت تر است.

سپاه پاسداران که رکنی بزرگ در پیروزی انقلاب اسلامی است با اقتدا به مولای خود سید مظلومان ـ علیه الصلوة و السلام ـ نجاتبخش ملت ایران و اسلام عزیز از شبهای تاریک و ظلمانی ستمشاهی بوده، و در پاسداری از انقلاب و هدفهای آن عاملی مؤثر و رکنی رکین بوده و هست. سپاه در جبهه‌های دفاع مقدس از اسلام و میهن اسلامی، با وحدت و انسجام کامل با ارتش معظم و بسیج عزیز و ژاندارمری و عشایر مکرّم و سایر قوای نظامی و انتظامی و مردمی، چون صفی آهنین و بنیانی

مرصوص[۱] پایداری نموده و دشمنان اسلام و بشریت را از میدانهای نبرد مفتضحانه رانده است، و برای خود و اسلام و میهن معظم ایران افتخارهایی آفریده است که تاریخ فراموش نخواهد کرد، و حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لتراب مقدمه الفداء ـ از نظر مبارک نخواهد برد، و پروردگار ـ جلّ و علا ـ بر خدمتگزاران به اسلام و میهن اسلامی، که این رزمندگان بحمدالله تعالی از آنانند، رحمت و برکت خود را دریغ نخواهد فرمود.

ای عزیزانی که مجالس ذکر و دعا و مناجات شما در شبها چون شب عاشورا به ملکوتیان نورافشانی می‌کند، و چون ستاره ای درخشان در جبهه‌ها می‌درخشد، و روزتان چون روز عاشورا در مقابل یزیدیان استقامت می‌نماید، قدر این شبهای معنوی و عرفانی و این روزهای سلحشوری و افتخارآمیز را بدانید که خدای بزرگ شما را برای نصرت خویش انتخاب فرموده و امثال ما را لایق این خوان نعمت و رحمت و معنویت و فداکاری ندانسته است.

صدام خائن امروز بهتر فهمیده است که از این دامی که برای او گسترده‌اند نجات نخواهد یافت و او و حزب کافر بعث عراق جز سرنگونی و هلاکت سرنوشتی ندارند. و از این رو با آنهمه رجزخوانی و ادعای پوچ سرداری قادسیه و کوبیدن طبل میان تهی انقلابی بودن و با اسرائیل دشمنی آشتی‌ناپذیر داشتن، امروز به دامان حکومت سرسپردۀ امریکا، یار و همقطار اسرائیل، پناه برده و دست ذلت و دریوزگی به جانب دشمنان عرب و اسلام دراز کرده است، که نخست او را از این مهلکۀ مرگبار که خود برای خود تهیه دیده ـ نجات دهند، و سپس اذهان را از دشمن بزرگ اسلام و غاصب سرزمینهای آنان منصرف و قرارداد ننگین کمپ دیوید را با برگرداندن حسنی

---

۱. ساخته شده از سرب، نفوذناپذیر. برگرفته از آیه ٤ سوره صف: «الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص».

مبارک به جامعهٔ عرب به کرسی نشاند، یا «طرح فهد»[۱] را که برای ملت عرب و بالاتر برای اسلام ننگ آور است اجرا کند.

من به دولتهای عربی منطقه هشدار می‌دهم که با تسلیم شدن در مقابل اینگونه طرحها، علاوه بر قبول اسارت خویش بـه دست امریکا و از آن ننگینتر اسرائیل، دشمنی ملت و دولت و قوای مسلح نیرومند ایران را برای همیشه به بار مـی‌آورد. و اگر امروز به دامن اسلام برنگردید، فردا دیر است. شـما را فـریبکاریهای امـریکا و رجزخوانیهای «حسنی»[۲] و «حسن»[۳] و «حسین»[٤] و «قابوس»[۵] که حقاً احتیاج به قیم دارند و سفیهانه جوانان کشورهای خود و اسلحه و مهمات ارتش خویش را کـه باید در راه نجاتشان از چنگال اسرائیل به کار برند ـ گول نزند. و با یک کشور اسلامی که شاه معدوم را با آن قدرت شیطانی و حمایت شیطانهای بزرگ و کوچک و صدام جنایتکارتر از شاه معدوم را به جهنم فرستاد، به ستیز برنیانگیزاند. شما به مطبوعات و رسانه‌های گروهی خود اجازه ندهید کـه بـه تبعیت از بـوقهای ابرجنایتکاران، بـه سمپاشی و تهمت و افترا نسبت به کشور و نظامی که می‌خواهد با هـمهٔ مسـلمانان و دولتهای منطقه با برادری و حُسن جوار رفتار کنند مشغول باشند. شما کـه هـر روز شاهدید که رئیس جمهور محترم و دولت و مـجلس ایـران کـراراً شـما را نـصیحت نموده اند و به دوستی دعوت کرده‌اند، و می‌خواهند قدرت عظیم اسلامی ایران را

---

۱. بر اساس «طرح فهد» که توسط رژیم سعودی و با هماهنگی امریکا ارائه شده بود، موجودیت رژیم اشغالگر قدس از سوی کشورهای عربی به طور ضمنی به رسمیت شناخته می‌شد. ایـن طـرح در آن بـرهه، بـا مـخالفت مسـلمانان مبارز و فلسطینی‌ها مواجه گردید و عقیم ماند.

۲. حسنی مبارک، رئیس حاکم بر رژیم مصر.

۳. ملک حسن، پادشاه مغرب (مراکش).

٤. سلطان حسین، پادشاه اردن.

۵. سلطان قابوس، پادشاه عمان.

برای دفع دشمنانی که به کشورهای شما چشم طمع دوخته‌اند، در کنار شما به کار برند، و شما و ذخایر شما را از حلقوم جهنمی جهانخواران برای نفع ملتهای شریف مظلوم منطقه بیرون کشند.

آن روز که اول انقلاب بود و ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح ما آمادگی کافی نداشتند، صدام با همهٔ تجهیزات و خیانت بعضی عناصر دست اندر کار، ناگهان از زمین و هوا و دریا به ایران تاخت و غافلگیرانه قسمت بزرگی از کشور ما را اشغال نمود. نیروهای مؤمن و جوانان فداکار به مجرد اطلاع راه را بر آنان بستند، و عقابان تیز پرواز نیروی هوایی مواضع نظامی سرتاسر عراق را در هم کوبیدند، و اگر نبود تعهد اسلامی آنان و خوف هلاکت بیگناهان و خرابی اماکن ملت برادر عراق که تاکنون نیز دست آنان را همین انگیزه بسته است چنان درس عبرت آمیزی به حزب کافر بعث می‌دادند که بعضی از دولتهای منحرف منطقه و غیر آن هوای مبارزه با ملتی که شهادت را تحفهٔ آسمانی می‌دانند، به سر نپرورانند. و اما امروز که با سپاس خداوند متعال و تأییدات غیبی و عشق و ایمان سرشار ملت، قوای مسلح از سپاه پاسداران و بسیج و عشایر و نیروهای مردمی و قوای نظامی و انتظامی و کمیته‌ها و دیگر نیروها به انواع سلاحها و صلاحها مجهز و آماده هستند، و فریاد شهادت طلبی و «جنگ، جنگ تا پیروزی» آنان فضای ایران بلکه جهان را به هیجان و لرزه درآورده است، و از موضع قدرت عظیم، دست پربرکت و قدرتمند خود را برای دوستی و برادری ایمانی پیش تمام مسلمین خصوصاً ملتها و دولتهای منطقه و همسایه دراز کرده و آنان را نصیحت می‌کنم که صلاح دنیا و آخرت اینان نیست که با خیال خام پشتیبانی از مصر و اردن و دیگر خائنان به ملتهای خود و اسلام عزیز هر روز گرد هم آیند و بخواهند توطئه‌های امریکای جهانخوار را جامهٔ عمل بپوشانند. دولت مصر و اردن اگر عرضه داشتند و در فکر شرف انسانی و عربی بودند خود را از اسارت رژیم صهیونیستی اسرائیل رهایی

می‌بخشیدند، نه آنکه در شناسایی اسرائیل کوشش می‌کردند و با طرح اسارت بار «کمپ دیوید» رشته‌های اسارت و ذلت خویش را محکمتر می‌نمودند. و آنان که به خیال خام خود برای مقابله با جمهوری اسلامی در بازگرداندن مصر به جامعهٔ عرب کوشش می‌کنند، سخت در اشتباه هستند و گور خود را با دست خود که دست جنایتکار امریکاست می‌کَنند. در صورتی که پس از پیروزی نهایی که به خواست خداوند بیش از چند قدمی به آن نمانده است، اگر از کردار غیر اسلامی و غیر عربی خود پشیمان شده و توبه کنند، در این صورت اگر دولتمردان ما هم قبول کنند، معلوم نیست ملت ستمدیده و عزیز از دست دادهٔ ما قبول کند، و در صورت عدم قبول ملت، هیچ یک از دولتمردان ایران حق و قدرت هیچ گونه کاری را در این زمینه ندارد؛ زیرا در ایران اسلامی، مردم تصمیم‌گیران نهایی تمامی مسائلند. پس تا فرصت از دست نرفته و وقت باقی است، به دامان اسلام و ملتهای خود برگردند و دست از توطئه‌ها و سمپاشیها علیه ایران نیرومند بردارند، و با دولت و ملت ایران علیه اسرائیل و دیگر دشمنان اسلام و بشریت همدست و همداستان شوند که اینجانب صلاح دین و دنیای آنان را در این می‌بینم. اکنون درهای رستگاری به روی آنان باز است و خداوند تعالی رحمة للعالمین است.

اکنون به مناسبت روز بزرگ ولادت سراسر افتخار و با سعادت پاسدار عظیم‌الشأن اسلام و قرآن کریم که با خون خود و یاران و عزیزان ارجمندش نعرهٔ کفرآمیز یزیدیان را که عربده کشان ندای «لاٰ خبرٌ جاء و لا وحیٌ نزل»[1] را سر می‌دادند، در حلقوم نحسشان خفه کرد، و روز پاسداران عاشق پیشهٔ فداکاری که با

---

۱. نقل است که یزید بن معاویه در بازگشت به عصر جاهلیت تا بدانجا پیش رفت که رسماً می‌گفت: «لا خبر جاء و لا وحی نزل» نه رسالتی در کار است و نه وحی ای نازل شده است!.

خون پاک خود و سایر رزمندگان عزیز، نعره‌های عربده آسای سردار قادسیهٔ[۱] عصر را با یاران تبهکار جنایت پیشه اش در حلقوم کفراندیشان شکست، سخنی با این منادیان حق و مبارزان دشمنان حقیقت در میان می‌گذارم و این تذکری است برای آگاهان:

برادران محترم و نور چشمان عزیز! مبادا آفتهای پیروزی که در رأس آنها غرور است، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی «نصر» که خداوند قادر است اغفالتان نماید، که این حیله ای است شیطانی که دنبال آن علاوه بر از دست رفتن معنویت که اساس پیروزی شما عزیزان است، موجب غفلت از حیله‌های دشمنان نیز می‌باشد که شکست را همراه دارد. باید شما قوای نیرومند مسلح و ملت عظیم‌الشأن پشتیبان شما از تبلور جلوهٔ قدرت الله در خود هیچ‌گاه غافل نشوید ﴿وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ﴾[۲] و ﴿نَصْرٌ مِنَ ٱللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ﴾[۳] و ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً﴾[٤] شاهد آن است.

تمام جمال و جلال و خوبیها از اوست و به ید قدرت او، و شکست و غرور و سرکشی از شیطان نفس است که باید به خداوند متعال از آن پناه برد.

برادران، از اسرای جنگ که در دست شمایند، هر چند گناهکارند دلجویی کنید و با آنان رفتار اسلامی ـ انسانی داشته باشید. و آسیب دیدگان عراقی را به اسرع وقت به بیمارستانها بفرستید تا تحت معالجه قرار گیرند. و دکترها و پرستارهای

---

۱. صدام حسین در آغاز تجاوز نظامی خود به ایران، سرمست از پیروزیهای اولیه، در سخنانی جنگ با ایران را «جنگ قادسیه» نامید و خود را سردار قادسیه خواند.

۲. بخشی از آیه ۱۲٦ سوره آل عمران: «و هیچ نصرت و کمکی نیست مگر از جانب خداوند».

۳. بخشی از آیه ۱۳ سوره صف: «یاری از خداست و پیروزی نزدیک است».

٤. سوره فتح، آیه ۱: «و هر آینه تو را پیروز کردیم، پیروزی ای آشکار».

بیمارستان‌ها که کوششهای ارزندهٔ آنان چه در جبهه‌ها و چه در بیمارستانها بر مردم شریف ما پوشیده نیست و باعث تشکر بسیار است، با آنان چون نزدیکان و برادران خود رفتار نمایند و تلخی آسیب و اسارت را با رفتار اسلامی خود از ذائقهٔ آنان کاهش دهند. در اینجا لازم می‌دانم از روحانیون در جبهه‌ها و جهاد سازندگی و وزارت دفاع و تمامی کسانی که در دفاع از میهن اسلامی نقش داشته اند تشکر نمایم.

یکی دیگر از اموری که باید تمام قوای مسلح و خصوصاً آنان که در شهرها سر و کارشان با مردم بیشتر است، مثل سپاه پاسداران و بسیج و کمیته‌ها و شهربانی توجه کنند، رفتار نیکو و انسانی آنان است با مردم، بویژه مستضعفان. مردمی که از جمهوری اسلامی و رزمندگان جبهه‌ها با تمام توان پشتیبانی می‌کنند، سپاه و سایرین باید قلوب آنان را جلب و رضای خداوند را به دست آورند. و ملت عزیز نیز قدر این فداکاران را که شب و روز خود را برای حراست از اسلام و کشور و حفاظت آنان صرف می‌کنند بدانند و از آنان قدردانی نمایند.

و اینجانب با ناتوانی خود دعاگوی همه هستم و از خداوند سعادت همه را خواهان، و برای شهدای عزیز رحمت و علوّ درجات، و برای بازماندگان آنان صبر و سلامت، و برای آسیب دیدگان که نور چشمان ما هستند، سلامت کامل و سعادت، و برای رزمندگان پیروزی نهایی، و برای اسلام عظمت و قدرت، و برای جمهوری اسلامی دوام را خواستارم.

و در آخر از ملت ایران متواضعانه تشکر می‌کنم که با تمام توان مشکلات جنگ را که امری است اجتناب‌ناپذیر با کمال گشاده رویی تحمل نموده اند، بلکه اینانند که به متصدیان امور دلداری می‌دهند و با تقدیم عزیزان خود به اسلام در پشت جبهه‌ها نیز حاضر و با کمکهای بسیار ارزندهٔ خود از فداکاران و دولت خدمتگزار خویش پشتیبانی نموده و اسلام بزرگ و میهن عزیز خویش را در جهان سرفراز

کردند. و الحق اگر این روحیهٔ بزرگ اسلامی ـ انسانی ملت نبود، دولت در همان قدمهای اول به بن بست می‌رسید. و ما بحمدالله تعالی با این ملت حاضر در جمیع صحنه‌ها و دولت با تمام توان و قدرت، خدمتگزار به اسلام و جمهوری اسلامی و ارتش و سپاه و بسیج و دیگر فداکاران شجاع سلحشور که دژهای محکم دشمن را که قریب دو سال در ساختن و استحکام و مجهز نمودن آنها به تمام تجهیزات جنگی کوششها نمودند با یورشی دلاورانه و تأیید الهی درهم کوبیده، و ارتش آرایش یافته و مجهز به جمیع سلاحهای بزرگ و کوچک مدرن ساخت امریکا و شوروی و فرانسه را درهم پیچید به صورتی که عده ای از آنان را وادار به فرار و عدهٔ بیشماری از آن مفسدان را کشته و زخمی و عدهٔ بسیاری را به اسارت درآوردند و با دل مطمئن به الطاف الهی و قدرت معنوی و سپاهیگری آنان، آخر جنگ را که نزدیک است نظاره می‌کنیم، و خدای عزوجل را بر نعمتهای سرشار او سپاس می‌گزاریم.

درود خدا و رسولش بر شهدا و معلولین جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. سلام خدا بر پدران و مادران و همسران و تمامی بازماندگان شهدای افتخار آفرین اسلام و ایران عزیز. سلام و درود ملت ایران بر آسیب دیدگان جنگ. مرگ و نفرین بر ابرقدرتان، بخصوص امریکای جنایتکار که اکثر فتنه‌های منطقه به دست کثیف او تحقق می‌یابد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. پیام امام خمینی توسط فرزند ایشان آقای سید احمد خمینی در مراسم پرشکوهی که پس از فتح خرمشهر و به مناسبت بزرگداشت روز پاسدار، سالروز میلاد مسعود امام حسین (ع)، در تهران «همزمان با مراسم مشابه در سراسر کشور» برگزار شده بود، پس از رژه نیروهای مسلح و یگانهای مختلف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج و کمیته‌های انقلاب که از دانشگاه تهران آغاز شده بود، در میدان امام حسین، در اجتماع عظیم مردم و نیروهای نظامی که زیر بارش شدید باران گرد آمده بودند، قرائت گردید.

۲. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۲٦۳ تا ۲٦۹.

▣ پیام

زمان: ۱۲ خرداد ۱۳۶۱/ ۹ شعبان ۱۴۰۲ — مکان: تهران، جماران
موضوع: تشکر از آمادگی مردم برای بازسازی مناطق جنگزده — مخاطب: ملت ایران

بسمه تعالی

در پی پیروزی عظیم رزمندگان پرتوان اسلام و آزادی خرمشهر، شهر لاله‌های خونین، مردم عزیز و مهربان و ایثارگر کشورمان و علمای اعلام و ائمهٔ محترم جمعه و جماعت در شهرستانهای مختلف با تلگرافهای بسیار آمادگی خود را جهت بازسازی مناطق ویران شده اعلام و مراتب ایثار و فداکاری خویش را در این امر مهم و انسانی ابلاغ کردند. و براستی این حضور دائمی و خستگی ناپذیر در صحنه، و آمادگی و فداکاریهای خالصانهٔ مردم دلیر ما برای هر مسلمانی غرورانگیز و برای جهانیان اعجاب آمیز است و می‌توان گفت این هم یکی از الطاف الهی و برکات جنگ است که اینچنین مردم را به هم نزدیک و مهربان نموده و در غم و شادی یکدیگر شریک ساخته است.

من در برابر این همه ایثار و از خودگذشتگی و خلوص، از تشکر و قدردانی عاجز و ناتوانم، و خدای بزرگ است که با رحمت واسعهٔ خود می‌تواند پاداش شما را داده و قدردانی کند، شَکَرَاللهُ مساعیکم الجمیله[1].

مطلبی که لازم به تذکر است اینکه به خاطر تسریع در کار، ان‌شاءالله تعالی حضرات و اقشار محترمی که آمادگی خود را برای بازسازی اعلام داشته‌اند متوجه باشند که هماهنگی خود را با «شورایعالی بازسازی مناطق جنگی» که تحت نظر دولت جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند حفظ نموده و کمکهای خود را چه از نظر مالی و چه از نظر مصالح و نیروهای انسانی با راهنماییهای شورای مزبور به انجام رسانند، تا

---

۱. خداوند تلاشهای ارزنده شما را پاداش دهد.

به خواست خدای تعالی هر چه بهتر و سریعتر به هدف مقدس خود رسیده و از هدر رفتن نیروها و ناهماهنگیها جلوگیری نمایند. در خاتمه از اینکه نمی‌توانم به یکایک نامه‌های شما بزرگواران جواب دهم معذرت خواسته، موفقیت همهٔ عزیزان و نابودی هر چه زودتر دشمنان اسلام و انسانیت را از خدای متعال مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۲۳ تیر ۱۳۶۱ / ۲۲ رمضان ۱۴۰۲ — مکان: تهران، جماران
موضوع: دعوت از مردم عراق به قیام علیه رژیم بعث — مناسبت: عملیات رمضان
مخاطب: ملت و ارتش عراق

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت مظلوم در بند عراق، عزیزان زجر دیده و شکنجه کشیدهٔ محترم بین‌النهرین، اکنون که برادران مجاهد شما در دفاع از میهن خود و دفع حملات دشمن اسلام مجبور شدند به خاک عراق بیایند تا به خواست خداوند متعال ملت ستمدیدهٔ عراق را از شر حزبی که در طول سلطهٔ غیر مشروعش بر کشور اسلامی، آنچنان ضربه‌ها به این ملت شریف وارد کرده که قابل شمارش نیست نجات دهند. چه علمای بزرگی مثل مرجع عظیم‌الشأن آیت الله حکیم قدس سره از جور و ستم و فشارهای غیر انسانی این حزب کافر در منزل خود منزوی و با دل خون به جوار رحمت حق رخت بربستند، و مثل شهید مظلوم، عالم آگاه، آیت الله صدر و خواهر بزرگوارش که در تحت شکنجهٔ دژخیمان صدام عفلقی جان خودشان را فدا کردند، و چه جوانان عزیز و برومند عراق که در حبس و شکنجه به سر برده و بالأخره به دست این حزب به لقاءالله شتافتند. و اکنون که قریب دو سال است که به جمهوری اسلامی به

---

۱. صحیفه امام، ج ١٦، ص ٢٨٤ تا ٢٨٥.

جرم اسلامی بودنش حمله کرده‌اند و روی مغول را سفید کرده‌اند، هزاران جوان عراقی و ایرانی را که سرمایه‌های ملت خویش بودند فدای هواهای نفسانی خودشان نمودند که شما بهتر جنایات این حزب و صدام، این ابر جنایتکار را می‌دانید، بپا خیزید و با برادران صمیمی خود دست اخوت اسلامی دهید، و این حکومت ستمگر را از صحنه خارج کنید و خود با تضمین خود، حکومت اسلامی دلخواه را تشکیل دهید. ملت عزیز عراق، اکنون که برادران شما با فداکاری، جان بر کف برای حفظ میهن خود و نجات برادران عزیز در بند خود به سوی شما آمده اند، قیام کنید و با الهام از اسلام بزرگ بر دشمنان اسلام بتازید که برادران عزیز شما و ملت شریف ایران از پشت جبهه‌ها به جبهه می‌آیند و با کمک شما عزیزان و برادران ایمانی، این غده‌های سرطانی را از قلب یک کشور اسلامی بیرون ریخته و ملت شریف عراق را بر سرنوشت خود حاکم می‌گردانند. ای اهالی غیور بصره، به استقبال برادران مؤمن خود بیایید و دست ستمکار عفلقیهای کافر را از بلاد خود کوتاه کنید. ای اهالی محترم اعتاب مقدسه، ای جوانان غیور که در هر فرصت بر این ناپاکان تاخته اید، فرصتی را که خداوند به شما عنایت نموده غنیمت شمرید و مردانه قیام کنید و سرنوشت خویش را به دست گیرید. ای ارتشیان گرفتار حزب کافری که برای هواهای نفسانی خویش جوانان شما را به قربانگاه فرستادند، برادران ما برای نجات شما آمده اند و با فداکاری و توکل به خدای تعالی این رژیم کافر و ستمگر را به جهنم می‌فرستند. شما عزیزان در بند بپا خیزید و خود و میهن خود را باکمک برادران ایرانی خود نجات دهید و نگذارید مقدرات کشورتان در امریکا طرح ریزی شود. و شما ای برادران و جوانان ایرانی، به کمک برادران رزمندهٔ خود بشتابید، که این لحظه از حساسترین لحظات سرنوشت ساز است. یا پیروزی اسلام بر کفر عفلقیان و یا خدای نخواسته اگر غفلتی و یا اهمالی شود شکست اسلام و ننگ ملت برای همیشه. و هیهات که شما جوانان غیور زیر بار ذلت بروید. پس تکلیف اسلامی و میهنی شما اقتضا دارد که به

سوی جبهه‌ها جوانمردانه هجوم آورید و بکوشید تا جامهٔ ذلت نپوشید. و بدانید که روحیهٔ ارتش عراق بکلی از دست رفته است و اسلام، امروز احتیاج به شما جوانان برومند دارد. به سوی نبرد با کفر بشتابید و برادران عراقی خود را نجات دهید. و برادران جان برکف رزمندهٔ جمهوری اسلامی را کمک کنید که فردا دیر است. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۳۱شهریور ۱۳۶۱/ ۴ذی‌الحجه ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: جنایات صدام و امریکا در ایران محکوم کردن شناسایی اسرائیل در کنفرانس «فاس»
مناسبت: دومین سالگرد آغاز جنگ تحمیلی «هفته دفاع مقدس» مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

دو سال از هجوم امریکای جهانخوار توسط جیره خوار خود، صدام عفلقی به کشور اسلامی ایران و در واقع به اسلام گذشت. و با سپاس به درگاه خداوند متعال هر چه از این جنگ ناخواستهٔ تحمیلی می‌گذرد، قدرت اسلام و جمهوری اسلامی و قوای نظامی و انتظامی ایران و پایداری ملت متعهد آشکارتر و افزونتر می‌گردد، و رسوایی جهانخواران و وابستگان و پیوستگان به آنان بیشتر و واضحتر می‌شود، و مشت خرابکاران و منافقان و منحرفان بازتر می‌گردد. و بحمدالله تعالی و با عنایات خاصهٔ الهی و توجه حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ امسال کشور و ملت ایران با سالهای گذشته فرقهای چشمگیری داشته است.

سالهای قبل، ارتش فریب خوردهٔ صدام در کشور عزیز ما به جنایات خود ادامه می‌داد، و صدام تکریتی و اربابانش امید داشتند که بتوانند در داخل کشور به خرابکاری و جنایت ادامه دهند. و خیال سرداری قادسیه را در سر داشتند و جدایی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۳۷۵ تا ۳۷٦.

مناطق نفت‌خیز را در مغزهای پوک خود می‌پختند؛ ولی در این سال پر برکت می‌بینید و می‌بینیم که کاخهای امیدشان فرو ریخته، و قوای مسلح شجاع و مؤمن ایران آنان را با رسوایی هر چه تمامتر از کشور خویش رانده اند. و اکنون چون دزدان در بلندیهای ایران پناهگاه ساخته و در آنها خزیده اند و قدرت مقابله را از دست داده‌اند، و از داخل کشور عراق با توپهای دوربرد و موشکها مناطق مسکونی عرب نشین را می‌کوبند و مردم شهرهای مقاوم مرزی را به شهادت می‌رسانند. و بلندپروازیهای سردار قادسیه بدل شده است به دریوزگی از این دولت و آن دولت و به مشتی دروغ که خود را به آن دلخوش و روی خود را با سیلی سرخ کرده است، و به خیال خود ارتش خویش را فریب می‌دهد، و انتقام شکست مفتضحانهٔ خود را از ملت مظلوم عراق و فرماندهان ارتش خود می‌گیرد. و مضحکتر از همه اینکه، جزیرهٔ خارک را منطقهٔ نظامی اعلام می‌کند. و پشتیبانان شکست خوردهٔ او دامن به این دروغ زده‌اند که شاید این حیله موجب شود کشتیهای نفتکش به جزیرهٔ خارک نیایند و ایران را وادار به صلح نمایند؛ که این حیلهٔ شیطانی نیز خنثی و نقش بر آب شد. چراکه رزمندگان ایران شجاعانه از خاک و بندرهای ایران دفاع می‌نمایند و دولت با اعلام بیمهٔ کشتیهای نفتکش، این نقشه را باطل کرد. و امروز قدرت نیروهای مسلح ایران از ارتش و سپاه و بسیج و قوای انتظامی و عشایری و مردمی آنچنان است که می‌تواند با راحتی شهرهای عراق را در هم کوبد؛ لکن پیروی از احکام اسلام عزیز آنان را از تجاوز به حریم شهرهای مسکونی باز داشته است. و اگر خدای ناکرده فرماندهان و پرسنل قوای مسلح ما چون صدام و قوای تابع او بودند که به اسلام و احکام نورانی آن اعتنایی نداشتند، و از ارزشهای انسانی بی بهره بودند، شهرهای عراق چون شهرهای خوزستان و امثال آن در هم کوبیده می‌شد.

در سال گذشته توطئه گران مطبوعات و بازیگران رسانه‌های گروهی وابسته به امریکا و صهیونیسم باکمال وقاحت ایران را متهم می‌کردند که از اسرائیل اسلحه وارد

می‌کند و طرفدار اسرائیل جنایتکار است. اکنون در کنفرانس فاس، فاش و روشن شد که طرفدار اسرائیل، صدام جنایتکار و اکثر دولتهای منطقه می‌باشند. طرفداری از جنایتکاری که با کمال جسارت پس از آنهمه تبهکاریهایش و خدمتگزاریهای دویله‌های[1] منطقه، آنان را به باد مسخره گرفته است و آنان را آنچنان تحقیر نموده که جز خود آنان هر انسانی را خجلت زده می‌کند. و خجالت نه از برای سران این دولتها، بلکه برای انتسابشان به اسلام، و از آن جهت که متأسفانه امور مسلمانان به دست اینان است. پیامد آن خدمتگزاریها به این جنایتکار، قتل عام بیگناهان بیروت؛ جنایتی که عمق آن را ما نمی‌دانیم. حجم جنایت به قدری بوده است که به حسب گزارش خبرگزاریها خشم جهانیان را برافروخته است. حتی جنایتکاران جهان، چون «ریگان» و «حسنی مبارک» را به صورت ظاهر وادار به محکوم نمودن آن نموده است. حجم جنایت به گونه ای بوده است که حتی خبرگزاریها و روزنامه‌های طرفدار اسرائیل آن را محکوم، و بزرگترین جنایت پس از جنگ جهانی دوم دانسته اند. و به گونه ای بوده است که حتی خود جنایتکاران نمونهٔ جهان چون اسرائیل و فالانژها و دیگر همدستانشان هر یک به دیگری نسبت می‌دهد. و بزرگترین مصیبت برای مسلمانان آن است که از سران دولتهای منطقه نفس بر نمی‌آید. و از آن فجیعتر و ننگ‌آورتر طرفداری بی قید و شرط بعض حکام منطقه است. و باز هم در حجاز از جنایت اسرائیل و پدربزرگ او امریکا نمی‌شود اسم برد.

و ما با سپاس به درگاه پروردگار عالمیان، باز هم مددهای غیبی را از اسلام و جمهوری اسلامی دریافت می‌کنیم. و خداوند کید آنان را که دولت ایران را طرفدار اسرائیل معرفی می‌کردند به خود آنان برگرداند، و آنان را نزد ملتها رسوا کرد. و صدام عفلقی که برای روبه رویی با اسرائیل بهانه می‌تراشید، و می‌خواست با آن بهانه‌هاخود

---

۱. دولتهای کوچک.

را از دست مدافعان سلحشور ایران نجات دهد، درکنفرانس‌فاس‌به‌حمایت‌وشناسایی اسرائیل و بیمه و امنیت آن گریبان پاره کرد و ﴿وَمَكَرُوا وَمَكَرَ ٱللَّهُ وَٱللَّهُ خَيْرُ ٱلْمَاكِرِينَ﴾.(۱)

اکنون که بزرگداشت «هفتهٔ جنگ تحمیلی» فرا رسیده است و بحمدالله تعالی قوای مسلح و غیور ایران با سرافرازی تمام و غرورآفرینی برای اسلام و ملت بزرگ، مراحل آخر پیروزی را طی می‌کند، لازم است ملت شریف ایران عموماً و خصوصاً دولتمردان و گویندگان و نویسندگان و شاعران و هنرمندان از این قشرهای فداکار هر یک به سهم خود قدردانی نمایند و مراحل مختلف پیروزی این حماسه آفرینان را با گفتار و نوشتار و کردار خود در معرض نمایش گذارند، و در محافل «هفتهٔ جنگ» فواید و نتایج و پیامدهای آن را برشمارند، و روح شجاع این رزمندگان بزرگ را هر چه بیشتر تقویت کنند. ملت شجاع و متعهد، این هفته لازم است حضور خود را در صحنهٔ جنگ اثبات نمایند، و مشت محکمی به دهان یاوه سرایان بکوبند. امروز ابرقدرتها، ملت حاضر در صحنهٔ ما را متهم می‌کنند که از جمهوری اسلامی روبرگردانده، و از جنگ که حقیقتاً دفاع از اسلام است خسته شده‌اند. آنان ملت ایران را نشناخته اند و ناچار به دروغ پردازی پرداخته اند، و با اتهامات گوناگون به قوای مسلح و ملت ایران، تصمیم دارند به هر صورتی که هست بار دیگر جنایات خود را در ایران تکرار نمایند، ولی ملت رشید و مقاوم ایران در مقابل آنان ایستاده‌اند و هرگز به آنان چنین اجازه ای را نخواهند داد. آنان می خواهند با جمهوری اسلامی مخالفت کنند، چراکه این مخالفت‌ها مردم عزیز ما را مصمم‌تر خواهد نمود تا برای مبارزه‌ای طولانی‌تر دست در دست یکدیگر نهند و از ایران و اسلام عزیز و استقلال و شرف خویش دفاع نمایند.

---

۱. سوره آل عمران، آیه ٥٤: «و مکر کردند، و خداوند نیز مکر کرد؛ و خداوند بهترین مکرکنندگان است».

لهذا ملت شریف در سراسر ایران، از روحانی و دانشگاهی و بازاریان و جوانان عزیز محصل تا رزمندگان فداکار و سایر قشرهای معظم، در این «هفتهٔ جنگ» به شکرانهٔ پیروزی اسلام پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی و قوای مسلح، فداکاران در راه هدف که اسلام و ایران است به ثبوت برسانند. و نیز یاد شهدای فداکار را که جمهوری اسلامی و پیروزیها، رهین جان نثاری آنهاست، زنده نگه دارند. و از معلولین عزیز و آسیب دیدگان و آوارگان مقاوم در راه استقرار حکومت الله تفقد و قدرشناسی نمایند. و از بازماندگان شهدا دلجویی و به آنان دلداری دهند.

گرچه زبانها و قلمها در توصیف جوانان و نوجوانان، پیران و سالخوردگان عزیزی که خون پاک خود و سلامت خویشتن را فدا کردند تا اسلام، زنده و کشور، پاینده بماند، و از شرّ دشمنان خونخوار آزاد شود، عاجزند. و نیز عاجزند که به پدران و مادران دلیری که چنین فرزندانی را تربیت کردند و به اسلام تقدیم نمودند دلداری دهند، و از خواهران و برادرانی که در جوار آنان بودند دلجویی نمایند. اینان مشمول عنایات و رحمتهای بی‌پایان خداوند، در جوار اولیای عظیم‌الشأن، با سعادت در دنیا و آخرت قرینند، خدایشان رحمت و برکت دهد.

درود بی‌پایان به روح پاک شهیدان راه حق، و سلام فراوان بر آسیب دیدگان و آوارگان در جبهه‌های دفاع از اسلام و ایران اسلامی، و درود و سلام بر بازماندگان شهدا و خانواده‌های آسیب دیدگان، و سلام خداوند و انبیا و اولیای او بر بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء.[1]

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. متن پیام امام خمینی را آقای سید احمد خمینی در مراسم رژه پرشکوه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و بسیجیان و رزمندگان و جمع زیادی از مردم تهران که در میدان آزادی و خیابانهای اطراف آن گرد آمده بودند، قرائت نمود.

۲. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۵۱۸ تا ۵۲۲.

▫ پیام

زمان: ۳۱ شهریور ۱۳۶۲ / ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: همبستگی منافقین با حزب بعث عراق و حمایت قدرتهای بزرگ از متجاوز
مناسبت: هفته جنگ تحمیلی مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

سه سال از حملهٔ وحشیانه و احمقانهٔ «سردار قادسیه»[1] گذشت. تجربهٔ سه ساله و مطالعهٔ اوضاع نظامی، سیاسی، اقتصادی ایران، که به خیال پوچ عفلقیان و منافقان و «حزب تودهٔ» وابسته و دلباختهٔ شوروی و دیگر گروهها و دسته‌های نوکر مآب در همان هفتهٔ اول و یا ماه‌های اول شکست ایران و سقوط جمهوری اسلامی و اسلام حتمی بود، که اکنون بر جهانیان خلاف آن ثابت شده است، خوب است چشم کوردلان را باز کند؛ و از کارهای جنون‌آمیزی که تاکنون کرده‌اند، و امروز جز حربهٔ دروغ و گزاف چیزی برایشان به جای نمانده است، توبه کنند؛ و در پیشگاه خدای متعال، اگر اعتقاد دارند، عذر تقصیر بخواهند؛ و در پیشگاه ملت بزرگ ایران به جهالت و کوتاه اندیشی‌شان اعتراف کنند. اکنون علی رغم دروغپردازیها و عربده کشیدنها، آنچه برای صدام مانده است شکستهای پی در پی و جنایتهای وحشیانه نسبت به مردم مرزنشین، بخصوص مناطق عرب نشین و کردنشین، و همچنین دیگر شهرهای ایران و به شهادت رساندن زنان و کودکان و مردان بیگناه می‌باشد.

و آنچه برای دشمنان اسلام و انقلاب، چه آنان که در رأس کشورهای کفر و دولتهای الحادی هستند و چه آنهایی که به این دولت‌ها پناه برده اند، مانده است شایعه‌سازیهای واضح البطلانی است که جز عده ای بی خبر از اوضاع ایران و منطقه کسی باور نمی‌کند. بی تردید باید برای صدامیان و وابستگان آن در داخل کشور ثابت

---

۱. صدام حسین، رئیس جمهور مغرور حاکم بر بغداد، که در آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران وعده فتح سه روزه داد و تجاوزش به ایران را «قادسیه» نامید.

شده باشد که کمک‌های همه جانبهٔ ابرقدرتها و وابستگان به آنها و بوقهای تبلیغاتی شبانه‌روزی آنان تاکنون به حال آنان مفید نبوده؛ و پس از این نیز به خواست خداوند تعالی مفید نخواهد بود. و اگر چشم خود را باز کنند، برای آنها واضح شده است که قدرت‌های بزرگ یعنی امریکا و شوروی از بی عقلی آنان استفاده نموده و می‌خواهند با دست آنان، ولو به احتمال بسیار ضعیف، در منطقه یا در ایران به خیال واهی خود ناراحتی ایجاد کنند.

تمام این مسائل و رسوایی‌هایشان به خاطر آن است که اسلام و نفوذ معنوی آن را در توده‌های میلیونی مردم نشناخته اند، و چشم و گوش خود را از شناخت حقیقت‌ها بسته‌اند. اینان آیا ندیده‌اند که در ظرف مدت کوتاهی جوانان غیور ایران در سایهٔ معنویت اسلام از پرتگاه‌هایی که قدرت‌های نفتخوار و مفتخوار برای سقوط آنان ایجاد کرده بودند به صورتی معجزه‌آسا نجات یافته، و به قلهٔ بلند ایمان و تعهد به اسلام صعود نموده‌اند؛ و با شجاعت و شهامت کم نظیر بر کفر جهانی و عفلقیان تاخته و آنان را از کشور عزیز خود بیرون رانده اند و میهن اسلامی خود را از دست چپاولگران شرق و غرب نجات داده، و تفاله‌های وابسته و پیوستهٔ آنان را به جای خود نشانده‌اند و به عمر ننگین آنان خاتمه داده‌اند. و آیا تجربهٔ چند ساله کافی نیست تا این مدعیان قدرت و شناخت مسائل نظامی، سیاسی و تشکیلاتی را به خود آرد و از خواب غفلت بیدار کند، تا از وعده‌های پوچ ابرقدرتها بازی نخورند و خود را آلت بی‌ارادهٔ دست آنان قرار ندهند؟

مضحک آن است که صدام در ملاقات با ارتشیان خود، که طعم تلخ شکستهای خود را از جوانان شجاع ایران چشیده اند و از زاغه‌های مملو از اسلحهٔ مدرن ومهمات بی‌پایان فرار نموده‌اند، گفته است ما امروز بیشتر از هر وقت دیگر مجهز به سلاح‌های پیشرفته هستیم و جنگ را تا سالها ادامه می‌دهیم! مطلب او نسبت به سلاح‌های پیشرفته‌ای که از قدرت‌ها یا به دریوزگی و یا در برابر اموال مردم بی‌پناه عراق به

دست آورده است مورد تصدیق است، لکن این نویدی است برای رزمندگان ما که بدون از دست دادن مخازن کشور و آبروی خود این سلاحها را از چنگال ارتش فراری عراق به دست آورده و علیه آنها به کار می‌برند. و ما از این شیوه خوشحالیم. و اکنون نیز سربازان فداکار اسلام با سلاحها و خودروها و تانکهای دشمن بر او می‌تازند.

و اما ادامهٔ جنگ، همه می‌دانند که ابتکار آن در دست جوانان ماست؛ و تا سقوط حزب بعث عفلقی عراق، دفاع از اسلام و از دو کشور اسلامی عراق و ایران ادامه دارد. و پس از آنکه مقدرات کشور به دست ملت رنجدیدهٔ عراق افتاد، جنگ خاتمه یافته است. آنچه که موجب تأسف بسیار است آن است که ابرقدرتها، بویژه امریکا، با فریب صدام، با هجوم به کشور ما، دولت مقتدر ایران را سرگرم دفاع از کشور خود نمود، تا مجال به اسرائیل غاصب تبهکار دهد تا به نقشهٔ شوم خود که تشکیل اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات است، اقدام نماید.

اسحاق شامیر[۱] مهرهٔ تازه امریکا، به مجرد نامزدی نخست‌وزیری به جای بگین[۲]، مهرهٔ دیگر، قبل از هرچیز نقشهٔ اسرائیل را فاش نمود. او گفت سازمان آزادیبخش فلسطین باید محو شود. وی تصریح کرد که به عنوان طرفدار یک اسرائیل بزرگ باقی خواهد ماند. اکنون جای تأسف نیست که سران کشورهای عرب در مقابل این مصیبت یا ساکت نشسته‌اند و راه را برای این نقشهٔ شوم باز گذاشته‌اند، و یا برای خوشامد امریکا و یا جاه و مقام آنی خویش حامی اسرائیل شده‌اند؟ اینجانب، برای ادای وظیفهٔ اسلامی، در هر فرصت فریاد دل محرومان و مظلومان منطقه را به

---

۱. اسحاق شامیر، که به تازگی نخست وزیری رژیم اشغالگر قدس را عهده دار شده بود. او پیش از احراز این سمت، وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی بود.

۲. مناخیم بگین که جای خود را به اسحاق شامیر داد و از آن پس به سمت وزیرخارجه رژیم صهیونیستی منصوب شد.

جهانیان، از آن جمله دولت‌های کشورهای اسلامی، رسانده ام. و پس از این نیز، اگر فرصتی رخ دهد، ان‌شاءالله خواهم رساند. شاید در حکومت‌های این کشورها، که بعضی سرگرم عیاشی و بعضی نزاع و جدال با برادران خویش و بعضی از ترس امریکا خود را باخته‌اند، اثر کند و این خواب غفلت به یک بیداری اسلامی انسانی تبدیل گردد، و به این وضع فلاکتبار خویش خاتمه دهند، و همانند ایران قهرمان دست رد به سینهٔ تمام ابرقدرتها زنند. اکنون برادران مسلمان لبنانی ما در چنگال اسرائیل و دولت خونریز لبنان و از آن بدتر امریکای تجاوزگر گرفتارند و هر روز گروهی از آنان شهید یا آواره می‌شوند؛ و اکثر دولتهای منطقه سرگرم سازش با اسرائیل یا تأیید دولت لبنان هستند؛ و یا سرگرم نقشه برای تأیید جنایات صدام و کمک نظامی یا مالی به او برای ادامهٔ جنایات به دو ملت عراق و ایران می‌باشند.

و آنها گمان می‌کنند که صدام را با این کمکها می‌شود نجات داد؛ و اگر نجات پیدا کرد. دست آنان را به گرمی می‌فشارد. غافل از آنکه با آن خوی سلطه‌جویی و بلندپروازی و سبعیتی که در او هست فرصت نفس کشیدن به آنان را نخواهد داد، و با بهانه‌های واهی به کشورهای آنان تجاوز خواهدکرد. امریکا و شوروی برای تضعیف اسلام و دولتهای اسلامی مشغول فعالیت، از قبیل تفرقه افکنیها و ایجاد تشنجات داخلی به دست عمال مزدور یا فریب خورده و بر افروختن جنگ بین کشورها و دیگر شیوه‌های استعماری، هستند. و این دولتهای کشورهای اسلامی و مستضعف جهان هستند که باید چشم و گوش خود را باز کرده و این توطئه‌ها را خنثی کنند.

ملت ایران و قوای مسلح شجاع و فداکار برای افراشتن پرچم توحید و تحکیم پایه‌های جمهوری اسلامی، سال سوم دفاع از هجوم عفلقیان بی‌فرهنگ را پشت سر می‌گذارند؛ و با سپاس بی‌پایان از خداوند متعال و مددهای غیبی و آشکار او، از کشور بقیة الله، أرواحنا لمقدمه الفداء، در تمام میدانها به بهترین وجه دفاع نموده و پیروز شدند؛ و در میدان جنگ تحمیلی، متجاوز جسور را که با کمال جهالت از وعده‌ها و

نویدهای امریکا اغفال و خود را در این دام مهلکه انداخت. آنچنان ادب کرد که اینک به هر دولتی پناه برده و به هر دری می‌زند که خود را از این دام خود ساخته نجات دهد؛ ولی بحمدالله موفق نخواهد شد. اکنون که از جمهوری اسلامی سیلی خورده و امیدی برایش نمانده است، به دولت فرانسه نیز متشبث شده است تا با کمک سلاحهای مخرب به منابع اقتصادی ایران ضربه بزند و برگی بر جنایات خود بیفزاید. اینجانب به همهٔ کشورهای منطقه و کشورهایی که به نحوی از نفت استفاده می‌کنند هشدار می‌دهم که دولت ایران با تمام قدرت در مقابل این جنایت ایستادگی می‌نماید؛ و مصمم است تا در صورت وقوع چنین جنایتی، با تمام قدرت تنگهٔ هرمز را مسدود کند و اجازه ندهد حتی یک قطره نفت از آنجا صادر شود. مسئول پیامدهای این حادثهٔ بزرگ دولت فرانسه است.

سقوط صدام تا حدی است که حتی با منافقین فراری، که خود از او مفلوکتر و شکست خورده تر هستند، دست اخوت می‌دهد. و منافقین نیز که برای ترمیم ننگ و بی‌آبرویی خود به هر حشیشی متشبث می‌شوند و تنها برای اینکه رادیو بغداد اسمی از این مدعیان نجات خلق بَرَد با کمال وقاحت با صدام جانی، که با خمپاره‌ها و موشکها هزاران زن و مرد و کودک و بزرگ و کوچک این مرز و بوم را شهید کرده است و هر روز شهرهای این خلق بیگناه را با توپهای دوربرد بر سرشان خراب می‌کند. دست اخوت و برادری می‌دهند، و رسماً برای آنان جاسوسی می‌کنند. و با آنکه سران منافقین در دامن امریکا و فرانسه مشغول عیاشی و خوشگذرانی هستند، مع‌الأسف عده ای نوجوان را با حیله و تزویر گول زده و قدرت تفکر را از آنان سلب نموده‌اند. امیدوارم نوجوانان فریب خورده با دیدن این جنایات و روشن شدن همدستی آنان با صدام، دیگر کورکورانه از آنان تبعیت نکنند.

اکنون که «هفتهٔ جنگ» است و هفتهٔ جنگ امسال با سال گذشته فرقهای بسیاری دارد، اینجانب به ملت ایران برای داشتن چنین جوانان برومند و متعهد و فداکاری که

نظیر آنان را در جهان سراغ ندارم و تاریخ هم نشان نداده است تبریک و تهنیت عرض می‌کنم؛ و به اسلام بزرگ برای داشتن این جانبازان در راه حق، که برای اسلام و میهن اسلامی خود از همه چیز خویش می‌گذرند، تبریک تقدیم می‌کنم؛ که اینان نه تنها ایران را در جهان و نسل‌های آینده آبرو دادند. که اسلام بزرگ، که با تعلیمات و الهامات خود چنین تحول بزرگی را به وجود آورده است، سرافراز نمودند. امروز همه از تصویر این صحنه‌های معنوی ـ انسانی عاجزند. و اینجانب که به نویسندگان و گویندگان و تحلیلگران و هنرمندان و نقاشان و همه و همه پیشنهاد می‌کنم تا همیشه و بخصوص در این هفته آنچه در توان دارند در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم این سلحشوران عظمت آفرین و ملت ایران و اسلام بزرگ نمایند، برای آن است که به گوشه ای از وظیفهٔ اسلامی، انسانی، ملی، میهنی، هرچند کوچک خود عمل نمایند، والّا خداوند شکور است که نام این عظمت آفرینان را در این جهان بلند و مقامشان را در ملکوت اعلیٰ به نمایش می‌گذارد مگر نه آن است که اینان صدای اسلام را به اقصی نقاط عالم رسانده و عظمت آن را در سطح عالم خاکی جلوه گر ساخته اند؟ قدردانی از این عمل بزرگ جز به مشیّت ذات مقدس او جلّ و علا میسر نیست.

چنانچه ما خاکیان ناتوان از عهدهٔ تعظیم و تقدیر مادران بزرگواری که در دامن خود این جوانان متعهد را پرورانده اند و پدران سلحشوری که در پناه خویش آنان را به جوانی رسانده اند و همسران غمخواری که در کنار آنان به سر برده اند و اکنون با روی گشاده به میدان نبرد و دفاع از حق می‌فرستند می‌باشیم؛ و این نیز در عهدهٔ آفریدگار منّان است. لکن ملت بزرگ ایران در این هفته ثابت کند که به اسلام با بذل جان و ثمرهٔ حیات و مال وفادار است؛ هرچند کوردلان شکست خورده در داخل و خارج کشور برای تسکین جراحات خود جغدوار ناله‌هایی سرمی‌دهند.

اینک کلمه ای نصیحت آموز با جوانان عزیزی که در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها برای اقامهٔ عدل الهی فداکاری می‌کنند، و عزیزانی که به نحوی برای هدف الهی آسیب

دیده‌اند، و بازماندگان شهدای معظّم که در راه قرآن کریم به شهادت، بزرگترین فیض الهی رسیده‌اند، و به پدران و مادران و همسران و نزدیکان شهدای زنده، و به کسانی که در پشت جبهه‌ها به نحوی کمک به برادران مدافع خود می‌کنند. توجه کنید که غرور پیروزیها و شهرتها و جوانمردیها در قلب شما رخنه نکند، که این مرض نفسانی از دامهای شیطان است که بندگان خدا را از توجه به او باز می‌دارد، و از مکاید نفس امّاره بالسوء است که انسانها را به شرک و عبودیت بتها، و خصوص مادر بتها، که بت نفس است، می‌کشاند. زنهار که جز او را جلّ و علا، که ولیّ نصر است و هیچ نصری جز از او نیست، مؤثر بدانید که ﴿مَا رَمیت إذ رمیت و لکن الله رَمی﴾[1] هرچه دارید و داریم و دارند از اوست و «ما عدم‌هاییم، هستی‌ها نما» بارالها، ما ضعیف و ناتوانیم، تو به فضل خود ما را از شرک جلی و خفی حفظ فرما؛ و از تبعیت هواهای نفسانی، که خود شرک است، نجات مرحمت فرما؛ و به حقیقت توحید و یکتاپرستی و یکتاخواهی هدایت فرما؛ و اسلام، این دین توحید و یکتاپرستی و یکتاخواهی، را در سراسر جهان پرتوافکن نما، و بیرقهای کفر و شرک و نفاق را سرنگون فرما؛ و مسلمین را به وظایف اسلامی انسانی خویش هدایت کن؛ و بلاد مسلمین و مستضعفین را از شرّ مستکبرین و جهانخواران محفوظ دار؛ و شهدای راه حق را از عصر آدم صفی الله تا عصر پیامبر خاتم، صلی الله علیه و آله و سلم، و تاکنون و تا عصر بقیة الله، ارواحنا فداه، از رحمتهای واسعه و جلوه‌های خاص خود بهره‌مند فرما؛ و شهدای عزیز ایران را که برای اسلام و میهن اسلامی سرافرازیها آفریدند با شهدای صدر اسلام محشور فرما؛ و به بازماندگان آنان، پدران و مادران و همسران متعهدشان، صبر و اجر و پایداری عنایت فرما؛ و به اسرای ما سلامت عنایت کن؛ و هرچه زودتر این بزرگان اسلام و

---

۱. «فلم تقتلوهم ولکن الله قتلهم و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی و لیبلی المؤمنین منه بلاءً حسناً» شما ایشان را نکشتید بلکه خداوند آنها را کشت و نه تو تیر را انداختی آنگاه که انداختی، بلکه خدا بینداخت تا بیازماید مؤمنان را از خود آزمایشی نیکو. سوره انفال، آیه ۱۷.

افتخارآفرینان کشور اسلامی ایران را به میهن اسلامی شان بازگردان؛ و بـه جـانبازان، این شهدای زنده، شفا مرحمت فرما و در خیل شهدا محشورشان نما؛ و به نزدیکان، خصوصاً مادران و پدران و همسرانشان، صبر و اجر مرحمت فرما؛ و به رزمندگان در راه اسلام و دفاع از کشور اسلامی، که با کوششهای جانفرسای خود دشمنان اسلام را منکوب و مخذول نمودند و دست آنان را از تجاوز و جنایت و خیانت به کشور قطع کردند، قدرت و سلامت و عظمت مرحمت فرما، و آنان را از مـجاهدان در راه خـدا قرار بده.

صلوات و سلام خدا بر پیامبران خود، خصوصاً خاتم و افضل آنان، حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله و سلم، و بر امامان و اولیای عظیم‌الشأن خداوند، بویژه خاتم آنان، مهدی منتظر، بقیة الله فی الوری ـ ارواحنا لمقدمه الفـداء. والسـلام علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۴۳ تا ۱۵۰.

◘ پیام

زمان: ۳۰آبان۱۳۶۳/ ۲۷صفر۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از خدمات بسیجیان کشور مخاطب: بسیجیان

بسم الله الرحمن الرحیم

با تشکر و تقدیر از اقدامات خداپسندانهٔ بسیج مستضعفین در راه هدف مقدس اسلام و استقلال کشور و آزادی ملت دربند و با تشکر از کوششهای آنان در کوتاه کردن دست چپاولگران، امید است با تحصیل اخلاص در همهٔ امور، چه تعلیم و تعلم و تقویت فرهنگ اسلامی و آموزش کافی فنون مختلف نظامی، و چه در راه بسیج توده‌های مظلوم و مستضعف جهان بر ضد استکبار جهانخوار تا قطع طمع آنان نه تنها از کشورهای اسلامی که از همهٔ ممالک تحت ستم جهان و چه در راه تقویت هر چه بیشتر بسیج برای حراست از اسلام بزرگ و ایران عزیز و با صبر و شکیبایی در این مقاصد بزرگ، این خدمت گرانقدر را رنگ الهی داده واز عبادات بزرگ قرار دهند. از خداوند تعالی توفیق شما عزیزان را در این مقصد بزرگ خواستارم. خدا پشت و پناهتان باد.

به تاریخ ۳۰ آبان ماه ۱۳۶۳

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۰۵.

▣ پیام

زمان: ۳ اسفند ۱۳۶۴ / ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: سرنگونی هواپیمای مسافربری توسط رژیم بعث و شهادت جمعی از مسئولان کشور (۱)
مخاطب: ملت ایران و رزمندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

جنایتکاران عفلقی که در جنگ جبهه‌ها و بویژه جبههٔ «فاو» خود را عاجز می‌بینند و سراسیمه به هر دری می‌زنند و برای نجات خود به هر حشیشی متوسل می‌شوند، به جنایت مفتضحانهٔ دیگری دست زدند که آبروی نداشتهٔ آنان را در مجامع جهان آزاد برباد داد و آن فاجعهٔ هوایی اخیر بود که جمع کثیری از هموطنان عزیز ما را به شهادت رساندند.

اسلام عزیز و بویژه جهان تشیع در طول تاریخ، از صدر اسلام تاکنون، سوابق درخشانی در میدانهای خون و شمشیر داشته و به حکم قرآن کریم و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ـ و سیرهٔ ائمهٔ معصومین ـ علیهم صلوات الله ـ برای اهداف مقدسهٔ اسلامی و قطع فساد با شمشیر و خون دست به گریبان بوده و فداکاریهای عظیم در این راه مقدس نموده است. و ملت بزرگ ایران به پیروی از اولیای عظیم‌الشأن اسلام، این دفاع مقدس را آغاز نموده و در انجام آن و رسیدن به هدفهای اعلای قرآنی جان و مال را داوطلبانه فداکرده و آنچه وظیفهٔ الهی بوده به طور شایسته

---

۱. روز ۱ اسفند ۱۳٦٤، ساعت ۳۰: ۱۲ دقیقه ظهر هواپیمای «فرندشیپ» متعلق به شرکت هواپیمایی آسمان هنگامی که از تهران به مقصد اهواز در حرکت بود، در آسمان اهواز هدف دو موشک هوا به هوای جنگنده‌های عراقی قرار گرفت و در منطقه «وین» در ۲۵ کیلومتری شمال اهواز سرنگون شد. در این واقعه دلخراش بیش از چهل نفر از مسافران غیر نظامی از روحانیون و نمایندگان مجلس و مسئولان فرهنگی کشور به همراه نماینده امام خمینی به شهادت رسیدند.

انجام داده است و بحمدالله تعالی قدمهای بزرگی در راه شناساندن اسلام الهی و محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ برداشته است. گرچه وجودهای عزیز و ارزشمندی را از دست داده است، لکن ارزشهای بالاتر و والاتری به دست آورده و آن رضای خداوند متعال است و چه چیز می‌تواند از آن بالاتر باشد.

ملتی که برای رضای حق تعالی انقلاب کرد و برای ارزشهای معنوی و انسانی بپاخاسته است، چه باک دارد از شهادت عزیزان و آسیب دیدن نور چشمانش و تحمل سختیها و مکاره،[۱] که جنت لقاء الله که فوق تصور عارفان است، محفوف[۲] به مکاره است. چه می‌گویم! این جنت اولیا، مکاره را در کام ملت ما شیرینتر از عسل کرده. مگر ما و شما هر روز شاهد این کاروانهای کربلا نیستیم که با شور و شوق و عشق و عطش به پیشباز شهادت می‌روند. مگر شما هر روز شاهد میدانهای با عظمت قتال با متجاوزین نیستید که به مرگ لبخند می‌زنند و معجزه می‌آفرینند. راستی این چه تحولی است که بر سراسر این کشور صاحب الزمان ـ روحی فداه ـ نور افشانی می‌کند و چه آتشفشانی است که منحرفان و کج اندیشان و بدخواهان را در خود فرو برده و ذوب می‌کند؟ این، جز ارادهٔ خدا و جلوهٔ اوست که خفاشان از آن می‌گریزند و اولیای خدا و عارفان به آن دل بسته اند؟ من با این قلم شکسته و این چشم بسته در حق این ملت و این عزمش و این سلحشوران و این رزمش چه می‌توانم بگویم ؟! پس بهتر آن است که قلم بشکنم و دم فرو بندم و اجر و مزد رزمندگان و وابستگان به آنان و آسیب‌دیدگان و دلبستگان آنان را از خدای بزرگ بخواهم. امید آن است که ولیّ نعم، این میهمانان را که به سوی او می‌روند از محضر خود کامیاب فرماید و به این

---

۱. رنجها، سختیها.

۲. در میان گرفته شده، مالامال.

رزمندگان غرورآفرین قدرت بیشتر و قوّت والاتر عنایت نماید و به همهٔ ملت عزیز بویژه آنان که در این جهاد فی سبیل الله فعالیت و دخالت داشته اند، عزت و عظمت مرحمت کند و این عزیزانی [را] که در این جنایت هوایی به سوی او پرواز کرده‌اند، اجازهٔ ورود به محفل خاص خود دهد.

و حجت الاسلام حاج شیخ فضل الله محلاتی شهید عزیز راکه من و شما او را می‌شناسیم که عمر خود را در راه انقلاب صرف کرد و باید گفت یکی از چهره‌های درخشان انقلاب بود و در این راه که راه خداوند است تحمل سختیها نمود و رنجها کشید و با قامت استوار ایستادگی کرد، اجازهٔ ورود در محضر شهدای صدر اسلام مرحمت نماید. و به بازماندگان محترم تمامی شهدا صبر و أجر مرحمت فرماید و به روحانیون عزیز و قضات محترم و وکلای ارجمند و محافظین عزیز و خدمهٔ محترم هواپیما و سایرین که در این جنایت عظیم عفلقیان و با جاسوسی منافقین ملحد به شهادت رسیده‌اند، جزا و اجر فوق تصور ما عنایت فرماید. و به رزمندگان در جبهه‌ها و بسیجیان، این راهیان کربلا پیروزی نهایی عنایت فرماید و قلب حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ـ را از همهٔ ما راضی فرماید و به دعای آن بزرگوار، به همهٔ ما استقامت مرحمت کند. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٩٦ تا ٤٩٨.

▣ پیام

زمان: ۱۵ فروردین ۲۴/۱۳۶۵ رجب ۱۴۰۶ — مکان: تهران، جماران
موضوع: جنایات صدام و حزب بعث لزوم حضور فعال در جبهه‌ها
مناسبت: در آستانه سالروز بعثت حضرت محمد (ص) و برگزاری سمینار «لبیک یا امام»
مخاطب: اعضای سمینار «لبیک یا امام»

بسم الله الرحمن الرحیم

اعضای محترم سمینار پشتیبانی جنگ - ایّدهم الله تعالی

پیام شما در مورد استقبال کم نظیر مردم سلحشور در پیوستن به صفوف رزمندگان اسلام، و تصمیمتان در استفادهٔ بیشتر از این امکانات عظیم واصل گردید. خداوند متعال را سپاس می‌گزاریم که در آستانهٔ سالروز بعثت حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم بار دیگر ملت دلاور ایران صحنهٔ حماسه‌های همیشگی حضور خود را در دفاع از اسلام عزیز و کشور اسلامی ایران به نمایش می‌گذارند، و با شرکت بی‌سابقهٔ خود در کاروان راهیان کربلا جهانیان را به حیرت واداشته، و می‌روند تا باهمت والای خود بقایای ریشه‌های پوسیدهٔ حزب عفلقی عراق را بَر کنند، و مردم مظلوم عراق و ایران و منطقه را از یوغ این بردگان شیطان رهایی بخشند. و با تشکر از اعضای محترم این سمینار، که ان‌شاءالله با وحدت معنوی و ظاهری خود از این نیروهای الهی در جهت دفاع مقدس برنامه ریزی می‌نمایند.

ملت عزیز ایران و رزمندگان و مسئولین محترم جمهوری اسلامی می‌دانند که استکبار جهانی و اکثر کشورهای منطقه به خوبی دریافته اند که امروز نجات صدام از این بن بست و منجلابی که خود آنان برای او به وجود آورده اند امری ناممکن است؛ و علی رغم آنهمه تسلیحات مدرن و کمکهای نظامی و اقتصادی و تبلیغاتی، هر روز که از عمر این شجرهٔ خبیثه می‌گذرد بی‌ثباتی آن آشکارتر می‌گردد. و شاید کم و بیش دریافته‌اند که مقاومت بیش از این در مقابل عواطف و احساسات پاک مردم ایران و حمایت از صدام نه تنها برای آنان سودی نخواهد داشت، که زمینه‌های تزلزل و

بی‌ثباتی آنان را در میان ملتهای خود فراهم خواهد ساخت. و نیز در طول این چند سال جنگ تحمیلی، برای آنان و حتی سازمانهایی که تا دیروز به حمایت از صدام برخاسته بودند به خوبی آشکار گردیده است که تنها کسی که در این جنگ عامل آنهمه تجاوزها و شرارتها، کشتارها، و ناامن کردن دریاها، و حمله به هواپیماهای غیرنظامی، و استفاده از بمبهای شیمیایی و نقض حقوق و قوانین بین‌المللی است، شخص صدام و «حزب بعث» عراق است. و همهٔ آنان می‌دانند که اگر اسرائیل نقشهٔ تسخیر از نیل تا فرات را دنبال می‌کند، صدام هم در تهاجم خود به این کشور اسلامی، نقشهٔ سیادت خود بر اعراب و منطقه و ژاندارمی خلیج فارس را تعقیب می‌نمود. هرچند که بسیاری جرأت ابراز صریح این واقعیت را ندارند. ما همهٔ این موفقیتها را در صحنه‌های سیاسی و نظامی رهین همت مردم و استقامت رزمندگان می‌دانیم. و بار دیگر به کشورهای منطقه اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی، علی رغم اقتدار روزافزون خود در صحنه‌های سیاسی و نظامی و علی رغم پشتیبانی توده‌های میلیونی مردم که هر روز شاهد رژهٔ با شکوه دهها لشکر از نیروهای آموزش دیدهٔ آن هستیم، هیچ‌گاه درصدد توسعه و کشورگشایی نبوده ایم و همواره درصدد آنیم که با کشورهای اسلامی و [منطقه] در صلح و آرامش روابط دوستانه داشته باشیم. و اعراب و کشورهای اسلامی، و خصوصاً کشورهای خلیج فارس، باید بدانند که هیچ‌گاه با وجود رژیم فاسد و جنگ افروزی چون صدام، منطقه روی آرامش را نخواهد دید. و تا این غدهٔ چرکین در کالبد کشور اسلامی عراق باقی است، منطقه نیز در تب و تاب ناامنی و حوادث خواهد سوخت.

نکتهٔ دیگری که باید به ملت عزیز و مسئولین محترم و رزمندگان سلحشورمان تذکر دهم این است که با وجود اینکه در تمامی جبهه‌های نبرد پیروزی و برتری با شماست و خواب راحت از چشم عفلقیان گرفته شده، ولی این پایان راه دفاع مقدس از کشور اسلامی و دفع تجاوز نیست. مسئولین و فرماندهان ارتش و سپاه و بسیج با

استفاده از امکانات مادی و معنوی خود، با تزلزل سخت و عمیق حاکم بر پیکر پوسیدهٔ عراق، در جبهه‌های جنگ، خصوصاً در نبرد قهرمانانهٔ «فاو»، به نبرد بی امان خود و مقاومت تا سقوط صدامیان ادامه دهند؛ و با وحدت و انسجام کامل در صفوفی به هم پیوسته امان را از آنان سلب نمایند؛ و خدای ناکرده غرور از پیروزیها باعث سستی در تکلیف یا بی دقتی در برنامه‌ها نگردد. و من با کمال تواضع، از این مدافعان پیروز می‌خواهم که هیچ‌گاه از نصرت حق و توکل بر خدای بزرگ غافل نباشید ﴿و ما النصرُ الاّ مِن عندالله العزیز الحکیم﴾.[1] و ملت عزیز ایران هم ،که در تمامی صحنه‌ها خود را ملزم به ادای تکلیف الهی و دفاع از دستاوردهای آن می‌دانند، باید متوجه باشند که امروز پر کردن جبهه‌های نبرد از نیروهای آموزش دیده و آمادگی دفاع از اسلام و ایران برای همهٔ قشرها از اهمّ واجبات الهی است، که هیچ چیز دیگر مانع از انجام آن نمی‌شود. که بحمدالله مردم به این وظیفهٔ شرعی و مقدس خود به خوبی عمل کرده و می‌کنند. و دنیا هم اکنون شاهد امواج خروشان این انسانهای متعهد و آگاه، از روحانی گرفته تا دانشگاهیان و دانش آموزان، و از کارگران و کشاورزان گرفته تا بازاریان و کارمندان، همه و همه می‌باشد.

اینجانب از مسئولین امر، خصوصاً اعضای محترم این سمینار که بر آن شده‌اند تا با برنامه ریزی کامل از این امکانات عظیم مردمی بهره برداری کنند، تشکر می‌کنم. و از ملت عزیز می‌خواهم که جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها را گرم نگه دارند، تا با لطف و عنایت خداوند متعال و دعای خیر حضرت ولی امر ـ ارواحنا فداه ـ شاهد موفقیت بیشتر در انجام فریضهٔ دفاع الهی باشیم.

خداوندا، ملت عزیز ما را به شرف استقامت، پیروزی ظاهر و باطن نایل فرما؛ و به ارتشیان، سپاهیان، بسیجیان و راهیان کربلا و جهادگران و امدادگران، این

---

۱. بخشی از آیه ۱۲٦ سوره آل عمران: «و پیروزی جز از نزد پروردگار عزیز حکیم نیست».

رزمندگان خالص و عارف ما، در مصاف با دشمنان خود موفقیت و نصرت کرامت، و به آنان عزمی راسخ و قامتی استوار عنایت فرما؛ و به خانواده‌های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین صبر و اجر لطف فرما؛ اسرا و مفقودین را به اوطان خود بازگردان؛ و به جانبازان انقلاب شفا عنایت کن؛ و شهدای گرانقدر ما را با اجر وافر خود در کنار شهدای صدر اسلام محشور فرما؛ و سلام و صلوات خود را بر صاحب امر و وارث ارض، حضرت بقیة الله الاعظم ـ روحی فداه ـ نثار فرما. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۲۷اسفند ۱۳۶۶/ ۲۸رجب ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: تقدیر از دلاوریهای رزمندگان اسلام
مخاطب: رضایی، محسن (فرمانده سپاه پاسداران)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای محسن رضایی، فرمانده محترم کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

از عنایات خداوند بزرگ و توجه رسول معظم او به این ملت مقاوم و ایثارگر و رزمندگان سلحشور اسلام در پیروزی بزرگ و برق‌آسای «والفجر ۱۰» سپاسگزارم. به یقین این هدیهٔ الهی، از ختم این سال پر حادثه، تحقق وعدهٔ ﴿إن تنصروا الله ینصرکم و یُثبت أقدامکم﴾،[2] از ثمرهٔ مقاومت بی نظیر این ملت بزرگ در برابر حملات بزدلانهٔ عفلقیان[3] در بمباران شهرهاست. اخبار پیروزیها و حماسه‌های دلاوران

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱ تا ۳٤.

۲. بخشی از آیه ۷ سوره محمد «ص»: «ای اهل ایمان، اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را «همه جا» یاری می‌کند و ثابت قدم می‌گرداند».

۳. ارتش رژیم بعث عراق.

اسلام نه تنها دل ملت ما، که قلب همهٔ مستضعفان و محرومان را شادمان نمود؛ و صدام و عفلقیان و حامیان و اربابان او، خصوصاً امریکا و اسرائیل را عزادار کرد. سلام خالصانهٔ مرا به همهٔ فرماندهان عزیز و شجاع و رزمندگان ظفرمند پیروز سپاه و بسیج و ارتش و هوانیروز و نیروی هوایی و جهادگران دلاور و گمنام و امدادگران و کلیهٔ نیروهای مردمی و کُرد ابلاغ کنید. و سلام و تشکر ملت ایران را به مردم شهرهای آزاد شدهٔ عراقی، که بدون اینکه حتی یک گلوله هم به طرف آنان و شهرهای آنان شلیک شود، با آغوش باز و فریاد «الله اکبر» از رزمندگان ما استقبال نمودند، برسانید؛ و به آنها بگویید که می‌بینید صدام چگونه دیوانه وار شما و شهرهایتان را بمباران خوشه ای و شیمیایی می‌کند. و خواهیم دید که جهانخواران چگونه در تبلیغات مسموم خود از کنار این پیروزیهای بزرگ و جنایات صدامیان خواهند گذشت.

اینجانب با تشکر مجدد از ملت مقاوم ایران و رزمندگان عزیز، از جوانان غیرتمند کشور سرافراز اسلامی ایران می‌خواهم که به جبهه‌ها عزیمت کنند؛ و با تداوم عملیات خود، مجال تجدید سازمان و تنفس عفلقیان شکست خورده و مستأصل را بگیرند. دست قدرت و نصرت بی انتهای خداوند یار و ناصرتان باد.

به تاریخ ۶۶/۱۲/۲۷

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۵۰۱ تا ۵۰۲.

◘ پیام

زمان: ۱۳ تیر ۱۹/۱۳۶۷ ذی‌القعده ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تسلیت شهادت دهها هموطن در جریان سقوط هواپیمای مسافربری توسط امریکا

مخاطب: منتظری، حسینعلی

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آیت الله آقای منتظری دامت افاضاته

پیام جنابعالی تسکینی بود بر آلام تمامی کسانی که از شیطان بزرگ، امریکای حیله گر ضربه خورده اند. مردم آزادهٔ جهان همیشه از ابرقدرتها خصوصاً امریکای جنایتکار صدمه دیده‌اند و تا عزم خود را برای رویارویی با کفر و شرک جهانی و امریکای سلطه گر جزم ننمایند، هر روز شاهد جنایتی تازه خواهند بود.

مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز، روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقهٔ تمامی پابرهنگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیهٔ سلاحهایی می‌نمایند که برای همیشه حاکم دنیای گرسنگان باشند.

جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرتهای شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابریهای دنیای سرمایه داری و کمونیزم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانیهای مرفهین و حاکمان بی درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزشهای اعتقادی انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست ، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمیهاست.

رزمندگان ما در دنیای پاکِ اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهانخواران را آرام نخواهند گذاشت و ضربه‌های خود را بر همهٔ کاخ نشینان وارد می‌کنند.

جنابعالی که یکی از ذخایر این انقلاب می‌باشید، با پشتیبانی از آقای هاشمی[1] وقت خود را مصروف در ساختن دنیا [یی] از کرامت و بزرگواری نمایید. و مردم شریف ایران نیز بداند که این روزها دستهای ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است، باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده ، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم.

مسئولین نظام باید تمامی همّ خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم. باید همه برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذنابش به سوی جبهه رو کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است، غفلت از مسائل جنگ، خیانت به رسول الله ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ است. اینجانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد، تقدیم می‌نمایم.

انفجار هواپیمای مسافربری،[2] زنگ خطری است برای تمامی مسافرتهای

---

۱. آقای اکبر هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی و جانشین فرمانده کل قوا در امور جنگ.

۲. یک فروند هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران صبح روز دوشنبه ۱۳۶۷/٤/۱۲ ه. ش. که از بندرعباس عازم دوبی بود توسط دو فروند موشک شلیک شده از سوی ناوهای جنگی امریکایی مستقر در خلیج فارس که در راستای حمایت از صدام در جنگ با ایران صورت می‌گرفت سرنگون شد و ۲۹۰ تن از مسافران آن به شهادت رسیدند. چند سال بعد از ارتحال امام خمینی، با پیگیری شکایت از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران؛ دادگاه لاهه، امریکا را محکوم و ملزم به پرداخت غرامت نمود.

هوایی. باید با تمام وجود تلاش کنیم تا چنین صحنه‌های دردناکی پیش نیاید.

اینجانب به تمامی بستگان این فاجعه تسلیت عرض نموده و خود را در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان شریک می‌دانم. من به جنابعالی و تمام کسانی که برای رسیدن به هدف مقدس پیروزی اسلام تلاش می‌نمایید، دعا می‌کنم.

والسلام علیکم و رحمة الله. ۶۷/۴/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ٦٨ تا ٧٠.

هـ ـ قبول قطعنامه ۵۹۸ و ترسیم خطوط مبارزه[1]

▣ پیام

زمان: ۲۹ تیر ۱۳۶۷ / ۵ ذی‌الحجه ۱۴۰۸ — مکان: تهران، جماران
موضوع: سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸ — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

لقد صدق الله رسوله الرُّءیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله آمنین.

علی رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی رحمانه حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

---

۱. این پیام به مناسبت سالگرد کشتار خونین مکّه در جلد ۱ نیز ذکر گردیده است.

انتقام از مخالفان لبیک به آمریکا

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم علیه السلام که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذناب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی‌پناه ماکشته‌ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم علیه السلام از بت شکنی برمی گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: ﴿و أذّن فی الناس بالحج یاتوک رجالاً﴾[1] پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیرورت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زرخرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز

---

۱. بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: «و مردم را به انجام مناسک حج ندا ده تا پیاده و سواره از دورترین نقاط به سوی تو گرد آیند».

خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد ـ صلی الله علیه وآله و سلم ـ بگویند که از مبارزه خسته نشده‌اند و به خوبی می‌دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته‌اند؛ و با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هبل در کعبه اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می‌دانند که امروز حرم، حرم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابیشان مناسک ابراهیمْ را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می‌رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لبیک، اللهم لبیک» معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی»ها[1] و مفتی زادگان این نوادگان «بلعم باعورا»ها،[2] به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالأخره در تاریخ اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه علیهم لعنة الله ـ برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی عبدالله الحسین ـ علیه السلام ـ و یاوران با وفای او، پنهان شده بود مجدداً از لباس همان میراث خواران بنی سفیان به درآید و گلوی پاک و مطهر یاوران حسین علیه السلام را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم، پاره کند؛ و همان اتهاماتی راکه یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را «خارجی» و «ملحد» و «مشرک» و «مهدور الدم» معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند؛ که ان شاءالله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان

---

۱. فتوا دهندگان.

۲. از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولتها و حکومتهایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و همچنین توجیه ﴿صدعن سبیل الله﴾[1] و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و آخوندهای درباری و «مفتی»های خودفروخته ـ لعنة الله علیهم ـ در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایشها و سخنرانیها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درک فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و مسلم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی ثمر باقی مانده است.

حج بی برائت، حج نیست

یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته

---

۱. بخشی از آیه ۲۱۷ سوره بقره: «باز داشتن مردم از راه خدا».

جمعی و یک سفر زیارتی سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد وبا چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومتهای وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. و مناسک حج مناسک زندگی است. و از آنجاکه جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی‌شود تا به خیل امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاستهای اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه ای که‌آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در

دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیونها مسلمان هر سال به مکه می روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل وهاجر می‌گذارند، ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسند ابراهیم و محمد ـ علیهم السلام ـ که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلم حج بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست. خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

کشتار زائران، توطئه‌ای برای جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را یک مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده؛ و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می‌پرورانند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهانخواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملتها در مسیرکسب قدرت سیاسی مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند؛ و یا

بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل ومدرک این کاررا حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد؛ و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می‌شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست نشاندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته اند؛ و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند!

واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمولها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظامهای دست‌نشاندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. و منافع جهانخواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. و از

آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبتهایی را که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره‌ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می‌کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متنفرند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند.

حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است. و اینجاست که با اطمینان می‌گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و ان شاءالله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه خدا توطئه ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

مراکز وهابیّت در جهان، کانون‌های فتنه و جاسوسی

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست‌نشانده به خاک مذلت نشسته اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها

عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملّاهای کثیف درباری، اسلام مقدس‌نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرهنه‌ها، و دریک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، امریکای جهانخوار، می‌گذارند.

دریغ از یک جو غیرت و حمیّت اسلامی و عربی

مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم الحرمین» به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم ! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیستها گرم و صمیمی‌شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی‌شدند.

دزدیدن کعبه و بردن آن به قم!!

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و اینهمه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحه بر آنهمه فجایع صهیونیستها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می‌کنند که زائران ایرانی برای

اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواهند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آنها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می‌کنند.

خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه‌داری و کمونیزم در جهان

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما درصدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. ان شاءالله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

پایان دوران بن بست و ناامیدی و تنفس در منطقهٔ کفر

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب

اسلامی ما برای همه جهانخواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند؛ و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند؛ که دوران بن بست و نا امیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملتها رخ نموده است. و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گلهای محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده اند به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم؛ و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده‌ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

برائت از مشرکین بر پایه خون هزاران هزار شهید

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینة الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم. و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم. و

منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

عواقب برقرار نشدن تعادل قوا به نفع مسلمانان

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی رغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه‌ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایتبار امریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت ؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که ان شاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهایی بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

آثار راهپیمایی برائت از مشرکین

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می‌شود. و چه بسا افراد ساده دلی تصور می‌کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیماییهایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می‌شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیماییها هیچ گونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می‌شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.

حماسهٔ مردم فلسطین، تحقق شعار برائت

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشاء تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده

تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می‌کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است ؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا، شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فروریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب درّیهٔ فلسطین از شجرهٔ مبارکهٔ «لاشرقیة ولاغربیة» ما برافروخت. و امروز به همان گونه که فعالیتهای وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما باکفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه‌های بالقوه انقلاب خود تلقی می‌کنیم و هم آنهایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می‌کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می‌گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ

پابرهنه‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می‌بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می‌کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ و قلبها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شراره کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است.

تحمل گرسنگی و تشنگی آری تحمل شکست انقلاب هرگز

البته همه می‌دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می‌کنند مسئله حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده‌اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر

شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حیله مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است ؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزنند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نگوید.

دفاع از حقوق فقرا تا آخرین قطرهٔ خون

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب درهاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند.و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.

امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاهها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی دین معرفی می‌کنند. باید از شر اینها به خدا پناه بریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

محدود نبودن جنگ عقیده به مرز و جغرافیا

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان شاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختیهای جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات امریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده اند. و ان شاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که

تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام!

تا شرک و کفر هست مبارزه هست

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی‌گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

امروز، روز هدایت نسلهای آینده

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها

فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است. و دیروز خدا آنگونه خواسته بود. و فردا ان شاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیرخدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمینگاههای سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تاکنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملتها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صدا زنیم که ای خواب رفتگان ! ای غفلت زدگان ! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست ! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست ! امریکا و شوروی در کمین نشسته اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول‌الله ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ داشت؟

صف آرایی ملت در برابر بزرگترین نمایش قدرت آمریکا و اروپا

امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش

قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود. و اینجانب به نظامهای امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولتها و حکومتهای منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گویم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که امریکا می‌آفریند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی نزده ایم. ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

عدول از همهٔ هویّت‌ها و ارزش‌های الهی، مرز دشمنان

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تاکی و تاکجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند

بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی شان افتاده است !که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملتهای جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غربیها و شرقیها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین ـ علیهم السلام ـ را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابر قدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارابهٔ سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت الحمایگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند.

سیاست کنترل سلاح‌های مخرب، فریبی برای مهار جهان سوم

کنترل و حذف سلاحهای مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملتهاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران امریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و

در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه‌ها و محرومین در جهان مالکیتهای بی حد و مرز سرمایه داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی‌باشند.

جمهوری اسلامی ایران، پناهگاه همیشگی مسلمانان آزاده جهان

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می‌کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد.

مرگ و شهادت برایم گواراتر بود

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و

مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

خون شهیدان انقلاب و اسلام را بیمه کرده است

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و درگذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می‌داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین

تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت ! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهرآلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی‌تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند!

نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و

مسئولین عرض می‌کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوته نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند.

باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیّت باشد

اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیه دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما،که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکلهای مختلف را جدیتر بدانند. و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریتهای خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر

گذاردیم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جد از همه گویندگان و دست‌اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه آفرینیها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

تبلیغات و فتنه‌گری ملی‌گراهای بی‌فرهنگ پس از قبول قطعنامه

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملیگراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.

اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام

من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته ای که تذکر آن لازم

است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایـران بـه اتکـای خـود تصمیم گرفته اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شـما عشـق مـی‌ورزم؛ و شـما را مـی‌شناسم؛ شـما هـم مـرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته ام با خدا معامله کرده ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش باکفر را نداریم.

خداوندا، تو می‌دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گلهای باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة الله ـ ارواحنا لتراب مقدمه الفداء ـ و رسیدن به خودت جبران فرما.

لزوم حفظ بُغض و کینهٔ انقلابی

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سـخت مـی‌گذرد؛ ولی مگـر بـه پـدر پـیر شـما سـخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که شهادت شیرینتر از عسل در پیش شـماست؛ مگـر بـرای ایـن خادمتان اینگونه نیست ؟ ولی تحمل کنید کـه خـدا بـا صـابران است. بـغض و کـینه انقلابی‌تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که

پیروزی از آن شماست. و تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان شاءالله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

آمادگی برای مبارزه بزرگ علمی و عملی

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گلهای معطر و نوشکفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

پرهیز از بت تراشی!

و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبادا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرتها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما راکه تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت بتراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ماکجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه ورسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفتها داشته باشیم. ان شاءالله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتها و حقیقتهاست. و اما مبارزه

عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

بی‌نیاز نبودن جوانان از روحانیّت متعهد

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند؛ زندانها رفته اند و اسارتها و تبعیدها دیده اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعنها و تهمتها بوده‌اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، درکنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت‌آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی ـ علیهم السلام ـ و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند.

مقصود از روحانیت، علمای پاک و متعهد و مبارز

و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبتها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین‌فروش زده‌اند و می‌زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگها متنفر و گریزان بوده‌اند.

هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم

من به صراحت می‌گویم ملّی‌گراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیهات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادتهای خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزا گیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر بندبند

استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشمان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.

لزوم شنیدن حرف‌های جوانان با آغوش باز

علما و روحانیون ان شاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خودآشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرفهای آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الاّ داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیراین صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و

فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.

هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیتهای روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند.

لزوم عدم عدول روحانیت از حمایت از محرومین

در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرصد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پابرهنه‌هاست؛ چراکه هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم.

در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت

ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم. و از محضر مقدس بـقية الله ـ ارواحـنا فداه عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداونـد متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید؛ و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می‌خواهیم آنـچه را مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انک قریب مجیب.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. پـــنجم ذی حـــجه ۱۴۰۸ / ۶۷/۴/۲۹

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷٤ تا ۱۰۰.

و ـ تجلیل از حماسه سازان دفاع مقدس

◘ پیام

زمان: ۲۶ شهریور ۱۳۶۷ / ۵ صفر ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از رشادتهای سپاه پاسداران و بیان رسالت فرماندهان سپاه در زمان صلح
مخاطب: فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

فرزندان عزیزم، فرماندهان و مسئولین محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پایان قریب هشت سال دفاع مقدسی که منتهی به استقلال و تمامیت ارضی کشور و شکست طرحهای توسعه طلبانهٔ دشمنان انقلاب اسلامی مان گردید، نمی‌دانم با چه بیانی احساسات و علاقهٔ خویش را به شما سربازان گمنام و سرداران دلاوری که توفان خشم این امت حزب الله از سینهٔ صحنهٔ کارزار شما جوشیده است بیان نمایم. در نزد موحدین و سالکان طریقت سخن از اجر و پاداش دنیایی، اسائهٔ ادب به منزلت و مقام آنان است؛ و دنیا با همه زرق و برقها و اعتباراتش به مراتب کوچکتر از آن است که بخواهد پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل الله گردد. و مجاهد فی سبیل الله بزرگتر از آن است که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زخارف دنیا محک بزند. اما من که وظیفه‌ام دعاگویی و سپاس و تشکر از همهٔ سپاهیان و بسیجیان و ارتشیان است، باید به همهٔ نیروهای مسلح کشور و به شما اطمینان بدهم که تا من زنده هستم و تا رَمَق در جسم و جان دارم از حمایت و دعای خیر برای شما دریغ نخواهم کرد؛ و شما را از بهترین عزیزان و همراهان خود می‌دانم؛ و همان گونه که در ایام جنگ در کنار شما

بوده‌ام، و شاید یکایک شما محبت و ارادتم را به خود احساس کرده‌اید، بعد از این نیز چنین خواهم بود. شما آیینهٔ مجسم مظلومیتها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنهٔ نبرد و تاریخ مصور انقلابید. شما فرزندان دفاع مقدس و پرچمداران عزت مسلمین و سپر حوادث این کشورید. شما یادگاران و همسنگران و فرماندهان و مسئولان بیداردلانی بوده‌اید که امروز در قرارگاه محضر حق مأوا گزیده‌اند. و از آنجا که من بین خودم و شما فاصله‌ای نمی‌بینم و سخن دل شما و همهٔ عاشقان انقلاب اسلامی را پیش از اینکه به کاغذ و قلم کشیده شود درک می‌نمایم، تصور می‌کنم که شما به خاطر آن غرور مقدس و آن روح پرحماسه‌ای که سالها در میدانهای نبرد و در هنگامهٔ آتش و خون و از دل صخره‌های صعب مشکلات در فضای سرد و گرم حوادث آبدیده شده است و همهٔ ذرات وجودتان با شجاعت و بیقراری عجین گردیده، از سکون و آرامش رنج ببرید و دلتان در همان حال و هوای خیمهٔ جنگ بتپد، و چه بسا از خود بپرسید که در شرایط صلح چه نیازی به وجود ما است که این هم از برکات معنویت و تحول در کشور ما است که پس از هشت سال دفاع مقدس خود احساس خستگی نمی‌کنید. ولی من به طور جِد و أکید می‌گویم که انقلاب و جمهوری اسلامی و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که بحق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی نظام ما بوده و خواهد بود، به وجود یکایک شما نیازمند است، چه صلح باشد و چه جنگ. من باز تأکید می‌کنم که ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چهارچوب قطعنامه شورای امنیت جدی هستیم، و هرگز پیشقدم در تضعیف آن نخواهیم بود؛ ولی آثار کارشکنی را در سیاست و رفتار نظامی عراق مشاهده می‌کنیم، که بعید به نظر نمی‌رسد که دست بعضی از قدرتها و ابرقدرتها در این قضایا پنهان باشد و چه بسا صدامیان بخواهند بخت سیاه و تیره گون خود را مجدداً آزمایش کنند.

در هر حال، ما باید آماده و مهیا باشیم. روزهای حساس و تعیین کننده ای در پیش داریم؛ و انقلاب اسلامی هنوز سالها و ماههای تعیین کنندهٔ دیگر در پیش خواهد داشت؛ که واجب است پیش کسوتان جهاد و شهادت در همهٔ صحنه‌ها حاضر و آماده

باشند، و از کید و مکر جهانخواران و امریکا و شوروی غافل نمانند؛ و حتی در شرایط بازسازی نیروهای مسلح، باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیهٔ آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد، چرا که در هنگامهٔ نبرد مجال پرداختن به همهٔ جهات قوتها و ضعفها و طرحها و برنامه‌ها، و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه، نبوده است. ولی در شرایط عادی باید با سعهٔ صدر و به دور از حب و بغضها به این مسائل پرداخت؛ و از همه اندوخته‌ها و تجربه‌ها و استعدادها و طرحها استفاده نمود؛ و در جذب هرچه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب همت گماشت، و تجارب را به دیگران منتقل ساخت؛ و در تجهیز کلیهٔ آحاد و افراد این کشور، بر اساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبه، و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیونی، کوشش نمود. و در کنار این مسئولیت بزرگ و پیروی از خطوط کلی سیاست نظامی کشور، باید همان محافل انس و نورانیت و برادری و وحدتی که در میدانهای نبرد و در جبهه بوده است و همان ارتباط معنوی که میان شما و روحانیون عزیز برقرار بوده به مجامع داخلی و به همهٔ محیطهای سیاسی و اجتماعی و نظامی کشانده شود، تا انقلاب اسلامی ما از خطر آفتها و تفرقه‌ها و بی تفاوتیها محافظت گردد. و مبادا که این سرمایه‌های عظیمی که محصول سالها تجربه و تلاش در عُسرتها و فراز و نشیبها بوده است، در مسیر زندگی روزمره به فراموشی سپرده شود.

من به شما دعا می‌کنم و عزت و سعادت دنیا و آخرتتان را از پیشگاه مقدس حق مسئلت دارم. ان‌شاءالله در لوای عنایت پروردگار و در ظل توجه حضرت بقیة الله أرواحنا فداه ـ پایدار و سرفراز باشید. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۳ تا ۱۳۵.

◙ پیام

زمان: ۲آذر ۱۳۶۷/ ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: نقش و منزلت بسیج
مناسبت: هفته بسیج مخاطب: ملت ایران و بسیجیان سلحشور

بسم الله الرحمن الرحیم

تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلیهٔ خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد.

در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروههای فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت طلبی، کشور و انقلاب اسلامی را بیمه کردند. ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود! بسیج شجرهٔ طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه‌های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می‌دهد. بسیج مدرسهٔ عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته‌های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده‌اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشهٔ پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همهٔ مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند.

من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چراکه در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام. من مجدداً به همهٔ ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می‌کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران خصوصاً امریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند؛ لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی

صلی الله علیه و آله و سلم ـ موج می‌زند. باید برای شکستن امواج طوفانها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفتها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله ـ و مخالف با استکبار و پول پرستی و تحجرگرایی و مقدس نمایی است، باید همهٔ افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامهٔ خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.

خلاصهٔ کلام، اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الّا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروریترین تشکلها، بسیج دانشجو و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهدهٔ این دو پایگاه علمی است. حوزهٔ علمیه و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاریهای شماست و مسئولین تنها با پشتوانهٔ شماست که می‌توانند به تمامی تشنگان حقیقت و

صداقت اثبات کنند که بدون امریکا و شوروی می‌شود به زندگی مسالمت آمیز توأم با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه‌ها موجب می‌شود که ریشهٔ ضد انقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد.

من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می‌بوسم و می‌دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت. من از تمامی بسیجیان خصوصاً از فرماندهان عزیز آن تشکر می‌کنم و از دعای خیر برای این فرزندان با وفای اسلام غفلت نخواهم نمود. خداوند شهدای عزیز و گمنام بسیج را به نعمت همجواری اهل بیت علیهم السلام متنعم و جانبازان عزیز را شفا و اسرا و مفقودین عزیز را سالماً به اوطانشان بازگرداند و هر روز بر عظمت و شوکت این نهاد مقدس و مردمی که پیروان اسلام عزیز و حضرت بقیة الله الاعظم ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ هستند بیفزاید. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۷/۹/۲

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ / ۱۰ رمضان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر و تجلیل از نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران

مناسبت: روز ارتش (۲۹ فروردین) مخاطب: ملت ایران نیروهای مسلح

بسم الله الرحمن الرحیم

بیست و نهم فروردین سالروز ارتش قهرمان و دلاور جمهوری اسلامی ایران بر ملت رشید ایران و بر همهٔ ارتشیان و نیروهای مسلح کشور مبارک باد.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۹٤ تا ۱۹٦.

افتخار و آفرین بر ارتشی که در اوج تصمیم جاودانهٔ خود حصار تعبد طاغوت را شکست و «برج و باروی» رژیم سلطنت و حکومت ۲۵۰۰ سالهٔ شاهنشاهی را به آتش کشید و خود را از قیود حاکمیت ستمگران و مستشاران امریکایی که با هزاران آمال و آرزو برای منافعشان از ایران جزیرهٔ ثبات ساخته بودند، رهایی بخشید. گرچه سران وابسته و خود فروختهٔ ارتش تا آخرین لحظهٔ حیات ننگین حکومت پهلوی تلاش فراوانی برای نجات تخت و تاج سلطنت نمودند، ولی تصمیم شجاعانهٔ پرسنل شریف ارتش اعم از افسران و درجه داران و سربازان آنچنان کوبنده و قاطع بود که مجال تفکر و تصمیم را از دشمنان خدا و خلق گرفت و پیوستن ارتش خصوصاً نیروی هوایی به صفوف الهی ملت، لحظهٔ شادی بندگان خدا و یأس و ناامیدی ستمگران گردید که آن روزها و ساعات شیرین و پرخاطرهٔ عشق ارتش به اسلام و میهن اسلامی، هرگز از یاد ملت ایران نمی‌رود و حقاً نیروی هوایی سهم بیشتری ادا کرده است. پیوستن ارتش به مردم معرف ارزش واقعی ارتش و موجب کینه توزی جهانخواران گردید.

در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایادی شرق و غرب و آنهاکه صداقت و امانت و دینداری و میهن داری ارتشیان را در حماسهٔ پیروزی درک نکرده بودند، کمر به نابودی ارتش بستند و با شعارهای به ظاهر انقلابی و فریبنده مصمم به انحلال آن و غارت سلاحها و نابودی امکانات دفاعی کشور شدند و چه بسا ساده لوحان نیز تحت تأثیر القائات آنان راه این هدف شوم را هموار نمودند که خداوند متعال کشور و انقلاب اسلامی ما را از توطئه شوم آنان رهایی بخشید و ارتش سرافراز ایران اسلامی همچون برق و صاعقه بر سر توطئه گران که در گوشه و کنار مرزها خواب تجزیهٔ ایران را در سر پرورانده بودند فرود آمد و کردستان و گنبد و ترکمن صحرا گورستان کوردلان گردید که همهٔ اینها از افتخارات تاریخی و فراموش ناشدنی ارتش قهرمان است.

و اما مهمتر از همهٔ اینها حماسهٔ هشت سال دفاع مقدس و مظلومانهٔ ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی و مردمی است که در حقیقت در برابر همهٔ جهانخواران ایستادند و متجاوزینی که به خود وعدهٔ فتح سه روزهٔ خوزستان و سقوط تهران را داده بودند به باتلاق مرگ و هلاکت فرستاد. واقعاً ارتش و نیروهای سپاهی و بسیجیها مظلومانه و باکمترین امکانات جنگیدند و برگهای زرین افتخار و کرامت و شرافت و شهادت را به اسلام عزیز هدیه نمودند. شجاعتها و رشادتهای بی نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دلاور در نفوذ به اعماق خاک دشمن و رویارویی با مدرنترین امکانات اهدایی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم هوایی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است. مهیا نگه داشتن و تعمیر و بازسازی ادوات و ابزار پیچیدهٔ هواپیماها و رادارها و سلاحهای ضدهوایی و موشکها و پدافند از کشور دلیل مهارت و تخصص و ارزشهای علمی والای این عزیزان است که خداوند بر توان و ایمان آنان بیفزاید.

نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانهٔ دشمنان بوده است، بحق چهرهٔ راستین و شکست ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای گستردهٔ کشورمان را نشان داد. حضور و آمادگی دفاعی در مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب با آنهمه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقتفرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره‌ها کار آسانی نبوده است که علاوه بر آن ارتش با هماهنگی سپاه و بسیج در اکثر صحنه‌های رزم و پیکار توانست پشت سپاهیان کفر را درهم بشکند و سرزمینهای مقدس و اشغال شدهٔ میهن عزیزمان را از چنگال متجاوزان خارج نماید و در عملیاتهای بزرگی همچون شکستن حصرآبادان و فتح المبین و بیت‌المقدس و دهها عملیات افتخارآفرین دیگر دوشادوش و همگام عزیزان سپاه و بسیج به فتوحات و افتخارات بزرگی نایل شود و هم اکنون نیز باکمال قدرت و صلابت از مرزها پاسداری و حراست نماید و در برابر

خطرات احتمالی در آمادگی کامل باشد.

نیروی دریایی نیز همچون سایر نیروها بحمدالله در آبهای خلیج فارس و مرزهای آبی کشور در عرصهٔ دفاع مقدس از کشور اسلامی مان چون نگینی درخشنده است و بر عرشهٔ کشتیِ افتخار و صلابت خود استوار ایستاده است. رویارویی آنان با نیروی دریایی دشمن و آنهمه افتخارات رزم و رشادت و شهادت و نیز کنترل و بازرسی کشتیهای در خلیج فارس و تنگهٔ هرمز و مهمتر از همه نبرد قهرمانانهٔ آنان در برابر امریکای متجاوز و حضور جدی آنان در آبهای بین‌المللی نشانهٔ اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است و ملت ایران باید به چنین ارتش مؤمن و وفاداری افتخار کند و نیروهای مسلح و ارتش بزرگ ایران باید بدانند که همهٔ این افتخارات به برکت ایمان به خدا و دفاع از کشور امام زمان ارواحنا فداه و در سایهٔ وحدت و انسجام و همدلی و برادری با یکدیگر و پشتیبانی مردم به دست آمده است و برای رسیدن به قلهٔ این عزت و شوکت اسلامی، سرمایه‌های فراوان و شهدای گرانقدری تقدیم راه خدا گردیده است و باید تا آخر همین رویّه و سیاست؛ یعنی ایمان، وحدت و نظم، حفظ و تقویت گردد و نیروهای مسلح کشور اعم از سپاه و ارتش در کنار یکدیگر به سازندگی و رشد و تقویت بنیه‌های دفاعی اسلام و کشور همت بگمارند.

من تا آخر پشتیبان ارتش و سپاه و بسیج خواهم بود و تضعیف آنان را حرام می‌دانم. من به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالابردن آموزشهای عقیدتی و نظامی و توسعهٔ تخصصهای لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور را برای دفاع از ارزشهای اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبادا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع

تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.

ارتش و سایر نیروهای مسلح در دوران بازسازی باید به اصل بازسازی معنوی و اعتقادی نیز توجه کافی داشته باشند، چراکه همه در میدان نبرد و کارزار آموخته و تجربه کرده‌اند که معنویت و ایمان چقدر در پیروزیها و موفقیتها و بالا بردن توان و استقامت نیروها مؤثر است.

من با تشکر از زحمات روحانیون عزیز و مسئولین عقیدتی سیاسی ارتش بخصوص نمایندهٔ خود جناب حجت الاسلام آقای صفایی که از چهره‌های مؤمن و خوب و صدیق این انقلاب است، تأکید می‌کنم که به مسئلهٔ آموزشهای عقیدتی و اخلاقی بیشتر توجه شود.

دوران خدمت نظامی برای جوانان کشور بهترین فرصت و مناسبتی است که نظام و ارتش و مسئولین عقیدتی سیاسی می‌توانند از آن استفاده کنند و جوانان عزیز و غیور را با بهترین روشهای دفاعی اعم از تجربی و علمی یا اعتقادی بارور سازند که برای همیشه و تا آخر عمر، سرباز و مدافع اسلام و میهن اسلامی باشند.

در خاتمه ضمن تشکر از همهٔ نیروهای مسلح خصوصاً نیروهای عزیز و مؤمن و فداکار ارتش، افسران، سربازان، درجه داران و کادرهای مختلف ستادی و غیرستادی و فرماندهان عزیز، نمایندگان خود در ارتش و دفاتر مشاورت و همچنین وزارت دفاع و کلیهٔ سازمانها و مراکز تابعه ارتش، از پیشگاه مقدس پروردگار می‌خواهم که هر روز بر قدرت و شوکت و صلابت این مدافعان راستین میهن اسلامی بیفزاید و شهدای گرانقدر آنان راکه همهٔ ما در زیر سایهٔ برکات آنان به نعمت امنیت و آزادی و استقلال رسیده‌ایم، با شهدای بزرگوار اسلام محشور فرماید و به جانبازان عزیزشان شفاکرامت نماید و مفقودین و اسرای بزرگوارشان را به اوطان خود برگرداند و به خانواده‌های معظم شهدا صبر و أجر مرحمت فرماید.

در خاتمه توصیهٔ مؤکد می‌کنم به همه ملت بزرگ ایران بویژه دست‌اندرکاران

در نظام مبارک جمهوری اسلامی و کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و اسلام عزیز دلبستگی دارند که آنچه در این سالهای طولانی انقلاب پیش آمد از پیروزیهای معجزه‌آسا در مقابل همهٔ قدرتها و ابرقدرتها و صاحبان رسانه‌های گروهی جهان که کمر همت به محو جمهوری اسلامی و در حقیقت اسلام بزرگ بسته اند و بحمدالله ناکام ماندند، از برکات و عنایات خداوند تعالی وایمان همهٔ قشرهای متعهد به مبادی اسلام بوده و بی شک از ادعیهٔ مبارکهٔ حضرت بقیة الله ـ صلوات الله و سلامه علیه و روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء ـ برخوردار بوده و هست و بر همهٔ ماها لازم است با تشکر از این نعمت بزرگ، در حفظ این عنایات کوشا باشیم. والسلام علی عبادالله الصالحین. ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ تقدیر نامه

زمان: ۶مرداد۱۳۶۷/۱۳ذی‌الحجه۱۴۰۸ **مکان:** تهران، جماران

موضوع: تقدیر از خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز

مخاطب: ستاری (فرمانده نیروی هوایی)، انصاری (فرمانده هوانیروز)، خلبانان شجاع نیروی هوایی و هوانیروز

بسم الله الرحمن الرحیم

تیمسار سرتیپ ستاری، فرمانده محترم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، و تیمسار سرتیپ دوم انصاری، فرمانده هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران

خلبانان عزیز و قهرمان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و خلبانان دلیر و شجاع هوانیروز

اینجانب از زحمات طاقت‌فرسای شما و تمامی افراد متعهد و دلسوزی که به نحوی از انحا در آمادگیهای پروازها دست دارند تشکر می‌نمایم. شما در طول جنگ

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۵ تا ۳۵۹.

تحمیلی، بخصوص در شرایط حساس امروز، از رزمندگان صحنه‌های نبرد و میهن اسلامی مان با تمام توان دفاع نموده و می‌نمایید.

شجاعت شما دل تمامی میهن دوستان و اسلام باوران را شاد کرده است. شما در صحنه‌های سخت کارزار به دشمنان میهن عزیزمان آموختید که دیگر خیال تعرض به کشورمان و مکتب حیاتبخش هم میهنانمان را ننمایند.

اینجانب دست یکایک شما را می‌فشارم، و از صمیم جان به شما دعا می‌کنم. خدا یار و نگهدارتان باد. به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۳۶۷/۵/۶

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۵ خرداد ۱۲/۱۳۶۱ شعبان ۱۴۰۲[۲] — مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از رشادتها و جانبازیهای عشایر — مخاطب: شرکت‌کنندگان در اردوی عشایری

مناسبت: تشکیل اردوی عشایری واحد بسیج مستضعفان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر عشایر دلیر ایران. سلام بر سلحشوران غیوری که در طول تاریخ اسلامی ایران پیوسته بر سر مرزها و در حاشیهٔ کویرها و در دل کوهها و در پهندشت صحراها و در هر نقطهٔ عشایری دیگر از این کشور عزیز و پهناور، پیوسته سرسخت‌ترین مدافعان اسلام و میهن اسلامی را تشکیل داده و راه هرگونه توطئه‌ای را بر دشمنان اسلام بسته اید. درود بر شما عزیزانی که احیاناً سخت ترین شرایط اقلیمی و بیشترین کمبودها و محرومیتهای زندگی را متحمل شده و دشواریها را بر خود هموار ساخته‌اید، ولی نه تنها آلت دست بیگانگان و افراد خودفروخته و نوکران

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۵.

۲. صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی) ج ۱۶، ص ۱۷۶ ذیل تاریخ ۶۱/۳/۱۴ درج کرده است.

بی اختیار و فراری از ملت قرار نگرفته اید، که همهٔ آنها را از میان خود طرد کرده و بیرون رانده‌اید. درود بر شما شیرمردان و شیرزنانی که با بسیج عشایر و ارسال کمکهای مالی و همکاریهای دیگر، چه در خط مقدم جبهه و چه در پشت جبهه، موجبات دلگرمی رزمندگان دلیر ما را فراهم ساخته و پشتوانهٔ محکمی برای جنگجویان و وسیله ای برای کشف و خنثی کردن توطئه‌های دشمنان ما گشته‌اید. من از اینجا به شما عزیزان درود می‌فرستم و دست شما را به گرمی می‌فشارم. و امیدوارم همچون گذشته سدی محکم و نفوذناپذیر در برابر دشمنان اسلام و وطن اسلامی خویش باشید، و محیط پاک و باصفای عشایری خود را از نفوذ تبلیغات زهرآگین و مسموم ناپاک و جیره‌خوار بیگانه پرست سالم نگه دارید، و راه هر گونه توطئه‌ای را بر آنها ببندید و با هوشیاری کامل نقشه‌های خائنانه‌شان را نقش بر آب کنید امید است خدای تعالی نیز شما را در پیمودن این راه مقدس یاری کرده و توفیق دهد، و شما نیز در تمام مراحل زندگی هیچ‌گاه خدا را از یاد نبرید. در خاتمه از مسئولان محترم مملکتی نیز می‌خواهم که در کنار مسئولیتهای سنگین دیگری که دارند، هر چه بیشتر و سریعتر در رفع مشکلات و کمبودهای شما بکوشند، و ان‌شاءالله تعالی با پایان گرفتن جنگ و بازسازی مناطق جنگی، رسیدگی به وضع شما عزیزان و رفع نابسامانیهای شما را در اولویت قرار دهند. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۲۹٦ تا ۲۹۷.

◘ پیام

زمان: ۲۷خرداد ۱۳۶۱/ ۲۴شعبان ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: نقش جهادسازندگی در جبهه‌های جنگ تحمیلی
مناسبت: سالروز تأسیس جهادسازندگی «۲۷خرداد»
مخاطب: ملت ایران و اعضای شورای جهادسازندگی

بسم الله الرحمن الرحیم

بیست و هفتم خرداد، روز تأسیس جهاد سازندگی را به عموم ملت انقلابی و شریف ایران و به همهٔ تلاشگران متعهد و مؤمن در راه تحقق آرمانهای ملت مسلمان ایران تبریک می‌گوییم.

روزی که با تأسیس این ارگان عظیم، انقلاب اسلامی ما توانست به دورافتاده‌ترین مناطق کشور راه یابد و رسالت تاریخی و اسلامی خود را با تمام کارشکنیها به اقصیٰ نقاط کشور برساند.

براستی فرزندان اسلام، خواهران و برادران ایثارگر، با عضویت در این نهاد انقلابی، با فداکاری بی نظیر خود در میان دشوارترین شرایط زندگی و سخت‌ترین مناطق جغرافیایی کشور توانستند در مدتی کوتاه، اینهمه آثار زنده و ارزنده را در تمام ابعاد برای مردم ستمدیدهٔ ایران به ارمغان آورند. کم نیستند جهادگرانی که در راه بهبود زندگی مردم محروم و مستضعف ما شهید و یا معلول گردیده‌اند و کم نیستند خواهران و برادرانی که در بدترین شرایط، دست به اقدامات فرهنگی و عمرانی زدند و به بدترین شکل به دست گروهک‌های از خدا بی‌خبر و منافقان دنیاپرست شهید گردیدند. چراکه این از خدا بیخبران خوب فهمیدند که این جوانان جهادگرند که بذر انقلاب را در دل هر روستایی می‌کارند، و با آبادانی مناطق محروم است که هر روستایی و شهری محروم، سربازی می‌شود پاسدار انقلاب اصیل اسلامی خویش؛ چراکه امریکا و ایادی مزدبگیرش، خوب به این نتیجه رسیده‌اند با جهاد مقدس فرزندان اسلام است که نهال انقلاب اسلامی در روستاها و شهرهای دورافتادهٔ این

آب و خاک به گل می‌نشیند. و تنها به همین دلیل است که هر جهادگری را مانند رزمنده‌ای در میدان نبرد می‌دانند که از انقلاب و اسلام و ایران دفاع می‌نماید.

نقش جهاد سازندگی در جنگ، کمتر از نیروهای نظامی نبوده و نیست، و این اقراری است مکرر از سوی فرماندهان ارتشی و سپاهی ماکه اگر جهاد نبود پیروزی با این سرعت به دست نمی‌آمد. باید اعتراف کرد که اینان بزرگترین آبرو را به انقلاب اسلامی خود داده‌اند و با تعهد به اسلام و ایمان به خدای تعالی در این راه بهترین نمونه و الگو برای همهٔ جوانان مسلمان و متعهد اسلامی گردیدند. امروز در گوشه و کنار کشور و در میان دور افتاده‌ترین روستاهای محروم و بد آب و هوا که قدم بگذارید با ایثارگران جهاد سازندگی مواجه می‌شوید که خیلی زودتر از شما خود را بدانجا رسانده اند و با نداشتن امکانات لازم، با هر وسیله ای که در اختیار داشته و دارند، با تمام وجود در از بین بردن کمبودها و مشکلات و بیماریها و نارساییهای مردم کوشش می‌نمایند، و در بسیاری از موارد برای ایجاد وسایل رفاهی از ایثار جان خود دریغ نکردند.

من هر گاه از نزدیک با جوانان پرشور و پرتحرک جهاد سازندگی مواجه می‌شوم و یا در وسایل ارتباط جمعی آثار ارزندهٔ فرهنگی و عمرانی آنان را شنیده و یا می‌بینم، از دل برای موفقیت و سربلندی آنان دعا می‌کنم. آفرین بر شما که اینگونه به اسلام و انقلاب اسلامی آبرو دادید. درود بر شما که برای تحقق آرمانهای ملت مسلمان و انقلابی ایران و برای پیاده کردن برنامه‌های اسلام عاشقانه به استقبال شهادت شتافته‌اید و علی رغم تبلیغات واهی دشمنان، اختلاف زبان و لباس مانع تلاش فردی و جمعی شما در این راه نگردیده است، و هم اکنون مشاهده می‌کنید که چگونه با لباسهای محلی و زبانهای قومی دست در دست یکدیگر در این گردهمایی مهم شرکت جسته‌اید.

امیدوارم همان گونه که در راه سازندگی کشور تمام نیروهای مادی و معنوی

خود را به کار بسته‌اید،از سازندگی خود و دیگران نیز که مقدّم بر همهٔ سازندگیهاست، غفلت نکنید، و همان گونه که بارها یادآوری کرده‌ام سازندگی روح را بر سازندگی جسم مقدّم دارید تا به خواست خدای تعالی با نیروی ایمان، کارها به بهترین و سریعترین وجه پیش رود، و هرچه زودتر با کمک خداوند و یکدیگر این کشور را به خودکفایی و آبادی کامل برسانیم، ان‌شاءالله تعالی. والسلام علیکم و رحمة الله.[۱]

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۱۴ آذر ۱۳۶۷ / ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل و تقدیر از جهادگران جهاد سازندگی

مخاطب: مسئولان برگزاری سمینار جهاد سازندگی

بسم الله الرحمن الرحیم

زحمات بی وقفهٔ جهاد، این سنگر سازان بی سنگر، در دفاع مقدسمان از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد. عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است.

شجاعت دلیر مردان و شیرزنان جهادیمان در جهاد مان علیه کفر و بیداد زبانزد خاص و عام است. وسعت دامنهٔ گذشت و ایثار مردان و زنان جهاد، جنگ و صلح، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی این مرز و بوم را فراگرفته است.

جهاد شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصهٔ کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و ذلت است.

فرزندان عزیز جهادی ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های

---

۱. پیام امام خمینی را آقای سید احمد خمینی در اجتماع گروه زیادی از جهادگران و مردم تهران در مراسم بزرگداشت روز جهاد سازندگی قرائت کردند.

۲. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۳۳۷ تا ۳۳۹.

اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ است. اسلامی که غرب، و در رأس آن امریکای جهانخوار، و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی بهره بوده اند؛ و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حیله گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی هنرند.

شما عزیزان با خدمات شایستهٔ خود در پشت جبهه‌ها، چون جبهه‌ها، دل امام زمان روحی له الفداء را شاد کرده‌اید.

امیدوارم از سیاست صخره‌های سخت «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی» عبور کنید که اگر ایران را بر پایهٔ استقلال واقعی پایه ریزی نکنیم، هیچ کاری نکرده‌ایم.

چشم امید من به شما سازندگان پر شور و نشاط اسلامی است.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی.[1]

▣ پیام

زمان: ۲۰دی۱۳۶۷/ ۲جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از تلاش کارکنان صنعت نفت و دیگر مراکز تولیدی و صنعتی در امر بازسازی

مخاطب: کارکنان صنعت نفت و دیگر بخشهای صنعتی و تولیدی

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت بزرگ و شریف ایران در دوران مبارزه و پیروزی انقلاب، و نیز از آغاز جنگ تاکنون، شاهد صداقت و تلاش و مجاهدات کارگران عزیز و مسئولین محترم صنایع و کارخانجات، خصوصاً عزیزان شرکت و صنعت نفت، بوده است که بحق در

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۴ تا ۲۰۵.

حساسترین شرایط، شایسته ترین خدمات را به انقلاب و میهن اسلامی نموده‌اند. ارزش مبارزهٔ آنان با رژیم طاغوتی شاه در اعتصاب و بستن شیرهای نفت به روی بیگانگان و وارد کردن ضربهٔ قاطع بر آنان فراموش نخواهد شد. اما مهمتر از آن اینکه در طول جنگ تحمیلی، علی رغم احتمال خطرات فراوان و بمبارانهای مکرر مراکز صنعتی و نفتی، مسئولین و کارگران متعهد و دلسوز انقلاب با تکیه بر ایمان به خدای بزرگ و اعتماد به نفس هیچ گونه سستی به خود راه نداده، و با اراده ای محکم آبروی انقلاب را حفظ نموده و اسلام و ایران را سرافراز نمودند، و در سخت ترین مواقع و شرایط تولید و صادرات نفت را در بالاترین حد نیاز حفظ، و علاوه بر ترمیم مراکز آسیب دیده، در اعماق آبها و دل دریاها و بستر زمینها و قلل کوهها به توسعهٔ این صنعت مهم و اکتشاف ادامه دادند، که برای بسیاری از صاحبنظران امور شگفت آور است؛ چرا که در اوج حملات بی وقفهٔ دشمنان، حتی یک روز هم تولید و صادرات نفت این کشور قطع نگردید. این نیست جز عنایت پروردگار و توجه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و عشقی که در دل این عزیزان، همانند عشق بسیجیان به دفاع مقدس، نهفته است. من موارد متعددی از تلاش و مجاهدات این هنرمندان عاشق را در گزارشات و تصاویر دیده‌ام. و اطمینان دارم که اگر عشق به خدا و مکتب نبود، هیچ‌گاه آنان حاضر نمی‌شدند در مراکز و کارخانجات و پالایشگاههایی که محاط[1] به انواع خطرها و مملو از مواد آتشزا بوده اند، به کار خود ادامه دهند. آفرین بر شما کارگران و کارفرمایان و متفکرینی که آتش دنیا را به خاطر جلب رضایت حق بر خود خریدید.

من ضمن تشکر از گردانندگان صنایع کشور، خصوصاً صنعت نفت و گاز، از همهٔ آنان می‌خواهم که با تلاش خود به دنیا ثابت کنند که می‌توانند با فکر و تلاش خود چرخهای اقتصادی کشور را به حرکت درآورند. و ان‌شاءالله آنها با مژدهٔ

---

۱. احاطه شده.

راه‌اندازی کامل صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در آینده ای نه چندان دور، چشم و دل مردم ایران را روشن و شاد خواهند کرد. شما با تلاش در این امر مقدس به جهانیان ثابت خواهید کرد که فشارهای اقتصادی پس از جنگ، ما را به هیچ کشوری وابسته نخواهد کرد. ضدانقلاب داخل و خارج و استعمار چپ و راست در تمامی زمینه‌ها تبلیغ می‌کنند که فشارهای اقتصادی پس از جنگ، کمر نظام نوپای اسلامی را خواهد شکست. باید آنها این آرزو را به گور ببرند. مردمی که در زیر بمبارانها و در تمامی مصائب، خود را برای یک مبارزهٔ طولانی آماده کرده‌اند هرگز حاضر نیستند کوچکترین نرمشی در مقابل جهان استکبار داشته باشند. این از بدیهیات است که نارساییهای پس از جنگ بسرعت برطرف نمی‌شود و چند سالی وقت لازم است تا کمبودها برطرف شود. عزیزانی که در کارخانه‌های وابسته به صنایع سبک و سنگین و نفت و گاز و معادن و نیرو و پست و تلگراف و تلفن و راه و ترابری و سایر مراکز کار می‌کنند خدا را در نظر بگیرند، و گوش به تبلیغات دشمنان ندهند، و استوار و مقاوم در راه اندازی چرخهای اقتصادی و صنعتی کشور کوشش نمایند.

امروز دنیا اعمال ما و شما را زیر ذره بین گذاشته است تا ببیند چکاره ایم و چقدر توان مقابله با مشکلات را داریم. امروز پدر پیر شما خمینی از تمامی شما کارگران و صنعتگران و متخصصان می‌خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دوباره مردم ما گرفتار ابرقدرتها و قدرتها نشوند. مشکلات پس از جنگ یکی پس از دیگری رخ می‌نمایاند، و نظام نوپای ما ان‌شاءالله در مقابل آنها چون کوه ایستاده است؛ و مردم عزیز زیر فشار چرخهای زندگی و اقتصادی همان گونه که تا به حال برای خدا و دین او مقاومت کرده‌اند، بعد از این نیز با تمام توان استقامت می‌کنند؛ و الّا همهٔ زحمات این سالیان پردرد و اضطراب و افتخار از بین خواهد رفت. هوشیاری مردم در وضع فعلی یکی از عوامل پیروزی آنان بر باطل است. و مردم تصور نکنند ایادی نفوذی استکبار و امریکا دست از شیطنت برداشته اند، در هر جا و در هر مقوله‌ای

احتمال حضور و کارشکنی آنان هست. باید با دقت مراقب بود که نکند دستی در کار باشد که تبلیغ کند جنگ تمام شد و وضع کشور فرق نکرد. مگر آثار جنگ ظرف یکی دو سال تمام می‌شود؟ من دست و بازوی همه کسانی که بی ادعا و مخلصانه درصدد استقلال و خودکفایی کشورندرا می‌بوسم. باز سفارش می‌کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بار شرق و غرب نروید. مردم باید تصمیم خود را بگیرند: یا رفاه و مصرفگرایی و یا تحمل سختی و استقلال. و این مسئله ممکن است چند سالی طول بکشد، ولی مردم ما یقیناً دومین راه را، که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد.

ضرورتی به گوشزدکردن اهمیت نفت در معادلات جهان و اقتصاد بین‌الملل و نیز نقش عظیم صنعت نفت و انرژی را در کشورها و سیاستها نمی‌بینم. ان شاء الله مسئولین امر با توجه کافی و بصیرت و دقت از این گنجها و ذخایر سیال خدادادی پاسداری نمایند، و در توسعه و استفاده هرچه بیشتر و بهتر آنها تلاش نمایند، و در تأمین نیازهای جامعه و پابرهنگان و اولویت دادن به مناطق محروم موفق باشند. خداوند تعالی این روحیه مقدس سربازی و فداکاری را در کلیه کارگران و کارمندان و متخصصان تا رسیدن به استقلال و خودکفایی کامل حفظ فرماید. خداوند شهدای عزیزشان را غریق الطاف و عنایت خود فرماید؛ و به جانبازان شفا دهد؛ و مفقودین و اسرا را به وطن و آغوش خانواده‌های عزیز خویش برگرداند.

والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۷/۱۰/۲۰

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۱ تا ۲۳٤.

منشور سازندگی

◘ پیام

زمان: ۱۱مهر ۱۳۶۷/ ۲۱صفر ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران

موضوع: سیاستهای کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور — مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

عدول از سیاست نه شرقی و نه غربی، خیانت به اسلام و مسلمین

بر هیچ یک از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایهٔ سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمانهای مقدس و الهی خود دست بردارد. ان شاءالله مردم سلحشور ایران کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه داشته و شعله‌های ستم سوز آن را علیه شوروی جنایتکار و امریکای جهانخوار و اذناب آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ پرچم اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ بر بام همهٔ عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند.

بازسازی آری اما نه به قیمت وابستگی

در مسئلهٔ بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیتهای رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان چون گذشته هرگز قبول نمی‌کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود. اخیراً دستهای پنهان و آشکار غرب و شرق به منظور ایجاد شکاف و اختلاف میان طرفداران انقلاب اسلامی به حیلهٔ جدیدی متوسل شده اند که مسئولین عزیز و رده بالای کشورمان و نیز شخصیتها و چهره‌هایی از مجلس و دولت و روحانیون را به تفکر و گرایشات وابستگی و همچنین عدول از مواضع گذشته و نهایتاً به شرقگرایی یا غربگرایی متهم نمایند و موذیانه با طرح مسائلی از این قبیل که فلان شخصیت نظام جمهوری اسلامی راستگرا و یا میانه رو و یا سازشکار و غربگراست و یا فلان مسئول تندرو و انقلابی شده است که نتیجتاً اعتماد مردم را به دست اندرکاران نظام سلب نمایند که با یاری خداوند و بارشد و آگاهی مردم بازار اینگونه القائات در این مملکت کساد و مشتریان آن اندک بوده‌اند و بر مردم ثابت است کسانی که سالها و بارها چه قبل و چه بعد از انقلاب امتحان خود را در تعهد به اسلام و انقلاب داده‌اند و در این راه به پای چوبه‌های دار رفته و زندانها کشیده و ترور گشته اند و سلامت خود را از دست داده اند و تحت شکنجه‌های شاه برای استقلال و آزادی مبارزه کرده‌اند، یقیناً دلشان به حال انقلاب و ثمرات آن نه تنها کمتر از دیگران نسوخته که بیشتر می‌سوزد و مسیر ارزشی و الهی و پرطراوت خویش را به هیچ وجه عوض نمی‌کنند. و من از باب وظیفه به مردم و فرزندان پرشور انقلاب می‌گویم که مبادا بدون در نظر گرفتن محذورات سیاسی و شرایط بسیار پیچیده و حساس کشور به طرح سؤالها و اشکالاتی روی آورید که بازگو کردن و تحلیل واقعی قضایا توسط مسئولین دلسوز نظام باعث کشف اسرار مملکت شده و برای نظام مسئله آفرین گردد و نه تنها گره ای را باز نکند که بر مشکلات مملکت نیز بیفزاید.

من سیاست داخلی و خارجی کشور را به دقت ملاحظه می‌کنم و تا زنده‌ام نخواهم گذاشت مسیر سیاست واقعی ما عوض شود و مسئولین نیز چیزی غیر از این نمی‌خواهند و انتظاری غیر از این از آنان نمی‌رود. من به بعضی از مسئولین هشدار می‌دهم که به شدت باید مراقب بود که خدای ناکرده آب به آسیاب دشمنان نریزیم و آنان را با اقوال و جبهه گیریهایمان شادمان نگردانیم. به مسئولین و دست‌اندرکاران در هر رده نیز می‌گویم که شرعاً بر همهٔ شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه‌ای قطع نمایید که ان شاءالله خواهید کرد و اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندانه سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیشتر از دفاع از اتهام وابستگی است.

استفاده از نظر کارشناسان در تعیین خط‌مشی سازندگی

همان گونه که قبلاً گفته‌ام سیاست بازسازی و تشخیص و تعیین اولویت در امر بازسازی مراکز آسیب دیدهٔ کشور به عهدهٔ سران محترم و متعهد سه قوه و آقای نخست وزیر است ولی باید توجه داشت که با در نظر گرفتن حجم عظیم کار و ضرورت تسریع در تعیین خط مشی بازسازی و سازندگی، حتماً از نظرات کارشناسان و صاحبنظران خصوصاً هیأت دولت و وزرا و کمیسیونهای مربوطهٔ مجلس شورای اسلامی که چهره‌های دلسوز و متعهد و مطلع در آنها فراوانند و نیز از مسئولین هر امری استفاده نمایند چرا که آنان نیز به خوبی دریافته اند که بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست. و این کشور متعلق به اسلام و همهٔ ملت ایران است و همان گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی هم باید در کنار یکدیگر باشند که ان شاءالله مراکز علمی و دانشگاهی نیز در این مسئلهٔ بزرگ سهیم خواهند بود.

لازم به تذکر است که وزیر و یا مسئول مربوطه نیز در تصمیم گیری نهایی سران و نخست وزیر صاحب رأی می‌باشند.

اما نکاتی که در بازسازی و سازندگی توجه به آن ضروری است:

خدمت خالصانه و بی‌منّت نسبت به خانواده ایثارگران

۱ـ با اینکه اطمینان داریم که خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین هیچ‌گاه راضی نشده و نمی‌شوند که در برابر ایثار عزیزانشان که فقط به خاطر خدا و رسیدن به کمال بوده است سخن از رفاه و مادّیات به میان آید و همّت آنان بلندتر از این مقوله‌هاست، ولی بر دست‌اندرکاران نظام است که ذوق و استعداد و توان خود را در هر چه بهتر رسیدن به امور معنوی و مادی و ارزشی و فرهنگی این یادگاران هدایت و نور به کار گیرند و از خدمت بی‌شائبه و بی‌منّت به آنان دریغ نکنند؛ هرچه انقلاب اسلامی ایران دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است.من می‌دانم که بسیاری از خانواده‌های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین به خاطر مناعت طبع و بزرگواری و اخلاق کریمهٔ خود در مصایب و مشکلات زندگی به مسئولین مراجعه نکرده‌اند و یا مراجعه‌شان به حداقل بوده است. و همه نیز می‌دانیم که اکثریت این قشر و رزمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم درآمد بودند و مرفّهین کمتر دل برای انقلاب سوختند، ولی وظیفهٔ ماست که در حدّ توان و مقدورات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف و تمجید ظاهری خلاصه شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به آنان بها داده شود و ضرورتی نمی‌بینم که به این عزیزان سفارش و نصیحت کنم و رسالت بزرگ حفظ امانت خونهای مقدس شهیدان را بازگو نمایم که بحمدالله تا به حال خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده‌اند و بعد از این نیز به یاری خدا پاسدار آن خواهند بود.

تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور

۲ـ با قبول و اجرای صلح کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیهٔ دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی نیاز شده ایم، بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیهٔ بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرتها و نوکرانشان باید جدی بگیریم.

توجه به بازسازی مراکز صنعتی با حفظ اولویت بخش کشاورزی

۳ـ توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسؤولین بیشتر از گذشته خود را مکلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفادهٔ هر چه بیشتر از نعمتهای بیکران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر.

بازسازی و توسعه مراکز علمی و تحقیقاتی

۴ـ مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعهٔ مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبهٔ مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. إن شاءالله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اداره‌ها خسته و ناتوان نشوند.

توسعه رفاه عمومی با حفظ ارزشهای کامل اسلامی

۵ـبرنامه ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامهٔ مردم توأم با حفظ شعائر و ارزشهای کامل اسلامی و پرهیز از تنگ نظریها و افراط گراییها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت یک جامعهٔ انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه ریزی در جهت توسعهٔ صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی صادرات و واردات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت.

رعایت اصول ایمنی

۶ـرعایت اصول ایمنی و حفاظتی مراکز و صنایع و ایجاد پناهگاههای جمعی برای مردم و کارگران که این اختصاص به زمان جنگ ندارد بلکه طریقهٔ احتیاط در هر شرایط است.

استفاده از نیروهای مؤمن مردمی

۷ـاستفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی و بهادادن به مؤمنین انقلاب خصوصاً جبهه رفته‌ها و توسعهٔ حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه.

حفظ آثار جنگ تحمیلی

۸ـحفظ و نگهداری ترکیب یک یا چند شهر خراب شده در جنگ به منظور ترسیم علنی تجاوز دشمنان علیه انقلاب و کشورمان و نشان دادن قدرت دفاع و مقاومت قهرمانانهٔ ملت که آیندگان فقط به اسناد و نوشته‌ها بسنده نکنند. البته این کار با رضایت کامل صاحبان املاک و با ایجاد شهرهای مجاور باید انجام شود.

حفظ ارزشهای اخلاقی و اجتماعی

۹ـ تأکید بر حفظ ارزشها و شئون اخلاقی و اجتماعی و نیز سالم سازی اجتماعات که گروهی از خدا بیخبر و فرصت طلب تصور نکنند که مردم در برابر نیات پلید آنان بی تفاوتند. إن شاءالله خداوند همه را از شرّ نفس اماره و شرّ دشمنان محافظت فرماید و به همه شرح صدر و تدبیر در امور و اخلاص در عمل و ایثار در خدمت به خلق مرحمت کند. «احمد»[۱] به صورت آزاد بهتر می‌تواند به اسلام و مردم کشور خدمت نماید و تنها در جلسات شرکت می‌کند تا گزارش مسائل سریعتر به اینجانب برسد. والسلام علی من اتبع الهدی.

۱۳۶۷/۷/۱۱

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. آقای سید احمد خمینی.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۵ تا ۱۵۹.

فصل ۱۷:
نامه‌های اخلاقی و عرفانی

▣ نامهٔ اخلاقی و عرفانی

زمان: ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱/ ۴ رجب ۱۴۰۲
مکان: تهران، جماران
موضوع: پندها و نصایح اخلاقی عرفانی
مخاطب: خمینی، سید احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلْحَمدلله ربِّ العالَمین، و الصَّلاةُ و السَّلامُ علیٰ مُحَمَّدٍ و آلِهِ الطّاهِرینَ، و لَعنَةُ اللهِ علیٰ اَعْدائِهِمْ اَجْمَعین. اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاّ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحمداً عَبْدَهُ وَ رَسولُهُ، و اَنَّ علیاً امیرالمؤمنینَ وَ اَولادَهُ المَعصومینَ صلواتُ الله علیهِم خُلَفائهُ، وَ اَنَّ ما جاءَ بِهِ رسول الله صلی الله علیه و آله حقٌّ، و اَنَّ القبْرَ و النشورَ و الجَنةَ و النّارَ حَقٌّ، و أنَّ اللهَ یَبعثُ مَن فی القُبُور.

وصیّتی است از پدری پیر که عمری به بطالت گذرانده و توشه‌ای برای زندگی ابدی برنداشته و قدمی خالص برای خداوند منّان نگذاشته و از هواهای نفسانی و وساوس شیطانی نجات نیافته، لکن از فضل و کرم خداوند کریم مأیوس نیست و به عفو و عطوفت او دل بسته و همین تنها زاد راه او است، به فرزندی که از نعمت جوانی برخوردار است و فرصت برای تهذیب نفس و خدمت به خلق خدا در دست دارد و امید است چنانچه پدر پیرش از او راضی است خداوند بزرگ از او راضی باشد و توفیق خدمت به محرومان که شایستگان ملتند و مورد سفارش اسلامند، هر چه بیشتر به او مرحمت فرماید.

فقر ذاتی و همیشگی موجودات در هستی و کمال و نیاز همه به خداوند

فرزندم، احمد خمینی رَزَقَکَ الله هِدایَتهُ! جهان چه ازلی و ابدی باشد یا نه و چه سلسله‌های موجودات غیرمتناهی باشند یا نه، همه فقیرند چون هستی، ذاتی آنان نیست. اگر با احاطهٔ عقلی جمیع سلسله‌های غیرمتناهی را بنگری آوای فقر ذاتی و احتیاج در وجود و کمال آنها به وجودی که بالذات موجود است و کمالات، ذاتی آن است، می‌شنوی، و اگر به مخاطبهٔ عقلی خطاب به سلسله‌های فقیر بالذات نمایی که «ای موجودات فقیر چه کسی قادر است رفع احتیاج شما را نماید؟» همه با زبان فطرت هم صدا فریاد می‌زنند که ما محتاجیم به موجودی که خود همچون ما فقیر نباشد در هستی و کمال هستی؛ و این فطرت نیز از خود آنان نیست ﴿فطرة الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله﴾[1] فطرت توحید از خداوند است و مخلوقات فقیر بالذات مبدّل نمی‌شوند به غنیّ بالذات و امکان ندارد چنین تبدیلی. و چون بالذات فقیر و محتاجند جز غنیّ بالذات، کسی رفع فقر آنان را نخواهد کرد. و این فقر که لازم ذاتی آنان است همیشگی است، چه این سلسله ابدی باشد یا نباشد، ازلی باشد یا نباشد، و از هیچ کس جز او کارگشایی نخواهد شد و هر کس هر کمال و جمالی دارد از خود نیست بلکه جلوهٔ کمال و جمال اوست. ﴿و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی﴾[2] در هر چیز و هر فعل و هر گفتار و کردار صادق است و هر کس این حقیقت را دریابد و ذوق کند، به کسی جز او دل نبندد و از کسی جز او حاجت نخواهد.

سعی کن در خلوات، در این بارقهٔ الهی فکر کنی، و به طفل قلبت تلقین کن و تکرار کن تا به زبان آید و در ملک و ملکوت وجودت این جلوه خودنمایی کند، و به غنیّ مطلق بپیوند تا از هر کس جز او غنیّ شوی، و از او توفیق وصول بخواه تا تو را از همه کس و خودی خودت ببرد و تشریف حضور دهد و اذن دخول.

---

۱. سوره روم، آیه ۳۰: فطرت الهی که مردم را بر آن آفرید، آفرینش خدا را دگرگونی نیست.

۲. سوره انفال، آیه ۱۷: و «ای پیامبر» هنگامی که تو تیر افکندی، نه تو، بلکه خدا افکند.

خودبینی و خودخواهی، مایه محجوب بودن ما

پسر عزیزم او جلّ و علا اول و آخر و ظاهر و باطن است ﴿هُو الاَوّلُ و الآخِرُ و الظّاهِرُ و الباطِنُ﴾[۱] اَیَکُونُ لِغَیرِکَ مِن الظُّهورِ مٰا لَیْسَ لَکَ حَتّٰی یَکُونَ هُوَ المُظهِرُ لَکَ، مَتیٰ غِبْتَ حَتّٰی تَحْتٰاجَ الی دَلیلٍ یَدُلُّ عَلَیْکَ و مَتیٰ بَعُدْتَ حَتّٰی تَکُونَ الآثارُ هِیَ الَّتي تُوصِلُ اِلیکَ، عَمِیَتْ عَیْنٌ لاتَراکَ عَلَیهٰا رَقیباً.[۲]

غایب نبوده ای که تمنا کنم ترا		پنهان نئی ز دیده که پیدا کنم ترا

او ظاهر است و هر ظهوری ظهور اوست و ما خود حجاب هستیم. انانیّت و اِنیّت ماست که ما را محجوب نموده، «تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز»[۳] به او پناه ببریم و از او تبارک و تعالی با تضرّع و ابتهال بخواهیم که ما را از حجاب‌ها نجات دهد: اِلٰهی هَبْ لي کَمالَ الاِنقطاعِ اِلیکَ، وَ اَنِرْ اَبصارَ قُلوبِنٰا بِضیاءِ نَظَرِهٰا اِلیکَ حَتّیٰ تَخْرِقَ اَبصارُ القُلوبِ حُجُبَ النورِ فَتَصَلَ اِلیٰ مَعدِنِ العَظَمَةِ، وَ تَصیرَ اَرواحُنا مُعلقَةً بِعِزِّ قُدْسِکَ، اِلٰهی وَاجْعَلْني مِمَّنْ نٰادَیْتَهُ فَاجابَکَ و لاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِکَ.[٤]

---

۱. سوره حدید، آیه ۳: اوست اول و آخر و پیدا و پنهان.

۲. آیا ممکن است برای غیر تو از ظهور نصیبی باشد که برای تو نیست، تا آن که او وسیله ظهور تو گردد؟! کی غایب بوده ای که نیازمند برهان باشی تا به تو دلالت کند؟ و کی دور بوده ای تا آثار (مخلوقات) وسیله رسیدن به تو باشند، کور باد چشمی که تو را مراقب خود نبیند. اقبال الاعمال: ۳٤۹.

۳. دیوان حافظ.

٤. بارالها بریدگی کامل «از تعلقات» را برای توجه به خودت ارزانیم فرما، و چشم دلهایمان را به فروغ نظر کردن به خودت روشن گردان، تا دیدگان دل، پرده‌های نور را دریده و به معدن عظمت و جلال برسد، و جانهایمان به عز قدس تو تعلق یابند. الها، مرا در شمار آنان قرار ده که صدا زدی پس پاسخت داد و نیم نگاهی به آنان کردی پس در برابر جلال تو مدهوش شدند. اقبال الاعمال: ٦۸۷.

انکار مقامات روحانی و عرفانی، بازدارنده انسان از تمام مدارج انسانی

پسرم! ما هنوز در قید حجاب‌های ظلمانی هستیم و پس از آنها حجاب‌های نور است، و ما محجوبان هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم.

پسرم! سعی کن اگر از اهل مقامات معنوی نیستی انکار مقامات روحانی و عرفانی را نکنی که از بزرگ‌ترین حیله‌های شیطان و نفس اماره که انسان را از تمام مدارج انسانی و مقامات روحانی باز می‌دارد، واداری اوست به انکار و احیاناً به استهزای سلوک الی الله که منجر به خصومت و ضدّیت با آن شود و آنچه تمام انبیای عظام صلوات الله علیهم و اولیای کرام سلام الله علیهم و کتب آسمانی خصوصاً قرآن کریم کتاب جاوید انسان ساز، برای آن به وجود آمده‌اند در نطفه خفه شود.

قرآن، کتاب معرفة الله و طریق سلوک به سوی او

قرآن این کتاب معرفة الله و طریق سلوک به او، با دست دوستان جاهل از طریق خود به انحراف و انزوا کشیده شد و آرای انحرافی و تفسیرهای به رأی که آن همه ائمهٔ اسلام علیهم السلام از آن نهی فرمودند، در آن راه یافت و هر کس با نفسانیّت خود در آن تصرّف نمود. این کتاب عزیز در محیطی و عصری نازل شد که تاریک‌ترین محیط و عقب افتاده‌ترین مردم در آن زندگی می‌کردند و به دست کسی و قلب الهی کسی نازل شد که زندگی خود را در آن محیط ادامه می‌داد، و در آن حقایق و معارفی است که در جهان آن روز چه رسد به محیط نزول آن سابقه نداشت و بالاترین و بزرگ‌ترین معجزهٔ آن همین است. آن مسائل بزرگ عرفانی که در یونان و نزد فلاسفهٔ آن سابقه نداشت و کتب ارسطو و افلاطون بزرگ‌ترین فلاسفهٔ آن عصرها از رسیدن به آن عاجز بودند، و حتّی فلاسفهٔ اسلام که در مهد قرآن کریم بزرگ شدند و از آن استفاده‌ها نمودند به آیاتی که صراحت زنده بودن همهٔ موجودات جهان را ذکر کرده، آن آیات را تأویل می‌کنند، و عرفای بزرگ اسلام که از آن ذکر می‌کنند همه از اسلام أخذ نموده و

از قرآن کریم گرفته‌اند، و مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است در کتاب دیگر نیست.

رنج رسول الله (ص) از نرسیدن انسان‌ها به قلهٔ کمال انسانیّت

و اینها معجزهٔ رسول اکرم است که با مبدأ وحی آن طور آشنایی دارد که اسرار وجود را برای او بازگو می‌نماید و خود با عروج به قلهٔ کمال انسانیّت حقایق را آشکارا و بدون هیچ حجاب می‌بیند و در عین حال در تمام ابعاد انسانیّت و مراحل وجود، حضور دارد و مظهر اعلای هُوَ الأوَّلُ و الاخِرُ وَ الظّاهِرُ وَ الباطِنِ[1] می‌باشد، و می‌خواهد همهٔ انسان‌ها به آن برسند و چون نرسیده‌اند گویی رنج می‌برد، و شاید طه. ما انزلنا علیک القرآن لتشقی[2] اشارهٔ لطیفه‌ای به آن باشد و شاید ما اُوذيِ نَبیٌّ مثل ما اُوذيتُ[3] نیز مربوط به همین معنی باشد.

آنان که به این مقام یا شبیه بـه آن رسـیده‌انـد اعـتزال از خـلق و انـزوا اختیار نمی‌کنند، بلکه مأمور به آشنا نمودن و آشتی دادن گمراهان، با این جلوه‌ها هستند، اگر چه کم توفیق یافته‌اند. و آنان که با رسیدن به بعض مقامات و نوشیدن جرعه‌ای از خود بی‌خود شدند و در صعق باقی مانده‌اند گرچه به کمالاتی بزرگ راه یافته‌انـد لکـن بـه کمال مطلوب نرسیده‌اند. موسی کلیم صلوات [الله] و سلامه علیه که از تجلّی حق به حال صعق افتاد با عنایت خاصّه افاقه یافت و مأمور خدمت شد، و رسول الله خاتم با رسیدن به مرتبهٔ عالی انسانیت و آنچه در وهم کس نیاید، به مظهریّت اسم جامع اعظم با خطاب یا ایُّها المدثّر. قُم فانذر[4] مأمور هدایت شد.

---

۱. سوره حدید، آیه ۳: اوست اول و آخر و پیدا و پنهان.

۲. سوره طه، آیه ۲-۱: طه «ای طاهر و ای رسول» ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که به مشقت بیفتی.

۳. هیچ پیامبری آن گونه که من اذیت شدم آزار ندید. الجامع الصغیر ۲: ۱٤٤.

٤. سوره مدثر، آیه ۲-۱: ای جامه به خود پیچیده، برخیز و بیم بده.

پسر عزیزم! آنچه اشاره کردم با آن که خود، هیچم و از هیچ هیچ تر، برای آن است که اگر به جایی نرسیدی انکار مقامات معنوی و معارف الهی را نکنی و از کسانی باشی که دوستدار صالحین و عارفین باشی هر چند از آنان نیستی و با دشمنی دوستان خدای متعال از این جهان رخت نبندی.

راهی از قرآن به سوی محبوب

فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگرچه با قرائت آن؛ و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصوّر نکن که قرائت بدون معرفت اثری ندارد که این وسوسهٔ شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس، و نامهٔ محبوب محبوب است اگرچه عاشق و محب مفاد آن را نداند و با این انگیزه حبّ محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به شکرانهٔ این که قرآن کتاب ما است به سجده رویم از عهده برنیامده‌ایم.

دعاها و مناجات‌های معصومین (علیهم السلام)، بزرگترین راهنماهای آشنایی با او

پسرم! دعاها و مناجات‌هایی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است بزرگ‌ترین راهنماهای آشنایی با او جلّ و علا است و والاترین راهگشای عبودیّت و رابطهٔ بین حق و خلق است و مشتمل بر معارف الهی و وسیلهٔ انس با او است و ره آورد خاندان وحی است و نمونه ای از حال اصحاب قلوب و ارباب سلوک است. وسوسه‌های بی‌خبران تو را از تمسّک به آنها، و اگر توانی از انس با آنها، غافل نکند. ما اگر تمام عمر به شکرانهٔ آنکه این وارستگان و واصلان به حق، ائمه ما و راه نمایان مایند به نیایش برخیزیم از عهده برنخواهیم آمد.

انتخاب دوستان و همنشینان از اشخاص وارسته

از وصیت‌ها [ی] من که در آستان مرگ، و نفس‌های آخر را می‌کشم به تو که از نعمت جوانی برخورداری، آن است که معاشران خود و دوستان خویش را از اشخاص وارسته و متعهد و متوجه به معنویات و آنانکه به حبّ دنیا و زخارف آن گرایش ندارند و از مال و منال به اندازهٔ کفایت و حدّ متعارف پا بیرون نمی‌گذارند و مجالس و محافلشان آلوده به گناه نیست و از اخلاق کریمه برخوردارند، انتخاب کن که تأثیر معاشرت در دو طرف صلاح و فساد اجتناب‌ناپذیر است، و سعی کن از مجالسی که انسان را از یاد خدا غافل می‌کند پرهیز نمایی که با خو گرفتن به این مجالس ممکن است از انسان سلب توفیق شود، که خود مصیبتی است جبران ناپذیر.

همه او را می‌خواهند و دلباخته به اویند

بدان که در انسان اگر نگویم در هر موجود به حسب فطرت، حبّ به کمال مطلق است و حبّ به وصول به کمال مطلق، و این حبّ محال است از او جدا شود و کمال مطلق محال است دو باشد و مکرر باشد، و کمال مطلق، حق جلّ و علا است، همه او را می‌خواهند و دلباخته به اویند گرچه خود نمی‌دانند و در حُجُب ظلمت و نورند و با این حُجُب، پندارند چیزهای دیگر می‌خواهند و به هر کمال یا جمال یا قدرت یا مکانت که رسیدند به آن حد قانع نیستند و گم شدهٔ خود را در آن نمی‌یابند.

قدرتمندان و ابرقدرتان به هر قدرتی برسند دنبال قدرت فوق آن می‌گردند، و علم طلبان به هر مرتبه از علم برسند مافوق آن را می‌خواهند و گم شدهٔ خود را که خود غافل از آنند در آن نمی‌یابند. اگر به قدرت طلبان، قدرت تسلّط و تصرّف در همهٔ عالم مادی، از زمین‌ها و منظومه‌های شمسی و کهکشان‌ها و هر آنچه فوق آنها است، بدهند و بگویند: «قدرت دیگری فوق اینها و عالمی یا عوالمی دیگر فراتر از اینها است، آیا می‌خواهی به آنها برسی؟» محال است تمنّای آن را نداشته باشند، بلکه به لسان فطرت

می‌گویند: «ای کاش به آنها نیز دست یابیم!». و به همین گونه است طالب علوم، بلکه اگر شک کند که مقام دیگری فوق آنچه دارد هست، فطرت مطلق جوی او گوید: «ای کاش بود و من هم قدرت تصرف در آن داشتم، یا سعهٔ علم من آن را نیز شامل بود!».

وصول به خداوند و ذکر حقیقی او، آرامش بخش قلبها

آنچه همه را مطمئن می‌کند و آتش فروزان نفس سرکش و زیادت طلب را خاموش می‌نماید وصول به او است، و ذکر حقیقی او جلّ و علا چون جلوهٔ او است استغراق در آن آرامش بخش است. ﴿الا بذکر الله تطمئن القلوب﴾[1] گویی فرماید: توجه توجه! به ذکر او فرو رو، تا قلبت که سرگشته و حیرت‌زده از این سو به آن سو و از این شاخه به آن شاخه پرواز می‌کند طمأنینه حاصل کند.

برای رسیدن به مقام و شهرت این در و آن در مزن

پس ای فرزند عزیزم! که خداوند تو را با ذکر خود مطمئنّ القلب فرماید، نصیحت و وصیّت پدر سرگشته و حیرت‌زده‌ات را بشنو و به این در و آن در برای رسیدن به مقام و شهرت آنچه مورد شهوات نفسانیه است مزن، که به هر چه برسی از نرسیدن به مافوق او متأثر می‌شوی و حسرت بالاتر را می‌بری و ناراحتی‌های روحیت افزون می‌شود؛ اگر گویی: تو خود چرا به خود این نصیحت را نکنی؟ گویم: أنظر إلىٰ ما قال، لا إلىٰ مَنْ قال[2] این حرف صحیح است، اگرچه از مجنونی یا مفتونی صادر شود، در قرآن کریم پس از آن که می‌فرماید: «آنچه مصیبت در زمین و در نفوس شما وارد می‌شود قبلاً ثبت است در کتاب»[3] گوید: ﴿لکیلاً تأسوا علی مافاتکم و لا

---

۱. سوره رعد، آیه ۲۸: آگاه باشید که یاد خدا باعث آرامش دلهاست.

۲. «به گفته بنگر، نه به گوینده». غررالحکم و دررالکلم ۱: ۳۹٤/۱۱.

۳. سوره حدید، آیه ۲۲: ما اصاب من مصیبة فی الارض و لا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها.

تفرحوا بما آتاکم و الله لا یُحِبُّ کلَّ مختالٍ فَخور﴾[۱] انسان در این عالم در معرض تحولات است، گاهی مصیبت‌هایی بر او وارد می‌شود و گاهی دنیا به او رو می‌آورد و به مقام و جاه و مال [و] منال و قدرت و نعمت می‌رسد و این هر دو پایدار نیست، نه آن کم و کاستی‌ها و مصیبت‌ها تو را محزون کند که عنان صبر از دستت برود، که گاه شود آنچه مصیبت و کمبود است برای تو خیر و صلاح باشد: ﴿عَسیٰ أنْ تَكْرَهُوا شيئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لكُم﴾[۲] و در اقبال دنیا و رسیدن به آنچه شهوات اقتضا می‌کند خود را مباز و تکبّر و فخر بر بندگان خدا مکن که بسا باشد که آنچه را خیر می‌دانی شرّ باشد برای تو.

خودبینی، خودخواهی و حبّ دنیا، منشأ مخالفت با خداوند

پسرم! آنچه مورد نکوهش و سرمایه و اساس شقاوت‌ها و بدبختی‌ها و هلاکت‌ها و رأس تمام خطاها و خطیئه‌ها است حبّ دنیا است که از حبّ نفس نشأت می‌گیرد. عالم ملک مورد نکوهش نیست بلکه مظهر حق و مقام ربوبیّت او است و مهبط ملائکة الله و مسجد و تربیت گاه انبیا و اولیا علیهم سلام الله است و عبادتگاه صُلحا و محلّ جلوهٔ حق بر قلوب شیفتگان محبوب حقیقی، و حب به آن اگر ناشی از حبّ به خدا باشد و به عنوان جلوهٔ او جلّ و علا باشد، مطلوب و موجب کمال است و اگر ناشی از حبّ به نفس باشد رأس همه خطیئه‌ها است، پس دنیای مذموم در خود تو است، علاقه‌ها و دلبستگی‌ها به غیر صاحب دل موجب سقوط است. همهٔ مخالفت‌ها با خدا و ابتلا به معصیت‌ها و جنایت‌ها و خیانت‌ها از حبّ خود است، که حبّ دنیا و زخارف آن و حبّ مقام و جاه و مال و منال از آن نشأت می‌گیرد در عین حال که هیچ دلی به غیر صاحب دل به حسب فطرت بستگی نتواند داشت لکن این حجاب‌های

---

۱. سوره حدید، آیه ۲۳: تا هرگز بر آنچه از دست شما رود دلتنگ نشوید، و به آنچه به شما رسد دلشاد نگردید و خداوند دوستدار هیچ متکبر و خودستایی نیست.

۲. سوره بقره، آیه ۲۱۶: چه بسا چیزی را ناگوار شمارید در حالی که برای شما خیر است.

ظلمانی و نورانی که ما را و همه را از صاحب دل غافل دارد و به گمان و اشتباه خود، غیر صاحب دل را دلدار می‌داند، ظلمات فوق ظلمات است. ما و امثال ما به حجاب‌ها [ی] نورانی نرسیدیم و در حجاب‌های ظلمانی اسیر هستیم. آنکه گوید: هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمة از حجاب‌های ظلمانی گذشته است شیطان که در مقابل امر خدا ایستاد و به آدم خضوع نکرد، در حجاب ظلمانی خود بزرگ بینی بود و ﴿خلقتنی من نارٍ و أنا خیرٌ مِنه﴾[1] گویان از ساحت ربوبی مردود شد، و ما نیز تا در حجاب خودی هستیم و خودبین و خودخواه هستیم، شیطانی هستیم و از محضر رحمان مطرود، و چه مشکل است شکستن این بت بزرگ که مادر بت‌ها است!

تا فرمانبردار نفس هستیم فرمانبردار خداوند نیستیم

و ما تا خاضع او و فرمانبردار او هستیم خاضع برای خدا و فرمانبردار او جلّ و علا نیستیم و تا این بت شکسته نشود حجاب‌های ظلمانی دریده و برداشته نشود. اول باید بدانیم که حجاب چیست که اگر ندانیم، نخواهیم توانست درصدد رفعش یا لااقل تضعیفش برآییم و یا لااقل هر روز به غلظت و قوّت آن نیفزاییم. در حدیثی است که «بعض اصحاب رسول‌الله صلی الله علیه و آله خدمت ایشان بودند صدایی به گوششان رسید، سؤال کردند: چه صدایی است؟ فرمودند: صدای سنگی بود که هفتاد سال قبل، از لب جهنم حرکت کرده بود و حال به قعر جهنّم رسید، آنگاه مطلع شدند که کافری هفتاد ساله مرده است».[2] اگر حدیث صادر شده باشد، شاید آن بعض از اهل حال بوده یا با تصرّف رسول خدا صلّی الله علیه و آله به گوششان رسیده،

---

۱. مرا از آتش آفریدی و من از او برترم. اشاره است به آیه ۱۲، سوره اعراف.

۲. علم الیقین ۲: ۱۰۰۲، مسند احمد بن حنبل، ۲: ۳۷۱.

برای تنبیه غافلان و هوشیار جاهلان، اگر هم حدیث که الفاظش را یاد ندارم صادر نشده باشد لکن مطلب همین است، ما یک عمر رو به جهنّم سیر می‌کنیم و یک عمر نماز که بزرگ‌ترین یادگاه خدای متعال است پشت به حق و خانه او جلّ و علا و رو به خود و خانهٔ نفس به جا می‌آوریم و چه دردناک است که نماز ما که باید معراج ما باشد و ما را به سوی او و بهشت لقای او برد به سوی خود ما و تبعیدگاه جهنم برد.

پسرم! این اشارت‌ها نه برای آن است که امثال من و شما راهی برای معرفت الله و عبادت الله به آن گونه که حقّ او است، پیدا کنیم با آن که از اعرف موجودات به حق تعالی و حق عبادت و بندگی او جلّ و علا نقل شده است: ماعرفناک حق معرفتک و ما عبدناک حق عبادتک[1] بلکه برای آن است که عجز خویش را بفهمیم و ناچیزی خود را درک کنیم و خاک بر فرق اَنانیّت و اِنّیّت خود ریزیم بلکه از سرکشی این غول بکاهیم، باشد که توفیق یابیم مهاری و لگامی بر او زنیم، که از خطر عظیمی که جان را یادش می‌سوزاند، رهایی یابیم.

دشمنی با خداوند هنگام مرگ، عاقبت حب نفس

و هان! آن خطر که در لحظات آخر جدایی از این عالم و کوچ به سوی جایگاه ابدی است، آن است که آن کس که مبتلا به حبّ نفس است و دنبال آن حبّ دنیا با ابعاد مختلف آن است که در حال احتضار و کوچ بعض امور بر انسان ممکن است کشف شود و دریابد که مأمور خداوند او را از محبوب و معشوق او جدا می‌کند، با دشمنی خدا و غضب و نفرت از او جلّ و علا کوچ کند و این عاقبت و پیآمد حبّ نفس و دنیا است و در روایات اشارت به آن شده است. شخصی متعبّد و مورد وثوق نقل می‌کرد

---

۱. آن چنانکه حق معرفت تو است، تو را نشناختیم و آنگونه که حق عبادت تو است، تو را عبادت نکردیم. مرآه العقول ۸: ۱٤٦.

که «بر بالین محتضری رفتم و او گفت: ظلمی را که خدا بر من می‌کند هیچ کس نکرده، او مرا از این بچه‌هایم که با خون دل پرورش دادم می‌خواهد جدا کند. و من برخاستم و رفتم و او جان داد» شاید بعض عبارات که نقل کردم اختلاف مختصری با آنچه آن عالم متعبّد گفتند داشته باشد، در هر صورت آنچه گفتم اگر احتمال صحت هم داشته باشد، به قدری مهم است که انسان باید برای چارهٔ آن فکری بکند.

تفکر در الطاف خداوند، راهی به سوی محبت او

ما اگر ساعتی تفکر کنیم در موجودات عالم، که خود نیز از آنهاییم و بیابیم که هیچ موجودی از خود چیزی ندارد و آنچه به او و همه رسیده، الطافی است الهی و موهبت‌هایی است عاریت، و الطافی که خداوند منّان به ما فرموده چه قبل از آمدن ما به دنیا و چه در حال زیستن از طفولیت تا آخر عمر و چه پس از مرگ به واسطهٔ هدایت‌کنندگانی که مأمور هدایت ما بوده‌اند، شاید بارقه‌ای از حبّ او جلّ و علا که محجوب از آن هستیم در ما پیدا شود و پوچی و بی‌محتوایی خود را دریابیم و راهی به سوی او جلّ و علا برای ما باز شود یا لااقل از کفر جحودی نجات یابیم و انکار معارف الهی و جلوه‌های رحمانی را برای خود مقامی محسوب نکنیم و به آن افتخار نکنیم که تا ابد محبوس در چاه ویل خودخواهی و خودبینی شویم.

خود برتربینی، مایه سقوط

در نقلی است که «خداوند تعالی به یکی از انبیای خود خطاب کرد که یکی را که از خود بدتر می‌دانی به ما عرضه کن، و او لاشهٔ مردار حماری را چند قدم کشاند که عرضه کند و پشیمان شد خطاب شد که اگر آورده بودی از مقام خود سقوط کرده بودی». من نمی‌دانم که این نقل اصلی دارد یا نه، لکن در آن مقام که اولیا هستند شاید نظر به برتری خود سقوطِ آورد که آن خودبینی و خودخواهی است، اگرچه به این گونه.

خیرخواهی برای همگان، مرتبه‌ای از کمال مطلوب

راستی چرا پیمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم از ایمان نیاوردن مشرکان آن گونه تأسف و تأثر جان فرسا داشت که مخاطب شد به خطاب لعلّک باخعٌ نفسک علی آثارهم إن لم یومنوا بهذا الحدیث أسفاً[1] جز آن که به همهٔ بندگان خدا عشق می‌ورزید و عشق به خدا عشق به جلوه‌های او است. او از حجاب‌های ظلمانی خودبینی‌ها و خودخواهی‌های منحرفان که منجر به شقاوت آنان و منتهی به عذاب الیم جهنّم که ساخته و پرداختهٔ اعمال آنان است رنج می‌برد و سعادت همه را می‌خواست؛ چنانچه برای سعادت همه مبعوث شده بود و مشرکان و منحرفان کوردل با او که برای نجات آنان آمده بود دشمنی می‌کردند.

ما و تو اگر توفیق یابیم که بارقه‌ای از این عشق به جلوه‌های حق که در اولیای او است در خود ایجاد کنیم و خیر همه را بخواهیم به یک مرتبه از کمال مطلوب رسیده‌ایم. خداوند تعالی دلهای مردهٔ ما را به فیض رحمت خود و رحمت برگزیدهٔ خود که رحمة للعالمین است حیات بخشد.

شدّت بر کفار و قتال با آنان، از الطاف خفیّه خداوند

و اهل معرفت می‌دانند که شدّت بر کفار که از صفات مؤمنین است و قتال با آنان نیز رحمتی است و از الطاف خفیّهٔ حق است، و کفار و اشقیا در هر لحظه که بر آنان می‌گذرد بر عذاب آنان که از خودشان است افزایش کیفی و کمّی الی ما لا نهایة له حاصل می‌شود. پس قتل آنان که اصلاح پذیر نیستند رحمتی است در صورت غضب و نعمتی است در صورت نقمت، علاوه بر آن رحمتی است بر جامعه، زیرا عضوی که

---

۱. سوره کهف، آیه ٦: «ای رسول نزدیک است که اگر امت به قرآن ایمان نیاوردند جان عزیزت را از شدت حزن و تأسف بر آنان هلاک سازی».

جامعه را به فساد کشاند چون عضوی است در بدن انسان که اگر قطع نشود او را به هلاکت کشاند.

و این همان است که نوح نبی الله صلوات الله و سلامه علیه از خداوند تعالی خواست و ﴿قال نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیاراً انک ان تذرهم یضلوا عبادکِ و لا یلدوا الاّ فاجراً کفاراً﴾[۱] و خداوند تعالی می‌فرماید ﴿قاتلوهم حتی لا تکون فتنة﴾.[۲] و بدین انگیزهٔ و نیز انگیزه سابق، تمام حدود و قصاص و تعزیرات از طرف ارحم الراحمین رحمتی است بر مرتکب و رحمتی است بر جامعه. از این مرحله بگذرم.

نظر رحمت به همهٔ موجودات به ویژه انسانها

پسرم! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همهٔ موجودات به ویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبّت کن، مگر نه این است که کافّهٔ موجودات از جهات عدیده که به اِحصا در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان می‌باشند، مگر نه آنکه وجود حیات و تمام برکات و آثار آن از رحمت‌ها و موهبت‌های الهی است بر موجودات، و گفته‌اند: کل موجودٍ مرحومٌ[۳] مگر موجودی ممکن الوجود امکان دارد که از خود، به نفسه، چیزی داشته باشد یا موجودی مثل خود ممکن الوجود به او چیزی داده باشد، در این صورت رحمت رحمانیه است که جهان شمول است. مگر خداوند که ربّ‌العالمین است و تربیت او جهان شمول است تربیتش جلوهٔ رحمت نیست، مگر رحمت و تربیت بدون عنایت و الطاف جهان شمول می‌شود. پس آنچه و

---

۱. سوره نوح، آیه ۲۷-۲۶: و نوح عرض کرد: خدایا هیچ یک از کافران را در روی زمین زنده مگذار، اگر آنها را باقی گذاری بندگانت راگمراه می‌کنند و فرزندی جز فاجر و کافر به دنیا نمی‌آورند.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۳: و با آنان «کافران» جهاد کنید تا فسادی باقی نماند.

۳. هر موجودی مشمول رحمت خداوند است. فصوص الحکم ۱: ۱۷۸، فص زکریاویه.

آن کس که مورد عنایات و الطاف و محبت‌های الهی است چرا مورد محبّت ما نباشد؟ و اگر نباشد این نقصی نیست برای ما؟ و کوتاه بینی و کوتاه نظری نیست؟

هان! من پیر شدم و نتوانستم این نقیصه و سایر نقیصه‌های بی‌شمار را از خود بزدایم، تو جوانی و به رحمت و ملکوت حق نزدیکتری، سعی کن این نقیصه را از خود بزدایی. خداوند تبارک تو را و همه را و ما را توفیق آن دهد که این حجاب را برداریم و آنچه مقتضای فطرت الله است بیابیم. در سابق، از این مقوله شمّه‌ای گفتم، اکنون اشارتی به آن می‌رود که کمک به رفع این حجاب می‌کند.

ما به فطرت الهی عشق به کمال مطلق داریم و از این عشق، عشق به مطلق کمال که آثار کمال مطلق است خواهی نخواهی داریم، و لازمهٔ این فطرت گریز از نقص مطلق که لازمه‌اش گریز از مطلق نقص است نیز داریم. پس ما خود هر چند ندانیم و نفهمیم عاشق حق تعالی که کمال مطلق است و عاشق آثار او که جلوهٔ کمال مطلق است می‌باشیم، و با هر کس و هر چه دشمنی داریم و از هر چه و هر کس گریز داریم نه کمال مطلق است و نه مطلق کمال، بلکه نقص مطلق است یا مطلق نقص که در طرف مقابل است و نقیض آن است، و نقیض کمال عدم آن است. و چون در حجاب هستیم در تشخیص گمراهیم و اگر حجاب برخیزد آنچه از او جلّ و علا است محبوب است و آنچه مبغوض است از او نیست، پس موجود نیست.

و بدان که در تعبیرات نسبت به مقابلات مسامحات است و مطلب فوق هر چند موافق برهان متین است و موافق نظر عرفانی و شناخت است و در قرآن کریم به آن اشارت رفته است لکن باور کردن و ایمان به آن بسیار مشکل است و منکران بسیار زیادند و مؤمنان بسیار کم، و حتی آنان که از طریق برهان این حقیقت را ثابت می‌دانند کمتر به آن باور دارند و مؤمن هستند، و ایمان به امثال این حقایق حاصل نشود مگر با مجاهدت و تفکر و تلقین.

فلاسفه، افزون‌ساز حجاب‌ها و انبیا، رفع‌کننده حجاب‌ها

و شاید خود این مدّعیٰ که بعض امور برهانی می‌توانند مورد باور و ایمان نباشد، به نظر مشکل باشد یا بی‌پایه، ولی باید دانست که امری است وجدانی و در قرآن کریم به آن اشارت رفته است مثل آیات کریمه سوره تکاثر. و اما وجدان، شما می‌دانید که مردگان هیچ حرکتی ندارند و نمی‌توانند به شما آسیب رسانند و هزاران مرده به قدر یک مگس فعالیت ندارند و در این عالم پس از مرگ و قبل از روز نشور زنده نخواهند شد، لکن قدرت آرام خوابیدن، به تنهایی با مرده ندارید، و نیست این مگر برای آنکه علم شما را قلب شما باور نکرده، ایمان به آن در شما حاصل نشده، لکن مرده شوران که با تکرار عمل باورشان آمده با آرامش خاطر با آنان خلوت می‌کنند.

و فیلسوفان با براهین عقلیه ثابت می‌کنند حضور حق تعالی را در هر جا، لکن تا آنچه عقل با برهان ثابت نموده، به دل نرسد و قلب به آن ایمان نیاورد، ادب حضور به جا نیاورند، و آنان که حضور حق تعالی را به دل رساندند و ایمان به آن آورده‌اند گرچه با برهان سر و کار نداشته باشند ادب حضور به جا آورند و از آنچه با حضور مولا منافات دارد اجتناب کنند. پس علوم رسمی هر چند فلسفه و علم توحید خود حجابند و هر چه بیشتر شوند حجاب غلیظتر و افزون تر گردد.

و چنانچه می‌دانیم و می‌بینیم لسان دعوت انبیاء علیهم السلام و اولیای خلّص سلام الله علیهم لسان فلسفه و برهان رایج نیست بلکه آنان با جان و دل مردم کار دارند و نتایج براهین را به قلب بندگان خدا می‌رسانند و آنان را از درون جان و دل هدایت می‌نمایند. و می‌خواهی بگو: فلاسفه و اهل براهین حجاب‌ها را افزون کنند و انبیاء علیهم السلام و اصحاب دل کوشش در رفع حجاب کنند، لهذا تربیت‌شدگان اینان، مؤمنان و دل باختگانند و تربیت‌شدگان و شاگردان آنان، اصحاب برهان و قیل و قالند و با دل و جان، سر و کار ندارند.

تمامی معروف‌ها، پله‌هایی از نردبان وصول به او

و آنچه گفتم به آن معنی نیست که به فلسفه و علوم برهانی و عقلی نپرداز و از علوم استدلالی روی گردان که این خیانت به عقل و استدلال و فلسفه است، بلکه به آن معنی است که فلسفه و استدلال راهی است برای وصول به مقصد اصلی و نباید تو را از مقصد و مقصود و محبوب محجوب کند، یا بگو این علوم عبورگاه به سوی مقصد هستند و خود مقصد نیستند و دنیا مزرعه آخرت است[1] و علوم رسمی مزرعه وصول به مقصودند، چنانچه عبادات نیز عبورگاه به سوی او جلّ و علا است، نماز بالاترین عبادات و معراج مؤمن است و همه از اوست و به سوی اوست. می‌خواهی بگو: تمامی معروف‌ها پله‌هایی است از نردبان وصول به او جلّ و علا و همهٔ منکرات بازدارندگان راه وصول هستند و عالم همه سرگشته او و پروانهٔ جمال جمیل اویند.

و ای کاش... و ای کاش

و ای کاش که ما از خواب برخیزیم و در اوّل منزل که یقظه است وارد شویم؛ و ای کاش که او جلّ و علا با عنایات خفیه خود از ما دستگیری فرماید و به خود و جمال جمیلش رهنمود فرماید؛ و ای کاش که این اسب سرکش چموش نفس، آرام شود و از کرسی انکار فرود آید؛ و ای کاش این محمولهٔ سنگین را زمین می‌گذاشتیم و سبک بارتر رو به سوی او می‌کردیم؛ و ای کاش که چون پروانه در شمع جمال او می‌سوختیم و دم در نمی‌آوردیم؛ و ای کاش که یک گام به قدم فطرت بر می‌داشتیم و این قدر پای به فرق فطرت نمی‌گذاشتیم و ای کاش‌های بسیار دیگر که من در پیری و در آستان مرگ ازآنها یاد می‌کنم و دسترسی به جایی ندارم. و تو ای فرزندم، از جوانی

۱. «الدنیا مزرعة الآخره». عوالی اللالی ۱: ۲۶۷/۶۶.

خود استفاده کن و با یاد او جلّ و علا و محبّت به او و رجوع به فطرت الله بزیست و عمر را بگذران. و این یاد محبوب هیچ منافات با فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در خدمت به دین او و بندگان او ندارد بلکه تو را در راه او اعانت می‌کند، ولی بدان که خدعه‌های نفس امّاره و شیطان داخلی و خارجی زیاد است و چه بسا انسان را با اسم خدا و اسم خدمت به خلق خدا از خدا باز می‌دارد و به سوی خود و آمال خود سوق می‌دهد.

مراقبت و محاسبهٔ نفس

مراقبت و محاسبهٔ نفس در تشخیص راه خودخواهی و خداخواهی از جمله منازل سالکان است. خداوند ما و شما را در آن توفیق دهد. و چه بسا شیطان باطنی با ما پیران به گونه ای و با شما جوانان به گونه دیگری خدعه کند.

با ما پیران با سلاح یأس از حضور و یاد حاضر براند که‌هان از شماها گذشته و شماها اصلاح شدنی نیستید و ایّام جوانی که وقت کشت و درو بود رفت و در ایّام ضعف پیری و کهولت که قدرت اصلاح از دست رفته و ریشهٔ هواها و معاصی در تمام ارکان وجود نفوذ کرده و شاخه دوانده و تو را از لیاقت محضر او جلّ و علا انداخته و کار از کار گذشته، چه بهتر که این چند روز آخر عمر از دنیا استفادهٔ هر چه بیشتر کنی.

و گاه با ما پیران نیز مانند شما جوانان عمل می‌کند، به شما می‌گوید شما جوانید و در این فصل جوانی وقت تمتّع و لذّات است، اکنون مطابق شهوات خود رفتار کن، ان شاءالله در اواخر عمر راه توبه و باب رحمت خداوند باز است و خداوند ارحم‌الرّاحمین است، و هر چه گناهان بزرگتر و بیشتر باشد پشیمانی ورجوع به حق در آخر عمر زیادتر و توجه به خدای تعالی بیشتر و اتّصال به او جلّ و علا افزون‌تر

خواهد بود، چه بسیار مردم بوده‌اند که در جوانی بهره‌های جوانی را برده و در ایّام پیری تتمّه عمر را با عبادت و ذکر و دعا وزیارت ائمه علیهم السلام و توسّل به شفاعت آنان گذرانده و سعادتمند از دنیا رفته‌اند. به ما پیران نیز از این وسوسه‌ها می‌شود که معلوم نیست به این زودی بمیری، فرصت باقی است، چند روز آخر عمر توبه کن، علاوه باب شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله باز است و مولا امیرالمؤمنین علیه السلام نخواهد گذاشت دوستانش را عذاب کنند و در وقت مردن او را خواهی دید و از تو دستگیری خواهد کرد و از این مقوله‌های فراوان که به گوش انسان می‌خواند.

توبه برای جوانان آسان‌تر است

پسرم! اکنون با تو که جوانی صحبت می‌کنم. باید توجه کنی که برای جوانان توبه آسان تر و اصلاح نفس و تربیت باطن سریع تر می‌تواند باشد. در پیران هواهای نفسانی و جاه طلبی و مال دوستی و خود بزرگ بینی بسیار افزون‌تر از جوانان است، روح جوانان لطیف است و انعطاف پذیر و آن قدر که در پیران حبّ نفس و حبّ دنیا است، در جوانان نیست. جوان می‌تواند با آسانی نسبی خود را از شرّ نفس امّاره رها سازد و به معنویات گرایش پیدا کند. در جلسات موعظه و اخلاق آن قدر که جوانان تحت تأثیر واقع می‌شوند، پیران نمی‌شوند. جوانان متوجّه باشند و گول وسوسه‌های نفسانی و شیطانی را نخورند. مرگ به جوانان و پیران به یک گونه نزدیک است. کدام جوان می‌تواند اطمینان حاصل کند که به پیری می‌رسد و کدام انسان از حوادث دهر مصون است؟ حوادث روزانه به جوانان نزدیک‌تر است.

فرصت را از دست مده

پسرم! فرصت را از دست مده و در جوانی خود را اصلاح کن. پیران نیز باید بدانند که تا در این عالم هستند می‌توانند جبران تبهکاری‌ها و معصیت‌ها را بکنند و اگر از این جا منتقل شدند کار از دست آنان خارج است. دل بستن به شفاعت اولیاء علیهم السلام و تجرّی در معاصی از خدعه‌های بزرگ شیطانی است. شما به حالات آنان که دل به شفاعتشان بسته و از خدا بی‌خبر شده و به معاصی جرأت می‌کنید بنگرید، ناله‌ها و گریه‌ها و دعاها و سوز و گدازهای آنان را ببینید و عبرت بگیرید. در حدیث است که حضرت صادق علیه‌سلام الله در اواخر عمر، بستگان و فرزندان خود را احضار نمود و قریب به این مضمون به آنان فرمود که: «فردا با عمل باید در محضر خداوند بروید و گمان نکنید بستگی شما به من فایده دارد».

علاوه بر آن احتمال دارد که شفاعت نصیب آنان شود که با شفیع ارتباط معنویشان حاصل باشد و رابطهٔ الهی با آنان طوری باشد که استعداد برای نائل شدن به شفاعت داشته باشند و اگر این امر در این عالم حاصل نشود شاید بعد از تصفیه‌ها و تزکیه‌ها در عذاب‌های برزخ، بلکه جهنّم، لایق شفاعت شوند و خدا دانا است که اَمَد آنان تا چه اندازه است.

علاوه بر آن، آیاتی در قرآن کریم دربارهٔ شفاعت وارد شده است که با توجه به آنها نمی‌توان برای انسان آرامش پیدا شود، خداوند می‌فرماید: ﴿من ذاالذی یشفع عنده اِلاّ باذنه﴾[۱] و می‌فرماید: ﴿و لا یشفعون اِلاّ لمن ارتضی﴾[۲] و امثال آن، که در عین حال که شفاعت ثابت است لکن نصیب چه اشخاصی و چه گروهی و با چه

---

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۵: چه کسی، جز به فرمان او، می‌تواند در پیشگاهش به شفاعت برخیزد.

۲. سوره انبیا، آیه ۲۸: و هرگز شفاعت نمی‌کنند مگر آنان را که مورد رضایت (خدا) هستند.

شرایطی و در چه وقت شامل حال می‌شود، امری است که نمی‌توان انسان را مغرور و جری کند. امید به شفاعت داریم لکن این امید باید ما را به سوی اطاعت حق تعالی کشاند، نه معصیت.

با حقّ النّاس از این جهان نروی

پسرم! سعی کن که با حق النّاس از این جهان رخت نبندی که کار بسیار مشکل می‌شود. سر و کار انسان با خدای تعالی که ارحم الراحمین است بسیار سهل‌تر است تا سر و کار با انسانها. به خداوند تعالی پناه می‌برم از گرفتاری خود و تو و مؤمنین در حقوق مردم و سر و کار با انسان‌های گرفتار. و این نه به آن معنی است که در حقوق الله و معاصی سهل‌انگاری کنی، اگر آنچه از ظاهر بعض آیات کریمه استفاده می‌شود در نظر گرفته شود، مصیبت بسیار افزون می‌شود و نجات اهل معصیت به وسیلهٔ شفاعت، به گذشت مرحله‌های طولانی انجام می‌گیرد.

تجسّم اخلاق و اعمال و لوازم آنها و ملازمهٔ آنها با انسان، از مابعد موت تا قیامت کبری و از آن به بعد تا تنزیه و قطع رابطه به وسیله شدّت‌ها و عذاب‌ها در برازخ و جهنّم و عدم امکان ربط با شفیع و شمول شفاعت امری است که احتمال آن کمر انسان را می‌شکند و مؤمنان را به فکر اصلاح به طور جدّی می‌اندازد. هیچ کس نمی‌تواند ادّعا کند که قطع به خلاف این احتمال دارد مگر آنکه شیطان نفسش چنان بر او مسلّط باشد و با او بازی کند و راه حق را بر او ببندد که او را منکر روشن و تاریک کند. و چنین کوردلان بسیار هستند. خداوند منّان ما را از شرّ خودمان حفظ فرماید.

وصیت من به تو ای فرزندم آن است که مگذار خدای نخواسته فرصت از دستت برود و در اصلاح اخلاق و کردار خود بکوش هر چند با تحمل زحمت و ریاضت، و از علاقهٔ به دنیای فانی بکاه و در دو راهی‌هایی که برایت پیش آید راه حق

را انتخاب کن و از باطل بگریز و شیطان نفس را از خود بران.

با تمام توان در خدمت محرومین

و از امور مهمی که لازم است وصیت نمایم اعانت نمودن به بندگان خدا، خصوصاً محرومان و مستمندان که در جامعه‌ها مظلوم و بی‌پناهند، هر چه توان داری در خدمت اینان که بهترین زاد راه تو است و از بهترین خدمت‌ها به خدای تعالی و اسلام عزیز است به کار بر و هر چه توانی در خدمت مظلومان و حمایت آنان در مقابل مستکبران و ظالمان کوشش کن.

وظیفه دخالت در امور سیاسی و اجتماعی

دخالت در امور سیاسی سالم و اجتماعی یک وظیفه است در این حکومت اسلامی، و کمک به متصدّیان امر و دولت مردان وفادار به جمهوری اسلامی نیز یک وظیفهٔ اسلامی انسانی ملّی است که امیدوارم ملت شریف و بیدار از آن غفلت نکنند و همان گونه که تاکنون در صحنه حاضر بودند و هستند و باکمک آنان حکومت اسلامی و جمهوری می‌توانست استقرار و استدامه پیدا کند از این پس نسل حاضر و نسل‌های آینده با وفاداری بر آن و پشتیبانی از آن، هر چه بیشتر استقرار یابد و ادامه داشته باشد. و همه باید بدانیم که تا بر عهد خداوند تعالی باقی باشیم خداوند از ما پشتیبانی می‌فرماید و همان گونه که تاکنون توطئه‌های تبهکاران داخل و خارج را به طور معجزه آسا خنثی فرموده، از این پس إن‌شاءالله تعالی با تأییدات خود خنثی خواهد فرمود.

و امید است ارتش معظّم و سپاه پاسداران عزیز و بسیج و سایر نیروهای نظامی و انتظامی و مردمی طعم شیرین استقلال و خروج از اسارت ابرقدرت‌های عالم خوار

را چشیده باشند و آزادی خود را از اسارت اجنبی‌ها بر هر چیز و هر زندگی مرفّه ترجیح داده و عار وابستگی به قدرت‌های شیطانی را بر دوش خویش نکشیده و در میدان مردانگی و فرزانگی مرگ سرخ شرافتمندانه در راه هدف و خدا را بر زندگی ننگین ترجیح داده و راه انبیاء عظام و اولیای معظّم علیهم سلام الله و صلواته را انتخاب نمایند. از خداوند متعال عاجزانه خواستارم که این شور و شعف و عشق و علاقهٔ مرد و زن و بچهٔ و بزرگ ملت عزیز را هر چه بیشتر و آنان را در راه خدای بزرگ هر چه بیشتر پایدار فرماید و اسلام عزیز و احکام نورانی آن را در جهان گسترش دهند.

بزرگترین وصیّت در امور خانوادگی

پسرم! چند جمله هم در احوال شخصی و خانوادگی بگویم و پرگویی را خاتمه دهم: بزرگ‌ترین وصیت من به تو فرزند عزیز، سفارش مادر بسیار وفادار تو است. حقوق بسیار مادرها را نمی‌توان شمرد و نمی‌توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال‌ها عمر پدر متعهد ارزنده تر است. تجسّم عطوفت و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقهٔ رحمت عطوفت ربّ العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیّت خود آمیخته آن گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت کسی جز مادران درنیاید و این رحمت لایزال است که مادران را تحمّلی چون عرش در مقابل رنج‌ها و زحمت‌ها از حال استقرار نطفه در رحم و طول حمل و وقت زائیدن و از نوزادی تا به آخر، مرحمت فرموده؛ رنج‌هایی که پدران یک شب آن را تحمّل نکنند و از آن عاجز هستند. این که

در حدیث آمده است که «بهشت زیر قدمهای مادران است»[1] یک حقیقت است و این که با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هشیاری به فرزندان است که سعادت و جنّت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جستجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگهدارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران جستجو کنید. مادران گرچه همه نمونه‌اند لکن بعض آنان از ویژگی‌های خاصّی برخوردارند و من در طول زندگی با مادر محترم تو و خاطراتی که از او در شب‌هایی که با اطفال خود می‌گذراند و در روزها نیز دارم، او را دارای این ویژگی‌ها یافتم. اینک به تو ای فرزند و به سایر فرزندانم وصیّت می‌کنم که کوشش کنید در خدمت به او و در تحصیل رضایت او پس از مرگ من، همان گونه که او را از شماها راضی می‌بینم در حال زندگی و پس از من بیشتر در خدمتش بکوشید.

و به احمد، پسرم وصیّت می‌کنم که با ارحام و اقرباء خود خصوصاً خواهران و برادر و خواهرزادگان، با مهر و محبّت و صلح و صفا و ایثار و مراعات رفتار کند. و به همهٔ فرزندانم وصیّت می‌کنم که با هم یک دل و یک جهت باشند و با مهر و صفا رفتار نمایند و همه در راه خداوند و بندگان محروم او قدم بردارند که خیر و عافیت دنیا و آخرت در آن است. و به نور چشمی، حسین وصیّت می‌کنم که از اشتغال به تحصیل علوم شرعیه غفلت نکند و استعدادی را که خداوند به او مرحمت فرموده ضایع نکند و با مادر و خواهر خود با مهر و صفا عمل کند و دنیا را سبک شمارد و در جوانی راه مستقیم عبودیت را پیش گیرد.

---

۱. قال رسول الله (ص): الجنة تحت اقدام الامهات. کنزالعمال ۱۶: ٤٥٤٣٩/٤٦١.

آخرین وصیّت در امور خانوادگی

و آخرین وصیتم به احمد آن است که فرزندان خود را خوب تربیت کند و از کودکی با اسلام عزیز آشنا کند و مادر محترم مهربانشان را مراعات کند و خدمت‌گزار همهٔ فامیل و همهٔ متعلّقان خود باشد. سلام خداوند بر همهٔ صالحان. و از همه اقرباء خصوصاً فرزندانم تمنّا دارم که مرا از تقصیر و قصوری که دربارهٔ آنان کردم و اگر ظلمی نمودم ببخشند و از خداوند برایم طلب مغفرت و رحمت کنند، اِنه ارحم‌الراحمین. و از خداوند منّان عاجزانه می‌خواهم که بستگان مرا در راه سعادت و استقامت توفیق مرحمت فرماید و آنان را به رحمت واسعهٔ خود غریق نماید و اسلام و مسلمین را قدرت بخشد و دست مستکبران و ابرقدرتان ظالم را از ستمکاری قطع فرماید.

و السلام و الصلوة علی رسول الله خاتم النبیین و علی آله المعصومین، و لعنة‌الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین. چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ ٤ رجب ۱٤۰۲

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۲۰۷ تا ۲۲٦.

■ **نامه**

زمان: ۵خرداد۱۳۶۳/۲۴شعبان ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: اندرزهای اخلاقی-عرفانی مخاطب: طباطبایی، فاطمه[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطی که ز من نامهٔ عرفانی خواست از مورچه ای تخت سلیمانی خواست
گویی نشنیده«ما عرفناک»[2] از آنک به جبریل از او نفخهٔ رحمانی خواست

آخر پس از اصرار، مرا وادار کردی از آنچه قلبم ناآگاه است و از آن اجنبی هستم طوطی وار چند سطری بنویسم. و این در حالی است که ضعف پیری آنچه در چنته داشتم هر چند ناچیز بود به طاق نسیان سپرده و گرفتاری‌های ناگفتنی و نانوشتنی بر آن اضافه شده و کافی است که تاریخ این نوشتار بگویم تا معلوم شود در چه زمانی برای رد نکردن تقاضای تو شروع نمودم. شنبه ۲۴ شعبان المعظم ۱۴۰۴ - ۵خرداد ۱۳۶۳ خوانندگان در این تاریخ ملاحظه کنند اوضاع جهان و ایران را.

همهٔ دلها و جانها به سوی اویند

از کجا شروع کنم؟ بهتر آن است از فطرت باشد ﴿فطرة الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله﴾[3] در این جا به فطرت انسانها بسنده کرده، گرچه این خاصّهٔ خلقت است ﴿وان من شیءٍ الا یسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم﴾[4] همه گویند:

---

۱. همسر آقای سیداحمد خمینی.

۲. اشاره است به روایتی از رسول الله (صلی الله علیه و آله): «ما عبدناک حق عبادتک و ما عرفناک حق معرفتک». مرآة العقول ۸: ۱٤٦.

۳. سوره روم، آیه ۳۰: «فطرت الهی که مردم را بر آن آفرید، آفرینش خدا را دگرگونی نیست».

٤. سوره اسرا، آیه ٤٤: «هیچ موجودی نیست جز آن که او را به پاکی می‌ستاید، ولی شما تسبیحشان را نمی‌فهمید».

ما سمیعیم و بصیریم و هُشیم   با شما نامحرمان ما خامُشیم[۱]

ما نیز اکنون به عرفان فطری انسانها نظر می‌اندازیم و گوییم: در فطرت و خلقت، انسان امکان ندارد به غیر کمال مطلق توجه کند و دل ببندد، همهٔ جانها و دلها به سوی اویند و جز او نجویند و نخواهند جُست و ثناخوان اویند و ثنای دیگری نتوانند کرد، ثنای هر چیز ثنای اوست، گرچه ثناگو تا در حجاب است گمان کند ثنای دیگری می‌گوید، در تحلیل عقلی که خود حجابی است نیز چنین باشد.

آنکه کمال هر چه باشد می‌طلبد عشق به کمال مطلق دارد نه کمال ناقص. هر کمال ناقص محدود به عدم است و فطرت از عدم تنفّر دارد. طالب علم، طلب علم مطلق می‌کند و عشق به علم مطلق دارد و همچنین طالب قدرت و طالب هر کمال. به فطرت، انسان عاشق کمال مطلق است و در کمالهای ناقص آنچه می‌خواهد کمال آن است نه نقص، که فطرت از آن مُنزجر است، و حجابهای ظلمانی و نورانی است که انسان را به اشتباه می‌اندازد. شاعران و مدیحه سرایان گمان می‌کنند مدح فلان امیر قدرتمند یا فلان فقیه دانشمند را می‌کنند، آنان مدح و ثنای قدرت و علم را می‌کنند نه به طور محدود، گرچه گمان کنند محدود است. و این فطرت امکان تبدیل و تغییر ندارد ﴿لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم﴾.[۲]

کمال انقطاع، خروج از منزل خود و خودی

و تا انسان در حجاب خود است و به خود سرگرم است و خرق حُجُب حتی حجب نوری را نکرده، فطرتش محجوب است و خروج از این منزل علاوه بر مجاهدات، محتاج به هدایت حق تعالی. در مناجات مبارک شعبانیه می‌خوانی: «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ابصار

---

۱. مثنوی معنوی، دفتر سوم: ۴۳۳ / ۱۰۱۹.

۲. سوره روم، آیه ۳۰: «در آفرینش خدا تغییری نیست و این است آیین استوار حق».

القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمة و تصیر ارواحنا معلقة بعز قدسک. الهی و اجعلنی ممن نادیته فاجابک و لا حظته فصعق لجلالک فناجیته سراً».(۱)

این کمال انقطاع، خروج از منزل خود و خودی و هرچه و هر کس، و پیوستن به او است و گسستن از غیر، و هِبه‌ای(۲) الهی است به اولیای خُلّص پس از صعق(۳) حاصل از جلال که دنبال گوشهٔ چشم نشان دادن او است و لا حظته الخ. و ابصار قلوب تا به ضیاء نظره(٤) او نور نیابد، حُجُب نور خرق نشود و تا این حُجُب باقی است، راهی به معدن عظمت نیست و ارواح تعلق به عزّ قدس را در نیابند و مرتبت تَدَلّی(۵) حاصل نیاید ثم دنی فَتَدَلّی.(٦) و ادنی از این، فنای مطلق و وصول مطلق است.

صوفی ! ز ره عشق صفا باید کرد عهدی که نموده ای وفا باید کرد
تا خویشتنی به وصل جانان نرسی خود را به ره دوست فنا باید کرد

نجوای سرّی حق با بندهٔ خاص خود صورت نگیرد مگر پس از صعق واندکاک جبل هستی(۷) خود، رزقنا الله و ایّاک.

---

۱. بارالها، بریدگی کامل «از متعلقات» را برای توجه به خودت ارزانیم فرما، و چشم دلهایمان را بـه فـروغ نـظر کردن به خودت روشن گردان تا دیدگان دل پرده‌های نور را دریده، به معدن عظمت و جلال برسد و جانهایمان به عز قدس تو تعلق یابند. الها، مرا در شمار آنان قرار ده که صدایشان زدی پس پاسخت دادند و نیم نگاهی به آنان کردی پس در برابر جلال تو مدهوش شدند در نتیجه با آنان راز و نیاز سرّی کردی. اقبال الاعمال: ٦٨٧.

۲. بخشش.

۳. حالت بیهوشی و از خود بیخودی سالک.

٤. نیم نگاه.

۵. مرتبه و مقام فنای صفاتی است که پیش از فنای ذاتی و فنای مطلق حاصل شود.

٦. سوره نجم، آیه ۸: «آنگاه نزدیک و نزدیکتر شد».

۷. اشاره به مضمون آیه ۱٤۳ سوره اعراف: «فلما تـجلی ربـه للـجبل جـعله دکـا و خـر مـوسی صـعقا» چـون پروردگارش بر کوه تجلی کرد، کوه را خرد کرد و موسی بیهوش افتاد.

دور شدن از مقصد با سرگرمی به علوم

دخترم! سرگرمی به علوم حتی عرفان و توحید اگر برای انباشتن اصطلاحات است که هست و برای خود این علوم است، سالک را به مقصد نزدیک نمی‌کند که دور می‌کند العلم هو الحجاب الاکبر؛[۱] و اگر حق جویی و عشق به او انگیزه است که بسیار نادر است، چراغ راه است و نور هدایت العلم نورٌ یقذفه الله فی قلب من یشاء[۲] و برای رسیدن به گوشه ای از آن تهذیب و تطهیر و تزکیه لازم است، تهذیب نفس و تطهیر قلب از غیر او، چه رسد به تهذیب از اخلاق ذمیمه که رهیدن از آن بسیار مجاهده می‌خواهد، و چه رسد به تهذیب عمل از آنچه خلاف رضای او جلّ و علا است، و مواظبت به اعمال صالحه از قبیل واجبات که در رأس است و مستحبات به قدر میسور و به قدری که انسان را به عُجب و خودخواهی دچار نکند.

خودپسندی، ناشی از غایت جهل

دخترم! عُجب و خودپسندی از غایت جهل به حقارت خود و عظمت خالق است. اگر اندکی به عظمت خلقت به اندازه ای که تاکنون بشر با همهٔ پیشرفت علم به شمّه ای از آن آگاه شده است تفکر شود، حقارت خود و همهٔ منظومه‌های شمسی و کهکشانها را ادراک می‌کند و عظمت خالق آنها را اندکی می‌فهمد و از عُجب و خودبینی و خودپسندی خود اظهار خجلت و احساس جهالت می‌نماید. در قصهٔ حضرت سلیمان نبی الله علیه السلام می‌خوانیم آنگاه که از وادی نمل می‌گذرد: قالت نملة یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان و جنوده و هم لا یشعرون.[۳]

---

۱. علم خود بزرگترین حجاب است.

۲. علم نوری است که خدا در دل هر که بخواهد می افکند. بحارالانوار ۱: ۲۲۵/۱۷.

۳. سوره نمل، آیه ۱۸: «مورچه ای گفت: ای مورچگان به خانه های خود اندر شوید مبادا سلیمان و سپاهیانش ندانسته شما را پایمال کنند».

نمله، سلیمان نبی با همراهانش را به عنوان لا یشعرون توصیف کند و هُدهُد به او می‌گوید: احطت بمالم تحط به.[۱] و کوردلان نطق نمله و طیر را نمی‌توانند تحمل کنند، چه رسد به نطق ذرات وجود و آنچه در آسمانها و زمین است که خالق آنان می‌فرماید:... الّا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم.[۲]

انسان که خود را محور خلقت می‌بیند هر چند انسان کامل چنین است ـ در نظر سایر موجودات معلوم نیست چنین باشد، و بشر رشد نیافته چنین نیست مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار.[۳] این مربوط به رشد علمی به استثنای تهذیب است و در وصف او کالانعام بل هم اضل[٤] آمده است.

خودبینی و جهان بینی و نظر به غیر او، از مراتب کفر

دخترم! پیمبران مبعوث شدند تا رشد معنوی به بشر دهند و آنان را از حجابها برهانند، افسوس که شیطان قسم خورده به دست اذناب خود نگذاشت آنچه آنان می‌خواهند تحقق یابد فبعزتک لاغوینهم اجمعین.[۵] ما همه خوابیم و گرفتار حجابها الناس نیام و اذا ماتوا انتبهوا.[٦] گویی جهنم محیط به ما است و خدر[۷] طبیعت مانع از

---

۱. سوره نمل، آیه ۲۲: «من بر آنچه تو از آن آگاه نشده ای آگاهی یافتم».

۲. سوره إسراء، آیه ٤٤: «هیچ موجودی نیست مگر آنکه ستایش او تسبیح گویی خداست، لکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید».

۳. سوره جمعه، آیه ٥: «وصف حال آنان که تحمل (علم) تورات کرده و خلاف آن عمل نمودند در مثل به درازگوش مانند».

٤. سوره اعراف، آیه ۱۷۹: «مانند چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند».

٥. سوره ص، آیه ۸۲: «به عزت تو سوگند که همگی آنها را گمراه خواهم کرد».

٦. مردم در خوابند و چون بمیرند بیدار شوند. بحارالانوار ٤: ۱۸/٤۳.

۷. پرده، حجاب.

شهود و احساس است وان جهنم لمحیطة بالکافرین.[۱] و کفر مراتب بسیار دارد، خودبینی و جهان بینی و نظر به جز او نیز از مراتب آن است. نخستین سوره قرآن را اگر با تدبر و چشمی غیر از این چشم‌انداز حیوانی بنگریم و بی‌حجابهای ظلمانی و نورانی به او برسیم، چشمه‌های معارف به قلب سرازیر شود، ولی افسوس که از افتتاح آن نیز بی‌خبریم. آن راکه خبر شد خبرش باز نیامد.[۲]

تدبّر در قرآن، مایه هدایت به مقامات والاتر

من قائل بی‌خبر و بی‌عمل به دخترم می‌گویم در قرآن کریم این سرچشمهٔ فیض الهی تدبر کن هر چند صرف خواندن آن که نامهٔ محبوب است به شنوندهٔ محجوب آثاری دلپذیر دارد، لکن تدبر در آن انسان را به مقامات بالاتر و والاتر هدایت می‌کند ﴿افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها﴾.[۳] و تا این قفل و بندها باز نگردد و به هم نریزد، از تدبر هم آنچه نتیجه است حاصل نگردد. خداوند متعال پس از قسم عظیم می‌فرماید: ﴿انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون﴾[٤] و سر حلقهٔ آنها آنان هستند که آیهٔ تطهیر در شأنشان نازل گردیده.

شکستن اقفال برای رسیدن به سرچشمهٔ نور

تو نیز مأیوس نباش،که یأس از اقفال بزرگ است، به قدر میسور در رفع حُجُب و شکستن اقفال برای رسیدن به آب زلال و سرچشمهٔ نور کوشش کن. تا جوانی در

---

۱. سوره توبه، آیه ٤۹ و سوره عنکبوت، آیه ٥٤: «همانا، جهنم فراگیرنده کافران است».

۲. این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند کانراکه خبر شد خبری بازنیامد کلیات سعدی: ۳۰، دیباچه گلستان.

۳. سوره محمد، آیه ٢٤: «آیا در قرآن اندیشه و تدبر نمی‌کنند یا بر دلهایشان قفلها است».

٤. سوره واقعه، آیات ۷۷ ـ ۷۹: «آن (چه بر تو خواندیم) قرآنی است گرامی، در کتابی پوشیده، که جز پاکان کس بدان دست نزند».

دست تو است کوشش کن در عمل و در تهذیب قلب و در شکستن اقفال و رفع حُجُب، که هزاران جوان که به افق ملکوت نزدیکترند موفق می‌شوند و یک پیر موفق نمی‌شود.

قید و بندها و اقفال شیطانی اگر در جوانی غفلت از آنها شود، هر روز که از عمر بگذرد ریشه دارتر و قویتر شوند.

درختی که اکنون گرفتست پای به نیروی شخصی برآید ز جای
گرش همچنان روزگاری هلی[1] به گردونش از بیخ بر نگسلی[2]

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناکتر از آن، آن است که به انسان وعدهٔ اصلاح در آخر عمر و زمان پیری می‌دهد و تهذیب و توبهٔ الی الله را به تعویق می‌اندازد برای زمانی که درخت فساد و شجرهٔ زقّوم قوی شده و اراده و قیام به تهذیب، ضعیف، بلکه مرده است.

زبان قرآن زبان دیگری است

از قرآن دور نیفتم، در این مخاطبهٔ بین حبیب و محبوب و مناجات بین عاشق و معشوق اسراری است که جز او و حبیبش کسی را بر آن راه نیست و امکان راه یافتن نیز نمی‌باشد. شاید حروف مقطّع در بعض سور مثل «الم»، «ص»، «یس» از این قبیل باشد، و بسیاری از آیات کریمه که اهل ظاهر و فلسفه و عرفان و تصوّف هر یک برای خود تفسیر یا تأویلی کنند نیز از همان قبیل است گرچه هر طایفه به قدر ظرفیت خود حظّی دارد یا خیالی. و شمّه‌ای از این اسرار به وسیلهٔ اهل بیت وحی که از سرچشمهٔ جوشان وحی بر آنان جاری شده، به دیگران به قدر استعداد می‌رسد و گویی بیشتر

---

۱. واگذاری.

۲. کلیات سعدی: ٤٠، باب اول، حکایت ٤.

مناجاتها و ادعیه برای این امر انتخاب شده است. آنچه در ادعیه و مناجات معصومین علیهم صلوات الله و سلامه می‌یابیم، در اخبار که اکثراً به زبان عرف و عموم است کمتر یافت می‌شود. ولی زبان قرآن زبان دیگری است، زبانی است که هر عالم و مفسّری خود را با آن آشنا می‌داند و آشنا نیست. قرآن کریم از کتبی است که معارف آن بی‌سابقه است و تصور بسیاری از معارف آن از تصدیقش مشکلتر است. چه بساکه با برهان فلسفی و دید عرفانی مطلبی را بتوان ثابت کرد ولی از تصور آن عاجز بود. تصور ربط حادث به قدیم که در قرآن کریم در تعبیرات گوناگونی از آن یاد فرموده است، و کیفیت معیّت حق با خلق که بعضی گویند «معیّت قیّومی»[1] است که تصور آن حتی برای آن گویندگان از معضلاتست، و ظهور حق در خلق و حضور خلقت نزد حق و اقربیّت او جلّ و علا از حبل الورید به مخلوق و مفاد ﴿الله نور السموات و الارض﴾[2] ﴿و هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن﴾[3] و ﴿ما یکون من نجوی ثلثة﴾[4] و ﴿ایاک نعبد و ایاک نستعین﴾[5] و امثال اینها که گمان نکنم جز بر مخاطب و به تعلیم او به نزدیکانش که اهل اینگونه مسائل بوده‌اند، تصورش تحقق یافته باشد. و راه یافتن به روزنه ای از آن، مجاهدت مشفوع با تهذیب لازم دارد. افسوس که عمر این شکسته قلم گذشت و

از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد
جز حرف دلخراش پس از آن همه خروش

---

۱. یعنی همه آفرینش، قائم به حق و صرف وابستگی به او هستند.

۲. سوره نور، آیه ۳۵: «خدا نور آسمانها و زمین است».

۳. سوره حدید، آیه ۳: «اوست اول و آخر و پیدا و پنهان».

٤. سوره مجادله، آیه ۷: «سه تن پنهانی راز نگویند . . .».

٥. سوره فاتحه، آیه ٥: « (پروردگارا) فقط تو را می‌پرستیم و از تو یاری می‌جوییم».

جوانی بهار یافتن است

و امروز از جوانی که بهار یافتن است خبری نیست و بافته‌های سابق را جز مشتی الفاظ نمی‌بینم، و به تو و سایر جوانها که طالب معرفتند وصیت می‌کنم که شما و همهٔ موجودات جلوهٔ اویند و ظهور وی‌اند، کوشش و مجاهدت کنید تا بارقه‌ای از آن را بیابید و در آن محو شوید و از نیستی به هستی مطلق رسید.

پس عدم گردم عدم چون ارغنون　　گـویدم کِـانّا الیـه راجـعون[1]

دنیا و هر چه در آن است جهنم است

دخترم! دنیا و هر چه در آن است جهنم است که باطنش در آخر سیر ظاهر شود و ماورای دنیا تا آخر مراتب بهشت است که در آخر سیر پس از خروج از خدر طبیعت ظاهر شود و ما و شما و همه، یا حرکت به سوی قعر جهنم می‌کنیم یا به سوی بهشت و ملأ اعلا.

در حدیث است که روزی پیمبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در جمع صحابه نشسته بودند، ناگهان صدای مهیبی آمد، عرض شد: این صدا چه بود؟ فرمود: «سنگی از لب جهنم افتاد و پس از هفتاد سال اکنون به قعر جهنم رسید»[2] اهل دل گفتند: در آن حال شنیدیم مرد کافری که هفتاد سال داشت اکنون درگذشت و به قعر جهنم رسید.[3]

ما همه در صراط هستیم و صراط از متن جهنم عبور می‌کند،[4] باطنش در آن عالم ظاهر می‌شود. و در این جا هر انسانی صراطی مخصوص به خود دارد و در حال

۱. مثنوی معنوی، دفتر سوم: ۳۹۰۷/۵۷۶.

۲. علم الیقین ۲: ۱۰۰۲؛ مسند احمد ۲: ۳۷۱.

۳. الفتوحات المکیه ۱: ۲۹۸؛ علم الیقین ۲: ۱۰۰۲.

٤. ان الصراط جسر علی متن جهنم یمر علیه الخلائق. علم الیقین ۲: ۹٦۷.

سیر است؛ یا در صراط مستقیم که منتهی بـه بـهشت مـی‌شود و بـالاتر، و یـا صـراط منحرف از چپ یا منحرف به سوی راست که هر دو به جهنم منتهی می‌شوند. و ما از خداوند منّان آرزوی صراط مستقیم می‌کنیم: ﴿اهدنا الصراط المستقیم، صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم﴾[۱] که انحراف از یک سو است و لا الضالین[۲] که انحراف از سوی دیگر. و این حقایق در حشر به طور عیان مشهود می‌شود.

صراط جهنم که در توصیف آن از حیث دقت و حدّت و ظلمت نقل گـردیده است،[۳] باطن صراط مستقیم در این جهان است. چه بسیار راه دقیق و ظلمانی است و چه مشکل است عبور از آن برای ما واماندگان، آنان کـه بـی‌هیچ انـحراف راه را طـیّ نمودند جُزنا وهی خامدة[٤] گویند و هر کس به اندازهٔ سیرش در این صراط در آن جا نیز همین سیر منعکس گردد.

رحیل بسیار نزدیک است

غرورها و امیدهای کاذب شیطانی را کنار گذار و کوشش در عمل و تهذیب و تربیت خود کن که رحیل بسیار نزدیک است و هر روز که بگذرد و غافل باشی دیـر است. بازگو مکن که تو خود چرا مهیّا نیستی انظر الی ما قال و لا الی من قال[٥] من هر چه هستم برای خود هستم و همه نیز چنین. جهنم و بهشت هر کس نتیجهٔ اعمال او

۱. سوره فاتحه، آیات ۷۵: «(پروردگارا) ما را به راه راست هدایت فرما، راه آنان که به آنها نـعمت دادی، نـه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی و نه راه گمگشتگان».

۲. سوره فاتحه، آیات ۷۵: «(پروردگارا) ما را به راه راست هدایت فرما، راه آنان که به آنها نـعمت دادی، نـه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی و نه راه گمگشتگان».

۳. بحارالانوار ۸: ٦٤ ۷۱. حِدَّت: تیزی.

٤. ما از جهنم عبور کردیم در حالی که جهنم خاموش بود. علم الیقین ۲: ۹۷۱.

٥. به گفته بنگر نه به گوینده. غررالحکم و درر الکلم ۱: ۳۹٤/۱۱.

است، هر چه کشتیم درو می‌کنیم.

فطرت و خلقت انسان بر استقامت و نیکی است. حُبّ به خیر سرشت انسانی است، ما خود این سرشت را به انحراف می‌کشانیم و ما خود حُجُب را می‌گسترانیم و تارها را بر خود می‌تنیم.

این شیفتگان که در صراطند همه — جوینده چشمهٔ حیاتند همه
حق می‌طلبند و خود ندانند آن را — در آب به دنبال فُراتند همه

انباشتن علوم بدون انگیزه الهی، موجب افزایش حجابها

شب گذشته اسماء کتب عرفانی را پرسیدی، دخترم! «در رفع حُجُب کوش نه در جمع کتب»،[۱] گیرم کتب عرفانی و فلسفی را از بازار به منزل و از محلی به محلی انتقال دادی یا آنکه نفس خود را انبار الفاظ و اصطلاحات کردی و در مجالس و محافل آنچه در چنته داشتی عرضه کردی و حضار را فریفتهٔ معلومات خود کردی و با فریب شیطانی و نفس امارهٔ خبیثتر از شیطان محمولهٔ خود را سنگین تر کردی و با لعبهٔ ابلیس مجلس آرا شدی و خدای نخواسته غرور علم و عرفان به سراغت آمد که خواهد آمد، آیا با این محموله‌های بسیار به حُجُب افزودی یا از حُجُب کاستی؟ خداوند عزّ و جلّ برای بیداری علما آیهٔ شریفهٔ مثل الذین حملوا التورية[۲] را آورده تا بدانند انباشتن علوم گرچه علم شرایع و توحید باشد از حُجُب نمی‌کاهد، بلکه افزایش دهد، و از حُجُب صغار او را به حُجُب کبار می‌کشاند. نمی‌گویم از علم و عرفان و فلسفه بگریز و با جهل عمر بگذران، که این انحراف است، می‌گویم کوشش

---

۱. تمام این شعر جامی اینچنین است:

در رفع حُجُب کوش نه در جمع کتب — از جمع کتب نمی‌شود رفع حُجُب

۲. سوره جمعه، آیه ۵: «مثل کسانی که تورات به آنها داده شده و بدان عمل نمی‌کنند مثل آن خر است که کتابهایی را حمل می‌کند».

و مجاهده کن که انگیزهٔ الهی و برای دوست باشد و اگر عرضه کنی، برای خدا و تربیت بندگان او باشد نه برای ریا و خودنمایی که خدای نخواسته جزء علمای سوء شوی که بوی تعفّنشان اهل جهنم را بیازارد.[۱]

الهی شدن همهٔ اعمال

آنان که او را یافتند و عشق او دارند انگیزه‌ای جز او ندارند و با این انگیزه همهٔ اعمالشان الهی است، جنگ و صلح و شمشیر زدن و نبرد کردن و هر چه تصور کنی ضربة عليٍّ يوم الخندق افضل من عبادة الثقلين.[۲] اگر انگیزه الهی نبود گرچه فتح بزرگ از آن حاصل شود پشیزی فضیلت ندارد. گمان نشود که مقام اولیا خصوصاً ولی‌الله اعظم ـ علیه و علی اولاده الصلوات و السلام ـ به اینجا ختم می‌شود، قلم جرأت ندارد که پیش رود و بیان طاقت ندارد که شرح دهد و با محجوبان، ما محجوبان چه گوییم و خود ما چه می‌دانیم که گوییم و آنچه هست گفتنی نیست و از افق وجود ما برتر است، ولی باشد که یاد حبیب و ذکر او در دل و جان اثری کند هر چند از آن خبری دریافت نشود، همچون عاشق بی‌سوادی که به سوادنامهٔ محبوب نظر کند و دل خوش دارد که این نامهٔ محبوب است و همچون پارسی زبانِ پریشانِ عربی ندانی که قرآن کریم را خوانَد و چون از اوست لذّت بَرَد و حالی به او دست دهد که هزاران بار بهتر از ادیب دانشمندی است که به اِعراب و مزایای ادبی و بلاغت و فصاحت قرآن سر خود را گرم کند، و فیلسوف و عارفی است که به مسائل عقلی و ذوقی آن بیندیشد و از محبوب غافل باشد چون مطالعهٔ کُتب فلسفی و عرفانی که به محتوای کتاب مشغول و به گویندهٔ آن کاری ندارد.

---

۱. اشاره است به روایتی از رسول الله صلی الله علیه و آله که در آن آمده است: «و ان اهل النار ليتأذون بريح العالم التارک لعلمه ...». اصول کافی ۱: ۱/٤٤.

۲. ضربتی که علی علیه السلام در روز خندق بر عمرو بن عبدود وارد کرد برتر از عبادت جن و انس است. بحارالانوار ۳۹: ۱ ـ ۲.

موضوع فلسفه و عرفان

دخترم! موضوع فلسفه، مطلق وجود است از حق تعالی تا آخرین مراتب وجود، و موضوع علم عرفان و عرفان علمی وجود مطلق است یا بگو حق تعالی است و بحثی به جز حق تعالی و جلوهٔ او که غیر او نیست ندارد. اگر کتابی یا عارفی بحث از چیزی غیر حق کند نه کتاب عرفان است و نه گوینده عارف است، و اگر فیلسوفی در وجود به آنطور که هست نظر کند و بحث نماید نظرش الهی و بحثش عرفانی است و همهٔ اینها غیر از ذوق عرفانی است که از بحث به دور است و غیر، از آن مهجور، تا چه رسد به شهود وجدانی و پس از آن نیستی در عین غرق در هستی «اِدْفَعِ السِّراج که شمس طالع شد».[1]

تأسف دائمی و ابدی

دخترم! شنیدم می‌گفتی: می‌ترسم ایام امتحان متأسف شوم که چرا کار نکردم در روزهای تعطیل. این تأسف و امثال آن هر چه هست سهل است و زودگذر، آن تأسف دائمی و ابدی است که چون به خود آیی توجه کنی که همه چیز را می‌بینی جز او و آن روز پرده‌ها افتادنی و حجابها برداشتنی نیست.

امیرالمؤمنین در دعای کمیل عرض می‌کند: «فهبنی یا الهی و سیدی و مولای و ربی صبرت علی عذابک فکیف اصبر علی فراقک».[2] من کوردل تاکنون نتوانستم این فقره و بعض فقرات دیگر این دعای شریف را به جدّ بخوانم بلکه آن را از زبان

---

۱. فقره آخر «حدیث حقیقت» روایت شده از کمیل بن زیاد که از علی علیه السلام پرسید: حقیقت چیست و چون پس از چند پرسش و پاسخ مطلب را دریافت، عرض کرد: أَطفیء (ادفع) السراج فقد طلع الصبح. چراغ را خاموش کن که صبح طلوع کرد و آشکار شد. جامع الاسرار و منبع الانوار: ۲۹.

۲. ای معبودم و آقایم و مولایم و پروردگارم، گیرم که صبر کردم بر عذابت، اما چگونه صبر کنم بر فراقت. اقبال الاعمال: ۷۰۸.

علی علیه السلام می‌خوانم و ندانم آن چیست که صبر بر آن از عذاب خدا در جهنم مشکلتر است؛ آن عذابی که تطلع علی الافئدهٔ؟[1] گویی «عذابک» همان «نارُالله»[2] است که فؤاد را می‌سوزاند. شاید این عذاب فوق عذاب جهنم باشد ما کوردلان نمی‌توانیم این معانی فوق فهم بشری را ادراک و تصدیق کنیم، بگذار و بگذاریم آنها را برای اهلش که بسیار کم است.

آثار کتابهای فلسفی و عرفانی

در هر حال کُتُب فلسفی خصوصاً از فلاسفهٔ اسلام و کُتُب اهل حال و عرفان هر کدام اثری دارد. اوّلی‌ها، انسان را ولو به طور دورنما آشنا می‌کند با ماوراء طبیعت، و دوّمی‌ها خصوصاً بعضی از آنها چون «منازل السائرین»[3] «مصباح الشریعه»[4] که گویی از عارفی است که به نام حضرت صادق علیه السلام به طور روایت نوشته است، دلها را مهیّا می‌کنند برای رسیدن به محبوب و از همه دل انگیزتر مناجات و ادعیهٔ ائمهٔ مسلمین است که راهبرند به سوی مقصود نه راهنما، و دست انسان حقجو را می‌گیرند و به سوی او می‌برند، افسوس و صد افسوس که ما از آنها فرسنگها دور هستیم و مهجور.

---

۱. سوره همزه، آیه ٧٦: «آتش برافروخته خدا، که بر دلها سر بر می‌کشد».

۲. سوره همزه، آیه ٧٦: «آتش برافروخته خدا، که بر دلها سر بر می‌کشد».

۳. کتاب منازل‌السائرین کتابی است در عرفان و سیر و سلوک عملی از خواجه عبدالله انصاری (٣٩٦ـ٤٨١). این کتاب دارای دو شرح مهم می‌باشد از ملا عبدالرزاق کاشانی و عفیف الدین تلمسانی، که هر دو به طبع رسیده‌اند.

٤. مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه کتابی است در معارف و مواعظ و اخلاق، مشتمل بر صد باب که هر باب با جمله «قال الصادق علیه السلام» شروع می‌شود. درباره اعتبار و مؤلف آن، اقوال مختلفی ذکر شده است، جمعی از بزرگان امامیه از جمله: سید بن طاووس، ابن فهد حلی، علامه مجلسی، شهید ثانی، ملا محسن فیض کاشانی، کفعمی، ملا مهدی نراقی ـ رضوان الله تعالی علیهم ـ بدان رجوع و استناد کرده‌اند.

مقامات عارفین و صالحین را انکار نکن

دخترم! سعی کن اگر اهلش نیستی و نشدی، انکار مقامات عارفین و صالحین را نکنی و معاندت با آنان را از وظایف دینی نشمری، بسیاری از آنچه آنان گفته‌اند در قرآن کریم به طور رمز و سربسته، و در ادعیه و مناجات اهل عصمت بازتر، آمده است و چون ما جاهلان از آنها محرومیم با آن به معارضه برخاستیم. گویند صدر المتألّهین دید در جوار حضرت معصومه سلام الله علیها شخصی او را لعن می‌کند، پرسید: چرا صدر را لعن می‌کنی؟ جواب داد: او قائل به وحدت واجب الوجود است، گفت: پس او را لعن کن! این امر اگر قصه هم باشد حکایت از یک واقعیت دارد. واقعیت دردناکی که من خود قصه‌هایی را دیده یا شنیده ام که در زمان ما بوده است.

من نمی‌خواهم تطهیر مدعیان را بکنم که: «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد».[1] می‌خواهم اصل معنی و معنویت را انکار نکنی، همان معنویتی که کتاب و سنّت نیز از آن یاد کرده‌اند و مخالفان آن یا آنها را نادیده گرفته و یا به توجیه عامیانه پرداخته‌اند. و من به تو توصیه می‌کنم که اول قدم، بیرون آمدن از حجاب ضخیم انکار است که مانع هر رشد و هر قدم مثبت است. این قدم کمال نیست، لکن راهگشای به سوی کمال است چنانچه «یقظه» را که در منازل سالکان اول منزل محسوب شده است[2] از منازل نتوان شمرد، بلکه مقدمه و راهگشای منازل سالکین است. در هر صورت با روح انکار نتوان راهی به سوی معرفت یافت.

آنان که انکار مقامات عارفان و منازل سالکان کنند، چون خودخواه و خودپسند هستند هرچه را ندانستند حمل به جهل خود نکنند و انکار آن کنند تا به خودخواهی و خودبینی شان خدشه وارد نشود «مادر بتها بت نفس شماست»[3] تا

---

۱. نقد صوفی نه همه صافیِ بی‌غش باشد   ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد. دیوان حافظ: ۲۸۰.

۲. شرح منازل السائرین، عبدالرزاق کاشانی: ۳٤.

۳. مادر بتها بت نفس شماست   زان که آن بت مار و این بت اژدهاست. مثنوی معنوی دفتر اول: ٤۹.

این بت بزرگ و شیطان قوی از میان برداشته نشود راهی به سوی او جلّ و علا نیست، و هیهات که این بت شکسته و این شیطان رام گردد. از معصوم نقل شده که: شیطانی آمن بیدی[۱] از این نقل معلوم شود که هر کس را هر چه بزرگ مرتبت باشد شیطانی است و اولیای خدا موفق شده‌اند به مهار کردن بلکه مؤمن نمودن آن.

توبه و استغاثه

می‌دانی شیطان با پدر بزرگ ما آدم صفیُّ الله چه کرد؟ او را از جوار حق فرو کشید و پس از وسوسهٔ شیطان و نزدیکی به شجره که شاید نفس باشد یا بعض مظاهر آن فرمان اهبطوا[۲] رسید و منشأ همهٔ فسادها و عداوتها شد، آدم علیه السلام با دستگیری حق تعالی توبه کرد و خداوند او را صفیّ خود فرمود، من و تو نیز که مبتلای به شجرهٔ ابلیسیه هستیم باید توبه کنیم و از حق جلّ و علا در خلوت و جلوت بخواهیم با استغاثه که دست گیرد به هر وسیله که خواهد و ما را نیز به توبه رساند بلکه از اصطفاء آدمی بهره ای گیریم. و این نتواند بود مگر با مجاهدت و ترک شجرهٔ ابلیس با همهٔ شاخه‌ها و اوراق و ریشه‌های آن که در وجود ما منتشر و هر روز محکمتر و توسعه دارتر می‌شود.

با تعلّق به شجرهٔ خبیثه و شاخه‌ها و ریشه‌های آن بی‌شک نتوان راهی به مقصد پیدا کرد و ابلیس همین تهدید را کرد و بسیار موفق بود. و جز معدودی از عبادالله صالحین و نیز اولیای مقربین علیهم السلام از حیله‌های شیطان و نفس خبیث مظهر ابلیس کس نتواند گریزد و اگر بتواند، از همهٔ شاخه‌ها و ریشه‌های دقیق و بسیار

---

۱. «شیطان من، به دست من ایمان آورد». روایت شده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما منکم الا و له شیطان» هر یک از شما شیطانی دارد، از حضرت پرسیدند: آیا تو نیز شیطان داری؟ فرمود: «من نیز شیطان دارم لکن شیطان من، بدست من ایمان آورد». علم الیقین ۱: ۲۸۲، کنز العمّال ۱: ۱۲٤۳/۲٤۷.

۲. سوره بقره، آیه ۳٦: «فرود آیید».

پیچیدهٔ او نتواند مگر با دستگیری خداوند متعال آنطور که صفیّ الله را رهاند ولی ما کجا و آن استعداد برای قبول کلمات.

آیهٔ کریمه در این باب شایان تفکر بسیار است چه که می‌فرماید: فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه[1] نفرموده: و القی الیه کلمات، گویی با سیر إلیه کلمات را دریافت نموده است گرچه اگر «القی الیه» هم بود، بی‌سیر کمالی، قبول امکان نداشت. و باید در آیهٔ دیگر که راجع به همین قضیه اشاره فرموده نیز تفکر کرد، می‌فرماید: فلما ذاقا الشجرة[2] گویی ذوقی و طعمی بیشتر نبوده با این وصف چون از مثل ابوالبشر بوده آن پیامدها را داشته. حال باید وضع خود را بنگریم که به تحقیق، به همهٔ شاخه‌ها و برگها و ریشه‌های شجره پیوند خوردیم.

یکی از آفات بر سر راه سلوک

دخترم! آفات زیاد بر سر راه است. هر عضو ظاهر و باطن ما آفتها دارد که هر یک حجابی است که اگر از آنها نگذریم به اول قدم سلوک إلی الله نرسیدیم. من که خود مبتلا هستم و جسم و جانم ملعبهٔ شیطان است، به بعض آفات این عضو کوچک و این زبان سرخ که سرسبز را به باد دهد و آنگاه که ملعبهٔ شیطان است و آلت دست او، جان و روح و فؤاد را تباه کند، اشاره می‌کنم:

از این دشمن بزرگ انسانیت و معنویت غافل مشو، گاهی که در جلسات اُنس با دوستان هستی خطاهای بزرگ این عضو کوچک را آنقدر که می‌توانی شمارش کن و ببین با یک ساعت عمر تو که باید صرف جلب رضای دوست شود چه می‌کند و چه مصیبتها به بار می‌آورد که یکی از آنها غیبت برادران و خواهران است، ببین با آبروی

---

۱. سوره بقره، آیه ۳۷: «پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت که موجب پذیرفتن توبه او گردید».

۲. سوره اعراف، آیه ۲۲: «چون از آن درخت چشیدند».

چه اشخاصی بازی می‌کنی و چه اسراری را از مسلمانان روی دایره می‌ریزی و چه حیثیاتی را خدشه‌دار می‌کنی و چه شخصیتهایی را می‌شکنی؟ آنگاه این جلسهٔ شیطانی را مقیاس بگیر و ملاحظه کن در یک سال در همین امر پیش پا افتاده چه کردی و در پنجاه شصت سال دیگر چه خواهی کرد و چه مصیبتها برای خود به بار خواهی آورد، در عین حال آن را کوچک می‌شماری، و این کوچک شمردن از حیله‌های ابلیس است که خداوند به لطف خود ما را همگی از آن مصون دارد.

دخترم! نگاهی کوتاه به آنچه دربارهٔ غیبت و آزار مؤمنین و عیب جویی و کشف سرّ آنان و تهمت آنان وارد شده، دلهایی را که مهر شیطان بر آنها نخورده می‌لرزاند و زندگی را بر انسان تلخ می‌کند، اینک برای علاقه ای که به تو و احمد دارم توصیه می‌کنم از آفات شیطانی خصوصاً آفتهای بسیار زبان خودداری کنید و همّت به نگهداری آن کنید، البته در آغاز قدری مشکل است، لکن با عزم و اراده و تفکر در پیامدهای آن آسان می‌شود. از تعبیر بسیار تعبیر[1] کنندهٔ قرآن کریم عبرت بگیر که می‌فرماید: و لا یغتب بعضکم بعضاً ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتاً.[2] شاید اِخبار از صورت برزخیّه عمل می‌دهد و شاید حدیثی که از حضرت سیدالموحدین منقول است در موعظه‌های بسیاری که به نوف البکالی فرموده است اشاره به همین امر باشد به حسب یک احتمال، در آن حدیث است که نوف طلب موعظه کرد از مولا و ایشان فرمودند: اجتنب الغیبة فانها ادام کلاب النار، ثم قال: یا نوف کذب من زعم انه ولد من حلال و هو یاکل لحوم الناس بالغیبة.[3] و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و

۱. عیب چیزی را آشکار کردن وبدی آن را گفتن.

۲. سوره حجرات، آیه ۱۲: «غیبت یکدیگر نکنید آیا هیچ یک از شما دوست دارد گوشت برادر مرده خود را بخورد».

۳. از غیبت بپرهیز که خورش سگهای جهنم است، سپس فرمود: ای نوف! دروغ می‌گوید کسی که با غیبت، گوشت مردم را می‌خورد و خود را حلال زاده می‌داند. بحارالانوار ۷۲: ۱۳/۲٤۸.

سلم نقل شده که فرمود. و هل یکبّ الناس فی النار یوم القیمة إلا حصائد السنتهم.[۱] از این حدیث و حدیثهایی که کم نیست استفاده می‌شود کـه جـهنم صـورت بـاطنی اعمال ما است.

بارالها! ما را و این خانمان را و خانواده‌های مربوط به مـا را از آفـات شـیطانی نجات مرحمت فرما و ما را از کسانی که آزار مسلمانان به زبان و عمل خود نموده‌اند قرار مده.

این چند صفحه را به تقاضای فاطی نوشتم و من خود اعتراف می‌کنم که خود نتوانستم از مکاید[۲] شیطان بگریزم، امید است فاطی که نعمت جوانـی را دارد ایـن توفیق را پیدا کند. والسلام علی عبادالله الصالحین. ۱۲ شهر رمضان المبارک ۱۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. آیا روز قیامت مردمان را چیزی جز آنچه که زبانشان درو کرده در آتش می افکند. اصول کافی ۲: ۱۱۵/٤.

۲. دامها.

۳. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤٤٢ تا ٤٥٧.

▣ نامه

زمان: ۲۶تیر ۱۳۶۳/۱۷شوال ۱۴۰۴
مکان: تهران، جماران
موضوع: اندرزهای اخلاقی-عرفانی
مخاطب: خمینی، سیداحمد

بسم الله الرحمن الرحیم

نامه ای است از پدری پیر فرسوده، که عمر خود را به مشتی الفاظ و مفاهیم به پایان رسانده، و زندگی خویش را در لاک خویشتن تباه نموده، و اکنون نفس‌های آخرین را با تأسف از گذشتهٔ خود می‌کشد، به فرزند جوانی که فرصت دارد تا چون عبادالله صالحین در فکر رهانیدن خود از تعلق به دنیا که دام ابلیس پلید است، باشد.

گسستگی از دنیا، مایه نجات انسان‌ها

فرزندم! کرّ و فرّ دنیا[1] و نشیب و فراز آن به سرعت می‌گذرد و همه زیر چرخهای زمان خرد می‌شویم و من آنچه ملاحظه کردم و مطالعه در حال قشرهای مختلف، به این نتیجه رسیده ام که قشرهای قدرتمند و ثروتمند، رنجهای درونی و روانی و روحی شان از سایر اقشار، بیشتر و آمال و آرزوهای زیادی که به آن نرسیده‌اند، بسیار رنج آورتر و جگر خراشتر است. در این زمان که ما زندگی می‌کنیم و دنیا گرفتار دو قطب قدرتمند است رنج عذابی که سران آن کشورها بدان مبتلا هستند و نگرانی‌های جان فرسایی که هر یک از دو قطب در مقابل قطب دیگر دارند، قابل مقایسه با رنج‌ها و گرفتاریهای قشرهای متوسط حتی فقیر نیست. رقابت آنان یک رقابت عملی نیست بلکه یک رقابت جانکاه است که کمر هر یک زیر آن خُرد می‌شود، گویی در مقابل هر یک، یک گرگ درنده با دهان باز و دندان‌های تیز ایستاده و قصد شکار او را دارد و این رنج رقابت در همهٔ اقشار هست، از ثروتمند و قدرتمند گرفته تا طبقات دیگر، لکن هر چه بالا برود به همان اندازه درد و رنج رقابت بالا

۱. یعنی: روکردن و پشت کردن دنیا.

می‌رود و آنچه مایهٔ نجات انسان‌ها و آرامش قلوب است وارستگی و گسستگی از دنیا و تعلقات آن است که با ذکر و یاد دائمی خدای تعالی حاصل شود. آنان که درصدد برتری‌ها به هر نحو هستند چه برتری در علوم حتی الهی آن یا در قدرت و شهرت و ثروت، کوشش در افزایش رنج خود می‌کنند. وارستگان از قیود مادی که خود را از این دام ابلیس تا حدودی نجات داده اند، در همین دنیا در سعادت و بهشت رحمتند.

در آن روزهایی که در زمان رضا خان پهلوی و فشار طاقت فرسا برای تغییر لباس بود و روحانیون و حوزه‌ها در تب و تاب به سر می‌بردند که خداوند رحمان نیاورد چنین روزهایی برای حوزه‌های دینی شیخ نسبتاً وارسته‌ای را نزدیک دکان نانوایی که قطعه نانی را خالی می‌خورد، دیدم که گفت: «به من گفتند عمّامه را بردار من نیز برداشتم و دادم به دیگری که دو تا پیراهن برای خودش بدوزد الآن هم نانم را خوردم و سیر شدم، تا شب هم خدا بزرگ است».

پسرم! من چنین حالی را اگر بگویم به همهٔ مقامات دنیوی می‌دهم، باور کن. ولی هیهات، خصوصاً از مثل من گرفتار به دام‌های ابلیس و نفس خبیث.

پسرم! از من گذشته یشیب بن آدم و یشبّ فیه خصلتان: الحرص و طول الاَمَل.[۱] لکن تو نعمت جوانی داری و قدرت اراده، امید است بتوانی راهی طریق صالحان باشی.

میزان در اعمال انگیزه‌های آنهاست

آنچه گفتم بدان معنی نیست که خود را از خدمت به جامعه کنارکشی و گوشه‌گیر و کَلّ بر خلق الله[۲] باشی که این از صفات جاهلان متنسک است یا

---

۱. فرزند آدم پیر می‌شود و «همزمان» دو خصلت در او جوان می‌شود: حرص و آرزوپروری. بحارالانوار ۷۰: ۲۲ / ذیل الحدیث ۱۱.

۲. بار بر مردم.

درویشان دکان دار. سیره انبیای عظام صلّی الله علی نبیّنا و علیهم اجمعین و ائمهٔ اطهار علیهم السلام که سرآمد عارفان بالله و رستگان از هر قید و بند، و وابستگان به ساحت الهی در قیام به همه قُویٰ علیه حکومت‌های طاغوتی و فرعون‌های زمان بوده و در اجرای عدالت در جهان رنج‌ها برده و کوشش‌ها کرده‌اند، به ما درس‌ها می‌دهد و اگر چشم بینا و گوش شنوا داشته باشیم راه‌گشایمان خواهد بود من اصبح و لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم.[۱]

پسرم! نه گوشه گیری صوفیانه دلیل پیوستن به حق است، و نه ورود در جامعه و تشکیل حکومت، شاهد گسستن از حق. میزان در اعمال، انگیزه‌های آنها است. چه بسا عابد و زاهدی که گرفتار دام ابلیس است و آن دام گستر، با آنچه مناسب او است چون خودبینی و خودخواهی و غرور و عُجب و بزرگ‌بینی و تحقیر خلق الله و شرک خفیّ و امثال آنها، او را از حق دور و به شرک می‌کشاند. و چه بسا متصدی امور حکومت که با انگیزهٔ الهی به معدن قرب حق نائل می‌شود، چون داود نبی و سلیمان پیامبر علیهما السلام و بالاتر و والاتر چون نبی اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و خلیفه بر حقّش علی بن ابیطالب علیه السلام و چون حضرت مهدی ارواحنا لمقدمه الفداء در عصر حکومت جهانی‌اش. پس میزان عرفان و حرمان، انگیزه است. هر قدر انگیزه‌ها به نور فطرت نزدیکتر باشند و از حُجُب حتی حُجُب نور وارسته تر، به مبدأ نور وابسته ترند تا آنجا که سخن از وابستگی نیز کفر است.

برای رسیدن به مقام معنوی و مادی دست و پا مزن

پسرم! از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است شانه خالی مکن که تاخت و تاز شیطان در این میدان، کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست اندرکاران نیست و دست و پا برای به دست آوردن مقام

۱. کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نورزد مسلمان نیست. الکافی ۲: ۱۶۳/۱.

هر چه باشد چه مقام معنوی و چه مادی مزن به عذر آنکه می‌خواهم به معارف الهی نزدیک شوم یا خدمت به عبادالله نمایم؛ که توجه به آن از شیطان است چه رسد که کوشش برای به دست آوردن آن. یکتا موعظهٔ خدا را با دل و جان بشنو، با تمام توان بپذیر و در آن خط سیر نما: قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی.[۱]

میزان در اول سیر، قیام لله است هم در کارهای شخصی و انفرادی و هم در فعالیت‌های اجتماعی. سعی کن در این قدم اول موفق شوی که در روزگار جوانی آسانتر و موفقیّت آمیزتر است. مگذار مثل پدرت پیر شوی که یا درجا زنی و یا به عقب برگردی، و این محتاج به مراقبه و محاسبه است. اگر با انگیزهٔ الهی ملک جنّ و انس کسی را باشد، بلکه اگر به دست آورد، عارف بالله و زاهد در دنیا است. و اگر انگیزه نفسانی و شیطانی باشد هر چه به دست آورد اگرچه یک تسبیح باشد، به همان اندازه از خداوند تعالی دور است و فاصله گرفته.

سورهٔ حشر، گنجینه‌هایی از معارف

پسرم! سورهٔ مبارکهٔ حشر را مطالعه کن که گنجینه‌هایی از معارف و تربیت در آن است و ارزش دارد که انسان یک عمر در آنها تفکر کند و از آنها به مدد الهی توشه‌ها بردارد، خصوصاً آیات اواخر آن از آنجاکه فرماید: ﴿یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغدو اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون﴾[۲] تا آخر سوره. در همین آیهٔ کوچک لفظاً، و بسیار بزرگ معناً، احتمالاتی است سازنده، هوشیار دهنده که به بعض آنها اشاره می‌شود:

---

۱. سوره سبا، آیه ٤٦: «بگو به یک سخن پندتان دهم (و آن) اینکه دو تن دو تن و تک تک برای خدا قیام کنید».

۲. سوره حشر، آیه ۱۸: «ای آنان که ایمان آوردید، از خدا پروا کنید، و هر کس بنگرد برای فردای قیامت چه پیش فرستاده و تقوای خدا پیشه سازید، خدا بدانچه انجام می‌دهید آگاه است».

اولین مرتبه تقوا

۱ـ می‌تواند خطاب به کسانی باشد که اول مرتبهٔ ایمان را دارند مثل ایمان عامّه. در این احتمال، امر به تقوا امر به اولین مراتب آن است که تقوای عامّه است و آن پرهیز از مخالفت احکام ظاهری الهی است و مربوط به اعمال قالبی[1] است. به این احتمال، جملهٔ و لتنظر نفس ما قدمت لغدٍ تحذیر از پیامدهای اعمال ما است و شاهد است بر آنکه آنچه عمل می‌کنیم خود آنها به صورت مناسب در نشئهٔ دیگر وارد می‌شوند و به ما خواهند رسید و آیات و اخبار زیادی در این باره آمده است. تفکر در همین امر، دلهای بیدار را کفایت می‌کند بلکه دلهای مستعد را بیدار می‌نماید و ممکن است راهگشای مراتب دیگر و مقامات بالاتر شود. و ظاهر آن است که امر به تقوا مکرراً، تأکید باشد، گرچه احتمال دیگر هم هست. و قوله: ﴿ان الله خبیر بما تعملون﴾ باز تحذیر جدید است بر این که اعمال شما از محضر حق تعالی پنهان نمی‌ماند؛ چه همهٔ عالم محضر حق است.

ایمان قلبی، مانع از انجام گناه و گرایش به غیر خداوند

۲ـ ممکن است خطاب به کسانی باشد که ایمان را به قلب خویش رسانده‌اند. چه بسا که انسان به حسب ظاهر ایمان و اعتقاد به شهادتین داشته باشد لکن قلب او از آن بی‌خبر باشد، علم و اعتقاد به اصول خمسه داشته باشد، لکن این علم و ایمان به قلبش نرسیده باشد، شاید جز خواص مؤمنین دیگران چنین باشند. معصیت‌هایی که از بعض مؤمنین صادر می‌شود منشأش همین است، اگر دل به روز جزا و عِقاب آنچنانی آگاه باشد و ایمان آورده باشد به آن، صدور معصیت و نافرمانی بسیار بعید است و کسی که قلبش ایمان به عدم إله الا الله دارد، گرایش به غیر حق تعالی و ستایش از دیگران نکند و خوف و هراس از غیر او نخواهد داشت.

---

۱. یعنی کارهای اعضا و جوارح انسان.

پسرم! گاهی می‌بینم از تهمت‌های ناروا و شایعه پراکنی‌های دروغین اظهار ناراحتی و نگرانی می‌کنی. اولاً باید بگویم تا زنده هستی و حرکت می‌کنی و تو را منشأ تأثیری بدانند انتقاد و تهمت و شایعه سازی علیه تو، اجتناب‌ناپذیر است، عقده‌ها زیاد و توقعات روزافزون و حسادت‌ها فراوان است. آن کس که فعالیت دارد گرچه صددرصد برای خدا باشد از گزند بدخواهان نمی‌تواند به دور باشد. من خود یک عالم بزرگوار متقی را که تا به ریاست جزئی نرسیده بود برای او جز خیر به حسب نوع نمی‌گفتند و تقریباً مورد تسالم اهل علم و دیگران بود، به مجرد آنکه توجه نفوس به او شد و شاخصیتی دنیاوی ولو ناچیز نسبت به مقامش پیدا کرد، مورد تهمت و اذیت شد و حسادت‌ها و عقده‌ها به جوش آمد و تا در قید حیات بود این مسائل نیز بود.

و ثانیاً باید بدانی که ایمان به وحدت اله و وحدت معبود و وحدت مؤثر، آنچنان که باید و شاید به قلبت نرسیده، کوشش کن کلمهٔ توحید را که بزرگترین کلمه است و والاترین جمله است از عقلت به قلبت برسانی؛ که حظّ عقل همان اعتقاد جازم برهانی است و این حاصل برهان اگر با مجاهدت و تلقین به قلب نرسد، فایده و اثرش ناچیز است. چه بسا بعض از همین اصحاب برهان عقلی و استدلال فلسفی بیشتر از دیگران در دام ابلیس و نفس خبیث می‌باشند. پای استدلالیان چوبین بود.[1] و آنگاه این قدم برهانی و عقلی تبدیل به قدم روحانی و ایمانی می‌شود که از افق عقل به مقام قلب برسد و قلب باور کند آنچه را استدلال اثبات عقلی کرده است.

کسی را غیر از خداوند مؤثر ندان

پسرم! مجاهده کن که دل را به خدا بسپاری و مؤثری را جز او ندانی، مگر نه عامّه مسلمانان متعبّد، شبانه روزی چندین مرتبه نماز می‌خوانند و نماز سرشار از

---

۱. پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی‌تمکین بود. مثنوی معنوی، دفتر اول: ۲۱۲۸/۱۰۵.

توحید و معارف الهی است، و شبانه روزی چندین مرتبه ایاک نعبد و ایاک نستعین[۱] می‌گویند و عبادت و اعانت را خاص خدا در بیان می‌کنند، ولی جز مؤمنان به حق و خاصّان خدا، دیگران برای هر دانشمند و قدرتمند و ثروتمند کُرنش می‌کنند و گاهی بالاتر از آنچه برای معبود می‌کنند، و از هر کس استمداد می‌نمایند و استعانت می‌جویند و به هر حشیش[۲] برای رسیدن به آمال شیطانی تشبث می‌نمایند و غفلت از قدرت حق دارند.

تقوی از توجه و اعتماد به غیر خداوند

بنابراین احتمال که مورد خطاب کسانی باشند که ایمان به قلب آنها رسیده باشد، امر به تقوا به اینان با احتمال اول فرقها دارد. این تقوا، تقوای از اعمال ناشایسته نیست، تقوای از توجه به غیر است، تقوای از استمداد و عبودیت غیر حق است، تقوای از راه دادنِ غیر او جلّ و علا به قلب است، تقوای از اتکال و اعتماد به غیر خداست. آنچه می‌بینی همهٔ ما و مثل ما بدان مبتلا است و آنچه باعث خوف من و تو از شایعه‌ها و دروغ پراکنی‌ها است و خوف از مرگ و رهایی از طبیعت و افکندن خرقه نیز از این قبیل است که باید از آن اتّقا نمود. و در این صورت مراد از ولتنظر نفس ما قدمت لغدٍ افعال قلبی است که در ملکوت، صورتی و در فوق آن نیز صورتی دارد و خداوند خبیر است به خطرات[۳] قلب همه.

و این نیز به آن معنی نیست که دست از فعالیت بردار و خود را مهمل بارآور و از همه کس و همه چیز کناره گیری کن و عزلت اتخاذ نما که آن برخلاف سنت الهی و سیرهٔ عملی حضرات انبیای عظام و اولیای کرام است. آنان علیهم صلوات الله و سلامه

---

۱. سوره فاتحه، آیه ۵: «خدایا فقط تو را می پرستیم و از تو یاری می‌خواهیم».

۲. خار و خاشاک.

۳. آن چیزهایی که وارد بر قلب می‌شود، افکار و پندارها.

برای مقاصد الهی و انسانی همه کوشش‌های لازم را می‌فرمودند، اما نه مثل ما کوردلان که با استقلال، نظر به اسباب داریم بلکه هر چیز را در این مقام که از مقامات معمولی آنان است از او جلّ و علا می‌دانستند و استعانت به هر چیز را استعانت به مبدأ خلقت می‌دیدند و یک فرقِ بین آنان و دیگران همین است. من و تو و امثال ما با نظر به خلق و استعانت از آنها، از حق تعالی غافل هستیم و آنان استعانت را از او می‌دانستند به حسب واقع، گرچه در صورت، استعانت به ابزار و اسباب است، و پیشامدها را از او می‌دانستند گرچه در ظاهر نزد ماها غیر از آن است. و از این جهت پیشامدها، هر چند ناگوار به نظر ما باشد، در ذائقهٔ جان آنان گوارا است.

منشأ خوش آمدن ما از مدح‌ها و بدآمدنمان از انتقادها

پسرم! برای ماها که از قافلهٔ ابرار عقب هستیم یک نکته دلپذیر است و آن چیزی است که به نظر من شاید در ساختن انسان که درصدد خود ساختن است دخیل است. باید توجه کنیم که منشأ خوش آمد ما از مدح و ثناها و بدآمدنمان از انتقادها و شایعه افکنی‌ها حبِّ نفس است که بزرگترین دام ابلیس لعین است. ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشند گرچه برای ما افعال شایسته و خوبی‌های خیالی را صد چندان جلوه دهند، و درهای انتقاد گرچه به حق برای ما بسته باشد یا به صورت ثناگویی درآید. از عیب جویی‌ها، نه برای آن که به ناحق است، افسرده می‌شویم و از مدحت و ثناها، نه برای آن که به حق است، فرحناک می‌گردیم. بلکه برای آنکه عیب من است و مدح من نیست، [من] است که در اینجا و آنجا و همه جا بر ما حاکم است. اگر بخواهی صحّت این امر را دریابی، اگر امری که از تو صادر می‌شود عین آن یا بهتر و والاتر از آن از دیگری، خصوصاً آنها که همپالکی تو هستند صادر شود و مداحان به مدح او برخیزند برای تو ناگوار است، و بالاتر آنکه اگر عیوب او را به صورت مداحی درآورند، در این صورت یقین بدان که دست شیطان و نفس بدتر از او در کار است.

پسرم! چه خوب است به خود تلقین کنی و به باور خود بیاوری یک واقعیت را

که مدح مداحان و ثنای ثناجویان چه بساکه انسان را به هلاکت برساند و از تهذیب دور و دورتر سازد. تأثیر سوء ثنای جمیل در نفس آلودهٔ ما، مایهٔ بدبختی‌ها و دورافتادگی‌ها از پیشگاه مقدس حق جلّ و علا برای ما ضعفاء النفوس خواهد بود. و شاید عیب جویی‌ها و شایعه پراکنی‌ها برای علاج معایب نفسانی ما سودمند باشد که هست، همچون عمل جراحی دردناکی که موجب سلامت مریض می‌شود. آنان که با ثناهای خود ما را از جوار حق دور می‌کنند دوستانی هستند که با دوستی خود به ما دشمنی می‌کنند و آنان که پندارند با عیب گویی و فحاشی و شایعه سازی به ما دشمنی می‌کنند دشمنانی هستند که با عمل خود ما را اگر لایق باشیم اصلاح می‌کنند و در صورت دشمنی به ما دوستی می‌نمایند.

من و تو اگر این حقیقت را باور کنیم و حیله‌های شیطانی و نفسانی بگذارند واقعیات را آنطور که هستند ببینیم، آنگاه از مدح مداحان و ثنای ثناجویان آنطور پریشان می‌شویم که امروز از عیب جویی دشمنان و شایعه سازی بدخواهان. و عیب جویی را آن گونه استقبال می‌کنیم که امروز از مداحی‌ها و یاوه گویی‌های ثناخوانان. اگر از آنچه ذکر شد به قلبت برسد، از ناملایمات و دروغ پردازیها ناراحت نمی‌شوی و آرامش قلب پیدا می‌کنی، که ناراحتی‌ها اکثراً از خودخواهی است. خداوند همه ما را از آن نجات مرحمت فرماید.

۳ـ احتمال دیگر آن است که خطاب به اصحاب ایمان از خواص اهل معرفت و شیفتگان مقام ربوبیّت و عاشقان جمال جمیل باشد که با چشم قلب و معرفت باطن همهٔ موجودات را جلوهٔ حق می‌بینند و نورالله را در همه مرائی مشاهده می‌کنند و کریمهٔ ﴿الله نورالسموات و الارض﴾[1] را به مشاهدهٔ معنوی و سیر قلبی دریافته‌اند رَزَقَنا اللهُ و اَیّاکم.

---

۱. سوره نور، آیه ۳۵: «خدا نور آسمانها و زمین است».

تقوا از رؤیت کثرت

به این احتمال، امر به تقوا به این طایفه از عشّاق و خواصّ، فرقها با دیگران دارد و ممکن است تقوا از رؤیت کثرت باشد و شهود مرائی و رائی، تقوا از توجه به غیر باشد هر چند به صورت توجه به حق از خلق، تقوا از ﴿ما رایت شیئا اِلا و رایت الله قبله و معه و بعده﴾.[۱] باشد که خود مقام عادی خُلَّص اولیا است که پای «شیء» در کار است، تقوا از مشاهدهٔ ﴿الله نور السموات والارض﴾ باشد، تقوا از مشاهده ﴿هو معکم﴾[۲] و ﴿وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض﴾،[۳] تقوا از جلوه جمال حق در شجره باشد و از این قبیل آنچه مربوط به رؤیت حق در خلق است. و به این منوال، امر به نظر آنچه تقدیم برای فردا کردیم، همان حالات مشاهدهٔ حق در خلق و وحدت در کثرت که صورت مناسب به خود را در عوالم دیگر دارد.

تقوا از رؤیت کثرات اسمائی و جلوات رحمانی

۴ـ احتمال آن که خطاب به آنان از خُلَّص اولیا باشد که از مرحلهٔ رؤیت حق در خلق و جمال حضرت وحدت در کثرت فعلی گذشته‌اند و از غبار خلق در آینهٔ مشاهداتشان اثری نیست و از شرک خفیّ در این مرحله تخلّص یافته اند، لکن دل به تجلّیات اسماء حق داده و عشّاق دلباخته حضرت اسماء هستند و تجلّیات اسمائی آنان را از غیر فانی، و جز جلوات اسماء چیزی مشاهده نمی‌نمایند. در این احتمال امر به تقوا، اتّقا از رؤیت کثرات اسمائی و جلوات رحمانی و رحیمی و دیگر اسماءالله است، گویی بانگ به آنان می‌زند که از ازل تا ابد یک جلوه بیش نیست، و سایر فقرات به مناسبت همین امر تعبیر می‌شوند، و از اینکه گذشتند، شاهد و مشاهده و شهودی

---

۱. چیزی را ندیدم جز آنکه پیش از آن، و با آن، و پس از آن خدا را دیدم. علم الیقین ۱: ٤٩.

۲. بخشی از آیه ٤ سوره حدید: «او (خدا) با شماست هر کجا باشید».

۳. سوره انعام، آیه ۷۹: «رو به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفرید».

در کار نیست و فنا در «هو» مطلق است و لا هو الا هو[۱] است.

جامع‌ترین احتمالات در معنای آیه شریفه

۵ـ جامع ترین احتمالات آن است که هر لفظی چون «آمنوا» و «اتقوا» و «انظروا» و «ما قدّمت» و هکذا، به معنی مطلقشان حمل شود و همه، مراتب آن حقایق هستند که الفاظ، عناوین موضوعند برای معانی بی‌قید و مطلق از حدّ و حدود. و احتمالات دیگری هم اگر باشد در این احتمال مندرج و از مراتب همین است، بنابراین هر گروه و طایفه ای از مؤمنان را به معنی حقیقی شامل می‌شود و مصادیق عنوان مطلق هستند و این مطلب راهگشای فهم بسیار از اخباری است که تطبیق آیاتی را بر یک گروه یا یک شخص نموده‌اند که توهّم می‌شود اختصاص را، و این گونه نیست بلکه ذکر مصداق یا مصادیق است. بدین منوال که ذکر شد از احتمالات راه برای فهم آیهٔ مبارکه ﴿و لا تکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم اولئک هم الفاسقون﴾[۲] که پس از آیهٔ کریمهٔ متقدّمه است، باز می‌شود. و حسب احتمالات متقدّمه در این آیهٔ شریفه نیز مناسب آن احتمالات مختلف المراتب و متّحد الحقیقه احتمالاتی است که تفصیل آن را مجال نیست و فقط به ذکر یک نکته بسنده می‌کنم و آن، آنست که نسیان حق موجب نسیان انفس می‌شود، چه «نسیان» به معنی فراموشی باشد یا به معنی ترک، در هر دو معنی هشدار شکننده‌ای است. لازمهٔ فراموشی حق تعالی آن است که انسان خود را فراموش کند، یا بگو حق تعالی او را به فراموشی از نفس خود کشاند و در همهٔ مراحل سابق، صادق است. در مرحلهٔ عمل، آن کس که خدا را و حضور او جلّ و علا را فراموش کند به فراموشی از خویشتن خویش مبتلا

---

۱. او نیست به جز او.

۲. سوره حشر، آیه ۱۹: «همانند آنهایی نباشید که خدا را فراموش کردند پس خدا خودشان را از یادشان برد، اینان فاسقانند».

شود یا کشیده شود، بندگی خود را فراموش کند، از مقام عبودیّت به فراموشی کشیده شود و کسی که نداند چی است و کی است و چه وظیفه دارد و چه عاقبت، شیطان در او حلول نموده و به جای خویشتن او نشسته، و شیطان عامل عصیان و طغیان است و اگر به خود نیاید و به یاد حق برنگردد و به همین حال طغیان و عصیان از این جهان منتقل شود، شاید به صورت شیطان مطرود حق تعالی درآید.

و به معنی دیگرش که به معنی ترک باشد، دردناکتر است زیرا اگر ترک اطاعت حق و ترک حق موجب شود که حق او را ترک کند و به خود واگذارد و عنایات خود را از او قطع فرماید شک نیست که به خذلان دنیا و آخرت منتهی می‌شود. در ادعیهٔ شریفه[1] معصومین می‌بینیم دعای برای عدم ایکال ما به نفس خویش تأکید شده است؛ چه آنان علیهم السلام می‌دانستند پیامدهای این مصیبت را، و ما از آن غافل هستیم.

گناهان را سبک مشمار

پسرم! گناهان را، هر چند کوچک به نظرت باشند، سبک مشمار أُنظُرْ إلیٰ مَن

۱. از جمله در دعاهای زیادی از معصومین علیهم السلام آمده است که: «لا تکلنی الی نفسی» مرا بخودم وامگذار. «لا تکلنی الی نفسی طرفة عین». (خدایا) چشم به هم زدنی مرا به خودم وامگذار. الکافی ۲: ۱۰/۵۲٤، کنزالعمال ۲: ۳٤۹۸/۱۳۹، و نیز امام چهارم (علیه السلام) عرض می‌کند: «وانظر لی فی جمیع اموری فانک ان وکلتنی الی نفسی عجزت عنها و لم اقم ما فیه مصلحتها».

(خدایا) در تمام کارهایم مرا یاری ده که اگر مرا به خودم واگذاری بدانها قادر نخواهم بود و آنچه را که مصلحت است نتوانم کرد. صحیفه سجادیه: ۱۲۰، دعاؤه (ع) عند الشدة و الجهد و تعسّر الامور، و در دعای دیگری عرض می‌کند: «ولا تکلنی الی حولی و قوتی ...» (خدایا) مرا به قدرت و نیروی خودم وامگذار. صحیفه سجادیه: ۳۲۸، دعاوه (ع) فی یوم عرفه.

عَصَیْتَ[۱] و با این نظر، همهٔ گناهان، بزرگ و کبیره است. به هیچ چیز مغرور مشو و خدای تبارک و تعالی را که همه چیز از او است و اگر عنایت رحمانی اش از موجودات سراسر عالم وجود لحظه ای منقطع شود، اثری حتی از انبیای مرسلین و ملائکهٔ مقربین باقی نخواهد ماند؛ چون همهٔ عالم جلوهٔ رحمانیت او جلّ و علا است و رحمت رحمانی او جلّ و علا به طور استمرار باکوتاهی لفظ و تعبیر مُبقيِ نظام وجود است «و لا تکرار فی تجلّیه جلّ و علا»[۲] و گاهی تعبیر شود از آن به بسط و قبض فیض علیٰ سبیل الاستمرار، در هر حال حضور او را فراموش مکن و مغرور به رحمت او مباش، چنانچه مأیوس نباید باشی. و مغرور به شفاعت شافعان علیهم السلام مباش که همهٔ آنها موازین الهی دارد و ما از آنها بی‌خبریم. مطالعه در ادعیهٔ معصومین علیهم السلام و سوز و گداز آنان از خوف حق و عذاب او سرلوحهٔ افکار و رفتارت باشد. هواهای نفسانی و شیطان نفس امّاره ما را به غرور وا می‌دارد و از این راه به هلاکت می‌کشاند.

هیچ‌گاه دنبال تحصیل دنیا مباش

پسرم! هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا، اگرچه حلال او باشد، مباش که حبّ دنیا، گرچه حلالش باشد، رأس همه خطایا است؛[۳] چه خود حجاب بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای حرام می‌کشد. تو جوانی و با قدرت جوانی که حق داده است می‌توانی اولین قدم انحراف را قطع کنی و نگذاری به قدم‌های دیگر کشیده شوی که هر قدمی، قدم‌هایی در پی دارد و هر گناهی گرچه کوچک به گناهان بزرگ و بزرگتر

---

۱. بنگر چه کسی را نافرمانی کرده ای. بحارالانوار ۷۴: ۷۷/۳.

۲. تکرار در تجلی خداوند نیست، یعنی او را دو تجلی مثل هم نمی‌باشد.

۳. مضمون روایتی است از امام سجاد (علیه السلام): «حب الدنیا رأس کل خطیئة» و روایتی است از امام صادق (علیه السلام): «رأس کل خطیئة حب الدنیا». الکافی ۲: ۳۱۵/۱.

انسان را می‌کشد، به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعض کبائر به یکدیگر فخر می‌کنند و گاهی به واسطهٔ شدت ظلمات و حجاب‌های دنیوی، منکر به نظر معروف، و معروف منکر می‌گردد.

من از خداوند متعال ـ جلّ اسمه ـ مسئلت می‌کنم که چشم دل تو را به جمال جمیل خود روشن فرماید و حجاب‌ها را از پیش چشمت بردارد و از قیود شیطانی و انسانی نجاتت دهد تا همچون پدرت پس از گذشت ایام جوانی و فرا رسیدن کهولت برگذشتهٔ خویش تأسف نخوری، و دل را به حق پیوند دهی که از هیچ پیشامد وحشتناک نشوی و از دیگران دل وارسته کنی تا از شرک خفیّ و اخفی خود را برهانی.

دنبالهٔ این آیات تا آخر سوره، مسائل بس شیوا است که اینجانب را حال و مجال نیست که به آنها بپردازم.

بارالها! احمد را نزد خود محمود، و فاطی را مفطوم،[۱] و حسن را احسن فرما، و یاسر را به یُسر[۲] برسان، و این خانوادهٔ منتسب به اهل بیت عصمت (ع) را با عنایات خاصهٔ خود تربیت کن و از شرّ شیاطین درونی و برونی حفظ فرما و سعادت دارَین را به آنان عطا فرما. و آخر وصیت من آن است که در خدمت به ارحام،[۳] خصوصاً مادرت که به ما حق‌ها دارد کوشش کن و رضای آنان را به دست آور. و الحمدلله اولاً و آخراً، و الصلوة علی رسول الله و آله الاطهار و اللعنُ علی اعدائهم. به تاریخ ۱۷ شوال ۱۴۰۴ / ۲۶ تیر ۶۳

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

---

۱. جدا شده از آتش.

۲. آسانی.

۳. بستگان و خویشان.

٤. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۵۱۰ تا ۵۲۱.

▣ نامه

زمان: ۵آبان۱۳۶۳/۲صفر۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: اهدای کتاب «آداب الصلاة» و نصایحی چند مخاطب: طباطبایی، فاطمه[۱]

بسمه تعالی

افسوس که عمر در بطالت بگذشت
با بارِ گنه بدون طاعت بگذشت
فردا که به صحنهٔ مجازات روم
گویندکه هنگام ندامت بگذشت

کتاب «آداب الصلوة» را که به دختر عزیزم فاطی که خدایش از مُصلِّین قرار دهد اعطا می‌نمایم، از تاریخ اتمام آن بیش از چهل سال می‌گذرد.[۲] و قبل از آن به چند سال کتاب «سر الصلوة» را تمام نمودم. و از آن سال‌ها تاکنون بیش از چهل سال می‌گذرد[۳] و من نه اسرار صلاة را دریافتم، و نه به آداب آن پرداختم، که یافتن غیر از بافتن است و ساختن جدا از پرداختن. و این کتاب‌ها حجّتی است از مولا بر این عبد بی‌مایه. و به خدای تعالی پناه می‌برم از آن که مشمول آیهٔ شریفهٔ کمرشکن ﴿لم تقولون ما لا تفعلون. کبر مقتا عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون﴾[٤] باشم، و پناهی جز رحمت واسعه‌اش ندارم.

و تو ای دخترم! امید است که توفیق به کار بستن آداب این معراج بزرگ الهی را داشته باشی و به راهنمایی این بُراق الهی از بیت مظلم نفس هجرت کنی الی الله. و به خدای بزرگ پناه می‌دهم تو را از آنکه مطالعهٔ این اوراق بر تعلّقات نفسانیه ات نیفزاید

---

۱. همسر آقای سید احمد خمینی.

۲. تاریخ اتمام (آداب الصلاة): ۲ ربیع الثانی ۱۳٦۱ برابر با ۳۰ فروردین ۱۳۲۱ است. آداب الصلاة: ۳۱۸.

۳. تاریخ اتمام (سرّ الصلاة): ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۵۸ برابر با ۱۹ خرداد ۱۳۱۸ است. سرّ الصلاة: ۱۱۷.

٤. سوره صف، آیه ۲ ـ ۳: «چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟ خدا را سخت به غضب می‌آورد این که سخنی بگویید و خلاف آن عمل کنید».

و تو را چون نویسنده ملعبهٔ شیطان نکند.

دخترم! هر چند در تو به حمدالله لطافت روحی یافتم که امید آن است که هدایت الله شامل حالت شود و با عنایت او ـ جلّ و علا ـ از چاه عمیق طبیعت خلاص شوی و به صراط مستقیم انسانیت راه یابی، لکن از کید شیطان و نفس خطرناکتر از آن غافل مباش و به خدای بزرگ پناهنده شو انه رحیم بعباده.[۱]

دخترم! اگر از مطالعهٔ این اوراق خدای نخواسته نتیجه حاصل نشود مگر خودنمایی و مجلس آرایی و سر توی سرها آوردن، بهتر است از مطالعهٔ آن صرف نظر بلکه احتراز کنی که مبادا چون من گرفتار تأسف شوی. و اگر إن‌شاءالله خود را مهیّا کنی که از مطالبی که از کتاب و سنّت و اخبار اهل بیت عصمت و افادات اهل معرفت أخذ شده است به جان استفاده کنی و استعداد و لطافت قریحه ای را که خداوند عطا فرموده به کار اندازی، بسم الله! این گوی و این میدان.

امید است در این معراج انسانی و معجون رحمانی[۲] دل از غیر خالی کنی و با آب حیات، قلب را شستشو دهی و چهار تکبیر زده، خود را از خودی برهانی تا به دوست برسی و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله.[۳]

بارالها! ما را مهاجر الی الله و رسوله قرار ده و به فنا برسان، و فاطی و احمد را توفیق خدمت عنایت کن و به سعادت برسان. والسلام.

۲ صفر المظفر ۱۴۰۵ ۱۳۶۳/۸/۵

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

---

۱. بدرستی که او «خداوند» به بندگان خود، مهربان است.

۲. نماز.

۳. سوره نسا، آیه ۱۰۰: «و هرگاه کسی از منزلش برای هجرت به سوی خدا و رسول او بیرون آید و در سفر، مرگ وی در رسد، پس اجر و ثواب او بر خداست».

٤. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۹۰ تا ۹۱.

▣ نامه

زمان: ۲۵آذر۱۳۶۳/۲۲ربیع الاول ۱۴۰۵
مکان: تهران، جماران
موضوع: اندرزهای اخلاقی اجتماعی، و اهدای کتاب «آداب الصلوة»
مخاطب: خمینی، سید احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

کتاب «آداب الصلوة» را که خود از آن بهره ای نبردم جز تأسف بر قصور و تقصیر بر ایام گذشته که توانایی بر خودسازی داشتم، و حسرت و ندامت در روزگار پیری که دستم تهی و بارم سنگین و راهم بس دراز و پایم لنگ و آوای رحیل در گوش است، هدیه کردم به فرزند عزیزم «احمد» که از قدرت جوانی کامیاب است؛ شاید او إن شاءالله تعالی از محتویات آن که از کتاب کریم و سنّت شریف و افادات بزرگان فراهم شده است، بهره مند شود و به معراج حقیقی از رهنمایی اهل معرفت راه یابد، و دل از این ظلمتکده برکَند، و به مقصد اصلی انسانیت که انبیای عظام و اولیای کرام علیهم صلوات الله و سلامه ـ و اهل الله بر آن راه یافتند و دیگران را دعوت فرمودند، توفیق یابد.

پسرم! خود را که به فطرت الله تخمیر شده ای دریاب و از گرداب ضلالت امواج سهمگین خودبینی و خودخواهی نجات ده و به سفینهٔ نوح که پرتو ولایت الله است رکوب کن که من رکبها نجی و من تخلف عنها هلک.[1]

فرزندم، کوشش کن که در صراط مستقیم که صراط الله است، ولو لنگان لنگان حرکت کنی و حرکات و سکنات قلبی و قالبی را رنگ معنویت و الوهیت دهی و خدمت به خلق را برای آن که خلق خدا هستند بنمایی. انبیای عظام و اولیای خاصّ خدا در عین حال که مشابه دیگران اشتغال به کارها داشته اند، هیچ گاه در دنیا وارد

---

۱. «هر کس که بر آن (کشتی ولایت) سوار شد نجات یافت، و هر که از آن روی گرداند هلاک شد». مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱: ص ۲۹۵.

نبوده‌اند؛ چون اشتغالشان بالحق و للحق بوده، در عین حال از رسول ختمی صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرموده است: لَیُغانُ عَلیٰ قَلبي و اِنّی لَأسْتَغْفِرُ اللهَ في کُلِّ یَومٍ سَبْعَین مرةً[۱] شاید رؤیت حق در کثرت را، کدورت حساب می‌فرمود.

پسرم! خود را مهیا کن که پس از من بر تو جفاها رود و نگرانی‌ها که از من دارند به حساب تو گذارند. اگر حساب خود را با خدای خود صاف کنی و پناه به ذکر الله بری، هراسی از خلق به خود راه مده که حساب خلق زودگذر است و آنچه ازلی است، حساب در پیشگاه حق است.

مقامات دنیوی ارزش آن را ندارد که ...

فرزندم! پس از من ممکن است پیشنهاد خدمتی بر تو شود، در صورتی که قصدت خدمت به جمهوری اسلامی و اسلام عزیز است رد مکن؛ و اگر خدای نخواسته برای هواهای نفسانی و ارضای شهوات است، از آن اجتناب کن که مقامات دنیوی ارزش آن ندارد که خود را در راه آنها تباه کنی.

بارالها! احمد و تبارش و متعلّقانش که از بندگان تو و تبار رسول اکرمند، اینان را در دنیا و آخرت سعادتمند فرما و دست شیطان رجیم را از آسیب به آنها کوتاه فرما.

خداوندا! ما ضعیف و ناتوانیم و عقب افتاده از قافلهٔ سالکان، تو خود از ما دستگیری فرما. ربنا عاملنا بفضلک و لا تعاملنا بعدلک.[۲]

والسلام علی عبادالله الصالحین. ۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۵[۳] / ۲۵ آذر ۱۳۶۳

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

---

۱. «گاهی بر دلم غباری می‌نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می‌خواهم». بحارالانوار ۲۵: ۲۰٤.

۲. خداوندا! با ما به فضل خودت رفتار نما و با ما به عدالت خود رفتار مکن.

۳. اختلاف تاریخ بعلت اختلاف ماههای قمری است.

٤. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۱۹ تا ۱۲۰.

◙ یاد نامه

زمان: ۳۰اردیبهشت ۱۳۶۴/۲۹شعبان ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: یادنامهٔ امام دربارهٔ اشعارشان و تذکرات اخلاقی مخاطب: طباطبایی، فاطمه

بسمه تعالی

عاقبت، اصرار مکرر فاطی[۱] غلبه کرد، و من از این چاه خشکیده برای خاطر او چند دَلوی آب گل آلود کشیدم. من نه شاعر بوده و نه هستم؛ و نه دعوی آن دارم. اکنون که به سن کهولت رسیده و اگر فی المثل چیزی داشته ام ته کشیده، و با دفتری سیاه و کوله باری از گناه به درگاه او جلّ و علا به امید بخشش و رحمت روآوردم، اعتراف دارم که نقطهٔ سفیدی در نامهٔ عمل ندارم؛ چون حسنات تخیلی و طاعات صوری ام سیئاتی است که از حد خودپرستی و خودخواهی فراتر نرفته و حجابهای ظلمانی و وساوس شیطانی بوده؛ ظلماتٌ بعضها فوق بعضٍ،[۲] که باید از آنها بیش از معاصی استغفار کنم، و از خود و عمل خود مأیوسم، لکن از فضل خدای متعال و رحمت او جلّ و علا مأیوس نیستم و به رحمت و نعمت واسعهٔ او امید بستم.

و تو ای دخترم به خود آی، و از خود سفر کن؛ یا لااقل به خیال سفر باش. و بدان آنچه شنیدیم از طبلی میان تهی بوده؛ و آنچه گفتیم لقلقهٔ لسان. خداوند به رحمت خود تو را یاری دهد که چون نویسنده، عمر را صرف لایعنی[۳] نکنی.

تاریخ ۲۹ شعبان ۱۴۰۵

روح الله الموسوی الخمینی[٤]

---

۱. همسر آقای سید احمد خمینی.

۲. بخشی از آیه ٤٠ سوره نور: «تاریکیها برخی از آن، بالای برخی است».

۳. بیهوده.

٤. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲٦٤.

▣ نامه

زمان: شب ۲۷ آبان ۱۵/۱۳۶۵ ربیع الاول ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: وصیت اخلاقی ـ عرفانی، و اهمیت نماز در ترقیات روحی مخاطب: خمینی، سید احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و الصّلوة و السلام علی رسول الله صلی الله علیه و آله

وصیتی است از پدری پیر که عمری را با بطالت و جهالت گذرانده، و اکنون به سوی سرای جاوید می‌رود با دست خالی از حسنات و نامه ای سیاه از سیّئات، با امید به مغفرت الله و رجاء به عفو الله است به فرزندی جوان که در کشاکش با مشکلات دهر، و مختار در انتخاب صراط مستقیم الهی که خداوند به لطف بی‌کران خود هدایتش فرماید یا خدای ناخواسته انتخاب راه دیگر که خداوند به رحمت خود از لغزشها محفوظش فرماید.

فرزندم! کتابی را که به تو هدیه می‌کنم شمّه‌ایست از صلوة عارفین و سلوک معنوی اهل سلوک؛ هر چند قلم مثل منی عاجز است از بیان این سفرنامه. و اعتراف می‌کنم که آنچه نوشته ام از حد الفاظ و عباراتی چند بیرون نیست، و خود تاکنون به بارقه‌ای از این شمّه دست نیافتم.

پسرم! آنچه در این معراج است غایة القصوای آمال اهل معرفت است که دست ما از آن کوتاه است «عنقا شکار کس نشود دام بازگیر»[1] لکن از عنایات خداوند رحمان نباید مأیوس شویم که او جلّ و علا دستگیر ضعفا و معین فقراء است.

عزیزم! کلام در سفر از خلق به حق، و از کثرت به وحدت، و از ناسوت به مافوق جبروت است، تا حدّ فنای مطلق که در سجدهٔ اول حاصل شود، و فنای از فنای

---

۱. دیوان حافظ: ۱۷۲.

عنقا شکار کس نشود دام بازگیر کانجا همیشه باد بدست است دام را

که پس از صحو،[۱] در سجدهٔ دوم حاصل گردد. و این تمام قوس وجود است مِن الله و الی الله. و در این حال، ساجد و مسجودی و عابد و معبودی در کار نیست: هو الاول و الاخر و الظاهر والباطن.[۲]

پسرم! آنچه در درجهٔ اول به تو وصیت می‌کنم آن است که انکار مقامات اهل معرفت نکنی، که این شیوهٔ جُهّال است؛ و از معاشرت با منکرین مقامات اولیا بپرهیزی، که اینان قُطّاع طریق حق هستند.

خودخواهی و خودبینی، ارث شیطان

فرزندم! از خودخواهی و خودبینی به درآی که این ارث شیطان است، که به واسطهٔ خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولیّ و صفیّ او جلّ و علا ـ سر باز زد. و بدان که تمام گرفتاریهای بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است؛ و شاید آیهٔ شریفهٔ ﴿و قاتلوهم حتی لا تکون فتنة و یکون الدین لله﴾[۳] در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشهٔ فتنه که شیطان بزرگ و جنود آن که در تمام اعماق قلوب انسان‌ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هرکس برای رفع فتنه از درون و برون خویش باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می‌شود.

پسرم! سعی کن که به این پیروزی دست یابی، یا دست به بعض مراحل آن. همّت کن و از هواهای نفسانیه که حدّ و حصر ندارد، بکاه، و از خدای متعال ـ جلّ و علا استمداد کن که بی‌مدد او کس به جایی نرسد.

---

۱. بیداری.

۲. سوره حدید، آیه ۳: «اوست اول و آخر و پیدا و نهان».

۳. سوره بقره، آیه ۱۹۳: "با آنان پیکار کنید تا فتنه نباشد و دین از آن خدا گردد".

نماز، راه وصول به مقصد

و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقّق یک رکعت آن و مشاهدهٔ انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو به قدر طاقت خویش، شمّه‌ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم، و دورنمایی از صلوة معراج سیّد انبیا و عرفا ـ علیه و علیهم و علی آله الصلوة و السلام ـ را مشاهده کردیم؛ که خداوند منّان ما و شما را به این نعمت بزرگ منّت نهد. راه بس دور است و بسیار خطرناک و محتاج به زاد و راحلهٔ فراوان، و زاد مثل من یا هیچ یا بسیار اندک است، مگر لطف دوست جلّ و علا شامل شود و دستگیری کند.

در پیری همه چیز از دست می‌رود

عزیزم! از جوانی به اندازه ای که باقی است استفاده کن که در پیری همه چیز از دست می‌رود، حتی توجه به آخرت و خدای تعالی. از مکاید بزرگ شیطان و نفس اماره آن است که جوانان را وعدهٔ صلاح و اصلاح در زمان پیری می‌دهد تا جوانی با غفلت از دست برود، و به پیران وعدهٔ طول عمر می‌دهد. و تا لحظهٔ آخر با وعده‌های پوچ انسان را از ذکر خدا و اخلاص برای او باز می‌دارد تا مرگ برسد، و در آن حال ایمان را اگر تا آن وقت نگرفته باشد، می‌گیرد.

هر چه مقام معرفت بالا رود ...

پس در جوانی که قدرت بیشتر داری به مجاهدت برخیز، و از غیر دوست جلّ و علا بگریز، و پیوند خود را هر چه بیشتر ـ اگر پیوندی داری ـ محکم‌تر کن؛ و اگر خدای نخواسته نداری، تحصیل کن و در تقویتش همّت گمار، که هیچ موجودی جز او ـ جلّ و علا ـ سزاوار پیوند نیست. و پیوند با اولیای او اگر برای پیوند به او نباشد،

حیلهٔ شیطانی است که از هر طریق سدّ راه حق کند. هیچ گاه به خود و عمل خود به چشم رضا منگر که اولیای خُلّص چنین بودند و خود را لا شیء[1] می‌دیدند؛ و گاهی حسنات خود را از سیّئات می‌شمردند. پسرم! هرچه مقام معرفت بالا رود، احساس ناچیزی غیر او ـ جلّ و علا ـ بیشتر شود.

نماز، نردبان وصول الی‌الله

در نماز ـ این مرقاة[2] وصول الی الله ـ پس از هر ستایش، تکبیری وارد است، چنانچه در دخول آن «تکبیر» است که اشاره به بزرگ تر بودن از ستایش است، ولو اعظم آن که نماز است. و پس از خروج، تکبیرات است که بزرگ‌تر بودن او را از توصیف ذات و صفات و افعال می‌رساند. چه می‌گویم، کی توصیف کند! و چه توصیف کند! و کی را توصیف، و با چه زبان و چه بیان توصیف کند! که تمام عالم، از اعلی مراتب وجود تا اسفل سافلین، هیچ است و هر چه هست او است؛ و هیچ از هستی مطلق چه تواند گفت. و اگر نبود امر خدای تعالی و اجازهٔ او ـ جلّ و علا ـ شاید هیچ یک از اولیا سخنی از او نمی‌گفتند، در عین حال که هر چه هست سخن از او است لاغیر، و کس نتواند از ذکر او سرپیچی کند که هر ذکر، ذکر او است. ﴿و قضی ربک ألّا تعبدوا إلّا ایاه﴾[3]؛ ﴿و ایاک نعبد و ایاک نستعین﴾[4] که شاید از لسان حق خطاب به همهٔ موجودات است: ﴿و إن من شیءٍ الا یسبح بحمده ولکن لاتفقهون تسبیحهم﴾[5]

---

۱. هیچ چیز.

۲. چیزی که آلت ترقی است، نردبان.

۳. سوره اسراء، آیه ۲۳: «و پروردگار تو حکم فرموده که جز او را نپرستید».

٤. سوره فاتحه، آیه ۵: «فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌طلبیم».

۵. سوره اسراء، آیه ٤٤: «هیچ موجودی نیست جز آن که او را به پاکی می ستاید، ولی شما تسبیحشان را نمی‌فهمید».

این نیز به لسان کثرت است، وگرنه او حمد است و حامد است و محمود ﴿ان ربک یصلی﴾[۱]؛ ﴿الله نور السموات و الارض﴾.[۲]

در خدمتگزاری دنبال کسب شهرت و محبوبیّت نباش

پسرم! ما که عاجز از شکر او و نعمت‌های بی‌منتهای اوییم، پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آنان خدمت به حق است؛ چه که همه از اویند. هیچ‌گاه در خدمت به خلق الله خود را طلبکار مدان که آنان به حقّ منّت بر ما دارند، که وسیلهٔ خدمت به او ـ جلّ و علا ـ هستند. و در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیت مباش که این خود حیلهٔ شیطان است که ما را در کام خود فرو برد. و در خدمت به بندگان خدا آنچه برای آنان پرنفع‌تر است انتخاب کن، نه آنچه برای خود یا دوستان خود؛ که این علامت صدق به پیشگاه مقدس او جلّ و علا است.

عالم محضر اوست

پسر عزیزم! خداوند حاضر است و عالم محضر او است، و صفحهٔ نفس ماها یکی از نامه‌های اعمالمان. سعی کن هر شغل و عمل که تو را به او نزدیک‌تر کند انتخاب کن که آن رضای او جلّ و علا است. در دل به من اشکال مکن که اگر صادقی، چرا خود چنین نیستی؟! که من خود می‌دانم که به هیچ یک از صفات اهل دل موصوف نیستم، و خوف آن دارم که این قلم شکسته در خدمت ابلیس و نفس خبیث باشد، و فردا از من مؤاخذه شود؛ لکن اصل مطالب حق است اگرچه به قلم مثل منی [است] که از خصلت‌های شیطانی دور نیستم. و به خدای تعالی در این نَفَس‌های آخر پناه می‌برم

---

۱. بدرستی که پروردگار تو نماز می‌گذارد «مراد درود فرستادن است نظیر آیه «إن الله و ملائکته یصلون علی النبی» است». اصول کافی ۱: ۱۳/۴۴۳.

۲. سوره نور، آیه ۳۵: «خدا نور آسمانها و زمین است».

و از اولیای او ـ جلّ و علا ـ امید دستگیری و شفاعت دارم.

بارالها! تو خود از این پیر ناتوان و احمد جوان دستگیری کن، و عاقبت ما را ختم به خیر فرما، و با رحمت واسعهٔ خود ما را به بارگاه جلال و جمال خود راهی ده.

والسلام علی من اتبع الهدیٰ شب ۱۵ ربیع المولود ۱۴۰۷

۱۳۶۵/۸/۲۷[1]

روح الله الموسوی الخمینی

▣ نامه

زمان:آذر ۱۳۶۵/ربیع الاول ۱۴۰۷ مکان:تهران،جماران
موضوع:لزوم توجه به حقایق و پرهیز از استغراق در اصطلاحات و اعتبارات
مخاطب:طباطبایی،فاطمه

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطی عزیزم

بالأخره بر من نوشتن چند سطر را تحمیل کردی و عُذر پیری و رنجوری و گرفتاری‌ها را نپذیرفتی.

اکنون از آفات پیری و جوانی سخن را آغاز می‌کنم که من هر دو مرحله را درک کرده یا بگو به پایان رسانده ام، و اکنون در سراشیبی برزخ یا دوزخ با عُمّال حضرت ملک الموت دست به‌گریبان هستم، و فردا نامه سیاهم بر من عرضه می‌شود و مُحاسبه عمر تباه شده ام را از خودم می‌خواهند و جوابی ندارم جُز امید به رحمت آن که ﴿وسعت رحمته کل شیء﴾[2] ﴿و لا تقنطوا من رحمة‌الله إن‌الله یغفرالذنوب جمیعاً﴾[3]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۵٤ تا ۱۵۸.

۲. رحمت او (خدا) همه چیز را فراگرفته. بحارالانوار ۹۱: ۳۹٦.

۳. سوره زمر، آیه ۵۳: «هرگز از رحمت خدا ناامید نباشید، بدرستیکه خداوند همه گناهان را خواهد بخشید».

را بر رحمةً للعالمین[۱] نازل فرموده است.

گیرم مشمول این نحو آیات کریمه شوم لکن عروج به حریم کبریا و صعود به جوار دوست و ورود به ضیافت الله که باید با قدم خود به آن رسید چه می‌شود. در جوانی که نشاط و توان بود با مکاید شیطان و عامل آن که نفس امّاره است سرگرم به مفاهیم و اصطلاحات پُرزرق و برقی شدم که نه از آن‌ها جمعیت حاصل شد نه حال، و هیچ گاه درصدد به دست آوردن روح آنها و برگرداندن ظاهر آنها به باطن و ملک آنها به ملکوت برنیامدم و گفتم:

از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد

جُز حرف دلخراش پس از آن همه خروش

چنان به عمق اصطلاحات و اعتبارات فرو رفتم و به جای رفع حُجب به جمع کُتب پرداختم که گویی در کون و مکان خبری نیست جُز یک مشت ورق پاره که به اسم علوم انسانی و معارف الٰهی و حقایق فلسفی طالب را که به فطرت الله مفطور است از مقصد بازداشته و در حجاب اکبر فرو برده.

اسفار اربعه[۲] با طول و عرضش از سفر به سوی دوست بازم داشت نه از فتوحات[۳] فتحی حاصل و نه از فصوص الحکم[۴] حکمتی دست داد، چه رسد به غیر آنها که خود داستان غم انگیز دارد.

---

۱. سوره انبیا، آیه ۱۰۷: «و ما ارسلناک إلا رحمةً للعالمین» و ای رسول ما، تو را نفرستادیم مگر آن که رحمت برای اهل عالم باشی.

۲. اشاره است به کتاب «الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیة الاربعة» تألیف صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی ملقب به «صدرالمتألّهین» و معروف به «ملاّصدرا» که در سال ۱۰۵۰ ه. ق. درگذشت.

۳. اشاره است به کتاب «الفتوحات المکیه» تألیف ابی عبدالله محمد بن علی معروف به محی الدین بن عربی که در سال ٦٣٨ ه. ق. درگذشت.

٤. اشاره است به کتاب «فصوص الحکم» تألیف محی الدین ابن عربی.

و چون به پیری رسیدم در هر قدم آن مبتلا به استدراج شدم تا به کهولت و مافوق آن که الآن با آن دست به گریبانم ﴿و منکم من یردّ الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئاً﴾[۱] و چون دخترم از این مرحله فرسنگ‌ها دوری و طعم آن را نچشیدی که خدایت به آن برساند با حذف عوارض آن، از من توقع نوشتار و گفتار آن هم نظم و نثر به هم آمیخته می‌کنی و ندانی که من نه نویسنده ام و نه شاعر و نه سخن سرا.

به این اصطلاحات بسنده مکن

و تو ای دختر عزیزم که غوره نشده حلوا شدی بدان که یک روزی خواهی بر جوانی که به همین سرگرمی‌ها یا بالاتر از آن از دستت رفت همچون من عقب مانده از قافلهٔ عُشّاق دوست، خدای نخواسته بار سنگین تأسف را به دوش می‌کشی. پس از این پیر بی‌نوا بشنو که این بار را به دوش دارد و زیر آن خم شده است، به این اصطلاحات که دام بزرگ ابلیس است بسنده مکن و در جستجوی او جلّ و علا باش، جوانی‌ها و عیش و نوش‌های آن بسیار زودگذر است که من خود همهٔ مراحلش را طی کردم و اکنون با عذاب جهنّمی آن دست به گریبانم و شیطان درونی دست از جانم بر نمی‌دارد تا پناه به خدای تعالی آخر ضربه را بزند. ولی یأس از رحمت واسعهٔ خداوند خود از کبائر عظیم است،[۲] و خدا نکند که معصیت کاری، مبتلای به آن شود.

گویند حجّاج بن یوسف آن جنایتکار تاریخ در آخر عمرش گفته است که خدایا مرا بیامرز، گرچه می‌دانم همه می‌گویند نمی‌آمرزی، و شافعی[۳] که این را شنید

---

۱. سوره حج، آیه ۵ و سوره نحل، آیه ۷۰: «بعضی از شما را به سالخوردگی می‌رساند تا هر چه را که آموخته است از یاد ببرد».

۲. قال ابو عبدالله (ع): «ان من الکبائر ... الیأس من روح الله ...» و قال: «الکبائر: القنوط من رحمة الله، و الیأس من روح الله ...». اصول کافی ۲: ۲۷۸ و ۲۸۰ / ٤ و ۱۰.

۳. محمد بن ادریس شافعی، یکی از ائمه مذاهب چهارگانه اهل سنت.

گفت: اگر چنین گفته شاید، و من ندانم که آن شقی توفیق چنین امری را پیدا کرده یا نه.[۱] و می‌دانم که از هر چه بدتر یأس است و تو ای دخترم مغرور به رحمت مباش که غفلت از دوست کنی و مأیوس مباش که خسرالدنیا و الآخرة شوی.

خداوندا! به حق اصحاب پنج گانه کسا، احمد و فاطی و حسن و رضا (یاسر) و علی را که از دودمان رسول گرامی و وصیّ اویند و به این افتخار می‌کنم و می‌کنند، از شرور شیطانی و هواهای نفسانی مصون دار، در اینجا کلام من ختم شد و حُجت حق بر من تمام، والسلام.

اینک چون تو با اصرار خاص به خودت از من شعر خواستی باید به حق بگویم که نه در جوانی که فصل شعر و شعور است و اکنون سپری شده، و نه در فصل پیری که آن را هم پشت سر گذاشته ام، و نه در حال ارذل العُمُر[۲] که اکنون با آن دست به گریبانم قدرت شعرگویی نداشتم، گویند کسی گفت که من قوّه‌ام در جوانی و پیری فرق نکرده، زیرا این سنگ را نه در جوانی توانسته ام بلند کنم و نه در پیری، من نیز همین را می‌گویم که من در شعر و ادب فرقی نکردم که در جوانی شعر نتوانستم گفتن و نیز در پیری.

اینک گویم:

شاعر اگر سعدی شیرازی است بافته‌های من و تو بازی است

اکنون که با شعر نمی‌توانم، با مِعر تو رابازی دهم و به اصرارت جامهٔ عمل پوشم.

احمد است از محمد مختار که حمیدش نگاهدار بُود
فاطی از عرش بطن فاطمه است فاطر آسمانش یار بُود
حسن این میوهٔ درخت حسن محسنش یار پایدار بُود
یاسر از آل پاک سبطین است سرّ احسان وِرا نثار بُود

۱. احیاء العلوم الدین، ٤: ٦٩٧.

۲. سالخوردگی و فرتوتی.

علی از بوستان آل علی است — علی عالیش شعار بُود
پنج تن از سُلالهٔ احمد — شافع جمله هشت و چار بُود
دخترم شعر تازه خواست ز من — مِعر گفتم که یادگار بُود

باز شعر خواستی و باز هم شعر، این هم پریشان گویی دیگر:

عاشقم عاشق و جز وصل تو درمانش نیست
کیست زین آتش افروخته درجانش نیست
جز تو در محفل دلسوختگان ذکری نیست
این حدیثی است که آغازش وپایانش نیست
راز دل را نتوان پیش کسی باز نمود
جز بر دوست که خود حاضر وپنهانش نیست
باکه گویم که به جز دوست نبیند هرگز
آنکه اندیشه و دیدار، بفرمانش‌نیست
گوشه چشم گُشا بر من مسکین بنگر
ناز کُن ناز که این بادیه سامانش نیست
سر خم باز کن و ساغر لبریزم ده
که به جز تو سرِ پیمانه و پیمانش‌نیست
نتوان بست زبانش ز پریشان گویی
آنکه در سینه به جز قلب پریشانش‌نیست
پاره کن دفتر و بشکن قلم و دَم دربند
که کسی نیست که سرگشته و حیرانش‌نیست

آذرماه ۱۳۶۵
ربیع الثانی ۱۴۰۷[۱]

---
۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱٦٤ تا ۱٦٨.

▣ یادنامهٔ اخلاقی

زمان: اردیبهشت ۱۳۶۶/شعبان ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: اندرزهای عرفانی و اخلاقی مخاطب: طباطبایی، فاطمه

بسم الله الرحمن الرحیم

فاطی دختر عزیزم،[۱] از من می‌خواهی برای تو چیزی بنویسم؛ چه بنویسد کسی که خود مبتلای به نفس امّاره بالسوء است و هرگز نتوانسته بلکه نخواسته این بت بزرگ را بشکند. اکنون در آستانهٔ شهرالله و مقام ضیافت الله هستیم و من خود اقرار دارم که لایق این ضیافت نیستم. شهر شعبان المعظم که شهر امامان است در شرف گذشتن و ما خود را نتوانستیم مهیا کنیم برای شهرالله.

دعاها را گاهی با لقلقهٔ لسان خواندم و از آنها چیزی حاصل نشد در این آخر شهر عرض می‌کنم، اَللهم اِن لم تکن غفرت لنا فیما مضی من شعبان فاغفرلنا فیما بقی منهُ[۲] از رحمت حق تعالی مأیوس نیستم و مباش، در دنیا [مباد] روزی که گناهان به آنجا رسد که از رحمت حق مأیوس شویم. دخترم این چند روز خواهد گذشت چه با عیش و نوش و چه با رنج و تعب؛ چه با غفلت از فطرت و چه با توجه به آن. عزیزم، خداوند جلّ و علا نور هدایت را در همهٔ مخلوقات خصوصاً انسان نهفته است. فطرت‌الله، ما را خواهی نخواهی به او متوجه کرده و همهٔ مخلوقات در هر حدی که هستند و به هر مذهبی که گراییده‌اند جز به حق تعالی و کمال مطلق به هیچ چیز توجه ندارند به حسب فطرت؛ گرچه خود ندانند و معتقد به غیر آن باشند انسان کمال مطلق را می‌جوید و می‌خواهد چه آنان که به توهّم بت را می‌پرستند و چه آنهایی که حق

---

۱. خانم فاطمه طباطبایی، همسر آقای سید احمد خمینی.

۲. «پروردگارا اگر ما را در ایامی که از (شعبان) گذشته است نیامرزیده‌ای پس ببخشای ما را در باقیمانده آن». دعای آخر ماه شعبان.

جلّ و علا را منکرند و به دنبال ریاست. ملحدها گمان می‌کنند متوجه به دنیا و خواستار ریاست و زعامت هستند، لکن به حسب واقع متوجه و خواهان قدرت مطلقه هستند و در جستجوی کمال مطلق و خود گمان خلاف می‌کنند و شاید عذاب و عقاب برای همین جهل و توهّمات باشد. تو که مثلاً دنبال لباس خوب هستی و زینت بهتر، دنبال حق می‌گردی و کاخ نشینان نیز دنبال قدرت مطلق هستند ﴿وان من شیءٍ الا یسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم﴾[۱] ﴿و قضی ربک اَلاّ تعبدوا إلاّ ایاه﴾[۲] بنابر وجهی این کلام دامنه دارد. بهتر آنکه درز بگیرم و تو را و خود و همگان را به خدای تعالی بسپارم. والسلام علیک و علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ نامه

زمان: ۲۸آذر ۱۳۶۶/۲۷ربیع الثانی ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: وصیّت عرفانی ـ اخلاقی مخاطب: خمینی، سید احمد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله ربّ العالمین الذی لا رحمٰنِ و لا رحیمَ غیرهُ، و لا یُعْبَدُ و لا یُستَعانُ إلاّ منه، و لا یُحمد سواه، و لا رَبَّ و لا مربیّ الاّ إیّاه، و هو الهادی الی الصراط المستقیم و لاهادیَ و لا مرشدَ إلاّ هو و لا یُعْرَفُ إلاّ به، هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن. و الصلوة و السلام علی سید الرسل و مُرشد الکل الذی ظَهَر من غیب الوجود الی عالم الشهود و اتمَّ الدائرة و أرْجَعها الی اوّلها، و علی آل بیته الطاهرین الذین هم مخازن

---

۱. بخشی از آیه ٤٤ سوره إسراء: «و هیچ موجودی نیست جز آنکه او را تسبیح می‌کند ولی شما تسبیحشان را نمی‌فهمید».

۲. بخشی از آیه ۲۳ سوره إسراء: «پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید».

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۵۳ تا ۲٥٤.

سرّالله و معادن حکمة الله و هُداة ما سوی الله.[۱]

و بعد این وصیتی است از پیری درمانده که در تمام دورهٔ عمر قریب به نود ساله‌اش در غرقاب ضلالت و سُکر طبیعت به سر برده و اکنون ارذل العُمُر[۲] را به سوی قعر جهنم می‌پیماید و امیدی به نجات خود ندارد ولی از روح الله و رحمته مأیوس نیست و امیدی جز او ندارد و آن چنان در پیچ و خم علوم رسمی که سر به سر قیل است و قال[۳] خود را عاجز می‌داند که جز خدای تبارک و تعالی نتواند احصای معاصی او کند.

این وصیت به جوانی است که امید است به توفیق خدای بزرگ و هدایت هادیان سُبُل[٤] علیهم سلام الله راهی به سوی حق پیدا کند و خود از این منجلاب که پدرش را فرا گرفته نجات یابد.

چشم داشتن به غیر او شرک است و باک از غیر او کفر

ای پسر عزیزم احمد ـ سلّمک الله تعالیٰ ـ در این اوراق نظر کن و انظر إلی ما قال

---

۱. ستایش، ویژه خدایی است که پروردگار جهانیان است، آنکه غیر از او نه بخشاینده است و نه مهربان، و پرستیده نشده و یاری خواسته نمی‌شود مگر از وی، و ستایش نمی‌شود آنچه جز اوست، و نه پروردگار و نه مربی است مگر او، و اوست راهنمای به راه راست و راهنما و ارشادگری نیست جز او، و شناخته نمی‌شود مگر به خودش، اوست اول و پایان و آشکار و پنهان. و درود و سلام بر آقای پیامبران و ارشادگر همگان که از غیب هستی و وجود به جهان آشکار و شهود، ظاهر شده است و دایره هستی را تمام نموده و آن را به ابتدا و شروع آن بازگردانیده است، و «درود و سلام» بر خاندان پاک وی باد، کسانی که ایشان مخزنهای سرّ خدایی هستند و معادن حکمت الهی و راهنمایان آنچه که جز خداوند است.

۲. دوران پیری و کهولت.

۳. مصرعی است از این بیت مشهور شیخ بهایی:

علم رسمی، سر به سر قیل است و قال — نه از او کیفیتی حاصل، نه حال

٤. سبل جمع سبیل: راه، طریق.

و لاتنظرالی من قال[۱] من خود آن چه به تو می‌گویم گرچه خودم عاری و بری هستم لکن امیدوارم که برای تو تنبّهی باشد. بدان که هیچ موجودی از موجودات از غیب عوالم جبروت و بالاتر و پایین تر چیزی ندارد و قدرتی و علمی و فضیلتی را دارا نیست و هر چه هست از او جلّ و علا است، او است که از ازل تا ابد زمام امور را به دست دارد و احد و صمد است. از این مخلوقات میان تهی پوچ و هیچ باکی نداشته باش و چشم امیدی هرگز به آنها مبند که چشم داشتن به غیر او شرک است و باک از غیر او جلّ و علا کفر.

در جوانی به فکر اصلاح خود باش

پسرم! تا نعمت جوانی را از دست ندادی فکر اصلاح خود باش که در پیری همه چیز را از دست می‌دهی، یکی از مکاید[۲] شیطان که شاید بزرگ‌ترین آن باشد که پدرت بدان گرفتار بوده و هست مگر رحمت حق تعالی دستگیر او باشد استدراج[۳] است. در عهد نوجوانی شیطان باطن که بزرگ‌ترین دشمنان اوست او را از فکر اصلاح خود باز می‌دارد و امید می‌دهد که وقت زیاد است، اکنون فصل برخورداری از جوانی است و هر آن و هر ساعت و هر روز که بر انسان می‌گذرد درجه درجه او را با وعده‌های پوچ از این فکر باز می‌دارد تا ایام جوانی را از او بگیرد. و آنگاه که جوانی رو به اتمام است، او را به امید اصلاح در پیری سرخوش می‌کند و در ایام پیری نیز این وسوسهٔ شیطانی از او دست نکشد و وعدهٔ توبه در آخر عمر می‌دهد و در آخر عمر و شهود موت، حق تعالی را در نظر او مبغوض ترین موجود جلوه می‌دهد که محبوب او که دنیا است از دستش گرفته است. این حال اشخاصی است که نور فطرت در آنها

---

۱. تصنیف غررالحکم، ص ۵۸.

۲. دامها.

۳. کسی را به نعمت های داده شده به او مغرور ساختن و بدان واسطه از حق غافل نمودن.

بکلی خاموش نشده است و اشخاصی هستند که غرقاب دنیا آنها را از فکر اصلاح، به دور نگهداشته و غرور دنیا سرتاپای آنان را فراگرفته است. من خود چنین اشخاصی را در اهل علم اصطلاحی دیده‌ام و اکنون بعض آنها در قید حیاتند و ادیان را هیچ و پوچ می‌دانند.

دعاهای ائمهٔ معصومین را بخوان

پسرم! توجه کن که هیچ یک از ما نمی‌تواند مطمئن باشد که به این دام شیطانی نیفتد. عزیزم! ادعیهٔ ائمهٔ معصومین را بخوان و ببین که حسنات خود را سیئات می‌دانند و خود را مستحق عذاب الهی می‌دانند و بجز رحمت حق به چیزی نمی‌اندیشند و اهل دنیا و آخوندهای شکم پرور این ادعیه را تأویل می‌کنند؛ چون حق جلّ و علا ـ را نشناخته اند. پسرم! مسئله بزرگتر از آن است که ما تصور می‌کنیم. آنان که در پیشگاه عظمت حق تعالی از خود فانی شده‌اند و جز او چیزی نمی‌بینند در آن حال، کلام و ذکر و فکری نیست و خودی نیست؛ این ادعیه کریمه در حال صَحو قبل از محو[۱] یا بعد از محو[۲] که خود را در حضور حاضر می‌بینند صادر شده است و دست ما و همه کس غیر از اولیاء خُلّص از آن کوتاه است.

به هوش آمدن و بیدار شدن، مقدمهٔ دخول در سیر

پس سخن را از آن که در خور مثل منی نیست درهم پیچم و آنچه برای تو فرزندم ممکن است که امید است به فضل خدا و دستگیری اولیای او ـ علیهم‌السلام بدان بررسی آغاز کنم و آن چیزی است که در فطرةالله التی فطر الناس علیها[۳] جمیعاً

---

۱. اشاره است به مقام هوشیاری عبد به منزلت عبودیت پیش از آنکه فانی در حق تعالی شود.

۲. اشاره است به مقام هوشیاری، حاصل از بقای به حق، بعد از فانی شدن در او.

۳. سوره روم، آیه ۳۰: فطرت الهی که مردم را بر آن آفرید.

حاصل است یعنی فطرت توحید که تمام انسانها بلکه تمام موجودات بر آن مفطورند و آنچه توجه به آن شود و دنبال آن هر کس رود چه در علوم و فضائل و فواضل و چه در معارف و امثال آنها و چه در شهوات و هواهای نفسانی و چه در توجه به هر چیز و هر کس از قبیل بتهای معابد و محبوبهای دنیوی و اخروی ظاهری و خیالی و معنوی و صوری، چون حب به زن و فرزند و قبیله و سران دنیوی چون شاهان و امیران و سپهبدان یا اُخروی چون علما و دانشمندان و عارفان و اولیاء و انبیاء ـ علیهم‌السلام همه و همه عین توجه به واحد کامل مطلق است؛ حرکتی واقع نشود جز برای او و وصول به او؛ و قدمی برداشته نشود جز به سوی آن کمال مطلق. و اکنون امثال ما در حجابهای ظلمانی بعضها فوق بعضٍ[۱] واقعیم، دردها و رنجها و عذابها از این احتجاب است. و اول قدم که مقدمهٔ رفع حجب است آن است که گرایش پیدا کنیم که درحجابیم و از این خِدر[۲] طبیعت که تمام وجود ما را از سرّ و علن و باطن و ظاهر فراگرفته به تدریج به هوش آییم و این «یقظه»ایست که بعض اهل سلوک، منزل اول دانسته‌اند،[۳] و چنین نیست بلکه این به هوش آمدن و بیدارشدن مقدّمه دخول در سیر است. و رفع همهٔ حجب ظلمانی و پس از آن نورانی، وصول به اول منزل توحید است. و اگر به قدم عقال[٤] عقل پیش رویم، آن هم با همهٔ عقال، همین نغمه را دارد و گوید کمال مطلق همهٔ کمالات است والاّ مطلق نیست و هیچ کمالی و جمال و جمیلی ممکن نیست در غیر حق ظهور کند که این غیریّت، عین شرک است اگر نگویم الحاد است.

---

۱. بعضی از این ظلمتها، بالای بعضی دیگر است.

۲. پرده، حجاب.

۳. شرح منازل السائرین، عبدالرزاق کاشانی: ٣٤. و منظور از بعض اهل سلوک، خواجه عبدالله انصاری است.

٤. آنچه که با آن شتر یا اسب را به جایی می‌بندند.

هر موجودی بالفطره عاشق کمالات است

عزیزم! اول باید با قدم علم، لنگان لنگان پیش روی و این هر علمی باشد حجاب اکبر است که با ورود به این حجاب به رفع حجب آشنا می‌شوی، بیا با هم به سوی وجدان رویم که ممکن است راهی بگشاید. هر انسانی بلکه هر موجودی بالفطره عاشق کمالات است و متنفر از نقص؛ شما اگر علم می‌جویید چون کمال است می‌جویید و از این جهت ممکن نیست که فطرت شما به هر علم که دست یابد به آن قانع شود و اگر توجه کند که مراتب بالاتری است در این علم بالفطره آن را می‌جوید و می‌خواهد و از این علم که دارد به واسطهٔ محدودیت و نقصش متنفر است و آنچه بدان دل باخته حیث کمال آن است نه نقص. و اگر قادری توجه به قدرتش دارد این توجه به کمال قدرت است نه نقص آن؛ و لهذا قدرتمندان دنبال قدرتهای بالاتر می‌گردند و خود نمی‌دانند. قدرت مطلق، موجود مطلق است و تمام دار تحقق جلوه‌ای است از آن موجود مطلق و به هر چه رو آوری به او رو آوردی و خود محجوبی و نمی‌دانی؛ و اگر بقدم وجدان‌همین مقدار را درک کنی و بیابی ممکن نیست که بجز موجود مطلق به چیزی توجه کنی و این گنجینه ای است که انسان را بی‌نیاز کند از غیر او و هر چه به او برسد از محبوب مطلق رسیده و هر چه از او سلب شود، محبوب مطلق از او سلب کرده است؛ در این حال از عیب جوییها و هرزه درایی‌های دشمنان لذت می‌بری؛ چه که از محبوب است نه از اینان و دل به هیچ مقامی نمی‌بندی جز به مقام کمال مطلق.

دشمنی ابرقدرتها با جمهوری اسلامی ایران

پسر عزیزم! حالا می‌خواهم با تو با زبان و قلم ناقصی که دارم صحبت کنم:

تو و همه می‌دانید که در نظامی واقع هستید که به یمن قدرت الهی و توفیق او

جلّ و علا - و دعا و تأیید حضرت بقیة الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - و ملت انقلابی ایران که جانم فدای یک یک آنها دست رد به سینهٔ همه قدرتهای شیطانی زده است، نظام بی‌نظام ستمشاهی راکه هزاران سال جز ستم و ظلم و مردم آزاری و قتل و غارت کاری نکرده‌اند به خاک مذلت کشاند و در این راستا کسانی که به طفیل آنان دود و دمی داشتند و ظلم و ستمی و غارت و چپاولی می‌کردند و الآن هم بسیاری از آنان یا در ممالک دیگر و یا در داخل هستند و شیفتهٔ آنانند؛ و با بلوک غرب سر پنجه نرم کرده و آنان راکه با قدرتهای شیطانی و تبلیغات وسیع عالم که در تحت فرمان آنان است از اوج قدرت نمایی به پایین کشیده و در صحنه‌های بین المللی مشت آنان را باز کرده و رسوایی آنان را بر سر زبانها انداخته.

آزارهای بی‌پایان، تحفه‌ای از دوست

و اکنون همه خصوصاً امریکای جهان خوار طرفدارانی در جهان و بین ملتهای دربند و غافل از قدرت اسلام و بین افراد بسیاری از ملت ما که دل باخته آنان یا قدرت آنانند موجود و شمشیرها را بر ضد این جمهوری و سران آن از نیام کشیده و در انتظار محو این جمهوری به سر می‌برند و چون منافع غرب در خطر است و اسلامِ قدرتمند تنها قدرتی است که این خطر را پیش آورده است و همین طور بلوک شرق ملحد که با هر صدایی که منافی قدرت آنان است مخالف و نصفی از جهان به دست آنان است و احساس خطر بزرگ از اسلام قدرتمند برای خود و دوستان خود می‌کنند و در داخل و خارج نیز دل باختگانی دارند که آنان نیز به تبع معبودشان با اسلام بزرگ و جمهوری اسلامی و دست اندرکاران آن در دشمنی بسر می‌برند و در فکر محو آثار آنند، با این اوضاع و احوال توقع این دارید که دست جمهوری اسلامی را بفشارند و «اهلاً و سهلاً» گویان به مداحی جمهوری اسلامی و گردانندگان آن برخیزند!

این طبیعی افکار فاسد بشر است که باید به هر وسیله خار راه را از سر راه

برداشت؛ و یک وسیلهٔ بزرگ علاوه بر وسائل نظامی و اقتصادی و قضایی همان بُعد فرهنگی است. فرهنگ فاسد غرب و شرق اقتضا می‌کند که با وسائل عظیمی که در دست دارند در تمام ساعات روز به دروغ پردازی و تهمت و افتراء بر فرهنگ الهی اسلام بتازند، و در هر فرصتی قوانین الهی جمهوری اسلامی و أصل اسلام را بکوبند و وابستگان به آن را مرتجع کهنه پرست فاقد شعور سیاسی بخوانند، و قوانین اسلام را کافی برای این زمان ندانند. به بهانهٔ آنکه قوانینی که هزار و چهارصد سال بر آن گذشته قدرت ادارهٔ امور را ندارد، که دنیا نوآوردهایی دارد که در آن اعصار نبوده و بعض اشخاص مدعی اسلام نیز این مطلب را تکرار کرده و می‌کنند.

در این محیط باید به حسب فرهنگ الهی اسلامی، در مقابل این توطئه‌های دامنه دار استقامت کرد و از این فرصت الهی که به دست آمده است نویسندگان متعهد و گویندگان و هنرمندان استفاده کرده و به مدد روحانیون آشنا به فقه اسلام و قرآن کریم، احکام الهی را که برای همهٔ قرون است با اجتهاد صحیح از قرآن کریم، سنت نبی اکرم (ص) و اخبار سرشار از معارف الهی و فقه سنتی استخراج کرد و به عالم عرضه داشت. و از خرده گیری کج روشان و آخوندهای درباری و وعاظ‌السلاطین نهراسید و به آن روحانی نمایان یا روحانیان که از روی عمد یا کج فهمی، یا حسد و دسیسه‌های شیطانی [مخالفت می‌کنند] با موعظه حسنه و طریقهٔ نبی اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین و سایر ائمه معصومین علیهم صلوات الله فهماند که این کجروی‌ها اگر خدای نخواسته بجایی برسد و خللی در جمهوری اسلامی که می‌خواهد اسلام مظلوم در طول تاریخ را تجدید کند وارد شود، اسلام چنان سیلی از غرب و شرق و وابستگان به آنان می‌خورد که قرنها فسادی بالاتر از عصر ستمشاهی را شاهد خواهیم بود.

و اکنون وقت آن است که وصیت و نصیحت پدرانه به احمد فرزند خود بکنم. پسرم! تو با آنکه در هیچ شغلی از شغلهای سران اسلامی ایّدهم الله تعالی وارد نیستی،

این سیلی‌های طاقت فرسا را که می‌خوری برای آن است که فرزند منی و به حسب فرهنگ غرب و شرق باید من و هر کس به من نزدیک و به ویژه تو که از هر کس نزدیکتری مورد تهمت و آزار و افتراء واقع شود. در حقیقت جرم تو این است که فرزند منی و این در نظر آنان کم جرمی نیست؛ البته بالاتر از اینها هم باید بگویند و خواهند گفت و باید منتظر و مهیا باشی؛ اما اگر ایمان و اعتقاد به حق تعالی داشته باشی و اعتماد به حکمت و رحمت بی‌پایان او بکنی، خواهی این تهمتها و افتراها و آزارهای بی‌پایان را تحفه‌ای از دوست برای سرکوب نفسانیت خود بدانی و ابتلایی و امتحانی است الهی برای خالص کردن بندگان خود. پس سیلی‌ها را بخور و شکر خداوند را به جا آور که چنین عنایتی فرموده و آرزوی بیشتر بکن.

گواهی بر امانت داری احمد

پسر عزیزم! بارها به من گفتی که دربارهٔ تو صحبتی که دال بر تبرئه تو از این تهمتها است نکنم و این را برای اسلام و مصلحت جمهوری اسلامی گفتی؛ لکن من اگر در این ورقه بر خلاف آنچه گفتی دربارهٔ تو چیزی بگویم برای ادای تکلیف الهی است که یک نفر مسلمان یا بنده خدا برای من، مورد این همه تهمت و آزار باشد و من آنچه می‌دانم دربارهٔ او نگویم.

من خدای قاهر حاضر منتقم را شاهد می‌گیرم که احمد از آن روزی که در کمک اینجانب در بیرونی مشغول ادارهٔ امور من بوده تا الآن که این ورقه را می‌نویسم قدمی یا قلمی بر خلاف گفتار و نوشتار من بر نداشته و با وسواس عجیب در کلیهٔ گفتارهای من یا نوشته‌های من سعی نموده که حتی یک کلمه بلکه گاهی یک حرف را که به نظر او محتاج به اصلاح است بدون اذن من تصرف نکند. من در نوشته و گفتارهایی که دارم به او و بعض اعضای دفتر ـ حفظهم الله ـ و به اشخاصی که متکفّل رسانه‌ها بوده‌اند و هستند اجازه دادم که هر چه بر خلاف صلاح به نظر آنها است به من تذکر

دهند و احمد فرزند من در جریان این امور بوده و هست و تاکنون اتفاق نیفتاده که کلمه [ای] را بدون رجوع به من اضافه یا کم کند «و الله علی کلِّ ذلک شهیدٌ».[۱]

گواهی بر درست کاری اعضاء دفتر

خداوندا! من با آنکه نمی‌خواهم از بستگانم چیزی که بوی مدح و ثنا می‌آید بگویم یا بنویسم، لکن تو می‌دانی که ساکت ماندن در مقابل تهمتها جرم و گناه است؛ اینجانب از دوستانی که در دفتر هستند خلافی که موجب نارضایتی من باشد سراغ ندارم؛ اینان سابقهٔ ممتد با من دارند و در بین آنها به آقای صانعی[۲] برای بستگی به من در طول زندگی من صدمات بسیار وارد شده است که از خدای متعال برای همه أجر جزیل و صبر جمیل خواهانم. و در آخر این را هم بگویم که احمد تاکنون برای مصارف خود دیناری از بیت المال صرف نکرده و من از مال شخصی خودم زندگی او را اداره می‌کنم.

خداوندا! بر ما بندگان ناچیز سر تا پا گناه ببخشا و رحمت واسعهٔ خود را از ما دریغ نفرما هر چند نالایق هستیم لکن مخلوق تو هستیم. خداوندا! این جمهوری اسلامی و دست‌اندرکاران آن را و رزمندگان عزیز ما را در پناه عنایت خود حفظ، و شهدا و مفقودین و شهدای عزیز را با خانوادهٔ آنها در رحمت خود غریق بفرما، و محبوسین و مفقودین ما راکه به وطن خود بازگردان، به حق محمد و آله الاطهار علیهم صلوات و سلم.

تاریخ ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. و خدا بر همه آن شاهد و گواه است.

۲. آقای حسن صانعی.

۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ٤٣٦ تا ٤٤٣.

▣ اهدا نامه

زمان: ۲۲آذر ۱۳۶۷/ ۳جمادی‌الاول ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: اهدای کتاب صحیفهٔ سجادیه
مخاطب: خمینی، علی[1]

بسمه تعالی

«هدیة النملة»

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی
از خم دوست جوانم به خم موی علی
طی کنم عرصهٔ ملک و ملکوت از پی دوست
یاد آرم به خرابات چو ابروی علی

صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد

صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن کتابی است الهی که از سرچشمهٔ نورالله نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشأن را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیهٔ اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوهٔ دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می‌کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفرهٔ الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتهای معنوی خود از آن استفاده می‌کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادّق[2] معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل می‌شود در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است، به شیوه

۱. نوه حضرت امام.

۲. دقیقترین.

خاص خود قطراتی که از دریای بیکران عرفان خود می‌چشاند و آنان را محو و نابود می‌کند:

پس عدم گردم عدم چون ارغنون گـــویدم انـــا الیـــه راجـعون

پس تو ای نویسندهٔ محروم از همه معارف و بیخبر از کـون و مکـان، قـلم را بشکن و صحیفه را ببند و از حدّ خود که هواهای نفسانی چون تار عنکبوت بر سراسر وجودت پیچیده و هر روز و شب افزون می‌گردد به فضل لایزال الهی پناه ببر «انه ذو رحمة واسعة» و من این کتاب بزرگ را به فرزند عزیزم که در جبههٔ او نور و نورٌ علی نور می‌بینم و آن عزیز که یادگار احمد[1] و از سلاله پاک ائمه اطهار علیهم سلام الله و پروردهٔ دامن پاک مادر عزیزش که سلالهٔ پاک ائمهٔ اطهار و از طباطبایی‌ها که افـتخار فرزندی حسنین را دارند اهدا کردم و امیدوارم او از علمای برجسته و فقهای متعهد و از عرفای مجاهد فی سبیل الله در دو جبههٔ ظاهر و باطن شود و از این کتاب مقدس به طور شایسته بهره مند گردد و پدر پیر خود، خمینی را کـه عـمری بـا هـوای نـفس و عصیان و ناسپاسی گذرانده و اکنون با روی سیاه و کوله باری از معصیت بدون هـیچ امید مگر به فضل خدای رحمان از این دار و دیار به دار و دیار دیگر می‌رود از طلب رحمت و دعایی و بخشش گناهان بر او منت نهد.

خداوندا، این عائله را به تو سپردم و از هیچ کس امـیدی نـدارم؛ تـو خـود بـا عنایات خویش آنان را تحت تربیت خویش قرار ده.

به تاریخ شب سه شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۶۷ / سوم جمادی الاولی ۱۴۰۹

بـندهٔ عاصی خدا
روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. آقای سید احمد خمینی.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰۹ تا ۲۱۰.

▣ نامه

زمان: ۲۵دی ۷/۱۳۶۷جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: قرآن، جامع اسرار معارف الهیّه، ارزش کتب عرفا مخاطب: طباطبایی، فاطمه[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین واللعن علی اعدائهم اجمعین الی یوم الدین. یاد روزی که در ایام جوانی کتاب «فصوص الحکم»[2] و دیگر کتب عرفانی را که بزرگان مشایخ ارباب عرفان به یادگار گذاشته‌اند در خدمت بعض از مشایخ اهل عرفان[3] رضوان الله علیه استفاده نمودم و اکنون که در این سنّ کهولت و از پای درآمدگی دختر عزیزم (فاطی) خانم فاطمه طباطبائی از این بی‌بضاعت خواستند چیزی بنویسم باید بگویم که کتب مذکور با همه قدر و منزلتی که دارند و کمکهای بسیار ارزنده ای به معرفت قرآن کریم سرچشمه فیاض معرفة الله و کتب ادعیهٔ ائمه معصومین، صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، که آنها را حقاً قرآن صاعد[4] باید خواند و احادیث آن بزرگواران می‌کنند، حلاوت و لطافت و جامعیت اسرار کتاب الهی را ندارند.

فی‌المثل سورهٔ مبارکه حمد مشتمل جمیع اسرار معارف الهیه است که تحمل آن از عهده این نویسنده دست و پا بسته خارج است، همین قدر بدان ای دختر عزیزم که در بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین معارف و اسرار غیرقابل تحمل

---

۱. همسر آقای سید احمد خمینی.

۲. «فصوص الحکم» کتابی است در عرفان، تألیف ابی عبدالله محمد بن علی معروف به محی الدین ابن عربی متوفای سال ٦٣٨ هجری قمری.

۳. عارف بزرگ: میرزا محمدعلی شاه آبادی، استاد امام خمینی.

٤. قرآن کریم را کتاب نازل و ادعیه وارد شده از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار «ع» را که در حقیقت بازگوی مفاهیم قرآنی به زبان بشر است «قرآن صاعد» گویند. صاعد: بالارونده.

برای ما است و اگر عارف صاحب سرّی در الحمدلله با قدم صاحب ولایت غور[1] کند می یابد که در عالم هستی غیر از الله چیزی و کسی نیست که اگر بود حمد مختصّ به ذات الوهی نبود (تو خود حدیث مفصّل بخوان از این مجمل) پس باید قلمها بشکنند اگر گمان شود ورای او هستند.

تو نیز ای عزیز کتب عرفا و اولیا را بخوان به قصد فهمیدن یا ذوق کردن همین کلمهٔ شریفهٔ جامعه. خداوند تعالی تو و احمد عزیزم و فرزندان عزیزت راکـه نـور چشمان من هستید حفظ کند، و از شماها انتظار دعای خیر دارم بویژه پس از مـوتم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

یکشنبه ۲۵ دی ۱۳۶۷ / ۷ ج ۲ ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. تفکر و اندیشه و به دقت نگریستن.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۷ تا ۲۳۸.

■ **نامه**

زمان:۱۳مهر ۱۳۴۵/ ۲۰جمادی‌الثانی ۱۳۸۶ — مکان:نجف
موضوع: تشکر و چند تذکر اخلاقی — مخاطب: بهجتی، محمدحسین

بسمه تعالی

۲۰ جمادی الثانی ۸۶

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف شیرین شما که حاکی از محبت و علاقه نسبت به اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. زبان من عاجز است از شکر در درگاه خالق متعال و مقلب‌القلوب که با رحمت واسعهٔ خود این قلوب پاک بی‌آلایش را به این حقیر بی‌بضاعت متوجه فرموده. امیدواری من در این آخر عمر به این محبتها و الطاف خاصه موالیان است. امیدوارم خداوند تعالی با من به حُسن ظنّ شماها رفتار کند. ما در درگاه خدای متعال چیزی نیستیم و چیزی نداریم که تقدیم کنیم به مقام دوست؛ هر چه هست از اوست.... والحمد منه و الیه.

عزیزان من کوشش و مجاهده کنید در راه نیل به حق و وصول به مقام عظمت و جلال او. این چند روز عمر بسیار زودگذر است، چه بهتر که صرف خدمت شود و فدای او گردد. از خداوند تعالی توفیق و تأیید همه را خواستارم و از خداوند تعالی مسئلت می‌نمایم که دنیا را در نظر همهٔ ما حقیر فرماید و شوق لقای خود را در ما روزافزون نماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۰۰.

◙ نامه

زمان:؟ مکان:نجف
موضوع: تذکرات اخلاقی در رابطه با خودسازی در جوانی و آمادگی برای ناملایمات
مخاطب: بهجتی، محمد حسین

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود و عبارات شیرینش از روی عواطف قلبیه صادر شده بود، واصل و موجب مسرت گردید. سلامت و تأیید جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. چند روزی بیش از عمر من باقی نیست و امید است از دعای خیر دوستان، خداوند تعالی با لطف عمیم[1] و رحمتش رفتار فرماید و مناقشه در حساب نفرماید. شما آقایان که نعمت جوانی را واجد هستید چیزی نمی‌گذرد که به پیری خواهید رسید، نگذارید جوانی از دست برود و کوشش کنید در خدمت به خالق و خلق و جلب رضای مولا جلّت قدرته. در جوانی تهذیب نفس بسیار اسهل است از ایام پیری و ضعف که قدرت از دست می‌رود و ریشهٔ اخلاق فاسده که اصلش از حب دنیا و نفس است استحکام پیدا می‌کند و تصفیه و تهذیب بسیار مشکل می‌شود. مجهز کنید خودتان را برای تحمل ناملایمات و سختیها در راه خدای تعالی؛ ممکن است خدای نخواسته روزهای سختی پیش آید که اگر هم اکنون خود را مهیا نکنید تحملش بسیار ناگوار و سخت باشد. کوشش کنید حب دنیا و شهرت و جاه را سرکوب کنید که این خطر در ایام پیری بزرگتر [ین] مصایب است.

از خدای تعالی توفیق و تأیید جنابعالی و سایر حضرات اهل علم و تحصیل را خواستارم. والسلام علیکم.[2]

---

۱. فراگیر.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۱۰۱.

▣ نامهٔ عرفانی

زمان: ۷تیر ۱۳۱۴/۲۷ ربیع الاول ۱۳۵۴ مکان: قم
موضوع: وصایای عرفانی ـ اخلاقی و تأیید صلاحیت فلسفی ـ عرفانی یکی از شاگردان
مخاطب: همدانی (حجت) میرزا جواد

بسم الله الرحمن الرحیم

[ترجمه:

خداوندا؛ پاک تویی و سپاس می‌گویمت، ای که آرزوی عارفین به قلهٔ کمال احدیتش نرسد، و اندیشهٔ پویندگان از وصول به کبریای مقدسش کوتاه. عظمتت والاتر از آنکه برای ورود به آن راهی یابد، و اسمائت مبرا از آنکه به دام پندار متفکرین آید.

توراست احدیت ذاتی در مقام حضرت جمعی و غیبی، و از آنِ توست واحدیت فردی در تجلّیات اسمائی و اعیانی.[۱]

پرستیده تویی در حالی که خود می‌پرستی، و پسندیده تویی به هنگامی که می‌پسندی. خداوندا؛ تو را سپاس می‌گوییم با زبانهای ذاتی ات که در عین جمع و وجود است[۲] برای نعمتهایت که جلوه گر در آینه‌های غیب و شهود است؛ ای که پیدایی هنگامی که پنهانی و نهانی چون هویدا.

یاری مان کن و پناهمان ده از شرّ وسوسهٔ شیطان، آن راهزن طریق انسانی و راهبر دوستان خویش به دره‌های ژرف طبیعت ظلمانی، ما را به راه راست هدایت

---

۱. مقام ذات الهی مقامی است که در هیچ آینه‌ای تجلی ندارد، و مقام احدیت ذات تجلی وجود است در مقامی که همه اسماء و صفات در آن مستهلک است، و مقام واحدیت مقامی است که وجود مشروط به جمیع اسماء و صفات در آن تجلی می‌کند.

۲. خداوند خود را در مقامات مختلف با زبان و فعل و حال حمد می‌کند یعنی هم با زبان ذات و هم با زبان اسماء الهی و هم با زبان اعیان ثابته در علم ربوبی حمد می‌کند.

فرما که برزخیت کبریٰ و مقام جمع اسمای حسناست.[۱]

خدایا؛ درود بی‌پایان فرست بر مبدأ و غایت ظهور و صورت و مادهٔ اصل نور (که هیولای اولی است) و هم او برزخ کبراست چنانچه [دنیٰ] نزدیک شد پس تعینات را رها کرد [فَتَدَلّیٰ] و خرامید [فکان قاب قوسین] پس در جایگاه یک کمان کامل با دو قوس وجود و تکمیل دایرهٔ غیب وشهود قرار گرفت [أو أدْنیٰ] یا نزدیکتر از آنکه همان مقام عماء است، بلکه در آن جایگاه هیچ مقامی نیست بنابر اصح نظریات (عنقا شکار کس نشود دام باز گیر).[۲]

و خدایا؛ درود فرست بر آل او که ظهور الهی را گشایشگر و نور الهی را نمایانگرند بلکه نورٌ علی نور هم ایشانند، ریشه و شاخهٔ درخت مبارکهٔ زیتون و سدرة المنتهیٰ [درختی در بالاترین مکان بهشت] هم اوست[۳] و هم او جنس و فصل کوْن جامع و حقیقت کلیه است.[٤]

مخصوصاً درود بر آن کسی که ولایت محمدیه را به نهایت رسانده، فیضهای احمدی را پذیرفته (قبض کرده)، با وصف ربوبیت الهی پدیدار شود چنانچه پدرانش با عبودیت آشکار شدند، چراکه عبودیت حقیقتی است که کُنه آن ربوبیت است. آنکه خدا را در ملک و ملکوت جانشین و ائمهٔ کجاوهٔ جبروت را پیشوا، احدیت

---

۱. مقام برزخیت کبراکه مقامی بین احدیت صرف و کثرت امکانی است، مقامی است که در آن ولایت کلی حاصل می‌شود. این مقام با قرب فرایض حاصل شده و عبد سمع و بصر حق می‌شود، چنین مقامی نهایت معراج رسول اکرم «ص» بوده و برای دیگران به تبع آن حضرت حاصل می‌شود.

۲. در حدیثی از رسول اکرم «ص» آمده است که خداوند قبل از آنکه مخلوقات را بیافریند در عما بود، و درباره معنای آن احتمالات زیادی آمده است که یکی از آنها این است که در حجاب اسماء ذاتی بود.

۳. اینکه صفت مفرد برای ائمه اطهار آمده است با توجه به تعبیرات لفظی است نه معنی.

٤. کون جامع عالمی است که مقام احدیت جمع اسماء غیبی و شهودی است، و تعبیر دیگری از انسان کامل است که همه حضرات را در خود جمع کرده است.

اسماءالهی را جامع و تجلیات اول و آخر را مظهر است، حجت غائب منتظر نتیجهٔ پیشینیان و گذشتگان ارواح ما به فدایش و خداوندمان از یارانش قرار دهد پروردگارا! دشمنان ایشان را لعنت کن که راهزن طریق هدایتند و راهبر امتها به گمراهی و حیرتند.

و بعد، آدمی را از دیگر موجودات به واسطهٔ یک لطیفهٔ ربانی و فطرت الهی متمایز کرده اند، فطرتی خدایی که آدمیان را بر آن طینت آفرید. و این فطرت به وجهی همان امانتی است که در کتاب عزیز الهی مورد اشاره شده ﴿انا عرضنا الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان﴾[1] ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، از تحمل آن سرباز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را بر دوش گرفت. و این فطرت همان فطرت توحید خدا در مقامات سه گانه [ذات و صفات و افعال] بلکه فطرت رها کردن همهٔ تعینات و ارجاع همه چیز به او و اسقاط همهٔ اضافات حتی اضافات اسمائی است و فانی کردن همه چیز است نزد او، و هر که به این منزلت نرسد از فطرت خدا خارج شده و در امانت پروردگار خیانت کرده و نسبت به مقام انسانیت و ربوبیت جاهل و به نفس خویش و حضرت حق ستم کرده است.

و نزد اهل دل از سابقین نیک سرشت آشکار است که نیل به چنین جایگاه والا و مرتبهٔ بلندی ممکن نیست مگر با ریاضتهای روحی و عقلی و با اندیشه‌های مقدس قلبی پس از آنکه جان آدمی از پلیدیهای عالم طبیعت پاک و پاکیزه شود چرا که این مقامی است که ﴿لا یمسه الا المطهرون﴾[2] جز پاکان را به آن دسترسی نیست و نیل به این مقصود حاصل نشود جز آنکه آدمی همت در کسب معارف الهی بگمارد و نظر در

---

۱. بخشی از آیه ۷۲ سوره احزاب.

۲. سوره واقعه، آیه ۷۹.

آیات و اسماء ربوبی منحصر کند به دنبال آنکه انسان شرعی شد بعد از آنکه انسان بشری بلکه طبیعی بود.

پس ای نفس تابع هوا که بر خاکدان زمین جاودانه گرفتاری، از خانهٔ تاریک حیرت انگیز هیولانی بیرون آی، و به سوی «الله» که مقام جمع است و رسولش که مظهر احدیت جمع است[۱] هجرت کن تا مرگ به تأیید خدای متعال تو را دریابد و پاداش تو بر خدا واقع شود که این همانا رستگاری عظیم و بهشت لقاء ذاتی است که نه چشمی را بر آن نظر افتاده و نه گوشی از آن خبر شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده است [فوق ادراک بشری است].

ای نفس؛ بدان که تو از مقام جامعیت اسماء و برزخیت کبریٰ ظهور کرده‌ای و در این دیار غریبه‌ای و چاره‌ای جز بازگشت به وطن نداری، پس وطن خویش محبوب دار که این دوستی از ایمان است چنانکه سید انس و جن فرموده.

بپرهیز و بر حذر باش ـ خداوند متعال در اولی و اخری یارت باد ـ از اینکه همت خویش صرف به دست آوردن لذات شهوات حیوانی کنی که این شأن چهارپایان است، یا به چیرگی بر نزدیکان و همانندان بپردازی اگر چه غلبه در علوم و معارف باشد که این منزلت درندگان است، یا همّ خویش به ریاستهای ظاهری دنیا صرف کرده تدبیر و اندیشه را بر آن بگماری که مقام شیاطین است؛ بلکه حتی پوسته و ظاهر عبادات را نیز منظر نظر قرار نده، و نه اخلاق معتدل یا نیکو را، و نه فلسفهٔ کلیه یا مفاهیم مبهم را، و نه شیوایی گفتار ارباب تصوف و عرفان ظاهری و نظم کلام ایشان را، و نه غرش رعد اهل خرقه و آذرخش ایشان [که ادعای رگبار معارف دارد] هیچ کدام را در برابر چشمانت قرار نده، که همهٔ آنها حجابی است اندر حجاب و ظلماتی

---

۱. چون وجود با احدیت جمع جمیع اسماء و صفات تجلی کند، مقام اسم اعظم الهی «الله» است که رب انسان کامل یعنی رسول اکرم «ص» می‌باشد، پس او مظهر احدیت جمع است.

است انباشته بر هم و صِرف کوشش در آنها مرگ و هلاکت است و چنین کاری زیان آشکار و محرومیت ابدی و ظلمتی است بی‌پایان.

بلکه همت تو باید در همهٔ حرکات و سکنات و اندیشه و فکرت در توجه به خداوند متعال و ملکوت او باشد، چرا که به سوی خدای متعال مسافری و ممکن نیست در این سفر با قدم نفس راه پیمودن، پس چاره‌ای نیست جز آنکه با قدم خدا و رسول سفر کنی که مهاجرت از سرای نفس با گامهای آن نتوان. پس تا هنگامی که با قدم نفس ره می‌سپاری، هنوز از دیار نفس خارج نشده و به سفر نپرداخته‌ای، در حالی که می‌دانی که مسافری غریبی.

و این وصیتی است به نفس سنگدل تاریک بیکارهٔ خویش و وصیتی است به دوست موفقم صاحب خِردی با بینشی درخشان در علوم ظاهری و باطنی و نظری دقیق در معارف الهی، دانشمند خردمند نکته سنج روحانی «آقا میرزا جواد همدانی» که خداوندش به نهایت آمال برساند.

من، به جان دوست قسم با آنکه از اهل علم و طلاب آن نیستم، از مهمات اصول فلسفهٔ متعالیهٔ الهی هر آنچه نزد خویش داشتم و بعضی از آنچه از اساتید بزرگوار خداوند سایهٔ ایشان را مستدام گرداند و کتب ارباب معرفت و صاحبدلان رضوان الله علیهم فرا گرفته بودم بر وی عرضه کردم، و او به حمد خداوند متعال به مرتبهٔ علم و عرفان رسیده، مسلک عقل و ایمان را پیمود، در حالی که خود نیز سلّمه الله دارای قریحه و سرّی لطیف و قلبی پاک و طینت سلیم و فکری نیکوست که لباس علم و راستی بر تن کرده، و توکل همه بر خداست در مبدأ و معاد.

و اکیداً وصیت می‌کنم او را به آنچه اعاظم حکمت و اساتید بزرگوار اهل معرفت، ما را به آن وصیت کرده‌اند که نسبت به عرضهٔ اسرار این معارف بر غیر اهلش منکران و بی‌تدبیران و آنان که از راه حق و انصاف گم گشته‌اند کاملاً بخل بورزد، که آن کوته نظران، ذوقی تار و عقلی کدر دارند و علم و حکمت جز جهالت و گمراهی بر

ایشان نیفزاید و معارف حقه جز زیان و حیرت نیاندوزد که خداوند عالی مرتبه فرموده: ﴿و ننزل من القرآن ما هو شفاءٌ و رحمة ... و لا یزید الظالمین الا خسارا﴾(۱) ما از قرآن آنچه را رحمت و شفای مؤمنین است فرو فرستادیم و بر ستمگران جز زیان نیفزاید.

بپرهیز و بر حذر باش ای برادر روحانی و دوست عقلانی از این اشباح مدعی تمدن و تجدد که آنان ستوری رمیده و گرگهایی درنده و شیاطینی انسان نما هستند که از حیوان گمراهتر و از شیطان پست ترند، و قسم به جان حقیقت که میان آنان و تمدن آنچنان فاصلهٔ دوری است که اگر به شرق روند تمدن به غرب گریزد و چون به غرب روی آورند تمدن به شرق برود، و همانند تو که از شیر می‌گریزی تمدن از ایشان در فرار است، که ضرر ایشان بر بنی آدم از آدمخوارگان بیش است.

و درخواست و وصیتم را تکرار می‌کنم که مرا نزد خدای بلند مرتبهٔ خویش به نیکی یاد کنی ربنا آتنا فی الدنیا حسنةً وفی الاخرةِ حسنةً و قنا عذاب النار(۲) پروردگارا در دنیا به ما حسنه و در آخرت حسنه عطایمان کن و از عذاب آتش نگاهمان دار، و ما را از آمد و شد با فرومایگان شرور برکناردار به حق محمد و آله الأطهار صلوات الله علیهم.

این وصیت را بندهٔ نافرمان گنهکار، سید روح‌الله فرزند سید مصطفی خمینی خداوند متعال هر دو را بیامرزد و به آنان و برادران مؤمن پاداش خیر دهد در صبح روز شنبه، سه روز به آخر ربیع المولود سال یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار بعد از هجرت مقدس نبوی صلی الله علیه و آله تحریر کرد].(۳)

---

۱. سوره اسراء، آیه ۸۲.

۲. بخشی از آیه ۲۰۱ سوره بقره.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۷ تا ۱۲.

▣ نامه عرفانی

زمان: ۲۷بهمن ۱۳۱۷/ ۲۶ذی‌الحجه ۱۳۵۷ مکان: قم
موضوع: لطایف توحیدی و اسرار عرفانی مخاطب: خویی (مقبره‌ای) سیدابراهیم

بسم الله الرحمن الرحیم

[ترجمه:

حمد و سپاس از آن خدایی است که از مَکمَن غیب هویت (حضرت احدیت) بر حضرت اسمایی تجلی فرمود و اسمای ذاتی او به حقیقتِ عمایی در حضرت واحدیت ظاهر شد، و جملهٔ نعوت و صفاتش در احدیت غیبی وحدت یافت و نعمات وی به وجههٔ باطنی کسوت یگانگی پوشید. متعالی و متفرد در عین تشبیه، و مُتَدانی و متجلی در اصل تنزیه. و او راست کلیدهای «خزاین» غیب اسماء، و مهر شده‌های حقایق نعمتها. خدایا! پس تو پاک و منزهی؛ ای آنکه آمال عارفان به اوج کمال احدیتش نرسد و اوهام واصفان از رسیدن به کبریای هویتش عاجز ماند! عظمتت والاتر از آن است که راه ورود بر واردی دهد، و آلای تو مقدستر از آنکه محمود حامدی شود. اوّلیت در عین آخریّت و آخریّت در عین اوّلیّت توراست؛ پس تویی که پرستیده و پرستنده‌ای. بارالها! تو را به لسان‌های پنج‌گانه‌ات حمد و سپاس می‌گوییم در عین جمع وجود، بر آلای متجلی در غیب و شهود؛ ای آنکه ظاهری در عین باطن بودن، و باطنی در عین ظاهر بودن!

پروردگارا! از تو یاری می‌جوییم و به تو پناه می‌بریم، از شرّ وسواسِ خناس؛ راهزن طریق انسانیت و راهبر یاران خود به جهنم پرتگاه طبیعت ظلمانی. پس ما را به صراط مستقیم، که همانا برزخیت کبریٰ و مقام احدیت جمع اسمای حسناست، راهبر باش؛ و درود فرست بر مبدأ ظهور و غایت، و صورت اصل وجود و ماده آنکه هیولای اولی و برزخیت کبراست؛ آنکه «نزدیک شد» و تعینات را رها کرد، «سپس فرود آمد» و (فاصله‌اش) به اندازهٔ دو قوس وجود و دایرهٔ غیب و شهود شد «یا نزدیکتر»؛ که همانا مقام عماء بلکه «لامقام» است بر اساس عالیترین رأی:

«عنقا شکار کس نشود، دام بازگیر!»[۱]

و نیز (درود فرست) بر آل و اهل بیت او که مفاتیح ظهور و چراغهای نورند، بل نور بر سر نورند: ﴿فمن لم یجعل الله له نورا (یهدیه الیهم) فماله من نور﴾[۲] بویژه بر خاتم ولایت محمدی و مقبض فیوضات احمدی، که پس از ظهور پدرانش به عبودیت، خود مظهر ربوبیت خواهد شد؛ و «براستی عبودیت، گوهری است که کنه آن، ربوبیّت است».[۳] امام آنکه خلیفهٔ حق در ملک و ملکوت، و وجودش گنجینهٔ اسمای خدای حیّ لایموت است؛ امام غایب و منتظر، و ثمره و ولیدهٔ اولیای گذشته که جانهای ما فدای او باد! و بارخدایا! بر دشمنان او که راهزنان طریق هدایت و راهبران امت بر راههای هلاکت و گمراهی اند، لعنت فرست.

و بعد، در حقیقت، انسان میان سایر موجودات به لطیفهٔ ربانی و نفخهٔ روحی الهی و فطرت سلیم روحانی ممتاز است؛ ﴿فطرة الله التی فطر الناس علیها﴾؛[۴] و این لطیفهٔ ربانی، به تعبیری دیگر، همان «امانت» است که خداوند متعال بدین گونه به آن اشارت فرموده: ﴿انا عرضنا الامانة علی السموات والارض...﴾[۵] الخ و این فطرت، همان فطرت توحیدی در مقامات سه گانه است: واگذاشتن تعینات و بازگرداندن همه چیز به او؛ اسقاط اضافات حتی اضافات اسمایی؛ و فنا و محو جملگی در او. و آنکه بدین مقام نایل نگردد، همو است که خارج از فطرت ربانی و خائن به امانت الهی و سراپا جهل به مقام ربوبیت و سراسر ظلم به حضرت احدیت است. و نزد اصحاب قلوب و عرفان و ارباب شهود و عیان، که مسبوق به سابقهٔ حسنایند، معلوم است که

---

۱. حافظ.

۲. سوره نور، آیه ۴۰: «پس هر که را خدا نورش ندهد (تا به سوی ایشان هدایتش کند) او را نوری نباشد».

۳. فرموده امام صادق (ع) منقول در مصباح الشریعه.

۴. سوره روم، آیه ۳۰: «فطرت الهی که مردم را بر آن آفریده است».

۵. سوره احزاب، آیه ۷۲: «براستی آن امانت را بر آسمانها و زمین عرضه داشتیم».

حصول این منزلت و وصول به این مرتبت، ممکن نیست مگر به ریاضت‌های عقلانی پس از طهارت نفس و تزکیهٔ آن و وجههٔ اراده و سمت و سوی همت را متوجه به معارف الهیه داشتن، در پی تطهیر باطن و خالی داشتنش از ماسوا.

پس ای نفس که در سراچهٔ خاک مخلد گشته‌ای از خانهٔ تاریک و دهشتناک طبیعت به درآی! و به سوی الله تعالی مقام جمع احدی و رسول او آن صاحب قلب احدی احمدی هجرت کن! تا گاهی که مرگ دریابدت مرگی که همانا نیستی تعینات است؛ در آن صورت اجر تو به عهدهٔ خداوند است. و در سیر الی الله، به پدر روحانی خویش (ابراهیم خلیل) تأسی جوی و بگو: ﴿وجهت وجهی للذی فطر السموات والأرض...﴾؛[1] و این همان فوز عظیم و جنت ذاتی لقایی است که [به فرمودهٔ رسول اکرم (ص):] ... لا عینٌ رأت و لا اذنٌ سمعت ولا خطر علی قلب بشرٍ.[2]

و ای نفس! به دستیابی لذتهای حیوانی و شهوانی و ریاستهای ظاهری دنیایی، قانع مباش؛ و خویش را به عبادات و طاعات خرسند مگردان؛ و به حسن صورت و زیبایی خداداد بسنده مکن؛ و به حکمت رسمی و شبهات کلامی خود را راضی مساز؛ و به خوش سخنی ارباب تصوف و عرفان رسمی خشنود مباش؛ و به دعاوی و طامات پر سر و صدای اهل خرقه راه مسپار؛ چرا که صرف همت در همهٔ اینها و تکیه بر آنها شکست و هلاکت است و [به فرمودهٔ ولی خدا:] العلم هو الحجاب الاکبر. نه؛ بل همت تو در تمامی حرکات و سکنات و افکار و انظار و رهپوییها باید به سوی الله تعالی ـ آفریننده و پدید آورنده و بازگردانندهات ـ باشد.

و این سفارش و وصیت من است به نفس تیره و ظلمانی و نیز به دوست و سرورم، که در علوم الهی فکری روشن و در معارف ربانی نظری دقیق دارد، عالم

---

۱. سوره انعام، آیه ۷۹: «روی خود را به سوی آنکه آسمانها و زمین را بیافرید متوجه ساخته‌ام».

۲. نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب انسانی خطور کرده است.

فاضل، سرور گرامی، آقا سید ابراهیم خوئی مشتهر به مقبره‌ای که خدای تعالی شوکتش را دوام بخشد و وی را به غایت آمال عارفان و منتهای سلوک سالکان برساند. پس این بنده آنچه را که از امهات اصول حکمت متعالیه می‌دانستم بدو القا کردم و از آنچه نزد بزرگان از مشایخ و کتب ارباب معارف دریافتم، بهره‌وافر بدو رساندم؛ تا بحمدالله اکنون به مراد خویش دست یافته و خویشتن را به جامهٔ صلاح و سداد آراسته است؛ و در آغاز و انجام، اتکال تنها به خداوند متعال است.

و مکرر می‌گردانم وصیت خود را به آنچه که مشایخ عظام به ما سفارش کردند؛ و آن، فاش نساختن اسرار معارف است مگر به اهلش، و دهان نگشودن به حقایق عوارف مگر در محلش پس خداوند که والاست نامش فرمود: و ننزل من القرآن ما هو شفاءٌ و رحمةٌ للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خساراً[1] و از ایشان دام عزه ملتمس هستم که نزد پروردگارش از این بنده به نیکویی یاد کند و مرا در هیچ حالی در دعا فراموش نفرماید؛ که براستی دعا دری است که برای دوستداران حضرتش گشوده است.

﴿ربنا اتنا فی الدنیا حسنةً و فی الاخرةِ حسنةً و قنا عذاب النار﴾.[2] و پروردگارا! ما را با نیکویان محشور فرما و از همنشینی با بدسگالان از اشرار دورمان گردان؛ به حق محمد و آله الاطهار ـ علیهم السلام.

و از این نوشته در روز ۲۶ ذی حجة الحرام ۱۳۵۷ [۲۷ بهمن ۱۳۱۷] فراغت حاصل کرد. بندهٔ ضعیف، سید روح الله فرزند سید مصطفی خمینی کمره‌ای.][3]

---

۱. سوره اسرا، آیه ۸۲: «و فرو می‌آوریم از قرآن آنچه را که شفا و رحمتی برای مؤمنان است؛ و ظالمان را جز خسارت و زیان نیفزاید».

۲. سوره بقره، آیه ۲۰۱.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۶ تا ۱۹.

فصل ۱۸:
نامه‌های عاطفی

▣ نامه

زمان: ۱۳۵۷هـ.ش./ ۱۳۹۹هـ.ق. | مکان: پاریس، نوفل لوشاتو
موضوع: پندواندرزهای اخلاقی | مخاطب: پریدسی کوپیسا

[آقای خمینی عزیز، نمی‌خواهم با تقاضای خود مزاحم شما بشوم، اما تا دیروز مشکلی داشتم (که می‌خواهم با مساعدت شما حل کنم). امیدوارم با محبتی که دارید کمکم کنید. نامزدم بزودی هدیه سالروز تولدش را دریافت خواهد کرد. هدیه‌ای که از قلب من تقدیم می‌شود. او مشتاقانه دستخط (بزرگان را) گردآوری می‌کند (و کلکسیونی از این دستخطها دارد) و روز تولدش چهارم فوریه است. چقدر خوشحال می‌شود که سلامی از شما دریافت کند. لذا از شما درخواست می‌کنم که لطفی در حق من کرده و چند جملهٔ زیبا روی کارت پستالی که (در پاکت نامه) برایتان گذاشته‌ام برای ایشان بفرستید. اگر اساساً دستخطی برای کسی ارسال نمی‌کنید، لطفاً مرا در جریان امر قرار دهید.

اکسل نِلکِن ـ بِیلز دورف ـ شماره ۵۷ ـ ۵۸۱۰ ویتن ـ آلمان غربی.

با تشکر و بهترین آرزوها برای شما. ارادتمند شما، پریدسی کوپیسا]

بسمه تعالی

سعی کنید برای جامعه فرد مفید باشید. سعی کنید تحت تأثیر قدرتهای شیطانی واقع نشوید. سعی کنید انسان متعهد باشید. ان شاءالله سلامت باشید.

روح الله الموسوی الخمینی [1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۵.

■ نامه

زمان: بهمن ۱۳۵۸/ربیع الاول ۱۴۰۰ مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: اعلام خبر سلامتی
مخاطب: غریبان لواسانی، سید خدیجه (یکی از علاقه‌مندان نگران حال امام خمینی)

[بنام خدا. ای امام جان من، از این خواب که دیشب دیدم بسیار ناراحتم. حدود ساعت چهار صبح بود که شما را در خواب دیدم که سه نفر به ملاقات شما آمدند و برای شما آب و یک لیوان شربت آورده بودند. من هم با آنها بودم که به حضور شما آمدند. آنها که بسیار صورتی زیبا داشتند، گفتند که دیگر ما طاقت [دیدن] دوا خوردن شما را نداریم. این بود که صبح ساعت پنج از منزل خودمان که در خیابان شهدا بود، خود را به اینجا رسانده ام و از هر کس اجازه گرفتم که شما را ببینم، نتوانستم. فقط حال خود را با یک دستخط کوچک برای من بنویس. من در راهرو منتظر جواب هستم سید خدیجه غریبان لواسانی.[1]]

بسمه تعالی، من بحمدالله حالم خوب است و خواب شما خیر است. خداوند به شما توفیق و سعادت عنایت نماید. روح الله الموسوی الخمینی[2]

■ نامه

زمان: ۱۳۶۰هـ.ش./ ۱۴۰۱هـ.ق. مکان: تهران، جماران
موضوع: امتیاز انسانها نسبت به یکدیگر به تقواست نه رنگ پوست
مخاطب: دانش‌آموزان دبیرستان اسپرینگ دال ایالت ارکانزاس امریکا

بسم الله الرحمن الرحیم

فرزندان عزیز خوب دبیرستان اسپرینگ دال ایالت ارکانزاس امریکا نامهٔ محبت‌آمیز و هدیهٔ ارزشمند شما عزیزان را دریافت نمودم. من می‌دانم که

---

۱. این نامه روی کاغذ یادداشت بیمارستان قلب «شهید رجایی» نوشته شده است و پاسخ امام نیز ذیل آن مرقوم گردیده است.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۲۵.

سرخپوستان و سیاهپوستان در فشار و زحمت هستند. در تعلیمات اسلام فرقی بین سفید و سرخ و سیاه نیست. آنچه انسانها را از یکدیگر امتیاز می‌دهد تقوا و اخلاق نیک و اعمال نیک است. از خداوند بزرگ می‌خواهم شما فرزندان عزیز را موفق کند و به راه راست هدایت فرماید.

یک جزوه از کلمات نصیحت آموز پیغمبر بزرگ اسلام را که برای کودکان ایران هدیه داده اند، برای شما عزیزان می‌فرستم، و به شما دعای خیر می‌کنم. امید است در ارزشهای انسانی موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۳۶۰هـ.ش./ ۱۴۰۱هـ.ق. **مکان: تهران، جماران**

موضوع: پاسخ امام خمینی به نامهٔ یک دانش آموز در مورد کمک به جبهه

مخاطب: چراغی، محمد (دانش آموز)

[بسمه تعالی. با سلام و درود فراوان بر امام بزرگوار عزیز، بنده یک دانش آموز دبیرستان هستم که دو ماه پیش در یک مسابقهٔ دو شرکت کردم و نفر اول شدم. برای پدرم که در جبههٔ جنگ بود این پیروزی خودم را نوشتم و پدرم که از طرف بسیج مبلغ ششصد تومان پول برای مساعده به او داده بودند، مبلغ پانصد تومان را به عنوان جایزه برای من فرستاد. بنده هم این پول را خدمت شما می‌فرستم که دوباره خرج جنگ علیه کفر شود. امام عزیز اگر در صدر اسلام سربازها آب را به دیگری تعارف می‌کردند ما هم حاضریم نان خود را به همدیگر تعارف کنیم و بدهیم. ان شاءالله مورد قبول گردد. محمد چراغی، دانش آموز سال سوم دبیرستان]

۱. صحیفه امام، ج ١٤، ص ٢٢٤.

بسمه تعالی

برادر عزیز نامهٔ شما رسید. مبلغ مذکور را قبول کردم و فرستادم برای شما و من عوض شما به جبهه خدمت می‌کنم. ان شاءالله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: دی ۱۳۶۰/ربیع الاول ۱۴۰۲ — مکان: تهران، جماران

موضوع: وجوه شرعی و وصول هدیه — مخاطب: مهدی یار (خانم)

[محضر مبارک رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ـ دامت برکاته

پس از عرض سلام و درود فراوان خاطر شریف را مستحضر می‌دارم، این ضعیفه در زمان رژیم طاغوتی به زیارت خانه خدا نائل شده‌ام و پول آن را به من بخشیده بودند. بعداً متذکر شدم که آقای خویی فرموده‌اند که پول بخشیده شده را باید خمسش را بدهند؛ چون سواد نداشتم متوجه نبودم، دل چسبم نبود. حال در این زمان جمهوری اسلامی آرزو دارم؛ تا حال به اندازهٔ توانایی به مستضعفین هم کمک می‌کنم. این ضعیفه غیر از خانه داری خیاطی هم دارم؛ چنانچه اجازه بفرمایید برای سال آینده ثبت نام کنم. خواهشمندم جواب ثبت نام را بفرمایید. ضمناً برای تذکر شبی در خواب بانویی یک بغچه که سه قواره پیراهن با اندازه به من داد و فرمود که این سه پیراهن را یکی برای حضرت علی «ع» و دیگری برای امام حسن «ع» و دیگری برای امام حسین «ع» بدوز. خواهشمندم این پیراهن را که دوخته ام از این ضعیفهٔ ناچیز قبول فرمایید. در خاتمه امید دارم به خداوند متعال که سایهٔ بلندپایه آن رهبر شکوهمند بر سر ایران و جهان مستدام بدارد.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ٤٧.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

۶۰/۱۰/۱۶ـ ۱۰ع ـ ۱۴۰۲

آدرس: شیراز ـ چهار سوق وکیل ـ خرازیِ عبدالعلی مهدی یار]

بسمه تعالی

همشیرهٔ محترمه مرقوم شما واصل گردید. حج شما صحیح است حتی با فرض آنکه به بخشش خمس تعلق می‌گیرد؛ ولی به بخشش خمس تعلق نمی‌گیرد. ان شاءالله خداوند به شما توفیق دهد. پیراهن هدیه واصل شد. از شما تشکر می‌کنم. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۴اسفند ۱۳۶۰/ ۲۸ربیع الثانی ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ به نامه دانش آموزان

مخاطب: مرزانی، سیدابوالفضل «نماینده دانش آموزان روستای معدن فیروزهٔ نیشابور»

[بسم الله الرحمن الرحیم. حضور محترم پدر عزیز و مهربانمان حضرت امام خمینی

امیدواریم که سلام گرم ما را بپذیرید و وجودتان از هر گونه بیماری و ناراحتی دور باشد. ما می‌خواستیم همان طور که در کتاب تعلیمات دینی و اخلاق کلاس پنجم بود، نامه ای به شما بنویسیم و مانند امام محمد تقی «ع» که فرماندار سیستان را نصیحت کرده بود، شما را نصیحت کنیم. اما متوجه شدیم که این کار، اشتباه بزرگی است و گناه دارد؛ چون شما خود شخصی بزرگ و باتقوا و پرهیزکارید و در برابر قدرتهای شرق و غرب ایستادگی نموده‌اید و با قدرتهای شیطانی در حال مبارزه هستید، در حالی که ما کودکانی هستیم که شاید حتی دست چپ و راستمان را از

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ٤٦٧.

یکدیگر تشخیص ندهیم، پس چگونه خود را راضی کنیم که شما را نصیحت نماییم. از این نظر فقط تصمیم گرفتیم که نامه ای برای شما بنویسیم و ضمن عرض سلامی گرم و با محبت، از خداوند بزرگ بخواهیم و دعا کنیم که شما را در پناه خود در کلیهٔ کارها موفق و پیروز نگه دارد، و هر چه زودتر سربازان اسلام را بر نیروهای صدام و کافران بعثی پیروزی عطا فرماید. آمین یا رب العالمین. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار.

نمایندهٔ کلاس پنجم «الف» ـ سید ابو الفضل مرزانی ـ ۶۰/۱۱/۲۶ ـ نیشابور]

بسم الله الرحمن الرحیم

فرزندان عزیز خوبم، چه خوب بود که نصیحتی را که در نظر داشتید، می‌نوشتید. ما همه محتاج به نصیحت هستیم و نصیحت شما عزیزان، بی‌غرضانه و از روی صفای قلب است. اکنون به عنوان پدر پیری شما عزیزان را نصیحت می‌کنم که در تحصیل علم و فراگرفتن دانش و اخلاق و کردار نیکو کوشا باشید که افراد متعهد و سودمندی برای اسلام بزرگ و میهن عزیزتان باشید. خداوند یار و نگهدارتان باشد.

۲۸ ربیع الثانی ۱۴۰۲ / ۴ اسفند ۱۳۶۰

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۷۰.

◙ پند نامه

زمان: ۲۶اسفند ۱۳۶۰/ ۲۱جمادی‌الاول ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: پندها و نصایح اخلاقی در پاسخ به نامهٔ دانش‌آموزان دبستانی
مخاطب: دانش‌آموزان دبستان سلمان فارسی

بسم الله الرحمن الرحیم

دبستان سلمان فارسی ـ ۲۶ اسفند ۱۳۶۰

فرزندان عزیزم، نامه‌های محبت‌آمیز شما واصل گردید و موجب تقدیر و تشکر شد. امیدوارم خداوند تعالی به شما عزیزان که امروز کودکانی صافدل و بامحبت می‌باشید توفیق در تحصیل و اخلاق کریمه و تهذیب نفس مرحمت فرماید که در آتیه ان شاءالله تعالی خدمتگزارانی برای اسلام و کشور و ملت خود باشید و از شرّ کجروانی که می‌خواهند شما را به کجروی کشانند محفوظ باشید.

هرچه می‌توانید در تحصیل علوم جدی و کوشا و در اخلاق و اعمال و کردار نیک کوشش کنید که برای آتیه میهنتان افتخارآفرین باشید. و در احترام به پدران و مادران و معلمان که پدران معنوی و فرهنگی شما هستند فروگذار نکنید و ازاسلام و جمهوری اسلامی حمایت و پشتیبانی نمایید. خداوند متعال پشت و پناه همگان باشد. پیروز باشید و عید نوروز بر شما مبارک باد. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

◙ نامه

زمان: تیر ۱۳۶۱/شعبان ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ به نامه یک خانم معلم مخاطب: یزدی‌زاده، اکرم

[بسم الله الرحمن الرحیم. السلام علیکم، ان شاءالله که حال همگی تان خوب باشد و هیچ گونه کسالتی نداشته باشید که مبادا دشمن شاد شوید. ما هیچ کاری نداریم با شما عزیزان، جز اینکه دعا کنیم و دعا کنیم. من نمی‌دانم و نمی‌توانم احساسات

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۱۵.

درونی حاکی از عشق به امام عزیز را چطور بیان کنم فقط این را می‌دانم که می‌خواهم و نمی‌توانم؛ می‌دانم که رهبر عزیزتر از جانم به علت کثرت نامه‌ها نمی‌توانند نامهٔ من حقیر را بخوانند «من هم توقع ندارم؛ چون وجود امام از همه چیز مهمتر و باارزشتر است» ولی شما را به خدا که یک خط «دستخط امام» برایم بنویسید. اینجانب فعلاً معلم «مربی تربیتی» می‌باشم و قبل از اینکه معلم شوم حقوق یک ماهم را نذر جدّ امام کردم. دو بار به دفتر تلفن زدم یک بار گفتید پول را بیاورید جماران گفتم چون راهم دور است و از شهر ری می‌باشد، گفتید بفرستم. الآن همراه این نامه پول را که مبلغ ناقابل دو هزار و سیصد تومان می‌باشد می‌فرستم، باشد که ان شاءالله برسد. فقط اگر رسید دو کلمه برایم بنویسید که رسیده است تا بدانم نذرم ادا شده است و پول را نزد خود امام عزیزتر از جانم بدهید. دخل و تصرف با خود ایشان می‌باشد. اگر خطم بد است ان شاءالله می‌بخشید وقت با ارزشتان را بیشتر از این نمی‌گیرم. خدا به همراه همگی تان باشد. خداوند بر طول عمر امام کبیرمان بیفزاید، ان‌شاءالله. به امید پیروزی و آزادی تمام سرزمینهای اشغالی از دست صهیونیستها و امپریالیستها از ایران تا قدس عزیز، ان شاءالله. ۶۱/۳/۲۹ ـ اکرم یزدی زاده]

بسمه تعالی

خانم اکرم یزدی زاده ـ ایّدهاالله تعالی، مرقوم محترم واصل، از عواطف و تعهد شما به اسلام و جمهوری اسلامی متشکرم. امید است موفق در تربیت خود و دیگران باشید. از خداوند تعالی سعادت و سلامت شما را خواهانم. ضمناً وجه نذر شما واصل شد و من قبول نمودم. والسلام علیکِ. روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۵۸.

▣ نامه

زمان: ۱۳۶۱هـ.ش./۱۴۰۳هـ.ق. مکان: تهران، جماران
موضوع: تشکر از اهدای وجه نقد توسط نوجوانی برای رفع نیاز جبهه‌ها
مخاطب: نوجوان یازده ساله

بسمه تعالی

فرزند عزیزم، وجهی را که فرستاده بودید برای جبهه‌ها واصل شد. خیلی از روحیهٔ شما عزیز خوشحال شدم. ولی من خواهش می‌کنم این وجه را خودتان صرف کنید. من به جای شما خدمت به جبهه ان شاءالله می‌کنم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۴آذر ۲۹/۱۳۶۱صفر ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ نامه محبت‌آمیز دانش آموزان
مخاطب: دانش آموزان دبستان دخترانه فاطمیه تهران

[بسم الله الرحمن الرحیم. سلام بر امام عزیز و بزرگوارمان، خمینی روح خدا

امام عزیز، ما بچه‌های کلاس پنجم جهاد مدرسهٔ فاطمیه هستیم. چون در کتاب دینی ما نامهٔ امام محمدتقی علیه السلام را به فرمانده سیستان و نصیحتهایی را که امام، به ایشان کرده‌اند نوشته. ما هم تصمیم گرفتیم که برای شما نامه ای نوشته و شما را نصیحت کنیم. ولی اماما، ما شما را نمی‌توانیم نصیحت کنیم. زیرا شما بزرگوارید و از همهٔ گناهان به دورید. شما آن امام بت شکنی هستید که مدت چهل سال است نمازهای شبتان ترک نشده. ای بزرگی که ما را از قعر زشتیها و فسادها و بی‌ایمانیها به ساحل نجات رساندی. ما در این ماههای عزای محرّم و صفر، عزا می‌گیریم، زیاد نمی‌خندیم و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کنیم؛ چون شما به آن تأکید کرده‌اید.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۰۳.

امامـا، اگر می‌توانستیم که چهرهٔ پاک و نورانی شما را از نزدیک ببینیم، خیلی خوب می‌شد. ولی باز شکر که لیاقت آن، برای ما پیدا شده که برای شما نامه بنویسیم. ای خمینی عزیز و جانمان، شما پدر همهٔ ما بچه‌ها هستید ای پدر بزرگوار، ما شما را به اندازهٔ ریگهای روی زمین، آبهای توی دریا و ابرهای آسمان، دوست داریم. امامـا، ای کاش مسئولین مدرسه وسائلی فراهم کنند که، بتوانیم از نزدیک، شما را ببینیم، همهٔ ما امیدواریم یک بار هم که شده در عمرمان تو را ای آنکه وصفت را فقط خدا می‌تواند بکند، ببینیم. ای امام عزیزمان، خواهش می‌کنیم از اینکه از شما تعریف کردیم، ناراحت نشوید. به خدا، قلم در وصف شما خود می‌رود و نمی‌توانیم جلوی آن را بگیریم.

امامـا، بدان که ما مانند مردم کوفه تو را تنها نخواهیم گذاشت. امامـا، ما از همین بچگی نماز می‌خوانیم، مقنعه سر می‌کنیم. برای مبارزه با امریکای جنایتکار و شوروی کثیف و برای کوری چشم دشمنان، حتی ورق دفترمان را تا آنجا که بتوانیم، نمی‌کنیم. ای امام عزیزمان، بگذار آخرین حرفهایمان را گو اینکه دلمان نمی‌خواهد نامه را تمام کنیم بنویسیم. ای امام عزیز، تو مانند قلمی می‌مانی که همیشه سعی داشته‌ای و سعی می‌کنی که بر روی کاغذ دلها، نام خدا را بنویسی.

امامـا، ما بچه‌های کوچک از ته قلبمان، سه خواهش از شما داریم و امیدواریم لیاقت آنها را داشته باشیم. اول آنکه: ای پدر بزرگوارمان، ای پیرجماران، ای روح خدا با خط زیبای خودتان برای ما جواب بنویسید و ما و آموزگارانمان را در آن نصیحت کنید. دوم آنکه: عکسی از خودتان را با امضاتان همراه آن، برای ما بفرستید و در آخر آنکه: امام، جان همهٔ ما فدای یک لحظه عمر تو. ای رهبر عزیز که هنوز ما مسلمانان قدر تو را نمی‌دانیم؛ آقای خمینی عزیزمان، با چشمانی مشتاق، منتظر جواب نامهٔ شما هستیم. تو ای صدام پست، ای ریگان خائن و ای بگین بیحیا، بدانید که خون بر شمشیر پیروز است. این گفتهٔ روح خدا، امام است. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی

خمینی را نگه دار ـ از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای ـ از صحنهٔ روزگار منافقین رو بردار ستارگان چو رفتند، تو خورشید رو نگه دار. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.]

بسمه تعالی

فرزندان عزیزم ! نامهٔ محبت‌آمیز شما را قرائت کردم. کاش شما عزیزان مرا نصیحت می‌کردید که محتاج آنم. امید است با نشاط و خرمی درسهایتان را خوب بخوانید و در همان حال، به وظایف اسلامی که انسانها را می‌سازد، عمل کنید و اخلاق خود را نیکو کنید و اطاعت و خدمت پدران و مادرانتان را غنیمت شمارید و آنها را از خود راضی کنید و به معلمهایتان احترام زیاد بگذارید. سعی کنید برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشورتان مفید باشید. از خداوند تعالی، سلامت و سعادت و ترقی در علم و عمل برای شما نور چشمان آرزو می‌کنم. سلام بر همهٔ شماها.

۲۹ شهر صفر ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ یادبود

زمان: دی ۱۳۶۱/ربیع الاول ۱۴۰۳ **مکان:** تهران، جماران

موضوع: پاسخ به تقاضای ارسال امضا برای یک دانش‌آموز **مخاطب:** غزائیان، زهرا

[بسم الله الرحمن الرحیم. امام خمینی، ای پدر عزیز گرامی!

از شما خواهش می‌کنم و شما را به آن خدایی که همهٔ ما و شما می‌پرستیم، این عکس را امضا کنید. دوستدار حقیقی شما، زهرا غزائیان سوم راهنمایی از بهشهر

امام عزیز، ای امام من، ای روح من، ای هستی من! با آن دستهای پاکت، این

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۷ و ۱۳۸.

عکس را امضا کنید و من این امضا را در قاب عکس بگذارم و آن را به دیوار بچسبانم.[۱] خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگهدار.

---

۱. نامه ای دیگر نیز از این دختر خانم دانش آموز به دفتر امام خمینی رسیده است که نشانهٔ احساسات پاک نسل نوجوان انقلاب نسبت به رهبر و پیشوایشان امام خمینی است:

بسم الله الرحمن الرحیم

به نام خداوند بخشایشگر و مهربان

خدمت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، نایب امام، بنیانگذار جمهوری اسلامی و پدر عزیز و مهربان سلام، سلامی که از یکی از شهرهای ایران زمین، از راههای پرپیچ و خم به سوی جماران پرواز می‌کند. ای جماران پذیرا باش سلامم راکه از فرسنگهای پر فراز و پر نشیب، از شهر حزب الله پرور، از شهرستان شرف و حرمت، از شهرستان بهشهر به سوی شما پرواز می‌کند.

سلامی راکه فرستادم آن مقاومت و آن لیاقت و آن شهامت را در خور خود نمی‌بینم مستقیماً به امام اهدا کنم . ای جماران، تو گواه باش و واسطه ای باش برای من تا این سلام من که از دل پر از درد و ناله است، اماما پذیرا باش.

جماران، ای رهبر و عاشقان لقاءالله و امام عزیز، این بار جرأت گرفتم و به پیر جماران، به پیر بزرگوار، به اسوهٔ امام زمان و نایب برحق این قلب تپندهٔ ۳٦ میلیونی و این امید امیدواران، این طبیب دردمندان، سلام عرض می‌کنم. سلام بر تو که امید تمام فرزندان پدر از دست داده و غمخوار مادران گریانی. می‌دانم که این ضربه‌های منافقین خلق به این قیام، یعنی انقلاب اسلامی اصلاً اثری بر ساقط کردن روحیهٔ شما ندارد، به هر حال خدمتگزارانی را از ما جدا می‌کنند و به لقاءالله می‌پیوندند، این بار دست کثیف جنایتکاران امریکا از آستین گروهک ضدخلق بیرون آمده و جمعی از مظلومان جنوب تهران را زیر چکمه‌های امپریالیستی له کرده‌اند تسلیت و تبریک به شما عرض می‌کنم و به پیشگاه ولی عصر امام زمان منجی عالم بشریت. ای امام، تبریک به شما گفتم شاید صحبتی با شما کرده باشم، این صحبت شاید دارویی باشد تا قلب ضعیفم را مداوا کند تا از پای در نیاید. اماما تو چگونه ای و کیستی که با یادآوری نام تو دل آرام می‌گیرد و تمام دردها و رنجها از بین می‌رود. همان طوری که قرآن کریم می‌فرماید: «الا بذکرالله تطمئن القلوب». همانا دل با ذکر خدا آرام می‌گیرد. دل هم با ذکر خدا آرام می‌گیرد و هم با سخنان دلنشین شما دل آرام می‌گیرد. اماما من نمی‌دانم که چگونه شما را وصف و ستایش کنم، لیاقت آن را ندارم. اماما، ای نایب مهدی ـ ای یاور مهدی ـ ای همرزم مهدی ! تو چگونه رهبری هستی که با مشت خالی اسلام را به پیروزی رساندی؟

تـقدیمی از بـهشهر ـ غـزائـیان ـ خـیابان امـام‌خمینی، چـاپخانهٔ حـقیقت، حاج صمد غزائیان]

[بسمه تعالی]

خداوند رحمت فرماید شهید سعید را.(۱)

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

امام، ای امام من ! ای روح من ! ای هستی ام ! من افتخار می‌کنم که چنین رهبری دارم و بس .
ای امام من ! برخود می‌بالم و می‌نازم و افتخار می‌کنم که چنین محبوبی دارم . ای امام من ! تو را با چشم پدرنگرم و فکر می‌کنم که شما را در مقابل خود با غرور و پیروزی نظاره می‌کنم و یکباره بر آن چهره تابناک شما بوسه زنم و لبان خشکیده ام را از چهرهٔ عطار شما طراوت بخشم و روحیهٔ تازه از آن بدن مملو از علم شما کسب کنم و خود را به سوی لقاءالله سوق دهم . باز هم افتخار می‌کنم ما جوانمردان تاریخ هستیم زیرا همچنین رهبری داریم . قلم قادر به نوشتن و کاغذ قادر به جای دادن آن صفات نیکو و آن چهرهٔ تابناک شما نیست .
ای امام ! هر وقت دلم گرفته است به آن تصویر تابنده ات و آن چهرهٔ زیبایت نظاره می‌کنم و امید آن دارم که روزی شما را با غرور و پیروزی در آغوش گیرم ولی صد افسوس چنین سعادتی را ندارم، میلیونها افسوس .
ای امام ! تنها خواهشی که از شما دارم این است که شما را به مهدی ات، به یـار و یـاورت، غـمخوار و مـونس و همدستت، و به محبوبت «الله» قَسَمَت می‌دهم که ای امام، ما را دعا کنید، این ملت عزیز و شریف را دعا کنید و از محبوبت بخواه که ما را ببخشد و ما را کمک کند تا زیر چتر ستمگران و گروهکها گام برنداشته بلکه روز به روز به طرف محبوب گام برداریم . عاشق امام قائم و عاشق شما. و رزمندگان را دعا کن ؛ شما را دعا می‌کنیم: خـدایـا، خدایا، تا انقلاب مهدی، تو را به جان مهدی خمینی را نگهدار. جواب نامه را لطفاً ارسال فرمایید.
دوستدار حقیقی شما، زهرا غزائیان خدا نگهدار شما.

۱. مرقومهٔ امام خمینی بر روی عکس شهید نوشته شده است .

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۸۱ و ۱۸۲.

◙ نامه

زمان: ۵اسفند ۱۳۶۱ / ۱۰ جمادی‌الاول ۱۴۰۳ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: ابراز تشکر و قدردانی **مخاطب: محمدی، مهین**

[بسمه تعالی. محضر مبارک امام عزیز، سلام علیکم

راستی این چه روزی است. فکر می‌کنم خواب می‌بینم و اصلاً باورم نمی‌شود چنین روزی را که امام، این پیر جماران، نامه ام را بخواند و هدیهٔ ناقابلم را بپذیرد. ای خدا من، می‌توانم این سعادت را داشته باشم !؟ امام عزیز، اینک با پول خود و با دست خود برایت ژاکتی بافتم به این امید که وسیله ای باشد در قیامت شاهد بگیرم که ای خدا، من امام عزیز را و نایب امام زمانت را دوست دارم. تو روا مدار دستی که برای این امام ژاکت بافته از درگاهت ناامید برگردد. امام عزیز از شما خواهش می‌کنم که این هدیهٔ ناقابل را که فرسنگها راه طی‌نموده بپذیری و دلم را نشکنی زیرا که آرزو دارم. ولی امام جان، دوست دارم چنانچه قابل استفاده نبود حداقل یک بار هم که شده ژاکت را تن کنی و آن را تبرک کنی که مایهٔ افتخار من است. امام عزیز، خواهش دیگری هم دارم اگر لطف نموده به وسیلهٔ خط خودتان چند کلمه‌ای برایم بنویس. بی‌نهایت فرزندت را خوشحال می‌کنی و خدا را خیلی شکر می‌کنم و وصیت می‌کنم که آن چند کلمه را در قبرم همراه با خودم دفن کنند. التماس دعا.

دخترت: مهین محمدی]

بسمه تعالی

دخترم، نامهٔ محبت‌آمیز شما با هدیهٔ ارزشمندی که با دست خود بافته‌اید واصل شد. از ارزشهای معنوی این نحو هدیه‌ها باید یاد کرد که آن ارزشها نزد خداوند متعال ثبت می‌شود. خداوند تعالی امثال شما فرزندان متعهد را برای اسلام حفظ و افزون نماید، و ماها و شماها را با رحمت خویش قرین فرماید. والسلام علیک و رحمة الله.

۱۰ جمادی الاولی ۱۴۰۳ روح الله الموسوی خمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳٤۸.

▣ نامه

زمان: ۲۵اسفند ۱۳۶۱/ ۱جمادی‌الثانی ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ نامهٔ محبت‌آمیز یک دانش‌آموز
مخاطب: امتحانی، حمیدرضا «دانش‌آموز کلاس چهارم دبستان طالقانی»

[بسم الله الرحمن الرحیم

نامه ای به امام عزیزم:

ضمن عرض سلام، سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال خواستارم. امیدوارم که حال شما خوب باشد.

امام، تو تنها آرزوی کشور ما هستی و من همیشه دعا برای شما می‌کنم. این شما بودید که سلطنت پهلوی را شکست دادید و جمهوری اسلامی برای ما آوردید و من با اینکه کودکی ده ساله بیشتر نیستم، دوست دارم تا به رحمت خدا نرفته ام شما را ببینم و در آغوشت بنشینم.

امام، من برای شما و رزمندگان دعا می‌کنم و دلم می‌خواهد اگر شما را ندیدم نامه‌ای که نوشته‌ام به دست شما برسد و جواب نامه‌ام را زود بدهید. امام عزیز، من عکس خود را برای شما می‌فرستم و شما هم یک عکس درخشان خود را برای من در نامه بفرستید.

امام، من خیلی دوست دارم به جبهه بروم و خیلی هم اصرار می‌کردم، ولی این مدیر خوبی که دارم یک روز سر کلاس ما آمد و گفت مدرسه هم یک سنگر است، سنگرها را حفظ کنید؛ و من از وقتی این حرف را شنیدم خیلی درس می‌خوانم و دیگر به فکر جبهه رفتن کم افتادم؛ ولی به جبهه به اندازهٔ توانایی خود کمک می‌کنم. خداحافظ. امام، خدانگهدار تو.

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

فرزند شما: حمیدرضا امتحانی از جهرم ـ کلاس چهارم دبستان طالقانی]

بسمه تعالی

فرزند عزیزم، نامهٔ محبت‌آمیز شما را خواندم. از خداوند سلامت و سعادت شما را خواستارم.

همان طور که معلم مهربان گفته است: مدرسه هم سنگر است و ان شاءالله از این سنگر، شیاطین را نابود می‌کنیم. غرهٔ[۱] جمادی الثانیه ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ۱۳۶۲هـ ش. / ۱۴۰۳هـ ق. **مکان: تهران، جماران**

موضوع: پاسخ به نامه یک اسیر

مخاطب: جاوید، علی «اسیر در موصل عراق، اردوگاه شمارهٔ دو»

[بسمه تعالی. سلام علیکم، امیدوارم حالت خوب باشد و در کارت همیشه موفق و پیروز باشید. درّه جان، دلم برای تک تک شما تنگ شده است؛ اما دلم برای یکی دیگه خیلی تنگ شده. نمی‌دونی چقدر دلم براش تنگ شده. اونم پدر بزرگ عزیزم حاج آقا موسوی است. و یکی دیگه هم که سفارش می‌کنم برای شرکت در مراسم هفتگی دانشگاه. درّه جان، فاطمه در نامه اش نوشته بود که جایت در خانه خیلی نمایان است. اگر ماهان ناراحتی کند به جان تو که دوستت دارم ناراحت می‌شوم. مادرم، اون پینه بسته ات را از دور می‌بوسم. همچنین دستان پرکار پدر عزیزم را که در زمستان سیاه می‌شود. به جای من همدیگر را ببوسید. مخصوصاً آقای مهندس آچارو! و سلام مرا به آقای شهرابی،...، عبدخدایی، پرتو اعلم، آقای اسکندری، علی‌آقا، حسین آقا، هومن و خلاصه هر کس که دیدینش سلام مرا به او برسانید؛ مخصوصاً مادرجون، عمه فرح، عمه شیرین، عمه اعظم، عمه اکرم، خاله حوری، خاله جون فخری، خاله جون فاطمه و پسر خاله‌ها و دختر خاله‌ها، پسر عموها و

---

۱. اول هر ماه قمری.

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۶۵ تا ۳۶۶.

دخترعموها و عمه‌ها، خلاصه به همه برسانید. درّه من، نمی‌دونم بالأخره اسمم را باید عوض بکنم یا نه.

۶۲/۱/۳ سال نو مبارک

برادر کوچکت علی

به یاد من بخورید وقتی من برگشتم ورشکستتان می‌کنم. حتماً برایم عکس دسته جمعی بفرستید.

بسمه تعالی

خدمت مسئول محترم دفتر امام، سلام علیکم

پس از عرض سلام و آرزوی موفقیت برای شما، نظر به اینکه پسر اینجانب مدت هشت ماه است که در قید اسارت صدامیان کافر می‌باشد، اخیراً در نامه‌اش نوشته است که: «خیلی دلم برای پدربزرگم حاج آقا موسوی تنگ شده است»، و ما چون نمی‌توانیم به علت محدودیت برای ایشان عکس یا پوستر امام را بفرستیم لذا خواهشمندیم در صورت امکان نامه ای را که خدمتتان تقدیم می‌کنیم به حضرت امام مدظله العالی ـ بدهید تا ایشان برای تبرک و برای تسلی دل این فرزندان عزیز که در زندانهای تاریک و نمناک عراق به سر می‌برند، چند سطری مرقوم بفرمایند.

با عرض معذرت؛ ضمناً آخر نامه را با امضای «پدربزرگت حاج آقا موسوی» ختم نمایید. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار؛ از عمر ما بکاه و بر عمر اوبیفزا آمین رب العالمین. مادر یک اسیر]

به نام خدا

فرزند عزیزم، نامهٔ شما واصل شد. امید است ان شاءالله بزودی خلاص شوی. ما برای شما نگران هستیم، لکن خدا بزرگ است. ان شاءالله موفق باشی. صبر کن که خدا با صابران است. والسلام. پدر بزرگت[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ٤١٧ تا ٤١٨.

▣ نامه

زمان: تیر ۱۳۶۲/شوال ۱۴۰۳ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: پاسخ به نامه یک خانم فداکار؛ قبول هدیهٔ ایشان و اهدای دوبارهٔ آن
مخاطب: جعفری، زهرا

[بسم الله الرحمن الرحیم. به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

خدمت رهبر کبیر انقلاب و نایب بر حق امام زمان سلام؛ امیدوارم این سلام گرم و ناقابل من را که از فرسنگها راه دور می‌آید بپذیری. سلامی مملو از مهر و محبت؛ سلامی که از اعماق قلبم بر می‌خیزد و به سوی شما می‌آید. سلامی که از این تونلهای پر پیچ و خم جاده‌ها گذشته و هزاران خاطره‌های گوناگون در برگرفته و برای شما بازگو می‌کند. سلامی که از وجود اینجانب به شما امام عزیز گزارشها می‌دهد. ان شاءالله که حالت خوب بوده و در پناه ایزد متعال به سلامتی هر چه تمامتر زندگی کنی و در پناه امام زمان خوش و خرم باشی. من زنی ۳۲ ساله هستم که شش دختر دارم. من گردنبندی که از دسترنج خودم تهیه کردم، می‌خواهم برای شما بفرستم؛ امیدوارم که قبول فرمایید.

امام عزیز، ما شما را خیلی دوست داریم و خیلی دلمان می‌خواهد شما را زیارت کنیم ولی چون نمی‌توانیم به دیدن شما بیاییم می‌خواهیم یک چیزی از شما داشته باشیم. از شما خواهش می‌کنیم که جواب نامه را به دست خودت برایمان بفرستی و همراه آن یک دعا برایمان بنویس که بخوریم تا سلامت باشیم. دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما. خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار، از عمر ما بکاه و به عمر او بیفزای.

۶۲/۴/۲۶ ـ به امید پیروزی اسلام ـ زهرا جعفری]

بسمه تعالی

خواهرم، نامهٔ محبت‌آمیز و هدیه ای که فرستاده بودید واصل شد. از شما تشکر می‌کنم و امیدواریم خداوند متعال شما و فرزندانتان را سلامت و عافیت و سعادت دین و دنیا و آخرت عنایت فرماید. چون میل دارم که خود شما از هدیه که برای من فرستاده‌اید و آن را قبول نموده ام استفاده کنید، لهذا برای شما فرستادم.

والسلام علیک و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۱۳۶۲ هـ ش / ۱۴۰۲ هـ ق مکان: تهران، جماران

موضوع: قبول هدیهٔ یک رزمنده و اهدای دوبارهٔ آن مخاطب: درستی ثانی، حسینعلی

[بسم الله الرحمن الرحیم

سلام حضور رهبر گرامی امام امت، خمینی کبیر، پس از تقدیم سلام، سلامتی شما و پیروزی در کارها و طول عمر برای شما را از درگاه خداوند خواهان و خواستار می‌باشم. امیدواریم که به زودی راه بسته شده کربلا را به وسیلهٔ رزمندگان در جبهه‌های حق علیه باطل باز کنیم و به امامت شما در کربلا نماز جماعت بخوانیم، ان‌شاءالله. اگر از احوالات فرزندان خویش، این شیران روز و زاهدان شب خواسته باشید، شکر، الحمدلله سالم و سلامت و به دعاگویی‌شما در این سنگرها مشغول می‌باشند، و از خداوند می‌خواهند که شما مرد آزاده و کوبندهٔ ستمگران و یار ضعیفان، عمرتان طولانی تا انقلاب مهدی «عج»، حتی کنار مهدی «عج» باشد.

ای مظهر دین و عدالت، ای نایب بر حق امام زمان «عج»، مردم را از نقشه‌های جنایتکاران آگاه‌تر کن که با اتحادی که دارند، پرچم اسلام را در جهان برافراشته نگه دارند. من این نامه را در سنگری مستحکم برایتان می‌نویسم که همان مسجد یا نمازخانه می‌باشد، که کفار این سنگر را ندارند. امام عزیز، اگر نتوانستم شما را ملاقات

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۱.

کنم، نامهٔ من با شما ملاقات می‌کند. من رزمندهٔ کوچکی هستم که از راه دور دست مبارک شما را می‌بوسم.امام عزیز، دعا کنید که یا شهید شوم یا راه کربلا را باز کنیم و با پیروزی به خانه برگردیم. تا زمانی که اسلام این جوانان را دارد، درخت اسلام از خون این جوانان آبیاری می‌شود. خداوند ان‌شاءالله که شما را تا انقلاب مهدی «عج» نگهدارد.

امام عزیز از شما خواهشی دارم که نامه ای با دست خویش همراه یک عکس برایم بفرستید؛ زیرا می‌دانم که شما قلب جوانی را نمی‌شکنید؛ آرزوی دیدن شما را دارم ؛ ولی نمی‌توانم شما را ببینم. قلب من از نامه‌ای که برایم می‌فرستید شاد خواهد شد. ان شاءالله که ما رزمندگان با شما دیدار کنیم.

ای برادرانی که نامهٔ من به دست شما می‌رسد، شما را به خدای بزرگ سوگند می‌دهم، که نامهٔ مرا به حضور پدر گرامی که همان امام امت می‌باشد، بفرستید. امام عزیز، حدود ۵۰۰ تومان را برای شما در این پاکت می‌فرستم که هر کجا لازم شود، خرج نماید. به امید دیدار، ان‌شاءالله که همدیگر را ملاقات نماییم در کربلا یا در جماران. اگر مزاحمتی برایتان ایجاد کردم، مرا ببخشید؛ زیرا وقت گرانبهایتان را گرفتم، به امید اینکه قلب جوانی شانزده ساله را نشکنید. به امید پیروزی لشکریان حق علیه باطل و طولانی بودن عمر امام عزیز و باز شدن کربلا.

فرزند کوچک شما و دوستدار شما: حسینعلی درستی ثانی]

بسمه تعالی

فرزند عزیزم ان شاءالله با سلامت و سعادت قرین باشید و به وظایف دینی خود عمل نمایید. والسلام علیکم.

وجه را قبول و بخودتان برگرداندم.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۰۱ و ۳۰۲.

▣ نامه

زمان: ۱۱اردیبهشت ۲۹/۱۳۶۳رجب۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: درخواست اعزام به خطوط مقدم جبهه مخاطب: پورسراج، سعید

[بسم الله الرحمن الرحیم. حضور محترم زعیم عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی و ناخدای کشتی محرومان، حضرت امام خمینی ـ مدظله العالی.

امام عزیز اینجانب، سعید پورسراج، فرزند کاظم، ساکن شهر شوشتر، یک مسئله ای را خواستم مطرح کنم. امید است که جواب بفرمایید. و با عرض پوزش از اینکه وقت مبارک و گرانبهای شما را می‌گیرم.

امام عزیز من در حدود ۱۹ سال است در خانواده ای مذهبی زندگی می‌کنم. از ابتدای جنگ، اگر خداوند ان شاءالله قبول کند، چند نوبت در جبهه‌های حق شرکت کرده؛ تا آخرین بار در عملیات «والفجر مقدماتی» پای چپم از زیر زانو قطع گردید. اما از آنجاکه در طول مدت این جنگ دوستان زیادی را از دست داده‌ام و عشق جبهه رفتن من را تا حالا آرام نمی‌گذارد، مدتی پیش به هر نحو که بود برای دعاخوانی به جبهه اعزام شدم؛ ولی هر چه خواهش کردم که با برادران به خط مقدم و عملیات بروم، برادران اجازه ندادند. و حالا دیگر از ناراحتی طاقتم دارد به سر می‌رود. و می‌خواهم این مسئله را از شما، جناب فرماندهٔ کل قوا، مطرح کنم. و تنها ناراحتی من این است که می‌بینم هر روز یکی از دوستانم شهید می‌شود؛ و با این همه دوست از دست دادن، می‌ترسم نکند من در شهر و یا در بستر بمیرم. و خیلی عشق به شهادت دارم و تلاش می‌کنم که به دوستانم ان شاءالله ملحق شوم. امیدوارم که جواب مصلحت را بفرمایید.

ضمناً اماما، اگر خط مقدم به صورت پدافندی باشد و کاری از من ساخته باشد، می‌توانم شرکت کنم. و اگر شرکت کنم و مثلاً کشته شوم، آیا ان شاءالله شهید هستم یا نه. در آخر امید آن دارم که با دستخط مبارک خودتان به طور خلاصه جواب دهید. و ان شاءالله ما را حتماً در جواب نامه نصیحت بفرمایید. عاشقی که تا خون در رگ دارد

شما را فراموش نمی‌کند، و همیشه قلبش برای شما می‌تپد.

۶۳/۲/۱ دوستدار شما، سعید پورسراج]

بسمه تعالی

فرزند عزیزم من، از خداوند منّان مسئلت می‌کنم که شما را با شهدای اسلام محشور نماید. و شما که سلامت خودتان را در راه اسلام داده‌اید از زمرهٔ شهیدان هستید، و حق خودتان را به اسلام عزیز ادا نمودید و از اینکه به جبهه نمی‌شود بروید ناراحت نباشید. امید است خداوند شما را حفظ فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله.

۱۱ اردیبهشت

روح الله الموسوی الخمینی[1]

■ نامه

زمان: ۲۲شهریور ۱۳۶۳/۱۷ذی‌الحجه ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ به نامهٔ مادر یک شهید مخاطب: گلابی پورحسین (مادر شهید)

[محضر مبارک حضرت امام خمینی سلام علیک

با درود و سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و با درود و سلام به شهدای عزیز انقلاب ایران اینجانب گلابی پورحسین مادر شهید و یک زن روستایی هستم. مدتها آرزو داشتم که از نزدیک آن امام بزرگوار را ملاقات نمایم، موفق نشدم؛ ولی امیدوارم که شما را زیارت کنم. ضمناً یک هدیهٔ ناقابل از دستبافت خودم حضور حضرتعالی تقدیم کردم که از آن استفاده نمایید. امام بزرگوار حال که شما را زیارت نکردم اگر صلاح می‌دانید چند کلمه از دستخط حضرتعالی را مرقوم فرمایید تا با دیدن آن دستخط به آرزویم رسیده باشم. امیدوارم که خداوند منّان سایهٔ شما را بر سر ما و همهٔ مسلمین جهان مستدام بدارد ان شاءالله. به امید پیروزی هرچه زودتر

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤١٥ و ٤١٦.

رزمندگان و نابودی صدام و صدامیان. بابل ـ ادارهٔ پست ـ امین کوچک زاده ۶۳/۶/۱۸ گلابی پورحسین]

بسمه تعالی

بانوی محترمه، مرقوم شما و هدیهٔ ارزشمندتان واصل شد. امید است خداوند تعالی شهید عزیز شما را که هدیه بوده برای اسلام، با شهدای کربلا محشور نماید و به شما و سایر بازماندگان آن شهید صبر و اجر عنایت فرماید.

۱۷ ذی الحجه ۱۴۰۴

روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ نامه

زمان: تیر ۱۳۶۴/شوال ۱۴۰۵ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: پاسخ نامهٔ فرزند شهید؛ تکریم و نصیحت به فرزندان شهدا
مخاطب: فرزند شهید

[بسم الله الرحمن الرحیم. رهبر عزیز و بزرگوار خوبمان، سلام

ان شاءالله حال شما خوب باشد که اگر حال شما خوب باشد و سرحال باشید، ما هم خوشحال خواهیم بود. دو سال است که بنیاد شهید برای ما فرزندان شهدا، اسرا و مفقودین اردوی سراسری می‌گذارد و در اردوی هر ساله آرزوی دیدار با شما را داریم؛ اما نتوانسته ایم. امسال که برای سومین بار برای اردو می‌رویم از شما که به جای پدرمان هستید، می‌خواهیم که برای ما پیامی بدهید و ما را چند نصیحت بکنی که ما پس از پدرمان چه کارهایی باید انجام بدهیم و در جامعه چه بکنیم.

خداحافظ شما. ان شاءالله بتوانیم روزی با شما دیدن کنیم.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٦٢.

خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

یک فرزند شهید که از جانب همهٔ شرکت کنندگان این آرزو را دارد.]

بسمه تعالی

فرزند بسیار عزیزم

نامهٔ محبت‌آمیز شما، که از جانب خود و دیگر فرزندان عزیز شهدا، مفقودین، اسرا و جانبازان بود، موجب خرسندی شد. امید است شما عزیزان خردسال که یادگار فداکاران در راه خداوند تعالی و اسلام عزیز هستید، چون پدران بزرگوار خویش خود را برای دفاع از اسلام بزرگ و میهن عزیز مهیا سازید؛ و با فراگرفتن علم و ادب و کوشش در راه به دست آوردن کمال انسانی و اخلاق اسلامی برای اسلام عزیز و کشور خودتان فرزندان شایسته‌ای باشید.

شماها با از دست دادن عزیزان خود، فرزندان اسلام و پیامبر عظیم‌الشأن هستید. ان شاءالله تعالی در پناه خداوند عالم موفق شوید با کسان خود، خصوصاً مادران داغدیده، به خوبی رفتار نمایید از خداوند منّان سلامت برای شما، و رحمت برای شهیدان، سلامت و رهایی برای اسرا و مفقودین شما خواستارم. والسلام علیکم.

شوال ۱۴۰۵

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۹۲ و ۲۹۳.

▣ نامه

زمان:؟ مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامهٔ فرزند شهید و تجلیل از مقام شهیدان مخاطب: فرزند شهید

[بسم الله الرحمن الرحیم. خدمت پدر بزرگوارم سلام علیکم

اینجانب بندهٔ حقیر به عنوان فرزند شهید که چندین سال آرزوی دیدار شما را داشتم، اما لایق دیدار شما نشده‌ام، افسوس می‌خورم. اما از فرصت استفاده کرده و چند کلمه‌ای که فکر می‌کردم می‌توانم مستقیم با شما صحبت کنم، اماحالا در یک ورقه برای شما می‌نویسم. از شما تقاضا دارم که در یک ورقه با دستخط خودتان «امام» به بندهٔ حقیر جواب دهید.

«این نوجوان، سپس خوابی را که دیده به صورتی ساده و صمیمانه تعریف کرده است». متن پاسخ حضرت امام به او چنین است:]

بسمه تعالی

خداوند تعالی همهٔ شهدای اسلام خصوصاً شهید شما را با شهدای کربلا محشور فرماید، و به همهٔ بازماندگان آنها بویژه شما اجر و صبر عنایت فرماید.

ان شاءالله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۸۹.

▣ نامه

زمان: آبان ۱۳۶۴/صفر ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامهٔ یک اسیر

مخاطب: ابوالقاسمی «خدامانده»، علی (اسیر در عراق، اردوگاه عنبر)[۱]

[بسم الله الرحمن الرحیم. خدمت سرور گرام و عزیزم روحی جان[۲] سلام عرض می‌کنم و ان شاءالله که در پناه ایزد منان و در پناه امام زمان در سلامتی کامل به سر برید. اگر از احوال این حقیر جویا باشید بحمدالله سلامتی برقرار و تنها غم و اندوه جانگداز ما دوری از شما عزیز است که خداوند تبارک را به مقربانش قسم می‌دهم که هر چه زودتر نعمت دستبوسی شما را نصیب ما بکند.

به هر حال، روحی جان! روحم برایت در حال پرواز است. حدود دو سال است که هیچ خبری از شما ندارم و شما خوب می‌دانید که احتیاج به پند و اندرزهای شما دارم و شما ما را از این نعمت بی‌بهره نفرمایید. امیدوارم در نامه‌هایتان از «میهن» بنویسید که چه کار می‌کند و باکی رابطه برقرار کرده و زمینها را چه می‌کارد و کارش با «حسین خرکچی»[۳] به کجا رسید. شنیدم یه بار حسابی داغونش کردی.[٤] به هر حال منتظر دعاهای خیر شما هستیم و امیدوارم که ما را در دعاهای شب جمعه و شب

۱. متن نامه بسیار جالب این رزمنده که به اسارت رژیم بعث عراق درآمده است، حاوی رمزها و اشاراتی است که ضمن بیان مقصود خود، امکان کشف آن را به حداقل رسانده است. در قسمت مربوط به مشخصات فرستنده و گیرنده نامه، بر روی فرمهای «صلیب سرخ جهانی» مرقوم گردیده: «علی ابوالقاسمی، فرزند عبدالحسین، عراق، اردوگاه عنبر، اطاق ۲۳ / گیرنده: یزدی ـ قم، خیابان حضرتی، خیابان حجت، منزل آقای یزدی، آقای روحی جان ملاحظه فرمایید».

۲. اسیر در بند رژیم بعث عراق، امام خمینی را با عنوان «روحی» مورد خطاب قرار داده است که به معنای «روح من» است و مستفاد از شعار معروف: «روح منی خمینی بت شکنی خمینی».

۳. صدام حسین.

٤. اسرا از پیروزیهای لشکر اسلام در جبهه‌ها به نحوی مطلع می‌شدند.

چهارشنبه در جمکران[۱] و محافل فراموش نکنید.

از قول اینجانب به «عمو حسین وزیری»[۲] و «اکبر مجلسی»[۳] و «حسینعلی»[٤] و «مشهدی احمد»[۵] و برادر بسیار عزیزم «سید علی»[٦] و خانواده و «اکبر آقا»[۷] و خانواده «شنیدم که چند وقت پیش به گردشی به خارج رفته بود، چه سوغاتی آورده؟[۸]» سلام خیلی خیلی برسانید. و حتماً منتظر جواب نامه‌های شما هستیم. از راه دور صورتت را غرق بوسه می‌کنم. ۶۴/۷/۲۷ ـ فرزند کوچک شما ـ علی خدامانده]

بسمه تعالی

برادر عزیزم! از سلامت شما خوشحال و از خداوند تعالی خواستارم بزودی به وطن خود مراجعت نمایید. قلم من قاصر است که از دلاوری و بزرگواری شما عزیزان قدردانی نمایم. امید است از دعای خیر برای همهٔ شماها غفلت نکنم. والسلام علیکم.

عبد درگاه خدا «ح»[۹]

---

۱. منظور، جماران است.

۲. آقای میر حسین موسوی، نخست وزیر وقت.

۳. آقای اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی.

٤. آقای حسینعلی منتظری، قائم مقام رهبری در آن زمان.

۵. آقای سید احمد خمینی.

٦. آقای سید علی خامنه ای، رئیس جمهور وقت.

۷. آقای علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه.

۸. اشاره به یکی از مسافرتهای آقای ولایتی به خارج از کشور.

۹. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤١٦ و ٤١٧.

▣ نامه

زمان: اسفند ۱۳۶۴ / جمادی‌الثانی ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ نامهٔ یک جوان مخاطب: آقاخانی، علیرضا

[حضور محترم حاج آقا رسولی

بعد از عرض سلام و ارادت و اخلاص، غرض از مزاحمت تقاضای دو خواهش است که در رابطهٔ شما با حضرت امام، انجام این دو خواهش زحمت زیادی نخواهد داشت، امیدوارم دریغ نفرموده و ان شاءالله خداوند در آخرت مغفرت و فضل و رحمت بی‌پایانش را دریغ نفرماید. ان شاءالله.

اولین خواهش این است که سلام بنده را به عنوان یک مسلمان مقلد و یک جهادگر و یک برادر شهید خدمت مرجع بزرگ و امام عزیز برسانید.

خدمت مقدسشان عرض کنید که به عزت و جلال خدا در این دیار غربت زنده‌ایم به عشق دیدارتان در تلویزیون و کلام حیاتبخشتان، که به کالبد مردهٔ ما جان می‌بخشد. خدمتشان عرض کنید: هنگامی که حضرت امیر بر منبر رفت گفت از من بپرسید قبل از اینکه از میان شما بروم، من به راههای آسمان آشناتر از راههای زمین هستم. آنگاه مردی عرب، از حضرت پرسید تعداد ریشهای من چند تا است. ما هرگز آن را نخواهیم بخشید؛ چرا که اگر او و دیگران اگر از دریای بیکران معارف اسلام عزیز از حضرتش سئوال می‌کردند باعث هدایت و سعادت مسلمین و مؤمنین نسلهای آینده می‌شدند و کوتاهی کردند و البته این اشکال بر خیلی از مسلمینی که زمان پیامبر اکرم «ص» و ائمهٔ اطهار «ع» زندگی می‌کردند وارد است و چون ما می‌خواهیم این اشکال بر ما وارد نباشد از حضرت امام انتظار و توقع و خواهش عاجزانه داریم که مردم را و مخصوصاً نسل جوان را که با انقلاب حضرت امام فطرت فقهی شان بیدار شده و مشتاقانه طالب هدایت و شناخت معارف زیبا و فقه اسلام عزیز و پیروی راه ائمهٔ اطهار «ع» می‌باشند فرموده و از مشاهدات خود از عوالم غیب و از مکاشفات خویش از انوار معارف اسلام عزیز، ما نسل جوان را که این انقلاب،

آتشی به جانمان انداخته به فیض برسانند. و ما را محروم نگذارند که آن دنیا اگر قرار است لیاقت حشر با ایشان را داشته باشیم، دامنش را خواهیم گرفت و گلایه خواهیم کرد. دلمان به تفسیر قرآن حضرت امام خوش بود که آن هم متأسفانه قطع شد. امید است حضرت امام آنطور که صلاح می‌دانند نسل جوان را که من می‌دانم بسیارند جوانانی که در این انقلاب دریای فطرت حق جویی شان به خروش آمده است و این حقیر نیز یکی از آنها هستم. ان شاءالله امام با نفس مسیحایی شان این دریاها را آرام ساخته تا امواج این دریاها بستر خویش را به بطالت و گمراهی نیندازد.

و اما خواهش دوم:

بنده در سال ۶۲، حدود ۲۷ آذرماه به مناسبت روز وحدت روحانی و دانشجو نامه ای به دفتر امام فرستادم که در آن سه سئوال فلسفی و یک پیشنهاد مشخص و مهم در مورد وحدت روحانی و دانشجو خدمتشان عرض کرده ام که چون آنجا مفصل نوشته ام، در اینجا از ذکر آنها خودداری می‌کنم. البته جواب نامه نیامد. به دفتر حضرت امام تلفن زدم و از دفتر گفتند که نامه‌ها بایگانی می‌شود و به عرض امام نمی‌رسد.[1] خواهشم این است که نامه را به عرض حضرت امام برسانید، اگر صلاح دانستند پیشنهادم را در سطح عموم امر بفرمایند و چند خطی یا جواب سؤالهایم را

۱. علاوه بر دهها نامه رسمی و اداری و گزارشات متعدد از وزارتخانه‌ها و نهادها و شخصیتهای داخل و خارج کشور روزانه چندصدنامه از سوی مردم عادی، حاوی مطالب مختلف از ابراز ارادت و حمایت از امام و نظام گرفته تا طرح مسائل شخصی و شکایت از افراد و ارگانها و... به دفتر امام خمینی می‌رسید که طبعاً به جز نامه‌های ارسالی از سوی مسؤلین سیاسی و فرهنگی و نامه‌ها و گزارشات مفصل اداری، امکان مطالعه تمامی نامه‌های عادی برای امام خمینی با توجه به حجم اشتغالات و دیدارها و جلسات مختلف وجود نداشت ولی یکایک این نامه‌ها در بخشی از دفتر همان روز مطالعه می‌شد و آنچه که در حوزه کار دفتر امام با توجه به اطلاعیه‌های متعدد این دفتر مربوط می‌شد رسیدگی و آمار بقیه موارد همه روز در بیش از سی موضوع شامل موضوعات مختلف حتی انتقاد و توهین، دسته بندی شده و گزارش آماری خدمت امام تقدیم می‌شد.

مرقوم فرمایند، آن دستخط را بر دیده نهاده و آرامش روح، شفا و قوت قلبمان خواهد بود. البته این را به عنوان خانوادهٔ شهید تقاضا دارم که امید است ان شاءالله باحرمت و اعتباری که شهدا و خانواده‌شان نزد حضرت امام دارند، بر ما منت گذارده و محروممان نفرمایند، من نیز قول می‌دهم ان شاءالله لیاقتش را داشته باشم.

البته می‌دانم خواهش بیجا از درگاه حضرت امام است و خود را لایق نمی‌بینم ولی آن حضرت را بزرگتر از خواهش خود می‌دانیم. ببخشید به طول انجامید. در خاتمه از حضور شما مجدّانه و عاجزانه خواهشمندم در انجام این خواهش حقیر، دریغ نفرموده و قبول زحمت فرمایید و ان شاءالله این نیز یکی از برکات سفر شما به این استان باشد. ان شاءالله خداوند در دنیا و آخرت به شما خیر عنایت بفرماید. قبلاً خود را مدیون این لطف شما می‌دانم. خدانگهدار. با آرزوی طول عمر با عزت و سلامت حضرت امام و فرج حضرت حجت «عج» و پیروزی رزمندگان اسلام و شفای مجروحین و معلولین انقلاب و جنگ تحمیلی و علوّ درجهٔ شهدای عزیز اسلام.

با تشکر، برادر کوچک شما. علیرضا آقاخانی - ۶۴/۱۲/۱

آدرس: زاهدان - جام جم - بلوک ۳۶ - طبقه دوم - پلاک ۳]

بسمه تعالی

فرزند عزیزم، امید است که من موفق شوم به قدردانی از امثال شما عزیزان. و از خداوند برای شما توفیق و سعادت خواستارم. خداوند تعالی ملت بزرگوار ما را که در راه اسلام از هیچ فداکاری دریغ ندارند، سعادتمند فرماید و رزمندگان بسیار عزیز را به پیروزی نهایی موفق نماید. من دعای به همه را فراموش نمی‌کنم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۵۰۲ تا ۵۰۴.

▣ نامه

زمان: ۱۳۶۵هـ.ش./۱۴۰۶هـ.ق. مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از شهدا و خانوادهٔ شهدا مخاطب: خانواده شهید

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی، آیت الله العظمی امام خمینی ـ حفظه الله تعالی

ضمن سلام، سلام یک خانوادهٔ شهید عزیز از دست داده و داغدار را به آن مرجع دلسوز و بیدار، به قلب پاک شما، می‌رسانم. ای عزیز دل خانواده‌های شهدا و ای کسی که نامت تسکین دهندهٔ دل سوختهٔ مادران و پدران در سوگ نشسته [است]، بدان که ما نه تنها ناراحت نیستیم، بلکه بهترین لحظه‌های زندگی ما آن لحظه ای بود که خبر شهادت فرزندمان را شنیدیم و در صف خانواده‌های شهدا قرار گرفتیم. حال تقاضامندیم که لطف نموده خط مبارک و امضای خویش را به عنوان یادگاری و تبریک به این خانواده ارسال دارید.

در انتظار نامهٔ شما در پایین همین نامه هستیم.

ای کسی که ابتدائاً نامه به دستت می‌رسد، اگر آن را به دست امام ندهید، روز قیامت حلالتان نمی‌کنیم، چراکه بهترین حالت برای ماست.]

بسمه تعالی

من افتخار می‌کنم به امثال شما شهیدپروران شجاع متعهد. خداوند شهید عزیز شما را رحمت، و به شما و دیگر بازماندگان صبر و سعادت دهد.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳٦.

▣ نامه

زمان: شهریور ۱۳۶۵ / ذی‌الحجه ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ به نامهٔ یک اسیر ایرانی دربند در عراق مخاطب: رنجبر، محمد

[بسم الله الرحمن الرحیم

توکلت علی الله

یقولون الموت صعبٌ و الله مفارقة الاحباءِ اصعبٌ[1]

پدر جان، سلام؛ امیدوارم حالتان خوب باشد. راضی نمی‌شدم مزاحم اوقات شریفتان گردم، لکن دیگر قدرت تحمل دوری را نداشتم، و دلم بسیار برایتان تنگ شده بود؛ لذا تصمیم به نوشتن نامه برایتان گرفتم. تاکنون شنیده‌اید پسری به مدت چهار سال از پدرش جدا شود، و بعد از چهار سال جدایی برای پدرش نامه بنویسد، و پدر نامهٔ فرزندش را جواب نگوید. پدرم باور کنید تحمل سختی راحت است، اما تحمل بر فراق یار دشوار است. پدرم من از بلاد غربت از گوشهٔ زندان غم غبارآلود از هجر دوست، با چشمانی غمزده، در انتظار رؤیت نامه را می‌نویسم. پدرم نامه ام را اجابت کن. با جواب خویش گرد و غبار غم را از چهرهٔ زردمان پاک کن، تا چشم ما با دیدن خطت نور گیرد، روشن و منور گردد. پدرم پروانه‌های وجودمان فدای شمع جانسوزت باد. فرزندان افسردهٔ خویش را با کلام مسیحایی‌ات جانی دوباره بخش، و دل خسته دلان در راه مانده را جلایی تازه ده. به امید اینکه این نامه به دستت برسد و جوابش را هر چه زودتر بنویسی. پدرم برای دریافت جواب لحظه شماری می‌کنم. خداحافظتان. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۳۶۵/۶/۱۲ ـ فرزند کوچکت، محمد رنجبر]

بسمه تعالی

فرزند بسیار عزیزم، از نامهٔ دلسوزانه شما بسیار متأثر گردیدم. من ناراحتی

---

۱. «می گویند مرگ سخت است؛ به خدا سوگند که جدایی دوستان دشوارتر است».

شما عزیزان دربند را احساس می‌کنم. شما هم ناراحتی پدرتان را که فرزندان عزیزش دور از وطن هستند احساس کنید. عزیزان من سید و مولای همهٔ ما، حضرت موسی‌بن جعفر«ع»، بیش از همهٔ شماها و ماها در رنج و گوشهٔ زندان به سر بردند. برای اسلام عزیز شما صبر کنید. خداوند فرج را ان شاءالله تعالی نزدیک می‌نماید؛ و پدر پیر شما را با دیدن شما شاد می‌فرماید. به همهٔ عزیزان دربند سلام مرا برسانید. من از دعای خیر فراموشتان نمی‌کنم. خداوند حافظ شما باشد.

پدر پیرت «خ»[1]

▣ نامه

زمان: ۱۳۶۶هـ‌ش / ۱۴۰۷هـ‌ق — مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامهٔ اسیر ایرانی در عراق — مخاطب: حمزه‌ای، محمد

[بسم الله الرحمن الرحیم. اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین. مادرم سلام. این نامه مخصوص پدر بزرگوارم هست. پدر عزیز وهادی‌ام و مایهٔ دانایی‌ام و دارای روح خدایی‌ام، سلام علیکم. گرچه مشکل است معرفت قدر تو، اما این جملاتی است تقدیم به قلب تو. وصفت را از چند چیز پرسیدم. از کوه، گفت از من استوارتر. از دریا، گفت از من خروشانتر. از خورشید، گفت از من تابانتر. گاهی که سر انقیاد به حال تحقیر بر دامنت گذاشتیم، به ما فرزندانت فرمودی: اگر لایق باشم، دست و بازویتان را می‌بوسم. دانی چرا چنین شاعرانه می‌گویم. دیده ای پروانه راگرد شمع مجنون وار فقط سر سودای وصال نور دارد. من الآن چنینم و یاد وصال در خاطرم هست که از او دورم، اما عیان می‌بینم که اگر مولایت بخواهد، بزودی شاید تو را ببینم، وگر نبینم وعدهٔ ما بر سر حوض با مادرت. ان شاءالله. خداحافظ التماس دعا «پدر، ما را حلال کن ۶۶/۴/۲۲»]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

به نام خدا

فرزند عزیزم، نامهٔ شما که از سلامت مزاجتان بحمدالله خبر داد، واصل شد و موجب خرسندی از این جهت، و افسردگی از جهات دیگر شد. عزیزم ما سلامت هستیم و به شما و سایر دوستان دربند دعا می‌کنم. شما نگران نباش. این نحو گرفتاریها برای دوستان خدا همیشه بوده و موجب بلندی مقام و رحمت خدا هست. امیدوارم بزودی همگی با سلامت به وطن خود باز گردید. به دوستانتان سلام مرا برسانید. خداوند به شماها صبر و اجر عنایت کند.

عبد...[۱][۲]

▣ نامه

زمان: ۲۳مرداد ۱۳۶۷ / ۱محرّم ۱۴۰۹ — مکان: تهران، جماران

موضوع: ابراز تشکر از هدیهٔ ارسالی — مخاطب: نورانی، شمسی

[بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مقدس رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ روحی فداه ـ سلام علیکم

از آنجا که مایل نیستم در این شرایط حساس وقت شریف را تصدیع نمایم بدون مقدمه سخنانم را آغاز می‌کنم.

من مادر یک شهید به نام سید علی اصغر کیا از خیل عظیم شهیدان اسلام عزیز هستم. خود در اوایل زندگی بر اثر حادثه ای همسر عزیز خود را که از سادات بود از دست دادم و با چهار فرزند به یادگار از آن مرحوم مانده زندگی را ادامه دادم و یکی از

---

۱. برای رعایت مسائل حفاظتی، امام خمینی به صورت مستعار امضا کرده اند، چراکه در صورت لورفتن، مخاطب نامه در اسارتگاه زیر شکنجه‌های مأمورین صدام قرار می‌گرفت.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۰۷.

آنها را در جنگ تحمیلی تقدیم اسلام و آن حضرت نمودم و اکنون نیز آمادهٔ انجام تکلیف می‌باشم.

اماما، پیام پر از درد و محنت شما در پذیرش قطعنامهٔ ۵۹۸ آسایش را از روح و جسم ملت ایران و مستضعفان جهان بویژه خانوادهٔ شهیدان گرفت و مطمئن باشید که آنها هم همان گونه که فرمودید آن را مانند جرعهٔ زهری نوشیدند ولی تحمل هر چیزی برای رضای خدا و مصلحت اسلام عزیز گواراست.

دشمنان قسم خوردهٔ اسلام عزم خود را جزم نموده‌اند که دین مقدس اسلام را منهدم و نابود نمایند و این را از اجداد و پیشینیان پلید خود به ارث برده‌اند. اما زهی خیال باطل. خدایا تو شاهد باش که ما هم با تأسی به پیشوایان بزرگمان همچون ابراهیم و محمد و علی و زهرا و فرزندان معصومشان صلوات الله علیهم اجمعین و با تقلید از مرجع و ملجأ عظیم‌الشأن انقلاب عزم خود را جزم نموده ایم که تا آخرین نفر و آخرین نفس با اهداف نامبارک آنها مبارزه کنیم. اماما، راهپیمایی روز عید غدیر ثابت کرد که مردم شریف ایران مرگ را تحمل می‌کنند ولی ننگ خواری و ذلت در مقابل دشمنان اسلام را نه. آنها با این حضور نشان دادند که همواره گوش به فرمان رهبر الهی خود هستند و این اطاعت را به حکم آیهٔ شریفه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» تکلیف شرعی خود می‌دانند.

اماما، مبادا که شرایط روز دامان کبریایی شما را غبارآلود و دل مبارکتان را رنجور نموده باشد. ما به شما اطمینان می‌دهیم که با اشک چشمانمان دامان و دلتان را شستشو و با خونمان نهری و با اجسادمان سدی در مقابل دشمنان اسلام ایجاد خواهیم کرد که در آن غرق و زمینگیر شوند.

اماما، اینجانبه هدیه ای ناقابل را که ذخیره نموده و دهها فکر و خیال برای مصرف آن جهت رفاه خود و فرزندانم داشتم به منظور رفع نیاز جبهه‌های جنگ تقدیم می‌نمایم و همچنین نذر نموده ام که حقوق شش ماه خود را تقدیم نمایم. لذا

اکنون هدیهٔ مذکور «یک قطعه دستبند طلا» را به همراه مبلغ سی هزار ریال «حقوق یک ماه» تقدیم و بقیه را نیز تحویل خواهم داد. ان شاالله.

در خاتمه آرزوی دعای خیر و تقاضای عاجزانه دارم که با دستخط مبارک «ولو کوتاه» جواب نامه را مرقوم فرمایید. از خداوند تبارک و تعالی به همراه همهٔ مستضعفان و مسلمین و شیعیان طول عمر آن حضرت را با سلامت کامل خواهانم.

حاجیه شمسی نورانی، از طلاب علوم دینیه و از خدمتگزاران امداد امام خمینی کاشان، والدهٔ شهید سید علی اصغر کیا. والسلام علیکم و رحمة الله.]

بسمه تعالی

فرزند عزیزم، خانم حاجیه شمسی نورانی

نامهٔ پر احساس شما را خواندم. از شما و افرادی مانند شما نمی‌دانم چگونه باید قدردانی کرد. من که در مقابل اینهمه محبت و صفا غیر از تشکر و دعاکاری نمی‌توانم انجام دهم.

دستبندت را برایت می‌فرستم تا از جانب من هدیه ای باشد برای تو؛ و معادل آن را با نذر حقوق شش ماهه ات را من خود به جبهه می‌فرستم. از قول من به فرزندان عزیزت، این عزیزان ملت شریف ایران، سلام گرمم را برسان. خدا یار و نگهدارت باد.

۶۷ / ۵ / ۲۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

فصل ۱۹:
نامه‌های خانوادگی

■ **نامه**

زمان:فروردین ۱۳۱۲/ذی‌القعده ۱۳۵۱
مکان:لبنان،بیروت
موضوع:خانوادگی **مخاطب:ثقفی،خدیجه**[۱]

تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نورچشم عزیز و قوّت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینهٔ قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را بسلامت و خوش در پناه‌خودش حفظ کند. [حالِ] من با هر شدتی باشد می‌گذرد ولی بحمدالله تا کنون‌هرچه پیش آمد خوش بوده و الآن در شهر زیبای بیروت هستم؛[۲] حقیقتاً جای شما خالی است فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظرهٔ خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراه نیست که این منظرهٔ عالی به دل بچسبد.

در هر حال امشب شب دوم است که منتظر کشتی هستیم، از قرار معلوم ومعروف یک کشتی فردا حرکت می‌کند ولی ماها که قدری دیر رسیدیم، بایدمنتظر کشتی دیگر باشیم. عجالتاً تکلیف معلوم نیست امید است خداوند به عزت‌اجداد

---

۱. ملقب به قدس ایران، همسر امام خمینی.

۲. برای عزیمت با کشتی به عربستان برای انجام اعمال حج.

طاهرینم که همهٔ حجاج را موفق کند به اتمام عمل، از این حیث قدری نگران هستیم ولی از حیث مزاج بحمدالله به سلامت، بلکه مزاجم بحمدالله مستقیم تر و بهتر است. خیلی سفر خوبی است جای شما خیلی خیلی خالیست. دلم برای پسرت[۱] قدری تنگ شده است. امید است هر دو[۲] به سلامت وسعادت در تحت مراقبت آن عزیز و محافظت خدای متعال باشند. اگر به آقا[۳] و خانم‌ها[٤] کاغذی نوشتید سلام مرا برسانید. من از قِبَل همه نایب الزیاره هستم.

به خانم شمس آفاق[۵] سلام برسانید و به توسط ایشان به آقای دکتر[٦] سلام برسانید. به خاور سلطان و ربابه سلطان سلام برسانید.

صفحهٔ مقابل را به آقای شیخ عبد الحسین بگویید برسانند.

ایام عمر و عزت مستدام. تصدقت، قربانت؛ روح الله.

عکس جوف در حال دلتنگی از حرکت نکردن.[۷][۸]

---

۱. آقای سید مصطفی خمینی که در آن زمان سه ساله بوده است.

۲. اشاره به آقامصطفی و فرزند دیگرشان که درآن زمان هنوز به دنیا نیامده‌بود و چند روز پس از نگارش این نامه در زمانی که امام در سفر حج بودند،متولد گردید و او را «علی» نام گزاردند. وی درکودکی بر اثر بیماری درگذشت.

۳. آقای میرزامحمد ثقفی، پدر همسر امام خمینی.

٤. مادر و مادربزرگ همسر امام خمینی که در آن زمان در قید حیات بوده‌اند.

۵. شمس آفاق ثقفی، خواهر همسر امام خمینی.

٦. آقای دکتر علوی.

۷. اشاره به نبودن کشتی جهت عزیمت به جده.

۸. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲ تا ۳.

▣ نامه

زمان: ۱۱ آذر ۱۳۳۲/ ۲۴ ربیع الاول ۱۳۷۳ مکان: قم
موضوع: خانوادگی مخاطب: ثقفی، میرزا محمد[۱] ۲۴ع۱

بسم الله الرحمن الرحیم

تصدقت شوم، مدتی است در صدد عرض ارادت بودم، موفق نشدم. اینک توفیق مساعد شد. امید است ان شاءالله وجود مبارک با سلامت و سعادت قرین، و خود و متعلقان محترم در ظلّ عنایت اولیا علیهم السلام محفوظ باشید. مخلص و خانم قدس ایران[۲] و بچه‌ها سلامت، و در روز عید سعید مولود[۳]، صبیهٔ حضرت آقای آقا مرتضی حائری را برای مصطفی[٤] شیرینی خوردند، و شاید ان شاءالله در ماه مبارک رجب مجلس عقد منعقد شود. ان شاءالله دعا فرمایید

خداوند تعالی مبارک فرماید. خانم[۵] عرض دستبوسی دارند و همین طور بچه‌ها. ان شاء الله آقای آقا[٦] حسن و آقازاده‌های[۷] محترم سلامت هستند.

ایام سعادت مستدام باد.

روح الله الموسوی[۸]

---

۱. پدر همسر امام خمینی. روی پاکت حاوی نامه چنین مرقوم شده است: «تهران پامنار، حضور محترم حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج میرزا محمد ثقفی ـ دامت برکاته. قم، خمینی».

۲. همسر امام خمینی، خانم خدیجه ثقفی ملقب به قدس ایران.

۳. هفده ربیع الاول، میلاد پیامبر اکرم (ص).

٤. آقای سید مصطفی خمینی که با خانم معصومه حائری، دختر آقای مرتضی حائری وصلت کرده است.

۵. همسر امام خمینی.

٦. آقای حسن ثقفی، برادر همسر امام خمینی.

۷. آقایان: رضا، علی و مهدی ثقفی.

۸. صحیفه امام، ج ۱، ص ٣٤.

◙ نامه

زمان: ۲۷اسفند ۱۳۳۳/ ۲۳رجب ۱۳۷۴ مکان: قم
موضوع: تبریک عید سعید مبعث و فرارسیدن عید نوروز مخاطب: ثقفی، میرزامحمد[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

تصدقت شوم، در این عید سعید مبعث ختمی مرتبت «ص» که مصادف با سال جدید است، تبریک عرض و سلامت و سعادت حضرتعالی و بستگان محترم را از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید. اگر چند روزی برای رفع خستگی و تجدید عهد تشریف بیاورید قم، موجب تشکر است. خانم قدس ایران[۲] عرض دستبوسی دارند. حضرت آقای حاج سید ابوالحسن قزوینی ـ دامت برکاته ـ چندی است قم هستند. مباحثه هم شروع فرموده‌اند. عجالتاً تا ماه مبارک علی الظاهر هستند. ایام سعادت مستدام باد.

روح الله الموسوی[۳]

---

۱. پدر همسر امام خمینی. روی پاکت نامه چنین نوشته شده است: «تهران پامنار، حضور محترم حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا محمد ثقفی دامت برکاته. قم، خمینی ـ ۲۳ رجب».

۲. خانم خدیجه ثقفی ملقب به قدس ایران، همسر امام خمینی.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۶.

▣ تلگراف

زمان: ۱۲اردیبهشت ۱۳۴۲/ ۸ذی‌الحجه ۱۳۸۲ مکان: قم

مخاطب: پسندیده، سید مرتضی

بسم الله الرحمن الرحیم

خمین ـ حضور مبارک مستطاب حجت الاسلام آقای حاج آقا مرتضی ـ دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم مبارک که حاکی از سلامت وجود محترم بود، موجب تشکر گردید. حالت بنده بحمدالله بد نیست، گرچه چند روزی است ناراحتی فی الجمله دارم و قلبم گاهی ناراحت است، لکن مهم نیست؛ شاید عوارض معده باشد. در این چند روز برای اغفال ما ظاهراً پیغامهایی داده شده است که ترتیب اثر نداده‌ایم، و تا دولت فعلی سر کار است ظاهراً نشود تفاهمی کرد. مبلغی که مرقوم شده بود به آقای آقاهاشم بابت سهم امام داده شود، نمی‌توانم اجازه بدهم؛ لکن اگر از محل خودم به ایشان این مبلغ را مرحمت‌کنید قبول است. از حضرتعالی التماس دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

اگر مثل هر سال مبلغی برای روغن به گلپایگان برای آقا روشن بفرستید که در «گوگد[۱]» ساکن است، خوب است؛ زودتر بفرستید و مرقوم دارید.[۲]

---

۱. بخشی از توابع شهرستان گلپایگان.

۲. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۰۳.

▣ نامه

زمان: ۴فروردین ۱۳۴۴ / ۲۰ذی‌القعده ۱۳۸۴[1] مکان: ترکیه، بورسا
موضوع: اعلام سلامتی و سفارش خانواده به صبر مخاطب: ثقفی، خدیجه

۲۰ ذی القعدة الحرام ۸۴

خدمت مخدرهٔ محترمه والدهٔ مصطفی[2] - ابقاهاالله و صبرها - سلام می‌رساند. ان‌شاءالله تعالی شماها به سلامت و سعادت به سر برید. اینجانب بحمدالله تعالی سالم هستم. هیچ نگرانی نداشته باشید. خداوند تعالی آنچه مقدر فرموده است صلاح است و واقع خواهد شد: ﴿عَسی ان تَکرهوا شیئاً و هو خیرٌ لکم﴾.[3] مصطفی هم بحمدالله سلامت است، جای هیچ نگرانی نیست. فقط از اینکه از شماها بی‌اطلاعم قدری نگران هستم. همه را به خدای تبارک و تعالی می‌سپارم. تمام بچه‌ها و متعلقین آنها را سلام می‌رسانم. اگر این کاغذ رسید، جواب زودتر بنویسید و بفرستید خدمت حضرت حجت الاسلام آقای حاج آقا فضل الله خوانساری،[4] شاید ایشان بتوانند به وسیله‌ای بفرستند. اگر جواب نوشتید تمام بچه‌ها به خط خودشان یکی دو کلمه بنویسند. به متعلقهٔ مصطفی[5] سلام برسانید. ایشان هم دو کلمه بنویسند. به حضرتین آقایان اخوان[6] سلام برسانید.

روح الله الموسوی الخمینی[7]

---

۱. در صحیفه نور، (دوره جدید) ج ۱، ص ۱٦۹ ذیل تاریخ ٤۳/۱۲/۱٥ درج شده، اما تاریخ مندرج در نسخه خطی ۲۰ ذی القعده ۸٤ مطابق با ٤ فروردین ۱۳٤٤ است.

۲. همسر امام خمینی.

۳. سوره بقره، آیه ۲۱٦ «چه بسیار باشد که چیزی را ناگوار شمارید وحال آنکه به صلاح شماه بوده است».

٤. فرزند آقای سید احمد خوانساری.

٥. خانم معصومه حائری، همسر آقای سید مصطفی خمینی.

٦. آقایان: سید مرتضی پسندیده و سید نورالدین هندی.

۷. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤۳۷.

▣ نامه

زمان: ۱ خرداد ۱۳۴۴ / ۲۰ محرّم ۱۳۸۵ مکان: ترکیه، بورسا
موضوع: اعلام سلامتی و ابلاغ سلام مخاطب: پسندیده، سید مرتضی

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۰ محرّم الحرام ۱۳۸۵

حضور محترم جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای پسندیده دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، ان شاءالله تعالی وجود محترم خالی از نقاهت و ملال است. سعادت و عزت آن حضرت را از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید. حالت اینجانب بحمدالله و له الشکر خوب است و به هیچ وجه نگرانی ندارم و جنابعالی و سایرین هم نگران نباشید، آنچه خداوند تعالی مقدر فرموده عین صلاح است. از خداوند تعالی خواستار است که ما را راضی فرماید از مقدرات. خدمت همهٔ خویشاوندان سلام برسانید. والسلام علیکم و رحمة الله.

مصطفی بحمدالله سالم، و سلام ابلاغ می‌نماید.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٣٨.

▣ نامه

زمان: ۱۳۴۷ هـ ش. / ۱۳۸۸ هـ ق. مکان: نجف
موضوع: لزوم تمرین در امور مربوط به وجوه شرعیه مخاطب: خمینی، سید احمد

«این صفحه را به احمد مرحمت فرمایید.»

ان‌شاءالله تعالی موفق و مؤید به تحصیل علوم شرعیه و تهذیب اخلاق باشید. اولاً پنیر دیگر نفرستید، برای هر دوی ما خوب نیست و ممنوع هستم؛ ثانیاً راجع به تلفن[۱] چیزی ننویسید که: تلفن بکشید خرجش را می‌دهم. من تلفن نمی‌کشم و شما هم چیزی جز مال فقرا ندارید و خوب است از حالا ملاحظهٔ وجوه شرعیه را تمرین کنید و زیاده روی را احتراز نمایید. خداوند تعالی از شما راضی خواهد بود.

والسلام. پدرت[۲]

---

۱. خانم حضرت امام در نجف شدیداً از نداشتن تلفن نگران بودند. هر وقت می‌خواستند با فرزندانشان در ایران صحبت کنند، باید ساعتها در گرمای ٤٨ درجه در صف اداره تلفن معطل می‌شدند و یا با خجالت به منزل حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ نصرالله خلخالی می‌رفتند؛ با اینکه با روی باز از ایشان استقبال می‌شد ولی ایشان خجالت می‌کشیدند. امام اجازه دایر کردن تلفن را نمی‌دادند؛ منزل ایشان تا آخر دوران تبعید در نجف و تا زمانی که به پاریس رفتند فاقد تلفن بود؛ و امام به والده محترم گفته بودند که: راضی نیستم از دفتر به ایران تلفن بزنید. قیمت اشتراک تلفن در نجف ۲۵ دینار عراقی (معادل پانصد تومان) بود. اینجانب نوشتم: از خودم پول دارم؛ شما تلفن را دایر کنید، پولش را من به آیت الله پسندیده وکیل امام می‌دهم؛ امام این جواب را نوشتند. ضمناً منزل ایشان سالها در نجف با آن گرمای آزاردهنده تابستان، فاقد یخچال بود و در مضیقهٔ شدید زندگی می‌کردند. «این پاورقی به قلم آقای سید احمد خمینی نگارش شده است».

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۱۵.

▣ نامه

زمان: ۹آبان ۱۳۴۸/۱۹شعبان ۱۳۸۹
مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، تبریک ازدواج
مخاطب: طباطبایی، فاطمه[1]

بسمه تعالی

۱۹ شعبان المعظم ۸۹

مخدرهٔ محترمه را سلام وافر می‌رسانم. خوشوقتم از اینکه احمد با فامیل اصیل محترم بزرگی متصل شد. امید است ان شاءالله تعالی در زیر سایهٔ اجداد طاهرینتان خوش و خرم و سعادتمند باشید. ان شاءالله تعالی این وصلت، میمون، مبارک و سرشار از نیکبختی و سعادت دنیا و آخرت باشد. بحمدالله تعالی شما از کرائم اخلاق موروثه از پدر بزرگوار و اجداد پدری[2] و مادر محترمه و معظمه و اجداد مادری[3] برخوردار هستید. امید است ان شاءالله تعالی احمد نیز از این کرامتها برخوردار شود. اینجانب از دعای خیر شماها را فراموش نمی‌کنم. خدمت حضرت مستطاب سید العلماءالاعلام و حجت‌الاسلام آقای سلطانی[4] ـ دامت برکاته ـ و علیا محترمه خانم والده[5] ـ دام عمرها ـ سلام برسانید. والسلام علیک و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[6]

---

۱. همسر آقای سید احمد خمینی.

۲. آقای سلطان العلماء (از علمای بروجرد).

۳. آقای سید صدرالدین صدر، و آقای سید حسین قمی.

٤. آقای سید محمد باقر سلطانی طباطبایی، پدر همسر آقای سید احمد خمینی.

۵. خانم صدیقه صدر.

٦. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲٤۹.

▣ نامه

زمان: ۷بهمن ۱۳۴۸/ ۱۹ذی‌القعده ۱۳۸۹
مکان: نجف
موضوع: خانوادگی
مخاطب: خمینی، سیداحمد

۱۹ ذی القعده ۸۹ بسمه تعالی

احمد عزیز، دو سه روز پیش جواب مرقوم شما را دادم و در آن گله‌هایی کردم. ان شاءالله خواهید بخشید و بعد از این خواهید نکتهٔ مطلب را فهمید. ان‌شاءالله خداوند تعالی شما را حفظ کند و توفیق تحصیل بدهد، نمی‌دانم «شرح لمعه» تمام شده یا باز مشغول هستی. از وضع تحصیل خودت بنویس. «اقلیم»[1] با همزه، نه با عین است. والسلام.

پدرت

کاغذ جوف را به فریده[2] برسانید.
به پرهیز سینه و تقویت او ادامه بده تا بکلی برطرف گردد.[3]

---

۱. نام مستخدمه بیت امام در نجف که ظاهراً در نامه آقای سید احمد خمینی با عین، درج شده بود و امام آن را تصحیح کرده‌اند.

۲. خانم فریده مصطفوی «دختر امام خمینی».

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۵۹.

▣ نامه

زمان: ۱۹ خرداد ۱۳۴۹/۴ ربیع‌الثانی ۱۳۹۰ مکان: نجف

مناسبت: عدم دخالت در مسائل مرجعیت پس از رحلت آقای حکیم

مخاطب: خمینی، سید احمد

۴ ع ۲ ۹۰ بسمه تعالی

احمد عزیز، ان شاءالله تعالی سلامت باشید. حال من بحمدالله خوب است و کسالت مزاجی ندارم؛ البته کسالت روحی زیاد است.

لازم است تذکر دهم که ممکن است در این اوقات در آنجا مسائلی مربوط به مرجع[1] طرح شود یا خدای نخواسته کشمکش بین جوانها شروع شود. شما و تمام دوستان اینجانب باید از این مسائل برکنار باشید و یک کلمه دخالت نکنید؛ چنانچه در اینجا نیز همین امر را سفارش داده ام. البته اثبات و نفی ای نباید داشته باشید.

تأیید و توفیق شما را خواستارم و از اینکه بحمدالله اشتغال دارید مسرورم و از مدرس شدن شما هم مشعوفم؛ خوب کاری است. از اول همان طور که درس می‌خوانی و مباحثه می‌کنی تدریس هم بکن ولو برای یک نفر. ان شاءالله تعالی موفق باشید. والسلام.

پدرت[2]

---

۱. آقای سید احمد خمینی درباره این جمله از نامه امام خمینی نوشته اند: «اشاره است به قضیه مرجعیت که بعد از فوت حضرت آیت الله العظمی حاج سید محسن حکیم (سه شنبه ۱۲ خرداد ۱۳٤۹) بحث روز حوزه‌های علمیه بود».

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۷٤.

▣ نامه

زمان:؟ مکان:نجف

موضوع: تذکراتی راجع به کتابخانهٔ قم مخاطب:خمینی،سیداحمد

بسمه تعالی

احمد عزیز،

ظاهراً راجع به مکتوب طلبی نداشته باشید،[۱] نه شما و نه خانم![۲] ان شاءالله سرگرمی به امر خیر دارید. امید است با سلامت و قرین سعادت باشید.

نمی‌دانم چه شده است در کتابخانه رفته‌اید. آیا طلبه‌ها نبوده‌اند یا آنها را خارج کردید، مرقوم دارید. خیلی بعید به نظر می‌رسد که به آنها پیشنهاد تخلیه کرده باشید. در هر صورت آنجا باید طلبه‌ها باشند و شماها منزل پیداکنید و خارج شوید و این امر را تکرار نکنید.[۳] راجع به امور داخلی به آقایان نوشته‌ام ولی گمان ندارم این امر به سامان برسد. در هر صورت مهم نیست و شما خیلی به این امر اهمیت می‌دهید، در صورتی که چنین نیست؛ بشود یا نشود خیلی فرق ندارد. آنچه مهم است آن است که شما مشغول تحصیل و تحقیق باشید. اگر تألیفی دارید بفرستید استفاده کنیم. ان‌شاءالله موفق باشید. به خانم و بچه‌ها و معصومه خانم[٤] سلام برسانید. عجالتاً نه وقت بیش

---

۱. کنایه به اینکه چرا نامه نمی‌نویسید؟

۲. همسر امام خمینی.

۳. آقای سید احمد خمینی در این باره چنین اظهار می‌دارد: «به حضرت امام گزارش دروغ داده بودند که من طلبه‌ها را خارج کرده ام. ایشان چون با روحیه من آشنا بودند این گزارش را قبول نکردند و با دیده تردید در نامه ذکر کرده اند. اصل ماجرا دروغ بود و یک لحظه من در کتابخانه زندگی نکردم. کتابخانه امام در قم روبه روی مدرسه حجتیه بود که ساواک با حمله به آنجا تمام کتابها را به یغما برد و آن را تعطیل کرد. بعداً حدود دوازده طلبه را به آنجا آوردیم. امام کتابخانه را فروختند و آنجا تبدیل به درمانگاهی با نام عترت قرآن «و یا قرآن و عترت) شد که هنوز هم هست».

٤. خانم معصومه حائری، همسر آقای سید مصطفی خمینی.

از این است و اگر کاغذ زیاد شود شاید هیچ نرسد. والسلام.

پدرت[۱]

▣ نامه

زمان: ۵آذر ۱۳۴۹/۲۶رمضان ۱۳۹۰ مکان: نجف

موضوع: خانوادگی مخاطب: خمینی، سیداحمد

۲۶ شهر صیام ۹۰ بسمه تعالی

احمد عزیز

مرقوم شما واصل شد. از سلامت شما...[۲] عروسی را تبریک می‌گویم. امید است ان شاءالله با سلامت و سعادت مقرون باشید. به شماها دعا می‌کنم. از اینکه من راجع به منزل چیزی گفتم گله کرده اید، حق با شما است ولی من چون از شماها توقع دارم که همیشه ملاحظهٔ جهات را بکنید، گاهی از روی ناراحتی اگر چیزی برخلاف صلاح گفته شده است، باید پدر پیر را ببخشید. آنجا را به دست طلاب بدهید هر طور صلاح می‌دانید. از اینکه شهریه را چطور دادند و کی داد و به چه عنوان داده شد، مرقوم نداشتید. خانم[۳] بحمدالله با سلامت وارد، و مشغول مهمانداری است. از کیفیت درس و بحث و اشتغالات خودتان مرقوم دارید. خدمت مکرمه عروس محترمه[٤] سلام می‌رسانم. ان شاءالله تعالی سلامت باشند.

داداش[٥] و عائله‌اش سلامت هستند؛ رفته بودند اعتکاف، دیشب آمدند. سلامت شما را طالبم.

پدرت[٦]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲. خوانده نشد.

۳. همسر امام خمینی.

٤. خانم فاطمه طباطبایی همسر آقای سید احمد خمینی.

٥. آقای سید مصطفی خمینی.

٦. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۱۰.

▣ نامه

زمان: ۱۷آذر ۱۳۴۹/ ۸شوال ۱۳۹۰ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی دستور پرداختِ شهریه به چند نفر مخاطب: خمینی، سید احمد

۸ شوال ۹۰ بسمه تعالی

احمد عزیزم، نمی‌دانم اخیراً از شما کاغذی رسیده است که این مکتوب جواب آن باشد یا آنکه نرسیده است و مکتوب ابتدایی است؛ در هر صورت سلامت و سعادت شما را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله سلامت هستم؛ لکن خیلی خسته شده ام و راه مفرّی هم نیست.

مطلبی که لازم است تذکر دهم و منتظرم جواب بدهید آن است که آقای آقا سید احمد کلانتر که گرفتار است لازم است به خانواده اش رسیدگی شود. شما اولاً تحقیق کنید که منزل پدر زنش کجا است؟ پس از آن از ایشان تحقیق کنید که اهل منزل ایشان کجا هستند؟ در صورتی که در تهران هستند لازم است همه ماهه ماهی سیصد تومان به ایشان برسد. شما یا خودتان آن وجه را بگیرید و با یک وسیلهٔ مطمئنی برسانید یا به آقای تهرانی[۱] بگویید به یک وسیلهٔ مطمئنی بدون آنکه کسی مطلع شود این وجه را ماهیانه به ایشان برسانید.

دیگر آنکه خانم[۲] اصرار دارند که به مشهدی رضا[۳] پنجاه تومان اضافه داده شود؛ نمی‌شود فرمایش خانم را اطاعت نکرد. شما انجام امر ایشان را بدهید. از حالات خودتان اینجانب را مطلع کنید. خدمت خانوادهٔ محترمه سلام برسانید. سلامت همه را خواهانم. به همشیره‌ها سلام برسانید. ان شاءالله همه سالم و سعید باشند.

پدرت

---

۱. آقای محمد صادق تهرانی، وکیل امام.

۲. همسر امام خمینی.

۳. خادم بیت امام در قم.

بنا دارم به آقای لواسانی[۱] بنویسم که یک یخچال برای شما به عنوان مبارکباد بخرند، و یکی هم برای آقای آقا رضا، آقازادهٔ خودشان به همین عنوان. اگر شما هم به ایشان تذکر دهید مانع ندارد. خودم هم هر وقت کاغذ نوشتم تذکر می‌دهم.[۲]

▣ نامه

زمان: ۷دی ۱۳۴۹/ ۲۸شوال ۱۳۹۰ مکان: نجف
موضوع: شهریه طلاب، جدیت در تحصیل و تهذیب اخلاق مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

احمد عزیزم

مرقوم شما به وسیلهٔ آقای علی واصل شد. سلامت شماها را خواهانم. راجع به مطلبی که مرقوم شده بود، باید بگویم: «یک پول جگرک سفره قلمکار نمی‌خواد»[۳]. من اکنون نفسهای آخر عمر را می‌کشم، و آنچه گرفتاری دارم کافی است و میل ندارم بیشتر کنم. زیادی کار بکلی وضع زندگانی را مختل کرده است. امید است ان شاءالله خداوند تعالی وسیله فراهم فرماید که بتوانم برای آخر عمر فکری بکنم. فکرهای شما بحمدالله تعالی جوان و سرشار از امید است و با فکر خسته و فرسودهٔ من جور در نمی‌آید. آنچه از شما می‌خواهم آن است که با جدیت مشغول درس و بحث، و به هیچ وجه غفلت ننمایید؛ و در خلال تحصیل به تهذیب اخلاق و تحکیم مبانی دیانت مقدسه کوشا باشید. تا بخواهید برای من فکر تشریفات و مشاورین و اصحاب باشید، من رفته‌ام. از قراری که از تهران نوشته‌اند معلوم نیست بتوانند به شهریه ادامه دهند؛ من هم حدس می‌زدم. لکن آقایان چون درست اطلاع ندارند پشت هم می‌نویسند که

---

۱. آقای سید محمد صادق لواسانی (وکیل تام الاختیار امام خمینی در تهران).

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۱۲ تا ۳۱۳.

۳. ضرب المثل ایرانی؛ به معنای اینکه چیز کم اهمیت تشریفات نیاز ندارد.

زیـادکـن، زیـادکـن. داداش[1] دو روز سـرماخوردگی داشت و تب مـختصری، و بحمدالله رفع شد و امروز و دیروز درس بود و اینجا هم آمد لکن دستش قدری درد می‌کند؛ ممکن است از اثر سرماخوردگی باشد و مهم نیست، ان شاءالله تعالی خوب می‌شود. به همشیره‌ها و خانم خودتان سلام برسانید. ان شاءالله سعید و خوش باشید.
۲۸ شوال ۹۰
پدرت[2]

▣ نامه

زمان: ۲۲ بهمن ۱۳۴۹/ ۱۴ ذی الحجه ۱۳۹۰ مکان: نجف
موضوع: لزوم هوشیاری در برابر مقاصد تفرقه انگیزان؛ و چند تذکر در مورد وکلای شرعی
مخاطب: خمینی، سید احمد

۱۴ ذی الحجه ۱۳۹۰ بسمه تعالی

احمد عزیز،

ان شاء الله با سلامت و سعادت قرین بـاشید. مـدتی است از مـرقومات شـما احساس می‌کنم که شما به طور ناآگاه تحریک شده‌اید که به اصطلاح خودتان وکیل تهران را محدود یا معذور دارید حتی مرقومات شما از اینجانب هم تجاوز کرده و به کس دیگر هم نوشته‌اید و تحریک آمیز بوده است. شما آنچه من توجه دارم و تجربه کرده ام، تجربه ندارید و اشخاص را آن نحو کـه مـی‌شناسم نـمی‌شناسید و اغـراض مختلفه را نمی‌توانید به این زودی تشخیص دهید. من بیش از چهل سال است که بـا این اشخاص معاشر بوده ام. آنچه انتخاب کرده‌ام چه در نجف و چه در تهران پس از معاشرت طولانی بوده است و حتماً بدانید که هم راجع به یک نفر شخص علاقه‌مند

---

۱. آقای سید مصطفی خمینی.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۱۷.

مؤثر که در نجف است[۱] دستهایی در کار است که به هر نحو شده است او را برنجانند و هم راجع به شخصی که در تهران است و من در بین دوستانم از او علاقه‌مندتر و صحیح تر سراغ ندارم.[۲] شما مکرر مرقوم می‌دارید که باید وکلای بیشتری باشد، با آنکه وکیل منحصر نیست و اشخاص متعددی هستند لکن علاقه‌مند جدی منحصر است و آن هم با دست خود ما می‌خواهند برکنارش کنند و همّ اینها لطمه به اینجانب است نه به آن اشخاص؛ اگر جایز بود شرعاً برای شما بعضی از امور را توضیح می‌دادم تا از خواب گران برخیزید. و من از شما توقع دارم که در موضوع شخص اینجانب و از اوضاع مربوط به من با احدی مکاتبه نکنید و مشغول کار خودتان باشید. و آنچه لازم است به خود من بنویسید و اگر نقصی می‌بینید به غیر من حق ندارید بنویسیدچون شما و طرف مکاتبهٔ شما از اوضاع محیط ما درست مطلع نیستید و با صفای نفس به همه نگاه می‌کنید. والسلام علیکم.

از نصایح پدرانه ان شاءالله نمی‌رنجید.

مرقوم مورخ سه بهمن، الآن واصل شد؛ که باز راجع به قضیهٔ آقای آشتیانی مرقوم شده بود. باز از لحن تند شما معلوم می‌شود تحریک زیاد شده اید، شما بدانید که وکیل تهرانِ من خلاف صلاحِ من نمی‌کند، از ایشان استفسار نموده‌ام و منتظر جواب هستم. اما آمدن ایشان به قم برخلاف صلاح نبوده. شما گاهی می‌گویید که عدم دخالت اصحاب شما صحیح نیست و گاهی می‌گویید دخالت آن آقا صحیح نیست اما اشخاصی که می‌خواهند آقای آشتیانی را برنجانند نمی‌شود ساکت کرد و من هم اهل

---

۱. آقای نصرالله خلخالی.

۲. آقای سید احمد خمینی درباره این نامه می‌گوید: در زمان وصول نامه، موضوعی که امام به آن اشاره کرده، یعنی دستهای پنهانی که در صدد ایجاداختلاف بین یاران امام و پراکنده ساختن آنان بوده‌اند، غیر قابل درک بود اما بعد از پیروزی انقلاب، دسترسی به اسناد ساواک، آشکار شد که در قم و در نجف افرادی مرتبط با ساواک مشخصاً برای این کار مأموریت داشته‌اند. واین نامه امام حاکی از دقت و تیزبینی ایشان است.

اینکه هر روز به اشخاص کاغذ بنویسم و رفع نگرانی بکنم نیستم. شهریهٔ قم وجود و عدمش اهمیت ندارد و من کسب آبرو از آن نمی‌خواهم بکنم و شما هم از این معانی نگران نباشید و ملتفت باشید با دست شما و طرف مکاتبهٔ شما یک وقت دوستان صمیمی من از من نرنجند. اشخاصی که به شما مطالبی می‌گویند درست دقت کنید که با وسایطی ممکن است تحریک شده و بخواهند با دست خودتان مقاصد خودشان را انجام دهند. مع ذلک این مطالب موجب نیست که شما اگر مطلبی می‌شنوید به من ننویسید. به خود من مراجعه کنید و اگر صلاح دانستید کسانی که این نحو امور را می‌گویند مرقوم دارید.

از قرّة العین عزیزم امیدوارم که از نصایح من رنجیده خاطر نشود. والسلام علیک.[1]

▣ نامه

زمان: ۹اسفند ۱۳۴۹/ ۲محرّم ۱۳۹۱ — مکان: نجف
موضوع: تأکید خودداری از انجام امور تبلیغی به نفع ایشان — مخاطب: خمینی، سیداحمد

بسمه تعالی

احمد عزیزم

مرقوم شما واصل شد. قبلاً کاغذی نوشته ام، از آقای لواسانی استفسار نمودم راجع به اینکه بین راه وجه داده اند؛ جواب نوشته‌اند «تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است و به ایشان اصلاً وجهی نداده‌ام و دخالتی در این امر نکرده و نمی‌کنم لکن مفسدین در عمل اِفساد هستند». خودم هم حدس می‌زدم که اصل نداشته باشد.

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۳۲ و ۳۳۳.

مطلبی که از قم اطلاع رسیده است آن است که شما و آقای ربـانی[۱] در نـظر دارید برای صد نفر شهریهٔ خصوصی قرار دهید؛ به این منظور که در خانه رفت و آمد زیاد شود. خیلی از شما تعجب می‌کنم که باز مرا نشناخته اید! من هیچ وقت از ایـن اعمال خلاف انسانی میل ندارم مرتکب شوم و نه شماها مرتکب شوید. در این امور هیچ وقت بدون مراجعه به من اقدامی نکنید؛ گرچه ممکن است این خـبر هـم مـثل بیشتر اخبار باشد. در هر صورت مطلعم کنید و این نحو افکار را از خود دور کـنید. خدمت حضرت حجت الاسلام والمسلمین عمّ مکرم[۲] سلام برسانید. برای ایشان نگران هستم؛ می‌ترسم این رفت و آمد برای مزاج ایشان ناراحتی تولید کند و موجب استراحت ایشان در قم فراهم نباشد. به خانواده محترمه سلام برسانید ان شاءالله تعالی هر دو خوب و سعادتمند باشید. والسلام ۲ محرّم ۹۱ پدرت[۳]

---

۱. آقای سید احمد خمینی در این باره چنین مرقوم نموده‌اند: «منظور مرحوم آیت الله ربانی عضو اسبق شورای نگهبان است. با مشورت ایشان و بنده به این نتیجه رسیدیم که برای رساندن پیام امام و ارتباط بیشتر با طلاب و فضلا به حدود صد نفر از آنان شهریه داده شود تا آنان با تماس بقیه طلاب سریعتر مطالب امام را در حوزه و سایر جاها منتشر کنند. امام تصور می‌کردند برای شلوغی منزل و رونق دادن به مسئله مرجعیت ایشان چنین تصمیمی گرفته شده است».

۲. آقای سید مرتضی پسندیده.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۳٦.

▣ نامه

زمان: ۱۶ تیر ۱۳۵۰ / ۱۴ جمادی‌الاول ۱۳۹۱
مکان: نجف
موضوع: کیفیت فروش منزل
مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

احمد عزیزم

مرقوم بی‌تاریخ شما رسید. من نمی‌دانم چرا به این زودی از آخوندهای بی بند و بار شدی ! پس از این اول فوق نامه را تاریخ بگذار، بعد شروع کن. راجع به منزل، وکالت برای آقای اعرابی[1] فرستادم. منزل را باید به قیمت عادله تقویم[2] کنند و وجه را دریافت نمایند و قباله بدهند. در دریافت وجه، آقای اعرابی هر نحو صلاح دیدند عمل کنند؛ یعنی اگر آقای صدوقی[3] به وعدهٔ مدت کم تقاضا کردند یا چک دادند به موعد کم، مانع ندارد. در هر صورت امر با آقای اعرابی است و وجه دریافتی را باید به نجف بفرستند. راجع به مُهر آن آقا؛ همان طور که نوشته‌اید صحیح نبوده لکن ایشان اینجا نیستند، کربلا و کاظمین رفته‌اند. پس از مراجعت تذکر می‌دهم. آمدن ایشان هم معلوم نبست؛ ممکن است تا بعد از رجب بمانند یا بیشتر. ان شاءالله تعالی با سلامت و سعادت قرین باشید.

والسلام علیکم. ۱۴ ج ۱ ۹۱ پدرت

این کاغذ را به آقای اعرابی نشان دهید که عمل کنند. به جناب آقای آقا سید حسن طاهری پس از ابلاغ سلام، تذکر دهید که اجازهٔ مذکور را به آن شخص ندهند و پیش خود ایشان محفوظ بماند یا پاره کنند.[4]

---

۱. آقای محمد حسن اعرابی، داماد امام خمینی.

۲. بهای جنسی را معین کردن، ارزیابی.

۳. آقای محمد صدوقی یزدی.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۷٦.

▣ نامه

زمان: ۷آذر ۱۳۵۰/۹شوال ۱۳۹۱
مکان: نجف
موضوع: فروش منزل
مخاطب: اعرابی، محمدحسن

۹ شهر شوال ۹۱ بسمه تعالی

خدمت جناب آقای اعرابی ـ دام عمره

مرقوم شریف مورخ ۲۹ شهر صیام[۱] واصل شد، از مضمونش مطلع شدم، معلوم می‌شود آقایان، چه آقای صدوقی[۲] و چه آقای حائری[۳] به نحوی که دیگران خریداری می‌کنند، حاضر نیستند. لهذا جنابعالی، بدون معطلی منزل را به همان نحو که قولنامه داده‌اید بفروشید. برای اینجانب بیش از این معطل کردن روا نیست. در هر صورت معامله را تمام کنید و وجه آن را به وسیلهٔ آقای دیبایی برای آقای خلخالی[٤] بفرستید؛ چون امیدی به زندگانی نیست، به اقساط نمی‌توانم بفروشم. ثانیاً مراجعه نفرمایید و معامله را تمام نمایید. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.[۵]

روح الله الموسوی الخمینی

---

۱. ماه مبارک رمضان.

۲. آقای محمد صدوقی یزدی.

۳. آقای مهدی حائری تهرانی. در نامه‌های قبلی اشاره شده که آقای حائری تهرانی می‌خواسته خانه را برای مدرسه حقانی بخرد.

٤. آقای نصرالله خلخالی، مسئول امور مالی امام در نجف.

۵. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۰۱.

▣ نامه

زمان: ۳فروردین ۱۳۵۱/ ۷صفر ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: تأکید بر توجه بیشتر به آقای سید مرتضی پسندیده
مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

احمد عزیزم، ان‌شاءالله تعالی سلامت باشید. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم. از اینکه حضرت آقای اخوی[1] با تنهایی می‌گذرانند نگران هستم؛ نگذارید به ایشان بد بگذرد. نمی‌دانم قضیهٔ منزل[2] برای محرّم و صفر است یا امری حادث شده است. در نوشته‌های خود احتیاط کنید و امضا نکنید و شما مشغول تحصیل و تهذیب نفس باشید و دخالت در امری نکنید.[3] خدمت حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای اخوی سلام برسانید. به دخترها و مخدره اهل بیت سلام برسانید. والسلام علیکم.

خانم مهمان دارند و نمی‌رسند چیزی بنویسند. بحمدالله تعالی سالم هستند و

---

۱. آقای سید مرتضی پسندیده.

آقای سید احمد خمینی درباره پاورقیهای این نامه چنین مرقوم داشته اند:

۲. ساواک بارها منزل حضرت امام را در قم محاصره می‌کرد و ماهها و هفته‌ها از تردد افراد جلوگیری می‌کردند، ایشان سئوال کرده‌اند که آیا بعد از ماه محرم و صفر تردد آزاد می‌شود یا خیر؟ زیرا تنها اینجانب و دو نفر کارگر به نامهای مشهدی رضا و میرزا نادعلی می توانستیم تردد کنیم.

۳. امام برای اینکه اگر محتوای نامه لو رفت مسئله ای برای من به وجود نیاید، این موضوع را برای رد گم کردن می‌نوشتند و این مطلب بین من و ایشان دائماً تکرار می‌شد؛ من هم مرتباً برای ایشان می‌نوشتم که در کاری دخالت ندارم. مثلاً در همین نامه ایشان نوشته‌اند: «احتیاط کرده و نامه را امضا نکنید» که این با «دخالت نکن» در نامه‌های قبل و بعدی به هیچ وجه نمی‌سازد.

همین طور سایرین. پاکت جوف[۱] را به وسیله مطمئنی زود برسانید.[۲] ۷ صفر ۹۲

پدرت

▣ نامه

زمان: ۴فروردین ۱۳۵۱/۸صفر ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، احوالپرسی از بستگان مخاطب: مصطفوی، فریده

بسمه تعالی ۸صفر ۹۲

دختر عزیزه‌ام[۳]

خانم نه برای من مطلب گذاشته و نه جای نوشتن.[٤] ان شاءالله عید به شما و سایرین مبارک و همیشه خوش و خرّم و سلامت باشید. ماها بحمدالله تعالی مزاجاً سلامت هستیم. امید است نگرانیهای روحی هم دوام نداشته باشد. از حال خودتان زود به زود مطلعم کنید که به واسطهٔ عادتی که به دریافت کاغذ شما داریم نگران می‌شویم. خدمت جناب آقای اعرابی[٥] و خانم فرشته[٦] سلام برسانید. ان شاءالله عید به همه سعید باشد. والسلام.

پدرت[۷]

---

۱. اکثر قریب به اتفاق این نامه‌ها مسائل مربوط به مبارزه بوده است. بنده و سایرین اجازه نسخه برداری و فتوکپی از این نامه‌ها را نداشتیم؛ چون حرام بود که در پاکتها را باز کنیم؛ و متأسفانه گیرنده‌های این نامه‌ها اکثراً آنها را محو می‌کردند و یکی از باارزش ترین اسناد مبارزه درباره دوره پانزده ساله تبعید حضرت امام و کار مخفی ایشان بر روی علمای مبارز و مردم انقلابی ضد رژیم شاه از بین رفته است.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۲٦.

۳. دختر امام خمینی.

٤. معمولاً همسر امام برای فرزندانشان به طور مفصل نامه می‌نوشتند و امام نیز در قسمتی از همان کاغذ، مطلبی مرقوم می‌فرمودند.

٥. همسر خانم فریده مصطفوی.

٦. فرزند خانم فریده مصطفوی.

۷. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۲۷.

■ نامه

زمان: ۴فروردین ۱۳۵۱/۸صفر ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: ارسال عیدی برای اعضای خانواده مخاطب: خمینی، سیداحمد

۸ صفر ۹۲ بسمه تعالی

احمد عزیزم

ان شاءالله با سلامت و سعادت قرین باشید. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم. امید است به دعای آقایان گرفتاری‌ها رفع شود. برای عیدی بچه‌ها خانم هر یک ده دینار گرفته‌اند و حالا می‌گویند بنویسم به شما، به هر یک دویست تومان آنجا بدهید به جای این ده دینار. شما به هر یک از دخترها و به محترمه خانواده خودتان نفری دویست تومان یا از آقای عمو یا از آقای لواسانی[۱] بگیرید و بدهید. ان شاءالله همگی سلامت باشید و باشند. حضور محترم حضرت آقای عمو[۲] سلام برسانید. از تنهایی ایشان نگران هستم؛ ان شاءالله تعالی سلامت باشند. والسلام.

پدرت

یکصد تومان هم از طرف خانم به خازنجون[۳] بدهید.[٤]

---

۱. آقای سید احمد خمینی درباره پاورقیهای این نامه چنین مرقوم نمودند:

۱: حضرت آیت الله حاج سید محمدصادق لواسانی.

۲. حضرت آیت الله پسندیده را امام در حکم پدر خود می‌دانستند و بارها به من فرموده بودند که اگر ایشان نبود من نمی‌توانستم درس بخوانم و شدیداً به ایشان احترام می‌گذاشتند؛ به حدی که وقتی امام از پاریس آمدند آقای پسندیده در هواپیما امام را ملاقات کردند؛ وقتی خواستند از هواپیما پیاده شوند امام گفتند من جلوتر از آقای پسندیده نمی‌روم. اوضاع به هم خورد، من پیشنهاد کردم که من با آقای عمو می‌روم در سالن فرودگاه بعد برمی‌گردم با جنابعالی می‌روم که مورد قبول واقع شد.

۳. خازنجون یعنی خانم خازن الملوک مادر خانم حضرت امام که بچه‌ها به ایشان «خازنجون» می‌گفتند و به این نام هم ایشان را صدا می‌کردند.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۲۸.

◙ نامه

زمان:۱۳فروردین ۱۷/۱۳۵۱صفر۱۳۹۲
مکان:نجف
موضوع:تکذیب ارسال حواله
مخاطب:خمینی، سیداحمد

بسمه تعالی

ان شاءالله تعالی موفق و مؤید باشید. چند روز پیش نوشتم به آقای آقا رضا[۱] بگویید من حواله به شما نداده ام؛ اگر کسی حواله آورده مرقوم دارید کیست و چقدر است. خود شما هم مواظب باشید شبیه زمان سابق که جعل مهر و امضای مرجع وقت شد، تکرار نشود[۲]. امر مهم است و شما به من جواب بدهید؛ پشت گوش مثل همهٔ امور نیندازید. از سلامت خود و خانواده و حسن[۳] مرقوم دارید. به دخترها[٤] و خانم خودتان[٥] سلام برسانید. والسلام علیکم.[٦]

---

۱. پدر آقا رضا لواسانی. (ظاهراً امام بخاطر مسائل امنیتی نام آقای لواسانی را نبرده‌اند).

۲. آقای سید احمد خمینی در حاشیه مرقومه امام خمینی نوشته‌اند: «امام احتمال داده‌اند که حواله‌ای از سوی ایشان برای آیت الله لواسانی به صورت جعل امضا و مهر برده‌اند و مقداری پول گرفته‌اند؛ ایشان فوری متذکر شده‌اند که مواظب جعل امضا و مهر باشید».

۳. نوه امام، آقای سید حسن خمینی فرزند آقای سید احمد خمینی.

٤. دختران امام خمینی.

٥. خانم فاطمه طباطبایی، همسر آقای سید احمد خمینی.

٦. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۲۹.

▣ نامه

زمان: ۱۳فروردین ۱۷/۱۳۵۱صفر ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، اعلام سلامتی مخاطب: خمینی، سید احمد قم

۱۷ صفر ۹۲ بسمه تعالی

احمد عزیزم

الآن نامهٔ بی‌تاریخ شما که ظاهراً اوایل محرّم نوشته‌اید رسید. نامه‌های بعد از این نامه هم رسیده است. از سلامت شماها مسرور هستم. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم. هوا بسیار خوب است. از اینکه نوشته‌اید در هیچ امری وارد نیستید جز به تحصیل، ممنون هستم. خداوند تعالی به شما توفیق عنایت کند. حضرت آقا[1] را تنها نگذارید. البته به ایشان نباید بد بگذرد. از همه امید دعا دارم. حضور مبارک حضرت آقای عمو و به همهٔ بچه‌ها و به محترمهٔ[2] خودتان سلام برسانید. والسلام علیکم.

پدرت

خانم امروز کاهو نخورده، روزهای دیگر بحمدالله کاهو می‌خورند و حالشان خوب است.[3]

---

۱. آقای سید مرتضی پسندیده.

۲. خانم فاطمه طباطبایی.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۳۰.

▣ نامه

زمان: ۲۷فروردین ۱۳۵۱/۲ربیع الاول ۱۳۹۲ — مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، احوالپرسی از بستگان — مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

۲ ع ۱ ۹۲

احمد عزیزم

مرقوم جمع شما واصل، از اینکه دور هم جمع و بحمدالله تعالی سلامت هستید و خوش و خرّم، مسرور هستم. ان شاءالله خداوند تعالی به همه شماها سلامت و سعادت عنایت فرماید. اینجانب سلامت هستم بحمدالله تعالی ولی نگرانیهای روحی بسیار است. دعا کنید خداوند اصلاح فرماید. از سلامت خودتان و دیگران مطلعم نمایید.

نمی‌دانم درس را به کجا رساندی و حالا مشغول چه هستید. از وضع درس و مُدرّس[1] بنویسید. از خداوند تبارک و تعالی توفیق و تأیید شما را خواهانم. خدمت حضرت آقای عمّ بزرگوار[2] سلام برسانید و نگذارید به ایشان بد بگذرد. والسلام علیکم.

پدرت[3]

---

۱. آقای سید احمد خمینی در این باره چنین مرقوم داشتند:

امام روی استاد مهذب و با تزکیه اصرار فراوانی داشتند، حتی حرکات دست و سر استاد را منشأ اثر بر روی شاگرد می‌دانستند؛ چه رسد به اینکه استاد از نظر تقوا ضعیف و یا مثلاً خدای ناکرده اهل غیبت باشد.

۲. آقای سید مرتضی پسندیده.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٣١.

▣ نامه

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۱/ ۱۶ ربیع الاول ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، سفارش به ادامه تحصیل و تهذیب مخاطب: خمینی، سیداحمد

۱۶ ع ۱ ۹۲ بسمه تعالی

پسر عزیزم

ان شاءالله تعالی سلامت باشید و خوش و خرم، و اشتغال به تحصیل و تهذیب اخلاق داشته باشید. از درس خودت و معلم و استاد و مربی بنویسید. از عمّ محترم[۱] غفلت نکنید، نگذارید تنها بمانند. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم. امید است شماها هم سلامت و خوش باشید. والسلام.

پدرت[۲]

▣ نامه

زمان: ۳۱ مرداد ۱۳۵۱/ ۱۲ رجب ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، احوالپرسی و اعلام سلامتی مخاطب: مصطفوی، فریده[۳]

۱۲ رجب ۹۲ بسمه تعالی

دختر عزیزم

مرقوم شریف واصل، از سلامت شما و دیگران مسرور شدم و از اینکه یادی از پدر پیر کردید متشکرم. امید است شماها همه خوش و خرّم باشید. از خانم[٤] غیر از تلگراف چیزی نرسیده، لابد اشتغال به خوشیها مانع است. داداش[٥] اول رجب آمدند کربلا، حالشان خوب است. بحمدالله من هم حالم مزاجاً بحمدالله سلامت

---

۱. آقای سید مرتضی پسندیده.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۳۲.

۳. دختر امام خمینی.

٤. همسر امام خمینی؛ که در زمان نگارش نامه فوق برای دیدار از فرزندان و بستگانشان به ایران آمده بود.

٥. آقای سید مصطفی خمینی.

است. امروز خیال رفتن به کربلا برای زیارت نیمهٔ رجب داریم. در همه جا به همهٔ شماها دعا می‌کنم و زیارت می‌نمایم. به خانم و تمام حول و حواشی سلام برسانید. خدمت آقای اعرابی[1] و فرشتهٔ[2] عزیزم سلام برسانید. از خداوند تعالی سلامت همه را خواهانم. والسلام علیک.
پدرت[3]

▣ نامه

زمان: ۵شهریور ۱۳۵۱/۱۷رجب ۱۳۹۲
مکان: نجف
موضوع: خانوادگی
مخاطب: ثقفی، خدیجه[4] تهران

۱۷ رجب ۹۲ بسمه تعالی

مخدرهٔ محترمهٔ عزیزه

مرقوم اول شما وقتی عازم کربلا بودم رسید. مرقوم دوم امروز واصل شد. دیشب از کربلا مراجعت نمودیم. من و مصطفی رفتیم. صغری[5] مریض بود، دیگران نیامدند. حالا خوب شده است لکن بسیار ضعف دارد. دیگران همه بحمدالله سلامت هستیم.

شما که رفتید هوا گرم شد؛ یک شب هم پایین آمدم ولی عجالتاً بد نیست و راحت هستیم. مصطفی برای اول ماه آمدند و حالشان خوب است. قبل از نامهٔ شما،

---

۱. داماد امام خمینی، همسر خانم فریده مصطفوی.

۲. نوه امام خمینی.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٤٣.

٤. همسر امام خمینی. آقای سید احمد خمینی در این باره نوشته‌اند:

«این نامه به مادرم است که به ایران آمده اند. هر دو سه سال یکبار مادرم برای دیدار بچه‌ها و فامیل به مدت دو سه ماه به ایران می‌آمدند».

۵. مستخدمه منزل آقای سید مصطفی خمینی.

نامه ای از فریده[۱] جان آمد و جواب دادم، ان شاءالله رسیده است. از قبل شماها همگی در کربلا و نجف زیارت می‌کنم و به همه دعا می‌کنم. خداوند تعالی همه را سالم و سعید قرار دهد. مصطفی شبها مرتباً اینجاست و روزها گاهی حسین می‌آید؛ امروز حسین و مریم[۲] آمدند. دیشب هم همگی اینجا بودند، چون از کربلا آمده بودیم. جای شما خالی است.

اقلیما[۳] پس از سلام می‌گوید شما زودتر بیایید که خیلی نبودن شما به ما اثر می‌گذارد؛ و می‌گوید شما مبلغ یکصد تومان از احمد بگیرید و بدهید دخترم. شما مطلب اقلیما را عمل کنید یعنی هر دو مطلب را.[۴] اقلیم می‌گوید: «امانتیها را که به وسیلهٔ پسر آقای حاج شیخ عبدالعلی[۵] فرستادم، دخترم نوشته نرسیده است. شما تحقیق کنید که رسیده است یا گم شده».

به بچه‌ها سلام برسانید. به احمد و محترمهٔ ایشان[۶] هم. احمد نوشته بود: «بچه

---

۱. خانم فریده مصطفوی یکی از دختران امام خمینی.

۲. فرزندان آقای سید مصطفی خمینی.

۳. از مستخدمین بیت امام خمینی در نجف.

٤. آقای سید احمد خمینی درباره این بخش از نامه امام خمینی در حاشیه نامه توضیح داده است: «امام از قول کارگر منزل که نامش اقلیماست از خانم می‌خواهند که زودتر بیایند، که اگر از قول خودشان بگویند ممکن است ایشان تحت فشار روحی قرار گیرند ولی بالأخره دلشان طاقت نمی‌آورد و در پایین می‌گویند که شما به حرف اقلیما گوش دهید!».

٥. بنا به نوشته آقای سید احمد خمینی در حاشیه نامه: «حاج شیخ عبدالعلی قرهی رئیس دفتر امام در آن سالها بود. در ذهنم هست که ایشان دو سه سال آخر در قم بودند، و آقای رضوانی (شورای نگهبان) رئیس دفتر امام در نجف شد».

٦. خانم فاطمه طباطبایی، همسر آقای سید احمد خمینی.

بی‌نهایت بدگل است،[۱] شما هم نوشته بودید شبیه احمد است. جای دوری نرفته [!] لکن در نامهٔ دوم بود که به فامیل مادر رفته است؛ موجب خوشوقتی است. از سلامت خودتان و سایرین مسرورم کنید. والسلام علیک.

پدر بچه‌ها[۲]

▣ نامه

زمان: ۱۳شهریور ۲۵/۱۳۵۱رجب ۱۳۹۲ مکان: نجف
مخاطب: ثقفی، خدیجه[۳] تهران

بسمه تعالی

خانم محترمهٔ معظمه، مرقوم سوم شما واصل شد. در جواب دو مرقوم، چند روز قبل مصدع شدم؛ اینک جواب سوم: اولاً کلمه‌ای که راجع به فریده[٤] نوشته بودید که برای مختصر گرفتگی روحی صلاح دیدند او را به مشهد ببرم، اینجانب را مضطرب کرد. علاوه بر اینکه با نوشتن کاغذ از تهران و همراه بودن فریده، یک کلمه او ننوشته؛ علاوه اسمی از فرشته[۵] نبود و به نظر آمد که فرشته همراه نیست. اینها مرا مشوش کرده. فوری از سلامت او، یا اگر دلتنگی خانوادگی دارند، مطلعم کنید. امید است دومی باشد که سهل است. ثانیاً از عمل مینو[٦] خانم به طور اجمال نوشته اید؛ نمی‌دانم چه عملی بوده، ان شاءالله تعالی با سلامت گذشته است. ثالثاً هیچ وقت به طور سربسته و اجمال چیزی ننویسید که موجب اضطراب ما شود. رابعاً سفر مشهد ان شاءالله به خیر بوده و زیارت شما قبول. مصطفی برای اول رجب آمدند کربلا. کاغذ

---

۱. آقای سید حسن خمینی.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٤٤ تا ٤٤٥.

۳. همسر امام خمینی.

٤. خانم فریده مصطفوی، فرزند امام خمینی.

۵. فرزند خانم فریده مصطفوی.

٦. خواهر همسر امام خمینی.

هم این چند روز به شما نوشته‌اند. ماها همه بحمدالله تعالی سلامت هستیم، فقط صغری[۱] ضعف زیاد دارد و رو به بهبودی است. اقلیما و مشهدی حسین [۲] سلام دارند. به عموم بستگان خصوصاً دخترها سلام برسانید. از حال خازنجون [۳] هم مطلعم کنید. از شما امید دعا دارم. هوای اینجا رو به خوبی است؛ شبها تقریباً خوب است. سلام بر همهٔ شماها. ۲۵ رجب ۹۲[٤]

▣ نامه

زمان: ۲۰شهریور ۱۳۵۱/ ۲شعبان ۱۳۹۲ مکان:نجف
موضوع:نامگذاری‌نوزاد مخاطب:خمینی،سیداحمد

۲ تقویمی شعبان ۹۲ بسمه تعالی

احمد عزیزم

مرقوم شما با امانتی[۵] واصل شد. ان شاءالله تعالی موفق و مؤید باشید و اشتغال به تحصیل و تهذیب نفس مستدام باشد. اینجانب بحمدالله سلامت هستم. چند روز قبل جواب مرقوم حضرت آقای عمّ محترم[٦] را داده‌ام؛ امید است واصل شده باشد.

شنیدم اسم بچه[۷] را «یاسر» گذاشته‌اید؛ انتخاب خوبی نبوده و موجب

---

۱. مستخدم بیت آقای سید مصطفی خمینی.

۲. از مستخدمین بیت امام خمینی.

۳. خانم خازن الملوک، مادر همسر امام خمینی.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٤۷.

۵. آقای سید احمد خمینی درباره پاورقیهای این نامه چنین نوشته است:
امانتی اکثراً اعلامیه‌ها و کارهای مبارزاتی انجام شده بود که جاسازی می‌کردم و برای امام می‌فرستادم.

٦. حضرت آیت الله پسندیده.

۷. امام فکر می‌کردند که من نام یاسر را به خاطر یاسر عرفات گذاشته ام! در صورتی که آن موقع اسم یاسر «پدر عمار» و میثم و از این قبیل اسمهای انقلابیون صدر اسلام مرسوم بود و در ایران می‌گذاشتند. با این وضع اسم پسرم

حرفهایی هم می‌شود. یکی از حقوقی که فرزند به پدر دارد این است که اسم خوب برای او بگذارد؛ اسم غیر متعارفی که هرکس بشنود چیزی بگوید یا گفته شود تحت تأثیر چه و چه واقع شده است، خلاف عقل است؛ مع ذلک خود دانید. آقای اخوی[۱] و بستگانش سلامتند. ایشان شبها پیش من هستند؛ یعنی تا بعد از شام. هوای اینجا از شدت افتاده است و شبها خوب است. والسلام علیکم. پدرت

حضور مبارک حضرت آقا[۲] سلام برسانید. مخدرهٔ محترمه را سلام می‌رساند.[۳]

■ **نامه**

زمان: ۲۰شهریور ۱۳۵۱/ ۲شعبان ۱۳۹۲ — مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، احوالپرسی از بستگان — مخاطب: مصطفوی، فریده

۲ تقویمی شعبان ۹۲ — بسمه تعالی

فریدهٔ عزیزه‌ام[٤]

از قراری که خانم[٥] نوشته بودند ایشان برای خاطر شما خیال مشهد دارند. و از قراری که شما در همان تاریخ نوشته اید، ایشان تهران و شما قم هستید. از نوشتهٔ خانم که «فریده چون دلتنگ هستند می‌خواهم ببرمش مشهد» به قدری نگران شدم که خدا می‌داند. بحمدالله کاغذ امروز قدری موجب رفع آن شد. بزودی از حال خودتان و اینکه مسئلهٔ نگرانی شما چه بوده، کسالت داشتید یا چیز دیگر، بنویسید. خداوند عالَم، شما نور چشمان عزیز را برای من حفظ کند. خدمت جناب آقای اعرابی[٦] و

را حسن گذاشتم که فعلاً در قم مشغول تحصیل علوم اسلامی است.

۱. اخوی، مرحوم داداش «آقای سید مصطفی خمینی».

۲. آیت الله پسندیده.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٥۳.

٤. دختر امام خمینی.

٥. همسر امام خمینی در این زمان برای دیدار از فرزندان و بستگانش در ایران بوده است.

٦. آقای محمد حسن اعرابی، داماد امام خمینی.

فرشتهٔ محترمه سلام می‌رساند. من هر وقت حرم مشرف شوم به همهٔ شماها دعا و از طرف همه سلام عرض می‌کنم. والسلام علیکم. پدرت

قبل از نیمهٔ رجب مرقومی از شما رسید و جواب دادم. جواب مرقوم خانم را هم پس از نیمه داده ام؛ امید است رسیده باشد. [روی پاکت:] به فریدهٔ عزیزه برسد. اقلیما[1] سلام می‌رساند.[2]

▣ نامه

زمان: شهریور ۱۳۵۱/شعبان ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی مخاطب: مصطفوی، صدیقه ـ فریده[3]

بسمه تعالی

قربان صدیقه و فریده

مرقوم شما از مشهد مقدس رسید. سلامت همگی را خواستارم. ان شاءالله خود و متعلقان سلامت و سعادتمند باشید. خانم[4] را زودتر روانه کنید، دیدار شما کافی است، ما هم حقی داریم. از سلامت خودتان مطلعم کنید. از فهیمه[5] چند وقت است اطلاع ندارم، بگویید از سلامتش مطلعم کند. سلام اینجانب را به آقای اشراقی و آقای اعرابی ابلاغ کنید. والسلام علیکم.

خانم فرشته[6] و نور چشمان را دعاگویم. پدرتان[7]

---

۱. مستخدم بیت امام خمینی.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٥٤.

۳. دختران امام خمینی.

٤. همسر امام خمینی، که در این زمان برای دیدار فرزندان و بستگانش از نجف به ایران آمده بود.

۵. خانم زهرا «فهیمه» مصطفوی، دختر امام خمینی.

٦. فرزند آقای اعرابی و خانم فریده مصطفوی.

۷. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٥٥.

▣ نامه

زمان: ۶مهر ۱۳۵۱/۱۹شعبان ۱۳۹۲
مکان: نجف‌اشرف
موضوع: خانوادگی
مخاطب: ثقفی، خدیجه قم[۱]

۱۹ شعبان ۹۲ بسمه تعالی

خانم محترمه!

مرقوم شریف از مشهد مقدس واصل شد. از سلامت شما و خانمهای دیگر مسرور شدم.[۲] لابد تاکنون به قم آمده اید. مرقوم شده بود از من کاغذ ندارید. تمام مرقومات شما را جواب داده‌ام به وسیلهٔ آقای اعرابی،[۳] و به پست داده‌ام. ان شاءالله تعالی تا رسیدن این کاغذ کارهای برگشتن تمام شده است. از سلامت خودتان مطلعم کنید. به همهٔ دخترها سلام برسانید. برای همهٔ شماها در زیارت کربلا و نجف زیارت می‌کنم و به همه دعا می‌کنم. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم. مصطفی شبها و حسین[٤] ناهارها اینجاست، و گاهی مریم[٥]؛ جمعه هم، همگی. والسلام علیکم.[٦]

---

۱. همسر امام خمینی.

۲. در این ایام همسر امام خمینی برای دیدار بستگانش به ایران آمده بود و همراه با دختران و بستگان به مشهد رفته بود.

۳. داماد امام خمینی.

٤. آقای سید حسین خمینی «نوه امام خمینی».

٥. دختر آقای سید مصطفی خمینی.

٦. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٥٦.

◙ **نامه**

زمان: ۶مهر ۱۹/۱۳۵۱شعبان ۱۳۹۲ **مکان: نجف‌اشرف**
موضوع: خانوادگی **مخاطب: خمینی، سیداحمد**

۱۹ شعبان ۹۲ بسمه تعالی

احمد عزیزم

مرقوم شریف بی‌تاریخ واصل، نمی‌دانم چرا تاریخ نمی‌گذاری؟[1] امید است ان شاءالله سلامت باشید و خود و متعلقان سعید و خوش باشید. ماها بحمدالله سلامت هستیم. کسالت قلب چیزی مهم نبود و الآن اثری از آن نیست. از سلامت خودتان‌خبرم نگذارید. خدمت حضرت عمّ بزرگوار[2] سلام برسانید و نگذارید به ایشان بد بگذرد. خانم[3] را زودتر روانه کنید. به همه قوم و خویشان سلام برسانید.

والسلام علیکم. پدرت[4]

---

۱. یادگار امام در این باره نوشته است: احتمالاً تاریخ نگذاشتن اینجانب (احمد خمینی) بدین جهت بوده است که اگر محتوای نامه فاش می‌شد تاریخ نامه درجرم اثر داشت، یعنی جدید باشد یا قدیم (مرتب از طرف ساواک به ما گوشزد می‌کردند که اگر تکان بخورید دستگیر می‌شوید و من لابد می‌خواستم بگویم این مطلب قبل از تذکر بوده است).

۲. آقای سید مرتضی پسندیده.

۳. همسر امام خمینی.

٤. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٥٧.

▣ نامه

زمان: ۱۵مهر ۱۳۵۱/۲۸شعبان ۱۳۹۲ مکان: نجف‌اشرف
موضوع: خانوادگی مخاطب: ثقفی، خدیجه[۱]

۲۸ شعبان ۹۲ بسمه تعالی

خانم محترمه عزیزه‌ام

تاکنون چند کاغذ فرستاده‌ام، نمی‌دانم رسیده است یا نـه. از شـما بـه وسیلهٔ فریده[۲] اطلاع پیدا کردم. مرقوم مشهد واصل شد. از تهران اطلاعی ندارم. امید است همیشه خوش و خرم و مشغول دیدار خویشاوندان باشید، اگر چـه مـا را فـراموش نمایید. وعدهٔ مراجعت نزدیک است، و ما هم از نبودن شما خسته شدیم. حال هـمه بحمدالله تعالی خوب است، فقط حسین[۳] قریب ده روز پیش از این مبتلا به آپاندیس شد و در مستشفی[٤] نجف عمل شد و حالش خوب است، و بخیه‌ها را کشیده‌اند. بقیه هم سالم هستند. من کسالتهای جزئی گاهی پیدا کردم و خوب شدم.

خدمت همهٔ مخدَّرات خصوصاً خانم[٥] سلام مـی‌رساند. خـدمت حـضرت حجت الاسـلام و المسـلمین آقـای ثـقفی[٦] و جـناب آقـای حـاج حسـن[۷] سـلام می‌رسانم. والسلام علیکم. پدر فرزندانت[۸]

---

۱. همسر امام خمینی.

۲. یکی از دختران امام خمینی

۳. آقای سید حسین خمینی، نوه امام «فرزند آقای سید مصطفی خمینی».

٤. بیمارستان.

٥. خانم خازن الملوک، مادر همسر امام.

٦. آقای ثقفی، پدر همسر امام.

۷. آقای حسن ثقفی، برادر همسر امام خمینی.

۸. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٥۸.

▣ نامه

زمان: ۲۹مهر ۱۳/۱۳۵۱رمضان۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی مخاطب: مصطفوی، فریده

بسمه تعالی

دختر مهربانم

مرقوم شما پس از مدتها بی‌خبری و انتظار و نگرانی رسید و ما را مسرور کرد. غیر از شما دیگران ما را فراموش کرده‌اند؛ خصوصاً خانم که سرگرم به دید و بازدید و تفریح است.[1] ان شاءالله همه سالم باشید و خوش و خرّم. ماها بحمدالله سلامت هستیم. حسین که عمل کرده بود از بیمارستان بیرون آمده و حالش خوب است. هوای اینجا نسبتاً خوب است، ولی باز پنکه‌ها و کولرهای حرم و بسیار از جاهای دیگر در کار است و من تا دیشب پشت بام می‌خوابیدم، امشب در ایوان می‌خواهم بخوابم، از روی احتیاط.

از صدیقه[2] که هیچ، از فهیمه[3] هم مدتی است کاغذ ندارم. ان شاءالله تعالی سالم باشند. مدت سفر خانم سرآمد و تقریباً سه ماه تمام شد، زودتر روانه کنیدشان. به همه سلام برسانید. از احمد هم هیچ خبری مستقیماً ندارم، و همین طور از آقای عمو؛[4] خدمت ایشان و خدمت جناب آقای اعرابی[5] و خانم فرشته[6] سلام برسانید.

---

۱. همسر امام خمینی که برای دیدار از فرزندان و بستگانشان از نجف به ایران آمده بود.

۲. دختر امام خمینی.

۳. دختر امام خمینی.

٤. آقای سید مرتضی پسندیده.

۵. آقای محمد حسن اعرابی، داماد امام.

٦. نوه امام.

امید است ان شاءالله همه موفق به روزه بشوید. از همه امید دعا دارم. اینجا ماه، دوشنبه ثابت نشد؛ قم دیده شده است یا نه؟ والسلام. ۱۳ شهر صیام ۹۲

پدرت[۱]

▣ نامه

زمان: ۲آبان ۱۳۵۱/ ۱۶رمضان ۱۳۹۲ مکان: نجف
مخاطب: ثقفی، خدیجه قم[۲]

شب ۱۶ شهر رمضان ۹۲ بسمه تعالی

خانم محترمه!

مرقوم مورخ ۱۲ شعبان و مرقوم مورخ ۲۸ شعبان با هم واصل شد. از سلامت شما و دیگران خوشوقت شدم. مدتی بود هیچ اطلاعی از شماها نداشتم تا کاغذ فریده[۳] که چند روز پیش رسید، امروز نیز مرقوم شما و صدیقه و فهیمه[٤] و احمد هم واصل شد. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم. حسین هم حالش خوب شد و از بیمارستان بیرون آمد. از آشتی آقا و خانم[٥] خوشوقت شدم. واقعاً مژده خوبی بود. به هر دو سلام برسانید و تبریک از قبل من بگویید. ما عجالتاً در انتظار شما به سر می‌بریم. از قراری که آقای آقا سید علی خلخالی[٦] گفته‌اند بهتر آن است که با هواپیمای روز شنبه که می‌رود کویت و از آنجا به بغداد می‌آید و معطلی ندارد بیایید. هواپیماهای دیگر معطلی دارد و صحیح نیست شما در کویت یا شام و بیروت

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٦٣.

۲. همسر امام خمینی.

۳. دختر امام خمینی.

٤. دختران امام خمینی.

٥. آقای ثقفی و همسرشان خانم خازن الملوک.

٦. سید علی خلخالی فرزند آقای نصرالله خلخالی.

بی‌جهت معطل شوید. من این نامه را به تهران می‌فرستم؛ به حسب قاعده تا رسید آن شما تهران هستید. راجع به مطلبی که مربوط به آقای پسندیده است شاید به ایشان بنویسم. والسلام علیک. پدر اولاد شما[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۳ آبان ۱۳۵۱ / شب ۷ شوال ۱۳۹۲
مکان: نجف اشرف
مخاطب: مصطفوی، فریده[۲] قم

بسمه تعالی

دختر عزیزه ام، دیروز دو نامه از شما واصل، یکی تاریخ ۱۳ و دیگری تاریخ ۲۲ شهر رمضان. از سلامت شما بسیار خوشوقت شدم. از خداوند متعال خواستارم که همیشه خودتان و هر کس به شما بستگی دارد سلامت و سعادتمند باشند. از خبر آقای اعرابی و آقای اشراقی خوشوقت شدم. معلوم می‌شود امسال ان شاءالله سال آشتی کنان است [!] چون از قرار معلوم، خازنجون[۳] هم با آقای آقابزرگ آشتی کردند. از آن هم خوشوقت شدم. امید است آقای عمو هم با خانمشان صلح کنند. صلح و صفا از نعمتهای بزرگ الهی است که شاید عوض نداشته باشد. امید است آقای اشراقی با اینجانب هم صلح کنند که موجب راحتی روح من در این آخر عمر شود. سلام خدمت آقای اعرابی و آقای اشراقی و خانم فرشته[٤] برسانید. از صدیقهٔ[٥] عزیزه ام هم کاغذی داشتم جواب نوشتم؛ ان شاءالله رسیده است. از خانم[٦] مدتی

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٦٥.

۲. دختر امام خمینی.

۳. خانم خازن الملوک، مادر همسر امام خمینی است.

٤. نوه امام خمینی.

٥. دختر امام خمینی.

٦. همسر امام خمینی، که در این زمان برای دیدار فرزندان و بستگانش از نجف به ایران آمده بود.

است کاغذ ندارم. خبر سلامتش را به واسطه می‌شنوم. لابد زیادی دید و بازدید موجب فراموشی شده است. به همهٔ خانمها سلام برسانید. به احمد[۱] بگویید یک عکس از خودش و بچه‌اش بفرستد. اقلیما[۲] سلام می‌رساند. والسلام علیک.

شب ۷ شوال ۹۲

پدرت[۳]

▣ نامه

زمان: ۲آذر ۱۳۵۱/۱۶شوال ۱۳۹۲ **مکان: نجف**

موضوع: خانوادگی، توصیهٔ درسی **مخاطب: خمینی، سیداحمد**

۱۶ شوال ۹۲ بسمه تعالی

احمد عزیزم!

مرقوم مورخ عید فطر واصل، از سلامت شما و سایرین مسرور هستم. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواهانم. خوب است در خلال اشتغال به مکاسب و کفایه به درسهای خارج بروید. برای انتخاب یکی از آنها هر کدام به فهم شما نزدیکتر است انتخاب کنید. خدمت حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای عمّ بزرگوار[٤] دامت برکاته سلام برسانید. اینجانب و سایرین بحمدالله تعالی سلامت هستیم. حسین بکلی سالم[٥] و مدرسه می‌رود. پاکت جوف را به وسیلهٔ مطمئنی برسانید به آقای لواسانی.[٦] از خداوند متعال توفیق شما را برای تحصیل و تهذیب

---

۱. آقای سید احمد خمینی.

۲. مستخدم بیت امام در نجف.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٦٧.

٤. آقای سید مرتضی پسندیده.

٥. فرزند آقای سید مصطفی خمینی. اشاره امام خمینی در نامه مربوط به عمل موفقیت آمیز آقای سید حسین خمینی بعد از عمل جراحی آپاندیس است.

٦. آقای سید محمد صادق لواسانی، وکیل تام الاختیار امام در تهران.

خواستارم. والسلام علیک. اسم نور چشم عزیزم[1] را بگذارید و سجلّ موافق واقع برای او بگیرید و به خانم والدهٔ محترمه‌اش[2] سلام برسانید.

پدرت[3]

▣ نامه

زمان: ۹آذر ۱۳۵۱/ ۲۳شوال ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی مخاطب: مصطفوی، فریده

۲۳ شهر شوال ۹۲ بسمه تعالی

فریده عزیزه، دختر مهربانم

مرقوم شریف واصل شد. از سلامت شماها خرسند شدم. امید است همیشه خوش و خرّم باشید. ماها بحمد الله تعالی سالم هستیم و انتظار داریم خانم[4] بیایند. نمی‌دانم عاقبت به ایشان اجازه خروج می‌دهند یا نه؛ با خداوند تعالی است. از سلامت ایشان و خودتان مطلعم نمایید.

خدمت جناب آقای اعرابی و نور چشم مکرّم، فرشته خانم سلام برسانید. هوای اینجا بهاری بلکه بهتر از بهار است. الآن باران می‌آید. جای شما خالی است. ان شاءالله تعالی خداوند وسیله آمدنتان را فراهم کند که در این آخر عمر شماها را ببینم. به صدیقه عزیزه ام و احمد عزیزم سلام برسانید. ان شاءالله تعالی سلامت و خوش باشند.

والسلام علیکِ

پدرت[5]

---

۱. اولین فرزند آقای سید احمد خمینی [: حسن] .

۲. خانم فاطمه طباطبایی.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٦٩.

٤. همسر امام خمینی ؛که برای دیدار از فرزندان و بستگان از نجف به ایران آمده بود.

٥. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٧١.

▣ نامه

زمان: ۲۲آذر ۱۳۵۱/ ۶ذی‌القعده ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: نامگذاری فرزند مخاطب: خمینی، سید احمد

۶ ذی القعده ۹۲

پسر عزیزم

ان شاءالله تعالی با سلامت و سعادت به سر برید. ماها بحمدالله تعالی سلامت و از آمدن خانم خوشحال؛ امید است روزی هم همه با هم باشیم. از سلامت خودتان مطلعم نمایید. ان شاءالله حالا درس خارج رفته اید. درسها را بروید و هر کدام به فهم شما نزدیک است انتخاب نمایید. راجع به اسم بچه[1] من نمی‌دانم شما چه وسواسی دارید؛ یک اسم اختیار کنید. البته اسماء دور از اذهان نباشد. «حسن» بسیار خوب است، اگر مایل باشید. در هر صورت اسم را بگذارید و هر نحو شما و اهل منزل انتخاب کنید ما هم قبول داریم. خدمت ایشان[2] هم سلام برسان. نور چشم را می‌بوسم. والسلام.

پدرت[3]

---

۱. نخستین فرزند آقای سید احمد خمینی.

۲. خانم فاطمه طباطبایی.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٧٢.

◙ نامه

زمان: ۱۵فروردین ۲۹/۱۳۵۲صفر۱۳۹۳ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی و امور مربوط به وجوه شرعی مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

۲۹ صفر ۹۳ احمد عزیز[۱]

مرقوم مورخ ۱۰ صفر واصل، سلامت و سعادت شما را خواهانم.

۱ـ پاکت جوف را خودتان ببرید منزل آقای زنجانی[۲] و مبلغ سه هزار تومان از حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای عمّ بزرگوار[۳] بگیرید و ببرید برای ایشان.

۲ـ مبلغ یک هزار تومان فرستادم برای عیدی شما و خانم محترمه و سه دختر،[٤] هر یک دویست تومان.

۳ـ از قرار بعض مرقومات تهران، آقای تهرانی[۵] به بعض مؤسسات از قبیل مدرسهٔ علوی وجوه فراوانی اجازه می‌دهند؛ به ایشان تذکر دهید که این نحو مؤسسات محتاج به وجوه شما نیستند و در اجازه احتیاط نمایید.

۴ـ مانع ندارد به مشهدی رضا پانصد و به مشهدی نادعلی[٦] چهارصد داده شود. پاکات[۷] جوف را به وسیلهٔ مطمئنی برسانید. از خداوند توفیق شما را برای تحصیل علوم دینیه و تهذیب اخلاق و اعراض از دنیا خواستارم. والسلام‌علیکم.

پدرت[۸]

---

۱. یادگار امام درباره پاورقیهای، این نامه چنین نوشته است:

۲. آیت الله حاج سید احمد زنجانی رحمة الله علیه از دوستان بسیار صمیمی حضرت امام بودند.

۳. حضرت آیت الله سید مرتضی پسندیده.

٤. منظور، خواهران گرامی مخاطب است.

۵. آیت الله شیخ محمد صادق تهرانی وکیل حضرت امام که بعد از گذشت مدتی از وکالت، ایشان را تبعید کردند.

٦. مشهدی رضا و نادعلی هر دو از خدمتگزاران بیت امام در قم هستند که ماهانه دویست و پنجاه تومان حقوق می‌گرفتند و بعد از اجازه اینجانب «احمد خمینی» از امام، معظمٌ له حقوقشان را مقداری اضافه کردند.

۷. نامه‌هایی بوده است که امام خمینی دستورات مختلفی، چه در مورد مبارزات و چه در امور شرعیه، فرستادند.

۸. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۹۳.

■ نامه

زمان: ۱۱ اسفند ۱۳۵۲/ ۷صفر ۱۳۹۸ مکان: نجف
موضوع: سفارش به ساختن منزل برای طلبه‌ها مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

پسرم، ان شاءالله تعالی سلامت باشید. چند روز پیش توسط آقای سلطانی[۱] کاغذی نوشتم. اینک به احتمال نرسیدن آن، تجدید مطلب می‌کنم. به آقا[۲] دامت برکاته پس از سلام عرض کنید خوب است برای طلبه‌ها منزل درست کنند، منتها بتدریج و بی‌اسم و بی‌سر و صدا؛ یعنی ده تا ده تا درست شود، البته با تعجیل، و راجع به مخارج آن، اینجانب از قم و آنچه وسیلهٔ آقای عبدالله اسلامی از تهران است چیزی نمی‌خواهم بلکه در صورت اقدام و لزوم به وکلای تهران می‌گویم بدهند. من عجالتاً تا مدتی مَدید احتیاجم کُمَک است و متفرقات می‌رسد. اگر بنا شد اقدام شود هر چه زودتر باشد و اینجانب را مطلع کنید. و در این امر اگر بشود آقای حاج آقا محمود طباطبایی قمی، آقای نیلچی، آقای معمار، آقای حاج سید جعفر یزدی و اشخاصی از این قبیل را دخالت دهید؛ بلکه اگر صلاح دیدید و موافقت کردند آقای حائری

[۳] در این امر دخالت کنند و مستقیماً از طرف ایشان اقدام شود، شاید بهتر باشد. در هر حال، امر با خود آقاست که با مشورت، هر طور صلاح دیدند، اقدام نمایند. گمان ندارم در خرجش اشکالی پیدا شود. والسلام علیکم.

پدرت[٤]

---

۱. آقای سید محمدباقر طباطبایی سلطانی، پدر همسر آقای سید احمد خمینی.

۲. آقای سید مرتضی پسندیده.

۳. آقای مرتضی حائری یزدی، فرزند مؤسس حوزه علمیه قم.

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ٢٤.

◙ نامه

زمان: ۱۵اردیبهشت ۱۲/۱۳۵۳ ربیع‌الثانی ۱۳۹۴ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی اعلام سلامتی مخاطب: مصطفوی، فریده[۱]

۱۲ ع ۲ ۹۴ بسمه تعالی

دخترم، عزیزم

نامۀ مبارک زیارت شد. سلامت و سعادت شما و سایرین را خواهانم. ماها مزاجاً سلامت هستیم لکن نگرانیها فراوان است، دعاکنید ختم به خیر شود. ما تاکنون پشت بام نرفته ایم، اگر چه مقتضی است لکن خانم نمی‌گذارد، یا از تنبلی یا از ترس سرما خوردن؛ ما هم باید بسوزیم و بسازیم. خدمت جناب آقای اعرابی[۲] و خانم عزیزم فرشته[۳] سلام برسانید. از همه امید دعای خیر دارم.

والسلام علیک. پدرت[٤]

◙ نامه

زمان: ۱خرداد ۲۹/۱۳۵۳ ربیع‌الثانی ۱۳۹۴ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی اعلام سلامتی مخاطب: مصطفوی، زهرا (فهیمه)

بسمه تعالی ۲۹ ع ۲ ۹۴

دخترم، عزیزم

مرقوم شما واصل، سلامت و سعادت خانوادۀ محترمه را از خداوند تعالی خواهانم. ماها بحمدالله مزاجاً سلامت هستیم؛ لکن اوضاع اینجا خیلی موجب ناراحتی است و بالأخره تکلیف ماها به هیچ وجه معلوم نیست مگر آنکه خداوند

---

۱. دختر امام خمینی.
۲. آقای محمد حسن اعرابی، داماد امام.
۳. نوه دختری امام خمینی.
٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰.

تعالی اصلاح فرماید. از شماها امید دعا دارم. خدمت جناب آقای بروجردی[۱] سلام برسانید. ان شاءالله تعالی حالشان خوب شده است. نور چشمان را دعا می‌کنم. ان شاءالله همه سالم و خوش باشید. والسلام علیک.

پدرت[۲]

■ نامه

زمان: خرداد ۱۳۵۳ / جمادی‌الاول ۱۳۹۴ مکان: نجف
مناسبت: خانوادگی مخاطب: مصطفوی، فریده

فریدهٔ عزیزم بسمه تعالی

نامهٔ شما واصل، از سلامت شما خوشوقت شدم. قبلاً جواب نامهٔ شما را داده‌ام و تبریک امر خیر را گفته‌ام.[۳] امید است خداوند تعالی برای آنها سعادت و سلامت و خیر مقدر فرماید. مورد بسیار خوب است؛ لابد خود جوان را هم تحقیق کرده‌اند. به جناب آقای اعرابی[٤] سلام برسانید و از قول من تبریک بگویید. فرشته خانم را سلام می‌رسانم و سلامت و سعادتش را خواهانم. ماها تازه نداریم؛ همه سلامت هستیم. از قراری که شنیده شده است دکتر مدرسی[٥] فوت شده است، آیا صحیح است یا ان شاء الله دروغ؟ والسلام.

پدرت[٦]

---

۱. آقای محمود بروجردی، داماد امام.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۳.

۳. ازدواج خانم فرشته اعرابی (نوه امام خمینی).

٤. آقای محمد حسن اعرابی، داماد امام.

٥. از پزشکان معروف قم.

٦. صحیفه امام، ج ۳، ص ٣٤.

▣ نامه

زمان: ۲۱ تیر ۱۳۵۳ / ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۹۴ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی مخاطب: ثقفی، خدیجه

بسمه تعالی

خانم محترمه

مرقوم شما پس از مدتها انتظار واصل شد.[۱] مثل اینکه شما از نجف که خارج شدید دیگر از فکر ماها بیرون رفتید و خیال نکردید از دیر آمدن کاغذ، ما نگران می‌شویم. در هر حال ان شاءالله تعالی خوش و سالم باشید. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم و می‌گذرانیم، به همان نحو که دیدید، هوای اینجا مختلف است ولی روی هم رفته خوب است. از سلامت خودتان ولو به دو کلمه ما را در هر هفته یا لااقل در هر دو هفته مطلع کنید. اینجا تازه‌ای نیست؛ همان مسائل است که موجب نگرانی است، و باز معلوم نیست چه شود. ان‌شاءالله خداوند اصلاح کند.

به همهٔ اقوام و بستگان سلام برسانید، خصوصاً صدیقه[۲] و فاطی خانم.[۳] حسن[٤] را می‌بوسم. شما بدانید که اگر از وقت رجوع بگذرد معلوم نیست ما بتوانیم تقاضا کنیم و آنها بدهند. حتماً تعجیل کنید که وقت نگذرد. به حرف هیچ کس گوش ندهید و الّا در ایران ماندنی خواهید شد. ۲۱ ج ۲ ۹۴ خودم

اقلیم[۵] به شما و فریده[٦] سلام می‌رساند. از وقتی شما رفتید حالش خوب است.[۷]

---

۱. همسر امام خمینی در دوران اقامت در نجف هر دو سه سال یک بار، برای یکی دو ماه به منظور دیدار از فرزندان و بستگانشان به ایران می‌آمد.

۲. از دختران امام خمینی.

۳. خانم فاطمه طباطبایی، همسر آقای سید احمد خمینی.

٤. آقای سید حسن خمینی، فرزند آقای سید احمد خمینی.

۵. اقلیم (یا اقلیما) مستخدم بیت امام در نجف.

٦. دختر امام خمینی و همسر آقای اعرابی.

۷. صحیفه امام، ج ۳، ص ٣٦.

▣ نامه

زمان: ۱۳۵۳هـ ش./ ۱۳۹۴هـ ق.
مکان: نجف
موضوع: پاسخ تسلیت
مخاطب: طباطبایی، فاطمه[۱]

بسمه تعالی

خانم محترمه، والدهٔ حسن عزیز!

نامهٔ تسلیت آمیز شما واصل شد و موجب تشکر گردید. از خداوند تعالی سلامت شما و بستگان را خواهانم. مرقوم نداشته بودید که شما هم با خانم مشهد می‌روید؛[۲] گرچه از اینکه مرقوم همه از تهران بود معلوم می‌شود همراه هستید. زیارت شما ان شاء الله تعالی مقبول باشد. ما بحمدالله سلامت هستیم. از شما امید دعای خیر دارم. حسن[۳] را می‌بوسم. والسلام علیک.

پدر[٤]

▣ نامه

زمان: ۲۷مرداد ۱۳۵۳/ ۲۹رجب ۱۳۹۴
مکان: نجف
موضوع: خانوادگی
مخاطب: خمینی، سیداحمد

بسمه تعالی

احمد عزیزم دو طغرا[۵] مرقوم شما واصل شد؛ از سلامت شما و دیگران

---

۱. همسر آقای سید احمد خمینی.

۲. نامه مربوط به زمانی است که همسر امام خمینی برای دیدار فرزندان و بستگان خود از نجف به ایران آمده بود.

۳. آقای سید حسن خمینی.

٤. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۷.

۵. فقره، عدد.

مسرور شدم. ان شاءالله تعالی همیشه سلامت باشید. در موقع مقتضی و رفع مانع، از آقای لواسانی[1] احوالپرسی شود و کسی برود برای دیدن ایشان. راجع به تعیین شخص دیگر شما با کسی مذاکره نکنید.[2] من کسی را تعیین نمی‌کنم عجالتاً و کسی را هم سراغ ندارم. از مواظبت آقای عمّ بزرگوار[3] کوتاهی نکنید. ایشان ضعیف المزاج هستند و باید رسیدگی شوند. منتظر ورود خانم[4] در روز چهارشنبه یا شب پنجشنبه هستیم. والسلام علیکم.

۲۹ رجب ۹۴ پدرت

به آقای حاج شیخ عبدالعلی[5] بگویید اگر امانتی برای کویت خواستید بفرستید به وسیلهٔ آقای حاج سید اسماعیل باشد، به وسیلهٔ دیگری نفرستید.[6]

---

۱. آقای سید احمد خمینی دربارهٔ پاورقیهای این نامه چنین توضیح داده است:
حضرت آیت الله لواسانی را ساواک تحمل نکرد؛ بالأخره او را دستگیر و پس از حبس به شهر هشتپر (در شمال) تبعید کرد. امام دستور دادند کسی به دیدار ایشان برود. من رفتم؛ ساواک من را تعقیب کرد.

۲. بعد از تبعید حضرت آیت الله لواسانی، برای وجوهات تهران باید شخصی عهده دار این کار می‌شد. امام هشدار داده بودند که من هیچ کاری نکنم زیرا ممکن است نپخته باشد و من هم طبق دستور ایشان کاری نکردم و امام از شدت علاقه به حضرت آیت الله لواسانی تا آخر هم کسی را به جای ایشان انتخاب نکردند.

۳. آیت الله پسندیده.

٤. امام به مادرم خیلی علاقه‌مند بود و از دوری او رنج می‌برد، مادرم نیز امام را دوست می‌داشت ولی هر دو یا سه سال یک بار به مدت دو یا سه ماه برای دیدار با فرزندانش به ایران می‌آمد.

٥. حاج شیخ عبدالعلی قرهی مدت زیادی ریاست دفتر امام در نجف را به عهده داشت. خانواده ایشان کسالت سختی گرفت، دکترها گفتند از نجف باید برود. او حاضر نبود ولی امام او را به اصرار فرستاد. ظاهراً مقصود از «امانتی» وجوهات است.

٦. صحیفه امام، ج ۳، ص ٤٠.

▣ نامه

زمان:؟ مکان:نجف
موضوع:خانوادگی مخاطب:مصطفوی، زهرا(فهیمه)

بسمه تعالی

دختر عزیزم،[۱] مدتی است از وجود عزیزت اطلاعی ندارم. ان شاءالله تعالی با سلامت و سعادت قرین باشید. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم، امید است در این آخر عمر به دیدار عزیزانم نایل شوم. خدمت جناب آقای بروجردی سلام برسانید. از اینکه با خانم [۲] اینقدر محبت داشته‌اند و داشته‌اید خیلی متشکرم. نور چشمان را دعا می‌کنم. والسلام علیک.

پدرت[۳]

▣ نامه

زمان: ۱۶تیر ۱۳۵۴/۲۷جمادی‌الثانی ۱۳۹۵ مکان:نجف
موضوع:خانوادگی مخاطب:مصطفوی، فریده[٤]

۲۷ ج ۲ ۹۵ بسمه تعالی

دخترم، عزیزم

ان شاءالله تعالی با سلامت و سعادت بسر برید. از حال پدر پیرت بخواهید سلامت مزاج بحمدالله موجود است لکن در این آخر عمر ابتلاثاتی دارم که طاقت فرساست، چه از اوضاع اینجا و چه از اوضاع آنجا؛ خداوند اصلاح نماید.

---

۱. خانم زهرا «فهیمه» مصطفوی، دختر امام خمینی و همسر آقای محمود بروجردی.

۲. خانم خدیجه ثقفی، همسر امام خمینی، که برای دیدار فرزندان به ایران سفر کرده و پس از چندی به نجف مراجعت کرده بود.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۸۳.

٤. دختر امام خمینی.

▣ نامه

زمان: ۴مرداد ۱۳۵۵/ ۲۸رجب ۱۳۹۶
مکان: نجف
موضوع: خانوادگی، تأثر از فقدان برادر
مخاطب: ثقفی، خدیجه قم[(۱)]
مناسبت: درگذشت آقای سیدنورالدین هندی[(۲)]

۲۸ رجب ۹۶ بسمه تعالی

خانم عزیزم

من الآن تنها نشسته‌ام و به برادرم که در این آخر عمر موفق نشدم او را ببینم فکر می‌کنم. مرقوم شما واصل شد. از حال آن مرحوم نوشته بودید. فوری کاغذی نوشتم به وسیلهٔ احمد؛ ولی تقدیر آن بود که حتی کاغذ را نبینند. تقدیر آن است که من به ملاقات عزیزانم نایل نشوم. از امشب مجلس ختم در مسجد شیخ[(۳)] منعقد است. مقدر بود که من به مجلس عزای برادرم بروم؛ زنده باشم و تحمل مصیبت کنم.

تلگرافی به حضرت آقا[(٤)] کردم و تسلیت به فامیل گفتم. آدرس دیگران را نمی‌دانستم. شما از قِبَل من به همه خصوصاً خانوادهٔ محترم او و فرزندان عزیزش پس از سلام تسلیت بگویید. مصطفی بحمدالله سلامت است و غالباً شام و ناهار اینجاست. از سلامت خودتان مطلعم کنید و به همهٔ دخترها و احمد و خانمش سلام برسانید و از قول من تسلیت بدهید. من با حال بسیار افسرده این نامه را نوشتم. از خداوند تعالی سلامت همهٔ شماها را خواهانم. والسلام علیکم.

خودم[(۵)]

---

۱. همسر امام خمینی که در آن ایام برای دیدار فرزندان و نزدیکان در ایران به سر می‌برده‌اند.

۲. برادر امام خمینی.

۳. مسجد شیخ انصاری در نجف.

٤. آقای سید مرتضی پسندیده.

۵. صحیفه امام، ج ۳، ص ۱٥٦.

◙ نامه

زمان: ۳۰مرداد ۱۳۵۵/۲۴شعبان ۱۳۹۶ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی مخاطب: خمینی، سیداحمد

۲۴ شعبان ۹۶ بسمه تعالی

احمد عزیزم

دو مکتوب از شما با هم واصل؛ یکی تاریخ ۹ شعبان و دیگری بی‌تاریخ بود. سلامت و توفیق شما را از خداوند تعالی خواستارم. تلگراف تسلیت هم مستقیماً به من دادند، موجب بسی ناراحتی شد[۱]. من هم به شما تسلیت می‌دهم. خداوند ایشان را رحمت کند.

نمی‌دانم منبر شخص مذکور مشتمل بر چه مطالبی بوده که موجب ناراحتی آقایان شده است؛[۲] در هر صورت این امور می‌گذرد. کاغذ جوف را که خط عموی مرحوم است به آقای آقا منصور[۳] بدهید. از سلامت خودتان بیشتر مطّلعم کنید. محلی که عمو دفن شدند علی بن جعفر[٤] است یا جای دیگر؟ نمی‌دانم خانم چه وقت خیال مراجعت دارند؛ آیا با حسین می‌آیند یا نه؟ داداش حالش خوب است و غالباً ناهار و شام با هم هستیم. از خداوند تعالی خوشی و سلامت همه را خواهانم. والسلام علیکم. پدرت

حضور حضرت آقا[٥] سلام برسانید و از سلامت ایشان مطلعم کنید.[٦]

---

۱. آقای سید احمد خمینی در باره پاورقیهای این نامه چنین مرقوم داشته اند:

۱ ـ مقصود تلگراف تسلیت فوت حضرت آقای حاج سید نورالدین هندی، برادر امام است. من تلگراف را برای برادرم [آقا مصطفی] ارسال کردم تا ایشان بتدریج خبر را به امام بگویند اما کارکنان دفتر امام خمینی در نجف مستقیماً آن را به ایشان دادند و از آنجایی که امام به اخوی مکرمشان خیلی علاقه‌مند بودند شدیداً متأثر شدند.

۲. احتمالاً آیت الله خزعلی منبر رفته بودند که موجب ناراحتی مأموران رژیم شاه شده بود.

۳. فرزند ارشد مرحوم آقای هندی.

٤. امام زاده ای در قم.

٥. آقای سید مرتضی پسندیده.

٦. صحیفه امام، ج ۳، ص ١٦٦.

▣ نامه

زمان: ۳۰آذر ۱۳۵۶/ ۱۰محرّم۱۳۹۸
مکان: نجف
موضوع: پیام تسلیت
مناسبت: شهادت آقای سید مصطفی خمینی
مخاطب: ثقفی، میرزا محمد تهران[۱]

بسمه تعالی

عاشورا

أعظم اللهُ لکم الأجر

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم مبارک در این حادثه موجب تشکر گردید. متقابلاً به حضرتعالی تسلیت عرض می‌کنم. امید است که حقوق خودتان را به او احسان نموده، ببخشید. از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم که او را رحمت فرماید و به ما توفیق دهد که از این رهگذر پرخطر، با سلامت نفس و در خدمت به اسلام و مسلمین بگذریم.

از خداوند تعالی خواستارم که به حضرتعالی سلامت و صبر عنایت فرماید و نقاهت وجود شریف بکلی مرتفع شود. حال خانم معلوم، و محتاج به ادعیهٔ خالصهٔ حضرتعالی هستند؛ بحمدالله مزاجاً سلامت هستند. احمد[۲] و حسین[۳]، دست مبارک را می‌بوسند. خدمت جناب آقای حاج حسن آقا[٤] دامت تأییداته سلام می‌رسانم و امید دعا دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۵]

---

۱. روی پاکت نامه چنین مرقوم شده است: (حضور حضرت آقای میرزا محمد ثقفی دامت برکاته).

۲. آقای سید احمد خمینی.

۳. آقای سید حسین خمینی.

٤. آقای حسن ثقفی.

۵. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۸۷.

▣ نامه

زمان: ۷خرداد۱۳۵۷/ ۲۰جمادی‌الثانی۱۳۹۸ مکان: نجف
موضوع: خانوادگی مخاطب: نامشخص

۲۰ ج ۲ ۹۸

ان شاءالله تعالی موفق و سلامت باشید. امروز تلفن شد که آقا[۱] کسالت دارند و تنها، بدون خادم، و وضع غذا و پذیرایی ایشان مختل است؛ فوق العاده نگران هستم. لازم است یک خادم پیش ایشان باشد؛ یا مشهدی رضا و مشهدی نادعلی[۲] به نوبت بروند یا کس دیگر که آشپزی بداند برود نزد ایشان با هر قیمت که اجرت می‌خواهد. من منتظرم که شما به من سلامت ایشان و رفاه ایشان را اطلاع دهید. موکول نکنید به دیگران؛ خودتان مستقیماً دخالت کنید.

اینجانب را از اضطراب و ناراحتی بیرون بیاورید و اگر ایشان کسالت دارند، طبیب از هر جا ممکن است ببرید و مرا مطلع کنید. والسلام علیکم و رحمة الله.[۳]

---

۱. آقای سید مرتضی پسندیده

۲. دو تن از خادمین بیت امام خمینی در قم.

۳. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۰۳.

▣ نامه

زمان: ۲۴اردیبهشت ۱۳۶۰/ ۹رجب ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: نصیحت و امر به پرهیز از دخالت در امور سیاسی مخاطب: خمینی، سید حسین

بسمه تعالی

پسرم، حسین خمینی ![1] جوانی برای همه خطرهایی دارد که پس از گذشت ایام انسان متوجه می‌شود. من میل دارم کسانی که به من مربوط هستند در این کورانهای سیاسی وارد نشوند. من امید دارم که شما مجاهدت در تحصیل علوم اسلامی، با تعهد به اخلاق اسلامی و مهار کردن نفس امارة بالسوء، برای آتیه مورد استفاده واقع شوی. من علاوه بر نصیحت پدری پیر به شما امر شرعی می‌کنم که در این بازیهای سیاسی وارد نشوی و واجب شرعی است که از این برخوردها احتراز کنی. من به شما امر می‌کنم که به حوزهٔ علمیهٔ قم برگرد و با کوشش به تحصیل علوم اسلامی انسانی بپرداز. از خداوند تعالی توفیق شما و همهٔ محصلین را خواستارم.

۹ رجب ۱۴۰۱ روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. آقای سید حسین خمینی، نوه امام خمینی و تنها فرزند پسر حاج آقا مصطفی خمینی.

۲. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۳٤٥.

▣ وکالتنامه

زمان: ۲۶اسفند ۱۳۶۲/ ۱۲جمادی‌الثانی ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران

موضوع: اعطای وکالت برای هبهٔ سهم‌الارث به فقرا مخاطب: پسندیده، سید مرتضی

بسمه تعالی

حضور محترم حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای پسندیده ـ دامت برکاته

نظر به اینکه زمینها و آب و صحرای خمین، سهم الارث پدری متعلق به حضرتعالی و اینجانب و مرحوم آقا سید نورالدین هندی[1] رحمة الله می‌باشد، و ورثهٔ آن مرحوم قصد تفکیک و اِفراز[2] یا هر نوع اقدام دیگری نسبت به آب و ملک فوق را دارند، بدین وسیله به حضرت عالی وکالت و حق وکالت به غیر داده می‌شود که هرگونه صلاح می‌دانید نسبت به افراز و تفکیک و فروش و تقسیم و واگذاری و اجاره و یا هر نوع اقدام دیگری با اسقاط خیارات حتی غَبن[3] و دریافت وجوه اقدام فرمایید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۲ جمادی الثانیه ۱۴۰۴ قمری

روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

پوشیده نباشد که اینجانب حق خود را واگذار نمودم به کسانی که خانه ساخته یا می‌خواهند بسازند از فقرا و مستمندان.

روح الله الموسوی الخمینی[4]

---

۱. برادر امام خمینی.

۲. جدا کردن چیزی از چیز دیگر.

۳. زیان در خرید و فروش معامله.

٤. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۹۰.

▣ نامه

زمان: ۱۳فروردین ۱۳۶۵/ ۲۲رجب ۱۴۰۶ **مکان:** تهران، جماران
موضوع: توصیه به رعایت دستورات پزشک **مخاطب:** پسندیده، سیدمرتضی

بسمه تعالی

برادر بزرگوارم، قربانت شوم[1]

شما را به خدای متعال قسم می‌دهم به حرفهای دکتر ترتیب اثر دهید. چرا موجب نگرانی همه می‌شوید؟ خداوند لازم نموده است که در مواقع احتمال ضرر، انسان از آنچه موجب است اجتناب کند، اگر چه ترک حج و صوم و صلوة باشد. شما می‌خواهید موافق حکم خدا عمل کنید، کاری نکنید که خداوند نعوذبالله از شما ناراضی باشد. این احتیاطات شما برخلاف شرع است و لازم است از آن اجتناب فرمایید. والسلام.

۶۵/۱/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. امام خمینی به برادر بزرگشان آقای پسندیده علاقه خاصی داشتند و برای سلامت ایشان اهمیت زیادی قائل بودند. آقای پسندیده در امور مربوط به طهارت و نجاست دچار احتیاط بیش از حد «وسواس» بوده و طبعاً این امر با توجه به کهولت سن ایشان، و استحمام مکرر در آب سرد و یا گرم و موارد مشابه آن احتمال بروز بیماری را افزایش می‌داد، تأکید امام خمینی در همین رابطه است.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۰.

فصل ۲۰:
احمد، خدمتگزار ملت

■ نامه

زمان: ۱مرداد ۱۳۵۹/ ۱۰رمضان ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران

موضوع: پیشنهاد پست نخست وزیری به آقای سید احمد خمینی مخاطب: بنی صدر، ابوالحسن (رئیس جمهور)

[بسمه تعالی. حضور مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی به عرض می‌رساند، در اوضاع و احوال فعلی و با توجه به اینکه جامعهٔ ما جامعهٔ جوانی است و هیجان مثبت کار برای قرار دادن کشور در خط تولید و فعالیت، جنبهٔ معنوی و هیجان آفرین را جنبه اصلی می‌گرداند، حاج احمد آقا(۱) یکی از مناسبترین اشخاص برای تصدی نخست وزیری است. در صورتی که موافقت فرمایید عین صواب است. ابوالحسن بنی صدر]

بسمه تعالی

بنا ندارم اشخاص منسوب به من متصدی این امور شود. احمد، خدمتگزار ملت است و در این مرحله با آزادی بهتر می‌تواند خدمت کند. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. آقای سید احمد خمینی.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۶.

◙ پیام

زمان: ۲۳آبان ۱۳۶۱/۲۷محرّم ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: شهادت امام خمینی دربارۀ فرزندش برای رفع ظلم و تهمتهای ناروا
مخاطب: ملت ایران

۱۳۶۱/۸/۲۳ بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله علی آلائه والصلوة والسلام علی انبیائه و اولیائه سیّما النبی الختمی حبیب الله صلی الله علیه و آله سیّما غائبهم و قائمهم ارواحنا له الفداء.

اینجانب هیچ گاه میل نداشته و ندارم که دربارۀ نزدیکان خود سخنی بگویم یا دفاعی کنم. لکن علاوه بر آنکه در پیشگاه مقدس حق جلّ و علا مقصر و مجرمم و از درگاه متعالش امید عفو و بخشش دارم و تمام سرمایه ام اعتراف به تقصیر و عذر از آن است و در نزد مسلمانان و ملت عزیز نیز اعتراف به قصور و تقصیر و از آنان امید عفو و طلب آمرزش دارم، در پیش گروههایی و اشخاصی گناهانی نابخشودنی دارم و احتمال قوی می‌دهم که پس از من برای انتقامجویی از من به بعض نزدیکان و دوستانم تهمتها که من آنها را ناروا می‌دانم بزنند و به آتشی که باید مرا بسوزانند آنان را بسوزانند و احیاناً به صورت دفاع از من انتقام مرا از آنها بگیرند. و اکنون در حیات من گفتگوها و زمزمه‌هایی به گوش می‌خورد که احتمال فوق را قوی تر می‌کند. لهذا من احساس وظیفۀ شرعیه نمودم برای رفع ظلم و تهمت، نظر خود را نزد ملت عزیز اظهارکنم که از قبل من در این خصوص تقصیری نباشد. یکی از آنان که بیش از همه احتمال انتقامجویی از من دربارۀ او می‌رود احمد خمینی فرزند اینجانب است. اینجانب در پیشگاه مقدس حق شهادت می‌دهم که از اول انقلاب تاکنون و از پیش از انقلاب در زمانی که وارد این نحو مسائل سیاسی شده است از او رفتار یاگفتاری که بر خلاف مسیر انقلاب اسلامی ایران باشد ندیده ام و در تمام مراحل از انقلاب پشتیبانی نموده و در مرحلۀ پیروزی شکوهمند انقلاب مُعین و کمک کار من بوده و است و کاری که برخلاف نظر من است انجام نمی‌دهد و در امور مربوطه چه در اعلامیه‌ها یا

ارشادها بدون مراجعهٔ به من تصرف و دخالتی نمی‌کند؛ حتی در الفاظ اعلامیه‌ها بدون مراجعه دخالت نمی‌کند و اگر در امری نظری دارد تذکر می‌دهد که تذکراتش نیز صادقانه و برخلاف مسیر انقلاب و مصلحت نیست و من اگر تذکراتش را نپذیرفتم تخلف از قول من نمی‌کند و من نیز اگر حرفش را صحیح دیدم قبول می‌کنم و امیدوارم حرف صحیح را از همه کس قبول کنم.

و اما در جهت مالی که بعض مخالفان انقلاب گاهی نسبتهایی به او می‌دهند باید بگویم که ایشان در امور مالی من دخالت ندارد و ضبط و حفظ بیت المال در اختیار بعض آقایان مورد وثوق می‌باشد و اگر برای اشخاص وجوهی بخواهند پیشنهاد می‌کند و من بدون واسطه یا به واسطه آن آقایان وجه را می‌رسانم. و من اعلام می‌کنم که احمد در هیچ بانک داخلی و خارجی و هیچ مؤسسه‌ای وجهی و سهمی ندارد و در هیچ جا در خارج و داخل زمین مزروعی و غیر آن و ساختمان و امثال ذلک ندارد و اگر بعد از من دارای یکی از این امور بود در داخل یا خارج دولت وقت با اجازهٔ فقیه وقت مصادره نمایند و او را تحت تعقیب درآورند و امید است که دولتمردان جمهوری اسلامی همیشه ضوابط را ملاحظه و از روابط احتراز نمایند. از اموری که تذکرش خوب بلکه لازم است آن است که یکی از تهمتها که به او زدند این بود که موزهٔ عباسی را ربوده و به پاریس برده و چندی ـ علی المحکی ـ مخالفانْ وقت خود را صرف آن نمودند پس از آن معلوم شد خلاف آن. یا او در اطراف شمال زمینهایی خریده است و امثال آن که برای مخالفت با من از او انتقامجویی می‌کردند.

و در امور سیاسی مدتی تهمتها زده شد که احمد طرفدار منافقین است و من در طول مدت انقلاب مخالفتهایی از او می‌دیدم که دیگران بر آن شدت و قاطعیت نبودند و در این آخر که قضیه زندان اوین پیش آمد و شکایاتی از آقای لاجوردی می‌شد و مخالفتهایی می‌شد [غیر] از احمد کسی را ندیدم که بیشتر از آقای لاجوردی طرفداری کند و دفاع نماید و وجود او را برای زندان اوین لازم و برکناری او را تقریباً

فاجعه می‌دانست. یا مسئله طرفداری از بنی صدر، او مادامی که من از بنی صدر به واسطهٔ بعض مصالح جانبداری می‌کردم او هم گاهی طرفداری می‌کرد و آنگاه که من پرده را بالا زده و او را برکنار کردم حتی یک مرتبه از او طرفداری نکرد و مخالفت شدید می‌کرد. یا مسئله خط سوم که مدتی نقل مجالس مخالفان بود و تهمتهای ناروا می زدند و من او را امر به سکوت کردم و او هیچ گاه از خط انقلاب و اسلام خارج نبود و بالأخره اگر بواسطهٔ انتقامجویی از من پس از من گروههایی به مخالفت او برخاستند من دینْ خود را به او به عنوان یک مسلمان و یک رَحِم ادا کردم و خداوند تبارک و تعالی حاضر و ناظر است و من امیدوارم که احمد به خدای تبارک و تعالی اتکال نماید و از غیر او از هیچ کس نهراسد و در خدمت به خالق و خلق به واسطهٔ تهمتها و مخالفتها به خود تزلزل و تردید راه ندهد و در خدمتها از خداوند متعال چشم داشت داشته باشد و برای بدست آوردن هیچ مقامی قدم برندارد و چون او را شخص مفید برای انقلاب می‌دانم امیدوارم در کنار وفاداران به انقلاب و متعهدان در راه اسلام و هدف به خدمت هر چه بیشتر قیام کند. و با برادران انقلابی و ایمانی در خط انقلاب و اسلام کوشش کند و از هیچ خدمتی مضایقه ننماید و پاداش از هیچ مخلوقی نخواهد و خدمت را در راه کشور اسلامی و اهداف الهی خالصانه و برای رضای خالق جلّ و علا ادامه دهد. و به مستمندان و مستضعفان که حق تعالی سفارش آنان را فرموده بیش از دیگران خدمت کند و دیگران را به خدمتگزاری دعوت کند و هر چه مشکل در راه خدمت به هدف که اسلام عزیز است پیش آید و هر چه کارشکنی شود، از کوشش برای خدا دست برندارد و برای هر خدمتی که او را دعوت کردند و تشخیص داد مفید است اجابت کند و رضای خدا را با خدمت به خلق جلب نماید.

و اما در موضوع روحانیت که گاهی احمد مورد تهمت واقع می‌شود من او را موافق جدی با روحانیت می‌دانم. اساس روحانیت چیزی نیست که یک نفر مسلم با آن مخالف باشد و اما موافقت بی‌قید و شرط که هر کس با هر عمل و اخلاق و ایده مورد تأیید او باشد و لباس روحانیت به قامت هر کس اگر چه بر خلاف مشی اسلامی

انسانی رفتار کند سزاوار و موجب لزوم غمض عین باشد از او و هیچ روحانی متعهد و مسلمان معتقد به ارزشهای اسلامی متوقع نیست و نباید باشد. و اینجانب کراراً گفته‌ام که روحانی نمای غیر مهذب و در غیرخط اسلام از ساواکی برای اسلام و جمهوری اسلامی خطرناکتر است. در هر صورت احمد در این باره از خط اسلام و خط روحانیت متعهد پیروی می‌کند و امید است ان شاءالله تعالی در این خط مستقیم که صراط الله است پایدار باشد. از خداوند متعال دوام جمهوری اسلامی و عزت و عظمت مسلمانان جهان بویژه ملت شریف ایران و تعهد و پایداری متصدیان امور و قدرت و شوکت رزمندگان سلحشور و حضور ملت بزرگ ایران را در صحنه خواستار [م]. والسلام علی عبادالله الصالحین.[۱]

یکشنبه ۲۳ آبان ۱۳۶۱ / ۲۷ محرّم الحرام ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی غفرالله له[۲]

---

۱. آقای سید احمد خمینی در زمانی که اسناد وآثار مکتوب امام خمینی را جهت درج در مجموعه آثار امام بازبینی می‌کردند، در ذیل این نوشته امام خمینی، چنین مرقوم داشته است:

«جناب آقای حمید انصاری، بارها خدمت امام عرض می‌کردم که دفاع از من در فرهنگ جنابعالی نیست و دیدیم هم نشد جز نامه ای که در آن بدین معنا هم اشاره شده بود، فکر می‌کنم این دفاع هم با فرهنگ معظمٌ له سازگاری ندارد، ایشان چون مظلومیت مرا دیده‌اند ناچار به عنوان دفاع از مظلوم این را نوشته‌اند، لذا این نامه را نیاورید و بگذارید آنچه راجع به من می‌گفته‌اند گفته باشند، خدا به اعمال انسان داناتر است.

احمد خمینی ۷۳/۱۲/۳».

«پس از رحلت یادگار امام، از فرزندایشان، آقای سید حسن خمینی که به موجب وصیت پدر و مقررات قانونی، تولیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام را عهده دار می‌باشند درخواست کردیم اجازه دهند این سند ارزشمند که گویای بسیاری از رنجهای امام و فرزند و منسوبین و یاران ایشان است و پاسخی است به تردیدها و شبهه‌هایی که غرض ورزان می‌افکنند، را منتشر سازیم و در مجموعه آثار امام نیز درج شود. (حمید انصاری)».

۲. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۹۰ تا ۹۳.

▣ نامه

زمان: ۱۳۶۱هـش./۱۴۰۳هـق.
مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین ملاک برای آنچه که به ایشان نسبت داده می‌شود و تکذیب ادعای برخی از ملی گرایان
مخاطب: خمینی، سیداحمد

[بسم الله الرحمن الرحیم. بعضی از افرادی که پس از پیروزی انقلاب پستهای مملکتی مهمی را اشغال کردند و به مقامات بالای مملکتی هم رسیدند، در بعضی از گفته‌ها و نوشته‌هایشان مسائلی را به حضرتعالی نسبت می‌دهند، و یا بعضی از گروهها مدعی‌اند که در پاریس از طرف حضرتعالی مأمور تشکیل دولت موقت در ایران شده اند. نظر مبارک در اینگونه مسائل چیست؟ ارادتمند احمد خمینی]

بسمه تعالی

مع‌الأسف در حالی که من زنده هستم بسیاری از مطالب که از طرف بعض اشخاص یا بعض گروهها در نوشتار و گفتارها به من نسبت می‌دهند، برخلاف واقع است. امروز کتابها و رساله‌های فراوانی چاپ یا در دست چاپ است که عامداً یا اشتباهاً برای دروغ پرداری و تاریخ سازی بنا شده است. باید ملت عزیز بدانند که میزان در صحت آنچه به من نسبت داده شده است و می‌شود نوشته‌های خود من و گفته‌های من که ضبط شده است و گفته‌های من در زمان حیاتم در روزنامه‌های کثیرالانتشار می‌باشد، و یا به شهادت دو نفر عادل از اهل علم، خالی از گرایش به احزاب یا گروههای سیاسی ثابت شود. و قید آخر برای آن است که بعض اشخاص سیاسی برای مقاصد خویش توجیه دروغ را می‌نمایند، گر چه به حسب ظاهر موصوف به دیانت باشند. به خدای تبارک و تعالی پناه می‌برم از شرّ شیطان و نفس امّاره.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۴۳.

◙ نامه

زمان: ۳آذر ۱۳۶۳/ ۳۰صفر ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: تأیید صداقت و امانتداری
مخاطب: خمینی، سید احمد

[بسم الله الرحمن الرحیم. از آنجا که همیشه واسطه بین حضرتعالی و مسئولین و غیرمسئولین در امور سیاسی اینجانب می‌باشد و از آنجا که گاهی دستورات حضرتعالی با خطوط فکری بعضی از دست اندرکاران و یا گروهها و افراد عادی برخورد جدی دارد، تحلیلها و تفسیرها شروع می‌گردد و بعضیها اینگونه تشکیک می‌کنند که مثلاً خبر واحد است و یا معلوم نیست و از این قبیل. آیا چه قبل و چه بعد از انقلاب حتی کلمه‌ای بر آنچه فرموده بودید اضافه و یا کم کرده‌ام؟ و یا نعوذبالله مطلبی را به حضرتعالی به دروغ نسبت داده ام؟ و یا خدای نخواسته عمدی بر خلاف رضای حضرتعالی کاری انجام داده ام؟ ارادتمند، احمد خمینی]

بسمه تعالی

من شهادت می‌دهم که احمد فرزند اینجانب از موقعی که در مسائل روز وارد شده است و تماس با کارهای اینجانب داشته است تا حال تحریر این کلمات از او خلاف دستورات اینجانب مشاهده نکرده ام و در اعلامیه‌ها و امثال آنها تصرفی بدون رضای من نکرده است و چیزی بر خلاف گفته‌های من به من نسبت نداده است و بالجمله خلافی از او مشاهده نکردم. لکن باید احمد بداند کسانی خصوصاً مثل او که در این امور اجتماعی یا سیاسی وارد می‌شوند، مصون از افترا و ضربه نیستند و باید او حساب خود را با خدای قادر متعال درست کند و به ذات مقدسش اتکال نماید و از بشر ضعیف هراس نداشته باشد که مکاید بشری چون خود بشر زودگذر و فانی است و همه به سوی او جلّ و علا خواهیم رفت و اکنون نیز در محضر مبارک او هستیم. والسلام علی من اتبع الهدی. از خداوند تعالی توفیق خدمت به خلق برای همه دست‌اندرکاران و برای منسوبان به خود خواستارم. تاریخ سلخ صفر ۱۴۰۵

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۰۷.

◘ نامه

زمان: ۱۳ خرداد ۱۳۶۶ / ۶ شوال ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم پرهیز از تشریفات در حوزه‌های علمیه ـ تأیید امانت‌داری آقای سید احمد خمینی
مخاطب: خمینی، سید احمد

[بسم الله الرحمن الرحیم. پدر و مراد بزرگوار. پس از سلام، زمانی که شورای مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم خدمت حضرتعالی رسیده بودند تقاضای کمک برای پیشبرد امور مربوط به حوزه را کرده بودند، حضرتعالی فرموده بودید: مسئله را به احمد بگویید تا او دنبال کند. قرار بر این شد که شورا در نامه ای به حضرتعالی مقدار احتیاجشان را بنویسند، آنان پس از بررسی، نامه ای برای حضرتعالی نوشتند... که در صورت عدم پرداخت پول از طرف شخص جنابعالی از بنیاد مستضعفان به آنها کمک گردد. نامهٔ مذکور خدمتتان تقدیم شد. حضرتعالی فرمودید: «چنین کاری را انجام نمی‌دهید و از طرف شماها به بنیاد چیزی گفته نشود هرچه پول و ساختمان زیاد گردد درس و معنویت کم می‌شود.» و چند بار دیگر هم تقاضای برادرانمان را عنوان نمودم باز فرمودید: «من خیال می‌کردم آقایان پنجاه هزار تومان احتیاج دارند». خدمتتان عرض کردم: اگر چنین بود خودشان می‌پرداختند.... برای آقایان شورا مسئله حل نشده است و عقیده شان این است که: «تو «احمد» نخواسته‌ای نظر مبارک حضرت امام را که با این مسئله موافق بوده است به مسئولین حوزه ابلاغ کنی و یا شما یاد امام نیاورده ای که حضرتِ امام در این قضیه پول مورد احتیاج شورا را بپردازند... به حضرت امام عرض کن که اگر مسئله ای را به شما محول می‌کند، بعد موافقت کنند که موجب اینگونه حرفها نشود.»... ۶۶/۳/۱۲ احمد خمینی]

بسمه تعالی

نظر من همان است که قبلاً کراراً گفته ام: من با این تشریفات مخالفم، و برای حوزهٔ علمیه مضر می‌دانم. اساس اسلام و تحصیل است که با این نحو زیاده رویها منافی است. و من از بعض آقایان تعجب می‌کنم که تو را زیر سؤال بردند. من باید

عرض کنم به آقایان که تا این تاریخ هیچ موردی، حتی این مورد، نبوده است که احمد برخلاف گفته یا نوشتهٔ من بدون اطلاع من تصرفی بکند. بلی، بعضی اوقات در سخنرانیهای اینجانب احمد و دیگران، حتی اشخاصی از رادیو و تلویزیون، نظراتی می‌دهند که مورد قبول می‌شود. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواستارم.

و به احمد نصیحت می‌کنم که جدیت در جلب رضای خداوند حاضر ناظر نماید، و از طعن و لعن دیگران نهراسد. ۱۳ خرداد ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

◙ حکم

زمان: ۱۷ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۶ محرّم ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: مأموریت تنظیم و تدوین آثار امام خمینی مخاطب: خمینی، سید احمد

[بسم الله الرحمن الرحیم. پدر عزیز و مراد بزرگوارم، پس از عرض سلام:

۱ ـ یکی از مسائل بسیار مهم که بعد از جنابعالی خدا آن روز را نیاورد موجب موضعگیریهای مختلف فرزندان انقلاب و افراد گوناگون و محققین و احیاناً اختلاف آنها می‌گردد، برداشتهای گوناگون سیاسی و غیرسیاسی آنان از یک متن است، و از این بسیار گسترده تر، از اختلاف بین متون منتشر شدهٔ حضرتعالی با آنچه به عنوان اسناد سیاسی و غیره از صدا و فیلم و متنهای دستنویس جنابعالی که منتشر نشده و در اختیار ماست سرچشمه می‌گیرد. شما بهتر از هرکس می‌دانید که به علل گوناگون گاهی خود شخصاً و گاهی اینجانب و یا مسئولین و حتی بعض افراد معمولی پیشنهاد حذف یک قسمت و یا قسمتهایی از سخنرانیها، یا حذف و تغییر و اضافهٔ جمله و یا جملاتی بسیار در اعلامیه‌ها خدمتتان عرضه شده است که حضرتعالی گاهی قبول

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۷۷ و ۲۷۸.

نمی فرمایید و گاهی هم پس از دقت، دستور حذف و یا تغییر و اضافه را بدان صورت که مایل باشید صادر می‌فرمایید که انجام می‌گیرد، حال اگر روزی تصمیم بر این گردد که حتماً می‌گردد متن سخنرانیها و یا اعلامیه‌ها و چیزهایی از این قبیل که با صدا و خط حضرتعالی است منتشر گردد مسلماً متن دستخط و یا متن اصلی صدا و فیلم به عنوان سند خدشه ناپذیر اصل قرار می‌گیرد و آنچه از زیاد و کم بدان صورتی که گذشت ولو بسیار هم مهم باشد یاکنار گذاشته می‌شود و یا تحت الشعاع خط و یا متن اصلی سخنرانی قرار می‌گیرد و این از مسائلی است که باید جدی برای آن فکری کرد.

۲ ـ یکی دیگر از مسائلی که خوب است حضرتعالی برای آن فکری کنید این است که آنچه از حضرتعالی منتشر شده است در جراید و صدا و سیما و حتی در بولتنها، به یک صورت نیست، گاهی دیده شده در روزنامه‌ای و یا مجله ای به علل مختلف، چه سیاسی و چه غیرسیاسی و یا سهواً، جمله و یا جملاتی از لابلای اعلامیه‌ها و یا سخنرانیها در روزنامه‌ای آورده شده و در روزنامهٔ دیگر نیامده است، کدام را باید اصل قرارداد، آن متنی که این جمله را دارد و یا متنی که فاقد آن جمله است؟ بدیهی است این تردید در جایی است که دسترسی به صدا و خط حضرتعالی نیست و این هم بسیار است چرا که خیلی وقتها است که صحبتهای جنابعالی را من و یا یکی دیگر از دوستان می‌نویسیم و بعد از تصویب شما به مطبوعات و غیره می‌دهیم، چه کسی باید تشخیص دهد آن جمله از حضرتعالی است یا نه؟ روشن است که گاهی تغییر و یا حذف و یا اضافه کلمه‌ای به طور کلی معنای جمله را تغییر می‌دهد.

۳ـ مسئله دیگر این است که تکلیف نامه‌ها و نوشته‌ها و پیامها و فیلم و نوارها و اشعارتان که بطور کلی منتشر نشده است و در بایگانی دفتر موجود است را هم روشن

بفرمایید.

۴ـ پرونده‌های حضرتعالی در ساواک است «که الآن در اختیار وزارت اطلاعات می‌باشد» و یک نسخه از آن را اینجانب در اختیار دارد، لازم است به اطلاع حضرتعالی برسانم که تنها پرونده‌های جنابعالی در سازمان امنیت شاه در تهران ۴۸ جلد است که تقریباً هر جلد حدود پانصد صفحه می‌باشد که انتشار آن بدون شک پرده از مسائل بسیاری برمی‌دارد و طبیعی است که یکی از گرانقدرترین اسناد انقلاب اسلامی است.

۵ـ کتابها و نوشته‌هایی که صرفاً علمی و یا اخلاقی است از ارزشمندترین کتبی است که می‌تواند زیربنای انقلاب فقهی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی و اصولی باشد.

۶ـ بهره برداری و تحقیق و تحلیل و نیز انتشار اسناد و نامه‌ها و بولتنهایی که قبل و بعد از انقلاب به عنوان حضرتعالی و یا دفتر ارسال گردیده و هم اکنون نیز در اختیار دفتر می‌باشد.

دو سه نمونه از مواردی که باعث نوشتن این نامه شد به عنوان ضمیمه و استشهاد تقدیم می‌گردد. خدا یار و نگهدارتان باد.

فرزند شما: احمد خمینی]

بسم الله الرحمن الرحیم

فرزند عزیزم، احمد ـ حفظه الله تعالی و ایّده

از آنجا که شما را بحمدالله تعالی در مسائل سیاسی و اجتماعی صاحبنظر می‌دانم و در تمامی فراز و نشیبها در کنار من بوده ای و هستی و با صداقت و کیاست امور سیاسی و اجتماعی اینجانب را متصدی هستی، لهذا شما را برای تنظیم و تدوین کلیهٔ مسائل مربوط به خود که بسا در رسانه‌های گروهی اختلافات و اشتباهاتی رخ

داده است انتخاب می‌نمایم. و از خداوند متعال، که حاضر و ناظر است، توفیقات شما را خواستارم. امید است با صرف وقت و دقت نظر این امر را به پایان برسانی. والسلام علیکم.

پنجشنبه ۱۷ شهریور ۶۷ / ۲۶ محرّم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۲۵ تا ۱۲۷.

فصل ۲۱:
موضوعات گوناگون
در نامه‌ها و پیام‌ها

■ **نامه**

زمان: ۱۳۱۲ه.ش./ ۱۳۵۲ه.ق. — مکان: نجف، منزل آقای نصرالله خلخالی

موضوع: احوالپرسی و ابراز اشتیاق، برای دیدار — مخاطب: نامشخص[1]

قربانت شوم، کراراً متذکر حضرتعالی بوده و دعاگو بودم. امیدوارم ان شاءالله دائماً به سعادت و سلامت بوده و خوش و خرم باشید. خیلی دلم برای شما تنگ شده، حتی اگر مانع نداشتم از قزوین مراجعت می‌کردم. شما که بکلی از رفقا دست کشیده و در گوشه عزلت خزیده اید؛ و الاّ راه بین قم و قزوین زیاد نیست.

ممکن بود یک سفر برای ملاقات بیایید. اگر با حضرت معصومه سلام الله علیها خدای نخواسته قهر هستید ممکن است حرم مشرف نشوید! در هر حال سلامتی شما را طالبم و نایب الزیاره هستم. امید است ان شاءالله خداوند امور را بر وفق دلخواه شما قرار دهد. وقت تشرف به اعتاب عالیات چند ساعتی آقای آقازاده را ملاقات کردم. بحمدالله به سلامت بود. الآن منزل آقای آقا شیخ نصرالله[2] در نجف

---

۱. احتمالاً آقای سید ابوالحسن زرآبادی و یا آقای سید ابوالحسن رفیعی قزوینی.

۲. آقای نصرالله خلخالی.

اشرف هستم، و چون حضرت آقای آقا سید ابوتراب قزوینی ـ دامت برکته ـ عازم بودند بدین دو کلمه مصدع شدم. امید دعا از جنابعالی دارم. از قرار محکی[۱] مراد جنابعالی کسالت دارند. امید است ان شاءالله تاکنون رفع شده باشد. اگر آقای آقا شیخ مجتبی[۲] قزوین هستند سلام برسانید. ایام عزت مستدام باد.

سید روح الله الخمینی[۳]

▣ مصوبه

زمان: ۷ مهر ۱۳۲۸ / ۶ ذی الحجه ۱۳۶۸
مکان: قم
موضوع: تعیین هیأتهای رسیدگی به امور طلاب و امتحانات حوزه علمیه

بسم الله الرحمن الرحیم

در لیله پنجشنبه ششم شهر ذی الحجه الحرام ۶۸، آقایان علمای حوزه علمیه قم، حسب امر حضرت آیت الله العظمی[٤] مدظله و تصویب سایر حجج اعلام مجتمع شده و مقرر داشتند که در هفته، سه هیأت تشکیل شود که هر هیأتی وظیفه خاصه‌ای انجام دهند، چنانچه در ذیل بیان خواهد شد:

۱ـ هیأتی برای رسیدگی به امر طلاب و مدارس، که اسامی آنها از قرار ذیل است:

آقای آقا سید زین العابدین ـ آقای حاج سید احمد خوانساری ـ آقای حاج سید محمد رضای گلپایگانی ـ آقای آقا سید ابوطالب مدرسی ـ آقای حاج میرزا محمود قمی ـ آقای حاج میرزا مصطفی ـ آقای حاج سید احمد زنجانی ـ آقای حاج شیخ

---

۱. به طوری که حکایت شده است.

۲. آقای شیخ مجتبی قزوینی.

۳. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱.

٤. آقای سید حسین طباطبایی بروجردی «از مراجع بزرگ تقلید».

ابوالقاسم اصفهانی - آقای آقا مرتضی حائری - آقای حاج میر سید حسن - آقای آقا ریحان الله - آقای حاج فقیهی - آقای آقا مرتضی قمی.

توضیح آنکه آقایان فوق در مواقع عادی مجتمع می‌شوند، و در مواقع غیر عادی اطلاع می‌دهند که تمام سه حوزه مجتمع شوند برای حل قضیه غیر عادیه.

۲ - هیأتی برای امتحان خارج تازه واردین به قرار ذیل:

آقای آقا مرتضی حائری - آقای آقا سیدمحمد یزدی - آقای حاج آقا روح‌الله خمینی.

۳ - هیأتی برای امتحان تازه واردین غیر خارجی از این قرار:

آقای آقا سید زین العابدین - آقای فاضل - آقای قاضی آقای حاج فقیهی - آقای حاج میر سید حسن - آقای آقا شیخ ابوالقاسم نحوی - آقای حائری - آقای صاحب الداری - آقای آقا مرتضی قمی.

مطالب فوق را حضرات آقایان به اکثریت قریب اتفاق تصویب نمودند:

الاحقر محمود الحسینی - زین العابدین الحسینی الکاشانی - احمد الحسینی الزنجانی - العبد مصطفی القمی - سید محمد یزدی - روح الله الموسوی - فاضل موحدی لنکرانی - حائری - الاحقر صاحب الداری - الاحقر ابوالقاسم اصفهانی - عبدالحسین فقیهی - حسین القاضی الطباطبایی - مرتضی مبرقعی - الاحقر ریحان الله گلپایگانی - مرتضی حائری.[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷.

▣ تقریظ

زمان: ۱۸آبان ۲۴/۱۳۳۴ربیع الاول ۱۳۷۵ مکان: قم
موضوع: تقریظ برکتاب تقریرات درس اصول امام خمینی، تألیف آقای سبحانی

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس پروردگار جهانیان را و درود خدا بر محمد و خاندان پاکش و لعنت خدا بر تمامی دشمنان آنان.

خداوند بر این بنده خود منت نهاد و توفیق همراهی و همنشینی گروهی از دانشمندان و فضلا را که خداوند یاری شان فرماید نصیب من نمود. یکی از آنان دانشمند برجسته و پرهیزگار، صاحب اندیشه تابناک و رأی راست، آقای میرزا جعفر سبحانی تبریزی می باشد که خداوند در راه رضای خویش یاری اش فرماید و امثال ایشان را بسیار گرداند ایشان در راه توضیح و جمع آوری مباحث الفاظ این فقیر، با حسن سلیقه و قریحه خویش تلاش فراوانی نموده اند، و بحمدالله این تلاش به صورت کتابی در آمده است که حاوی مسائل با اهمیتی می‌باشد.

از خداوند متعال توفیق ایشان را برای اتمام دیگر مباحث و تلاش در راه حق و هدایت خواهانم.

به تاریخ ۲۴ ربیع المولود ۱۳۷۵

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۹ تا ۴۰.

▣ نامه

زمان: ۱۳۴۰ه.ش./ ۱۳۸۰ه.ق. مکان: قم
موضوع: استفسار از سلامتی آقای کاشانی مخاطب: کاشانی، سید ابوالقاسم

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، پیوسته سلامت وجود مبارک را از خداوند تعالی خواستار است. امید است ان شاءالله این کسالت بزودی مرتفع شود. مخلص دعاگوی وجود محترم هستم و از اشخاصی که می‌آیند مستفسر هستم. بنده هم از موقعی که از تهران آمدم چندین مرتبه مبتلای به تب مالت و غیر آن شدم و الآن هم در کسالت به سر می‌برم. از وجود مسعود ملتمس دعا هستم.

والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی[1]

▣ نامه

زمان: ۲۸شهریور ۱۳۴۵ / ۴جمادی‌الثانی ۱۳۸۶ مکان: نجف
موضوع: اهمیت تهذیب مخاطب: خلخالی، صادق قم

بسمه تعالی ۴ ج ۲ ۸۶

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای خلخالی دامت افاضاته

یک طغرا[2] فقط از جنابعالی مرقوم واصل شد و اینکه در جواب قدری تأخیر شد، عمده برای آن بود که مرقوم جنابعالی موجب افسردگی اینجانب شد. خوب است امثال شما که بحمدالله اشتغال به علوم دینیه دارید قدری در تهذیب نیز کوشش نمایید. کسانی اگر خدای نخواسته خلاف تکلیف کرده اند نباید هر جا گفته شود و به

---

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ٤٥.

۲. فقره، عدد.

هر جا نوشته شود و دست هر کس داده شود. در هر صورت توفیق و سعادت شما را از خداوند تعالی خواستار است. راجع به گرفتاری شما متأثرم و از اینکه با نبودن اینجانب درباره امثال شما رسیدگی نمی شود نیز متأثرم. امید است ان شاءالله تعالی خداوند اصلاح فرماید. به حضرت آقای پسندیده چیزی نوشتم و به آقای اعرابی[۱] یا اسلامی[۲] نیز همین امروز می نویسم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ نامه

زمان: ۲۴دی ۱۳۴۶/۱۳شوال ۱۳۸۷ — مکان: نجف
موضوع: عذرخواهی از زحمات — مخاطب: لواسانی، سیدمحمد صادق[٤]

بسمه تعالی ۱۳ شوال

به عرض عالی می رساند مرقوم شریف به وسیله آقای نحوی امروز واصل، از اینکه به جنابعالی زحمت داده می شود و هر ماه تشریف می برید قم و همراهی می‌فرمایید عذر می خواهم. امید است نفس گرم شما موجب دلجویی همه شود و نگرانیهای آقایان مرتفع گردد. مرقوم شده بود اوضاع داخلی من خوب نیست و به طور...[٥] ان شاءالله تعالی مریضه محترمه حالشان خوب باشد. اینجانب و دیگران بحمدالله سالم هستیم و از خداوند تعالی توفیق خدمت به آقایان را خواستار است. والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[٦]

---

۱. آقای محمدحسن اعرابی، داماد امام خمینی.

۲. آقای اسلامی تربتی، نماینده امام خمینی در قم.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۹۵.

٤. روی پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای آقا سید محمدصادق لواسانی ـ دامت برکاته».

۵. خوانده نشد.

٦. صحیفه امام، ج ۲، ص ١٦٢.

▣ نامه

زمان: ۲۰مرداد۱۳۴۸/ ۲۷جمادی‌الاول ۱۳۸۹ مکان:نجف
موضوع: پیام تشکر مخاطب:گرامی،محمدعلی

بسمه تعالی ۲۷ ج۱ ۸۹

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای گرامی ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف که حاکی از عواطف کریمه بوده موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. گرچه ریز برای جنابعالی ریز است، لکن اگر به واسطه شما یک نفر هدایت شود از محال بزرگ ارزشش بیشتر است. امید است خداوند در تبلیغات شما تأثیر کافی دهد و توفیق و تأیید شما را روز افزون فرماید. از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۴شهریور ۱۳۴۸/ ۱۲جمادی‌الثانی ۱۳۸۹ مکان:نجف
موضوع: پیام تشکر مخاطب: یزدی،محمد

بسمه تعالی ۱۲ ج۲ ۸۹

به عرض می رساند، مرقوم شریف مدتی است واصل شده ولی فرستادن جواب را مستقیماً صلاح نمی دانستم؛ اینک که مسافر مورد اطمینان پیدا شد، درصدد اظهار امتنان از تفقد جنابعالی برآمده. امید است با سلامت و سعادت مقرون باشید. اینجانب بحمدالله تعالی مزاجاً بد نیستم. امید است از ادعیه خالصه آقایان، وسایل آسایش روحی نیز فراهم شود. از اینکه جناب آقای مسعودی در سیرجان رفته اند و مورد استفاده واقع شده اند مسرور شدم. امید است خداوند به برکت انفاس آقایان، جوانان مسلمین را از شر مفاسد حفظ فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲٤۱.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۲۷آبان ۱۳۴۸/ ۷رمضان ۱۳۸۹ مکان: نجف
موضوع: ترویج دین با لباس غیر روحانی مخاطب: سعیدی، سیدمحمدرضا

بسمه تعالی ۷ صیام ۸۹

به عرض می رساند، مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. راجع به چیزی که در ورقه جوف بود، علی المحکی خود آقا نبوده اند و آقازاده بوده اند. همان نحو که مرقوم شده است اشخاص، رنگ دیگر به خود گرفته‌اند لکن مهم نیست؛ شاید در این امور تخفیفی برای اوزار[2] اینجانب باشد. ﴿والله من ورائهم محیط﴾.[3]

راجع به آن شخصی که با لباس غیر روحانی ترویج می کند مطالبی گفته شده است و من به هیچ وجه نظرم نیست که با ایشان ملاقات کرده باشم و چیزی گفته باشم. ولی اگر واقعاً مروج است و مفید، چه داعی است که آقایان مخالفت کنند. فقط یک امر است و آن این است که گفته می شود می خواهند با این ترتیب بساط آخوندی را برچینند. اگر واقعاً درست باشد، این مفسده عظیمه لازم الدفع است. در هر صورت جنابعالی از قول اینجانب مطلبی نفرمایید، چون نزد من هیچ طرف قضیه روشن نیست.

راجع به حریق مسجدالاقصی و اینکه نباید تعمیر شود تا سلطه اسرائیل در کار است، چیزی نوشته ام و در بعضی جراید اینجا منتشر شده. از جنابعالی امید دعای

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲. جمع وزر: گناهها، بارهای سنگین.

۳. سوره بروج، آیه ۲۰: «و خدا از همه سو بر آنها احاطه دارد».

خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.[۱]

▣ نامه

زمان:۲۳بهمن ۱۳۴۸/ ۵ذی‌الحجه ۱۳۸۹ مکان:نجف

موضوع:عدم توجه به گفته های بی‌اساس فتنه‌گران مخاطب:خلخالی،صادق

بسمه تعالی لیله ۵ ذی الحجه ۸۹

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای خلخالی ـ دامت افاضاته

مرقوم محترم واصل شد.[۲] گمان می کنم مبادی مختلفه در قلب جنابعالی حکمفرما بوده است و مرقوم طولانی شما از آنها سرچشمه گرفته باشد: یکی عاطفه که از خواص لاینفک[۳] شماست؛ یکی محبت به اینجانب که شک در آن ندارم؛ یکی هم ناراحتی اعصاب! این جمله باعث شده است که مطالبی که به شما گفته شده است و من به هیچ وجه از آنها اطلاع ندارم باور فرمودید و قضیه را مفروضه اخذ نموده و متفرع بر آن مطالبی که هیچ انتظار از شما نداشتم مرقوم نموده اید: «دل شما از من خون است»! من اشخاصی که فرضاً به من بدیها کرده باشند دلم از آنها خون نیست، و اگر خدای نخواسته باشد، چنین اظهاری نخواهم کرد؛ شما که در دل من مقام مخصوصی دارید و همان طور که کراراً گفته‌ام در سختیها و خطرها، بالاتر از دیگران، شما مردانه خود را برای هدف من که هدف همه است ان شاءالله، به خطر می انداختید، چطور ممکن است دلم از شما رنجش داشته باشد یا اگر خدای نخواسته رنجشی باشد به کسی بگویم؟! خصوصاً با این تعبیر غیرصحیح. شما مطمئن باشید که من ان شاءالله تا آخر عمر عواطف شما را فراموش نمی‌کنم. آنچه اینجانب را بسیار بسیار

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۵۱.

۲. مرقومه امام خمینی، در پاسخ به نامه مورخ اول ذی القعده الحرام ۱۳۸۹ ه‍ . ق . آقای صادق خلخالی به محضر معظم له است .

۳. ویژگیهای جدا ناشدنی .

ناراحت کرد جُمَلی[۱] است که در اواخر مرقومْ ذکر فرموده اید که «فلان، نردبام ترقی بود» الی آخر. البته این جُمل در حالی نوشته شده است که مبدأ مهم عصبی کارفرما بوده است؛ لکن عواطف شما باید غلبه کند بر اعصاب. اینکه شما مرقوم داشته‌اید، کانّه اینجانب را مثل آغا محمد خان قجر سرسلسله قاجار تصور فرمودید! باید جداً عرض کنم اشتباه فرمودید. نه شما در آن روزها سمت چوب بست داشتید، هدف مشترکی بود و تشخیص داده بودید و عمل فرمودید جزاکم الله خیرا و نه من به امثال شماها که مایه امید و نور چشمم هستید، چنین نظری داشته و دارم. من الآن در حالی هستم که نمی توانم بیش از این تصدیع دهم لکن شما بدانید که مورد علاقه اینجانب هستید و خواهید بود. یک جمله دیگر نیز در مرقوم شما بود که آن هم ناراحتم کرد و خیلی از شما تعجب کردم که چطور پس از آن همه سوابق، اینجانب را نشناخته اید و گمان کردید اگر شما «درس» بروید من ناراحت می شوم. بسیار در اشتباه هستید! امید است ان شاءالله پس از این به حرف اشخاص گوش نکنید و تا تحقیق نفرمایید آن هم از خود اینجانب ترتیب اثر ندهید.

اما راجع به مصطفی، شما و ایشان دو نفر رفیق و همسن هستید و گله‌ها را هر طور می‌خواهید بکنید؛ ولی در موضوع ایشان هم هر حرفی را باور نفرمایید. ممکن است مفسدینی بخواهند بین شما و ایشان نگرانی ایجاد کنند. من مرقوم شما را به ایشان نشان ندادم و حرفی هم نزدم لکن از ایشان بی علاقگی نسبت به شما ادراک نکردم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. و آنچه مایه دلخوشی است آن است که چند روزی بیش، این حرفها نیست و نفسی چند که از اینجانب مانده است منقطع می شود و حرفها تمام می شود. والسلام علیکم ورحمه الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. جمع جمله.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲٦١ تا ٢٦٢.

▣ نامه

زمان: ۲۸ بهمن ۱۳۴۸ / ۱۰ ذی‌الحجه ۱۳۸۹ **مکان: نجف**
موضوع: خودداری از ورود در اختلافات محلی **مخاطب: سعیدی، سید محمدرضا**

بسمه تعالی روز عید اضحی ۸۹

معروض می دارد، مرقومات شریفه واصل، لکن مسافر برای جواب کمیاب است، اینک تصدیع می دهد. مرقوم مفصل شما را مطالعه کردم. قبلاً هم تذکر دادم که جنابعالی در این اختلافات محلی وارد نشوید؛ شما مشغول کار خودتان باشید. صلاح دین و دنیای شما نیست با این نحو اشخاص طرف شوید. اینجانب نمی‌توانم درباره اشخاص چیزی بنویسم؛ شما خودتان اهل تشخیص هستید و می دانید اگر کسی ادعا کند که فلانی به من ارجاع نموده صحیح نیست. تاکنون در تهران به احدی ارجاع ننمودم و در غیر تهران ایضاً. فقط همان سابق به یکی دو تا از مراجع که اکنون مرحوم شده اند ارجاع نموده ام. سرکار هیچ در این موضوعات باور نکنید و باز تکرار می کنم در این مشاجرات وارد نشوید تا بتوانید به خدمت خودتان به اسلام ادامه دهید. والسلام علیکم.(۱)

▣ نامه

زمان: ۱۶ مهر ۱۳۴۹ / ۶ شعبان ۱۳۹۰ **مکان: نجف**
موضوع: نماز جمعه نجف و اصفهان و موضع گیری منفی برخی از بزرگان حوزه
مخاطب: طاهری اصفهانی، سید جلال الدین

بسمه تعالی

به عرض عالی می رساند، مرقوم شریف واصل، قبل از وصول از خبر کسالت شما خیلی نگران بودم؛ امید است ان شاءالله تعالی بکلی رفع نقاهت بشود ولی رجوع به دکتر اعصاب خوب است و در اصفهان آقای دکتر نفیسی که اینجانب یکوقت که

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۶۳.

اصفهان بودم و مبتلا شدم و به ایشان رجوع کردم خوب ایشان تشخیص دادند. در هر صورت مسامحه نکنید و مراجعه نمایید. مطلبی را که راجع به [نماز] جمعه مرقوم شده بود مثل اینکه جنابعالی در جوامع علمای اعلام تشریف نداشته اید و تشتت افکار و آرا را نمی دانید. در نجف آقای صادقی[1] نماز جمعه شروع نمودند و مصادف شدند با تحریم بعضی پیرمردها و مخالفت بعضی مراجع؛ شما در چه محل می‌توانید احتمال دهید که علما یک نفر را بر خود مقدم بدارند و تصدیق عملی تقدم کنند؛ این تهران و آن اصفهان و آن قم و آن سایر بلاد!

نفوذ پیش طبقه روشن تأثیری در این امر ندارد، عمده طبقه پیران است. إن شاءالله تعالی خداوند جوامع ما را اصلاح فرماید و ما را از این خواب گران بیدار کند. والسلام علیکم.[2]

▣ نامه

زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۴۹ / ۹ ذی‌الحجه ۱۳۹۰	مکان: نجف
موضوع: تذکر درباره مسائل مختلف	مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

احمد عزیز، مرقوم بی تاریخ شما واصل شد. إن شاءالله تعالی سلامت باشید.

۱ - راجع به کتابخانه[3] چون من از وضع ساختمان آنجا اطلاع نداشتم نوشتم اگر می شود حجراتی برای طلاب زیاد شود؛ اگر مناسب نیست اختصاص دهید به

---

۱. آقای محمد صادقی تهرانی.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۰۱.

۳. آقای سید احمد خمینی درباره پاورقیهای این نامه چنین نوشته است:

۱ - اولین پیشنهاد من این بود که در کتابخانه چون اتاقهای بزرگ به تعداد هشت عدد داشت، هر اتاق به یک خانواده معیل داده شود. امام ابتدا با این طرح مخالفت کردند؛ وضع کتابخانه را برای ایشان شرح دادم، ایشان با این نظر موافقت کردند.

همان معیلها[۱] و شما مختارید در این امر.

۲ ـ راجع به رفتن تهران برای شهریه،[۲] مقصود شهریه اصحاب بوده؛ اگر صحیح نبوده متشکرم.

۳ ـ حضرت آقای عموی معظم، مادامی که قم هستند، خیلی مواظبت از ایشان بکنید؛ هم از حیث کرسی و مکان و هم از حیث غذا و سایر امور خصوصاً احترامات.

۴ ـ راجع به آقای آشتیانی[۳] و آقازاده ایشان نفهمیدم از چه جهت نگران هستند؛ بهتر است وجهش ذکر شود. اینجانب هم نمی توانم خیلی در این امور دخالت کنم، بهتر است همان جا حل شود. به وکیل تهران[٤] هم «به قول شما» می‌نویسم و استفسار می کنم. شما خیلی به این امور مادی اعتنا نداشته باشید.

---

۱. عائله مندان.

۲. گزارش اشتباهی داده بودند که من می روم به تهران برای اصحاب امام شهریه می گیرم که به نظر امام خیلی کار سبک آمده بود. اصل ماجرا دروغ بود و من تهران نمی رفتم، و قم این مقدار پول داشت و شهریه را می‌پرداخت. کلیه وجوه اصحاب امام بیش از هزار و پانصد تومان می شد.

۳. ما معتقد بودیم که آقای لواسانی روی خوشی با آقای آشتیانی ندارد و مردم را به ایشان ارجاع نمی دهد و این موجب می شد که پول کافی به آنها نرسد و آنها از گرفتن پول «بعد از اتمام کلیه وجوهی که در اختیارشان ابتدا گذاشته‌ایم» از آقای لواسانی و سایر وکلا سر باز زنند؛ به اسم بقیه هم که نمی شد شهریه داد، چون در حد مرجعیت نبودند. شنیده بودیم از این جهت نگران بودند. از طرفی فشار روحانیون ضد امام بر ایشان [آشتیانی] بسیار زیاد بود که : «شما خود در حد یکی از مراجع هستید؛ آخر عمری آمده‌اید وکیل آقای‌خمینی شده‌اید» که این هم کم فشاری نبود؛ ولی روحیه اسلامی و دینی ایشان به صورتی بود که تحت تأثیر این حرفها قرار نگرفتند. ساواک از ابتدا فهمیده بود ولی همین که اسم امام نباشد آنها را قانع می‌کرد ولو ظاهراً؛ چون ما به این تحلیل رسیده بودیم که ساواک ترس از این داشت که جلو شهریه امام را بگیرد و وکلای ایشان را کاملا از دسترس مردم دور نگه دارد؛ مردم دست از امام نمی کشند و خود مستقیما پول را در اختیار مبارزین قرار می دهند که این برای آنها بسیار خطرناکتر از شهریه به همه طلاب قم بود، و ما هم بالاخره مرتب در تماس با آقای آشتیانی بودیم.

٤. آقای لواسانی.

۵ـ پول گذرنامه را می نویسم بدهند. إن شاءالله موفق و مؤید باشید و جدیت در تحصیل، و مقدم بر آن، بر تهذیب نفس داشته باشید. والسلام علیکم.

پدرت

ماها هم در کربلای معلا مجتمع هستیم و به شما من دعا می کنم. از قرار مکتوبی از ایران، قدری در وجوه و ایصال به اشخاص مختلف هرج و مرج شده است؛ از بیرونی به اشخاص مختلف اشخاص را ارجاع می دهند و به وکیل رسمی اینجانب آقای تهرانی[1] ایحال نمی کنند و مثل آنکه بناست دست ایشان را ببندند. این مطلب صحیح نیست و باید وجوه به ایشان برسد و اگر آقای عمو[2] تشریف دارند به هر دو و به وسیله آقایان در تهران یا قم مجتمع شود تا صرف حوزه ها گردد. این نحو که نوشته شده است بسیار بد نحوی است و به مصارف غیرصحیحه می رسد. شما مأمور تحقیق هستید که چه اشخاصی از وکیل اینجانب مردم را منصرف می کنند و باید مرقوم دارید. والسلام.[3]

▣ نامه

زمان: ۲۰ بهمن ۱۳۴۹/۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۹۰ **مکان: نجف**
موضوع: معرفی وکلا در أخذ وجوه شرعیه

بسم الله الرحمن الرحیم

چون ایصال وجوه شرعیه به اینجانب مستقیماً و أخذ قبض وصول اینجانب موجب زحمت مومنین ایّدهم الله تعالی می باشد، لهذا کسانی که می خواهند به اینجانب وجوه برسانند به وسیله حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای

---

۱. آقای محمد صادق تهرانی.

۲. آقای پسندیده.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۸ تا ۳۲۹.

حاج آقا مرتضی پسندیده، اخوی معظم اینجانب، یا به وسیله جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محمد صادق تهرانی، وکیل اینجانب در قم، برسانند و قبض رسید از هر کدام بگیرند به منزله قبض رسید اینجانب است. إن شاءالله تعالی موفق و مؤید باشند. ۱۲ شهر ذی الحجه ۱۳۹۰ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۰ اسفند ۱۳۴۹/ ۱۳ محرم ۱۳۹۱ مکان: نجف
موضوع: تأکید برای آشتی دادن بین دو تن از یاران امام خمینی مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی ۱۳ محرم ۹۱

احمد عزیزم

إن شاءالله تعالی با سلامت و سعادت قرین باشید. مکتوبی از آقای صانعی رسید که خیلی مفصل بود و مطالبی نوشته بودند که در صورت صحت، در درجه ثانیه شما و ایشان مسئول هستید و مؤید هرج و مرج است. در هر صورت خوب است بین آقایان صلح و صفا باشد. شما جدیت کنید این دو نفر را اصلاح دهید که موجب نگرانی من بیش از این نشوند. آقای صانعی به مجرد توهم اینکه آقای تهرانی چیزی به من نوشته اند مطالبی نوشته اند که موجب تأسف است؛ منتظرم خبر اصلاح آنها را بشنوم. من نمی دانم برای چه آقایان اختلاف دارند؛ این چند روز عمر مگر چه ارزشی دارد که انسان، دوستان را برنجاند؟! مگر جهات شرعیه در کار باشد و فقط برای خدا باشد، که مشکل است تحقق آن. به همه بچه ها سلام رسانید. حال من بحمدالله تعالی الآن خوب است. اگر شنیده‌اید کسالتی داشتم مهم نبوده و الآن کسالت ندارم؛ فقط ضعف پیری است که تا نرسی به آن نمی دانی چی است ! والسلام.

پدرت

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۳۰.

از آقای آقا سید موسی علوی مکتوبی داشتم؛ از وضع خودشان شکایت دارند. شما هر طور صلاح می دانید به ایشان هر ماه یاگاهی همراهی کنید.(۱)

▣ نامه

زمان: ۲۶بهمن ۲۹/۱۳۵۰ذی‌الحجه ۱۳۹۱ مکان: نجف
موضوع: سوء استفاده برخی اشخاص از وجوه شرعی مخاطب: هاشمیان، محمد

بسمه تعالی ۲۹ شهر ذی الحجه ۹۱

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای هاشمیان ـ دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، و از مضمونش مطلع شدم. شکایت از مخالفت بعضی نموده بودید؛ معلوم است در هر امری که انسان کفیل آن است مشکلاتی وارد می‌شود، با اشخاص و اغراض مختلفه مواجه خواهد شد. انسان باید مواظب ادای تکلیف الهی باشد، و از امور دیگر پس از ادای وظیفه باک نداشته باشد. خداوند تعالی اصلاح امور را بفرماید.

اشخاصی که در وجوه شرعیه عمل به وظیفه و مقررات شرعیه نمی کنند، پس از تذکر، اگر... [متنبه] نشدند مرقوم دارید تا تکلیف آنها را معلوم کنم. اشخاصی که وجوه شرعیه را به عنوان اینجانب می گیرند و به بهانه اینکه دسترسی ندارند به اینجانب، حیف و میل می کنند یا به اشخاص دیگر می رسانند، با آنکه اینجانب در قم و در تهران وکیل دارم و معروف هستند از قبیل حجت الاسلام آقای پسندیده اخوی اینجانب در قم و حجت الاسلام آقای حاج سید محمد صادق لواسانی در تهران و جنابعالی در رفسنجان آنها را از کار خلاف نهی کنید، و اگر منتهی نشدند اجازه اینجانب را پس بگیرید و بفرستید؛ و اگر ندادند مرقوم دارید تا تکلیف آنها را معین کنم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ۳۲۹.

راجع به آقای فلسفی؛[۱] چون منبر ایشان مربوط بـه جـهات ایـنجانب بـوده جالب نمی‌دانم از جانب من مستقیماً به ایشان چیزی برسد ولی جنابعالی مـختار و مجازید که خودتان و برای تشکر از زحمت ایشان هر مبلغ مناسب می‌دانید در هـمه مورد قبول است. ان شاءالله تعالی اینجانب را از دعای خیر فراموش نـمی فـرمایید. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◻ نامه

زمان:۷اسفند ۱۳۵۰/ ۱۰محرم ۱۳۹۲ مکان:نجف

موضوع:ضرورت رفع اختلافات درمنطقه‌کرمانشاه مخاطب:اشرفی اصفهانی،عطاالله

بسمه تعالی ۱۰ محرم الحرام ۹۲

به عرض می رساند، مرقوم شریف که از طریق تهران ایـصال فـرموده بـودید واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. چون در حال کسالت و تب بوده و هستم جواب مرقومه را نـتوانستم از آن طریق بـدهم و نـخواسـتم مـرقوم شـریف بی‌جواب باشد. اخیراً مطالبی از کرمانشاه می رسد که موجب تأثـر و تألم ایـنجانب است؛ در این زمان که حضرات روحانیون از هر زمان دیگر بیشتر احتیاج به وحدت کلمه و تفاهم دارند چه شده است که در آن محل این نحو اختلافات دیده می شود؟ «مرجعیت» که حقیقتش امروز جز مسئله گویی نیست، ارزش آن ندارد که آقایان در

---

۱. اشاره به منبر آقای محمدتقی فلسفی، واعظ و خطیب معروف، در بهمن ماه ۱۳۵۰ در مسـجد سـید عـزیزالله تهران؛ که در جواب به یاوه‌های سناتور جمشید اعلم، بر مرجعیت و رهبری امام تأکید ورزید و سخنان ایشان با تأیید جمعیت حاضر در مسجد مواجه گردید.

۲. صحیفه امام، ج ۲، ص ۴۲۰ و ۴۲۱.

پیرامون آن بحث کنند. امید است که هر چه زودتر به این وضع خاتمه داده شود. از جنابعالی و سایر آقایان امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۰ اسفند ۱۳۵۰/ ۱۳ محرم ۱۳۹۲ مکان: نجف
موضوع: تسلیت درگذشت پدر آقای مرتضی مطهری مخاطب: مطهری، مرتضی

بسمه تعالی ۱۳ محرم ۹۲

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای مطهری ـ دامت افاضاته

به طوری که از مکه معظمه اطلاع رسید مرحوم حجت الاسلام آقای ابوی رحمه‌الله به رحمت ایزدی پیوسته اند. از خداوند تعالی علو درجات ایشان و صبر و اجر جنابعالی و سایر بستگان را خواستار است. به ایشان علاقه خاص داشتم. «انا ان شاءالله تعالی الیه لاحقون»[۲] از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٢٣.

۲. چنانچه خداوند متعال بخواهد، به او می پیوندیم.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٢٤.

▣ نامه

زمان: ۱۳۵۱ه.ش./ ۱۳۹۲ه.ق. **مکان: نجف**
موضوع: رسیدگی به نزدیکان و مبارزان **مخاطب: خمینی، سید احمد**

بسمه تعالی

احمد عزیزم

إن شاءالله تعالی موفق و مؤید باشید. ماها بحمدالله تعالی سلامت هستیم. راجع به آقای حاج شیخ محمد حسین بروجردی[۱] از حضرات آقای عم محترم[۲] ماهی پانصد بگیرید و با احترام به ایشان بدهید. از قرار مسموع آقای آقا شیخ صادق خلخالی وضع ایشان خوب نیست. به آقا[۳] ـ دامت برکاته ـ تذکر دهید: ایشان از فضلای حوزه‌اند، به ایشان رسیدگی شود.

از سلامت خودتان و حضرت آقا[٤] مطلعم نمایید. مرقوم اخیر ایشان را امروز زیارت کردم؛ ان شاءالله جواب می‌دهم. سایر مرقومات جواب داده شده است ظاهراً. به خواهرها و خانم خودتان[٥] سلام برسانید. والسلام علیکم. پدر[٦]

---

۱. از دوستان امام.

۲. آقای سید مرتضی پسندیده.

۳. آقای سید مرتضی پسندیده.

٤. آقای سید مرتضی پسندیده.

٥. خانم فاطمه طباطبایی، همسر آقای سید احمد خمینی.

٦. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤٤١.

▣ نامه

زمان: ۲۰ فروردین ۱۳۵۲ / ۵ ربیع الاول ۱۳۹۳ مکان: نجف
موضوع: تقبیح عملکرد کارگران در کشورهای غربی
مناسبت: هجوم کارگران ترک به کشورهای اروپای غربی مخاطب: علی قارص

[پیشگاه پیشوای بزرگ اسلامیان آقای حاج سید روح الله خمینی - دام ظله

سئوالی است دینی به حضور مقدس: از مملکت ما [ترکیه] مردان و زنان مسلمان برای کارگری سیل آسا به آلمان و هلند و بلژیک و دولتهای کافر دیگر می‌روند. اکثر آنها در آنجا مرتکب اعمالی می شوند که باعث هتک حرمت اسلام و سرشکستگی مسلمانان می گردد. در صد، نود و نه آنها عبادتهای واجب خود را ترک کرده گناهانی مانند قماربازی، شرابخواری و زنا و گاهگاه ازدواج با محرمان شرعی خویش وکارهای دیگر که شرح دادنی نیست انجام می دهند. آیا در دین مقدس اسلام اینگونه کار کردن و هجرتها جایز و دستمزد آن حلال است یا نه؟ لطفاً حکمش را بیان فرمایید.

ترکیه قارص حاج علی]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

مطالب مرقومه موجب کمال تأسف و تأثر اینجانب گردید. اینگونه اعمال موجب سخط خداوند متعال و باعث تأثر قلبی اولیای حق - سلام الله علیهم - می‌گردد. اقدام به اینگونه امور که موجب هتک حرمت اسلام و مسلمین است از اعظم معاصی و گناهان کبیره است.

هجرت از دارالاسلام به دارالکفر که مستلزم این نحو کبایر موبقه شود حرام و

از کبایر است بلکه کار کردن برای کفار که مستلزم وَهْن[۱] دین مقدس اسلام است، حرام و اجرت در مقابل آن سُحْت[۲] و محرَّم است. بر علمای اعلام و اولیای امور و سایر طبقات مختلف مسلمان لازم است از این هجرتها که موجب هتک دولت و ملت اسلام است جلوگیری کنند. از خداوند متعال بیداری ملتهای مسلمان و قطع ایادی اجانب را خواستارم. والسلام علی من اتبع الهدی. ۵ ربیع الاول ۱۳۹۳.

روح الله الموسوی الخمینی[۳]

▣ نامه

زمان: ۲۳ فروردین ۱۳۵۲/ ۸ ربیع الاول ۱۳۹۳ — مکان: نجف

موضوع: ابلاغ سلام به خاندان شهید سید محمدرضا سعیدی — مخاطب: طباطبایی، سید مهدی

بسمه تعالی — ۸ شهر ع ۱ ۹۳

خدمت جناب مستطاب سید الاعلام و ثقة الاسلام آقای طباطبایی ـ دامت افاضاته

مرقوم محترم واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. از اینکه آقازاده های مرحوم فقید شهید[٤] رحمه الله مشغول تحصیل علوم دینیه هستند مسرور؛ امید است خداوند تعالی به همه توفیق عنایت فرماید. سلام اینجانب را به خانواده های محترم و آقازاده‌ها ابلاغ فرمایید. از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[٥]

---

۱. سبک شدن و کوچک شدن.

۲. آتش، در اصطلاح فقهی به معنای حرام می آید.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۹٤ و ٤۹٥.

٤. آقای سید محمدرضا سعیدی.

٥. صحیفه امام، ج ۲، ص ٤۹٦.

▣ نامه

زمان: ۹ آذر ۱۳۵۶ / ۱۸ ذی‌الحجه ۱۳۹۷[1] مکان: نجف
موضوع: پیام تشکر مناسبت: شهادت آقای سید مصطفی خمینی
مخاطب: خلخالی، صادق قم

بسمه تعالی لیله ۱۸ حج ۹۷

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقه الاسلام آقای آقا شیخ صادق خلخالی ـ دامت افاضاته

به عرض می رساند، مرقوم شریف که متضمن تفقد از اینجانب و مظهر عواطف کریمه در این حادثه بود، واصل و موجب تشکر گردید. خداوند همه ما را توفیق خدمت بدهد. من نمی توانم عواطف شما بلکه نقش شما را در این نهضت مقدس فراموش کنم. زحماتی که شما در مواقع حساس در متن خطر کشیدید هیچ گاه فراموش نمی شود؛ و چون إن شاءالله تعالی برای رضای حق تعالی و خدمت به اسلام بوده است در پیشگاه مقدس حق تعالی روسفید خواهید بود، و امید است خداوند شما و ما را توفیق هر چه بیشتر در خدمت به حق و احکام نورانی اسلام عطا فرماید. اگر من احیاناً در جواب مرقومات آقایان کوتاهی کنم باید عفو فرمایند. من با حال ضعف و نقاهت و نگرانیهای بسیار روزشماری می کنم. مستدعی است به جمیع فضلا و مدرسین حوزه علمیه که اظهار لطف نموده اند، از قبل اینجانب قدردانی و تشکر فرمایید و اینجانب را از دعای خیر برای حسن عاقبت فراموش ننمایید. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. «در صحیفه نور» دوره ۲۲ جلدی»، ج ۲۲، ص ۲۳۳، و «دوره جدید»، ج ٤، ص ۱۸۵، تاریخ نامه ۱۳۵۷/۲/۲۵ ذکر شده است؛ در حالی که دستخط امام خمینی دارای تاریخ قمری ۱۸ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۹۷ «۱۳٥٦/۹/۹» می‌باشد.

۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۲۷۳.

▣ **نامه**

زمان: ۲۷دی ۱۳۵۶/ ۷صفر ۱۳۹۸ مکان: نجف
موضوع: پیام تشکر و ابراز امیدواری ایجاد تأسیسات در زمینها «بنیاد صدوق»
مخاطب: صدوقی، محمد

بسمه تعالی ۷ شهر صفر ۹۸

به عرض عالی می رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب از وضع حاضر ناراحت و نمی دانم کار مظلومان، با این قوم به کجا خواهد انجامید! از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین را خواستار است. امید است ان شاءالله فرصتی حاصل شود که در زمینها به دلخواه تأسیسهایی فراهم کنید.[۱] از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.
روح‌الله الموسوی الخمینی[۲]

حکم

زمان: ۶اردیبهشت ۱۳۶۸/ ۱۹رمضان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: تعیین نمایندگان برای رسیدگی به وجوه و اموال مجهول المالک و...
مخاطب: کروبی، مهدی صانعی، حسن عسگراولادی، حبیب‌الله

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای حبیب الله عسگر اولادی زید توفیقه

با سلام، کلیه وجوه و اموال مجهول المالک بلاصاحب، ارث بلا وارث و اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذمه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه است، در اختیار آقایان حجج اسلام مهدی کروبی و حسن

---

۱. اراضی واقع در غرب شهر قم که به فرمان امام خمینی (ره) و با همت آقای محمد صدوقیع مجتمع فرهنگی - دینی بنیاد صدوق تأسیس گردید.
۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۱۲.

صانعی دامت افاضاتهما قرار می گیرد. آقایان از طرف اینجانب وکیل می باشند تا به هرگونه صلاح می دانند در تمامی ابعاد فروش، نگهداری و اداره آنها اقدام نمایند. بدیهی است اگر مایل باشند می توانند قسمتی از این اختیارات را در اختیار وزارت امور اقتصاد و دارایی، قرار دهند.

از آقایان می خواهم که دقت کامل کنند تا کلیه درآمدهای حاصله را هر چه بهتر در موارد مقرره شرعیه صرف نمایند و در حد توان به بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد مسکن، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، طرح شهید رجایی[۱] و بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی و موارد دیگر مورد نظرشان کمک نمایند و در تمامی موارد، امور شرعیه به دقت مراعات گردد. توفیق جنابعالی و آقایان را در خدمت به خانواده شهدا، جانبازان و مفقودین و اسرا و مستضعفین آرزومندیم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۸/۲/۶ روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان: ۲۱فروردین ۱۲/۱۳۵۸جمادی‌الاول ۱۳۹۹[۳] مکان:قم

موضوع: افتتاح حساب شماره ۱۰۰ به منظور خانه‌سازی برای مستضعفان

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت عزیز! برادران و خواهران دلیر و مبارز ـ ایدهم الله تعالی

اینک به مرحله حساسی از دوران انقلاب اسلامی خود رسیده‌ایم. دوران سازندگی، دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم و ستمدیده ایران بهره‌مند

---

۱. به موجب این طرح، افراد مسن از کار افتاده تحت پوشش خدمات عمومی و کمک رسانی قرار می‌گیرند.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳٦۵.

۳. در صحیفه نور و گزارش روزنامه های مورخ ۲۱ فروردین، تاریخ صدور پیام ۲۰ فروردین درج شده است، لکن تاریخ مندرج در دستنویس ۲۱ فروردین است.

شوند؛ دورانی که باید شکوه نظام عدل اسلامی را لمس کنید؛ دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف را برکنیم. شما مردم شریف ایران در جریان مبارزه با استعمار و استثمار پیروزی بزرگی به دست آوردید و توانستید با اتکال به خدای متعال و وحدت کلمه و مشارکت همه قشرها بر طاغوت زمان غلبه کنید و پشت ابرقدرتها را بلرزانید. اکنون نیز با خودیاری و همکاری برای مبارزه علیه فقر و محرومیت بسیج شوید، و با تأیید الهی به نجات مردم مستضعف کمر همت ببندید.

در رژیم منفور پهلوی مسئله مسکن یکی از مصیبت بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما بود. بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه بودند، و چه بسا تمام عمرشان را زیر بار بانکها و سودجویان و غارتگران به سر می‌بردند تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندانشان دست و پا کنند. قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم بکلی از داشتن خانه محروم بودند و در زوایای بیغوله ها و اتاقکهای تنگ و تاریک و خرابه ها به سر می بردند؛ و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را بایستی برای اجاره آن بپردازند؛ و این میراث شوم برای ملت ما باقی مانده و اکنون جامعه ما با چنین مصیبتی دست به گریبان است. نظام اسلام چنین ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد؛ و این از حداقل [حقوق] هر فرد است که باید مسکن داشته باشد.

مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند.

همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره‌ای بیندیشد، و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند.

اینجانب حسابی به شماره ۱۰۰ در تمام شعب بانک ملی افتتاح کرده و از همه

کسانی که توانایی دارند دعوت می‌کنم که برای کمک به خانه سازی برای محرومان به این حساب پول واریز کنند. و در هر محل از بین افراد صالح و مورد اعتماد، گروهی حداقل مرکب از سه نفر از مهندسان و کارشناسان شهرسازی و خانه سازی و یک نفر روحانی و یک نماینده دولت انتخاب شوند تا با صرفه جویی و دقت کامل خانه های ارزان قیمتی بسازند و در اختیار محرومان قرار بدهند، و در این طرح به هیچ وجه پولی در برابر خرید زمین پرداخت نشود.

من امیدوارم همه کسانی که زمینهای وسیعی در اختیار دارند به این امر مهم اسلامی انسانی کمک کنند، و زمینها را در مناطق مرغوب قابل سکونت در اختیار این طرح بگذارند. و نیز هر کس که توانایی دارد، در تأمین انواع مصالح ساختمانی به این خدمت اسلامی کمک و نیروی کار و کارگری به طور وسیع به کار افتد، و دولت نیز تصمیمات لازم را در تأمین آب و برق و اسفالت و وسایل ایاب و ذهاب و مدرسه و درمانگاه و دیگر نیازمندیهای عمومی فراهم سازد.

بنیاد مستضعفین نیز باید به کمک این طرح بشتابد و از اموال مصادره شده خاندان پهلوی و اطرافیانش در این طرح استفاده شود. و نیز دولت باید در طرحهای اساسی و درازمدت خود برای حل این مشکل در سطح عموم طرحهایی تهیه کند؛ و اکنون این یک تجربه تازه از بسیج نیروی ایمان جامعه در راه تعاون اسلامی و مبارزه با محرومیت است که ملت با توفیق الهی باید از آن نیز سرفراز درآید.

من با کمال تواضع از ملت عزیز در این امر حیاتی استمداد می‌کنم و سلامت و سعادت همگان را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۸ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ٦، ص ۵۱۸ تا ۵۲۰.

▣ پیام

زمان: ۲۸ فروردین ۱۹/۱۳۵۸ جمادی‌الاول ۱۳۹۹[۱] مکان: قم
موضوع: پاسخ پیام تبریک مخاطب: احمد حسن البکر

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۹ ج ۱ ۹۹

جناب آقای احمد حسن البکر، رئیس جمهور کشور عراق

پیام مودت آمیز آن جناب در مورد استقرار جمهوری اسلامی واصل و موجب تشکر شد. نهضت انفجاری ایران در اثر دیکتاتوری و اختناق و فشار رژیم پهلوی هشداری بود برای همه مستکبرین در مقابل مستضعفین. من امیدوارم همه دولتها با ملتهای خود با مسالمت رفتار کنند. دولتها باید در خدمت ملتها باشند و ملتها پشتیبان آنان، تا آسایش برای همگان باشد. عاقبت اختناقها انفجار است و آن، نه صلاح ملت است و نه صلاح دولت. خداوند تعالی توفیق سلم و سعادت به همه عنایت فرماید.

والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ۱۷ اردیبهشت ۱۰/۱۳۵۸ جمادی‌الثانی ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: جمکران، مسجد صاحب الزمان (عج)
مخاطب: هیات مدیره و امنای مسجد صاحب الزمان (عج)

[بسمه تعالی. در تاریخ ۵۸/۲/۱۷ پس از مذاکرات و تشکیل جلسات که اعضای هیأت امنا و مدیره مسجد مقدس صاحب الزمان در جمکران با جناب حجت‌الاسلام آقای شیخ محمد یزدی و سایر مقامات روحانی مسئول حوزه علمیه قم داشته و تبادل افکار نمودند، برای مسائل ذیل تصمیمات مرقوم پیشنهاد شد و تصویب گردید که اقدام به اجرای آن شود:

---

۱. در صحیفه نور، تاریخ پیام ۳۰ فروردین ۵۸ درج شده است.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۲.

۱ـ با توجه به اقبال روزافزون مردم به مسجد مقدس صاحب الزمان در جمکران، باید امور حفاظت و رفاه زائران بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد و طرحهای جالب و اصلاحی بسیار کامل، که مورد نظر هیأت امنا و مدیره نیز بوده، به فوری با رعایت الاهم فالاهم به مرحله اجرا درآید.

۲ـ کمکهای مردم که به عنوان کمک به ساختمان و عملیات عمرانی و به عنوان نذورات و هدایا می باشد باید فقط در یک شماره حساب به نام مسجد باشد، و فقط یک دفتر هم در مسجد جهت دریافت این وجوه باشد، و شماره حسابی که جدیداً ظرف شش هفت ماهه اخیر به نام خدمه سابق مسجد افتتاح شده بسته شود؛ و همچنین دفتری که جهت أخذ هدایا در مسجد غیر از دفتر مسجد باز نموده‌اند نیز تعطیل گردد.

۳ـ با توجه به اینکه مسجد مقدس جمکران یادگاری عظیم از حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بوده و آن سرور امر به ساختن آن مسجد و توجه شیعیان به آن نموده اند «طبق روایت مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه» بنابراین وقف عام محسوب شده و امر تولیت آن با حاکم شرع بوده و اداره آن زیر نظر حاکم شرع با هیأتی از عدول مؤمنین و ثقات مطلع امین و علاقه مند به آن جناب «ع» باید باشد؛ و کلیه اموال و عواید حاصله باید با حفظ مصالح مسجد دقیقاً صرف عمران و توسعه و رفع نیازمندیهای آن مکان توسط هیأت مذکور شود؛ و اعضای این هیأت صرفنظر از عشق به خدمت در راه اسلام، سزاوار است که این خدمت را افتخاری انجام دهند و همان طور که در گذشته افتخاری بوده در این زمان هم که نهال مقدس جمهوری اسلامی شروع به رشد نموده، با اقتدار بیشتر به این خدمت افتخاری خود ادامه دهند و در برابر حاکم شرع جوابگوی جزئی و کلی حسابها و عملیات انجام شده باشند. ضمناً روابط اداری با اوقاف جمهوری اسلامی توسط این هیأت انجام می‌گیرد و در مقابل مسائل اداری، چه اوقاف و چه سایر ادارات کشور، نیز این هیأت جوابگو خواهد بود.

۴ـطرح سابق هیأت امنا در رده توسعه و عمران مسجد که قسمتی از آن انجام شده و مابقی طبق پیش‌بینی عبارتند از الف: ایجاد یک بیمارستان به نام امام عصر «عج» جهت درمان مستضعفین. ب: احداث سیصد اتاق زائرسرا در اطراف میادین، جهت رفاه بیشتر زائرین. ج: توسعه کامل مسجد از مقطع شمالی و شرقی، که به مقام قدیمی مسجد لطمه ای وارد نیاورد، طبق نقشه موجود. د: تکمیل ساختمانهای موجود و توسعه وضوخانه ها، به همان نقشه، بسرعت اجرا شود و برای تأمین بودجه به همان نهج سابق با جلب نظر نیکوکاران اقدام نمایند.

۵ـدو نفر از اعضای هیأت امنای قبل به نام آقایان حاج محمدعلی زندیه و حاج مهدی اقبالیان استعفا داده‌اند و اعضای هیأت عامل و امین جدید پس از استعفا به این شرح است: آقایان : حاج سید علی اکبر موسوی یزدی حاج سید عبدالحسین میرحجازی حاج قدرت الله لطیفی حاج مهدی جعفریان حاج غلامرضا تجلی.

۶ـکارمندان و کارکنان مسجد، چون در رفتار و سوابق آنان عمل خلافی مشاهده نشده، به حال خود برقرار و به خدمت مشغول باشند و فقط حسابدار به نام آقای سیدنصرالله برقعی عوض شود؛ و کارکنان به میزان نیازمندی طبق تصویب هیأت افزایش یابد.

شورای رسیدگی به امور مسجد مقدس جمکران قم: حاج سیدعلی اکبر موسوی ـحاج سید عبدالحسین میرحجازی ـ حاج قدرت الله لطیفی ـ حاج مهدی جعفریان ـ حاج غلامرضا تجلی ـ محمد محمدی گیلانی ـ حسین راستی کاشانی ـ الاقل علی مشکینی ـ محمد یزدی و یک امضای ناخوانا]

بسمه تعالی

آنچه را حضرات آقایان مدرسین تصویب کرده‌اند، مورد تأیید اینجانب می‌باشد. روح الله الموسوی الخمینی [۱]

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۹۵ تا ۱۹۶.

◙ نامه

زمان: ۱۳۵۸ه.ش./ ۱۳۹۹ه.ق. مکان: قم
موضوع: تصمیم آقای صدر به هجرت از عراق مخاطب: صدر، سید محمدباقر

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای صدر ـ دامت برکاته ـ نجف اشرف

از قرار مسموع جنابعالی به واسطه بعض پیشامدها خیال هجرت از عراق دارید. اینجانب از این امر نگران هستم. هجرت جنابعالی را از نجف اشرف مرکز علوم اسلامی صلاح نمی دانم. امید است ان شاءالله رفع نگرانی جنابعالی بشود.

والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

◙ پیام

زمان: ۲۴ خرداد ۱۳۵۸/ ۱۹ رجب ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: عملکرد دولت عراق نسبت به روحانیون و تجاوز به سرحدات ایران
مخاطب: صدر، سید محمدباقر

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای حاج سید محمدباقر صدر ـ دامت برکاته ـ نجف اشرف

پیشامدهای اخیر یکی پس از دیگری موجب تأسف است. انتظار آن نبود که با جنابعالی، شخصیت علمی و اسلامی، چنین رفتار شود. چنانچه انتظار نبود و نیست که مأمورین دولت عراق در سرحدات رفتاری کنند که مخالف حسن همجواری است. ملت ایران که با نهضت اسلامی خود امید دارد دست اجانب را از جمیع ممالک اسلامی کوتاه کند و استقلال را به آنها برگرداند. همچنین انتظار دارد که همان نحو که

---

۱. صحیفه امام، ج ۷، ص ٤٢٢.

ملتها با نهضت عظیم اسلامی ایران موافق و پشتیبان آن هستند، دولتها نیز پشتیبان آن باشند. حوزه علمیه نجف اشرف، که در خدمت اسلام و مسلمین است، در طول تاریخ حافظ استقلال عراق بلکه سایر کشورهای اسلامی بوده است، انتظار ندارد که مورد اهانت واقع شود و یکی از شاخصترین بزرگان آن، مورد تهاجم واقع شود.

من به دولت عراق نصحیت می کنم که این دژ محکم را که حافظ کیان [و] مصالح کشور است حفظ کند. این نصیحتی بود که من در دوران گذشته به شاه مخلوع و دولت ایران کردم. از خداوند تعالی عظمت اسلام و استقلال کشورهای اسلامی را خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان:۲۸خرداد۱۳۵۸/ ۲۳رجب۱۳۹۹ مکان:قم

موضوع:دخالت بعضی از محافل فرانسوی در امور داخلی ایران

مخاطب:والری ژیسکاردستن (رئیس جمهور فرانسه)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای رئیس جمهور

برای پذیرایی و مهمان نوازی که در مدت اقامت در فرانسه از من به عمل آوردید تشکر می کنم. از کشور شما بود که من توانستم ندای حق و حقیقت را به ملت ستمدیده ایران برسانم و انقلاب استثنایی ایران را رهبری کنم؛ انقلابی که سالهای متمادی در حال تکوین بود و دلیل نضج آن، فساد و ظلمتی بود که در تمام کشور حکمفرما، و علت اصلی آن وجود سلطنتی بود که از خارج حمایت می شد.

روابطی که ما را به فرانسه پیوند می دهد همواره بر مبنای اخلاقی و تمدنهای ما و احترام متقابل پایه گذاری شده است. بنابراین تعجب کردم وقتی دریافتم بعضی از

---

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۵۰.

محافل فرانسوی برای محکومیت جنایتکاران، غارتگران، و فاسدان رژیم منحله گذشته، که مرتکب جنایات عظیمی نسبت به مردم کشور شدند، و طبق اصول اسلامی و قرآن مجید مقصر شناخته و محاکمه شدند، دخالت می کنند. آنان باید احساس همدردی و توجه بیشتری نسبت به انقلاب ما از خود نشان دهند؛ انقلابی که ما را از یوغ امپریالیسم و ستم پادشاهی مستبد که جنون عظمت و خود بزرگ بینی داشت رها کرد. این قادر متعال است که به ما کمک کرد و ما را از چنگال عامل بدبختیها و نابسامانیها رهایی بخشید. ما دست شما را می فشاریم، و امیدواریم که روابط دوستی‌مان بیش از پیش توسعه یابد و استحکام یابد. آقای رئیس جمهوری خواهشمندم مراتب حقشناسی من و آرزوهای مرا برای سعادت ملت فرانسه بپذیرید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▫ پیام

زمان: ۲۵ تیر ۱۳۵۸ / ۲۱ شعبان ۱۳۹۹ — **مکان:** قم
موضوع: دعوت به راهپیمایی — **مخاطب:** ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت عموم ملت شریف و مبارز ایران ـ ایدهم الله تعالی

به طوری که ملاحظه می کنید، پس از نهضت مقدس اسلامی، که با تأیید خداوند متعال و همت والای ملت، کنگره های کاخ ستمگران را معجزه آسا فرو ریخت و قدرت ایمان و فداکاری مؤمنان بر قدرتهای شیطانی پیروز شد و دیوار اختناق و استعمار در هم شکست، فرصت طلبان از سویی و مفسده جویان از سوی دیگر می خواهند وانمود کنند که نهضت از پشتیبانی عظیم ملت پس از پیروزی

---

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۹۶.

برخوردار نیست؛ و با این حیله شیطانی، مردم ناآگاه را به تردید بکشانند و به خیال خام خود از آب گل آلود، ماهی بگیرند. لهذا برای اثبات وحدت ملی و ابطال باطل و احقاق حق و خاتمه دادن به دروغ پردازیها و فتنه انگیزیهای مخالفین با اسلام و نهضت مقدس اسلامی، مقتضی است روز سه شنبه ۲۶ تیر ماه ۵۸ عموم اقشاری که به اسلام و قرآن مجید و جمهوری اسلامی و استقلال کشور علاقه دارند در راهپیمایی شرکت کنند، تا حساب گروههایی که برخلاف مسیر انقلاب اسلامی هستند روشن شود. در حقیقت این مانور اسلامی ملی، عرضه جنود حق و حزب الله است در مقابل جنود شیطانی. از خداوند متعال عظمت اسلام و ملت را خواهانم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۷مرداد ۱۳۵۸/ ۱۴رمضان ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: تحریم تحصن، اعتصاب، شایعه سازی و تضعیف دولت اسلامی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۴ شهر رمضان المبارک ۹۹ ۱۷ مرداد ماه ۵۸

باکمال تأسف، در این روزهای پس از انقلاب که باید تمام قشرها برای ساختن و مرمت خرابیهای دولت طاغوتی دست به دست هم بدهند و با پشتیبانی از دولت جمهوری اسلامی خسارات را جبران کنند، دیده و شنیده می شود اعتصاب بعد از اعتصاب و تحصن پس از تحصن و راهپیمایی پس از راهپیمایی و دروغ پراکنی دنبال دروغ پراکنی، و کوشش در تضعیف دولت با هر حیله و هر شایعه سازی رواج دارد. و

---

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۱۰۷.

در حالی که دولت باکوششی به اصلاح امور و مرمت خرابیها اشتغال دارد، کارشکنیها شروع، به اسم صلاح اندیشی به تضعیف روحیه مردم و انتقاد بی منطق [از] دولت اسلامی بپاخاسته‌اند.

باید به برادران و خواهران بسیار محترم تذکر دهم که همان طور که در حال انقلاب، تحصن و اعتصاب بر ضد طاغوت موجب رضای خداوند تعالی بود، در حال حاضر که دولت اسلامی و ملی است و دشمن در توطئه است، تحصن و اعتصاب و شایعه سازی و جنجال بی اساس که باعث ضعف دولت و تقویت دشمنان اسلام و ملت می شود، موجب سخط[1] خداوند و از معاصی بزرگ و محرمات عظیم شمرده می شود. دوستان من! شما اگر به اسلام و احکام آزادیبخش آن گرایش دارید، مخالفتها و کارشکنیها و تضعیف دولت، خلاف اسلام است و اگر به ملیت و صلاح حال مستضعفین گرایش دارید، امروز تضعیف دولت و شایعه سازیها و دروغپردازیها مخالف صلاح ملت و مستضعفین، و کمک به دشمنان ملت و کشور است. و کسانی که گروهها را وادار به اعتصاب و تحصن و تضعیف دولت می کنند، مخالفین نهضت و از طرفداران اجانب و یا اعمال آنها به نفع اجانب است. اینجانب از تمام قشرهای ملت عزیز تقاضا دارم که به کمک دولت که کمک به مستضعفین است بشتابند، و تفرقه‌اندازان را به خود راه ندهند؛ و در این ایام ماه مبارک، خصوصاً ایام لیالی متبرکه قدر، در محافل و مساجد اجتماع، و دعای به اسلام و مسلمین نمایند.

والسلام علی عبادالله الصالحین و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. خشم، ناخشنودی.

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲٦۸ و ۲٦۹.

▣ نامه

زمان: ۱۳۵۸ه.ش. / ۱۳۹۹ه.ق. مکان: قم

موضوع: رعایت حدود شرعی مالکیت در تصویب مواد قانون اساسی مخاطب: خمینی، سید احمد

بسمه تعالی

الآن از قِبَل آقای گلپایگانی[۱] آمده بودند که ایشان گفتند در مجلس خبرگان راجع به مالکیت، مخالف اسلام نباشد که موجب مخالفت شود؛ و خواستند که با آقای بهشتی[۲] تماس گرفته شود. شما[۳] تماس بگیرید و بگویید چیزی مخالف شرع، واقع نشود که مواجه با مخالفتها شود.[٤]

▣ نامه

زمان: ۲ شهریور ۱۳۵۸ / ۱ شوال ۱۳۹۹ مکان: قم

موضوع: جلوگیری از صرف بودجه سنگین در برگزاری مجلس خبرگان

مخاطب: صباغیان، هاشم (وزیر کشور دولت موقت)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای وزیر کشور

مجلس خبرگان در جمهوری اسلامی بودجه ده میلیون تومانی و هتل مجلل اشرافی لازم ندارد. آقایان وکلای محترم، که عمده آنان از علمای اعلام هستند، از این نحو تشریفات نگران هستند. آنان بحمدالله با زندگی نزدیک به طبقات محروم عادت نموده‌اند. بودجه مذکور را تعدیل نمایید. و عذر برگشت مازاد صحیح نیست؛ زیرا اعتبار مذکور ممکن است سنتی بشود در آتیه.

۲ شهریور ۵۸ روح الله الموسوی الخمینی[۵]

---

۱. آقای سید محمدرضا گلپایگانی «از مراجع تقلید».

۲. آقای سید محمد حسینی بهشتی، نایب رئیس مجلس خبرگان.

۳. خطاب به آقای سید احمد خمینی.

٤. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۲۱.

۵. صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۲۷.

◙ پیام

زمان: ۱۹ شهریور ۱۸/۱۳۵۸ شوال ۱۳۹۹ مکان: قم
مناسبت: رحلت آقای سید محمود طالقانی مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

۱۹ شهریور ۵۸ ۱۸ شوال ۹۹

فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر.[۱] عمر طولانی این عیب را دارد که هر روز عزیزی را از دست می دهد و به سوگ شخصیتی می نشیند و در غم برادری فرو می‌رود. مجاهد عظیم‌الشأن و برادر بسیار عزیز حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای طالقانی از بین ما رفت و به ابدیت پیوست و به ملأ اعلی با اجداد گرامش محشور شد. برای آن بزرگوار، سعادت و راحت و برای ما و امت ما، تأسف و تأثر و اندوه.

آقای طالقانی یک عمر در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند. او یک شخصیتی بود که از حبسی به حبس و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود؛ و هیچ گاه در جهاد بزرگ خود سستی و سردی نداشت. من انتظار نداشتم که بمانم و دوستان عزیز و پر ارج خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم. او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود؛ زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر بود؛ برنده بود و کوبنده. مرگ او زودرس بود و عمر او با برکت. رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او، که در رأس پرهیزکاران بود، و بر روان خودش که بازوی توانای اسلام. من به امت اسلام و ملت ایران و عائله ارجمند و بازماندگان او، این ضایعه بزرگ را تسلیت می دهم. رحمت بر او و بر همه مجاهدان راه حق. والسلام علی عبادالله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳: «بعضی بر سر پیمان خویش جان باختند و بعضی چشم به راهند».

۲. صحیفه امام، ج ۹، ص ٤٨٦.

▣ پیام

زمان: ۸آبان ۱۳۵۸ / ۸ذی الحجه ۱۳۹۹ مکان: قم
موضوع: قطع وابستگی فکری به غرب و بازگشت به فرهنگ اسلامی
مناسبت: تبریک بیست و پنجمین سالگرد استقلال الجزایر مخاطب: ملت الجزایر

بسم الله الرحمن الرحیم

در آغاز بیست و پنجمین سال رهایی کشور عزیز الجزایر از تحت سلطه جابرانه استعمارگران متمدن نما، درود و تحیات خود و ملت شریف ایران را نثار آنان نموده، و به ملت برادر خویش صمیمانه تبریک عرض می نمایم. ملت ما تلخی سلطه اجانب و مفتخوران نفتخوار، مخصوصاً امریکا را چشیده و غم شما برادران را احساس نموده است؛ و به حسب اخوت ایمانی در غم و شادی ملت شریف الجزایر و سایر ملتهای عزیز اسلامی شریک است. من امیدوارم که مسلمانان جهان در آستان قرن حاضر، گرفتاری های خود و منشأ آن را بدرستی ادراک کنند؛ و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام و در زیر پرچم پرافتخار آن از قید و بندهای استعمارگران رهایی یابند. مسلمین که در آستان این قرن دردهای جانفرسای خود را یافته، و از قدرتهای شیطانی بزرگ جز گرفتاریهای گوناگون و چپاولگریها و جنایات چیزی ندیده اند، باید با به هم پیوستگی صمیمانه و توجه به خداوند بزرگ و اسلام عزیز به فکر چاره برآیند. چاره، و یا مقدمه اساسی آن است که ملتهای مسلمان و دولتها اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند، و فرهنگ مترقی اسلام را که الهام از وحی الهی می گیرد بشناسند و بشناسانند. [باید] شرق و آفریقای عزیز این قاره‌ای که با نهضت اسلامی ملی و قیام خونین مردم دلاور الجزایر از خواب گران بیرون آمد و کشوری بعد از کشور دیگر [را] از چنگال امریکا و کشورهای استعمارگر دیگر نجات داد، باید روی پای خودشان بایستند و شدیداً با فرهنگ صادراتی مبارزه کنند. کشورهای افریقا و آسیا و سایر کشورهای دربند در قاره‌های دیگر باید بدانند که آنچه از غرب و شرق توطئه گر و استعماری و

از امریکای متجاوز بر کشورهای ستم کشیده صادر می شود تباهی و فساد آن قابل مقایسه با اصلاح آن نیست. تمام کشورهای اسلامی چون ایران بنا به وظیفه اسلامی خویش باید از کشورهای در حال رشد و مبارزه با استعمار مادی و معنوی پشتیبانی کنند. کشورهای اسلامی باید در مقابل اسرائیل اشغالگر که اکثر گرفتاریهای کشورهای اسلامی به دست آن است موضع خصمانه داشته باشند و با تمام نیرو از آرمان فلسطین و لبنان عزیز دفاع کنند. کشورهای اسلامی باید از سازمانهای آزادیبخش سراسر جهان دفاع کنند. ما توطئه مصر و امریکا و اسرائیل را برای در هم کوبیدن نهضت بزرگ مردم مبارز فلسطین شدیداً محکوم می کنیم. سران و نمایندگان کشورهایی که در الجزایر عزیز جمع شده‌اید! بیایید متحد شویم و دست جنایتکاران چپ و راست را که در رأس آن امریکاست قطع نموده، و اسرائیل را از ریشه برکنیم و حق مردم فلسطین را به خودشان بسپاریم. از خداوند متعال بیداری مسلمین و اتحاد کلمه آنان وعظمت کشورهای اسلامی را خواستارم.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[1]

◘ پیام

زمان: ۲۶آبان ۱۳۵۸ / ۲۶ذی‌الحجه ۱۳۹۹ مکان: قم

موضوع: آزادی گروگانهای زن و سیاهپوست

مخاطب: موسوی خوئینی ها، سید محمد و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای موسوی خوئینی ها، و برادران و خواهران دانشجوی محترم ساکن در مرکز جاسوسی امریکا

مرکز توطئه و جاسوسی به اسم «سفارت امریکا» و اشخاصی که در آن بر ضد

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۹۵ و ۳۹۶.

نهضت اسلامی ما توطئه نموده اند، از احترام سیاسی بین المللی برخوردار نیستند. تهدیدات و تبلیغات دامنه دار دولت امریکا به قدر پشیزی نزد ملت ما ارزش ندارد. نه تهدید نظامی او عاقلانه است؛ و نه تهدید اقتصادی او واجد اهمیت. و کارتر یک اشتباه دارد، و آن اینکه گمان می کند همه دولتها چشم بسته به خدمت او ایستاده اند. و این اشتباه بزرگ بزودی برای خودش هم روشن خواهد شد؛ و طلیعه آن نیز مشهود است. ملت ایران بپا خاسته که نگذارد این لانه‌های جاسوسی در ایران به عمل ننگین خود ادامه دهند، و تا استرداد محمدرضا پهلوی، برای محاکمه و استرداد آنچه به یغما برده است، این لانه جاسوسی و آن جاسوسان حرفه ای به حال خود باقی خواهند ماند. لکن برای آنکه اسلام برای زنها حقوق ویژه‌ای قائل است، و سیاهپوستان، که عمری را تحت فشار و ظلم امریکا به سر برده اند، و شاید به طور الزام به ایران آمده باشند، نسبت به آنان، در صورتی که جاسوسی آنها ثابت نشده باشد، تخفیف دهید. دانشجویان عزیز، سیاهپوستان و زنانی که جاسوسی آنان معلوم نیست، به وزارت امور خارجه تحویل دهید، که فوراً آنها را از ایران خارج نمایند. ملت شریف ایران اجازه آزادی بقیه را نمی دهد. لذا دیگران در بازداشت هستند، تا دولت امریکا به خواست ملت عمل کند. والسلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی [1]

▣ تقریظ

زمان: آذر ۱۳۵۸ / محرم ۱۴۰۰ مکان: قم
موضوع: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

آنچه که در این جزوه است «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» است که وسیله نمایندگان محترم ملت ایران که اکثریت آنان از علمای اعلام و حجج اسلام و مطلعین بر احکام اسلام بودند، تهیه و به تصویب اکثریت ملت معظم رسید. و امید

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ٥٤.

است ان شاءالله تعالی با عمل به آن، آرمانهای اسلامی برآورده شود؛ و تا ظهور حضرت بقیه الله ـ ارواحنا له الفدا ـ باقی و مورد عمل باشد.[۱]
والسلام علی عبادالله الصالحین.[۲]

▣ پیام

زمان: ۴آذر۱۳۵۸/ ۵محرم ۱۴۰۰ مکان: قم
موضوع: اشتباه بزرگ کارتر مخاطب: جنبشهای آزادیبخش جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

تلگراف برادران محترم در پشتیبانی از ملت مظلوم ایران در قیام برای احقاق حق خود از دولت امریکا موجب تشکر گردید.

شما می‌دانید که خیانتکاری[۳] که در طول حکومتش ایران را به تباهی کشیده و ملت شریف ما را در عزای فرزندان رشید خود نشانده و ذخایر کشور ما را به تاراج برده است اکنون در پناه دولت امریکا به سر می برد. از حقوق مسلم یک ملت است که جانی تبهکار را به محاکمه دعوت کند. و از حقوق مسلم بین المللی است که تبهکار باید در محل تبهکاری اش محاکمه شود. آقای کارتر با زور سرنیزه تمام حقوق انسانی را نقض می کند؛ و در مقابل ملتی که می خواهد حقوق خویش را مطالبه کند، به توطئه و ارعاب، دخالت نظامی و محاصره اقتصادی، پرداخته است. در منطق آقای کارتر[٤] جواب درخواست بحق یک ملت را باید با قدرت و قوای نظامی داد. و در

---

۱. امام خمینی این مطلب را روی جزوه قانون اساسی مرقوم فرموده بودند.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۰۳.

۳. محمد رضا پهلوی، که به بهانه بیماری به امریکا برده شد.

٤. جیمی کارتر، رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا از حزب دمکرات بود. وی در دوره بعدی انتخابات ریاست جمهوری امریکا از «رونالد ریگان» کاندیدای حزب جمهوریخواه به سختی شکست خورد. کارشناسان مسائل سیاسی، علت اصلی شکست کارتر را ناکامی او در حل بحران گروگانگیری، ناکامی در حمله نظامی به ایران و برخوردهای ناشیانه و ابلهانه اش با انقلاب اسلامی دانستند. امام خمینی در یکی از سخنرانیهای خود،

این منطق، منطق قرون وسطایی و حکومت جنگل بر تمام ارزشهای انسانی و قوانین بین المللی حکومت دارد. این است منطق همه زورمندان و مستکبران در مقابل ملتها و توده‌های ستمدیده. قدرتهایی که با تعلیمات انسانی آسمانی مهار نشده است چشمها را کور و عقلها را آفت زده می کند.

یکی از اشتباهات بزرگ آقای کارتر و امثال او آن است که عمق نهضت اسلامی عصر حاضر و نسل معاصر را نشناخته اند. آنان با افکار جنون‌آمیز قدرتمندان و بیماری روحی مستکبران، به نهضتهای معاصر و ملتهای از قید اسارت روحی رها شده می‌نگرند. و این اشتباهی است فتنه انگیز. باید ملتهای اسلامی، با وحدت ایمانی و قدرت الهی، آنان را برای همیشه از این اشتباه بیرون آورند. باید شرق و جمیع مستضعفین و ابرقدرتها و تمام مستکبرین خود را بیابند و خود گمشده را پیدا کنند. آنان از اسارت تبلیغات بلندگوهای شیطانی بیرون آمده، و قدرت خدایی توده ای خویش را دریابند، و اینان به زبونی واقعی خود در مقابل ملتهای بپا خاسته واقف شوند، تا آرامش، دنیا را فراگیرد و دست ستمگران از جنایات کوتاه شود.

برادران شجاع من که برای آزادی وطنهای خود قیام کرده اید، ملتهای خود را هشدار دهید و مغزها را از آثار تبلیغات چند صد ساله و خود باختگی در مقابل غرب و مستکبرین شستشو دهید؛ و به نهضت ما که نهضت اسلامی و مستضعفین است بپیوندید؛ که امروز اسلام عزیز در مقابل کفر، و منطق در برابر زور واقع شده است. نهضت ما اسلامی است قبل از آنکه ایرانی باشد؛ نهضت مستضعفین سراسر جهان است قبل از آنکه به منطقه ای خاص متعلق باشد. ای مسلمانان جهان، و ای مستضعفین بپاخاسته، و ای دریای بی پایان انسانها، بپا خیزید و از کیان اسلامی و ملی خویش دفاع کنید.

شکست کارتر را پیش بینی کردند و فرمودند که آقای کارتر باید شغل دیگری غیر از ریاست جمهوری برای خود پیدا کند، و این پیش بینی با شکست سنگین او از ریگان به تحقق پیوست.

اسرائیل بیت المقدس را از مسلمین گرفت، و با مسامحه دولتها مواجه شد. اکنون، چنانکه آثارش ظاهر شده است، امریکا و شاخه فاسد آن اسرائیل، در صدد است که مسجدالحرام و مسجدالنبی را قبضه کند. باز هم مسلمانان نشسته و تماشاگرند و بی‌تفاوت! برخیزید و از اسلام و مرکز وحی دفاع کنید و از این هیاهوها نهراسید، که امروز اسلام به شما محتاج است و شما در قبال خداوند متعال مسئول هستید. به خداوند تعالی اتکال نمایید، و با وحدت کلمه به پیش روید.

ما به پیروی از اسلام بزرگ، از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم؛ و از شما و هر سازمانی در جهان که برای نجات کشور خویش بپا خاسته است پشتیبانی می‌کنیم. ما از مبارزات برادران فلسطینی و مردم جنوب لبنان در مقابل اسرائیل غاصب کاملاً پشتیبانی می نماییم. و به خواست خدای تعالی بر دشمنان بشریت و اسلام پیروز خواهیم شد. و امید است که نصر خدایی و فتح مسلمانان نزدیک باشد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۲دی ۱۳۵۸/ ۳صفر ۱۴۰۰ — مکان: قم

موضوع: توصیه های امام خمینی به ملت مسیح — مناسبت: میلاد حضرت عیسی مسیح (ع)

مخاطب: مسیحیان ایران و جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولایجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون﴾[2]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۰۹ تا ۱۱۱.

۲. سوره مائده، آیه ۸: «ای اهل ایمان، در راه خدا استوار بوده (بر سایر ملل عالم) شما گروه عدالت و راستی و درستی باشید. و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل، بیرون روید. عدالت کنید که عدل به تقوا نزدیکتر است، و از خدا بترسید، که خدا البته به هر چه می کنید آگاه است».

خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالتند؛ از آن رو که سیر نخواهند شد. «انجیل متی» خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می کشند؛ به سبب آنکه مملکت آسمانی از آنهاست. «انجیل متی».

عید سعید میلاد مسیح پیامبر عظیم الشأن، که برای طرفداری مظلومان و برقراری عدل و رحمت مبعوث، و با گفتار آسمانی و کردار ملکوتی خود ظالمان و ستمکاران را محکوم، و مظلومان و مستضعفان را پشتیبانی فرمود، بر ملتهای مستضعف جهان و ملت مسیح و مسیحیان هم میهن مبارک باد. هان! ای پدران کلیسا و روحانیان تابع حضرت عیسی، بپاخیزید و از مظلومان جهان و مستضعفان گرفتار در چنگال مستکبران پشتیبانی کنید، و برای رضای خدا و پیروی دستور حضرت مسیح یک بار هم ناقوسها را در معابدتان به نفع مظلومان ایران و محکوم نمودن ستمگران به صدا درآورید.

کارتر، سردمدار ستمکاران عالم تقاضا کرد تا ناقوسها را در سرتاسر امریکا به نفع جاسوسان در مقابل ملت مظلوم ایران به صدا درآورید. چه خوب و بجاست که ناقوسها را به فرمان خدای عالم و دستور عیسی مسیح به نفع ملتهای مستضعف، که در زیر چکمه دژخیمان «کارتر»ها از هستی ساقط می شوند، به صدا درآورید.

خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه عدالتند و از بهر عدالت زحمت می کشند. و وای به حال آنان که برخلاف دستور عیسی مسیح و برخلاف دستور همه پیامبران به نفع ظالمان و جاسوسان و پایمال کنندگان حقوق ملتها زحمت می کشند. و ای ملت مسیح و پیروان عیسی روح الله! بپاخیزید و از شرافت عیسی مسیح و ملت عیسوی دفاع کنید، و اجازه ندهید دشمنان تعلیمات آسمانی و مخالفان دستورات الهی، ملت مسیح و روحانیت عیسی را به خلقهای مستضعف جهان بد معرفی کنند.

حضور ابرقدرتها در معابد و دست به آسمان بلند کردن آنان برای دعا به جاسوسان و خائنان به مذاهب مسیح علیه مظلومان و مستضعفان، شما را اغفال نکند که اینان جز برای رسیدن به قدرت بیشتر و نیل به ریاست دنیا که خلاف دستور

آسمانی است به چیز دیگری فکر نمی‌کنند.

ملت ما سالها مبتلا به سالوس ستمگران بود و رنجها از آن برد.

ای ملت مسیح! چه شد که آقای کارتر در کشتارهای دسته جمعی ایران، ویتنام، فلسطین و لبنان و دیگر مناطق به دعا برنخاست و تقاضای آهنگ ناقوسها را نکرد؛ ولی اکنون برای رسیدن به ریاست جمهوری و ادامه چند سال دیگر ستمگری بر ملتهای ضعیف دست به دعا برداشته است و کلیساها را به آهنگ ناقوس فراخوانده است؟!

هان ای پدران کلیسا! بپاخیزید و عیسی مسیح را از چنگال این دژخیمان نجات دهید؛ که آن پیامبر بزرگ از ستمگری که دین را وسیله ظلم، و دعا را وسیله رسیدن به مسند ستمگری به بندگان خدا قرار می دهد بیزار است؛ که دستورهای آسمانی همه برای نجات مظلومان، از ملکوت نازل شده است؛ و ای مستضعفان جهان! برخیزید و هم پیمان شوید و ستمگران را از صحنه برانید؛ که زمین از خداست و وارث آن مستضعفانند.

و ای ملت امریکا، به تبلیغات روسای جمهوری که جز نیل به قدرت، فکری ندارند گوش فرا ندهید؛ و بدانید که جوانان ما با جاسوسان رفتاری خداپسندانه دارند، که دستور اسلام رحمت بر اسیران است گرچه ظالم و جاسوس باشند.

شما ای ملت بزرگ امریکا! از کارتر بخواهید که شاه مخلوع و جنایتکار را به ایران برگرداند، که کلید رهایی جاسوسان به دست اوست. و شما ای اصحاب ناقوس! دستها را به دعا بردارید و ناقوسها را به آهنگ درآورید؛ و از خدای بزرگ بخواهید که به رؤسای جمهور شما، عدل و انصاف مرحمت کند.

خوشا به حال آنان که از بهر عدالت زحمت می کشند و دعا می کنند.

روح الله الموسوی الخمینی [1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۷۵ تا ۳۷۷.

▣ نامه

زمان:اوایل دی‌ماه۱۳۵۸/صفر ۱۴۰۰ مکان:قم
موضوع:عزل حاکم‌شرع اصفهان مخاطب:خادمی،سید حسین

بسمه تعالی

آقای امید نجف آبادی را گفته ام به اصفهان نیایند، ایشان از طرف اینجانب قاضی نیستند.[۱] روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان:۷دی۱۳۵۸/۸صفر ۱۴۰۰ مکان:قم
موضوع:بسیج عمومی برای‌مبارزه‌بابیسوادی مخاطب:ملت‌ایران

بسم الله الرحمن الرحیم
﴿و القلم و ما یسطرون﴾[۳]

ملت شریف ایران، شما می دانید که در رژیم گذشته آنچه بر ملت مبارز ایران سایه افکنده بود، علاوه بر دیکتاتوری و ظلم، تبلیغات بی محتوا و هیچ را همه چیز جلوه دادن بود. ملتی که در همه ابعاد از حوایج اولیه محروم بود وانمود می شد که در اوج ترقی است. از جمله حوایج اولیه برای هر ملت که در ردیف بهداشت و مسکن بلکه مهمتر از آنهاست آموزش برای همگان است. مع‌الأسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم؛ و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند، چه رسد به آموزش عالی. مایه بسی خجلت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می کند که طلب علم را

---

۱. پاسخ به نامه مورخ غره صفر ۱۴۰۰ هجری قمری آقای خادمی، که از محضر معظم له، خواستار عزل آقای امید نجف آبادی «حاکم شرع اصفهان» شده بود.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۳۷۸.

۳. بخشی از آیه ۱ سوره قلم : «قسم به قلم و آنچه می نگارد».

فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید در برنامه دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم. و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده، برای مبارزه با بیسوادی به طور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا ان شاءالله در آینده نزدیک هر کس نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد. برای این امر، لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند، و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بپاخیزد و از قرطاسبازی[1] و تشریفات اداری بپرهیزد. برادران و خواهران ایمانی، برای رفع این نقیصه درد آور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بن بر کنید. تعلیم و تعلم، عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا، باسوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد بدهند و منتظر اقدامات دولت نباشند، و در منازل شخصی، اعضای بیسواد را تعلیم کنند و بیسوادان از این امر سرپیچی نکنند. من از ملت عزیز امید دارم که با همت والای خود، بدون فوت وقت، ایران را به صورت مدرسه ای درآورند، و در هر شب و روز و در اوقات بیکاری یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند. بپاخیزید که خداوند متعال با شماست. از خداوند تعالی سعادت و سلامت و رفاه ملت شریف را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. قرطاس به معنای کاغذ و قرطاس بازی، یعنی کاغذبازی و معنای مجازی آن، معطل کردن مردم در ادارات است.

۲. صحیفه امام، ج ۱۱، ص ٤٤٦ تا ٤٤٧.

▣ پیام

زمان:۱۵دی۱۳۵۸/۱۶صفر۱۴۰۰ مکان:قم
موضوع:قیام برای آزادی واستقلال مخاطب:سازمانهای آزادیبخش جهان

بسم الله الرحمن الرحیم

در این موقع که تعدادی از سازمانهای آزادیبخش و گروهی که برای آزادی مبارزه می کنند به ایران آمده اند تا از نزدیک با ملت ایران تفاهم کنند و گرفتاریهای ملت ما را لمس نمایند، پیشنهاد شد تا پیامی برای آنها بفرستیم.

من نمی دانم که از کجا شروع کنم. از مصیبتهایی که در طول تاریخ و در قرن اخیر بر ملت ما وارد شده است ؟ یا مصیبتهایی که از مستکبرین و ابرقدرتها بر مستضعفین جهان وارد شده است ؟ و نمی دانم از چه کسی شکایت نمایم ؟ از قدرتمندان و ستمکاران و چپاولگران و جنایتکاران و یا از مردمی که ظلم ظالمین را می بینند و قیام نمی کنند و خود را با دست خود اسیر اجانب نموده اند؛ و از مردم دلیر و مبارز ایران برای شکست قدرتها و ابرقدرتها پیروی نمی کنند؟ مردم مبارز ایران با دست خالی ولی با نیروی ایمان، دولت امریکای جنایتکار را به زانو درآورده اند، و شاه مخلوع را بیرون کرده اند، و به امید خدا به مبارزاتشان تا قطع تمام وابستگیها ادامه خواهند داد و یا از دولتهای کشورهای اسلامی که با داشتن سلاح برنده منابع نفت و غیر آن که با یک تصمیم می توانند غرب و شرق را به تسلیم وادار کنند خود تسلیم و از این حربه برای آزادی کامل از یوغ استعمارگران شرق و غرب استفاده نمی کنند؟

شما ای جنبشهای آزادیبخش؛ و ای گروههای در خط به دست آوردن استقلال و آزادی! بپاخیزید و ملتهای خود و ملل اسلامی را هشدار دهید که زیر بار ستم رفتن بدتر و قبیحتر از ستمکاری است.

و به دولتها اخطار کنید که از زبونی و ذلت، خود را نجات دهند.

و به همه تذکر دهید که به اسلام باز آیید و به اخوت اسلامی بگرایید.

ای مستضعفین جهان! بپاخیزید و خود را از چنگال دشمنان بشر نجات دهید؛

و بیش از این زیر بار ظلم نروید که خداوند با مظلومان است.

والسلام علی عباداللّه الصالحین. ۵۸/۱۰/۱۵ روح اللّه الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان:دی ۱۳۵۸/صفر ۱۴۰۰ **مکان:قم**
موضوع:انصراف آقای جلال الدین فارسی از نامزدی انتخابات ریاست جمهوری
مخاطب:مدرسان حوزه علمیه قم

بسمه تعالی

جناب آقای جلال الدین فارسی با آنکه شخص شایسته‌ای است، لکن ایرانی‌الاصل نیستند. آقایان مدرسین قم این مطلب را اعلام کنند، ایشان نمی‌توانند رئیس جمهور شوند. خود ایشان هم بنا شد انصراف خود را اعلام کنند.[۲] ضمناً آقایان بدانند احمد[۳] به من خیانت نمی‌کند، و مورد وثوق من است. اگر مطلبی از من نقل کرد، خلاف نمی‌گوید. والسلام علیکم. روح اللّه الموسوی الخمینی[٤]

▣ پیام

زمان:۲۶دی ۱۳۵۸/۲۷صفر ۱۴۰۰ **مکان:قم**
موضوع:تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری **مخاطب:ملت ایران**

بسم اللّه الرحمن الرحیم

به اطلاع هموطنان عزیز برسانید که: عکس اینجانب دلیل بر تأیید کسی نبوده؛ چنانچه دلیل بر عدم تأیید هم نمی‌باشد.[۵]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۲ تا ۳۳.

۲. برابر اسناد و مدارکی که ارائه شد، آقای جلال الدین فارسی، افغانی الاصل است و بدین جهت طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت احراز مقام ریاست جمهوری را نداشت. موضوع، مربوط به نخستین دوره انتخابات ریاست جمهوری است.

۳. مراد، آقای سید احمد خمینی است.

٤. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۱۵.

۵. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۱۸.

▣ پیام

زمان: ۲۳بهمن ۱۳۵۸/۲۵ربیع الاول ۱۴۰۰ **مکان:** تهران، بیمارستان قلب
موضوع: پاسخ پیام تبریک اولین سالگرد انقلاب اسلامی
مخاطب: لئونید برژنف (صدر هیات رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیر شوروی)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت لئونید برژنف، صدر هیأت رئیسه شورایعالی اتحاد جماهیر شوروی مسکو

با تشکر از پیام آن حضرت به مناسبت اولین سالگرد انقلاب اسلامی ملت شریف ایران و ضمن ابلاغ مراتب توجه و علاقه ما به ملت دوست کشور شوروی، امیدواریم که صلح جهانی بر پایه استقلال ملتها و عدم مداخله در امور یکدیگر و مراعات اصل حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه بنا گردد و هرگونه تعرضی به کشورهای دنیای سوم و اسلامی و بخصوص در این منطقه برخلاف موازین است که باید پایه و اساس درستی مابین ملتها باشد.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ پیام

زمان: ۲۸بهمن ۱۳۵۸/ ۳۰ربیع الاول ۱۴۰۰ **مکان:** تهران، بیمارستان قلب
موضوع: استقلال، رأس برنامه دولت و ملت **مخاطب:** شرکت‌کنندگان درکنگره انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

کنگره انقلاب اسلامی! پیام جامع الاطراف را ملاحظه نمودم. از تفقد آقایان و حسن نظر به این ناچیز متشکرم. امید آن دارم که شما نخبگان ملت و متعهدان اسلام عزیز موفق باشید که انقلاب بزرگ اسلامی را تا منتهای مقصد که حکومت الله بر جمیع شئون کشور است ادامه دهید. و امید آن دارم که با وحدت کلمه و کوشش در راه التیام بین قشرهای مختلف، موفق شوید که نمایندگانی متعهد، متفکر، دلسوز به

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۳.

ملت و خصوص طبقه مستضعف و خدمتگزار به اسلام و مسلمین، در مجلس شورای اسلامی بفرستید، و ملت بزرگ را برای این امر اسلامی ملی برانگیزید، و پس از تشکیل مجلس نیز از مجلس و دولت پشتیبانی کنید. و در رأس برنامه ملت و دولت باید استقلال همه جانبه کشور، از قوای انتظامیه گرفته تا قوای تقنینیه و قضاییه و اجراییه [باشد] . و از پیوستگیهای زمان طاغوت به قدرتهای شیطانی احتراز و دست آنان را از این سفره یغمای عهد سلطنت شیطانی قطع نمایید. و امید آن دارم که مجلس شورای اسلامی و دولت انقلابی اسلامی تصفیه کامل از عناصر ضد انقلاب و ضد اسلام را به طور قاطع و انقلابی شروع نمایند. و آخرین عرض من آن است که از اختلاف که منشأ همه بدبختیهاست و مخالف رضای خدای متعال است احتراز، و نمایندگان محترم مجلس از رفتار و گفتاری که در مجالس زمان طاغوت برخلاف موازین شرعیه و اخلاقیه انجام می گرفت اجتناب و در مخالفتهای آرایی و سیاسی از حدود اخلاق انسانی تجاوز ننمایند. از خداوند متعال، توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین و کشور مسئلت می نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۳۰ ربیع الاول ۱۴۰۰ / ۲۸ بهمن ۵۸ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◘ پیام

زمان: ۴اسفند ۱۳۵۸ / ۶ربیع الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، بیمارستان قلب
موضوع: تصمیم‌گیری درباره جاسوسان امریکایی واسترداد شاه مخاطب: ملت، دولت و رئیس جمهور

بسم الله الرحمن الرحیم

جنایات شاه مخلوع چیزی نیست که از یاد ملت رفته باشد و یا بشود از یاد برد. بر همه روشن است که محمدرضا پهلوی ما را از هر جهت وابسته به امریکا کرده بود؛ چه از نظر اقتصادی و سیاسی و چه از نظر فرهنگی و نظامی و چه از نظر معنوی و

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۵۶.

خصلتهای انسانی، و اگر مهلت می یافت، به اسلام ضربه جبران ناپذیر می‌زد. همه می‌دانند که دست او و پدرش به خون بزرگ و کوچک این مرز و بوم آغشته است.

کشتار دسته جمعی و زندان و شکنجه و تبعید از امور رایج رژیم این پلید بود. شاه به حمایت و پشتیبانی دولت امریکا دست به این جنابات وحشیانه زد و ملت ما را از هستی ساقط کرد.

ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و امریکا و عمال آنان دست از مبارزات بر حق خویش بر نمی دارد و نخواهد برداشت.

دولت ایران و جناب آقای رئیس جمهور، تمام کوشش و سعیشان را در استرداد شاه خائن و أخذ اموال ملت ایران از او بنمایند که ملت دلیر، دست از این خواست بر حقشان بر نمی‌دارند و قدمی به عقب نمی‌گذارند.

یکی از آثار این خواست، تصرف لانه جاسوسی بود که مورد تأیید ملت قرار گرفت و چیزی جز عکس العمل جنایات دولت امریکا نمی تواند باشد. اکنون که «کمیسیون بررسی و تحقیق در مداخلات گذشته امریکا در امور داخلی ایران» از طریق رژیم شاه سفاک، توسط جناب آقای رئیس جمهوری و شورای انقلاب اسلامی ایران تحقق می پذیرد، جنایات آنان به اثبات خواهد رسید.

لازم است در آن روز، معلولین عزیز و قهرمان انقلاب ما، در این مجمع حضور یابند و خانواده شهدا، طومارهای جنایات شاه و امریکا را به محکمه بفرستند.

همان طور که بارها گفته ام ما خواستار استرداد شاه و اموال ملت از او می باشیم و دانشجویان مسلمان و مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند با عمل انقلابی خودشان ضربه ای بزرگ بر پیکر امریکای جهانخوار وارد نمودند و ملت را سرافراز کردند؛ ولی از آنجا که در آینده نزدیک نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی اجتماع می نمایند امر گروگانها، با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگانها و امتیازاتی که در قبال آنان باید بگیرند تصمیم گیرند؛ زیرا این مردمند که باید در

جریانات سیاسی دخالت داشته باشند. البته تا تشکیل مجلس شورای اسلامی، شورای انقلاب و جناب آقای رئیس جمهور کوشش خودشان را درباره برگرداندن شاه و اموال ملت و جریانات سیاسی که زمینه اینگونه خواستها را فراهم می کند، مبذول دارند. از خداوند متعال، نصرت اسلام و شکست دشمنان اسلام را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۱۵ اسفند ۱۷/۱۳۵۸ ربیع الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند

موضوع: پاسخ پیام ارسالی به مناسبت بهبودی حال امام و ترک بیمارستان [۲]

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی ـ دامت برکاته

از وصول تلگراف محبت آمیز آن جناب در مورد انتقال اینجانب از بیمارستان به منزل متشکرم. سلامت و موفقیت حضرتعالی را از خدای تعالی خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱٦۱ و ۱٦۲.

۲. در پی بهبود حال امام و ترک بیمارستان این تلگراف از سوی آقای مرعشی نجفی (از مراجع بزرگ تقلید) صادر شده بود:

بسمه تعالی

تهران حضور محترم رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران حضرت مستطاب آیت الله آقای خمینی ـ دامت برکاته ـ خبر مسرت‌بخش بهبودی آن جناب و ترک بیمارستان قلب شادی و شعف زایدالوصفی در قلوب دوستان، خاصه اینجانب را برانگیخت و این عیدی بزرگ خداوند سبحان در آستانه سال نو به ملت مسلمان ایران اعطا فرمود. امیدوارم جزئی نقاهت سرکار نیز رفع و بزودی به وطن مألوف مراجعه فرمایید. والسلام علیک و رحمة الله و برکاته. ۱٦ ربیع الثانی ۱٤۰۰ ـ قم شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی.

۳. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۷۱.

◙ پیام

زمان: ۲۰ اسفند ۱۳۵۸/۲۲ ربیع الثانی ۱۴۰۰
مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: امریکا و گروگانهای جاسوس
مخاطب: ملت ایران
مناسبت: تشکیل هیأت بررسی جنایات شاه و دولت امریکا

بسم الله الرحمن الرحیم

ملت شریف و مبارز ایران! جنایات شاه و امریکا چیزی نیست که احتیاج به اثبات داشته باشد. شاه و امریکا، ما را در تمام زمینه ها وابسته نموده اند. قتل و ضرب و شتم[1] و زندان و تبعید از امور رایج این جانیان بوده است. ما تا آخر عمر، علیه دولت امریکا مبارزه می کنیم، و تا آن را به جایش ننشانیم و دستش را از منطقه کوتاه نکنیم، و به تمام مبارزان راه آزادی کمک نکنیم تا آنها را شکست دهند و خود مردم ایران سرنوشت خویش را به دست گیرند، از پای نمی نشینیم. برای ما شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار فرقی نمی کند. ما می جنگیم و چون حق پیروز است پیروزیم. سلطه امریکا تمام بدبختیهای ملل مستضعف را به دنبال دارد، و تجاوز شرق متجاوز روی تاریخ را سیاه نموده است.

ملت عزیز ایران! بیدار باشید که سالیان دراز مبارزه در پیش دارید، ابرقدرتها برای نابودی شما هر روز نقشه می کشند؛ ولی ﴿ان کید الشیطان کان ضعیفا﴾[2] مسئله‌ای که این روزها عنوان شده است، قضیه امریکا و گروگانهای جاسوس امریکایی است که در دست دانشجویان مسلمان و مبارز است. در این مورد مطالبی چند را متذکر می شوم:

۱ ـ رونوشت کلیه مدارک مربوط به دخالت امریکا و شاه خائن را باید در اختیار هیأت بررسی و تحقیق جنایات دولت امریکا و شاه گذاشت؛ و دانشجویان

---

۱. دشنام دادن، ناسزا گفتن.

۲. بخشی از آیه ۷٦ سوره نسا: «به تحقیق که نیرنگهای شیطان، سست و ضعیف است».

مسلمان هم اگر مدارکی در این مورد دارند، رونوشت آن را در اختیار این هیأت بگذارند.

۲ـ ملاقات با گروگانهایی که در پرونده جنایات امریکا و شاه دخالت دارند، برای بازجویی از آنان آزاد است.

۳ـ اگر هیأت بررسی، نظر خودش را در تهران، درباره جنایات شاه مخلوع و دخالتهای امریکای متجاوز ابراز داشتند، ملاقات با تمامی گروگانها بلامانع است.

بار دیگر پشتیبانی خود را از شورای انقلاب و شخص جناب رئیس جمهور اعلام می دارم، و از همه می خواهم که آنان را یاری کنند و در پشتیبانی از آنان کوتاهی نکنند. و از همه قشرها می خواهم که از اخلاق پسندیده اسلام پیروی نمایند و حقوق برادری را حفظ نمایند.

خواهران و برادران عزیزم! امروز روز اتحاد و اتفاق است. امروز روزی است که اگر هماهنگ نباشید، یا گرفتار شرق می شوید و یا غرب. هرگز روی یک سخن نایستید و هر چه صلاح این مرز و بوم و ملت و اسلام است، انجام دهید. نهضت ملت شریف ایران برای قطع ایادی دشمنان ادامه دارد؛ و تا امریکا وسایر ابرقدرتها به ستمکاری و جنایات خود ادامه می دهند ملت ما به مقابله و مبارزه خود با آنان ادامه می دهد، و استقلال همه جانبه خود را با تمام قوا حفظ می کند. بر روشنفکران است که هر چه بیشتر در رسوایی ابرقدرتها و قدرتها بکوشند. و امیدوارم که خمینی از راه مستقیم اسلام که مبارزه با قدرتهای ستمگر است، هیچ گاه منحرف نشود، و برای به ثمر رساندن اهداف اسلام ازپای ننشیند؛ چنانکه امیدوارم ملتهای مسلمان و خصوصاً ملت مبارز ایران، در این هدف اسلامی کوشا باشند و مبارزه خود را علیه ستمگران شرق و غرب ادامه دهند. از خداوند متعال نصرت اسلام و مسلمین را خواستارم.

والسلام علیکم. ۲۰ اسفند ماه ۵۸ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۷۵ تا ۱۷۶.

◙ نامه

زمان: ۲۷ اسفند ۱۳۵۸/ ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند

موضوع: پاسخ پیام ارسالی به مناسبت بهبودی حال امام و ترک بیمارستان

مخاطب: گلپایگانی، سید محمد رضا (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله گلپایگانی ـ دامت برکاته

تلگراف[۱] شریف واصل و موجب تشکر گردید. امید است ملت شریف ایران، راه نهضت اسلامی را به پیش برده و از ارشادات جنابعالی بهره مند شوند، و انتخاباتی که در دوره دوم صورت می پذیرد چون این دوره با تعهد و وظیفه اسلامی انجام گیرد.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱ . در پی بهبودی حال امام خمینی و ترک بیمارستان، تلگرافی از سوی آقای گلپایگانی (از مراجع بزرگ تقلید) به این شرح صادر شد:

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای خمینی ـ دامت برکاته ـ خداوند متعال را از اینکه ادعیه مسلمانان و علاقه مندان به وجود شریف را استجابت و حضرتعالی را به سنگر حمایت از احکام دین مبین اسلام و حریم تشیع و ولایت باز گرداند سپاسگزارم. إن شاءالله تعالی در ظل عنایات خاصه حضرت بقیه الله امام عصر ـ ارواح العالمین له الفدا ـ در نظارت بر جریان امور کشور و حفظ مصالح اسلام و مسلمین و ارغام عَنْف مغرضین و جلوگیری از ابتذال مبتذلین و تأویلات و مداخلات مبتدعین بیش از بیش موفق و منصور باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته .

١٦ ربیع الثانی ١٤٠٠/ ١٤ اسفند ٥٨ الگلپایگانی

۲ . صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۸۹ .

◙ نامه

زمان: ۲۷اسفند ۱۳۵۸/ ۲۹ربیع الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: قطع وابستگی نظامی، فرهنگی و اقتصادی به امریکا
مخاطب: محمد حسنین هیکل «روزنامه نگار شهیر مصری»

بسم الله الرحمن الرحیم

۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۰ / ۲۷ اسفند ماه ۵۸

جناب آقای محمد حسنین هیکل

نامه شما وقتی به تهران رسیده بود که من مریض و در بیمارستان بستری بودم؛ و به همین جهت مطلع نشدم. و اکنون که آن را خواندم، لازم است این حقیقت را گوشزد نمایم که مسائل امریکا چنان نیست که با این قضایا حل شود. و برای اینکه کشورهای اسلامی بخواهند روی پای خود بایستند باید وابستگی نظامی و فرهنگی و اقتصادی و هر نوع وابستگی دیگر خود را با امریکای جهانخوار و کشورهای استعمارگر قطع نموده و استقلال خود را حفظ کنند. و به هر ترتیب از اظهار محبت جنابعالی متشکرم؛ و امیدوارم عموم مسلمانان جهان در پیروی از دستورات مقدس اسلام کوشا و موفق باشند. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

◙ پیام

زمان: ۱۵فروردین ۱۳۵۹/ ۱۸جمادی‌الاول ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: پاسخ تلگراف تبریک اولین سالگرد تأسیس جمهوری اسلامی ایران
مخاطب: لئونید برژنف، «صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی»

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور آقای لئونید برژنف، صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی ـ مسکو

تلگراف آن حضرت به مناسبت نخستین سالگرد جمهوری اسلامی ایران

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۹۰.

واصل و موجب تشکر گردید. امید است به همان گونه که برای ملت ما آرزوی حق حاکمیت و استقلال نموده اید، استقلال همه ملتها و بخصوص ملل اسلامی پیوسته مورد نظرتان باشد و جلوی هرگونه دخالت نیروها را در امور دیگران بگیرید تا همگان در پناه استقلال و آزادی بتوانند حقوق از دست رفته خود را از استعمارگران باز پس گیرند. ۱۵ فروردین ۵۹ روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پیام

زمان:۸اردیبهشت ۱۳۵۹/ ۱۲جمادی‌الثانی ۱۴۰۰ **مکان: تهران، شمیران، دربند**
موضوع: تجاوز امریکا به خاک ایران **مخاطب: فیدل کاسترو (رئیس جمهور کوبا)**

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آقای فیدل کاسترو، رئیس جمهور کشور دموکراتیک کوبا ـ هاوانا

تلگراف پشتیبانی آن حضرت از انقلاب عظیم ملت شریف ایران واصل گردید. از اظهار همدردی و حمایتی که در این موقع حساس از ملت مظلوم و رنجدیده ما نموده اید متشکرم. آقای کارتر با تجاوز آشکار خود به خاک ایران، چهره واقعی خود را به مردم دنیا نشان داد، و ادعاهای دروغین دفاع از حقوق بشر و انساندوستی خود را با این عمل وحشیانه به اثبات رسانید. و ما به یاری خدا تا نابودی کامل دشمنان اسلام و ملتهای مستضعف جهان در برابر آنان، و بخصوص در مقابل امریکای جهانخوار، ایستادگی خواهیم کرد. و همان ایمان به خدا ضامن پیروزی ما بر همه دشمنان خواهد بود. تایید آن حضرت و ملت شما را خواهانم.

۸اردیبهشت ۵۹

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۲۶.

۲. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲٦۱.

▣ پیام

زمان: ۱۰اردیبهشت ۱۴/۱۳۵۹جمادی‌الثانی ۱۴۰۰ مکان: تهران، شمیران، دربند
موضوع: تجلیل از کارگران مسلمان و زحمتکش مناسبت: روز جهانی کارگر
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

روز کارگر را به ملتهای زحمتکش و خصوص کارگران به واژه اعم، تبریک عرض می کنم. کارگران از ارزشمندترین طبقه و سودمندترین گروه در جامعه‌ها هستند. چرخ عظیم جوامع بشری با دست توانای کارگران در حرکت و چرخش است. حیات یک ملت، مرهون کار و کارگر است. کار خلاصه نمی شود به جنبش مخصوص و کارگر خلاصه نمی شود به گروهی خاص؛ و به این انگیزه، روز کارگر روز همه ملت است نه بخش خاصی از آن. از این عموم استثناء می شود کارهای تخریبی و کارگران مخرب؛ هم آنان که به اسم طرفداری از کارگران از کار آنان جلوگیری می کنند و پشت نقاب طرفداری از دهقانان، خرمنهای آنان را که حاصل دسترنج یکساله آنان است به آتش می کشند، و زیر ماسک خدمت برای کارگران در کارخانه ها با تمام توان اخلال می کنند؛ این روز از آنان نیست و از دشمنان آنان است. آنان که در نقاب خدمت به خلق، مسلحانه بر ضد خلق قیام می کنند و ناجوانمردانه دست به انفجار در مجامع عمومی که اکثراً خلق زحمتکش و کارگر مستمند در آنجا حضور دارند می زنند؛ و ملت شریف دید که در انفجار تهران، آن که شهید شد کارگر بود و ناچار زخمیها هم اکثراً از این طبقه هستند. در این قیامهای مسلحانه در اطراف کشور و در دانشگاهها و در این انفجارهای متعدد در اهواز و غیره، دست جنایتکار امریکا پیداست و از ماهیت این گروهها که در هر خرابی و ضدیت با توده های مستضعف پیشگام هستند پرده برداشته می شود.

روز کارگر روز دفن سلطه ابرقدرتهاست که با کار با واژه اعم، استقلال در همه ابعادش به مستضعفین جهان برمی گردد و ابرقدرتهای آدمخوار و عالمخوار خلع

سلاح می شوند؛ و گویی که در آستانه روز کارگر، این انفجارهای پی درپی بی رابطه با این روز نباشد. ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآرد و به کار بپردازد. از متن دانشگاهها تا بازارها و کارخانه ها و مزارع و باغستانها تا آنجا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد. ملت اسلامی ما باید به قدرت الهی خود اتکا کند و از این انفجارهای خائنانه که به دست گروهکهای بی‌فرهنگ و وابسته به اجانب وجود پیدا می کند نهراسد؛ که اینان با این خرابکاریها و شرارتها گور خود و اربابان جهانخوار خود را می‌کنند. نویسندگان و گویندگان ما ملت را با قلمها و زبانهای خود به پیش ببرند و جوانان برومند ما را از این پیشامدهای ناچیز نترسانند که جوانان ما مرد شهادت و شهامتند و از قلمهای مزدور آسیب برنمی‌دارند.

کار آقای کارتر، که از رزمندگی به راهزنی و از دخالت نظامی به پنهانکاری و انفجار کشیده است، او را به صورت یک موجود مفلوک درآورده که همکاران هوشمند خودش به او پشت کرده‌اند و در قدرت نظامی او تردید نموده‌اند، و چنین موجودی ملت شجاع ما را نخواهد ترساند. ای ملت عزیز، بهوش باشید و هوشمندانه این ریشه های پوسیده رژیم سابق را شناسایی کنید و به کمک شهربانی و سپاه پاسداران و کمیته ها در این شناسایی بشتابید، و به خدای بزرگ اتکال کنید و از تفرقه و تشتت بپرهیزید که خدا با شماست و دست خدا فوق دستهاست.

اینجانب اخیراً از تمام قشرهای متعهد تقاضا می کنم در این لحظات حساس دست از انتقاد نهادهای اسلامی؛ خصوصاً قوای انتظامی بردارند و کوشش کنند برای تقویت روحی آنان. از خداوند متعال وحدت کلمه ملتهای اسلامی و قشرهای ملت مبارز ایران را خواستارم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۱۰ اردیبهشت ۵۹ — روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲٦٤ و ۲٦٥.

▣ پیام

زمان: ۴ خرداد ۱۳۵۹ / ۱۰ رجب ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: لزوم احترام به حق حاکمیت ملتها و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور دیگران
مناسبت: شصتمین سالگرد برقراری روابط سیاسی ایران و مسکو
مخاطب: لئونید برژنف (صدر هیات رئیسه اتحاد جماهیر شوروی)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آقای لئونید برژنف، صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی

مسکو

تلگراف تبریک آن حضرت به مناسبت شصتمین سالگرد برقراری روابط سیاسی بین دو کشور واصل گردید. ضمن ابراز احترام متقابل امید است به همان گونه که در پیام خود آرزو کرده اید احترام به حق حاکمیت ملتها و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور دیگران پیوسته مورد توجه شما و سایر رهبران جهان باشد و روابط میان کشورها روابط دوستانه به معنای واقعی آن بوده و برقرار گردد. از خدای تعالی ایجاد صلح و صمیمیت در میان همه ملتها و قطع ایادی استعمارگران و بخصوص ابرقدرتهای ستمکار را از سر مستضعفین جهان مسئلت دارم.

چهارم خرداد ۱۳۵۹ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۱ خرداد ۱۳۵۹ / ۱۷ رجب ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: تشریح جنایتهای امریکا و رژیم شاه در نیم قرن گذشته
مناسبت: تشکیل کنفرانس رسیدگی به جنایات امریکا و شاه
مخاطب: اعضای کنفرانس رسیدگی به جنایات امریکا

بسم الله الرحمن الرحیم

اکنون که نمایندگان بعضی از ملتها و احزاب سیاسی برای رسیدگی به جرایم دولت امریکا و وابستگان آن از آن جمله محمدرضا شاه مخلوع به ایران، این کشور

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳٤۲.

غارتزده مظلوم آمده اند با تشکر از زحمات آنان باید تذکر دهم که ملت و دولت ایران قادر نیستند که جمیع اسناد جرایم پنجاه ساله رژیم سابق و جرایم بیش از سی سال دولت امریکا را به شما نمایندگان محترم عرضه دارند.

چطور ممکن است اسناد قتلها و شکنجه های وحشیانه و زندانهای رژیم سفاک گذشته را در طول پنجاه سال از سراسر کشور جمع آوری کنند؟ و چگونه می‌توانند اسناد و اسامی شهدای مسجد گوهرشاد و قتل عامهای مکرر در طول سلطنت غاصبانه محمدرضا، و از ۱۵ خرداد ۴۲ تا زمان سقوط رژیم را خصوصا در دو سه سال اخیر را جمع آوری کرده و عرضه نمایند؟ و چطور می توانند تمام قراردادهای تحمیلی از طرف دولتمردان امریکا توسط شاه خائن علیه ملت مظلوم ایران را مفصلاً ارائه دهند؟ و چطور ممکن است قبرستانهای شهدای ما را که در سراسر ایران بر اثر کشتارهای دسته جمعی بوجود آمده است ارائه دهند؟ و چگونه ممکن است معلولین از ۱۵ خرداد ۴۲ تا سالهای اخیر را که در شهرهای سراسر کشور متفرقند به شما ارائه دهند؟

آنچه دولت می تواند ارائه دهد اسناد بسیار ناچیزی است که عمال دولت امریکا نرسیده اند تا آنها را محو کنند و اسنادی است که حتی بعد از سقوط شاه در به اصطلاح سفارت امریکا موجود است. با آنکه اکثر اسناد مهم به دست کارمندان این به اصطلاح سفارتخانه پودر شده است که امکان استفاده از آنها دیگر نیست؛ ولی آنچه به دست آمده است دخالت امریکا را در کشور ما ثابت می کند.

مستشاران امریکا در مقدرات کشور مظلوم ما دخالتهای مستقیم داشتند. تحمیل کاپیتولاسیون[۱] بر ملت مظلوم ما به وسیله شاه مخلوع سابق از بزرگترین

---

۱. کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولی، که لایحه آن در ۱۳ مهر ۱۳٤۲ در کابینه اسدالله علم به تصویب رسیده بود، در مرداد ۱۳٤۳ به مجلس سنا رفت و تصویب شد. این لایحه در زمان صدارت حسنعلی منصور و در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳٤۳ به مجلس شورای ملی برده شد و از تصویب نمایندگان گذشت. اعتراض شدید امام خمینی به این

جنایات امریکا بود که با مخالفت روحانیون و ملت متدین مواجه گشت، و از آن پس چه ستمها و چه جنایات که بر ملت ما وارد نشد.

شما آقایان نمایندگان بدانید سفارت امریکا که به دروغ نام آن را سفارتخانه گذاشته اند دارای دستگاههایی است که مخصوص جاسوسی در ایران و منطقه است و این محل برای جاسوسی و دخالت در مقدرات کشور ما تأسیس شده بود.

پیاده کردن قوای نظامی در کشوری مستقل جرمی است نابخشودنی و بار دیگر کارتر گفته است دوباره در ایران دخالت نظامی می کنیم. باید بگویم ملت ما آنچه تاکنون از اکثر دولتها دیده است طرفداری از ظالم و محکوم نمودن مظلوم می‌باشد. ملت ما اکنون چشم به شما نمایندگان دوخته اند که برای رسیدگی به جرایم امریکا و شاه مخلوع به ایران آمده اید و از شما امید عدل و انصاف دارد. ما امیدواریم که نتیجه این بررسی محکوم نمودن ظالم باشد.

از خداوند متعال نجات مستضعفین جهان را خواستارم.

والسلام علی من اتبع الهدی. روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ پیام

زمان: ۱۳تیر ۲۱/۱۳۵۹شعبان ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران

موضوع: عدم تعرض به بانوان بدحجاب مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

[امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ استعلام در مورد تعرض عده ای از افراد ناآگاه و احیاناً ضدانقلاب، به بانوان بی‌حجاب دستوری به این شرح صادر فرمودند:]

لایحه و نطق معروف ایشان، موجب خشم شاه و رژیم او شد و به تبعید امام خمینی به ترکیه و سپس به عراق انجامید.

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۹ تا ۳۷۰.

ممکن است تعرض به زنها در خیابان و کوچه و بازار، از ناحیه منحرفین و مخالفین انقلاب باشد. از این جهت، کسی حق تعرض ندارد و اینگونه دخالتها برای مسلمانها حرام است، و باید پلیس و کمیته ها از اینگونه جریانات جلوگیری کنند.
روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۵مرداد ۱۳۵۹/ ۵شوال ۱۴۰۰
مکان: تهران، جماران
موضوع: نجات از سانحه هوایی
مخاطب: بنی صدر، ابوالحسن (رئیس جمهور)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای بنی صدر، رئیس جمهور ـ حفظه الله تعالی

نجات جنابعالی و همراهان محترم از سانحه ای که به حسب عادت مصیبت بار باید باشد نشانه ای از الطاف الهی است برای پیشرفت انقلاب اسلامی. ما از این اموری که دست قدرت حق آشکارا در آن پیداست، که همه در جهت حفظ این کشور و ملت است، کراراً دیده‌ایم و ان شاءالله تعالی از این پس نیز عنایات پروردگار با ماست. و با همه وجود در پیشگاه مقدسش شکرگزاریم. ما همه از خداییم، و باید در راه خدمت به او باشیم. این عنایت معجزه آسا دلیل آن است که شما و همراهانتان در خدمت به کشور اسلامی صدیق بوده و صدیق خواهید بود. شما، به شکرانه این نعمت بزرگ، زندگانی ثانوی خود را بیش از پیش وقف خدمت به اسلام و کشور اسلامی نمایید. و ملت بزرگ با رویت این عنایات پی در پی اطمینان کامل داشته باشند که مادام که در خدمت اسلام هستند. آسیب پذیر نیستند. و دشمنان کوردل این کشور بدانند که با توطئه ها و شیطنتها نخواهند توانست کشور اسلامی را آسیب رسانند. و ملت ما تا پای جان در خدمت به اسلام حاضر، و در پشتیبانی از نهادهای اسلامی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۵۰۲.

مصمم هستند. و از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و کشور اسلامی ایران را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله. ۲۵ مرداد ۵۹

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◙ نامه

زمان: ۸ شهریور ۱۳۵۹/ ۱۹ شوال ۱۴۰۰ — مکان: تهران، جماران

موضوع: اصلحیت عضویت در شورای نگهبان — مخاطب: مهدوی کنی، محمدرضا

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر اقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دامت برکاته]

چنانکه خاطر شریف مستحضر است در کابینه جدید، مسئولیت وزارت کشور به اینجانب پیشنهاد شده است، با توجه به اینکه به امر حضرتعالی قبلاً به عضویت فقهای شورای نگهبان قانون اساسی منصوب و مشغول به کار شده‌ام، و نیز با توجه به اینکه جمع میان این دو مسئولیت خطیر عملا امکانپذیر نیست. استدعا دارم اوامر شریف و راهنماییهای لازم را در این مورد صادر فرمایید. ادام الله ظلکم العالی. ۵۹/۶/۸ محمدرضا مهدوی کنی]

بسمه تعالی

من بهتر می دانم جنابعالی در شورای نگهبان باشید؛ مگر اینکه برای وزارت کشور کسی که شرایط را دارا باشد پیدا نکنید. ان شاءالله تعالی موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

◙ پیام

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۰۹.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۷۰.

زمان:۱۵شهریور ۱۳۵۹/ ۲۶شوال ۱۴۰۰[۱] مکان: تهران، جماران
موضوع: تجلیل از مقام آقای طالقانی مناسبت: سالگرد ارتحال آقای طالقانی
مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۵ شهریور ۵۹ / ۲۶ شوال ۱۴۰۰

یک سال از رحلت شخصیتی ارجمند و عزیزی ارزشمند گذشت. یک سال از فقدان مردی گذشت که می‌توانست به انقلاب اسلامی و پیشرفت اهداف مقدس اسلام خدمتهای ارزنده‌ای کند. او می‌توانست با رفتار و گفتارش به اعصاب ناآرام که موجب نگرانیها و تفرقها می شوند آرامش بخشد. مجاهد بزرگوار و عالم هوشیاری که از عنفوان[۲] جوانی تا آخرین لحظات زندگانی در خدمت به اسلام و کشورهای اسلامی متحمل رنجها و حبسها و فشارها بود و هیچ گاه از این زحمت ارجمند و خدمت سودمند کناره گبری نکرد و به کوشش خود در راه هدف و انقلاب ادامه داد. مرحوم مجاهد متعهد و مبارز عظیم‌الشأن طالقانی عزیز به جوار اجداد عالیقدرش شتافت و ما نیز ان شاءالله تعالی همان راه را خواهیم رفت. ملت عزیز باید در این وقتی که قدرتهای جهانی در پیکار با اسلام و کشور ما بسیج شده اند و مفتیان درباری به کمک صهیونیسم جهانی و قدرتهای شیطانی در تفرقه افکنی بین مسلمانان بپا خاسته‌اند، با اتکال به قدرت بی‌پایان حق تعالی و هوشیاری، وحدت خود را حفظ کنند و با شور انقلابی به پیش روند.

و ملتهای مستضعف و پیروان مکتب اسلام از این شیاطین به صورت انسان،

---

۱. در صحیفه نور، تاریخ ۵۹/٦/۱۸ درج شده است. اما تاریخ صدور پیام به استناد تاریخ شمسی و قمری مندرج در نسخه دستنویس که تصویر آن نیز در روزنامه اطلاعات مورخ ۵۹/٦/۱۸، ص ١٦ درج شده است، ۱۵شهریور ۵۹ مطابق با ٢٦ شوال ١٤٠٠ می باشد.

۲. اول جوانی.

گول نخورند و خود و اسلام عزیز را با وحدت کلمه و قدرت الله اکبر، از دست قدرتهای شیطانی نجات دهند، و از این جنود ابلیسی نهراسند که خداوند تعالی با ماست مادامی که ما برای رضای او نهضت را به پیش بریم. از خداوند تعالی رحمت برای مجاهد محترم و صبر برای خاندان محترم ایشان خواستار است. و امید است ملت عظیم ایران قدردانی از خدمتگزاران به اسلام و ملت، و سالروز معظمٌ له را احترام نمایند. والسلام علی عبادالله الصالحین. روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ نامه

زمان: ۲۲شهریور ۱۳۵۹/ ۳ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ به تلگراف ارسالی
مخاطب: گلپایگانی، سید محمدرضا (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی ـ دامت برکاته ـ قم

تلگراف شریف مبنی بر نگرانی اوضاع واصل گردید. ان شاءالله تعالی ارشادات حضرتعالی و سایر مراجع و علمای اعلام موجب آرامش و عمل به موازین اخوت اسلامی گردد. معلوم است اختلافات ریشه داری در کار نیست و همه بحمدالله تعالی وفادار به جمهوری اسلامی و پیرو احکام آن هستند و گله‌های لفظی ان شاءالله تعالی حل و موجب تفاهم خواهد شد. آقایان متذکر هستند که با مشکلات فراوان کشور و خطرهای متوقع برای اسلام و مسلمین، این برخوردها که به نفع دشمنان است، با موازین عقلی و شرعی وفق نمی دهد. از خداوند تعالی اصلاح امور و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۸٤ و ۱۸۵.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

▣ نامه

زمان: ۲۲شهریور ۱۳۵۹/ ۳ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: پایان دادن به اختلافات
مناسبت: اختلاف بنی صدر با روحانیون پیرو خط امام
مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین «از مراجع عظام تقلید»

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی ـ دامت برکاته ـ قم

به دنبال مذاکرات و مصاحبات چند روزه که اظهار تأسف و ناراحتی کرده بودید و وسیله مخابره تلگراف، اعلام آن را نموده بودید، باید عرض کنم گرچه قشرهای مختلف نیز ناراحت شده اند لیکن آقایان متوجه هستند که در این وضع فعلی باید به این اختلافات جزئی پایان دهند و ملت را از نگرانی درآورند. امید است به دعای جنابعالی و سایر آقایان، مسائل به خوبی حل شود.

والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ اجازه نامه

زمان: ۲۵شهریور ۱۳۵۹/ ۶ذی‌القعده ۱۴۰۰ مکان: تهران، جماران
موضوع: استقلال فعالیتهای آستان مقدس قم از سایر ارگانها و نهادها
مخاطب: مولایی، احمد «مسئول آستان مقدس قم»

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی

چنانچه خاطر مبارک مستحضر است آستانه مقدسه فاطمه معصومه سلام الله علیها در رژیم سابق تحت نظر اوقاف اداره می شده و سالهاست به همین منوال بوده؛ ولی اکنون در دوران جمهوری اسلامی با توجه به اینکه شهر مذهبی قم مرکز تشیع و

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۶.

حوزه عظیم علمیه می باشد و این حوزه مقدسه روز به روز رو به توسعه است، فعالیت خود را به صورت مستقل از سازمان اوقاف و سایر ارگانهای اداری دنبال نموده تا بهتر از قبل بتواند به وظایف مهم خود عمل کند و این امر مستلزم امر مبارک و اظهارنظر آن حضرت می باشد. خادم آستانه مقدسه قم ـ احمد مولایی ۱۳۵۹/۵/۲۹ هجری شمسی]

بسمه تعالی

آستانه مقدس قم و موقوفات مربوط به آن از اوقاف جداست و مستقلاً تحت نظر فقیه باید اداره شود. روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ اطلاعیه دفتر امام خمینی

زمان: ۲۶آذر ۱۳۵۹/ ۹صفر ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: درخواست لغو راهپیمایی ۵۹/۹/۲۷ـبازگشت آقای طاهری به اصفهان

مخاطب: مردم، روحانیون و علمای شهرستانها ـنمایندگان مجلس واحزاب سیاسی

بسم الله الرحمن الرحیم

پیرو اطلاعیه های متعددی که از سوی حضرات آقایان آیات عظام و حجج اسلام و علمای اعلام شهرستانها دامت برکاتهم و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، انجمنها و گروهها و احزاب و دستجات و سازمانها و اصناف و شخصیتهای محترم دیگری که در مورد تعطیل و راهپیمایی سراسری روز پنجشنبه دهم ماه صفر برابر با ۲۷ آذر ماه ۵۹ اعلام شده بود،[۲] حضرت امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۱۹.

۲. در پی بالا گرفتن اختلافات ابوالحسن بنی صدر (رئیس جمهور وقت) با نخست وزیر و روحانیت و نیروهای خط امام، و در جریان تجمع هواداران بنی صدر در مشهد که بیشتر از سوی اعضا و هواداران سازمان منافقین و (دفتر همکاریهای مردم با رئیس جمهور) که در نقش یک حزب سیاسی تندرو عمل می کرد، ساماندهی و حمایت می شد، عده ای به قصد ایجاد اغتشاش شعار اهانت آمیز داده و عکس امام خمینی را پاره کردند. انتشار این خبر

ضمن تشکر و تقدیر و سپاسگزاری صمیمانه از احساسات و عواطف همگی آنان فرمودند: «با توجه به حساسیت زمان در مقطع فعلی که ما گرفتار جنگ با دشمنان اسلام هستیم، و با توجه به اینکه بارها اعلام کرده ایم به خاطر حفظ وحدت، اگر به من و یا به عکس من اهانتی شد مردم عکس العملی نشان ندهند.

بدین وسیله از عموم آنان تقاضا می شود از تعطیل و یا راهپیماییهایی که قرار است به این عنوان انجام شود صرف نظر نمایند و به رفع مشکلات و کارهای دیگری که دارند بپردازند، و حتی الامکان مردم را به آرامش و نظم دعوت کنند». و ضمناً فرمودند: «از جناب آقای حاج سید جلال الدین طاهری دامت افاضاته تقاضا می کنم بنا به درخواست اهالی محترم اصفهان به این شهر باز گشته و کماکان به اقامه نماز جمعه و ارشاد مردم ادامه دهند.[۱]

و ارگانهای انقلابی هم که اعلام دو روز تعطیل نموده اند به کارهای عادی خود مشغول گردند. از خدای تعالی توفیق همگان و پیروزی کامل مسلمانان را بر دشمنان اسلام مسئلت می نماید».

نهم صفر المظفر ۱۴۰۱ / ۲۶ آذر ۱۳۵۹ دفتر امام خمینی[۲]

موجی گسترده از اعتراضات مردمی را در سراسر کشور به همراه داشت و در اعتراض به این حرکت، جمع زیادی از احزاب و تشکلهای اسلامی و جامعه روحانیت اعلام برگزاری راهپیمایی ـ در روز ۵۹/۹/۲۷ ـ کردند.

۱. به دنبال پخش تصویر تجمع اهانت آمیز طرفداران بنی صدر که در پاورقی ۱ توضیح داده شد از تلویزیون اصفهان، و تحرکات تفرقه افکنانه منافقین و هواداران بنی صدر در این شهر، آقای سید جلال الدین طاهری «نماینده امام و امام جمعه اصفهان» با صدور بیانیه ای در اعتراض به این تحرکات از اصفهان به قم هجرت کرد و در پی آن موجی از حرکتها و درخواستهای مردمی برای بازگشت ایشان و برخورد با تفرقه افکنان فضای شهر را در برگرفت. با صدور اطلاعیه دفتر امام و اعلام نظر رهبر انقلاب، فضای ملتهب در کشور و در اصفهان آرام گرفت و آقای طاهری نیز به این شهر بازگشت.

۲. صحیفه امام، ج ۱۳، ص ٤٠٦ و ٤٠٧.

◙ نامه

زمان: ۱۲ بهمن ۲۵/۱۳۵۹ ربیع‌الاول ۱۴۰۱
مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی به خانواده معدومان کودتای نافرجام نوهد
مخاطب: فکوری، جواد (وزیر دفاع)

[بسمه تعالی

پیشگاه امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

پیرو اوامر آن رهبر در مورد بررسی وضع بازماندگان معدومین کودتای نافرجام، به سه نفر از پرسنل نیروی هوایی، تیپ نوهد و نیروی زمینی جمهوری اسلامی مأموریت داده شد که به پیگیری این امر بپردازند. اینک خلاصه اقدامات انجام شده و پیشنهادها را به عرض می رساند:...

پیشنهادها: ۱ـ چون سکونت این عده در خانه های سازمانی مغایر با اصول حفاظتی بوده، برای سهولت بیشتر آنان قرار شد منازل سازمانی آنها تخلیه گردد.

۲ـ با توجه به هزینه زندگی و مسکن، به هر خانواده با یک فرزند مبلغ سی هزار ریال و در ازای هر فرزند اضافی مبلغ پنج هزار ریال به خانواده‌ها پرداخت شود.

۳ـ وامی جهت خرید خانه به خانواده ها پرداخت و در ازای بازپرداخت این وام مقدار کمی از مستمری آنها کم شود.

ضمناً گزارش هیأت بررسی مشکلات خانواده های معدومین به پیوست جهت مقتضیات اوامر عالی تقدیم می‌گردد.

وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران ـ سرهنگ خلبان جواد فکوری]

بسم الله الرحمن الرحیم

مراتب فوق مورد موافقت است امید است خانواده این اشخاص در دامان

اسلام و ملت اسلامی با رفاه زندگی کنند و سعادت خویش را در دنیا و آخرت تأمین نمایند. از خداوند تعالی سعادت و سلامت ملت مسلمان را خواهانم.

۱۲ بهمن ۵۹ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۶ اسفند ۲۹/۱۳۵۹ ربیع الثانی ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: حادثه ۱۴ اسفند در دانشگاه تهران
مخاطب: گلپایگانی، سید محمدرضا (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای گلپایگانی ـ دامت برکاته

پس از اهدای تحیت و سلام، تلگراف[۲] جنابعالی که از نگرانی آن حضرت در قضایای شوم دانشگاه در روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۱۴[۳] حکایت می کرد واصل، تلفنهای بسیاری در دنباله جنایت منحرفین از اطراف نیز واصل گردید. به جنابعالی و عموم ملت شریف اطمینان می دهم که با خواست خداوند تعالی با اینگونه مخالفتهای با اسلام، برخورد شدید خواهد شد، و به دستگاه قضایی گفته ام که قضیه را

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ٤٣.

۲. بسم الله الرحمن الرحیم

تهران حضرت آیت الله آقای خمینی ـ دامت برکاته

بعد از اهدای سلام، اختلافات و برخوردها و درگیریهای اخیر موجب نگرانی شدید است. با توجه به وضع بسیار حساس کشور و جنگ تحمیلی و توطئه‌های بیگانگان اقدام سریع حضرتعالی در اطفای این نائره قبل از بروز فتنه‌های خطرناک و حوادث غیر قابل پیش بینی به نظر حقیر لازم است. نصرت اسلام و وحدت کلمه مسلمین و بقای وجود شریف را از خداوند متعال مسئلت می نمایم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۲۹ ربیع الاخر ۱٤۰۱ الگلپایگانی.

۳. حادثه هنگام سخنرانی ابوالحسن بنی صدر در دانشگاه تهران روی داد و به ایجاد اخلال و اغتشاش توسط طرفداران گروهک منافقین انجامید.

تعقیب و مجرمین و محرکین را شناسایی و محاکمه کنند و نتیجه را به اینجانب اطلاع دهند تا تکلیف آنان به حسب موازین اسلامی معین شود. باید گروهها و دسته های منحرف سیاسی و غیر سیاسی بدانند که من با احساس تکلیف، با آنان برخورد اسلامی و حدود اسلامی می کنم و به شرارتهای ضد اسلامی خاتمه می دهم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. حضرتعالی مردم را دعوت به آرامش فرمایید. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[1]

▣ پیام

زمان: ۲۵اسفند ۱۳۵۹/ ۹جمادی‌الاول ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران

موضوع: بیانیه ده‌ماده‌ای در رابطه با مصالح کشور، امور جنگ و حل اختلافات سران

مخاطب: ملت ایران و مسئولان کشور

بسم الله الرحمن الرحیم

به اطلاع عموم می رساند برای صیانت کشور و جمهوری اسلامی در این موقع حساس و برای حفظ مصالح اسلام و مسلمین مطالب زیر ابلاغ می شود:

۱ ـ معیار در اعمال نهادها قانون اساسی است و تخلف از آن برای هیچ کس چه متصدیان امور کشوری و لشکری و چه اشخاص عادی جایز نیست و متخلف به مردم معرفی می شود و مورد مؤاخذه قرار می گیرد. بنابراین، دخالت هر یک از مقامات در امور مربوط به مقامات دیگر بر خلاف قانون است و دخالت کننده به مردم معرفی می گردد.

۲ ـ مقامات فعلی، ریاست جمهوری، دولت، ریاست دیوانعالی، دادستانی کل کشور، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، قانونی می باشند و کسی حق ندارد

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۱۹٤.

در مصاحبه ها و نطقها و رسانه ها به یکی از این مقامات توهین و یا آنان را تضعیف نماید؛ و متخلف به ملت معرفی و مورد مؤاخذه قرار می گیرد.

۳ـ به همان نحو که آقای رئیس جمهور را به فرماندهی کل قوا منصوب نمودم، باید ایشان را به این مقام بشناسند و فرماندهان قوای مسلح از ایشان بر طبق مقررات اطاعت کنند.

۴ ـ شورای دفاع به نحوی که در قانون اساسی است، مأمور می شود و نمایندگان اینجانب آقای خامنه‌ای[۱] و آقای چمران[۲] می باشند.

۵ ـ مسائل دفاع در شورا مطرح و رسیدگی می‌شود و پس از تصویب، تصمیم در اجرا با فرماندهی کل قواست و قوای مسلح باید اوامر ایشان را اجرا نمایند.

۶ ـ برای رسیدگی به شکایات نسبت به مسائل جنگ و سایر مسائل مورد اختلاف بین مقامات جمهوری اسلامی، هیأتی تعیین خواهد شد مرکب از یک نماینده از طرف رئیس جمهور و یکی از طرف دیگر و یکی از سوی اینجانب که کوشش در حل شکایات نمایند و رأی اکثریت هیأت مذکور معتبر است؛ و در صورت تخلف یکی از مقامات، باید متخلف را به مردم معرفی کنند و مورد مؤاخذه قرار گیرد.

۷ ـ چون در سخنرانیهای رئیس جمهور، نخست وزیر، رئیس دیوانعالی کشور، رئیس مجلس شورای اسلامی، گروههای منحرف و مخالف با جمهوری اسلامی توطئه کرده و موجب فساد می شوند، اینان تا پایان جنگ تحمیلی سخنرانی نکنند. مصاحبه های سالم و سازنده و ارشادی مانع ندارد.

۸ ـ از آنجا که روزنامه‌ها و رادیو ـ تلویزیون عاملی مهم برای ارشاد یا تفرقه و نفاق هستند، هیأت سه نفری فوق، آنها را دقیقاً مورد بررسی قرار می دهند و در

---

۱. آقای سید علی خامنه ای (نماینده امام خمینی در شورایعالی دفاع).

۲. آقای مصطفی چمران.

صورتی که دو نفر از هیأت مذکور، آنها را مضر تشخیص دهند، مراتب را به مردم ابلاغ و به دادستانی کل کشور اطلاع می دهند تا به وظیفه قانونی عمل کند.

۹ ـ اکیداً از مقامات رسمی خواستارم تا با کمک یکدیگر مشکلات کشور را حل نمایند و برادرانه با یکدیگر همکاری نمایند.

۱۰ ـ ائمه جمعه و جماعات ـ ایدهم الله تعالی ـ در خطبه ها و منابر و سایر گویندگان کوشش فرمایند که آرامش در کشور برقرار باشد و از هر سخنی که موجب نگرانی مردم و تفرقه شود خودداری نمایند و مردم را در پشتیبانی از ملت و تمام ارگانهای جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی و قوای مسلح و مردمی تشویق فرمایند. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ تلگراف

زمان: ۹فروردین ۱۳۶۰/۲۲جمادی‌الاول ۱۴۰۱
مکان: تهران، جماران
مناسبت: سوءقصد و ترور نافرجام
مخاطب: ربانی شیرازی، عبدالرحیم (نماینده امام خمینی در استان فارس و عضو فقهای شورای نگهبان)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای ربانی شیرازی ـ دامت افاضاته

از سوءقصد به جنابعالی مطلع شدم[۲] این نحو برخورد با روحانیون متعهد،

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۲. در تاریخ ۱۳٦۰/۱/۸ یک موتورسوار عضو گروه تروریستی فرقان، جلوی بیمارستان حافظ شیراز، به سوی آقای عبدالرحیم ربانی شیرازی تیراندازی می کند که ایشان از ناحیه گردن زخمی می شوند. خوشبختانه و با تلاش پزشکان پس از چندی ایشان سلامت خویش را باز می یابند. آقای ربانی شیرازی در تاریخ ۱۳٦۰/۱/۱٤ طی تلگرافی در پاسخ به پیام امام از الطاف ایشان تشکر نمود و اظهار داشت: «... چند روزی لازم

برنامه منحرفین بوده و هست و غرض آنان خارج نمودن جمع کاردان و متعهد از صحنه است؛ غافل از آنکه به حکم تاریخ، روحانیون آگاه در تمام صحنه‌های سیاسی پیشقدم بوده اند و ترور اشخاص نمی‌تواند آنان را مأیوس کند و راه را برای بدخواهان به اسلام و کشور باز کنند. بحمدالله جنابعالی از این سانحه نجات پیدا نمودید و امید است بزودی صحت خود را بازیافته و به خدمت به اسلام و مملکت ادامه دهید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۲۲فروردین ۱۳۶۰/ ۶جمادی‌الثانی ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: اعلام مرجع تعیین خط مشی سازمان سیاسی ایدئولوژیک ارتش
مخاطب: فلاحی، ولی‌الله (جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش)

بسم الله الرحمن الرحیم

ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

سازمان سیاسی ایدئولوژیک ارتش جمهوری اسلامی ایران در انتخاب خط مشی خود صرفاً تابع ولایت فقیه می باشد. و در امور پرسنلی و لجستیکی تابع ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران است. والسلام.

۱۳۶۰/۱/۲۲

روح الله الموسوی الخمینی [۲]

است در منزل بستری، و استراحت کنم. ان شاءالله در اولین فرصت به محضر مقدستان شرفیاب می گردم».

۱. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۲٤۱.

۲. صحیفه امام، ج ۱٤، ص ۲۸۱.

▣ پیام

زمان: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰/ ۱۲ رجب ۱۴۰۱ مکان: تهران، جماران
موضوع: تبیین عظمت ابعاد بیکران شخصیت امام علی (ع) و نهج البلاغه
مناسبت: برگزاری کنگره هزاره نهج البلاغه مخاطب: شرکت کنندگان در کنگره[۱]

بسم الله الرحمن الرحیم

در کنگره هزاره نهج البلاغه از چه صحبت خواهد شد و از کی معرفی؟ دانشمندان بزرگ جهانی می خواهند مولا امیرالمؤمنین را معرفی کنند و به دیگران بشناسانند یا کتاب نهج البلاغه را؟ ما با کدام مؤونه و با چه سرمایه‌ای می خواهیم در این وادی وارد شویم ؟ درباره شخصیت علی بن ابیطالب، از حقیقت ناشناخته او صحبت کنیم، یا با شناخت محجوب و مهجور خود؟ اصلاً علی - علیه‌السلام - یک بشر مُلکی و دنیایی است که مُلکیان از او سخن گویند یا یک موجود ملکوتی است که ملکوتیان او را اندازه گیری کنند؟ اهل عرفان درباره او جز با سطح عرفانی خود و فلاسفه و الهیون جز با علوم محدوده خود با چه ابزاری می خواهند به معرفی او بنشینند؟ تا چه حد او را شناخته‌اند تا ما مهجوران را آگاه کنند؟ دانشمندان و اهل فضیلت و عارفان و اهل فلسفه با همه فضایل و با همه دانش ارجمندشان آنچه از آن جلوه تام حق دریافت کرده‌اند، در حجاب وجود خود و در آینه محدود نفسانیت خویش است و مولا غیر از آن است. پس اولی آن است که از این وادی بگذریم و بگوییم علی بن ابیطالب فقط بنده خدا بود، و این بزرگترین شاخصه اوست که می‌توان از آن یاد کرد، و پرورش یافته و تربیت شده پیامبر عظیم‌الشأن است، و این از بزرگترین افتخارات اوست، کدام شخصیت می‌تواند ادعا کند که عبدالله است و از همه عبودیتها بریده است، جز انبیای عظام و اولیای معظم که علی - علیه‌السلام - آن

---

۱. پیام امام خمینی، در سالروز ولادت حضرت علی «ع» سیزده رجب در مدرسه عالی شهید مطهری، محل برگزاری کنگره هزاره نهج البلاغه، با حضور جمعی از اندیشمندان داخلی و خارجی توسط آقای سید احمد خمینی قرائت شد.

عبد وارسته از غیر و پیوسته به دوست که حُجُب نور و ظلمت را دریده و بـه مـعدن عظمت رسیده است، در صف مقدم است. و کدام شخصیت است که می تواند ادعا کند از خردسالی تا آخر عمر رسول اکرم در دامن و پناه و تحت تربیت وحی و حامل آن بوده است جز علی بن ابیطالب که وحی و تربیت صاحب وحی در اعماق روح و جان او ریشه دوانده. پس او بحق عبدالله است و پرورش یافته عبدالله اعظم است.[۱]

و اما کتاب نهج البلاغه که نازله روح اوست برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در حجاب خود و خودخواهی خود، معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی و مجموعه ای است دارای ابعادی به اندازه یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی از زمان صدور آن تا هر چه تاریخ به پیش رود و هر چه جامعه ها به وجـود آیـد و دولتـها و مـلتها مـتحقق شـوند و هـرقدر مـتفکران و فیلسوفان و مـحققان بـیایند و در آن غـور کـنند و غـرق شـوند. هـان، فـیلسوفان و حکمت‌اندوزان، بیایند و در جملات خطبه اول این کتاب الهی به تحقیق بـنشینند و افکار بلندپایه خود را به کار گیرند و باکمک اصحاب معرفت و ارباب عرفان این یک جمله کوتاه را به تفسیر بپردازند و بخواهند بحق وجدان خود را برای درک واقعی آن ارضا کنند؛ به شرط آنکه بیاناتی که در این میدان تاخت و تاز شده است آنان را فریب ندهد و وجدان خود را بدون فهم درست بازی ندهند و نگویند و بگذرند، تا میدان دید فرزند وحی را دریافته و به قصور خود و دیگران اعـتراف کـنند و ایـن است آن جمله: مع کل شیء لا بمقارنة و غیر کل شیء لا بمزایلة.[۲]

و این جمله و نظیر آن که در کلمات اهل بیت وحی آمده است، بیان و تفسیر کلام الله است که در سوره «حدید» است و برای متفکران آخر زمان آمده است: ﴿و هو

---

۱. حضرت رسول اکرم (ص).

۲. فرازی از خطبه اول نهج البلاغه و در بیان اوصاف ذات باری تعالی : «... خداوند باهر چیزی هست اما نه بـه مقارنت (و یکسـانی) و غیر هر چیز است نه به کناره گیری (و انفکاک)».

معکم اینما کنتم﴾.[۱] اینک امید آن است که شما دانشمندان و متفکران متعهد که در کنگره ارجمند هزاره نهج البلاغه گرد هم آمدید، ابعاد عرفانی و فلسفی و اخلاقی و تربیتی و اجتماعی و نظامی و فرهنگی و دیگر بعدها را به مقدار میسور بیان فرمایید و این کتاب بزرگ را به جوامع بشری معرفی نموده و عرضه دارید که این متاعی است که مشتری آن انسانها و مغزهای نورانی است. صلوات و سلام بی پایان به رسول اعظم که چنین موجودی الهی را در پناه خود تربیت فرمود و به کمال لایق انسانیت رسانید. و سلام و درود بر مولای ماکه نمونه انسان و قرآن ناطق است و تا ابد نام بزرگ او باقی است و خود الگوی انسانیت و مظهر اسم اعظم است. و سلام و درود بر شما دانشمندان که با زحمت پر ارج و سودمند خود راه رسیدن به اهداف عالی این کتاب مقدس را باز می نمایید. والسلام علی عباد الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ نامه

زمان: ؟ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: عملکرد قوه قضاییه و تایید آقای موسوی اردبیلی
مخاطب: گلپایگانی، سید محمدرضا (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب آیت الله آقای گلپایگانی ـ دامت برکاته

پس از اهدای تحیات، مرقوم محترم که حاوی مسائلی مربوط به آنچه می‌گذرد بود، واصل گردید. موجب تشکر است که جنابعالی مواظب اوضاع هستید، و تذکرات لازم را می دهید. اینجانب از مسائل اطلاع دارم؛ لکن چون مشکلات زیادی که در کار است و گاهی موجب این نحو امور می شود را نیز می دانم و متصدیان امور

---

۱. بخشی از آیه ٤ سوره حدید: «و او (خداوند) با شماست، هر کجا که باشید».

۲. صحیفه امام، ج ١٤، ص ٣٤٧ تا ٣٤٩.

را غالباً می‌شناسم، و خصوصاً جناب حجت الاسلام آقای اردبیلی[۱] را سالها است به تعهد به اسلام و کوشا بودن در حفظ احکام اسلام شناخته ام، در موارد مورد شک نیز می دانم بدون عذر شرعی اقدام به این نحو امور نمی‌نمایند، مع ذلک گفتم عین مرقوم شریف را به ایشان بدهند تا گزارش این مسئله را خدمت عالی عرض کنند. اینجانب به جنابعالی اطمینان می دهم که امثال ایشان بـه هـیچ وجـه مـایل نـیستند تـخلف از موازین نمایند، لکن مشکلات عجیب گاهی موجب این امور می شود.

ان شاءالله تعالی خداوند به برکت دعای جنابعالی کشور اسلامی را از هر آسیب مصون دارد. اخیراً شنیدم جزئی نقاهتی عارض شده است. پس از استفسار معلوم شد بحمدالله رفع گردیده. سلامت و طول عمر جنابعالی را از خداوند تعالی خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

▣ پیام

زمان:۱۸اسفند ۱۳/۱۳۶۰جمادی‌الاول ۱۴۰۲ مکان:تهران،جماران
موضوع:تجلیل از شخصیت و مبارزات آقای ربانی شیرازی مخاطب:ملت ایران
مناسبت:رحلت آقای عبدالرحیم ربانی شیرازی «عضو فقهای شورای نگهبان»

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

با کمال تأسف رحلت غم انگیز جناب حجت الاسـلام والمسـلمین، مـجاهد عزیز، آقای ربانی شیرازی را به اسلام و اولیای معظم اسلام، بویژه حضرت بـقیه الله ارواحنا فداه ـ و به ملت شریف و حوزه های علمیه و اهالی محترم فارس و بازماندگان این فقید سعید تسلیت عرض می کنم. در طول تاریخ، مدعیان فضیلت و مجاهدت و

---

۱. آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس شورایعالی قضایی.

۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۲۹.

شجاعت و تعهد به حق و دین بسیار بوده اند و هستند؛ لکن صاحبان فضایل و مجاهده و تعهد به حق و حقیقت در اقلیتند، و تنها در سختیها و گرفتاریها و حقگوییها در مقابل قدرتهای شیطانی است که مدعیان لافزن از متعهدان بی سروصدا و خالصان فداکار از مغشوشان ریاکار متمایز می شوند. مرحوم مجاهد، سعید ارزشمند، ربانی شیرازی، که اکنون در جوار حق آرمیده و ما از برکات وجودش محروم شدیم از این اقلیت بود. او در طول زندگانی شرافتمندانه خود، چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، در مقابل باطل و باطلها ایستاد و از خود نرمش نشان نداد. او در حبسها و زجرها و ناملایمات با قامت راست انسانهای متعهد ایستادگی کرد و تسلیم نشد. او که خدایش رحمت کند و به جوار قرب حضرتش بپذیرد با روحی ملایم در مقابل دوستان و مؤمنان و مقاوم در برابر دشمنان خلق به لقاءالله پیوست؛ و ما عقب ماندگان که احتیاج به این مردان حق داریم از آن کمال و جمال محرومیم. از خداوند متعال توفیق خدمت برای همگان، و سعادت و صبر در این مصیبت برای دوستان و بازماندگان ایشان را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۸٦.

▣ نامه

زمان:۲خرداد ۱۳۶۱/۲۹رجب ۱۴۰۲ مکان:تهران،جماران
موضوع:موافقت با پیشنهاد بازسازی شهر هویزه با هزینه آستان قدس رضوی
مخاطب:واعظ طبسی،عباس «تولیت آستان قدس رضوی»

بسم الله الرحمن الرحیم

خدمت جناب حجت الاسلام آقای واعظ طبسی، تولیت محترم آستان مقدس رضوی ـ دامت افاضاته

پس از اهدای تحیت و سلام، مرقوم شریف با پیشنهاد مسرت بخش واصل گردید. اگر هویزه مظلوم با دست جنایتکار صدام، این دشمن سرسخت اسلام و تشیع، به صورت ویرانه ای درآمد و آن جایگاه پروانه های شمع ولایت در کشور ثامن الائمه ـ علیه و علی آبائه الصلوات و التحیات ـ چون جایگاه جَغدان گردید و مسلمانان عرب مظلومِ آن شهرِخون و شهادت، از صغیر و کبیر و مرد و زن، از آتش بیداد این کافر کیش مدعی دوستی عرب، سوخت؛ چه کس اولیٰ از تولیت آستان مطهر و خدمتگزار مرقد نورانی حضرتش در ترمیم خرابیها و بنای شهر دوستان معظم اوست؛ و کدام مقام والاتر از مقام ولایت آن سرور در نوازشِ دوستانِ عزیز او می باشد که خیرخواهان و دوستان محترم آن مقام مقدس اقتدا به مولای خود کرده و در راه بازسازی خوزستان، و دیگر خرابه های یادگار این ابرجنایتکار قرن، همت گمارند. و من از نکته ای بس لازم نمی توانم صرف نظر کنم، و آن درآمد عظیم سرشاری که شهر می سازد، و در مدت تولیت جنابعالی آنهمه خدمت نموده است؛ و مقایسه آن با غارتگریهای دودمان پهلوی که این ثروت عظیم را در راه شهوات و لذات خویش به‌کار بردند. و چه روسیاهند آنان که از آن رژیم حمایت کرده و می‌کنند. توفیق جنابعالی را در خدمت به آستان مقدس مولا خواستار و خدای را شکر که در عصر ما مثل جنابعالی به این سمت مقدس راه یافته، و به جای «ظلمت»، «نور» و به جای «خیانت»، «امانت» جایگزین گردیده است. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۶۱/۳/۲ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۲۵٦.

▣ تذکر

زمان:؟ مکان: تهران، جماران
موضوع: پخش سریال پنجمین نفر
مخاطب: هاشمی رفسنجانی، محمد (مدیر عامل وقت صدا و سیما)

همین امروز به آقای رفسنجانی تلفن کنید که از وزارت خارجه نوشته اند سریال «پنجمین نفر» که بناست از تلویزیون پخش شود با سیاست دولت در این روزها مخالف است. شما توجه کنید.[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۴ تیر ۱۳۶۱/۱۳ رمضان ۱۴۰۲ مکان: تهران، جماران
موضوع: دشمنی منحرفان با طبقه علما و روحانیون
مناسبت: پاسخ تلگراف تسلیت شهادت آقای صدوقی (امام جمعه یزد)
مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای مرعشی نجفی ـ دامت برکاته

تلگراف محترم در تسلیت شهادت شهید محراب و فرزند اسلام، حجت‌الاسلام والمسلمین، مرحوم شهید صدوقی موجب تشکر گردید. اینجانب متقابلاً به جنابعالی و عموم ملت عزیز و حوزه های علمیه تسلیت عرض، و از خداوند متعال رحمت برای این سرباز فداکار اسلام، که عمری در خدمت به حوزه‌های علمیه و خدمت به محرومان گذراند و به دست منافقین انتقامجو که کارهایشان خلاصه در ضربه زدن به اسلام و طبقه محروم ملت است، مسئلت می‌نمایم.

در طول پیروزی انقلاب، از اعمال وحشیانه منحرفان وابسته به امریکا ظاهر می شود که دشمنی با طبقه علما و روحانیون متعهد در رأس برنامه‌هاست. و شهادت

---

۱. صحیفه امام، ج ۱٦، ص ۳۰۷.

هر یک از این عزیزان مشت آنان را که مدعی طرفداری ملت از آنان است باز نموده. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستار و از جنابعالی امید دعای خیر برای نظام جمهوری اسلامی را دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ تاییدیه

زمان: ۱۵آذر ۱۳۶۱/ ۲۰صفر ۱۴۰۳ **مکان:** تهران، جماران

موضوع: تایید مراتب امانتداری و خدمات آقایان حسن صانعی، سید هاشم رسولی محلاتی و محمدحسن رحیمیان

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین، و الصلوة علی محمد و آله الطاهرین.

انگیزه اینجانب در نوشتن این چند سطر، ادای حق اخوت نسبت به شخصی که از جمله سابقه دارترین دوستان وفادارم بوده و اکنون نیز می باشد. و چون احتمال قریب می دهم که پس از درگذشت من کسانی که با من نظر بی مهری دارند با بعض دوستان عزیزم بدرفتاری نمایند و مورد تهمت غیر اسلامی انسانی قرار گیرند احتمال تکلیف دادم که ادای شهادت بنمایم، و بیشتر کسی که از دوستان من ممکن است مورد هجوم شود برادر و فرزند عزیزم آقای آقا شیخ حسن صانعی ـ حفظه الله ـ است که در امور مالی و وجوه شرعیه از دیگران بیشتر دخالت داشته، و شاید از این ناحیه خدای نخواسته به ایشان تهمتی وارد شود.

لهذا من، بینی و بین الله شهادت می دهم که از اول زمانی که با من آشنا شده و متصدی امور مالی گردیده‌اند ـ چه قبل از ۱۵ خرداد و تبعید من به خارج، و چه پس از بازگشت از تبعید، و چه اوقاتی که انفرادی متصدی بودند، و چه پس از آنکه به واسطه

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۳۷۲.

زیادی کار و بعض مصالح با شرکت جنابان: آقای حاج‌سیدهاشم رسولی و آقای رحیمیان ـ حفظهماالله تعالی ـ متصدی شده‌اند ـ با کمال صداقت و امانت و صمیمیت بوده و هستند، و دیناری تجاوز و تعدی به وجوه شرعیه ننموده اند، و با تمام همت وجدیت و حسن نیت، اینجانب را اعانت نموده، و هرگز چشمداشت مادی نداشته و ندارند. و اکنون نیز که با آقایان مذکور به اعانت اینجانب صرف عمر می‌نمایند، تمام این آقایان امین و صالح و خدمتگزار به اسلام می باشند.

خداوند تعالی اینان و همه خدمتگزاران به اسلام را از شر بدخواهان و منحرفان حفظ فرماید، و توفیق اطاعت از خداوند تبارک تعالی و خدمت به بندگان او مرحمت فرماید. و السلام علی عباد الله الصالحین.

دوشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۱ / ۲۰ صفر ۱۴۰۳

اربعین سید و سرور شهیدان ـ سلام الله و صلواته علیه و علی اصحابه و اولاده

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۵ تیر ۱۳۶۲ / ۱۴ رمضان ۱۴۰۳ | **مکان: تهران، جماران**
موضوع: نظر اسلام درباره سرمایه داران و مستضعفان | **مخاطب: گلپایگانی، سید محمدرضا**

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب آیت الله آقای گلپایگانی ـ دامت برکاته

پس از اهدای سلام و تحیت و دعا برای سلامت وجود شریف، مرقوم محترم که حاوی مطالبی ارزشمند بود واصل گردید. عین مرقوم محترم را برای جناب حجت الاسلام آقای اردبیلی[۲] فرستادم. لابد ایشان مطالبی را که از سراسر کشور

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور.

مربوط به این نحو امور است عرض می کنند. لکن اینجانب به جنابعالی اطمینان می‌دهم که اکثر کسانی که متکفل این نحو امور هستند، و خصوصاً جناب ایشان از جان و دل کوشا در پیشبرد اهداف اسلام هستند و متعهد به اسلام و احکام حیاتبخش آن هستند. و امثال ایشان هیچ گاه میل ندارند بر خلاف احکام عمل کنند، لکن مسائلی را در جامعه اطلاع دارند که اینجانب و جنابعالی اطلاع نداریم، و در ترجیح فساد بر فساد دیگر و اهم بر مهم، ولو با برداشت خودشان از مشکلات جامعه و مشکلات بسیار ناگوار مسکن که گاهی موجب اتلاف نفوس محترمه و بالاتر از آن تبلیغ تبهکاران به ضد اسلام و احکام آن می شود و چهره اسلام را در سراسر دنیا مشوه جلوه می دهد و نظایر آن با سطحی بسیار پایین تر در صدر اسلام، موجب عدم ابلاغ بعض احکام بسیار مهم مثل شرب خمر و تخفیف در بعضی، مثل ربا می شد. و ای کاش کسانی که مطالب را سربسته به جنابعالی عرض می کردند و فقط طرف منفی آن را گوشزد می‌نمودند و موجب ناراحتی وجود محترم را فراهم می نمودند، به طرف دیگر قضایا توجه می‌کردند و طرف مثبت امور را به عرض می رساندند تا با سنجش فقیهانه آن حضرت بسیاری از مطالب که به نظر آنها برخلاف است حل می شد. و ای کاش طرز رفتار و افکار سرمایه داران بزرگ و نیز زمینخواران غیر مشروع و دارندگان آپارتمانهای بسیار، که بی تعهد به احکام اسلام به طور نامشروع به دست آورده اند و امروز با حساب دقیق، ملک طِلْق اسلام است که باید صرف مصالح اسلام و مسلمین شود و به مستمندان که با عسرت و ذلت به سر می برند باید رسیدگی شود، به سمع مبارک می رساندند تا معلوم شود چه مصیبتهایی بر اسلام و مسلمین می گذرد. اکثر قریب به تمام مساکن اجاره ای از این قشر است که با رسیدگی فقهی باید از آنها مصادره شود، و کم کسی است که معتقد به اسلام و متعهد به آن باشد و حاضر شود در سرمای زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان، یک عده زن و بچه بی پناه را برای سودجویی هر چه بیشتر از خانه بیرون براند و در معرض تلف اطفال آنان گذارد. آن

قشر که این اعمال غیرانسانی را به اسم اسلام جلوه می دهند، آنها هستند که یا به اسلام عقیده ندارند، یا عمل به احکام نکرده اند، و با تشبث به اسلام و قانون می‌خواهند به اعمال فاسد خود ادامه دهند.

من عرض نمی کنم که آنچه می گذرد و متصدیان خصوصاً روحانیون آگاه عمل می کنند صددرصد اسلامی است، لکن عرض می‌کنم آنطور نیست که به سمع مبارک رسانده و موجب رنجش خاطر شریف شده اند. و من خوف آن دارم که این خیرخواهان بی توجه، اسباب انحراف مزاج شریف را فراهم کنند و جمهوری اسلامی که باید از وجود پر فیض امثال جنابعالی بهره بگیرد، خدای نخواسته از آن کم بهره شود. از خداوند تعالی سلامت و سعادت وجود محترم را خواهانم.

لابد آقای اردبیلی گوشه [ای] از گرفتاریها را به عرض می رسانند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۹ تیر ۱۳۶۲ / ۹ شوال ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ نامه گلایه آمیز آقای شیرازی
مخاطب: شیرازی، سید عبدالله (از علمای سرشناس مقیم مشهد)

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله آقای شیرازی ـ دامت برکاته ـ مشهد مقدس

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی مسائلی بود، واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است.

شما شاید مطلع باشید که اینجانب در این نحو مسائل ناگوار سفارشهایی

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۰۸ تا ۵۰۹.

نموده‌ام؛ و هیچ گاه میل نداشته و ندارم که این نحو امور پیش آید یا رفتارهایی شود که پیش آید. و شما خوب مطلع هستید که یک ملت انقلابی را نمی توان کنترل کرد؛ و تحمل بعضی رفتارها را، از هر که باشد، ندارند. و من چون به جنابعالی علاقه دارم، میل ندارم از بعض بستگان بیت شریف مطالبی صادر شود که خدای نخواسته قابل تحمل حزب الله نباشد. و به بعض اشخاص که [فریاد] شکایت را سر می دهند بفرمایید: «فی الصیف ضیعت اللبن».[1] از جنابعالی در کنار مرقد مطهر آستان قدس امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله. روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ نامه

زمان: ۸شهریور ۱۳۶۲ / ۲۱ذی‌القعده ۱۴۰۳ **مکان: تهران، جماران**
موضوع: ترمیم ستاد انقلاب فرهنگی
مخاطب: خامنه‌ای، سید علی «رئیس جمهور وقت»

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر عظیم انقلاب حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی

با نزدیک شدن زمان بازگشائی دانشگاهها و با توجه به اهتمامی که آن حضرت همواره نسبت به دانشگاه و دانشگاهیان ابراز فرموده اید لزوم تحرک مضاعف برای آمادگی هرچه بیشتر دانشگاه جهت پذیرش دانشجویان احساس می شود، با تقدیر و احترام نسبت به کلیه تلاشهائی که از سوی اعضای محترم ستاد انقلاب فرهنگی و همه استادان و محققان و دانشجویان دست اندرکار امور دانشگاهی مخلصانه مبذول گردیده است، ترمیم و تکمیل ستاد انقلاب فرهنگی استدعا و ترکیب جدید آن به ترتیب زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱ ـ نخست وزیر محترم. ۲ ـ وزیر فرهنگ و آموزش عالی. ۳ ـ وزیر ارشاد

---

۱. «در تابستان شیر را فاسد کردی» ضرب المثلی است مشهور در ادبیات عرب، و در حق شخصی گویند که چیزی راکه خود از میان برده آرزو کند؛ و نیز در حق کسی که در کاری شتاب ورزد و سپس پشیمانی خورد.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲۲.

اسلامی. ۴ـ آقای دکتر شریعتمداری. ۵ـ آقای دکتر احمدی. ۶ـ آقای دکتر سروش. ۷ـ آقای دکتر معین. ۸ و ۹ـ دو نفر دانشجو به انتخاب جهاد دانشگاهی. امیدوار است با توجه ویژه امام بزرگوار بازگشائی دانشگاه با حرکتی اسلامی و با توفیقی الهی قرین باشد. سید علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی ایران]

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات اعضای محترم ستاد انقلاب فرهنگی و تمام کسانی که برای اسلامی و انسانی نمودن دروس و محیط دانشگاهها زحمت کشیده اند، امید است با ترمیم ستاد محترم و کوشش دانشجویان عزیز و متعهد و هماهنگی اساتید محترم و تلاش تمامی دست اندرکاران مومن و پشتیبانی ملت معظم، این پایگاه اسلامی ملی، که سرنوشت کشور در آتیه دور و نزدیک به آن پیوستگی دارد، با استقلال و شایستگی به خدمت خود ادامه دهد. و امروز که کشور از استقلال شایسته برخوردار است و قید و بند غرب و شرق و غربزدگان و شرقزدگان از کشور و دانشگاه گسسته شده است، جوانان عزیز دانشگاهی هرچه بیشتر در کسب علوم و فنون در اعتلای کشور معظم خودکوشش نمایند؛ و از نفوذ عناصر منحرف و وابسته به چپ و راست قاطعانه جلوگیری کنند، و نگذارند محیط مقدس دانشگاه آلوده به اغراض منحرفان و وابستگان به اجانب گردد. و اگر انحراف و گرایشی به شرق و غرب خدای نخواسته از اساتید یا دانشجویان مشاهده کردند، به ستاد فرهنگی اطلاع دهند، و در رفع آن با ستاد همراهی لازم را بنمایند.

از خداوند تعالی توفیق همگان را برای ادامه استقلال و اعتلای میهن اسلامی خواستار است.[۱] روح الله الموسوی الخمینی [۲]

---

۱. همزمان با بازگشایی دانشگاهها به منظور ایجاد تحرک مضاعف در امر پذیرش دانشجو درخواست کتبی رئیس جمهور وقت در مورخ ٦٢/٦/٧ برای ترمیم و تکمیل اعضای ستاد انقلاب فرهنگی به محضر امام ارسال گردید. متن فوق پاسخ حضرت امام به درخواست رئیس جمهور است.

◘ پیام

زمان: ۲۶بهمن ۱۳۶۲/۱۲جمادی‌الاول ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران

موضوع: ترور نافرجام سفیر ایران در دمشق

مخاطب: محتشمی، سید علی اکبر (سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام، آقای حاج سید علی اکبر محتشمی، سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در سوریه ـ دامت افاضاته

از حادثه ناگوار که توسط ایادی استکبار جهانی برایتان اتفاق افتاد[۱] متأثر گردیدم. ان شاءالله هرچه زودتر سلامت تان را بازیافته، و در سنگر اسلام و انقلاب به نفع مستضعفان و مظلومان جهان به مبارزات سخت خود ادامه دهید. برای فرزندان اسلام و قرآن تمام مشکلات و صدمات در راه خداوند شیرین و آسان است.

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۸۳ تا ۸٤.

۱. حادثه انفجار بمب محموله پستی که توسط عوامل رژیم صهیونیستی ارسال شده بود و موجب مجروح شدن سفیر ایران در دمشق گردید.

۲. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۲٥۲.

■ پیام

زمان: ۱۱ تیر ۱۳۶۳/ ۲ شوال ۱۴۰۴ مکان: تهران، جماران
موضوع: تسلیت به مناسبت رحلت آقای سید جمال الدین خویی
مخاطب: خویی، ابوالقاسم «از مراجع بزرگ تقلید»

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت آیت الله خویی - دامت برکاته

با تأسف و تأثر مصیبت وارده بر جنابعالی و فامیل محترم را تسلیت عرض می‌کنم، واز خداوند تعالی برای آن مرحوم محترم «مغفرت»، و برای جنابعالی و بازماندگان او صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می نمایم. و از خداوند تعالی عاجزانه می خواهم که دشمنان اسلام و دشمنان حوزه های مقدسه علمیه را به سزای خودشان برساند و در دنیا و آخرت آنان را رو سیاه فرماید، و مجد حوزه علمیه مبارکه نجف اشرف و سایر اعتاب مقدسه را با نابودی حزب عفلقی بعث عراق - خذلهم الله تعالی - به حال اول برگرداند و علمای اعلام و ملت شریف عراق را از چنگال صدام و صدامیان نجات مرحمت فرماید.

از جنابعالی و سایر علما و فضلای نجف و اهالی محترم عراق خواهانم که برای پیروزی لشکر اسلام بر فریب خوردگان لشکر کفر عفلقی در تحت قبه‌های نورانی ائمه اطهار - علیهم السلام - خصوصاً سید الأولیا - علیه سلام الله - دعا فرمایند.

والسلام علیکم و رحمة الله.

۲ شوال المکرم ۱۴۰۴ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ٤٠٤.

◙ پیام

زمان: ۵مهر ۱۳۶۳/ ۱محرم۱۴۰۵
مکان: تهران، جماران
موضوع: تسلیت رحلت آقای شیرازی
مخاطب: مراجع، علما خانواده آقای شیرازی

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

رحلت مرحوم آیت الله، آقای حاج سید عبدالله شیرازی ـ قدس سره ـ موجب کمال تأثر است. وجود اینگونه شخصیتهای علمی و دینی و متعهد به مجاهدت علیه سردمداران کفر و ستم سرمایه هایی برای حوضه های علمی و پشتوانه هایی برای کشورند؛ و فقدان آنان ثلمه ای بر اسلام و مسلمین است. اینجانب این ضایعه اسفناک را به محضر مقدس حضرت ولی الله الاعظم ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ و حضرات مراجع معظم و علمای اعلام دامت برکاتهم و حوزه های علمی و بیت محترم و آقازادگان ایشان ـ ایدهم الله تعالی ـ تسلیت عرض، و برای بازماندگان محترمشان صبر جزیل و اجر جمیل، و برای آن بزرگوار رحمت واسعه حق تعالی را خواستارم.

و السلام علی عبادالله صالحین.

غره محرم الحرام ۱۴۰۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۷۹.

▣ پیام

زمان: ۱۹ آذر ۱۶/۱۳۶۳ ربیع الاول ۱۴۰۵
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتصاب چند عضو جدید در ستاد انقلاب فرهنگی
مخاطب: اعضای ستاد انقلاب فرهنگی (۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

اکنون که با تأییدات خداوند متعال و عنایت و دعای حضرت بقیه الله ـ روحی لمقدمه الفدا ـ دانشگاهها و مدارس عالی کشور کار خود را در سطح وسیعی شروع کرده اند و حرکت سازندگی با تمام ابعادش در کشور اسلام رو به گسترش است و مغزهای متعهد و متخصص به فعالیتهای پرارج خود ادامه می دهند، با اخراج کارشناسان خائن اجنبی و فرار کارشناسان غرب و شرق‌زده، که کشور را وابسته به خارج در تمام ابعاد نموده بودند، نیاز مبرم به متخصصان متعهد و اسلامشناسان متخصص و مغزهای متفکر وطنخواه و نیروهای فعال ماهر و اساتید و مربیان و معلمان معتقد به اسلام و استقلال کشور در تمام کشور محسوس و در علوم دانشگاهی و فرهنگ مترقی محسوستر می باشد. و ضرورت توسعه و اصلاح مراکز آموزشی و انقلاب فرهنگی به معنای واقعی هر روز روشنتر می گردد و بحمدالله ستاد انقلاب فرهنگی در مدت کوتاهی که از عمرش گذشته خدمتهای ارزنده و گامهای مفید و مؤثری در این امر حیاتی برداشته؛ و مورد تقدیر و تشکر است. ولی خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه ها در سطح کشور آنچنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و نفوذ عمیق ریشه دار غرب مبارزه کرد. و ما می دانیم که اگر با دقت ریشه یابی کنیم، آنچه بر ملت ما گذشته و اکنون

---

۱. آقای محمد علی انصاری «از اعضای دفتر امام» در رابطه با تنظیم خبر پیام امام خمینی طی یادداشتی خطاب به امام نوشته است: «پس از سلام، آیا لازم است که در خبر، نام ستاد انقلاب فرهنگی به شورایعالی انقلاب فرهنگی تغییر داده شود؟ انصاری». امام خمینی در پاسخ مرقوم داشته‌اند: «لزومی ندارد، ولی مانعی ندارد»

می‌گذرد حتی جنگ تحمیلی، سرچشمه از دانشگاه غربزده و متخصصان غیرمتعهد و وابسته گرفته است. مع هذا، قشر متدین انقلابی اعم از اساتید متعهد و معلمان وطنخواه اسلامی و دانشجویان انقلابی موظفند با هوشیاری بدون غفلت از این مسئله مهم، به دانشگاهها و مدارس و آنان که هنوز خواب رژیم سابق را می بینند و رویه‌های فرهنگ شرق را در سر می پرورانند. اجازه ندهند که خارج از دروس موظف خود به صحبتهای انحرافی بپردازند. و در صورتی که نصیحت برآنان اثر نداشت به شورایعالی انقلاب فرهنگی، که شکل گرفته است و انجام وظیفه میکند، اطلاع دهند و باید بدانند با مسامحه در این امر بتدریج در دانشگاهها و دبیرستانها خط انحرافی، نفوذ خواهد کرد و در پیشگاه خداوند متعال مسئول هستند.

اینک با تشکر از زحمات ستاد انقلاب فرهنگی برای هر چه بارورتر شدن انقلاب در سطح کشور تقویت این نهاد را لازم دیدم. بدین جهت علاوه بر کلیه افراد ستاد فرهنگی و رؤسای محترم قوه سه گانه، حجج اسلام : آقای خامنه ای، آقای اردبیلی و آقای رفسنجانی و همچنین جناب حجت الاسلام آقای مهدوی کنی و آقایان: سید رضا اکرمی، وزیر آموزش و پرورش، و سید رضا داوری و نصرالله پور جوادی و محمد رضا هاشمی را به آنان اضافه نمودم.

امید است با فضل توفیق الهی موفق شوند امر خیر را باکوشش و جدیت به ثمر برسانند.

از تمامی دانشگاهیان و دانشجویان انتظار دارم حفظ حرمت اساتید و مربی دانشگاهها و دانشسراها و مدارس عالی را به بهترین وجه بنمایند؛ چنانچه موظفند حفظ مقررات و قوانین را بنمایند. از خداوند تعالی توفیق همگان را خواستارم.

و السلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

◙ پیام

زمان: ۲۹دی ۱۳۶۳/ ۲۷ربیع‌الثانی ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: رحلت آقای سیداحمد خوانساری مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

خبر رحلت مرحوم مغفور آیت‌الله خوانساری ـ رحمة‌الله علیه ـ موجب تأسف و تأثر گردید. این عالم جلیل بزرگوار و مرجع معظم که پیوسته در حوزه‌های علمیه و مجامع متدینه مقام رفیع و بلندی داشت و عمر شریف خود را در راه تدریس و تربیت و علم و عمل به پایان رساند، حق بزرگی بر حوزه ها دارد؛ چه که با رفتار و اعمال خود و تقوا و سیره خویش پیوسته در نفوس مستعده موثر و موجب تربیت بود. از خداوند تعالی برای ایشان رحمت و مغفرت و برای علمای اعلام و حوزه های علمیه صبر و اجر خواستارم. والسلام علی عباد الله الصالحین.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

◙ نامه

زمان: ۲۶اسفند ۱۳۶۳/ ۲۴جمادی‌الثانی ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی جدی به گزینش اساتید و دانشجویان دانشگاهها
مخاطب: شورایعالی انقلاب فرهنگی

بسمه تعالی

شورای‌عالی انقلاب فرهنگی

آنچه در این گزارش مذکور است موجب کمال نگرانی است. ما نباید امور دانشگاهها را یک مطلب عادی فرض کنیم، که دانشگاهها ممکن است همه چیز انقلاب را به هم بزنند. لذا لازم است در این مسائل رسیدگی جدی شود. خصوصاً

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۲۸.

راجع به گزینش اساتید و دانشجویان، مقرر دارید مسائل را با کمال دقت پیگیری نمایند که مبادا خدای نخواسته دانشگاه مرکز تاخت و تاز مخالفین نظام جمهوری اسلامی شود.[1] ۲۶ اسفند ۶۳ روح الله الموسوی الخمینی[2]

▣ وکالتنامه

زمان: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۴/ ۳۰ رجب ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: وکالت برای بخشش زمین موروثی در خمین به فقرا مخاطب: جلالی خمینی، حیدرعلی[3]

[بسمه تعالی. محضر مکرم حضرت آیت الله العظمی، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی ـ مدظله العالی

پس از سلام، زمینهایی که در خمین متعلق به حضرتعالی می باشد خانه در او ساخته نشده. چنانچه رهنمود و دستوری هست بیان فرمایید. الاحقر، جلالی خمینی]

---

۱. اعضای هیأت مرکزی گزینش وزارت فرهنگ و آموزش عالی و هیأت مرکزی گزینش ستاد و شورای‌مرکزی پذیرش دانشگاهها «آقایان : محفوظی، فرهادی، ادریسیان، رهبر، مظفری، زاهدی، موسوی نژاد» طی نامه ای در مورخ ٦٣/١٢/١٦ به محضر امام خمینی اظهار داشتند: «... حضرتعالی در پیام حیاتبخش ۲۲ بهمن بعد از مسئله جنگ تحصیلی اهمیت دانشگاهها را ابلاغ فرمودید. ولی با کمال تأسف مشاهده می گردد که روند کنونی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به گونه ای است که ما را هر چه بیشتر به افکار غربزدگان و شرقزدگان و بازماندگان فرهنگ طاغوت وابسته تر می سازد ...» در پایان این نامه آمده است : «... مسائلی همچون حذف نیروهای متعهد و مسلمان دانشگاهی در همه سطوح از صحنه فعالیتهای آموزشی فرهنگی نیز آشکارا تحقق پذیرفته و در نتیجه این حذف، فساد و فحشا و غربزدگی به طور واضح روزبه روز اوج می گیرد. همان طور که در ابتدای مطالب عرض شد اینجانبان آینده امور فرهنگی و دانشگاهی کشور را در خطر جدی دانسته و این امر را ناشی از ضعف و عدم توجه مسئولین وزارت مربوطه و دست اندرکاران امور دانشگاهی می‌داند و لذا بر حسب وظیفه شرعی مصدع اوقات شریف جنابعالی گردیدیم . امید است که امام بزرگوارمان مطالب معروضه را از جایگاه صداقت و خلوص فرزندان خود پذیرفته و همچون گذشته ما را ارشاد فرمایند».

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۷.

۳. نماینده امام خمینی در خمین و امام جمعه این شهر.

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای جلالی دامت افاضاته

جنابعالی وکیل هستید زمینهای متعلق به اینجانب را، هر چند ناقابل است، هرطور صلاح می دانید تقسیم کنید بین فقرا و تملیک آنان نمایید، چه ساختمان شده باشد یا نشده باشد.

۳۰ رجب ۱۴۰۵ / ۱ اردیبهشت ۶۴ روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ نامه

زمان: ۲۸ خرداد ۱۳۶۴/۲۸ رمضان ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران
موضوع: رسیدگی به مشکلات دانشگاهها توسط شورایعالی انقلاب فرهنگی
مخاطب: معین، مصطفی (وزیر فرهنگ و آموزش عالی)

[آقای مصطفی معین، وزیر فرهنگ و آموزش عالی در نامه ای به تاریخ ۶۴/۲/۱۰ به محضر امام خمینی ضمن اشاره به وضع نامطلوب دانشگاهها و وجود انحرافهای اخلاقی و سیاسی بین تعدادی از دانشجویان و حاکمیت جو مدرک گرایی و تخصص زدگی افراطی و در نتیجه حذف نیروهای متعهد و حزب اللهی از معظمٌ له چاره جویی کرده است. امام خمینی رسیدگی به موارد عنوان شده را به شورای انقلاب فرهنگی ارجاع فرمودند. پاسخ امام بدین شرح است:]

بسمه تعالی

این مسائل را در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی طرح نمایید البته شورا به آنها رسیدگی می‌نماید.

۶۴/۳/۲۸ روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۳۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۸۲.

▣ نامه

زمان:؟ مکان: تهران، جماران
موضوع: تایید نمایندگی رهبری در سپاه پاسداران و چگونگی برخورد با گروهگرایی در سپاه
مخاطب: محلاتی، فضل الله (نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

[محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب امام امت حضرت آیت الله العظمی خمینی مدظله. با عرض ادب و اخلاص، مستدعی است به چند سئوال ذیل جواب مرحمت فرمایید:

۱ـ آیا حکم قبلی اینجانب در ارتباط با نمایندگی امام در سپاه به قوت خود باقی است ؟]

جواب :

بسمه تعالی

به قوت خود باقی است.

[۲ـ مسئول پیگیری و رسیدگی به مسئله گروهگرایی در سپاه که در فرمان حضرتعالی به نیروهای مسلح صادر گردیده، کیست ؟]

جواب :

بسمه تعالی

یکی شما و دیگر شورای سپاه با تشخیص اکثریت؛ و لازم است در این امر که با سرنوشت سپاه سروکار دارد با قاطعیت و بدون ملاحظه از احدی انجام گیرد.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۲۹۵.

▣ نامه

زمان: ۱۹ تیر ۱۳۶۴ / ۲۱ شوال ۱۴۰۵ مکان: تهران، جماران

موضوع: تفویض اختیارات مدیریت انتشارات اسلامی به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مخاطب: فاکر، محمدرضا

[... اینجانب بنا به اجازه شفاهی و مکرر امام بزرگوار از سال ۱۳۵۸ تاکنون مسئولیت امور دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین را به عهده داشته‌ام، و براساس تشخیص مصلحت، خرید، فروش، کمک به کارگران، اهدای کتب به اشخاص یا کتابخانه ها، پرداخت وام، استقراض و بالأخره کلیه تصرفات مالی را انجام داده ام. از آنجا که کارها باید براساس ضوابطی قانونی پایه‌ریزی شود، اخیراً به پیشنهاد اینجانب جامعه محترم مدرسین اساسنامه‌ای برای این دفتر تنظیم نموده‌اند که براساس آن ان شاءالله هر دو سال یک بار هیأت مدیره‌ای مرکب از پنج نفر که سه نفر از آنها باید از اعضای جامعه مدرسین باشند، برای اداره این دفتر در نظر گرفته می‌شود. و کلیه اموال این دفتر که متعلق به بیت المال مسلمین است زیر نظر آن هیأت قرار می گیرد و در جهت نشر معارف اسلامی و گسترش مبانی علمی حوزه‌های علمیه که در اساسنامه مندرج است به کار گرفته می شود، همان‌طور که یک هیأت علمی نیز برای کنترل محتوای کتب منتشره در نظر گرفته شده است. بر این اساس جامعه محترم مدرسین هم اینجانب را به عنوان عضو هیأت مدیره و هیأت علمی و سرپرست دفتر مزبور انتخاب کرده اند. که نسبت به ابراز اعتماد آنها سپاسگزاری و نسبت به حسن ظن حضرت امام ـ مدظله العالی ـ بر ملائکه آسمان می‌بالم و از حضرت امام تقاضا دارم اجازه بفرمایند اینجانب در هر زمان که لازم بود حق تصرف مشروع خود در اموال دفتر را که مکتسب از اجازه مقام ولایت فقیه و نیابت عامه حضرت ولی عصر ـ ارواحنا له الفدا ـ است به جامعه محترم مدرسین حوزه علمیه قم واگذار کنم تا بتوانند به طور متناوب هیأت مدیره‌های منتخب خود را برای اداره امور دفتر منصوب نمایند. محمدرضا فاکر]

بسمه تعالی

مجازید. ان شاءالله تعالی موفق باشید.

۱۹ تیر ماه ۶۴ روح الله الموسوی الخمینی [۱]

▣ نامه

زمان: ۵مهر ۱۳۶۴/ ۱۱محرم ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: تأیید نخست وزیر و تاکید بر حمایت از دولت مناسبت: انتخاب دولت جدید
مخاطب: ۱۳۵ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

[محضر مبارک رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی ـ مدظله

پس از سلام و آرزوی طول عمر با عزت و برکت برای آن حضرت به عرض می‌رسانیم: وضعیت حساس مملکت و دگرگونی قریب الوقوعی که نسبت به دولت در پیش است ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت که موجب تصدیع شویم. با این امید که از نفس قدسی و نظر بلند شما که همواره به جانهای مشتاق حقیقت، اطمینان بخشیده است و منشاء برکات برای اسلام و جمهوری اسلامی بوده است مدد بگیریم.

همان طور که خاطر خطیر، مستحضر است در پی انجام انتخابات ریاست جمهوری، دولت تازه ای معرفی خواهد شد. این واقعه در هنگامه ای رخ می دهد که ملت ایثارگر و انقلابی ما، پنجمین سالگرد جنگ تحمیلی را با همه آثار و تبعاتش صبورانه به پشت سر گذاشته و تحت رهبری آن حضرت، سربلند و مقتدر، دفاع مقدس از اسلام و انقلاب اسلامی را سرلوحه برنامه ها و تلاشهای خود قرار داده است و تنگناهای سخت مالی و اقتصادی را بزرگوارانه با همتی الهی تحمل می کند.

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۱۵.

ما نمایندگان این مردم عظیم‌الشأن ضمن تقدیر از نخست وزیر متعهد و دولت تلاشگر او که جوانمردانه با موفقیت، در دورانی بسیار سخت با انجام وظیفه همت گماشته اند و خدمات ارزنده شان همواره مورد عنایت حضرت امام و امت بزرگ اسلامی بوده است، انتظار و توقع خود را در این مقطع حساس از تاریخ انقلاب اسلامی نسبت به معرفی نخست وزیر و دولت جدید به عرض امام عزیز می رسانیم و از پیشگاه مقدسشان درخواست ارشاد می کنیم.

۱ ـ سابقه انقلابی و ارزندگی، حقیقت درخشانی است که بایستی بر چهره دولت جمهوری اسلامی بدرخشد تا همه نیروهای انقلابی و کافه مردم فداکار ما با امید و نشاط به حمایت آن برخیزند و حضرت امام هم بر این نکته تأکیدی فراوان دارند بنابراین چنانچه دولتی فاقد چنین امتیاز بوده و یا خدای نخواسته نکاتی منفی داشته باشد ضربه ای به انقلاب وارد خواهد آمد.

۲ ـ اکنون ملت و کشور ما یکی از بحرانیترین مواقع تاریخی را می گذرانند. اشتعال دامنه جنگ و خطر ضربه یابی مخازن نفتی، تهدیدات نظامی امریکا، فشارهای شدید اقتصادی، توطئه های خطرناک سیاسی و تحریکات ضد انقلاب از عوامل مهمه ای است که فشار طاقتفرسای آن بر دوش مردم صبور و مظلوم ما سنگینی می کند و تغییر دولت که متاسفانه به قرار مشهود مستلزم تغییری عظیم در سطح کشور خواهد بود، تزلزلی شدید در ارکان دولت و اداره کشور به وجود خواهد آورد که مسلماً عواقبی وخیم در بر دارد.

۳ ـ آنچه متأسفانه مشهود است جریانی خاص و گسترده و طیفی معلوم و مشخص، تغییر دولت را حمایت و همراهی می کند که در صورت موفقیت ممکن است نیروهای فراوان انقلابی کنار گذاشته شوند و یا به کنار روند و بحران و خسران فراوان در سازمان اداره مملکت که اکنون قشرهای مؤمن و انقلابی ارزنده ای در متن آن مشغول خدماتی صادقانه‌اند پدید آید.

۴ ـ مردم محروم و پرتوان و صبور ما با معرفی دولتی جدید به طور طبیعی توقعات و انتظاراتی خواهند داشت و چون دولت جدید فاقد امکاناتی تازه و گسترده است موجبات یأس مردم فراهم خواهد شد.

۵ ـ چون دولت جدید تجربه و تلاش و امکانات فراوانتری ندارد و از داشتن اکثریتی قاطع در مجلس و بین مردم برخوردار نیست به موفقیتهای لازم دست نخواهد یافت و در نتیجه کشور دچار بحران می شود.

۶ ـ آنچه صادقانه به عنوان نمایندگان مردم دریافته و معروض می داریم این است که دولت آقای مهندس موسوی با وجود مشکلات فراوان داخلی و خارجی و علی رغم جوسازیها و ایجاد موانع و ناهماهنگیهای عمدی دولتی موفق بوده است و این حقیقت را شخص حضرت امام و مسئولان مهم و متعهد کشور و نهادهای انقلابی و مردم آگاه درک کرده اند و تعویض چنین دولتی در این موقعیت حساس مغایر با مصالح مملکت و ملت است.

۷ ـ چون به فرموده حضرتعالی، مسئله اصلی جنگ است و دولت فعلی با قوای رزمنده و فداکار ما در ادامه جنگ و تلاش برای حصول پیروزی توافق و همکاری برنامه ریزی شده گرم و صمیمانه ای دارد، کنار رفتن آن به مسئله جنگ ضایعات و صدماتی وارد خواهد ساخت.

و اینک که مجلس در آستانه تصمیمی سرنوشت ساز قرار گرفته است بدون شک راهنماییهای آن حضرت می تواند روشنگر راه ما باشد. لذا موجب امتنان و افتخار خواهد بود اگر اجازه فرمایید بعضی از ما نمایندگان مجلس لحظاتی شرفیاب شوند و از هدایتهای آن حضرت در این مورد کسب فیض نمایند.

از خداوند متعال می خواهیم که همواره امت ما را از برکات رهبری آن امام بزرگوار برخوردار فرماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.]

بسم الله الرحمن الرحیم

با تشکر از حضرات آقایان، اینجانب چون خود را موظف به اظهار نظر می‌دانم، به آقایانی که نظر خواسته اند، از آن جمله جناب حجت الاسلام آقای مهدوی و بعضی آقایان دیگر، عرض کردم آقای مهندس موسوی[1] را شخص متدین و متعهد، و در وضع بسیار پیچیده کشور، دولت ایشان را موفق می‌دانم؛ و در حال حاضر تغییر آن را صلاح نمی دانم. ولی حق انتخاب با جناب آقای رئیس جمهور[2] و مجلس شورای اسلامی محترم است.

۵ مهر ۶۴ روح الله الموسوی الخمینی[3]

▣ نامه

زمان: ۲ آذر ۱۳۶۴ / ۱۰ ربیع الاول ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: موافقت با واگذاری بخشی از اراضی شهری مصادره شده جهت رفع نیاز محرومین، به «بنیاد ۱۵ خرداد»
مخاطب: صانعی، حسن (سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد)

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی

با تقدیم سلام و تحیات معروض می دارد، بنا به حکم حکومتی مورخ چهاردهم اسفند ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هفت آن جناب مقرر گردید کلیه داراییها و اموال منقول و غیر منقول دودمان منحوس پهلوی و وابستگان رژیم منفور سابق در جهت رفع نیازهای طبقات محروم و مستمند جامعه و تامین مسکن و اشتغال برای مستضعفین به مصرف برسد. و از آنجاکه بنیاد ۱۵ خرداد نیز بنا به دستور آن حضرت موظف است مستضعفین جامعه و خانواده های محترم شهدا را زیر

---

۱. نخست وزیر.

۲. آقای سید علی خامنه ای.

۳. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۹۱ تا ۳۹۳.

پوشش خدماتی خود قرار دهد، بخشی از اینگونه اموال در اختیار این بنیاد قرار گرفته است . در خصوص اراضی شهری که از وابستگان رژیم منفور سابق در اختیار این نهاد قرار گرفته است سازمان زمین شهری خود را مالک آنها می داند.

مستدعی است با عنایت به وظایف خطیر بنیاد ۱۵ خرداد و محدودیت امکانات آن ، فرامین لازم را به وزارتخانه های مربوطه صادر تا این بنیاد بتواند با استفاده از اراضی مذکور یا ثمن حاصل از فروش آنها گامهای مثبت و مؤثری در جهت رفاه حال خانواده های محترم تحت پوشش برداشته و این قشر شریف جامعه را از الطاف پدرانه خود بهره مند فرمایید. ادام الله ظلکم علی رئوس المسلمین.

حسن صانعی ـ سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد]

بسمه تعالی

آنچه مربوط به خاندان پهلوی و عمال آنها است با حفظ موازین شرعیه به مقدار ضرورت مجازید.

۲ آذر ۶۴ روح الله الموسوی الخمینی(۱)

▣ اجازه نامه

زمان: ۳۰ بهمن ۱۳۶۴/۹ جمادی الثانی ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: تخصیص بخشی از اموال و دارائیهای مصادره شده بستگان رژیم پهلوی، به دفتر تبلیغات اسلامی قم
مخاطب: عبایی، محمد «رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»

[بسمه تعالی؛ محضر مبارک مرجع بزرگ و رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی ـ مدظله العالی

بعدالتحیه والسلام، ضمن تقدیم صمیمانه ترین تبریکات به مناسبت پیروزی اخیر رزمندگان اسلام چنانکه مستحضر هستید دفتر تبلیغات اسلامی «قم» در رابطه با

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٢٩ تا ٤٣٠.

تحکیم مبانی جمهوری اسلامی و دولت مورد تأیید حضرتعالی و تقویت جبهه های حق علیه باطل و نشر معارف اسلامی بویژه در مناطق صد درصد محروم و انجام امور تحقیقاتی و فرهنگی و آموزشی و غیره، گامهای مثبتی برداشته و همواره مرهون عنایات حضرتعالی بوده و هزینه خود را همه ساله از آن حضرت و مقدار معتنابهی از دولت دریافت نموده است.

اینک با توجه به اینکه دفتر تا حد امکان باید خودکفا باشد و از بودجه دولتی بی‌نیاز گردد، در صورت صلاحدید اجازه فرموده دادگاههای انقلاب اسلامی از اموال شاه معدوم و وابستگانش به دفتر تبلیغات اسلامی قم نیز تخصیص دهند. از خداوند تبارک و تعالی بقای عمر آن حضرت و عزت اسلام و مسلمین را در سایه رهبریهای معظمٌ له خواستاریم.

محمد عبایی ـ دفتر تبلیغات اسلامی «قم»

بسمه تعالی

مجازند از آن اموال برای این امر مهم به مقدار رفع ضرورت دفتر تبلیغات اسلامی به این دفتر تحویل دهند.

۶۴/۱۱/۳۰ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۱۵ اسفند ۱۳۶۴ / ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۰۶
مکان: تهران، جماران
موضوع: درگذشت آقای مرتضی حائری یزدی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

رحلت أسف‌انگیز حضرت آیت‌الله آقای حاج آقا مرتضی‌حائری

---

۱. صحیفه امام، ج ۱۹، ص ٤٩٤.

رحمةالله‌علیه ـ موجب کمال تأثر و تأسف گردید.

ایشان در علم و عمل بحق خلف بزرگوار مرحوم آیت الله عظمی، استاد معظم، حضرت آقای حاج شیخ عبدالکریم ـ رضوان الله تعالی علیه ـ بودند. «و کفی به شرفاً و سعاده».(۱)

اینجانب از اوایل تأسیس حوزه علمیه پربرکت قم، که به دست مبارک پدر بزرگوارشان تأسیس شد و موجب آنهمه برکات شد، آشنایی با ایشان داشته؛ و پس از مدتی از نزدیک معاشر و دوست صمیمی بودیم؛ و در تمام مدت طولانی معاشرت جز خیر و سعی در انجام وظایف علمیه و دینیه از ایشان مشاهده ننمودم.

این بزرگوار علاوه بر مقام فقاهت و عدالت، از صفای باطن به طور شایسته برخوردار بودند؛ و از اوایل نهضت اسلامی ایران، از اشخاص پیشقدم در این نهضت مقدس بودند. «جزاه [الله] عن الاسلام خیرا».

اینجانب به ملت محترم ایران، بویژه به اهالی وفادار قم و حضرات علمای اعلام و مدرسین معظم حوزه علمیه قم، تسلیت عرض می کنم؛ و برای خاندان معظم ایشان و فامیل محترمشان، خصوصاً حضرت حجت الاسلام آقای حاج آقا مهدی حائری ـ أعزّه الله ـ از خداوند تعالی طلب صبر جمیل و اجر جزیل می نمایم.

امید است عنایات حضرت بقیة الله ـ روحی و ارواح العالمین لمقدمه الفدا ـ شامل حال همه آنان و همه ملت مسلمان باشد. والسلام علی عبادالله الصالحین.

تاریخ ۱۵ اسفند ۶۴ / ۲۴ جمادی الثانیه ۱۴۰۶

روح الله الموسوی الخمینی(۲)

---

۱. «شرافت و نیکبختی او را کفایت است».

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۰ تا ۱۱.

◘ پیام

زمان: اسفند ۱۳۶۴/جمادی الثانی ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: برگزاری مجلس ختم آقای مرتضی حائری یزدی مخاطب: انصاری کرمانی، محمدعلی

[گزارش مکتوب آقای محمد علی انصاری[۱] که جهت کسب تکلیف، خدمت امام خمینی تقدیم شده است :

آقای حاج احمد آقا[۲] [پیغام داده اند:] آقای پسندیده[۳] می خواهند فردا برای آقای حائری[٤] اعلام فاتحه کنند. بعد از فاتحه ای که از طرف حضرتعالی گذاشته شد، شاید مصلحت نباشد.]

[پاسخ امام خمینی :]

ما در هر امری نباید دخالت کنیم. فاتحه مانع ندارد.[۵]

◘ نامه

زمان: ۵مرداد ۱۳۶۵/۱۹ذی القعده ۱۴۰۶ مکان: تهران، جماران
موضوع: موافقت باروش پیشنهادی نخست‌وزیر برای فعالیتهای اقتصادی و خدماتی بنیاد مستضعفان
مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست‌وزیر)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی

با سلام و درود، محترماً به عرض می رساند، براساس رهنمودها و فرمانهای حضرتعالی در زمان تشکیل بنیاد و نیز اخیراً در جهت تأمین بودجه و امکانات فیزیکی و خدماتی لازم برای تربیت و اداره امور فرزندان شهدا، اسرا، مفقودین و

---

۱. از اعضای دفتر امام خمینی.
۲. آقای سید احمد خمینی.
۳. آقای سید مرتضی پسندیده، برادر بزرگ امام خمینی.
٤. آقای مرتضی حائری یزدی، فرزند مؤسس حوزه علمیه قم و از مدرسان عالیمقام حوزه.
۵. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۲.

معلولین و نیز با توجه به بند سه ماده دوم اساسنامه بنیاد که به مصرف رساندن همه درآمدهای بنیاد را در راه بهبود وضع زندگی و مخصوصاً مسکن مستضعفان اعلام نموده است.

اینجانب به عنوان نماینده حضرتعالی در بنیاد مستضعفان طی بخشنامه ای به شماره ۲۲۶۲۶ـ مورخ ۶۵/۲/۹که کپی آن به پیوست تقدیم می گردد، بنیاد و شرکتها و واحدهای تحت پوشش آن را موظف نمودم که با توجه به درصد سرمایه سهام و یا سهم الشرکهٔ بنیاد، نسبت به انجام هزینه های خدماتی و کمکهای بلاعوض در جهت بهبود وضع زندگی مستضعفین و محرومین در چهارچوب وظایف و مسئولیتهای بنیاد با تأیید نماینده ولی فقیه در بنیاد و یا سرپرست بنیاد اقدام و آن هزینه ها به عنوان هزینه‌های قابل قبول آن شرکت یا سهام تلقی گردد....

در خاتمه ضمن آرزوی بقای طول عمر امام امت از درگاه خداوند تبارک و تعالی استدعا دارد اگر مقام معظم رهبری صلاح می دانند با اعلام موافقت و تنفید اجرای این روش، بنیاد مستضعفان را بیش از پیش رهین منت خود گردانید تا ان شاءالله همراه با سایر برادران و خواهران متعهد شاغل در این نهاد انقلابی و شرکتها و واحدهای تحت پوشش آن بتوانیم بیش از پیش در خدمت به اسلام و مسلمین و بالأخص مستضعفین کوشا و موفق باشیم. ۶۵/۴/۳ـ میرحسین‌موسوی نخست‌وزیر]

بسمه تعالی

با مراعات جهات شرعیه، آنچه به نفع محرومین و مستضعفین و خانواده‌های شهدا و مفقودین و معلولین و اسرا می باشد، مجازید عمل نمایید.

۱۳۶۵/۵/۵

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۸۲ تا ۸۳.

◙ نامه

زمان: ۱۲مهر ۱۳۶۵/ ۲۹محرم ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: استعفای نماینده امام خمینی از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
مخاطب: راستی کاشانی، حسین

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب، بزرگ مرجع اسلام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ ادام الله ظله علی رئوس المسلمین

با کمال احترام معروض می دارد، با اینکه در اطاعت از امر مکرر حضرت امام نسبت به نمایندگی در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بحمدالله تاکنون انجام وظیفه شده است و به لطف خداوند با توجه به نقطه نظرهای مبارک خطر ضعفهایی که ممکن بود از جانب منحرفین ایجاد شود برطرف شده است، ولی با اشتغالات درسی در حوزه و اطاعت از دیگر اوامر حضرت مستطاب عالی فرصت لازم برای ادامه نمایندگی آن حضرت در سازمان مذکور نیست. استدعای استعفا دارم. ضمناً چون در پیروی از فرمایشات حضرتعالی عده ای از اعضای محترم سازمان به جبهه رفته‌اند و عده‌ای عازم هستند، استدعای انحلال دارند. از خداوند منان صحت و طول عمر آن امام بزرگوار را مسئلت دارم.

بیست و چهارم محرم الحرام ۱۴۰۷ ـ حسین راستی کاشانی]

بسمه تعالی

با خصوصیات علمی و عملی و اخلاقی خوبی که در جنابعالی است، امید است چون گذشته به تربیت افراد صالحی برای اسلام و جمهوری اسلامی اشتغال داشته و موفق باشید. با استعفای جنابعالی و درخواست انحلال سازمان موافقت می‌نمایم. از خداوند تعالی توفیق همگان را برای خدمت به اسلام و مسلمین خواهانم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۲۹ محرم الحرام ۱۴۰۷ روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۳۹.

▣ نامه

زمان:۱۷مهر۱۳۶۵/ ۴صفر۱۴۰۷ مکان:تهران،جماران
موضوع:مطالب مندرج در استعفانامه نماینده امام خمینی در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
مخاطب:نبوی،بهزاد

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مقدس حضرت امام خمینی ـ مدظله العالی

بعد از سلام و آرزوی طول عمر و سلامتی آن رهبر بزرگوار، عطف به استعفانامه اخیر حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای راستی کاشانی از نمایندگی جنابعالی در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و پاسخ آن حضرت که در جراید منتشر گردید، به استحضار می رساند؛ از آنجا که متن استعفانامه همراه با پاسخ حضرتعالی که در واقع موافقت با استعفا بوده، منتشر گردیده است، و نامبرده در متن مزبور علاوه بر طرح استعفا، مسائل دیگری نیز مطرح کرده بودند، که مغرضین پاسخ آن حضرت را تأیید تمامی مطالب استعفانامه مزبور تلقی می نمایند، از حضور مبارک استدعا دارد برای جلوگیری از هر نوع القای شبهه و سوءاستفاده در صورتی که مصلحت بدانید به نحو مقتضی و یا حتی در ذیل همین عریضه اعلام نظر فرمایید. ملتمس دعا.

بهزاد نبوی[۱] ـ ۱۳۶۵/۷/۱۶]

بسمه تعالی

جناب آقای بهزاد نبوی

اینجانب فقط با استعفای آقای راستی و انحلال سازمان مذکور موافقت نمودم و با مطالب دیگری که در استعفانامه بود، به هیچ وجه موافقت نکردم. ۶۵/۷/۱۷

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. آقای بهزاد نبوی در کابینه شهید رجایی و میرحسین موسوی، معاون نخست وزیر در امور اجرایی و وزیر صنایع سنگین بود.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱٤۲.

▣ نامه

زمان: ۱۵اسفند ۱۳۶۵/ ۵رجب ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: تایید فعالیتهای مشاور فرهنگی رئیس جمهور مخاطب: موسوی گرمارودی، سید علی

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک رهبر عالیقدر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی ـ مدظله العالی و روحی له الفداء

با احترام و بعد التحیات، خاطر مبارک عالی مستحضر است که اینجانب سید علی موسوی گرمارودی در جریان بنی صدر و پس از دعوت او برای تصدی مشاورت فرهنگی وی، به صوابدید شهید آیت الله صدوقی ـ رضوان الله تعالی علیه ـ آن سمت را پذیرفتم. اما دو ـ سه ماه بعد و با دیدن نخستین انحرافهای وی، در یک شرفیابی کوتاه از محضر مبارکتان استجازه کناره گیری کردم. فرمودید: نزد او بمانید و سعی کنید او را از انحراف اطرافیان آگاه سازید. چند ماه بعد و در شرفیابی کوتاه دوم که جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای رحمانی، مسئول بسیج کل کشور نیز حضور داشتند، باز استدعای کناره گیری و استعفا کردم، ولی فرمودید: همچنان بمانید و انحرافات او را به مسئولان گوشزد کنید. در شرفیابی سوم به تاریخ ۵۹/۱۰/۲۹ که افتخار شرفیابی خصوصی و طولانیتری یافتم و حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای توسلی نیز حضور داشتند، مصراً استدعای اجازه استعفا کردم. با نقل به مضمون عرض می کنم که فرمودید: «آبرو مهمتر از خون نیست. جوانان ما برای این انقلاب الهی خون می‌دهند شما هم آبرو بدهید.» این بنده در تمام مدت این چند سال سعی کردم به ملاحظه اینکه فرمودید آبرویتان را بدهید، شکیبایی کنم و قول و امر و فرمان آن رهبر عالیقدر را جایی نقل نکنم. اما چون اخیراً کتابی در آمده است که در آن ناحق اسم مرا در کنار منحرفان دستگاه بنی صدر آورده‌اند و این موضوع ممکن است زمینه مختصر خدمتی را که در دانشگاه و در محافل فرهنگی و ارشاد اسلامی به جمهوری اسلامی ایران و انقلاب مقدسمان می‌کنم از میان بردارد، شرعاً خود را موظف دانستم که با یادآوری موارد مذکور در

فوق، از محضر مبارک آن رهبر عالیقدر کسب تکلیف نمایم. و الامر کله لدیکم.

والسلام علیکم.

سید علی موسوی گرمارودی - ۶۵/۱۲/۱۵]

بسمه تعالی

جناب آقای موسوی گرمارودی - ایده الله تعالی

همانگونه که مرقوم داشتید، جنابعالی پس از کشف انحراف بنی صدر، چند مرتبه نزد اینجانب آمدید و اظهار داشتید که من می خواهم از سمتی که نزد بنی‌صدر دارم کناره گیری کنم، و اینجانب برای مصالحی که در نظر داشتم با نظر شما مخالفت کردم و شما را با اکراهی که داشتید از کناره گیری باز داشتم. و شما را در اعمال مخالف او هیچ‌گاه شریک نمی دانم. ان شاءالله تعالی موفق باشید در خدمت به بندگان خداوند. والسلام.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ / ۴ شوال ۱۴۰۷ — مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامه انحلال حزب جمهوری اسلامی

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی هاشمی رفسنجانی، اکبر

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی - مدظله العالی

همان طور که آن رهبر عزیز اطلاع دارند، تأسیس «حزب جمهوری اسلامی» از طرف هیأت مؤسس با مشورت آن مقام معظم و در شرایطی انجام شد که نیاز به یک تشکل در برابر انبوه مسائل در آغاز انقلاب و لزوم انسجام و انتظام نیروهای آگاه و

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.

مؤمن و گسترش آگاهیهای انقلابی و تربیت کادرهای فعال و کارآمد برای اداره کشور و خنثی کردن توطئه گروهکها و عوامل دشمن خارجی و ضدانقلاب داخلی بشدت احساس می شد. این حزب در طول سالهای گذشته در حد توان خود به منظور تثبیت نظام جمهوری اسلامی و انجام تکالیف بزرگی که بر دوش خود حس می کرد، از هیچ کوششی فروگذار نکرد؛ و در کوران توطئه های چپ و راست با فداکاری و تقدیم شهدایی که بعضی از آنان چهره های برجسته و فراموش نشدنی انقلابند، از جمله شهدای هفتم تیر، نقاب از روی نفاق برانداخت و مظلومیت و حقانیت خط امام را به نمایش گذارد.(۱)

در طول جنگ تحمیلی، حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور به وظیفه اسلامی خود برای بسیج مردم و شرکت فعال در جبهه های نور عمل کرد، و جمعی از کادرها و اعضای آن در این جهاد مقدس به افتخار شهادت نایل آمدند. تعبد افراد این حزب به اسلام و اعتقاد راسخ آنان به ولایت فقیه، که خود عامل مهمی در کینه توزی ضدانقلاب بود، ایجاب می کرد که در مراحل و مقاطع مختلف انقلاب، با کسب رهنمودهایی از آن مقام معظم، حرکت حزب را تنظیم و سیاستهای آن را پی ریزی نمایند.

اکنون به فضل الهی نهادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده و سطح آگاهی و درک سیاسی آحاد ملت انقلاب را از جهات عدیده آسیب ناپذیر ساخته و روشن بینی و توکل و قوت اراده آن رهبر عالیقدر و فداکاری و آمادگی مردم حزب الله توطئه های ضدانقلاب داخلی و استکبار جهانی را بی اثر و کم خطر نموده است. لذا احساس

---

۱. نخستین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی شهید سید محمد حسینی بهشتی بود، پس از شهادت وی آقای سید علی خامنه ای به دبیرکلی حزب برگزیده شد.

می‌شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و بعکس، ممکن است تحزب در شرایط کنونی بهانه ای برای ایجاد اختلاف و دودستگی و موجب خدشه در وحدت و انسجام ملت گردد، و حتی نیروها را صرف مقابله با یکدیگر و خنثی سازی یکدیگر کند. لذا، همان طور که قبلاً نیز کراراً عرض شد، شورای مرکزی پس از بحث و بررسی مبسوط و مستوفا با اکثریت قاطع به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که «حزب جمهوری اسلامی» تعطیل و فعالیتهای آن بکلی متوقف گردد.

مراتب برای استحضار و کسب رهنمود عالی معروض می گردد. والامر الیکم، و ادام الله بقائکم الشریف. سید علی خامنه‌ای ـ اکبر هاشمی رفسنجانی]

بسمه تعالی

جنابان حجتی الاسلام آقای خامنه ای و آقای هاشمی ـ دام توفیقهما

موافقت می شود. لازم است تذکر دهم که حضرات آقایان مؤسسین محترم حزب، مورد علاقه اینجانب می‌باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید. ضمناً تذکر می‌دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه بر خلاف اسلام و تفرقه اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است. والسلام علیکما و رحمة الله.

۱۱ خرداد ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

▣ نامه

زمان: ۱۸ خرداد ۱۳۶۶ / ۱۱ شوال ۱۴۰۷ مکان: تهران، جماران
موضوع: پاسخ نامه پیرامون قیام ملت و روحانیت برای دفع مفاسد دوران شاهنشاهی
مخاطب: گلپایگانی، محمدرضا (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحیم ۱۱ شوال ۱۴۰۷

به عرض مبارک می رساند مرقوم محترم، که مشتمل بر مژده سلامت وجود شریف و متضمن بر الطاف کریمه بود، موجب مزید تشکر گردید. اینجانب در اوقات مقتضیه برای سلامت وجود شریف دعای خالص نموده، و ان شاءالله می نمایم.

راجع به مطالبی که مرقوم فرموده بودید باید عرض کنم که قیام ملت شریف و در رأس آن روحانیت معظم برای چیزی جز دفع مفاسد دوران شاهنشاهی ستم پیشه و اجرای احکام اسلام و رواج فرهنگ غنی اسلامی در جمیع نهادها نبوده و نخواهد بود. جنابعالی مطمئن باشید که اشخاصی که خدای نخواسته نظرهای التقاطی و الحادی داشته باشند، با اعتماد به خدای متعال و ادعیه بقیة الله - ارواحنا فداه - نخواهند توانست در مراکز کلیدی رخنه کرده و موجب فساد خدای ناکرده گردند. البته بعض احکام حکومتی را که برای نظام اسلامی و تمشیت امور مسلمین و حفظ اسلام و جمهوری اسلامی است نباید از نظر دور داشت؛ و [از] اوضاع زمان و از تغییرات عظیمی که در عالم واقع شده است و مسائل بسیاری را پیش می آورد که در صدر اسلام نبوده است نباید غفلت کرد؛ که همه این امور برای حفظ و استقرار حکومت اسلامی است. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۸۲.

▣ نامه

زمان: ۱۵ مهر ۱۳۶۶/ ۱۳ صفر ۱۴۰۸ **مکان: تهران، جماران**

موضوع: لزوم توسعه و ترویج سنت قرض الحسنه

مخاطب: امانی، سعید لبانی، محسن رخ صفت، سیداصغر حاجی حیدری، ابوالفضل شفیق، حبیب الله عسکر اولادی، حبیب الله (مسئولان صندوقهای قرض الحسنه)

[بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارک زعیم عالیقدر و بنیانگذار جمهوری اسلامی، نایب الامام، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی ـ با اهدای تحیت و سلام و نهایت احترام، خاطر مبارک مستحضر است که صندوقهای قرض‌الحسنه کشور از سال ۱۳۴۵ شروع به فعالیت نموده، و در ابعاد مختلف به امداد محرومین و مستضعفین و نیز مبارزان با طاغوت و کمک به خانواده های آنها تا پیروزی انقلاب، و پس از پیروزی با شتاب بیشتر در جهت اهداف نظام جمهوری اسلامی نسبت به امور کشاورزی، دامداری، صنعت، مسکن، ازدواج، جبهه و جنگ، سیلزدگان، آسیب دیدگان زلزله، بمبارانها، گرفتاران، محتاجان و محرومین، گرهگشایی می‌نماید. و منشاء خدمات فراوانی بوده و می باشد. به نظر مقلدین آن حضرت ادامه و استمرار این خدمات نیاز به عنایت خاصه و حمایت حضرتعالی دارد.

سعید امانی، رئیس هیأت مدیره صندوق قرض الحسنه رفاه بازار
محسن لبانی، مدیر عامل صندوق قرض الحسنه کوثر
سیداصغر رخ صفت، مدیر عامل سازمان اقتصاد اسلامی
ابوالفضل حاجی حیدری، هیأت مدیره صندوقهای امداد امام و تعاون صنفی
حبیب الله شفیق، مدیر عامل صندوق قرض الحسنه امداد امام
حبیب الله عسکراولادی، مدیریت صندوقهای تعاون صنفی و امداد]

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات آقایان محترم، باید سعی کرد که این سنت حسنه در بین مسلمانان جایگاه اصلی خود را پیدا کند؛ و تمام تلاش را نمود تا «قرض‌الحسنه» به عنوان یکی از ستونهای اقتصاد اسلامی، حتی در خانواده‌ها، به صورت کامل جریان

یابد.

امیدوارم نظام جمهوری اسلامی و تمامی صندوقها، تعاونیها و سازمانها، و مؤسساتی که در این امر مبارک زحمت می کشند، موفقیت بیشتری کسب نمایند.من به تمام مسئولین و آنهایی که به اسلام خدمت می کنند دعا می‌نمایم.

۱۵ مهر ۶۶

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۲۰فروردین ۱۳۶۷/ ۲۱شعبان ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: انتقادپذیری
مخاطب: ولایتی، علی‌اکبر (وزیر امور خارجه)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر ولایتی، وزیر محترم امور خارجه

من جنابعالی را فردی متدین و دلسوز انقلاب می دانم. و شما و دوستانمان در وزارت امورخارجه باید تحمل انتقاد را، چه حق و چه ناحق، داشته باشیم. جو باز سیاسی ایران انقلابی، بی تجربگی بعضی از مسئولان، سبقت در رساندن سریع هر موضوعی به جامعه گرچه به ضرر مردم باشد، نه تنها کار وزارت امور خارجه را مشکل می‌کند، که در بعضی اوقات روی سیاستهای داخلی هم اثر نامطلوب می‌گذارد. اینجانب به شما و تمامی خادمین به اسلام و ایران دعا می کنم. امیدوارم چون گذشته در خدمتتان تنها خدا را منظور دارید. از خداوند متعال توفیق جنابعالی و سایر خدمتگزاران به اسلام را خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۷/۱/۲۰

روح الله الموسوی الخمینی[۲]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۹۹ تا ۴۰۰.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۰.

▣ **نامه**

زمان: ۲۵فروردین ۱۳۶۷/ ۲۶شعبان ۱۴۰۸
مکان: تهران، جماران
موضوع: تشکیل «مجمع روحانیون مبارز»
مخاطب: شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز

[بسم الله الرحمن الرحیم

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ادام الله ظله الوارف علی رؤوس المسلمین.

با تقدیم تحیات وافره و ادعیه خالصانه، احتراما، معروض می دارد: در فضای مبارک آزادی اظهار نظر و بیان عقیده که یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و در سایه حکومت جمهوری اسلامی ایران و در شرایط کنونی کشور و بویژه با توجه به تأکیدات مکرر آن حضرت در جهت لزوم حضور در صحنه و خصوصاً با توجه به وظیفه خطیر روحانیون کشور در ارشاد و روشنگری جامعه انقلابی و دخالت صحیح در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و تقویت نظام مقدس اسلامی، اینجانبان امضاکنندگان ذیل لازم دانستیم که با همکاری و تبادل نظر با یکدیگر در قالب تشکل و نظم جدید به فعالیتهای خود در مسائل سیاسی و غیر سیاسی که در سرنوشت انقلاب و کشور تأثیر فراوان و قطعی دارد، سامان دهیم. تعهد و میثاق جمع ما در این فعالیتها پیروی از اصول و خط مشی انقلاب که از ناحیه مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف در سخنرانیها و پیامها ترسیم و تبیین شده است، می باشد.

خط مشی ما از اصولی است که به طور جامع در «پیام حج» سال گذشته که بحق «منشور انقلاب» نام گرفت، می باشد. خط مشی ای که در نامه‌ها و پیامهای پس از آن بویژه در تبیین اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و بیان مرزها و تفکیک آن از اسلام امریکایی آمده است، ترسیم فرموده اید و امید و اطمینان داریم که با این میثاق الهی و در این تشکل جدید بهتر به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم و دینی

که به انقلاب و اسلام و ملت فداکار و مجاهد ایران و شهدای عزیز داریم، ادا نماییم.

لزوماً به استحضار می رساند که قبل از هر اقدامی در این باب تلاش فراوانی توسط بعضی از برادران ما برای نزدیک کردن نقطه نظرات در چهارچوب اصول و موازین مورد قبول با دیگر روحانیون محترمی که سالها با آنان فعالیت مشترک داشتند، صورت گرفت که متأسفانه به علت پافشاری آن آقایان بر روی مسائل و مواردی که آنها را بر خلاف مصلحت و موازین تشخیص می دادیم، به نتیجه نرسید لذا به نظر رسید که جمع ما در تشکل جدید بیشتر و بهتر می تواند خدمتگزار انقلاب اسلامی باشد.

اما از آنجا که ممکن بود از این انشعاب و ایجاد تشکل و نظم جدید شائبه اختلاف و تفرقه به بعضی اذهان راه پیدا کند و برخی افراد ناآگاه آن را وسیله ای برای تبلیغ علیه وحدت که همواره مورد توصیه و تأکید آن حضرت بوده است، قرار دهند. لازم دیدیم که موضوع را به استحضار حضرتعالی برسانیم تا چنانچه مصلحت ندانستید اقدامی صورت نپذیرد که از طریق برادر بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمدآقا از موافقت و رضایت خاطر مبارک اطلاع حاصل نمودیم و سپس برای انعکاس این موافقت و رضایت در وسایل ارتباط جمعی مجدداً کسب اجازه گردید که آن را نیز اجازه فرمودید و مطلب توسط رسانه ها اعلام گردید. بار دیگر برای اطمینان بیشتر از رضایت حضرتعالی در مورد انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی کسب اجازه شد که نظر موافق نسبت به فعالیت این جمع در ضمن توصیه بر اینکه برای غیر تهران نامزد معرفی نکنید، عنایت فرمودید. پس از طی مراحلی که گذشت این جمع با نام «روحانیون مبارز تهران» اقدامات خود را آغاز کرد و نسبت به انتخابات نیز لیستی از نامزدهای تهران تهیه و به اطلاع مردم شریف تهران رسانید. اکنون با این تجربه موفق و با این اعتقاد که ایجاد تشکل جدید

«روحانیون مبارز تهران» از جهات مختلف خصوصاً در جهت حفظ آزادی اظهار عقیده برای سایر اقشار مردم مفید و لازم بوده است، در ادامه فعالیتهای دیگر خود خصوصاً اقدامات قولی و عملی در تبیین و ابلاغ محتوای پیامهای آن امام بزرگوار به قشرهای مختلف بویژه اقشار مستضعف که در شان و وظیفه روحانیون است. و از آن جمله حفظ و تحکیم هرچه بیشتر پیوند مابین دو قشر عظیم روحانی و دانشگاهی که آن نیز از دستاوردهای رهبری آن حضرت و این انقلاب شکوهمند است. مستدعی است نسبت به آنچه معروض گردید چنانچه صلاح می دانید نظر مبارک را مرقوم فرمایید. در اینجا لازم می دانیم از صدور دستور کمک مالی ماهانه که قبل از برگزاری انتخابات از اعلام آن در رسانه ها خودداری نمودیم، تشکر و سپاسگزاری نماییم.

در خاتمه پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و شکست قطعی دشمن بعثی صهیونیستی و نابودی صدام و سایر دشمنان اسلام، خصوصاً امریکای جهانخوار و طول عمر و سلامت آن امام عزیز و بزرگوار را از خداوند متعال مسئلت می‌نماییم.][۱]

---

۱. امضا کنندگان بترتیب عبارتنداز: جلالی خمینی، نماینده امام و امام جمعه خمین ـ سید محمود دعایی، نماینده امام و سرپرست روزنامه اطلاعات و نماینده مجلس شورای اسلامی ـ سید محمد ابطحی، مدیر صدای جمهوری اسلامی ایران ـ سید سراج‌الدین موسوی، عضو دفتر حضرت امام، مسئول حفاظت منطقه جماران، نماینده امام و فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی ـ محمدحسن رحیمیان، عضو دفتر حضرت امام، مسئول مجله (پاسدار اسلام) و استاد دانشگاه ـ مهدی کروبی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و نیز نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی ـ امام جمارانی، نماینده امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه ـ حسن صانعی، عضو و مسئول امور مالی دفتر حضرت امام و نماینده امام و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد محمدعلی انصاری، عضو دفتر حضرت امام و مسئول امور سیاسی و فرهنگی دفتر حضرت امام ـ موسوی خوئینی‌ها، دادستان کل کشور و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ـ علی اکبر آشتیانی، عضو دفتر حضرت امام، نماینده امام و مسئول عقیدتی سیاسی ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران ـ سید حمید روحانی، مورخ و مسئول اسناد انقلاب اسلامی ـ موسوی لاری، از اعضای شورای حج ـ کیان ارثی، نماینده

بسمه تعالی

حضرات حجج اسلام، روحانیون مبارز تهران ـ دامت افاضاتهم

سیر قضیه به همین صورتی است که در نامه آورده اید، انشعاب از تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل، و ایجاد تشکیلات جدید، به معنای اختلاف نیست. اختلاف در آن موقعی است که خدای ناکرده هرکس برای پیشبرد نظرات خود به دیگری پرخاش کند که بحمدالله، با شناختی که من از روحانیون دست اندرکار انقلاب دارم، چنین کاری صورت نخواهد گرفت. من به شما و همه کسانی که دلشان برای اسلام عزیز می تپد دعا می کنم، و توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله.

۶۷/۱/۲۵

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

مجلس شورای اسلامی محمدرضا توسلی، عضو دفتر حضرت امام و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه ـ مجید انصاری، رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نماینده شورایعالی قضایی محمدعلی نظام‌زاده، نماینده حضرت امام در اوقاف و عضو مؤسسه جامعة الزهرا ـ سید محمد خاتمی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نماینده امام و سرپرست مؤسسه کیهان ـ سید علی اکبر محتشمی، وزیر کشور، عضو دفتر حضرت امام ـ سید محمد هاشمی، عضو دفتر حضرت امام و نماینده شورایعالی قضایی در شورای سرپرستی صدا و سیما و دبیر این شورا ـ محمدعلی صدوقی، عضو دفتر حضرت امام و معاون شورایعالی قضایی ـ سید تقی درچه ای، امام جماعت در منطقه شهرری ـ اسدالله بیات، نماینده مجلس، عضو هیأت رئیسه و مسئول مؤسسه مسجد جامع نارمک ـ هادی غفاری، نماینده مجلس، مسئول موسسة الهادی ـ محمدعلی رحمانی، عضو دفتر حضرت امام و فرمانده بسیج مستضعفان ـ صادق خلخالی، نماینده مجلس شورای اسلامی ـ منتجب نیا، نماینده مجلس شورای اسلامی ـ عیسی ولایی، نماینده مجلس شورای اسلامی.

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲٦ تا ۲۸.

▣ نامه

زمان: ۱۷ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۲ شوال ۱۴۰۸ مکان: تهران، جماران
موضوع: تأکید بر اهمیت حفظ اموال و موقوفات آستان قدس رضوی
مخاطب: واعظ طبسی، عباس «تولیت آستان قدس رضوی»

[بسمه تعالی شأنه. محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظله العالی

محترماً، با اهدای تحیات وافره و آرزوی سلامت و طول عمر برای آن امام بزرگوار. بدین وسیله معروض می‌دارد، از آنجا که حفاظت و نگهداری از اموال و موقوفات آستان قدس رضوی و استفاده از آن در جهت رفع استضعاف مادی و معنوی و تعظیم شعائر دینی و مذهبی همواره مورد توجه و عنایت خاص آن حضرت بوده است که بارها بر آن تأکید فرموده‌اید، حقیر به حکم وظیفه اسلامی و انقلابی در جهت اجرای اوامر مطاع و دستورات مؤکد حضرتعالی پیوسته در این راه کوشا بوده، و در آستانه پایان نخستین دهه پر خیر و برکت انقلاب اسلامی علاوه بر تقدیم هدایای نقدی و جنسی به جبهه و رزمندگان عزیز و بازسازی هویزه و احداث بنای دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ساختمان کتابخانه عظیم مرکزی، و دیگر مراکز فرهنگی و پژوهشی، دارویی و درمانی و ابنیه با شکوه اسلامی همچون صحن قدس، و صحن جمهوری اسلامی و نیز طرح در دست اجرای اطراف حرم مطهر که به یقین با آنچه در سالیان متمادی حکومتهای جائر و ستمگر انجام گرفته قابل مقایسه نیست، نسبت به احیای اراضی مزروعی و کشاورزی، و عمران و آبادی رقبات موقوفه که در حقیقت نقش عمده ای در بالا بردن سطح تولید و پیشبرد شعار مقدس خودکفایی کشور اسلامی مان دارد، مساعی بیدریغ مبذول داشته‌ایم که امیدواریم مورد قبول خداوند منان و خشنودی و رضایت حضرت رضا علیه السلام قرار گیرد.

مع الوصف، عناصری ناآگاه سعی کرده اند خساراتی را بر بخش کشاورزی

اعم از ابزار و محصولات این آستانه مقدسه تحمیل نمایند که به طور قطع در روند امور و پیشرفت کار زراعت و مآلاً کمک به اقتصاد مملکت اسلامی موانعی را ایجاد می کند.

البته شکی نیست که با اعتماد به الطاف خداوند متعال و عنایات خاصه حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام و در پرتو رهنمودهای حکیمانه آن حضرت، همچون گذشته بدون هیچ گونه تردید و تعللی حسب الأمر به ادای تکلیف الهی و وظیفه شرعی خویش خواهیم پرداخت. با این همه خاضعانه انتظار دارد، همچنان از نظرات و ارشادات آن مقام معظم و منیع که علی‌الدوام در هر برهه‌ای الهامبخش و راهگشا و تعیین کننده بوده و می‌باشد، بهره‌مند گردیم.

در جوار مضجع منور حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه السلام طول عمر و سلامت آن وجود مبارک و پیروزی نهایی رزمندگان اسلام را از پیشگاه حق تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

۱۳۶۷/۳/۱۴ ـ عباس واعظ طبسی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای واعظ طبسی، تولیت آستان قدس رضوی ـ دامت افاضاته

با سلام و آرزوی موفقیت بیشتر برای شما. زحمات و تحمل سختیهای شما قبل از انقلاب تا به ثمر رسیدن آن و تلاشتان بعد از انقلاب برای تثبیت نظام نوپای جمهوری اسلامی برکسی پوشیده نیست.

جنابعالی از چهره های درخشان مدیریت و انقلاب اسلامی در ایران و بخصوص در استان خراسان می باشید. تمامی مسئولان نظام اسلامی، از جمله جنابعالی باید موانع را از سر راه برداشته و با صبر و تدبیر بدان گونه که رضای خدا

است پیش روند. شما در راه حق و شیرین کمک به مستضعفین و محرومین از هیچ کوششی فروگذار ننموده ونخواهید نمود. و چون گذشته توجه داشته باشید که باید بدون کوچکترین گذشتی به موقوفات حضرت امام رضا علیه السلام بدان گونه که واقفین وقف کرده اند عمل کنید.

امیدوارم با هماهنگی شما و مسئولان آن دیار مقدس، تمامی موقوفات ثامن‌الحجج علیه السلام به طور جدی حفظ گردد. و مسئولان ذی ربط باید کمک لازم را در هر موردی که لازم داشته باشید بنمایند، تا به کمک همه مسئولان به فقرا و مستمندان خدمات بیشتری گردد و رضای خداوند تحصیل شود. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم.

به تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۷ هجری شمسی
روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ پیام

زمان: ۲۲خرداد۱۳۶۷/ ۲۷شوال ۱۴۰۸[۲] **مکان: تهران، جماران**
موضوع: مضرات خروج از وظایف و اختیارات قانونی
مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر) اعضای هیات دولت

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای نخست وزیر، آقایان وزرا ـ ایدهم الله تعالی

مسئله‌ای راکه لازم دیدم تذکر دهم این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کلیت سیاست مورد قبول اسلام است. همگی باید سعی کنیم هر حرکتی، اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، که انجام می دهیم به آن

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۵۹ تا ٦١.

۲. در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی) ج ۲۰، ص ۲۲۰، ذیل تاریخ ٦٧/٣/٢٣ درج شده است که به استناد تاریخ نسخه خطی، تاریخ ٦٧/٣/٢٢ صحیح است.

کلیت صدمه نزند. ترسیم کلیت متخذ از اصول اساسی قوانین اسلامی است که هدایت فرد و جامعه را بر عهده دارد. هر مسئولی و هر متعهد به نظامی باید سعی کند برای پیشبرد نظام در چهارچوب محدوده وظایفش عمل کند؛ که در غیر این صورت، احتمال پاشیدگی نظام جدی است. لذا اگر هر وزیری دخالت در کار وزیر دیگر نماید، که حتی دخالت او باعث رشد کار گردد، مورد قبول نیست؛ چرا که خروج از چهارچوب اختیارات ضررش بسیار بیشتر از رشد کار در نقطه ای دیگر است. روشن است که مشورت و هماهنگی و همکاری مورد بحث نیست.

اینجانب گاهی به موضعگیریهای وزرا و نمایندگان در خارج از محدوده وظایفشان برخورد می کنم که متعجب می شوم. از باب مثال سیاست خارجی کشور بر عهده وزیر امور خارجه است. اگر آقایان اعتراضی دارند، باید برادرانه در هیأت دولت مطرح کنند. اگر به اعتراض جواب قانع کننده ای داده شد، که چه بهتر؛ والاّ وزیر امور خارجه است که در چهارچوب سیاست ترسیمی از رهبری نظام و یا مجلس، تصمیم گیرنده است. این شیوه پسندیده ای نیست که هر وزیر و یا نماینده ای هر چه دلش خواست در مجامع عمومی بگوید.

آقایان وزرا، من به شما و به نمایندگان محترم نصیحت می کنم که سیاستهای یکدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنید؛ که اگر وحدت روش و حرکت در نظام نوپای اسلامی صدمه ببیند، نتایجی که دنیای استکبار از این برخوردها می گیرد بسیار شکننده است. کاری نکنیم که دنیا فکر کند نظام اسلامی ایران با این اختلاف سلیقه ها و با این ابراز اختلافها هیچ گاه راه ثبات را نخواهد پیمود. خداوند به تمامی شما توفیق خدمت به بندگان خوب خدا را ارزانی دهد. والسلام.

۲۲ / خرداد / ۶۷

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ٦٤ تا ٦٥.

▣ پیام

زمان:۲۸شهریور ۱۳۶۷/ ۷صفر ۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران

موضوع:تشکراز رسیدگی به مسائل فرهنگی فرزندان شاهد و تقدیر از دانش آموزان ممتاز شاهد

مخاطب:کروبی،مهدی (سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروبی ـ دامت افاضاته

گزارش مشروح مسائل فرهنگی و تحصیلی فرزندان عزیز شاهد واصل گردید. از تلاش مسئولین و صاحبنظرانی که به این امر مهم اهتمام نموده و در راه بارور شدن و شکوفایی استعدادهای سرشار نونهالان و جوانان برنامه ریزی کرده اند تشکر می نمایم.

از اینکه نوشته‌اید فرزندان عزیز شهدا و مفقودین و جانبازان و اسرا با جدیت و عشق و علاقه درس می خوانند موجب غرور و شادمانی است. سلام گرم و محبت خالصانه ام را به این سرمایه‌های گرانبهای انقلاب، این یادگاران معلمین جاوید دانشگاه عشق و شهادت، ابلاغ نمایید. و از قول من به آنان بگویید که من با تمام وجود به شما عشق می ورزم و شما را از دل و جان دوست دارم؛ و علاقه مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصی متعهد برای اسلام ناب محمدی ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ و مبارزی سرسخت علیه اسلام امریکایی و مرفهین و پرچمدار وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید، و بتوانید با چراغ علم و عمل و تقوا ظلمت نفاق و کج‌فکریها و تحجرها و مقدس مابیها را از دامن اسلام بزدایید. کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیل معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضا شده است؛ و اما کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست. زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است؛ و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می‌خورد. اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه‌های عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید. با اراده و

عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته ها آنقدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخیها و ناکامیهای دیگر را از یاد می برد. بشریت با همه پیشرفتهایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است، و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است. امیدوارم ملتهای اسلامی و ملت بزرگ ایران با یک تحرک فرهنگی گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر و تنگنای علمی درآورند.

توصیه مجدد و اکید من به همه دست اندرکاران و مسئولین کشور این است که بیشتر از گذشته به امور فرهنگی این عزیزان توجه نمایند. من هدیه ای جز دعای خیر برای فرزندان شاهدان همیشه تاریخ، خصوصاً آنهایی که در تحصیل جز شاگردان ممتاز شناخته شده اند، ندارم. امیدوارم خداوند عطش علم آموزی را در آنان زیاد، و سینه هاشان را دریای معارف خود گرداند، و تعهد عمل را به آنان کرامت نماید.

والسلام علیکم و رحمة الله. به تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمینی (۱)

▣ نامه

زمان: ۲۸ شهریور ۱۳۶۷ / ۷ صفر ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: روزنامه رسالت و جامعه مدرسین مخاطب: آذری قمی، احمد

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای آذری قمی ـ دامت افاضاته

با سلام و دعا، من همیشه به شما علاقه مند بوده و هستم؛ و هرگز هم در ذهنم نیست که خدای ناکرده جنابعالی کاری برخلاف اسلام بنمایید. شما از چهره های فاضل و مبارز و دلسوخته انقلاب می باشید. شما با نوشتن مطالب و مقالات خوب در تلاشید تا مردم را به راه صحیح راهنمایی نمایید.

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳۷ تا ۱۳۸.

من در مورد روزنامه رسالت و جامعه محترم مدرسین ـ ایّدهم الله تعالی ـ حرفی نمی‌توانم بزنم. هر طور خود و جامعه صلاح دانستید عمل کنید. اگر در این زمینه‌ها حرفی زده‌ام و یا چیزی نوشته‌ام، آنگونه که مصلحت تشخیص داده‌ام عمل کرده‌ام. خداوند جنابعالی را برای یاری اسلام و مسلمین حفظ فرماید.

والسلام علیکم. ۶۷/۶/۲۸

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان:۲۸شهریور ۱۳۶۷/۷صفر ۱۴۰۹ مکان:تهران،جماران
موضوع:ابراز علاقه و تأکید بر وحدت و برادری
مخاطب:ناطق نوری، علی اکبر (نماینده مجلس شورای اسلامی)

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر عظیم الشأن انقلاب، حضرت امام ـ مدظله العالی

با تقدیم سلام و آرزوی طول عمر برای آن وجود مبارک، احتراماً معروض می‌دارد، همان طوری که مستحضر هستید در رابطه بارأی اعتماد به اعضای محترم دولت از حضرتعالی راجع به حجت الاسلام جناب آقای محتشمی، وزیر محترم کشور سؤالی شد که پاسخ آن، روز رأی‌گیری بین نمایندگان پخش و از تریبون مجلس خوانده شد و ایشان مجدداً به عنوان وزیر کشور انتخاب شدند لکن بعضی در سطح مجلس حتی از تریبون مجلس چنین منعکس نمودند: کسانی که به آقای محتشمی رأی مثبت ندادند مخالفت با فرمان شما کردند. چنانچه مصلحت بدانید بیان فرمایید آیا نظر مبارک رأی مثبت‌دادن به ایشان بود؟ و کسانی که رأی ندادند خدای ناکرده خلاف فرمان حضرتعالی که قهراً خلاف شرع هم هست عمل نمودند یا خیر؟

۶۷/۶/۲۴ ـ مقلد کوچک شما: علی اکبر ناطق نوری]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱٤۱.

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای ناطق نوری ـ دامت افاضاته

با سلام، در جمهوری اسلامی جز در مواردی نادر که اسلام و حیثیت نظام در خطر باشد، آن هم با تشخیص موضوع از طرف کارشناسان دانا، هیچ کس نمی تواند رأی خود را بر دیگری تحمیل کند؛ و خدا آن روز را هم نیاورد. من تمام سعی خود را می‌نمایم که با نسبت مطلبی به من، کسی مظلوم نگردد. من شما را هم فردی متدین، متعهد، مبارز و دارای هوش سیاسی می‌دانم. برای من شما و آقای محتشمی فرقی ندارد. من هر دوی شما و همین‌طور همه دست‌اندرکاران صدیق نظام و تمامی افرادی که چون شما قلبشان برای اسلام و ایران می‌تپد را فرزندان اسلام و انقلاب می‌دانم. همه باید سعی کنیم تا روح وحدت و پاکی را بر محیط کارمان حاکم گردانیم، تا بتوانیم تمامی قدرتها و ابرقدرتها را به زانو درآوریم. باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تقدس مآبی و تحجرگرایی اسلام امریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفمان نشان دهیم. ما اگر توانستیم نظامی بر پایه های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزه از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. والسلام‌علیکم و رحمة‌الله.

۶۷/۶/۲۸ روح الله الموسوی الخمینی[(۱)]

▣ نامه

زمان: ۲۳آبان ۱۳۶۷/ ۳ربیع الثانی ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: احداث مصلای تهران

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی ـ هاشمی رفسنجانی، اکبر (ائمه جمعه تهران)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ـ مدظلّه العالی ـ السلام علیکم و رحمة الله

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴۲ تا ۱۴۳.

به دنبال احساس نیاز به ایجاد مصلای تهران و در پی جستجو و بررسی چند ساله، محلی مناسب در قسمت شمال مرکزی تهران «عباس آباد» که در مالکیت شهرداری است شناسایی شد و طرح مناسب و جامعی پس از مشورت فراوان و به مسابقه گذاشتن میان مهندسان داخلی و خارجی، تهیه شد.

از آنجا که مشکلات حقوقی و ثبتی و تشریفات انتقال قانونی به این زودیها قابل حل نیست و مشکلات اقامه نمازجمعه تهران در دانشگاه روزافزون است و به نظر می‌رسد که این کار باید به همت و اراده حضرتعالی به سرانجام برسد، لذا استدعا دارد اجازه فرمایید به مقدار یک میلیون مترمربع از اراضی مزبور در حد فاصل خیابان شهید بهشتی به سمت شمال، که قسمت اعظم آن نیز با موافقت شهرداری محصور گردید و در اختیار مصلا است به ساختمان مصلّا و تا حدّ لازم در محور قبله از شمال آن برای سایر مرافق اختصاص یابد و تصدی امور آن با امام جمعه تهران باشد.

همچنین طرحهایی که بعداً در حریم مصلای تهران پیش بینی می شود با موافقت امام جمعه انجام گیرد. سیدعلی خامنه‌ای ـ اکبر هاشمی]

بسمه تعالی

با حفظ جهات شرعی در مورد زمین مذکور با پیشنهاد حجتی الاسلام، آقایان: خامنه ای و هاشمی، موافقت می شود. ان شاءالله در کنار ساختن مصلای تهران، در ساختن بینش کفر ستیزی مسلمانان موفق باشید. ضمناً سادگی مصلا باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد. و شدیداً از زرق و برق ساختمانهای مساجد اسلام امریکایی جلوگیری شود. خداوند تمامی دست اندرکاران برپاکننده مساجدالله را تأیید فرماید.

۶۷/۸/۲۳

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۸۸ تا ۱۸۹.

◙ نامه

زمان: ۱دی ۱۳۶۷/ ۱۲جمادی‌الاول ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: تشکر از فعالیت سپاه پاسداران در مبارزه با هواپیماربایی و تاکید بر ادامه ماموریت
مخاطب: رضایی، محسن (فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

بسمه تعالی

جناب آقای محسن رضایی، فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

با تشکر از زحمات ارزشمند سپاه پاسداران در حراست از هواپیماها و برخورد با هواپیما ربایان و با ابلاغ سلام به آنان، سپاه پاسداران چون گذشته مسئول حفاظت هواپیماها می باشد، و در صورت ربوده شدن هواپیمایی، سپاه مسئول می‌باشد. در مقدمات و نحوه اجرا با جناب آقای موسوی نخست وزیر، هماهنگی لازم را بنمایید.[1]

۶۷ / ۱۰ / ۱

روح الله الموسوی الخمینی[2]

---

۱. فرمان امام خمینی در پی نامه شماره ۱۱۳۷٤ / ف ، مورخ ۱۰/۹/٦۷ آقای محسن رضایی، به عنوان آقای سیداحمد خمینی صادر شد. آقای رضایی در این نامه با اشاره به دستوری که امام خمینی در سال ٦۳ صادر و سپاه پاسداران را مسئول جلوگیری از هواپیما ربایی فرمودند، یادآور شده است که:

«سپاه از این مأموریت خطیر روسفید بیرون آمد و هشت مورد در هوا و دوازده مورد در زمین توطئه های ربودن هواپیماها را خنثی کرد. . . پس از خاتمه ظاهری جنگ، حضور سپاه به طرق مختلف دستخوش برخوردهای گوناگون شد که از لحاظ حفظ مسائل امنیتی پرواز، برای سپاه مشکلاتی ایجاد نموده و مجموعه تشکیلات موجود در فرودگاه با زنده کردن قوانین سابق، حضور سپاه را با طرح مسئله «نداشتن جایگاه قانونی» تخطئه می نمایند».

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۱۵.

▣ نامه

زمان:۲۵دی۱۳۶۷/ ۷جمادی‌الثانی۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع:ماموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی مخاطب:روحانی«زیارتی»، سیدحمید

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای آسید حمید روحانی «زیارتی» ـ دامت افاضاته

با تشکر از زحمات جنابعالی در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و تلاش قابل تقدیرتان در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، امیدوارم بتوانید با دقت، تاریخ حماسه آفرین و پر حادثه انقلاب اسلامی بی‌نظیر مردم قهرمان ایران را بدان گونه که هست ثبت نمایید.

شما به عنوان یک مورخ باید توجه داشته باشید که عهده دار چه کار عظیمی شده‌اید. اکثر مورخین، تاریخ را آنگونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته اند می‌نویسند، نه آنگونه که اتفاق افتاده است. از اول می دانند که کتابشان بنا است به چه نتیجه ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می رسند.

از شما می خواهم هر چه می توانید سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید، چرا که همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابانشان ذبح می کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلابها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پر افتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده ای خاص، له و یا علیه عده ای دیگر و یا واقعه ای در خور بحث. اگر شما می توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده های مردم رنجدیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرتها و ابرقدرتها باشد.

شما باید نشان دهید که چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام

سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام امریکایی کردند.

شما باید نشان دهید که در جمود حوزه های علمیه آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یاحرکت انگلیسی می کردند، تنی چند از عالمان دین‌باور دست در دست مردم کوچه و بازار، مردم فقیر و زجر کشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن پیروز بیرون آمدند.

شما باید به روشنی ترسیم کنید که در سال ۴۱، سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزه روحانیت اصیل در مرگ آباد تحجر و تقدس مآبی چه ظلمها بر عده‌ای روحانی پاکباخته رفت، چه ناله های دردمندانه کردند، چه خون دلها خوردند، متهم به جاسوسی و بی دینی شدند ولی با توکل بر خدای بزرگ کمر همت را بستند و از تهمت و ناسزا نهراسیدند و خود را به توفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر، علم و خرافه، روشنفکری و تحجرگرایی، سرافراز ولی غرقه به خون یاران و رفیقان خویش پیروز شدند.

حرف بسیار است، و من حال نوشتن بیش از این را ندارم. خداوند به شما که مورد علاقه من هستید و خود از ستم کشیده های این انقلابید، توفیق بندگی دهد تا بتوانید با در نظر گرفتن او جل و علا واقعیتها را برای نسل آینده ثبت کنید. من به شما دعا می کنم و از واحد فرهنگی بنیاد شهید تشکر می کنم که به شما کمک می کند تا ان شاءالله بتوانید کارتان را به پایان برسانید. والسلام.

۶۷/۱۰/۲۵

روح الله الموسوی الخمینی[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۳۹ تا ۲۴۰.

▣ نامه

زمان: ۳۰بهمن ۱۲/۱۳۶۷رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران
موضوع: مشکلات و آینده سازمان تبلیغات اسلامی مخاطب: مهدوی کنی، محمدرضا

[در پاسخ به گزارش تفصیلی آقای مهدوی کنی به تاریخ ۶۷/۱۱/۳۰ که طی آن به تاریخچه سازمان تبلیغات اسلامی، تشکیلات و تعداد پرسنل و مسائل و مشکلات مربوط به آن پرداخته شده است و از اینکه در دو ـ سه سال اخیر، حمایت مورد نیاز به عمل نیامده، گلایه شده است و به پیوست نامه مذکور، پیشنهاداتی در رابطه با سرپرستی سازمان و کمک به رفع نیازهای مالی آن شده است. امام خمینی در پاسخ مرقوم فرموده اند:]

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدوی کنی ـ دامت افاضاته

با سلام و دعا برای وجود جنابعالی. آنچه مرقوم داشته‌اید:

۱ ـ از طرف اینجانب مانعی نیست که طی حکمی جناب حجت‌الاسلام آقای جنتی را مسئول سازمان تبلیغات اسلامی بنمایم، مشروط بر اینکه مسئله را پیش آقایان اعضای محترم سازمان تبلیغات طرح کنید که خدای ناکرده آقایان نگران نشوند.

۲ ـ در مورد صرف سهم مبارک امام ـ علیه السلام ـ آنچه نزد خود شما می آید، جنابعالی مختارید هرگونه صلاح می دانید عمل کنید. و نیز اجازه می دهم تا آن کسانی که از من در سهم اجازه دارند به همان میزان اجازه شان در صورت تمایل از طریق جنابعالی صرف در تبلیغات اسلامی نمایند.

۳ ـ در مورد اوقاف قابل صرف در تبلیغات اسلامی به جناب حجت الاسلام آقای امام جمارانی سفارش می نمایم تا در زمینه فوق کمک لازم را بنمایند. خیلی التماس دعا دارم. امیدوارم همیشه چون گذشته موفق و مؤید به نشر و تبلیغ اسلام گردید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی [۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۰.

▣ نامه

زمان: ۲اسفند ۱۳۶۷/ ۱۴رجب ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر از خدمات آقای صانعی در طول دوران نهضت و تایید ایشان

مخاطب: صانعی، حسن (نماینده امام خمینی و سرپرست بنیاد ۱۵خرداد)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی ـ دامت برکاته

نمی دانم از کجای آشنایی ام با تو بنویسم. تو یکی از قدیمیترین افرادی هستی که در کنار من بوده ای. هنوز سبزه ای بر رخسار نداشتی که صمیمی ات یافتم. سالها قبل از شروع مبارزات پانزدهم خرداد.

تو سرباز گمنام این انقلابی، و خودت می دانی که هیچ چیز بهتر از گمنامی نیست. تو فردی هستی که از گذشته های دور خاطرات تلخ و شیرین مبارزات را با خود دارد. زیرکی و کم حرف، دانایی و محتاط.

در گرداب مبارزات همیشه دلسوخته بوده ای. کینه ات را نسبت به شاه در کمتر کسی دیده بودم. در بحرانها و فشارها هیچ گاه نسبت به من تردید نداشتی، گرچه گاهی خسته می شدی و افسرده.

در کوران فشار دستگاه شاه، تو که مسئول اداره شهریه طلاب بودی، وقتی در محاصره دشمن قرار می گرفتی برای اینکه هیچ گونه اطلاعی به دشمن ندهی کم نبود مواقعی که قبوض رسید پولهای اخیار را در ـ پانزده سال مبارزه ـ چون غذایی گوارا می‌خوردی. پاداشت عندالله نیز گوارایت باد.

استعدادت، لطافت روحت، صداقتت چیزی نیست که فراموشم شود. تندخویی و عاقل. از خدا می خواهم عقلت را به تند خویی‌ات پیروز کند.

من کاملاً به تو اطمینان دارم. لذا وکیل من می‌باشی در تمامی زمینه‌های شرعی. این چند سطر را نوشتم تا کمی از بسیار حقی که به گردن من و انقلاب داری را ادا کرده

باشم. خداوند یار و نگهدارت باد.

مرا از دعای خیر فراموش مکن.والسلام‌علیکم‌و رحمت‌الله‌وبرکاته. ۶۷/۱۲/۲

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

▣ نامه

زمان: ۱۹اسفند ۱۳۶۷/ ۲شعبان ۱۴۰۹ مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به مشکلات عراقی های مقیم ایران

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور و رئیس شورایعالی دفاع)

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای ـ دامت افاضاته

با سلام، جناب حجت الاسلام آقای محمد باقر حکیم از میهمانان عزیز اینجانب و جمهوری اسلامی ایران است.[۲] از قرار مسموع کار برادران عراقی در ایران با مشکلاتی روبه روست که بارها اقدام شده است، ولی به نتیجه نرسیده است. از شما صمیمانه می خواهم آقای حکیم و آقای صدر و آقای سالک را بخواهید و زمان بگذارید تا کار تمام شود. ان شاءالله موفق باشید. گزارش کار را به اینجانب بدهید.

۶۷/۱۲/۱۹ روح الله الموسوی الخمینی[۳]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۱ تا ۲۷۲.

۲. آقای سید محمد باقر حکیم، رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در نامه مورخ ۲۸ رجب ۱۴۰۹ «۱۶ اسفند ۱۳۶۷» خود به محضر امام خمینی ضمن تشریح وضع نابسامان عراقی های مقیم ایران از لحاظ مشخص نبودن هویت و جایگاه قانونی آنان، مشکلات رفت و آمد در داخل کشور و سفر به خارج، نداشتن مسکن و مأوا، وجود مقررات دست و پاگیر برای آنها و ترس از بازگشت به عراق و... از رهبر کبیر انقلاب، استدعا کرده است نسبت به حل مشکلات این گروه، دستور لازم صادر فرمایند. آقای حکیم در نامه خود، یادآور شد که در این زمینه‌ها پیشنهادهایی تسلیم مسئولان کرده است.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۱۵.

◙ آخرین پیام نوروزی «رادیو تلویزیونی»

زمان: ۱فروردین ۱۳۶۸/۱۳شعبان ۱۴۰۹
مکان: تهران، جماران
موضوع: تبریک عید نوروز و اعیاد مذهبی
مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحیم

یا مقلب القلوب والابصار یا مدبر اللیل والنهار، یا محول الحول والاحوال، حول حالنا الی احسن الحال.

تحویل حال الی الحسن الحال این است که ان شاءالله در این سال نو ما تغییرات روحی بدهیم، یعنی واقعاً تحول بر ایمان حاصل بشود. و او به این است که همان طوری که سیره انبیا از اول تا آخر بوده است که جنگ و صلحشان برای خدا بوده است، هیچ پیغمبری جنگ نکرد الاّ برای خدا و صلح نکرد الاّ برای خدا.

و امسال نوروز ما بین دو عید واقع شده است: یکی عید سعید ولادت حضرت امام حسین ـ سلام الله علیه ـ که احیا کننده دین اسلام بود از صدر اسلام تا آخر الزمان، و یکی هم عید ۱۵ شعبان ولی عصر ـ ارواحنا له الفدا ـ که او تا ازل احیا می کند دین خدای تبارک و تعالی را و ما امیدواریم که ملت ما در این سال نو به طوری عمل بکند که سیره انبیا بوده است. به طوری عمل بکند که سیره اولیا بوده است. و عمده این است که هواهای نفس از بین برود. انسان در طول عمر مبتلای به این هوای نفس است که محتاج به ریاضت است. و من که گوینده ام موفق نشدم به این عمل. و من امیدوارم که ملت ایران و همه مسلمانان دنیا یک تحولی پیدا کنند در این سال نو که برای خدا کار کنند. برای سلطه خودشان نباشد. برای پیروزی خودشان نباشد. برای هواهای نفسانی نباشد. و خداوند ان شاء الله همه را توفیق بدهد که درراه خدای تبارک وتعالی مجاهدت کنند. و ان شاءالله این روز بر همه مبارک باشد، و خداوند همه مسلمین را با هم متفق کند در مقابل کفر جهانی. و السلام علیکم و رحمة الله[1]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲٤.

فصل ۲۲:
وصیت‌نامهٔ سیاسی ـ الهی امام خمینی «قدّس سرّه»

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه و تاریخچه‌ای از وصیت نامه:

مجموعهٔ گفتار و نوشتارهایی که از حضرت امام‌خمینی ﴿ﷺ﴾ به یادگار مانده، تفسیری است مطمئن بر بسیاری از آیات و روایات، و منشور گرانقدری است برای مبارزه و مجاهدهٔ در راه حق. چنان که وجود مبارکش اسوه‌ای است برای آنان که الگوی انسانی کامل را در سیر تهذیب و نیل به فلاح ابدی جستجو می‌کنند و از این رو سیرهٔ عملی یاکتاب زندگانی سراسر جهاد و مبارزه‌اش، خود دلیلی است کامل و آشنا بر دستورات این دین حیاتبخش.

وصیت نامه حضرت امام ﴿ﷺ﴾ عصارهٔ همهٔ وصایایی است که در طول حیات پربرکت خویش برای امت بیان فرموده‌اند. این وصیتنامه، دستورالعمل تداوم انقلاب اسلامی و حفظ عزیزترین یادگار او «نظام جمهوری اسلامی بر محور ولایت» است. رساله‌ای است برای زندگی در ایام انتظار. می‌آموزد که چگونه باید فقط برای خدا زیست، در راه رضای او مجاهده کرد و در راه او جان سپرد. آن گونه که حضرتش فقط برای خدا زیست، در راه رضای او مجاهده کرد و به شوق لقای او خرقهٔ حیات دنیا از تن به در کرد و در میدان عمل، حقیقت فرمان و امر الهی را بدرستی آموخت که:

«قل انّ صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله ربّ العالمین».

وصیت نامهٔ امام خمینی چشمهٔ حکمتی است که از دل مصفا و الهی آن حضرت جوشیده و بر قلم مبارکش جاری گردیده تا حجتی دیگر بر تبیین سیرهٔ عملی آن بزرگوار باشد و راه را پیشاپیش بر همهٔ شبهات و تردیدها و القائات خنّاسان مسدود کند.

این وصیت‌نامه در تاریخ ۲۶ بهمن سال ۱۳۶۱ هجری شمسی (مطابق با ۱ جمادی الاولی سال ۱۴۰۳ هجری قمری) توسط حضرت امام خمینی ـ سلام الله علیه ـ نگاشته شد و یک نسخه از آن طی پیامی که در تاریخ ۱۳۶۲/۴/۲۲ هجری شمسی به مناسبت افتتاح اولین دوره مجلس خبرگان صادر فرمودند، نزد خبرگان مردم به امانت گذارده شد.

بار دیگر پس از انجام تغییراتی توسط آن حضرت، در پنجمین سالگرد نگارش و تنظیم وصیت‌نامه، در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۱۹ هجری شمسی به دستور ایشان و با حضور حضرت آیت الله خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت)، حجة الاسلام و المسلمین حاج سید احمد خمینی، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست قوهٔ قضائیه، نخست وزیر، اعضای مجلس خبرگان، دبیر شورای نگهبان، نمایندهٔ امام در بنیاد شهید، تنی چند از روحانیون و اعضای دفتر امام جلسه‌ای در محضر حضرت امام تشکیل شد، پس از بیانات کوتاه آن حضرت، متن وصیت‌نامهٔ اصلاح شده در دو نسخه جهت نگهداری در مجلس خبرگان و آستان قدس رضوی به آقایان تحویل داده شد.

سپس کلیه دیدارکنندگان به مجلس شورای اسلامی عزیمت کردند و پس از انجام مراحل مهر و موم رسمی وصیت‌نامه، نسخه‌ای از آن توسط فرزند گرامی امام به رئیس مجلس خبرگان تحویل شد ونسخه دیگر نیز در اختیار حضرات آقایان: محمد رضا مهدوی کنی، مهدی کروبی، محمد رضا توسلی، حسن صانعی قرار گرفت تا به موزهٔ آستان قدس رضوی تحویل شود و در همین جلسه نسخهٔ سابق وصیت‌نامه

موجود در مجلس خبرگان تحویل فرزند امام شد تا به حضرتش عودت دهند.

در تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۵ هجری شمسی، یک روز پس از ارتحال حضرت امام خمینی، متن وصیت‌نامه حسب الامر ایشان ـ با توجه به تألمات شدید روحی فرزند امام ـ به وسیلهٔ رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیة الله خامنه‌ای در مجلس خبرگان برای نخستین بار مفتوح و قرائت گردید و گزارش کامل (صوتی و تصویری) این جلسه از طریق رسانه‌های گروهی پخش شد و متن دستخط وصیت‌نامه نیز در اختیار امت اسلامی قرار گرفت.

کتابی که پیش رو دارید متن کامل وصیت نامه است.

توضیح:

عناوین مطالب این وصیت‌نامه یا عیناً بخشی از کلام امام راحل و یا مأخوذ از محتوای کلام ایشان است که توسط تنظیم کننده گزینش شده است، لذا خواهشمند است در انتساب این عناوین به امام خمینی ﴿ﷺ﴾ این نکته را رعایت فرمایید.

▣ وصیت نامهٔ سیاسی ـ الهی

زمان: تاریخ نگارش ۲۶ بهمن ۱۳۶۱/ ۱ جمادی الاول ۱۴۰۳ مکان: تهران، جماران
موضوع: وصیتنامهٔ سیاسی ـ الهی «پیام جاودانهٔ امام خمینی به معاصرین و نسلهای بعد از خویش»
مخاطب: ملت ایران، مسلمانان و مردم جهان و نسلهای آینده تاریخ بازبینی و اصلاح ۱۹ آذر ۱۳۶۶
تاریخ قرائت ۱۵ خرداد ۱۳۶۸

بسم الله الرحمن الرحیم

اشاره‌ای کوتاه به سرگذشت ثقلین (قرآن و عترت)

قال رسول الله ﷺ: «اِنّی تارِکٌ فیکُمُ الثَّقَلینِ کتابَ اللهِ و عِترَتی اهلَ بیتی؛ فإنَّهُما لَنْ یَفْتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلیَّ الحَوضَ».[1] الحمدُ لله و سُبحانَکَ؛ اللّهُمَّ صلِّ علی محمدٍ و آله مَظاهِرِ جَمالِک و جَلالِک و خزائِنِ اسرارِ کتابِکَ الذی تجلّی فیه الاحدیّةُ بِجمیعِ اسمائکَ حتی المستأثر منها الّذی لایَعْلَمُهُ غَیْرُک؛ و اللّعنُ علی ظالِمیهم اصلِ

□ پی نویسها آنچه که در این بخش آمده است توضیح واژه‌ها و برخی از عبارات مندرج در وصیتنامه امام خمینی می باشد که در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی نگارش یافته است:

۱. «قال رسول الله ... حتی یردا علی الحوض» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من در میان شما دو شیء گرانقدر به جا می گذارم: کتاب خدا و خاندانم «مقصود حضرت علی علیه السلام و ائمه طاهرین سلام الله علیهم است که در روایات دیگر تصریح شده است» و این دو از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند «یعنی تا قیامت».

الشجرةِ الخَبيثةِ.[1] و بعد، اینجانب مناسب می‌دانم که شمه ای کوتاه و قاصر در باب

---

۱ - «الحمد لله و سبحانک اللهم صل علی محمد و آله ...» این طلایه وصیتنامه سیاسی الهی است که آن قبله عظمای اهل دل، وصیت جاودانه خویش را با چند جمله کوتاه آکنده از عالیترین مضامین معارف اسلامی آغاز کرده اند. واژه‌های خطبه این وصیتنامه با درهم آمیختن به نسبت مخصوص، نقش نوینی از معارف را به نمایش گذارده است که بیت الغزل آن: «اسم مستأثر» خداوند متعال است: «سپاس و ستایش مخصوص خداست و تو پاک و منزه هستی، خدایا بر محمد و آل او درود فرست، آنان مظاهر جمال و جلال تو و گنجینه‌های اسرار کتاب تو هستند که در آن، احدیت با تمامی اسماء حتی اسم مستأثر که غیر تو کسی آن را نمی‌داند، تجلی کرده است و نفرین بر ستمگران به ایشان که اینان اصل و ریشه درخت پلیدی اند». حضرت امام در شرح دعای سحر آورده‌اند که: «بدان که خدایت به اسم اعظم راهنمایت باد، و آنچه را که نمی‌دانی تعلیمت دهاد که خدای تعالی را اسم اعظمی است که هرگاه به آن نام خوانده شود، اگر بر درهای بسته آسمان خوانده شود درهای رحمت باز می‌شود و اگر بر تنگناهای درهای زمین به آن نام خوانده شود درهای فرج گشوده گردد، و این نام اعظم را به حسب مقام الوهیت «اسم مستأثر» یک حقیقتی است و به حسب مقام مألوهیت حقیقتی دیگر و به حسب مقام لفظ و عبارت، حقیقتی سوم! اما اسم اعظمی که به حسب حقیقت غیبیّه است «اسم مستأثر» و جز خدا هیچ کس بدون استثناء از آن آگاهی ندارد به همان اعتباری که از پیش گفتیم عبارت است از حرف هفتاد و سوم که خداوند آن را برای خود نگاه داشته، چنانچه در روایت کافی است ـ در باب آنچه به ائمه دین علیهم السلام از اسم اعظم عطا شده ـ سند به امام باقر علیه السلام می‌رسد که فرمود: «همانا نام اعظم بر ۷۳ حرف است و از آن در نزد آصف یک حرف بود که به آن یک حرف سخن گفت و زمینی را که میان او و تخت بلقیس بود درهم پیچید و دست دراز کرد و تخت را با دست خود بر گرفت، سپس زمین به همان حالتی که بود بازگشت و این جریان در فاصله ای کمتر از یک چشم به هم زدن اتفاق افتاد و از آن اسم اعظم ۷۲ حرف نزد ما است و یک حرف آن نزد خدای تعالی است که آن را در عالم غیب برای خود اختصاص داده و حول و قوه ای نیست جز با خدای علی عظیم». و مانند این روایت است، روایت دیگری که در آن نیز از امام صادق علیه السلام منقول است که می‌فرمود: عیسی بن مریم را دو حرف داده شد که با آن دو حرف کار می‌کرد و موسی را چهار حرف داده شده بود و ابراهیم را هشت حرف و نوح را پنج حرف و آدم را بیست و پنج حرف و خدای تعالی همه اینها را برای محمد صلی الله علیه و آله جمع کرد و اسم اعظم الله ۷۳ حرف است که محمد صلی الله علیه و آله را ۷۲ حرف داده شد و

«ثقلین» تذکر دهم؛ نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی، که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه ای که عرفان آن بر تمام دایرهٔ وجود، از ملک تا ملکوت اعلیٰ و از آنجا تا لاهوت[1] و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگوییم ممتنع است؛[2] و نه از آنچه بر بشریت گذشته است، از مهجور

خداوند یک حرف را از او پوشیده داشت». (شرح دعای سحر؛ ترجمه سید احمد فهری؛ انتشارات اطلاعات؛ تهران ۱۳۷۰)

۱ - «... از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت» جهان آفرینش را به سه مرتبه یا به سه عالم به این شرح تقسیم کرده اند:

الف) جهان ماده؛ ب) جهان مثال «ملکوت»؛ ج جهان عقل «جبروت» جهان ماده و طبیعت، عالم قوه و فعل و صورت و ماده و حرکت و زمان و مکان است و پایینترین عالم از عوالم وجود است. جهان مثال که تا اندازه‌ای از قوه و حرکت و زمان و مکان مجرد است، اما از ابعاد مجرد نیست. این عالم، جسمانی است ولی مادی نیست. عالم عقل عالم موجودات مجرد است. این عالم حتی از بُعد و مقدار نیز مجرد است. هر یک از این عوالم معلول عالم بالاتر و علت عالم پایینتر خویش است و مجموعه آنها معلول عالم الوهیت است که همانا ذات بی مثال حق است و عالم لاهوت نامیده می‌شود و او احاطه قیومی به همهٔ موجودات دارد. بنابراین، علت موجده و محیط و مدبرِ طبیعت عالم مثال است که آن هم محاط و معلول عالم عقل است و عالم عقل نیز محاط در عالم لاهوت است.

۲ - «... اگر نگوییم ممتنع است» قال رسول الله ﷺ: «اِنَّ لِلقرآنِ ظَهْراً وَبطناً ولِبَطْنِهِ بَطْناً اِلیٰ سَبْعَةِ اَبْطُنٍ» بدرستی که قرآن ظاهری و باطنی دارد و باطنش نیز تا هفت بطن، باطن دارد. «تفسیر الصافی، مقدمه ۸» قال الباقر ؑ: «ما یَسْتَطیعُ اَحَدٌ اَنْ یَدَّعِیِ اَنَّ عِندَه جَمیعَ الْقُرآنِ کُلِّهِ ظاهِرِهِ و باطِنِهِ غَیْر الأوصیاء» جز اوصیای پیامبر کسی را نرسد که ادعا کند ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست. «الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸»

قال امیرالمؤمنین ؑ: «اِنَّ اَمْرَنا اهلَ البَیتِ صَعْبٌ مُسْتَصعَبٌ لا یَعْرِفُهُ ولا یَقرَبُهُ الا مَلَکٌ مُقَرَّبٌ او نَبِیٌ مُرْسَلٌ اَو مُؤمِنٌ نَجیبٌ اِمْتَحَنَ اللهُ قَلبَهُ للایمانِ». بدرستی که امر ما اهل بیت صعب و مستصعب است. جز فرشته مقرب یا پیغمبر مرسل یا مؤمن نجیبی که خدا دلش را به ایمان آزموده، به آن معرفت نمی‌یابد و به فهم آن نزدیک نمی‌شود. «بصائرالدرجات، ص ۲۷»

بودن از حقایق مقام والای «ثقل اکبر» و «ثقل کبیر»[1] که از هر چیز اکبر است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است؛ و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با قصور اطلاع و وقت محدود؛ بلکه مناسب دیدم اشاره ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جملهٔ «لَنْ یَفْتَرِقا حتّی یَرِدا عَلَیَّ الْحَوضَ» اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله ﷺ هرچه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است، تا آنگاه که این دو مهجور بر

«صعب به معنی دشوار و مشکل و سرکش است و مستصعب مبالغهٔ آن است یعنی بسیار دشوار؛ و یا آنکه صعب چیزی است که خودش دشوار باشد، و مستصعب آن است که مردم او را دشوار شمرند». قال ابی عبدالله ﷺ: «اِنَّ اَمرَنا سِرٌّ فی سِرٍّ وسِرٌّ مُسْتَسِرٌّ و سِرٌّ لایُفیدُ الا سِرّاً وسِرٌّ عَلی سِرٍّ و سِرٌّ مُقَنَّعٌ بِسِرٍّ». بدرستی که امر ما اهل بیت سرّی است درون رازی دیگر، رازی پوشیده، رازی که فایده ندهد مگر رازی دیگر و سرّی بر سرّی دیگر، و رازی پوشانیده به راز دیگر است. «بصائرالدرجات، ص ۲۸»

۱ - «ثقل اکبر و ثقل کبیر» مراد از ثقل اکبر، کتاب خدا «قرآن» و از ثقل کبیر، اهل بیت علیهم السلام است و قرآن چون اکبر از همه چیز حتی اهل بیت ﷺ است لذا اکبر مطلق است. در حدیثی از نبی مکرم ﷺ آمده است که:

«یا ایهاالناس انی قد ترکت فیکم الثقلین خلیفتین، ان اخذتم بهما لن تضلوا بعدی، احدهما اکبر من الاخر: کتاب الله حبل ممدود ما بین السماء و الارض، اوقال: الی الارض، وعترتی اهل بیتی، الا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض». ای مردم بدرستی که من در میان شما این دو چیز گرانقدر را برجای می‌گذارم. اگر از آنها پیروی کنید پس از من هیچ گاه گمراه نخواهید شد. از آن دو یکی بزرگتر از دیگری است: کتاب خداوند که ریسمانی است کشیده شده در میان آسمان و زمین. یا اینکه حضرت ﷺ فرمود: [ریسمانی است کشیده شده از آسمان] به سوی زمین، و عترت یعنی اهل بیت خود را؛ بدانید که این دو از هم جدا نخواهند شد تا آنگاه که در کنار حوض بر من وارد گردند. (بحارالانوار، کتاب الامامة، ج ۲۳، ص ۱۱۷)

رسول خدا در «حوض» وارد شوند. و آیا این «حوض» مقام اتصال کثرت به وحدت است[۱] و اضمحلال قطرات در دریا است، یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد. و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعهٔ رسول اکرم ﷺ گذشته، بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است. و ذکر این نکته لازم است که حدیث «ثقلین» متواتر[۲] بین جمیع مسلمین است و [در] کتب اهل سنت از «صحاح ششگانه»[۳] تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از

۱- «مقام اتصال کثرت به وحدت» مراد بازگشت جمیع موجودات و مراتب هستی به اصل ربوبی خویش در قیامت و آخرت است. به عبارت دیگر رجوع کثرات در عالم وجود به وحدتی است که از آن نشأت گرفته است، همان مقام اتصال کثرت به وحدت است.

۲- «متواتر» این اصطلاح درایة و حدیث و اصول است و خبری است که جماعتی آن را نقل کرده باشند به نحوی که مفید علم باشد یعنی علم عادی، و محال باشد که همگی تبانی بر کذب کرده باشند و بالجمله یکی از طرق علم عادی اخبار متواتره است و اغلب اطلاعات و علوم ما نسبت به امور تاریخی از همین راه است. زیرا گاه یک خبری را عده‌ای به نحو واحدی ولو وحدت معنوی نه لفظی نقل نمایند، محال است که همگی تبانی کرده باشند پس مفید یقین خواهد بود. «فرهنگ علوم دکتر سجادی به نقل از معالم، ص ۱۰۱ و تلویح تفتازانی، ص ۴۲۹».

۳- «صحاح ششگانه»

صحاح ششگانه به ترتیب زمان از این قرار است:

۱ ـ صحیح بخاری یا «الجامع الصحیح» از ابوعبدالله محمد بن اسمعیل بخاری (متوفی ۲۵۶ هـ ق) ۲ ـ «صحیح مسلم» از ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (متوفی ۲۶۱ هـ ق.) ۳ ـ «سنن ابن ماجه» از محمد بن یزید بن ماجهٔ قزوینی (متوفی ۲۷۳ هـ ق). ۴ ـ «سنن ابی داود» از سلیمان بن اشعث بن اسحق سجستانی (متوفی ۲۷۵ هـ ق). ۵ ـ «جامع ترمذی یا سنن ترمذی» از ابوعیسی محمدبن عیسی بن سوره (متوفی ۲۷۹ هـ ق). ۶ ـ «سنن نسائی» مسمّی به مجتبی از ابوعبدالرحمن احمدبن شعیب (متوفی ۳۰۲ هـ ق). کتب ششگانه مذکور در فوق به اضافه مُوَطّأ و مسند ابن حنبل (متوفی ۲۴۱ هـ ق). جوامع اولیه حدیث اهل سنت را تشکیل می‌دهد.

پیغمبر اکرم ﷺ به طور متواتر نقل شده است.(۱) و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف؛ و باید همهٔ مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند؛ و اگر عذری برای جاهلان بیخبر باشد برای علمای مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این ودیعهٔ الهی و ماترک پیامبر اسلام ﷺ مسائل أسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی(ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومتهای ضد قرآنی؛ و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم ﷺ دریافت کرده بودند و ندای انی تاركٌ فیكم الثقلان در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را ـ که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و است ـ از صحنه خارج کردند؛ و بر حکومت عدل‌الهی -

---

۱- «... به طور متواتر نقل شده است»

برای اطلاع از منابع فراوان و اثبات تواتر این حدیث شریف به کتاب گرانقدر و نفیس «عبقات الانوار» تألیف علامه مجاهد کبیر میر حامد حسین هندی (متوفی ۱۳۰۶ ه.ق.) که شش جلد آن ویژه سند و شرح این حدیث از طریق علمای اهل سنت است، می‌توان رجوع کرد. علامه بزرگوار در این اثر گرانقدر، چهل کتاب برای حدیث ثقلین از منابع مهم اهل تسنن به دست داده اند. نیز آورده‌اند که ناقلین این حدیث شریف به ترتیب زمانی در اهل تسنن، در قرن دوم ۱۶ نفر، در قرن سوم ۳۳ نفر، در قرن چهارم ۲۱ نفر، در قرن پنجم و ششم هر یک ۱۳ نفر، در قرن هفتم ۱۶ نفر، در قرن هشتم ۱۷ نفر، در قرن نهم ۵ نفر، در قرن دهم ۱۸ نفر، در قرن یازدهم ۱۰ نفر، در قرن دوازدهم ۱۳ نفر و در قرن سیزدهم ۱۱ نفر بوده‌اند که تمام ناقلین از بزرگان و کبّار اهل سنت می‌باشند. علامه سید هاشم بحرانی در «غایة المرام» در باب ۲۸ پیرامون حدیث ثقلین، از طریق راویان و محدثین شیعه ۸۲ طریق برای این حدیث می‌آورد. بدین ترتیب این حدیث شریف با ۲۶۸ سند از معاریف شیعه و سنی نقل شده و در تواتر آن تردیدی نیست.

که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست ـ خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند، تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است. و هرچه این بنیان کج به جلو آمد کجیها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطهٔ جمع همهٔ مسلمانان بلکه عائلهٔ بشری، از مقام شامخ أحدیت به کشف تامّ محمدی(ص)[۱] تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند برساند و این ولیدهٔ «علم الاسماء»[۲] را از شرّ شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاء الله، معصومین ـ علیهم صلوات الاولین و الآخرین ـ بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است

۱ ـ «کشف تام محمدی ﷺ»
منظور از تنزل قرآن از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی این است که قرآن کلام خداوند متعال است و بدون واسطه، انسانها استعداد و توان گرفتن پیام و کلام را ندارند بلکه به واسطه تنزل این کلام از آن مقام ربوبی و تبلور آن در وجود اقدس احمدی ـ صلوات الله علیه ـ و جاری شدن کلمات بر زبان آن حضرت تعبیر به کشف تامه شده است. حضرت امام در تفسیر سوره مبارکه حمد فرموده‌اند که : «انما یعرف القرآن من خوطب به» قرآن را هم آنکه مخاطبش هست می‌فهمیده چیست و معلوم است که «من خوطب بـه» قرآن را «می‌فهمد» در آن مرتبه ای که «نزل به الروح الامین علی قلبک ـ انا انزلناه فی لیلة القدر» را غیر از خود او نمی‌تواند مشاهده کند. قضیه، قضیه ادراک عقلی نیست، قدم برهان نیست، قضیه مشاهده است، آن هم مشاهده غیبیّه مشاهده با چشم نیست، مشاهده با نفس نیست، مشاهده با عقل نیست، با عقل «هر کس» نیست . با آن قلبی «است» که قلب عالم است، قلب نبی، مشاهده با آن است، او دریافته «انما یعرف القرآن من خوطب به» لیکن نمی‌تواند بیان کند مگر در لفافه امثله و الفاظ . . . (۱) قرآن الفاظ نیست، از مقوله چیزهای سمعی و بصری نیست، از مقوله الفاظ نیست، از مقوله اعراض نیست، لیکن متنزلش کرده‌اند برای ماها که کور و کر هستیم، تا آنجایی که بشود این کور و کرها هم از آن استفاده ای بکنند.»
۲ ـ حضرت آدم ﷺ بنا به آیه شریفه «و علم آدم الاسماء کلها» (سوره بقره، آیه ۳۱) به تعلیم الهی عالم به اسماء «حقایق عالم هستی» شد و مستحق و لایق خلافت خدایی گردید. منظور حضرت امام از ولیده علم الاسماء، انسان است که همگی از فرزندان حضرت آدم علیه السلام می‌باشند.

بسپارند ـ چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومتهای جائر و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامهٔ جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد. و مع‌الأسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیلهٔ جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیلهٔ تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی بر می‌آورد و از سیاست، که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار ﷺ و قرآن و سنت مشحون آن است، سخن می‌گفت گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده؛ و کلمهٔ «آخوند سیاسی» موازن با آخوند بی دین شده بود و اکنون نیز هست.

و اخیراً قدرتهای شیطانی بزرگ به وسیلهٔ حکومتهای منحرفِ خارج از تعلیمات اسلامی، که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرتها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حیلهٔ شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده ای را اغفال کرد و بعض آخوندهای بیخبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند. و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروتهای بی پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محالّ تبلیغاتِ مذهبِ ضد قرآنی می‌کند و وهابیت، این مذهب سراپا بی اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند؛ و مردم و ملتهای غافل را سوق به سوی ابرقدرتها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه

بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخهٔ نجات دهندهٔ بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد. و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بندهٔ رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی‌ها است. ما مفتخریم که کتاب نهج البلاغه[1] که بعد از قرآن

۱-(نهج البلاغه)

نهج البلاغه، کتابی است پر ارج که پس از «قرآن مجید» بهترین و مشهورترین کتاب دنیا، و آفتاب عالمتابی است که در آسمان علم و ادب پرتوافکن می‌باشد و اعجاب و شگفتی آن حتی بیگانگان از اسلام را برانگیخته است. کتاب نهج البلاغه، شامل خطبه‌های امیرالمؤمنین و نامه‌ها و کلمات قصار آن بزرگوار است که به وسیله سید شریف رضی جمع آوری شده است. علامه سید شریف رضی در مقدمه خویش بر نهج البلاغه آورده‌اند که: «سخنان آن حضرت متضمن عجایب بلاغت و شگفتیهای فصاحت و گوهرهای ادبیات عربی و مطالب روشنی بخش دینی و دنیوی است و این همه امتیازات در هیچ کلامی جمع نشده و اینگونه سخنان جامع در هیچ کتابی گرد نیامده است، زیرا امیرالمؤمنین ؑ یگانه سرچشمه و منبع فصاحت و منشأ و مأخذ بلاغت است که رموز بلاغت از آن حضرت آشکار شده و آیین و آدابش از او گرفته شده است .... سخنان آن حضرت پرتوی از علم الهی و نسیم خوشبوی و روحبخشی از سخنان پیامبر ﷺ است ... از جمله شگفتیهای ویژه آن حضرت که مخصوص خود اوست و در هیچ کسی نظیر آن پیدا نمی‌شود، چند بُعدی بودن سخنان اوست، زیرا اگر کسی سخنانی که از آن حضرت درباره زهد، مواعظ و پند و اندرز وارد شده، بدون توجه به قدرت و عظمت گوینده اش بخواند و خوب تأمل کند، بی گمان خواهد گفت این سخنان از آن کسی است که از امور دنیا بهره ای جز زهادت، و کاری جز عبادت نداشته است و خود در گوشه انزوا نشسته و سر در لاک خود برده و یا به دامن کوهی پناه برده و از جهان بریده است، که جز احساس خود چیزی نمی‌شنود و غیر از خود کسی نمی‌بیند و هرگز باور نمی‌کند که گوینده این سخنان، بزرگمردی است که شمشیر آتشزا به دست، بی‌محابا در قلب میدان جنگ رخنه می‌کند و گردنهای گردنکشان را می‌زند و پهلوانان را به خاک و خون می‌افکند و هنگام برگشتن از میدان

بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ائمهٔ معصومین، از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان ـ علیهم آلاف التحیات والسلام ـ که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمهٔ ما هستند. ما مفتخریم که ادعیهٔ حیاتبخش که او را «قرآن صاعد»[۱] می‌خوانند از ائمهٔ معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیهٔ»[۲] امامان و

از نوک شمشیرش خون و لخته‌های دل آب شده می‌چکد، و با اینهمه پارساترین پارسایان و پاکبازترین پاکبازان و یگانه لنگر دوران است و این از فضایل شگفت انگیز و ویژگیهای لطیف آن حضرت است که صفات متضاد در وجودش جمع شده و امور مختلفه را در یک مرکز گرد آورده است . . .».

۱- (قرآن صاعد)

حضرت امام این تعبیر را در مواردی برای ادعیه ای که از ائمه علیهم‌السلام وارد شده است، ذکر فرموده اند: «. . . ادعیه ائمه هدی دعاهای آنها، همان مسائلی را که کتاب خدا دارد، دعاهای آنها هم دارد با یک زبان دیگر. قرآن یک زبان دارد، یک نحو صحبت می‌کند و همه مطالب را دارد منتها بسیاری اش در رمز است که ما نمی‌توانیم بفهمیم و ادعیه ائمه علیهم‌السلام یک وضع دیگری دارد، به تعبیر شیخ عارف و استاد ما [حضرت آیت الله شاه آبادی رضوان الله تعالی علیه] ادعیه کتاب صاعد است، قرآن صاعد؛ تعبیر می‌فرمود به اینکه قرآن کتاب نازل است که از آن جا نزول کرده است و ادعیه ائمه کتاب صاعد است، همان قرآن است رو به بالا می‌رود . . . کسی که بخواهد بفهمد که مقامات ائمه چی است، باید رجوع کند به آثار آنها، آثار آنها ادعیه آنهاست، مهمش ادعیه آنهاست و خطابه‌هایی که می‌خواندند . . .». (بیانات حضرت امام در جمع روسای سه قوه ۶۶/۸/۱۹)

۲- «مناجات شعبانیه»

عالم جلیل القدر، علی بن طاووس این دعا را در اعمال ماه شعبان از حسین بن محمد (ابن خالویه) نقل می‌کند و می‌نویسد امیرالمؤمنین و فرزندانش سلام الله علیهم همیشه این دعا را در ماه شعبان می‌خواندند. «اقبال الاعمال، ص ۶۸۵» «مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان» حضرت امام خمینی می‌فرمایند: «مناجات شعبانیه از بزرگترین مناجات و از عظیم‌ترین معارف الهی و از بزرگترین اموری

«دعای عرفات»[۱] حسین بن علی ﷺ و «صحیفهٔ سجادیه» این زبور آل محمد و «صحیفهٔ فاطمیه»[۲] که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.

است که آنهایی که اهلش هستند می‌توانند تا حدود ادراک خودشان استفاده کنند... این از دعاهایی است که من غیر از این دعا ندیدم که همه ائمه ـ روایت شده است که همه ـ این دعا را، این مناجات را می‌خواندند. این دلیل بر بزرگی این مناجات است که همه ائمه این مناجات را می‌خواندند». (بیانات حضرت امام در جمع روحانیون، مسئولان و مقامات لشکری و کشوری به تاریخ ۶۲/۳/۷)

۱ - «دعای عرفات»

دعای گرانقدر «عرفه»، مناجاتی است که حضرت ابا عبدالله الحسین ﷺ در بعدازظهر روز عرفه، در زیر آسمان در صحرای عرفات در حالی که مانند باران اشک می ریختند قرائت کردند. (اقبال الاعمال، اعمال روز عرفه، ص ۳۳۹ زادالعباد، ص ۲٦٥ مفاتیح الجنان، اعمال روز عرفه). این دعا بیانگر راز و نیاز عاشقانه سرور آزادگان و سالار شهیدان با محبوب و معبود خود خالق یکتاست و شامل مفاهیم بس بلند و عمیق است.

۲ - «صحیفه فاطمیه»

قال الصادق ﷺ: «ان فاطمة مکثت بعد رسول الله خمسة و سبعین یوما وقدکان دخلها حزن شدید علی ابیها، و کان جبرئیل یاتیها فیحسن عزاها علی ابیها، یطیب نفسها، و یخبرها عن ابیها و مکانه و یخبرها بما یکون بعدها فی ذریتها و کان علی یکتب ذلک فهذا مصحف فاطمه». امام صادق ﷺ فرمود: فاطمه ﷺ بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ بیش از ۷۵ روز زنده نماند، و غم جانسوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می‌آمد، و او را در عزای پدر سلامت باد می‌گفت، و تسلی بخش خاطر غمین زهرا ﷺ بود، و گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش سخن می‌گفت، و گاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه اش وارد می‌گردید خبر می‌داد، و امیرالمؤمنین سلام الله علیه نیز آنچه جبرئیل املا می‌کرد همه را به رشته تحریر در می‌آورد، و مجموعه این سخنان است که به مصحف فاطمه موسوم گردید. (الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲٤۱). در روایت دیگری در کتاب کافی، از امیرالمؤمنین ﷺ نقل شده است که: «در این مصحف مسائل شرعی از حلال و حرام مطرح نیست، بلکه دانشی است از آنچه واقع شده و یا به وقوع خواهد پیوست».

ما مفتخریم که «باقرالعلوم»[1] بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول (ص) و ائمهٔ معصومین (ع) مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است. و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی‌پایان است، یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همهٔ ائمهٔ معصومین

۱- «باقر العلوم» اسم مبارک آن بزرگوار محمد، و لقب مشهور او باقر است که حضرت رسول (ص) آن حضرت را طی روایاتی به این لقب ملقب فرمود. کنیه مشهور آن حضرت، ابی جعفر و عمر مبارک ایشان ۵۷ سال بود. امام باقر دو امتیاز در میان ائمه علیهم السلام دارد. اول، جد پدری ایشان امام حسین (ع) و جد مادری آن حضرت امام حسن (ع) است . از این جهت در حق ایشان گفته شده: «علوی من علویین و فاطمی من فاطمیین و هاشمی من هاشمیین». امتیاز دیگر آنکه وی پایه گذار انقلاب فرهنگی شیعه محسوب می‌شود. گرچه انتشارمعارف شیعه به دست امام صادق (ع) صورت گرفت ولی به دست امام باقر پایه گذاری شد. در دوران امام باقر (ع) دولت بنی امیه رو به زوال بود، مردم از آنها متنفر بودند. به علت وجود کسی چون عمربن عبدالعزیز، که علاوه بر اینکه نفع بزرگی برای شیعه داشت ضرر بزرگی نیز برای بنی امیه داشت و اختلاف شدیدی که در ممالک اسلامی پدید آمده بود و هر کسی از گوشه ای قیام می‌کرد، خلفا به سرعت تغییر می‌کردند چنانکه در مدت امامت امام باقر (ع) در مدت نوزده سال پنج خلیفه روی کار آمدند: ولیدبن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمربن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، هشام بن عبدالملک پس موقعیت مناسبی برای آن حضرت که از ظلم بنی امیه فارغ شده بود، پدید آورد که انقلاب علمی را آغاز نماید و بزرگانی از عامه و خاصه در اطراف ایشان جمع شدند و حقایق اسلام، لطایف اسلام و بالأخره معارف اسلام را منتشر کردند، از این جهت رسول اکرم (ص) به ایشان لقب «باقر» داده است . صاحب لسان العرب می‌گوید: «لقب به لانه بقرالعلم و عرف اصله و استنبط فرعه و توسع فیه، والتبقر التوسع» امام باقر ملقب به این لقب است چون شکافنده علم است، پایه علوم اسلامی را شناخت و فروع آن را درک فرمود و آن را توسعه داد و ریشه تبقر به معنی توسعه است . عامه و خاصه نقل می‌کنند که رسول اکرم (ص) به جابربن عبدالله انصاری فرموده است : «یا جابر یوشک ان تبقی حتی تلقی ولداً من الحسین یقال له محمد یبقر علم النبیین بقراً، فاذا لقیته فاقراه منی السلام» ای جابر، تو زنده می‌مانی، مردی از اولاد حسین راکه نامش محمد است ملاقات می‌کنی که او علم انبیا را می‌شکافد. هنگامی که او را دیدی سلامم را به او برسان . «چهارده معصوم علیهم السلام، آیت الله مظاهری، ص ۸٤»

ـ علیهم صلوات الله ـ و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمهٔ معصومین ما ـ صلوات الله و سلامه علیهم ـ در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومتهای جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلفهٔ ملت ما در این راه بزرگِ سرنوشت ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.

تجلیل از ملت بزرگ ایران و توصیه به پایداری در راه هدف

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیتهایی که توطئهٔ دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف به لرزه درمی‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه ـ علیها سلام الله ـ فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر؛ و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از

جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا. و ملت ما بلکه ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند، درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانهٔ خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند. و در رأس آنان امریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی[1] است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند؛ و خیال ابلهانهٔ «اسرائیل بزرگ»![2] آنان را به هر جنایتی می‌کشاند.

---

۱ - «صهیونیست جهانی»

صهیونیست، تفکری متعصب متعلق به سرمایه داران افراطی یهود است که در اواخر قرن گذشته در اروپا به وجود آمد و اکنون به ایدئولوژی رسمی رژیم اشغالگر قدس تبدیل شده است. این نام از «صهیون» نام کوهی در نزدیکی اورشلیم گرفته شده است. صهیونیسم مبتنی بر تبعیض نژادی است و قوم یهود را دارای وضع استثنایی در جهان می‌داند که به عنوان قوم برگزیده خدا دارای رسالتی ویژه است. براساس این تفکر، در سال ۱۸۹۷ میلادی جمعیتی به نام سازمان جهانی صهیونیسم به وجود آمد که هدف خود را انتقال یهودیان جهان به فلسطین اعلام کرد. این سازمان اکنون دارای قدرت مالی زیادی، برابر با دارایی بزرگترین شرکتهای انحصاری جهان است و مرکز آن در ایالات متحده امریکاست و فعالیت جمعیتهای صهیونیست را در بیش از شصت کشور جهان کنترل می‌کند. در حال حاضر نزدیک هجده سازمان صهیونیستی در دنیا فعالیت دارند. همچنین در امریکا ۲۸۱ سازمان ملی یهودی، ۲۵۱ فدراسیون محلی یهودی و نیز انواع مجامع مشورتی، صندوق و غیره وجود دارد. دولت امریکا یکی از حامیان اصلی صهیونیسم جهانی است. سازمان صهیونیسم دارای مراکز اطلاعات و جاسوسی در اکثر کشورهای جهان است که این مراکز با سازمان جاسوسی موساد و سازمان سیا در ارتباط هستند. مهمترین و کارسازترین حربه صهیونیسم جهانی بهره گیری از رسانه‌های عمومی در سراسر دنیاست و مجموعاً ۱۰۳۶ روزنامه و مجله در اختیار صهیونیسم جهانی می‌باشد که معروفترین آن روزنامه «نیویورک تایمز» است.

۲ - «اسرائیل بزرگ»

و ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی[1] ایـن

پیروان صهیونیسم از ابتدای پیدایش یک هدف اساسی و عمده را دنبال می‌کردند و آن تشکیل یک دولت یهودی یا حکومت جهانی تحت سلطه یهود با عنوان اسرائیل بزرگ در فلسطین بود. بر این اساس پس از تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹٤۸ میلادی، صهیونیستها درصدد ایجاد اسرائیل بزرگ برآمدند و برای توجیه این سیاست خود، آن را مطابق تعالیم تورات دانستند. نقشه اسرائـیل بـزرگ بـیشتر کشـورهای اسلامی و یا بخشی از آنها را در برمی‌گیرد. نقشه مزبور در گزارش پژوهشی (بنیامین مارزار) که تـحت نظارت دولت اسرائیل منتشر شد وجود دارد. در نقشه مزبور، حدود اسرائیل را از نیل تا فرات قرار داده‌اند و اسرائیل همه خلیج فارس، شمال عراق، مسقط، عمان، نجد، تـرکیه، سـوریه، جـنوب لبـنان، شـرق فلسطین، غرب اردن، بخشی از مصر و جنوب سودان را شامل می‌شود. به علاوه نقشه بزرگتر اسرائیل که می‌تواند مرحله بعد از پیاده شدن طرح اسرائیل بزرگ باشد، کردستان، منطقه جنوب شرقی ایران، جنوب غربی افغانستان، و بخشی از شمال غربی پاکستان را نیز شامل می‌گردد.

۱ - «حسین اردنی»

حسین بن طلال در چهارم نوامبر ۱۹۳۵ میلادی در امان متولد شد. دوران کودکی خود را در کودکستان انگلیسی‌ها در امان گذراند، سپس در مدرسه ویکتوریا در شهر اسکندریه در مصر به تحصیل پرداخت و تحصیلاتش را در مدرسه‌هاروارد انگلستان ادامه داد. در سال ۱۹۵۱ میلادی پدر بزرگش عـبدالله بـه دست یک جوان انقلابی فلسطینی به قتل رسید. نفوذ وی در خاندانش و سیاست انگلستان اقتضا کرد که سلطنت در این خاندان باقی بماند، لذا با کمک انگلستان، طلال پدر حسین به پادشاهی رسـید و نـیز حسین ولیعهد اردن شد. چند ماه پس از به قدرت رسیدن طلال، در ۱۱ اوت ۱۹۵۱ میلادی پـارلمان فرمایشی اردن وی را از حکومت عزل کرد و شاه حسین را به جای وی بر تخت حکومت نشاند، بعد از این انتخاب، شاه حسین رهسپار انگلیس شد و در ۲ می ۱۹۵۱ میلادی به اردن بازگشت و حکومت را در دست گرفت . او در طول حکومتش همواره از حمایت انگلستان برخوردار بود. به دنبال خروج انگلیس از شرق کانال سوئز و جایگزینی تدریجی امریکا در منطقه، وی از حمایت امریکا برخـوردار گـردید. سیاستهای حکومت شاه حسین در منطقه خاورمیانه، همواره دنباله روی از سیاستهای امریکا و انگلیس در منطقه بوده است . در سال ۱۹٦۷ میلادی که جنگ اعراب و اسرائیل آغاز شد، با خیانت شاه حسین صهیونیستها توانستند کرانه غربی رود اردن را اشغال و به خاک اسرائیل ضمیمه کنند. در نتیجه چهارصد

جنایت پیشهٔ دوره گرد، وحسن[۱] و حسنی مبارک[۲] هم آخور با اسرائیل جنایتکارند

هزار فلسطینی آواره و به اردن رانده شدند. در این برهه شاه حسین نه تنها در جهت حقوق حقه مردم فلسطین قدمی برنداشت بلکه با فاجعه سپتامبر ۱۹۷۰ میلادی که به سپتامبر سیاه مشهور شد با کشتار مردم مظلوم و آواره فلسطین در خاک اردن، لکه ننگی برای همیشه در پیشانی حکومت اردن باقی گذاشت.

۱ - شاه حسن مراکشی فرزند سلطان محمد پنجم در سال ۱۹۲۹ میلادی به دنیا آمد، وی تحصیلات خود را در فرانسه گذرانیده است و بعد از درگذشت پدرش به نام سلطان حسن دوم به پادشاهی رسید. بعد از به قدرت رسیدن سلطان حسن دوم، روابط فرانسه با مراکش همان گونه که انتظار می‌رفت، گسترش یافت و مراکش بیش از گذشته مورد تهاجم فرهنگ غرب قرار گرفت و دولت مراکش نیز در بخشهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از حمایت فرانسه برخوردار گردید. گفتنی است که انور سادات رئیس جمهور خائن و معدوم مصر از طریق شاه حسن با صهیونیستها آشنا شد. چراکه وی دارای روابط دیرینه با آنان است و همه ساله کنفرانس یهودیان در مراکش برگزار می‌شود، شاید این تنها کشور عربی است که صهیونیستها تا این اندازه در آن رسماً آزادی عمل دارند تا آنجا که در سال ۱۹۹۱ میلادی شاه حسن یک یهودی بنام «اندره ازولی» را به سمت مشاور عالی خود انتخاب کرد.

۲ - حسنی مبارک در سال ۱۹۲۸ میلادی در استان المنوفیهٔ مصر به دنیا آمده است. در سال ۱۹٤۷ میلادی وارد دانشگاه علوم نظامی شد و دوران آموزش خلبانی را در آنجا گذراند، بعداً برای تکمیل آموزش خود به شوروی رفت. در سال ۱۹۷۲ میلادی وی فرمانده کل نیروی هوایی گردید و در هنگام جنگ اکتبر اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ میلادی، حسنی مبارک فرمانده نیروی هوایی مصر بود. وی یکی از نزدیکان انور سادات، بانی قرارداد ننگین کمپ دیوید بود و در ملاقاتهای مهم وی حضور داشت. درباره زندگی او گفتنی است که وی با یک دختر انگلیسی به نام سوزان ازدواج کرده است و دارای دو فرزند به نامهای علا و جمال می‌باشد. مبارک پس از ترور سادات توسط سرهنگ انقلابی، شهید خالد اسلامبولی در سال ۱۹۸۱ میلادی، زمام امور مصر را به دست گرفت. وی پس از جایگزینی اعلام کرد که تمامی سیاستهای سادات را در زمینه‌های داخلی و خارجی دنبال خواهد کرد و در سال ۱۹۸۲ در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ان. بی. سی امریکا گفت که: «دروازه‌های ما به روی دوستان اعراب باز است اما نه به قیمت از دست رفتن روابطمان با اسرائیل، ما می‌توانیم نقش خوبی را برای رفع هرگونه

و در راه خدمت به امریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملتهای خود رویگردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام عفلقی است که دوست و دشمن او را به جنایتکاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاریِ او به ملت مظلوم عراق و شیخ نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد. و ما و ملتهای مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاههای تبلیغات جهانی، ما و همهٔ مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همهٔ ادعاهایش و همهٔ ساز و برگهای جنگی اش و آنهمه دولتهای سرسپرده اش و به دست داشتن ثروتهای بی پایانِ ملتهای مظلوم عقب افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌ها گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیةالله ـ ارواحنا لمقدمه الفداء ـ آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود! و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شنود! و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری تعالی ـ جلّت عظمته ـ که ملتها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نموده.

این وصیّت‌نامه اختصاص به ملّت ایران ندارد

من اکنون به ملتهای شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده، و لحظه [ای] از شکر این نعمت غفلت نکرده و دستهای ناپاک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزلی در نیت پاک

تشنجی که در هر زمان برای دوستان عرب و اسرائیلی ما به وجود بیاید ایفا کنیم».

و ارادهٔ آهنین آنان رخنه نکند؛ و بدانند که هرچه رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اُشْتُلُم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد. «انه ولی النعم و بیده ملکوت کلِّ شیءٍ». و باکمالِ جد و عجز از ملتهای مسلمان می‌خواهم که از ائمهٔ اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملتها است، چه احکام اولیه و چه ثانویه[1] که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای منحرف نشوند و به وسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی، مقدمهٔ سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است. و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند، که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. و از آن جمله مراسم عزاداری ائمهٔ اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین ـ صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکة الله و صلحا بر روح

---

۱ - «احکام اولیه و ثانویه»

عناوینی که ـ یعنی افعال و ذواتی که ـ بر آن حکم شرعی قرار می‌گیرد، دو حالت دارد:

الف) حالت اول، «عنوان» صرف نظر از هرگونه حالت و وصف برای آن می‌باشد، حکمی که برای آن قرار داده می‌شود «حکم اولی» نام دارد.

ب) حالت دوم «عنوان» در صورتی که برای وی وصف و حالت جدیدی مثل اضطرار، اکراه، حرج، ضرر، فساد و ... حاصل شود که در آن صورت حکم آن «ثانوی» نامیده می‌شود. مثلاً خوردن گوشت مردار به عنوان اولی حرام است ولی اگر شخصی در حالت اضطرار قرار گرفت خوردن آن جایز است.

(اصطلاحات الاصول، تالیف آیت الله علی مشکینی، ص ۱۲٤)

بزرگ حماسی او باد ـ هیچ‌گاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه ـ علیهم السلام ـ برای بزرگداشت این حماسهٔ تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانهٔ ملتها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می‌دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه ـ لعنةالله علیهم ـ با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است. و لازم است در نوحه‌ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمهٔ حق ـ علیهم سلام الله ـ به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی ـ لعنة الله و ملائکته و رسله علیهم ـ است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملّیت مسلمین، بویژه شیعیان ائمهٔ اثنی عشر ـ علیهم صلوات‌الله وسلم ـ [است]. و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی ـ الهی اینجانب اختصاص به ملت عظیم الشأن ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد.

از خداوند ـ عزوجل ـ عاجزانه خواهانم که لحظه‌ای ما و ملت ما را به خود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود به این فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه [ای] دریغ نفرماید. روح الله الموسوی الخمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیونها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید

میلیونها مسلمانان و مستضعفان جهان است، به قدری است که ارزیابی آن از عهدهٔ قلم و بیان والاتر و برتر است. اینجانب، روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همهٔ خطایا مأیوس نیستم و زاد راه پرخطرم همان دلبستگی به کرم کریم مطلق است، به عنوان یک نفر طلبهٔ حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقای دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هرچه بیشتر آن دارم، به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسلهای عزیز آینده مطالبی هر چند تکراری عرض می‌نمایم. و از خداوند بخشاینده می‌خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید.

نقش تأییدات غیبی الهی در پیروزی انقلاب اسلامی

۱ ـ ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنیهای بیحساب قلمداران و زبان مُزدان در مطبوعات و سخنرانیها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضدملی به صورت ملیّت، و آنهمه شعرها و بذله گوییها، و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی تفاوتی در پیشامدهای خائنانه، که به دست شاه فاسد و پدر بی فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه‌های قدرتمندان بر ملت تحمیل می‌شد، و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می‌شد، با به کار گرفتن معلمان واستادان غربزده یا شرقزدهٔ صددرصد مخالف

اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح، با نام «ملّیت» و «ملی گرایی»،[۱] گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند و با اینهمه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغاتْ به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایدهٔ واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاریهای حیرت‌آور و معجزه آسا تمام

۱- «ملی گرایی»
تمایلات ملی به طور مطلق مطرود و نادرست نیست، بلکه آن نوع گرایشات ناسیونالیستی که باعث جدا ساختن نژادها و ملیتها از یکدیگر و ایجاد تفرقه و چند دستگی است مطرود می باشد، بدیهی است که اگر ملیگرایی در حد یک احساس ساده دوستی نسبت به آب و خاک و وطن و ملت خلاصه شود و به صورت یک بت مورد پرستش واقع نشود و همه حقایق الهی فدای آن نگردد، چیز مذمومی نخواهد بود ولی اگر بنا باشد این احساسات جایگزین حقایق و ارزشهای انسانی و اسلامی شده و به عنوان یک ارزش والا مورد توجه و عنایت مفرط قرار گیرد و به صورت یک مکتب و مسلک درآید، جز گمراهی و شرک و فساد به بار نخواهد آورد و اسلام با چنین گرایشاتی بشدت مبارزه می کند. (خدمات متقابل ایران و اسلام). استاد شهید مرتضی مطهری رحمة الله علیه در اینباره می‌نویسد: «ناسیونالیسم آنگاه عقلاً محکوم است که جنبه منفی به خود می گیرد یعنی افراد را تحت عنوان ملیتهای مختلف از یکدیگر جدا می کند، روابط خصمانه ای میان آنها به وجود می آورد و حقوق واقعی دیگران را نادیده می گیرد ...» حضرت امام سلام الله علیه مکرر خطر ملی‌گرایی و گرایشات ناسیونالیستی راگوشزد نموده، آن را عامل تفرقه و جدایی بین ملتها و سدی برای پیشرفت اسلام معرفی کرده‌اند: «... با دست حکومتهای فاسد این نژادپرستیها و گروه پرستیها در بین مسلمین رشد کرده عربها را در مقابل عجمها، عجمها را در مقابل عربها و ترکها، و ترکها را در مقابل دیگران قرار دادند و همه نژادها را در مقابل هم . اینکه من مکرر عرض می کنم این ملیگرایی اساس بدبختی مسلمین است برای این است که این ملیگرایی ملت ایران را در مقابل سایر ملتهای مسلمین قرار می دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا در مقابل کذا، اینها نقشه‌هایی است که مستکبرین کشیدند که مسلمین با هم مجتمع نباشند ...».

قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همهٔ انقلابها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزهٔ انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفهٔ الهی و هدیهٔ غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است.

تحقق همهٔ ابعاد اسلامی، تأمین کنندهٔ سعادت دنیا و آخرت

۲ ـ اسلام و حکومت اسلامی پدیدهٔ الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگریها و چپاولگریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه ریزی شده، و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم ﷺ تا خاتم النبیین ﷺ در راه آن کوشش و فداکاری جانفرسا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضهٔ بزرگ بازنداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمهٔ اسلام ـ علیهم صلوات الله ـ با کوششهای توانفرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن

کوشیده‌اند. و امروز بر ملت ایران، خصوصاً، و بر جمیع مسلمانان، عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند. و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند، و دست ابرقدرتهای عالمخوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند.

اینجانب که نفسهای آخر عمر را می‌کشم به حسب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقای این ودیعهٔ الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آن را تهدید می‌کنند، برای نسل حاضر و نسلهای آینده عرض می‌کنم و توفیق و تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم.

رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی

الف ـ بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزهٔ الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد. اینجانب به همهٔ نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزهٔ الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام توان خود را

صرف شایعه‌ها و دروغهای تفرقه افکن نموده‌اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می‌کنند. بی انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه. و مع‌الأسف در بین آنان از سردمداران و حکومتهای بعض کشورهای اسلامی، که جز به منافع شخص خود فکر نمی‌کنند و چشم و گوش بسته تسلیم امریکا هستند دیده می‌شود؛ و بعض از روحانی نماها نیز به آنان ملحقند. امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه افکن خانه برانداز است. توصیهٔ اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

توطئه مأیوس‌نمودن ملتها از اسلام و عواقب مصیبت‌بار جدایی دین از سیاست

ب ـ از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملتها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است، و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند، و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موذیانه و شیطنت آمیز به گونهٔ طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و

اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سررشته داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیای عظام است! و مع الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعض از روحانیان و متدینان بیخبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابهٔ یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند! و این فاجعهٔ بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.

گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضمندانه خود را به بی اطلاعی می‌زنند. زیرا اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائرانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کجرویها، و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد، و حدود و قصاص و تعزیرات[1] بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه، و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مثابهٔ آن است که گفته

---

۱ - «حدود و تعزیرات»

حدود جمع حد و در لغت به معنی منع، کنارهٔ فاصله بین دو چیز و انتهای هر چیزی است. تعزیرات جمع تعزیر و در لغت به معنای نکوهش کردن و ملامت کردن است. در تعریف اصطلاحی حد و تعزیر، محقق حلی می‌فرماید: کل ماله عقوبة مقدرة یسمّی «حداً» و ما لیس کذلک یسمّی تعزیراً. حد: هرگاه در شرع مقدس برای تخلفی، مجازات معینی قرار داده شده باشد آن را «حد» گویند مثل مجازات دزدی و آدمکشی .... تعزیر: و هرگاه برای تخلفی مجازات معینی مشخص نشده باشد آن را «تعزیر» می‌گویند و تعیین مقدار آن بر عهده قاضی و حاکم شرع است. «شرح لمعه، شهید ثانی، کتاب الحدود و التعزیرات» «شرایع، محقق حلی، کتاب الحدود و التعزیرات»

شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده! و ادعای آنکه اسلام با نوآوردها مخالف است ـ همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می‌گفت که اینان می‌خواهند با چهارپایان در این عصر سفر کنند ـ یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآوردها، اختراعات و ابتکارات و صنعتهای پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند.

و اما طایفهٔ دوم که نقشهٔ موذیانه دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند. باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی ـ سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبتها را به بار آورده. پیغمبر اسلام(ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومتهای جهان لکن با انگیزهٔ بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومتهای وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب ؑ نیز با همان انگیزه، به طور وسیعتر و گسترده تر از واضحات تاریخ است. و پس از آن بتدریج حکومت به اسم اسلام بوده؛ و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم ﷺ بسیارند. اینجانب در این وصیتنامه با اشاره می‌گذرم، ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه شناسان و تاریخ نویسان،

مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند. و آنچه گفته شده و می‌شود که انبیا ـ علیهم السلام ـ به معنویات کار دارند و حکومت و سررشته داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملتهای اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومتهای شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده اند؛ جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت طلبی و طاغوت گرایی است و بالأخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامهٔ عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامهٔ آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هوشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند. و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست شیاطین توطئه گر را قطع نمایند.

شایعه‌سازی برای بدبین کردن مردم

ج ـ و از همین قماش توطئه‌ها و شاید موذیانه تر، شایعه‌های وسیع در سطح کشور، و در شهرستانها بیشتر، بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شعف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانهٔ طاغوت رهایی یابند، گرفتار یک رژیم بدتر شدند! مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف تر شدند! زندانها پر از جوانان که امید آتیهٔ کشور است می‌باشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانیتر است! هر روز عده ای را اعدام می‌کنند به

اسم اسلام! و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند! این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است! مردم در رنج و زحمت و گرانی سرسام آور غوطه می‌خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند! اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده! و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجرا می‌شود. و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هرچند روز یک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سر زبانها می‌افتد؛ در تاکسیها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود؛ و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می‌شود. و مع‌الأسف بعض روحانیون که از حیله‌های شیطانی بیخبرند با تماس یکی ـ دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است. و اساس مسأله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می‌شنوند و باور می‌کنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاریهای عظیم اجتناب‌ناپذیر آن ندارند ـ چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه به سود اسلام است ندارند ـ و چشم بسته و بیخبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند.

اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعهٔ وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملتهایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است، و قبل از توجه به گرفتاریهای این کشور طاغوتزده از ناحیهٔ رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپاولگریهایشان برای این دولت به ارث گذاشته اند، از وابستگیهای عظیم خانمانسوز، تا اوضاع وزارتخانه‌ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیاشی و مغازه‌های مسکرات فروشی و ایجاد بی بندوباری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستانها و دانشگاهها و اوضاع سینماها و عشرتکده‌ها و

وضعیّت جوانها و زنها و وضعیت روحانیون و متدیّنین و آزادیخواهان متعهّد و بانوان عفیف ستمدیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پروندهٔ اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی به زندانها و کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه داران و زمینخواران بزرگ و محتکران و گرانفروشان و رسیدگی به دادگستریها و دادگاههای انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای دولت و استاندارها و سایر مأمورین که در این زمان آمده‌اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همهٔ مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان میلیونی و خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان در جنگ و آوارگان میلیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه‌های پی در پی امریکا و وابستگان خارج و داخلش (اضافه کنید فقدان مبلّغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع) و هرج و مرجهایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان نادان در دست اجرا است و دهها مسائل دیگر، تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل، به اشکالتراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید؛ و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه‌پا و ولیده‌ای است محفوف به دشمنهای خارج و داخل، رحم کنید. و شما اشکالتراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکوشید؛ و به جای طرفداری از منافقان و ستمگران و سرمایه داران و محتکران بی‌انصاف از خدا بیخبر، طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید؛ و به جای گروههای آشوبگر و تروریستهای مفسد و طرفداری غیرمستقیم از آنان، توجهی به ترورشدگان از روحانیون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشید؟

اینجانب هیچ گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همهٔ ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند؛ لکن عرض می‌کنم که قوهٔ مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جانفرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت دهها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند؛ و اگر این اقلیت اشکالتراش و کارشکن به کمک بشتابند، تحقق این آمال آسانتر و سریعتر خواهد بود. و اگر خدای نخواسته اینان به خود نیایند، چون تودهٔ میلیونی بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است، آمال انسانی ـ اسلامی به خواست خداوند متعال جامهٔ عمل به طور چشمگیر خواهد پوشید و کجروان و اشکالتراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند.

من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و تودهٔ میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی ـ صلوات الله و سلامه علیهما ـ می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول‌الله ﷺ مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سورهٔ «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعدهٔ عذاب داده است.[1]

---

۱ - «یا ایها الذین آمنوا مالکم اذا قیل لکم انفروا فی سبیل الله اثاقلتم الی الارض أرضیتم بالحیوة الدنیا من الآخرة فما متاع الحیوة الدنیا فی الآخرة الاّ قلیل».

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا هنگامی که به شما گفته می‌شود به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید بر زمین سنگینی می‌کنید «و سستی به خرج می‌دهید» آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده اید! با اینکه متاع زندگی دنیا در برابر آخرت چیز کمی بیش نیست. «الا تنفروا یعذبکم عذاباً الیماً و یستبدل قوماً غیرکم و لا تضروه شیئاً والله علی کل شیء قدیر». اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، «خداوند» شما را مجازات دردناکی می‌کند وگروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می‌دهد، و هیچ

و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند.[۱] و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سرباز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهداء ﷺ آن شد که شد. و آنان که در شهادت دستْ آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاریها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند. و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکهای ارزنده می‌کنند. و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما روبه رو می‌شوند. و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم ﷺ هستند، و نه در محضر امام معصوم ـ صلوات الله علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندانی تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم.

زیانی به او نمی‌رسانید، و خداوند بر هر چیزی توانا است. (سوره توبه، آیه ۳۸ و ۳۹)

۱- قال امیرالمؤمنین علی ﷺ : و لقد کذب علی رسول الله ﷺ علی عهده حتی قام خطیباً فقال : «من کذب علیَّ متعمداً فلیتبوأ مقعده من النار». و به تحقیق در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن حضرت دروغها بستند تا اینکه به خطبه خواندن ایستاد و فرمود: «هر که از روی عمد و دانسته به من دروغ بندد، در آتش جهنم قرار خواهد گرفت». (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۰۱)

وصیّت به مخالفین جمهوری اسلامی

و اینجانب در اینجا یک وصیت به اشخاصی که به انگیزهٔ مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند و به جوانان، چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم، که بیطرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان وَ رفتارشان با توده‌های محروم و گروهها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروهها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضعهایشان در پیشامدهای مختلف را، با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند، و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان؛ نوارهای این شهیدان تا حدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد، ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.

برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی‌خوانید. ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی با قلبهای جوان شما بازی کنم. من برای آنکه شما جوانان شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید تا سعادت هر دو جهان را دریابید. و از خداوند غفور می‌خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشتهٔ ما و شما با رحمت واسعهٔ خود بگذرد. شماها نیز در خلوتها از خداوند همین را بخواهید، که او هادی و رحمان است.

لزوم پاسداری ملت از نعمت عظیم انقلاب و امانت بزرگ خداوندی

و یک وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملتهای مبتلا به حکومتهای فاسد و دربند قدرتهای بزرگ می‌کنم؛ اما به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندتان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که ﴿ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم﴾.[1] و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید. و به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومتهای طاغوتی را که چپاولگرانی بی فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید، البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است.

توصیه به ملتهای اسلامی برای مبارزه با حکومتهای ستمگر

و اما به ملتهای اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومتهای جائر خود را در صورتی که به خواست

---

۱ – «ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» شما اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را «همه جا» یاری کند و «در جنگها فاتح سازد و بر حوادث» ثابت قدم گرداند. (سوره محمد، آیه ۷)

ملتها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت بـه جـای خـود بنشانید، که مایهٔ بدبختی مسلمانان، حکومتهای وابستهٔ به شرق و غرب مـی‌باشند. و اکیداً توصیه می‌کنم که به بوقهای تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرا ندهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تأمین شود.

افشای توطئه به انزوا کشیدن دین و روحانیت

د ـ از نقشه‌های شیطانی قدرتهای بزرگ اسـتعمار و اسـتثمارگر کـه سـالهای طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روشهای مختلف دنباله گیری شد، به انزوا کشاندن روحانیت است؛ که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمات و اعدام و امثال آن، و در زمان محمدرضا با نقشه و روشهای دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در ایـن زمـینه شد؛ و مع‌الأسـف بـه واسـطهٔ بـیخبری هـر دو قشـر از تـوطئهٔ شـیطانی ابـرقدرتها نـتیجهٔ چشمگیری گرفته شد. از یک طرف، از دبستانها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاهها از بین غربزدگان یـا شـرقزدگان و مـنحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقـلیت قـرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً، و اسلام بخصوص، و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیـون و مبلغان، متنفر باشند. و اینان را عمال انگلیس در آن زمان، و طرفدار سرمایه داران و زمینخواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می‌نمودند. و از طرف دیگر، با تبلیغات سوء، روحانیـون و مبلغان و

متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بند و باری و مخالف با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند. نتیجه آنکه دولتمردانْ مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند؛ و توده‌های مردم که علاقه به دین و روحانی دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است باشند، و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود، چنانچه دیدید به سر این ملت مظلوم چه آمد، و می‌رفت که چه آید.

لزوم طرد افراد نفاق افکن میان حوزه و دانشگاه

اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت ـ از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها ـ بند اسارت را پاره و سد قدرت ابرقدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند، توصیهٔ اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکمتر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود در صدد است بذر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت نمایند؛ و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می‌توان گرفت. و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و کلاس خود طرد کنند. و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است. و توطئه‌ها در دانشگاهها از عمق ویژه ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه‌ها باشند.

نقشه برای ایجاد خودباختگی و تحقیر کشورهای استعمار زده

هـ‌ـ از جمله نقشه‌ها که مع الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عـزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غربزده و شرقزده نمودن آنان است بـه طـوریکه خـود را و فـرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قـصهٔ ایـن امـر غـم انگـیز، طـولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است. و غم‌انگیزتر اینکه آنان ملتهای ستمدیدهٔ زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند و به قدری ما را از پیشرفتهای خـود و قـدرتهای شـیطانی شـان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خـود را تسـلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشـتیم، نـویسندگان و گـویندگان غـرب و شرق‌زدهٔ بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بـومی مـا را سرکوب و مأیوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجـنبی را هـر چـند مـبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی آنها را بـه خورد ملتها داده و می‌دهند. فی المثل، اگر در کتاب یا نوشته یـا گـفتاری چـند واژهٔ فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته، و گوینده و نویسندهٔ آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند. و از گهواره تا قبر به هرچه بنگریم اگر بـا واژهٔ غربی و شرقی اسم گذاری شود مـرغوب و مـورد تـوجه و از مـظاهر تـمدن و

پیشرفتگی محسوب، و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپسزده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر؛ و اگر نام خودی دارند سر به زیر و عقب افتاده اند. خیابانها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، شرکتها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها، و دیگر متاعها، هرچند در داخل تهیه‌شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی مآبی از سر تا پا و در تمام نشست و برخاستها و در معاشرتها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه پرستی و عقب افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطبای دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخاری پر ارزش ورفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه پرستی و عقب‌ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانهٔ‌های روشنفکری و تمدن، و در مقابل، تعهد به این امور نشانه عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی است. اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم؛ معلوم است ما را در طول تاریخِ نه چندان دور خصوصاً، و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً، و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدنها و یا ناچیز دیدنها، ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقهٔ جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازیهای کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر، که خود داستانهای غم‌انگیز دارد، و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها، و دهها از این مصائب حساب شده، برای عقب نگهداشتن کشورهاست. من وصیت دلسوزانه و خادمانه

می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دامها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی‌رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه‌ها و امثال آن‌باشند و همه دستها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان اینها را به راه اندازند، در اثر محاصرهٔ اقتصادی و جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمتهای ارزانتر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم.

بیداری در برابر نقشه‌های سیاست بازان برای وابستگی کشور

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین المللی نکشند؛ و با ارادهٔ مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگیها قیام کنید. و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودیِ خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسانهای شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختیها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطهٔ اجانب. و بر دولتها و دست‌اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند. و از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم

که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرتها و بی‌بند وباریها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی وطن به شما عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده، و به اصطلاح آنان «نیمه وحشی» نگه دارند.

لزوم هوشیاری برای حفظ مراکز تعلیم و تربیت از انحراف

و ـ از توطئه‌های بزرگ آنان، چنانچه اشاره شد و کراراً تذکر داده‌ام، به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشهٔ آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است؛ یا با سرکوبی و خشونت و هتاکی که در زمان رضاخان عمل شد ولی نتیجهٔ معکوس گرفته شد؛ یا با تبلیغات و تهمتها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیلکرده و به اصطلاح روشنفکر که این هم در زمان رضاخان عمل می‌شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود؛ و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون خشونت ولی موذیانه. و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارتزدگی و غربزدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه

است برای عقب نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی زحمت و بی خرج و در جوامع ملی بی سر و صدا، هر چه هست به جیب آنان می‌ریزد.

پس اکنون که دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است، بر همهٔ ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود؛ و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم. و این امر حیاتی باید در مرحلهٔ اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است. و اینجانب به همهٔ نوجوانان و جوانان در مرحله اول، و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم، و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحلهٔ بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می‌دارد، با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپرید. و به همهٔ نسلهای مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرقزدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی ـ اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.

لزوم توجه و دقت ملت و روحانیون در انتخاب نمایندگان مجلس

ز ـ از مهمات امور، تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیرصالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد؛ و چه مصیبتها و خسارتهای جانفرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکرمآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال یک

اکثریت قلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هرچه انگلستان و شوروی و اخیراً امریکا خواستند، با دست همین‌منحرفانِ از خدا بیخبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه، هیچ گاه تقریباً بـه مـواد مـهم قانون اساسی عمل نشد ـ قبل از رضاخان بـا تـصدی غـربزدگان و مشـتی خـان و زمینخواران؛ و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن. اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم الشأن سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان، بدون دخـالت دولت و خانهای ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند، و امید است که با تعهد آنان بـه اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود. وصیت اینجانب به مـلت در حال و آتیه آن است که با ارادهٔ مصمم خود و تعهد خود به احکـام اسـلام و مـصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی کـه غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم ـ به سوی غرب یا شرق ـ و بدون گرایش به مکتبهای انحرافی و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی، به مجلس بـفرستند. و بـه جـامعهٔ مـحترم روحانیت خصوصاً مراجـع مـعظم، وصیت مـی‌کنم کـه خـود را از مسـائل جـامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس، کـنار نکشـند و بـی تـفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سـیاست بـازان پـیرو شـرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنـجها بـنیان گـذاشـتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خـود انگـاشتند و صـحنه را بـه دست غـربزدگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبرانش احتیاج به زمان طولانی دارد.

جلوگیری از نفوذ وابستگان به قدرتهای خارجی

اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همهٔ طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هرکس به مقدار توانش و حیطهٔ نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرقزدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خودِملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشانند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدمِ نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگه‌دار باشد.

لزوم رد اعتبار نامه عناصر منحرف به وسیلهٔ نمایندگان مجلس

و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواسته عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامهٔ آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد. و به اقلیتهای مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته به قدرتهای جهانخوار و بدون گرایش به مکتبهای الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند. و از همهٔ نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار، و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواسته از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام

آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آیید. و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده، که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظهٔ ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

وصیّت به ملت برای انتخاب افراد از روی موازین شرعی و قانونی

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال مسئول می‌باشند.

عدم دخالت در سرنوشت کشور و اسلام، در رأس گناهان کبیره

از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقهٔ بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آتیه؛ و چه بسا که در بعض مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است. پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، و الّا کار از دست همه خارج خواهد شد. و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده ایم. چه هیچ علاجی بالاتر و والاتر از آن نیست که

ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقهٔ تحصیلکردهٔ متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتهار به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه داران و زمینخواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند. و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید؛ و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود. و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود؛ که اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطهٔ تعیین شایسته ترین و متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی، وظیفهٔ سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد، که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن، که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند.

وصیّت به رهبران و مسئولان آینده

و وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده، آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند؛ و گمان ننمایند که رهبری فی نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام والایی، بلکه وظیفهٔ سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواسته با هوای نفس باشد، ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد.

از خداوند منّان هادی با تضرع و ابتهال می‌خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیفتر برای رؤسای جمهور حال و آینده و دولتها و دست اندرکاران، به حسب درجات در مسئولیتها نیز هست که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد.

اهمیّت مسأله قضاوت و تعیین مسئولان قضایی

ح ـ از مهمات امور مسألهٔ قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالیترین مقام قضایی که در عهده دارند، کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه دار و صاحبنظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند. و از شورایعالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع أسفناک و غم انگیزی درآمده بود با جدیت سر و سامان دهند؛ و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه

نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند، و با پشتکار و جدیت بتدریج دادگستری را متحول نمایند؛ و قضات دارای شرایطی که، ان‌شاء‌الله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزهٔ مبارکهٔ علمیهٔ قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند، به جای قضاتی که شرایط مقررهٔ اسلامی را ندارند نصب گردند، که ان شاءالله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند. و به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می‌کنم که با درنظر گرفتن احادیثی که از معصومین ـ صلوات الله علیهم ـ در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه دربارهٔ قضاوت به غیر حق وارد شده است، این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود. و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز نزنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند؛ و بدانند که همان طور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است. و می‌دانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است.

وصیّت به حوزه‌های علمیّه برای جلوگیری از نفوذ افراد منحرف

ط ـ وصیت اینجانب به حوزه‌های مقدسهٔ علمیه آن است که کراراً عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند، و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و

علاقه مند نمودن آنان را به خویش و ضربهٔ مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف از ملیگراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسانترند ذخیره دارند که گاهی سی ـ چهل سال با مشی اسلامی و مقدس‌مآبی یا «پان ایرانیسم» و وطن پرستی و حیله‌های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملتها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل «مجاهد خلق» و «فدایی خلق»(۱)

---

۱ - «سازمان چریکهای فدایی خلق»

سازمان کمونیستی چریکهای فدایی خلق در سال ۱۳٤۹ هـ ش. توسط جوانانی که از سیاستهای حزب توده وابسته به شوروی ناراضی بودند تشکیل گردید و سلسله جبال البرز بخصوص جنگل سیاهکل را به عنوان مرکز عملیاتی انتخاب و دست به تحریک روستاییان منطقه علیه رژیم زدند که با تلاش رژیم شاه این سازمان در اوایل سال ۱۳٥٤ و ماههای اردیبهشت و خرداد ۱۳٥٥ شکست سختی را متحمل شد و از هم پاشید. پس از این شکست جز چند ترور ودرگیری با نیروهای پلیس فعالیتی از آنان دیده نشد. با آغاز انقلاب اسلامی، و ایجاد فضای مناسب، سازمان دست به تجدید تشکیلات زد و از اوایل سال ۱۳٥۷ مبارزاتش را برعلیه ارتش و نیروهای انقلابی افزایش داد. که در مقایسه با امواج توفنده و خروشان مردم که در سایه رهنمودهای پیشوا و منجی خویش، حضرت امام خمینی، پایه‌های ستم را به لرزه درآورده بودند، به حساب نمی‌آمدند. با پیروزی انقلاب اسلامی، این سازمان با وجود نداشتن پایگاه مردمی، بر اصول و مرام وارداتی خود پای می‌فشرد لذا همگام با استکبار جهانی به ضدیت با انقلاب اسلامی پرداخت و دست به ترور افرادی عادی و نیروهای مذهبی زد، با کشف پایگاهها و خانه‌های تیمی آنان، سازمان به دو شاخه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. که «اکثریت» هماهنگ با مواضع حزب توده، اصل را بر مذاکره سیاسی به جهت کسب وجهه قرار دادند و «اقلیت» بر مبارزه مسلحانه پای فشرده و کردستان را جهت تداوم عملیات انتخاب کردند. سرانجام با تلاش پیشمرگان مسلمان کرد و نیروهای مدافع انقلاب، آنان منطقه را ترک و به خارج از کشور گریختند.

و «توده‌ای»ها[1] و دیگر عناوین دیده‌اند، و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازمتر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیهٔ آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه دار است با تأیید مراجع وقت. و شاید تز «نظم در بی نظمی» است از القائات شوم همین نقشه ریزان و توطئه گران باشد. در هر صورت

۱ - «حزب توده»

حزب توده در سال ۱۳۲۰ هـ. ش. بر بقایای حزب عدالت که در سال ۱۲۹۹ هـ. ش. پس از ورود ارتش سرخ به رشت ایجاد شده بود، تشکیل گردید. به دنبال سیاستی که قوام‌السلطنه برای تخلیه ایران در پیش گرفته بود سه وزیر کمونیست وارد کابینه او شدند. با خروج قوای روس و شکست فرقه دموکرات آذربایجان وانشعابی که در داخل حزب در سال ۱۳۲۶ هـ. ش. روی داد عده ای از اعضا، تز استقلال حزب از شوروی را مطرح ساختند. در بهمن سال ۱۳۲۷ بدنبال سوءقصد به جان شاه، که ضارب توده ای شناخته شد، حکومت نظامی اعلام واعضای حزب دستگیر و حزب غیرقانونی و منحل گردید. درسال ۱۳۲۸ هـ ش. حزب با اعلام مارکسیسم لنینیسم به عنوان مرام حزبی، رویه خود راکاملاً آشکار ساخت. با آغاز جنبش ملی شدن صنعت نفت حزب توده با دو جناح کیانوری ـ قاسمی شکل گرفت که بعدها با سکوت در قبال کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و فعالیتهای پشت پرده نقش مهمی در سقوط مصدق داشت. در مرداد ماه ۱۳۳۳ با دستگیری افسران شبکه نظامی و سایر شبکه‌های حزب توسط رژیم شاه، عده زیادی، از سوابق حزبی خود ابراز انزجار کردند و به همکاری با رژیم شاه و سازمان امنیت آن دست یازیدند. در دهمین کنگره حزب در اوایل دهه پنجاه، حزب به تعریف و تمجید از رژیم و رویگردانی از مبارزه پرداخت. در سالهای ۵۰ تا ۵۶ هـ. ش. که روحانیت با شیوه‌های نوینی مبارزه را آغاز کرده بود، حزب به تجدید سازمان پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حزب پلنوم شانزدهم خود را در تهران برگزار و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی اعلام کرد. هدف حزب پس از انقلاب اسلامی این بود که بتدریج جای پایی در بین نیروهای انقلابی باز کرده و در ارکان اقتصادی و فرهنگی کشور نفوذ نمایند. سرانجام با دستگیری رهبران و کادرهای اصلی حزب توده، سیل اعترافات و تنفرنامه‌ها آغاز شد و با اعترافات طولانی و گسترده افرادی چون کیانوری و طبری به جاسوسی و تلاش جهت نابودی نظام، ماهیت این حزب بر همگان آشکار و به عمر سراسر خیانت ۴۲ ساله حزب توده در ایران پایان داده شد.

وصیت اینجانب آن است که در همهٔ اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوّت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه ها لازم و ضروری است؛ که علما و مدرسین و افاضل عظیم الشأن صرف وقت نموده و با برنامهٔ دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزهٔ علمیهٔ قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند.

اهمیّت تحقیقات و ابتکارات در فقه و اصول و حفظ فقه سنتی

و لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقاهت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقهٔ مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند، و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیقها افزوده شود؛ و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد. و البته در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود. و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی [است]، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله ـ رزقنا الله و ایاکم ـ که جهاد اکبر می‌باشد.

اصلاح و تصفیه قوه مجریه و مراقبت از آن

ی ـ از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوهٔ اجراییه است. گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آن را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید، لکن به دست مجریان غیر صالح که افتاد آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا باکاغذبازیها یا پیچ و خمها که به

آن عادت کرده‌اند یا عمداً برای نگران نمودن مردم عمل کنند، که بتدریج و مسامحه غائله ایجاد می‌کند. وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواسته گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همهٔ شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم پیشگان پستها را اشغال می‌نمایند. بنابر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی ـ انسانی احتراز نمایید.

و در همین انگیزه به وزرای کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکمفرما باشد.

مسئولیّت ویژه وزیر خارجه در اصلاح و تحول وزارتخانه

و باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه‌ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند؛ مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارند. اینجانب از ابتدای پیروزی به وزرای خارجه راجع به طاغوتزدگی سفارتخانه‌ها و تحول آنها به سفارتخانه‌های مناسب با جمهوری اسلامی توصیه‌هایی نمودم، لکن بعض آنان یا نخواستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند. و اکنون که سه سال از پیروزی می‌گذرد

اگرچه وزیر خارجه کنونی اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد. و وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبهٔ وابستگی با همهٔ ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید. و باید بدانید که وابستگی در بعض امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده ای داشته باشد یا منفعت و فایده ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید. و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست.

توصیه ملتهای مسلمان به قیام برای اجرای احکام اسلام

و وصیت من به ملتهای کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق می‌بخشد قیام کنید. و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولتها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملتها را دعوت به وحدت کنند؛ و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. و اگر این برادری ایمانی با همت دولتها و ملتها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل

می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود.

وظیفهٔ وزارت خانه‌های ارشاد و امور خارجه برای تبلیغ اسلام

و وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همهٔ اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائهٔ چهرهٔ حقیقی جمهوری اسلامی‌کوشش کنند. ما اکنون، در این زمان که دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم، مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم. چه دروغها و تهمتها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرتها به این جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمی‌زنند. مع الأسف اکثر دولتهای منطقهٔ اسلامی که به حکم اسلام باید دست اخوت به ما دهند، به عداوت با ما و اسلام برخاسته‌اند و همه در خدمت جهانخواران از هر طرف به ما هجوم آورده اند. و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد. و با کمال تأسف، نویسندگان به اصطلاح روشنفکر که به سوی یکی از دو قطب گرایش دارند، به جای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند، خودخواهیها و فرصت طلبیها و انحصارجوییها به آنان مجال نمی‌دهد که لحظه ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند، و مقایسهٔ بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانهٔ ارزنده را توأم با بعض آنچه را که از دست داده اند، که رفاه و عیشزدگی است، با آنچه از رژیم ستمشاهی دریافت می‌کردند توأم با وابستگی و نوکرمآبی و ثناجویی و مداحی از جرثومه‌های فساد و معادن ظلم و فحشا بسنجند؛ و از تهمتها و نارواها به این جمهوری تازه تولد یافته دست بکشند و با ملت و دولت در صف واحد بر ضد طاغوتیان و ستم پیشگان

زبانها و قلمها را به کار بگیرند. و مسئلهٔ تبلیغ تنها به عهدهٔ وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفهٔ همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهرهٔ نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همهٔ ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمیهای دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گرانبها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری‌اند!

اهمیّت فوق العاده مراکز تعلیم و تربیّت در سرنوشت کشور

ک ـ از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مسئلهٔ مراکز تعلیم و تربیت از کودکستانها تا دانشگاهها است که به واسطهٔ اهمیت فوق‌العاده‌اش تکرار نموده و با اشاره می‌گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربهٔ مهلک زده است قسمت عمده اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم‌غارتزده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنجدیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن

اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوهٔ قضاییه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه می‌گرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود. و اگر شخصیتهای پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند، از دانشگاهها به مراکز قوای سه گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود. و دانشگاهها اگر اسلامی ـ انسانی ـ ملی بود، می‌توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه تحویل دهد؛ لکن چه غم‌انگیز و أسفبار است که دانشگاهها و دبیرستانها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غربزدگان و شرقزدگان با برنامه و نقشهٔ دیکته شده در دانشگاهها کرسی داشتند؛ و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرتها بزرگ شده و به کرسیهای قانونگذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند، و بر وفق دستور آنان، یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می‌کردند. اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده. و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همهٔ اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود.

و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

لزوم توجه خاص به نیروهای مسلح و نیروهای مردمی

ل ـ قوای مسلح، از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر ویژگی خاص دارند. اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالأخره نگهداران امنیت و آرامش بخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند. و لازم است توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره برداری برای قدرتهای بزرگ و سیاستهای مخرب، بیشتر از هر چیز و هر گروهی است، قوای مسلح است. قوای مسلح است که با بازیهای سیاسی، کودتاها و تغییر حکومتها و رژیمها به دست آنان واقع می‌شود؛ و سودجویان دغل بعض سران آنان را می‌خرند و با دست آنان و توطئه‌های فرماندهان بازی خوردهٔ کشورها را به دست می‌گیرند، و ملتهای مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب می‌کنند. و اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند، هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی‌آید و یا اگر احیاناً پیش آید، به دست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند. و در ایران نیز که این معجزهٔ عصر به دست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و میهن دوست سهم بسزایی داشتند. و امروز که جنگ لعنتی و تحمیلی صدام تکریتی به امر و کمک امریکا و سایر قدرتها پس از نزدیک به دو سال با شکست سیاسی و نظامی ارتش متجاوز بعث و پشتیبانان قدرتمند و وابستگان به آنان روبه رو است، باز قوای مسلح

نظامی و انتظامی و سپاهی و مردمی با پشتیبانی بیدریغ ملت در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها این افتخار بزرگ را آفریدند و ایران را سرافراز نمودند؛ و نیز شرارتها و توطئه‌های داخلی را که به دست عروسکهای وابسته به غرب و شرق برای براندازی جمهوری اسلامی بسیج شده بودند با دست توانای جوانان کمیته‌ها و پاسداران بسیج و شهربانی و باکمک ملت غیرتمند درهم شکسته شد. و همین جوانان فداکار عزیزند که شبها بیدارند تا خانواده‌ها با آرامش استراحت کنند. خدایشان یار و مددکار باد. پس وصیت برادرانهٔ من در این قدمهای آخرین عمر بر قوای مسلح به طور عموم، آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاءالله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید، بیدار باشید و هوشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه ای غربزده و شرقزده و دستهای مرموز جنایتکاران پشت پرده نبهٔ تیز سلاح خیانت و جنایتکارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است؛ و می‌خواهند از شما عزیزان که با جانفشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند؛ و شما را با اسم اسلام و خدمت به میهن و ملت از اسلام و ملت جدا کرده به دامن یکی از دو قطب جهانخوار بیندازند؛ و بر زحمات و فداکاریهای شما با حیله‌های سیاسی و ظاهرهای به صورت اسلامی و ملی خط بطلان بکشند.

لزوم پرهیز قوای مسلح از ورود به احزاب و بازیهای سیاسی

وصیت أکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروهها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند؛ و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگه دارند. در این صورت می‌توانند

قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند. و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در احزاب منع نمایند. و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است، دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح، چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد، برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند ـ که بی‌اشکال به تباهی کشیده می‌شوند ـ و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند. و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد.

وفاداری نیروهای مسلح به اسلام، ضامن حفظ استقلال کشور

و من به همهٔ نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی، وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادیخواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می‌کند، چنانچه امروز وفادارید در وفاداری استقامت کنید که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگیها و پیوستگیها به قدرتهایی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم‌پذیری نگه می‌دارند نجات می‌دهد. و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید؛ و بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد. و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از ساختن هرچیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس می‌نمودند، افکار خود را

به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند. و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود و از دریوزگی از دشمن نجات یابد.

لزوم پرهیز از اعزام دانشجو به کشورهای استعمارگر

و هم در اینجا باید بیفزایم که احتیاج ما پس از اینهمه عقب ماندگی مصنوعی به صنعتهای بزرگ کشورهای خارجی حقیقتی است انکارناپذیر. و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته به یکی از دو قطب وابسته شویم. دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهایی که صنایع بزرگ پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند؛ و از فرستادن به امریکا و شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احترازکنند، مگر ان شاءالله روزی برسد که این دو قدرت به اشتباه خود پی برند و در مسیر انسانیت و انساندوستی و احترام به حقوق دیگران واقع شوند؛ یا ان شاءالله مستضعفان جهان و ملتهای بیدار و مسلمانان متعهد، آنان را به جای خود نشانند. به امید چنین روزی.

نقش رسانه‌ها و مطبوعات در تخریب فرهنگ و انحطاط کشور

م ـ رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملتها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر بویژه نیمهٔ دوم آن، چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار، و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق، کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در

ساختمانها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانمهای مرفه یا نیمه مرفه بود، و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به‌کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن، و برای همردیفان نیز مشکل می‌نمود! فیلمهای تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقهٔ جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بیخبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پر ارزشی که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان، به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است. مجله‌ها با مقاله‌ها و عکسهای افتضاح بار و أسف انگیز، و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی با افتخار، مردم بویژه طبقهٔ جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه‌های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازیها و مشروبات الکلی بویژه آنچه از غرب وارد می‌شد. و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسکها و اسباب بازیها و کالاهای تجملی وارد می‌شد؛ و صدها چیزهایی که امثال من از آنها بی اطلاع هستیم. و اگر خدای نخواسته عمر رژیم سرسپرده و خانمان برانداز پهلوی ادامه پیدا می‌کرد، چیزی نمی‌گذشت که جوانان برومند ما ـ این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنها است ـ با انواع دسیسه‌ها و نقشه‌های شیطانی به دست رژیم فاسد و رسانه‌های گروهی و روشنفکران غرب و شرقگرا از دست ملت و دامن اسلام رخت برمی‌بستند یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه می‌کردند؛ و یا به خدمت قدرتهای جهانخوار درآمده و

کشور را به تباهی می‌کشاندند. خداوند متعال به ما و آنان منت گذاشت و همه را از شر مفسدین و غارتگران نجات داد.

جلوگیری از انحراف مطبوعات و رسانه‌ها، وظیفه همگانی

اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان، آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند. و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است. و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است. و بر همه ما و همهٔ مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است . و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند. و مردم و جوانان حزب‌اللّهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشد.

نصیحت به گروههای مخالف جمهوری اسلامی

ن ـ نصیحت و وصیت من به گروهها و گروهکها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربهٔ طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید به شماها که خود را عالم و عاقل می‌دانید باید آموخته باشند که مسیر یک ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به

ترور و انفجار و بمب و دروغ پردازیهای بی سر و پا و غیرحساب شده منحرف کرد، و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمی‌توان با این شیوه‌های غیرانسانی و غیرمنطقی ساقط نمود، بویژه ملتی مثل ایران راکه از بچه‌های خردسالش تا پیرزنها و پیرمردهای بزرگسالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جانفشانی و فداکاری می‌کنند. شماها که می‌دانید «و اگر ندانید بسیار ساده لوحانه فکر می‌کنید» که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است. و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانهٔ شما و جنایاتی که با تحریک شما رخ داد آنان را از شما جداکرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید.

من وصیت خیرخواهانه در این آخر عمر به شما می‌کنم که اولاً با این ملت طاغوتزدهٔ رنج کشیده که پس از ۲۵۰۰ سال ستمشاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستیز برخاسته اید. چطور وجدان یک انسان هر چه پلید باشد، راضی می‌شود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ آنها رحم نکند؟ من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بیفایده و غیرعاقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید. و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدید به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم‌الراحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان شاءالله می‌گذرند. و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید. و اگر شهامت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید؛ و الّا در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است. و بعد، به هواداران داخلی و خارجی آنان وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را

برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهانخوار خدمت می‌کنند و از نقشه‌های آنها پیروی می‌کنند و ندانسته به دام آنها افتاده‌اند به هدر می‌دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می‌کنید؟ شما بازی خوردگان دست آنها هستید. و اگر در ایران هستید به عیان مشاهده می‌کنید که توده‌های میلیونی به جمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند؛ و به عیان می‌بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند؛ و آنان که به دروغ ادعای «خلقی» بودن و «مجاهد» و «فدایی» برای خلق می‌کنند، با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در داخل به خانه‌های مجلل تیمی با زندگی اشرافی، نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می‌دهند و شما جوانان را به کام مرگ می‌فرستند.

نصیحت مشفقانهٔ من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمایید تا کشور و ملت از شرّ مخالفین نجات پیدا کند، و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید. تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟ شما در این سالهای پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف‌دل است. و می‌دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه ای ندارد. من تکلیف خود را که

هدایت است ادا کردم. و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می‌رسد و شائبهٔ قدرت طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید. خداوند منان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را به شما بنماید.

وصیّت به چپگرایان

وصیت من به چپگرایان، مثل کمونیستها و چریکهای فدایی خلق و دیگر گروهها [ی] متمایل به چپ، آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتبها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتبها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند، با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شده که دل خود را به چند «ایسم» که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده اید؟ و شما را چه انگیزه ای وادار کرده که می‌خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید؛ و با ملت خود به اسم «توده دوستی» به جنگ برخاسته یا به توطئه‌هایی برای نفع اجنبی به ضد کشور خود و توده‌های ستمدیده دست زدید؟ شما می‌بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت طلب و انحصارطلبترین حکومتهای جهان بوده و هستند. چه ملتهایی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده‌ها خُرد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیرمسلمانان، تاکنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا می‌زنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناقهای دیکتاتورهای جهان به سر می‌برند. استالین،[1] که یکی از چهره‌های به اصطلاح «درخشان» حزب

۱- «استالین»

ژوزف و سیاریونوویچ جوگاشویلی، معروف به استالین، ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ در گرجستان به دنیا آمد. از سن پانزده سالگی با مکتب مارکسیسم آشنا شد و از آن به بعد وارد فعالیتهای سیاسی شد و بارها به خاطر

بود،ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم. اکنون که شما فریب‌خوردگان در عشق آن رژیم جان می‌دهید، مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان می‌سپارند، و آنگاه شماکه مدعی طرفداری از خلق هستید،بر این خلق محروم در هرجاکه دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل[1]که آنان را به غلط طرفدار پر و پا قرص خود معرفی می‌کردید

این فعالیتها دستگیر و زندانی شد. در سال ۱۹۰۷ میلادی در کنفرانس سوسیال دموکراتهای روسیه در لندن، لنین به او لقب استالین «پولاد به زبان روسی» داد. سرقت ۳٤۱۰۰۰ روبل از بانک تفلیس در ۲٦ ژوئن ۱۹۰٦که بزرگترین سرقت تاریخ تا آن وقت بود، او را قهرمان مشهوری در بین کمونیستها ساخت. در سال ۱۹۱۲ میلادی حزب بلشویک رسماً تشکیل شد و استالین به پیشنهاد لنین به عضویت در کمیته مرکزی آن درآمد و بعداً روزنامه «زوزدا» و سپس «پراودا» را منتشر ساخت . به دنبال پیروزی انقلاب اکتبر به سمت رئیس سازمان بازرسی حزب از سوی لنین انتخاب شد و در سال ۱۹۲۲ میلادی به دبیر کلی حزب رسید و تشکیلات آن را قبضه کرد. لنین در ۲۱ ژانویه ۱۹۲٤ درگذشت و وصیتنامه او که حاوی اظهار عدم رضایت وی از استالین بود، به همراه مقالات تند وی علیه استالین، توسط بیوه لنین در اختیار «کامنف» قرار گرفت و او نیز دراختیار دفتر سیاسی حزب قرار دارد که این امر خشم استالین را برانگیخته و مقدمه ای برای تصفیه‌های خونین بعدی وی گردید. در دسامبر ۱۹۲۷ در کنگره پانزدهم حزب با سخنرانی هفت ساعته استالین آهنگ تسریع در پیشرفت کمونیسم تصویب شد که اشتراکی کردن کشاورزی از پیامدهای آن بود که منجر به قتل ده میلیون کولاک یاکشاورزان مرفه دوران استولیپین «از نخست وزیران مقتدر دوران تزاری» گردید. بعداً استالین تصفیه‌های خونینی را تا سال ۱۹۳۹ میلادی به راه انداخت که تنها در سال ۱۹۳۵ میلادی ۵۳٦۵۰۰ نفر کشته شدند. با وقوع جنگ دوم جهانی و اشغال لهستان، لیتوانی، لتونی و استونی استالین شوروی را به سوی یک قدرت جهانی پیش برد. بالأخره این دیکتاتور بزرگ تاریخ در روز پنجم مارس ۱۹۵۳ به صورت مشکوکی درگذشت و حکومت سی ساله خفقان، ترور و کشتار وی پایان یافت.

۱ - «حادثه آمل» حادثه آمل به دنبال اعلام مبارزه مسلحانه مخالفین نظام نوپای اسلامی در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳٦۰، به وقوع پیوست . اتحادیه کمونیستهای ایران که متشکل از مارکسیست لنینیستهای چپ

و عدهٔ بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید، چه جنایتها که نکردید. و شما «طرفدار خلق محروم» می‌خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را به دست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش «فدایی خلق» و طرفدار محرومین در حال اجرا هستید، منتها «حزب توده» و رفقای آن با توطئه و زیر ماسک طرفداری از جمهوری اسلامی، و دیگر گروهها با اسلحه و ترور و انفجار. من به شما احزاب و گروهها، چه آنان که به چپگرایی معروف ـ گرچه بعضی شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست امریکایی[1] ـ هستند و چه آنان که از

بودند با ارزیابی موقعیتهای جغرافیایی، جنگلهای آمل را مناسب برای عملیات چریکی تشخیص دادند و در آنجا استقرار یافتند. تصور واهی اتحادیه بر این بود که به خاطر وضعیت اجتماعی منطقه آمل و بافت دهقانی جمعیت اطراف آن، در صورت حمله به شهر، مقاومت پراکنده نیروهای انقلاب بسرعت سرکوب می‌شود و در مرحله دوم پس از قطع خطوط ارتباطی و تقویت نیروهای مخالف داخل شهر، دیگر مناطق مازندران به تصرف نیروهای اتحادیه درآمده و پس از آن آحاد مردم در یک زنجیره‌متشکل در سراسر ایران بپا می‌خیزند و رژیم جمهوری اسلامی را ساقط می‌کنند. حمله آنها شب ششم بهمن آغاز شد. آنها به دو گروه تقسیم شدند. گروه اول وارد شهر شده و به گشت زنی پرداختند و هر کس را به اصطلاح حزب‌اللهی و پاسدار تشخیص می‌دادند ترور می‌کردند. آنها سپس به کمیته انقلاب اسلامی شهر حمله بردند. مردم آمل که با صدای تیراندازی به خیابانها آمده و متوجه وقایع شده بودند، آماده مقابله گردیدند. صبح روز ششم بهمن حماسه مردم آغاز شد و مردم آمل با سنگربندی در شهر و مقابله با نیروهای اتحادیه آرایش آنها را برهم زدند. در نتیجه نیروهای اتحادیه که ایمان و مقاومت مردمی را در برنامه خود لحاظ نکرده بودند به گروههای کوچکتری تقسیم شدند ولی بر اثر شدت مقابله مردمی، ارتباط آنها از هم قطع و بالأخره تا غروب همان روز تارومار شدند. در این واقعه ۳٤ نفر از کمونیستها کشته و چند تن زخمی و سی نفر دستگیر شدند و از مردم شریف آمل نیز چهل نفر به شهادت رسیدند.

۱ - «کمونیست امریکایی» اصطلاح کمونیست امریکایی، در رابطه با عملکرد بعضی از احزاب چپ در کشورهای جهان و خصوصاً کشورهای اسلامی است. این احزاب در حالی که در ظاهر اعتقاد به اصول و مبانی کمونیسم دارند ولی در موضعگیریها و عملکردهای خویش در راستای سیاستهای غرب قرار

غرب ارتزاق می‌کنند و الهام می‌گیرند و چه آنها که با اسم «خودمختاری» و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدمتهای فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می‌شوند، مثل حزب «دموکرات»[1] و «کومله»[2] وصیت

دارند. مانند بسیاری از احزاب کمونیستی ایران، نظیر پیکار، کومله، دموکرات که همسو با سیاستهای سازمان سیا در براندازی جمهوری اسلامی ایران تلاش کردند و از کمکهای مالی استکبار برخوردار بودند و در یک بررسی عمیق‌تر می‌توان گفت به طور کلی رودررویی کمونیستها با نهضت اسلامخواهی در ممالک اسلامی بویژه ایران، قطع نظر از شعارها، نوع روابط و وابستگی احزاب کمونیستی به کشورهای عضو بلوک کمونیسم در گذشته، همواره در راستای منافع و هماهنگ با سیاستهای خصمانه غرب و امریکا علیه انقلاب اسلامی قرار داشته است.

۱ - «حزب دموکرات کردستان» این حزب در سال ۱۳۲۲ هـ. ش. با حمایت و تشویق شوروی سابق توسط قاضی محمد تشکیل شد. در بهمن ۱۳۲٤ قاضی محمد به عنوان دبیر کل حزب در راستای سیاستهای شوروی و تجزیه ایران در مهاباد تشکیل حکومت داد اما به دنبال توافق دولتین ایران و شوروی سابق، قاضی محمد به همراه برادرش سیف قاضی و حدود چهل تا پنجاه نفر از اعضای حزب اعدام شدند. در سال ۱۳۳۸ فعالیتهایی در جهت احیای حزب انجام شد که با شکست مواجه گردید. با گذشت زمان و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این حزب دوباره شروع به فعالیت نمود. رهبران جدید با استفاده از سابقه حزب و بهره برداری از ضعف دولت موقت و برخی خیانتها موفق شدند با تصرف تعدادی از پادگانهای نظامی و غارت سلاحها موقعیت خود را در قسمتهایی از کردستان تحکیم بخشند. از نظر ایدئولوژی، حزب دموکرات علی رغم تکیه بر مارکسیسم، اصالتی برای مبارزه طبقاتی قائل نیست و از همین رو فئودالها و خانهای محلی در داخل حزب و کادر رهبری آن از موقعیت ویژه ای برخوردار می‌باشند. پس از انقلاب اسلامی، رهبری حزب با عبدالرحمن قاسملو بود. وی در سال ۱۳۳۸ با تعهد سپردن به ساواک شاه از ایران خارج و به مدت پانزده سال در کشورهای شوروی، عراق و اروپای شرقی و فرانسه اقامت گزید و در فرانسه در مدرسه «السنهٔ شرقیه‌ای» که یکی از وظایفش تربیت و پرورش جاسوس برای کشورهای مشرق زمین است، مشغول به فعالیت می‌شود در مدت اقامت در شوروی در بخش فارسی رادیو مسکو به سخن پراکنی مشغول، و در عراق نیز شغل مهم دولتی داشته است. خاندان

وی از فئودالهای معروف منطقه می‌باشند. قاسملو در روز دوشنبه ۱۳٦۸/٤/۲۲ شمسی در وین پایتخت اتریش به قتل رسید. استراتژی حزب دموکرات، تحت پوشش خودمختاری، انتزاع خاک کردستان از پیکره جمهوری اسلامی‌ایران است. این حزب همانند دیگر احزاب منطقه با انشعابات پی درپی که در درون ساختار آن ایجاد شده است دریک سردرگمی‌و بلاتکلیفی به سر برده و حیات آن به میزان زیادی به حیات حزب بعث و حامیان غربی آن بستگی دارد. بر اساس اسنادی که از لانه جاسوسی امریکا در ایران به دست آمده و منتشر نشده است، دولت امریکا در وارد آوردن فشار بر نظام نوپای اسلامی بیشترین استفاده را از حزب دموکرات کردستان برده است و همواره ایجاد اغتشاش در این منطقه و حمایت کامل از حزب دموکرات و دیگر گروهکهای محارب در کردستان، در برنامه سازمان سیا قرار داشته است.

۲- «حزب کومله» بنا به ادعای این حزب، سال تأسیس آن ۱۳٤۸ هـ. ش. می‌باشد اما نداشتن هیچ‌گونه فعالیتی تا سال ۱۳۵۷ هـ ش. و عدم وجود مدارک کافی این ادعا را مشکوک جلوه می‌دهد. در سال ۱۳۵۷ به دنبال کشته شدن فردی به نام محمد حسین کریمی که حزب، او را از خود می‌دانسته، اعلام موجودیت کرد و بدنبال آن در پی کسب وجهه و مانورهای مردم پسندانه با شعارهای دفاع از دهقان در مقابل فئودالهای منطقه «کرمنو» از توابع سقز برآمد. با توجه به سوابق و روحیه و فرهنگ خاص حاکم بر منطقه، شعارهای عوام فریبانه آنان تا حد زیادی مؤثر واقع شد و جو ضد دولتی در منطقه به وجود آورد و به موازات آن با سلاحهایی که از پادگانهای منطقه غارت کرده و نیز کمکهایی که از سوی رژیم بعث به آنها می‌شد وارد جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی شدند. از نظر ایدئولوژی این حزب از نقطه نظرات مائو الهام گرفته است. به دنبال گسترش تحرک نظامی جمهوری اسلامی، تشکیلات گروهک مزبور از هم پاشیده و بقایای آنها به شهر بوکان پناه بردند. حزب کومله با توجه به وابستگی‌اش به استکبار جهانی و کمکهای رژیم بعث به آن، هم صدا با بوقهای تبلیغاتی جهان بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی موضع گرفت و ایران را آغازگر جنگ اعلام کرد. در طول دوران جنگ اعضای کومله مانند دیگر احزاب کمونیستی و منافقین، به عنوان ستون پنجم دشمن عمل کرده و برای دولت عراق مزدوری می‌کردند. در زمینه اخلاقی، این حزب با طرح نظریه‌هایی چون «عشق آزاد» و ... درصدد موجه جلوه دادن مفاسد اخلاقی درون حزب برآمد. به هر تقدیر تحولات جاری در منطقه کردستان و تحکیم قدرت دولت مرکزی در منطقه موجب گشت که حزب کومله در انزوا و اضمحلال کامل

می‌کنم که به ملت بپیوندند. و تاکنون تجربه کرده‌اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده‌اند و نمی‌توانند بکنند، پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریک مساعی نموده و از یاغی گری و خدمت به بیگانگان و خیانت به میهن خود دست بردارند و به ساختن کشور بپردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می‌دهد.

وصیت من به گروههای مسلمان متمایل به غرب و شرق

و وصیت من به گروههای مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احیاناً به شرق تمایل نشان می‌دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد گاهی طرفداری می‌کردند و به مخالفانِ بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می‌کردند و طعن می‌زدند، آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهامت اسلامی به خطای خود اعتراف، و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شرّ مستکبران نجات دهید؛ و کلام مرحوم مدرس[1] آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپرید که

قرار گیرد. مردم ایران این حزب را در کنار منافقین به عنوان یکی از منفورترین احزاب خائن به ملت و انقلاب اسلامی می‌شناسند.

۱ - «شهید مدرس» شهید سید حسن مدرس، در روستای «سرابه کچو» از توابع اردستان اصفهان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات در اصفهان عازم عتبات عالیات شد و در نزد اساتید بزرگی چون آخوند خراسانی و میرزای شیرازی به ادامه تحصیل پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. مخالفت با ستمگریهای ظل السلطان «فرزند بزرگ ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان» او را در امور سیاسی آبدیده کرد. در مجلس دوم به عنوان یکی از پنج نفر علمای طراز اول از سوی مراجع تقلید انتخاب شد و با حاج آقا نورالله نجفی «یکی از پنج نفر علمای طراز اول» به تهران آمد. در جریان قیام محمدعلی‌میرزا به همراه سایر مشروطه

در مجلس افسردهٔ آن روز گفت: اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم. من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحهٔ روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم. و این سیره و طریقهٔ انبیای عظام و ائمهٔ مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم؛ و باید به خود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگیها زندگی کنند می‌توانند؛ و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایدهٔ آنان را تحمیل کنند. از افغانستان عبرت باید گرفت با آنکه دولت غاصب و احزاب چپی با شوروی بوده و هستند، تاکنون نتوانسته‌اند توده‌های مردم را سرکوب نمایند. علاوه بر این اکنون ملتهای

خواهان به مقاومت برخاست و در نتیجه این قیام با شکست رو به رو شد و به دنبال آن مصادره اموال شورشیان پیش آمد که با اولتیماتوم ۱۹۱۱ میلادی روسیه مواجه گردید. این اولتیماتوم با مخالفت شهید خیابانی و شهید مدرس رد شد. در قضیه مهاجرت که به دنبال اشغال بخشهایی از خاک ایران در جنگ جهانی اول به وقوع پیوست، وی تصدی دو وزارتخانه دولت آزاد در تبعید را به عهده داشت «۱۳۳۵ هـ ق.» قرارداد ۱۹۱۹ میلادی که به دنبال پیروزی بلشویکها در روسیه و سعی انگلیس در روی کار آوردن دولتی مقتدر و وابسته در ایران، بین وثوق الدوله و کاکس منعقد شده بود با مخالفت شدید مدرس لغو گردید. در جریان کودتای ۱۲۹۹ هـ ش. رضاخان، بشدت با آن به مخالفت برخاست و این مخالفتها با رضاخان تا هنگام تبعید وی در ۱٦ مهرماه ۱۳۰۷ ادامه یافت و سپس، پس از ده سال در شهر کاشمر در عصر روز ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱٦ هـ ش. با زبان روزه او را مسموم و به دستور رضاخان او را به شهادت می‌رسانند. آنچه که از مدرس در خلال حیات سیاسی‌اش به یادگار باقی مانده روحیه مقاومت و سازش ناپذیری او در مقابل قدرتهای شیطانی و یک عمر مجاهده در دفاع از اسلام و میهن اسلامی است. حضرت امام به کرّات از شهید مدرس یاد می‌کرده‌اند و او را الگوی مبارزان و مجاهدان و مصداق بارز روحانیت انقلابی می‌دانست.

محروم جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداریها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطهٔ ستمگران مستکبر نجات خواهند داد. و شما مسلمانان پایبند به ارزشهای اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد؛ و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خودکفایی پیشروی می‌کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می‌دادند، امروز به طور چشم گیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و ان‌شاءالله تعالی در دراز مدت انجام خواهد گرفت. و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانهٔ کثیف محمدرضا تحقق نیافت؛ و اگر شده بود، ایران غارتزده غیر از این ایران بود.

وصیّت به نویسندگان و روشنفکران

و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکالتراشان و صاحب عقدگان آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار برید، و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرتها سوق دهید، با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید و انگیزهٔ باطنی خود را که بسیار می‌شود خود انسانها از آن بی‌خبرند بررسی کنید، ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید و به اختلاف‌انگیزی و توطئه‌های خائنانه دامن می‌زنید و راه را

برای مستکبران و ستمگران باز می‌کنید. آیا بهتر نیست که با فکر و قلم و بیان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمایی برای حفظ میهن خود نمایید؟ آیا سزاوار نیست که به این ملت مظلوم محروم کمک کنید و با یاری خود حکومت اسلامی‌را استقرار دهید؟ آیا این مجلس و رئیس جمهور و دولت و قوهٔ قضایی را از آنچه در زمان رژیم سابق بود بدتر می‌دانید؟ آیا از یاد برده‌اید ستمهایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم بی‌پناه روا می‌داشت؟ آیا نمی‌دانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای امریکا بود و با آن عمل یک مستعمره می‌کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضهٔ آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخائر آن چه می‌کردند؟ آیا اشاعهٔ فحشا در سراسر کشور و مراکز فساد، از عشرتکده‌ها و قمارخانه‌ها و میخانه‌ها و مغازه‌های مشروب فروشی و سینماها و دیگر مراکز که هر یک برای تباه کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود، از خاطرتان محو شده ؟ آیا رسانه‌های گروهی و مجلات سراسر فسادانگیز و روزنامه‌های آن رژیم را به دست فراموشی سپرده‌اید؟ و اکنون که از آن بازارهای فساد اثری نیست، برای آنکه در چند دادگاه، یا چند جوان که شاید اکثر از گروههای منحرف نفوذکرده و برای بدنام نمودن اسلام و جمهوری اسلامی کارهای انحرافی انجام می‌دهند، و کشتن عده ای که مفسد فی الارض هستند و قیام بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی می‌کنند شما را به فریاد درآورده، و با کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می‌کنند و بر ضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان که أسفناکتر از قیام مسلحانه است، نموده‌اند پیوند می‌کنید و دست برادری می‌دهید؛ و آنان را که خداوند مهدورالدم فرموده نور چشم می‌خوانید، و در کنار بازیگرانی که فاجعهٔ چهارده اسفند[1] را برپا کردند و جوانان

۱ـ «فاجعه ۱۴ اسفند» فاجعه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹ تلاشی بود که از سوی عناصر وابسته و سازشکار

بیگناه را با ضرب و شتم کوبیدند نشسته و تماشاگر معرکه می‌شوید، یک عمل اسلامی و اخلاقی است! و عمل دولت و قوهٔ قضاییه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای اعمال خویش می‌رسانند، شما را به فریاد درآورده و داد مظلومیت می‌زنید؟ من برای شما برادران که از سوابقتان تا حدی مطلع و علاقه مند به بعضی از شما هستم متأسف هستم، نه برای آنان که اشراری بودند در لباس خیرخواهی و گرگهایی در پوشش چوپان و بازیگرانی بودند که همه را به باد بازی و مسخره گرفته و در صدد تباه کردن کشور و ملت و خدمتگزاری به یکی از دو قطب چپاولگر بودند ـ آنان که با دست پلید خود جوانان و مردان ارزشمند و علمای مربی جامعه را شهید نمودند و به کودکان مظلوم مسلمانان رحم نکردند، خود را در جامعه رسوا و در پیشگاه خداوند قهار مخذول نمودند و راه بازگشت ندارند که شیطان نفس اماره بر آنان حکومت می‌کند. لکن شما برادران مؤمن با دولت و مجلس که کوشش

برای بازگرداندن مسیر انقلاب به سوی یک رژیم مورد پسند غرب صورت گرفت. در این روز بنی صدر رئیس جمهور اسبق و مخلوع با اعلام برگزاری مراسم بزرگداشت سالگرد درگذشت دکتر مصدق در دانشگاه تهران که از سوی گروهها و جمعیتهای معارض حمایت می‌شد با سخنرانی تحریک آمیز خود، سعی در اغوای مردم و انزوای نیروهای انقلابی داشت. این مراسم که از ساعت ۱۵:۴۰ دقیقه آغاز گشته بود منجر به درگیری بین شرکت کنندگان در مراسم و مخالفین آنها گردید. در جریان درگیری بنی صدر با سخنان تحریک آمیز، هیجان جمعیت را بیشتر می‌کرد و گارد مخصوص او به همراه میلیشیای منافقین خلق شروع به ضرب و جرح مخالفین نمودند. در این حادثه تعداد زیادی از مردم که در دانشگاه و بیرون دانشگاه به حمایت از آرمانهای انقلاب اسلامی شعار می‌دادند، به دستور بنی صدر مورد تهاجم قرار گرفته و تعداد زیادی زخمی شدند. حادثه ۱۴ اسفند نقطه عطفی بود که صف بندی نیروهای انقلابی به رهبری امام خمینی با خطوط انحرافی را عمیقتر و آشکارتر کرد و همین حادثه و اعمال بعدی بنی صدر، موجبات جدایی کامل او را از ملت و نهایتاً پناه بردن علنی او به منافقین و سقوط و فرار وی را فراهم ساخت.

دارد خدمت به محرومین و مظلومین و برادران سر و پا برهنه و از همهٔ مواهب زندگی محروم نماید چرا کمک نمی‌کنید و شکایت دارید؟ آیا مقدار خدمت دولت و بنیادهای جمهوری را با این گرفتاریها و نابسامانیها که لازمهٔ هر انقلاب است، و جنگ تحمیلی با آنهمه خسارت و میلیونها آوارهٔ خارجی و داخلی و کارشکنیهای بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نموده‌اید؟ آیا نمی‌دانید که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریباً به شهرها آن هم به محلات مرفه؛ و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهرهٔ ناچیز داشته یا نداشتند؛ و دولت فعلی و بنیادهای اسلامی برای این طایفهٔ محروم با جان و دل خدمت می‌کنند؟ شما مؤمنان هم پشتیبان دولت باشید تا کارها زود انجام گیرد و در محضر پروردگار که خواه ناخواه خواهید رفت با نشان خدمتگزاری به بندگان او بروید.*

اسلام، مخالف سرمایه‌داری ظالمانه و کمونیسم

س ـ یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه باسرمایه داری ظالمانه و بیحساب و محروم کنندهٔ توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند ـ گرچه بعض کج فهمان بی‌اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و ازمسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده‌اند (و باز هم دست برنداشته‌اند) که اسلام طرفدار بی مرز و حد سرمایه داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده‌چهرهٔ نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند، و آن را

---

* . چنانکه در نسخه خطی مشهود است امام خمینی در این قسمت مرقوم فرموده‌اند: «این مقدار بریده شده را خودم انجام داده‌ام».

رژیمی چون رژیم سرمایه داری غرب مثل رژیم امریکا و انگلستان و دیگر چپاولگران غرب به حساب آورند، و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندانه و یا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام‌شناسان واقعی با اسلام به معارضه برخاسته‌اند و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم[1] لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در بر داشته. بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود چرخهای اقتصاد سالم به راه

۱- «مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم» به دنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و استقرار نظام کمونیستی در آن کشور، پهنه عظیمی از جهان، از بالتیک تا آدریاتیک در حصار آهنین اندیشه مارکسیستی گرفتار آمد. مظاهر این تفکر در خشونت، قتل و انهدام اندیشه‌های مخالف در شدیدترین وضع ممکن بود. پس از مرگ لنین در سال ۱۹۲٤ میلادی و روی کار آمدن استالین، جهان شاهد آغاز وحشتناکترین کشتارها در تاریخ معاصر بود. استالین پس از نابود کردن رقبای سیاسی خود همچون تروتسکی، زنیویف، کامنف، و تثبیت قدرت خودش اقدام به پیاده نمودن برنامه پنج ساله اقتصادی خود جهت توسعه شوروی نمود. از سیاستهای اصولی این برنامه، لغو مالکیتهای فردی و اشتراکی کردن سیستم کشاورزی بود. در راستای این سیاست، اقدام به درهم شکستن مقاومتها به صورت وحشتناکترین شیوه‌های ضد بشری نمود. در ماجرای کولاکها و تبعید آنها به سیبری تنها ده میلیون نفر کشته شدند. در سال ۱۹۳۵ تحت نظر «یژوف» ۵۳٦۵۰۰ نفر به قتل رسیدند. استالین به نوعی بیماری به نام پارانو دچار بود که علائم آن جنون عظمت طلبی است . سیاست قتل و سرکوب در دوران زمامداران بعدی نیز ادامه یافت . در زمان برژنف حادثه بهار پراگ و تجاوز به چکسلواکی با کشتارهای وسیع همراه بود. بسیاری از جنایات هفتاد سال سلطه کمونیستها در این بخش از جهان، در دوران روی کار آمدن گورباچف برملا گردید. سرانجام لهیب آتش ظلم از زیر خاکستر سردرآورد و زبانه‌های سرکش آن کاخ ظلم را بر سر سرنشینان و اهل ظَلَمهٔ آن یکسره ویران ساخت. «سقوط شوروی و تجزیه آن».

می‌افتد و عدالت اجتماعی، که لازمهٔ یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد. در اینجا نیز یک دسته باکج فهمیها و بی اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دستهٔ اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعضی آیات یا جملات نهج البلاغه، اسلام را موافق با مکتبهای انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج البلاغه ننموده و سرخود، به فهم قاصر خود، بپاخاسته و «مذهب اشتراکی» را تعقیب می‌کنند و از کفر و دیکتاتوری و اختناق کوبنده که ارزشهای انسانی را نادیده گرفته و یک حزب اقلیت با توده‌های انسانی مثل حیوانات عمل می‌کنند، حمایت می‌کنند.

لزوم محترم شمردن مالکیّت و سرمایه‌های مشروع

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده؛ و تحت تأثیر تبلیغات بی محتوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید، و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید، و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند. و به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می‌کنم که ثروتهای عادلانهٔ خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است.

وصیّت به کوشش برای رفاه طبقات محروم

و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکندار به طور

داوطلب برای زاغه و چپرنشینان مسکن و رفاه تهیه کنند. و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و از انصاف به دور است که یکی بی خانمان و یکی دارای آپارتمانها باشد.

توصیه به روحانیون و روحانی نماهای مخالف با جمهوری اسلامی

ع ـ وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و با مخالفان توطئه گر و بازیگران سیاسی کمک، و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پولهای گزافی که از سرمایه داران بیخبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمکهای کلان می‌نمایند، آن است که شماها طَرْفی از این غلط کاریها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید ـ و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید ـ تا درِ توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم هم صدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت به دست آمده حمایت کنید، که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید. و اما به آن دسته که از روی بعض اشتباهات یا بعض خطاها، چه عمدی و چه غیرعمدی، که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق. و باز توجه نمایند که در انقلابهای دنیا هرج و مرجها و غلطرویها و فرصت‌طلبیها غیرقابل اجتناب است و شما اگر توجه نمایید و

گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید ـ از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حملهٔ مسلحانهٔ خارج مرز و داخل، و نفوذ غیر قابل اجتناب گروههایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی، و تازه کار بودن اکثر یا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانی که از استفاده‌های کلان غیرمشروع بازمانده یا استفادهٔ آنان کم شده، و کمبود چشمگیر قضات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمرشکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی، و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر، که تا انسان واردگود نباشد از آنها بیخبر است ـ و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمایه دار هنگفت که با رباخواری و سودجویی و با اخراج ارز و گرانفروشی به حد سرسام آور و قاچاق و احتکار، مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار قرار داده و جامعه را به فساد می‌کشند، نزد شما آقایان به شکایت و فریبکاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن به عنوان «سهم» مبلغی می‌دهند و اشک تمساح می‌ریزند و شما را عصبانی کرده به مخالفت برمی‌انگیزانند، که بسیاری از آنان با استفاده‌های نامشروع، خون مردم را می‌مکند و اقتصاد کشور را به شکست می‌کشند.

اینجانب نصیحت متواضعانهٔ برادرانه می‌کنم که آقایان محترم تحت تأثیر اینگونه شایعه سازیها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند. و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیة الله ـ روحی فداه ـ یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد و محرومان جهان، که به اسلام و حکومت اسلامی رو [ی] آورده و دل باخته اند، مأیوس می‌شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد؛ و شماها روزی از کردار خود پشیمان

می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد. و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همهٔ امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه ای روی نداده است و نخواهد داد. و آن روزی که ان شاءالله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یکروزه عالم اصلاح شود؛ بلکه باکوششها و فداکاریها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند. و اگر نظر شماها مثل نظر بعض عامیهای منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فراگیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فإنّا لله و انّا الیه راجعون.

ای مستضعفان جهان به پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید

ف ـ وصیت من به همهٔ مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همهٔ کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دوَل حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملتهای خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همهٔ مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته اند؛ و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هرچه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیله‌های

مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست‌کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملتها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند. و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپردهٔ آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریهای آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

وصیت به ملت شریف ایران برای حفظ دستاوردهای انقلاب

ص ـ یک مرتبهٔ دیگر در خاتمهٔ این وصیتنامه، به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان حجم تحمل زحمتها و رنجها و فداکاریها و جان نثاریها و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و عُلوّ رتبهٔ آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپا خاستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایدهٔ توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی ﷺ به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده؛ و کوشش تمام

انبیای عظام ـ علیهم سلام الله ـ و اولیای معظم ـ سلام الله علیهم ـ برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی نهایت جز با آن میسر نگردد. آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده، و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می‌شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سرّ و عَلَن حاصل نشود. شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می‌روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است، بیابید آن را یا نیابید، شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیا ـ علیهم سلام الله ـ و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همهٔ اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می‌کشند و مرگ سرخ را «احلی من العسل»[1] می‌دانند؛ و جوانان شما در جبهه‌ها جرعه ای از آن را نوشیده و به وجد آمده‌اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید بحق بگوییم یا لیتنا کنّا معکم فنفوز فوزاً عظیماً.[2] گوارا باد بر آنان آن نسیم دل آرا و آن جلوهٔ شورانگیز. و باید بدانیم که طَرْفی از این جلوه در کشتزارهای سوزان و در کارخانه‌های توانفرسا و در کارگاهها و در مراکز صنعت و اختراع و ابداع، و در ملت به طور اکثریت در بازارها و

---

۱ - «احلی من العسل» شیرینتر از عسل. این تعبیر در روایات در وصف آب نهر کوثر و برخی دیگر از نعمتهای بهشتی به کار رفته (بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۸ از پیامبر گرامی ﷺ و ص ۱۸۳ و ۱۸۹). و همچنین این تعبیری است که قاسم بن حسن علیه‌السلام در شب عاشورا در جواب عموی خویش، حسین بن علی علیه‌السلام فرموده است ... قاسم‌بن‌حسن علیه‌السلام به امام علیه‌السلام گفت: آیا من هم در کشته شدگانم؟ دل حسین علیه‌السلام بر او بسوخت و گفت: ای پسرک من! مرگ نزد تو چگونه است؟ گفت: ای عم! از انگبین شیرینتر. گفت: آری به خدا سوگند ـ عم تو فدای تو باد ـ تو یکی از آن مردانی که با من کشته شوند بعد از آنکه شما را بلای عظیم برسد. «ترجمه نفس المهموم حاج شیخ عباس قمی، به قلم حاج میرزا ابوالحسن شعرانی»

۲ - «ای کاش ما با شما بودیم و به رستگاری بزرگ نایل می‌گردیدیم». این اقتباسی است از فراز آخر زیارت امام حسین علیه‌السلام.

خیابانها و روستاها و همهٔ کسانی که متصدی این امور برای اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و خودکفایی کشور به خدمتی اشتغال دارند جلوه گر است. و تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر ان شاءالله تعالی مصون است. و بحمدالله تعالی حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفخهٔ الهی غیبی برخوردارند؛ و این مراکز دربست در اختیار آنان است، و به امید خدا دست تبهکاران و منحرفان از آنها کوتاه.

پیش به سوی خودشناسی، خودکفایی و استقلال همه جانبه

و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همهٔ ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید.

و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می‌بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسلاً بعد نسل بر آن افزوده گردد. با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد. و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهیها و قصور و تقصیرها بپذیرند. و با قدرت و تصمیم اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در سدّ آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمتگزاران بالا و والاتر در خدمتند، والله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین و رحمة الله و برکاته ۲۶ بهمن ۱۳۶۱

۱ جمادی الاولی ۱۴۰۳ روح الله الموسوی الخمینی

تعیین مسئوول قرائت وصیتنامه

بسمه تعالی

این وصیتنامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخواند. و در صورت عذر، رئیس محترم جمهور یا رئیس محترم شورای اسلامی‌یا رئیس محترم دیوان عالی کشور، این زحمت را بپذیرند. و در صورت عذر، یکی از فقهای محترم نگهبان این زحمت را قبول نماید.

روح الله الموسوی الخمینی

توضیحات امام خمینی«ﷺ» در پایان وصیتنامه

بسمه تعالی

در زیر این وصیتنامهٔ ۲۹ صفحه ای و مقدمه، چند مطلب را تذکر می‌دهم:

۱) ـ اکنون که من حاضرم، بعض نسبتهای بی واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست، مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی‌چیزی گفته باشم.

۲) اشخاصی در حال حیات من ادعا نموده‌اند که اعلامیه‌های اینجانب را می‌نوشته‌اند. این مطلب را شدیداً تکذیب می‌کنم. تاکنون هیچ اعلامیه ای را غیر شخص خودم تهیه کسی نکرده است.

۳) از قرار مذکور، بعضیها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیلهٔ آنان بوده، این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم، زیرا در کشورهای اسلامی‌احتمال راه ندادن بود؛ آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

۴) من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطهٔ سالوسی و اسلام نمایی بعضی

افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام، که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند، و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود. و میزان در هر کس حال فعلی او است.

روح الله الموسوی الخمینی[۱]

---

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۱ تا ٤٦٧.

«فهرست مطالب»

فصل پانزدهم: روز جهانی قدس ۱۰۷

د ـ دفاع مقدس ۳۶۱

ز ـ منشور سازندگی ۵۲۲

فصل هفدهم: نامه‌های اخلاقی و عرفانی امام خمینی ۵۲۹

فصل هجدهم: نامه‌های عاطفی ۶۳۱

فصل نوزدهم: نامه‌های خانوادگی ۶۶۹